ایران شناسی 251

ایران شناسی بدون دروغ 251، نتیجه 59، نقشه برداری از شهرهای ایران در دوران قاجار، 5 - 30 نظر

نویسنده: محمد صدیق حسنی

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 23:20

بسم الله الرحمن الرحيم
سلام جناب پور پيرا
ظاهرا برداشت درستي از كامنت قبليم نداشته ايد منظور من از بيان ان مطالب اين نبود كه اقوام گذشته را به قوم كورد نسبت دهم و ظاهراً جناب سعيد عزيز نيز دچار همين سوء برداشت شده اند انچه من گفتم نتيجه تحقيقات من در خصوص جملات و كلمات لاتين مي باشد كه به كوردي نوشته شده است و براي پاسخ به من لازم است برداشت سطحي نشود و انگونه كه عرض كردم مورد برسي قرار گيرد و همانگونه كه گفتم من هيچ علاقه اي به نژاد پرستي ندارم كه بخواهم تاريخي را به قوم خود نسبت دهم ، در ضمن مطالب من در واقع تصديق كننده مطالب شما بود زيرا هر قومي بعد از مدت زماني زبانش تغيير مي كند و ثابت نمي ماند پس جاي تعجب است كه اين زبان ثابت مانده است و خود مدركي بر دروغهاي تاريخي مي باشد .
اما در مورد حافظ و سعدي من كتابهاي قديمي انان را در گذشته ديده ام و زبان ان كتابها با فارسي امروز بسيار متفاوت است .

آقای محمد صدیق حسنی. به جای نسخه های قدیم و قلابی حافظ و سعدی، شیراز قدیم را پیدا کنید. یادداشت 137 را بخوانید. احتمالا به کلی از مرحله پرتید.

وب سایت

نویسنده: ad

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 23:29

سلام /
به خدا با دیدن این نقشه ها انگار که از خواب اصحاب کهف بیدار شده و از غار در میاییم - عکسها محشر بودند
-کاش با نقشه فعلی تطبیق میدادید تا تکلیف آثار باستانی بکلی روشن شود
-جمله آخرتان هم تقدیم تهرانیهای اصیل شده که تبارشان به که میرسد و چند سال قدمت دارد ؟!

- آیا قزوین اسم شهر بوده یا اسم منطقه که تهران ،دروازه قزوین داره ولی نقشه شهر قزوین را نداریم ؟

آقای ad. نام گذاری بر دروازه های تهران در اصل نقشه نیست، بل اضافاتی است که شارحین کتاب با انطباق کنونی بر آن افزوده اند.

نویسنده: مسعود

پنجشنبه 15 بهمن1388 ساعت: 0:6

سلام استاد عزیز و خداقوت .

این "راسپوتین" در زبان روسی مثل اینکه معنی ولگرد و هرزه میدهد!!!

Распу́тин

به گمانم همان راسپوتین درباره تزار روس هم مثل اینکه همچو شخصیتی داشته است!

پس این ماجراهای حرمسراهای شاهان قجر حقیقت داشته و راسپوتینهایی در کار ازدیاد حرامزاده و ولگردهایی برای پر کردن خدم و حشم قجری مشغول انجام وظیفه بوده اند!!!

نویسنده: لینک

پنجشنبه 15 بهمن1388 ساعت: 0:18

قابل توجه دوستانی که در مورد لوگوی ایرنا سوال پرسیده بودند
اگر به خاطر داشته باشید حدود یک هفته قبل در مراسم تودیع و معارفه رئیس جدید خبرگزاری ایرنا عکسی منتشر شد که در آن به جای رنگ سبز آن رنگ آبی استفاده شده بود و باعث واکنش شدید خبرگزاری های زیادی در این مورد شد

Lang=P&http://isna.ir/ISNA/PicView.aspx?Pic=Pic-1480967-10

http://www.khabaronline.ir/news-40320.aspx

هم اکنون خبر گزاری ایرنا هم به جای استفاده از رنگ سبز، رنگ آبی استفاده کرده است البته اگر دوستان قبلا به سایت ایرنا مراجعه کرده باشند متوجه می شوند که پرچم سمت راست از روز اول به همین شکل بوده است اما پرچم سمت چپ که به مناسبت دهه فجر می باشد در آن تغییر رنگ از سبز به آبی صورت گرفته است

نویسنده: khalil

پنجشنبه 15 بهمن1388 ساعت: 0:19

احسنت استاد مثل هميشه گل كاشتيد.
فقط يك سئوالي داشتم كه آيا روسها در اينجا چكار داشتند وچرا اين دروازه ها را براي ما درست كردند؟
ممنونم

نویسنده: یه دانشجو

پنجشنبه 15 بهمن1388 ساعت: 0:24

از استاد عزیز و دوستانی که مطالعات عمیق قرآنی دارند سئوالی داشتم. ایا در قرآن از عضو مغز بعنوان جایگاه عقل و شعور و ذهن یاد شده یا اینکه از عضوی دیگر.؟ ایا در قرآن لغت مغز بکار رفته است یا نه.؟ اگر بکار رفته است عربی اش چیست.؟
سپاسگزارم

نویسنده: لینک

پنجشنبه 15 بهمن1388 ساعت: 4:34

عصای حضرت موسی علیه‌السلام/عکس
http://parcham.ir/vdcd.f052yt0xxa26y.html

رفع فيلتر يك سايت با تهديد نماينده
http://parcham.ir/vdcj.yeafuqe8hsfzu.html

اشک آل اسحاق برای اثبات ضد نظام نبودن
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=84532

رهبر انقلاب از بازگشت امام (ره) به ایران می‌گویند
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=44147

بیانیه پرتناقض شیخ اصلاحات
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=44145

عكس:رونمايي از ماهواره هاي طلوع، مصباح، نويد
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=44132
از بین عکس ها به عکس شماره 2 بیشتر توجه شود (+ستاره داوود)
http://rajanews.com/Files_Upload/8556.jpg

ترجمه منظوم جديدي از قرآن منتشر مي‌شود
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811070175

قم در ویکی پدیا
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%82%D9%85

در اصطلاحات متون شیعهٔ به شهر قم چندین لقب داده شده از جمله:

* «مجمع انصار القائم (عج)» یعنی محل تجمع یاران امام زمان.
* «مأوی للفاطمیین» یعنی پناهگاه منسوبین به فاطمه زهرا است.[۱]
* «شهر خون و قیام». این عنوان به دلیل نقش فعال این شهر در تاریخ معاصر ایران و انقلاب اسلامی به این شهر داده شده‌است.

جمعیت این شهر بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، برابر با ۹۵۹٬۱۱۶ نفر بوده‌است.[۱]

* ۹۹٫۷۶ درصد جمعیت شهر مسلمان هستند و مابقی را پیروان دیگر ادیان الهی تشکیل می‌دهند.

نویسنده: لینک

پنجشنبه 15 بهمن1388 ساعت: 4:36

دفاع از مشایی با مصاحبه‌های هدایت شده / تقاضا برای سکوت یک‌ساله رئیس دفتر احمدی‌نژاد
http://khabaronline.ir/news-41796.aspx

روز فرهنگ و تمدن ايران فردا در ارمنستان برگزار مي‌شود
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8809260716

نظر فردوسی در مورد ساختمان طاق کسری
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B7%D8%A7%D9%82_%DA%A9%D8%B3%D8%B1%DB%8C#.D9.86.D8.B8.D8.B1_.D9.81.D8.B1.D8.AF.D9.88.D8.B3.DB.8C_.D8.AF.D8.B1_.D9.85.D9.88.D8.B1.D8.AF_.D8.B3.D8.A7.D8.AE.D8.AA.D9.85.D8.A7.D9.86_.D8.B7.D8.A7.D9.82_.DA.A9.D8.B3.D8.B1.DB.8C

استقبال انگلیس از اظهارات احمدی‌نژاد
http://www.aftabnews.ir/vdcexp8o.jh8exi9bbj.html

دومین مرد آمریکایی حامله شد + عکس
cat=1&http://www.shia-online.ir/article.asp?id=9571

نامه خانواده امام موسی صدر به مراجع
cat=1&http://www.shia-online.ir/article.asp?id=9569

امام موسی صدر در ویکی پدیا
fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D9%88%D8%B3%DB%8C_%D8%B5%D8%AF%D8%B1//:http

نویسنده: سعید

پنجشنبه 15 بهمن1388 ساعت: 8:57

با سلام خدمت استاد
نقشه زیر در ویکی پدیا بسیار عبرت آموز است بد بختی در ح اعلا نقشه ای موصوم به دوران صفویه به سال 1237 هجری شمسی !!!!؟؟؟ 
آنهایی که به ویکی پدیا استناد میکنند عبرت بگیرند
حدود 30 سال بعد از نقشه روسی نقشه ای وجود دارد که سرعت گسترش شهر را با ایجاد محله های جدید نشان میدهد
در بین همکاران کسی که ادعا میکرد تهرانی اصیل است این نقشه را برای رد نظریات شما رو نمایی کرد که باعث شرمندگی تمام تهرانی های اصیل شد

به خاطر شما نزدیک است جونمان به خطر بیفتد اگر یک کم دیگه بحث رو ادامه بدم این تهرانی اصیل یا خودش سکته میکنه یا جون منو میگره

آقای سعید. این تهرانی اصیل شما چند ساله است؟! او را به معمرین خانواده اش رجوع دهید تا از تهران 100 سال پیش بگویند که تفاوت چندانی با نقشه زمان فتح علی شاه نداشت و یا منتظر یادداشت بعد بماند.

نویسنده: غصه دار

پنجشنبه 15 بهمن1388 ساعت: 12:31

سلام
استاد نمی دانید من چقدر از دست این به اصطلاح اساتید دانشگاهی و دانشجویان خودمان حرص می خورم. آنچنان سرشان را زیر برف کرد ه اند و خودشان را به بی خیالی می زنند که نزدیک است از دستشان دق بکنم. عوام هم که جای خود دارند. راهنمایی بفرمایید من چکار کنم که این جماعت از خواب بیدار بشوند!!!. اصلا برای کسی مهم نیست که چه بلایی به سرمان آورده و میاورند!!!! نهایت فکرشان اینه که خوشه چندمند و یا قیمت بنزین چه خواهد شد؟!!!
صمیمانه از تلاش خالصانه شما در باز نویسی حرفه ای از تاریخ سپاسگزاری می کنم

آقای غصه دار. به آن ها مستند تختگاه استاد غفوری را بدهید و اگر همچنان بی قید ماندند و تغییری نکردند، اجازه دهید نان و ماست خودشان را بخورند. این قضیه خوشه چینی اخیر هم بسیار مضحک شده است. دولت جمهوری رسما اعلام می کند که حاضران در خوشه های 1 و 2، شامل 70 درصد مردم، فقیر و محتاج کمک اند!!! به نظر شما چشم که روشن؟!

نویسنده: ad

پنجشنبه 15 بهمن1388 ساعت: 13:44

آیا عکسهای فوق را در دانشگاه یا کتابخانه های باکو و روسیه میتوان با کیفیت بالاتر یافت ؟

نویسنده: تازه به شما بیوسته

پنجشنبه 15 بهمن1388 ساعت: 17:0

با عرض سلام اقاي بور بيرار شما نوشته ايد راسبوتين كه وضيفه اي جز ازدياد نسل و غيره حالا مخواهم ببينم ايا راسبوتين هاي اعزامي زبان فارسي بلد بوده اند چون طبيعتا بچه هاي راسبوتينها هم به زبان بدر و مادرشان سخن ميگفته اند

نویسنده: سعید

پنجشنبه 15 بهمن1388 ساعت: 17:57

با سلام
فراموش کردم لینک را بگذارم

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D9%87%D8%B1%D8%A7%D9%86

این هم فایل بزرگ

http://upload.wikimedia.org/wikipedia/fa/b/bd/Old_tehran_map_-_main_resize.jpg

این دانشمند تهرانی اصیل 30 ساله است بسیار وطن پرست یک سال است منتظریم نظرش را در مورد مستند تختگاه بیان کند اما به دلیل مشغله و البته پوچ بودن مستند  نتوانسته در این یک سال تختگاه را ببیند!!!!!!البته از جزئیات مستند کاملا با خبر است! 
از به خطر افتادن فردوسی بسیار نگران است اگر امکانش را داشته باشد خائنهای غیر آریایی مثل من را در دم هلاک میکند راستی طرفدار سروش هم هست البته خود را بیشتر زرتشتی میداند چون به نظر این دانشمند اصیل اسلام به درد همان اعراب ... میخورد خلاصه که برای خود عالمی دارد البته از این دانشمندان فراوان است

نویسنده: سندباد

پنجشنبه 15 بهمن1388 ساعت: 18:54

سلام جناب آقای پورپیرار
متاسفانه عکسها را با اگهی های تبلیغاتی پوشانده اند و قابل مشاهده نیست لطفا بررسی کنید ببنید علت چیست؟ با تشکر - سندباد

نویسنده: ad

پنجشنبه 15 بهمن1388 ساعت: 20:57

هر کوزه شکسته ای را در موزه ها و کتابها بارها به تمجید و تکریم دیده ایم چرا این نقشه ها را به ما نشان نداده بودند همیشه قدیمیترین ها ا اولویت نمایش داشتند غیر از اینها که گفته های دیگر را مغایر نشان میدهد !

نویسنده: عبور

جمعه 16 بهمن1388 ساعت: 0:54

نقشه شهرهای ایران را پیش بکشیدید، فیل مان یاد هندوستان بکرد و (راستی دقت کردید چرا همچین ضرب المثلی در فارسی داریم؟!) و چون هنگامه خواب هم باشد در گوگل «ایران و توران» را سرچ بنمودیم تا قصه های مادربزرگانه بشنویم بسان قدیم که افسوس و دریغا و ندامتا با نوشته های شما هزاران صفحه و نبشته سیاه از آنها هم دیگر مگر آدم را خواب می کند...
بلکه کلی تبسم بنمودیم و روحمان شاد شد نصبه شبی. زان میان به بنیاد مطالعات ایران! برخوردیم و... خود بخوانید و بالاخص به نام ها دقت مبذول بنمایید مثل پشنگ سالار و اغریرث و اسم شهرها و... خاطر خود انبساط و بلکه منبسط کنید.
بنیاد مطالعات ایران:
http://www.fis-iran.org/fa/resources/children/shahnameh/iranturan

كين جوئي پشنگ!!!!

چون منوچهر درگذشت و پشنگ سالار تورانيان آگاه شد شكست تورانيان را به ياد آورد و انديشه خونخواهي در دلش زنده شد. پس نامداران كشور و بزرگان سپاه را از گرسيوز و بارمان و گلباد و ويسه گرد آورد و فرزندان خود افراسياب و اغريرث را نيز پيش خواند و از سلم و تور و بيدادي كه از ايرانيان برآنها رفته بود سخن راند و گفت...

چون نوذر دانست كه قارن بسوي پارس رفته است...

زال بي درنگ با لشكري جنگجوي بسوي مهراب راند...

اما چون اغريرث از مازندران به ري آمد افراسياب از آزادي بنديان آگاه شد و بر اغريرث خشم گرفت كه...

نویسنده: عباس

جمعه 16 بهمن1388 ساعت: 8:14

با سلام خدمت استاد بزرگ جناب آقای پورپیرار ؛برنامه ی تلویزیونی جهانی در واشیگتن آمریکا می باشد که با درخواستها وتلفنهای زیاد بنده راضی شدند تا سی دی تختگاه هیچکس شما را که حدوداً ۳ ساعت می باشد را در مقابل ۱۵۰۰دلار که این هزینه را هم خودم متقبل میشوم پخش کنند؛حال می خواستم از شما هم کسب اجازه کنم تا در صورت رضایت شما این کار را انجام دهم و در آخر پخش سی دی هم در صورت امکان شما می توانید پاسخگوی سوالات بینندگان باشید۰

آقای عباس. اگر موفق شوید، اقدام بزرگی در آشنا کردن مردم نسبت به حقایق تاریخ ایران انجام داده اید و نزد خداوند ماجورید.

نویسنده: khalil

جمعه 16 بهمن1388 ساعت: 10:31

با سلام و خسته نباشد خدمت استاد
استاد به سئوال قبلی من جواب ندايد وحالا می خواهم بدانم آيا روسها چه نقشی در ايران داشتند واگر آنها شاهان قاجار را

فرستادند پس چرا زبانشان ترکی بود وچرا شاهان و مردمان آن دوره ترکی حرف می زدند ولی دست نوشته های فارسی را به کار می بردند.
ممنونم

آقای khalil. پاسخ شما در سئوال تان موجود است، روندی غیر طبیعی و غیر بومی، که دخالتی برنامه ریزی شده را علنی می کند. منظور از گشودن این مباحث اثبات همین مطلب اولیه است و برای پی بردن به اسرار پشت پرده ی آن شنبه به کنیسه و خاخام رجوع کنید و اهالی این وبلاگ را نیز از نتیجه بی نصیب نگذارید.

نویسنده: شهرهای ایران

جمعه 16 بهمن1388 ساعت: 11:31

بندر ترکمن
بندرترکمن جزو شهرهایی است که در ابتدای کار راه آن در ایران ریل‌های راه آهن به آن کشیده شد. این شهر درسال ۱۳۰۶ خورشیدی در زمان رضاشاه بنیاد شد (بندر شاه)و سال بنیاد شهرداری آن ۱۳۰۹ می‌باشد.
تا پیش از سال ۱۳۰۵ هجری شمسی نامی از این بندر در هیچ یک از منابع چاپی به چشم نمی‌خورد. سالنامه رسمی کشور در این سال دلایل ایجاد این شهر جدید را بالا آمدن عمق خلیج میانکاله و در نتیجه کاهش عمق آبخور بندر جز (گز فعلی) اعلام کرد. این شهر اولین شهر ایران است که به طور کامل توسط معماران تحصیل کرده نوین طراحی و معماری شده‌است. خیابانهای منظم و میادین وسیع آن نیز بر خلاف شبکه تارعنکبوتی اکثر شهرهای ایران نشان از همین معنا دارد.

نویسنده: شاگرد ناریا

جمعه 16 بهمن1388 ساعت: 11:54

حقیقت امز این استکه روند ظهوروآغاز تجمعات انسانی از قلاع متفرق والبته مهاجر وبا چگالی پایین بوده که این قلاع تبدیل به روستا وروستاها به شهر تبدیل شده اند.تنها روند طبیعی قابل قبول در رشد نفوس حوزه زیستی ما با توجه به عدم ظهور فرهنگ ,زبان ,سنتهای واحد و به جا مانده از گذشگان دلالت بر صحت نظریه مهاحرت و جدید الظهوربودن تجمعات بشری در این منطقه دارد.وآما انچه مهم وقابل تامل می نماید مدت زمان هر پروسه است.مدت زمان آغازپروسه تبدیل روستاها به شهر با توجه به اسناد ارائه شده با همکار تروپهاچیزی حدوددویست سال است که هنوزبه علت الزام در رسیدن به ترازهای جمعیتی بالاتروایجاد ساختارها زیر بنایی اقتصادی ومدنی در حال انجام است. بی شک پروسه تبدیل قلاع به روستاکه نیاز واقعی در رسیدن به استانداردهاو جمعیت کلان وزیر ساختهای اقتصادی واجتماعی پیچیده ندارودوبرای مثال با ده خانوار یک روستاایجاد نمود زمانی کمتراز دویست سال را نیاز داشته وما گیریم زمان اغاز این پروسه با چشم پوشیها وفرجه دهی به مخالفین این نظر همان دویست سال باشدپس عمر ظهور تجمعات انسانی دارای تولیدات سیاسی, احتماعی وفرهنگی ومدنی در خوشبینانه ترین منظر به چهارصد سال می رسد.

نویسنده: عکس ها

جمعه 16 بهمن1388 ساعت: 12:56

عکس های ایران قدیم
http://didan.ir/article508.html
عکس های شیراز در 100 سال پیش
http://didan.ir/article221.html

نویسنده: ad

جمعه 16 بهمن1388 ساعت: 15:43

جهت جلوگیری از حسادت و اخلال خناسان بهتر است نام شبکه را هرچه دیر تر اعلام کنید ولی هفته پخش آن را بگویید

نویسنده: لینک

جمعه 16 بهمن1388 ساعت: 17:12

عمامه حضرت یوسف هم پیدا شد تازه تازه+مقبره حضرت نوح
http://parcham.ir/vdce.z8fbjh8wx9bij.html

اهداي دو فيش حج عمره به كريم باقری

http://parcham.ir/vdcg.39urak9xzpr4a.html

صميمي ترين دوست دوران جواني رهبرانقلاب كيست؟
http://parcham.ir/vdcd.k052yt0fna26y.html

واکنش عربستان به توقف اعزام زائران ایرانی به حج عمره
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=99629

ساخت دستگاه خودکار كمك وضو
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=99670

ساخت قرصی که عمر انسان را به 100 سالگی می رساند!
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1030133

دستمال کاغذی باراک اوباما تولید شده از سوی یک شرکت ژاپنی
http://www.asriran.com/files/fa/news/1388/11/15/126146_291.jpg

پاپ بندیکت شانزدهم رهبر کاتولیک های جهان مشغول دعا در یک آیین مذهبی در واتیکان (استاد در مورد این نمادی که در جلوی صورتش گرفته می توانید توضیحاتی بدهید که این نماد چیست؟)
http://www.asriran.com/files/fa/news/1388/11/15/126147_932.jpg

نخستین دانشنامه جهان فروش نرفت!
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1028207

آقای لینک. از مظاهر و آرم های رسمی واتیکان است. مشتی خط خطی و گردالی بی معنا.

نویسنده: لینک

جمعه 16 بهمن1388 ساعت: 17:13

تعداد زیادی عکس از قــاجــار تـا پــهــلــو ي (استاد عکس های بسیار جالبی است استاد حتما از سر فرصت عکس ها ببینید همچنین این تاپیک شامل 4 صفحه می باشد)
http://www.pcnetwork.ir/showthread.php?t=26197

چند تا عکس از لینک بالا

نماي عمومي از آثار و بقاياي تخت جمشيد (پرسپوليس) در ايام جشنهاي 2500 ساله
http://www.iichs.org/docimages/P_jashn2500sale_2.jpg

بازديد غلامرضا پهلوي و همسرش از ماكت محل برگزاري جشنها. از راست: 2. بهمن پهلوي 4. غلامرضا پهلوي 5. منيژه جهانباني 6. محسن فروغي 7. امير متقي
http://www.iichs.org/docimages/P_jashn2500sale_3.jpg

محمدرضا پهلوي در كنار آثار تاريخي تخت جمشيد شيراز
http://www.iichs.org/docimages/P_jashn2500sale_4.jpg

كنگره بزرگداشت كورش هخامنشي توسط يهوديان وابسته به اسرائيل
http://www.iichs.org/docimages/P_jashn2500sale_6.jpg

آيت الله كاشاني در منزل دكتر محمد مصدق
http://www.iichs.org/docimages/P_ghiam30tir_2.jpg

همان طور که آدرس عکس ها نشان می دهد مطالب برداشت شده از سایت www.iichs.org می باشد که این سایت موسسه مطالعات تاریخ ایران معاصر می باشد.

95 كشته و زخمي در حادثه تروريستي كربلا
http://www.jahannews.com/vdch-mnw.23nkkdftt2.html

آقای لینک. ممنون از ارسال لینک عکس ها. هرچند عکس های بی آزاری بودند مناسب کار همان دم و دستگاه. ولی چشم مان پس از مدت ها به چند جهود در لباس مبدل روشن شد.

نویسنده: لینک

جمعه 16 بهمن1388 ساعت: 17:14

تحلیل "خبرآنلاین" : رئیس جمهور بعدی کیست؟ (در قسمتی از خبر نوشته: 2) بعید است این نامزد ، مشایی باشد اما بدون شک از حلقه او خواهد بود . تفاوت جدی تیم دولت نهم و دهم در همین نکته نهفته است . کسانی که از زاویه اصولگرایی احمدی نژاد را همراهی می کردند ، هشت روز مانده به خاتمه ماموریت دولت نهم نتیجه مخالفت با این عنصر موثر را دریافتند . درست است که در مقابل ، مشایی هم معاون اول نماند اما در اختیارات ،کم از این جایگاه ندارد . به حاشیه رانده شدن همراهانی چون محصولی ، هاشمی ثمره ، الهام ، علی احمدی و دامادش (بذرپاش) در همین نکته نهفته است . اینان اگرچه چون محسنی اژه ای ، صفار هرندی ، جهرمی ، مصری ، باقری لنکرانی موضعگیری شدید و علنی نداشتند و با واکنشی تند در حد آنان مواجه نشدند اما در عمل تنزل یافتند و در نقش کمرنگ تری نسبت به چند ماه پیشتر خود ظاهرشدند . خبر آنلاین در تیر ماه امسال این پیش بینی را کرده بود . [تبارشناسی تیم احمدی نژاد])

http://www.parsine.com/fa/pages/?cid=16668

نویسنده: لینک

جمعه 16 بهمن1388 ساعت: 17:19

میر حسین موسوی و سیری در تاریخ؛ شهید عبدالحمید دیالمه - بخش اول
http://www.bachehayeghalam.ir/archiveblog/cat_1_1/012656.php

میر حسین موسوی و سیری در تاریخ؛ اینها سخنان احمدی‌نژاد نیست! - بخش دوم
http://www.bachehayeghalam.ir/archiveblog/cat_1_1/012661.php

نویسنده: khalil

جمعه 16 بهمن1388 ساعت: 18:43

http://images.google.com/imgres?imgurl=http://www.setsailmotivation.com/movies%2520large/large%2520esth
usg=__kjeQJh-&/imgrefurl=http://khorashad.com/2008/05/01/esther-mordcai&er.jpg
&:tbnid=LfH05hq3YvagVM&itbs=1&start=16&hl=fa&sz=41&w=339&h=475&=DVXaIKg88ZZhpqEm60dA
&tbnw=92&tbnh=129
prev=/images%3Fq%3D%25D9%2581%25D8%25B1%25D8%25B2%25D9%2586%25D8%25AF%25D8%25A7
%25D9%2586%2B%25D8%25A7%25D8%25B3%25D8%25AA%25D8%25B1%26gbv%3D2%26hl%3Dfa%26sa
%3DG%26newwindow%3D1

نویسنده: سایه

جمعه 16 بهمن1388 ساعت: 20:27

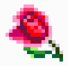
با سلام
استاد پورپیرار و استاد غفوری عزیز خسته نباشید.خدا حافظ و نگهدار شما باشد.

نویسنده: محمد صدیق حسنی

جمعه 16 بهمن1388 ساعت: 20:58

بسم الله الرحمن الرحيم
جناب پور پيرا سلام
اين موضوع كه تاريخ ما مورد سوء قصد قرار گرفته يك حقيقت است و اينكه شهر هايي چون شيراز وجود نداشته و يا منطقه اي قبيله نشين بوده است چيزي نيست كه بتوان ان را انكار كرد و من نيز با شما موافقم و اين حقيقتي است كه كتابهاي

سعدي و حافظ نمي تواند از ان موقع تا كنون دوام اورده باشد مخصوصا اينكه در ان زمان صنعت كاغذ سازي وجود نداشته است و صفحات پاپيروس نيز انقدر نبوده كه به دست مردم ايران رسيده باشد و اگر هم مي رسيد مي بايست صرف كتابهاي با ارزشي چون قران كريم مي شد نه اشعار يك شاعر همه اينها درست اما اين مطلب كه شاعراني چون سعدي اگر هم مطعلق به امروز بوده باشند يا شصت سال پيش چيزي از احترام انان كم نمي كند هر چند ميدانم كه شما نيز خود به اين مطلب واقفيد كه حرمت عمل يك شخص به قدمت انجام ان عمل نيست بلكه به خود عمل است اما حدف شما اين است كه بگوييد ما را فريفته اند و من با اين سخن شما هيچ مخالفتي ندارم كه هيچ بلكه خود بر اين مسئله دلايل بسياري دارم كه شايد شما هم تا كنون به ان اشاره اي نداشته ايد و يا من به دليل تازه وارد بودن به وبلاگ شما ان را نديده ام اما انچه كه من تا كنون در باره اش از جانب خود شما پاسخي دريافت نكرده ام مسئله چسباندن زبان كوردي به خطوط ميخي مي باشد و اينكه اين زبان را با ان فاصله اندازهاي كذايي به عنوان اصوات خط ميخي (در قالب حروف لاتين) معرفي كرده اند مي خواهم بدانم نظر شما در اين باره چيست و علت را در چه مي بينيد چرا از زبان فارسي كه انقدر بر قدمتش پا فشاري مي كنند استفاده نشده يا از زبان عربي و يا عبري استفاده نشده است لطفاً در اين خصوص پاسخ دهيد .

متشکرم . 

وب سايت

نويسنده: توحيد

جمعه 16 بهمن1388 ساعت: 17:36

سلام استاد خسته نباشيد

آقای عباس پیشنهاد می کنم نام شبکه مزبور و ماهواره پوشش دهنده و فرکانس آن را به طور خصوصی برای استاد ارسال کنید تا استاد هم بنحوی بطور خصوصی برای علاقه مندان ساعت پخش و نام شبکه و دیگر اطلاعات را ای میل کنند .

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

بازنويسي ثبت نظر

ایران شناسی 252

ایران شناسی بدون دروغ 252، نتیجه60، نقشه برداری از شهرهای ایران در دوران قاجار، 6 - 29 نظر

نویسنده: رعد

یکشنبه 18 بهمن1388 ساعت: 22:51

سلام. چه خوب است که این مقالات مصادف است با پخش سریال پشمکی " سال های مشروطه " . خدائی من در این مقالات که هر کدام بعدی و قبلی خود را تائید میکند چه نظری باید بدهم, الا این که در اثنا سئوالی پیش ایید . ایا صبح نزدیک است ؟ یا حق .

نویسنده: توحید

یکشنبه 18 بهمن1388 ساعت: 23:52

سلام استاد خسته نباشید

خواستم اطلاع بدهم که لطفا زحمت جمع اوری نظرات را نکشید . من نظرات از مرداد 88 به بعد را برای نصب در سایت جمع آوری کرده ام که برایتان ارسال می کنم . لطفا به آقای عابدی هم خبر بدهید که دوباره کاری نشود .

نویسنده: مسعود

یکشنبه 18 بهمن1388 ساعت: 23:55

استاد خسته نباشید.

یادداشت عالی و کوبنده ای بود.

آن نقش برجسته که فرموده بودید در طاق بستان فتحعلیشاه موهومی حک کرده است ظاهرا" مربوط به فرزند موهومی تر او محمد علی میرزا میباشد :

http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/6/61/Taq-e_Bostan_-_Low_relief_of_Mohamad_Ali_Mirza.jpg

نویسنده: شاگرد ناریا

دوشنبه 19 بهمن1388 ساعت: 0:1

سلام بر استاد عزیز ودوستان بنیان اندیش
شایددوستان دوست عزیز ما جناب یه دانشجو قصد وارد کردن این ایراد را داشته اند که قران فرقی در حوزه تولیدات منطقی وعاطفی تشخیص نداده وراهبری را مرکز حسی وعاطفی یعنی قلب (صدر)می داند .ابتدا باید به دونکته اساسی اشاره کنم که یکی از این نکات را دوست بنیان اندیش ما جناب توحید بیان داشتند وآن اشتباه در درک معانی دو زبان است ودومین نکته اشتباه درمستقل انگاری وتقسیمات بی رابطه بین قوه تفکر وتعقل وادراک از یک سو که مرکز آن را مغز دانسته ومرکز احساسی وعاطفی که آن را در قلب(صدر)تشخیص داده اند در اینجا لازم است نظر خود را بگویم که نگرش قرآن به این موضوع مطابق با نگرش مستقل انگاری این دو مرکز نیست. میل واقناء در امور جاریه حیات حتی در جوهر وذات که از محرک های اولیه فعالیت عقلی است جایگاهی در درون سینه داردمیل به علم واندیشه وحقیقت وبقا ورفاه وتحصیل(کسب واستفاده از مواهب وجذبه های اللهی نه در مغزکه در صدر است واقتاء بعد از تفکر وتعقل و تظاهرات سپارشی نه در مغز که در صدر

ایجاد می شود وتظاهرات ومیل به اسنادوحجت در صدر است نه در مغز , هر چند تدارکات پردازش اسنادوحجت ودرک وسپارش در مغز باشد. به طور کلی جاذبه ها ودافعه های انجام تحرکات عقلی در صدر است واین فرق است که این دو مرکز منطقی واحساسی را جدا از هم و هر کدام مستقل به راه خود بدانیم.مثالی می زنم برای نمونه قصد عبور از خیابان را داریم تمام محاسبات منطقی مغز در وجود ما تبدیل به رابطه های عکس العملی می شود.فاصله وسرعت خودروها از ما وسرعت وعمل حرکتی ما برای عدم تصادم با خود روها توسط مغز تنظیم می شودواین بر خاسته از میل به بقا در صدر است نه در مغزهر چند محاسبات منطقی آن در مغز انجام می شود .بنا بر این به نظر بنده تمام تحرکات عقلی منشاءصدری (قلبی)دارد وبه این جهت است که قران ارجاعات عقلی را بعضا" به خواستگاه محرکی آن یعنی قلب (صدر)ارتباط داده.تا نظر استاد چه باشد.

نویسنده: یه دانشجو

دوشنبه 19 بهمن1388 ساعت: 6:20

با تشکر از استاد و همه دوستانی که وقت صرف کرده و در باره موضوع مغز و قلب در قرآن به سئوالم پاسخ داده بودند. از همه پیامها چیزی یاد گرفتم. یادم است که چندی قبل دوستان سراغ کتاب قبیله سیزدهم از ارتور کستلر را گرفته بودند که اگر اشتباه نکنم این کتاب در ایران با عنوان خزران به چاپ رسیده است که در آدرس پائینی می توانید دریافت اش کنید.

http://www.tabarestan.info/book/index.html

آقای یه دانشجو. کتاب کوستلر ترجمه ای هم با همان نام "قبیله سیزدهم" دارد، که نخستین ترجمه آن و چاپ نشر آلفاست.

آقای م. خدا مختصر و محرف شده ترکیب "خود آ" و به معنای حقیقت مستقل و بی نیاز به عوامل است. از این ترکیب اما به غلط، در فارسی خودکار و خود نویس و خود رو و خود پرداز و غیره نیز سود برده اند.

نویسنده: بختیار

دوشنبه 19 بهمن1388 ساعت: 8:33

نویسنده: شیوا کشاورز

دوشنبه 19 بهمن1388 ساعت: 9:43

سلام به همه
من خیلی دلم می خواد یه مقاله یا یه مطلب به من معرفی کنین که با استفاده از اون بتونم به استادم توی دانشگاه ثابت کنم که قران تحریف نشده. من مثال (ازا الشمس کورت) رو که از مستند طوفان نوح یاد گرفته بودم گفتم ولی استادم میگه این فقط یه مثاله و اتفاقیه .من از همه خواهش می کنم هر کی می تونه به من کمک کنه

خانم کشاورز. سی دی طوفان را بدهید تا ببیند و اشاره کنید که خداوند این حادثه در هزاره های پیش رخ داده را با جزییات در قرآن وصف کرده است. آیا انسان می توانسته است از جریان آن ماجرای کهن با خبر باشد؟ ضمنا کتاب اسلام و شمشیر مرا بخوانید.

نویسنده: مسعود سنجری

دوشنبه 19 بهمن1388 ساعت: 10:11

برادر گرامی استاد پورپیرار
سلام علیکم

کتاب کم یاب "سفرنامه خوزستان" اثر حاج عبدالغفار نجم الملک دلیل قاطعی بر نظر جنابعالی بر نوساز بودن شهرهای ایران است. در ابتدای این کتاب (که در حقیقت گزارش ماموریت است) بشکل صریح دستورالعمل های مشخصی برای ساخت شهر جدید اهواز در 132 سال پیش ذکر گردیده که نمونه ای از پروژه های مهندسی ساخت شهرها در دیگر نقاط ایران است. شخص حاج عبدالغفار که مهندس ارشیتکت بوده در طول مسیر تهران به اهواز گزارش فنی از وضعیت شهرها، راهها و رودخانه ها ثبت نموده که بسیار درخور تامل است. خصوصا توضیحات ذکر شده از شهر اصفهان در مسیر بازگشت به تهران

دارای نکاتی است که هرچه بیشتر استحکام نظریات شما را تاکید می کند.

والسلام علیکم
فی امان الله

آقای سنجری. همین ساعت کتاب سفرنامه خوزستان روی میزم است. سفرنامه یزد مالکوم ناپیر نیز همین طور است.
ممنون

نویسنده: بختیار

دوشنبه 19 بهمن1388 ساعت: 14:25

استاد با سلام
از بررسی نقشه هایی که در سایت نصب کرده اید سوالی برایم پیش آمد و آن اینکه نقشه ها انباشه از کلمه ی کوچه است.
میخواستم از حضورتان بپرسم کوچه چگونه کلمه ای است. ریشه ان چیست و کلمه ی خیابان حتی برای گذرگاههایی که از کوچه بزرگترند در نقشه ها دیده نمیشود. ایا خیابان یک لغت عاریتی است و تازگیها به راههای درون شهری گفته میشود.

از بذل توجه جنابعالی و سایر دوستان ممنونم

نویسنده: مهران حقیقت

دوشنبه 19 بهمن1388 ساعت: 15:42

سلام استاد

احتمالا سفرنامه حاجی بابای اصفهانی نوشته جیمز موریه رو خوانده اید.
نظرتان در مورد آن چیست و آیا ارزش خواندن دارد؟

نویسنده: مهران حقیقت

دوشنبه 19 بهمن1388 ساعت: 15:46

سلام دوستان
خودتان بخوانید و ببینید چه بر سر این مردم آمده است:

کتیبه مسجد جامع یزد که بیش از 700 سال قدمت داشت و به نوعی شناسنامه مسجد جامع یزد به شمار می‌رفت، چندی پیش توسط عده‌ای سرقت شد.

به گزارش خبرنگار مهر در یزد، این کتیبه سنگ نوشته ای متعلق به قرن هشتم در سال 777 هجری قمری بوده و در متن آن نام مبارک 14 معصوم نوشته شده بود.

این سنگ نوشته نشان می داد که یزدیها از ابتدای پذیرش اسلام شیعه بوده و هنوز هم هستند و این سنگ نیز این تاریخ را نشان می دهد.
http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=85185

نویسنده: فتح

دوشنبه 19 بهمن1388 ساعت: 22:49

آقای پور پیرار از جوابی که به آقای م داده اید باز سوالی ایجاد می شود.
آقای م. خدا مختصر و محرف شده ترکیب "خود آ" و به معنای حقیقت مستقل و بی نیاز به عوامل است. از این ترکیب اما به غلط، در فارسی خودکار و خود نویس و خود رو و خود پرداز و غیره نیز سود برده اند.
اگر فارسی یدیش است که هست واگر کلمه خدا یا خد.آ عربی نیست و به جای الله که منحصر به اسلام است فرار گرفته و اگر کلمه انحصاری خدا در یهود یهوه است و باز چون کلمات فارسی بی ریشه هستند پس این کلمه از کجا آمده چرا فردوسی اینقدر بر آن تاکید دارد. آیا کلمه ای عبری یا در فرهنگ یهود نیست. آیا ریشه یابی و خداشناسی(ردیابی ابداع این کلمه) ما را به ریشه یدیش و بوساز بودن فارسی هدایت نمی کند.

آقای فنج. منظورتان کدام فردوسی است؟

فریبا خانم. خوردن حلوای خانم ها امری جاری و طبیعی است زیرا معمولا حلوا را خانم ها می پزند.

نویسنده: مسعود

دوشنبه 19 بهمن1388 ساعت: 23:6

وقت شما بخیر.

Персидские казаки
قزاقهاي پارسي !!! از سايت "نارودنا پراودا" :

/http://narodna.pravda.com.ua/history/4a697e525bbab

استاد مخصوصا" عكسهاي تاريخي آن جالب هستند .

نویسنده: مفلح

دوشنبه 19 بهمن1388 ساعت: 23:14

با سلام خدمت آقای پورپیرار محقق بزرگ
سالیان مدیدیست که بنده با کتابها و نوشته های ارزشمندتان آشنایی دارم و مفتخر تبلیغ ومعرفی داده ها و مستندهایتان بین دوستان بوده ام .ابهامات و سوالات خوانندگان را در حد توان پاسخ می دادم اما در بین دوستان به متن شخصی برخوردم که قابل تامل است خواهشمند است پس از مطالعه جواب قاتع کننده و در خوری به ایشان بیان بفرمایید با تشکر
متن:
به کار بردن و استفاده از واژه " ایرانشناسی بدون دروغ " برای مطالعه و تحقیق وقایع تاریخی خود گواه بر اغراق بودن محتوای آن تحقیقات هست ، هرچند گوشه هایی از حقیقت درآن نوشته تحقیقی وجود داشته باشد .

نظریه این محقق خوب بیشتر در مناطق مرزی جلب توجه نموده و در شهرهای مرکزی و خارج از کشور با دید انتقادی به این نوشته نگاه می شود .

دلیل توجه به این تحقیقات در مناطقی که به نحوی از انحصار قدرت سیاسی و فرهنگی فارسیان بر مقدرات فرهنگی – دینی خود از یک طرف و از طرف دیگر مسدود بودن راه هر گونه کنکاش منطقه ای در رنجند ، پدیده امیدوار کننده ای نیست ، هرچند با گذر از آن قطعا با درپیش گرفته شدن مطالعات بیشتر و تضارب آراء و با ایجاد امکان برخوردهای آزاد اندیشانه درمیان جوانان و روشنفکران و بسط نگاه نقادانه ، به بالا رفتن تحمل اندیشه های مخالف کمک قابل توجهی خواهد نمود .

چرا از ورود به چنین مباحثی پرهیز می کنم ؟

اولا معتقدم برای ورود به چنین مباحثی لازم است مطالعات گسترده ای صورت داد چیزی که در توان خود (فرصت و حوصله) نمی بینم لذا هرنوع ردی و یا تاییدی (اظهار نظری) یک طرفه و صرفا بر اساس احساس و تمایل شخصی خواهد بود .

این بحث بخصوص در بین دوستداران مطالعه ، انحرافی از مطالعه و مباحث جدیتر صورت می دهد و به جای مطالعه و پرداختن به علل مشکلات سیاسی – اجتماعی – اقتصادی جامعه ، ما را درگیر مسائل عقیدتی – قومی خواهد کرد .

در نهایت به جز ایجاد محافل روشنفکری که آنها را درگیر بحثهای غیر مفید خواهد نمود نتیجه ای دیگر نخواهد داد .

مطالعه سطحی مقاله از پیگیری خطی خاص برای تحقق اهدافی اتحاد شکنانه در جامعه نشان می دهد و .... .

و در نهایت زنده یاد صمد بهرنگی می گوید کتابهای خوب برای مطالعه آنقدر زیاد و فرصت ما آنقدر کم هست که بعضی از کتابها ..... (نقل به مضمون) .

نویسنده: مسعود

دوشنبه 19 بهمن1388 ساعت: 23:15

استاد اينهم معرفي شهر تهران در ويکي پديا به زبان روسي :

http://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%A2%D0%B5%D0%B3%D0%B5%D1%80%D0%B0%D0%BD

مطلب جالب توجه اينکه علي الظاهر تهران به زبان روسي "تگران" خوانده ميشود.

Тегеран

موفق و سلامت باشيد.

آقای مسعود. تلفظ تگران به جای تهران در زبان روسی از آن است که روس ها حرف ح ندارند و نمی توانند آن حرف را تلفظ کنند.

نویسنده: مفلح

دوشنبه 19 بهمن1388 ساعت: 23:16

2

نو یسنده و محقق در همان شروع می نویسد " به ملاحظه معده های ضعیف و ثقیل و زخمی شده .... نور را روزن به روزن بتابانم "

آیا این ادبیات به عاریت گرفته شده برای ما شرق نشینان استبدادزده آشنا نیست ؟ ما مدعیان تا ناکجا آباد همیشه مچاله شده های همین تکبر و خود بزرگ بینی نبوده ایم که سوزانده ایم و سوخته ایم ؟

متاسفانه هنوز برای تطمیع ، تحمیق و تحقیر دیگران با کلمات بازی می کنیم و هر کس بتواند این الفبای اعجاز انگیز و کلمات را مهیجتر در کنار هم بچیند می تواند صاحب عقل و منطق ما بشود .

اینکه آدم در داده ها و یافته های تاریخی شک بکند نه فقط جای اشکال نیست که حتی لازم است چرا که مطالعه متون و تحقیقات تاریخی نشان می دهد که محققین و مورخین بسته به شرایط خاص و وابستگیهای فکری و طبقاتی خود نه تاریخنویسی که تحلیل تاریخی و بیشتر دلبخواه صاحبان قدرت کرده اند در بسیاری از این نوشته های تاریخی که متاسفانه پایه تحقیقات مورخین نسلهای بعد شده است آرزوها و رویاهای قدرت مندان همان زمان بوده است که برای حق جلوه دادن خود به خورد مردم می داده اند و پایه های اطلاعاتی شان هم بیشتر نظرات هم نظر با خودشان بوده است . شخصا معتقدم که نباید مطالعات تاریخی به منظور استفاده ابزاری کردن از آن برای حق جلوه دادن آنچه خود می خواهیم و ناحق جلوه دادن طرف مقابل باشد ، با تاسف باید بگویم در مطالعات کوتاهی که از مطلب ارسالی شما کردم لغزشهایی از این دست در داده های محقق ما کم نیست .

محقق در ادامه به واقعه پوریم (جنگ قومی – عقیدتی) که در کتاب استر از مجموعه کتابهای مفدس عهد عتیق (کتاب مقدس یهودیان) از آن یاد شده و بسیاری از تاریخ نویسان درمورد صحت آن تردید دارند و یافته های آثار باستانی تقریبا معتبر و انتشار یافته از طرف خود یهودیان ، تا کنون هیچ اشاره صریحی به آن نداشته اند اشاره می کند و نتیجه می گیرد که این جنگ منجر به نابودی کامل فرهنگ ایران زمین وقتل عام تمام مردم شد و لذا تا 2000 سال بعد از آن ، 400 سال بعد از حمله اعراب به ایران از آن مردم و فرهنگشان اثری نبود .

.

نویسنده: مفلح

دوشنبه 19 بهمن1388 ساعت: 23:17

3

این داستان خاخامهای تند رو یهود ساخته چیست ؟ اسم این کلمه از پور به معنای قرعه گرفته شده و ظاهرا یهودی که وزیر شد با قرعه روز اجرای نقشه خود برگزیده است ، میگویند خشایارشاه در روز جشن تاجگذاری از همسر خود که زن فوق العاده زیبایی بوده خواسته تا در مراسم حاضر شود و زیبایی خود را به رخ دیگران بکشد که با مخالفت ملکه رو برو می شود و پادشاه مست و مغرور زن زیبای دیگری به اسم استر که یهودی بوده به عنوان ملکه انتخاب می کند و این زن به همراه خاخامهای یهودی ، وزیر خشایارشاه را برکنار کرده و می کشند سپس از شاه درخواست می کنند تا اجازه کشتن دشمنان یهودیها را بدهد که شاه چنین فرمانی را صادر می کند و آنها در ظرف 3 روز بیش از 70 هزار نفر ایرانی (نه تمام ایرانیان) اعم از زن و مرد و کودک و پیر وجوان را می کشند . در مورد این ارقام و کشتن اینهمه آدم در ظرف 3 روز (توجه داشته

باشیم که درمورد مردمی با پراکندگی کشوری مثل ایران و آنهم بیش از 2500 سال قبل صحبت می کنیم) خود گواه افسانه بودن این رقم هست .

هرچند نه تنها در چند هزار سال قبل که حتی در قرن بیست و یکم هم چنین اتفاقاتی دور از ذهن نیست (جنگ جهانی دوم و کشتار قومی در کشور افریقایی راوندا نمونه کمتر از 70 سال اخیر هست) ، ولی با اشاره به چنین حوادثی و نتیجه گیری انقراض نسل یک ملت جز خیالپردازی نمی تواند چیز دیگری باشد .

در عهد کهن که جای خود دارد در عصر حاضر هم با وجود اینهمه جنگ افزار پیشرفته و کشتار جمعی جای تردید بسیاری وجود دارد که بشود نسل مردمی با وسعت تقریبی 2 ملیون کیلو مترمربع و با پراکندگی و جغرافیای ایران ، چنان از بین برد که تا بیش از 2000 سال هیچ اثری از آنها باقی نماند (ادعای اینکه آن مردم خیلی دانا و با فرهنگ بوده اند هم محلی ندارد و نسل پیداشده بعد از 2000 سال که هیچ بعد از 100 سال هم دیگر هیچ پیوند ژنتیکی با آنها ندارد) .

هرچند جشن پوریم که تمام نتیجه گیریهای نویسنده از آن گرفته شده مورد تایید اکثر یهودیان نیست و درکتاب مقدس هم آورده نشده با وجود این افراطیون یهودی سالانه این واقعه به عنوان تحقق وعده کتاب مقدس جشن می گیرند ، (ما در ایران خودمان حتی در زمان حاضر واقعه هایی داریم که عامه نا آگاه و افراطیون به نوعی مطرح می کنند نمونه آن جشن عمر کشون در کشور مان هست) .

نویسنده: مفلح

دوشنبه 19 بهمن1388 ساعت: 23:18

4
حالا فرض را بر آن می گذاریم که واقعه پوریم حقیقت داشته ، اولا آنها باموافقت شاه اینکار را انجام داده اند پس نمی تواند قتل عام همه مردم باشد و قطعا اکثریت کشته شده ها مخالفین شاه بوده اند ، البته قتل عام مخالفین شامل تمام افراد خانواده و اقوام و اعوانشان می شده است یعنی ازبین بردن دودمان آنها یعنی به کبیر وصغیرشان رحم نکرده اند و در نتیجه محتمل است که دین رسمی دین یهود شده باشد ، ولی قتل عام تمام مردم افسانه ای بیش نیست ، دوما با شناخت نسبی که از جامعه کهن داریم و انطباق آن با وقایع جهان کنونی بعضی از اتفاقات قابل فهم است ، شاه زمانی چنین دستوری صادر می کند که خودش دینی را پذیرفته باشدو اگر شاه آن دین راپذیرفت طبیعی هست که درباریان ، نجیب زادگان ، اعیان و سران ارتش هم آن را می پذیرند و عامه مردم هم به نحوی آنرا خواهند پذیرفت می ماند روحانیون دین قبلی که موقعیتشان به خطر می افتد که بیشترشان دین جدید خواهند پذیرفت و ممکن است بخشی از آنها وبخشی از مردم مخالف باشند که آنهم بیشترشان مخالفتشان علنی نمی کنند پس در نتیجه به هیچوجه واقعه ای که دستور آن توسط پادشاه آن مملکت صادر شده به نسل کشی نمی انجامد ، نمونه تاریخی آن در کشور خودمان هست ، تا قبل از دوران صفویان می گویند اکثریت مردم ایران پیرو مذهب تسنن بوده اند اما بعد از اینکه شاهان صفوی مذهب تشیع را مذهب رسمی کردند توسط اکثریت مردم پذیرفته شد ، طبعا مخالفتهایی صورت گرفته ولی در نهایت مسئله خاتمه پیدا کرده است ، منظور من حقانیت و یاعدم حقانیت یک دین و یا یک واقعه نیست بلکه پروسه شکل گیری و تکمیل تغییر باورهای مردم با فشار از بالا هست .

آقای مفلح. این مطالب سوزناکِ نیمه ساخت بودن تخت جمشید را نمی پوشاند. مستند تختگاه را به ایشان بدهید و بخواهید به طور مشخص در باب آن اظهار عقیده کنند، آن گاه این لب ورچیدن ها تمام می شود و شاهد سکوت کامل ایشان خواهیم شد. این که عنوان این یادداشت ها را "ایران شناسی بدون دروغ" گذارده ام از آن است که در داده های موجود وارداتی از دانشگاه های غرب، حتی سطری، تکرار می کنم سطری حقیقت یافت نمی شود و سراپا دروغ هایی است که مطابق برنامه ای معین برای رسیدن به نتیجه ای معین سرهم کرده اند. امیدوارم انتشار مستند سوم به خواست خدا دکان این گونه بهانه جویی ها را به کلی تعطیل کند.

نویسنده: اترش

سه شنبه 20 بهمن1388 ساعت: 0:36

خانم کشاورز
کسی که مدعی تحریف در قرآن است باید ادله و مدرک ارائه بدهد نه شما.
اگر منظور استاد شما اضافه یا کم شدن آیاتی است که ساختار ویژه و سبک نوشتاری و بلاغی خاص قرآن خود چنین چیزی را به آسانی رد می کند و به همین دلیل هم تحدی شده که هیچ انسانی نمی تواند آیه ای مانند آن بیاورد. اگر منظور این است که آیاتی جا به جا شده، (احتمال می دهم استاد شما معارف و دروس عمومی تدریس کند) سلسله مقاله «قرآن برای همه قابل فهم است» در اینجا می تواند برایتان مفید باشد:
http://www.mantegh-abdughkhiyar.blogfa.com/
و اما اگر منظورش این است که معنای آیاتی درست فهمیده نشده که تحریف محسوب نمی شود و بحثش جداست.

وب سایت

نویسنده: عبور

سه شنبه 20 بهمن1388 ساعت: 0:40

گروه اینترنتی پوریم:
/http://groups.google.com/group/purim

وب سایت

نویسنده: مسعود سنجری

سه شنبه 20 بهمن1388 ساعت: 11:36

خانم شیوا کشاورز
سلام علیکم

در قرآن عبارت "رب السماوات" بارها تکرار شده که با هر ترجمه ای معنی آن در نهایت "گسترش دهنده آسمانها" خواهد شد. با علم به اینکه بشر در سالیان اخیر با رشد علوم ستاره شناسی امکان اثبات گسترش کهکشانها و آسمانهای چندگانه را یافته است لذا وجود این عبارت و تکرار آن به دفعات متعدد در قرآن مثال دیگری بر عدم تحریف این رساله مقدس است. موفق باشید.

والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 20 بهمن1388 ساعت: 9:30

سلام
شواهد و اسناد در دست، حاکی از آن است که کسانیکه زیاد از مردن می گویند بیش از همه عمر میکنند، امیدوارم شما هم از آن دسته افراد باشید! امیدوارم مامور اجل التفات و اعتنایی به شما نداشته باشد و شما سالها در حسرت دیدار رخ مامور اجل بمانید! ان شا الله...
ضمنا اصلا روی حلوا پختن من حساب نکنید، چون متاسفانه من از آن دسته خانمها نیستم که از هر انگشتشان چند جور هنر می تراود!

فریبا خانم. به یقین فقط بخش کوچکی از هنرهای خانم ها در انگشتان شان است، ضمن این که گفتن از مرگ، به گواه قرآن، موجب تاخیر و یا تعجیل در ورود آن نمی شود.

آقای عباس. امید که موفق شوید، اما بر سبیل تجربه اقوال و اعمال آن آقایان چندان هم موثق نیست.

نویسنده: جواب به مفلح1

سه شنبه 20 بهمن1388 ساعت: 15:3

آقاي مفلح ضمن سلام و با اجازه استاد
شما كه سالهاست به سوالات و ابهامات دوستانتان در مورد آثار پورپيرار پاسخ مي دهيد چگونه است كه اين مسائلي را كه(از قول دوستي) مطرح كرده ايد برايتان قابل تأمل بوده است.
1. شما كه ورود به چنين مباحثي را در توان(فرصت و حوصله) خود ندانسته ايد پس چرا از اغراق در نامگذاري اين مباحث بعنوان (ايران شناسي بدون دروغ) گفته ايد و اينكه [گوشه هايي] از اين تحقيقات بر حقيقت منطبق است؟ كدام گوشه را شما بر حقيقت منطبق نمي دانيد؟ لطفا" ما را راهنمايي كنيد. اصولا كدام قسمت اين تحقيقات را منطبق بر تاريخ دروغين فعلي مي دانيد. بگوييد تا ما هم آگاه شويم. اين مباحث و كتابهاي 12 قرن سكوت و اسلام و شمشير و تمامي مباحث ديگر، هزاران صفحه اسناد غير قابل انكار است.
2. شما كه از ورود به مباحث پرهيز مي كنيد چطور حكم مي دهيد كه اين نويسنده خوب است همانطور كه انتقاد بي سند و مدرك شما ارزش بررسي ندارد تعريف و تمجيد ناآگاهانه تان هم قابل اعتنا نيست. بفرماييد طبق كدام داده هاي آماري متوجه شده ايد كه اين مباحث فقط در مناطق مرزي مورد توجه است و ديگران نسبت به آن بي محل اند؟ درك و پذيرش اين مباحث به اين بستگي دارد كه گيرنده تا چه حد در لجنزار دروغ فرو رفته است و از آغل آن كاه مي خورد و بالاتر از آن توفيقي

مي خواهد كه همانگونه كه خدا بارها فرموده است عده قليلي واجد آن هستند.در ضمن كسي منتظر اميدواري شما نيست بعكس، همين عدم اميدواري شما بسيار مايه اميدواري ما مي باشد.
3. طبق نظر شما هيچكدام از مخالفان و فحاشان مطالعات گسترده اي ندارند كه جرأت ورود مستند و سنگين به اين مباحث را ندارند.

نويسنده: جواب به مفلح 2

سه شنبه 20 بهمن1388 ساعت: 15:5

4. آن محافل روشنفكري كه فرموده ايد ما هم توصيه مي كنيم به اين مباحث وارد نشوند و به نشخوار مهضومات اربابان غربي خود مشغول باشند چرا كه لازمه ورود به اين مباحث تطهير از هر چيزي است كه طبق تعاريف فعلي مظهر روشنفكري شناخته مي شود.
5. اسلام آب زلالي است كه هر قوم و فرقه آن را به رنگي آغشته است چطور دم از اتحاد اين فرقه هاي رنگارنگ مي زنيد و مي فرماييد كه مباحث آقاي پورپيرار اتحاد شكنانه است؟ آيا غير از اين است كه تمام خرافات و كينه ها و اختلافات موجود در ميان مسلمين از همين روايات و همين كتب باصطلاح تاريخي يهود ساخته است؟ نخير جان من اتفاقا اين مباحث فقط سرچشمه را به رسميت مي شناسد يعني قرآن بي بديل را. همان كساني كه تورات و انجيل را به انحراف كشاندند و از تحريف قرآن عاجز ماندند ، حالا معتقدند كه قرآن نياز به متمم دارد و بدون روايت ناقص است.
6. گفته اي پرداختن به مباحث آقاي پورپيرار باعث انحراف از مباحث جديد تر براي پرداختن به مشكلات موجود و كشيده شدن به مسائل عقيدتي-قومي است. همين جملات مؤيد بي خبري شما از محتواي مطالب آقاي پورپيرار و عدم ورودتان به آنهاست. پس لطفا ديگر در اين عرصه وارد نشويد و همان صمد بهرنگي را بخوانيد.

نويسنده: جواب به مفلح 3

سه شنبه 20 بهمن1388 ساعت: 15:7

7. آقاي مفلح چرا از آن دوستتان نخواستيد كه چند تا از آن لغزشهاي زيادي كه معتقدند محقق داشته را بيان نمايد تا به او جواب دهيم آيا اين نشان دهندة آن نيست كه آن دوست شما هم خود شما هستيد؟
8. آقاي مفلح اينجا مطلب بي سند براي بنيان انديش قابل اعتنا نيست بفرماييد آن« يافته های آثار باستانی (تقريبا) معتبر و انتشار يافته از طرف خود يهوديان» كدام هستند تا بعد راجع به آن بحث كنيم.
9. در مورد عدم امكان پذيري پوريم به شكل يك نسل كشي كامل گفته اي: در جواب به دو نكته بايد توجه كني
a. ندانستن چگونگي انجام يك واقعه تاريخي مانع از پذيرش عين نتيجه قابل ديدار آن نمي شود. شما ممكن است بر فراز كوهها هم فسيل موجودات دريايي را پيدا كنيد شايد ما زير دريا بودن كوه را نتوانيم توجيه كنيم ولي دليل اين نمي شود كه بگوييم اين كوه زير دريا نبوده است چون آن فسيلها پيش چشم ماست.خدا هم مي فرمايد ما آسمانها و زمين را در هفت روز آفريديم. ما نمي دانيم چگونه، ولي حقانيت قرآن را قبول داريم و مي پذيريم. چند وقت پيش ايميلي دريافت كردم كه با تصاوير، سنگ چين هايي تاريخي را (به نظرم در بوليوي) نشان داده بود كه تخته سنگهايي به وزن 300 تن به دقت بر روي هم چيده شده بود بطوري كه مو لاي درز آنها نمي رود. خب چگونگي انجام اين كار اصلا قابل توضيح نيست ولي نتيجه را داريم مي بينيم و كاريش نمي توان كرد. همين طور اهرام مصر يا ديوار چين و ...و يا همين آثار تاريخي قبل از پوريم خودمان كه هنوز هم با همين تكنولوژي فعلي قابل ساخت نيستند. پس ندانستن چگونگي انجام پوريم مانع از پذيرش شواهد آن نيست.

نويسنده: جواب به مفلح 4

سه شنبه 20 بهمن1388 ساعت: 15:9

b. همه قبول داريم كه تورات تحريف يافته ولي نمي توان فقط با اين دليل گفت پس اصلا آدم و نوح و يعقوب وموسي و پوريمي نبوده، ما داستان پردازي تورات را قبول نداريم ولي اصل قضيه را بايد با دلايل محكم ديگر نظير قرآن و عوارض طبيعي و جغرافيايي قبول يا رد كنيم و نه صرفا تحريف يافتگي تورات.
c. دقيقا به همين دليل قبل است كه استاد بيش از 7000 صفحه مطلب و اسناد خدشه ناپذير در كتابها و وب سايت خود ارائه كرده است. حداقل 15 دليل ديگر بر وقوع اين رخداد پليد وجود دارد كه شما به گفته خود فرصت و حوصله پرداختن به آنها را نداريد. اگر تورات را قبول نداريد با انبوه تپه هاي باستاني كه در تمام آنها آثار سوختگي و قتل عام و اجساد برهم ريخته چه مي كنيد؟ كجاي دنيا با چنين پديده اي با اين گستردگي مواجه ايد. با اشيايي كه تاريخ ساخت آنها تا قبل از 2500 پيش است چه مي كنيد كه ديگر ادامه نيافته اند. با بي ريشگي زبان فارسي چه مي كنيد؟ با تلاش مذبوحانه يهوديها براي ساختن آثار جعلي چه مي كنيد؟ با نوساختگي شهرهاي ايران چه مي كنيد؟با تفاوتهاي آشكار فرهنگ و رسوم مردم ايران چه مي كنيد؟ و بسياري دلايل ديگر كه اگر جوياي حقيقت باشيد بايد مطالب درخشان استاد را بخوانيد.

نويسنده: reza71

سه شنبه 20 بهمن1388 ساعت: 17:15

جواد لاریجانی : اورشلیم قلب فرهنگی جهان

http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=85321

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 20 بهمن1388 ساعت: 17:27

با سلام
جناب عدنان خان زمان ضایع شدن همان لحظه ای بود که عباس خان فرمودند قرار است حرکتی صورت بگیرد!!!نه با در خواست دوستان در مورد اطلاع رسانی ایشان!!!!!!
و اینکه استاد در این بین خود تشخیص خواهند داد که قرار است ضایعاتی بوجود بیاید یا نه!!
در ضمن بنده آقا هستم!

نویسنده: مجید رجبی

سه شنبه 20 بهمن1388 ساعت: 17:55

استاد با سلام عکسهای مدخلهای 248 الی 251 باعکسهای تعدادی گوجه فرنگی و ... تعویض شده اند آیا سایت هک شده یا اشکال دیگری در کار است؟

آقای رجبی. در صفحه مدیریت و در صفحه بازدید از وبلاگ عکس ها در جای خودند. یک بار هم با فیلتر شکن امتحان کنید. ضمنا می توانید به سایت در آدرس naria.ir رجوع کنید.

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ایران شناسی 253

ایران شناسی بدون دروغ 253، نتیجه61، شناسایی کمال الملک نقاش - 54 نظر

نویسنده: بهروز

دوشنبه 26 بهمن1388 ساعت: 20:4

سلام.چند تا سوال داشتم. بنا به سخنان معتضد رضاخان اولین بار در هنگام تبعید در دوربان آفریقای جنوبی یک شهر نسبتا پیشرفته و اروپایی را دیده و از دیدن آنجا تعجب کرده! اگر این حرف را قبول کنیم پس رضاخان مترسکی بیش نبوده و تمام ساخت و سازها در دوران او برنامه ریزی شده بوده و او نمیتوانسته در مدرن سازی ایران دخالتی داشته باشد؟
مهندسین آلمانی که گفته میشه بسیاری از بناهای ایرانی را در زمان رضا خان ساخته اند از یهودیان این کشور بوده اند؟
وجود مناطقی با نامهای مشابه در ایران و کشورهای دیگر میتواند بیانگر مهاجرت آنها از آن مناطق به ایران بوده باشد؟رشت گیلان و تاجیکستان-کرج ایران و تاتارستان و سیبری روسیه و...
نام ایل قشقایی با نام منطقه قشقادریا مشابهت دارد و منطقه قشقا دریا ازبکستان یکی از مناطقی است که عربهای آسیای میانه در آنجا ساکن هستند ، احتمال دارد که قسمتی ازقشقایی ها از آن منطقه به ایران آمده باشند و عرب تبار باشند؟

نویسنده: جینگول

دوشنبه 26 بهمن1388 ساعت: 20:9

خانم حاجی زاده ! کتاب قانون انتهایش با بستن آیات قرآن تمام می شود و روی جلد قرآن می نویسد : بشوی اوراق اگر هم درس مایی.کجای این غنیمت است؟

نویسنده: جهان اسلام مشرکند

دوشنبه 26 بهمن1388 ساعت: 20:29

جهان اسلام مشرکند

با عرض تبریک وبلاگ چرا جهان اسلام را مشرک و کافر خواند

این جمع هم کافرشدند

http://www.chera2chera.blogfa.com



وب سایت

نویسنده: میثم

دوشنبه 26 بهمن1388 ساعت: 21:25

حرف از سریال سالهای مشروطه و حرفهای ضد یهودی سید جمال اسدآبادی شد، ولی نکته ای که هست و گفته نشد اینه که مگر سید جمال خود یک یهودی فراماسون نبود که میراز رضای کرمانی (آنوسی) یهودی به فرمان وی ناصرالدین شاه را کشت زیرا که این پادشاه حاضر نبود به یهودیان باج دهد؟ همچنان که یهودیان سلطان عثمانی را که حاضر به فروش فلسطین به یهودیان نشد، سرنگون کردند و سرانجام فلسطین را به چنگ آوردند؟ و مگر شاگردان شناخته شده سید جمال در ایران جز یهودیان آنوسی و بابی بودند؟ نمونه دیگر آنها داماد میرزا یحیی صبح ازل رهبر فرقه ازلیه (شاخه دیگر بابیه و بهائیه)، که اسم ملعونش نوک زبونمه ولی یادم نمیاد، یه کرمانی دیگه از منورالفکرهای دوره قاجار و نویسنده کتابهایی در باب تاریخ ایران باستان!

نویسنده: بی نام

دوشنبه 26 بهمن1388 ساعت: 23:19

استاد عزیز سلام علیکم-خسته نباشید

به چشم حتما"گزارشی از سفر کرمان خواهم نوشت وعکسها یی را که گرفته ام
ارائه خواهم داد .موقعیت خوبی است برای پس دادن درس از آموخته های کلاس درس شما . فقط یکی دو روزی فرصت می خواهم.
ضمنا" استاد نوشته های وبلاگی کتاب شده را بنده می خواهم داشته باشم هر زمان آماده توزیع بود اعلام بفرمایید . لطفا" هزینه دو کتاب ارسالی اسلام وشمشیر و مگر این پنج روز را نیز فراموش نفرمایید.

نویسنده: R134a

دوشنبه 26 بهمن1388 ساعت: 23:22

نخسته

نویسنده: khalil

دوشنبه 26 بهمن1388 ساعت: 23:56

احسنت استاد... احسنت
با اینکه رشته تحصیلی من نقاشی بود, مینیاتور های نقاشان ناشناس از قبیل بهزاد و مکاتب نقاشی آن دوران همیشه بحث کلاسی و سئوالهایی با جوابهای حل نشده ای داشت تا اینکه به کمال الملک برسیم که باز هم به مدد استاد, آن هم با تکه پازل گمشده به جای خود نشست.
واقعاً که استاد شاهکارهای شما تماماً پاسخ سئوالهای من است.
من منتظر بقیه داستان هستم تا ببینم در مورد مشروطه,ستارخان,ثقه الاسلام و... چه مطالبی دارید.
ممنونم

نویسنده: khalil

سه شنبه 27 بهمن1388 ساعت: 0:9

البته استاد این حدیث را هم از حضرت آقا امام جعفر صادق(ع) که برایم خیلی جالب آمد نگاهی بیاندازید.
"از کتاب هایتان مراقبت کنید که بعداً به آنها نیاز خواهید داشت" !!!!

نویسنده: reza

سه شنبه 27 بهمن1388 ساعت: 1:17

با سلام استاد.
این کامنت را در جایی دیدم.به نظر شما تا چه اندازه به واقعیت تاریخی کمونیسم نزدیک است؟

(... بعضی فکر می‌کنند اولین حکومت کمونیستی را مزدک ایجاد کرد.
در صورتیکه اولین بار این یهودیان بودند که جامعه بی طبقه تشکیل دادند. فاجعه مارکسیسم در قرن بیستم چیزی نبود جز انتقام یهود از مسیحیت ارتدکس. چرا آنها تمام قشر تحصیل کرده روسیه را یک به یک به گولاگها فرستادند؟ آیا جز برای نابودی مسیحیت در آن دیار؟ آیا می‌دانید اولین قانونی که بلشویک ها تصویب کردند مجازات مرگ برای آنتی-سمیتیسم بود؟ آیا می‌دانید اکثریت قریب به اتفاق اولین کمیته بلوشوئیک ها یهودی بودند؟ زنان لنین و استالین خود تروتسکی مادر بزرگ لنین و اکثریت آن حزب مخوف یهودی بودند. آیا می‌دانید که بهار پراگ یک شورش کاملا ضد یهودی بود؟ ...)

آقایreza . نه فقط ظهور که سقوط سوسیالیسم هم یک توطئه ی یهودی بود. فشار دولت شوروی نه فقط بر کلیسا که بیش تر و عمدتا بر مراکز و منابر و مساجد مسلمانان بود. ضمن این که میان آن روشنفکری روس که به سیبری می فرستادند، مومن به انجیل کم تر دیده می شد.

نویسنده: reza

سه شنبه 27 بهمن1388 ساعت: 1:39

در رابطه با کتاب قانون
کتابی که در سکانس نهایی بسته شد دفتر یادداشت های زن نو مسلمان بوده که ترجمه ای از آیات را داشته. شاید این سکانس و آن بیت شعر در تضاد باشند یا شاید منظور کارگردان رسم عشق زمینی است که در هیچ دفتری نیامده.
پیام نهایی و برداشت هر بیننده ای از فیلم این است : آیا ما همانگونه که قرآن از ما میخواهد مسلمان هستیم یا در بند پای چپ و راست و حاشیه ها هستیم؟
این دقیقا جوابی بود که من به شخصه پس از دیدن فیلم از یک مخاطب عادی گرفتم. جدای از تفسیرات بعدی فیلم در انتقال پیام تا حدود زیادی موفق بود.

نویسنده: reza

سه شنبه 27 بهمن1388 ساعت: 1:56

با تشکر از راهنمایی تان استاد. آیا منبع معتبری جهت مطالعه در این زمینه سراغ دارید؟ به نظرم جای خالی یک کنکاش اساسی در رابطه با ظهور و سقوط سوسیالیسم به قلم شما احساس میشود. هرچند شاید موضوع کهنه به نظر آید ولی جهت عبرت آموزی از تاریخ مفید خواهد بود.

آقای reza. اشارات منظم و مدونی، اختصاصا درباره نقش یهود در پیدایش سوسیالیسم لااقل به فارسی نداریم و بیش تر به صورت اشارات پراکنده است، زیرا روشن فکری ایران غالبا مزین به سبیل استالینی هنوز متعصبانه پیرو آن فرمان منع ضدیت با یهودیان صادره از سوی کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه است! مقاله ی مفصلی دارم به نام "اولترا امپریالیسم" که تا حدودی بر سایه مطالب نور می اندازد. بیابید و بخوانید.

نویسنده: Ùˆ موومان

سه شنبه 27 بهمن1388 ساعت: 8:15

سلام. به قول ناصرالدین شاه در فیلم کمال الملک: "چه کرده ای استاد"!!!

در ضمن، تصادفا به عکسی با نام "تبریز" برخوردم:

&http://images.google.com/imgres?imgurl=http://kimgrantmosaics.files.wordpress.com/2007/01/tabriz.jpg
imgrefurl=http://kimgrantmosaics.wordpress.com/category/architectural-
usg=__Tn7t6xzFG69-&/installations/murals
&tbnh=101&:tbnid=WKMcD7kV6p4WJM&itbs=1&start=1&hl=en&sz=280&w=599&h=446&=7ftP9mpKhlXLOxc
prev=/images%3Fq%3Dtabriz%2Bkim%26gbv%3D2%26hl%3Den%26safe%3Doff&tbnw=135

نویسنده: سعید

سه شنبه 27 بهمن1388 ساعت: 8:39

با سلام خدمت استاد پورپیرار
نقاشی این دو دختر گدا را با نقاشی نقاش فرانسوی William Bouguereau به نام Petites mendiantes مقایسه کنید

size=large&http://www.artrenewal.com/pages/artwork.php?artworkid=1344

نقاشی دو دختر گدا کپی ناشیانه ای از نقاشی رنگ روغن این نقاش قرن نوزدهم فرانسوی است اگر این نقاشی کپی است پس میتوان اعتبارات این نقاش باشی را هم مچاله کرد و به زباله دان تاریخ انداخت

نویسنده: اترش

سه شنبه 27 بهمن1388 ساعت: 9:20

سلام بر همگی

برزخ، نشانه و اعجاز دیگری در قرآن کریم:
http://bazkhani.blogfa.com/post-30.aspx

وب سایت

نویسنده: عکس

سه شنبه 27 بهمن1388 ساعت: 9:43

عکس های قدیمی از حرم امام رضا(ع)
http://www.persianv.com/preview/085252.php
عکس جالب و واقعی از امیرکبیر
http://www.persianv.com/aksha/085075.php
عکس: سجده شکر غواص سعودی درعمق دریا
http://www.persianv.com/jalebha/083103.php
عکس : دخیل بستن به شیوه دیگر کشورها
http://www.persianv.com/jalebha/084467.php

نویسنده: اترش

سه شنبه 27 بهمن1388 ساعت: 10:42

آقای سعید چه سوتی ناجوری است تابلوی دو دختر گدا و چه خوب مشت دغلکاری ها را باز می کند. ما را باش که وادارمان کرده اند به چه دلخوش باشیم و چه چیز را افتخار بدانیم. مثل اینکه همه چیزمان کپی ناشیانه ای از دست آوردهای آنور آبی هاست.

ممنون از استاد که همچنان در حال روشنگری است و کولاک به پا می کند.
این هم کمال الملک ما در ویکی پدیا:
http://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%A9%D9%85%D8%A7%D9%84%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%84%DA%A9

آقای ioومان مثل اینکه لینک را اشتباهی گذاشته اید، این لینک در مورد سرامیک و کاشی کاری های تزیینی است.

آقای اترش. تمام این حقه بازی آن جا برملا می شود که او را در 9 سالگی به دارالفنون می فرستند! ضمنا با دلایل کافی می توان اثبات کرد که همان کپی دو دختر گدا را نیز در اروپا کشیده اند.

وب سایت

نویسنده: معترض

سه شنبه 27 بهمن1388 ساعت: 13:37

در تاریخ نگاری این کمال ملک ما اما مورد بسیار مهمی را از قلم انداخته اید که از ویکی پدیا نقل است:

۱۲۸۰: بازگشت به ایران و تمارض مصلحتی به سکته
۱۲۸۵: مرگ مظفرالدین شاه و خوب شدن سکته استاد!

آخر مگر سکته آنفولانزای خوکی است که خوب شدنی باشد یا نباشد؟
می دانید مطالب این وبلاگ شما همه اش مایه دردسر است... حالا باید رفت و شرحیه ای بر کتاب ها نوشت که «دارالفنون مدرسه ی به کمال بود. قسمتی از آن به مهد کودکان اختصاص داشت چراکه قدمای ما به تربیت و تعلیم از سنین کودکی واقف بوده اند!»
این هم دارالفنون در ویکی پدیا:
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D9%84%D9%81%D9%86%D9%88%D9%86

نویسنده: منگلی

سه شنبه 27 بهمن1388 ساعت: 15:10

سلام-
در یکی از شهرستانهای استان کرمان روستایی دستکند به نام میمند وجود داره.

آقای منگلی. می دانید در این فرهنگ یهود نوشته ایرانیان چند صاحب اندیشه و قطب روزگار از میمند دست کنده برخاسته است؟!! می توان یکی از آن حفره های در کوه را دانشگاه آزاد میمند هزار سال پیش فرض کرد، چه اشکالی دارد؟! کتاب را هم که دوره گردان می فروخته اند. استاد هم از اورشلیم ارسال می شد!

نويسنده: مهدي - مهدي

سه شنبه 27 بهمن1388 ساعت: 15:15

سال قبل، تقريباً همين روزها، براي يافتن طويله محمّد شاه راه افتادم و به قصرهاى ناصر الدين شاه سر زدم از مسئولين و راهنماهاي آنها سئوال كردم كه آيا اين كاخ هاي ناصر الدين شاه از پيش وجود داشته، آيا او آنها را توسعه داده يا از ابتداء ساخته است؟ معلوم شد كه ناصر الدين شاه بنيان گذار تمام آن كاخ ها بوده. از آنها پرسيدم محل حكومت محمّد شاه (پادشاهي كه بلافاصله پشت ناصر الدين شاه است) كجاست؟ با تعجب نگاه كردند گويي تا حالا به اين مسأله فكر نكرده بودند. كمی منّ و منّ كردند و گفتند كه نمي دانيم. گفتم نمي دانيد يا وجود ندارد؟ جواب روشني ندادند. گفتم فاصله زماني بين اين دو شاه وجود ندارد پس ممكن نيست اگر كاخی بوده از بين رفته باشد. باز نگاه كردند و شانه هايشان را بالا انداختند. خنده دارتر از همه علت مرگ محمّد شاه است: بر اثر بيماري "نقرس". انسان ممكن است از سرما خوردگي بميرد ولي از نقرس نمي ميرد. جالب است كه تا كنون هيچ پزشكي به اين مطلب اعتراض نكرده است.
نهايتاً بر من معلوم شد كه قبل از ناصر الدين شاه كسي در اين كشور بر تخت ننشسته است.

آقای مهدي - مهدي. نقرس که هيچ، در تاريخ يهود نوشته ما چند سردار و سلطان بلند مرتبت را به مرض قولنج کشته اند، که معمولا با ماساژ خوب می شود!!؟ نمونه اش هم سلطان محمد خوارزم شاه در جزيره آبسکون، که از ترس مغولان به آن پناه برده بود!؟

نويسنده: جينگول

سه شنبه 27 بهمن1388 ساعت: 23:55

جناب آقا رضا بخش عمده ی دست اندر کاران آن فيلم جديد الاسلام اند.سكانس نهايی در صفحه سمت چپ آيات اگر اشتباه نكنم سوره حجرات است كه بسته می شود و روی آن می نويسد بشوی اوراق اگر همدرس مايی.... يعنی كتاب نوشته های همان زن تازه مسلمانی كه مدافع قرآن بود با اين توضيح اگر هدف اشاعه قرآن باشد بايد به نوعی سخنان زنهای فاميل بسته ميشد نه عروسشان. راستی اين لينك رو حتما نگاه كنيد بد نيست حالا كه حرف از ماركس و.. شده
http://i50.tinypic.com/i5awwi.jpg

نويسنده: سعيد

چهارشنبه 28 بهمن1388 ساعت: 9:13

با سلام
جناب جينگول
آيا اين انگلس نميدانسته برای يادگيری زبانی كه نيم كلمات آن در همين اواخر اختراع شده ميبايست با كلمات عربی كاملا آشنا باشد تا بتواند اين زبان آسان! را بفهمد عجيب است همه از گوته و انگلس و حتی شاهان ترك عثمانی شيفته اين عروس هزار دامادند اين يهوديها زمانی كه بخواهند دستپخت خودشان را به خورد مردم بدهند ابتدا ماهيت طعمها را جابه جا ميكنند تا چشنده زهر آنها به جای تلخی احساس شيرينی در مذاقش احساس كند

نويسنده: ad

چهارشنبه 28 بهمن1388 ساعت: 12:1

http://balatarin.com/permlink/2010/2/17/1955325
اسناد محرمانه انگليس در باره ايران

نويسنده: مسعود

چهارشنبه 28 بهمن1388 ساعت: 12:55

بنام خدای مهربان
با سلام بر جناب پورپيرار و دوستان

لطفا اگر زحمت نیست مقاله اولترا امپریالیسم را در سایتتان قرار دهید ما گشتیم پیدا نکردیم
با تشکر

نویسنده: ایلماز

چهارشنبه 28 بهمن1388 ساعت: 14:57

با سلام
استاد پیدا کردن مقالات متفرقه شما بسیار مشکل است!
اگر برایتان مقدور است مقالات در دسترس را در وبلاگ بگذارید.
ممنون

آقای ایلماز. به سایت www.naria.ir رجوع کنید.

نویسنده: فتح

چهارشنبه 28 بهمن1388 ساعت: 15:48

.زیدیه، جنبشی سیاسی در شمایل مذهب-http://www.bbc.co.uk/persian/world/2010/02/100216_u02-yemen
zaidis.shtml
آقای پور پیرار گویا هنوز مطالبی در ژرفای تاریخ هست که شما هنوز از آن چیزی نگفته اید.

نویسنده: شاهد

چهارشنبه 28 بهمن1388 ساعت: 16:22

سلام جناب استاد. دارم یک کتاب می نویسم در خصوص مسائل فرهنگی و... گرچه قبلا می دونستم کتابهای شفا در ایران چاپ می شه ولی اینو که امروز دیدم ترسیدم مردم وقتی کتابم چاپ بشه بگن اینم جهوده!
http://www.jahannews.com/vdcizva3.t1aqw2bcct.html
راستی تو پست قبلی یه مطلبی نوشته بوم به این مضمون که
" به زودی به انتهای اولین دهه از آغاز ارائه نظریات آقای پوپیرار نزدیک می شویم. تجربه ارائه دو مستند در جامعه همراه با تجربه هایی گران از نحوه تعامل و سازماندهی ها همراه ماست باید پرسید اکنون که فضا را می شود تا حدودی مساعد کرد آیا زمان آن نرسیده است که با تکیه به امکانات و داشته های خود به پایه گذاری مجموعه های اجتماعی قانون مند روی آوریم؟ خوشحال می شوم دوستان نظراتشان را ارائه دهند. " احتمال می دم به دلیل تعطیلات دوستان کمتر توجه کردن.حالا اگر نظر خاصی در این زمینه دارند بگن بد نیست.

نویسنده: جینگول

چهارشنبه 28 بهمن1388 ساعت: 18:27

جناب سعید سلام ؛ این حرام زادگان استاد جعل اند! استاد جعل!

نویسنده: جواب به شاهد

چهارشنبه 28 بهمن1388 ساعت: 21:29

آقا یا خانم شاهد شک نکنید پس از امام (ره) این نظام و دولت باز یافت مجدد سلطنت و باستان پرستی پهلوی است که کار نیمه تمام انها را به اتمام می برد.

نویسنده: فتح

پنجشنبه 29 بهمن1388 ساعت: 0:27

آینده مسلمانان در قرن21 چه خواهد بود؟
ماهاتیر محمد
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=98565
علت عقب ماندگی جهان اسلام
ماهاتیر محمد
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=98379

نویسنده: ad

پنجشنبه 29 بهمن1388 ساعت: 1:27

با یک اهل مطالعه باهوشی صحبت میکردم گفت دارم به نتایجی میرسم که نود درصد چیزهایی که به ما میگویند دروغ است گفتم صد درصد را قبول کنی بیحساب میشویم !!! بعد سایت شما را معرفی کردم که قرارشد بخواند

نویسنده: سعید

پنجشنبه 29 بهمن1388 ساعت: 2:52

سلام دوستان عزیز. مباحثی را در مورد شنیدن یا عدم شنیدن مرده ها شروع کرده بودم که بحمد الله آخرین قسمت آن را تمام کردم. از همه دوستان می خواهم اگر نقصی داشته باشد مرا راهنمایی کنند.
استاد عزیز با پذیرش مهاجرت اولین "ایرانی ها" از 400 سال پیش آیا جنگ های منطقه ای بر سر این خاک پوریم زده رخ نداده؟ اگر این چنین است آیا نباید قبول کرد اولین دولت مقتدر در ایران امروز همان پهلوی بوده باشد که توانست بر کل خاک امروزی ما تسلط پیدا کند؟ مگر می شود با اولین روزهای ورود مهاجرین چنان دولتی بوجود بیاید که با کشورهایی مانند روسیه و عثمانی وارد جنگ شود!!! شبیه جنگ های خشایارشا!

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 29 بهمن1388 ساعت: 9:28

استاد عابدی. ظاهرا باز هم چیزی در سایت گیر کرده است! خسته نباشید و سر حال باشید.

آقای سنجری. مراحم شما نه فقط به انجام کار کمک می کند بل موجب دل گرمی است. ممنونم.

نویسنده: رامین.ص

پنجشنبه 29 بهمن1388 ساعت: 10:51

باسلام به استاد:
با جعلی بودن کمال الملک تکلیف شاگردان ایشان نظیر: استاد اولیا و شیخ و اسماعیل اشتیانی و مهدی سجادی که 93 سالگی خود را بشت سر گذاشته و تصاویر خود به همراه استاد هم ارایه داده هست چه میشود؟ با این حساب این اشخاص هم نیستند و ان وقت با مساله حقوقی ایجاد شده چه کار باید کرد؟ باتشکر فراوان.

آقای رامین.ص. از مرگ کمال الملک 70 سال می گذرد و 15 سال پیش از مرگش هم چنان که می گویند در حسین آباد نیشابور منزوی بوده و تدریس نمی کرده، که جمعا می شود 85 سال. حالا این دوست 93 ساله شما لابد در 8 سالگی و احتمالا آخرین شاگرد کمال الملک بوده!!!؟ شما که تصویر او را دیده اید بفرمایید عکس با کمال الملک او مربوط به چند سالگی اش است؟

نویسنده: آرمین

پنجشنبه 29 بهمن1388 ساعت: 12:22

با سلام خدمت استاد پورپیرار،لطفا سایت زیر را مشاهده نمایید.ممنون از تمامی زحمات شما.
http://www.alvadossadegh.com/fa/article/44-alaeme-zohoor/971-1388-09-30-19-38-07.html

---

آقای آرمین. مطلب مهملی بود.

نویسنده: reza71 انجمن حجتیه 1

پنجشنبه 29 بهمن1388 ساعت: 15:25

انجمن حجتیه در اول انقلاب، به امام پیام دادند که جوانان تحصیلکرده‌اي را داریم که مي‌توانند در کشور مدیریت کنند؛ ایشان هم پیام دادند که ما نیازي به جوان‌هاي شما نداریم و این جوانان و مردمي که انقلاب کردند، خودشان مي‌توانند کشور را

اداره كنند.
اين جريانات تا زماني كه امام حيات داشتند، به گوشه‌اي خزيده بودند، اما بعد از ارتحال ايشان، در مراكز مختلف براي پيشبرد اهداف خودشان (كه احيانا مقابله با نظام است) نفوذ كردند و اكنون اين سخنان را مطرح مي‌كنند كه امام بنا بر مصلحت از مردم سخن مي‌گفتند، بيان اصل جمهوريت ناشي از شرايط زمان و مكان بوده است و يا اينكه ايشان در پاريس مجبور بوده است كه اين سخن را بگويد و اين مساله اصالتي در انديشه ايشان نداشته است، بلكه قائل به خلافت اسلامي بوده‌اند.
محتشمي‌پور با بيان اينكه اينها به اين خاطر كه با اساس نهضت امام مخالف بودند، اين حرفها را مي‌زنند، تصريح كرد: من به طور مشخص مي‌توانم از جريان انجمن حجتيه نام ببرم كه پشت سر تمام فتنه‌هایی که رخ داده اين انجمن را مي‌بينم. اين تفكر در دوره فعلي، در قالب برخي بنيادها و تشكل‌ها با عناوين و اسامي ديگر فعال است و در بسياري مراكز نفوذ دارد و از طريق برخي چهره‌ها و شخصيت‌هايي كه در زمان امام اجازه مطرح شدن نيافتند و افكارشان دقيقا مخالف امام است عمل مي‌كنند. البته آن چهره‌ها كه طرفدار برخوردهاي خشن هم هستند، تلاش مي‌كنند تا اينگونه جلوه دهند كه مانند امام مي‌انديشند، در حالي كه آن بزرگوار مخالف كاربرد خشونت، حتي در مقابل رژيم شاه بود.
اين همراه امام در دوران تبعيد خاطرنشان كرد: در فرانسه، چندين‌بار از درون ارتش شاهنشاهي تماس گرفتند و گفتند كه آمادگي حركت را مسلحانه داريم و يا برخي گروه‌هاي اسلامي پيشنهاد كارهاي مسلحانه مي‌دادند، اما امام قبول نمي‌كردند و در مقابل چهره زيباي اسلام را ديديم كه مردم به ارتشي‌ها گل مي‌دادند كه اين روش امام بود.

نویسنده: reza71 انجمن حجتیه 2

پنجشنبه 29 بهمن1388 ساعت: 15:27

تفكر انجمن حجتيه متحول شده است و اكنون اعتقاد دارند كه "نبايد دست روي دست بگذاريم تا فساد جهان را فراگيرد و مقدمه ظهور امام زمان باشد، زيرا اين امر باعث مي‌شود تا حركت‌هايي براي اصلاح جامعه صورت گيرد و ظهور عقب بيفتد و لذا وظيفه ماست كه كمك كنيم تا فساد همه‌جا را فراگيرد. در همين راستا تخريب اخلاق، اقتصاد، سياست و... در دستور كار آنها قرار گرفته تا حضرت ظهور كند. "
محتشمي‌پور هشدار داد: اين گرايش جديد براي نظام، انقلاب و همه‌چيز ما بسيار خطرناك است.
ظام جمهوري اسلامي هم لفظ نيست، بلكه واقعيتي است و محتوايي دارد كه به آن ارزش مي‌دهد كه اگر آن محتوا از بين رفت، اين نظام مانند جمهوري اسلامي پاكستان يا موريتاني مي‌شود. زيرا در اين كشورها، عملا آزادي وجود ندارد، نه واقعيت اسلام و نه جمهوريت، بلكه وابسته به قدرت‌هاي بزرگ مانند آمريكا هستند. خداوند هم وعده نداده است كه يك ملت هرگونه عمل كرد، آنها را ياري مي‌كند. بلكه او ملت و جامعه‌اي را ياري مي‌كند كه در چارچوب حركت توحيدي گام بردارند.

نویسنده: ایلماز

پنجشنبه 29 بهمن1388 ساعت: 17:23

با سلام
جناب شاهد خان کمی بیشتر می توانید توضیح دهید؟!

نویسنده: شاهد

پنجشنبه 29 بهمن1388 ساعت: 18:41

جناب جواب به شاهد.متاسفانه در ابعاد فرهنگی به دلیل عدم وجود دیدگاه صحیح بروز بخش قابل توجهی از افاضه های مسئولین از بدو انقلاب در اساس با سیاست های هویتی پهلویها یکی بوده است ولی حرف من این است که آیا اکنون عزمی برای انجام امور قانونی برنامه ریزی شده میان دوستان هست یا نه؟

نویسنده: شاهد

پنجشنبه 29 بهمن1388 ساعت: 20:56

جناب ایلماز مطلب واضح است باید آرام آرام به سوی تحرکات قانوی اجتماعی پیش رویم.تا کی می خواهیم مستند بیرون بدیم و رایگان در سایت آپلود کنیم؟ 10 سال گذشت آیا زمان اون نرسیده چهره هامون رو حقیقی کنیم و گامهای محکمتری برداریم؟من از همه برای این کار دعوت می کنم.از همه بدون استثناء.

نویسنده: مسعود

پنجشنبه 29 بهمن1388 ساعت: 21:26

سلام علیکم و خسته نباشید.

استاد به نظر میرسد "مجیب الرحمان" همانند نهرو و محمد علی جناح چهره منتخب یهودیان برای جدا کردن جمعیت

مسلمان شرق شبه قاره از هند بوده است .

اما برای من مشخص نشد که این "عوامی لیگ" که الان هم ظاهرا" فعال است عامل ترور مجیب الرحمان بوده است یا برعکس این حزب مرتجع و ساخته پرداخته یهودیان بوده است!؟
اگر مصدع اوقات شما نیست مختصری در این مورد مرقوم بفرمایید.
با تشکر و عرض ارادت .

نویسنده: جواب به شاهد

جمعه 30 بهمن1388 ساعت: 3:47

باید یگویم اگر هم چیزی بوده با برنامه ریزی دقیق و تبلیغات ومدرسه و دانشگاه و رادیو و تلویزیون و مجله و و و دیگر مجالی نمانده اگر هم کسی حرفی بزند همان برنامه ریزان او را ضد انقلاب و ولایت و اسلام و... خلاصه تنها خانه موجود همین وب لاگ است که آن هم تحت بازرسی شدید و یا به قول امروزی ها رصد است اگر شما توانستید توجیه کنید دلیل مطرح کردن ولنتاین چیست و چرا با برنامه یک دفعا در سایتهای راست و چپ سپندگار مذ یه چیزی تو مایه بز یا گوسپند مذ و از این اسامی گه یک دفعه خلق میشه میدن بیرون چیه ای ول.

نویسنده: ad

جمعه 30 بهمن1388 ساعت: 10:41

http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=86482

آقای ad. شرحی مصنوعی و مسخره بود برای تایید فرصت طلبانه و ضمنی جنگ های صلیبی و خلافت عباسی: دو جعل گردن کلفت برای تاریخ اسلام، از سوی مورخان یهودی. اولا اگر این سنگ نوشته مربوط به زمین بخشی مقتدر، خلیفه عباسی است، پس به ابتدای قرن چهارم مربوط است و نه قرن اول هجری! بعد اگر سند واگذاری زمین از سوی خلیفه را، در هزار سال پیش هم بر سنگ می نوشته اند، پس این همه داستان کتاب نویسی عهد عباسی چه گونه ممکن بوده است؟! و بالاخره این که تعیین قدمت خط عرب به سبب ثبات شیوه ی نگارش و بر مبنای مندرجات کتاب پاپیروس ها، تقریبا نامیسر و یا لااقل نامطمئن است ولی این قطعه سنگ مربوط به زمانی است که خط عرب در تفکیک و استقلال و نظم صورت ظاهر حروف، رتبه معینی یافته و از 5 و 6 قرن پیش دورتر نمی رود. کاش به جای این روضه خوانی درباره سنگ لااقل اعلام می کردند سکه مربوط به چه زمانی است؟

نویسنده: شاهد

جمعه 30 بهمن1388 ساعت: 10:45

چند وقت قبل زمانی که حرف سیاست و اپوزیسیون و ... شد آقای پورپیرار در کامنتی گفتند تا سیاسی کهنه کار نشدید حرفی در این زمینه نزنید.ما تبلیغ خودمان را انجام می دهیم و پیش می رویم. مثلا زمانی که مستند تخت گاه هیچ کس روی سایت قرار گرفت پیشنهاد دادم که تبلیغات این مستند را به روزنامه ها ببریم همه گفتند ما نمی توانیم تبلیغات این مستند را به روزنامه ها ببریم و همین فرمایشات شما را که نسبتا قابل توجه است را آوردند ولی نتیجه چه شد؟ من 10 روزنامه را می شناسم که تبلیغ کردند.خبر انتشار این مستند در خروجی محرمانه ایرنا گذاشته شد. خبر هم اینگونه بود که گروهی با تبلیغات زیاد سعی می کنند هخامنشیان را به یهودیان نسبت دهند و آنها را عامل کشتار ایرانیان جلوه دهند این گروه اخیرا فیلمی را ساخته اند که در آن سعی می شود تا تخت جمشید مظهر امپراطوری هخامنشی نیمه کاره جلوه کند و نام مستعار آنها عکس ایران است و برخی از آنها اعضای سابق احزاب منحله هستند و....البته این نقل به مضمون است و الان دقیق همه خبر خاطرم نیست این خبر گرچه در ظاهر یک خبر هشدار دهنده بود ولی پیام ما را به خوبی می رساند که فیلمی با این مشخصات ساخته شده و مخاطب با یک سرچ می توانست به آن دست یابد.در این صورت باید بگویم ما به هدفمان رسیدیم. از میان روزنامه ها روزنامه های خراسان اعتماد و همبستگی را مطمئنم و خودم دیدم که خبر را با تغییراتی منتشر کردند.البته باید باز دوباره به حرف شما بازگردم که شرایط کنونی بسیار مزخرف است کشوری که ادعای آزاد اندیشی دینی را یدک می کشد این چه وضع برخورد با یک نظریه تاریخی است؟ این کاملا درست است و کسی نمی تواند منکر شود .این تازه فرهنگ است کشوری که مبارزه با فسادش از دستگیری زباله دزد ها شروع می شود آینده اقتصادی اش به خوبی روشن است ولی هنر و کار ما پیش برد اهدافمون با همین شرایط است من با اصطلاح بازرسی شدید وبلاگ چندان همراه نیستم به گمانم هنوز لایه ای از تفکر در دستگاه حاکمه ایران دیده می شود همان امری است که به گمانم پورپیرار را تا کنون نسبت به سلامت برخی مقامات قانع نگه داشته است." آنها هر اندازه بر گوهر حقیقت خاک می پاشند ما به ستردن آن بپردازیم و یقین داشته باشیم آینده تابناک حقیقت از آن مردم ستم کشیده مرز و بوم ماست "

نویسنده: ایلماز

جمعه 30 بهمن1388 ساعت: 11:33

با سلام
استاد آیا کتاب ها و مستند آماده عرضه شده اند؟
جناب شاهد خان می توان در هر منطقه تیمی کارا و با برنامه ای جامع تشکیل داد و حرکت را به صورت قانونی اجتماعی آغاز نمود!!

آقای ایلماز. دو جلد اول کتاب تا یادداشت 78 آماده ارسال است و مستند سوم هم عن قریب و به خواست خدا آماده می شود.

نویسنده: ad

جمعه 30 بهمن1388 ساعت: 12:1

از ویلیام بلو (رسام نقشه جهان در 1635)در ویکیپدیا اثری نیست به نظر شما عمدی در کار هست یا من نتوانستم بیابم ؟ کجا میشه بقیه کارهاشو دید ؟

اگر سی دی جدید زود تر منتشر نشود در مشغله های تعطیلات آخر سال کم رونق خواهد شد

نویسنده: حکیمی

جمعه 30 بهمن1388 ساعت: 13:5

اینم یه بابایی که اسم ما رو دزدیده!
http://i45.tinypic.com/343oo4m.jpg

آقای حکیمی. همکار پیدا کرده اید. برای اثبات صحت عمل ایشان اگر فرصت کردید معاینه بفرمایید شخص حکیم بواسیر و یا اعتیاد نداشته باشد!

نویسنده: ad

جمعه 30 بهمن1388 ساعت: 15:25

جالبه همه تاریخ ما همه اش مصوره و از همون اول (ناصرالدین شاه) عکس عکاسی بوده

نویسنده: شاهد

جمعه 30 بهمن1388 ساعت: 18:5

حضرت ایلماز عزیز پیشنهادم تشکیل موسسات بود

نویسنده: حکیمی

جمعه 30 بهمن1388 ساعت: 19:13

چشم جناب استاد ولی خودتان شاهد باشید ما برای اجرای اوامر شما تا کجاها پیش رفتیم!

نویسنده: م

جمعه 30 بهمن1388 ساعت: 21:51

اگر کسانی مایل به اقدامات عملی و تبلیغی هستند، اطلاع دهند. راه بسته نیست بلکه یک دست صدا ندارد مگر بر زانوی خود زدن.

۱ ۲ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 254

ایران شناسی بدون دروغ 254، نتیجه62، نقشه برداری از شهرهای ایران در دوران قاجار،7 - 69 نظر

نویسنده: khalil

سه شنبه 4 اسفند1388 ساعت: 23:43

استاد واقعاً خوشحال شدم این خبر را شنیدم.انشاءالله به این صورت حقایق آشکار خواهد شد.
من از شما وتمامی دوستانتان تشکر میکنم.

نویسنده: khalil

چهارشنبه 5 اسفند1388 ساعت: 0:5

متن کامل پاسخ بوش به احمدی نژاد؛ محمود فرجامی

«آقای محمود احمدی نژاد
رییس جمهور جمهوری اسلامی ایران؛

نامه ارسالی شما از طریق سفارت سوییس، حافظ منافع ایالات متحذه امریکا در ایران، دریافت شد. بسیار خوشحال هستم که سرانجام باب تعامل و گفتگو بین دو کشور بزرگ و اثرگذار جهان یعنی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا با این نامه باز شده است. همچنین درایت شمار را در تنظیم آن متن مصلحانه می‌ستایم که به جای پرداختن به مسایل بی اهمیتی نظیر نفت به ذغدغه‌های بزرگتر بشری پرداخته بودید. این نشان می‌دهد که ما و شما در يك چیز با هم اتفاق نظر داریم و آن همان است که شما ایرانی ها به آن "کار را به کاردان بسپار" می‌گویید. به عبارت بهتر شما قبول دارید که دخالت در کارهای کم اهمیت مربوط به زمین بر عهده ما باشد و تعیین تکلیف در مورد امور آسمانی به عهده شما. کاملا موافقم به شرط آنکه به کاهش بهای نفت کمك کند!

آقای رییس جمهور
گمان می‌کنم – فارغ از اوضاع و افکار عمومی حاکم بر تهران و واشینگتن- من و شما در بسیاری از مسایل مثل هم فکر می‌کنیم.
مثلا شما از این نگران هستید که ما عراق را 50 سال به عقب برگردانیم و ما هم از این نگران هستیم که شما ایران را 50 سال به عقب برگردانید! شما نگران این هستید که ما صدها میلیارد دلار از خرانه چند کشور بیگانه برداریم و صرف هزینه‌های خودمان غیرضروری کنیم و ما هم نگران این هستیم که شما صدها میلیارد دلار از خزانه کشور خودتان بردارید و صرف هزینه‌های نامربوطِ دیگران کنید!
یا مثلا شما از من می‌پرسید: " چرا چنین مخالفت گسترده ای با برگزاری همه پرسی انجام می شود؟ " و من هم از شما می‌پرسم " چرا چنین مخالفت گسترده ای با برگزاری همه پرسی انجام می شود؟ " منتها شما از رییس جمهور امریکا در مورد همه‌پرسی در "فلسطین" می‌پرسید و من از رییس جهمور ایران در مورد همه‌پرسی در "ایران"!

نویسنده: khalil

چهارشنبه 5 اسفند1388 ساعت: 0:6

در حقیقت حتی من فکر می‌کنم که ما حتی در مورد مساله اسراییل هم یکسان عمل می‌کنیم: من طوری در مورد اسراییل و هویت تاریخیِ آن صحبت می‌کنم که در نهایت به سود منافع امریکا باشد و شما هم طوری در مورد اسراییل و هویت تاریخی آن حرف می زنید که در نهایت به سود منافع امریکا باشد!

آقای رییس جمهور احمدی نژاد
قطعا می‌دانید که من نه آموزگارم و نه مانند شما سواد آکادمیك و دانشجو دارم. اما تا آنجا که آقای سازگارا به من گفته‌اند شما در رشته مهندسی عمران که يك رشته فنی است تحصیل کرده‌اید و در دانشکده‌ای فنی از دانشگاه علم و صنعت نیز تدریس کرده‌اید. بنابراین من نمی‌فهمم که چطور دانشجویان مهندسی، در کلاس‌های فنی با شما که معلم‌شان بوده‌اید در مواردی نظیر سیاست‌های امریکا، صلح جهانی، آموره‌های مسیح(ع) و لیبرالیسم بحث می کرده‌اند و شما نیز تاریخ جنگ‌های جهانی و هولوکاست را به آنها آموزش می‌داده‌اید!
آیا مفهوم "رشته‌های مهندسی" در ایران به معنای همان چیزی است که در سایر جاهای دنیا به آن "علوم انسانی" می‌گویند ؟ یا واقعا شما به کسی که قرار است سد و جاده و ساختمان بسازد در مورد تاریخ و فلسفه و دین و سیاست آموزش می‌دهید؟! اگر اینگونه است پس بی جهت نیست که چند برابر تلفات کلِ ارتش‌های خاورمیانه و آسیا، هر سال تلفات جاده‌ای دارید و با هر زلزله‌ی متوسطی، ده‌ها هزار نفر در ایران کشته می‌شوند!

آقای احمدی‌نژاد عزیز
البته نمی‌خواهم با این نامه در امور داخلی کشور شما دخالت کنم و اصولا گزینه نظامی را ترجیح می‌دهم ولی به آن دسته از مردم و یا دانشجویان که به نوشته شما دایما "نقشه 60 سال پیش جهان را نگاه می‌کنند و دنبال اسراییل می‌گردند و نمی‌توانند آنرا پیدا کنند" توصیه می کنم تعداد کشورهای جهان در آن تاریخ را از روی نقشه‌ها و کره‌های قدیمی بشمارند و با تعداد کشورهای جهان در حال حاضر مقایسه کنند، تا آرام بگیرند و بگذارند ما هم آرام باشیم.
گذشته از اینها من گمان می‌کنم بهتر است اگر برایتان مقدور نیست تا به دانشجویان رشته‌های مهندسی‌تان درس‌های فنی بیاموزید، دست کم تعدادی نقشه و کره جغرافیایی جدید برای آنها تهیه کنید تا این‌قدر مجبور نباشند اسراییل را بر روی نقشه‌ها و کره‌های 60 سال پیش پیدا کنند! (ایالات متحده امریکا حاضر است

نویسنده: khalil

چهارشنبه 5 اسفند1388 ساعت: 0:7

تحریم‌های ایران را در خصوص فروش تعداد معدودی نقشه و کره جدید توسط شرکت‌های امریکایی به موسسات ایرانی را لغو کند به شرط آنکه ایران هم کلیه فعالیت‌های غنی‌سازی خود را فورا به حالت تعلیق درآورد!)

آقای محمود احمدی‌نژاد
شما در نامه‌ی طولانی‌تان يك سطر را به مسایلی که باید برای ایرانی‌ها خیلی مهم باشد مثل " کودتای ۱۳۳۲ و به تبع آن سرنگونی رژیم مشروع وقت، مخالفت با انقلاب اسلامی، تبدیل سفارت به مقر حمایت از فعالیت های مخالفان جمهوری اسلامی، حمایت از صدام در جنگی که علیه ایران به راه انداخت، مورد اصابت قرار دادن هواپیمای مسافربری ایرانی و مسدود کردن دارایی های ملت ایران" اختصاص داده‌اید و در مقابل 12 صفحه در مورد مسایلی که برای شهروندان امریکایی مهم است مثل وضعیت روحی سربازان امریکایی در عراق، هرینه‌های سرسام آور جنگ عراق و دفاع از اسراییل برای مالیات‌دهندگان امریکایی، یازده سپتامبر و عوامل آن، کودتاها در امریکای لاتین، بی‌خانمانهای ایالات متحده و دستورات عیسی مسیح(ع) نوشته‌اید.
این نشانه حسن نیت شماست و من از طرف ملت و دولت امریکا از شما سپاسگزارم که حتی در این شرایط بحرانی و در این مجال و موقعیت تکرار ناشدنی نیز، آنقدر مهربان و از خودگذشته‌اید که به جای کشور و ملت خودتان به فکر ایالات متحده و ساکنان آن هستید. مطمئن باشید هیچ رییس‌جمهور در طول تاریخ مانند شما عمل نخواهد کرد!

همکار عزیز
متاسفانه بیش از این وقتی برای پاسخ به نامه شما ندارم وباید برای گروهی از نیروی دریایی که ذر قالب سه ناو هواپیمابر عازم خلیج همیشه فارس ایران هستند، عازم یکی از بنادر شوم. به هرحال صمیمانه‌ترین تشکرات خود و همکارانم به ویژه خانم رایس را از اینکه با درك موقعیت ما، نامه‌تان را طوری تنظیم کردید که کوچکترین خللی در تلاش‌های ما در خصوص اجماع جهانی بر علیه ایران وارد نساخت، تقدیم دارم.

با سپاس و احترام
جورج بوش کوچك
رئیس جمهور ایالات متحده امریکا

پی نوشت: راستی دوست عزیز
چون نه در امریکا و در هیچ کجای جهان، هیچ سفارتخانه و حتی شخصی حافظ منافع ایران نیست؛ مجبورم این نامه را با يك کبوتر ارزان قیمت چینی بفرستم یا اینکه وقتی خودم آمدم ایران آنرا بهت تحویل بدهم. امیدوارم راه اول کمتر طول بکشذ!

آقای khalil. در فارسی مثلی است که می گوید: زبان خر را خلج می فهمد و یا برعکس!

نویسنده: بابک

چهارشنبه 5 اسفند1388 ساعت: 11:38

سلام
به این میگن غیرت ایرانی
http://www.football3.ir/news.do?itemid=19271

نویسنده: جعفری جایگزین مشایی شد

چهارشنبه 5 اسفند1388 ساعت: 15:36

http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=87530

بد نبود که این حضرات به جای رجوع به شاه نامه، نگاهی هم به نقشه سنندج 150 سال پیش می انداختند. ضمنا مشاعی در مجله مربوط به کردها چه می کند؟!

نویسنده: 5

چهارشنبه 5 اسفند1388 ساعت: 17:47

http://www.durbeen.org/view.php?id=272

الجزیره: پاکستان ریگی را یک هفته پیش به اطلاعات ایران تحویل داده بود!
و باز هم سناریو قدرت نمایی !

نویسنده: رعد

چهارشنبه 5 اسفند1388 ساعت: 22:5

سلام .با این جمله شما : در این شهر 200 ساله قائم مقام فراهانی ...
باید بعد از کمال الملک نوبت امیر کبیر باشه ؟!
این هم حتما هم کشک و هم پشم ...
پنبه شاه و نقاش و وزیر زده شده ؟

نویسنده: توحید

چهارشنبه 5 اسفند1388 ساعت: 22:35

با سلام

از همه دوستان به خاطر دیرکردارسال فایل مکالمات در مورد مستند تختگاه هیچ کس عذر خواهی می کنم که ناشی از اندک مشغله پیش آمده است ، حتی خودم نیمی از مستند را از دست دادم . در ضمن سایتی را جهت آپلود فایل صوتی نمی شناسم . از دوستانی که اطلاع دارند تقاضای مساعدت دارم .
البته بهتر است در نوبت بعدی که مستند پخش می شود و توسط دوست عزیزمان عباس اطلاع رسانی می شود ، سایر دوستان نیز لااقل از طریق رادیو رنگانگ مکالمات را ضبط کنند . بنده فعلا قصد دارم متن مکالمات را تایپ کنم و تا جمعه در یک وبلاگ قرار دهم .

با تشکر.

آقای توحید. ممنون

نویسنده: لینک

چهارشنبه 5 اسفند1388 ساعت: 23:8

استاد عزیز این سایت کلی عکس مربوط به حک.مت پهلوی و قاجار دارد که شاید به کارتان بیاید

احمدشاه سوار بر اتومبیل در راه سفر به اروپا
SP=Farsi&PhotoID=470&http://www.ir-psri.com/Show.php?Page=ViewPhoto

احمدشاه و درباریان
SP=Farsi&PhotoID=468&http://www.ir-psri.com/Show.php?Page=ViewPhoto

بازداشت ساواكي ها در اسفند ۱۳۵۸
SP=Farsi&PhotoID=465&http://www.ir-psri.com/Show.php?Page=ViewPhoto

عزت الدوله دختر محمدشاه و همسر اميركبير
SP=Farsi&PhotoID=463&http://www.ir-psri.com/Show.php?Page=ViewPhoto

احمدشاه و محمد حسن ميرزا وليعهد به هنگام بازديد از يك هواپيماي ملخ دار
SP=Farsi&PhotoID=462&http://www.ir-psri.com/Show.php?Page=ViewPhoto

نویسنده: reza

پنجشنبه 6 اسفند1388 ساعت: 1:32

آقای توحید
سایت www.4shared.com را امتحان کنید که با یک عضویت ساده فضای 10 گیگابایت مجانی در اختیار میگذارد.بالطبع شنیدن مکالمات بسیار راحت تر از خواندن چند صفحه می باشد.
همانگونه که قبلا نیز پیشنهاد داده بودم اگر صلاح میدانید فایل ها را برایم ایمیل کنید تا در اسرع وقت پس از ادیت آنها را آپلود نمایم.naria211@yahoo.ca

این هم قسمتی از مکالمات که من ضبط کرده بودم.

http://www.4shared.com/file/226522538/78dfa993/RangaRang_TV-Takhtgahe_Hichkas.html

صفحه عضویت
http://www.4shared.com/signup.jsp?df=226522538

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 6 اسفند1388 ساعت: 4:1

آقای×××. اجرای فرامین طبیعی نیازی به حضور شاهد ندارد. مثلا اگر اخلال انسانی نباشد و در عین حال گله های غزال و مرال و آهو و گوزن باشد، پس وجود شیر و ببر و پلنگ نیز برای برقراری توازن طبیعی محرز است با این همه و از جمله می توانید به تصاویر پلنگ های کشته شده و در پای ناصر الدین شاه افتاده و نقوش فراوان شیر در سراسر ایران و از جمله در پرچم آن، رجوع کنید. مباحث موجود نیز به اشاره می گذرد و نیاز به تکرار نقل های طولانی ندارد. چنان که ابتدا باید تکلیف خود را با پوریم و با ناتمام ماندن بنای تخت جمشید روشن کنید. اگر این مبانی کلان را پذیرفته باشید سئوالات فرعی در زمره اضافات و افاضات است و اگر نپذیرفته اید مستندها را ببینید و یادداشت ها را تا پایان بخوانید.

نویسنده: امیرحسین ب

پنجشنبه 6 اسفند1388 ساعت: 9:20

"پوریم" یادآور روابط دیرین یهودیان و ملت ایران (وزارت امور خارجه اسرائیل)

😁😁😁😁

http://www.hamdami.com/MFAFA/JewishFeasts/090309-Pourim.htm

نویسنده: حاجی زاده

پنجشنبه 6 اسفند1388 ساعت: 12:20

سلام
حدود صدوهشتاد سال پیش اولین ایل کوچ نشین وارد شهر زادگاه من شده و با مشاهده ی هکتارها زمین حاصل خیز و بکر، ساکن شده اند، بدون هیچ درگیری با کسی و یا بومیان احتمالی، هر شخصی با تملک بخشی از این زمین ها، برای اولین بار خاک آنرا شخم زده اند! پدرم بخوبی وجود انواع مار و خرس و گراز و... را در کوههای نزدیک شهر و تا سی سال پیش به خاطر دارد که البته اینک اثری از آنها پیدا نیست.

نویسنده: khalil

پنجشنبه 6 اسفند1388 ساعت: 12:22

استاد در مورد طوفان, مؤمنان در کشتی چند سال در داخل کشتی ماندند؟ ذخیره غذایی به چه شکلی تأمین میشد؟ آیا آنها در هنگام توقف در کوه که یکی از بلندترین وسردترین کوهها‌ست توانسته اند در مقابل سرما دوام بیاورند؟

آقای khalil . به این می گویند سئوالات یهودی. احتمالا غذاهای آماده ساخت کارخانه مائده می خورده و پتوی پرنیان و کاپشن پر قو همراه داشته اند!!! بلند اقبالی خوانندگان است که از نحوه برآوردن دیگر احتیاجات شان از جمله رجوع به

کنیسه در شنبه ها نپرسیده اید. مدت بر روی آب ماندن کشتی هم به علت نبودن ساعت بیگ بن و روز شمار یهودی در آن زمان نامعین است! زیرا زمان نوح پیامبر مقدم بر موسای پیامبر بوده است.

نویسنده: محمدي

پنجشنبه 6 اسفند1388 ساعت: 13:49

سلام بر استاد و ديگر دوستان
من اين روزها دارم تحقيقاتي روي فيلم هاي پيامبران مي كنم. برخي فيلم ها را پيدا كرده ام و برخي را نه. به همين خاطر مي خواستم از دوستاني كه با سينما آشنايي دارند خواهش كنم نام فيلم هايي كه در موضوع پيامبران است را برايم بنويسند.
خصوصا دنبال فيلمي هستم كه داستان حضرت صالح و شترش را بازگو مي كند، اما نامش را نمي دانم.
اگر در مورد لوط و هود هم نام فيلمي بخاطرتان مي رسد مرا بي نصيب نگذاريد.
ممنون از همگي

نویسنده: حاجی زاده

پنجشنبه 6 اسفند1388 ساعت: 15:29

ضمنا، آن عامل تهدیدکننده ای که مسبب ساخت قلاع بوده است، بطوریکه سازندگان کاروانسراها برای استراحت و خواب، بدانجا مراجعت می کرده اند، در روز و به هنگام ساخت و ساز منتفی می شده است!؟ آیا واقعا بنای کاروانسراها، با ظهور قلاع می تواند مقارن و همزمان باشد!؟

نویسنده: ×××

پنجشنبه 6 اسفند1388 ساعت: 19:10

جناب پورپیرار بنده تمام کتابهای چاپ شده حضرتعالی در ایران و سنگاپور را خواندم به علاوه اسلام و شمشیر و یادداشت های ایران شناسی تان. لذا کاملا با نظریاتتان آشنا هستم و اگر واقعه پوریم را در جلد یک کتابتان نمیپذیرفتم انصافا با توجه به شرایط کاریم که روی یکی از سکوهای نفتی در خلیج همیشه فارس کار میکنم و دور از زن و بچم و خستگی ناشی از کار اصلا سراغ سایر کتابها نمیرفتم و مباحث ایران شناسیتونو پیگیر نمیشدم و پرینت نمیگرفتم. لذا نظریاتتان از پوریم تا صدر اسلام و از پیدایش صفویه و کاروانسراها و ... تا الان هم برایم قابل قبول است ولیکن تنها موضوع قلاع ها برایم حل نشده زیرا در مقالات 13 - 14- 15 شما در مورد قلاع ها بیشتر به واقعیت نزدیک میبینم تا نظریه فعلیتان در مورد استراحتگاه بودن این قلعه ها برای سازندگان کاروانسراها و در امان ماندن از جانوران وحشی آن دوره. زیرا حداقل یک مجموعه خدم و حشم چند هزار نفری برای ساخت تک تک این ابنیه ها نیاز بود که حتما از عهده این حیوانات هم بر میامدن.

آقای ×××. برای بنای قلاع عوامل دخیل را از جهات گوناگون ارائه می دهم که عاملی اصلی و آن دیگری فرعی تر است، چنان که تقسیم بندی کاربردی آن ها بنا به دور و نزدیکی به زمان ما نیز به همین صورت متفاوت دیده می شود. اما در این کامنت هم ننوشته بودید که پوریم و ناتمام بودن بنای تخت جمشید را پذیرفته اید یا نه؟!

نویسنده: ×××

جمعه 7 اسفند1388 ساعت: 18:43

سلام. در کامنت قبل خدمتتان عرض کردم که واقعه پوریم را پذیرفتم و باالطبع پذیرش آن بدون قبول نیمه کاره بودن تخت جمشید امکان پذیر نیست. ضمنا از طرفی به ما یاد دادید که بپذیریم که قومی بنام فارس یا پارس وجود نداشته و از طرفی نوشته کامنت منو به " خلیج همیشه فارس" تغییر میدهید!! جالبه

۱ ۲

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 255

ایران شناسی بدون دروغ 255، نتیجه63، نقشه برداری از شهرهای ایران در دوران قاجار، 8 - 53 نظر

نویسنده: ad

پنجشنبه 6 اسفند1388 ساعت: 20:37

فاصله یادداشتها زیاد است ، خواهشمندیم کمی سریعتر !

آقای ad. این روزها گرفتاری کنیسه زیاد است تا خاخام این یادداشت ها را بنویسد و برای من بفرستد هفته ای طول می کشد. ضمن این که باید برای تنظیم یادداشت ها به صورت کتاب نیز وقت بگذارم که نیازمند چند بار خواندن مجدد و ویراستاری دقیق و نهایی هر یادداشت است!

نویسنده: فرید

پنجشنبه 6 اسفند1388 ساعت: 20:37

استاد این چه پلیس بازیه در آوردن؟! همه دنیا رو آنتن زنده دیدن فیلمو نظر دادن حالا هی این یکی میگه فایلو بفرست من ادیت کنم بعد! شما خودتون به آزادی بیان اعتقاد دارین اصلا که بعد می نالین که چرا آزادی بیان نیست و از این حرفها؟!؟

نویسنده: ×××

پنجشنبه 6 اسفند1388 ساعت: 21:27

سلام مجدد
یک سوال منو خیلی آزار میده و ان هم اینه که: چه دلیلی داشت که از اقوام مختلف در ایران پوریم زده جهت تجمع و تمدن سازی برای سرپوش گذاشتن بر واقعه پوریم استفاده بشه ؟ آن هم مسلمان(البته نمیدانم که این اقوام از ابتدای ورود به ایران مسلمان بودند یا خیر؟) و آیا این اقوام نیروی کار کارگزاران یهودی سازنده این ابنیه ها بودند یا خیر و بعد از ساخت و ترک سازندگان آن به ایران خالی از سکنه رانده شدند؟
چرا اصلا خود قوم یهود که آنزمان هنوز در سرزمین موعودشان متمرکز نشده بودند به ایران خالی از سکنه نیامدند که این همه هزینه در طول تاریخ جهت سرپوش گذاری بر پوریم نکنند؟ و چندین سوال بنیادی دیگر که به وقتش از حضورتان خواهم پرسید فعلا مشتاقانه منتظر پاسختان هستم

نویسنده: سعید

پنجشنبه 6 اسفند1388 ساعت: 21:28

سلام
استاد عزیز از پست جدید ممنون. حاوی مطالب مهمی بود
در مورد قلاع ایرانی من در یکی از دروس دانشگاهی مجبور شدم تحقیق وسیعی انجام دهم. به این نتیجه رسیدم که همان یونانیان ساکن ایران در برهه ای از زمان سکونت خود در ایران (یعنی ابتدای مهاجرتشان) مجبور به ساختن این قلاع شدند. همه می دانیم که آنها یا تبعید شده بودند یا فرار کرده بودند. پس طبیعیه که هنوز از ترس در بالای کوهها زندگی کنند. البته این ها قلاعی بود که پس از پوریم ساخته شده. وجود آب های باقی مانده از طوفان نوح در دشت ها را هم نمی توان نادیده گرفت (؟). طبیعتا دشواری زندگی در قلاع چیزی نبوده که سازندگان را مجاب کند که در دشت ها زندگی کنند. حتما وحشت یا اجبار زیادی وجود داشته. البته باید بپذیریم که قتل عام پوریم هم دوره زمانی زیادی را لازم داشته تا همه ایران خالی از سکنه شود برای همین می توان گفت که دیگر قلاع ایران در همان زمان مقارن با پوریم ساخته شده اند. شواهدی هم که در همین وبلاگ موجود است مبنی بر وحشت پوریم زدگان در حجاری ها.
توجه به این نکته هم حائز اهمیت است که ایران قبل از پوریم سرزمین صلح و آشتی بوده و استاد عزیز هم حدا قل یک پست کامل در مورد ثبات ایران قبل از پوریم نوشته اند.
استاد نظر نهایی شما چیست

آقای سعید. در سرزمین خالی از سکنه ای که بیش از دو هزاره به طبیعت واگذار شده بود، به دست آوردن خوراک فراوان از طریق صید آسان، روی آوردن به گوشت خواری مطلق و ناگزیر و بی نیازی به کشت و زرع، چنان که در سرزمین پهناور اتازونی رواج بود، یک امکان قابل قبول است. با این توجه که گوشت خواری محض موجب کوتاهی عمر، کندی تولید مثل و ناسالمی نسل خواهد شد.

وب سایت

نویسنده: khalil

پنجشنبه 6 اسفند1388 ساعت: 22:4

این مطلب را در کتیبه ای که در شاه عبدالعظیم نصب شده بود برداشتم.
حضرت امامزاده طاهر(ع)از نوادگان حضرت زین العابدین (ع)بوده و نسب او با هشت واسطه به امام سجاد(ع) میرسد.مرقد مطهر ایشان قرنها ناشناخته بود تا اینکه هنگام مرمت قبور منطقه,بدن مبارک حضرتش آشکار گردید و هویت او بر اساس مندرجات سنگ مزار مشخص شد.
حضرت امامزاده طاهر (ع)از علما وعابدان بزرگ زمان بود.گفته می شود از جمله کرامات او شفای ظل السلطان قاجار است که از دو چشم نابینا بود و به حضرت متوسل گردید ودیدگان خود را باز یافت,لذا بقعه و ضریح مرقد آن حضرت را مرمت نمود!!!!

این فقط یک کتیبه از طاهر بود. بقیه کتیبه ها هم تخیلی بودند.یعنی اینها تا چه حد ما را مسخره خود قرار داده و ما را احمق فرض کرده اند.(البته رفتار بعضی زائران در برخورد با این مکانها را همه دیده ایم و نیازی به توضیح ندارد)
استاد من منتظر نوشته های بعدی هستم.

نویسنده: فتح

پنجشنبه 6 اسفند1388 ساعت: 22:44

آقای پورپیرار با توجه به مقدمه ابن پست
نقشه هایی که عرضه می شود مجموع مایملک تمدنی موجود در این سرزمین و علامت آغاز تلاش برای تدارک امکانات تجمع دوباره و پس از پوریم ایران، از دو قرن قبل است. خردمندان و صاحبان نظر، بی نیاز به ورم های تاریخی یهود ساخته، این اطلاعات غیر قابل انکار و مطمئن را مکتبی برای خروج از توهمات ملی و ورود به عرصه خود شناسی قابل دفاع می گیرند. اگر به دنبال علت اشتیاق دربار تزار برای نقشه برداری از شهرهای ایران بگردیم، از این مایه غلیظ و گوارای حقیقت می نوشیم که نیازمندان ایجاد تحرک دوباره اجتماعی در ایران پوریم زده، مسئولیت اجرای طرح ایران سازی خود را به سبب پایین ماندن هزینه ها و امکان ارتباط نزدک، تدریجا و در طول چند قرن، به امکانات شمالی واگذارده اند و این نقشه ها، از آن که هیچ موجب و مصرف اقتصادی و سیاسی و نظامی ندارد، تنها ارائه گزارش انجام موفقیت آمیز طرح و احتمالا از جمله مستندات صدور صورت حساب است! در این باب شاهکار و شیرین ترین بخش این عملیات، توفیق در تولید سلسله قاجار از زمان ناصر الدین شاه و به محض آماده شدن کم ترین زمینه های زیر بنایی لازم بوده است! با این نگاه اغلب نزدیک به تمامی شخصیت های سیاسی و فرهنگی اوائل قاجار و به گونه ای حتی میرزا تقی خان امیرکبیر، نمایشی می شوند!
پس تکلیف انگلیسی ها چی میشه که آنها را عامل بدبختی ادواری مردم ایران معرفی کرده اند.یعنی اینکه همه دسیسه ها کاره روس ها است.

آقای فتح. گفته اند که عجله کار شیطان است!

نویسنده: توحید

پنجشنبه 6 اسفند1388 ساعت: 23:4

با سلام خدمت استاد و سایر دوستان .

قسمت اول مکالمات پس از پخش مستند را برای علاقه مندان در وبلاگم قرار دادم . امیدوارم که مورد توجه قرار گیرد .

با تشکر .

نویسنده: محمد جواد

جمعه 7 اسفند1388 ساعت: 1:2

آقای توحید سلام بد نبود آدرس وبلاگتان را هم میگذاشتید. ممنون

نویسنده: لینک

جمعه 7 اسفند1388 ساعت: 1:22

و این چنین است که آدمی لال می شود!

پسر بنیانگذار جنبش حماس جاسوس اسرائیل از آب درآمد
http://www.radiofarda.com/content/
f2_Israel_Shinbeth_Mosab_Yousef_spy_Hamas_Bargouti_Palestine/1968016.html

میترا فرهمند (اسرائیل)
پسر شیخ حسن یوسف، بنیانگذار و رهبر اصلی جنبش حماس در کرانه باختری، تایید می‌کند که سال‌ها به عنوان جاسوس اسرائیل فعالیت می‌کرده است.

مصعب حسن یوسف، پسر شیخ حسن یوسف، در مصاحبه‌ای با روزنامه هاآرتص تایید کرده است که در سال‌های پی در پی «شین بت»، تشکیلات امنیت داخلی اسرائیل، را از تصمیمات مهم سران حماس و به‌ویژه عملیات‌های انتحاری که قرار بوده انجام شود آگاه می‌کرده و با رساندن اخبار موجب خنثی شدن آنها می‌شده است.

مصعب حسن یوسف که اکنون ۳۲ سال دارد می‌گوید به اقدام خود افتخار می‌کند و هیچگاه از کرده خویش پشیمان نیست، زیرا موجب نجات جان انسان‌های بی‌شمار شده است.

مصعب حسن یوسف که از ده سال پیش از اسلام «به خاطر تشویق به خشونت» بریده و به مسیحیت گرویده و اکنون در آمریکا زندگی می‌کند به روزنامه اسرائیلی هاآرتص گفته است که تا هنگامی که افراطیون رهبری فلسطینی‌ها را در دست داشته باشند صلح را امکان‌پذیر نمی‌داند.

نویسنده: لینک

جمعه 7 اسفند1388 ساعت: 1:24

مصعب حسن یوسف هنگامی که حدود ۱۸ سال داشت، در سال ۱۹۹۶ به خاطر دخالت در اقدامی تروریستی برای نخستین بار از سوی تشکیلات امنیتی اسرائیل دستگیر شد.

در آن سال که تازه اسحاق رابین، نخست وزیر وقت اسرائیل، کشته شده بود و اسرائیل در آستانه انتخاباتی سرسختانه میان حزب کارگر با حزب لیکود بود، حماس به یک سلسله عملیات انتحاری گسترده دست زد که هدف از آنها جلوگیری از پیگیری روند صلح میان یاسرعرفات و دولت وقت اسرائیل بود.

حماس در هدف خود موفق شد و با شکست شیمون پرز که جانشین اسحاق رابین بود، بنیامین نتانیاهو، رهبر لیکود، به نخست وزیری رسید.

در چندین عملیات انتحاری پی در پی آن سال، صدها اسرائیلی در شهرهای مختلف، به‌ویژه اورشلیم، در اماکن عمومی کشته و صدها تن دیگر زخمی شدند. این عملیات در سال‌های بعد نیز کماکان ادامه یافت، اما اوج آن دوباره پس از «انتفاضه الاقصی» بود.

مصعب حسن یوسف تایید می‌کند در سال ۱۹۹۶ که تازه دستگیر شده بود، توسط بازجویان «شین بت» یا شباک متقاعد شد که خبرها را به اطلاع این سازمان برساند تا از عملیات تروریستی دیگر تا حد ممکن جلوگیری شود.

مصعب حسن یوسف در سال ۱۹۹۷ آزاد شد و از آن زمان با «شین بت» به همکاری گسترده پرداخت، و به نوشته هاآرتص، به «مهم‌ترین همکار اسرائیل در شاخه نظامی حماس» تبدیل شد.

مصعب حسن یوسف به‌ویژه در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ به «شین بت» کمک زیادی کرد. «انتفاضه الاقصی» از سال ۲۰۰۰ آغاز شده بود.

در این پنج سال، مصعب حسن یوسف موجب دستگیری شمار زیادی از سران و فعالان بارز حماس و سازمان‌های مرتبط با حماس و تشکل‌های دیگر شد.

یکی از کسانی که او موجب دستگیری‌اش شد، عبدالله برغوثی، از فعالان مهم حماس، بود. ابراهیم حامد و مروان برغوثی نیز از دیگر افرادی بودند که با یاری مصعب حسن یوسف دستگیر شدند.

نویسنده: لینک

جمعه 7 اسفند1388 ساعت: 1:24

مروان برغوثی، از دستیاران مهم یاسر عرفات، به اتهام قتل بیش از هشتاد اسرائیلی در سال ۲۰۰۲ دستگیر شد و به پنج بار حبس ابد محکوم شد و هنوز نیز در زندان اسرائیل است.

به نوشته روزنامه هاآرتص، مصعب حسن یوسف به جلوگیری از عملیات سوءقصد بسیاری علیه مقامات اسرائیلی نیز کمک کرد تا جایی که «حتی ممکن است که این شخصیت‌ها هنوز خود ندانند که زندگی‌شان را به او مدیون هستند».

یکی از این افراد شیمون پرز است که در سال ۲۰۰۱ برنامه‌ای برای سوءقصد به جانش طراحی شده بود و برنامه‌ریز اصلی آن عبدالله برغوثی بود.
مصعب خود تلفن همراه جدیدی خرید و به عبدالله برغوثی داد و بلافاصله نیز شماره آن را به «شین بت» اطلاع داد و همه سخنان برغوثی ضبط و طرح او سرانجام خنثی شد.
مسئولان «شین بت» یا «شباک» مصعب حسن یوسف را با عنوان «شاهزاده سبز» خطاب می‌کردند که اشاره سبز به رنگی است که جنبش حماس از زمان برپایی خود از آن استفاده کرده و پرچم این سازمان نیز به رنگ سبز اموی است.

مصعب حسن یوسف در آستانه انتشار کتابش در آمریکا در مصاحبه‌ای با هاآرتص می‌گوید: «ای کاش اکنون در غزه بودم و همراه با سربازان اسرائیلی یونیفورم ارتش اسرائیل را به تن می‌کردم و برای آزادی گیلعاد شالیط (سرباز اسرائیلی اسیر در دست حماس) تلاش می‌کردم.

مسئولان «شین بت» به هاآرتص گفته‌اند که مصعب حسن یوسف به خاطر کمک به تامین امنیت منطقه و جلوگیری از عملیات ترور انتحاری بسیاری افراد شایسته دریافت «جایزه امنیتی اسرائیل» است.

جایزه امنیتی اسرائیل هر سال به فرد یا سازمانی داده می‌شود که به تامین امنیت این کشور کمک کرده باشد، اما در اکثر موارد نام برنده این جایزه اعلام نمی‌شود.

مصعب حسن یوسف خاطرات خود در این باره را در کتابی با نام «پسر حماس» منتشر کرده است.

هاآرتص می‌نویسد: «امنیت اسرائیل تنها مدیون شباک، موساد و ارتش نیست. فلسطینی‌هایی نیز در این تامین امنیت شریک هستند، اما برخلاف «شاهزاده سبز» بسیاری از این فلسطینی‌ها ترجیح می‌دهند که نامشان فاش نشود.»

نویسنده: منصور

جمعه 7 اسفند1388 ساعت: 9:6

با سلام خدمت استاد ودوستان ارجمند
در مورد قلعه ها شايد آنچه بتوان با اطمينان بيشتر گفت آن است كه محل يك زندگي معمولي و حتي خانوادگي نبوده است.
براي اثبات اين مدعا بايد ديد آيا مثلا قبرستاني در حوالي آنها هست كه نشان دهد براي مدتي مثلا يك يا چند نسل، يك تجمع انساني در آنجا زندگي مي كرده اند يا خير.
شايد يك احتمال اين باشد كه زمان آنها را هزاران سال قبل از پوريم بدانيم كه زندگي بسيار بدوي بوده است و بگوييم انسانهاي مرده را جلو حيوانات مي انداخته اند. ولي عجيب اين است كه حتي در صورت چنين تصوري باز هم بايد آثاري نظير آلات شكار يا وسايل اوليه براي تهيه غذا وجود داشته باشد كه چنين نيست. بنده خود از قلعة رودخان در نزديكي فومن بازديد كرده ام اين قلعه علي رغم مسير صعب العبور دوسه كيلومتري، هيچ نشاني از زندگي در آن قابل مشاهده نيست.
حال بايد پرسيد پس به چه دليل آنهمه خشت وگل و سنگ و با كدام نيرو اولا تهيه شده ثانيا به بالای كوه آورده شده و ثالثا بر اساس چه ديدگاهی به چنين معماريی ساخته شده است.
با کمی جستجو می بینیم با شواهدی مشابه چنین پناهگاه هایی حتی در سطح زمین هم موجود است. یک نمونه از آن در ساحل دریای جنوب در حوالی گاوبندی در استان هرمزگان دیده می شود که به تازگی رئیس جمهور مکتبی نام آن را به پارسیان تغییر داد. در این نمونه هم کوه به صورت پناهگاه در چند اتاقک کنده شده که دوسال پیش براثر عملیات راه سازی کشف شد و متاسفانه مقدار زیادی از آن تخریب شد و تمام کوزه کاسه ها نابود یا به یغما رفت. نمونه بزرگتری درجزیرة قشم هم موجود است.
نگاه دوم به این قلعه ها این است که همان دیدگاه کاروانسرا ها , میلها و برجهای پرت و مخفی از انظار را در مورد این قلعه ها صادق بدانیم چرا که قلاع نسبت به موارد اخیر مصالح ساده تر و دم دست تری نیاز داشته است و ساخت آنها نیز فقط برای مسکون نشان دادن ایران صورت گرفته است.
البته تا نظر استاد و دوستان عزیز چه باشد.

نویسنده: احمدي‌نژاد

جمعه 7 اسفند1388 ساعت: 9:18

احمدي‌نژاد با تاكيد بر اينكه شياطين به دنبال آن بودند كه از تولد امام و به قله كمال رسيدن بشريت جلوگيري كنند، اظهار داشت: همه شياطين بر غافل كردن بشر از امام و امام عصر متمركز بوده‌اند اما در نقطه مقابل، همه مصلحان بشر را به اين امام بشارت دادند و به سمت امام هدايت كرده‌اند.
وي در ادامه سخنان خود با اشاره به اينكه اگر حاكميت امام عصر نباشد همه خلقت بشر و بعثت انبياء بلاوجه بوده و بي‌ثمر است، يادآور شد: همه آنها آمده‌اند تا مقدمات امامت امام عصر و حاكميت ايشان را براي برپايي عدالت و به واسطه آن، مقدمه شكوفايي كمال انسان را فراهم آورند.

* امام تجلي و اكمل خداست

http://www.moneyandmarkets.com/armageddon-3-37911

وب سایت

نویسنده: توحید

جمعه 7 اسفند1388 ساعت: 6:30

با عرض معذرت آدرس وبلاگ را فراموش کردم قرار دهم ....

وب سايت

نويسنده: محمدي

جمعه 7 اسفند1388 ساعت: 12:55

سلام بر استاد و ديگر دوستان
من اين روزها دارم تحقيقاتي روي فيلم هاي پيامبران مي كنم. برخي فيلم ها را پيدا كرده ام و برخي را نه. به همين خاطر مي خواستم از دوستاني كه با سينما آشنايي دارند خواهش كنم نام فيلم هايي كه در موضوع پيامبران است را برايم بنويسند.
خصوصا دنبال فيلمي هستم كه داستان حضرت صالح و شترش را بازگو مي كند، اما نامش را نمي دانم.
اگر در مورد لوط و هود هم نام فيلمي بخاطرتان مي رسد مرا بي نصيب نگذاريد.
ممنون از همگي

نويسنده: لینک

جمعه 7 اسفند1388 ساعت: 14:57

حضور سربازان اسرائیلی در حرم ابراهیمی
http://parsine.com/fa/pages/?cid=17750

اجرای ترانه"مرا ببوس"در تشییع یک ایرانی در لندن
http://parcham.ir/vdca.mnak49nwi5k14.html

مراجع جدید در مطالعات قرآنی
http://seifi.blogspot.com/2010/01/blog-post_31.html

دیدارهای "محرمانه" محسن رضایی با مراجع
http://parcham.ir/vdcj.ieofuqeyisfzu.html

احمدي‌نژاد با سيدحسن نصرالله ديدار كرد
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8812070185

نويسنده: لینک

جمعه 7 اسفند1388 ساعت: 15:30

یادم هست در پستی در مورد حافظ نوشته بودید که اشاره به واژه عکس کرده بودید امروز می خواهم سایت هایی را به شما معرفی کنم که زیاد به کارتان می اید
سایت زیر برای جستجو واژه ها در بین تمامی شعر های شاعران فارسی است
برای نمونه من واژه عکس را در سایت زیر جستجو کردم و خروجی را برای چند بیت از مولانا، حافظ، فردوسی، نظامی، سعدی، عطار، سنایی، وحشی،ناصر خسرو، منوچهری، فرخی سیستانی، خاقانی، انوری، اوحدی، خواجوی کرمانی، عراقی، صائب تبریزی، شیخ محمود شبستری، جامی، ابو سعید ابوالخیر، ملک الشعرا بهار، محتشم کاشانی، شیخ بهایی، سیف عرفانی،فروغی بسطامی، عبید زاکانی، امیر خسرو دهلوی، رودکی، شهریار، خاقانی، عبد الواسع جبلی، فخر الدین اسعد گرگانی، فیض کاشانی، سلمان ساوجی، رهی معیری، اقبال لاهوری، بیدل دهلوی، داشت!
/http://ganjoor.net
author=0&http://ganjoor.net/index.php?s=%D8%B9%DA%A9%D8%B3
دقت کنید که در پایین صفحه قسمت سمت چپ گزینه ای به نام صفحه بعدی دارد.

اما سایت های جستجو در شعر ها!
بهترین : http://ganjoor.net
بقیه: /http://www.recent.ir
/http://www.jasjoo.com که این سایت باید به بخش اشعار کهن که در زیر واژه کتابخانه است بروید و در انجا جستجو کنید
/http://www.parset.com/Culture/Poems

نويسنده: لینک

جمعه 7 اسفند1388 ساعت: 15:56

لینک جستجو با مشکل بر خورده است این را امتحان کنید
author=0&http://ganjoor.net/index.php?s=%D8%B9%DA%A9%D8%B3

نويسنده: مهدي - مهدي

جمعه 7 اسفند1388 ساعت: 17:56

جناب آقاي پورپيرار،

محقق اصالت شناس، خسته نباشيد. اكنون كه نطفه هاي اوليه حيات متمدن و مديريت متمركز در ايران مشهود مي شود، نشانه هاي مكر اللهي آشكارتر مي گردد. مي بينيم كه بخش عمده اي از رجال قاجار ناموجود و آنان كه واقعي هستند همه غير بومي و فرستادگاني از جغرافيايي ديگر هستند. آنگاه كه مي بينيم از ميان فرزندان همين رجال نامسلمان غير بوميِ مأمور، كساني بيرون مي آيند كه مسلمان و ضد يهود هستند، معلوم مي شود كه طراحان اين نقشه وسيع انتظار اين طرح و مكر خداوند را نداشته اند. مصدق كه گذشتگان او از همان مأموران و فرستادگان بودند، نمونه اي از اين مكر خداوندي است:
"پدرش ميرزا هدايت الله وزير دفتر و مادرش شاهزاده خانم نجم السلطنه (نوه عباس ميرزا، موسس بيمارستان نجميه تهران) دختر شاهزاده فيروز ميرزا نصرت الدوله برادر محمد شاه بود. نجم السلطنه دختر عموی ناصرالدين شاه بود."

ارادتمند
مهدي

نويسنده: حميد

جمعه 7 اسفند1388 ساعت: 20:53

اقای عابدی فایل های ورد یادداشت های شماره 26 تا 50 و 51 تا 57 در قسمت آرشیو سایت ناریا یکی است تصحیح بفرمایید
کسی این جا هست که کل کامنت های وبلاگ را از سال اول تاسیس این وبلاگ داشته باشد و یک جا آپلود کند تا بقیه هم استفاده بکنن
آقای پور پیرار مستند سوم کی بیرون میاد؟

نويسنده: reza71

جمعه 7 اسفند1388 ساعت: 20:56

مستند تختگاه هیچ کس از شبکه rangarang درحال پخش می باشد.

دوستان می توانند از طریق سایت زیر حتی با دیال آپ تماشا بفرمایند :

www.jahantv.com

نويسنده: ×××

جمعه 7 اسفند1388 ساعت: 22:26

از دوستانی که جواب سوال منو میدونند خواهش میکنم راهنماییم کنند

نويسنده: لینک

جمعه 7 اسفند1388 ساعت: 23:40

سایت شهرداری اورشلیم به وسیله گروه ارتش خورشید هک شد
http://www.jda.gov.il/default.aspx
این هم عکس از همان صفحه
w=720&http://uploadpic.org/view-pic-img.html?img=48745

آقای لینک. از آدرس های ارسالی ممنونم.

آقای ایلماز. آن مطلب نیازمند بحث پیچیده و مشبعی است شامل کشف تفاوت در نام های آدم و انسان و بشر و ناس.

فریبا خانم. باید صبور بود و تاوان داد که همگی و هریک به نحوی در حال ادای آنیم.

نویسنده: منصور

شنبه 8 اسفند1388 ساعت: 5:8

استاد تقاضا دارم از شهرهای ری و قم به سادگی عبور نکنید. می دانید که انبوهی از جعلیات منتسب به صدر اسلام که از ارکان فرقه های فعلی می باشند را به این دوشهر نسبت می دهند.

نویسنده: مسعود سنجری

شنبه 8 اسفند1388 ساعت: 10:51

آقای XXX

سلام علیکم

بهتر نیست قبل از طرح سئوالات اجازه بدهید تا استاد پورپیرار مبحث را کامل کنند؟ شاید در پایان این مبحث به جواب مطلوبتان برسید. اما بسیار خوب است تا چند موضوع زیر را بررسی نمائید.

1- سرزمین موعود یهودیان ایران است یا جای دیگر؟ اگر یهودیان عالم به سرزمین موعود عقیده دارند و دغدغه دائمی آنها بوده چرا نخبگان یهود در حال فاصله گرفتن و اعلام برائت از اسرائیل هستند؟

2- تاسیس دولت اسرائیل یک پروژه استعماریست یا یهودی؟

3- حوادث 500 الی 300 سال اخیر در غرب اروپا که از طرفی منجر فرار پروتستانها از فرانسه و اسپانیا و تجمع آنان در جزیره بریتانیا شد و از طرف دیگر به اخراج تمام غیر کاتولیک ها (اعم از مسلمین و یهود و ...) از فرانسه و اسپانیا گردید چه تغییراتی را در جهان سبب گردید؟

4- مظلوم نمایی دائمی یهودیان در صورت اطلاع مردم جهان از پوریم چگونه استمرار می یافت و توجیه می شد؟

5- نظام اقتصادی مطلوب یهودیان - که بر اساس بازار و رباست و ما امروز آنرا سرمایه داری می نامیم و تحت عنوان بازار جهانی و عناوین دهن پرکن دیگر تبلیغ میشود - چگونه می توانست با نظام های اقتصادی دیگر نظیر اقتصاد اسلامی - که در آن فقط کار ملاک است- همزیستی کند؟

امیدوارم با بررسی موارد فوق به جوابهای معقولی در خصوص سئوالات بنیادین خود برسید!

والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: لینک

شنبه 8 اسفند1388 ساعت: 13:40

بيشترين نام‌خانوادگي‌هاي ايرانيان
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=87743

عكس/ نماز احمدي‌نژاد بدون مهر
http://parcham.ir/vdcb.wbwurhbgaiupr.html

انتقاد شدید سید محمد خاتمی از میرحسین موسوی
http://www.jahannews.com/vdcgzn9y.ak97n4prra.html

كلهر ارتباطي با ورزشكار رژيم صهيونيستي نداشت
http://tabnak.com/nbody.php?id=32549

استاد علت قرابت این دو طرح در چیست؟
نماد آمریکا: http://www.eagles.org/images/content/programs/greatseal.jpg
نماد سوریه: http://www.farsnews.com/plarg.php?nn=M600798.jpg

راستی تا به حال به طرح سایت انجمن بین المللی ایران شناسی دقت کردید؟آرم انجمن در گوشه بالا سمت چپ
http://iranian-studies.com/

نویسنده: لینک

شنبه 8 اسفند1388 ساعت: 13:50

بیشترین نام‌خانوادگي‌هاي ایرانیان
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=87743

عکس/ نماز احمدي‌نژاد بدون مهر
http://parcham.ir/vdcb.wbwurhbgaiupr.html

انتقاد شدید سید محمد خاتمی از میرحسین موسوی
http://www.jahannews.com/vdcgzn9y.ak97n4prra.html

کلهر ارتباطي با ورزشکار رژیم صهیونیستي نداشت
http://tabnak.com/nbody.php?id=32549

استاد علت قرابت این دو طرح در چیست؟
نماد آمریکا: http://www.eagles.org/images/content/programs/greatseal.jpg
نماد سوریه: http://www.farsnews.com/plarg.php?nn=M600798.jpg

راستی تا به حال به طرح سایت انجمن بین المللی ایران شناسی دقت کردید؟آرم انجمن در گوشه بالا سمت چپ
http://iranian-studies.com/

نویسنده: چیل

شنبه 8 اسفند1388 ساعت: 14:14

آقای×××
به علت عدم امکان پذیرش نودینان در کیش یهود این قوم در طول تاریخ با کمبود نفوس برای اجرای مقاصد خود رویرو بوده وشاید علت فتنه انگیزی یهود در طول تاریخ هم همین کمبود نفوس بوده.اخیرا" هم برای جبران این نقیصه در پی یافتن اسباط گم شده در قرن هشتم پیش از میلادخود هستندتا نفوس خود را زیاد کنند وفعلا" اولاد بنیامین را در افغانستان یافته اند (پشتونها).
این فقردر کثرت نفوس می تواند از عمده ترین علل عدم توانایی آنها برای استقرار در منطقه ایران فعلی باشد.هرچند قرائن حکایت از تزریق یهود به این مملکت داردوشاید چنین قصدی را داشته اند ولی هیچگاه در حد ایجاد یک نظام سیاسی اقتصادی ونظامی نبوده اند و این تعداد ناکافی به همین خبط وخبصی که همیشه به همراه یهود بوده وفعلا" شاهد آثار آن در تاریخ وهویت و...این مملکت هستیم کفایت نموده اند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 8 اسفند1388 ساعت: 16:36

سرانجام و به همت کسانی از میان خودمان و یهودیان جمع شده در مرکز یونسکو، به بهانه گرامی داشت نوروز، روز پوریم را "جشن شادمانی جهانی" اعلام کردند!!!

دوستان با خبر باشند به یمن همت و زحمت استاد غفوری نازنین مستند سوم با نام "مجعولات مجلل" آماده تکثیر است.
تنها منتظریم اعلام کنید دی وی دی خواستار بیش تری دارد، یا وی سی دی.

نویسنده: ×××

شنبه 8 اسفند1388 ساعت: 18:56

جناب چیل از جوابتان به قسمت اول سوال بنده ممنون. کاملا منطقی به نظر میرسد. در مورد اینکه این اقوام کوچانده شده به ایران از ابتدا مسلمان بودند یا خیر هنوز منتظر جواب از دوستانی که در این مورد تحقیق کردند یا نظری دارند هستم.
+++++++
جناب سنجری از شما هم ممنون.هرچند که نوشته شما ربطی به سوالم نداشت. در مورد اینکه فرمودید:بهتر نیست قبل از طرح سئوالات اجازه بدهید تا استاد پورپیرار مبحث را کامل کنند؟" باید عرض کنم که بنده برخلاف حضرتعالی عادت ندارم پای درس اساتید همچون شاگردان قدیم مکتبخانه ها صم و بکم بشینم و مطلب حفظ کنم
پیروز باشید

نویسنده: ×××

شنبه 8 اسفند1388 ساعت: 19:4

با سلام خدمت استاد عزیز
ترجیحا دی وی دی.مشتاقانه منتظریم

نویسنده: غصه دار

شنبه 8 اسفند1388 ساعت: 19:46

سلام
در ابتدا از استاد و همه دوستانی که در بخش نظرات وبلاگ مباحث علمی و مرتبط ارائه می کنند کمال تشکر را دارم و ضمناً عذر خواهی میکنم از اینکه که حرف چندانی برای گفتن ندارم!!!! (فقط یادم هست که در بازدیدهای علمی از اکثریت معادن قدیمی؟! ایران، نام روس ها را خیلی میشنیدیم که برای سالیان سال بدون هیچ مزاحمتی مشغول استخراج بوده اند.
و اما بعد....... استاد امکانش هست که ما هم در روز نوروز بالاخره شاد شویم و دیگر غصه نخوریم؟!!!!
و در آخر مرحمت بفرمائید روی دی وی دی بزنید تا کار ما هم آسانتر باشد!!!!
خدا یار و یاورتان

نویسنده: سایه

شنبه 8 اسفند1388 ساعت: 20:1

با سلام
استاد غفوری خسته نباشید.
استاد به نظر بنده اگر مدت مستند بیش از یک وی سی دی باشد تکثیر آن در یک دی وی دی به صرفه تر و پخش آن راحت تر خواهد بود.به نظر می آید دیگر پخش های دی وی دی در همه جا،جا افتاده باشد.

نویسنده: a

شنبه 8 اسفند1388 ساعت: 22:10

حضورا میشه فیلم را بگیریم ؟ / راستی از درخواست نصب سریع یادداشتها ، دلگیر شدید ؟ / منتظر عکسهای مشهد و اصفهانم !

نویسنده: سلام محمدی

شنبه 8 اسفند1388 ساعت: 22:45

سلام استاد
بی صبرانه منتظر پخش مستند هستیم و به فرموده جناب سایه،اگر مدت مستند بیش از یک وی سی دی باشد تکثیر آن در یک دی وی دی به صرفه تر و پخش آن راحت تر خواهد بود.
باتشکر

نویسنده: reza

شنبه 8 اسفند1388 ساعت: 23:40

Gaza ?Did you know

http://www.youtube.com/watch?v=bznLR3-kCtU

وب سایت

نویسنده: فتح

شنبه 8 اسفند1388 ساعت: 23:42

دی وی دی بهتر است.و من الله التوفیق

نویسنده: لینک

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 0:28

کعبه قلابی در قلب نیویورک/عکس
http://parcham.ir/vdcd.z0j2yt0fsa26y.html

نویسنده: حاجی زاده

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 0:42

سلام
مطمئنا" تعهد و مسئولیت ساخت چنین مستندی به مراتب سنگین تر از سنگینی ساخت و تولید آن است، آقای غفوری خسته نباشید و اجرتان با خداوند.
استاد پورپیرار، تبریک عرض میکنم، این روزها شاهد نشانه های خوش یمنی هستیم که نویدبخش فرا رسیدن بهار پیروزی و به ثمر رسیدن چندین سال تلاش و استقامت شماست. ان شا الله
آرزومند سلامتی و طول عمر شما هستیم.

فریبا خانم. محبت های دوستان و احساس انجام وظیفه، گذران کارها را سهل و سبک می کند.

نویسنده: منصور

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 2:22

استاد, دی وی دی
از جناب غفوری هم کمال تشکر دارم
اگر ایشان لطف کنند آدرسی بدهند برای همکاری و آشنایی بیشتر لازم است.

آقای منصور. لطفا با ای میل ایشان تماس بگیرید.
moji_jimi@yahoo.com

آقای بی نام. ان شا' الله فردا انجام خواهم داد. برقرار بمانید.

نویسنده: منصور1

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 4:44

جناب xxx
ضمن سلام و با اجازه از استاد و دوستان
اول اینكه تعجیل شما در بیرون كشیدن حقیقت قابل درك است. اما يك جذابیت براي شاگردان آن است كه استاد براي سوالات يك راهنمايي مي كند سپس آنها مساله را تا آخر حل مي كنند يك عده هم هستند كه از اول تا آخر راه حل را از روي حل المسائل مي خوانند. شيريني اين درسها به آن است كه ته قضيه را نمي دانيم يعني همان كه مورد سوال شماست.اين راهيست كه شانس خود را براي يافتن جواب قبل از ارائه آن توسط استاد امتحان كنيم و شايد هم اين جواب كلا به ما واگذار شود در اين جستجو به نكات جالبي برخواهيد خورد:
مثلا اينجانب تصميم گرفتم تورات را بخوانم واقعا نكات فراواني از همين كتاب تحريف يافته قابل استحصال است. يك مورد را برايتان ذكر كنم:
(اعداد؛26: دومين سرشماري؛ 28-37)
«....تعداد 32500 نفر كه زير اسم قبيلة افرايم ثبت شده بودند، شامل طايفه هاي زير بودند كه به اسم پسران افرايم ناميده مي شدند:
شوتالحيها به نام جدشان شوتالح؛

(يكي از طوايف شوتالحيها ، عيرانيها بودند كه به نام جدشان عيران ناميده مي شدند.)...»
مي توان گفت عيران همان ايران است همچنانكه عيلام همان ايلام است؛ و در نتيجه ايران كلمه اي يهودي است.
يا اينكه تصميم گرفتم دوباره عربي ياد بگيرم، همان كه در دوران دبيرستان بر اثر القائات دشمنان اسلام از آن متنفر بودم. آنجا هم نكات زياد است مثلا در قسمت صرف بحثي داريم به نام منصرف و غير منصرف؛ اسامي منصرف اسامي هستند كه عربي مي باشند و تنوين مي گيرند و اسامي غير منصرف تنوين نمي گيرند كه يكي از موارد آن اسامي غير عربي مي باشد. حال اسامي پيامبران را در قرآن چك كنيد مي بينيد تمام آنها غيرمنصرفند به جز اسامي زير (محمد(ص)،صالح، شعيب، شيث، هود، لوط و نوح). نكات بسيار مهمي از اين قضيه استنباط مي شود، (البته بااجازه استاد و دوستان قرآن پژوه) يكي را عرض مي كنم:
اول اينكه پيامبر اسلام از نسل ابراهيم نبوده است چون ابراهيم عرب نبوده. دوم اينكه ابراهيم هم از نسل نوح نبوده چون اسم نوح عربي است. پس اصولا چيزي به نام اديان ابراهيمي نداريم كه شامل يهود، مسيحيت و اسلام بدانيم و تمام داستانهاي موجود درباره ارتباط اين اديان با ابراهيم هم بي رنگ مي شود.

نويسنده: منصور2

يكشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 4:47

قبلا خدمت سروران عزيز عرض كردم كه بايد براي درست انديشيدن (و نه حتي پذيرش محض يادداشت هاي آقاي پورپيرار) تمام داشته هاي قبلي خود را در يك منفي ضرب كنم. آنجا كه فكر مي كنم بيشتر مي دانم در واقع نادان‌ترم. شاهدش هم همين يادداشت هاي اخير است. بهر حال در مورد امير كبير وكمال الملك و قائم مقام فراهاني كمتر كسي شك داشت كه معلوم شد قلابي هستند. شايد سوالات شما هم تا حدودي معلول همين عامل باشد. اگر چه قبلا به اين سوالات جواب داده شده مثلا در قسمت مربوط به صفويه ياداشتهاي 108 به بعد با توجه به معماري مقبره هاي ارامنه و يهود كه الان بعنوان امامزاده مي شناسيم و نيز دلايلي كه در مورد قدمت محله ارامنه اصفهان در آن يادداشتها ذكر شده مي‌توان دانست كه سازنده اين آثار آنها بوده‌اند. همين الان هم مي شنويم كه مثلا جاده فلان گردنه را يك مهندس ارمني طراحي كرده است.البته شايد آنجاها كه نيروي بدني بيشتراز نيروي فكري يا هزينه‌اي مورد نياز بوده از اين اقوام استفاده شده باشد مثل بسياري از قلعه ها.
در مورد يك سوال ديگرتان هم علاوه بر توضيح جناب چيل بگويم كه اصولا يهود با توجه به ماهيت انگلي خود نمي تواند به تنهايي زندگي كند بايد يك اجماع بزرگ غير يهودي باشد تا با استفاده از آن و با رباخواري و نفوذ در مناسب سياسي و اقتصادي به حيات خود ادامه دهد. خود استاد هم يادداشتهايي در اين رابطه دارند. بنابراين ايران خالي از سكنه نمي توانسته مناسب براي سكونت يهود باشد.

نويسنده: منصور3

يكشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 4:47

در مورد يك سوال ديگرتان هم اينكه حداقل مي توان گفت كه اقوام ايراني حداقل از اول شيعه نبوده اند؛ بنده اقوامي را مي شناسم كه در نقاط مختلف كشور پراكنده شده اند و با هم فاميلند ولي فقط برخي گروهها به دليلي كه برخودم هم روشن نيست بعدها شيعه شده‌اند ولي گروه‌هايي كه در مناطق دورافتاده و مرزي تر هستند همچنان سني مي باشند. گذشته از اين همين مردم مسلمان را هم كه به آثار گذشته شان توجه كنيد مي بينيد كه همه خشت وگلي است و بسيار ساده وبه نظر مي رسد كه ورودشان متاخرتر از آثار منسوب به ارامنه و يهود باشد. چون اگر همينها سازنده آن آثار باشند بايد خانه هاي خود را هم لااقل نزديك به همان سبك و با همان مصالح ساخته باشند حال آنكه چنين نيست. مثلا آنها يك حياط 20 متر در 20 متر مي ساخته و تاحد امكان تمام خانواده هاي فاميل هر كدام يك خانه در همان حياط داشته اند و با هم زندگي مي كرده‌اند
به هر حال اين اطلاعات مربوط به بعد از كوچ نشيني و سكونت اين اقوام است. اميدوارم مفيد بوده باشد

نويسنده: reza

يكشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 6:27

نظرات انقلابی آیت الله محمد حسن فضل الله، مرجع تقلید شیعیان لبنان
او لعنت به خلفا و صحابه را حرام می داند، داستان شکستن پهلوی فاطمه توسط عمر را قبول ندارد. وجود مصحف فاطمه (کتابی که شیعیان باور دارند که نزد ائمه است و همان قرآن واقعی است) را رد می کند. او بر آن است که علی با ابوبکر بیعت کرده است و ولایت عمر را پذیرفته و در مقام مشاور ابوبکر و عمر بوده است. این نظرات وی نظراتی انقلابی در میان مراجع شیعی است و درک جدیدی را از اسلام شیعی ارائه می دهد که با اسلام سنی توافق های بیشتری دارد و از دشمنی ها می کاهد. لازم به ذکر است که این مواضع محمد حسن فضل الله با واکنش برخی شیعه های تندرو مواجه شده، از جمله وبسایت شیعه آنلاین مقاله ای طعنه آمیز در مورد آن منتشر کرده است.

pagename=Zone-Arabic-&cid=1265890495177&http://mdarik.islamonline.net/servlet/Satellite?c=ArticleA_CMDarik%2FMDALayout

وب سایت

نویسنده: مسعود سنجری

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 9:43

آقای xxx

البته کیفیت جنابعالی از سئوال و جوابتان مشخص است. وقتی کسی شما را به تحقیق دعوت می کند می شود شاگرد مکتب خانه! . اگر محضر درس استاد پورپیرار مکتب خانه است مفتخرم که در آن شاگردی کنم نه اینکه با سئوالات بنی اسرائیلی تلاش کنم تا راهی برای ابهام افکنی بر نظریات استاد باز شود. ضمنا انسان عاقل وقتی سئوال می کند که برای شنیدن جواب آمادگی داشته باشد.

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 10:35

نگاه وحياني به علوم

http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2049114

شبكه هاي ماهواره اي شيعه خطرناك تر از ايران هسته اي

http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2049163

حدادعادل به تماشاي اپراي عروسكي «مولوي» نشست

http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2049130

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 12:31

آقای منصور. ولی ابراهیمی بودن دین اسلام مورد تایید آیات قرآن است چنان که بر عدم ارتباط یهودیت و مسیحیت با ابراهیم نیز در قرآن تاکید شده است. بنا بر این صدور حکم فراگیر در این باره محتاج تامل بیش تر است.

آقای reza. علامه فضل الله همین مقدار از تاریخ قرن اول اسلام را که قبول دارد، از کجا برداشته است؟!

نویسنده: هودج

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 13:38

سلام
حضار محترم نیاز نیست برای استاد تعیین تکلیف نمایید! اگر شماها در کلان شهرها میباشید به فکر دیگران نیز باشید در شهر ما به ندرت دستگاه سی دی وجود داره چه برسد به کامپیوتر یا... حتی خود بنده از کافی نت مطالب استاد را دنبال مینمایم . و هنگام معرفی مستندها به دوستانم ,بالاجبار یا اونا را به خانه خود دعوت میکنم یا با قرض دادن کهنه دستگاهم این کار را انجام می دهم

نویسنده: ad

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 20:3

سلام / امروز به یکی سایت و مطالب شما را نشان دادم فوق لیسانسه شریفه
تمام مغزش ! هنگ ! کرد و اولش میگفت این نقشه ها را از گوگل ارث برداشته اند - قرار شد بیشتر بخواند - میگفت ناصرالدین شاه به ایران خیانت کردمن هم گفتم اولین شاه این مملکت بوده و گلستان و ترکمنچای نداریم -احوال اونهایی که تازه با مباحث آشنا میشن واقعا ضبط کردنیه و مثل فیلمهای دوربین مخفی میماند

/ فیلم را کی در سایت گذارید ؟

نویسنده: khalil

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 20:8

خبر جهانی شدن عید نوروز را در ماهواره شنیدم که در آن آقای نوری زاده متخصص مسائل سیاسی خیلی خوشحال شد و گفت این هم یکی از اثرات موج سبز است!!!!
تا آنجایی که شنیده بودم آقای نوری زاده تاب شنیدن حقایق تاریخی را ندارد و شما را مهره رژیم می داند!!!! و شاید هم از قلابی بودن شعرای پارسی گوی مانند فردوسی و حافظ و سعدی ... را بشنود منفذ ممنوعه دهان خود را باز کرده و ؟؟؟؟!!!!!
استاد به نظر شما اینها از این عید تزریقی به فرهنگ هری پاتری ما آگاهی دارند یا نه؟
اگر نه پس آیا می توان برنامه ای ریخت تا آنها به جای این همه مسائل سیاسی به این مسئله ها جواب بدهند و با کارشناس ها در این مورد گفتگو کنند؟

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ایران شناسی بدون دروغ 255، نتیجه63، نقشه شهرهای ایران در دوران قاجار، 8 - 127 نظر

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 21:24

با سلام
جناب هودج کسی در این وبلاگ برای استاد تعیین تکلیف نکرده است!!خود ایشان نظر شاگردانش را خواستند و دوستان هم نظرشان را دادند!!بهتر است قسمت نظرات را با دقت بیشتر بخوانید.مطمئنا اگر شما خواهان مستند در وی سی دی باشید آن را دریافت خواهید کرد!

نویسنده: ×××

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 21:33

جناب توحید بسیار مفید بود.مرسی از حوصله تان.در مورد جوابی که استاد به شما دادند فکر کنم به این نتیجه رسیدید که مطرح کردن سوال و تحقیقات دوستان در این وب سایت موجب میشود که هرگونه انحراف برداشت از مباحث استاد توسط خودشان تصحیح گردد. پس اگه من سوال میکنم بخاطر تعجیل در بیرون کشیدن حقیقت نیست بلکه دور شدن از برداشت غلط وانحرافی میباشد.
======
جناب سنجری
حضرتعالی پای درس بنشینید و وارد مباحث دوستان دیگه نشوید.متشکرم

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 22:19

آقای مهدی-مهدی. ممنون و به راستی که موی را بر سر کودکان در قنداقه سفید می کند. دوران نقاهت ناشی از بلع این همه دروغ مسلما طولانی خواهد بود. اگر خدا بخواهد هنوز مطالبی برای ارائه هست. حالا شاید کسانی احتمالا علت و ارزش عرضه قطره ای این مدخل ها را دریابند. فقط تصور کنید که بی هنگام ادعا می شد که کمال الملک و امیر نظام ساختگی اند.

آقای سنجری. انجام وظیفه بود.

آقای khalil. کارگردان کلی این گونه امور اورشلیم است نه نوری زاده و غیره.

آقای هودج. مستند نسخه وی سی دی هم دارد.

آقای ad. شوک شدیدی است. ممکن است کسانی را برق بگیرد و از هستی و حیات ساقط شوند و کسانی نیز بر اثر این شوک قلب و عقل شان به کار افتد و به زندگی بازگردند. مستند سوم هم از دو روز دیگر آماده ارائه است. قیمت آن را هم به علت هزینه کمر شکن دستمزد گویندگان، همت آزاد گذارده ایم از دو هزار تومان به بالا. و البته به اضافه هزینه پست که گویا 500 تومان است! آن شا٫ الله شماره حساب هم فردا تعیین و اعلام می شود.

آقای بی نام. ضمن معذرت خواهی از دیرکرد، فضولتا انجام شد.

آقای reza. آن یو تیوپ باز نشد!

آقای منصور. کثرت داستان های ساختگی و مزاحم در باب تاریخ و فرهنگ و هویت اقوام منطقه و نیز وفور تعصبات مربوطه طبیعتا اجازه درک و هضم آسان این مطالب کلان را به کسی نمی دهد. باید برای ورود به مبانی تا آن جا که ممکن است مطالب را مرور کرد. شاید هم مستند سوم برخی از سرگیجه و سرگردانی ها را علاج کند.

آقای فتح. با این همه باز هم صبر کنید.

آقای در تعقیب حقیقت. در این وبلاگ به کلان رسیدگی می شود نه جزییات. مثلا مورد کلان، اثبات عدم بلوغ در نگارش خط عرب تا سده های اخیر است، که خود به خود نیاز به رد تک تک کتاب ها را منتفی می کند.

آقای لینک. با این همه امکانات اطلاعاتی اسراییل حتی از کودکان فلسطین نیز می ترسد.

آقای ارسال عکس. از لطف شما ممنونم. اتفاقا به مدد و اراده الهی مشغول آماده سازی کتاب پر ارزشی در موضوع جنگ جهانی اول و دوم هستم.

نویسنده: یاسر

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 22:29

با سلام خدمت استاد پور پیرار
مستندهای تختگاه هیچکس و طوفان نوح را همین الان دیدم و کلی استفاده کردم واقعا تلاش شما قابل تقدیر است
ای کاش این شوونیستهای باستان پرست کمی سر عقل بیایند!
استاد گرامی سوالی که داشتم این است که می توانم این مستند را برای دوستان کپی کنم؟ آیا اجازه می دهید؟
در مورد مستند جدید هم فکر کنم اگر سر سی دی بزنید بهتر باشه
با تشکر

آقای یاسر. بنده و استاد غفوری نازنین، از تکثیر و تبلیغ این سی دی ها ممنونیم.

وب سایت

نویسنده: reza

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 23:8

با سلام استاد
لینک یوتیوب حاوی حقایقی درباره جنایات اسراییل در غزه است.امتحان کردم لینک اشکالی نداشت. شاید مشکل فیل تر باشد.
know? Gaza Did you

http://www.youtube.com/watch?v=bznLR3-kCtU

آقای reza. بله با فیل تر شکن های ذغال سنگی وبلاگ من باز نشد.

نویسنده: منصور

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 23:16

جناب xxx
کاملا درست است.
در ضمن من منصور هستم نه توحید

نویسنده: چیل

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 23:52

جناب×××سلام علیکم (1)

دوست عزیز بنا به تشخیص دو جهت در سوال شما اجازه بدهید بروم سر اصل مطلب در ابتدا ومقدم بر هر حاشیه روی باید قبول کنیم اسلام به زور شمشیر به هیچ قوم ومردمی قبولانده نشده وایران ما نیز مستثنی از این قاعده اعتقادی نیست وبپذیریم این اصل اساسی راکه قدرت اسلام در دفاع متجلی است.این مکتب در هجمه وتعدی کما دیگر مکاتب ضعیف وناتوان است چرا که در مورد اخیر از بستر طبیعی و ذاتی خود خارج می شود وچون هر متجاوزی محکوم به شکست است.
با قبول این اصل دیگر مهم نیست که دین این کوچندگان چه بوده مهم این است که به زور مسلمان نشده اند.
محض درک بیشتر این مهم باید بگویم نطفه اولیه خیلی از تجمعت شهری کنونی در ایران یهودیان وباغیر یهودیانی بوده اند که درزمان حاضر لقب دار المومنین را یدک می کشند.برای مثال ساکنان اولیه شهر کاشان مهاجران یهودی بوده اند که 400 سال پیش به علت قتل جمعی گروهی از مسیحیان وزنده به گور کردن آنها از اسپانیا اخراج وبه ایران وارد شدند ولی می دانیم اکنون انتساب کلمه یهودی به آنها به منزله بزرگترین توهین به آنها حساب می آید.همه دوستان بنیان اندیش نقطه استقرار زرتشتیان (بخوان پیروان ادیان ودیکی) فارس زبان ومهاجر از هند به ایران را می شناسند ولی همین شهر در حال حاضر یکی ازشهرهاس اسلامی ومعتقد وملقب به دارالمومنین است.جی اولین تقطه مسکونی اصفهان متعلق به یهودیان بوده وقبول وانتقال گرجی ها و ارامنه ودیگر قومیتهابه این شهر از معدود موارد اشتراکات ما وباستان ستایان است ولی می بینیم وضعیت اعتقادی این شهررا که مسئله اعتقادی واسلامی آنها بر هیچ کس پوشیده نیست.البته قابل ذکر است مهاجرتهای حوزه مرکزی خود جوش نبوده ودست کمپانی هند شرقی در انها کاملا" مشهود است.در شمال هم قومیتهایی وجود دارد که هنوز نام اقوام اروپایی ویهودی برآنهاکاملا" قابل درک است البته شمالی ها جزو مهاجران قاب ایرانند که خلاً جمعیتی در ایران خالی از سکنه موجب جذب آنها شده است ودست کمپانی هند شرقی کمتر در مهاجرت آنها هویدا یا اصلا" دیده نمی شود.

نویسنده: چیل

یکشنبه 9 اسفند1388 ساعت: 23:53

جناب×××(2)

قومیت های مهاجر قاب ایران به قرائن بسیار از جمله سکونت در دشتها وسرزمینهای پر آب وحاصلخیزودارای ارزش اقتصادی متقدمین ورود به ایراننذو نسبت به مهاجران حوزه مرکزی ایرن که اکثرا" در مناطق کم آب وکوهستانی ومتکلم به زبان یدیش یهودی اندقدمت بیشتری دارندشایدروح امتیازوبرتری طلبی این حضرت تازه وارد بر قومیتها قدیمی طبیعت ذاتی یهود واکتسابی غیر یهودآنها باشدکه نه به طور طبیعی بل به به قصد ونظر خاص وارد این مملکت شده اند .بی شک قاب ایران سابقه طولانی تری در اسلام آوری دارند چرا که اولین مساجد اسلامی در این قاب در قرن ششم وهفتم در شوشتر وقزوین بوده در زمانی که اثری از مهاجرین حوزه مرکزی نبوده بنا شده است.این اسلام آوری ومسلمان شدن این کوچندگان به این مملکت ونوع ظهور نفوس جدید وغیر عریق در این مملکت است ولازم است قصه های یهود بافته را فراموش کرد.اگر این را بپذیریم پوریم را پذیرفته ایم وبرعکس آن هم صادق است که اگر پوریم را بپذیریم حتما" این ظهور نفوس بر زمین این مملکت را پذیرفته ایم وفراموش نکن یک قضیه وقتی صحیح است که عکس آن نیز صحیح باشد.
در آخر برادر عزیز شما حتما" می توانید سوال بفرمایید آما سوال کردن اداب خود را دارد اولا" متناسب با شان کلاس باشد دوم اینکه شائبه ایجاد نکند.بی شک شما یا یک شاگرد مبتدی وتازه وارد هستیدکه پایین تر از تراز کلاس سوال می فرمایید که این تناسبی با شان کلاس ندارد ولازم است بیشتر مطالعه بفرماییدویا از خرده گیرانی هستید که فکر می کنید این سوالات ابتدایی در قد وقواره و واسعه فکری باستان ستاسان پاشنه آشیل ما یند که خود به خود ایجاد شائبه می کندواین همان دو جهتی است که در ابتدای کلامم به آن اشاره کردم.به هر حال امید وارم از گروه اول باشید.

اقای چیل. ایشان مدعی اند انجام قتل عام پوریم را پذیرفته اند. در این صورت فقط یک سئوال می ماند: چه گونه مسئولین فرهنگی کشور را قانع کنیم نیرو و بودجه را به سمت تحقیقات جدید هدایت کنند تا عناصر فرعی نتایج آن اتفاق هم روشن شود. شاید هم آقای ××× با این سئوالات حاشیه ای می خواهند بگویند به اجرای پوریم یقین کامل ندارند. نظر شخص من این است یک بار دیگر یادداشت 104 را با دقت تمام بخوانند.

نویسنده: طالب حقیقت

دوشنبه 10 اسفند1388 ساعت: 1:46

با سلام به استاد و دوستان

استاد خسته نباشید. بر خود لازم می دانم که تبریک و تشکرم را به مناسبت آماده شدن مستند سوم به شما و آقای غفوری و دیگران اعلام کنم.

خواستم بدانم که چه وقت مستند جهت دانلود بر روی سایت قرار می گیرد.

و در جواب به آقای ×××با توجه به نظرات دوستان لازم دیدم این نکته را اضافه کنم که همانطور که استاد فرموده اند، هدف از ایجاد کشوری مانند ایران علاوه بر پوشاندن پوریم، برپا کردن مرکزی برای فرقه گرایی بوده است. پس یهودیان لزوما نمی خواسته اند در ایران زندگی کنند و آن را سرزمین خودشان قرار دهند.
می بینیم که اکنون آنها کاملا به مقصودشان نایل آمده اند. و هزینه فراوان همیشه مانع انجام یک کار بزرگ نیست. مهم این است که آن هزینه با سود جبران شود و حتی سود بیشتری به دست آید. به نظر شما آیا یهودیان با انجام این جعلیات ضرر کرده اند و یا سودی به دست آورده اند که قابل تصور نیست؟
تا فرقه گرایان بخواهند بفهمند که کدام یک بر حقند و تا آنها بر سر و کله یکدیگر بکوبند، یهودیان سلطه اقتصادی و فرهنگی خود را روز به روزمحکم تر کرده اند و حقیقتا اگر چه سیاست کثیف اما دقیقی را طراحی نموده اند. با حوصله و تحمل فراوان سالها صبر کرده اند تا کارهای به ظاهر کوچکی که ما غالبا به آن بی توجه بوده ایم و حتی آنها را ترویج کرده ایم ثمر دهد و"آنها را در آستانه سلطه جهانی قرار دهد".

و در مورد اینکه مردم وارد شده به این سرزمین از ابتدا مسلمان بوده اند یا نه؛ گویا استاد در یکی از یادداشت ها نوشته بودند که به نظر می رسد غیر از اعراب هیچ یک از وارد شوندگان به این سرزمین از ابتدا مسلمان نبوده اند. به نظر من هم این مطلب درست است و وارد شوندگان به این سرزمین مستقیما اسلامی را دریافت کرده اند که آلوده به جعلیات یهود بوده است. مثلا در میان قدیمی ها گاهی اوقات می بینم که اصلا قرآن نخوانده اند ولی ذهنشان پر است از ماجراهای تاریخی اسلام و داستانهای یهودی زندگی انبیا.
نمی دانم چه قدر به واقعیت نزدیک است؛ ولی فکر می کنم که مهاجرین به ایران، اسلام را از یهودیانی گرفته اند که پیش از آن در این سرزمین ساکن بوده اند و چون قبل از آن مسلمان نبوده اند، خیال کرده اند که اسلام همین است و این اسلام

مخلوط با جعلیات نسل به نسل در ذهن آنها ثابت شده است.

باید منتظر نظر استاد بمانیم...

نویسنده: بی نام

دوشنبه 10 اسفند1388 ساعت: 7:33

سلام براستاد عزیز ودوستان بنیان اندیش

بنده با نظر آقای طالب حقیقت موافقم یکی از اهداف ایجاد ایران ساختن مرکزی چهت فرقه گرایی است.
لطفا"گزارش سفر کرمان را بخوانید

وب سایت

نویسنده: reza

دوشنبه 10 اسفند1388 ساعت: 7:43

با سلام استاد.
در رابطه با نظرات آیت الله محمد حسن فضل الله، مرجع تقلید شیعیان لبنان
طرح چنین نظراتی در این بلبشوی طایفه گری و مذهب گرایی تفرقه افکنانه جای بسی امیدواری است. تصور کنید که در هر دو طرف این دعوای سنی-شیعه مراجعی یافت شوند که اعتقادی به این بازی ها نداشته و اعتدل گرایی را در بیان و عمل تبلیغ نمایند، آن روز است که جهان اسلام وضع و حال بسیار بهتری از امروز در پیش خواهد داشت.

در مورد سوال شما از منبع و مرجع تاریخی برای چنین نظراتی در تاریخ صدر اسلام حقیقتا من اطلاعی ندارم مگر اینکه شما روشنگری نمایید.
موفق باشید

نویسنده: عباس

دوشنبه 10 اسفند1388 ساعت: 9:21

ا ستاد تختگاه هیچکس از برنامه رنگا رنگ در حال پخش می باشد

نویسنده: ایلماز

دوشنبه 10 اسفند1388 ساعت: 14:9

با سلام
دوستان عزیز گمان کنم مستند تختگاه سه بار از طریق کانل رنگارنگ پخش شد!اگر مطلبی یا فایلی در این رابطه دارند لطف کنند و درج نمایند.چند روزی است اینترنت ما ریپ می زند!!

نویسنده: مooمان

دوشنبه 10 اسفند1388 ساعت: 15:47

سلام. تبریکات بنده و برادرم را به مناسبت آماده سازی مستند سوم پذیرا باشید. بر اساس تجربه ی شخصی یک پیشنهاد برای دوستان دارم:

ارائه ی مستندها در VCD یک مزیت دارد و آنهم این است که می توان هر سه مستند را به همراه فایلهای اضافی دیگر در یک DVD ریخته و یکجا به دیگران داد. من خودم بارها دو مستند «تختگاه» و «طوفان»، به همراه یک فایل توضیحی شامل لیستی از آثار استاد، آدرس وبلاگ، سایت و محل انتشارات وشماره تلفن را در یک DVD به دیگران داده ام و اخیرا فایل PDF «اسلام و شمشیر» را هم به مجموعه اضافه کرده ام. واضح است که اگر مستند سوم (و حتی چهارم و پنجم!!) به صورت VCD ارائه شود باز هم یک DVD گنجایش تمام آنها را دارد.
موفق باشید.

نویسنده: سعید

دوشنبه 10 اسفند1388 ساعت: 15:56

با سلام خدمت استاد و دوستان
با کمال پررویی پیشنهاد میدهم مستند ها هر سه در یک دی وی دی جهت توزیع آسان ارائه گردد
ما که در تولید این مستند نتوانستیم گوشه ای از هزینه کمر شکن این کار بزرگ را به عهده بگیریم به دوستان پیشنهاد میکنم حداقل در خرید دی وی دی این مسئله رو در نظر بگیرند
باز هم از شما استاد پورپیرار بزرگوار و جناب غفوری بزرگ کمال قدردانی را داریم

نویسنده: mooman

دوشنبه 10 اسفند1388 ساعت: 16:0

سلام. تبریکات بنده و برادرم را به مناسبت آماده سازی مستند سوم پذیرا باشید. بر اساس تجربه ی شخصی یک پیشنهاد برای دوستان دارم:

ارائه ی مستندها در VCD یک مزیت دارد و آنهم این است که می توان هر سه مستند را به همراه فایلهای اضافی دیگر در یک DVD ریخته و یکجا به دیگران داد. من خودم بارها دو مستند «تختگاه» و «طوفان»، به همراه یک فایل توضیحی شامل لیستی از آثار استاد، آدرس وبلاگ، سایت و محل انتشارات نیل وشماره تلفن را در یک DVD به دیگران داده ام و اخیرا فایل PDF «اسلام و شمشیر» را هم به مجموعه اضافه کرده ام. واضح است که اگر مستند سوم (و حتی چهارم و پنجم!!) به صورت VCD ارائه شود باز هم یک DVD گنجایش تمام آنها را دارد.

توضیح مهم: در این روش باید DVD را به صورت data رایت کنید.####

موفق باشید.

نویسنده: xxx

دوشنبه 10 اسفند1388 ساعت: 17:9

جناب طالب حقیقت و جناب چیل از راهنماییتان متشکرم.بسیار مفید واقع شد.ولیکن تعجب میکنم چرا فکر میکنید واقعه پوریم را نپذیرفتم ؟ وقتی سوال کردم در مورد دین اقوام مهاجر به ایران در 400 سال پیش یعنی پذیرفتم که تا 400 سال پیش ایران خالی از سکنه بود و تعجبم از استاد اینه چرا منو به یادداشت 104 ارجاع دادند؟ جناب چیل بنده تمام آثار استاد چه کتابهی چاپ شده در ایران و سنگاپور و چه مقالات ایران شناسیشونو خواندم. شاگرد تازه وارد نیستم 2 تا سوال کردم یکی در مورد قلاع ها و دیگری دقیقا این بودکه::" چه دلیلی داشت که از اقوام مختلف در ایران پوریم زده جهت تجمع و تمدن سازی برای سرپوش گذاشتن بر واقعه پوریم استفاده بشه ؟ آن هم مسلمان(البته نمیدانم که این اقوام از ابتدای ورود به ایران مسلمان بودند یا خیر؟) و آیا این اقوام نیروی کار کارگزاران یهودی سازنده این ابنیه ها بودند یا خیر و بعد از ساخت و ترک سازندگان آن به ایران خالی از سکنه رانده شدند؟
چرا اصلا خود قوم یهود که آنزمان هنوز در سرزمین موعودشان متمرکز نشده بودند به ایران خالی از سکنه نیامدند که این همه هزینه در طول تاریخ جهت سرپوش گذاری بر پوریم نکنند؟"
حضرات که شاگردان در سطح کلاس هستید چرا تا الان (مقاله 150 الی 155) 7جواب مختلف دادید؟(البته بسیار ممنون از جوابهایتان چون هر کدام بخشی از حقیقت را تا حدودی گفتید هر چند جوابهایتان با مقالات 13-14-15 استاد مغایر است) چرا هی اصرار دارید که در همون واقعه پوریم بمونید ؟ اصلا سوالات و تحقیقات بنیادیتان الان سر چه موضوعیه؟ کمتر دیدم کسی در قسمت نظرات سوال مهمی کرده باشه و فقط بعد از هر نوشته استاد سیل تبریک که عجب مشت محکمی به دهان باستان پرستان زدید و غیره سرازیر میشه!!!
بنده با توجه به تحصیلاتم که مهندسی است و نوع کارم که مشاوره و طراحی واحدهای صنعتی در شرکت ملی نفت است اینطور کار میکنم تا مساله ای حل نشد سراغ طراحی قسمت بعد نمیرم چون زنجیروار بهم مسائل طراحی مهندسی وصلند.(اصول کار مهندسی همینه) در مورد قلاعها هم معتقدم باید قضیه به طور منطقی جوابگوی خلا تاریخی فاصله بین پوریم و دوران به اصطلاح صفوی باشه چون استاد هم دارند به نوعی تاریخ جدید و واقعی ایران را مهندسی میکنند

نویسنده: xxx

دوشنبه 10 اسفند1388 ساعت: 17:12

ضمنا جناب چیل بنده در شهر بابل(بار فروش قدیم) که یکی از شهرهای یهودی نشین و آنوسی نشین مازندران هست و اتفاقا دارالمومنین هم هست زندگی میکنم دوست دارم همانطور که شما از کاشان گفتید منم از خصوصیات این شهر بگم.
در این شهر اعتقادات مذهبی شیعی به شدت پر رنگه و امامزاده الا ماشالا داره. بانکداری خصوصی و یا صندوق های قرض الحسنه بسیار رواج داره(علاقه شدید یهودیان) و جالبه بدونید صندوق قرض الحسنه ولیعصر بابل که از سال 52 تاسیس شده و 10 شعبه در این شهر داره گردش مالی آن از تمام بانکهای دولتی و خصوصی شهر بیشتره و جالبه بدونید تمام هیات مدیره آن جزو انجمن حجتیه(فراماسونری اسلامی!!) هستند و آنوسی. جالبه بدونید تمام بابلیها در این صندوق عضو هستند و تمام سود این صندوق به تمام اعضای شهر که اصالتا بابلی هستند میرسه. مردم این شهر بسیار ناسیونالیست به

شهرشوند(خصوصیات شهرهای یهودی نشین) و هر جای ایران باشند به هم شهری خود کمک میکنند. نتانیاهو از طرف جد پدری بابلی است . در این شهر مانند شهرهای آنوسی نشین دیگر ایران مقبره خانوادگی رواج داره. آدمهای پولدار و خسیس (از خصوصیات شهرهای آنوسی نشین) در این شهر فراوانه. خیر و مدرسه ساز و مسجد ساز و .... که فقط برای شهر خودشون کار میکنند در این شهر زیاده(از خصوصیات شهرهای یهودی نشین). در مورد شهر دماوند هم این توضیحات صدق میکنه(. پیشنهاد میکنم کتاب استر از انتشارات کارنگ را بخونید.) البته لازم به تذکر نیست که بنده یهودی نیستم و آنوسی هم نیستم فقط اگه زیاد سوالات به قول حضرتعالی حاشیه ای میکنم اینه که 2 ساله بی هویت شدم و منگ!!! کتاب اسلام شناسی استاد منو از مذاهب موجب تفرقه برید و مقالات ایران شناسیشون از افتخار ایرانی بودن. تنها میدانم که زنده ام (البته میترسم با ادامه مقالات استاد که به طور قطره ای در حال ارائه هستند (بدلیل عدم ظرفیت جامعه) میترسم همینو هم اشتباه میکنم

نویسنده: چیل

دوشنبه 10 اسفند1388 ساعت: 18:6

آقای مهندس××× سلام علیکم

ممنون از اطلاعات ارائه شده در کامنت اخیرتان.استفاده کردیم.

نویسنده: لینک

دوشنبه 10 اسفند1388 ساعت: 18:44

عکسی از حمله هوایی به غزه
http://i.telegraph.co.uk/telegraph/multimedia/archive/01577/spot-news-stories-_1577219i.jpg

نویسنده: reza

دوشنبه 10 اسفند1388 ساعت: 19:33

با سلام استاد
به نظر من این ایده دوستان درباره ارائه همه فیلم ها یکجا به همراه فایل های pdf اسلام و شمشیر ، مجموعه ایرانشناسی بی دروغ و معرفی تالیفات شما در یک DVD بسیار مفید خواهد بود.

نویسنده: عابدی

دوشنبه 10 اسفند1388 ساعت: 20:22

سلام. آقای reza تا چند روز دیگر بسته ای برای نصب در سایت آماده خواهد شد. لطفا با استاد پورپیرار هماهنگ کنید.
بسیار ممنونم.

نویسنده: ایلماز

دوشنبه 10 اسفند1388 ساعت: 20:30

با سلام
جناب xxx آنچه که من از یادداشت های 13 14 15 که در مورد قلاع می باشد برداشت کردم این است که وجود این قلاع بزرگترین علامت سئوال درباره سیستم های حکومتی سلسله وار و زندگی متمدانه در ایران است که در این صورت پرسیده خواهد شد پس این قلاع صعب العبور با کمترین امکانات معیشتی در این سرزمین چه میکنند؟!و اینکه من در این یادداشتها حکم قطعی و کلی برداشت نکردم و بیشتر بررسی وجود این قلاع باشرایط عجیب آنها بود!لطف می فرمایید شما نظر خود را در این باب بدهید و بگویید نظر شما چیست؟!
ممنون

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 10 اسفند1388 ساعت: 23:54

آقای رضا. منظور این بود که به خواست خدا در چند روز آینده
مستند سوم در سایت naria.ir برای دانلود
قرار خواهد گرفت و نسخه های دی وی دی و وی سی دی
آن از فردا قابل ارسال است

برای ارسال به شهرستان ها دوستان مبلغ سه هزار تومان
به حساب
0200364484006 بانک ملی به نام ناصر پورپیرار واریز
و شماره ارسال و آدرس دقیق خود را
در کامنت خصوصی به وبلاگ بفرستند
درباره کتاب ها نیز زیاد خود را به زحمت نیاندازید
نگرانی من درباره پرداخت بهای آن هاست
که تحمیلی به شما نشود. موفق باشید.

نویسنده: سجاد

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 0:10

با سلام و خسته نباشید استاد عزیز مستند سوم را برای انتشار بیشتر بهتر است وی سی دی بزنید و کل هر سه مستند را در یک دی وی دی برای باز انتشار بهتر با تشکر زیاد از تمام آگاهی هایی که از شما گرفته ام

آقای سجاد. دوستان مشغول اند. در حال حاضر مستند سوم به هر دو فرم آماده است.

نویسنده: حمید

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 0:11

اقای پورپیرار بابت مستند به شما و اقای غفوری تبریک می گویم
یک صحبتی با اقای عابدی دارم. اقای عابدی ایا قسمت ارشیو سایت نمی خواهد کامل شود؟ با توجه به اینکه مستند جدید هم در راه است و شما هم مقالات ایران شناسی بدون دروغ رو تا شماره 125 قرار داده اید در حالی که استاد هم اکنون در شماره 255 هستند. علت اینکه این رو گفتم چونکه من با امدن مستند جدید ان را بر روی دی وی دی به همراه مستندات کشتی نوح و تخت جمشید رایت می کنم به همراه فایل های مربوط به کتاب اسلام و شمشیر و ایران شناسی بدون دروغ و در اختیار دوستانم که دسترسی به اینترنت ندارند می دهم حال ای کاش تا این شماره شما هم مقالات ایران شناسی بدون دروغ تا این شماره را در سایت قرار می دادید
در ضمن قبلا هم اشاره کرده بودم که شماره 25 -50 و شماره 51 - 75 فایل های ورد یکسانی دارند اگر امکانش هست این را هم ویرایش کنید

نویسنده: عابدی

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 0:39

سلام استاد. لینک به قسمت سفارش اضافه شد.

راستی آن کار بانکی چه شد؟

آقای عابدی. اقدام و انجام شد. بفرمایید به کجا ارسال کنم. موفق باشید.

وب سایت

نویسنده: طالب حقیقت

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 1:58

با سلام به استاد و دوستان

آقایxxx : آنجا که فرموده اید "حضرات که شاگردان در سطح کلاس هستید" ، اگر خطابتان شامل من هم می شود، راستش را بخواهید در حد این خطاب نیستم. اینجانب در جمع دوستان فردی تازه کارم و ادعایی نداشته و ندارم. زیاد هم در قسمت نظرات وارد نمی شوم. مگر آنکه لازم بدانم.
نکته ای هم که عرض کردم از آن جهت بود که دیدم دوستان به آن اشاره ای نکرده اند و گفتم شاید گره ای به این نکته باز شود که آن هم فقط یادآوری نظر استاد بود. در ضمن قصد من از این کار جواب دادن به موضوع قلعه ها نبود. قصدم جواب به این سوال بود که یهودیان چرا این همه هزینه برای این جعلیات انجام داده اند. خواستم بگویم که یهودیان در واقع با یک تیر دو

نشان زده اند. پنهان کردن پوریم و مهم تر از آن ایجاد پایگاهی برای تفرقه و انصافا در این امر بسیار موفق بوده اند.
فرمودید "چرا هی اصرار دارید که در همون واقعه پوریم بمونید ؟ اصلا سوالات و تحقیقات بنیادیتان الان سر چه موضوعیه؟
کمتر دیدم کسی در قسمت نظرات سوال مهمی کرده باشه و فقط بعد از هر نوشته استاد سیل تبریک که عجب مشت محکمی به دهان باستان پرستان زدید و غیره سرازیر میشه!!!"؛
باید بگویم که کسی در موضوع پوریم متوقف نشده است. حتی با وجود جواب ندادن به مساله قلعه ها هم موضوع پوریم زیر سوال نمی رود. این گفته شما در صورتی معنا پیدا می کند که قلعه ها مثلا مربوط به قبل از ظهور اسلام و یا به گونه ای نشان از وجود تجمعی متمدنانه در ایران تا قبل از زمان اصطلاحا صفویه باشند. می دانیم که اینگونه نیست و این قلاع در واقع عکس این مطلب را نشان می دهند. پس این موضوع پوریم را منتفی نمی کند.
دوم اینکه بسیاری از یادداشت های استاد به صورت اشاره است. از میان دوستان اگر کسی بخواهد بیشتر بداند یا باید خودش آستین بالا بزند و تحقیق کند و یا اینکه منتظر بمانند تا خود استاد احتمالا به این پرسش ها پاسخ دهند.

نویسنده: طالب حقیقت

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 2:0

آنکه در قسمت نظرات به قول شما سیل تبریک سرازیر می شود، البته ابراز احساسات دوستان است. اما اینجانب با خواندن بعضی از یادداشت ها بی انصافی دیده ام که تحسین و تشکرم را به استاد اعلام نکنم؛ که حقیقتا در نوع خود بی نظیر بوده اند.
در مورد شغلتان و نحوه تفکرتان که در واقع یکی از روش های حل مساله است گفتید. شکر خدا خودتان که استاد هستید. حتما می دانید که حل مسایل روش های مختلفی دارد. مثلا در همین موضوع بیان تاریخ ایران از سوی استاد، می تواند از جزء به کل باشد و یا از کل به جزء.
تصورم این است که استاد کلیت مطالب و تصویر کلی تمام آنچه را که می خواهند بیان کنند در ذهن دارند. چون بر ابتدا و انتهای مطلب اشراف دارند، به خوبی می دانند که ارتباط جزئیات با هم چگونه است؛ ولی ما که فقط خواننده ایم گاهی اوقات علت بیان یک مطلب را نمی دانیم. چون از مطالب بعد بی خبریم.
شاید خود استاد پس از اینکه کلیات ماجرا را بیان کردند، به جزییات هم بپردازند.

این را هم بدانید که آنچه بر تفکر شما گذشته است شرح حال بسیاری از دوستان است. و اینکه افتخار به ملیت و حتی مذهب مسایلی اعتباری و غیر واقعی هستند که فقط به کار خودفریبی می آیند. پس اگر به نظریات استاد دل سپرده اید خوشحال باشید که زنجیرهای گرانی را که از جمله آنان همین افتخارات هستند از خود باز کرده اید و این شایستگی را دارید که در عقایدتان شک کنید که از بسیاری از مردم بر نمی آید.

از ارایه این نظر مطول عذر می خواهم. گفتم که در مواقع لازم در قسمت نظرات مطلبی می نویسم. شما سوالاتی از جمع پرسیدید و اینجانب هم به عنوان عضوی از جمع ادای وظیفه کردم.
موفق باشید.

نویسنده: لینک

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 6:26

لباس عید بچه های یهودی در اسرائیل/عکس
http://parcham.ir/vdca.anak49n6u5k14.html

توضیحات عکس: بچه های یهودی در فلسطین اشغالی لباس عید پوریم را پوشیده اند لباسی که نشانگر تفکر حاکم بر این جامعه است

راستی استاد منظور از این تفکر حاکم چیست؟!

نا گفته نماند سایت پرچم وابسته به آقای مجتبی هاشمی ثمره است!

نویسنده: مسعود سنجری

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 8:27

برادران طالب حقیقت و چیل عزیز
سلام علیکم
با نهایت احترام به نظرات شما باید عرض کنم که دارید وقت گرانبهایتان را با عالیجناب xxx تلف می کنید! چگونه می توان به سئوال اشتباه پاسخ صحیح داد؟ دانستن دین مردم سرازیر شده به ایران خالی از سکنه کدام ابهام را مرتفع می کند؟ شما به نوبه خود هر دینی را برای آنها قبل از آمدنشان در نظر بگیرید, کدام تغییر در وضعیت فعلی ایجاد می شود؟

در مورد قلاع هم استاد فرمودند که برای تهیه مستندات نیاز به تحقیق جدیست, لذا بدون این مستندات مجبور به استفاده از داده هایی هستیم که با زحمات استاد پورپیرار به اشکالات آنها وقوف داریم یا باید به مدد خیالپردازی به جستجوی پاسخ برویم که در هر دو حالت به نتیجه قابل قبولی نخواهیم رسید.
بنابر این هر دو سئوال طرح شده بدون در نظر گرفتن پاسخ های استاد بوده و وقتی شما عزیزان بسیار محترمانه و بدرستی ایشان را دعوت به تحقیق نمودید متهم به تناقض گویی شدید و اینکه هیچ سئوال بنیادین ندارید و فقط بعد از نصب یادداشتهای جدید استاد برای ایشان پاچه خواری می فرمائید! و ... . پرواضح است که ایشان بعلت نادانی برای دانسته های دیگران ارزشی قائل نیست و عیار مطالب ذکر شده را تشخیص نمی دهد. پیشنهاد می کنم برای رفع ابهام از ایشان دو تا از ایکسهای نامشان را حذف نمایید شاید از عذابشان کاسته شود.

در نهایت خود دانید. بر من واجب بود تا از نحوه برخورد شما عزیزان قدر دانی کرده باشم . موفق باشید
والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: منصور

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 9:5

استاد سلام.
آیا از طریق همان شماره ملی کارت هم امکان دارد هزینه VCD یا DVD واریز کنیم؟

آقای منصور. ممکن است و می شود. بعد باید برای دریافت سی دی یا دی وی دی آدرس را در کامنت خصوصی بفرستید.

نویسنده: یه دانشجو

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 10:46

آقای مسعود سنجری: از کی شما مبصر کلاس ویا وکیل دوستانی مانند چپل . طالب حقیقت شده اید.؟ جنابعالی کی تشریف دارید که به بنیان اندیشی مانند xxx که چند سئوال مطلوم و بیگناه کرده مهر نادانی می زنید.؟ ایا شما از استاد واقعا یاد گرفته اید یا اینکه فقط برای خودنمایی و تکبر در اینجا هستید.؟ این جه نوع شیوه بحث و گفتگو آنهم به فردی هستید که تمامی اثار استاد را مطالعه کرده اند.؟ من با شما از اینکه ذهن پرسشگری ندارید اصلا و ابدا مشکلی ندارم آما آنجائیکه می خواهید دیگران هم با شما همراهی کنند مشکل دارم.
دوست عزیز xxx به وسعت دانش و بزرگی خودتان این دوست سست بنیاد و از خود راضی را به بخشید.

نویسنده: سلطان

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 12:20

سلام به همگی. دیروز مجری شبکه رنگارنگ می گفت عده ای زنگ می زنند و خواهان خرید سی دی فیلم تختگاه هیچکس می باشند. اما مجری می گفت ما فیلمی برای عرضه نداریم و فقط می توانیم از اسپانسر این فیلم درخواست کنیم به این تقاضاهای بینندگان پاسخ دهد. از آقای عباس یا سایر دوستان می خواهم که از طریق تماس با این شبکه علاقه مندان را نسبت به نحوه تهیه این سی دی از ایران یا خارج از ایران راهنمایی کند.

نویسنده: بی نام

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 13:53

اخی العزیز سید سنجری(سنگوری)-سلام علیکم

لو سمحت .ما افکر انهو من المطورطین به شعوبیه واذا کان منهم نحنو نعمل المعروف وکما یقول نتبع الحیال علی باب الدار .لایهمک انشا الله فهو یکون من اصدقان ومن تابعین فکره الاستاد العزیز پورپیرار. انشا الله یدبر نفسه ویکون علی سراط المستقیم.

وب سایت

نویسنده: طالب حقیقت

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 15:35

آقای مسعود سنجری؛ ممنون.

به قول قرآن "و ما اريد ان اخالفكم الي ما انهاكم عنه ان اريد الا الاصلاح ما استطعت و ما توفيقي الا بالله عليه توكلت و اليه انيب"

نویسنده: ×××

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 16:49

با تشکر از حوصله تان.جناب سنجری فرمودند"دانستن دین مردم سرازیر شده به ایران خالی از سکنه کدام ابهام را مرتفع می کند؟" از طرفی فرمودند:"در مورد قلاع تهیه مستندات نیاز به تحقیق جدیست, لذا بدون این مستندات مجبور به استفاده از داده هایی هستیم که با زحمات استاد پورپیرار به اشکالات آنها وقوف داریم" .یعنی پذیرفتن که اشکال وارد است. خوب بنده سوال میکنم آیا سوال کردن در چیزی که اشکال داره از ارزش کار محقق میکاهد یا وادار به تحقیق بیشتر میکنه؟چطور وقتی قبول دارید اشکال داره به امثال بنده میگید سوال اشتباه نکن!!!!؟ جالبه که میگن به علت نادانی بر دانسته های مشکل دار ما ارزشی قائل نیست!! عجب!! پارادوکس یعنی همین .سوال دیگه اینه که دانستن دین مردمان مهاجر نمیتونه فلسفه امامزاده ها و چگونگی اتفاق نظر اقوام ترک و لر و مازنی و کرد و .... بر سر یک مذهب آن هم با این همه اشتراکات نزدیک بر برپایی مراسمات مذهبی را روشن کنه؟اصلا چگور میشه اقوام مختلف را که از جاهای مختلفی در یک جا گرد آورد اینطور شیفته یک مذهب کرد که حاضر هستند جانشان را هم برای اعتقاداتشان فدا کنند؟ دوستان صحبت رسم و رسوم نیست. صحبت عقیده است.

آقای ×××. نخست این که معتقدات منطقه یکسان نیست وگرنه اختلاف بی معنا می شد. و دوم انجام این گونه پروژه ها در مبداء خود به معنای اقناع یک خانواده مهاجر است، نه یک ملت بزرگ و سرانجام زمانی باید جواب می دادم یهودیان چه گونه توانسته اند قتل عام پوریم را اجرا کنند. پاسخ این بود که مسئول جواب به این بخش کنیسه است، من فقط وقوع قتل عام را با ادله های متعدد اثبات می کنم و فرمانده آن عملیات نبوده ام که نقشه اجرای آن را ارائه دهم. در باب قلاع هم به اجبارهایی در گزینش نحوه ی استقرار محدود و در مکان نامناسب توجه دادم و چندین بار نوشتم به علت باقی نماندن آثار و علائم حضور معین و روشنگر در درون قلاع، زمان سنجی و شناسایی ساکنان ین قلاع، که قطعا نمی توانسته اند از مردم بومی باشند، از جمله پی بردن به معتقدات شان، بدون کنکاش های نو ناممکن است. ضمنا در سرزمینی که هیچ مسجد کهن تر از سه قرن پیش ندارد، پرسش در باب دین مهاجران به معنای دور ماندن از بنیان مباحث است.

نویسنده: ×××

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 16:52

جناب ایلماز عزیز
به محض اینکه فضای وبلاگ کمی از حاشیه دور شد و تحمل دوستان متعصب ما کمتر شد نظرمو مکتوب میدم. البته حدسم را با توجه به داده های کنونی در مورد قلاع ها خواهم داد نه تحقیق.
با تشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 17:45

آقای سنجری. شماره ملی کارت: 6037 9910 5630 3658
و شماره حساب مربوط به ملی کارت،
0200364484006 بانک ملی به نام ناصر پورپیرار است
که با عرض معذرت به نظر می رسد در اعلام قبلی عدد آخر نیامده بود.
دوستانی که وجهی ارسال کرده اند قضیه را چک کنند.

آقای بی نام. چند روزی است که آن نوشته را دیده و فضولتا مختصری در آن دست برده ام.

آقای عابدی. لطفا اشکال شماره را در سایت هم برطرف کنید. ممنون

نویسنده: صالح

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 19:48

اگر پوریم را قبول کنیم پس حداقل تمام ساکنان غرب اسلامی از نسل اعراب مسلمانند که در قرن هفتم میلادی به مناطق خالی از سکنه و بدون معارض وارد شده اند. زیرا به دنبال آن کشتار سراسری قوم و قبیله ی دیگری در منطقه باقی نمانده بود! بنابر این تمام مردم شرق میانه و از جمله ایران از دو گروه عمده بیشتر نیستند: 1- اسباط بنی اسرائیل و یهودیان خزری (فارسها و ترکها) 2- اعراب

نویسنده: بی نام

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 20:25

استاد عزیز سلام علیکم-خسته نباشید

استادبزرگوارمراحم شما همیشه شامل حال شاگردانت بوده وهست سپاس گذار

شما هستم .لطف فرمودید ومشق بنده را اصلاح کردید.

انشا الله پس از واریز وجه سی دی و بدهی قبلی از بابت کتابهای ارسالی آدرس

خواهم داد.

نویسنده: مسعود سنجری

سه شنبه 11 اسفند1388 ساعت: 21:4

برادران طالب حقیقت و بی نام
سلام علیکم
با تشکر از عنایت شما و به چشم. همانطور که ملاحظه فرمودید عالیجناب xxx مطالب دیگران را به هرگونه که می خواهد برداشت می کند. معلوم نیست چطور به این نتیجه رسیده اند که وجود اشکال وارد است؟ تمام آنچه را من و شما خواسته ایم تحقیق و بررسی است که کمک می کند تا سئوالات را به شکل صحیح و دقیق طرح کنیم. سئوال در خصوص قلعه ها بدون وجود داده های قابل استناد چگونه ممکن می شود؟ و دین مردم قبل از سرازیر شدن به ایران هیچ تاثیری در روند بعدی تاسیس کشور ایران ندارد.
بعد از پایان این بررسی های بنیادین زمان طرح سئوالات و طرح نظریات فراخواهد رسید. که انشالله نزدیک است. وقتی کسی در این وبلاگ محترم دیگری را خطاب قرار می دهد خود بخود به او احترام گذاشته است و پاسخ احترام این نیست که از حضرت مستطاب xxx دریافت شد.

آقای /خانم یه دانشجو
از کجا می توان فهمید که کسی ذهن پرسشگر دارد یا خیر؟ مگر شما کامنت های خصوصی ما را نیز در این وبلاگ مطالعه می فرمائید؟
والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 12 اسفند1388 ساعت: 0:38

آقای رشید. هنوز نفرموده اید چه چیز باید برای شما ارسال شود

آقای منصور و آقای هیوا ایزدی. سفارش شما امروز ارسال می شود

آقای محمد علی. وجه را واریز و
آدرس تان را در کامنت خصوصی ارسال کنید

فریبا خانم. هنگام طرح آن مباحث سوپر کلان حالا نیست که
از خاراندن سر هم منصرف می شوم.

آقای م. آن لینک مربوط به یادداشت ها و عکس ها بسیار به درد خور بود، یکی هم برای آقای عابدی بفرستید.

نویسنده: reza

چهارشنبه 12 اسفند1388 ساعت: 1:23

با سلام استاد
مدت زمان مستند سوم چند دقیقه می باشد؟

اقای reza. به گمانم یک ساعت و چهل و پنج دقیقه.

نویسنده: منصور1

چهارشنبه 12 اسفند1388 ساعت: 4:36

دوستان گرامی
نه استاد بزرگوار نیاز به پامنبری دارد نه شما سروران عزیز نیاز به توصیه و نصیحت. اینجانب محض اقناع خودم وبه تجربه شخصی چند کلمه ای را مسطور می دارم امیدوارم حال خواندن آنرا داشته باشید وگرمای صمیمیت را بین جمع بنیان اندیشان افزایش دهد. همه ما تمام داشته های بنیانی خود را اول مدیون خداوند هستیم که به ما قلبی حق پذیر عطا کرد و دوم مدیون استاد پورپیرار که نور حقیقت را به آن تاباند که از بابت هردو خدا را شاکریم. پس چیزی برای ابراز برتری بر دیگران در ما نیست غیر از این دو؛آنهم در برابر کسانی که در جمع ما نیستند. چون کسی که به این کلاس پیوست لزوما واجد این دو خصوصیت بوده است.
ممکن است بعضی زودتر عضو این کلاس شده باشند و تحقیقات بیشتری داشته باشند، بسیار خوب اگر فکر می کنند پاسخ سوالی را بلدند جواب دهند، اگر منابع اطلاعاتی خوبی سراغ دارند به دیگران معرفی کنند. استاد به ما یاد داده است که حتی حرف خودش را هم بدون سند و دلیل نپذیریم.در این کلاس ما ولایت فقیه نداریم نداریم. خاک پای هر که یک کلام به من بیاموزد سرمه چشم من است. اینجا کلاس اول دوم سوم نداریم ،اینجا واقعا مکتب خانه است و همه شاگرد پورپیرار هستیم. اینکه بگوییم سوالت پایین تر از سطح کلاس است ناخواسته به انسجام خود ضربه زده ایم و آب به آسیاب دشمن ریخته ایم مگر اینکه خدای نکرده خودمان.....باشیم. پور پیرار خود به تنهایی دهان متعفن صدها سایت را گل گرفته است. آیا خود نمی تواند به برخی نظرات مغرض پاسخ دهد؟ پس چرا آنها را در سایت درج میکند؟حتی جناب مفلح که بنده جواب مطولی به ایشان دادم. برای اینکه منشاء بحث سالم و سازنده باشد.ما در اینجا می توانیم قدرت پاسخگویی خود را محک بزنیم. مگر باید سوال کننده یا جواب به آن آکادمیک باشد؟ به نظر من در این زمینه آکادمیک ها بی سوادتر از دانشگاه نرفته ها هستند و راحت تر می توان به آنها پاسخ گفت چون با رد رفرنس هایشان آنها را خلع سلاح می کنیم.

نویسنده: منصور2

چهارشنبه 12 اسفند1388 ساعت: 4:38

دوست عزیز جناب چیل!
آقای پورپیرار نیازی به بادی گارد ندارد. شما که هر از گاهی یک به به و چه چه نثار استاد می کنید یا دیگران را به آنچه در ذهنتان می گذرد متهم می کنید، چه می دانید؟ شاید همین افراد بسیار بیشتر از جنابعالی به پورپیرار کمک کرده باشند یا به ترویج و تبیین نظرات ایشان همت کرده باشند. کسی می تواند مدافع ایشان باشد که مانند ایشان فحش خورده باشد.
ما که تنها سند قابل قبولمان قرآن است باید به آن پایبند باشیم.«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لاَنفَضُّواْ مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ »(پس به رحمت الهی با آنان نرمخو شدی و اگر تندخو و سختدل بودی قطعا از پیرامون تو پراکنده می‌شدند پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار[ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد (آل عمران ۱۵۹)
در ضمن اگر ملاک را داشته های مغلوط کنونی هم قرار دهیم صحبت شما در مورد اقوام مسلمان در قاب ایران و حوزهٔ مرکزی نادرست است.به اولین یادداشت ایران شناسی مراجعه کنید تا ببینید که مساجد با تاریخ قبل از مساجد ذکر شده توسط شما هم در ناحیه مرکزی ایران می باشد مثلا اصفهان که منسوب به قرن پنجم است. البته صحت این تاریخها با ادامه یادداشتهای استاد کاملا زیر سوال رفت و دروغ از آب درآمد و حتی استاد در آخرین جواب خود به xxx هم به صراحت عنوان داشتند که هیچ مسجدی دورتر از سه قرن پیش نداریم اما عجیب است شما که دیگران را متهم به پایین بودن سوالشان از سطح کلاس می کنید خودتان پلهٔ اول را درست طی نکرده اید و در پاسخ به سوال دوستمان xxx پس از 255 یادداشت استاد دوباره رفته اید سر دکهٔ اول. البته این فراموشی برای همه کاملا طبیعی است پس فایده سوال دوستمان این است که به باز آموزی درسها کمک می کند.

نویسنده: منصور3

چهارشنبه 12 اسفند1388 ساعت: 4:40

جناب چیل
نوشته اید «قومیت های مهاجر قاب ایران به قرائن بسیار از جمله سکونت در دشتها وسرزمینهای پر آب وحاصلخیزودارای ارزش اقتصادی متقدمین ورود به ایرانند». خب؛ شرق ایران که سراسر کویر و بیابان است, جنوب هم که گرم و کم باران

است, غرب هم که کوهستانی است , فقط می ماند جلگه خوزستان و دریای مازندران . بفرمایید قاب شما چه شکلی است که معتقدید مردم آن به دلیل ارزش اقتصادی زود تر وارد شده اند؟
فقط خواستم بگویم تنها, املای نانوشته بدون غلط است, یک بارآمدید نظر دهید چند تا غلط داشت که بنده به بقیه نمی پردازم از حق نگذرم نکات تازه و قابل استفاده هم در آن کم نبود پس دیگران را متهم نکنید و شاگردان را فراری ندهید.

نویسنده: منصور4

چهارشنبه 12 اسفند1388 ساعت: 4:41

و اما برادر عزیز جناب سنجری ,
نظرات شما تقریبا همواره حاوی نکات جدیدی است از محتوای نظرات شما برمی آید اطلاعات خوبی در مورد قرون تفتیش عقاید و مهاجرت یهودیان به ایران داشته باشید. برادر من اطلاعات بیشتر بده مراجع مفید را معرفی کن. سوالات خوبی برای تحقیق مطرح کرده بودی ولی حالا نه xxx بنده از کجا بروم پاسخ آنها را بیابم. همه چیز را همگان دانند هر کدام از ما در مدخلی از دایره المعارف غول آسایی که استاد گشوده مشغول به کاریم مثلا بنده همزمان به مطالعه تورات و آثار آن در جامعه فعلی مان پرداخته ام و شما به تاریخ قرون تفتیش عقاید. اگر بخواهیم همیشه درست بگوییم باید همیشه ساکت باشیم ولی اگر دست آوردها و داشته هایمان را به بوته نقد بگذاریم برای خودمان و دیگران بسیار مفید خواهد بود.

نویسنده: منصور5

چهارشنبه 12 اسفند1388 ساعت: 4:42

دوست عزیز xxx
قریب به اتفاق سوالات شما توسط استاد پاسخ داده شده اگرحوصله به خرج دهید و مطالب را از اول بخوانید پاسخ آنها را خواهید یافت.حتی پاسخ به سوالات دیگران را هم از سال 83 بخوانید نکات کلیدی در بین آنها می باشد.مقالات متفرقه را هم که از سال 82 در سایت ناریا می باشد مطالعه فرمایید. بنده مرتب شده تمام آنها را دارم اگر لازم باشد و راهی باشد تقدیم خواهم کرد. بسیاری از مقالات که دارای عناوین استعاری می باشد را با عنوانی که معرف محتوای آن گفتار باشد همراه کرده ام, مثلا "آب در لانه مورچگان" را که 5 یا 6 قسمت است در هر قسمت با عنوانی که بیانگر محتوای آن است همراه کرده ام. یا مقاله "ملا نصرالدین ها...." در مورد هرودوت و نقشه های قلابی خیلج فارس است.
دوست عزیز, در علوم مهندسی هم دوباره نمی آییم اصول اولیه را اثبات کنیم هر چند سوالات شما از این نوع نبود ولی می خواهم بگویم که مثلا مندلیف وقتی در جدول خود جای گالیم را خالی یافت خواص آن را پیش بینی کرد و گفت که فلزی خواهد بود که در دمای پایین ذوب خواهد شد ویا خواص دیگری که بیان آنها اطاله وقت است ولی بعدها که گالیم کشف شد دقیقا همان خواص را داشت مثلا در 30 درجه ذوب می شد. اینجا هم همان قضیه حاکم است؛ جناب پورپیرار تئوری خود را مطرح کرده و درست بودن آن را به اثبات رسانده است دیگر اینکه چرا آب رفتار غیر عادی در انقباض وانبساط دارد یا اینکه جریان قلعه ها دقیقا چیست و اول کدام تجمع و با کدام مشخصات در ایران صورت گرفته انصافا بسیار جزیی است و نه بنیادین و درآینده حل خواهد شد و اتفاقا وقتی در معرض ضربه های مداوم سوالات قرار گیرند زودتر راز خود را بر ملا خواهند کرد و به قول برادر عزیز جناب سنجری مجال خود را می طلبد چنانکه بحث نیمه هادیها در میان صد وچند عنصر فقط شامل Si و Ge و چند آلیاژ محدود است ولی برای خود دنیایی است که علم الکترونیک بدون آن بی معنی است.
قدر جمع خود را بدانیم.
با تشکر و عذرخواهی از همه دوستان

نویسنده: ×××

چهارشنبه 12 اسفند1388 ساعت: 6:29

سلام استاد
با تشکر از پاسختان.ولی نمیدونمبخش دوم نوشته هام به دوستان در پاسخ به انتقادشان به دستتان نرسید یا به دلایلی حذف کردید.با تشکر

۱ ۲ ۳ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

/wEPDwUJNzUyI

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 255، نتیجه63، نقشه شهرهای ایران در دوران قاجار، 8 - 126 نظر

نویسنده: سعید

چهارشنبه 12 اسفند1388 ساعت: 9:52

با سلام
شاید جزو فضولی های نا خاسته باشد اما آیا دوستان میتوانند ارتباطی بین
یک دانشجو ، خلیج همیشه فارس و آقای xxx ایران پیدا کنند
ظاهرا سوالها از نوع بنی اسرائیلی است که خود بنده طبق سفارش کنیسه یک سال پیش چنین سوالاتی داشتم اما به مرور متوجه شدم اینکه پوریمی در منطقه رخ داده اثبات شده و اینکه تجمع انسانی در سرزمین ایران متاخر تر از چند قرن اخیر نیست هم کاملا روشن است پس قلاع تنها میتواند مورد استفاده در این چند قرن شروع تجمع و یا اسکان موقت یک یا دو نسلی اقوامی در ایران باشد که بعدها نیز در این سرزمین نمانده اند و باز روشن است که ارتباطی به بومیان منطقه ما هم نداشته اند چون زنجیره پیوسته زندگی در ایران بعد از پوریم همین چند قرن اخیر است و بس

برای یافتن جواب تمام سوالات هم یک مقدار زمان و تحقیقات گسترده تری و تخصصی تری نیاز است که در چند سال آینده با کمک استاد و همکار ی سازمان میراث بی فرهنگی دولت فخیمه بتوان به آنها دست یافت
موفق باشید

نویسنده: هجر

چهارشنبه 12 اسفند1388 ساعت: 12:6

«سعید متین پور»و اونوتماياق. لطف ائدیب سعیده گؤره مطلبیز اولارسا بو وئبین خصوصی پیاملاریندا یازاسیز؛ بنده وئبده فایدالانیم. یاشاسین آذربایجان – زنگان و سعید.

وب سایت

نویسنده: مسعود سنجری

چهارشنبه 12 اسفند1388 ساعت: 13:7

برادر منصور گرامی (1)
سلام علیکم

قطعا شما تجربیاتی را متراکم کرده اید که مورد احترام است. اینجانب شاگردی معمولی در این کلاس بنیان شناسی بیش نیستم. همانگونه که فرمودید ما از استاد پورپیرار آموخته ایم که قبل از پذیرفتن هر چیز درباره آن تحقیق و بررسی کنیم. من هم مانند شما در مداخلی از دایره المعارف غول آسایی که استاد گشوده مشغول به کار هستم. خواسته بودید تا منابع را معرفی کنم که بر روی چشم.

درباره سرازیر شدن جمعیت به ایران خالی از سکنه بهتر از توضیح استاد چیزی نمی شناسم و بسیار واضح از این سرازیر شدن نفوس برای فراهم نمودن قدرت نقش آفرینی و اثربخشی در پروژه های نفاق افکننانه بعدی در منطقه بوده است که بعد با شیعه سازی و در مرحله بعد با تفریس ادامه یافته تا به آنچه در پیش روی ماست رسیده.

اما در خصوص قرون تفتیش عقاید که اشاره داشتید اضافه کردن این موضوع را ضروری میدانم که این جانب به طور خاص بر روی تاریخ دوران تفتیش عقاید کار نمی کنم بلکه با توجه به مانیفست عظیمی که توسط استاد پورپیرار مطرح شده به مباحث تاریخی در تمام نقاط جهان سرک می کشم و آنها را بر مبنای نظریات استاد مورد بازبینی قرار می دهم.
خدا را گواه می گیرم که از نوشتن این مطالب قصد خود ستایی و فخرفروشی ندارم ولی بعد از حدود 25 سال مطالعه دائم در مورد تاریخ همواره معتقد بوده ام که تاریخ ایران با تاریخ کلی جهان همخوانی ندارد تا اینکه به نظریات استاد برخوردم که با تواضع کامل معتقدم ایشان به بهترین وجه ممکن این موضوع را اثبات کردند. حال که بقدر قطره آبی در این مسیر تلاش کردم می توانم قدر دریای زحمات استاد را بسنجم . ایشان در زمانی و فضایی نظریات خود را مطرح نمودند که به اصطلاح روشنفکری این سرزمین که بیماریهایی نظیر دن کیشوت ایسم و دایی جان ناپولئون ایسم و برج عاج نشینی و ... دچار است و طی طریق در این مسیر طاقتی کوه سان و تلاشی کمرشکن می طلبد.

نویسنده: مسعود سنجری

چهارشنبه 12 اسفند1388 ساعت: 13:7

برادر منصور عزیز (2)

با توجه به مطالبی که عرض کردم تاکنون از بازبینی تواریخ موجود و سنجش آنها با نظریات استاد هر دفعه صحت رویت ایشان بیش از گذشته بر این حقیر آشکار می شود. لذا به حکم تجربه کوتاه خود در یافتم که سریعترین راه برای رسیدن به برداشت صحیح از نظریات استاد این است که تا تکمیل تصویر ارائه شده توسط ایشان صبر کنیم و در عین حال خود به بررسی و بازبینی مطالب ادامه دهیم. از یاد نبریم که این بنیان شناسی امروز به بلوغ خود دست یافته و ابهام افکنی بر آن روز بروز سخت تر خواهد شد.

ضمنا برای اینکه بدون ذکر منبع این یادداشت را به پایان ببرم از شما می خواهم تا کتاب تاریخ تمدن اثر فاستیل دوکولانژ و کتاب جهان های گمشده اثر آن تری ویت را برای شروع بررسی نمائید تا بتدریج منابع دیگر را خدمت شما دوست اندیشمند قرار دهم. هر چند که همواره فرض اینجانب این است که همه میدانند و نیازی به یادآوری ما نیست.

والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: ×××

چهارشنبه 12 اسفند1388 ساعت: 14:32

جناب منصور بسیار متشکرم از این همه حوصله تان و ادبیات منقدانه و مودبانتان.
بسیار مشتاقم که فایل پی دی اف مورد اشاره تان را دریافت کنم.نحوه گرفتن آن را اعلام نمایید لطفا.(اعتراف میکنم داستانهای سایت ناریا را هیچ وقت نخوندم نمیدونم چرا!!الان که فکر میکنم میبینم چرا این سوال برام قبلا پیش نیومد که چرا چنین داستانهایی تو وبلاگه و چرا غفلت کردم  .

نویسنده: فرشته

چهارشنبه 12 اسفند1388 ساعت: 18:42

سلام وخسته نباشید خدمت استاد عزیز و دوستان
من یه سوال داشتم تو مطلبی که آقای طالب حقیقت نوشته بودن ایشون گفتن که وارد شوندگان به این سرزمین مستقیما اسلامی را دریافت کرده اند که آلوده به جعلیات یهود بوده است اولا چرا باید این افراد مسلمان بشن خب یهودیانی که قبلا در این کشور بودن منظورم اولین وارد شوندگان به ایران میتونستن دین خودشون رو به تازه واردها القا کنن و به یک کلونی

یهودی در منطقه تبدیل بشن و در برابر گسترش اسلام مقاومت کنن ثانیا این قوم تازه وارد خودشون یه مذهبی داشتن و به فکر تغییر مذهبشون نبودن ضمنا در کتاب استر وقتی درباره وضعیت یهود در اوایل این قرن مطلب میخونیم واقعا وضعیتشون رقت بار بوده چه جور میشه قومی که اول صاحب این مملکت بوده بعدها تبدیل به یکاقلیت زبون در جامعه شده؟؟؟

خانم فرشته. احتمال می دهم با مطالب این وبلاگ، با همان کامنت آقای طالب حقیقت آشنا شده باشید به همین دلیل از مظلومیت یهود می گویید که همیشه مانند ستم به آنان در جنگ جهانی دوم و ماجرای هالوکاست و اتاق های گاز دروغ بوده است. حقیقت آن زمان بیان خواهد شد که شرایط اجازه دهد تا اهل تحقیق اثبات کنند آن دو جنگ جهانی بزرگ در نیمه ی اول قرن بیستم را، که به کشتار صد میلیون نفر کشیده شد، یهودیان برای منافع قوم خود به راه انداخته اند و همین مظلومان اند که حالا جست و جو گر موضوع را راهی بازداشتگاه می کنند. وقت بگذارید و یادداشت ها را از آغاز بخوانید.

نویسنده: چیل

چهارشنبه 12 اسفند1388 ساعت: 23:50

جناب منصور آنچه را که ازبیان استاد در ظهور جمعیت بر این عرصه پوریم زده درک کردم در سه عنوان برای خود تفسیر کرده ام اول جمعیت بدون تولیدات سیاسی واقتصادی ضعیف قلا,دوم جمعیت ظهور یافته از دیگر ملل واقوام ,که عدم تناسبات فرهنگی وزبانی و..که عمدتا"در قاب این عرصه خالی واقع شده اندودلیل آفتاب وجود آفتاب است وسوم جمعیت تزریقی حمایت شده و بهرمند از نظامات سیاسی نظامی واقتصادی عوامل ایجاد کننده.خوب آیا این با نظریه استاد منافات دارد؟ جناب منصور یک دریاچه,یک اب راه متصل به دریای آزاد, یک دریا,وجودخاک حاصلخیز,وجود ابهای زیر زمینی,یک رود خانه قابل صیادی'منطقه دارای نزولات آسمانی مستمر , یک تالاب,یک چهار راه عبوری ,حتی وجود یک امام زاده ویک برکه می تواند برای جذب وتوطن مردم جذبه وارزش اقتصادی باشدوگاها" منطقه صعب العبور وواحه ها و بیابانها در مقاطع خاص و وجود تهدید می تواند برای اسکان وایجاد تجمع بشری ارزش از نوع سوق الجیشی قلمداد گردد.همه اینها که به نظر بنده رسیده می تواندجذبه های طبیعی حرکت اقوام مختلف در منطقه واستقرار آنها در قاب این عرصه پوریم زده باشد.لطفا" قسمت خالی لیوان را استناد نفرمایید.استناد به قسمت پر لیوان هم باز نصف دلیل واحتجاج است .دلیل تام هر دو بخش پر وخالی لیوان است.آنجا باران نیست.اینجا بیابان است آنجا کوه است این حساب وکتاب ها قانع کننده نیست.

نویسنده: مجتبی غفوری

پنجشنبه 13 اسفند1388 ساعت: 1:2

با سلام
به دلایلی که برای بنده روشن نیست ورود به ایمیلم برایم ناممکن شده از دوستانی که با ایمیل بنده تماس گرفته بودند خواهشمندم با این شماره تلفن تماس بگیرند.

09194773819

نویسنده: مجتبی غفوری

پنجشنبه 13 اسفند1388 ساعت: 1:17

جناب عباس و محمد رضای عزیز ضمن تشکر بابت زحمت بسیار زیادی که کشیده اید اگر برایتان مقدور است شماره تلفنی از خود به ایمیل استاد بفرستید تا در مورد مطالب مطرح شده که بسیار ضروری و بجاست گفتگو کنیم در ضمن با توجه به بازخورد خوب پخش مستند ها، گمان می کنم با توجه به فهرست شبکه های فارسی زبان بتوان با 2-3 شبکه دیگر به توافق رسید .

نویسنده: دی جی

پنجشنبه 13 اسفند1388 ساعت: 2:2

با سلام
خطاب به آقای سنجری و آقای سعید: چرا شما در تلاش هستید تا هر کسی را که سوالی چالش برانگیز می پرسد تحت فشار قرار دهید؟
مثلا آقای سنجری مدام از کلماتی سرکوب گرانه استفاده می کنند که فلان سوال ابهام برانگیز است و . . . آقای سعید هم که ماشاالله دستی در بنی اسرائیل شناسی دارند و از برچسب زدن به افراد هم ابایی ندارند
حال بنده این سوال را مطرح می کنم که تعریف شما از ابهام برانگیز بودن و یا بنی اسرائیلی بودن یک سوال چیست؟
ممکن است شما جواب سوال را ندانید اما این دلیل نمی شود که آن را غلط بشمارید

بنده با این قسمت از حرف آقای xxx موافقم که اگر شما چیزی را قبول کرده اید این باعث نمی شود که این حق را به خود بدهید که دیگران را که در مورد آن چیز سوال می کنند شماتت کنید و سعی در به انزوا کشاندن آن ها نمایید
حرف های شما بنده را به این نتیجه می رساند که شما همه را ملزم به قبول چیزی که شما آن را درست می پندارید می دانید و این عقیده افراطی باعث می شود که کسی که سوال می کند در نظر شما فردی مزاحم باشد

نویسنده: دی جی

پنجشنبه 13 اسفند1388 ساعت: 2:3

آقای طالب حقیقت با توجه به اینکه شما هم خود من را می شناسید و هم عقاید مرا می دانید لازم می دانم به شما بگویم که مطالبی که گفته اید اگرچه بسیار هوشمندانه و جامع نگرانه هستند بازهم انتزاعی بوده و با تمام دلایلی که برایشان دارید مختص به ذهن شما هستند نمی توان این گونه مطالب را پایه ای برای بحث های بعدی قرار داد فقط فرضیه هایی می توانند باشند که ارزش فکر کردن و تحقیق کردن دارند

نویسنده: reza

پنجشنبه 13 اسفند1388 ساعت: 3:26

عکس های گیگا پیکسلی

http://gigapan.org/viewGigapanFullscreen.php?auth=033ef14483ee899496648c2b4b06233c

/http://gigapan.org/gigapans/43527

آقای reza. ممنون.

آقای سایه. مستندهای تقاضا و اعلام شده را با پست پیشتاز ارسال کرده ایم، به علت تعطیلی احتمالا شنبه و یا حداکثر یک شنبه ان شا' الله خواهد رسید. دوستان رسید و نظر درباره مستند را اعلام کنند.

نویسنده: reza

پنجشنبه 13 اسفند1388 ساعت: 3:28

آقای غفوری با سلام
در اولین فرصت با شما تماس خواهم گرفت

نویسنده: توحید

پنجشنبه 13 اسفند1388 ساعت: 9:3

با سلام خدمت استاد و دوستان . مطالب این وبلاگ در مورد قرآن به نظرم بسیار مفید است و بنیان اندیشانه :
http://chera2chera.blogfa.com
استاد آیا امکان تهیه مستند جدید بصورت مستقیم از انتشارات نیل هست ؟ با تشکر فراوان از زحمات شما .

وب سایت

نویسنده: مسعود سنجری

پنجشنبه 13 اسفند1388 ساعت: 12:59

جناب دی جی گرامی
سلام علیکم

ظاهرا شما کامنتها را مطالعه نمی فرمائید. تمام آن چیزی که ما از حضرت مستطاب xxx خواسته ایم این بوده که اولا کمی حوصله داشته باشند و ثانیا شخصا دست به تحقیق بزنند. حالا از کدام یک از این دو خواسته اجبار, تحمیل, فشار, توهین و ... استنباط می شود نمی دانم! ضمنا پاسخ استاد به ایشان را ملاحظه فرمودید آیا پاسخ استاد هم همین برداشت را به ذهن شما می رساند؟ ضمنا می شود منظورتان از سئوال چالش برانگیز را بیشتر توضیح بدهید. الحمدالله به نظر میرسد که

کسی در خصوص یادداشتهای فعلی استاد و موضوع نوساز بودن شهرهای ایران ابهامی ندارد.
ممنون از توجه تان.

والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: ایلماز

پنجشنبه 13 اسفند1388 ساعت: 14:45

سلام
دوستان عزیز مترجم مدتی است خبری از شما نیست؟!آیا پیشرفتی صورت گرفته است؟!

نویسنده: مجید رجبی

پنجشنبه 13 اسفند1388 ساعت: 18:0

با سلام وخسته نباشید استاد پور پیرار از کجا میتوانم ترجمان القران جرجانی را بیابم. حد اقل نسخه الکترونی اش را . با تشکر

آقای رجبی. باید به دست دوم فروشان مقابل دانشگاه و یا به کتاب خانه های مثلا دائره المعارف بزرگ اسلامی رجوع کنید. زمانی نسخه ای داشته ام که اگر یافتم خبرتان خواه کرد.

نویسنده: طالب حقیقت

پنجشنبه 13 اسفند1388 ساعت: 18:35

با سلام به استاد و دوستان

خانم فرشته. در پاسخ به سوال شما باید بگویم که یهود دارای یک جامعه بسته و در واقع مبتنی بر نژاد است و به ندرت پیش می آید که غیر یهودیان را به جمع خود راه دهند. ثانیا آنها می خواسته اند که پایگاهی برای تفرقه ایجاد کنند. در لباس یهود و به شکل آشکار که نمی توانند عقاید مسلمانان را تغییر دهند. پس باید خود را مسلمان جلوه دهند و مسلمانانی با اسلام دلخواه خویش تربیت کنند. سوم اینکه نقطه ضعف اساسی هر جامعه و بخصوص جامعه اسلام تفرقه و چند دستگی است. به نظر اینجانب هیچ چیزی حتی رویارویی مستقیم (آن طور که شما برای یهودیان پیشنهاد فرمودید) به اندازه تفرقه وفاسد کردن اسلام از درون (آنچنان که امروز می بینیم) به اسلام ضربه نمی زند. گویا آنها قرآن را خوانده اند و هر آنچه را که قرآن برای حفظ اسلام از آن نهی فرموده است در میان مسلمانان رواج داده وآنچه را امر نموده متروک ساخته اند.
دیگر آن که تعویض دین هم امری عادی است. اگر آن را انکار کنیم باید بگوییم که مردم مصر چه احتیاجی به تعویض دینشان با اسلام داشته اند. مسلما مهاجران به این سرزمین تمدن مصریان را هم نداشته اند که پذیرفتن اسلام برایشان دشوار باشد.

آقای دی جی. آنچه گفتم نظر شخصی خودم بود و هیچگاه بر کسی تحمیل نکرده ام که در واقع، امری غیر ممکن هم هست. آقای xxx نظر دوستان را خواستند. من هم به عنوان یکی از دوستان نظرم را گفتم.
آنجا که گفته ام:

(" به نظر من" هم این مطلب درست است و وارد شوندگان به این سرزمین مستقیما اسلامی را دریافت کرده اند که آلوده به جعلیات یهود بوده است(.
("نمی دانم چه قدر به واقعیت نزدیک است"؛ "ولی فکر می کنم" که مهاجرین به ایران، اسلام را از یهودیانی گرفته اند که پیش از آن در این سرزمین ساکن بوده اند)

بر شخصی بودن نظراتم اشاره کرده ام و با عبارت
(باید منتظر نظر استاد بمانیم...)

نشان داده ام که جواب نهایی را استاد باید معلوم کنند که هم اسناد گوناگون و هم تجربه بیشتری دارند.

نویسنده: طالب حقیقت

پنجشنبه 13 اسفند1388 ساعت: 18:36

فعلا این سوال باید در ذهن ما باشد که این مردم چگونه مسلمانانی هستند که کتابی را که منشور مسلمانی است نخوانده اند؛ اما ذهنشان تا بخواهی از داستانهای اسلامی پر است. وضع این مسلمانان با مسلمانان کشورهایی مانند مصر و عربستان فرق دارد. آنها قرآن را می خوانند؛ اما با احادیث وتفاسیرمعنی آنرا برایشان دگرگون کرده اند؛ ولی مردم ایران قرآن را بر روی تاقچه گذاشته اند و بیشتر آنان حتی سواد خواندن آن را ندارند. اگر هم بخوانند برای کسب ثواب است. این مطلب اگر در طول زمان به عقب برگردیم نمود بیشتری پیدا می کند.

آقای طالب حقیقت. راه مذهب در اولین دو راهی از دین جدا می شود و به فرقه گرایی و قوم پرستی مذموم در نزد خداوند می پیوندد.

آقای تلمیذ. بسیار مایلم آن عکس سال 1810 را ببینم.

نویسنده: تلمیذ

پنجشنبه 13 اسفند1388 ساعت: 19:25

آقای reza
این مطلب بارها ارز طرف استاد عنوان شده است که چون به دلایل فنی خط عرب تا قرنها بعد از ظهور اسلام قدرت کتابت متون بزرگ را نداشته است پس تمامی مطالب مثبت و منفی در باره حوادث صدر اسلام (مطالب در باره خلفای راشدین و بنی امیه و بنی عباس و جنگهای داخلی و خارجی مسلمین و قدمت مذاهب و غیره و غیره همه و همه) جعل مطلق است!!! تعجب می کنم چگونه بعضی از دوستان خود را بنیان اندیش می نامند؟!

آقای تلمیذ. هر اشاره ای به اسلام، بیرون از داده های قرآن، مدرک اثباتی ندارد و غالب بل تمامی آن ها را می توان دشمن ساخته گفت. مگر این که صحت آن به نوعی اثبات شود که مدرک نبود خط، همگی را ابطال دوباره می کند.

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 13 اسفند1388 ساعت: 19:58

استاد عزیز جناب اقای پورپیرارسلام علیکم-خسته نباشید

مبلغی جهت ارسال دو سری دی وی دی منظور فرستادم. یکی برای ارشیوم که مثه نوبت قبل مزاحم شما نشوم ویکی هم اگر اجازه بفرمایید جهت نشر حقیقت.
از زحمتی که می کشید بسیار ممنونم.

آقای بی نام. مسکین نوازی فرموده اید. ضمن عرض تشکر لطفا آدرس هم ارسال کنید چرا که آدرس ها را نگه نمی دارم.

آقای رشید. با عنایت الهی چرخ کارها بدون روغن کاری و با جیر جیر می گردد، بنده و دوستان از شما ممنونیم و طالب تحملی به کسی نیستیم.

نویسنده: آمون

پنجشنبه 13 اسفند1388 ساعت: 21:32

من هنوز تو کف این جمله مونده ام:
کدوم کشیشی مسیحی، کدوم آخوندی مسلمان و کدام خاخام یهودیه؟ همه به دنبال جمع آوری پیرو و افزایش جبروت خویش اند و نه معرفی جلال خداوند!
در واقع برای یکی از بزرگترین سوالاتم که سالها ذهن منو مشغول کرده بود جواب گرفتم!

کسانی که به نوشته های ایران شناسی نیاز دارند، غلط گیری شده و تا حدی ویرایش شده، (فعلا نسخه بتا می باشد!) به معبد آمون دخیل ببندند!

Amun.blogfa.com

آقای آمون. من هم در کف جمله کوتاهی مانده ام که یک طلبه جوان افغانی در مصاحبه ای در نشست وحدت اخیر، در تهران به خبرنگاری گفت:
مرگ بر آمریکا برای مسلمانان یک دعاست!
آیا حب دنیا این طلبه را بدین سلامت باقی خواهد گذارد؟

نویسنده: reza

پنجشنبه 13 اسفند1388 ساعت: 23:43

آقای ایلماز
ترجمه انگلیسی مقاله اول در اختیار استاد قرار گرفته. متاسفانه یا خوشبختانه مشغله های دیگر باعث به تاخیر انداختن ادامه کار گردید. از قدیم گفته اند که یک دست صدا ندارد.

نویسنده: ایلماز

جمعه 14 اسفند1388 ساعت: 0:26

با سلام
جناب رضا خان ان شالله اگر اراده خداوند بر این امر باشد اسباب آن را فراهم خواهد کرد.بنده که به شخصه سواد و توان چنین کاری را ندارم جز اینکه برای افرادی با اراده شما و تمام دوستان دیگر که به نوعی فعالیت میکنند دعا کرده و در حد توانم به تبلیغ بپردازم.
مدتی پیش از طریق یک وب سایت با تحصیلکردگان رشته مترجمی ارتباط برقرار کرده و سایت و وبلاگ و مستندها را به ایشان معرفی کردم.ان شالله که از بین این افراد اشخاص جویای حقیقت پیدا شوند.
موفق باشید

نویسنده: reza

جمعه 14 اسفند1388 ساعت: 0:38

آقای تلمیذ به یاد ندارم جایی خود را بنیان اندیش نامیده باشم.اگر فرصتی نصیب شده در محضر استاد و دوستان دانه چینی نموده ام.در رابطه با منابع و مراجع تاریخی مربوط به صدر اسلام تحقیقات استاد نقطه پایانی است بر همه مباحث. اما جای بحث در زمینه فروع دین و انجام عبادات و مناسک اسلامی همچنان باز است. فی المثل اگر همین طریقه نماز گزاردن فعلی ما طبق همان سیره پیامبر عظیم الشان بوده (به یاد دارم که استاد بدین موضوع زمانی اشاره ای کرده بودند) بدلیل فقدان مکتوبات قابل اثبات به خط عرب تنها راه آگاهی های کنونی از اینگونه امور انتقال سینه به سینه بوده که پس از چندین قرن مکتوب گردیده.همین امر در مورد انتقال قرآن کریم به نسلهای حاضر نیز صادق است تنها با این تفاوت که هیچ مخلوقی توانایی تحریف و دستبردگی در قرآن را ندارد ولی جعل حدیث و تحریف روایات پیامبر کار مشکلی نیست. من حتی فکر میکنم تنها دلیل اولیه به وجود آمدن مذاهب طی زمان تنها برداشت و تفسیر متفاوت علمای هر منطقه از فروع و جزییات بوده.بدین معنی که یک مسلمان شرق چین با همکیش خویش در غرب آفریقا تنها در جزییات ادای مناسک دینی تفاوت دارند که با توجه به خاستگاه فرهنگی و بومی هر یک امر پذیرفتنی است. متاسفانه این تفاوتها طی دو سه قرن اخیر با دسیسه های دشمنان اسلام عمیق تر شده (کتاب سازی و جعل احادیث در ترویچ فرقه گرایی افراطی)

نویسنده: اترش

جمعه 14 اسفند1388 ساعت: 1:41

آقای ایلماز، فعلا برای امر ترجمه شخص دیگری پا پیش نگذاشته اما پشت صحنه اتفاقات خجسته ای در حال وقوع است...
اندکی دیگر صبر کنید، خبر خوشحال کننده دیگری در راه است...

وب سایت

۱ ۲ ۳

نظر شما

نام شما:

ایران شناسی 256

ایران شناسی بدون دروغ 256، نتیجه64، شناسایی کمال الملک نقاش، 2 50 -
نظر

نویسنده: R134a

جمعه 14 اسفند1388 ساعت: 0:43

khaste nabashid

نویسنده: دی جی

جمعه 14 اسفند1388 ساعت: 1:6

سلام
آقای سنجری
تعریف من از سوال چالش بر انگیز این است که خواننده مطلبی با شنیدن یا خواندن این سوال مجبور شود مطلب را دوباره مرور کند و به عبارتی احساس کند مطلب را خوب نفهمیده است
صرف نظر از اینکه شما تعریفتان را از سوال ابهام بر انگیز هنوز نفرموده اید باید عرض کنم که چالش برانگیز بودن خصوصیت بدی نیست بلکه مفید هم هست
اصولا یک سوال باید چالش برانگیز باشد به نظر شما غیر از این است؟
در ضمن شما از چگونه نتیجه گرفته اید که هیچ کس در مورد ماجرای پوریم ابهامی ندارد؟
هدف بنده از نوشتن آن کامنت نقد همین اخلاق جناب عالی بود که همه را به افکار خود حواله می دهید و از طرف همه صحبت می کنید
کامنت هایتان را هم با دقت خوانده ام!

آقای طالب حقیقت عزیز بنده نگفته ام که شما افکار خود را به بقیه تحمیل می کنید
در ضمن حق با شما بود بنده کامنتتان را با دقت نخواندم

نویسنده: مسعود سنجری

جمعه 14 اسفند1388 ساعت: 3:20

دی جی عزیز
سلام علیکم
با توجه به نوشته شما دوباره کامنتهایی را که در یادداشت قبلی گذاشته بودم بررسی کردم و متوجه نشدم کجا گفته ام که کسی در مورد ماجرای پوریم ابهام ندارد؟ بنده شخصا با توجه به نظریات استاد پورپیرار در مورد پوریم ابهام ندارم.
در خصوص تعریف سئوال ابهام آمیز می پرسید باید عرض کنم از دسته سئوالهایی هستند که مثلا شخص بپرسد اول تخم مرغ خلق شده است یا مرغ؟ پاسخ دادن یا ندادن به این سئوال هیچ کمکی به کسی نمی کند و فقط ابهام حول موضوعات بدیهی ایجاد می کند.
درباره چالش انگیز بودن ممکن است تعاریف دیگری هم وجود داشته باشد اما در مورد معانی آن با کسی (و در اینجا با شما)اختلاف نخواهم داشت.
فرموده اید که همه را به افکار خود حواله می دهید و از طرف همه صحبت می کنید. دوست عزیز شما دارید به من توهین می کنید. از کجا به چنین برداشتی رسیدید؟ اینجانب خیلی کم کامنت می گذارم و رویکردی جز اشتراک ارا ندارم. خود جنابعالی هم بسیار تحکم آمیز صحبت می کنید (خصوصا در کامنت یادداشت قبلی).
کسی سئوال کرد و در پاسخم او را به حوصله و تحقیق دعوت کردم اما پاسخ ایشان دور از ادب بود که البته بنظر می رسد که شما در باره اهانت ایشان مشکلی ندارید. اگر کامنتهای دو سه ماه گذشته را بررسی بفرمائید می بینید که استاد بارها

این عبارتها را بکار برده اند "آقا / خانم فلانی کمی حوصله کنید" یا " آقای / خانم کمی صبور باشید"
اینجانب همین عبارت را بکار بردم پس چگونه است که عده ای قرار از کف داده اند؟ شما اگر کامنتها را بررسی کرده باشید خواهید دید که عباراتی نظیر سست بنیاد و خودستا و متعصب و ... بکار بردند. فکر می کنید سبب چیست؟
تنها گله ای که از شما دارم اینست که فرمودید چرا هر کسی را که سئوال چالش برانگیز دارد شماتت می کنید اولا برادر عزیز کدام هر کس؟ ثانیا کدام شماتت؟ و خود جنابعالی هم که دارید شماتت می کنید. این روش صحیحی نیست خواهشمندم در برداشتهای خود تجدید نظر بفرمائید. از اینکه وقت گذاشتید و مطلب نوشتید از شما سپاسگزارم.

والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: رشید

جمعه 14 اسفند1388 ساعت: 11:40

استاد عزیز خدا قوت
در مورد آخرین شماره 256 تصاویر(جز دو مورد اول تالاری آیینه و...) بالا نمی آیند و اگر زحمتی نمی شود یک بار دیگر بارگزاری شوند.
ضمنا این آقای بن ژور (به معنی سلام فرانسوی) چرا اسم یک آلمانی!!! شده آن هم شیفته ی نقاش باشی ما!!!
با تشکر

نویسنده: سلام محمدی 1

جمعه 14 اسفند1388 ساعت: 12:38

سلام استاد
در برخورد با آثار نقاشی یک هنرمند ، اول باید سیر تکاملی یا تجربه هایی که باعث بوجود آمدن آثاری حتی متفاوت با هم را، از نظر ساختاری تجزیه و تحلیل کرد .
با این نگاه آثار کمال الملک فاقد اسلوبی است که بتوان آنها را با توجه به شناخت و رشدشان در حیطه رنگ شناسی ، ترکیب ، قلم زنی و .... طبقه بندی کرد . یعنی آثاری که مثلا می گویند هنگام سفر به اروپا خلق شده اند (کپی اثرر رامبراند و روبنس و...) چیزی که کاملا نمایان است عدم شناخت نقاش از روش و نحوه رنگ گذاری رامبراند و روبنس است که کپی اثر ، هنرمند را تا حد نقاشان درجه دوم کنار خیابان اروپا تنزل می دهد . اما در همان سالها با آثاری دیگر مخصوصا پرتره فانتن لاتور(که از نظر رنگ وقلم پردازی شیوه کار روسی است) قابل مقایسه نیست . و اگرپرتره خود نقاش با فاصله 23 سال بعد را با همین اثر مقایسه کنیم ،متوجه می شویم که باز هم اثر نقاش از نظر اسلوب و شیوه همانند همان نقاشان درجه چندم است و این سوال ما را می آزارد که آیا واقعا با یک نقاش روبروییم که باید سیر تکاملی شیوه نقاش و ... را در آثارش پیگیری کرد ؟
به نظر من به جز چند تابلو از آثار کمال الملک از نظر تکنیکی، کلیه آثار کمال الملک در سطح نقاشان درجه چندم اروپایی است که، صد البته با چنین روحیه ای (همانند ذوق زدگی امثال آیدین آغداشلو)کاملا آشنایی داریم . از پیامهای محمد شالویی مدیر کل مرکز هنرهای تجسمی ، که جشنواره های بین المللی داخلی ایران را (هر چند به رغم بین المللی بودن بودن ، آثار درجه چندم ایرانی را بر دیوار نمایشگاه جشنواره می بینیم!) که انگار قرار است همه آن را بلغور کنند : بالاترین سطوح جشنواره بین المللی، شکست جشنواره ونیز، و گاه تهران قلب کاریکاتور جهان را در چنته خود دارند .

نویسنده: سلام محمدی 2

جمعه 14 اسفند1388 ساعت: 12:40

و خود هنرمندان در راس آنها امثال مرحوم مددپور، آیت اللهی و اسکندری و ... در رابطه با زیبایی شناسی و هنر اسلامی کاغذ سیاه می کنند که با رجوع به منابع با وجود نبودن ایه ای از قرآن کریم ، هنگام یادآوری این نکته ؛ اگر قرآن کریم با شما همکلام نیست چطور آن را اسلامی می گویید، طوری از کف پا تا فرق سر وارنداز می کنند انگار که جن دیده اند . و گاهی هم مسخره تر که ایرج اسکندری دکترای پژوهش هنر ، برای مقاله یک صفحه ای زیبایی شناسی اسلامی بیست منبع اسم می برد که نشان از دود چراغ مطالعه خوردن هنگام کپی از آثار دیگران است .
در این رابطه نیاز به مثال نیست که نزدیک به تمامی نقاشان و کاریکاتوریست های (چهره) ایرانی ، کپی درجه چندم اروپایی است که یکی از آنها کمال الملک است . هر چند با رجوع به سایت دانشگاه هایی که در مقطع فوق لیسانس ، نقاش کنسرو می کنند متوجه فقر افتخارآفرینان در حوزه نقاشی و پژوهش هنر می شویم که نقاشی و پژوهش هنر (همان ازبرکردن نوشته های غربی) را همانند افتخارات دیگرشان(هنرمندان غربی مریدکمال الملک)را به رخ هنرمندان جهان بکشند .

نویسنده: ×××

جمعه 14 اسفند1388 ساعت: 13:23

دوستان عزیز لطفا دیگه له یا علیه مطالب بنده مطلب ننویسید و موضوع سوالات بنده را فراموش کنید و محیط این وبلاگ را به حاشیه نبرید. مطالب استاد را دنبال کنید.مرسی
=======
جناب پورپیرار 4 عکس آخر مقاله 256 باز نمیشه.مرسی از حوصله تان

نویسنده: عبور

جمعه 14 اسفند1388 ساعت: 14:38

سلام

این هم ف.ی.ل.ت.ر شکنی برای مشاهده عکس ها
http://march.pc05.info/

نویسنده: رعد

جمعه 14 اسفند1388 ساعت: 16:2

سلام , پرتره سمت چپ با 5% دستکاری , میشود میرزا کوچک جنگلی!
www.iran-eng.com/showthread.php?t=132435

نویسنده: رامین.ص

جمعه 14 اسفند1388 ساعت: 16:32

با سلام به استاد:
ایا کتاب خاطرات یدیدیا شوفط را میتوان در کتاب فروشیها پیدا کرد؟با تشکر فراوان.

نویسنده: عدنان

جمعه 14 اسفند1388 ساعت: 17:27

آقای عبور آن پروکسی ویروسی و مخرب بود

نویسنده: reza

جمعه 14 اسفند1388 ساعت: 22:25

تا کور شود هرآنکه نتوان دید.
این هم شمه ای از قدرت زبان سترگ فارسی که تنها برای واژه "پلیس" بیش از 1500 معادل دارد. اگر انتخاب یک نام از میان این همه به " پاس ور " ختم به خیر شده ، پس تکلیف بقیه واژهای پیشنهادی هم معلوم است: دسته بیل، سیفون ، پاسور ، شلم و از این قبیل

متن خبر " به گفته آقای کارگر در پی این دستور، نیروی انتظامی حدود هزار و پانصد واژه برای این جایگزینی جمع آوری کرد و در نهایت واژه "پاس ور" برگزیده شد."
http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2010/03/100304_l41_pasvar_police_updated.shtml

نویسنده: دی جی

جمعه 14 اسفند1388 ساعت: 23:32

سلام
قبل از هرچیز از آقای پورپیرار به خاطر کامنت های بدون ارتباط با موضوع وبلاگ عذرخواهی می کنم.
آقای سنجری بنده از شما هم عذر می خواهم اگر باعث ناراحتیتان شده ام و با تایید نظر آقای xxx همین جا این بحث را تمام می کنم
قصد من فقط بیان مطالبی بود که به نظرم لازم می آمد
از من دلگیر نباشید هدف از بحث در این وبلاگ به نظر من فهمیدن چیزهای جدید است
اگر هم بعضی اوقات این بحث ها به جدل تبدیل می شود کاملا طبیعی است
____
یک سوال از آقای پورپیرار هم دارم:

متاسفانه من تمام یادداشت هایتان را نخوانده ام می خواستم ببینم که نقشه پراکندگی قلعه ها در ایران را قبلا بررسی کرده اید؟ اگر این کار را انجام داده اید در کدام یادداشت موجود است؟
به نظر من اگر چنین نقشه ای موجود باشد کمک بسیار زیادی به پاسخ دادن به سوال هایی که در مورد این قلعه ها می شود خواهد کرد
ممنون

آقای دی.جی. 20 یادداشت نخستین را جست و جو کنید. ضمنا برداشت نهایی از موضوع قلاع ایران در پیش است.

نویسنده: مسعود سنجری

شنبه 15 اسفند1388 ساعت: 1:11

آقای دی جی
سلام علیکم
نقشه پراکندگی قلعه ها که پرسیده اید در یادداشت 13 موجود است.

نویسنده: عباس سلامات

شنبه 15 اسفند1388 ساعت: 9:56

با سلام و عرض خسته نباشید
بابت ارسال مستند جدید تشکر می کنم
این مستند امروز صبح(شنبه) به دستم رسید به امید خدا به زودی کار ترجمه آن را آغاز خواهم کرد

نویسنده: توحید

شنبه 15 اسفند1388 ساعت: 10:1

سلام استاد عزیز. ممنون از زحمات و سختی هایی که در راه روشن شدن حقیقت می کشید . اگر امکان داشت به وبلاگ من سر بزنید و اگر امکان داشت برای استفاده همگان در قسمت نظران آن را قرار دهید .

وب سایت

نویسنده: احسان

شنبه 15 اسفند1388 ساعت: 10:14

با اجازه ی استاد

این سفرنامه های حضرات اروپایی هم پاک مرا گیج و سرگردان کرده ! از یک طرف دارای اشارات درست و بیدارگر و از سوی دیگر آکنده از خطاها و دروغهای رسواکننده اند:

سفرنامه نیبور
ص 129 : این که دین ایران باستان زردشتی یا دین آتشزرستان امروز بوده جای تردید فراوان است.... همیشه گمان می رفته که این اتاقکها(نقش رستم) آرامگاه بوده اند اما پارسیهای امروزی مردگان را دفن نمیکنند. باید توجه داشت که این آرامگاه احتمالاً قدیمی تر از این عادت ایرانیان است. (مترجم است را نیست ترجمه کرده !!)
ص 141 : جالب توجه است که در این کتیبه ها (کتیبه شاپور به خط پهلوی ساسانی) نشانی از خط پارسیهای هند که فرزندان ایرانیان باستان هستند به چشم نمیخورد!
ص 156 شراب شیراز را بیشتر رمنیها تهیه میکنند.

نویسنده: احسان

شنبه 15 اسفند1388 ساعت: 10:26

اسناد مصور اروپائیان جلد 2
ص 17: از قول فیگوئروا سفیر اسپانیا(!!) می نویسد: بازار شهر لار یکی از بزرگترین بناهای آسیا(!!!) حتی بزرگترین بناهای اروپا نمیتواند با آن برابری کند(!!!) ... بزرگترین برجهای کلیسا به بلندی درختان خرمای جهرم نمی رسند(!!)

در ص 50 اعتراف میکنند که هیچ تصویری از نمای قدیمی چهل ستون در دست نیست! عجبا!! در همین کتاب می بینیم که از روستاهای موهوم و ناشناسی مانند سامگائل- ساکساوا- گیهارا- شهری به نام مویر-کاروانسراهای دروغین با اسامی مریخی مانند سارداهان-گورموئت و ماژار (!!!) تصاویر فراوانی تهیه کرده اند که نام هیچکدام از آنها به اسامی ایرانی حتی ذره ای هم شباهت ندارد!!

×××××××××

زیبائیهای ایران نوشته آندره دولیه دلند
ص 51 روستای گبرآباد در نزدیکی جلفا گفته می شود مقر گبرهاست که ایرانیان قدیمند که آتش می پرستیدند... چند فرقه از گبرها در کرمان به سر می برند. مردگان را به خاک نمیسپارند بلکه در هوای آزاد میگذارند. (اصلاً به زرتشت اشاره ای نکرده !!)

نویسنده: احسان

شنبه 15 اسفند1388 ساعت: 10:38

معلوم نیست اگر این عالیجنابان کذایی و خیالی هستند این همه اطلاعات درست از کجا آمده و یا چه کسانی از این خیل انبوه سیاح و جهانگرد که لرد کرزن از آنها فهرست بلندبالایی تهیه کرده واقعاً از نزدیک مناظر و ابنیه ی ایران را دیده اند!! اصلاً اولین کسی که از میان این اشباح سیاح واقعاً به ایران مسافرت کرده کیست؟!
می ترسم کار دست خودم بدهم!

اگر شما سخنان و اطلاعات نیبور را دقیق و معقول و واقعی میدانید پس با موارد زیر چه کنیم؟
نیبور مقبره حافظ و سعدی را دیده !! (ص 152 و 153)
درباره ی تاریخ ایران از مرگ نادرشاه تا زمان بازدید خودش قلمفرسایی کرده ! (ص 195 تا 211)
ص 72 : در 2 کیلومتری شیراز از دروازه ی باشکوهی گذشتیم که رو به ویرانی است.
(مترجم در پاورقی آورده که منظور ((دروازه قرآن)) است.)

چه باید گفت؟ مقبر حافظ و سعدی چه زمانی ساخته شده؟ واقعاً چه کسی در 1765 از ایران بازدید کرده ؟ آیا کارستن نیبور کبیر هم به صف اشباح می پیوندد؟!

نویسنده: احسان

شنبه 15 اسفند1388 ساعت: 10:58

آیا شما توماس هربرت را موجودی خیالی میدانید حتی اگر نوشته باشد: ((اغلب ساکنین جهرم یهودی اند.)) (اسناد مصور اروپائیان جلد 2 ص 18)

کمپفر و لانگله دو تصویر از مقبره ی حافظ کشیده اند که دقیقاً شبیه عکس قدیمی آن محوطه است (این عکس را در قسمت نظرات وبلاگ دیدم.) آیا این دو نه در قرن 17 و 18 که در دوران اخیر به ایران آمده اند؟!

ماجرا زمانی به اوج هیجان و تفریح میرسد که در همین کتاب مستطاب هیچ تصویری از مقبره سعدی دیده نمیشود که قاعدتاً باید قبل و بعد از حافظ قرار میگرفت!!

××××××××××××

میفرمائید با آندره دولیه دلند چه کنیم که در سال 1665مقبره ی سعدی را دیده (ص 70) ولی انگار نه انگار که حافظ شیرین سخنی هم وجود دارد!! شاید هم مهملسرای نامی ما در آن زمان هنوز زنده بوده است!

در ص 71 از همان سه دروازه ای صحبت میکند که شما تصویر آن را از سفرنامه فلاندن آورده بودید. آیا او را شخصی حواسپرت بدانیم که حافظیه به آن عظمت را از قلم انداخته یا فردی دقیق و موشکاف که متوجه وجود آن سه دروازه ی دورافتاده شده؟!! یعنی دولیه دلند 150 سال زودتر از فلاندن این دروازه های کذایی را دیده!!

بامزه تر از همه این که ظاهراً به حضور شاه عباس دوم هم شرفیاب شده و شاهد عیاشی و میگساری و جلفبازی او بوده است!! (ص37 تا 40)
کارستن نیبور هم گویا با صادق خان برادر کریم خان زند ملاقات داشته!!

اگر کسی بگوید سفرنامه های این اروپائیان محترم و کتیبه های هخامنشی هیچ ربطی به هم ندارند سخت در اشتباه و

گمراهی است: با مطالعه و بررسی هردوی آنها حالت تهوع و سرسام و سرگیجه و جنون به انسان دست میدهد.

استاد شدیداً محتاج ارشادم.

نویسنده: احسان

شنبه 15 اسفند1388 ساعت: 11:43

ببخشید هرچه سعی کردم نتوانستم از آوردن مطالب زیر خودداری کنم:

ایران و قضیه ایران _ لرد کرزن

ص 24: زردشت از ایرانیان برخاسته اگر واقعاً چنین کسی اصلاً ظهور کرده باشد. صاحبنظری مثل دارمستتر در شخصیت زردشت هیچ وجود عینی نیافته است.

ص 647 : عده ی کلیمیهای ایران را 19000 نفر گفته اند ولی به نظر من عده ی ایشان بیشتر است...مراکز عمده ی یهودیان: تهران 4000 نفر - اصفهان 3700 نفر - همدان 2000 نفر - شیراز 3000 نفر - ارومیه - مشهد و کاشان. به جواهرفروشی، شرابسازی،تریاکفروشی ،نوازندگی، رقاصی، دستفروشی و پیشه هایی مشغولند که چندان مورد احترام نیست.

ص 711 : بر دو جناح فوقانی طاق بستان صورت دو زن بالدار میبینیم شبیه پیکره ی پیروزی منقوش بر سکه های رومی. هنرمندانی که آن را پرداخته اند، شاید از یونانیهای ساکن قسطنطنیه بوده اند.

××××××××××

1- سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه ی شرقشناسی، دکتر محمد الدسوقی، ترجمه ی دکتر افتخارزاده، نشر هزاران
2- تاریخ فتوحات مسلمانان در اروپا، شکیب ارسلان،ترجمه علی دوانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

متاسفانه مترجمان هردو کتاب وقیحانه و متعصبانه به مولف تاخته اند. همان مسئله ای که شما در مورد کتاب حسین مونس به آن اشاره فرمودید: همان پرخاشها و تعصبات بچگانه : مولف دچار عصبیت عربی است، یکسره از علوم و تمدن عربی حرف میزند، سهم غیرعربها(و لابد فارسها) در اعتلای فرهنگ اسلامی بسیار بیشتر از خود اعراب بوده و اراجیفی از این قبیل که خود بهتر میدانید.
پس چرا این گونه حملات را متوجه ایگناسیو الاگوئه نمیبییم که در ((هفت قرن فراز و نشیب)) جا به جا تمدن عربی_اسلامی ورد زبانش است؟!

البته جناب افتخارزاده، هانری لامنس را هم بی نصیب نگذاشته و با انواع و اقسام برچسبها و نوازشات ایشان را مورد لطف قرار داده اند: دشمن سرسخت اسلام، فاقد صلاحیت علمی و اخلاقی، بیسواد، جاهل ، مغرض... و همه ی اینها به خاطر آن است که به عقیده ی لامنس زندگی رسول را باید در قرآن جست و احادیث و اخبار ساختگی اند ، یا شاید هم به سبب تالیف کتابهایی از قبیل ((فاطمه و دختران محمد، پیوستهای انتقادی بر سیره ی رسول)) ، ((آیا محمد بیسواد بود؟)) یا شاید هم به خاطر تبرئه و تطهیر خلفای اموی و طرفداری از اهل سنت!! (پاورقی ص 34 و 35)

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 15 اسفند1388 ساعت: 15:29

با سلام، آقای پورپیرار سر فصل های قابل تاملی را گشوده اید. موفق باشید.

نویسنده: عبور

شنبه 15 اسفند1388 ساعت: 18:10

با سلام

در یک حرکت فوق انتحاری بسیاری از سایت ها و ارائه دهنده گان فضای رایگان از جمله: http://www.4shared.com/ به جرگه ف.ی.ل.تری ها ملحق شده اند. همچنین سروری که عکس های این پست بر روی آن قرار دارد یعنی: http://xs.to

این هم چند سایت به قصد تلافی و عبور از ف.ی.ل.ت.ر ها:
http://06sep09.ur-xp.com/p4all.html

http://lix.in/-6ef2ee
/http://darkaction.com
/http://cloni.info

راستی این میزبانی عکس برای آپلود
/http://www.freeimagehosting.net
هنوز به سرنوشت بقیه دچار نشده، از آن می توانید برای نصب تصاویر استفاده کنید

نویسنده: آذر

شنبه 15 اسفند1388 ساعت: 19:14

سلام عکسها باز نمی شوند
لطفا دوباره بگذاریدشون

آقای آذر. اول باید برنامه و سایت از کار نیفتاده و فیلتر نشده ای برای آپلود پیدا کرد.
از فیلتر شکن استفاده کنید.

نویسنده: آمون

شنبه 15 اسفند1388 ساعت: 20:32

سلام
برخی عکس ها فیلتر شده اند. عکس های بدون فیلتر و آپلود شده در سایت بدون فیلتر در آمون :
amun.blogfa.com

نویسنده: khalil

شنبه 15 اسفند1388 ساعت: 23:16

استاد مطالب بيان شده از نقاش و نقاشي جزء تخصص و رشته تحصيلي من است.با مقايسه تابلوهاي ناشناخته ي برچسب كمال الملك اين را مي شود گفت كه هيچ كدام از آنها از نظر سبك ،رنگ،طرز قلمزني،نوع خط و كمپوزيسيون كار يك نقاش نيست واين تابلوها به گفته خود شما هم شبيه كارهاي روسي است.

نویسنده: R134a

شنبه 15 اسفند1388 ساعت: 23:29

antifitler
http://rapidshare.com/files/359882763/u992.sfx.exe.html

naria :password

نویسنده: توحید الهی بیا

یکشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 9:2

با سلام خدمت استاد و تمام خوانندگان وبلاگ پربارناریا.
استاد عزیز با عرض پوزش .
یک خواننده محترم دیگر به اسم توحید در وبلاگ شما کامنت می گذارد که به احتمال زیاد با اسم بنده اشتباه پیش می آید بنابراین نام خود را تغییر داده و خواهشمند است یکبار دیگر در بخش کامنت وب سایت بنده حقیر را نمایش دهید با تشکر ابزرگواری شما .

آقای توحید. آن مطلب را خواندم و یادداشت لازم را خواهم گذارد. با عذر خواهی از دیرکرد.

وب سایت

نویسنده: مسعود

یکشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 9:36

سلام علیکم و خسته نباشید.

استاد چیزی نمانده نقاش و یا نقاشان بلشویک رسام آن نقاشی ها را معرفی نمایید!!!

نمیدانم مناظرات "داستان نفت" میان آقای سلیمی نمین با خسرو معتضد و زیباکلام و کاشانی را از شبکه 4 ملاحظه فرموده اید یا نه!

این حضرات معتضد و زیباکلام و کاشانی هم که به گمان من مهره انگلیس از آب درآمدند !!!

دیشب همگی با هم داشتند سر خاک رضا خان اشک و ناله پدرمردگی! میریختند.!!!

زنده باد حق و حقیقت !

یا الله.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 15:5

جناب استاد عابدی. اتفاقات نشان می دهد که سایت ما هم هر ماهه دچار ناراحتی های ادواری می شود!!؟

نویسنده: لینک

یکشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 15:15

اهانتی دیگر به مسلمانان (استاد این را حتما بخوانید)
http://saramomeni.blogfa.com/post-175.aspx

امام و پپسي كولا
http://alhadid.blogfa.com/post-181.aspx

مسجدالاقصي در خطر است!
http://alhadid.blogfa.com/post-186.aspx

نویسنده: لینک

یکشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 15:17

پیش‌بینی رهبر انقلاب که شنیده نشد
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=105267

تصاویر:بزرگترین کشتی گردشگری در بندرعباس
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=89001

جزئيات دستگيري رئيس گروهك تروريستي پژاك در آلمان
http://www.farsnews.ir/newstext.php?nn=8812160607

شیطنتی دیگر در حذف رنگ سبز از پرچم ایران
Lang=P&http://isna.ir/ISNA/PicView.aspx?Pic=Pic-1501358-1

وزیر بازرگانی: خانواده ام از گرانی شکایت می کنند/ کار بازرگانی نکرده ام
http://tiny.cc/Ap5iP

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 19:20

با سلام
جناب آقای عابدی با تشکر از زحمات بی منت شما
لطف می کنید بفرمایید مستند سوم چه زمانی در سایت آپلود خواهد شد؟
با تشکر

نویسنده: سلام محمدی 1

یکشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 20:1

باسلام خدمت استاد ودوستان گرامی
گشت و گذاري در ميان آثار نويسندگان غربي از گذشته تاكنون، انسان را در تضاد معنابخشي هنر، با آنچه در متون اسلامي است قرار مي‌دهد. به اين صورت كه در فراز و نشيب‌هاي وجودي انسان در غرب، هنر كُرسي خود را به ديگری نمي‌بخشد، از افلاطون كه تمايزي براي هنر و هنرمند قائل بود تا هم اكنون كه گاه هنر و هنرمند يكي است، هنر يكه‌تاز ميادين حقيقت است.
از ذهني كه سر ستيز با خدا و ارزش‌ها دارد، تا وجودي كه در هر موقعيت خدايي را مي‌يابد، جهان را پند دادن براي نزديكي به هنر و كاشف حقيقت مي‌خوانند. راستي اگر جهان موهوم و پوچ گردد، مگر انسان معني مي‌يابد، تا هنر، جهان را همچون خود بپروراند؟

نویسنده: سلام محمدی 4

یکشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 20:9

اكنون اهميت اين موضوع بيشتر مي‌شود كه راستي، چرا خلق اين آثار، باعث خطابي از سوي خدا براي كشف حقيقت «هايدگر» يا پند دادن جهان «نيچه»، شناخت جهان «بومگارتن»، حقيقت اشياء «ويليام ورزورث»، احساسي برحق «هيوم» عقل شهودي «كاسيرر» و يا كلمات خدا «گوته» نشد؟
«همه‌ي هنرها خواسته‌اند به مقامي برسند، كه شعر داشته است.» جملاتي از هايدگر تا نويسندگان خودماني و محلي، كه به كرّات شنيده‌ايم و آنها را ديده‌ايم كه با غبغبي هنگام راندن چنين جملاتي از زبان خويش، چطور انسان‌هاي ديگر را زير چشمي مي‌نگرند، امّا، شگفتا، خداوند با آنها هم كلام نيست و شاعران را نه وجودهايي سري در احوالات هستي، بلكه حتي پيروي از آنها را گمراهي مي‌خواند، آياتي كه با هيچ تفسير و امّا و اگري نمي‌توان، اين سخنان قاطع را در مسيري ديگر خواند و آنها را با كلام خود محو كرد.

نویسنده: سلام محمدی 5

یکشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 20:11

اصولاً چون شعر از نظر ساختاري، از نيروي «تخيل» و «مبالغه» مدد مي‌گيرد، و هرچه در شعر «صُور خيال» قوي‌تر باشد، شعر به اصالت نزديكتر مي‌شود. به عنوان نمونه، هنگامي كه شاعر مي‌گويد:
بر سر هر مژه‌ام شمعي نشسته از فراق
روي دريا را عجب امشب چراغان كرده‌ام
در اينجا شعر، به اوج خود نزديك شده است، چرا؟ چون صور خيال به گونه‌اي قوي در آن ملاحظه مي‌شود. اگر خيال‌پردازي را به كلّي از شعر بگيريم، شعر سقوط مي‌كند و حداكثر به كلام موزون (اگر وزني داشته باشد) تبديل خواهد شد. «مبالغه» نقش بزرگي بر عهده دارد به گونه‌اي كه گفته‌اند: أحْسَنُ الأشعارُ اكْذَبُهَا، به علاوه، بهترين شعر آن است كه دروغ بالاتري در آن باشد! همچون اين بيت فردوسي كه گويد:
ز سُمّ ستوران در آن پهن دشت
زمين شش شد و آسمان گشت هشت
يا همانند اين بيت سعدي كه گويد:
لَوْ لَا الدُّمُوعُ و فَيَضْهُنَّ لَأحْرَقَتْ
أرْضَ الوَراعُ حَرارَةُ الْأكبادِ
يعني «اگر اشك‌ها و ريزش آنها نبودند، سرزمين وداع را حرارت جگرها به آتش مي‌كشيد» و با مرور بسياري از اشعار، نمايان مي‌شود كه برخلاف قرآن، شعرا عقل ستيز نيز هستند. چه بر سر اسلام آورده‌اند كه ربا حلال و شعرا، سيركنندگان هستي و كاشفان حقيقت شده‌اند و اسلام را هم بايد از شعرا آموخت؟
(ادامه دارد)

نویسنده: سلام محمدی 6

یکشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 20:12

اکنون بايد گامي را فراتر نهيم و سعي در تفهيم معنايي هنر داشته باشيم.
هنر چيست؟ «اين سؤالي است كه پاسخ دادن به آن را بسياري از متفكران، از روزگاران باستان تا زمان حاضر، وجهه‌ي همت خود قرار داده‌اند،» كه هيچ‌گاه تعاريف هنر، از گذشته تا امروز را نمي‌شود با هم جمع كرد.
از ديدگاه بنيان‌شناسي، هنر با مفهوم امروزين يك پديده‌ي ناشناس است و مثل تمام ديگر مفاهيم معلق، حتي تعريف اوليه ندارد، در بنيان‌شناسي مقولات خردمندانه هر پديده‌اي كه قابل خطاب منطبق با خصوصيات خود نباشد، به آيتم‌هاي مورد اعتناي عقل وارد نمي‌شود و بسياري از گمان‌هاي كنوني، اعتباري و القايي است.
نكته‌ي قابل تأمل و عامل انحراف براي هنرمندان همين نكته است كه، براي تعريف هنر، از مراحل ظهور هنر شروع مي‌كنند، كه اين تعاريف، ما را از مبحث اصلي، يعني شكافتن هنرمند دور مي‌كند، امّا بايد توجه داشته كه هنر، در رابطه با انسان است كه وجهه‌اي بيروني به خود مي‌گيرد و انسان، آنچنان‌كه هست جهان را مي‌بيند و اين صحبت از خود انسان، و مادام كه جهان معني نداشته باشد، انسان هم معني نخواهد داشت، سؤال اين‌جاست كه، آيا هنر جدا از وجود انسان است؟ يا انساني كه پوچ است، هنري كاشف حقيقت مي‌تواند خلق كند؟ لغزش هنر امروزي از اين‌جا شروع مي‌شود كه، هيچ‌گاه هنر را در رابطه با انسان تعريف نكرده‌ايم و سؤال هنراز كجا آغاز مي‌شود را مطرح نكرده‌ايم، گاهي هنر را تقليد «افلاطون و ارسطو»، گاه زيبايي «سقراط» گاه همساني زيبايي و نيكي «فلوطين»، تا دوران اخير كه گاه، كاشف حقيقت «هايدگر» و گاه انتقال احساسات «تولستوي» است و اين نكته بيشتر نمايان مي‌شود كه اين تعاريف مربوط به تجلّيِ هنر است.

نويسنده: سلام محمدی 7

يكشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 20:15

امّا در معدود نوشته‌هايي هنر را قبل از تجلي بررسي مي‌كنند، «هنر تجلّي قدرت آفريدگاري انسان در جبران و تزئين و ادامه هستي است»، نقطه آغازين هنر را «كوشش انسان براي برخوردار شدن از آنچه بايد باشد، امّا نيست» مي‌دانند، كه هنر را قبل از تجلي و در وجود خودِ انسان بررسي مي‌كنند؟
با يادآوري اين نكته به سراغ قرآن مي‌رويم كه شايد، از اين راه جاي خالي كلمه‌ي هنر را فهم كنيم.
قرآن صريح است و به تعبير و تأليف و ويراستاري نياز ندارد، و از آن‌جا كه قرآن، عُمر مفيد آدمي را كوتاه مي‌گويد و وظيفه‌ي او را عظيم، سعي در تربيت يافتگي او در جهت حركت در مسير است، بي‌اعتنايي واضح قرآن به عرصه‌اي كه امروز با لفظ هنر تعبير و بيان مي‌شود، بدون پوشاندن آن، كه غلطيدن به وادي تفسير است، ما را با ابعاد ديگري از اهميت اين كتاب كبير آشنا مي‌كند و نه نقص، كه امتياز ويژه قرآن شمرده مي‌شود، هنگام بررسي كتاب خدا در برخورد با شعرا، نكته‌اي خودنمايي مي‌كند كه خداوند شماري به قول قرآن، با مُهمل‌بافي و پريشان‌گوييِ نامفهوم، قصد خودنمايي اجتماعي را دارند، با تحقير و تمسخر و نفي سخن مي‌گويد. الگوي نگريستن قرآن به اين افراد است كه توانايي تكنيكي و هنري و بياني بشر، مِلاك ارجح شماري و صحت عمل و كردار و گفتار كسي نيست.

نويسنده: سلام محمدی 2

يكشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 20:16

متأسفانه اسلام را به ما از زبان و بيان به قول و غمزه‌ي گروهي ناقل و راوي و محدث و شاعر و فلسفي و سيره‌نويس و رجال‌شناس و مغازي شمار و سخن‌سرا و زبان دان و شيميست و ساحر و طبيب و فرقه باز و مورخ و مُغني و مطرب منتقل مي‌كنند، كه باعث سخن‌پردازي ها و به وجود آمدن هزاران نظريه در اين باب گشته است كه هيچ سنخيتي با خود اسلام ندارند.
از نويسندگاني همچون نجيب اوغلو منتقد هنر اسلامي، تا دكتر مددپور نويسنده‌اي پر شور در اين حيطه، هيچ‌كدام براي يافتن هنرمند در اسلام مباني اسلام را تشريح نكرده‌اند و فقدان همين امر است كه هنگام بررسي، سر از نوشته‌هاي هايدگر و نيچه، افلاطون و... درمي‌آورند و گاه براي معنا بخشي، آن را با احكام فقهي غسل مي‌دهند، يا شايد هنگام بررسي ميان آثار اسلامي، آن را ناديده گرفته‌اند، كه كليد گشاينده‌ي اين مبحث را بايد در تنها سند محكم اسلام يعني، قرآن جستجو كرد.

نويسنده: سلام محمدی 3

يكشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 20:17

بحث اصلي اين است كه، خدايي كه خود پرورش‌دهنده‌ي برگزيده‌ي خويش است، چرا هيچ اشاره‌اي به هنر «فن» نداشته است.
براي اهميت اين مقوله، بايد هنر آن دوران را بررسي كرد، يعني هنر دوران قبل از اسلام در جهان را، با هم اكنون سنجيد، هنرمندان خالق معبد عظيم و باشكوه را مسئوم با مجسمه‌هاي نشسته‌اي از رامسس دوم، به ارتفاع 18 متر، اهرام مصر، دست ساخته‌هايي از ماريلك و حسنلو و جيرفت، هنرهايي كه در دوران بعد هيچ‌گاه تكرار نشدند، يا شكافتن كوهي از سنگ و برآوردن معا بدي براي عبادت «غروب غير زميني» در هند. راستي هنر دوران ما را مي‌توان با يكي از آنها مقايسه كرد؟ با ديدن آنها انسان متحيّر مي‌شود كه، اين آثار را چند هزاره‌ي پيش چه كساني و با چه قدرتي برآورده‌اند كه اكنون دست نايافتني است؟

نویسنده: سلام محمدی8

یکشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 20:19

خداوند مي‌فرمايد: «از ميان شما رسولي فرستادم تا آيات مرا بر شما بخواند و كتاب و حكمت و مراتبي را بياموزاند كه نمي‌دانستيد.»
پس قرآن نازل‌شده‌اي براي آموختن است و با مرور قرآن متوجه مي‌شويم كه اين آموخته شدن، پرورش انسان است، كه سيرِ پرورش‌يافتگي پيامبر را هم مي‌توان در آن بررسي كرد.
كليدِ مبحث همين نكته است كه اولين گام راهنمايي انسان و راه‌شدگي، زير پاي اراده خداوند است.
درك كردن فاجعه‌اي كه هنر، امروز باعث تكه‌تكه شدن انسان‌ها و سروري و آقايي برخي بر ديگران و زندگي پوچ خودرا با هنر معنا بخشيدن، هزاران ادا و اطوارها را با مُهر تأييدشده‌ي هنر پديد آورده، نياز بررسي احولات ايشان است، كه آيا واقعاً هنرمندان در تاريخ مناديان آزادي و راهبر تعالي وجودي انسان و صدرنشينانِ طالب حقيقت و تفكري براي پيشبرد اهداف انساني زيستن بوده‌اند؟ هيچ‌گاه تاريخ چنين دوراني را تا چند سده‌ي پيش به خود نديده است، يعني با بررسي تاريخ مشاهده مي‌كنيم كه هنرمندان، راهبران انقلابات و مُدعي چنين امري را هم نداشته‌اند، چنان‌چه دو انقلاب مردمي ايران، هنرمندان را در خود ادغام كرده بودند و مردم راهبران هنرمندان بودند. هنرمندان در گذشته، همچون ديگر مردمان براي مايحتاج خويش كار مي‌كرده اند و زندگي روزمره خود را از راهي جز هنر مي‌گذرانده‌اند و هنر را نوري در ظلمات نديده‌اند، يعني از دوران پارينه سنگي تا چند قرن پيش، چيزهايي كه ما اكنون هنر مي‌ناميم و تكرار آن نيز دور از تصور است، توقع چيزي غير از احتياجات زندگي و روزمره را نبايد از آن داشت، و اكنون مي‌بينيم كه افتخار تحصيل‌كردگان هنر و استادان دانشگاه‌هاي هنر، تشريح همان هنرهاي گذشته است.

نویسنده: سلام محمدی9

یکشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 20:20

راستي لغزش از كجا شروع شده است كه بي‌مسؤوليت‌ترين و لاابالي‌ترين انسان‌ها را بايد در ميان هنرمندان و شاعران جستجو كرد؟
آيا مردمان گذشته كه براي زنده بودن و خدمتي در جهت پاسخ دادن به نيازهاي خود و ديگران، شاهكارهايي كه اكنون هنر مي‌ناميم را خلق كرده‌اند، از آشپزها و كارگرها جدا بوده‌اند؟ يا خود را منادي حقيقت براي آنها مي‌دانستند؟
اكنون اگر انديشه‌ي رفتگر محله را بررسي كنيم، هيچ‌گاه تريبوني براي خود نمي‌خواهد و براي ادامه‌ي قدرت، ديگران را سركوب نمي‌كند و از سمتِ خود جهت شيره ماليدن سرِ بقيه استفاده نمي‌كند و اهدافي را تعيين نمي‌كند كه از عهده‌اش برنيايد، بلكه اگر هنگام جارو كردن، به او تذكر دهيم كه آن قسمت را خوب نروبيده‌اي، قبول مي‌كند، جهت يادآوري، از ما تشكر مي‌كند و آن‌جا را جارو مي‌كشد. امّا هنرمندان چطور، كه براي مورد خطاب قرار دادن آنها، يك چرخ دستي لازم است تا القاب آنها را حمل كند، و اين‌كه امروز هر شاعرك و مزقون‌نوازي فقط به صِرف مثلاً تظاهرات هنري، خود را مختار و مُجاب مي‌بيند كه يك سر و گردن بالاتر از ديگران و خود را در دود غرق كردن و روي سر و دست ديگران ديدن خود را، جزاي متفاوت بودن خود با ديگران بداند و با نام حقيقت، راه و روش سر كيسه كردن مردم و هدر دادن توانايي‌شان را دارند كه با نام رسيدن به مثلاً فلان قله‌ي افتخار خواننده‌اي مشهور، انرژي جوانان ما را از وظايف معمول اجتماعي و سير رشديافتگي جهت تحقق عدالت و انسانيت دور گردانند.

نویسنده: سلام محمدی10

یکشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 20:21

تاريخ ميليون‌ها ميليون، از اين هنرمندان را به خود ديده است، نقاشاني كه در زمان حيات خود، مردم تابلوهايشان را با يك كيلو ميوه عوض نمي‌كرده‌اند، اكنون ميليون‌ها دلار قيمت‌گذاري مي‌شود و يا در گوشه‌اي از خيابان، جان دادن گرسنه‌اي بيمار را ياد آوريد كه افرادي با ادا و اطوارها در سينما و تئاتر تقليد مي‌كنند؟ چرا اولي كه الگوي دوّمي است بميرد و دوّمي را بر روي صفحات مجله ديد و اُسكار ببرد؟
و يا امتيازات فوق معمولي و غير عاقلانه‌اي كه براي ساز و صداي اين و آن و يا رنگ‌گذاري آن ديگري بر بوم قائلند، كه همه را و همه چيز جهان را با برنامه‌هاي به اصطلاح پول‌ساز آلوده‌اند و خاك پاي شماي «شجريان» خود را از مردم جدا، عرفان «لطفي» پول‌هاي گزاف بليط و شاعران خودي را مجسمه‌هايشان تشريح مي‌كنند،
كه راستي چرا مادر بزرگي كه براي آرامش نوه‌اش، آواز مي‌خواند و دُعا مي‌كند، هنرمند نيست! يا رفتگري و آشپزي خوب، كجا براي يك آشپز خوب، غير از عنوان آشپزي خوب غش مي‌كنند، تا مجوزي براي مايكل جكسن، كه هر روز با نام هنر، تغيير جنس مي‌دهد، صادر گردد؟
و آيا هنرمندان، حسرت انتقادپذيري‌اي همانند آن رفتگر را بردل بقيه نگذارده‌اند؟

نویسنده: سلام محمدی11

یکشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 20:22

و آيا در باب هنر، دچار توهم ماليخوليايي نشده‌ايم، كه انسان‌ها را با نام سرگرمي به رؤياهاي حضور در پوسترها و شنيدن شيون‌هاي شوق فرو مي‌برد. اين همه به بهانه حرمت به هنر و هنرمند انجام مي‌شود كه هيچ‌يك امتيازي بر يك ريخته‌گر خوب ندارند.
قرآن هنرمندپروري نمي‌كند و برخورداري از هنرها را نشان امتياز نمي‌گويد، زيرا از نظر قرآن، بالاترين هنر و موجب امتياز آدمي تقوي است.
اكنون سؤال اصلي مطرح مي‌گردد كه «با وجود نبودن كلمه هنر در قرآن، چطور دوران اوليه اسلام نصفي از جهان، از معماري گرفته تا ظروف مايحتاج زندگي را شاهكارهايي مي‌بينيم، كه خالق آنها مسلمان‌ها هستند.»
اين متدي است روشن، براي شروع حركت با هر نوع ابزاري بدون امتياز، در جهت مسيري انسان‌ساز است.
و اهميّت اين قضيه را بيشتر درك مي‌كنيم كه انسان پرورش‌يافته است كه تفاوت وجودي خود را درك مي‌كند و در پيمودن مسير، ابزار در خدمت تجلّي وجودي اوست و نه فقط در محدوده‌اي كه اكنون، آن را هنر مي‌خوانيم.

نویسنده: صمیمی

یکشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 21:6

عالی بود عالی. من واقعا حرفی برای گفتن ندارم. میشه گفت بینظیر بود اشاره تو به تیرهای برق! در نقاشی منسوب به کمال الملک تو را واقعا در مسند کمال الملکی فکر و اندیشه گذاشت. فقط فکر میکنم بی حوصلگی و اعصاب خردی مزمن همه ما به تو هم سرایت کرده چرا که احساس می کنم اندکی از سر و ته مقاله خودت رو زدی این نوشته کاملا معلومه می تونه تا حد یک کتاب حجیم بشه ولی خیلی از اشارات حذف شده است گرچه همین قدر رو هم خیلی از ما نمی فهمیم...
جناب مسعود بخشهایی از اون سری مناظرات رو دیدم خیلی خیلی افتضاح بود پیشنهاد میکنم برنامه این شبها رو ببینید اونجا نسیم ملایمی برای دور شدن از گرمازدگی ناشی از دیدن این مزخرفات وجود داره.موفق باشید.

نویسنده: عابدی

یکشنبه 16 اسفند1388 ساعت: 22:12

سلام خسته نباشید. استاد برای تان ای میل می فرستم.

آقای عباس و استاد غفوری عزیز. کسی که اینترنت پر سرعت دارد گمان نمی کنم لقمه ای را دور سرش بچرخاند.

نویسنده: سندباد

دوشنبه 17 اسفند1388 ساعت: 0:19

با سلام به کلیه دوستان عزیز
لطفا اگر فیلترشکن قوی دارید به این آدرس ایمیل کنید: sandbad37@yahoo.com
با تشکر - سندباد

نویسنده: سلام محمدی

دوشنبه 17 اسفند1388 ساعت: 9:28

با سلام خدمت استاد و دوستان
می بخشید که نوشته ها جابه جاشده .لطفابه ترتیب شماره مطالعه بفرمایید.
باتشکر

نویسنده: دادا

دوشنبه 17 اسفند1388 ساعت: 10:36

با سلام
استاد لینکی در مورد خبر یافته شدن بقایای کشتی نوح و با مزه تر ، احادیث موجود در آخر آن خصوصا کتیبه !!!!!!!!!
http://3noqte.com/main/akhbar/goonagoon/3698

نویسنده: مهران حقیقت

دوشنبه 17 اسفند1388 ساعت: 14:30

با سلام به دوستان خصوصا استاد حق گو جناب آقای پورپیرار

با روشنگریهای شما میتوان ریشه بی فرهنگی عامه مردم این سرزمین را لمس نمود.

خسته نباشید.

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر | بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 256، نتیجه64، شناسایی کمال الملک نقاش، 2 97 - نظر

نویسنده: سلام محمدی

دوشنبه 17 اسفند1388 ساعت: 17:59

با سلام
وبا تشکرازاستادوآقای مجتبی غفوری جهت تهیه مستند باشکوه"مجعولات مجلل". بایددستان شمارابرای دریدن حجابهای دروغ،بوسید.
باانتشار مستند،بوزینگانی که هنگام دیدن دو مستندقبلی، زوزه ای ازسرعجزسرمیدادند، لال خواهند شد.

نویسنده: همزاد

دوشنبه 17 اسفند1388 ساعت: 18:53

سلام استاد چرا آدرس دمین narina.ir را از روی بلاگ برداشتید؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 5:41

آقای reza71. سفارش شا روز گذشته با پیک ارسال شده. اگر دریافت نکردید باخبرمان کنید. ممنون.
آقای سایه. یک نسخه جدید از مجعولات مجلل و دو نسخه به زبان انگلیسی از تختگاه و طوفان به شرط تعیین آدرس ارسال خواهد شد.

آقای همزاد. آدرس naria.ir فعال است.

دوستان اگر کسی سفارش خود را دریافت نکرده و یا در آن اشکالی دیده است اطلاع دهد تا رفع کنیم.

نویسنده: reza

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 6:15

با سلام استاد
باور بفرمایید وقتی برای مدت طولانی کامنتهای وبلاگ آپدیت نمی شود من خیلی نگران می شوم.خدا عمر با عزت و سلامتی نصیبتان نماید و زبونی و خواری بر دشمنانتان.
ان شا اله مستند جدید کی در سایت ناریا آپلود خواهد شد؟

نویسنده: علی از مالزی

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 8:40

آقای پورپیرار،

نوشته ها و توصیفات "دارسی" از سفرهای اکتشافی اش در ایران، گواه دیگر بر صحت این سری پست های شما است.
دلم میخواهد بدانم که این بخش از نوشته های او در کتب تاریخ نفت ایران اصلا ترجمه شده است یا خیر. مثلا به یاد دارم که در جائی می نویسد که وقتی یکی از همراهانش در مسجد سلیمان دندان درد گرفت، به او گفت که نزدیک ترین طبیب دندان پزشکی هزار و پانصد کیلومتر با آنها فاصله دارد!! و او باید به این اندازه صبور باشد! همچنین توصیفات او از وضعیت کوچ نشینی مردم ایران، هر ذهنی را به سئوال وا میداشت.

یک سریال انگلیسی قدیمی هم بخشی از داستان زندگی او و تماسهایش با خانواده راتچاید (شعبه فرانسه) را در لابه لای یک روایت عاشقانه به تصویر کشید که آنهم مطمئنا هیچ وقت پخش نشده است.

نویسنده: بابک

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 9:17

استاد سفارش من 3 روز پیش بوده ولی هنوز چیزی دریافت نکردم

نویسنده: اترش

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 9:57

سلام

دوستان گرامی
R134a، مهران حقیقت، ایمان صمیمی، موومان، بی نام، سعید، توحید، حاجی زاده، ایلماز، مهدی مهدی، دهقانی، منصور، م.ستاره، رضا و ... دیگر حضور ذهن ندارم،
و دیگر عزیزانی که در جریان مطالب ناریا بوده و روزی سه چهار ساعت به اینترنت وصل می شوند، ایمیلی به بنده بفرستند، امر خیری در میان است...
tizab@ymail.com

وب سایت

نویسنده: یک سابقه دار

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 11:4

جناب محمدی حرفهایتان به غایت پرمعنا یافتم تقریبا تعداد افرادی که از این حرفها می زنند شما سومین نفر هستید بعد از پورپیرار و جعفری فقید - به هر حال یک نکته ای ذهنم را مشغول می کند و آن اینکه برخی امور به عقل سلیم ما محول شده است در همین قرآن شریف - لذا هر چیزی که در قرآن بدان اشاره ای نشده باشد محکوم نیست و نباید صرفا به دلیل در قرآن نبودن مورد تعرض قرار گیرد . البته صحبتهای شما در خصوص هنر کاملا منطبق با حقیقتی پنهان یافتم پنهان از این نظر که اکثرهم لا یعقلون . به هر حال موید باشید .

نویسنده: مهدي - مهدي

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 11:35

http://zartosht3000.persianblog.ir/tag/%D8%AF%DA%A9%D8%AA%D8%B1_%D9%85%D9%86%D9%88%DA%86%D9%87%D8%B1_%D8%A7%D9%82%D8%A8%D8%A7%D9%84

نویسنده: مهدي - مهدي

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 11:39

جناب آقاي پورپيرار،

خسته نباشيد. لطفاً اگر ممکن است در مورد آيه 33 سوره مائده توضيحی بفرماييد.

ارادتمند
مهدي

نویسنده: بابک

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 13:23

با سلام جناب استاد
مستند را دریافت کردم.
قربانی

نویسنده: مهدي - مهدي

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 13:34

متاسفانه نرم افزار "ذکر" فاقد ترجمه آقاي آيتي، يکي از ترجمه هاي خوب قرآن، است. يک فايل از ترجمه آقاي آيتي، قابل افزودن به نرم افزار "ذکر"، تهيه کرده ام. مي توانيد از لينک زير دانلود و استفاده کنيد:

http://rapidshare.com/files/360990163/ayati.trans.zip.html

مهدي

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 13:35

با سلام
استاد عزیز هنگامی که آدرس وبلاگ را وارد میکنیم به جای باز شدن وبلاگ، وب سایت ناریا باز می شود؟!گویا تداخلی صورت گرفته است!

نویسنده: فرید

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 13:47

سلام
دست مریزاد استاد پورپیرار و استاد غفوری مستند مجعولات مجلل را با ولع تمام مشاهده کردم و حظی وافر بردم .هم اکنون با اجازه شما مشغول کپی و انتشار حقیقتی دیگر در آن خطه کشور می باشم با تشکر

نویسنده: عبور

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 14:9

بحمد الله http://www.freeimagehosting.net/ این میزبانی تصاویر هم از دور خارج شد. یادش بخیر... تا همین سه روز پیش نفس می کشید و میزبان تصاویرم بود.
مانده ام ما جامعه وبلاگ نویسان دیگر فایل ها و تصاویر خود را با خیال راحت کجا آپلود کنیم....

جناب پورپیرار مثل اینکه تنها راه حل این است که در سایت ناریا فضایی را برای آپلود و نمایش تصاویر خود ایجاد کنید.

نویسنده: لینک

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 15:15

دیده بوسی کروبی و مرتضوی!
http://www.drkhazali.com/index.php?option=com_content&view=article&id=487:1388-12-18-06-09-23&catid=234:1388-11-13-13-53-10&Itemid=458

پیامکی از دوستی عزیز دریافت کردم که: " کروبی در مراسم ختم با مرتضوی دیده بوسی کرد!!!" و سه علامت تعجب پیامک را بدرقه می کرد، من هم با احمدی نژاد رو بوسی - ببخشید، شانه بوسی - کردم، ما اهل گفتمانیم و با دشمنان خود هم دست داده و پس از رسم و رسوم عادی وارد بحث و کلام منطقی می شویم، آنها که پشت می کنند و روی ترش می فرمایند، منطق ندارند، کسانی از بحث رو در رو می گریزند که حرفی برای گفتن ندارند. کسانی قطع رابطه می کنند و حتی از مذاکره می هراسند که استدلال ندارند، ما در همه حال آماده معانقه ومصافحه ومواجهه و مذاکره و مجادله و مشاجره و ... هستیم
18/12/88 مهدی خزعلی

نویسنده: سلام محمدی

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 19:4

با سلام خدمت استاد ودوستان
جناب یک سابقه دار، ممنون ازاظهار لطف شما
اگرمنظورتان علامه محمد تقی جعفری است،بامطالعه آثارایشان وبالآخص کتاب هنروزیبایی ازدیدگاه اسلام (ازهمان کلمه زیبایی روی جلدکتاب،نبایدآنراجدی گرفت)،بازهم تکرارنوشته های غربی است که،محکمتروتخصصی تر ازنوشته های ایشان را میتوان درنوشته های فریتهوت شوآن ومارتین لینگزو... یافت. این نوع نگرش درغرب به آثاراسلامی ودنبال کردن تاییدیه ای دراحادیث وقرآن،ازنوشته های بورکهارت شروع شد که شارحان زیادی درکشورهای اسلامی دارند،جدای ازایران که همه شارحند.
البته شارحان دسته چندم وآبکی هم درمیان کردها داریم که،ذهنیات هایدگر وبورکهارت درمورد دایره را،
با زور(تکنیکهای رزمی) و ورد(کسب فیض درمحضر فالگیرها) میخواهند،دایره بودن رقص کردی راتحلیل کنند.!!!!
درمقاله،قرآن به عنوان تنها متنی که مدعی است درشناخت ورشدابعاد وجودی انسان کامل است بررسی گردیده که تاریخ وزندگی مسلمانان آشنا با خود قرآن، آنراتایید میکند.
با دو روش میتوان برسی کرد:
1-قرآن کلام خدا،جهت پرورش انسان است. سئوال اینجاست، چرااین درک حقیقت را چنانچه اکثرفیلسوفان دررابطه با هنر به روشهای متفاوت تشریح میکنند،درمحدوده ای که قرآن بیان میکند، نمی یابیم ودر قرآن
سخن ازانسان است،بعدا انسان پرورش یافته ابزارلازم جهت ارائه افکارش را،مختص باشرایط خود،البته
بدون امتیاز می یابد. اکنون یا باید بپذیریم،خداازراهبری هنر درجهت سیرتکاملی انسان درگذشته وآینده خبر نداشته است، یاهنر(آنچنانکه جداازانسان بررسی میشود) درپرورش انسان درجهت انسان بودن نقشی ندارد(
کمااینکه می بینیم هنر،امروز دکانی است که هریک چیزی راعرضه و سودی رادنبال میکنند.)

نویسنده: سلام محمدی2

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 19:7

2- قرآن متنی زمینی است ومانند هرکتابی،درمحدوده زمانی خودباید بررسی شود ونسبت به جغرافیا وزمانهای دیگر،متفاوت وناقص خواهد بود. دراین صورت باید آثارگذشته،بین النهرین وچین ویونان و...

رابررسی کرد که ،ادعای مبنی بر رهبری هنرمنددرمسیر تکاملی وجودی ونوری درظلمات دیدن هنر راز
ساختار این آثار بتوان خواند،که چنین امری منتفی است.
با تجزیه وتحلیل آثار،ازغارلاسکو تااکنون متوجه میشویم که، تفکرانسان مسیر را تعین میکند واگرنیازی به ارائه تفکرش رادرخود حس کرده ابزار لازم رایافته است.
مطلب اینجاست که ادعای سری دراحوالات هستی وپرورش به مدد"هنر" به چالش کشیده شود، نه قرآن را دائره المعارف پنداشتن.
عواقب این تفکررا درجامعه امروزی،که ترفندی برای سودلازم برای سرمایه داران یهودی
وسرگرم کردن مردم،تابدون دردسر تفکرات خودرادرجامعه پیاده کنند،می بینیم.البته تاحدی موفق شده اند.یعنی به جای رهنمودهای قرآن کبیر،ازتحقیر دیگران نسبت به هنرمند بودن و قوم و نژاد تا زندگی خودرا براساس مهملات شاعران شکل دادن ،تغییر داده اند.واین رابابد ازفردیکه درارائه آثار خویش(یاحتی هنگام انجام کارهای روزانه)که آثارش بدون آزار نفس میکشد،جدا کرد.

نویسنده: رشید

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 19:26

با سلام خدمت استاد عزیز و دوستان
در حال جستجو در وب بودم که به این شاهکار مترسک های مغز پوشالی برخوردم بد نیست شما هم کمی بخندید و صفا کنید؟!
جواب دندان شکن یزد گرد به عمر!!!
http://www.daneshju.ir/forum/f492/t82150.html
واقعا رو می خواهد این همه دروغگویی !!!
خدانگه دار همگی

نویسنده: reza71

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 21:34

استاد سلام
مستند دریافت شد. مشغول کانورت هستم تا بزودی در سایت آپلود گردد.

آقای reza71. برای کار نصب، استاد غفوری یک دی وی دی اختصاصی برای آقای عابدی تهیه کرده اند که اگر آدرس تان را مجددا اعلام کنید، اول وقت فردا یک کپی برای تان ارسال خواهم کرد. ممنون

آقای اترش. بسیار زحمت کشیده اید. از ماجرا با پیام شما و دیدار از فروم آشنا شدم. ضمنا یک نکته اصلاحی هم در تیتر زیر است.
هخامنشیان
مباحثی که مربوط به سلسله ساسانیان است
که به جای ساسانیان باید هخامنشیان باشد.

نویسنده: عابدی

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 22:24

سلام خسته نباشید.

از بسته شدن سایت عذر خواهی می کنم.

آدرس narina.ir به وبلاگ ناریا نصب شد.

- هفته آینده تصاویر در سایت نصب خواهند شد.

- فرمت دی وی دی مستند تا هفته آینده (یا زود تر) در سایت نصب خواهد شد.

- خرید اینترنتی اکثر کتاب ها در سایت گذاشته خواهند شد.

اگر پیشنهاد جدیدی دارید در میان بگذارید.

نویسنده: توحید

سه شنبه 18 اسفند1388 ساعت: 20:3

با سلام

استاد مستند را دیدم قبل از هر چیز از شما و استاد غفوری تشکر می کنم . اگر در یک جمله بخواهم خلاصه کنم می توانم بگویم بی نظیر بود بخصوص آن پلانی که فیلم جشنهای 2500 ساله بصورت معکوس و رو به عقب نمایش داده می شود که کنایه ای از پس رفت فرهنگی و بازگشت به گذشته و جهل و نیز تمسخر آن جشن سراپا مضحک و شرم آور بود . البته نظرات مشروح تر خود را سر وقت اعلام خواهم کرد .

موفق و سلامت باشید .

نویسنده: فردا

چهارشنبه 19 اسفند1388 ساعت: 2:47

رعايت حجاب براي زنان چيني جريمه نقدي به همراه دارد

مقامات چيني در پي اجراي طرحي كه به تازگي به تصويب رسيده، زنان محجبه در تركستان شرقي را جريمه نقدي مي كنند .

مقامات چيني، اجراي طرح اختصاص جريمه نقدي به مبلغ 5 هزار يوان براي زنان محجبه مسلمان در تركستان شرقي را آغاز كردند.

درآمد ساليانه ساكنان مناطق كاشگر، آرتوج و خوتن در تركستان شرقي كه كشاورز هستند به يک هزار يوان نمي رسد و پرداخت اين غرامت براي مسلمانان با پنج سال كار كشاورزي برابري دارد .

ايالت خود مختار سينكيانگ در چين، تركستان شرقي ناميده مي‌شود . پايتخت تركستان شهر اورومتشي كه در آن 12 قوميت زندگي مي كنند و بيشتر آنها را مسلمان تشكيل مي دهند.
منبع:
سازمان تبلیغات اسلامی

نویسنده: سایه

چهارشنبه 19 اسفند1388 ساعت: 8:0

با سلام
استاد اگر پس از ارسال مستندها اعلام فرمایید بسیار ممنون خواهم شد.
همچنین افتتاح انجمن را به شما تبریک می گویم.
ممنون

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 19 اسفند1388 ساعت: 13:4

سلام

لوگوی بحث برانگیزالمپیک 2012 لندن +تصویر

http://islamworldnews.com/fa/display-news.php?nid=295

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 19 اسفند1388 ساعت: 13:42

سلام به استاد عزیز ودوستان گرامی

استادعزیز دی وی دی ها به دست بنده نرسیده.

آقای بی نام. چند سری سی دی با فرمت معمولی و دی وی دی ارسال شده است. اگر حداکثر تا شنبه دریافت نکردید مجددا همراه آدرس اطلاع دهید.

آقای سایه. برای شما هم ارسال شده و اگر تا شنبه نرسید اطلاع دهید.

نویسنده: مسعود سنجری

چهارشنبه 19 اسفند1388 ساعت: 13:57

برادر ارجمند استاد پورپیرار
سلام علیکم

روزنامه جام جم شماره 2802 چهارشنبه 19 اسفند 88 (آخرین صفحه)به نقل از خبرگزاری فارس این خبر را آورده :
" دیوار چین طولانی تر شد!"
باستان شناسان موفق به شناسایی مسیری 137 کیلومتری از دیوار بزرگ چین در استان مرکزی(!!!!!!) هی نان شدند.
همچنین در ادامه می آورد: تاکنون تنها اکتشافاتی پراکنده از بقایای این دیوار در شهرهای مختلف (؟؟؟!!!) بدست آمده بود و ظاهر کامل آن تنها در کتابهای تاریخی قابل رویت بود....

و اینهم دلیل دیگری بر صحت نظریه جنابعالی در خصوص جاده بودن این به اصطلاح دیوارها. خدای بزرگ شما را حفظ کند.

والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: منصور

چهارشنبه 19 اسفند1388 ساعت: 15:23

با سلام و تبريك به مناسبت ساخت مستند سوم.
جناب پورپيرار هر مستندي كه مي سازيد تير خلاصي است برپيكر رو به موت حقه هاي كثيف و اشك شوق و اميد را در چشمان جستجوگران حقيقت مي نشاند. اين مستند هم عالي بود.
استاد، فرموده بوديد نظر بدهيد، چشم. دو مستند قبلي توقع ما را بالا برده هر چند حضور پروجود حضرتعالي نكات ضعف را كاملا پوشش داده است: اين نكات بسياركوچك عبارتند از:
1. در نقش رستم مي شد از مطالب موجود در وبلاگ و كتابهاي 12 قرن سكوت بيشتر استفاده كرد. مثلا راجع به گور دخمه ها چيزي گفته نشد. يا....
2. از لحاظ فيلمبرداري مي شد جزييات را باز هم واضح تر نشان داد. مثلا در حاليكه از كنگره ها و سقف قبر كورش صحبت مي شود بر روي موارد ياد شده زوم نمي شود.
3. از لحاظ مونتاژ هم مي شد بهتر باشد. اوايل فيلم كه بيشتر متكي بر عكسها و نوشته ها بود از فضاها به خوبي استفاده نشده بود. مثلا نصف سمت چپ صفحه را اختصاص به پنجره نمايش داده بود كه از وضوح تصوير مي كاست و نصف سمت راست را اختصاص به دو سطر نوشته. اين نوشته ها را مي شد به صورت پانوشت با فونت و سايز مناسب تر نمايش داد بدون اينكه از فضاي تصوير بكاهد يا زمان فيلم را به خود اختصاص دهد يا پشت صفحه مات شود.
4. مات بودن تصاوير بناهاي باستاني ساير نقاط دنيا ، عدم وضوح و كم عرض بودن آنها
5. هنگامي كه از قول آستروناخ از علائم صحبت مي شود بايد همزمان مكان هاي اشاره شده بر روي بنا هم نمايش داده شود كه چنين نيست ولي اين علامتها بعدا نمايش داده مي شود.

آقای منصور. ضمن تشکر ملاحظات جناب عالی را به استاد غفوری نازنین منتقل کردم و تا حد امکان قول رفع برخی از آن ها به خصوص خط نقل قول ها را دادند.

نویسنده: reza71

چهارشنبه 19 اسفند1388 ساعت: 21:46

جناب عابدی ایمیلتان را چک بفرمایید

نویسنده: اترش

چهارشنبه 19 اسفند1388 ساعت: 22:59

سلام

دیگه وقتشه به همه خبر بدیم که:

"انجمن بنیان اندیشی" شروع به فعالیت کرد.

بعد از یکی دو هفته تلاش مستمر و خستگی ناپذیر، با وجود مشکلات و مرارت های فراوان، اصلا بسیار و علارغم تمامی پستی و بلندهای این راه (یه خورده روغن داغش زیاد شد!) بالاخره زحماتی چند به بار نشست و (اینجا باید یه کلمه توپ تشکری تشویقی برای جناب عابدی و خودم می آوردم که... ولش کن!) انجمن بنیان اندیشی بر روی سایت ناریا به نشانی زیر قرار گرفت:
http://www.naria.ir/forum

به این امید که این انجمن محفلی شود برای بازنگری در باورها و روشن شدن بهتر حقیقت.

آقای اترش. با تشکر از شما و آقای عابدی و دیگر دوستان دست اندر کار، لازم است مدیران آشنا و فعال برای مدخل های مختلف در نظر بگیرید و راهی برای معرفی عمومی فروم پیدا کنید.

وب سایت

نویسنده: پزشک عرب آبادانی

پنجشنبه 20 اسفند1388 ساعت: 1:52

سلام بر همه دوستان مسلمان و استاد اسلامی بزرگوار

لطفا نحوه تهیه مستند سوم را دقیقا بر روی صفحه اصلی وبلاگ قرار دهید

أليس الصبح بقريب

آقای پزشک عرب آبادانی. لطفا به سایت naria.ir رجوع کنید.

به اطلاع دوستان برسانم که به علت شلوغی کار پایان سال در پست خانه ها چرخ گاری تحویل بسته ها کند تر می گردد. همین قدر مطمئن باشید که بی استثنا تمام سفارشات ارسال شده است.

وب سایت

نویسنده: سعید

پنجشنبه 20 اسفند1388 ساعت: 8:11

با سلام .
دستان زحمت کش آقای غفوری و عوامل تهیه مستند را میبوسم
به قول گفتنی یک مقدار زمانش را بیشتر کنید
بخش مصاحبه ها بسیار تاثیر گذار است و تلنقری به بیننده که میتوان تا چه حد فریب خورد فارغ التحصیلی که کورش را پدر همه ایرانی ها حتی لرها هم میداند هموطنانی که ظاهرا مو به موی تاریخ ایران را بلدند و کورشی که انگار تا همین چند سال پیش زنده بوده و شرح حال خود را برای آنها هم تعریف کرده است
بیننده تا مطلع با دیدن همفکران خود البته بعد از مشاهده حقیقت سرخورده میشود و شاید هم به خود بیاید
پیشنهادی که دارم ترتیب دادن مصاحبه ای قبل از دیدن تختگاه و بعد از آن برای کسانی که از موضوع بی اطلاعند و به یک

باره با یک حقیقت مواجه میشوند تهیه شود و به مستند های تختگاه و مجعولات مجلل اضافه گردد
در ضمن تصاویر مربوط به جشنهای 2500 ساله بسیار پر محتوا و زیبا بود و استعداد بهتر شدن، با مراجعه به آرشیو این جشنها را دارد
موفق باشید

نویسنده: اترش

پنجشنبه 20 اسفند1388 ساعت: 11:22

ممنون
برای اطلاع رسانی هم از تمام دوستان و آشنایان می خواهیم که به هر شکل ممکن از درج لینک و ارسال خبر نامه و پخش آگهی از روزنامه و تلویزیون! و تماس تلفنی و غیره اینکار را انجام بدهند.
تعطیلات پایانی سال هم نزدیک است و فرصت مناسبی است تا بیشتر به انجمن بپردازیم

وب سایت

نویسنده: عابدی

پنجشنبه 20 اسفند1388 ساعت: 12:12

سلام جناب reza71 خسته نباشید. ایمیلی از جانب شما در یافت نکرده ام

نویسنده: رشید

پنجشنبه 20 اسفند1388 ساعت: 13:39

با سلام خدمت استاد بزرگوار
مستند همین امروز رسید سراسیمه از دانشگاه به خانه آمدم مانده بودم اول مستند را ببینم یا تشکرکنم .بلاخره نتوانستم تحمل کنم و بر خود واجب دانستم اول از شما و آقای غفوری تشکر کنم ان شاء الله خداوند به شما و آقای غفوری جزیل اجر و سلامتی ؛طول عمر با عزت و سربلندی عطا بفرماید.
خدانگهدارنتان باشد

نویسنده: reza

پنجشنبه 20 اسفند1388 ساعت: 19:2

استاد
ظاهرا اینجا تنها ما غریب و بی کس هستیم. توصیفات دوستان ولع دیدن مستند را صد چندان نموده ولی هنوز از آپلود آن در سایت خبری نیست.

نویسنده: توحید الهی

پنجشنبه 20 اسفند1388 ساعت: 22:16

با سلام .
با دو موضوع جدید (آیه الکرسی و بررسی شفاعت ،معنای مسلمان و مسلمانان) به روز رسانی شد خواهشمند است نظر خود را برای استفاده از راهنماییهای بلند و پربارتان بفرمایید .
ممنونم

وب سایت

نویسنده: فتح

جمعه 21 اسفند1388 ساعت: 0:2

آقای پور پیرار بد نیست برگردیم به بحث نکاح یا ازدواج موقت نظرتان راجعب این نوشته ها چیست؟
id=487:1388-12-18-06-09-&view=article&http://www.drkhazali.com/index.php?option=com_content
Itemid=458&catid=234:1388-11-13-13-53-10&23

این هم گویا همه چیز را در باره قرآن کریم نوشته تا نظر شما چه باشد.
http://fa.pandapedia.com/wiki/%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86

نویسنده: reza

جمعه 21 اسفند1388 ساعت: 1:0

مشهد و خراسان موطن اصلی تعداد زیادی از یهودیان مهاجر به آمریکاست.

معاون وزير امور خارجه با اشاره به اينکه حدود 90 درصد سرمايه داران بزرگ ايراني خارج از کشور را مشهدي ها و خراساني ها تشکيل مي دهند،

http://hamshahrionline.ir/News/?id=110046

وب سایت

نویسنده: عابدی

جمعه 21 اسفند1388 ساعت: 8:36

آقای رضا گویا خیلی مدت است از ایران خارج شده اید و از مشکلات اینترنتی این دیار بی خبرید.

گویا چند کامنت بالاتر خبر نصب مستند آمده است!

نویسنده: خراسانی

جمعه 21 اسفند1388 ساعت: 11:7

جناب رضا ما ارادت مندیم ولی هرگونه فعالیت در حیطه ما قابل قبول نیست! این مردک احمق هم حرف مفت زده 90 درصد چیه ما اختیار همه اموال خارج از کشور را داریم حتی او نمی داند که 100 درصد سرمایه های ایرانیان داخلی هم از ماست! لطفا اشتباه نکنید.اگر هم باور ندارید از اهل فن بپرسید.

نویسنده: khalil

جمعه 21 اسفند1388 ساعت: 12:6

سلام استاد
من با آیه زیر مواجه شدم که دشمنان اسلام آن را حربه قرار داده و دلیلی بر ضدیت اسلام با موازین حقوق بشر عنوان می کنند من خود می دانم که حقیقت چیز دیگریست ولی چون آگاهی کامل به زبان عربی ندارم در مقابل مدعیان، توان پاسخگویی مستدل و قانع کننده و منطقی ندارم. لطفاً با عنایت به آیه زیر ماجرا را بیشتر برای من شفاف کنید.

إِنَّمَا جَزَاء الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الأَرْضِ فَسَادًا أَن يُقَتَّلُواْ أَوْ يُصَلَّبُواْ أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُم مِّنْ خِلافٍ أَوْ يُنفَوْاْ مِنَ الأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

" جزای کسانی که با خدا و پیامبرش می جنگند و در زمین فساد می کنند، آن است که کشته شوند، یا به دار آویخته شوند یا دست و پایشان(یکی از چپ یکی از راست) قطع شود یا از بلادشان تبعید شوند..." (آیه 33 سوره مائده)

آقای khalil. توجه دهم که خداوند در قرآن، تنها مورد و مصداق جنگ با خدا و رسول و فساد در زمین را ربا خواری معرفی کرده، که نزد یهودیان رسمی و موجه است! پس آیه هشداری به آن قوم می شود! به گمانم اگر مصادر نزول خواری، یعنی بانک داران جهان را، که غالبا یهودی اند به دست بدهکاران از هستی ساقط شده بسپارید، بلایی بدتر از اشارات این آیه به سرشان خواهند اورد!

نویسنده: ×××

جمعه 21 اسفند1388 ساعت: 16:1

سلام استاد
انصافا اگر همین یک آیه را در مورد رباخواران و بانکداران اجرا شود جهان از تباهی پاک میشود. بانکداری اسلامی تحت عنوانهای جذاب مثل قرض الحسنه ها یا موسسات بانکداری و بنیادهای کذایی تقریبا در شهرهای یهود پرور ایران نیز مصداق همین آیه هست.

نویسنده: علی از مالزی

جمعه 21 اسفند1388 ساعت: 16:41

آقای خلیل، علاوه بر آنچه گفته شد، آیات ذیل روشنگر معنای مفسد است:

1- ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس ليذيقهم بعض الذي عملوا لعلهم يرجعون - سوره: 30 , آيه: 41

(کسانی که نی انداخته اند و خون زمین (نفت) را می مکند، محیط زیست را فاسد کرده اند، حیات وحش را از بین برده اند، بنیان اجتماع و خانواده را با صادرات و واردات کالاها و مواد مخدر تضعیف کرده اند و در آخر ربا پایه و بنیان اقتصادیشان است آنها به فرموده این کلام مبارک، مفسد اند.)

2- واذا تولي سعي في الارض ليفسد فيها ويهلك الحرث والنسل والله لا يحب الفساد - سوره: 2 , آيه: 205

(کسانی که کشت و نسل را از بین ببرند، یعنی کشاورزان زحمت کش را رسما قلع و قمع کنند، جنگ ها میافروزند و صدها هزار آدم را به بهانه های واهی و لج و لج بازی سر یک حرف، و یا برای پرشدن جیب دلالان اقتصادی از بین میبرند، به فرموده این کلام مبارک فاسد اند)

3- تلك الدار الآخره نجعلها للذين لا يريدون علوا في الارض ولا فسادا والعاقبه للمتقين - سوره: 28 , آيه: 83

(در آخر آنها که خود را قیم مردم و زمین میدانند و چه با فرستادن ناوهای هواپیمابرشان، و چه با چفت و بندزدن و خفه کردن مردم، میخواهند پایه های بساطشان را محکم کنند، طبق این کلام مفسد اند)

والعاقبه للمتقین.

نویسنده: مسعود

جمعه 21 اسفند1388 ساعت: 18:38

سلام و درود بر شما استاد.

من بارها گفته ام : دقت و اظهار نظر شما فوق العاده است!

این پاسخ بسیار گرانبهای شما به آقای khalil را باید بارها خواند تا معني ژزف آنرا دریافت.

اینهم لیستي سیاه از 50 بانك مسلط بر اقتصاد و سیاست امروزه جهان که همگي وارثان و نوه و نتیجه هاي سرمایه گذاران دو فتنه خانمانسوز جنگ جهاني اول و دوم هستند:

http://seekingalpha.com/article/165213-the-worlds-50-biggest-banks-based-on-assets

و این نیز توضیحات جالب ویکي پدیا براي دو تا بانك نزول خوار یهودي : جي پي مورگان و دویتشه بانك که ماحصل خون 100 میلیون انسان در قرن بیستم و در دو جنگ جهاني را مانند چرك متعفن سرکشیدند:

http://en.wikipedia.org/wiki/J._P._Morgan

http://en.wikipedia.org/wiki/Deutsche_Bank

اکنون بنابر نص قرآن متین به گمانم استخدام تك تیرانداز حرفه اي براي ساقط کردن يك به يك مهره هاي سرمایه گذار در این 50 بانك و شعب فرعي آنها امري الهي خواهد بود !

زنده باد حق و حقیقت !

خداقوت و یا الله .

نویسنده: لینک

جمعه 21 اسفند1388 ساعت: 18:41

ماهی قرمز در سفره هفت سین ایرانی جایی ندارد/ لطفا ماهی قرمز نخرید
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1039169

قسمت جالب توجه نوشته: عجیب نیست اگر تابلوی معروف هفت سین کمال الملک را در کاخ گلستان به تماشا بنشینیم و ببینیم که او نیز ماهی قرمز را میان سفره هفت سینش طراحی و نقاشی نکرده است.

نویسنده: reza71

جمعه 21 اسفند1388 ساعت: 19:23

با سلام خدمت دوستان
حدود نصف مستند "مجعولات مجلل" در سایت آپلود گردیده است.
متاسفانه اکانت ADSL بنده پنجشنبه تقریبا تمام شد. ان شاالله شنبه شارژ می کنم و الباقی مستند حداکثر تا نیمه شب شنبه آپلود خواهد شد.

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 257

ایران شناسی بدون دروغ 257، نتیجه65، سیری در کتوبه ها - 59 نظر

نویسنده: R134a

شنبه 22 اسفند1388 ساعت: 0:20

khaste nabashid

نویسنده: ad

شنبه 22 اسفند1388 ساعت: 0:24

خواهشمند است یک یادداشت اختصاصی هرچند کوتاه در مورد انجمن بنیان اندیشی بنویسید تا اهمیت آن بر همگان جهت عضو شدن و رونق دادن به آن روشن شود

نویسنده: فتح

شنبه 22 اسفند1388 ساعت: 0:36

آقای پورپیرار بسیار جالب است اما آیا رشد جمعیت یهودیها و ارامنه در اصفهان با جدول رشد جمعیت ارائه شده در پستهای قبلی همخوانی دارد که اگر چنین است دیگر کار تمام است.

آقای فتح. بله همخوانی دارد با این توجه که بخش عمده ای از آنان به اسراییل کوچیده اند.

نویسنده: ×××

شنبه 22 اسفند1388 ساعت: 1:18

جالب بود.خسته نباشید. ضمنا امیدوارم در ادامه بررسی هاتون شهرهای بهبهان - شهمیرزاد-دماوند- بابل- ملایر فراموش نشه.نمیدونم قباله ازدواجی از این شهرها یافت شده یا نه؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 22 اسفند1388 ساعت: 2:18

آقای سنجری. از فرزندان کورش در کتیبه ی بیستون که مصدر حساب می شود و نیز در تمام تاریخ نوشته های یهودیان به عنوان دشمنان یهود نام برده شده تا حدی که کمبوجیه را بخت النصر دوم لقب داده اند.

آقای جلال. اگر عرب خط نداشت پس آن پاپیروس ها را با چه خطی نوشته اند؟! منظور این است که خط بالغ شده ای نداشته اند که برای مخاطبان غیر محلی قابل قرائت باشد و فرهنگی جهانی ارائه کند.

آقای امیدئامانج. زحمت نکشید به امید خدا در یکی دو ماه آینده تمام مقالات به صورت کپی جلد شده بیرون خواهد آمد.

نویسنده: reza

شنبه 22 اسفند1388 ساعت: 2:34

با سلام استاد
ادله متعدد ارائه شده از قدمت حضور یهود در فلات ایران و مراکز اولیه تجمع انسانی به شکل علمی و زنجیروار مکمل یکدیگرند. شاهکار بود. موفق باشید

نویسنده: منصور

شنبه 22 اسفند1388 ساعت: 2:44

استاد فوق العاده بود.
شما با این یادداشت دستی را که مدتها گلوی ما را می فشرد شکستید.
در مناطق ما قدیمی ترین آثار حداکثر به 100 تا 150 سال می رسد که دست شرم ما را از بازگو کردن آن منع می کرد. لازم است بگویم که تازه آن قدیمی ترین ها هم آثار یهودی می باشد. حالا که معلوم شد همه جای ایران همین حدود قدمت دارد دیگر جای شرم نیست. بلکه باید افتخار کنیم که خیلی هم قدیمی هستیم!!!!
انشاالله مدارک آن را هم پس از آماده شدن در فوروم قرار خواهم داد.

نویسنده: بی نام

شنبه 22 اسفند1388 ساعت: 7:40

استاد عزیز سلام علیکم-خسته نباشید

لوح ها رسید . ممنون.

نویسنده: توحید الهی

شنبه 22 اسفند1388 ساعت: 9:13

با سلام خدمت استاد عزیز .
با توجه به تذکر به جا و شایسته حضرتعالی پرانتزها را از معنی آیات برداشتم .
باز هم ممنون از توجه شما .

وب سایت

نویسنده: فتح

شنبه 22 اسفند1388 ساعت: 14:7

منازعه ترکیه و سوئد بر سر ماهیت کشتار ارامنه
http://www.bbc.co.uk/persian/world/2010/03/100311_u04_turkey_swenden.shtml

.همایش منکران وجود خدا در ملبورن برگزار می شود

http://www.bbc.co.uk/persian/arts/2010/03/100312_l17_atheists_summit.shtml

گروهی از دانش آموزان: ملکه تلفن را اختراع کرد
http://www.bbc.co.uk/persian/science/2010/03/100313_l10_uk_pupils_science_survey.shtml

نویسنده: مسعود سنجری

شنبه 22 اسفند1388 ساعت: 14:12

برادر بزرگ استاد پورپیرار
سلام علیکم
تصویر یک سند ازدواج از شهر کازرون را برایتان ارسال کردم. امیدوارم که معتبر و قابل استفاده باشد. در زیر عکس توضیح زیر آورده شده:
"این سند در محضر رسمی مرحوم شیخ عبدالطیف بحرانی ملقب به بهجت العلما فرزند مرحوم شیخ محمدحسین فرزند مرحوم حاج شیخ یوسف مجتهد بحرانی تنظیم گردیده."
والسلام علیکم
فی امان الله

آقای سنجری. با تشکر از زحمات شما. مهم تاریخ سند است. اگر صحبت محضر رسمی است که عمر چندانی ندارد.

نویسنده: عسل

شنبه 22 اسفند1388 ساعت: 15:0

سلام. لطفا منبع برداشت تصاویر کتوبه ها و اطلاعات آنها رو هم معرفی کنید. بدون رفرنس که نمیشه!

خانم عسل. به ادرس زیر رجوع کنید.
library jewish national and university
http://jnul.huji.ac.il/dl/ketubbot/html/Iran.htm

نویسنده: مسعود

شنبه 22 اسفند1388 ساعت: 15:13

خداقوت و عصر شما بخیر .

در لینك زیرتعدادي كتوبه قديمي مربوط به شهرهاي مختلف ايران و مراكش و ايتاليا راميتوان مشاهده كرد :

http://www.library.yale.edu/judaica/site/exhibits/ketubah/iran6.html

تاريخ ازدواج در زير نام عروس و داماد قيد شده است.
عروس = BRIDE
داماد = GROOM

نویسنده: AREF

شنبه 22 اسفند1388 ساعت: 21:36

GOFT JAHANI SHODAN BARDEH ANGAH KEH JENNIFER LOPEZ BAZIGAR AMRIKA DAR FILM BORDER TOWN ZAMIN BALA BORD DARIYE NOVIN AST MAGAM KHOD RA TA HAD GAHRAMAN MAGREB

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 22 اسفند1388 ساعت: 21:37

آقای عابدی. ممنون. بسیار پراتیک و عالی بود.

نویسنده: AREF

شنبه 22 اسفند1388 ساعت: 21:42

MIKONAM BARAYE HAMEYE BONYAN ANDISHAN FILM SHAHR MARZY RA TOSIE

نویسنده: علی از مالزی

یکشنبه 23 اسفند1388 ساعت: 7:37

آقای عارف؛

مراقب باشید! از این فیلم ها کم نیستند مانند فیلم International و There will be blood که "بطور عجیبی" به ترتیب بساط بانکداری جهانی و شرکتهای نفتی را نقش بر آب میکنند. ساختار روایت چنین فیلمنامه هائی را موشکافی کنید و با توجه به شرایط حاکم جهانی متوجه میشوید که در پس این "اعترافات تکان دهنده" چنین فیلمهای به ظاهر حقیقت جو، یک "خط دهی جدید" نهفته که کاملا با آنچه که همین کمپانی های نفتی و بانکی و سازمانهای جهانی الان دنبال میکنند تطابق دارد. در ضمن عجیب نیست که ردپای یهودیان از سرخط و پایان چنین روایتهای سینمائی معمولا پاک شده است؟ البته که نه! چرا که سرمایه گذاران سینمای غرب یا یهودی اند یا با یهودیان روابط بسیار خوبی دارند. بله، فیلم ابزار کنترل اجتماعی است نه بیان حقیقت. برای در آغوش کشیدن حقیقت به سوی قرآن برویم. متشکر.

آقای پورپیرار تشکر از این پست بسیار ارزنده.

نویسنده: AREF

یکشنبه 23 اسفند1388 ساعت: 10:42

agaye ali
shodeh and wa hatta be baykoot anan darbarehye hagigat dar in film hatta yahoodian mogacer shenakhteh
.ashareh shodeh ast

نویسنده: تئل ناز زنگانلی

یکشنبه 23 اسفند1388 ساعت: 12:17

وب سایت

نویسنده: سیروس

یکشنبه 23 اسفند1388 ساعت: 12:34

استاد عزیز. دیشب فیلم سه ساعته "هیتلر: ظهور یک اهریمن" را دیدم که معلوم بر اساس نگاه یهودیان ساخته شده و هیتلر را به شدت منفی و حیوانی نشان می دهد. به این بهانه می خواستم از محضرتان تقاضا کنم در حد چند سطر نظرتان را درباره واقعیت عملکرد هیتلر بیان بفرمایید. با تشکر

نویسنده: AREF

یکشنبه 23 اسفند1388 ساعت: 12:42

khaneye yahoodian nofuz kardeh barayeh nemidoonam chera gabool in mozoo keh yahood setizy ta daroon
.barkhy doostan ingadar sakhteh

نویسنده: عسل

یکشنبه 23 اسفند1388 ساعت: 12:50

استاد خواهش می کنم رفرنس عکسها و مطالب را هم به نوعی در یادداشتتان متذکر شوید تا وقتی متن در جاهای دیگر منتشر می شود، مستند باشد. با احترام و تشکر

نویسنده: علی از مالزی

یکشنبه 23 اسفند1388 ساعت: 18:38

آقای سیروس،

من سالها پیش آن سریال را دیدم، یک چیزی که در آن بسیار سرسری مطرح میشود همین است که آدولف هیتلر با اکثریت آرا و در جریانی "دموکراتیک" حزبش را به قدرت رساند! یعنی مایه روی قانونی بودن و دموکراتیک بودن حزب نازی نمیگذارد. برعکس! آن فیلم پلانهائی که این ساز و کار دموکراتیک را "مرور" میکنند، خفه، گرفته و همراه با موسیقی ای شیطانی به تصویر کشانده و البته با کمپینهای پرزیدنت اوباما که همه چیز خیلی ارگانیک و دلنشین و رنگارنگ است، بسیار متفاوت است!! در حالیکه ساز و کار و حتی پیام همان است!...عجب دوروئی و دوگانگی ائی!

آقای عارف،

گول این اشک تمساح آنها را نخورید. وانمود میکنند و بعد از مخاطب میخواهند که مرثیه آنها را گوش کند و با آنها در غم "پوریم های دیگر" شریک باشد تا مبادا شما سئوال های دیگری مطرح کنید...چون اینها خودشان عزا دارند از قبل!
عرض کردم در فیلم به دنبال حقیقت نباشید، فیلم هم یک ابزار کنترل اجتماعی است.

نویسنده: ad

یکشنبه 23 اسفند1388 ساعت: 19:15

هاکوپ هوناتانیان (1809- 81 18)، نقاش دربار ناصری

ظاهرا اولین نقاش شمایل حضرت علی

http://www.paymanonline.com/article.aspx?id=E030AEC0-8F65-4A91-91A8-385F52EDA20E

آقای دما. آثار هاکوپ هوناتانیان، که نام او در زیر هیاهوی کمال الملک قلابی گم شده، در ایران دچار تحولی انقلابی شد که گرچه تاکنون تحلیل نشده اما در مقایسه تابلوی ناصرالدین شاه با پرتره های روسی او کاملا آشکار است. او در برخورد با مکتب مینیاتور که حرفه ای باب بازار بود، توانست با تلفیق آن با سبک کلاسیک نقاشان روس، کارهایی چون تابلوی حضرت علی و ناصرالدین شاه و آن گل اندازی های ظریف دیوار کلیسا را ابداع کند که تاثیر رنگ گذاری و نیز لوگو سازی مینیاتوریست های بی نام و نشان و کاسب کار اصفهان در آن ها دیده می شود و چون مینیاتور یک سبک یهودی است که حتی در کتوبه ها نیز منعکس است، احتمال ارتباط و حتی جا دادن برنامه ریزی شده او در دربار ناصر الدین شاه بعید نیست. تمام این مطالب و نیز مقایسه میان نقاشی های هاکوب و کمال الملک فرضی، خبر از فاصله ای کهکشانی می دهد، اما حتی نقاشان و آتلیه داران ایران هاکوپ را غالبا نمی شناسند ولی برای کمال الملک غزال سر می برند.

نویسنده: اذربایجان

یکشنبه 23 اسفند1388 ساعت: 23:55

سایگلار (جمع احترام)

نویسنده: حمیدالله

دوشنبه 24 اسفند1388 ساعت: 1:57

جناب استاد پور پیرار سلام!
به آرزوی بهروزی و سلامتی شما.
خبر خوش ساخته شدن فیلم مستند "مجعولات مجلل" را شنیدم و خواندم.متاسفانه هر چه می کوشم تا در سایت و وبلاگ شما این فیلم را ببینم ، مقدور نمی گردد.
من در اروپا زندگی می کنم و از طریق سایر دوستان هموطنم(افغانها) به گنج بزرگ نوشته ها و تحقیقات ژرف شما دست یافتم.
برای من پرداخت هزینه این مستند مشکلی نیست.اما نحوه پرداخت آن در موقعیتی که من قرار دارم،کمتر میسر است. من کوشش خواهم کرد تا از طریقی دیگر این مقدار پول را خدمت تقدیم دارم.
اکنون با بی صبری در تلاش می باشم که این فیلم را تماشا کنم.در سایت و وبلاگ شما جایی را نیافتم که با استفاده از آن این فیلم را ببینم.
لطفا مرا رهنمایی کنید.
شما مرد بزرگی هستید و منت بزرگی بر گردن ملتهای این منطقه دارید.
با احترام
حمیدالله

آقای حمیدالله. از لطف شما ممنونم. به زودی آدرس دانلود مستند را برای تان ارسال خواهم کرد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 24 اسفند1388 ساعت: 2:28

آقای عابدی. آیا برای دانلود مستند سوم آدرسی دارید که به این دوست افغانی بدهیم؟

آقای مددی. فراموش نکنید رونق نقاشی عمدتا از کبر و افاده اشراف قرون وسطی نان خورده است که بیماری جاودان کردن رخسار خود در تابلوهای گاه ده متری را داشته اند، همان آسیب بی علاج خود شیفتگی آدمی که حالا وظیفه تسکین دردهای آن را به دوربین های عکاسی سپرده اند. جالب ترین نکته این که هنگام عکاسی هرکسی می کوشد عیوب ظاهر خود را با ژست های مسخره بپوشاند، هیچ شباهتی با واقع خود نداشته باشد، بر چهره مثلا ماسک لبخند بگذارد و یا اگر در تمام عمر 5 دقیقه هم تفکر اصولی نداشته زمان عکاسی انگشت را زیر چانه بگذارد و قیافه فیلسوفان را بگیرد! بنا بر این، نقاشی هم مانند هر عمل و اقدام نظیر، چون دنبک زدن و نعره کشیدن و خود جنبانی و شاطری و کفاشی و صرافی و آجیل فروشی یک کاسبی نان پاره ساز است و لاغیر و البته می بینید که لبنیات فروشی و یا داروخانه ها هم درجه بندی دارند.

آقای لینک. آن تابلوی لحظه تحویل سال نو، مال کمال الملک نیست، کار نقاشی به نام حسین شیخ است که می گویند از آخرین شاگردان کمال الملک بوده! جالب است بدانید در آغاز زاویه نشینی مثلا کمال الملک در حسین آباد نیشابور این آقای

حسین شیخ باید 16 ساله باشد. شاید هم روزانه با قطار سریع السیر و برای گرفتن درس نقاشی از استادش به نیشابور می رفته و باز می گشته و این را هم بدانید که گفته اند کمال الملک پس از کوری یک چشم، دیگر شاگرد نگرفته است که با 11 سالگی حسین شیخ قرین است!؟

نویسنده: بختیار

دوشنبه 24 اسفند1388 ساعت: 8:33

استاد بسیار عزیز و توانا
ضمن ارزوی سلامتی
نو شدن طبیعت و هوای پاک بهاری فرصتی است برای یادآوری سپاس از خداوند و بخاطر نعمتهای بی حدش
اغاز سال جدید را به شما و خانواده محترم تبریک و تهنیت عرض میکنم.
ارادتمند همیشگی بختیار

نویسنده: سعید

دوشنبه 24 اسفند1388 ساعت: 12:32

باسلام
آیا با در نظر گرفتن اسناد مذکور میتوان به نتیجه رسید که صبق ادعای ترکها به خصوص تبریزی ها مبنی بر عدم وجود یهودیها در شهرهای ترک نشین به نتیجه رسید که تبریز از لوس وجود یهود پاک بوده و یا باید منتظر پیدا شدن اسنادی مبنی بر حضور آنها در شهرهای ترک نشین هم بود
متشکرم

نویسنده: چیل

دوشنبه 24 اسفند1388 ساعت: 13:35

استاد بزرگوار سلام علیکم-خسته نباشید

هر تهمتی را از هر بی ملاحظه مدعی به جمع بنیان اندیشان را به جان خریدارم بگذار امثال منصوریها هر چه می خواهند بگویند.بگویند که ما بر گوشه ای نشسته و چون شاعران مواجب از تملق میبریم وحضور به مدح نامه های موزون مدلل می کنیم.بی شک چنین نیست وآنچه باید انجام دهیم انجام داده ایم وانشا الله انجام خواهیم داد بی منت که بر عقیده استواریم. باکی ازبروز این بی انصافی ها نداریم واز سر اخلاص وحقیقت زبان به تحسین شما می گشایم.
استاد تحقیقات اخیر تان به نام مجعولات مجلل که در اثر ارزنده استاد غفوری متجلی گشته بسیار عالی است خداوند طول عمر با عزت به شما بدهد تا همیشه از برکات وجود نازنینتان استفاده کنیم.خداوند استاد غفوری عزیز را که با مناعت طبع انچه در توان داشته نمودی ملموس وقابل روءیت از اندیشه های ناب شما برای اصلاح انشقاق و رد استحاله ها در طبق اخلاص گذارده, برای ما محفوظ بدارد.
نظر و پیشنهادی دارم که در فرصتهای بعدی اعلام خواهم کرد.

نویسنده: لینک

دوشنبه 24 اسفند1388 ساعت: 13:57

چارشنبه سوري در دو متن كهن
http://maniwababash.blogfa.com/post-47.aspx

نویسنده: عابدی

دوشنبه 24 اسفند1388 ساعت: 19:16

اگر آقای reza71 اتمام آپ لود را اعلام کنند، لینک های سومین مستند به قرار زیر است.

http://dl.naria.ir/Movie/Luxury%20Forgeds_Farsi/1.mpg
M541

http://dl.naria.ir/Movie/Luxury%20Forgeds_Farsi/2.mpg
M566

http://dl.naria.ir/Movie/Luxury%20Forgeds_Farsi/3.mpg
M489

http://dl.naria.ir/Movie/Luxury%20Forgeds_Farsi/4.mpg
M302

http://dl.naria.ir/Movie/Luxury%20Forgeds_Farsi/5-mosahebe.mpg
M84

نویسنده: توحید

دوشنبه 24 اسفند1388 ساعت: 16:17

سلام
آقای ارژنگ شما دیگر کی هستید . مثل اینکه توهم شما را برداشته . کی استاد راجع به شما مطلب نوشته ؟ اون مطلب برای روشنفکران ترک بود نه شما . اگر ادامه مطلب را بخوانید متوجه می شوید . اونجا که می گوید به نظر برخی این غربیان همه را فریب می داده اند به ج ترک ها را !!

در ضمن منتظر آن سند 500 ساله مالکیت هستیم .
____

ارژنگ : چه خوب که این بار با نام خودتان پیام گذاشتید. خوب نیست که مسئله را یکی یکی بررسی کنیم و به جلو پیش رویم؟ آیا شما قبول دارید استاد پورپیرار در مواردی که اشاره کرده ام اشتباه کرده اند؟ بعد برسیم به موارد دیگر. سند های ملکیت در حال جمع آوری هستند. متاسفانه یکی از آشنایان که اکثر سند ها دست اوست در حال چراندن گوسفند ها در ییلاق هاست. می توانید خودتان به هر نقطه ای از روستاهای معروف ایران بروید و تحقیق کنید. ضمنا مثلا ترک و فارس ندارد. پیش نیز به این نکته اشاره کردم که زبان ترکی و فارسی برای من ارزشی ندارند. مسئله این جاست عده ای می خواهند جواب حقه بازی و فریب را با حقه بازی و فریب بدهند!!!

وب سایت

نویسنده: توحید

دوشنبه 24 اسفند1388 ساعت: 16:18

سلام ارژنگ خان !

بابا ما رو گذاشتی سر کار ؟ یادته شش ماه پیش قول دادی اسنادی از مالکیت دوران صفویه ولایتتان را در وبلاگ قرار دهید ؟!! من 6 ماه منتظرم پس چرا خبری ازت نشده ؟ شاید کار جعلش تو کنیسه تمام نشده ؟!!!

استاد این بابا یه قولی به ما داده بود ولی نمی دونم چرا یهو غیبش زد .وقتی مطلب جدیدتون در مورد کتوبه ها را خواندم پس از 6 ماه یاد آن قول و قرارمان افتادم انصافا پاک فراموشم شده بود . خسته نباشید .

timezone=12642&postid=4&http://mynaria.blogfa.com/comments/?blogid=mynaria

---

آقای توحید. این بابا که به قول داش مشتی ها عددی نیست، ده سال است صاحب منصبان فرهنگی، مورخان کبیر و اساتید معزز دانشگاه ها در علوم انسانی غیب شان زده و به نظر می رسد پس از نصب نقشه شهرهای ایران در 175 سال پیش قالب تهی کرده باشند. به تخمینی شاید تاکنون 50 مدعی با سایت های پهناور که در ورود قول شکستن شاخ قول می دادند حالا یا به کلی افول کرده اند، یا در تنهایی خودشان برای خودشان سخن رانی می فرمایند!

نویسنده: نسرین

دوشنبه 24 اسفند1388 ساعت: 21:0

سلام آقای پورپیرار
مطالبتان همیشه دارای نکات جالب و تامل برانگیز میباشند.

خانم نسرین. به فروم بنیان اندیشان در این آدرس بپیوندید.
/http://www.naria.ir/forum
و در جدال با دروغ سهیم شوید.

نویسنده: sadegh

دوشنبه 24 اسفند1388 ساعت: 21:52

با سلام خدمت استاد گرامی و تمامی دوستان و دشمنان
استاد گرامی خسته نباشد و خدا قوت . خدمتتا ن عرض شود که آیادرخواست بنده را برای دریافت مستند مجعولات مجلل دریافت نمودید یا خیر؟
پیروزباشید .

آقای صادق. به آدرس کانتکس ارسال شد و از لطف شما هم ممنونیم.

نویسنده: عابدی

دوشنبه 24 اسفند1388 ساعت: 23:4

سلام

آقای توحید سند گفتید یادم افتاد به استاد قول ارسال چند سند را داشتم که مشمول فراموشی شده !

راستی استاد مطالب مربوط به ورود صنعت چاپ به تبریز را در ویکی پدیا می خواندم که نوشته بود : میرزا زین العابدین تبریزی به سال ۱۲۳۳ هجری قمری اسباب و آلات چاپ حروفی را به تبریز آورده و تحت حمایت عباس میرزا نایب السلطنه که در آن زمان حکمران آذربایجان بود مطبعه کوچکی برقرار نمود و کتاب مزبور میرزا ابواقاسم فراهانی بود که حاوی قصه‌هایی از جنگ میان دولت ایران و روسیه که در مورخ ۱۲۲۸ هجری قمری (برابر با ۱۸۱۳ میلادی) با عهدنامه گلستان به پایان رسیده بود!

چنان چه آمده این ابواقاسم فراهانی متولد ۱۱۹۳ ق. در اراک است ! اراک را هم که فتح علی شاه ساخته است. این فتح علی شاه هم که ۱۱۸۳ ق. به دنیا آمده !

با این حساب فتح علی شاه از روز شیر خواری اش به ساخت اراک پرداخته !!!

عجب اوضاعی است !!

آقای عابدی. در تهران قدیم کلانتر زنان هر محله روز معینی را در هفته به دور هم جمع می شدند و سیاست کلی رفتار با شوهر و بچه و مادر و خواهر شوهر و دخل و خرج و کاسبان محل و غیره را پایه ریزی می کردند و تا دل شان می خواست پشت سر هرکسی که دوست داشتند و یا نمی پسندیدند یکی یکی لکچر می دادند و لیچار می بافتند. سرانجام هم مقداری قر می دادند و تخمه می شکستند و لودگی می کردند و می رفت تا هفته بعد. حالا این ویکی پدیا مرا به یاد آن جمع هفتگی زنان محله های قدیم تهران می اندازد. هرکس که بخواهد در جلسه ویکی پدیا حاضر می شود و هر مهملی را که یاد گرفته تکرار می کند. مثل همین ماجرای چاپ خانه ی تبریز در زمانی که از خود تبریز هم خبری نیست و انعقاد عهد نامه گلستان در زمانی که مسکو در حال سوختن است!
ضمنا اگر ممکن باشد لینک دانلود تمام مستندها را به سایت هم منتقل کنید.

نویسنده: reza71

دوشنبه 24 اسفند1388 ساعت: 23:56

با سلام خدمت استاد و جناب عابدی و همه دوستان

آپلود فایلها در سایت ناریا تمام شد. 5 فایل فوق با حجم کل حدود 2 گیگا بایت.
اکنون مشغول آپلود مستند مجعولات مجلل در سایت یوتیوب هستم. از پس فردا می توانید مستند را در سایت یوتیوب مشاهده فرمایید.

اسم کاربری بنده در یوتیوب ghj7171 است و با سرچ آن در یوتیوب هر سه مستند به زبانهای مختلف قابل مشاهده می باشد.

آقای reza71. همگی مدیون شماییم.

نویسنده: سعید

سه شنبه 25 اسفند1388 ساعت: 9:5

با سلام
امسال جشن پوریم یهودیان مصادف با 28 فوریه مصادف با 9 اسفند برگزار شد
در حالی که من تصور میکردم عید پوریم مصادف با 21 مارس و روز عید نوروز است اختلاف یک ماه برای این جشن به چه دلیل است ؟

http://www.youtube.com/watch?v=t6-2X25Rowo
این لینک رو حتما نگاه کنید

نویسنده: سعید

سه شنبه 25 اسفند1388 ساعت: 9:41

باسلام
جشن پوریم هر چند سال یک بار مصادف با نوروز است و در اصل روزهای ماه یهودی مصادف با روزهای شمسی و میلادی نیست در سایت زیر روزهای پوریم در سالهای مختلف ذکر شده است که عمدتا در اسفند ماه است
http://www.when-is.com/purim-2011.asp

نویسنده: khalil

سه شنبه 25 اسفند1388 ساعت: 9:49

استاد آیا فیلم آواتار را دیده اید؟
من وقتی آن فیلم را نگاه کردم فکر کردم که کارگردان آن مطالب نوشته شده شما در مورد هند و آفریقا را خوانده بعد تبدیل به فیلم کرده!! یعنی سناریوی فیلم که یک مشت انسانهای بی رحم با تمام تجهیزات جنگی به اسم تحقیقات علمی وارد کره غیر زمینی شده و دارایی بومیان مظلوم و بی آزار آن خطه را تاراج برده و زیبایی آن کره را به صورت آتش باقی گذاشتند.جالب اینکه در فیلم، بومیان منطقه دعاها و شفای خود را کنار درخت عظیمی انجام می دادند، حتی درختهای انبوه زیبایی هم داشتند که جزء مقدساتشان بود مرا یاد آور عکسی انداخت که شما در نوشته های هند گذاشته بودید، مردی هندی که به یک درخت متوسل شده است.

نویسنده: سعید

سه شنبه 25 اسفند1388 ساعت: 9:52

بازم سلام
این هم لینکی که میتوانید روزهای عبری را تبدیل به روزهای میلادی کنید و برعکس
&hy=5770&hm=Adar1&hd=13&gy=2010&gm=3&http://www.hebcal.com/converter/?gd=15
h2g=Compute+Gregorian+Date

نویسنده: علی از مالزی

سه شنبه 25 اسفند1388 ساعت: 11:23

آقای Reza71

خیلی تشکر از شما، فقط آیا بهتر نبود که فایلها با حفظ کیفیت کانورت میشدند تا هم کم حجمتر باشند تا بتوان آنها را سریعتر آپلود کرد، هم اینکه دوستان سریعتر بتوانند آنرا از سایت دانلود کنند؟ و پهنای سرور گرفته نشود؟ واقعیتش این است که من در مالزی با این سرعت باید قدری منتظر بنشینم، حالا بقیه دوستان مثلا در ایران را نمیدانم. البته این از ارزش کار شما در آپلود کردن مستند کم نمیکند و باز هم متشکریم.

ممنونم.

نویسنده: شاگرد ناریا

سه شنبه 25 اسفند1388 ساعت: 13:27

نسرین خانم سلام علیکم

از رویت کامنتتان خوشحال شدم .خوش امدید.

نویسنده: علی از مالزی

سه شنبه 25 اسفند1388 ساعت: 15:23

آقای ناصر پورپیرار، خسته نباشید، خدا قوت. بسیار استفاده کردیم از مستند جدیدتان.

آقایان گروه تولید مستند هم تشکر و خدا قوت. ان شاءالله کارهای بزرگتری را از شما شاهد باشیم. آقای Reza71 هم تشکر که نسخه ای را هم در یوتیوب قرار دادید که کار ما را راحتتر کرد.

آقای پورپیرار،

اینکه عده ای به ناگاه در 30 ساله اخیر صحبت از چیزی به نام احیای بانکداری اسلامی کرده اند که خواستگاه این جنبش هم از مصر بوده است و خودشان هم اذعان کرده اند بدون ربا نیست! آیا جا ندارد که از آنها سئوال شود تا چند سند معاملاتی و غیره از مباحث پولی در طول تاریخ خودشان ارائه کنند، تا مشخص شود مشارکت و مضاربه و سکوک و غیره دست ساز یک عده تازه به دوران رسیده نیست و در ارض مسلمین(بنا به احادیث شان) سالها تمرین میشده است؟؟ آیا شما از وجود چنین مکتوباتی آگاهی دارید؟؟ تا نشان دهد که مسلمانان مثلا ایران زمین معاملات ربوی داشته اند یا غیر ربوی؟؟ اصلا دنبال این چنین چیزی رفتن را صلاح میدانید یا بهتر است بخاطر نخود سیاه بودنش پی آنرا نگیریم؟ متشکر می شوم توضیحی بفرمائید.

نویسنده: یوسف

سه شنبه 25 اسفند1388 ساعت: 16:25

سلام استاد خسته نباشید لطفا اگه ممکنه تعداد فیلم های مستند تهیه شده و مبلغ آنها و نحوه سفارش و ارال را برای بنده ایمیل فرمایید bak_49@yahoo.com

با تشکر

آقای یوسف. به سایت www.naria.ir
رجوع کنید.

نویسنده: reza71

سه شنبه 25 اسفند1388 ساعت: 17:17

با سلام خدمت همه دوستان
صفحه حاوی هر سه مستند استاد غفوری با زبانهای مختلف در یوتیوب.
52 عدد فایل (هرکدام حدود 10 دقیقه)

http://www.youtube.com/profile?user=ghj7171#g/u

جناب عابدی به نظرم بهتر است این لینک را هم در سایت ناریا قرار دهید.

نویسنده: مرتضوی

سه شنبه 25 اسفند1388 ساعت: 18:53

جناب استاد سلام .
مستند سوم را دیدیم .باید خدمتتان عرض کنم که اگر مستند تختگاه را باید 10 بار کپی و در اختیار بقیه گذاشت مستند مجعولات را باید 100 بار تکثیر کرد تاریخ بشری مدیون شما هست و خواهد بود.

نویسنده: ×××

سه شنبه 25 اسفند1388 ساعت: 20:45

سلام دوستان دیروز ظاهرا آقای مهاجرانی بیانیه ای در خصوص 4شنبه سوری اعلام فرمودند که من بخشی از آن را در اینجا جهت زنگ تفریح خدمتتان میاورم تا ببینید این آقا چقدر از مرحله پرته:
"چند سال پیش مهمان موری موتو راهب بودایی معبد بزرگ شهر کیوتو بودم. موری موتو میگفت: در کیوتو جشنی هر ساله برگزار میشود به نام جشن آتش کوراما . این جشن یک جشن ایرانی است که در کیوتو باقی و زنده مانده است. ایرانیان پیش از اسلام به کیوتو آمدند و شیوه های نوین آبیاری کشاورزی را به مردم یاد دادند. هنوز هم نشانه هایش برجاست.
چهارشنبه سوری یک سنت فرهنگی است که از نیاکان ما بر جای مانده است. ایرانیان برای روشنایی و نمادهای آن نور و آتش حرمت قائل بودند. هم نور و هم آتش در قرآن مجید تقدیس شده است. خداوند نور آسمانها و زمین است(آیه 36 سوره نور) تجلی خداوند بر موسی نیز به روایت قرآن مجید در بوته ای است که آتش گرفته است. موسی به سوی بوته آتش گرفته رفت تا پاره ای از آتش برای زن و فرزندانش بیاورد:"انی آنست نارا لعلی اتیکم منها به قبس)" سوره طه آیه 10.
به تعبیر حافظ: ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس موسی اینجا به امید قبسی می آید
در باب سوم سفر خروج در کتاب مقدس به تفضیل در این باره صحبت شده است. در کلام و اندیشه یهودی-مسیحی نیز" بوته آتش گرفته" یا " بوته سوزان" نماد تجلی خداوند است. بعدا در متون فقهی ما هم آتش از زمره مطهرات تلقی شده است..... در پایان هم نتیجه گرفتند:
تمامی این نشانه ها حاکی ست که چهارشنبه سوری را بایست در چارچوب یک سنت فرهنگی تفسیر کرد!!

استاد خیلی دوست دارم یک جواب کوبنده و مدلل به ایشان که فکر میکنم از اون آنوسی های به ظاهر باسواده بدید . با تشکر

نویسنده: reza

سه شنبه 25 اسفند1388 ساعت: 20:55

با سلام خدمت استاد پورپیرار و همه سروران
بابت این تلاش مجدانه و نتیجه شعف انگیز آن به همگی تبریک می گویم.

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 258

ایران شناسی بدون دروغ 258، نتیجه66، نقشه شهرهای ایران در دوران قاجار، 9
- 38 نظر

نویسنده: R134a

جمعه 28 اسفند1388 ساعت: 23:30

khaste nabashid

نویسنده: R134a

شنبه 29 اسفند1388 ساعت: 0:40

استاد میشه درمورد دزفول و شوشتر بیشتر توضیح بدید. ممنون

آقای R134a. در بررسی، بر اصل متنی معین نمی توان چیزی بر آن افزود و کاست، الا همان چند جمله ای که صورت نقد و یا تایید دارد. این جا نقشه ها و از دزفول و شوشتر و بوشهر 160 سال پیش سخن می گویند که جز نگاه عمیق به داده های آن ها چیز دیگری نمی توان گفت الا این که بدانیم شهرهای ایران اعم از کوچک و بزرگ عمر کوتاه 200 ساله دارند.

نویسنده: عابدی

شنبه 29 اسفند1388 ساعت: 0:42

آقای علی از مالزی . خوب این کاری که فرموده اید را شما انجام دهید! می توانید از سایت زیر نیز برای کوچک تر کردن لینک ها استفاده کنید

www.tinyurl .com

نویسنده: AREF

شنبه 29 اسفند1388 ساعت: 1:54

har hafteh daricheh i az hagigat ra barayeman khoda ra shakerim keh az mian 7miliard nafar ma ra bargozid wa baz mikonad.

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 29 اسفند1388 ساعت: 7:14

جناب عابدی به چشم، فقط مشکل این است که من به سایت ناریا دسترسی ندارم که فایلها را به سرور ناریا آپلود کنم.
مگر اینکه به سرورهائی مثل megaupload Rapidshare و غیره بریزم که تا آنجا که از دوستان شنیده ام همه اینها در ایران فیلتر هستند!!

دوستان بفرمائید من کجا آپلود کنم که در ایران فیلتر نباشد، به چشم! خوشحال هم میشوم.

نویسنده: مسعود

شنبه 29 اسفند1388 ساعت: 10:47

سلام علیکم و خسته نباشید.

ممنونیم استاد از زحمات شبانه روزیتان.

خداوند به شما سلامتی و طول عمر را با هم عنایت بفرماید.

نویسنده: بی نام

شنبه 29 اسفند1388 ساعت: 11:13

آقای عابدی سلام علیکم-خسته نباشید

ممنون که نظر دادیدضمن تایید نظر شما اضافه کنم که به هر طریق ممکن وکم هزینه باید به بین مردم به تعدد وتنوع مباحث افشاگرانه وارد شد دورغ های این حضرات هم که کم نبوده پس برای همیشه می توان موضوعات جدید داشت و به قولی امکان ایجاد بمبارانی از حقیقت میسور است فقط کمی همت لازم است.حال جلسه سوال جواب باشد یا یک متن سخنرانی یا یک گفتمان وبحث چند طرفه یا... .البته هنوز نظر استاد عزیز را نمی دانیم که آیا تایید می فرمایند یا خیر؟اینکه این عمل می تواند مکمل فرم دوستان زحمت کشمان باشد ادعای نادرستی نیست.
پیشاپیش اعلام کنم که بنده کما فی السابق عهده دار ومتعهد نشر لوح ها در شهر خودم می باشم.

نویسنده: ×××

شنبه 29 اسفند1388 ساعت: 11:16

فرا رسیدن سال نو و آغاز بهار را به همگی تبریک میگویم امیدوارم در سال جدید بتوانیم هموطنان بیشتری را از حقیقت تاریخ کشورمان آگاه کنیم.

آقای ×××. و البته این کار را از خودتان شروع کنید. مزاحا عرض شد.

نویسنده: سلام محمدی 11

شنبه 29 اسفند1388 ساعت: 17:55

9-هنگامی که بحث از هویت می شود، در رابطه با سایر کشورهای اسلامی، شاید اسلام را جزیی از فرهنگ دانست، ولی چون بدون اسلام هیچ مدرکی از ایران کنونی و کردها نیست پس مبحث هویت، بدون اسلام قابل شناخت نیست و افرادی که در کردستان، قبلا هویت خود را از اسلام می طلبیدند، راه درست را طی می کرده اند که متاسفانه با وجود ذهنیتهای همیشه محکوم به ناآگاهی، مسیر را به کندی طی می کرده اند و بازتابی آنچنانی نداشت و این غیر از بعد فلسفی و معنوی اسلام است که یک سری افراد آن را به نام تجدد کنار بگذارند.

اکنون زمان به چالش کشیدن ادعاهای ناسیونالیستی از این جنس است، که هویت را بدون اسلام خواندن جستجو می کنند .
اگر فردی همین لباس و زبان کردی را هم در چند سده پیش منکر شود، چه دلیلی برای اثبات آن است.
اکنون با این برخورد، برای یافتن واقعیات تاریخ، چیزی که کاملا مشهود است، وارد شدن ایران به مرحله شهرنشینی و جمع شدن آنها به مدد اسلام برای زیستن در مسیر تاریخ است که در این مسیر چشم دولتهای خونخواری که با هر هدف و نامی

قصد به تاراج بردن هستی ملتها را داشته اند، باعث بوجود آمدن شیارهایی در همبستگی اقوام ایرانی شده است. اما این نزدیکی قومیتهای گوناگون را تاریخ، در حرکت خود محک زده است و همین مردم هستند که با تکیه بر توانایی خود، با توجه به مخالفت ابرقدرتهای جهان باز هم ایستاده اند و باز هم مسیر اهداف خود جانفشانی می کنند، و کردها هم پرپر شدن فرزندانشان را برای حمایت از خود و اقوام دیگر از یاد نمی برند .

نویسنده: سلام محمدی 12

شنبه 29 اسفند1388 ساعت: 17:57

اینجاست که به جای دشمن دانستن زمین و زمان و همسایه و تحقیر کردن هر فرهنگ و ملتی به نام کرد خواندن، کاری دور از تربیت انسانی و اسلامی است. و قوم کرد با دیگر اقوام ایران و یا ذهنیتی در راه به حرکت درآوردن توانایی و همبستگی انسانی در مقابل هر نام و گروهی که قصد به خاک و خون کشیدن این اقوام را داشته اند، ایستاده اند. باید خود را بازیابند تا در مقابل اولتراامپریالیسم خود را بازشناسند و خواستار بازیابی سالها خورده شدن توسط امپریالیسم در گذشته باشند و کار انسانی، آنها را خواندن برای بازگشت به فرهنگی مسالمت آمیز و متنی تمدن ساز در همکاری رسیدن به مراحل تکامل انسانی، برای بهتر و درست زندگی کردن است. (پایان)

نویسنده: بی نام

شنبه 29 اسفند1388 ساعت: 18:49

آقای سلام محمدی سلام علیکم

مطالبتان را پیگیرانه خواندم بسیار استفاده کردم.
متشکرم

نویسنده: اترش

شنبه 29 اسفند1388 ساعت: 18:55

سلام بر همگی

چند قدمی بسوی اتحاد و شکوفایی جوامع اسلامی:
www.bazkhani.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: انجمن بنیان اندیشی

شنبه 29 اسفند1388 ساعت: 18:59

بدین وسیله از شما دعوت می کنیم تا در «انجمن بنیان اندیشی» حضور به هم رسانید:

هدف از برپایی این انجمن فراهم کردن بستری است تا در کنار هم بیشتر و بهتر به بازنگری مطالب در تمام زمینه های مذهبی، تاریخی، اجتماعی و... بپردازیم.
انجمن بنیان اندیشی می تواند محفلی شود که هرکس آزادانه با آنچه که می داند حضور یافته و به جواب آنچه که نمی داند برسد.

www.naria.ir/forum

وب سایت

نویسنده: reza71

شنبه 29 اسفند1388 ساعت: 20:26

با سلام خدمت استاد و تمام دوستان
جناب عابدی نسخه جدید مستند با فرمت WMV و در 12 قسمت و با حجم کل حدود 265 مگابایت در سایت آپلود گردید.لطف کنید لینکهای مربوطه را اینجا و در سایت نیز اعلام بفرمایید.
علیرغم حجم بسیار کم این نسخه ، کیفیت آن کاملا خوب بوده و تمام جزئیات فیلم از جمله کتیبه ها و نقشه ها و نوشته ها بصورت واضح دیده می شوند و تمام نرم افزارها نیز آن را براحتی پخش می کنند.

نویسنده: sadegh

یکشنبه 1 فروردین1389 ساعت: 0:10

با سلام خدمت استاد گرامی و دیگر دوستان
استاد گرامی سال نو بر شما و خانواده محترم مبارک و میمون باد . امیدوارم سال جدید سالی پر بار و سرشار از خیر و برکت برای شما ، خانواده ، همرهان و دوستان بنیان اندیش باشد.
لازم است از زحمتی که که در ارسال سی دی ها کشیدید تشکر و قدردانی کنم . واقعا خجلت زده نمودید و چون همیشه باعث شرمندگی بیش از حد شدید این همه سی دی ارسال کردید استاد ؟!! و اقعا راضی به این همه زحمت نبودم مرا شرمنده خویش نمودیدخیلی خیلی ممنونم امیدوارم که بتوانم جبران کنم.
بیش از همه سی دی مربوط به دانشگاه تربیت مدرس مرا خوشحال نمود . آنجا که تعدادی جوجه نوچه باستان پرست به تمرین عربده کشی و هوچی گری مشغول اند و شنیدن سخنان حق را برنمی تابند .تصاویر دیدنی خواری ، حقارت و درماندگی مشتی نوچه باستان پرست ورژن تاریخ مصرف منتهی ،
تصاویری مفرحی که هر بنیان اندیشی را قوت قلب بخشیده باعزمی راسختر و استوارپی افزونتر عرضه و تبلیغ داده های نوین را ادامه خواهد داد.
در ضمن جا دارد به شما و آقای غفوری محترم و دیگر دوستانی که در تهیه ، ارائه و عرضه مستند مبارک مجعولات مجلل دخیل و سهیم بوده اند تشکر و قدردانی نمایم. نکاتی که در مستند جدید قابل ملاحظه است استفاده و کمک گرفتن از تکنیک ها و جلوه های ویژه جدید بصری و تصویری است که نسبت به کارهای قبلی متفاوتر و پشرفته تر می باشند. تنها یک مورد را می توان نامبرد که به نظر بنده اگر طوری دیگر بود نتیجه کار بهتر و کاملتر می شد. و آن نوع فونت استفاده شده درکنار تصویر در حال پخش بود (متن نقل قول از ایرانشاسان) به اعتقاد اینجانب فونت خوانا نبوده و اگر طوری می بود که خواناتر می بود نتیجه کار کامل و بهتر می شد هر چند که این از ارزش کار والا و بزرگ آقای غفوری و دوستانش کم نخواهد کرد .
پیروز باشید.

نویسنده: عابدی

یکشنبه 1 فروردین1389 ساعت: 1:49

آقای reza71 خسته نباشید. به خدا ما رو شرمنده کرده اید . آدرس اش از این لینک :

http://dl.naria.ir/Movie/Luxury-Forgeds_Farsi_MQ

آقای عابدی. برای شما سفارشی بود!

نویسنده: reza

یکشنبه 1 فروردین1389 ساعت: 3:57

با سلام جناب پورپیرار
از صمیم قلب سالی پر خیر و برکت از درگاه ایزد منان برایتان آرزومندم. با دعای خیر برای سلامتی شما و عزمی راسخ در زدودن ناپاکی ها.

نویسنده: مسعود سنجری

یکشنبه 1 فروردین1389 ساعت: 11:30

برادر گرامی استاد پورپیرار
سلام علیکم

سال جدید بر شما و خانواده محترمتان و دوستان عزیز مبارک. انشاالله سالی پر از موفقیت و سرافرازی در پیش داشته باشید.

والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: عابدی

یکشنبه 1 فروردین1389 ساعت: 11:39

استاد خسته نباشید. ویرایش شده مقالات ایران شناسی که داده بودین گم کردم. بین 100 تا سی دی گم شده.
موضوع این است که کامپیوتری را که به من داده اند نه دی وی دی اش کار می کنه نه یو اس پی اش و نه ماوس داره!
مثل کامپیوترهای زمان کورش کبیر!!

اگر مقدور است آن فایل ها را به کسی بدهید تا برام ای میل کند. چون فرصت مناسبی است می خواهم مشکل تصاویر را حل کنم و آرشیو تمامی تصاویر را در سایت نصب کنم.

آقای عابدی. در اولین فرصت به چشم. استراحت کنید و تعطیلات را خوش بگذرانید.

نویسنده: منصور

یکشنبه 1 فروردین1389 ساعت: 14:43

برای استاد عزیز و همه دوستان بنیان اندیش آرزوی سلامتی و توفیق روز افزون دارم.
انشاالله سال جدید سالی سرشار از مهر و صمیمیت برای همه سروران و خانواده گرامی آنها باشد. از همه بزرگوارانی که در سال گذشته به هر نحو از جانب حقیر آزرده خاطر شدند از صمیم قلب عذرخواهی می کنم و قدم همه را بر فرق سر می گذارم.

نویسنده: علی از مالزی

یکشنبه 1 فروردین1389 ساعت: 17:6

با عرض تبریک فرارسیدن بهار طبیعت خدمت همه،

آقای reza71 متشکریم که دسترسی فایلها را راحتتر نمودید.

نویسنده: علی از مالزی

یکشنبه 1 فروردین1389 ساعت: 19:19

دوستان چند عکس مربوط به سالهای 1949 و 1951 در آرشیو مجله لایف وجود دارد، به نظر عکسهای جالبی هستند. آقای پورپیرار لطفا بفرمائید آیا عکسها اطلاعات جدیدی منتقل میکنند؟ عکس سوم تاریخ 1844 و 3 نام را بر روی کپی مجموعهٔ کنده کاری یک سری کتیبه نشان میدهد. آیا عکسها را قبلا ملاحظه کرده اید؟؟ نظرتان را بفرمائید.

&http://images.google.com/hosted/life/f?q=Archaeology+iran+source:life
prev=/images%3Fq%3DArchaeology%2Biran%2Bsource:life%26start%3D18%26hl%3Den%26sa%3DN%26nds
imgurl=ddc623a0711ddcde&p%3D18%26tbs%3Disch:1

&http://images.google.com/hosted/life/f?q=Archaeology+darius+source:life
&prev=/images%3Fq%3DArchaeology%2Bdarius%2Bsource:life%26hl%3Den%26sa%3DG%26tbs%3Disch:1
imgurl=9f5bfa3b8d30c8b9

&http://images.google.com/hosted/life/f?q=darius+source:life
&prev=/images%3Fq%3Ddarius%2Bsource:life%26hl%3Den%26sa%3DX%26tbs%3Disch:1
imgurl=cad2647bc7018aa0

&http://images.google.com/hosted/life/f?q=George+Cameron+source:life
&prev=/images%3Fq%3DGeorge%2BCameron%2Bsource:life%26hl%3Den%26tbs%3Disch:1
imgurl=d5c2328579462817

همچنین

size=original&http://oi.uchicago.edu/gallery/pa_iran_paai_per_rtom/index.php/4G10_72dpi.png?action=big

size=original&http://oi.uchicago.edu/gallery/pa_iran_paai_per_rtom/index.php/4G9_72dpi.png?action=big

آقای پورپیرار اینها چی هستند؟ و در سایت دانشگاه UCLA چه میکنند؟؟

-&=word&index_name=graphemes&size=100&http://cdli.ucla.edu/search/result.pt?result_format=list
-&=author&op_author=bw-&primary_publication=OIP+092&op_primary_publication=bw
-&=publication_history&op_publication_history=bw-&=publication_date&op_date=bw
-&=accession_no&op_accession_no=bw-&=museum_no&op_museum_no=bw-&=collection&op_collection=bw
-&=genre&op_genre=bw-&=provenience&op_provenience=bw-&=excavation_no&op_excavation_no=bw
-&=id_text&op_id_text=bw-&=dates_referenced&op_dates_referenced=bw-&=period&op_period=bw
sort=id_text

ممنون.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 1 فروردین1389 ساعت: 20:11

آقای علی از مالزی. لینک آخر مربوط به قریب سی هزار لوحه به خط ایلامی است که دانشگاه شیکاگو از مخزن زیگورات تخت جمشید به عنوان بازخوانی به سرقت برده است. و عکس های دیگر مربوط به حوالی قربانگاه یونانی در پاسارگاد و نیز کامرون مشغول بررسی مولاژهای برداشته شده از کتیبه های منطقه است. به هر حال عکس های جالبی است و تمامی آن ها هم قدیمی نیست.

نویسنده: sadegh

یکشنبه 1 فروردین1389 ساعت: 21:17

با سلام خدمت استاد گرامی و دیگر دوستان

استاد گرامی نظرتان در مورد مکتوبات منطقه اندلس چیست؟ و آیا قابل قبول و استناد می باشند یا خیر ؟ در ذیل لینک مربوطه و چند لینک دیگر قید می شود. گمان می کنم با نگاه به نوع خط بکار برده شده در لینک های زیر و تاریخ تطور خط عربی حضرتعالی بتوانید در این مورد اظهار نظر نمایید که مربوط به کدام تاریخ و عهدی می باشند .
http://www.aljazeeratalk.net/forum/showthread.php?t=161835
http://www.aljazeeratalk.net/forum/showthread.php?t=164194
http://www.aljazeeratalk.net/forum/showthread.php?t=168347
http://www.aljazeeratalk.net/forum/showthread.php?t=167625

البته قبلا نیز در مورد خانم ادیبه رومیرو و فعالیت ایشان در زمینه نگهداری مکتوبات اندلسی برایتان مطلبی ارسال نموده بودم.
با تشکر

آقای sadegh. عمر آن کاغذهای روغنی جلادار، عمر آن خط عرب و عمر آن جلد سازی های چرمی، حد اکثر چهارصد سال است و هرچه جز این نامعتبر و غیر قابل اثبات است. اگر شبکه الجزیره از جهودان پر نیست پس چرا از مستند طوفان نوح خبر نمی دهد و مشغول تاریخ سازی دروغین برای مسلمین عرب است؟ حالا اگر متن این کتاب ها را بخوانید همان داستان های فتوح و سیره و احادیث است.

نویسنده: sadegh

یکشنبه 1 فروردین1389 ساعت: 22:7

با سلام به استاد گرامی و تمامی دوستداران حق و صبر
استاد گرامی ، سایر دوستان آیا مستند مبارک طوفان نوح به زبان انگلیسی ترجمه شده است یا خیر؟ در ضمن در صورت ترجمه شدن آیا لینکی از آن بر روی اینترنت موجود می باشد یا خیر ؟ در ضمن اسلام و شمشیر آیا به عربی ترجمه شد یا خیر ؟ و اگر هر کدام از مستند هابه عربی ترجمه شده اند و لینکی از آنها در اینترنت موجود می باشد بنده لازم دارم لطفا راهنمایی بفرمایید، ظاهرا دوستی سلامی نام یا سلامت زحمت ترجمه به عربی را کشیده اند همچنین اگر هرگونه

ترجمه ایی از آثار و داده های نوین ارائه شده توسط استاد موجود می باشد لطفا دوستان دریغ نکرده ا علام دارند ،
پیشاپیش از راهنمایی و همکاری متشکرم
پیروز باشید

آقای sadegh . مستند معتبر طوفان نوح ترجمه انگلیسی دارد که پس از تعطیلات اگر آدرس اعلام کنید نسخه ای برای تان ارسال خواهد شد. ضمنا دوستان عرب ما وعده زیاد داده اند، مثلا هفت سال است قول ترجمه اسلام و شمشیر را می دهند ولی هنوز عملی نشده است. ناگزیر باید پذیرفت در پس پرده کسانی مطلب را به دفع الوقت می گذرانند. در حال حاضر تختگاه نسخه فارسی و انگلیسی و طوفان نیز نسخه فارسی و انگلیسی و ترکی و به صورت محدود و اختصاصی! عربی دارد. مجعولات مجلل نیز در حال انگلیسی شدن است.

نویسنده: عابدی

دوشنبه 2 فروردین1389 ساعت: 1:53

آقای صادق از همان لحظه انتشار مستند نسخه مستند طوفان نوح به زبان انگلیسی در سایت نصب شده است.

http://www.naria.ir/view/8.aspx?id=402

نویسنده: آرمین

دوشنبه 2 فروردین1389 ساعت: 2:26

با عرض سلام خدمت استاد پورپیرار
سال نو را به شما و خانواده محترمتان تبریک میگویم و برایتان آرزوی موفقیت،سلامتی و طول عمر از درگاه ایزد منان مسئلت دارم.

نویسنده: reza

دوشنبه 2 فروردین1389 ساعت: 3:19

آقای صادق
تبلیغ را با همان مستندهای انگلیسی شروع کنید. تجربه نشان داده که اغلب صاحب منصبان و اهل نظر در کشورهای عربی بدون مشکل عمده ای قادر به فهم انگلیسی هستند.
موفق باشید.

وب سایت

نویسنده: اکبر

دوشنبه 2 فروردین1389 ساعت: 3:53

وقتی مینویسی و روی ثبت نظر کلیک میکنی, مینویسد کد اشتباه وارد شده؟؟!!

پس این کامنتو چه طوری ثبت کردی اخوی؟!

نویسنده: علی از مالزی

دوشنبه 2 فروردین1389 ساعت: 11:38

دستورالعمل دسترسی به آن لینک کتیبه ها در این سایت و یکی از مقالات آرشیویش به این ترتیب قرار دارد:

(".on "CDLI Search" and enter "OIP 092" in the form under "Primary Publication See http://cdli.ucla.edu/ ; click)

لینک همان مقاله :
http://persepolistablets.blogspot.com/2009/11/persepolis-fortification-archive.html
----
جناب پورپیرار، در حال خواندن پستهای 65 و 66 شما هستم و نیم نگاهی هم به آن عکس ها دارم. به راستی چه چیز در

مطالعه این کتیبه ها نهفته که همانطور که در لینک هم دیده شد، این همه ارتش بسیج کرده اند برای آنها؟ یا مثلا آن بنیاد فرهنگ کدام بنیاد است که در کلاب پارتی خصوصی برای عشاق تخت جمشید همچون آن به اصطلاح پروفسور، اعانه و نورچشمی جمع میکند؟ (عکس در همان وبلاگ)

و مکروا و مکر الله والله خیر الماکرین.

نویسنده: اکبر

دوشنبه 2 فروردین1389 ساعت: 16:10

بابا.. ارسال مطلب اشکال دارد. کد حذف شود بهتر است !

بابا...کد را من نگذاشتم، مال بلاگفاست، اخوی.

آقای رشید. به اصطلاح خالی بندی فرموده اند. ادعاهای اش نادرست است، چنین شخصی را در هیچ شکل و اندازه ای نمی شناسم و چنین نامی به کلی برایم غریبه است.

نویسنده: ×××

سه شنبه 3 فروردین1389 ساعت: 0:49

آقای اکبر. اگر بیش از 7 دقیقه نوشتن متن شما طول بکشد موقع ارسال مینویسد کد اشتباه وارد شده. پیشنهاد میکنم قبل از ارسال از متن کپی بگیرید و سپس در صورت اشکال گرفتن مجددا ارسال کنید. موفق باشید

نویسنده: عباس

سه شنبه 3 فروردین1389 ساعت: 2:8

استاد خسته نباشید.من در سایت دانشگاه شیکاگو عکسی را دیدم که چندین زن با چادرهای سفید در حاله پیاده شدن از یک هواپیمای انگلیسی مباشند واین عکس سیاه وسفید می باشد که در توضیح آن نوشتن که این زنها عرب می باشند که در نظر من هیچ شباهتی به زنهای عرب ندارند.وآنها را درمنطقهٔ تخته جمشید در حال پیاده کردن از هواپیما می باشند.استاد اگر تا حالا این عکس را ندیده اید من می توانم برای شما بفرستم

آقای عباس. لطفا بفرستید.

نویسنده: عباس

سه شنبه 3 فروردین1389 ساعت: 8:55

http://photofiles.lib.uchicago.edu/db.xqy?show=browse6.xml%7C2260

نویسنده: رشید

سه شنبه 3 فروردین1389 ساعت: 12:14

با سلام خدمت استاد گرامی
ببخشید استاد این نقش کجای پاسارگاد نصب یا نقل شده ؟ از شکل و شمایل آشوریش(سارگون) واقعا رو می خواهد هخامنشی نامیدنش.
http://www.cais-soas.com/CAIS/Images2/Achaemenid/Pasargadae/cherub_neoassyrian_seal_apm.jpg

موفق باشید

آقای رشید. در پاسارگاد چنین نقشی نیست. این یک مهر ایلامی است.

نویسنده: اکبر

سه شنبه 3 فروردین1389 ساعت: 12:50

من ایران را در چهره خسته و نگاه پر امید مصدق بررگ در حصارک احمد آباد میبینم , خرابه ها راه گشا نیستند.!

دروغ چه طور، اخوی، راه گشایند؟!

نویسنده: رشید

سه شنبه 3 فروردین1389 ساعت: 13:16

با سلام خدمت استاد گرامی و دوستان
در مورد تصاویر زنان به اصطلاح عرب (زیر چادرهایی که تا همین امروز نیز در سرزمین های عرب نشین استفاده ای ندارد)توضیح کوچکی دهم .
این زنان فکر کنم همسران آن کارشناس عربی هستند که آن لوح ها را از زیر زمین خارج کرده(تصویر در همان منبع ذکر شده وجود دارد) که با توجه به طرز تفکر غلط و کج فهمی آنان مردان عرب را صاحب چندین زن می پنداشتند. در نتیجه این حرم سرای قلابی که مجموعه ای از زنان سر زمین فارس با لباسهای معروفشان (تنبان و لفافی بر سر) که با چادر فارسی پو شانده شده تا عرب بنظر برسند.!!!؟ را به خورد مردم داده اند.
استاد آن جمله ی شما در مستند سوم واقعا به معنای واقعی کلمه عملی شده " ما لگد خوردیم" آنهم از خرهای خارجی وارداتی ساده و راه راه
موفق باشید

نویسنده: ؟؟

سه شنبه 3 فروردین1389 ساعت: 13:16

معلومه زن های همون منطقه اند. یک سر هم تو هواپیما زدن ببینن چی به چیه. چون با ظرفیت اون هواپیما و اون همه لشکری که ازش پیاده شدن، نمیدونم این خانم ها رو کجاش سوار کرده بودن!!! حتی این آمون هم نمیدونه. (شاید رو بال هاش)

با توجه به نگاه های این خانم ها به دوربرا که انگار غریبه دیدن دو باره معلوم میشه مسافر اون هواپیما نبودن.

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 259

ایران شناسی بدون دروغ 259، نتیجه67، شناسایی کمال الملک نقاش، 3 50 - نظر

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 3 فروردین1389 ساعت: 10:29

سلام استاد
خسته نباشید، خدا قوت!

فریبا خانم. ممنون.

نویسنده: reza

سه شنبه 3 فروردین1389 ساعت: 14:46

با سلام استاد
عکس دوم کمال الملک تصویر آینه عکس اول است.یا شاید هم برعکس. با فرض اصالت عکس اول، چشم نمایان در تصویر دوم همان چشم چپ خواهد بود.

آقای reza. به هر حال این تغییر فرم عکس کاملا غیر لازم و با قصد فریب انجام شده است.

نویسنده: تیمور

سه شنبه 3 فروردین1389 ساعت: 14:59

متن فوق العاده بود. تشکرلر.یاشاسین ذوزلوخ

نویسنده: رشید

سه شنبه 3 فروردین1389 ساعت: 18:44

با سلام خدمت استاد حقیقت یاب
واقعا اگر شما نبودید این استاد نقاشی را برای تریپ استثنایی تر از بتهون (موسیقی دان کر) کور مادر زاد به خورد ما می دادند!!! و ما هم ...وارانه!!! تایید می کردیم .
باز خدا را شکر شما بودید تا دست کثیف این بی حیائان روزگار را رو کنید
با تشکر از پشتکار و صبر شما
موفق باشید.

نویسنده: سلام محمدی

سه شنبه 3 فروردین1389 ساعت: 19:23

سلام استاد
به نظرتون دکتراهای پژوهش هنرمون،دیگه فهمیدن تو چی بهشون دکترا دادن!؟

نویسنده: AREF

سه شنبه 3 فروردین1389 ساعت: 23:22

. baba.....nemidoonam chera shoma ru in hameh doost daram
.ostad joun

نویسنده: خالی بند

چهارشنبه 4 فروردین1389 ساعت: 13:38

مظفر الدین شاه از دست کمال الملک عصبانی بود . دستور داد اونو بندازن زندان و بهش شلاق هم بزنن . از کمال الملک نزدیک بیست و هفت لیتر خون رفته بود . با بی رمقی بلند شد و به دنبال راهی بود برای فرار از زندان . روی دیوار نقاشی کشید و ساکت پشت در قایم شد . زندانبان براش غذا آورد اما دید کسی در زندان نیست و دیوار زندان شکافته . با عجله در را باز نمود و به سرعت به طرف دیوار رفت که با مخ خورد به دیوار . دید دیوار نشکافته بلکه استاد حالت دیوار خراب شده را نقاشی نموده اند . مظفرالدین شاه وقتی این جریان رو می شنوه از استاد خوشش می آد و اونو می فرسته انفرادی !

نویسنده: خالی بند 2

چهارشنبه 4 فروردین1389 ساعت: 13:43

معجزات کمال الملک
کمال الملک می ره فرنگ . تو کافه ژوق بودوغا سفارش قهوه با پای سیب می ده . می خواست ببینه راست گفتن سیبای فرانسه پا داره! عصرانه را خورد. پاشد بره ، صاحب کافه بهش گیرداد که باید پولشو بدی .

کمال الملک : من بچه نازی آبادم ها . فکر نکنی هاااا.

صاحب کافه : نازی آباد ؟ همشهری خودمی ؟

کمال الملک : تو اینجا چیکار می کنی ؟

صاحب کافه : همه جا پر ایرانیه . من ایرانی فرانسه ام . پولشو بده.

کمال الملک : باشه صبر کن .

استاد شروع می کنه کف بشقاب تصویر یه سکه فرانسوی می کشه . پا می شه می ره . صاحب کافه وقتی می بینه یه سکه تو بشقابه دیگه چیزی نمی گه .

گارسون تا می آد سکه رو از توی بشقاب برداره ، دستش رنگی می شه . گارسون و صاحب کافه سراسیمه دنبال استاد می دوند به خیابان و فریاد می زنن : آی نقاش ، بگیریدش ، نقاااش .

اکنون اثر انگشت گارسون روی این نقاشی موجود است .

نویسنده: ajun

چهارشنبه 4 فروردین1389 ساعت: 16:41

وقت کردین یک سر به این نوشتم بکنید...

http://www.naria.ir/forum/index.php/topic,164.msg314.html

مرسی

نویسنده: R134a

چهارشنبه 4 فروردین1389 ساعت: 16:55

خسته نباشی استاد

نویسنده: لینك

چهارشنبه 4 فروردین1389 ساعت: 19:19

اطلاعاتي در مورد عكس هاي زير ندارم اما آنچه از عكس ها بر مي آيد مربوط به نوروز امسال و در تخت جمشيد است

http://ow.ly/1qlkd
http://ow.ly/1qlnB
http://ow.ly/1qlod

آقای لینک. عکس ها مربوط به پاسارگاد است. چه عاشقانی!؟

نویسنده: عبور

چهارشنبه 4 فروردین1389 ساعت: 22:33

سلام
یک سوال.
در مقاله شماره ۲۵۳ نوشته بودید که:
«چنان که در شرح احوال کمال الملک در تنظیمات بالا و حواشی دیگری که برای رعایت اختصار حذف کرده ام، دختر و پسر و پدر و مادر و تمام خاندان نقاش را به دیار عدم فرستاده اند.»

اما من جایی خواندم که کمال الملک نوه ای به نام ایران غفاری دارد.
جمشید مشایخی هم گفته برای بازیگری نقش کمال الملک و آشنایی با او به سراغ نوه هایش رفته:
«وي که ديروز با «ايران» گفت وگو مي کرد در خصوص پرداخت شخصيت کمال الملك در اثر علي حاتمي گفت: آن روزي که مرحوم علي حاتمي پيشنهاد نقش کمال الملك را به من داد بسيار خوشحال شدم و براي نزديك شدن به شخصيت اين هنرمند بزرگ با نوه هاي کمال الملك ديدار و گفت وگو داشتم»
http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1997206
یعنی ممکن است برای کمال الملک نوه و نتیجه هم جعل کرده باشند؟!

آقای عبور. اول خود کمال الملک را پیدا کن، بعد نوه اش را! وقتی کوری او دروغ است، نوه اش چه حکمی دارد؟! برای این که از مطلب سر درآورید به دنبال سن و سال نوه او و نیز زمان درگذشت فرزندان نوه سازش باش.ضمنا مانند همیشه باید حوصله کنید.

نویسنده: غصه دار

پنجشنبه 5 فروردین1389 ساعت: 19:21

سلام
دست مریزاد استاد. شرف برای این یهودیان مقیم مرکز!!!! باقی نذاشتین.
راستی استاد، یه دانشجوی باشرف تو دانشگاه تهران پیدا نمیشه حال این اساتید قلابی گروه علوم انسانی مخصوصاَ کزازی و پاریزی رو بگیره. آخه حقه بازیم حد و حدودی داره. معلوم نیست چی به خورد دانشجویاشون میدن که یه نفر پا

نمیشه بزنه تو برجک اینا.
آقایون دانشجو!!!!! اگه این کاره نیستید تا ما خودمون پا شیم بیایم تهران

نویسنده: ×××

پنجشنبه 5 فروردین1389 ساعت: 20:21

آقای غصه دار دانشجوی باشرف احترام بزرگ تر را داره بخصوص استادش را حتی اگر بیسواد باشه و حقه باز!! حداقل 12 ساله پیش که ما دانشجو بودیم اینطوری بود الان نمیدونم.

نویسنده: سیروس

پنجشنبه 5 فروردین1389 ساعت: 20:38

من یکی که با خضوع تمام دست شما را با احترام فراوان می بوسم.

آقای سیروس. انجام وظیفه می کنم و ادعایی ندارم. پیکار با دروغ را باید به نهضت ملی تبدیل کنیم. با تشکر در پخش مستندات استاد غفوری همت کنید.

نویسنده: آخر کلاس

جمعه 6 فروردین1389 ساعت: 0:31



چه عکسایی که رو نمیشه !!

http://www.ardeshirzahedi.org/images/royals/w2.jpg

نویسنده: فتح

جمعه 6 فروردین1389 ساعت: 0:51

بی بی سی نظر خواهی کرده،حاظرین در این وب نظر شما چیه
حفظ زبان فارسی چقدر اهمیت دارد؟

http://newsforums.bbc.co.uk/ws/fa/thread.jspa?forumID=11400

نویسنده: اکبر

جمعه 6 فروردین1389 ساعت: 1:44

مثل این که هرکسی پایش به پاریس می رسد دروغ گویی یاد می گیرد. این از مزایای دموکراسی غربی است.

اخوی. با اجازه اندکی ویرایش لازم داشت.

نویسنده: عباس

جمعه 6 فروردین1389 ساعت: 2:46

استاد در یکی از مقالاتی که در سایت دانشگاه شیکاگو در بارهٔ کتیبه های که به دانشگاه شیکاگو از تخته جمشید برده بودن . نوشته بودن که این کتیبه ها به دو زبان نوشته شدن .اکثرآنها به زبان ایلامی ومقداری هم به زبان آرامی.وجالب اینجاست که درسال ۲۰۰۷آقای stolper and tavernier در همان مقاله نوشته بودن.که ما در موقعیتی قرارگرفتیم که خنداراست.درمملکتی که هیچکس فارسی صحبت نمی کرده پادشاه ا ی آمده کتیبه ی را در کاخی گذاشته که فقط خودش می داند چی نوشته شده

نویسنده: reza

جمعه 6 فروردین1389 ساعت: 5:33

باسلام خدمت استاد و دوستان

استاد شما بهتر می دانید که ما نسل دهه انقلاب و جنگ چقدر عجول و تند مزاج هستیم. شاید بهتر باشد نام وبلاکتان را " صبر و حوصله " انتخاب میکردید.
استاد باور بفرمایید که در این روزگار سخت و فشار کار و زندگی خواندن وبلاگ شما موجب تفنن و تمدد اعصاب است.
من نیم ساعت تمام به حال و روز این استاد با کمالات و داستان پاره آجر می خندیدم.
" در این حماسه، کمال الملک حامی زیر دستان، یک چشم خود را در مواظبت و دفاع از کارگری از دست می دهد با این تفاوت که راوی رندتر از آن است که خود را در تله راست و چپ بودن چشم کور شده بیاندازد و صلاح را در این می بیند که با قید یکی از چشمان خود را از مخمصه خلاص کند. این که سالار گردن کلفتی، در حضور مهمان محتشمی چون کمال الملک برای دور کردن مزاحمی، به جای صدور فرمان به نوکران برای تاراندن ملتمس، مانند خرکچیان آجر پرتاب و نیمی از نور جهان را خاموش کند، خود به میزان کافی مسخره است، اما نه به مقداری که قاسم غنی ماجرا را روایت می کند..."

نویسنده: مسعود سنجری

جمعه 6 فروردین1389 ساعت: 12:46

برادر گرامی استاد پورپیرار
سلام علیکم

موضوعات ارائه شده در مستند سوم مرا به یاد جمله ای در کتاب "خاطرات همفر" می اندازد! همانطور که می دانید از قرار معلوم یک انگلیسی است که بدون مسلمان شدن در لباس روحانی سالها در استان فارس خطبه عقد ازدواج جاری می کرده و ... در قسمتی از کتاب جمله ای بی ادبانه آورده که مضمون آن این است:

اینها (اشاره به مردم ایران) آنقدر احمقند که اگر در وسط صحرا چند تکه سنگ را بر روی هم بچینی و بعد مدعی شوی که اینجا یک امامزاده مدفون است بدون پرسیدن هیچ سئوالی نسل اندر نسل به زیارت آن می روند!!!!.

استاد بنظر می رسد که برای بهتر پیش بردن این مباحث بنیان اندیشی - که به قصد ترمیم عفونتهای ایجاد شده توسط اصطلاح باستان شناسان و ایرانشناسان غربی در حال انجام است- نیاز به روشهای روان شناسی اجتماعی است. البته باید دید که نظر شما استاد گرامی در این خصوص چیست؟

والسلام علیکم
فی امان الله

آقای سنجری. باید صبورانه کوشید و انتظار تحولات آنی و سریع را نداشت. این یک مبارزه طولانی است که تا زمان اثرگذاری شاید دو نسل را به خود مشغول کند. در مورد آن مرحمتی فردا جواب خواهم نوشت. به هر حال ممنون.

نویسنده: علی رضا

جمعه 6 فروردین1389 ساعت: 16:45

پاینده باشید استاد.

نویسنده: يك هموطن

جمعه 6 فروردین1389 ساعت: 18:29

به نظر من در حرفهاي شما مطالب حساب وجود دارد اما شما هم دچار تند روي شدهايد به گونه اي كه تند روي شما حالت تنفر در شما به وجود اورده و همين تنفر شما را از جاده انصاف خارج كرده در نتيجه همه چيز را زير سوال ميبريد و اين به نقطه ضعف شما تبديل شده

نویسنده: منصور

جمعه 6 فروردین1389 ساعت: 19:9

استاد در صورت فرصت به آدرس زیر سری بزنید.
http://www.naria.ir/forum/index.php?topic=164.15

نویسنده: آجون

جمعه 6 فروردین1389 ساعت: 20:42

این تصویر مکعب زرتشت است. از عکس های عکاس ناصرشاه

http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/38.4.jpg

کمی عجیب بود . به پنچره ها و رنگ سنگ که دوده ندارد توجه کنید!

آقای آجون. تمیزی سنگ های سفید مربوط به تنظیم دریچه نورگیر و یا به اصطلاح دیافراگم دوربین است. چنان که صخره ها نیز به نظر شسته شده می آیند. ضمنا این عکس و آن شخص کنار مکعب زردشت ایرانی نیستند. به نظرم می رسد مشغول تخلیه سوراخ سنبه های وب به دنبال عکس ناصرالدین شاه در تالار آینه اید!؟

نویسنده: آجون

جمعه 6 فروردین1389 ساعت: 22:54

استاد ،ارادت مندیم. ما که هر چه عکس بود آوردیم ، دیگر خسته شدیم !

البته یک چند تا عکس هم دارم که فرصت شد نصب می کنم.

ضمنا یک سوال ، تحریم تنباکو را چه سالی در نظر گرفته اید ؟ حدودا چه مدت از قرارداد ناصر شاه با آن شرکت انگلیسی ، تنباکو تحریم شد؟!

نویسنده: رامین.ص

جمعه 6 فروردین1389 ساعت: 23:46

با سلام وارزوي پيروزي حق وسلامتي:
اگر امكان دارد در مورد مقبره معروف به گور دختر كه شباهتهايي به مقبره به اصطلاح كوروش دارد بيان كنيد؟
اگر امكان دارد منابع عكسهاي زمان قاجارمورد استفاده در مقالات خود را معرفي كنيد؟ با تشكر فراوان.

نویسنده: ا.م

شنبه 7 فروردین1389 ساعت: 0:24

یاشاسین پورپیرار جنابلاری
تاریخ سیزی آلقیشلایاجاق

ساغ اولون

نویسنده: آجون

شنبه 7 فروردین1389 ساعت: 3:52

استاد در تصویر زیرین که از طاق بستان است، اشکالی که در کادر شده اند چه هستند؟!

http://www.filepimp.com/pfiles/7113/edit%201.jpg

همچنین در طاق بزرگ آیا بر آن جای سفید کتیبه هم هک کرده اند ؟!

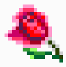
http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/a/a6/Knight-Iran.JPG/270px-Knight-Iran.JPG

آقای آجون. در تاق بستان تمام کتیبه های به اصطلاح پهلوی نوکنده است و تمام کتیبه های یونانی، حذف شده. عکس اول را هم برای نخستین بار می دیدم و بسیار حیرت انگیز بود. آیا تصویر دیگر و از زاویه دیگر هم دارد؟

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 7 فروردین1389 ساعت: 8:19

آقای آجون با سلام،

آن لینک اول را که مرحمت کردید از سایت Smithsonian ، لطف میکنید که صفحه اصلی جستجو و کلیدواژه جستجوی خود را هم اعلام کنید؟ من با Directory Browsing فقط توانستم بخشی از عکسهای قاجاری را ببینم که تعدادشان هم بسیار زیاد است و بسیار هم جالبند! لطف کنید کار ما را هم راحت کنید  ممنون.

نویسنده: آجون

شنبه 7 فروردین1389 ساعت: 8:56

استاد آن سفیدی که جای کتیبه می گویند، قبل تر نیزه آن سوارکار که شوالیه نامیده اید ، تا آن جا ادامه داشته است . صبر کنید تا عکس های طاق بستان را در این جا نصب کنم. همچنین چند عکس از بناهای دیگر نیز است.

حدود 850 عکس از Antoin Sevruguin که می گویند عکاس دوره ناصرشاه به بعد بوده است. و اغلب آن ها را در نوشته های شما ندیده ام.

نویسنده: نبیل

شنبه 7 فروردین1389 ساعت: 9:12

سلام . چجوری میتونم به کتابهای شما دسترسی داشته باشم . من هرمزگانم....

نویسنده: آجون

شنبه 7 فروردین1389 ساعت: 9:30

استاد اشتباه شد آنجاهایی که کادر شده بودند همان هککاریها داخل طاق بزرگ وکوچک بودن. می خواستم در قسمت ساسانیان جعلیاتی که در طاق شده است را یک بار مرور کنیم. ولی گفتم اول همین جا نصب شود بعد در آن قسمت.

خوب به تصاویر نگاه کنید :

http://www.filepimp.com/pfiles/7113/edit%201.jpg

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87:Taq-e_Bostan_-_main_view.jpg

http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/39.9.jpg

http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/47.4.jpg

http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/39.8.jpg

http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/52.10.jpg

http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/39.11.jpg

به ادامه نیزه شوالیه نگاه کنید که تا کجا ادامه داشته است.

و این کتیبه :

http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/57.7.jpg

که در توضیحش چیزی نیامده است.

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 7 فروردین1389 ساعت: 9:34

جناب پورپیرار، تصاویر دیگر و از زاوایای دیگر

http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/47.4_smith.jpg
http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/39.10.jpg
http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/39.8_smith.jpg
http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/39.11.jpg

چند عکس از پاسارگاد:

http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/folder5.1.jpg
http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/folder4.4.jpg

مقبره حافظ !
http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/folder17.4.jpg

مقبره سعدی!
http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/folder17.5.jpg

مقبره استر! Tomb of Esther and Mordechai, Hamadan, ca. 1900
http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/folder18.3.jpg

و بالاخره عکس منتسب به کمال الملک و چند عکس از کاخ گلستان:
http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/54.11.jpg
http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/51.5.jpg
http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/13.03.jpg

کلیه عکسها از :
http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/sevruguin.html

تشکر.

نویسنده: آجون

شنبه 7 فروردین1389 ساعت: 10:7

این هم دو تصویر دیگر

http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/folder7.7.jpg
http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/images/sevruguin/folder7.6.jpg

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 7 فروردین1389 ساعت: 14:1

آقای سنجری. دریافت شد و ممنون.

آقای آجون. می بینید که تصویر قدیم تالار آینه و ناصر الدین شاه پیدا نمی شود.

آقای جعفری و آقای نبیل. با تلفن 66492049 تماس بگیرید و یا به سایت naria.ir رجوع کنید.

نویسنده: موومان

شنبه 7 فروردین1389 ساعت: 20:54

خبر داغ داغ داغ:

برلوسکونی دست قذافی رو بوسید!!!!

خدایا شکرت! مثل اینکه عزت دنیای اسلام داره احیا میشه!

آقای موومان. کم پیدایید به فروم آقای اترش و دیگر دوستان بیش تر سر بزنید. بحث های مفیدی در جریان است.

نویسنده: فتح

یکشنبه 8 فروردین1389 ساعت: 1:23

جناب پورپیرار مستند سوم را دیدم، کاری عالی با امکانات محدود دست شما و آقای غفوری درد نکند واقعا اگر این جشنوارهای کن و هالی وود و آن فرش قرمز معروف دست یهودیها نبود به جناب غفوری باید چندین جایزه می دادند.

آقای فتح. آن تلاش دیوانه سان بی. بی. سی و این یقه درانی های سیمای جمهوری اسلامی که از نیمه شب تا صبح با استفاده از دروغ و دروغ گویان جدید، مشغول تبلیغ پاسارگاد و نقش رستم مشغول است و چندین تریبون نوپدید همگی عکس العمل نسبت به مستند سوم استاد غفوری نازنین است. نوشتن متن جدید برای بیشابور هم ضرورتی ندارد، حقیقت عریان است. بزرگ ترین فتح بنیان اندیشان در این است که چرت مراکز یهودی و جاعلان تاریخ و هویت و فرهنگ برای ایرانیان را پاره و به دروغ نویسی های نو وادار کرده است.

نویسنده: AREF

یکشنبه 8 فروردین1389 ساعت: 3:22

agaye sanjery
tohin nist
misheh newesht hagigaty nab tar az un ham mageh

نویسنده: آجون

یکشنبه 8 فروردین1389 ساعت: 5:20

استاد وقت کردید سری به تاپیک ما بزنید.

آقای اجون. آدرس تاپیک تان کجاست؟

نویسنده: جعفری

یکشنبه 8 فروردین1389 ساعت: 10:40

با سلام. آیا اطلاق نام پرسپولیس میتواند نشانه ای بر هویت یونانی برخی بناهای موجود در فارس باشد؟

نویسنده: سعید

یکشنبه 8 فروردین1389 ساعت: 10:55

با سلام خدمت استاد
آیا ارتباطی بین عید پاک(Easter) و عید پوریم یهودیها وجود دارد همزمانی تقریبی سه عید نوروز و پوریم و عیدپاک میتواند نشان دهنده تزریق عید پاک به اعتقادات مسیحی ها برای رد گم کنی باشد

نویسنده: موومان

یکشنبه 8 فروردین1389 ساعت: 11:24

نه استاد کم پیدا نیستم. توی فوروم هم مطلب گذاشتم و میذارم.

نویسنده: اترش

یکشنبه 8 فروردین1389 ساعت: 12:38

سلام بر همگی

چند قدمی بسوی اتحاد و شکوفایی جوامع اسلامی:
/http://bazkhani.blogfa.com

بررسی جزئی و کلی وقوع طوفان نوح در ترکیه:
http://www.naria.ir/forum/index.php?topic=179.msg399;boardseen#new

وب سایت

نویسنده: لینک

یکشنبه 8 فروردین1389 ساعت: 18:47

پوریم در ویکی پدیا
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%D9%88%D8%B1%DB%8C%D9%85

تلفیق زیبای هنرهای مسیحی،ایرانی و اسلامی در کلیسای وانک اصفهان
http://kingfoska.wordpress.com/2010/03/27/%D8%AA%D9%84%D9%81%DB%8C%D9%82-%D8%B2%DB%8C%D8%A8%D8%A7%DB%8C-%D9%87%D9%86%D8%B1%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%85%D8%B3%DB%8C%D8%AD%DB%8C%D8%8C%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D9%88-%D8%A7%D8%B3%D9%84/%8C-%D9%88-%D8%A7%D8%B3%D9%84/

نویسنده: لینک

یکشنبه 8 فروردین1389 ساعت: 18:54

یادم رفت این لینک رو بزارم

درگذشت همسر آیت‌الله منتظری+عکس
/http://farvartish.wordpress.com/2010/03/28/montazeri_wife_death

همسر آیت الله منتظری صبح شنبه دار فانی را وداع کردند.
به گزارش رسیده از قم، 100 روز پس از عروج آیت الله منتظری، همسر مکرمه ایشان دار فانی را وداع گفتند.

نویسنده: آجون

یکشنبه 8 فروردین1389 ساعت: 19:23

استاد همان فروم بنیان اندیشان

برای رفع خستگی

عکس يادگاري از هرکول شيرازي در عصر قاجار!!!

http://bizbloger.wordpress.com/2008/05/20/hercules_shiraz-%d9%87%d8%b1%da%a9%d9%88%d9%84-%d8%b4%db%8c%d8%b1%d8%a7%d8%b2/

نویسنده: علی از مالزی

یکشنبه 8 فروردین1389 ساعت: 21:29

جناب آقای پورپیرار،

در سال 1965 فردی به نام Carl Nylander مقاله ای را در ژورنال باستان شناسی امریکا منتشر کرده است به طول 12 صفحه. در این مقاله او با عکسهای متعددی در مورد نیمه کاره بودن تخت جمشید و پاسارگاد (جعلی) تا دلتان بخواهد نوشته است. محوریت بحث او هم ابزار خوردنهای بخشهای مختلف تخت جمشید و پاسارگاد بوده (دقیقا همانطور که در تختگاه هیچ کس نیز مطرح شده است) آیا قبلا آنرا مطالعه کرده اید؟

متشکر.

آقای علی. علی الاصول ژورنال باستان شناسی نباید چنان مقاله ای را آن هم در آمریکا چاپ کند و هرگز انعکاسی از وجود آن در محافل باستان شناسی ایران و جهان نبوده و گمان نمی کنم کسی در ایران از جمله خود من از چنین مطلبی باخبر شده باشد، که محل حیرت است. به هر حال اگر ممکن است مایلم لینک مقاله را داشته باشم.

نویسنده: سیروس

یکشنبه 8 فروردین1389 ساعت: 22:20

آقای سنجری گویا خاطرات همفر ساختگی و قلابی است. تا اطلاعات استاد چه باشد.

آقای سیروس. بر مبنای مطالب مندرج، هیچ سفرنامه و خاطرات نویسی غیرقلابی از فرنگیان نداریم.

نویسنده: مسعود سنجری

دوشنبه 9 فروردین1389 ساعت: 7:10

آقای سیروس
سلام علیکم

قصد اینجانب صحه گذاردن بر مطالب آن سفرنامه نبود. هدف اشاره به نحوه پذیرش مطالب تاریخی یا مذهبی توسط مردم است.

والسلام علیکم
فی امان الله

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 260

ایران شناسی بدون دروغ 260، نتیجه68، شناسایی کمال الملک نقاش، 4 89 -
نظر

نویسنده: ×××

دوشنبه 9 فروردین1389 ساعت: 5:31

سلام استاد.
دیروز که از دید و بازدید عید خلاص شدم و قصد بازگشت به محل کارم در جنوب ایران شدم 3 ساعتی زودتر به فرودگاه مهرآباد رسیدم و فرصتی شد تا فیلم مجعولات مجلل را تماما در سالن ترمینال 2 فرودگاه دانلود کنم. تمام 2 گیگ را ظرف 3 ساعت دانلود کردم(سرعت اینترنت در فرودگاه مهرآباد عالی است.تقریبا 250 کیلوبایت بر ثانیه سرعت دانلودش بود.به دوستانی که تهران ساکنند توصیه میکنم با داشتن یک لب تاپ برن فرودگاه و مفت دانلود یا آپلود کنند! ) الغرض : یک نگاه کلی و چند دقیقه ای به کل فیلم انداختم و 2 نکته خیلی جلب توجه کرد. اول کیفیت مناسب فیلم نسبت به فیلمهای گذشته تان و دوم که خیلی مهمتر است خستگی مفرط و شکستگی و آثار پیری در رخسار مبارکتان است که نشان از فعالیت و فشار بیش از حد بر روی شماست. بیشتر به فکر سلامتیتان باشید.دیگه به خودتان صرفا تعلق ندارید. با تشکر

آقای ×××. پیری و به دنبال آن مرگ، چیزی همانند فصل درو است. یا باید دانه نکاشت و یا سرانجام باید حاصل آن را چید. یا باید به دنیا نیامد و یا منتظر کهولت و ناتوانی و مرگ بود.

نویسنده: مهران حقیقت

دوشنبه 9 فروردین1389 ساعت: 9:8

درود بر استاد حقگو

خداوند پشت و پناهتان.

به راستی کجایند مدعیان هنر و فرهنگ این دیار که ادعاهایشان جوارح آسمان را پاره کرده است؟ این طور که معلوم است هنوز هم نشئه خزعبلات دروغهای یهود سازند.

آقای طالب حقیقت. رفته اند سری به کوچه علی چپ بزنند!

نویسنده: AREF

دوشنبه 9 فروردین1389 ساعت: 11:33

tek turkiye
panj shanbe saat 21.30 az samanyoiu
.tarikh moaser turk ha wa kord ha darbareh

نویسنده: مومان

دوشنبه 9 فروردین1389 ساعت: 12:9

سلام و خسته نباشید.

عالی بود.

به جهت امانتداری و به توصیه برخی عزیزیان لینک خبر مربوط به برلوسکونی را می گذارم. شبکه ی PressTV روز شنبه در گزارش خبر کنفرانس اتحادیه عرب (Arab League Summit) صحنه ای را چند بار تکرار کرد که در آن برلوسکونی دست قذافی را می بوسد. و این هم لینک خبر:

sectionid=351020506&http://www.presstv.ir/detail.aspx?id=121810

نویسنده: مرتضي

دوشنبه 9 فروردین1389 ساعت: 13:59

سلام
اگه نگاهي به نقشه شهرهاي ايران که توسط استاد بنمايش درآمد اگه دقت کرده باشين تنها نقشه شهر اردبيل با دقتي خاص به شکل ستاره داوود ساخته شده و عجب اينکه مذهب شيعه هم از اين شهر به نقاط ديگر گسترش يافته و از نظر همه تاريخ دانها منشاء شيعه، اردبيل است.

نویسنده: توحيد

دوشنبه 9 فروردین1389 ساعت: 16:0

با سلام

خسته نباشيد استاد . مثل هميشه از نوشته هايتان استفاده مي کنم اين نوشته هم ما را از خوابي ديگر بيدار کرد تا بقول شما : " نباید بدون بازجویی سخت گیرانه هیچ مطلبی را در باب تاریخ و ادب و فرهنگ ایران پس از پوریم از هیچ منبع و مایه ای پذیرفت."

استاد نظرتان در مورد آيه 20 سوره مائده چيست ؟ در اسلام و شمشير گفته بوديد که قوم بني اسرائيل هيچ پيامبري به جز موسي قبل از موسي نداشته و فرزندان اسرائيل بت پرست و کافر بوده اند و اينکه ما 2 اسرائيل در قرآن داريم . يکي پيامبر و ديگري کافر که نسل بني اسرائيل از ذريه اوست . ولي طبق آيه 20 مائده و از زبان موسي پيامبر ، قوم بني اسرائيل قبلا نيز داراي پيامبر بوده اند .

همچنين يکي از پيچيده ترين آيات قرآن که بسيار مبهم و سر بسته و راز گونه بيان شده که ديالوگيست بين «الله» و «بني اسرائيل» يعني آيه 47 بقره و چند مشابه ديگر آن آيا با اين آيه تبيين نمي شود ؟ به اين معني که بني اسرائيل در زمان و

محدوده اي خاص بر جهانيان «فضيلت» داشتند نه در زمان رسول خدا و آينده .

به نظر شما منظور از «فضلتكم» چيست و از نحوه و قالب فعل «فضلتكم» چه برداشتي مي توان كرد و آيا با توجه به اينكه مي گويد «فاذكرو» يعني به ياد بياوريد ، مبني بر اين نكته نيست كه اين برتري (البته اگر فضيلت به معني برتري باشد) در زمان قبل بوده ، نه بدون محدوديت و در همه زمان ها . البته شايد هم بدون محدوديت زماني باشد و منظور برتري هايي در جنبه هايي خاص است تا با آن بني اسرائيل مورد ارزيابي و داوري قرار گيرند ؟

با تشكر از حوصله شما .

آقای توحید. علت اشارات قرآن به بنی اسراییل در یکی دو یادداشت از مجموعه مقالات اسلام و شمشیر آمده است و مخلص کلام این که خداوند از طریق این آیات حمایت های پیشین از قومی را یادآوری می کند که بی آینده و پناه از چنگ فرعون گریخته بودند. پیامبر داشتن اقوام نیز الزاما به معنای مرسلینی از جانب خداوند نیست. حتی فرقه های دراویش هر یک برای خود پیامبری تراشیده اند.

وب سایت

نویسنده: خبرنگار press tv

دوشنبه 9 فروردین1389 ساعت: 19:49

جناب مومان بعضی وقتها که آدم تحلیل هایی اینچنینی رو از شاگردان بنیان اندیشی میبینه واقعا تاسف میخوره!برادر من حرام زاده تر از قذافی احتمالا مادر اوست عملکردش را ببینید....جوگیری شما که این مطلب را با تیتر خبر داغ داغ انعکاس داده اید و از آن به بازگشت عزت اسلام تعبیر کرده اید خنده دار است. چندی پیش اوباما در برابر امپراطور ژاپن کرنشی کرد که الحق والانصاف تعظیمی تمام عیار محسوب می شد و ژاپنی های تاشونده نیز از اجرای چنین تعظیمی در برابر هم عاجز بودند.آیا عزت ژاپن بازگشت؟آمریکا غرامت هیروشیما را داد و پایان اشغال ژاپن را اعلام نمود؟کمی بیندیشید...

نویسنده: سیروس

دوشنبه 9 فروردین1389 ساعت: 20:58

استاد عزیز قلابی بودن سفرنامه های گذشته محرز شده، اما هنوز سفرنامه های دوران اواخر قاجار و پهلوی و جمهوری اسلامی معتبرند!! مگر برخی استثنائات

آقای سیروس. اگر بشود به چند مورد اشاره مستقیم کنید و نام ببرید. زیرا مکتوبات قاجاری مانند خاطرات اعتماد السلطنه و یا مطلع الشمس او و یا یادداشت های غنی و علم و غیره بی اعتبارند. معمولا این گونه صادرات برای خراب کردن بازار است.

نویسنده: علی از مالزی

دوشنبه 9 فروردین1389 ساعت: 21:49

کودک که بودم هر وقت قرآن میخواندم از خودم سئوال میکردم، چطور با اینکه آیات زیادی بر چرخش زمین و ماه و خورشید به این وضوح دلالت دارند اما کسانی که کشف این حقایق را به نام خود زده اند همه اروپائی و غیر مسلمانند؟؟ یعنی مسلمین در طول این همه سال خنگ بوده اند؟؟!! آقای پورپیرار، اگر کسانی هنوز هم اهمیت دادن به مسائل مطرح شده در این سایت را باعث سوء هاضمه خود می بینند ، دیگر همه آنها را باید در لیگ بی سوادترین متعصبان کور و کودن دنیا، به حال خودشان رها کرد تا وقت عذاب فرا برسد!
تشکر از مقالۀ ارزندۀ تان.

آقای علی از مالزی. کامنت خصوصی شما دال بر در دسترس نبودن آن مقاله رسید. از شنیدن بی لینک بودن آن تنها به علت کمبود کلسیم موفق به درآوردن شاخ نشدم! موفق باشید و برای عرضه ادعاهای بزرگ اجازه از خاخام را فراموش نکنید.

نویسنده: جاروکش معبد آمون

سه شنبه 10 فروردین1389 ساعت: 0:40

با سلام
فیلم مجعولات مجلل (ورژن بتا - یعنی یه چند تا قلت غولوط توش هست!) با توجه به فیلترهای باحالی که در این کشور هست در سایت shared.com4 آپلود شده که با توجه به فشرده شدن، حدودا سه و نیم گیگ شده است (متاسفانه ! تا این لحظه که این سایت فیلتر نشده). می توانید برای دانلود آن، به معبد مقدس آمون (amun.blogfa.com) یا مستقیما به آدرس :
majulat.4shared.com
مراجعه کنید. شامل 75 فایل 50 مگی. منتهی دقت داشته باشید که با توجه به عقده پسورد گذاری در web، حتما پسورد مناسب را به دست آورده و سپس اقدام کنید! amun.4shared.com راهنمای خوبی برای پسورد است اگر نمی دانید که naria است!
ضمنا می توانید حسابی در shared.com4 باز کنید و تمام فایلها را به حساب خود Add کنید.
در صورت وقوع هر گونه اشکال یا اشتباه یا مشکلی ، می توانید تماس بگیرید.
با تشکر

نویسنده: احمد

سه شنبه 10 فروردین1389 ساعت: 4:26

آقای پورپیرار
در صورت عدم وجود سلسله قاجار، ستارخان و باقرخان با چه کسی جنگ کردند؟

نویسنده: احمدي‌نژاد

سه شنبه 10 فروردین1389 ساعت: 5:58

ثبت جهاني نوروز مي‌تواند نوعي انتقال فرهنگ به ملتهاي ديگر به ويژه غرب باشد

خبرگزاري فارس: مقام معظم رهبري با اشاره به ثبت بين المللي عيد نوروز فرمودند: اين ثبت جهاني در واقع مي تواند نوعي انتقال فرهنگ و هديه از جانب ملتهايي كه نوروز را گرامي مي دارند به ملتهاي ديگر به ويژه غرب باشد.

http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8901080029

وب سایت

نویسنده: ×××

سه شنبه 10 فروردین1389 ساعت: 5:59

استاد عزیز فیلم مجعولات مجلل را دیدم .عالی بود .بخصوص قسمت مصاحبه با بازدید کنندگان از قبر کوروش .شاید باورتان نشود که چقدر این فیلم بصری تاثیر سریع نسبت به مجموعه کتب 12 قرن سکوت شما داشت. یک سال بود که تو گوش چند تا از دوستان تنبل و متعصبم داشتم میخوندم که تاریخ ما چنان است و فلان!! ولی نه حوصله خواندن کتاب شما را داشتند و نه شنیدم به قول خودشان این چرت و پرت ها(تازه اینا تحصیل کرده هاشونند وای به حال عوام . در جامعه ای که تیراز کتاب 1000 تا 2000 باشه بیش از این انتظار نمیره)ولی به محض اینکه فیلمو دیدند و بخصوص اثبات جعلی بودن کتیبه های مکعب زرتشت که بخوبی در فیلم نمایش داده شد از این رو به اون رو شدند و جالبه که باز هم کتاب نخوانده و مقالاتتان را ندیده تمام حرفهای مطرح شده از سوی شما و از زبان بنده را به راحتی پذیرفتند.الغرض پیشنهادم اینه که در راستای تحقیقات مکتوب حتما دوستان بخصوص جناب غفوری بموازات کار شما ساخت کلیپهای بصری را از موضوعات مختلف دنبال کنند که الحق اثرسریع و عجیبی در مخاطبانتان دارد.در جامعه ای که افراد به دیدن روزانه چند فیلم و سریال و پخش مستقیم فوتبال عادت کرده بهترین راه همین است. موفق باشید.

آقای ×××. بابای خدا بیامرزم هم دائما می گفت بچه این قلمو بذار کنار و برو تلویزیونچی شو. مردم نمایشو بیش تر دوست دارن، اما چه کنم که سرنوشت دست از سر آدم برنمی دارد. ضمنا برداشتن قلم در حد خریدن خودکار و ساختن مستند میلیون ها تومان خرج دارد.

نویسنده: احمدي‌نژاد

سه شنبه 10 فروردین1389 ساعت: 6:0

مقایسه دستمزد بازیگران سینما و فوتبالیستها با مولفان کتاب

http://www.asrefarda.com/component/content/article/1-latest-news/5198-news.html

وب سایت

نویسنده: علی از مالزی

سه شنبه 10 فروردین1389 ساعت: 7:37

جناب آقای پورپیرار،
پدر بزرگوار بنده،

اگر شما این هر از چند گاهی قضاوت های عجولانه تان را، در مورد افراد کنار میگذاشتید، خیلی بهتر می شد روابط دوستانه تری را با چه دوست و چه دشمن برقرار نمائید. چطور شما به این راحتی من را در جمع به دروغگوئی و عامل خاخام بودن معرفی می فرمائید!؟ نام این کار واقعا چیست؟؟؟!! این هم مثل چند ماه پیش با آن وضعیت که خودتان به یاد دارید و اینجا جای ذکر آن نیست. ما دیگر به "اخلاق ناشایست" اکثر دوستان عادت کرده ایم. معهذا فقط جهت اطلاع :

ژورنالهای خارجی فقط از طریق آبونمانهای سالانه در دسترس هستند، پس تا شما آن آبونمان را نخرید لینکی در کار نیست. من عرض کردم ایمیل عنایت کنید، برایتان فایل PDF را که خودم دانلود کرده ام بفرستم تا مطالعه کنید و نظر بدهید. لطفا انتظار نداشته باشید که من شناسه کاربری آبونمانهایم را برای شما ارسال کنم! تا در عرض یک ساعت حساب بخاطر دسترسی از طریق چند IP بسته شود.

برای روشن شدن این مطلب، این فایل را در فوروم آپلود میکنم تا دوستان هم دسترسی داشته باشند. من خواستم کمکی کرده باشم، حالا مانده ام که آیا باید پاسخگوئی و مسئولیت در قبال متن مقاله را هم بعهده بگیرم یا خیر!!؟
الله اعلم بالذات الامور.

آقای علی از مالزی. آن بار هم بدون توجه به نجس خواندن یهود در قرآن به آیه ای چسبیده بودید که خداوند حمایت از قوم بنی اسراییل را وعده داده بود، بی این که توجه کنید خطاب بنی اسراییل در قرآن از مقطع معینی برچیده می شود و در جای آن یهود می نشیند که به نظرم نوعی توهین است. در باب مقاله هم خوف نکنید. وبلاگ آدرس ای میل دارد، لطفا مقاله را بفرستید بررسی و پاسخ آن با بنده. موفق باشید.

نویسنده: مهران حقیقت

سه شنبه 10 فروردین1389 ساعت: 8:35

درود بر تمامی دوستان

ظاهرا جعلیات یهود ساز در این مملکت تنها شامل گذشته ها نیست.
به این آخرین حدیث: "حدیث شلمچه" دستپخت امامان جدید عصر توجه کنید:
این حدیث جعلی که برای زائران مناطق عملیاتی غرب و جنوب قرائت می‌شود می‌گوید: طبق برخي اسناد تاريخي، وقتي حضرت رضا(ع) به شلمچه رسيدند، تأمل كردند و فرمودند: «روزگاري بهترين پيروان ما در اين سرزمين ماوا مي‌گيرند.» كاروان امام(ع) از شلمچه عبور كرد، شهرها و منزلگاه‌هاي بسياري را پشت سر گذاشت تا سرانجام به خراسان رسيد...»

اين در حالی است كه طبق نقشه ارائه‌شده از سوي آستان قدس رضوي، در مدخل ورودي آن امام همام به ايران هيچ نقطه‌ای به نام خرمشهر وجود ندارد.

تا وقتی همه شورند نه شعور؛ مرده پرستی و استناد به غیب و جعل و قلب حقایق ادامه دارد.
شخصا امیدی به اصلاح این قوم ندارم.
http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=91244

نویسنده: علی از مالزی

سه شنبه 10 فروردین1389 ساعت: 9:29

آقای پورپیرار عزیز،

همان موقع هم خدمتتان عرض شد که همین نجاستی که شما اشاره کردید بنا به حکم قرآن کریم بین مسلمین نیز به صراحت ردیابی شده است و صحیح نیست که به یکپارچه سازی فقط یک قوم و کیش تحت عنوان نجس بپردازیم، چه یهودیت باشد، چه اسلام و یا مسیحیت و بعد تذکر دادم خدمتتان که این نظر شخصی خودتان را لطفا مبسوط به کار با ارزشی که در تاریخ ایران در حال انجام دادن هستید نکنید، که به کار با ارزشتان صدمه میزند. البته که همه ما از دشمنان یهودی ضربه های شدیدی خورده ایم، ولی بگذارید مردانه بگوئیم که اول "فریفته" دشمنان اسلام شدیم و گرنه آنها تسلطی بر ما ندارند. امروز دشمنان اسلام در بین مسلمانان اتفاقا زندگی میکنند و فقط محدود به یک قوم و ملت خاصی نیستند.

انتظار ما از شما این است که این حقیقت را هم به "همان غلظت" بگویید. نه اینکه یکطرفه بگوییم "یهود، یهود، یهود" و بعد شرک از سوراخ سنبه ها و کوچه پس کوچه های زندگی جمعی و شخصی مان مثل موریانه بالا برود. آخر اینطور که نمیشود!

مگر بنا به حکم قرآن کریم "مشرکین" نجس نیستند؟؟ پس فرقی نیست که چه کیشی دارند. ملاحظه میکنید که مشکل ما فقط "دیگران" نیستند، "خودمان" بخشی از مشکلیم، که بحمدالله با ایمان به کلام خدا و انجام کار درست، مثل همین کاری که شما در تاریخ ایران در حال انجام هستید و بقیه دوستان در بقیه مسائل و موارد مشغولند، امید این را داریم که توبه کنیم و به راه قرآن باز گردیم. نمی خواستم بحث قدیمی را باز نمایم که سینه پری دارم از آن . فقط همین که الله اعلم بالذات الامور.
لینک مقاله در فوروم:
http://www.naria.ir/forum/index.php?topic=187.msg447;topicseen#msg447

آقای علی. این نظر پاک سازانه و جانب دارانه ی شما از قوم یهود، مطلقا مخالف عقیده قرآن است و بوی کنیسه می دهد. به اطوارهای تبلیغاتی چند خاخام ظاهرا ضد صهیونیست نیز توجه نکنید. آن ها اگر صادق اند باید مسلمان شوند و گرنه حکم قرآنی نجاست همچنان بر آنان جاری خواهد ماند. آن مقاله را هم مجملا دیدم. در آن حتی یک سطر در باب نیمه ساخت بودن تخت جمشید و پاسارگاد نوشته نیست. برداشتی است از کتاب تلیای ایتالیایی که مسئول مرمت تخت جمشید بوده و عکس ها هم غالبا اقتباسی سارقانه از همان کتاب است که تنها به نیمه تراش بودن برخی از حجم ها و توجیه آن ها اشاره شده است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 10 فروردین1389 ساعت: 11:24

آقای طالب حقیقت. لینک را دیدم. بسیار آموزنده و زیبا، حاصل ساعت ها زحمت باسلیقه و درست به میزان یک مستند درس اموز و بیدار کننده بود. پیشنهاد می کنم که با توضیحات لازم لینک را برای دانلود در بخش کامنت های وبلاگ و در یو تیوب قرار دهید. اگر آقای عابدی نظر موافق داشتند در سایت ناریا هم نصب خواهد شد. ممنون و بسیار زحمت کشیده اید. چند نکته را نیز تذکر دهم: مکث روی تصاویر کم است و لااقل باید دو برابر شود اگر دانلود را که حالا با کامپیوتر با سرعت معمولی 1.5 ساعت است، خیلی اضافه نکند. به تر است دیوار چین را هم جاده های قدیم چین معرفی کنید و آن مجسمه در چین هم از بودا نیست و احتمالا کنفسیوس است.

نویسنده: علی از مالزی

سه شنبه 10 فروردین1389 ساعت: 11:28

آقای پورپیرار،

به هر حال تشکر از نظرتان. برای حسن ختام این بحث هم، با احترام عرض میکنم که اسلام یعنی " تسلیم بی قید و شرط بودن حکم خدا " نه برچسب مسلمان بودن را یدک کشیدن. آنچه بالا نوشتید، خوب، فقط نظر شخصی شما و برداشت شماست. بنده و امثال من هم بغیر از قرآن مجید، رفرنس دیگری را "به هیچ عنوان" به رسمیت نمی شناسیم. پس شما را دعوت به "صبر" میکنم نه قضاوتهای مطلق در مورد افراد که نه شما مرا می شناسید و نه مرا دیده اید که من را "باز" به جانب داری از یهود متهم کردید! ان شاءالله در چشم بهم زدنی خدا بین ما و شما حکم میکند. موفق باشید و با امید به خدا ادامه دهید.

نویسنده: مجید رجبی

سه شنبه 10 فروردین1389 ساعت: 12:36

با سلام خسته نباشید .نمیدانم چرا مبحث مربوط به کتوبه ها را ادامه ندادید . فوق العاده جالب و روشنگر بود .چند تا سوال داشتم :
1- آیا خط تمام این کتوبه ها به خط عبری است یا از خطوط دیگر هم استفاده شده است ؟
2- آیا زبان بکار رفته در این کتوبه ها عبری است یا از زبانهای دیگر مثل فارسی - کردی - ترکی و ..... استفاده شده است ؟
3- منبع و مستند این کتوبه ها چیست و امثال ما چگونه میتوانیم به انها دسترسی داشته باشیم ؟

آقای رجبی. تا آن جا که دیده ام کتوبه ها فقط به خط و زبان عبری است تا خاخام ها بی سهم نمانده باشند. همین کلمه کتوبه را اگر سرچ کنید اطلاعات آن را دریافت خواهید کرد.

نویسنده: ×××

سه شنبه 10 فروردین1389 ساعت: 14:25

جناب علی از مالزی اگر کتاب اسلام و شمشیر استاد را مجددا مطالعه کنید در خصوص مشرکین و حکم قران برداشتتان تغییر میکند.ضمنا ضرب المثل قدیمی هست که میگه چوب معلم گله ...... هر کی نخوره خله. لطفا صبور باشید.

نویسنده: میرزا

سه شنبه 10 فروردین1389 ساعت: 19:15

جناب آقای علی از مالزی. اگر می شود لطف کرده و فایل آن مقاله را برای اینجانب ایمیل بفرمایید. با تشکر بسیار

وب سایت

نویسنده: احمد

سه شنبه 10 فروردین1389 ساعت: 23:43

آقای پورپیرار
در صورت عدم وجود سلسله قاجار، ستارخان و باقرخان با چه کسی جنگ کردند؟

آقای احمد. کجا گفته شده که قاجارها نبوده اند؟ وانگهی ستار خان و باقر خان که با قاجارها نمی جنگیدند!

نویسنده: ایران

چهارشنبه 11 فروردین1389 ساعت: 0:38

با عرض سلام ,این مقاله هم در سال 2008 در اشپیگل چاپ شده ,در مورد جعل تاریخ ایران
http://www.spiegel.de/international/world/0,1518,566027,00.html

نویسنده: سیما

چهارشنبه 11 فروردین1389 ساعت: 0:49

استاد گرانقدر. همانطوری که دوستمان فرمودند شما فقط متعلق به خودتان نیستید. چشمان زیادی منتظر ادامه کارهای شما تا زمان پایانی تقریبی آن هستند و امیدی ندارند در غیاب شما آنطور که می باید کار شما را کسی بتواند به پایان برساند. چه بخواهید و چه نخواهدید عهده دار رسالتی شدید که فقط از عهده خودتان برمیآید. بنابراین خواهش می کنم به سلامتیتان بیشتر بیندیشید و روح و جمستان را با افراد موظف به دفاع از دروغ فرسوده نفرمایید. یکبار شاهد بودم که در بحث با نفهمها چقدر انرژی خودتان را هدر دادید. خدا لعنت کند تمام این دروغ پرستانی که موجب رنج شما شدند و می شوند. البته اجرتان در این دنیا و آن دنیا محفظ است ولی توصیه دوستانه و ملتمسانه ما را لطفا جدی بگیرید و بدان عمل بفرمایید.

سیما خانم. پیری و مرگ افسانه نیست و مهار مقدرات به دست خداوند است.

نویسنده: طالب حقیقت

چهارشنبه 11 فروردین1389 ساعت: 1:24

با سلام به استاد و دوستان

خسته نباشید استاد.
سپاسگزارم از اینکه قابل دانستید و نظرتان را ابراز فرمودید.
و ممنون از نکته هایی که بیان نمودید.
در مورد زمان که آن را دو برابر خواهم کرد. در مورد دیوار چین هم نام دیوار را به خاطر این انتخاب کردم که برای کسانی که با مطلب آشنا نیستند، مشکلی پیش نیاید و مغرضان هم ایراد نگیرند؛ اما به چشم. آن را هم اصلاح خواهم نمود.
و در مورد مجسمه هم با کمی تردید فرمودید که مربوط به کنفوسیوس است؛ اگر کاملا مطمئن نیستید، بفرمایید در ذیل آن چه بنویسم. عبارت "یک مجسمه غول پیکر" خوب است؟

اما یک سوال داشتم و آن اینکه نظرتان راجع به بودا و کنفوسیوس چیست؟
در یادداشت های مربوط به هند گفتید که درصد کمی از مردم هند پیرو بودا هستند.
اگر ممکن است بفرمایید که آیا این مجسمه هایی که منسوب به بوداست، جعلی هستند یا واقعی و اینکه در اصل مربوط به چه کسی هستند؟

آقای طالب حقیقت. معمولا وجود چنین نام هایی حاصل نیاز ملت ها به داشتن پایگاهی در خردمندی دیرین است و از نظر تاریخی هیچ یک با اسناد درست قابل اثبات نیستند. گاهی این نیاز در شخصیت های بزرگ مرتبه مذاهب جلوه می کند که ظاهرا مظهر آن تمایزاتی معرفی می شوند که جامعه در جست و جوی آن است! در مرتبه بعد بدانید، در تمام جوامع، سازندگان نخستین این گونه سمبل ها قصد بازکردن دکان داشته اند. چندان که به زحمت بتوان در میان کفش داران و متولیان امام زاده ها باور کننده ای به همان امام زاده یافت.

نویسنده: طالب حقیقت

چهارشنبه 11 فروردین1389 ساعت: 1:53

دوستان عزیز!

اینجانب با توجه به تمایل بعضی از دوستان و اینکه تبدیل یادداشت های استاد به صورت فیلم و تفصیل بیشتر آنها می تواند تاثیر زیادی در پیشبرد نظریات تاریخی ایشان و ملموس تر کردن آنها برای مردم داشته باشد، تصمیم گرفتم که یکی از یادداشت های وبلاگ را به فیلم تبدیل کنم. برای این منظور یادداشت شماره 71 یعنی مقایسه ی بقایای رومی با مانده های هخامنشی را انتخاب کردم. با این امید که این کار مقدمه ای باشد برای تبدیل بقیه یادداشت های استاد به فیلم؛ حالا یا توسط اینجانب و یا توسط بقیه دوستان.
البته این فیلم در اصل یک اسلاید شو است که برای راحتی نمایش آن برای عموم به فیلم تبدیل کرده ام هرچند که من فیلم ساز نیستم. شاید عنوان فیلم هم برای آن مناسب باشد. به هر حال مطلب اصلی همان القای مفهوم بوده است تا جلوه های ویژه.
احساس می کنم دیدن آثار بی شمار تمدن رومی و مقایسه آنها با نداشته هایمان همان طور که استاد لزوم آن را به خوبی درک فرموده اند، به فهم این مطلب کمک زیادی کند که معنای پوریم و خالی شدن شرق میانه از آثار تمدن چیست.

پیشنهادم به دوستان این است که هر کدام که می توانند با توجه به منابعی که در اختیار دارند، در حد توان یادداشت های استاد را به صورت تصویر از قبیل فیلم، اسلاید، عکس و تصاویر متحرک و... درآورند.
اگر هرشخص و یا گروه به تدریج تبدیل یکی از یادداشت ها را بر عهده بگیرد، دیری نخواهد گذشت که تمام یادداشت ها به صورت تصویر قابل ارائه به علاقه مندان و مردم دیگر است. طبیعی است که هرکس علاقه ای دارد. یکی کتاب خواندن را دوست دارد، یکی دیدن فیلم را و... .
تصورم این است که این کار بسیار موثر خواهد بود.

فعلا این فیلم کوتاه در آدرس زیر قابل دسترسی است.
http://www.4shared.com/file/251029235/4b8fe28e/Civilization_Signs.html

برای کاهش حجم، فیلم را در یک فایل زیپ قرار داده ام و حجم آن در حدود 26 مگابایت است.
دیدن آن را به همه دوستان توصیه می کنم وامیدوارم به زودی فیلم های دیگری را با کیفیت بهتر از ایشان ببینم.

با تشکر از آقای طالب حقیقت، انتقال لینک و مبحث را برای اظهار نظر بازدید کنندگان به مدیر انجمن پیشنهاد می کنم.

نويسنده: مرتضي

چهارشنبه 11 فروردین1389 ساعت: 7:17

خيلي جالبه:
http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=91244

نويسنده: توحید الهی

چهارشنبه 11 فروردین1389 ساعت: 8:35

جالب بود استاد عزیز انشالله همیشه ژایدار و موفق باشید .

وب سایت

نويسنده: توحید

چهارشنبه 11 فروردین1389 ساعت: 7:3

با سلام

نقد وبررسی کتاب "تفسیر المیزان" :

http://www.naria.ir/forum/index.php?topic=186.0

نويسنده: تاجیک

چهارشنبه 11 فروردین1389 ساعت: 13:25

با سلام، استاد گرامی در قرآن آمده است که بنی اسرائیل دو بار روی زمین فساد می کنند، آیا مشخص است که این دوبار پیش از نزول قرآن رخ داده یا پس از آن رخ خواهد داد؟

نويسنده: آیاز

چهارشنبه 11 فروردین1389 ساعت: 16:44

باسلام. آقای پورپیرار آیا ترجمه عربی آثار شما در اینترنت موجود می باشد؟ (آثار شامل: فیلمهای مستند، اسلام و شمشیر، ایران شناسی بی دروغ و بی نقاب)

نويسنده: اترش

چهارشنبه 11 فروردین1389 ساعت: 17:5

سلام بر همگی

بررسی کلی و جزئی وقوع طوفان نوح در ترکیه:
http://www.naria.ir/forum/index.php?topic=179.0

وب سایت

نويسنده: صالح ثابتی

چهارشنبه 11 فروردین1389 ساعت: 17:8

با سلام
آقای علی ازمالزی درنظرداشته باشیم که همیشه مسلمانان درهرزمان ومکانی قوم آواره یهود رادرطول تاریخ درسرزمینهای خود پذیرا بوده وبا احترام نسبت به آنها رفتارکرده اندوبرای نمونه هم اکنون درفلسطین جریح وبخصوص درشهرنابلس یک قوم یهودی بنام السامریون که بسیارپایبند به آئین های مذهبی و توراتی خودهستند هزاران سال آزادانه درکنارفلسطینیها زندگی میکنند جالب وباعث شگفتی اینجاست که این قوم خود رااازاسباط بنی اسرائیل دانسته ودیگراقوام یهود را نجس میدانند

وهیچ پیامبریهودی نامی به غیرازحضرت موسی وهیچ کتاب توراتی به غیرازتورات اسفار پنجگانه راقبول ندارند تابا ماهیت اصلی قومی که درکتاب قران یهودونجس خطاب میشوند آشناگردیم .

نویسنده: صالح ثابتی

چهارشنبه 11 فروردین1389 ساعت: 17:10

جناب استاد پورپیرارهمانطورکه درکتاب اسلام وشمشیربه این موضوع اشاره کرده اید آیا نباید ان قوم اهل کتاب ومورد احترام ازجانب قرآن یعنی بنی اسرائیل راهمین سامریون بدانیم ونجس خواندن آنها رابه قومی بنام یهود نسبت دهیم قوم ویا اقوامی که معلوم نیست ازکدام مکان ودرچه زمانی وتحت چه شرایطی همانندقوم خزران که درقسمتی ازکتاب دوازده قرن سکوت به ان اشاره شده به این دین یعنی یهودیت گرایش پیداکرده اند که ازنظرسامریون وکتاب قرآن نجس می باشند.
جناب استاد دریک برنامه تلویزیونی عربی زبان که درمورد تاریخ بود مطلب جالبی بیان شد وآن اینکه نبوخدنصر بعد از اسارت قوم یهود دستورتراشیدن موی وسط سرآنها رامیدهد تاعلاوه برخوار وذلیل کردن آنهاعلامت ونشانه ای باشدبرای تحقیرومتمایزکردن قوم یهودازدیگران که بعدازاسارت به کارهایی مانند نوکری وجاروکشی درشهربابل گمارده شدند تااین علامت متمایزکردن قوم یهودازدیگران دراثرمرورزمان به کلاه کوچکی برای پوشاندن آن ننگ تبدیل شود که هنوزهم دردنیا به عنوان یک ماهیت یهودی برسر آنها مورداستفاده قرارمیگیرد ایا کشیشان قرون وسطا راکه اینگونه موی وسط سرخود را وحتی کمی وسیعترارایش میکردند نباید یک عادت یهودی وآنها را هم یهودانی در لباس روحانیون مسیحی بدانیم که اروپا ومسیحیت را دران زمان به گند کشاندند . همانطورکه در دوران جنگ جهانی دوم نازیها علامت ستاره شش ضلعی پارچه ماانندی رابه لباس ویا بازوی قوم یهود نصب میکردند تا آنها را از دیگران متمایز کنند سئوالی که خود رامطرح میکند این است که این همه مورد خفت وخواری قراردادن یهود ازجانب دیگران ونجس خطاب کردن آنها ازبرای چیست آیا بعدازاین همه توطئه هاودسیسه هاوجنایتهایی که ازجانب این قوم درطول تاریخ به حق بشریت وادیان وتمدن مرتکب شده وامروزه هم شاهداین جنایتها ازطرف آنان به حق مردم وسرزمین فلسطین ولبنان وعراق وافغانستان هستیم ، وحتی به دین و کتاب توراتی که به آن گرایش پیدا کرده اند هم رحم نکرده اند پس آقای علی از مالزی واقعا که طبق فرموده قران ، نجس اند .
باتشکروآرزوی سلامتی وپایداری برای استاد ارجمند ناصرپورپیرار

نویسنده: جهود اصل

چهارشنبه 11 فروردین1389 ساعت: 20:39

دو گدا تو یه خیابون شهر رم کنار هم نشسته بودن. یکیشون یه صلیب گذاشته بود جلوش، اون یکی یه ستاره داوود.. مردم زیادی که از اونجا رد میشدن به هر دو نگاه میکردن ولی فقط تو کلاه اونی که پشت صلیب نشسته بود پول مینداختن.

یه کشیش که از اونجا رد میشد مدتی ایستاد و دید که مردم فقط به گدایی که پشت صلیبه پول میدن و هیچ کس به گدای پشت ستاره داوود چیزی نمیده. رفت جلو و گفت: رفیق بیچاره من، متوجه نیستی؟ اینجا یه کشور کاتولیکه، تازه مرکز مذهب کاتولیک هم هست. پس مردم به تو که ستاره داوود گذاشتی جلوت پول نمیدن، به خصوص که درست نشستی بغل دست یه گدای دیگه که صلیب داره جلوش. در واقع از روی لجبازی هم که باشه مردم به اون یکی پول میدن نه به تو.

گدای پشت ستاره داوود بعد از شنیدن حرفهای کشیش رو کرد به گدای پشت صلیب و گفت: هی "موشه" نگاه کن کی اومده به برادران "گلدشتین" بازاریابی یاد بده

نویسنده: حکیمی

چهارشنبه 11 فروردین1389 ساعت: 20:51

جناب صالح ثابتی در خصوص سامریون مرجع تحقیقاتی رو می تونید معرفی کنید؟

نویسنده: یوزارسیف

چهارشنبه 11 فروردین1389 ساعت: 23:35

سلام.
مطالبتون عجیب بود.
نمی دونم چرا اینقدر اصرار دارید یهودی ها رو بد نشون بدید! یا چرا اصرار دارید تاریخ رو به قرائت خودتون بیان کنید.
با چنین روحیاتی به نظر من اصلا نمیشه به تاریخ استناد کرد. چون تاریخ رو هرکس طبق میل خودش بیان میکنه.
حالا وای به تحلیلی که قراره با خوندن همین تاریخ ارائه بدیم!
من پیشنهاد میکنم در کنار خوندن و انتشار این مطالب سری هم به کتابهای فلسفه ی تاریخ بزنید.
موفق باشید!

وب سایت

نویسنده: صالح

چهارشنبه 11 فروردین1389 ساعت: 23:55

آقای حکیمی سلام
لطفا به آدرس :
http://www.google.com/search?hl=en&source=hp&
q=%D8%A7%D9%84%D8%B3%D8%A7%D9%85%D8%B1%D9%8A%D9%88%D9%86&aq=f&aqi=g7&aql=
&oq=%D8%A7%D9%84%D8%B3%D8%A7%D9%85%D8%B1&gs_rfai=
مراجعه نمایید و اگر به زبان عربی آشنایی ندارید عکسها تا حدودی بیانگر و نشاندهنده این قوم می باشد .
و از استاد گرامی تقاضا می شود تحقیقی در این مورد انجام دهند
باتشکر صالح

آقای صالح. تحقیقی نیاز ندارد. این یکی را هم که بی ابهام و تعارف یهودی است، بگذارید کنار آن فرق بی شمار تفرقه ساز، که لااقل یکصد شعبه در درویشیگری دارد و همگی ساخت اخیر اورشلیم است. اگر مخالفید به فینه های پاشایی آن ها نگاه کنید تا منشا' خود را شرح دهند.

نویسنده: محسن

پنجشنبه 12 فروردین1389 ساعت: 1:12

سامریون فکر کنم منظور همان سامری ها بوده است.

حالا باز بگید محسن جهوده ؟؟؟

نویسنده: عابدی

پنجشنبه 12 فروردین1389 ساعت: 14:7

سلام

انگار دیواری کوتاه تر از دیوار ما پیدا نمی شود؟!

آقای عابدی. موضوع چیست؟!

نویسنده: ×××

پنجشنبه 12 فروردین1389 ساعت: 14:21

سلام استاد
امروز داشتم نقدی بر مباحث مطرح شده از سوی شما در مورد مکعب زرتشت میخواندم.به نظرم رسید در فیلم مجعولات مجلل بهتر بود اینجور نقدها به صورت سوال مطرح و در همان فیلم کوبنده جواب داده میشد.تا نظر شما چه باشد.
http://www.azargoshnasp.net/Pasokhbehanirani/ppnaqshpasokh.htm

---

آقای ×××. این جواب های کوبنده در کتاب دوم ساسانیان و در بخش "نقش رستم عالی ترین مکتب صحنه سازی تاریخی" همراه عکس و توضیحات داده شده است.

نویسنده: ×××

پنجشنبه 12 فروردین1389 ساعت: 14:29

سلام مجدد
استاد نمیدونم به این سایت مراجعه کردید؟
http://antipourpirarcollection.blogsky.com/

کلکسیونی از جوابیه و نقد به آثار شما جمع شده.ظاهرا آنوسی ها بیکار ننشستند.میدانم وقت شما با ارزش تر از اینه که بخواهید به تک تک این موارد پاسخ بدید ولی باید فکر اساسی جهت پاسخ به یاوه گوییهای آنها داشت. با تشکر

آقای ×××. در آن جا نقد نوشته های من نیست تکرار مکتوبات قلابی گذشته است. اگر مطلبی را در میان ان ها نقد تشخیص می دهید جدا کنید تا پاسخ آن را ارائه دهم. کسی که به پوریم معتقد باشد بر روی آن مجموعه ضربدر می زند و کسی هم که پوریم را نپذیرد استدلال را هم نخواهد پذیرفت.

نویسنده: ×××

پنجشنبه 12 فروردین1389 ساعت: 14:34

استاد نظرتان در خصوص ادعای این وبلاگ در خصوص کتاب استر و نسخه های پیدا شده در دریای مرده چیست؟
با تشکر

آقای ×××. کدام وبلاگ؟

نویسنده: منصور

پنجشنبه 12 فروردین1389 ساعت: 14:42

جناب صالح
پیروان واقعی هر دینی آنهایی هستند که به کتاب مقدس خود به خوبی عمل می کنند. شما اگر تورات را مطالعه کنید می بینید که سراسر آن مملو از حقه بازی, عصیان در برابر خداوند و کشتار و جنایت است. از جمله 5 سفر اول آن که مدعی هستید فرقه السامریون فقط آن قسمت از تورات را قبول دارند. اصولا یعقوب از نظر تورات یعنی حیله گر و پاشنه کش. کسی که سر برادر,پدر و پدر زن خود ونیز خدا کلاه گذاشت. حالا بنی اسرائیل که خود را فرزندان او می دانند و به آن افتخار می کنند را دیگر خود قضاوت کنید. یهودیان واقعی در واقع همان هایی هستند که اکنون به نام صهیونیست می شناسیم. چون می کوشند به بندبند فرامین تورات عمل کنند. تمام جنایاتی که از آنها می بینیم درست در راستای فرامین تورات است. لازم است از آن یهودیان خوب و به اصطلاح ضد صهیونیست بپرسیم پس شما چه دینی دارید اگر که تورات خودتان را هم قبول ندارید؟
دوستان, پرواضح است که یهودیان باصطلاح غیرصهیونیست ستون پنجم همان صهیونیستها هستند که در لباس بره در آمده اند. به عبارت بهتر یهودیان باتلاقی هستند که ما را در برگرفته اند و قدرت هرگونه واکنش موثری را از ما گرفته اند تا صهیونیستها به راحتی جان ما را بگیرند.

جناب احمدی نژاد
منتظر باشید به زودی چارشنبه سوری هم جهانی خواهد شد. آقایان نمی دانند قدرت خاخامها است که نوروز را جهانی کرده است.

آقای منصور. روز شادمانی جهانی یعنی تمام دنیا قتل عام پوریم را جشن می گیرند.

نویسنده: ×××

پنجشنبه 12 فروردین1389 ساعت: 14:53

سلام مجدد
استاد در جایی فرمودید آقای آرتور کستلر در کتاب خزران اثبات می کنند که تمامی یهودیان حال حاضر جهان از قوم خزران ساکن در غرب دریای مازندران(خزر) هستند نه از اسباط بنی اسرائیل. این کتاب ترجمه فارسی دارد و اگر جواب مثبت هست کجا میتونم پیدا کنم

آقای ×××. متن فارسی آن کتاب را با نام خزران در انتشارات خوارزمی در مقابل دانشگاه پیدا می کنید.

نویسنده: فرشته

پنجشنبه 12 فروردین1389 ساعت: 17:33

سلام استاد عزیز
استاد خسته نباشید انشالله که عمر جاویدان داشته باشید و ضمنا دیگه از مرگ حرف نزنید لطفا.
استاد میشه گفت محمد غفاری ،کماالملک و نقاش باشی سه شخصیت مجزا هستند و این 75 تابلو کار این 3 نفره؟
مرسی

خانم فرشته. مرگ تجربه ای مکرر به میزان تمام تولدهاست. درباره کمال الملک هم یک یادداشت دیگر هم حوصله کنید.

نویسنده: عابدی

پنجشنبه 12 فروردین1389 ساعت: 19:56

سلام

استاد . فکر می کنم اسم ام را تغییر دهم شاید دست از سر اسم ما بردارند و متلک بار ما نکنند.

آقای ××× در مورد مطالب آن سایت و یا هر سایت دیگر ، هر کدام که خواستید در فروم نصب کنید اگر ارزش پاسخ دهی بودند داده می شوند. موفق باشید.

نویسنده: علی از مالزی

پنجشنبه 12 فروردین1389 ساعت: 20:12

با سلام خدمت همه،

مقاله دوم در فورم فرستاده شد: "هنر یونانی، ذائقه پارسی: بررسی چند مجسمه حیوانات پرسپولیسی" !!
http://www.naria.ir/forum/index.php?topic=207.0

جناب پورپیرار، پیشنهاد میکنم که آن مقالاتی را که فرصت مطالعه می یابید، چند خطی بعنوان ارزیابی کلی در پست مرتبط همان مقاله، مرقوم کنید تا دوستان نظر شما را راجع به آن مطالب بدانند.
با تشکر.

آقای علی از مالزی. امیدوارم ترجمه مقاله ی نخست را تا هفته آینده نصب کنم. تیتر مقاله دوم هم که به ذائقه پارسی اشاره می کند معلوم می شود که هنوز دمل نحوه ظهور هخامنشیان مزدور یهود و قتل عام پوریم شما نترکیده است. آقای علی ایران هرگز مگر از زمان رضا شاه کشور پارسیان نبوده و تا قریب 3 قرن پیش ساکنی نداشته است.

نویسنده: یه دانشجو

پنجشنبه 12 فروردین1389 ساعت: 20:38

xxx عزیز: PDF کتاب خزران را می توانید از آدرس زیر دریافت کنید. فقط چیزی که من فعلا نفهمده ام این است که آرتور کستلر این خزران را ترک می دانند ولی استاد ملت ترک را جعلی میدانند ولی کتاب خزران را قبول دارند.

http://www.tabarestan.info/book/index.html

آقای یه دانشجو. کستلر منبع شناخت قومی نیست که نبریز آن ها در 175 سال پیش فقط سی خانوار است و نقشه آسیا در 300 سال پیش شهر استانبول را ندارد. این ها دو مدخل محتلف اند و دو تحقیق جداگانه می طلبند: خزرها و ترک ها.

۱ ۲ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 260، نتیجه68، شناسایی کمال الملک نقاش، 4 100 - نظر

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 12 فروردین1389 ساعت: 21:40

آقای عابدی. هنوز و به طور عمد، ترجمه آن کتیبه یونانی نهاوند که می تواند بسیاری از گره های دوران معینی از تاریخ ایران را بگشاید، ترجمه نشده است. دو اشکال برای ترجمه آن بر سر راه است. نخست این که متن فاصله بین کلمات را ندارد و دوم این که حروف آن یونانی قدیم است. با این همه سعی می کم شاید کلمات را تفکیک و معانی برخی از آن ها را استخراج کنم. مطلب آموزنده در آن کتیبه ریختگی ناشی از کرم خوردگی سنگ است که همه جا خلاف کتیبه نقش رستم حروف را یا از بین برده و یا ناقص کرده است. موفق باشید.

ضمنا پیشنهاد می کنم کلیپ تاثیرگذار آقای طالب حقیقت را در صورتی که فضا اجازه می دهد در سایت ناریا و همچنین در انجمن برای ارائه الگو و دریافت نظر بینندگان قرار دهید. ممنونم.

نویسنده: عباس

جمعه 13 فروردین1389 ساعت: 5:7

http://www.javanemrooz.com/articles/culture/art/ideogramic/article-10644.aspx

نویسنده: ***

جمعه 13 فروردین1389 ساعت: 6:13

استاد منظورم این وبلاگ بود:
http://naria2.blogfa.com/post-56.aspx
در خصوص کتاب استر و کتابهای پیدا شده در دریای مرده.مرسی

نویسنده: توحید

جمعه 13 فروردین1389 ساعت: 6:29

سلام و خسته نباشید

ادامه نقدی بر کتاب "تفسیر المیزان" :

http://www.naria.ir/forum/index.php?topic=208.0

وب سایت

نویسنده: مسعود

جمعه 13 فروردین1389 ساعت: 11:0

خسته نباشید جناب استاد.

نمیدانم منظور شما کدام کتیبه یونانی است منتها آنطور که من بررسی کردم کتیبه ای سنگی مربوط به معبد یونانی در نهاوند موسوم به لائودیسه علی الظاهر وجود دارد و مثل اینکه مدعی اند با این ترجمه که در زیر می آید رمز گشایی شده است! :

متن اول :
مندموس به اپلودوروس و به کلیه صاحب منصبان شهر لائودیسه درود می‌فرستد که پس از این اعلامیه می‌بایست مواد فرمانی که شاه به من نوشته است ضمیمه شود و روی سنگی از آن سواد بردارید. سپس نوشته ای که مقرر داشته اند مطالعه نموده و آن را محفوظ نگاهدارید. و سنگ را در معروفترین زیارتگاه‌های شهر نگاه دارید. خوش باشید سال 119 دهم ماه یانه مدس.

متن دوم :
شاه آنتیخوس به مندموس سلام می‌رساند و دستور می‌دهد که به شئونات خواهر ما ملکه لائودیسه بیافزائید و از او قدردانی کنید. این امر برای ما بسیار ضروری است. شما برای اینکه او در زندگانیش با مهر و محبت و مراقبت شدید خود را نشان داد. بلکه او هنوز نسبت به خدایان دارای عشق و احترام بی‌پایان است. بنابراین ما با مهر و علاقه دستور می‌دهیم و موافقت خود را با این امر اعلام می‌داریم. که او از جانب ما به این افتخار نایل گردد. خصوصاً مصمم هستیم همانطوری که در تمام قلمرو ما انتخاب کاهنین بزرگ از طرف ما انجام می‌شود. بدین نحو در این محل کاهنه‌هایی از طرف ملکه لائودیسه تعیین گردد. در حالی که حامل تاج‌های طلا و تصاویر او خواهند بود. سپس نام آنها در اسناد بعد از کاهنین نیاکان ما و خود ما ثبت گردد.و خلاصه بعد از آنکه نام ملکه لائودیسه در تمام قلمرو تو به عنوان کاهنه بزرگ معروف و مشهور گردید. کلیه کارها بر طبق گفتار ما انجام گرفت. مفاد فرمان را بر روی سنگی ثبت نمایند. تا وقف این مکان مقدس گردد. و بالاخره این عمل بسیار پسندیده ای که نسبت به خواهر ما انجام دادیم. نتایج آن در حال و آینده آشکارخواهد شد. سال 119 ا زماه کاندیکوس.

سلامت و پایدار باشید.

نویسنده: مسلم

جمعه 13 فروردین1389 ساعت: 11:56

سلام آقای پورپیرار. بنده مطالب شما را در مورد اشکانیان خواندم و برایم جالب بود و دو پرسش داشتم از شما، البته شاید شما در همان کتاب اشکانیان پاسخ داده باشید و از نظر من دور مانده باشد:

1.نظر شما در مورد مجسمه معروف شاهزاده اشکانی چیست، آیا آنرا نیز ساخت یونانیها میدانید؟
2. نظر به اینکه میگویید حکومتهای عهدی که اشکانی خوانده میشوند، بقایای یونانیان بوده اند، و در عین حال ایران خالی از سکنه بوده است، خب این حاکمان خراج و مایحتاج خود را از کدام مردمان مطالبه میکردند؟ کسانی در سرزمینی خالی از سکنه برای خود کتیبه درست میکردند، مخارج خود را از کجا میاوردند؟

آقای مسلم. از کجا با خبر شده اید که آن مجسمه ی شاه زاده ای اشکانی است؟
ضمنا مهاجران یونانی به گواهی عناوین موجود بر سکه های شان، بقایای اشراف و موبدان و نظامیان یونان بوده اند که در جست و جوی سرزمینی برای پناه گرفتن و تشکیل دولت در تبعید به ایران خالی از سکنه رسیده اند، نه برای تصرف و غارت سرزمین دیگران. کتاب اشکانیان را دوباره بخوانید.

نویسنده: علی از مالزی

جمعه 13 فروردین1389 ساعت: 12:34

جناب آقای پورپیرار عزیز،

بنده نه مسئول تیتر مقالاتم، نه محتوای مقالات، نه به محتوای آنها علاقه ای خاصی دارم، نه با انتخاب مقالات دنبال ایجاد خط دهی فکری هستم و نه مقالات دیدگاههای شخصی من است. من این مقالات را به درخواست علاقمندان و به منظور دسترسی به آن دیدگاههای مختلف برای شما و دوستان میگذارم تا مطالعه کنید شاید نکته ای، سر نخی ، مساله ای، چیزی جدید عاید شود. جالب است که شما آنها را ترجمه هم میکنید و بعد به "من" هم متلک پراکنی می کنید که دمل شما نترکیده و این حرفا! ... جدا من دیگه کم آورده ام و نمیدانم این دیگه چه مدلی است که شما برخورد میکنید.

آقای علی. به یاد دارم زمانی حتی گفته بودید نامتان علی نیست و از مالزی هم کامنت نمی فرستید، که البته در اصل مطلب تاثیری ندارد. منظورم از این اشارات توجه دادن به شما است که به دنبال مطالبی با آبروتر بگردید وگرنه کتابی که نام آن از قلابی بودن متن اش خبر می دهد و ایران شناسی جهان لبریز از آن هاست، اعتبار معرفی و تلف کردن وقت را ندارد. آن مقاله را نیز از آن جهت ترجمه می کنم که معلوم شود مولف در باب تخت جمشید واقعا چه می دانسته و آیا اشاره ای به نیمه تمام بودن آن داشته است؟ موفق باشید.

نویسنده: انجمن بنیان اندیشی

جمعه 13 فروردین1389 ساعت: 13:10

با سلام

امروز جا به جایی و دسته بندی هایی جدید در فروم انجام شده و امکان دارد آدرس بعضی از لینک ها تغییر کرده باشند.
مثلا لینکی که توحید آدرس داده بودند به اینجا منتقل شده است:
http://www.naria.ir/forum/index.php?topic=186.msg518#msg518

گفتم دوستان در جریان باشند و گمان نکنند در دسترسی به مطالب مشکلی پیش آمده است.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 13 فروردین1389 ساعت: 13:13

آقای مسعود. لااقل آن اعداد سال شمار و اسامی اشخاص و شهر و ماه های آن ترجمه در لوحه ی سنگی مورد نظر به جز نامی شبیه آنتیخیوس نیست. اگر همین ترجمه را بپذیریم که نگفته اید برداشته از کجاست، باز هم معلوم می شود که یونانیان در مرکز ایران معبد و دم و دستگاه حکومتی و ارتباطات درون گروهی داشته اند. ضمن این که تاریخ مورد اشاره با سال های حضور مهاجران یونانی در ایران تطبیق می کند و این که فرامین عمومی و حکومتی را هم بر سنگ ها می نوشته و ابلاغ می کرده اند چنان که نظایر دیگری هم در خوزستان دارد. حالا باید پرسید هرودوت آن کتاب مسخره پر برگ اش را بر کدام کوه و صخره نوشته است؟!

نویسنده: sadegh

جمعه 13 فروردین1389 ساعت: 14:30

با سلام به استاد گرامی و دیگر دوستان
/http://parvizrajabi.blogspot.com

(سخنان تازه استاد رجبی و برآشفتگی جاعلان تاریخ و پیروان ناراستی و دروغ)

این عنوان مقاله رضا مرادی غیاث آبادی می باشد که در لینک فوق بطور کامل نصب گردیده مطالعه اش خالی از لطف نخواهد بود و جهت اطلاع استاد و دیگر دوستان برای شما نصب می کنم.
پیروز باشید.

آقای sadegh. این دو دوزه بازی ها کسی را گول نمی زند. این حضرات شناخته شده اند. چه در لباس اتللو چه در پز یاگو.

نویسنده: مسعود

جمعه 13 فروردین1389 ساعت: 15:29

با عرض معذرت استاد فراموش کردم مترجمین را بنویسم :

متن كتيبه در سال 1949 ميلادي توسط لوئي روبر ترجمه شده و در مجله هفتگي هلينكا به زبان فرانسه منتشر شده است .سپس ترجمه فرانسوي كتيبه توسط علي حاكمي به زبان فارسي انجام شد .

نویسنده: علی از مالزی

جمعه 13 فروردین1389 ساعت: 15:30

http://www.youtube.com/watch?v=Me1SpySe25k

آقای علی از؟ اما به هیچ تمهیدی باز نشد.

نویسنده: صالح

جمعه 13 فروردین1389 ساعت: 16:52

آقای منصور، مطرح کردن موضوع قوم سامریون که خود را ازقوم بنی اسرائیل دانسته ونه یهودی ، فقط به این خاطر بود که بتوانیم با هویت قومی و معنی کلمه یهود آشنا شویم که چرا قرآن کریم ناگهان قوم بنی اسرائیل را با نام یهود ونجس مورد خطاب قرار میدهد ؟ آیا این نام گذاری در قرآن کریم یک لقب اعطا شده ازجانب خداوند بخاطر اعمال پلید آنهاست ویا نام یک قوم متوحش گرایش پیدا کرده به دین وکتاب تورات مانند اقوام خزران ؟ که از استاد خواهش می کنم در این مورد توضیح مختصری بفرمایند .

نویسنده: جاروکش معبد آمون

جمعه 13 فروردین1389 ساعت: 19:7

این رو بخونید:
در بخش دیگری از این برنامه، دکتر سیامک مره‌صدق، نماینده‌ی ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی نیز با اشاره به کاهش سطح تمایل به ادامه‌ی تحصیل در مقاطع بالاتر و نیز پایین بودن سطح روحیه‌ی آموزشی و پژوهشی در میان جوانان جامعه، گفت: «در طول تاریخ، چیزی که باعث دوام و پایداری ما شده، میزان ثروت قومی ما نبوده، بلکه میزان دانش قومی ما بوده‌است. چیزی که در طول تاریخ یهودیان را سربلند کرده، بیش‌تر از همه شخصیت‌هایی مثل انیشتین و فروید بوده‌اند و نه روچیلدها. ما باید عادت کنیم که به‌دنبال کسب علم برویم و با به‌دست آوردن علم بتوانیم تاریخ‌ساز باشیم. من امیدوارم که تاریخ‌سازی ایرانیان یهودی با تاکید بر ریشه‌های فرهنگی و علمی، هر روز ابعاد وسیع‌تری پیدا کند و روزی شاهد باشیم که حداقل درصد قابل توجهی از اعضای هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها را هم‌کیشان ما تشکیل بدهند، چون علم و دانش

سرمایه‌ی تاریخی و جاودانه‌ی یهودیان است و در طول تاریخ یهودیان همواره به‌عنوان حمل‌کنندگان علم و فلسفه مطرح بوده‌اند.» در ادامه، دکتر مره‌صدق شخصا از ژان پایاب، دومین دانشجوی برگزیده در زمینه‌ی تحقیقات در رشته‌ی دامپزشکی و نیز دکتر بابک نجیبی، نخستین ایرانی یهودی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی وارد دوره‌ی فوق‌تخصصی شده و اکنون دوره‌ی فلوشیپ قلب اطفال را می‌گذراند، با اهدای جوایزی تقدیر به‌عمل آورد.

به این میگن جعل اندر جعل اندر جعل مطلق! اصلا ناف این دروغگو رو نبریده اند!
این هم لینکش!
http://www.iranjewish.com/News_F/news_37_Eftekhar_afarinan.htm
کلا صفحه قابل مطالعه ای هستش!

آقای آمون. به هر بهانه ای که شده ما را به مرکز اطلاعات اورشلیم وصل می کنی ها! آن هم با این مقدمه که علم جهان نزد یهودیان و آن آدرس صفحه ای مفید است. بله علم ترور و دروغ و جعل وخیانت به فرهنگ و پیشرفت بشری. و صفحه سیاه کشتار کودکان فلسطین.

نویسنده: مسعود سنجری

جمعه 13 فروردین1389 ساعت: 19:21

برادر عباس نازنین
سلام علیکم
ضمن تشکر مجدد و مکرر از زحمات جنابعالی در پخش مستند "تختگاه هیچکس"از شبکه جهانی رنگارنگ آیا این کانال قصد پخش مستند سوم استاد را دارد؟

و برادر گرامی طالب حقیقت
از زحمت شما در تهیه کلیپ زیبایتان تشکر می کنم.

والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: یوسف

جمعه 13 فروردین1389 ساعت: 19:57

سلام استاد من امروز یه فیلم 18 دقیقه از حفاری تخت جمشید دانلود کردم به نطر چیزهای جالبی میشه ازش در آورد فایلش رو برایتان ایمیل می کنم

نویسنده: مسعود

جمعه 13 فروردین1389 ساعت: 21:26

با عرض ارادت خدمت شما .

با جستجویی که من در وب انجام دادم متوجه شدم ظاهرا" یک مکان دیگر در جنوبغرب ترکیه به نام شهر "لائودیسه" مورد اکتشاف قرار گرفته است و البته نمیدانم این اسم گذاری با استناد به چه سندی انجام شده است . این هم توضیحات و عکسهای خرابه های مربوط به آنجا:

http://holylandarchive.com/section_images/LaodiceaMap4.jpg

http://en.wikipedia.org/wiki/Laodicea_on_the_Lycus

http://faxbymax.net/_Media/laodicea.jpeg

http://ferrelljenkins.files.wordpress.com/2009/06/laodicea_ntemple_hierapolis-t.jpg

http://www.kusadasi.net/historical/laodicea%207churches.jpg

آقای مسعود. ولی کتیبه را در مرکز ایران پیدا کرده ایم، نه ترکیه. این که سراسر دشت های ساحلی ترکیه را در شمال و جنوب و غرب، پوشیده از آثار رومن و مرکز ایران را مملو از بقایای یونانی می بینیم، خود به قدر کافی تاریخ این دو سرزمین دروغ زده و گردن به زیر تیغ حقه بازی صفوی و عثمانی برده را معلوم نمی کند؟!

نویسنده: احمد

شنبه 14 فروردین1389 ساعت: 0:28

آقای پورپیرار
جنگ ستارخان و باقرخان با چه کسانی بوده ؟
لطفا راهنمایی کنید

آقای احمد. باید منتظر ورود به کتاب چهارم بمانید.

نویسنده: طالب حقیقت

شنبه 14 فروردین1389 ساعت: 2:5

با سلام به استاد و دوستان

استاد خسته نباشید.

آقای سنجری ممنون. انجام وظیفه بود و آغاز کاری که امیدوارم بقیه هم در آن شریک شوند.

نویسنده: عباس

شنبه 14 فروردین1389 ساعت: 6:37

آقای سنجری سلام عرض می کنم.امیدوارم حالتان خوب باشد.من به امید خدا.هم اینکه سی دی مستند سوم به دستم برسد آن را به رنگارنگ می فرستم که آقای داور نشان دهند.

آقای عباس. سی دی ها و دی وی دی ها سه روز پیش با پست سریع ارسال شده است. از زحمات شما ممنونم.

نویسنده: توحید

شنبه 14 فروردین1389 ساعت: 6:24

سلام

استاد در اسلام و شمشیر 1 گفته اید :

"آن هم در حالی که اثبات وجود ساده ترین آلت حرب نیز در صدر اسلام از نظر باستان شناسی ممکن نیست "

امکان دارد بیشتر توضیح بدهید ؟ چون درحال معرفی کتاب اسلام شمشیر برای عده ای تازه وارد بودم این مورد برایشان جالب و البته عجیب بود. ممنون می شوم

آقای توحید. مطلب ساده ای است. هنوز هیچ گزارش باستان شناسی درباره یافتن آلات حرب و به خصوص تیغه شمشیر در اطراف مکه و مدینه منتشر نشده و در حاک برداری های پراکنده در ماجرای گسترش این شهرها نیز شمشیر و سپر و زره و کلاه خود و خنجر و نیزه و غیره یافت نشده است و تا زمانی که گزارشی در این باب نبینیم قضیه همان است که نوشته ام. توجه کنید که یهودیان در همه چیز برای مسلمانان دروغ بافته اند و به طور کلی فرهنگ بشری را با سناریوی فیلم های عوام پسند هالیوودی اشتباه گرفته اند. مثلا اگر شرایط اقلیمی مکه و مدینه چنین باشد که آن ها تبلیغ می کنند، یعنی خشک و بدون آب، آن گاه آن پیامبری که در ان شرایط اقلیمی دستور 5 بار گرفتن وضو در روز می داد، همه را با پوزخند از گرد خود

پراکنده می کرد. این مسائل چیزی است شبیه حرم سراهای مسلمین، آدم خوری سیاهان و پوست سر کندن سرخ پوستان که جز در فیلم های هالیوودی برای مردم عوام منبع و مستند دیگری ندارد. باید از این دروغ بافان پرسید اگر سرزمین وحی فاقد امکانات رشد بوده است، پس این همه یهودی و نصاری در آن اقلیم دنبال چه منافعی بوده اند؟!

نویسنده: منصور

شنبه 14 فروردین1389 ساعت: 10:26

جناب طالب حقیقت با سلام
لازم است به نوبه خود از شما برای تهیه کلیپ آثار باستانی جهان تشکر و قدردانی نمایم. عالی بود. در ضمن آیا کلیپ بدون صدا بود؟
اتفاقا حالا که استاد با سه مستند قبلی شاهرگ دروغ پردازی را زده است بهتر می توان کلیپ های این چنینی تهیه کرد.
مثلا با استفاده از پشت برده های طاق بستان که کار بسیار عالی از اقای اتفاق است می توان یک کلیپ مستقل تهیه کرد.
یا با استفاده از آثار استاد راجع به آثار پراکنده در ایران هم یک کلیپ روشنگر تهیه نمود.

جناب صالح به نظر می رسد هیچ یهودی دوست ندارد به این نام خطاب شود کما اینکه نام خود را در ایران به کلیمی تغییر داده اند.

نویسنده: احمد

شنبه 14 فروردین1389 ساعت: 10:29

خيلي ممنون
آقاي پورپيرار كتاب چهارم رو كي شروع ميكنيد انشاالله

آقای احمد. پس از پایان یادداشت های کتاب سوم. ان شا' الله.

نویسنده: رامین.ص

شنبه 14 فروردین1389 ساعت: 10:34

با سلام:
استاد گرامی بهتر نیست مستندی در مورد زندگی و اثار کمال الملک از روی مدارک رو شده ساخته شود؟وهمچنین دوربین به میان کسانی رود که مدعی قوم و خویشی با کمال الملک را دارند تا ببینیم چه مدرکی برای ادعای خود دارند؟با تشکر فراوان.

نویسنده: محسن

شنبه 14 فروردین1389 ساعت: 11:46

سلام
وبلاگ جالبی دارین ولی یه نکته توش هست که نمیتونم حلاجی کنم
شما چرا ازخودتون فقط یه عکس به نمایش گذاشتین و هیچ چیز دیگه ای از شما نیست. مثلا یه توضیحی که کی هستین چه کاره این دینتون چیه کارتون چیه تحصیلات و ... ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

آقای محسن. این حرف ها چه ربطی به آن نوشته ها دارد.

نویسنده: محدثه

شنبه 14 فروردین1389 ساعت: 15:33

 !!!!!!!!!!!!!!!!!!!!

وب سایت

نویسنده: reza

شنبه 14 فروردین1389 ساعت: 18:24

آقای محسن با سلام
آقای ناصر پورپیرار از شناخته شده ترین و باسابقه ترین مولفین و صاحبنظران در عرصه آزاد اندیشی می باشند. یک کهنه کار در عرصه سیاست و فرهنگ این کشور و صاحب قلمی که مولفات متعددی از ایشان به صورت کتاب و مقالات تاکنون چاپ گردیده.
نظریات و مداخل جدید ارائه شده توسط ایشان در باب تاریخ ایران پیش و پس از اسلام موجب بی آبرویی بنگاههای دروغ پردازی غربی و اذناب داخلی شان گردیده. این امر موجب بایکوت و سکوت خبری تمام عیار نسبت به تالیفات ایشان گردیده. طی 13 ساله گذشته و در سایه دولتهای مردم سالار و خدمت گزار و تنها جهت ارضای دستهای آلوده رخنه کرده در مراکز تصمیم گیری این جمهوری ، کتابهای ایشان اجازه چاپ نمیگیرد . تنها بدین سبب است که ایشان در فضای محدود وب به کار طاقت فرسای مبارزه با دروغ ادامه میدهند. به امید بیداری نسلهای حاضر و آینده در زدودن دروغ و نفاق از چهره فرهنگی کشور.

http://naria.ir/

http://www.naria.ir/forum/

http://www.karangbooks.com/historical/index.htm

وب سایت

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 14 فروردین1389 ساعت: 18:43

آقای پورپیرار عزیز،
با سلام،

میدانیم که خداوند در قرآن کریم به سنت الهی عقوبت اقوام گوناگون اشاره فرموده تا جائی که بعضی از آنها به سان برگهای خشکی در اثر صیحه ای تبدیل شدند و از آنها افسانه ای بیش نمانده. آیا این مطلب که رخداد پوریم الزاما قتل عام وسیعی بوده یا خیر را، و یا کلا این توجیه خالی از سکنه بودن سرزمین ایران بخاطر عقوبت های مختلف، احیانا گفتمان بررسی های تاریخی شما را تحت الشعاع قرار نمیدهد؟ اگر نه لطفا یک توضیحی بفرمائید چرا؟

آقای علی. به رعایت شادی و دل خوشی شما، فرض کنیم خالی از سکنه ماندن ایران نه حاصل عواقب پوریم که به سبب مجازات خداوند و نزول مصیبتی بزرگ بوده است. آن گاه باز هم باید مولفین کتاب های تاریخ و ادب و فلسفه و علوم و تدوین کنندگان دواوین شعرا برای این سرزمین از خشم خدا تخلیه شده، یعنی یهودیان را لعنت کنیم که با آگاهی های مردم ما بازی کرده اند! نه آقای علی. به خاخام سلام برسانید و بفرمایید راه های گریز بسته است.

نویسنده: هومن

شنبه 14 فروردین1389 ساعت: 18:52

سلام استاد..
اومدن بهار زیبا رو بهتون تبریک میدم....
توی این چند وقته به علت ناراحتی کبدی و 1000 تا مشکل دیگه نتونستم زیاد مطاللعه تاریخی انجام بدم...........
فقط یه مطلبی هست که گفتم بهتره به شما بگم چون جالبه....
چند سال پیش یه دوست ترکیه ای من یکسری عکس و فیلم از حرمهایی توی چین بهم نشون داد که بنا به گفته خودش مطعلق به تورکهای باستان هست.....همینطور این حرمها رو میشه تو google earth به راحتی مشاهده کرد......و دولت چین روی حرمها خاک ریخته و درخت کاری کرده و اونها رو مخفی میکنه.. این حرمها شباهت زیادی به زیگوارتهای خاورمیانه ای دارند....
البته من حرفهای ایشون رو جدی نگرفتم....
تا اینکه این خبر رو درباره کشف باستانشناسان المانی خوندم.....

http://www.trtpersian.com/trtinternational/fa/newsDetail.aspx?HaberKodu=ee76e532-310b-4b4c-af96-e4f75bdd9322

جالبه اینکه معمولا کشفیات مربوط به تاریخ ترکها معمولا توسط المانیها انجام میشه....مثل بار قبل که باستانشناسان المانب با کشف میمویایی ها زا ساکنان اولیه ترکستان شرقی ثابت کردند که مردم این خطه هیچ وقت چهرهچینی نداشتند و اولین ساکنان اوجا ترکان سفید پوست بودند نه چینیهای هان.....
نکته جالب اینکه در کشف جدید چینیها هان در چند سال اخیر تمامی چهره های مومیایی ها رو از بین بردن تا نژاد مومیاییها مشخص نباشه....

چند دفیلم از این حرمها:

http://www.youtube.com/watch?v=D0lqN-BtCes

feature=related&http://www.youtube.com/watch?v=wYG3NLurGXo

http://www.youtube.com/watch?v=Alj3xspWTsw

و همینطور چند تا عکس:

http://www.panoramio.com/photo/18120497

آقای هومن. هزار رحمت به ان داستان استخوان های 50 هزار سرباز هخامنشی در مصر و پیدا شدن کتیبه سند مالکیت خلیج فارس در جزیره خارک که در مقابل این ابر دروغ ابلهانه حقیقت مطلق شناخته می شوند.

نویسنده: توحید

شنبه 14 فروردین1389 ساعت: 16:31

سلام استاد

واقعا توضيحتان روشنگر بود . گاهي غبطه مي خورم كه چرا شاگردانتان از نعمت وجودتان استفاده مطلوب را نمي برند و از جمله خود من چرا حتي در سوال كردن هم تنبلي مي كنم .

با تشكر . في امان الله .

نویسنده: لینک

شنبه 14 فروردین1389 ساعت: 20:16

دروغ 13
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%BA_%DB%B1%DB%B3

نویسنده: صالح

شنبه 14 فروردین1389 ساعت: 21:45

آقای محسن سلام
من تقریبا یک سال است که با کتابها ونوشته های استاد پورپیرار آشنا شده ام وتاسف می خورم که چرا زودتر ازاین، دانستنیهای ایشان را ندیده ام ولی در مقابل خوشحالم که در این مدت یک ساله اکثرمطالب وکتابهای استاد را مطالعه کرده ام واحساس میکنم از خواب غفلت وجهل عمیقی بیدار گشته ام که با مُسکن دروغ ساخته شده به دست اجنبی یهودی به خوردمان داده اند. آقای محسن من هم مانند شما پایه تحصیلاتی استاد را نمیدانم وبه این امرهم اهمیت نمی دهم چون در خرد ودانش او انسانیت وحقیقتی نهفته است که کمتر کسی در این دنیا از آن بر خوردار میباشد مطمئن باشید که بزرگترین وبرجسته ترین دانشگاههای جهان با مدارک ادعایی خود ، چنین انسانی دانا وحقیقت جویی را به بار نخواهند آورد ، بلکه هرکتاب خردمندانه او، خود برابر با دانشگاهی است که نسلهای آینده حقیقت جو وسازنده ای را برای این مملکت به بار خواهد آورد .

استاد بزرگوار جا دارد که در اینجا بخاطر زحماتی که حتی در این کهولت سنی ومشکلات زندگی برای آگاهی این نسل ونسلهای آینده بشریت می کشید تشکر کرده و از دور دست شما را بوسیده و خداوند اجر دنیوی وآخرت را نصیبتان گرداند .

آقای صالح. ممنونم وفقط مشغول انجام وظیفه ام.

نویسنده: طالب حقیقت

یکشنبه 15 فروردین1389 ساعت: 0:15

آقای منصور. ممنون.
بله؛ کلیپ بدون صدا بود. سعی بر این بود که این کلیپ با حداکثر کیفیت و حداقل حجم تهیه شود. ممکن بود صدای مناسبی انتخاب نشود وعلاوه بر آن حجم کلیپ را افزایش دهد؛ بنابراین از آن صرف نظر کردم.
در مورد کلیپ های دیگر هم تا ببینیم خدا چه می خواهد.

نویسنده: دی جی

یکشنبه 15 فروردین1389 ساعت: 3:27

اثبات شیعه در عرض یک دقیقه:

http://www.aviny.com/clip/mazhabi/gharaati-shie-sonni.zip

آقای دی جی. ایشان در مدت 14 ثانیه معلوم کردند که فرقه ها تماما دکان های پر آب و نان فقیهان است.
1. در 7 ثانیه اول فرمودند در زمان پیامبر شیعه و سنی نبوده که خود به فرقه بازی معنای تصرف در دین خدا می بخشد.
2. در 7 ثانیه بعد اعلام می کنند که شیعه تبعیت کنندگان از فقیهان نخستین اند، که به هر حال پیروی از غیر خداوند و رجوع به رسائل و وسائل به جای قرآن است، تا مثلا علی رغم قرآن حکم رجم صادر کنند.

نویسنده: یه دانشجو

یکشنبه 15 فروردین1389 ساعت: 3:45

بنیان اندیش عزیز اقای هومن: امیدواریم که درد کبد تان بهبود یافته و آن هزار مشکل تان به زودی برطرف گردند که شما بتوانید به جرگه سلحشوران بینان اندیش به پیوندید که در این عصر و زمانه وجود افرادی مانند شما و اترش و توحید عزیز و استاد غفوری و عابدی و صد های دیگر که بدون استراحت در راه گسترش اندیشه های ناب استاد پورپیرار سر از پا نمی شناسند حکم کیمیا را دارد. از درگاه خداوند متعال برای شما سلامتی و موفقیت و سرفرازی ارزومندیم. اما برادر محترم من: شمایی که توانایی و استعداد کشیدن مو از ماست جعلی ترک ها را صاحب هستید چرادر این پیامتان بارها هرم ها(اهرام) را حرمها قید کرده اید.؟ ایا این برای یه بنیان اندیش ناب افت ندارد.؟ و ایا دنیای یهود از این شلخته بازی های دوستان حد اکثر سو استفاده را نمی کند.؟ حتما که میدانید امروزه دنیای یهود همه نیرویهایش را برای خفه و یا بی اثر کردن و یا خدشه وارد کردن به بنیان اندیشانی که از استاد پورپیرار حمایت می کنند سازماندهی کرده است.

نویسنده: عباس

یکشنبه 15 فروردین1389 ساعت: 3:45

استاد در برنامهٔ رنگارنگ آقای به اسم آقای نودوشانی به شما توهین می کند. و می گوید که شما الان در آمریکا هستید.
من خیلی دوست دارم که به این برنامه زنگ بزنین و از خود دفاع کنید.شمارهٔ تلفن هست.۰۰۱۱۴۹۴۰۳۶۱۹۴۱۰۳

آقای عباس. ده سال است توهین می کنند، تهمت می زنند و فحش می دهند ولی تخت جمشید همچنان نیمه تمام و پاسارگاد قلابی است. به این اباطیل اهمیت ندهید. استاد بزرگ شان نوری زاده و ده ها نظیر و بدتر از او، آن قدر پارس کردند تا از نفس افتادند و حتی کرکره وبلاک و سایت های شان را نیز پایین کشیدند. این یکی هم به همان ترتیب.

نویسنده: ×××

یکشنبه 15 فروردین1389 ساعت: 5:42

آقای محسن شک نکنید که استاد در زمینه تاریخ و باستانشناسی تحصیلات دانشگاهی ندارند و البته این حسن است چون در غیر اینصورت با قالبهای فکری و محدود دانشگاه میشدند مثل سایر اساتید مثلا تاریخ دان .

نویسنده: ×××

یکشنبه 15 فروردین1389 ساعت: 5:50

استاد سلام. در خصوص جوابتان به آقای توحید در مورد اسلام و شمشیر نکات جالبی فرمودید ولیکن یک موضوع برایم مبهم است آیا آن قسمت که فرمودید:(اگر شرایط اقلیمی مکه و مدینه چنین باشد که آن ها تبلیغ می کنند، یعنی خشک و بدون آب، آن گاه آن پیامبری که در ان شرایط اقلیمی دستور 5 بار گرفتن وضو در روز می داد، همه را با پوزخند از گرد خود پراکنده می کرد..... اگر سرزمین وحی فاقد امکانات رشد بوده است، پس این همه یهودی و نصاری در آن اقلیم دنبال چه منافعی بوده اند؟!) منظورتان این است که اقلیم عربستان صدر اسلام با اقلیم الان متفاوت بود؟ یا بعثت پیامبر در عربستان فعلی نبود ؟ متشکر میشم جواب دهید

آقای ×××. منظورم این است که دروغ شنیده اید، به نشان رشد دین اسلام که مستلزم دریافت صحیح از متن آیات قرآن بوده، نه مردم نجد در زمان دعوت پیامبر عقب افتاده و بی خبر از مبانی بوده اند و نه آن محیط در شرایط توقف ناشی از قهر طبیعت. البته بازسازی تصویر درست همه جانبه از آن دوران نیاز به کار وسیع و بودجه کلان دارد که فعلا صرف نشست های حرف مفت مثلا اهمیت زبان فارسی در جهان و یا بزرگداشت مولانا و از قبیل او می شود!

نویسنده: عباس

یکشنبه 15 فروردین1389 ساعت: 6:38

استاد اگر در کا مپیوتر جستجو کنید و این اسم راnodoushani omidlبگذاریدشایدآنرابشناسید

نویسنده: هومن

یکشنبه 15 فروردین1389 ساعت: 12:49

سلام اقای دانشجو.....
والا من از بچه گی با دیکته فارس مشکل دارم.....مخصوصا وقتی در عرض یک دقیق بخوام یه مطلب رو بنویسم....و کلا برام دیکته انگلیسی اسون تره....البته تو چند سال اخیر اونقدر فینگلیش جا افتاده که فکر کنم دیکته بیشتر اشخاص ضعیف شده....باز هم ممنون سعی میشه تکرار نشه.....

و سلام خدمت ستاد فرزانه و محترم.....
من در حدی نیستم که بخوام نظری بدم و یا حرفی روی حرفهای شما بزنم
ولی قبول کنید انسانها نی تونند در همه زمینه ها با هم هم عقیده باشند مثلا من هیچ وقت نمی تونم صدام رو ببخشم...
جناب استاد الان سالهاست که همگان از وجود هرمهای سفید در چین خبر دارند..البته نمونهای این هرمها توسط روسها در اسیای مرکزی پیدا شده و مثل یک گوشواره نیست که بشه راحت جعلش کرد....از طرفی می تونید براحتی میتونید براحتی با نرم افزار google earth هرها رو مشاهده کنید.....
همنوطور که میدونید دولت چین دشمن مردم مظلوم ترکستان هستند...
یعنی ممنکه چینی بیاند برای ترکها تاریخ بسازند؟؟؟؟؟؟؟
اگه ساختند چرا روی هرمها خاک میریزند و درخت می کارند یا چهره مومیایی هارو از بین می برند و به توریستها ومحققین اجازه رفت و امد نمیدند....چرا مسلمانان اون دیار رو با ساتور و کارد و..تیکه تیکه میکنند؟؟به زنانشون تجاوز میکنند؟

ایا ما هرچی از تاریخ ترکستان میدونیم تنها از تریغ کتب غربی که خودمون بهشون مشکوکیم نیست .....یک سوال دیگه از مشا داشتم؟
ایا شما بجز خودتون محقق اسلامی مستقل و صاحب کشفیات در زمینه تاریخ میشناسید؟....
مردم ترکستان از دیرباز در این منطقه کشاورزی میکردند بر خلاف سایر ترکان...
جالب اینجاست که تنها نقطه ای که قناتهایی مانند کرمان وجود داره همینجاست...

بر خلاف تبلیغات اروپاییها مردم این منطقه به هیچ وجه چهره چینی یا موغولی ندارند...و بیشتر شبیه مردم خاورمیانه هستند....

آقای هومن. سخت سرکار رفته اید. وقتی دولت چین روی اهرام ترکان در چین خاک ریخته و زراعت کرده اند و به کسی اجازه ورود به موضوع و حتی عکاسی نمی دهند، پس شما از کجا این اطلاعات را جمع آوری کرده اید و چگونه با گوگل ارث می توان از آسمان اهرم زیر خاک پنهان شده را دید؟! نمایش نامه می نویسید؟!

نویسنده: هومن

يكشنبه 15 فروردين1389 ساعت: 12:50

تصاویری از مردان این دیار:

http://1.bp.blogspot.com/_eOThecFRKFQ/S3PFRQHiz3I/AAAAAAAAFvE/q7Hk3-CVggA/s1600-h/East+Turkestan+%28Turkistan%29+Hizbul+Islam+%28Islam+Awazi%29+6.jpg
http://3.bp.blogspot.com/_eOThecFRKFQ/S3PFRi-zMCI/AAAAAAAAFvM/xBAgHlEJvc0/s1600-h/East+Turkestan+%28Turkistan%29+Hizbul+Islam+%28Islam+Awazi%29+7.jpg
http://www.eastturkistangovernmentinexile.us/ANWARPRESSCLUB.bmp
&g2_itemId=225&http://www.gallery.uyghuramerican.org/main.php?g2_view=core.DownloadItem
g2_serialNumber=4
http://www.harunyahya.com/images_books/images_china/dturkistan82.jpg
http://i.pbase.com/g6/61/30061/2/84594438.Dx2nXASc.jpg
http://www.eastturkistan.org.au/en/news/files/albania-uyghur1.jpg
http://www.centralasiatraveler.com/cn/xj/h/images/h_d01_uyghur_men.jpg
http://k53.pbase.com/g6/61/30061/2/84594444.7z8p8wcx.jpg
http://images.google.com/Images/ETFC%20Images/sydetfc1.jpg
http://images.google.com/Images/ETFC%20Images/Sydetfc.jpg

نويسنده: هومن

يكشنبه 15 فروردين1389 ساعت: 12:51

تصاوری از زنان:
&g2_itemId=357&http://www.gallery.uyghuramerican.org/main.php?g2_view=core.DownloadItem
g2_serialNumber=1
http://www.hittheroad.ch/pics/TravelDiaryBilder/China-Kashgar-Xinjian-DSCF4193.JPG
http://pastmist.files.wordpress.com/2009/02/_uyghur_xinjiang_1.jpg
http://images.china.cn/attachement/jpg/site1007/20080410/001372a9ae2709681d8d4a.JPG
http://www.cs.pitt.edu/~mehmud/gallery/arch_art/images/Uyghur_Girl.jpg
http://kara.nomadlife.org/uploaded_images/Modern-Uyghur-Ladies-738580.jpg
http://www.uyghurensemble.co.uk/graphic/w-uyghur-girl.jpg
http://www.imagemosaic.com/exchange/Gul_Yaru_imagemosaic.jpg

نويسنده: هومن

يكشنبه 15 فروردين1389 ساعت: 12:51

تصویری از یک مومیایی کشف شده از صحرای ترکستان:(به هیچ وجه دارای چهره منقولی با ریش کم پشت نیست)

http://www.meshrep.com/PicOfDay/mummies/cherchen_lg.jpg

استاد به این عکسها با دقت نگاه کنید :ایا شما رو یاد چیزی نمیندازن
http://affordablehousinginstitute.org/blogs/us/wp-content/uploads/kashgar_doors.jpg
http://gunsella.interproit.com/images/xinjiang/800/kashgar2.JPG
http://gunsella.interproit.com/images/xinjiang/800/kashgar%201.JPG
http://www.hittheroad.ch/pics/TravelDiaryBilder/China-Kashgar-Xinjian-DSCF4290.JPG
http://www.hittheroad.ch/pics/TravelDiaryBilder/China-Kashgar-Xinjian-DSCF4267.JPG
http://www.hittheroad.ch/pics/TravelDiaryBilder/China-Kashgar-Xinjian-DSCF4275.JPG

نويسنده: آيدين قشقايي

يكشنبه 15 فروردين1389 ساعت: 13:37

سلام به دوستان
دوستان مدتي پيش يكي از پيرمردهاي محل خاطره اي از دوران جواني خودش را تعريف مي كرد. ايشان مي گفتند كه از جواني به چغندر لبو علاقه زيادي داشته اند و ضمناً گفتند كه حدود 60 سال پيش به يكباره اين چغندر كمياب شد و ما در به

در به دنبال چغندر لبو بودیم.
این سئوال در ذهن من شکل گرفت که مگر 60 سال پیش چه اتفاقي افتاده که یکباره در مرودشت چغندر لبو کمیاب شده؟
تا اینکه مستند مجعولات مجلل را که دیدم متوجه قضیه شدم!

نویسنده: لینک

یکشنبه 15 فروردین1389 ساعت: 16:45

یادگاری جنگ جهانی دوم در تهران؛ ورود ایرانی ها ممنوع! + عکس

http://www.parsine.com/fa/pages/?cid=16607

نویسنده: لینک

یکشنبه 15 فروردین1389 ساعت: 16:47

قسمتی از مطالب لینک قبلی
"در سال 1942، مقامات روسی مجوز انتقال و اسکان 24000 شهروند لهستانی و سربازان جدید ارتش آندرس را از روسیه به ایران صادر کردند. انتقال آنان در بهار 1942 آغاز و تا اواخر تابستان همان سال ادامه یافت. در میان این شهروندان 1000 کودک یهودی نیز وجود داشتند که اکثر آنان یتیم بودند. این همان گروهی است که به "بچه های تهران" معروف شدند.

آژانس یهودیان یک پرورشگاه برای کودکان یهودی احداث کرد. 730 کودک یهودی که از آوریل تا اوت 1942 وارد ایران شده بودند در چادرهایی که در زمین های "دوشان تپه" - پادگان نظامی سابق نیروی هوایی ایران خارج از تهران- برپا شده بود، اسکان داده شدند. تلاش برای کمک به تخلیه تعداد بیشتری از کودکان از پرورشگاه ها پس از این نقل و انتقال موفقیت آمیز باعث شد که بعد از تابستان سال 1942 تعدادی دیگر از کودکان لهستانی- یهودی به تهران بیایند."

نویسنده: لینک

یکشنبه 15 فروردین1389 ساعت: 16:52

این هم در نوع خودش جالبه
فرج الله سلحشور در دادگاه محکوم شد + تصویر حکم دادگاه
http://www.parsine.com/fa/pages/?cid=18858

ایلنا: سال 1387 شهادب‌الدین طاهري (نويسنده کتاب ـ فیلمنامه دوجلدي یوسف صدیق) شکایتي را علیه فرج‌الله سلحشور(نويسنده و کارگردان مجموعه تلویزیوني یوسف پیامبر) به دادگاه رسیدگي به جرائم کارکنان دولت تهران ارائه کرد و مدعي شد که سلحشور؛ ایده ساخت سریال یوسف پیامبر از روي کتاب دو جلدي وي بدست آورده است . (ادامه در لینک)

نویسنده: مسعود

یکشنبه 15 فروردین1389 ساعت: 22:38

سلام استاد و وقت شما بخیر.

ضمن تشکر از آقای لینک بابت آن لینک گورستان لهستانی در تهران .

چند سال پیش من در حین مسافرت موفق به بازدید از گورستان معروف به لهستانیها در شهر بندر انزلی شدم . آنجا حدود 600 سنگ قبر با اسامی حک شده اکثرا" لهستانی - آلمانی چیده شده اند که تاریخ مرگ بیشترشان 1942 در گرماگرم جنگ دوم جهانی نوشته شده است . گفته میشود اینان زندانیان و اسرای جنگی لهستانی بوده اند که توسط روسها به سمت شمال ایران و از طریق دریای خزر تبعید شده اند! و در شرح حالشان گفته شده که همگی بخاطر مریضی شدید به محض رسیدن به انزلی و یا در فاصله زمانی کوتاهی فوت شده اند !

استاد گرامی نظر شما چیست؟

http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/9/91/Anzali_cementery_Barry_Kent.jpg/800px-Anzali_cementery_Barry_Kent.jpg

getArticleSubCategory=38&getArticleCategory=60&http://persianmirror.com/Article_det.cfm?id=2541

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 16 فروردین1389 ساعت: 7:29

آقای عابدی. در این نبرد دشوار با جاعلین و دروغ پردازان بی شرم، شما و استاد غفوری از فرماندهان عالی مقام خط مقدم جبهه اید. خداوند پشت و پناهتان.

نویسنده: مسعود سنجری

دوشنبه 16 فروردین1389 ساعت: 9:49

برادر بزرگوار استاد پورپیرار
سلام علیکم

حال که به یاری خدا به مراحل پایانی کتاب سوم نزدیک هستیم آیا قصد گشودن مدخل استثنایی " نبود سکه در تمدن های ماقبل پوریم ایران" را دارید؟
استاد گرامی گشودن این مدخل راه را بر تصوراتی که حادثه پوریم را در حد نزول عذاب آسمانی ارزیابی می کنند مسدود خواهد ساخت. واضح است که یهودیان برای تحمیل روش زندگی مبتنی بر رباخواری با مقاومت جدی مردم و تمدنهای ماقبل پوریم مواجه بوده اند و حذف این گروههای مقاوم برای آنها ضرورت داشته.

نمونه دیگری از این حادثه در زمان نزدیکتری به ما و این بار در آمریکای لاتین رخ داد و قتل عام و نابودی تمدن های مایا, آزتک و اینکا و ... را در این قاره موجب گردید. اگر بیاد بیاوریم که در تمدنهای آمریکای لاتین نیز سکه وجود نداشته است آنگاه با وضعی مشابه با شرق میانه روبرو خواهیم شد. این شباهت حتی در مقاومت مستمر بازماندگان این فجایع در آمریکای لاتین تا زمان حاضر نیز نمود دارد و با مقاومت مردم شرق میانه در برابر یهودیان از جهاتی شباهت دارد. بنابر این می توان عقیده داشت که تحمیل روش زندگی مبتنی بر رباخواری یکی از مهمترین انگیزه های یهودیان در رفتارهایی است که از گذشته تاکنون از خود نشان داده اند.

والسلام علیکم
فی امان الله

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنویسي

ایران شناسی بدون دروغ 260، نتیجه68، شناسایی کمال الملک نقاش، 4 116 - نظر

نویسنده: صبا

دوشنبه 16 فروردین1389 ساعت: 18:50

جناب سنجری اگر بپذیریم مهمترین دلیل برای واقعه پوریم مقاومت جدی مردم وتمدنهای ماقبل پوریم بوده و حذف این گروههای مقاوم ضرورت داشته آنگاه یه سوال باقی میمونه و آن اینه که یهودیان رباخواری را در کدام تجمع تاریخی پیاده کردن و در کل با خالی از سکنه کردن بخش عظیمی از تمدن آن دوران چطور نظام اقتصادی مبتنی بر ربا را میخواستند پیاده کنند؟ تا استاد پورپیرار نظرشان چه باشد؟

آقای صبا. در شرایطی که کل موجودیت و بقای قوم یهود موکول به اجرای قتل عام پوریم شده بود، این گونه ملاحظات یک امر فرعی شمرده می شد.

نویسنده: آیسان

دوشنبه 16 فروردین1389 ساعت: 19:3

سلام استاد پورپیرار و دیگر دوستان.

استاد شنیده ام در سرزمین مصر مورخی چون شما پیدا شده است که سعی در بازبینی بنیانهای تاریخی مصر باستان دارد. طبق ادعای این فرد اهرام مصر ساخت سلسله های فراعنه نیست و از پیش از آنها در مصر بوده است. آیا شما در این مورد تحقیقی داشته اید و با این نظر موافقید؟

آقای آیسان. از این موضوع بی خبرم.

نویسنده: حسین

دوشنبه 16 فروردین1389 ساعت: 19:34

جناب استاد نظریه احسان یار شاطر درباره تاتی بودن زبان مردم اذربایجان را چگونه ارزیابی مینمایید.

آقای حسین. با آن نظریه آشنا نیستم.

نویسنده: فرشته

دوشنبه 16 فروردین1389 ساعت: 22:15

سلام استاد بزرگوار
تو کتاب ساسانیان قسمت اول درباره سفر "سرگور اوزلی"برادر سفیر انگلیس در ایران و فعالیت های مکتشفانه او در تخت جمشید و ری پرداختین پس با توجه به این مطلب که در مقاله هایی که مربوط به نقشه های شهر های ایران آورده بودین و بیان کردین که در آن زمان انگلیس در ایران سفارت خانه ای نداشته پس تکلیف این سفیر و حتی شارحین و باستان شناسان قبل از اوزلی چیه چون به نظر من در اون زمان فقط روسها به ایران آمد و شد داشتن؟

خانم فرشته. در نبود سفارت خانه در تهران، به جز سفارت خانه روس در حوالی 185 سال پیش تردیدی نیست.

نویسنده: یکی از خودتون

دوشنبه 16 فروردین1389 ساعت: 22:16

با توجه به پخش مستند تختگاه هیچ کس با یاری جناب عباس عزیز از دوستانی که قادر به تماس با آن شبکه هستند خواهشمندم با مطرح کردن بحث حول این قضیه مسئولان شبکه را وادار به پخش چند باره این مستند کنند و حتی در مقام پاسخ به کسانی که قصد سنگ اندازی در پخش این مستند دارند برایند البته فکر نمی کنم این کار هزینه زیادی داشته باشد نهایتا با شبکه هوشمند شاید 5 دقیقه صحبت با آن شبکه 250 تومان هزینه خواهد داشت که سرعت انتقال مباحث وبلاگ را افزایش می دهد.

نویسنده: فرشته

دوشنبه 16 فروردین1389 ساعت: 22:18

در مورد سکه های اشکانی ،با توجه به بازه 500 ساله ای که اونها در ایران زندگی می کردن به نظر من یا منطقه ونها توسط یک فرماندار یا یک حاکم اداره میشد و هر حاکم در اون مدت حکومتش به ضرب سکه می پرداخت یا ممکن بود حکومت شان یک حکومت دمکرات بود و هر دفعه طی یک انتخابات یک نفر انتخاب میشد و وی به ضرب سکه می پرداخت ضمنا در مورد (علامت ضرابخانه یا خانوادگی) اگر دقت کرده باشین در اکثریت مواردجایی که تاریخ ضرب بر روی سکه نقش بسته این علامات وجود ندارن و در جاهایی که علامات وجود دارن تاریخ ضرب وجود ندارد پس احتمالا این علامات بیانگر تاریخ و سال ضرب سکه هستند
مرسی

خانم فرشته. بیان مطلب واضح نیست. در یونانی نیز مانند سیستم ابجد هوز، حروف به جای کمیت های عددی به کار می روند که جدول آن را در ابتدای مبحث اشکاتیان و یا جلد اول ساسانیان آورده ام.

نویسنده: لینک

دوشنبه 16 فروردین1389 ساعت: 23:49

استاد تقارن عید پاک با نوروز چه معنایی می تواند داشته باشد؟ جالبه یکی از کارهایی که در این عید انجام می شود رنگ کردن تخم مرغ است که این یکی از مواردی که در سفره هفت سین استفاده می شود
عید پاک در ویکی پدیا
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%DB%8C%D8%AF_%D9%BE%D8%A7%DA%A9

آقای لینک. این یکی می تواند بر سبیل تقارن اتفاقی باشد. برای وصول به حقیقت آن خود شما کار تحقیق را آغاز کنید.

نویسنده: sadegh

سه شنبه 17 فروردین1389 ساعت: 0:36

با سلام خدمت استاد گرامی و دیگر دوستان

استاد گرامی خسته نباشد خدا قوت .
خدمت شما سوالی داشتم آیا می توان واژه و اصلاح هادوا را بر گرفته از این آیه گرفت که آنها بعضی از پیروان حضرت

موسی هستند که توبه کرده اند و خود را هدایت شده نام گزاردند.

وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاء مِنَّا إِنْ هِيَ إِلاَّ فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاء وَتَهْدِي مَن تَشَاء أَنتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿الاعراف۱۵۵﴾
و موسی از میان قوم خود هفتاد مرد برای میعاد ما برگزید و چون زلزله آنان را فرو گرفت گفت پروردگارا اگر می‌خواستی آنان را و مرا پیش از این هلاك می‌ساختی آیا ما را به [سزای] آنچه کم‌خردان ما کرده‌اند هلاك می‌کنی این جز آزمایش تو نیست هر که را بخواهی به وسیله آن گمراه و هر که را بخواهی هدایت می‌کنی تو سرور مایی پس ما را بیامرز و به ما رحم کن و تو بهترین آمرزندگانی ﴿الاعراف۱۵۵﴾

وَاكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاء وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿الاعراف۱۵۶﴾

و برای ما در این دنیا نیکی مقرر فرما و در آخرت [نیز] زیرا که ما به سوی تو بازگشته‌ایم فرمود عذاب خود را به هر کس بخواهم می‌رسانم و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است و به زودی آن را برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند و زکات می‌دهند و آنان که به آیات ما ایمان می‌آورند مقرر می‌دارم ﴿الاعراف۱۵۶﴾

پیروز باشید.

نویسنده: آرمین

سه شنبه 17 فروردین1389 ساعت: 8:56

سلام.میخواستم ببینم آیا در موسیقی ایرانی هم چنین تناقضاتی وجود دارد.مثلا همین ردیف میرزا عبدالله که روایت های گوناگون و مختلفی از آن وجود دارد.

آقای آرمین. آن یکی بدتر از این یکی است. به کتاب فرزندان استر مراجعه کنید.

نویسنده: فرشته

سه شنبه 17 فروردین1389 ساعت: 11:13

استاد پس اگه سفارت خانه ای نبوده پس این اشخاص چه کسانی هستن ضمنا این افراد از کجا می دونستن که باید مثلا به استان فارس برن نه مثلا سمنان قبلا تو هیچ جایی درباره این مکانها ذکری نشده بوده؟
تشکر

نویسنده: فرشته

سه شنبه 17 فروردین1389 ساعت: 11:18

در مورد اون علائم منظور من این بود که اون علائم پشت سکه های اشکانی نشان خانوادگی یا علامت ضراب خانه نیستن بلکه تاریخ ضرب سکه ها هستن

خانم فرشته. چندین یادداشت پیاپی در حول شماره 50 در توضیح این نشانه ها موجود است، بیابید و بخوانید.

نویسنده: عادل

سه شنبه 17 فروردین1389 ساعت: 11:36

با سلام
جناب پورپیرار آیا کانال noor tv را در ماهواره هاتبرد مشاهده کردیده ؟ بنظر مطالبش بنسبت غیر متعصبانه باشد.

آقای عادل. امکانات استفاده از ماهواره را ندارم. ولی نام آن کانال به دلایلی مرا مشکوک می کند.

نویسنده: علی از مالزی

سه شنبه 17 فروردین1389 ساعت: 17:13

آقای پورپیرار سلام،

کامنت قبلی منو نصب نکردید. آیا نوشته ای، یادداشتی دارید که آن موضوع را بحث کرده باشد تا من سراغ آن بروم؟ متشکر.

نویسنده: مسعود سنجری

سه شنبه 17 فروردین1389 ساعت: 20:24

آقای صبا
سلام علیکم

از نوشته شما چنین برمي آید که از اینجانب سئوال نموده اید و از استاد پورپیرار جواب خواسته اید. همانگونه که استاد گرامي فرمودنددر شرایطی که کل موجودیت و بقای قوم یهود موکول به اجرای قتل عام پوریم شده بود، این گونه ملاحظات شما یک امر فرعی شمرده می شد . اگر پاسخ ایشان را کافي مي دانید این یادداشت را در نظر نگیرید. پرسیده اید که یهودیان نظام رباخوارانه خود را در کدام تجمع تاریخ برقرار نموده بودند؟ ابتدا باید پرسید که این قوم از چه دوراني در تاریخ ظاهر گشته است و بعد به دنبال اثرات آن براي رسیدن به پاسخ سئوالتان باشیم. اما در کنار آن نه براساس فرضیات و خیالبافي بلکه به اشارات واضح قرآن کریم از سرگرداني قوم یهود اطلاع داریم. پس آنان در محدوده وسیعي از مناطق جهان بصورت پراکنده حضور داشته و همواره براي تحمیل روش زندگي خویش به دیگران تلاشي خستگي ناپذیر داشته و دارند. این تلاش با بخدمت گرفتن امکانات دولتها در زمانهاي نزدیك به دوران ما ابعاد وسیع تر و خطرناکتري یافته است. براي کمك به فهم بهتر این موضوع بود که اینجانب از استاد پورپیرار گرامي پرسیده بودم که در چه زماني مدخل استثنایي " نبود سکه در تمدن هاي ماقبل پوریم ایران و شرق میانه " را خواهند گشود؟

والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: ×××

سه شنبه 17 فروردین1389 ساعت: 21:35

سلام استاد. میخواستم بدونم که آیا اسامی ای از مردان و زنان تمدن ممتاز شرق میانه در تاریخ ایران قبل از پوریم ثبت شده که بشود از آن برای نامگذاری فرزندانمان استفاده کنیم؟مرسی

آقای ×××. به کتیبه بیستون و مثلا به اسامی سردارانی رجوع کنید که دست و گردن در طناب داریوش دارند. نام های شخصی فراوانی در آن کتیبه است که امروز ما را می خنداند. مثلا مرتیه و یا چین چه فری. این که می نویسم از ارتباط با آن هستی به علت قتل عام کامل محروم شده ایم یعنی همین!

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 17 فروردین1389 ساعت: 18:7

سلام به استاد عزیز و دوستان محترم
همه مستحضر هستند که انجمن بنیان اندیشی با اهداف معین و روشن شکل گرفته است و یقینا برای جان گرفتن و به جریان افتادن نیازمند همیاری و فعالیت دوستان بنیان اندیش است.
ولی کو همت؟ نه تنها مدیریت بخشهای مختلفی از انجمن بلاتصدی مانده است، بسیاری از دوستان فقط اسم شان را بعنوان یادگاری نوشته و غیب شده اند و در هیچ مبحث و موضوعی حضور پیدا نمی کنند و اینطور که پیداست حتی انجمن را به دوستان، همکاران و هم کلاسیان خود نیز معرفی نمی کنند!؟
مسئولیت چنین کارهایی به غیر از بنیان اندیشان به عهده کیست؟
استاد عزیز به گمانم باید برای این امور هم خودتان نیرو و وقت بگذارید، مسیر منزل تا دفتر برای تبلیغ انجمن بایستی مثمر ثمر باشد!!!

فریبا خانم. صبورتر باشید و بر غنای مطالب بیافزایید طالب آن از راه خواهد رسید به خصوص که در مدت کمی که تابلو انجمن بالا رفته بی اعتنایی ندیده اید. اگر لازم می دانید برای فوروم شمارنده نیز بگذارید.

۳ ۲ ۱

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 261

ایران شناسی بدون دروغ 261، نتیجه69، شناسایی کمال الملک نقاش، 5 59 - نظر

نويسنده: يه دوست

چهارشنبه 18 فروردين1389 ساعت: 7:26

سلام
كتاب «علي‌نامه» اثري به سبك شاهنامه فردوسي و مربوط به اواخر قرن پنجم هجري!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!

وب سایت

نويسنده: ×××

چهارشنبه 18 فروردين1389 ساعت: 8:4

سلام استاد
خداوکیلی در خصوص نام خانوادگی همان چیزی را میگید که پدربزرگم که 25 سال پیش فوت کرده بود میگفت.موفق باشید

نويسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 18 فروردين1389 ساعت: 6:40

سلام
استاد قصد من هم دعوت دوستان برای غنی کردن انجمن از مباحث متنوع و سازنده است تا مهمانانی که از آن دیدن می کنند راغب به عضویت و مشارکت شوند.
انصاف نیست که همه ی کارها به دوش چند نفر باشد، به هر حال همه کار و مشغله دارند و کسی بیکار نیست.

فریبا خانم. این گونه امور داوطلبانه و به عنوان انجام وظیفه است و تحمیلی نیست. دوس تان بدانند که مسئولیت حمل بار بر عهده گرفته را باید به هر قیمت به دوش کشید.

نويسنده: آيدين قشقايي

چهارشنبه 18 فروردين1389 ساعت: 10:45

سلام به دوستان
محقق ارجمند جناب آقاي پورپيرار
با تشكر از شما بابت روشنگريهايتان
با توجه به مطالب اخير شما من اين برداشت را دارم كه :
1-ايران فعلي تا حدود 100 سال پيش بخشي از مستعمره روس بوده و حكام روس طبق روال معمول هر حكومتي، براي آن حكامي انتخاب مي كرده اند و حتي با آزادي كامل در حدود 150 سال پيش از آن نقشه برداري مبسوط نيز به عمل مي آورده اند.
2-آنچه كه ما با عنوان نهضت مشروطيت در تاريخ ايران مي شناسيم در واقع حربه اي بوده كه انگليسيها و يهوديها با هدف درآوردن ايران از چنگال رقيب ديرينه خود -يعني روسيه- به كار بسته و با تحريك عده اي عملاً حكومت طرفدار روسيه -يعني قاجار- را ساقط و به جاي آن با كودتا رضا شاه مطيع خود را حاكم كرده اند. مي توان گفت قتل ناصرالدين شاه هم با همين نيت توسط اينان صورت گرفته است.
آيا اين برداشت صحيح است؟

آقای قشقایی. به حقیقت مطلب نزدیک شده اید. با این توجه که اقدام تزارها برای تولید نخستین حاکمیت پس از پوریم در ایران، به اراده کنیسه و کلیسا انجام شده و صورت ماموریت دارد و قضایای بسیار دیگر که انقلاب مشروطه را به داد و ستدی در طبقات فوقانی اجتماع تبدیل می کند و آن قهرمانان اسب سوار و تفنگ به دست را مزد بگیران این یا آن طرف!؟ ان شاُ الله اگر دوام عمر و خواست خدا اجازه داد خدمت مطلب خواهم رسید.

نويسنده: امید صادقی

چهارشنبه 18 فروردين1389 ساعت: 11:48

سلام استاد گرامی قبلاً خدمتتان عرض کرده بودم تعدادی از تصاویر مخصوصاً آرشیو سالهای قبل نمایش داده نمیشود. متاسفانه این مشکل هنوز حل نشده است. آیا امکان دارد کل مطالب ایران شناسی بدون دروغ را همراه با تصاویر مربوطه در قالب یک دی وی دی در اختیار علاقه مندان قرار دهید متشکرم

نویسنده: آیدین قشقايي

چهارشنبه 18 فروردین1389 ساعت: 11:57

با سلام مجدد خدمت دوستان
جناب پورپيرار با تشكر از شما بابت پاسختان
اشاره فرموديد به سواران تفنگ به دست مزد بگير. به دين تريب بايد بزودي شاهد ريختن پشم و كرك بسياري از كساني كه تا كنون به نام قهرمانان مشروطيت به خورد ما داده اند باشيم. اميدوارم حداقل اگر تا كنون عملاً از اين قهرمانان خيري عايد ما نشده حداقل بتوانيم كرك و پشمشان را جايي صادر كنيم و از اين طريق حداقل كمكي به اقتصاد اين مملكت بكنيم!!!!

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 18 فروردین1389 ساعت: 8:44

غرض اینه که همه باید احساس مسئولیت کنن، هر کسی که خودش رو بنیان اندیش می دونه، بایستی مشارکت صمیمانه و دلسوزانه داشته باشه، چون گردوندن امورات متنوع این انجمن در توان چند نفر معدود نیست، حتی اگه اون تعداد معدود مسئولیتشون رو به نحو احسن ایفا کنند.
و البته ما به آینده امیدواریم.

فریبا خانم. باید و نبایدی در کار نیست.

نویسنده: AREF

چهارشنبه 18 فروردین1389 ساعت: 15:36

salam ostad
khasteh nabashid
ashkartar shamshir ru mikhoond goft hokm bardeh dary mansookh nist zira bardeh dary akhoondy keh eslam wa az sarbazy nadarim.

نویسنده: AREF

چهارشنبه 18 فروردین1389 ساعت: 15:42

doost aziz agaye haji zadeh
waziifeh amadeh im na kar wa mashgaleh ma be in donya baraye anjame.

نویسنده: هومن

چهارشنبه 18 فروردین1389 ساعت: 16:35

استاد ای کاش می شدد کل مطلابتون رو به صورت کتاب دربیارین...بسیار نفیس می شد

آقای هومن. به امید خدا مشغولم.

نویسنده: هومن

چهارشنبه 18 فروردین1389 ساعت: 16:40

اصلاح میکنم.قصدم از کتاب نسخه pdf بود

نویسنده: هومن

چهارشنبه 18 فروردین1389 ساعت: 17:13

استاد در رابطه با هرمها نظر شما رو 100 قبول دارم... ولی خوب عکسهایی که براتون گذاشتم خودش می تونه ثابت کنه مردم ترکستان شرقی هیچ وقت چهره مونقولی نداشتند................
من در اینجا نظریه مهاجرت برعکس رو مطرح میکنم...یعنی اقوامی مثل سومریها یا پروسومرها ممکنه به ترکستان و اسیاس

مرکزی مهاجرت کرده باشند ...و در اثر امیزش با مردم اون دیار اقوام ترک فعلی رو به جود اوده باشند ..با نگاه به زندگی مردم ترکستان شرقی متوجه می شید که با تمام ترکها تفاوت دارند و به کشاورزی مشغول هستند.
بافت معماری منطقه هم فوق العاده شبیه خاورمیانه و بغداد هست...همونطرو که تو عکسها براتون فرستادم.....
حتی مهاجرت این مردم می تونه در اثر کشتاری که یهودیان به پا کردند هم باشه....
خصوصا اونم وقتی که سومریان اسیای مرکز رو میشناختندو از سنگهای قیمتی به عراق می اوردند

برای نمونه همین دیکشنری کوچک رو براتون میزارم که توی ترکی میتونید 10 ها لغت سومری پیدا کنید:
Turkish ..... English ...... Sumerian
(Crown .... Aga .... Aga (=Lord
(Arku .... arka (=back .... Back of head
U, un .... on 10
Ama .... But .... Am
Come .... Gen, Gin .... Gel
Kur .... KIr .... Country side
(Estate .... E .... Ev (=house, estate
Excessive (extra) .... Dirig-Dirig .... Diri diri
Bu-Bu-Lu .... Bul .... (Find (to
Tangara, Tengri ,God .... Dingir .... Tengir, Tengere
Bulug .... Grow (to make) .... Bulug

http://www.storm.ca/~cm-tntr/sumerturka.html

نویسنده: ثانیه

چهارشنبه 18 فروردین1389 ساعت: 18:2

به تازگی با وبلاگ و سایت شما آشنا شده ام - فیلم ها راهم دانلود و مشغول مطاله هستم
برایم سخت هست و به نوعی با کراهت می خوانم و پیگیرم مطالبتان را
اما به هر حال - جستوجگر هستم

از این پس هر روز به هنگام وبگردی ابتدا باوبلاگ و سایت شما شروع خواهم کرد

ضمنا با اجازه قبلی از شما؛ لینک شما به وبلاگ ثانیه افزوده شد

ثانیه
sanye.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: لینک

چهارشنبه 18 فروردین1389 ساعت: 18:7

پشت‌پرده هتک حرمت مقبره آیت‌الله خاتمی
http://parcham.ir/vdcf.td1iw6dy1giaw.html

سیدحسن خمینی در ایام نوروز کجا بود؟
http://parcham.ir/vdcb.0b9urhb8aiupr.html

بازداشت رغدصدام/عکس
http://parcham.ir/vdcd.z0n2yt0fxa26y.html

دست ودلبازیهای میلیونی موسوی در عید نوروز
http://parcham.ir/vdce.78objh8zx9bij.html

حکایت خانه متروکه آیت‌الله بروجردی +تصاویر

http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=92545

نامه جلال آل احمد به امام از مکه
http://www.teribon.ir/archives/4043

وزير فرهنگ و ارشاد اسلامي: آموزه‌هاي قرآني بايد در تمام حوزه‌ها از جمله فيلم گسترش يابد
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8901181290

گفتگو با یک دختر آمریکایی تازه مسلمان
http://www.parsine.com/fa/pages/?cid=18948

تونی بلر: چرا کاتولیک شدم؟!
http://www.parsine.com/fa/pages/?cid=18940

محتشمی پور کیست؟
همه چیز درباره دبیرکل برکنار شده
http://www.asriran.com/fa/news/103531/%D9%87%D9%85%D9%87-%DA%86%DB%8C%D8%B2-%D8%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D8%AF%D8%A8%DB%8C%D8%B1%DA%A9%D9%84-%D8%A8%D8%B1%DA%A9%D9%86%D8%A7%D8%B1-%D8%B4%D8%AF%D9%87

نویسنده: اونوتولماز

چهارشنبه 18 فروردین1389 ساعت: 18:16

آقای عارف تشریف فرماییتان به انجمن باعث پررونق تر شدن آن خواهدبود. ضمن اینکه میتوانیم به وسیله پیام خصوصی برخی سوالاتمان را که شما واردترهستید جویا شویم.

نویسنده: آشپز معبد آمون

چهارشنبه 18 فروردین1389 ساعت: 22:22

سلام
amun.4shared.com
majulat.4shared.com
دانلود فیلم مجعولات مجلل و مجموعه ایرانشناسی بدون دروغ

نویسنده: khalil

چهارشنبه 18 فروردین1389 ساعت: 23:38

واقعاً استاد من نمي دانم در مقابل نوشته هاي شما چه بگويم.
من آن دستاني را كه قلم حقايق را به اين صورت به چرخش در آورده مي بوسم.
استاد خيلي مشتاق هستم كه شما را از نزديك زيارت كنم و ارادت خود را به شما نشان دهم.
من هيشه از خدا خواستار طول عمر شما را دارم. 

نویسنده: ×××

پنجشنبه 19 فروردین1389 ساعت: 0:43

استاد عمرتان پاینده باد. مطلبی که در جواب آیدین قشقایی فرمودید پشتمو لرزاند. امیدوارم هر چه زودتر وارد تاریخ مشروطه شوید و تا انقلاب اسلامی ادامه دهید. واقعا مشتاقم و هر روز دعا میکنم که عمری طولانی داشته باشید.موفق باشید

نویسنده: AREF

پنجشنبه 19 فروردین1389 ساعت: 1:53

agaye unutulmaz
az lotfetan mamnoonam
bonyan andish wa niz doostan
chand sale ayandeh shakhsan mostanad haye in hameh negaran nabashand beh khast yekta gader motaghal ta haye rome ra az amrica montasher khaham kard jadid wa az jomleh darbareyeh celisa

نویسنده: reza

پنجشنبه 19 فروردین1389 ساعت: 7:1

دوست گرامی ثانیه

به جمع تیفوسی ها خوش آمدید
همینجا میخواهم از شما این قول را بگیرم که پس از مطالعه و بررسی موشکافانه و نقادانه تمام مطالب آقای پورپیرار در فرصت مناسب این جمع را از نتیجه گیری و تحول پیش آمده در دیدگاههایتان با خبر نمایید.
مستدام باشید

نویسنده: سعید

پنجشنبه 19 فروردین1389 ساعت: 8:50

با سلام
با اجازه جناب لینک
سایت جهان نیوزخواستارحذف اَشْهَدُ أَنَّ عَلِيّاً وَلِیُّ اللّهِ شد!
http://www.haghighatnews.com/newsF-2484.html
آيت‌الله مصباح يزدي: ملي‌گرايي مخالف با آموزه‌هاي اسلامي است
http://www.haghighatnews.com/newsF-2470.html
"سیلویا والریو" دختر 18 ساله ایتالیایی:می خواهم با احمدی نژاد رییس جمهوری ایران ازدواج کنم.
http://www.haghighatnews.com/newsF-2235.html

نویسنده: لینک

پنجشنبه 19 فروردین1389 ساعت: 12:10

با سلام
سعید جان بنده از ارسال لینک توسط دوستان دیگر استقبال می کنم همچنین ارسال لینک فرصت مناسبی برای استاد است که از اخبار روز با خبر شوند و از دوستان دیگر هم میخواهم اگر به لینکی در حوزه نوشته های این وبلاگ برخورد کردند آن را با دیگران به اشتراک بگذارند

پارسی را پاس بداریم!!!
/http://www.iranian.be/start
این پی دی اف رو هم که 22 صفحه است و حجم آن KB 235 است را هم دریافت کنید
http://www.iranian.be/start/Parsi-Begoo.pdf

نویسنده: آزاد

پنجشنبه 19 فروردین1389 ساعت: 13:4

سری به کتاب "زیج ملک " نوشته آقای ملک بزنید در مورد تاریخ شمسی که به نظر نویسنده اش تازه ساز است، بزنید

آقای آزاد. حتی اسناد دولتی سال های نخست حکومت رضا شاه به تبع دوران قاجار تاریخ و نام های ترکی مثلا سیچقان ئیل دارد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 19 فروردین1389 ساعت: 15:23

آقای اترش. همان تغییر ارزش پول در اثر گذشت زمان، حاصل معیوب ربا است. در مورد آیات قرآن همین که در ابتدا غیر زمینی بودن و دست نخوردگی آن را تایید کردیم، اختیار هرگونه سئوال، اگر پاسخی در خود قرآن ندارد، ساقط می شود و اطاعت محض می ماند.

آقای khalil و آقای دریا کناری. لطفا در روز و ساعت کار با تلفن 66492049 تماس بگیرید.

آقای تلمیذ. حوصله کنید، کمال الملک بهانه ای است تا از حجم دروغ به گوش ما خوانده شده تا همین اواخر و هم اکنون باخبر شویم. ممنون.

نویسنده: ؟

پنجشنبه 19 فروردین1389 ساعت: 18:51

دولت جدید قرقیزستان تشکیل شد

http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=92681

دولت قبلی طرفدار مسکو بود. دولت جدید ظاهرا مردمی است چون خبرگزاریها زیاد در خصوص این انقلاب حرفی نمی زنند.

نویسنده: اترش

پنجشنبه 19 فروردین1389 ساعت: 18:52

سلام استاد

من پیغامی برای شما نفرستاده ام.
یا مخاطب شما شخص دیگری است یا اینکه یک نفر موش دوانده و به اسم من برای شما پیغام خصوصی فرستاده.

آقای اترش. اینترنت است دیگر، مهار ندارد و تا زمانی که امکان خالی بندی از آن حذف نشود، کاملا منفی است.

نویسنده: اکبر

پنجشنبه 19 فروردین1389 ساعت: 19:4

میگویند ساختن کشتی نوح از لحاظ فنئ امکان پذیر نبوده است !؟

اخوی. خداوند در قرآن از امکان آن می گوید، حالا این می گویندها از زبان چه کسانی است؟!

نویسنده: جلالی

پنجشنبه 19 فروردین1389 ساعت: 21:10

سلام استاد،
خدمت رسیدم برای تبریک سال جدید و آرزوی سلامتی و قبراقی بیش از پیش.
آقا این مجعولات مجلل رو دیدم و فراوان فراوان لذت بردم، دست شما و مجتبای عزیز درد نکنه. من شماره ای چیزی ازش ندارم اما امیدوارم یا اینجا رو بخونه یا شما ارادت مارو بهش برسونید. کارگردانی مستند با توجه به ناچیزی امکانات عالیه، اون صحنه های پاساژی که اون دختر پسر اسکوله کنار اون معبد هلنی واسادن و می گن اومدیم زیارت کوروش کبیر و مدل صحبت مجتبی باهاشون قشنگ فوت کارگردانیه. جدا دمش گرم.
مطالب رو هم البته با تاخیر دارم می خونم و کماکان استفاده می کنم.
باقی بقایتان.
مخلصیم استاد.

نویسنده: AREF

جمعه 20 فروردین1389 ساعت: 1:10

bayad ashkara wa bedoon tars bashad har kas keh eslam ra beh onwan din khod pazirofteh mobarezeh ash doshman bashad waly aksar doostan hatta nemitawanand name khod hatta agar manande shahid saddam asir ham moarrefy konand ra hatta dar web
ashkar wa beh doshmanan eslam befahmanim keh aya wagte an naresideh mobarezeh ye khod ra dar jahan . kameleshan edameh khahad dasht shab edrary anan ta naboody

نویسنده: ا

جمعه 20 فروردین1389 ساعت: 2:36

هیچ درختی بطول صد متر برائ پایه اصلی کشتی در قلمروی حضرت نوح وگود نداشت و آب بندی این کشتی در مقابل آن طوفان مقاوم نبود .

الف جان. ابتدا باید تکلیف ات را با قرآن روشن کنی. اگر قرآن را قبول نداشته باشی پس با صد درخت صد متری و دریایی از قیر، کشتی هم پیدا نخواهی کرد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 20 فروردین1389 ساعت: 5:29

آقای سنجری. نه فقط قوانین حقوقی شناخت رسمی مرزها در جهان عمری بسیار کوتاه دارد، بل اعلام حضور تقریبا تمام ملل شرقی و حتی اروپایی به عنوان یک واحد ملی نیز مقوله ای نوپدید است و غالب اطلاعات کنونی در باب برقراری تجارت و گمرکات و قوانین عبور از مرز میان کشورها افسانه است. آن شبه استحکاماتی را هم که در فواصل معین در جاده های کهن مشهور به دیوار چین می بینید از آن که چین سرزمین انقلابات ناگهانی و بسیار شدید جوی است، به عنوان پناهگاه حفاظت از بار و باربران انسانی و حیوانی، تا آرام گرفتن هوا ساخته اند.

نویسنده: توحید

جمعه 20 فروردین1389 ساعت: 7:49

سلام خسته نباشید استاد

نظرتان در رابطه با این مطلب چیست و سلسله مقالات (قرآن بینش جهانی) بخصوص در رابطه با توضیح انتهای مقاله در مورد (حرب) و (محراب)

http://chera2chera.blogfa.com/post-659.aspx

در ضمن من سلسله مقالات اسلام و شمشیر را در این وبلاگ به نقد و بررسی قرار داده ام برای عده ای جوان جویای حقیقت . امید وارم هر از گاهی با تشریف فرمایی خود و پاسخ به سوالات جوانان تشنه دانستن قرآن کمکی در این راه کنید .

فی امان الله

نویسنده: توحید

جمعه 20 فروردین1389 ساعت: 7:50

ببخشید آدرس وبلاگ را فراموش کردم :

/http://tauheed.blogfa.com

نویسنده: توحید

جمعه 20 فروردین1389 ساعت: 7:54

محدودیتی دیگر از سوی blogfa:

حجم هر مطلب در هر پست باید کمتر از 80 کیلوبایت باشد !!!!

استاد اگر از این پس نتوانستید مطلب مفصل نصب کنید بخاطر همین محدودیت جدید است .

نویسنده: لینک

جمعه 20 فروردین1389 ساعت: 12:23

تاریخ دو لینک زیر مربوط به گذشته است اما خواندن آنها پیشنهاد می شود

تعظیم یهودیان سراسر دنیا به ایران (کامنت های انتهایی هم در نوع خودش جالبه)
http://www.asriran.com/view.php?id=13382

نزدیک ترین نقطه زمین به خورشید
http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=90588

نویسنده: مارلیک

جمعه 20 فروردین1389 ساعت: 12:31

سلام استاد گرامی

ایران شناسی بدون دروغ 254 یکم اسفند 88:"این نقشه شهر اراک در ۱۶۰ سال پیش و ۱۸۵۱ میلادی و بنا به مقیاس، مستطیلی به طول و عرض ۷۵۰ در ۶۵۰ متر است. می گویند این شهر را فتح علی شاه ساخته که در تهران خانه نداشته و شکر خدا در منابع رسمی موجود هم، عمر بنای شهر اراک را بیش از ۲۰۰ سال نمی دانند. احتمالا فتح علی شاه می دانسته که پیش شرط برخاستن و رویش دو سمبل سیاسی و فرهنگی بلند آوازه ی ایران، ساختن شهر اراک بوده است، تا ۲۳۵ سال پیش، در این شهر ۲۰۰ ساله قائم مقام فراهانی و ۲۰۵ سال پیش، امیر کبیر متولد شوند!!؟
اما کسی به روی خود نمی آورد که دهه هایی مقدم بر آغاز تولید این شهر تازه ساز، نمی توان در آن قائم مقام و امیرکبیر به دنیا آورد!"

خبر 20:30 نوزدهم فروردین 89 : بخش فراهان به شهر تبدیل شد ....و در ادامه :فراهان زادگاه بزرگانی چون امیر کبیر و قائم مقام فراهانیست

حالا کسی نیست بگه که اگر اراک 200 سال قدمت داره روستای فراهان چند سال ؟

نویسنده: مهدی ناصری

جمعه 20 فروردین1389 ساعت: 15:20

با عرض سلام خدمت استاد پورپیرار و همه دوستان بنیان اندیش: من پیام پائینی را در سایت اقای توحید عزیز درج کرده بودم که ایشان درج اش در این سایت را مصلحت دیدند.

تو حید عزیز: من با اقای عباس که در کانادا بخش ونکوور زندگی می کنند و از اعراب ایرانی هستند و به همین خاطر هم به زبان فارسی تسلط خوبی ندارند تلفنی تماس گرفته و در باره زمان برنامه پخش این مستند جویا شدم. می خواستم که قبلا آمادگی داشته باشم و از دست ندهم. ایشان کلا اظهار بی اطلاعی کردند و حتی گفتند که بخاطر مشغولیت شغلی خیلی وقت است که به سایت اقای پورپیرار سر نزده اند. تا آنجائیکه من میدانم فقط یه عباس در سایت اقای پورپیرار پیام می گذاشتند. خلاصه من نتوانستم برنامه را زنده به بینم. اگر شما در این باره اطلاخاتی دارید لطفا مرا هم با خبر کنید.

نویسنده: R134a

جمعه 20 فروردین1389 ساعت: 16:51

با سلام خدمت استاد
دیروز برای یک ماموریت اداری یکروزه اومدم تهران- سه بار اومدم خدمتتون اما تشریف نداشتید. فقط دوست داشتم زیارتتون کنم

آقای R134a. حضورم در دفتر کار منظم و هر روزه نیست، کاش پیشاپیش خبر می دادید تا مغبون نمی شدم. به امید دیدار آتی.

نویسنده: ب.پ.ت

جمعه 20 فروردین1389 ساعت: 17:0

سلام
به نظر من هم امکان فنی ساخت کشتی در آن زمان نبوده است وگرنه خداوند نمی گفت واصنع الفلک باعیننا. یعنی با کمک خداوند کشتی ساخته شده است و نه با امکانات فنی. مثلا خود قرآن از تکنیک ساخت کشتی با میخ احتمالا فلزی حرف می زند: ذات الواح و دسر. در واقع توضیح می دهد که کار را خداوند انجام داده و به اسم نوح تمام شده است. نظر شما چیست؟

آقای الفبا. دلیل دوام چند هزاره آن نیز وجود چنان سازنده استاد و عالم کامل است.

نویسنده: مسعود سنجری

جمعه 20 فروردین1389 ساعت: 17:19

برادر گرامی استاد پورپیرار
سلام علیکم
از پاسختان متشکرم. پاسخ جنابعالی را می توان به سادگی به عرصه های مختلفی از تاریخ مکتوب جهان تعمیم داد. با این ترتیب تکلیف کشورگشایی ها و یا از دست رفتن بخشی از فلان کشور بر اساس فلان عهدنامه بیش از پیش روشن است.
والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: لینک

جمعه 20 فروردین1389 ساعت: 21:24

«قرآن فارسی» منتشر شد!
http://www.shia-online.ir/article.asp?id=10679

تبلیغ آئین یهود در کردستان
http://www.shia-online.ir/article.asp?id=10641

عکس: تروریست‌های واقعی
http://www.shia-online.ir/article.asp?id=10601

خنک کردن حجاج با باران مصنوعی/عکس
http://parcham.ir/vdcd.n0n2yt0zoa26y.html

رکسانا صابری: با اتاق 63 متری من را شکنجه کردند!
http://rajanews.com/detail.asp?id=47748

بازخوانی نامه امام به هویدا در سال 46
http://rajanews.com/detail.asp?id=47703

دعای احمدی نژاد برای بارش باران بلافاصله مستجاب شد
http://aftabnews.ir/vdcg7x9y.ak9uq4prra.html

اهانت به مقبره آیت الله صدوقی
http://fardanews.com/fa/pages/?cid=107516

نظر آیت الله جوادی آملی درباره تخت جمشید
cat=1&http://www.shia-online.ir/article.asp?id=10675

نویسنده: لینک

جمعه 20 فروردین1389 ساعت: 21:59

عکسهایی خصوصی از مسئولین (عکس های وبسایت ابطحی در از مسئولین در پست از فرام)
http://forum.persiandown.com/thread44162.html

نویسنده: AREF

شنبه 21 فروردین1389 ساعت: 1:31

jaleb injast keh ahmady nejad seh bar beh urumiye amadeh wa har bar ham baghd az doa manande seh rooze ast pish haman rooz sail asa baran barideh

نویسنده: .عباس

شنبه 21 فروردین1389 ساعت: 4:54

استاد سلام.امیدوام حالتان خوب باشد.سوالی که از شما داشتم این است.چه کسانی در قبل از اسلام دختران خود را زنده به گور می کردن

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 21 فروردین1389 ساعت: 6:24

آقای reza. ظاهرا خود آن شخص ادمی چند چهره است. با دقت عمل کنید.

آقای AREF. باید بین سازمان هوا شناسی و ریاست جمهوری اتحاد برقرار شده باشد.

نویسنده: امید صادقی

شنبه 21 فروردین1389 ساعت: 9:49

سلام سی دی های درخواستی بدستم رسید متشکرم

نویسنده: لینک

شنبه 21 فروردین1389 ساعت: 12:17

معجزه شق القمر پیامبر اسلام در تحقیقات ناسا
http://nafisp.blogfa.com/post-414.aspx

معجزه شق القمر پیامبر اسلام در تحقیقات ناسا
"سازمان فضانوردی ناسا " به پدیده دو نیمه شدن کره ی ماه و سپس پیوند خوردن این دو قسمت به یکدیگر پی برد.

پایگاه اینترنتی روزنامه ی عربی " الوطن " چاپ آمریکا به نقل از یک محقق علوم فلکی در این زمینه نوشت: سفینه ی فضایی آمریکایی " کلمنتاین " که سالها در مدار کره ی ماه کار تحقیقاتی انجام می دهد به این نتیجه رسیده است که کره ی ماه صدها سال پیش به دو نیمه ی متساوی تقسیم شده و دوباره به یکدیگر متصل شدند.

این محقق اردنی با ارسال گزارشی به ناسا آنان را نسبت به این موضوع مطلع ساخت که مسلمانان، این پدیده را متعلق به 1400 سال پیش می دانند و مرتبط به معجزه ای از پیامبر اسلام (ص) به نام " شق القمر" است. ناسا هیچ تفسیری برای کشف خود نیافته است. زیرا این اتفاق نادر تا کنون برای هیچ جرم آسمانی به وقوع نپیوسته است."

آیات اولیه سوره قمر حاکی از این است که ماه در گذشته شکاف عظیمی برداشته و دو نیم شده است و عکس‌هایی که توسط فضانوردان موسسه ناسا از سطح کره ماه گرفته شده است شکاف‌هایی را بر روی این کره نشان می‌دهد که وقوع این معجزه عظیم را اثبات می‌کند
http://emodir.com/app/webroot/files/images/eModir_moon.jpg

نویسنده: اکبر

شنبه 21 فروردین1389 ساعت: 14:11

همراه کلام الله, خداوند زمان خلقت به انسان عقل و تفکر اعطاء کرد , تا بسویش بشتابیم و قران در این راه یار و یاور ما هست!

نویسنده: مومان

شنبه 21 فروردین1389 ساعت: 16:37

با سلام. شما را به دیدار از پست زیر در انجمن دعوت می کنم:

"موارد اختلاف قرآن با حقوق بشر چیستند؟"

http://www.naria.ir/forum/index.php?topic=235.0

نویسنده: لینک

شنبه 21 فروردین1389 ساعت: 19:22

تصاویر:دیدار کوتاه قامتان بلند همت با يك مرجع تقليد
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=92927

اعتراض خانواده های قربانی ترور به سفر سرکرده منافقین به فنلاند
http://www.asriran.com/fa/news/107512

پارلمان آمريكا و تصميم‌گيري‌هاي سخت و سرنوشت ساز
http://shutter86.persiangig.com/123/majlesa.bmp.jpg

تحریم ایران اشتباه است
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1060943

مهمترین اتفاق سال بهره برداری از موزه موسیقی بود
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1049485

وقوع زلزله در تهران حتمي است اما كسي از زمان آن خبر ندارد
http://ilna.ir/newsText.aspx?ID=116298

نیروگاه برق غزه کاملا از کار افتاد
http://bultannews.com/pages/?cid=24052

كشف بازار بزرگ قرون اوليه اسلامي
http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=16782

گزارش تيم ملي اسرائيل با صداي مجری محبوب!
http://www.jahannews.com/vdcbwsb85rhbgwp.uiur.html

دخترجوان یهودی و سرقت از ارتش اسرائیل
http://www.jahannews.com/vdcdjk0fkyt0z56.2a2y.html

نماز باران در عربستان، بارش باران در ایران
http://www.shia-online.ir/article.asp?id=10692

رسوایی کلیسای كاتوليك این بار در نروژ
http://www.shia-online.ir/article.asp?id=10676

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 262

ایران شناسی بدون دروغ 262، نتیجه70، سیر مختصری در اسناد جدید 51 - نظر

نویسنده: سجاد

یکشنبه 22 فروردین1389 ساعت: 23:1

با سلام و عرض ادب خدمت استاد گرامی و آرزوی سلامتی و طول عمر استاد گرامی از خداوند می خواهم انسانی مانند شما باشم هرچند شما دست نیافتی به نظر می رسید

نویسنده: طالب حقیقت

یکشنبه 22 فروردین1389 ساعت: 23:46

با سلام

استاد ممنونم. اگر هزار سال هم تلاش کنم، حق نوشته های دوران ساز شما را به جا نیاورده ام. تنها ادای وظیفه ایست که با آن، دیگران را در لذت عقلانیت و دوری از تعصب و سطحی اندیشی سهیم کنیم و محرکی باشد برای جذب آنها به نظریات شما.

نویسنده: ×××

دوشنبه 23 فروردین1389 ساعت: 0:12

سلام استاد.همانطور که در مهرها و اسناد نشان داديد همه به زبان فارسي-عربي و تاريخ هجري قمري است.حتي قديميترين اسناد و مهرها به نامهاي عربي ميباشد.از طرفي قدمت آنها از 250 سال نميگذره. نميتونم حاكميت قاجاريه ترك زبان را با وجود اين اسناد و مهر ها بر مردم ظاهرا مسلمان كه اسنادشان به زبان فارسي است هضم كنم و اصلا چطور اجازه تسلط به قوم قاجار دادند و اگر بپذيريم مكاتبات 250 سال پيش به فارسي-عربي بوده پس صحبت كردن به اين زبان قدمتي حداقل 400-500 سال داشته و باز به اين سوال ميرسيم كه اين قوم فارس زبان مبدا آن از كجا به ايران پوريم زده وارد شده؟ آيا هند؟ اصلا چطور زبان فارسي از دل عربي شكل گرفت .گيج شدم. شايد از بيخوابي بنده است.

نویسنده: sadegh

دوشنبه 23 فروردین1389 ساعت: 0:36

با سلام خدمت استاد خستگی ناپذیر
خسته نباشید خدا قوت
هنوز بطور کامل مطلب را مطالعه نکرده ام اما مشخص و معلوم است که سند مهم و مهیبی از اباطیل و دروغ گویی جاعلین را رو نم.داید بی تعارف عرض کنم از همان مختصر مطالعه مقاله و عنوان اش پیداست که مدخلی نو و مهم را طرح نموده اید.
خداوند شما را برای ما نگه دارد و بر سلامتی و طول عمر مبارکتان بیافزاید.
سربلند و پیروزباشید.

نویسنده: AREF

دوشنبه 23 فروردین1389 ساعت: 1:4

agaye sajad
dast nayaftany nist joz tanha khaleg hasty hich chiz wa hich kas

نویسنده: عباس

دوشنبه 23 فروردین1389 ساعت: 6:17

www.springerlink.com/index/H26081741011W225.pdf

نویسنده: لینک

دوشنبه 23 فروردین1389 ساعت: 14:39

محتشمی‌پور:صدام،فاتح بزرگ اسلام و خالدبن‌ولید است
http://rajanews.com/Detail.asp?id=47934

ده میراث معنوی ایران ثبت جهانی می شود
news_num=220237&http://www.iribnews.ir/Default.aspx?Page=MainContent

عکس: لحظه تیرباران چائوچسکو و همسرش
http://www.iranbalkan.net/view-383.html

کیهان: حسین شریعتمداری کاشف الاسرار است
http://www.asriran.com/fa/news/107878/%DA%A9%DB%8C%D9%87%D8%A7%D9%86-

%D8%AD%D8%B3%DB%8C%D9%86-
%D8%B4%D8%B1%DB%8C%D8%B9%D8%AA%D9%85%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C-
%DA%A9%D8%A7%D8%B4%D9%81-%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B3%D8%B1%D8%A7%D8%B1-
%D8%A7%D8%B3%D8%AA

کامل‌ترین ترجمه از متن منشور کوروش
id=6022&http://www.ghasedaknews.ir/ShowNews.aspx?CatId=2

تلاش یک وزیر اطلاعات برای کسب مرجعیت
http://www.shia-online.ir/article.asp?id=10752

تبليغ صوفي‌گري توسط وزارت ارتباطات!
http://www.shia-online.ir/article.asp?id=10747

قلم الكترونيك؛ ابتكار مخترع سوری برای تسهیل قرائت قرآن
http://www.iqna.ir/fa/news_detail.php?ProdID=561254

علت دیدن نور قبل از مرگ چیست؟
http://www.tabnak.com/nbody.php?id=41582

ديدار رييس و اعضاي كميسيون امنيت ملي و سياست خارجي مجلس با سيبوه سركيسيان اسقف اعظم ارامنه تهران و شمال كشور
http://www.farsnews.com/imgrep.php?nn=8901211579

آقای لینک. رومانی مرکز اصلی یهودیان در شرق اروپا و مرکز تجمع خزران گریخته به غرب است. شاید نمی دانید چائوشسکو در سال های آخر عمرش به عنوان یک عنصر به شدت ضد یهود عمل می کرد و یهودیان را عامل ناکامی موفقیت برنامه های دولت خود می دانست.

نویسنده: منصور

دوشنبه 23 فروردین1389 ساعت: 17:38

جناب طالب حقیقت
بسیار بسیار عالی بود. اگه ممکنه با با اینجانب تماس بگیرید

استاد دستتون درد نکنه در اکثر نقاط ایران اسم فامیل بسیار جدیده مثلا ما داریم خانواده هایی رو که چهار برادرند ولی به هرکدوم یه فامیل متناسب با اسمش دادن.
در مورد خود من فامیل گذاری از پدر پدربزرگم شروع شده. ما تمام قبرهایی که داریم از قدیم اسم فامیل نداره هنوز هم وقتی از مردمان آن زمان سخن گفته میشه به شکل مثلا علی حسن حاج ابراهیم گفته میشه.
استاد در صورت فرصت به لینک زیر سر بزنید
http://www.naria.ir/forum/index.php?topic=219.15

نویسنده: abbas

سه شنبه 24 فروردین1389 ساعت: 3:52

http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/judaica/ejud_0002_0011_0_10464.html

---

آقای عباس. این مبحث چودو - پرشیان مدخل مهاجرت تمدن ساز به ایران در دو سه قرن اخیر را می بندد. آیا به تر نیست نکات برجسته مقاله را کم کم ترجمه کنید و در ستون کامنت ها بگذارید؟

نویسنده: abbas

سه شنبه 24 فروردین1389 ساعت: 7:51

یهودیان فارسی یافت بالاترین آنها بیان ادبی در شعر اصلی یهودی فارسی است. شاعر اول شناخته th14 شاعر قرن مولانا شاهین بود ، احتمالا از شیراز ، اما این تردید ؛ آن نیز معلوم نیست که آیا شاهین است نام خود و یا تنها صفت. او به عنوان شاعر مهمترین یهودی فارسی محسوب میشود. شاهین با آگاهی عمیق imbued یهودی بود و keenly مورد نظر را در لباس سنت یهودی زیور آلات ادبی شعر فارسی است. او خود را به نوشتن در مورد موضوعات آیات کتاب مقدس اختصاص داده شده ، و خود را بزرگترین کار ، Sefer شرح شاهین القاعده در هکتار - تورات ، ترجمه و تفسیر شاعرانه و تفسیر مجدد از کتب پنجگانه عهد عتیق است.

سه کار عمده شاهین موجود عبارتند از : (1) موسی نامه ("کتاب موسی" ، نتیجه گرفت در 1327 م) ، در تاریخ تفسیر خروج ، Leviticus ، اعداد ، و تثنیه. (2) اردشیر ، نامه ، متشکل از داستان استر و مردخای و Shero و Mahzad ، دومی نوعی داستان عاشقانه ایرانی. همچنین عزرا ، نامه ، خرید و فروش به طور عمده با پادشاهی کوروش بزرگ و ساختمان معبد اورشلیم. Oẓar Kitvei ،A. Netzer یاد هکتار - (1985) ، 28 ، تا به حال استدلال کرد که دو کتاب آخرین به تنها به معنای ترکیب شدند ، از آنها ظاهر می شود زیر هر یک از دیگر نسخه های خطی ، سابق ، بدون نتیجه گیری ، در حالی که دومی بدون متن باز. colophon در پایان نامه عزرا می دهد به عنوان تاریخ تکمیل 1333 م (3) Bereshit - نامه (منعقد در 1359) ، که شامل داستان یوسف و همسر Potiphar است ، به عنوان Zulaykhā به مسلمانان شناخته شده است. در تمام نوشته های شاعرانه او ، شاهین تصویب ویژگی های معمول شعر فارسی و کاربردی الگوها ، فرم ها ، روش ، سنجش ، و زبان شعر کلاسیک فارسی به ارائه قهرمانان مذهبی اسرائیل و حوادث ثبت شده در روایت کتاب مقدس ، در حالی که با استفاده از هر دو تم midrashic و داستان ها و آنهایی که اسلام را برای پر کردن در روایت. به یهودیان فارسی زبان ، شاهین است "مولانا شاهین شیرازی" (ما استاد شاهین از شیراز ") ، بنیانگذار شعر یهودی فارسی است. را مشاهده کنید در تاریخ شاهین A. Netzer ، در : اسرائیل مطالعات شرقی ، 4 (1974) ، 258 -- 64 گزیده گسترده ای از ساخته های شاهین در ترجمه انگلیسی ؛ در VB پارچه کلفت پردهای جا ، در باغ ملکه استر '2000)s) ، 119-26.

نویسنده: abbas

سه شنبه 24 فروردین1389 ساعت: 8:40

شاعر بزرگ بعدی در یهودی فارسی است * Imrānī ʿ ، که احتمالا در اصفهان متولد شد و در 1454 در کاشان پس از 1536 درگذشت. الهام شاهین ، Imrānī ʿ انتخاب رشته خود را به عنوان دوران بعد از موزائیک از جاشوا به مدت داوود و سلیمان. او تشکیل شده از 12 مجموع آثار شاعرانه. کار بزرگ او ، فتح نامه ("کتاب فتح" در 1474 آغاز شد) ، ترکیب اولین بار است که او نوشت بود. او در آن به صورت شاعرانه بازشماری حوادث کتاب یوشع در کتاب مقدس ، روت ، و ساموئل. او در آغاز آهنگسازی آن را در 1474 م ، زمانی که او 20 ساله بود ، تحت هدایت یک معلم به نام امین بن wa Dawla - ل الدین ، و بعد از آن که تحت یهودا بن اسحاق. کار ناتمام است. آخرین کار بزرگ از Imrani گنج نامه ("گنجینه های از کتاب") ، ترجمه و تفسیر آزاد شاعرانه و تفسیر در Avot رساله mishnaic شد. این ترکیب در سال 1536 منعقد شد ، زمانی که نویسنده بود بالا 80. این کار در ویرایش و منتشر شده توسط D. Yeroushalmi ، Emrānī یهودی فارسی شاعر و خود را "کتاب گنجینه" (1995

نویسنده: سعید

سه شنبه 24 فروردین1389 ساعت: 8:51

باسلام
استاد نظر شما در مورد این پژوهشکده و مکاتبه با اون چیه
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8901221218
دیروز اولین نشست آزاد اندیشی برگزار شد آیا قصد فعالیت و شرکت در این نشستها را دارید

آقای سعید. رسم است که پژوهشکده ها خود به دنبال صاحب نظر بگردند. این قبیل عملیات غالبا به سرگرمی شبیه است. نمونه آن بی اعتنایی به پوریم و افراشتن پرچم هولوکاست است.

نویسنده: بختیار

سه شنبه 24 فروردین1389 ساعت: 9:5

استاد با سلام
یادداشتهای قبلی شما را مرور میکردم در عکسی که از ظاهرا سالهای اخر زندگی کمال الملک وجود دارد یک عدد کلاه در سمت راست تصویر موجود است.
نمیخواهم نظریه پردازی خاصی انجام دهم اما امروزه این شکل از کلاه را تنها روی سر خاخام ها میتوان دید.

آقای بختیار. کاشان و نیشابور دو خاستگاه و مرکز عمده تحرک یهود در ایران است که کمال الملک ما به هر دو نقطه منسوب است!؟

نویسنده: تیمور

سه شنبه 24 فروردین1389 ساعت: 9:46

ما شدیدا" منتظر داستان سارخان هستیم. و آخرش هم نفهمیدم که بالاخره ترکی وجود دارد؟ یا خزرها ترک هستند؟ آیا از اینجا به چین رفته اند؟ از آنجا آمدند؟ استاد موضوع را کمی به خاطر من باز کنید. به خدا گیج شدم.

نویسنده: abbas

سه شنبه 24 فروردین1389 ساعت: 9:56

فلسفه ، علم ، پزشکی ، سحر و جادو
یک کتاب گسترده است که به آن تعلق دارد به این ژانر Yehudah، Ḥovot توسط یهودا بن Eleazar ، احتمالا در سال 1686 نوشته شده است ، احتمالا در کاشان. کتاب Netzer ، وظایف خاخام یهودا توسط Yehudah بن 1995) (Elazar (Heb.) منتشر شد. چکیده ای در ترجمه انگلیسی در V.B. پارچه کلفت پردهای ، در باغ استر ملکه (2000) ، 59-255. این شخص کتاب دیگر نوشت که یکی از آنها در ستاره شناسی را تحت عنوان Taqwim یهودا ، یکی از معاملات با دارو و یک رساله versified moralistic شناخته شده همانطور که از نام Timthāl است. رساله علیه نوشیدن شراب از دست داده است. اطلاعات بیشتر در مورد این کتاب ، که هنوز منتشر نشده ، می تواند در Netzer A. ، عملیات در بر داشت. cit، 21-18.

است طیف وسیعی از کتابهای پزشکی بودند که از استاندارد فارسی را به حروف عبری کپی وجود دارد ، به منظور تسهیل استفاده از آنها توسط پزشکان یهودی یا زبان آموزان. فهرست بر اساس A. Netzer، Oẓar Kitvei یاد هکتار - (1985) ، 49-48 ارائه شده.

در میان علوم دیگر ، کتابچه برای محاسبه تقویم یهودی هستند ، متعدد است. منافع عمومی یهودی در نجوم است که در کتاب بود از شخصیت های استاندارد فارسی به عبری کپی شده نشان می دهد. مشاهده لیست الف در Netzer، Oẓar Kitvei یاد هکتار - (1985) ، 49.

مجموعه های چند فرمول دوا یا چیزی که برای شکستن جادو و طلسم بکار میرود و divinations هستند در میان نسخه های خطی فارسی یهودی یافت و پراکنده در کتابخانه های مختلف. کتاب تعبیر خواب (ḥalomot Pitron) در فارسی یهودی در اورشلیم در 1900 / 1 توسط خاخام Shim'on چاپ شده است. همچنین کتاب شامل رساله دیگر را که در غیب گویی ، یک به کشش اندام (avarim pirkus) و دیگری یکی شده توسط omens نجومی.

نویسنده: abbas

سه شنبه 24 فروردین1389 ساعت: 10:10

قدیمی ترین مورخ یهودی فارسی ترجمه کتب پنجگانه عهد عتیق است که در نسخه خطی در کتابخانه بریتانیا (یا 5446) ، توسط موسی بن یوسف در 1319 م نه محل تولد آن برداشتهاید داده شده است ، اما نسخه به خوبی می توانند از خراسان در شمال شرق ایران است. نسخه خطی در دست روشن نوشته شده است ، اما ناقص است. این را با پیدایش 3:9 آغاز می شود و می رود تا پایان کتب پنجگانه عهد عتیق ، با برخی از بخش بزرگ از دست رفته ، در میان آنها ، به عنوان مثال ، کل خروج. اولیه کلمه عبری است برای هر آیه داده شود ، و این است که واژه های کلمه ای به دنبال ترجمه فارسی شعر به کار برد. اغلب کلمه عبری است ، vocalized معمولا در سیستم supralinear بابلی ، گاهی در واکه - Tiberian امتیاز (نگاه کنید به تلفظ * از عبری). تفسیر یهودی در فارسی و یا عبری و یا ترکیبی از هر دو ، گاه از پی ترجمه ، معمولا در نقاط گرامر ، با تشابه adduced از کل کتاب مقدس. هستند استناد چند از تورات Mishneh از Maimonides برای نشان دادن تعالیم اخلاقی وجود دارد. در پایان متن دو صفحه که شامل الگوها عبری فعل. بخش ترجمه متن به وضوح بزرگتر از است که از تفسیر. برخی از آبی سعید ' شناسه ، که قبل تفسیر تحت تأثیر کار نویسنده حال حاضر ، ذکر شده است. نسخه در دسترس است توسط HH کاغذ ، یهودی فارسی کتب پنجگانه عهد عتیق (Heb.) (اورشلیم ، 1972).

نویسنده: آيدين قشقايي

سه شنبه 24 فروردین1389 ساعت: 10:37

سلام به دوستان
محقق ارجمند جناب آقاي پورپيرار وقت بخير
در شماره 261 مباحث ايران شناسي بدون دروغ در جواب آقاي اترش عبارت زير را فرموده بوديد:
"آقای اترش. همان تغییر ارزش پول در اثر گذشت زمان، حاصل معیوب ربا است."

با توجه به نگاه خاص شما به مباحث مختلف، مي خواستم منظورتان از اين مطلب را بيان فرماييد.
با تشکر

آقای قشقایی. پاسخ مفصل شما نیازمند نصب یادداشت ان شا' الله در بخش دوم اسلام و شمشیر است. مختصر این که بالا بردن ادواری قیمت ها، ایجاد توازن میان حجم پول در جهان، که بر اثر درآمد ربا بدون جایگزین تولیدی دائما افزوده می شود، با ارزش کالاهای موجود است. مطلب پایه ای که در قرآن با سلاست کامل ارائه شده است.

نویسنده: رامین.ص

سه شنبه 24 فروردین1389 ساعت: 15:1

با سلام:
استاد خوب بود در راستای معرفی کمال الملک به اساتید ایشان هم نظری شود.چون گفته اید چشم زمانه اثاری از انان ندیده در صورتی که در کتاب تهران قدیم ناصر نجمی و ایران از دید سیاحان اروپایی در قسمت نقاشیهای ایران از انتشارات علی جانزاده چندین اثر از ابوالحسن خان غفاری اورده است.به نظر من بهتر بود به انها هم رسیدگی می شد.هر چند هنوز هم نگفته اید کمال الملک را برای چه ساخته اند؟با تشکر فراوان.

آقای رامین. مگر آن همه تابلو که به کمال الملک نسبت داده اند توانست او را ثابت کند؟ استادان او هم که در 150 سال پیش صاحب نام فامیل غفاری اند به همین ترتیب! علت ساخت کمال الملک را هم از سازندگان او بپرسید.

نویسنده: celestial

سه شنبه 24 فروردین1389 ساعت: 16:27

سلام

أقاي اتفاق لطفا ايميلتون رو چك بفرماييد
ممنون

نویسنده: R134a

سه شنبه 24 فروردین1389 ساعت: 23:16

KHASTE NABASHID

نویسنده: مزدک

سه شنبه 24 فروردین1389 ساعت: 23:49

سلام
ویکیپدیای انگلیسی که نسبتا بی طرف است زبان ترکی و عیلامی و سومری و (اکثر زبانهای تمدنهای این سرزمین قبل از آرياییها) جزو زبانهای پیوندی التصاقی می داند. نکته جالب اینکه پارسی باستان نیز جزو زبانهای این گروه است:
http://en.wikipedia.org/wiki/Agglutinative_language

نویسنده: عربگری

چهارشنبه 25 فروردین1389 ساعت: 0:4

سلام استاد
اتفاقا خواستم مقاله جدیدم را در پاسخ به یکی، برایتان معرفی کنم که دیدم این مقاله تان نیز مانند آن مقاله بنده در مورد اسماء است شما كه افتخار نمي دهید.
...10- من هم نمي دانم كه با وجود امپراتوري وحشتناك عظيم هخامنشي ، چرا هيچيك از مشاهير علمي و فرهنگي و نظامي و سياسي و تاريخي ايران يا حتي جهان بعد از هخامنشي از اسامي آنها استفاده نكرده اند؟ (براي اينكه ملموستر باشد بايد بگويم بعد از فرقه ساختگي بهائيت تمام پيروان اندك آنها هنوز هم بعد از يك قرن از اسامي رهبران فرقه استفاده مي كنند يا پس ازظهور القاعده كه يك گروه كوچك چريكي است نام لادن در كشورهاي عربي مد شده و بسيار بر روي نوزادان گذاشته مي شود يا بعد از ظهور وين روني در فوتبال انگلستان و در منچستريونايتد ، بسياري از خانواده ها اولين ...

وب سایت

نویسنده: abbas

چهارشنبه 25 فروردین1389 ساعت: 1:41

کلیمیان ایران ، ادبیات غنی و متنوع در توسعه زبان فارسی دارند. آنها همچنین به شاخه های مختلفی از ادبیات عبری یهودیان کمک کرده ، اما این سقوط در خارج از محدوده این نوشته. شناسایی رسمی آن در این واقعیت است که این ادبیات نوشته شده توسط یهودیان ، اغلب اوقات را در زمینه موضوعات مورد علاقه یهودیان و مربوط به دنیای عمل و فکر یهودی است ، و در حرف عبری نوشته شده است و حاوی تعداد مختلفی از اصطلاحات بر اساس عبری و آرامی است که قاعدتا برای غیریهود قابل دسترس نیست که توضیح میدهد چرا هیچ اشاره ای به آثار ادبیات فارسی یهودی در جریان اصلی ادبیات فارسی ایجاد شده توسط مسلمانان وجود دارد. برخی از چهره های برجسته یهودیان سابق که تبدیل به دین اسلام وجود دارد و چه کسی به کمک ادبیات عمومی ایران اسلامی است ، اما آنچه در یهودی فارسی نوشته شده است همچنان تا عصر مدرن ، کاملا ناشناخته و unacknowledged توسط مسلمانان است

نویسنده: یه دانشجو

چهارشنبه 25 فروردین1389 ساعت: 6:2

بخش اول:با عرض سلام و تشکر از استادان پورپیرار و غفوری و همه بنیان اندیشانی که در تهیه و نصب و درج و پخش مستند" مجعولات مجلل" وقت و توان فیزیکی و ذهنی خودرا بکار برده اند. من بالاخره تماشای این مستند را تمام کردم و با دوستان همکلاسی و هم دانشگاهی هم در میان گذاشته و بحث کردم.
سئوالی که دوستان و خود من دارم را از همان بخش اخر مستند یعنی مصاحبه ها شروع می کنم. استاد پورپیرار: در عمق فاجعه قوم سازی و انداختن این قوم ها به جان همدیگر و آلوده کردن اب برای گرفتن ماهی اصلا و ابدا هم شکی نیست. اما بطوریکه خود میدانید آگاهی یافتن به حقیقت اگر همراه با کاربرد های عملی نباشد نه تنها سازنده نیست بلکه که حقیقت جو را ممکن است که در ناامیدی فرو برد. حقیقت خود بخود راه خود را نمی گشاید و باید به ابزار های پخش حقیقت و استفاده عملی از حقیقت مسلح شد.

بطوریکه میدانید الان گسست عمیقی بین مرکز و اقوام حاشیه ای در ایران به وقوع پیوسته است بطوریکه این گسست تا همین اواخر یا اصلا وجود نداشت یا اینکه خیلی خفیف بود.

نویسنده: یه دانشجو

چهارشنبه 25 فروردین1389 ساعت: 6:2

بخش دوم: سئوالی که برای دوستان و البته برای خودمن هم مطرح است این است که برای همدستی و یکی شدن و یکی کردن اقوام ایرانی برای گسترش پرو÷ه بینان اندیشی شما باید چکار کرد.؟ من هر چه خواستم دوستان اذری را قانع کنم که دست از قوم پرستی شان بردازند جوابی که گرفتم ساده بود. آنها میگند که اگر هم قبول داریم که این قوم تراشی و پیدایش قوم ها تاریخی بیش از 200-300 سال ندارد باز هم قوم فارس از آنجائیکه به زبان مادری اش تحصیل می کند بهتر از دیگران می تواند از منابع فرهنگی و مادی ایران استفاده کند در حالیکه اذری ها در عرصه رقابت با فارس ها هر روزه دچار عقب افتاده گی هستند.
لطفا به سئوال من پاسخ روشن دهید که من بتوانم با این دوستان به بحث بپردازم. برای از بین بردن این تبعیض و متحد کردن اقوام ایرانی باید چکار کرد.؟ اذری ها به هیچ وجهه حاضر نیستند که زبان فارسی را زبان مشترک همه اقوام ایرانی قبول داشته باشند که دلایلشان هم قانع کننده و هم عاقلانه است. اگر هر دو زبان فارسی و اذری ساختگی است پس چرا یکی را بر دیگری باید ترجیح داد. ایا شما معتقد هستید که زبان مشترک ایرانی ها باید نه یکی از این زبان های ساختگی بلکه که زبان عربی باشد.؟ اگر زبان عربی را زبان رسمی و مشترک همه اقوام ایرانی قبول کنیم هم به قرآن نزدیک تر می شویم و هم بهانه به تجزیه طلبان داده نخواهد شد و این شکاف و گسست بین اقوام ایرانی که همه شان بهای تاریخ ساختگی خود را می پردازند از میان خواهد رفت.
استاد با بی صبری منتظر جواب هستم که این جمعه قرار است با دوستان درکافی شابی دور هم جمع شده و در باره آخرین مستند و جعلیات تاریخ ایران و منطقه به بحث بپردازیم.
با ارزوی سلامتی و موفقیت برای همه تان

آقای دانشجو. مسلما چنان که تجربه مسلمانان غیر عربی که به زبان عرب پیوسته اند، گواهی می دهد، انتخاب زبان قرآن برای هر مسلمان از تکلم به زبان مادری و قومی کارسازتر و ارجح تر است، اما تا رسیدن به آن مبدأ، که به تغییر برداشت در مراجع رسمی و حکومتی محول است، این که اقوام را از ریشه های پوسیده و داستانواره هویت کنونی جدا و به هستی

جمعی و اسلامی راه نمایی کنیم، مقدمه لازمی در رسیدن به اتحاد اسلامی است که در آن نام هیچ قومی تابلو نمی شود.

نویسنده: هیوا ايزدي

چهارشنبه 25 فروردين1389 ساعت: 12:53

استاد با سلام
به عنوان کسي که چندين سال در ادارهي ثبت اسناد و املاك داراي سمت بوده ام و همچنين پس از ارائهي يادداشت اخير به شخصي که قريب به 20 سال از خدمتش در سازمان ثبت مي‌گذرد و به اقتضاي پستشان مکرر به سوابق ثبتي مراجعه‌کرده اند به خدمت عرض مي‌نمايم که مستند قريب به اتفاق اظهارنامه‌هاي ثبتي در اجراي قانون ثبت عمومي که 7 سال پس از قانون ثبت اجباري به تصويب رسيده است استشهاديه‌ي محلي تصرف مالکانه است نه بنچاقهاي انتقال. البته کاملا روشن است که اشاعه‌ي مالکيت بين مالکين هنوز زنده در دوران تقاضا که پس از چندين سال از دوران تصويب انجام گرفته‌است گوياي اين ادعا است که حد اکثر انتقال ملك به طريق ارث به دو نسل قبل از آن باز مي‌گردد.

نویسنده: رامین.ص

چهارشنبه 25 فروردين1389 ساعت: 15:10

با سلام:
اگر امکان دارد در مورد فرق بین عدالت و مساوات راهنمایی بفرمایید. با تشکر فراوان.

نویسنده: رعد

چهارشنبه 25 فروردين1389 ساعت: 18:18

سلام . هفته نامه اشپیگل : واقعیت و توهم ابر قدرت باستانی . دویچه وله فارسی .

فیلم کشتی گیر , ایا میتواند توهینی به ایران باشد ؟؟؟ . بی بی فارسی .

نویسنده: امید صادقی

چهارشنبه 25 فروردين1389 ساعت: 18:19

با سلام جواب سئوال بنده را ندادید منتظرم با تشکر

نویسنده: عکس

چهارشنبه 25 فروردين1389 ساعت: 21:32

عکس جذاب از زیبا ترین معشوقه ناصرالدین شاه
http://www.persianv.com/view/088358.php
عکس جالب از دختـــر قاجار آراسته به جواهرات نقره
http://www.persianv.com/view/090241.php
عکسهای جسد تاریخی نوزاد قاجاری !!
http://www.persianv.com/linksn/link.php?ets=2644
عکس های دیدنی ازلوگوهای زیبای گوگل به مناسبت عید نوروز!
http://www.persianv.com/entekhab/087945.php

نویسنده: R134a

چهارشنبه 25 فروردين1389 ساعت: 21:36

جناب گمنام
بنده لینکی دیدم و رفرنس دادم، از استاد هم یه سوال پرسیدم- قصد توهین به کسی نداشتم. اصلا اون موقع حتی حواسم به امام هم نبود!

نویسنده: ...

چهارشنبه 25 فروردين1389 ساعت: 21:50

سلام باز بگو چرا موبالها آنتن نمی دهند!!!
http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=80822

نویسنده: مسعود سنجری

چهارشنبه 25 فروردین1389 ساعت: 23:29

برادر عزیز طالب حقیقت
سلام علیکم

از تلاش جنابعالی در کامل تر ساختن کلیپ زیبایتان تشکر می کنم. مطمئنا زحمات شما مسیر این بنیان اندیشی را هر چه بیشتر فراخ خواهد ساخت.

والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: khalil

پنجشنبه 26 فروردین1389 ساعت: 10:37

با سلام خدمت استاد عزیز
باز هم در مورد قرآن برايم سؤالاتي مطرح كردند كه در آن به جفت بودن تمامي موجودات زنده اشاره شده. از آن طرف هم گفته مي شود دانشمندان به جانوراني بر خوردند كه تك بوده وهيچ جفتي ندارند.استاد به نظر شما جريان چه مي تواند باشد.

نویسنده: ل

پنجشنبه 26 فروردین1389 ساعت: 12:52

با سلام و احترام
اگر ممکن است در مورد تاثیر ادبیات و زبان عبری و دین یهود بر ادبیات فارسی و روابط این دو زبان در قرون قبل مطالبی را در این وبلاگ ادامه دهید .

آقای ل. به یادداشت های آقای عباس در ردیف همین کامنت ها رجوع کنید.

نویسنده: طالب حقیقت

پنجشنبه 26 فروردین1389 ساعت: 23:50

آقای سنجری. ممنون.

نویسنده: abbas

جمعه 27 فروردین1389 ساعت: 2:43

یهودیان اسپانیا در سال ۱۴۹۲از اسپانیا به ترکیه. در زمان Sultan Bayazid II's ' وارد ترکیه شدن.Sultan Bayazid II's دستورداد‌که بدون هیچ مانئ اجازه بدهید که وارده ترکیه شوندبه گفته برنارد لوئیس ، "یهودیان نه فقط مجاز به اقامت در سرزمینهای عثمانی ، اما ، تشویق شدند به کمک و گاه حتی مجبور ساخت ".

Jewish Virtual History Tour The
Turkey

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 27 فروردین1389 ساعت: 13:3

آقای ×××. تنها منبعی که نام سرزمین و شهر و کوه و آدم های ماقبل پوریم را در خود نگهداشته، کتیبه داریوش در بیستون است.

آقای طالب حقیقت. اگر مایل به ایجاد تغییرات تازه در کلیپ ارزشمند خود باشید، پیشنهاد می کنم که نقشه فتوحات فرضی هخامنشی را به عنوان قسمت دوم به بعد از توضیحات و تصاویر رومن منتقل کنید، درست مانند بخش اول سرزمین های آن را نام بگذارید و سپس نشان دهید که از آثار هخامنشی مطلقا خالی است.

نویسنده: طالب حقیقت

جمعه 27 فروردین1389 ساعت: 15:20

استاد از توجه و راهنمایی تان ممنونم. پیشنهاد بسیار خوبی است.

نویسنده: khalil

جمعه 27 فروردین1389 ساعت: 15:33

استاد من بی صبرانه منتظر پاسخ سئوالم هستم.متشکرم.

نویسنده: ناصر پورپیرار،

شنبه 28 فروردین1389 ساعت: 6:58

آقای R134a. منتظر جناب عالی هستم.

نویسنده: abbas

شنبه 28 فروردین1389 ساعت: 6:9

یهودیان بخارا گروه های قومی و زبانی ، متمرکز در آسیای میانه ، به خصوص در منطقه از جمهوری های ازبکستان و تاجیک. اصطلاح ""Bukharan یهودیت" آسیای مرکزی قبل از فتح روسیه بود ؛ آن را ازا ین واقعیت است که در آن زمان بسیاری از جامعه زندگی می کردند زیر از امیر بخارا مشتق شده است. اعضای جامعه خود را ""Isro'il" یا "Yahudiو به ز بان تا جیک یهودی صحبت می کردن. در ازبکستان بیشترین غلظت آن در سمرقند ، دومین شهرستان در جمهوری ازبکستان ، تاشکند (پایتخت جمهوری هستند) ، بخارا ، خوقند و شهرستانها. در Tadzhikistan آنها می تواند به طور عمده در پایتخت در بر داشت ، شهر دوشنبه. تعداد قابل توجهی از یهودیان منشاء Bukharan را می توان در اسرائیل یافت.

دشوار است به منظور برآورد دقیقا چه بسیاری از یهودیان در آسیای مرکزی پیش از نیمه دوم قرن 19 زندگی می کردند. بنجامین از Tudela تخمین زده است که در پایان قرن 50،00012 th بودند در سمرقند به تنهایی است ، اما شکی نیست که این رقم در تاریخ مشاهده مستقیم نمی شد بر اساس وجود دارد

نویسنده: عربگری

شنبه 28 فروردین1389 ساعت: 7:20

سلام
مقاله ای در پاسخ به دوستی درباره آریاوغیره نوشته ام مرحمت فرمائید:
...من هم نمي دانم كه با وجود امپراتوري وحشتناك عظيم هخامنشي ، چرا هيچيك از مشاهير علمي و فرهنگي و نظامي و سياسي و تاريخي ايران يا حتي جهان بعد از هخامنشي از اسامي آنها استفاده نكرده اند؟ (براي اينكه ملموستر باشد بايد بگويم بعد از فرقه ساختگي بهائيت تمام پيروان اندك آنها هنوز هم بعد از يك قرن از اسامي رهبران فرقه استفاده مي كنند يا پس ازظهور القاعده كه يك گروه كوچك چريكي است نام لادن در كشورهاي عربي مد شده و بسيار بر روي نوزادان گذاشته مي شود يا بعد از ظهور وين روني در فوتبال انگلستان و در منچستريونايتد ، بسياري از خانواده ها اولين انتخاب براي نام نوزاد پسرشان وين مي باشد . اما در حالي كه در افواه با عنوان امپراتوري عظيم هخامنشي! ياد مي شود باز هيچ دنباله و ردپايي از آنها در تاريخ مشاهده نمي شود تا اينكه غفلتا ...

وب سایت

نویسنده: مهدي - مهدي

شنبه 28 فروردین1389 ساعت: 11:31

جناب آقاي پورپيرار،

محقق روشن بين، خسته نباشيد. احتراماً اظهار نظر جنابعالي در موضوع "آيا هر كلامي كه از خداوند به پيامبر رسيده است در قرآن منعكس است؟" غنيمت خواهد بود:

http://www.naria.ir/forum/index.php?topic=246.0

ارادتمند
مهدي

نویسنده: سلام محمدی

شنبه 28 فروردین1389 ساعت: 23:0

سلام استاد

http://www.naria.ir/forum/index.php?topic=245.0

نویسنده: ildir

شنبه 28 فروردین1389 ساعت: 23:32

اقای عربگری نامهای سایروس وxerxes دراینگلیسی وداریوش وماریوش درلهستانی ازاسامی متداول هستند.

نویسنده: کولی

یکشنبه 29 فروردین1389 ساعت: 2:7

مواظب باش.یکنفر دایم بفکر ضربه زدن بهت است.به یک یتیم کمک کردی ولی عوض تشکر بهت نامردی کرد.بقیه اش.......

نویسنده: abbas

یکشنبه 29 فروردین1389 ساعت: 3:20

چیزهای که در دین یهود ممنوع می باشنداز جانوران "از زمین" (که در واقع اشاره به سرزمین پستانداران به استثنای جوندگان swarming) ، شما ممکن است هر حیوانی که شکافته سم و نشخوار chews آن را بخورند. لو. 11:3 ؛ Deut. 14:6. هر گونه پستاندار زمینی که نمی تواند هر دو این ویژگی برخوردار نیستند ، ممنوع است. تورات مشخص است که شتر ، گورکن راک ، خرگوش و خوک هستند پاک نمی کند چرا که فاقد هر یک از این دو شرایط. گوسفند ، گاو ، بز و آهو حلال.

از چیزهایی که در آب هستند ، شما ممکن است هر چیزی را که تا به باله و فلس ها را بخورند. لو. 11:9 ؛ Deut. 14:9. بنابراین ، حلزون صدف دار مانند خرچنگ دریایی ، صدف ، میگو ، صدف و خرچنگ ها تمام ممنوع است. ماهی مانند ماهی تن ، ماهی کپور ، ماهی آزاد و شاه ماهی همه مجاز است.

برای پرندگان ، ضوابط کمتر روشن است. تورات فهرست پرندگان ممنوع (Lev. 11:13-19 ؛ Deut. 14:11-18) ، اما مشخص نیست که چرا این پرندگان خاص ممنوع است. تمام پرندگان در این فهرست پرندگان شکاری و یا scavengers ، بنابراین استنباط خاخام که که این مبنای تمایز بود. پرندگان دیگر هستند ، مجاز مانند مرغ ، غازها ، اردک ها و بوقلمون ها.

از "چیز بالدار swarming" (حشرات بالدار) ، چند هستند به طور خاص مجاز (Lev. 11:22) ، اما Sages هیچ کدام دیگر برخی از آنها هستند ، بنابراین تمام شده اند ، ممنوع است.

جوندگان ، خزندگان ، دوزیستان و حشرات (به جز همانطور که در بالا ذکر شده) در تمام ممنوع است. لو. 11:29-30 ، 42-43.

همانطور که در بالا ذکر شد ، هر محصول از این حیوانات ممنوع است ، مانند شیر خود ، تخم مرغ ، چربی ، یا اندام های مشتق شده است ، همچنین نمی توان خورده. پنیر مایه ، آنزیمی استفاده می شود به سخت پنیر ، معمولا از غیر کوشر حیوانات به دست آمده ، پنیر بنابراین حلال سخت می تواند مشکل را به پیدا کنید.

حلال کشتار

نویسنده: سعید

یکشنبه 29 فروردین1389 ساعت: 9:43

انتشار قریب‌الوقوع 17 رباعی منتشرنشده از خیام
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=48283

تعرض نوه ناصرالدين شاه به نواميس مردم
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=48288
اهانت به ساحت پيامبر(ص) در يك انيميشن
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=48299
پخش فيلم ضد ايراني 300 از يك شبكه افغاني
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=48295
کدام عارف خبر زلزله را به احمدی نژاد داد؟
http://www.tabnak.com/nbody.php?id=42826

نویسنده: رعد

یکشنبه 29 فروردین1389 ساعت: 18:23

سلام . اقا رضاa134, مگر منکر خداوند شده بودی ؟
قدسیت مخصوص الله است ولا غیر .این همه مهتران قوم به صغیر وکبیر ,
نجس وپاک ,گبر و یهود و نصارا , کوچک و بزرگ , خودی و غیر خودی ,
سخن درشت میگویندو گفته میشود و شده , ایا خللی در هستی بوجود امده !
خدا ترس باش.

١ ٢ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

بازنويسي ثبت نظر

ایران شناسی بدون دروغ 262، نتیجه70، سیر مختصری در اسناد جدید 71 - نظر

نویسنده: عربگری

یکشنبه 29 فروردین1389 ساعت: 19:28

سلام استاد
سلام دوستان
دوست عزیزم ایلدیر!
توجه کنید که ما الان نشسته ایم و اسامي را که مي شنويم فكر مي كنيم از دوران باستان به كار برده مي شوند شما چرا دقت نمي كنيد كه اين نام سايروس يا سيروس در اروپا يا آسيا يا در ايران نام كدام مشهور در علم و سياست و رياضت و ... بوده است مثلا چرا نام نويسنده هر كتابي را كه مي بينيم محمد و ادوارد و جرج و ... است ولي هيچيك از مشاهير تاريخ بعد از 2500 سال پيش از اسامي منسوب به نام موهوم هخامنشيان نيستند
در هرحال استدعا دارم براي بحث مفصل به وبلاگ بنده مراجعه شود من كه ادعايي ندارم ولي انبوهي از سولات و تناقضات در باب تاريخ دارم
آرزوي طول عمر و سلامتي استاد را دارم

وب سایت

نویسنده: reza

یکشنبه 29 فروردین1389 ساعت: 19:59

کشیش آمریکایی:
افتضاح جنسی مردان کلیسا، عقوبت اهانت پاپ به اسلام است

پاپ همچنین از گزارش برخی رسانه‌های اتحادیه اروپایی درباره فراگیر شدن نامهایی چون «محمد»، «آدام»، «ایوب»، «مهدی» و «حمزه» در بسیاری از کشورهایی اروپایی، از جمله بلژیک به شدت خشمگین شده و سخنانی را علیه اسلام بر زبان آورده بود... «جیمز ساهیل» از پاپ خواست هر چه سریعتر برائت خود از مردان متخلف کلیسا را اعلام کرده و با استعفای خود، چهره آسیب دیده واتیکان را التیام بخشد.
سرویس بین‌الملل ـ یک کشیش آمریکایی بر این باور است که اهانت‌های پاپ بندیکت شانزدهم به اسلام و مسلمانان، موجب شد که او در ورطه افتضاح جنسی کشیشان در آمریکا و دیگر کشورهای جهان گرفتار شود.
به گزارش «تابناک»، کشیش «جیمز ساهیل» از پاپ خواست هر چه سریع‌تر برائت خود از مردان متخلف کلیسا را اعلام کند و با استعفای خود چهره آسیب دیده واتیکان را التیام بخشد.
«ساهیل» به برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای نیز گفت: چگونه می‌شود که پاپ از روابط کشیشان ارشد واتیکان بی‌خبر باشد، در حالی که مدعی است از اخبار کلیساهای دورترین نقطه جهان آگاه است؟!
در همین باره، سایت خبری «المحیط»، با اشاره به گزارش «لارپلیکا» ایتالیا در سال‌های گذشته نوشت: «کاردینال آنجلو سکولا» اعتراف کرده که مهمترین وظیفه‌ای که پاپ برای خود قایل است، مبارزه با اسلام و مسلمانان است زیرا او نمی‌تواند اخبار گرویدن بی شمار مسیحیان به اسلام را تحمل کند.
به نظر می‌رسد، پاپ در حال تحمل کیفر سخنان خود در سال 2006 و پس از آن است!
بندیکت شانزدهم در آن سال گفته بود: اسلام با شمشیر و ترساندن مردم جهان گسترش یافت و ما باید تلاش کنیم بر خلاف اسلام که دین اجباری است! با زبان خوش، همه انسان‌های روی زمین را به دین مسیحیت دعوت کنیم.
پاپ همچنین از گزارش برخی رسانه‌های اتحادیه اروپایی درباره فراگیر شدن نامهایی چون «محمد»، «آدام»، «ایوب»، «مهدی» و «حمزه» در بسیاری از کشورهایی اروپایی، از جمله بلژیک به شدت خشمگین شده و سخنانی را علیه اسلام بر زبان آورده بود.

نویسنده: صالح

یکشنبه 29 فروردین1389 ساعت: 21:15

جواب به اقای ildir
سلام و با اجازه استاد
با اکتشاف تخت جمشید در بیش از یک قرن بوسیله باستان شناسان حقه باز اجنبی و بزرگ نشان دادن داریوش از آن

زمان!!! این نام فقط دراین چند دهه گذشته متداول گشته و در نزد مردم غربی به صورت darius مورد استفاده قرارمی گیرد !
و این نام هیچ گونه پیشینه نامگذاری در طول تاریخ ، از جانب هیچ قومی را دارا نمی باشد . همچنین مزدوری به نام کورش که فقط در تورات ذکر شده بود .
تا نظر استاد گرامی چه باشد ؟

نویسنده: alidama

یکشنبه 29 فروردین1389 ساعت: 23:0

ویژه‌نامه‌ی اشپیگل درباره‌ی تاریخ ایران

http://shahrbaraz.blogspot.com/2010/04/blog-post_12.html

نویسنده: سلام محمدی

یکشنبه 29 فروردین1389 ساعت: 23:36

با سلام خدمت استاد و دوستان .
با توجه به اینکه در ثبت نام وبلاگ انجمن بنیان اندیشی اشکالی وجود دارد که پسورد امنیتی برای ثبت نام فعال نمی باشد به ناچار مطلب شعرا در قرآن را در این محل قرار داده ام .
با تشکر از آقای منصور که نکته خوبی را در مقاله شان پیگیری کردند .
در رابطه با چند آیه آخر سوره الشعراء ، باید چند نکته ای را یادآوری کرد ، و بدون درنظر گرفتن مخاطب این چند آیه ، بحث مورد نظر همچنان در همان مسیر ادامه خواهد دداشت . هدف این چند آیه آگاه ساختن مومنین از راه نفوذ شیاطین است .
و انسانها را در برخورد با شیاطین به دو دسته تقسیم می کند 1- دروغگوها 2 - مومنین
اینجا شاعران جزء دسته اول قرار گرفته اند که دلائل کافی بای این خطاب را در آیه 225 و 226 بیان می فرماید . یعنی شعر از نظر ساختاری ، مدیومی است که چنین خصوصیاتی دارد و اگر این خصوصیات را از آن بگیریم دیگر نمی توان آن کلام را شعر نامید .
به این ترتیب آیه 227 منظور کسانی است که شیاطین بر آنها فرود نمی آیند ، یعنی خصوصیاتی که در تضاد با شاعران (ایه 225 و 226) را یادآوری می کند نه شاعران مومن . وبا رجوع به تکرار این نوع گروه در سراسر قرآن متوجه طرد شدن آنها از طرف خداوند هستیم که با درکنار هم قرار دادن شعرا ، ساحران و دیوانه ها ، جهت گیری قرآن کاملاً مشخص است .
و این چند آیه نه تطهیر شعر و شعرا و نه دسته بندی شاعران که آگاه ساختن مخاطبین شیاطین که دروغگوها هستند و شناختن این دسته و جداکردنشان از مومنان است . و شرط لزوم پیوستن به مومنین آیه 227 روی گرداندن از دروغ و دروغگوها (شعرا ء) است .

نویسنده: abbas

دوشنبه 30 فروردین1389 ساعت: 7:12

در قانون یهود
در قوانین یهود مذهبی ، آن را از نظر فنی غیر ممکن است برای یک یهودی بدنیا آمده اند (مادر یهودی و یا به درستی به یهودیت گرویده) تغییر مذهب. حتی اگر یک یهودی تحت مناسک از ورود به یکی دیگر از ایمان مذهبی و به طور رسمی renounces دین یهودی او باقی می ماند -- تا آنجا که به halakhah نگران است -- یهودی ، ولو گناهکار (Sanh. 44a). با توجه به Naḥmanides * این نگرش ناشی از این واقعیت است که پیمان بین خدا و اسرائیل "با او که در اینجا standeth امروز با ما قبل از خدا پروردگار ما و نیز با او است که با ما نبود امروز در اینجا" (ساخته شده بود 14 : Deut. 29 ؛ Naḥmanides آگهی loc). برای متولد یهودی ، یهودیت است نه انتخاب ماده و برای تبلیغ کردن آن متوقف می شود یک بار او تبدیل شده است. با این حال ، افرادی که آیا فرض دیگر به طور رسمی مذهب یا یهودیت صرفنظر متفاوت هستند طبق قانون یهودی که از یهودیان که به درمان ، حتی در حالی که خطاکار ، باید چنین اقداماتی گرفته شده است. این افراد در halakhah معروف به mumar (از ریشه به معنی "برای تغییر") ، یا meshummad (از ریشه به معنای "به آزار و یا رها کردن نیروی ایمان") ، یا apikoros ("مرتد" ، و یا kofer (" منکر ") ، یا poshe'a Yisrael (" یهودی سرکش "). از آنجا که از لحاظ فنی halakhic ، ارتداد است غیر ممکن است ، شرایط فوق اغلب بسیار آزادانه در ادبیات rabbinic استفاده

نویسنده: ILDIR

دوشنبه 30 فروردین1389 ساعت: 7:43

اقای عربگری مخازن کلیساهای اوروپائی مملوازاسنادومدارک مربوط به تولد ووفات وغسل تعمیدوقباله ازدواج و...درطی قرون میباشندکه امروزه هم بوسیله کامپیوتربرای افرادی که کنجکاو شناسائی اجدادخویش هستندمورداستفاده قرارمیگیرند.مسلمامیتوان تحقیق کردکه مثلانام داریوش ازچه زمانی درلهستان برای نامیدن نوزادان استفاده شده است.اوروپائیان اکثراازنامهائی برخوردارندکه درطول نسل های متوالی مرسوم بوده اند.درمنطقه ماکمتر افرادی ازنامهای

اجدادی برخوردارند،اگرمادربزرگان وپدربزرگانمان رقیه،سکینه،عادله ورحیمه، تاریوردی،امامقلی،شمس الدین نام داشتند،بسیاری ازدختران وپسران امروزی اسامی ارپائی!!!راصاحبند!والبته اسامی ترکی هم که تاصدسال قبل مرسوم بوده اندمذموم تشخیص داده شده وحذف شده اند.امروزه کمترکسی میداندکه ایلدیر،پوزان،قایطاران،...ازنامهای متداول صدسال قبل بوده اند.

نویسنده: abbas

دوشنبه 30 فروردین1389 ساعت: 10:14

www.iranica.com/articles/babai-ben-lotf

نویسنده: abbas

دوشنبه 30 فروردین1389 ساعت: 10:23

history of the Jews mainly of *Kashan and BABAI BEN FARHAD (18th century), author of a versified short Ketāb-e sargozasht-e Kāshān and comprises approximately 1,300 verses written *Isfahan. His chronicle is called Judeo-Persian (Persian using Hebrew in

نویسنده: اترش

دوشنبه 30 فروردین1389 ساعت: 15:15

سلام

آقای محمدی کد امنیتی یک هفته ای می شود که غیرفعال شده. ثبت نام در انجمن مشکلی ندارد و همین دیروز و امروز هم ثبت نامی داشته ایم.

سعی کنید، اگر باز هم موفق به ثبت نام نشدید، در وبلاگم یا ایمیلی به من خبر بدهید تا مستقیما برایتان حساب کاربری باز کنم.

http://www.naria.ir/forum

وب سایت

نویسنده: رعد

دوشنبه 30 فروردین1389 ساعت: 19:12

اقای سلام محمدی با این توصیف , حضرت عالی میفرمائید علیرغم دستور صریح رب العالمین , اگر خصوصیات مهتر قوم را که با شعر و شاعری عجین می باشند را بگیریم , ایشان دیگر شعر نگفته اند بل در سفته اند و شاید هم ورزن جدیدی از وحی خداوندی بر زبان میرانند !!

نویسنده: عابدی

دوشنبه 30 فروردین1389 ساعت: 21:36

سلام استاد. 12 سند براتون ایمیل کردم. البته به دنبال اسناد با قدمت بیش تری نیز هستم (از روستاها و شهر های دیگر.)

من با تاکید می توانم بگویم که قدمت روستا ها از شهر ها بیش تر بوده است. در واقع ، آبادی شهر هایی نظیر تبریز، طی کوچیدن مردم از روستاهای اطراف، برابر بوده است. چنان چه طی همین 50 سال اخیر روند رشد مساحت تبریز ، به همین پتانسیل بسته بوده است و نه تولید مثل اهالی تبریز !

علت وسیع تر شدن شهر تهران نیز به علت میزبانی اقوام از تمامی نقاط کشور بوده. (و نه تولید مثل اهالی تهران)

سلامت باشید.

آقای عابدی. اسناد را دیدم و برای تان ای میلی فرستادم. این را هم دقت کنید که نخستین مهر در قدیم ترین سند، مربوط به سال 1211 هجری قمری، خود تاریخ 1250 را دارد؟!!!

نويسنده: آیدین قشقايي

سه شنبه 31 فروردين1389 ساعت: 7:41

سلام به همه عزيزان
شايد بسياري از دوستان مايل باشند به كتاب نقشه شهرهاي ايران در زمان قاجار دسترسي داشته باشند. اينجانب در اينترنت كه جستجو كردم نتوانستم اين كتاب را در فروشگاههاي مجازي پيدا كنم. به ميدان انقلاب هم مراجعه كردم باز هم موفق به يافتن اين كتاب نشدم.
اگر دوستاني كه به اين كتاب دسترسي دارند آن را تكثير كرده و به نوعي به دست علاقه مندان مي رسانند مسلماً كمك بسيار زيادي در راه اشاعه بنيان انديشي مي نمودند.

نويسنده: توحید

سه شنبه 31 فروردين1389 ساعت: 5:39

با سلام

استاد گرامی خسته نباشید . وقفه کم سابقه ای در نصب مطلب جدید پیش آمده امیدوارم اوضاع به سامان باشد و مطالب را باسرعت بیشتری پی گیری کنید هر چند می دانم نصب هر مطلب با زحمات و مشکلات عدیده ای روبرو است .

با آرزوی توفیق و سلامتی .

نويسنده: عادل

سه شنبه 31 فروردين1389 ساعت: 9:12

جناب پورپیرار سلام آیا به عکسهای آلبوم خانه کاخ گلستان دسترسی داشته اید .چند هزار عکس در آنجا موجود است .

نويسنده: احسان

سه شنبه 31 فروردين1389 ساعت: 10:23

اگر قبول کنیم که در دوران قدیم لشکرکشیهای متعدد به دلیل نبود امکانات و ارتباطات اساساً مقدور نبوده, پس چطور خزران توانسته اند از قفقاز تا مثلاً دمشق را برای مقابله با سپاه اسلام طی کرده باشند؟ ضمن این که ایگناسیو اولاگوئه هم جنگ پواتیه و تور را نه رویارویی شارل مارتل و اعراب بلکه یک نبرد سیاسی عقیدتی بین مسیحیان و ساکنان مسلمان شده ی اسپانیا میداند و منکر این دو نبرد است.

نويسنده: شفق

سه شنبه 31 فروردين1389 ساعت: 12:38

با سلام
خسته نباشید.

نويسنده: سعید

سه شنبه 31 فروردين1389 ساعت: 13:42

نقل از وب سایت دکتر مهدی خزعلی

آری آقایان مدیر کل! بند " و " از ماده سوم آیین نامه ای که به استناد آن ممیزی کتب و محدودیت های نشر را معلوم می سازند را خوانده اید؟
" و. تمسخر و تضعیف غرور ملی و روح وطن پرستی و ایجاد روحیه خودباختگی در برابر فرهنگ و تمدن و نظامات استعماری غربی و شرقی "
قبل از هرچیز به آن واژه وطن پرستی دقت کنید تا برایتان ثابت شود از دیدگاه مدیران و قانون گزاران فرهنگی نظام اسلامی آن هم در کشوری که سه دهه از تحول انقلابی و اسلامی آن می گذرد علاوه بر خداوند یکتا ، چیزهای دیگری برای پرستش به صورت رسمی و قانونی وجود دارد. شاید شما انتشار این کتاب را سهوی می دانید ولی اگر فرض شما درست باشد باید

ارشاد اسلامی تحت مدیریت کیهانیان پس از اطلاع از اشتباه خود نسبت به جمع آوری نسخ آن اقدام می کرد و متخلف را توبیخ می نمود در حالی که هیچ گاه چنین امری صورت نپذیرفت! تصویر زیر را ببینید تا اثبات شود ارشاد اسلامی لااقل از شهریور 1387 از این اشتباه آگاه بوده است. من تصاویر دیگری دارم از کتاب فروشی های گوناگون در شهرهای مختلف دارم که تا همین چند ماه پیش این کتاب را نه در پستوی مغازه که در ویترین خود به نمایش گذارده بودند.

نویسنده: عابدی

سه شنبه 31 فروردین1389 ساعت: 14:13

سلام. آقای احسان می گویند 9000 هزار عکس وجود دارد!

نویسنده: khalil

سه شنبه 31 فروردین1389 ساعت: 17:36

با سلام خدمت استاد عزيز
استاد اين سومين بار هست كه سئوالم را بازگو مي كنم ولي جوابي برايش ندارم .لطفاً پاسخ دهيد.
باز هم در مورد قرآن برايم سؤالاتي مطرح كردند كه در آن به جفت بودن تمامي موجودات زنده اشاره شده. از آن طرف هم گفته مي شود دانشمندان به جانوراني بر خوردند كه تك بوده وهيچ جفتي ندارند.استاد به نظر شما جريان چيه ؟

نویسنده: میثم

چهارشنبه 1 اردیبهشت1389 ساعت: 0:43

هر 1 در مقابلش یک منفی1- وجود داره امروز اثبات شده هر ماده ای درای یک ضد ماده است . آیا جفت بودن منظور این جفت بودن نیست ؟
جمع 1 و 1- صفر میشه - تماس هر ماده با ضدش هم صفر میشه -چه ارتباطی بین این موضوع و مسئله شیاطین وجود داره؟؟

١ ٢

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 263

ایران شناسی بدون دروغ 263، نتیجه71، درباره کمال الملک، 6 - 52 نظر

نویسنده: ایرج

چهارشنبه 1 اردیبهشت1389 ساعت: 1:18

استاد بی نهایت ممنون خسته نباشید

نویسنده: ×××

چهارشنبه 1 اردیبهشت1389 ساعت: 2:54

خسته نباشید استاد. در عجبم که واقعا این اساتید تاریخ مملکت حتی زحمت ندادند به خودشان که ببینند آن شماره روزنامه اطلاعات وجود خارجی داره یا نه؟!! جدا که همین یک مورد ثابت میکنه از اول باید تاریخ این مملکت بازبینی بشه.موفق باشید

نویسنده: abbas

چهارشنبه 1 اردیبهشت1389 ساعت: 6:37

استاد خسته نباشید.شرکت کتاب .چاپ ونشر در آمریکا در سال ۱۹۹۹. ۳۰۰۰ نسخه یهودی.فارسی تورات از نویسندۀ یهودی با اسم شاهین را چاپ کردن.و قرار است.که نسخه های دیگری را از نویسندۀ دیگری با نام عمرانی که در قرن ۱۵ در ایران زندگی می کرده را هم ترجمه و به فروش بگذارند

نویسنده: بابک

چهارشنبه 1 اردیبهشت1389 ساعت: 8:5

با سلام خدمت استاد گرامی
امیدوارم من اشتباه کرده باشم ولی عکس روی اون لوگو مربوط به جمشید مشایخی است هنرمندی که نقش کمال الملک را در فیلم سینمایی با همین عنوان بازی کرده است. تا نظر استاد و سایر دوستان چه باشد. اگر من اشتباه میکنم منو از اشتباهم در بیاورید.
بابک

نویسنده: بختیار

چهارشنبه 1 اردیبهشت1389 ساعت: 8:53

استاد با سلام

بنظرم حماقت این جماعت بسی بالاتر باشد.
آن لوگوی پردیس دانشگاهی که نصب فرموده اید بسیار عجیب است. بنظرم با توجه به اینکه در زمان کمال الملک عکس رنگی وجود نداشته است و با فتوشاپ هم کمی بزحمت میتوانستند یک کمال الملک رنگی تر و تمیز خلق کنند لذا تصمیم گرفته‌اند عکسی از جمشید مشایخی بازیگر در لوگو قرار دهند (کاملا مطمئن نیستم اما بنظر خود جمشید مشایخی باشد)

نویسنده: ***

چهارشنبه 1 اردیبهشت1389 ساعت: 9:47

منظورتان تصویر جمشید مشایخی است بازیگر نقش کمال الملک

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 1 اردیبهشت1389 ساعت: 14:58

اصل مطلب همین جاست. اگر آنان به کور شدن چشم کمال الملک یقین دارند، پس باید جمشید مشایخی را نیز با گریم یک چشم نشان می دادند. مثل این که فیلم موبی دیک را با کاپیتانی دارای دو پای سالم بسازند! بدین ترتیب نتیجه می گیریم که یا کمال الملک هرگز کور نبوده است و یا باید آن فیلم را هم به سبد خاکروبه انداخت.

نویسنده: سعید

چهارشنبه 1 اردیبهشت1389 ساعت: 14:54

با سلام و خسته نباشید
استاد اگر امکان دارد مطلب فوق در مورد لوگ را به همان شکلی که در جواب کامنت آورده اید بنویسید یعنی به جای تصویری ار کمال الملک تصویر بازیگر نقش کمال الملک را قید فرمایید تا برای مخاطبان مریض دل اسباب غرغر فراهم نکرده باشید
خدا قوت

آقای سعید. از کسانی که حتی روزنامه یومیه جعل می کنند، هراس نکنید. بگذارید غرغر کنند تا معلوم شود که فقط اهل گرفتن ایرادات بنی اسراییلی اند و مثل همیشه جرات ورود به اصل مدخل را ندارند.

اقای مردانگی. نفهمی و حماقت به یک معنا است.. آن لوگوی مدرسه عالی آموزشی جمشید مشایخی نیست، لوگوی مدرسه عالی آموزشی کمال الملک است! او می تواند اعتراض اش را پیش مدیر آن مرکز ببرد، تا ریشخندش کنند. تعجب می کنم چرا این دوست شما زمانی که فیلم کمال الملک را می دید از جا بلند نشد و فریاد نزد: این که کمال الملک نیست، جمشید مشایخی است!؟ حالا مفهوم حماقت را فهمیدید؟!

نویسنده: فتح

چهارشنبه 1 اردیبهشت1389 ساعت: 18:23

آقای پورپیرار خواندن این پستها هم بد نیست تا نظر شما چه باشد

Itemid=447&catid=231&id=528&view=article&http://drkhazali.com/index.php?option=com_content

id=532:1389-01-30-10-20-&view=article&http://drkhazali.com/index.php?option=com_content
Itemid=458&catid=234:1388-11-13-13-53-10&18

آقای فتح. این ماسماسک شکن کامپوتر من درست مانند آن سگ شکاری معروف، موقعی که به آن احتیاج است، کار نمی کند. نتوانستم لینک ها را باز کنم.

نویسنده: khalil

چهارشنبه 1 اردیبهشت1389 ساعت: 22:1

آقاي طالب حقيقت از راهنمايي شما ممنونم.

نویسنده: سعید

پنجشنبه 2 اردیبهشت1389 ساعت: 8:14

با سلام استاد
البته بدون مشورت شما تمام مقالاتتان در مورد کمال الملک را به چند استاد از جمله آقای آغداشلو که از اساتید دانشگاهی خود بنده هم بوده و گاها تماسهایی هم با ایشان داشتم فرستادم دو هفته گذشت و خبری نشد دوباره جویای مقاله شدم که جوابی نیامد البته تا نظرشان را نگرفتم ول کن نیستم یا باید از استادی استعفا دهند و یا ردیه ای بنویسند و یا قبول کنند باید به زور آموخته های دروغ خودشان را مطالبه کنیم اگر آنها میدانستند و دروغ به ما گفته اند و یا حتی تنها حقیقت را نگفته اند باید جوابگو باشند
مستدام باشید

آقای سعید. لااقل از این یکی، به خصوص که نام من بر مقالات آمده، پاسخی نخواهید گرفت. خداوند این حضرات را به راه راست بفرستد.

نویسنده: توحید

پنجشنبه 2 اردیبهشت1389 ساعت: 5:57

با سلام
خسته نباشید ...

واقعا نمی دونم چی باید گفت :

.- سود سپرده بانکی -
نگاه به نا محرم _ علت حرمت طلا بر مرد_ خرید و فروش وام بانکی -
استفتاءات جدید در احکام نگاه _ فلسفه ازدواج موقت ...

/http://www.ahkam.mihanblog.com

وب سایت

نویسنده: R134a

پنجشنبه 2 اردیبهشت1389 ساعت: 9:36

سلام استاد- خسته نباشید.

نویسنده: مسلم

پنجشنبه 2 اردیبهشت1389 ساعت: 23:38

استاد خسته نباشید
مواظب بارانهای اسیدی هم باشید تحفه غرب برای ایران!

نویسنده: بی نام

جمعه 3 اردیبهشت1389 ساعت: 0:55

استاد عزیز سلام علیکم
فکر می کنم کسی با نام بنده وارد سایت بنیان اندیشان شده شده چون در ساعاتی که بنده وصل نبوده ام به نام بنده وارد چت روم شده اند .اگر ممکن است دستور فرمایید دوستان عزیز برسی کنند.بنده در تاریخ 89/2/2 حدود ساعت 13:15 وارد چت روم شده ام والان که وارد چت رو شدم بعد از آن در دو نوبت ورود بنده ثبت شده که من وصل نبوده ام. ممنون

نویسنده: انجمن بنیان اندیشی

جمعه 3 اردیبهشت1389 ساعت: 9:14

آقای بی نام

چرا این موضوع را در اینجا عنوان می کنید؟
انجمن امکاناتی مانند ارسال پیغام خصوصی دارد.
لطفا از طریق همان انجمن مسایل مربوط به آن را مطرح کنید. چون ازقضا هیچ اطمینانی نیست که این «بی نامی» که در اینجا کامنت گذاشته همان «بی نام» باشد و کامنت سرکاری نباشد اما در انجمن فقط یک نام کاربری صادر می شود و کسی نمی تواند خود را به نام دیگری جا بزند.
در مورد چت روم هم نگران نباشید شخص دیگری به نام شما وارد آن نشده و نمی تواند که وارد آن شود. هنگام خروج پنجره ی آن را بسته اید و دگمه ی «خروج» را نزده اید به همین دلیل کاملا خروج شما ثبت نشده.
سخنی هم به اسم شما در این مدت درج نشده پس خیالتان راحت باشد.

در ضمن (کنایه وار البته) چرا به غیر [استاد] توسل می کنید در حالی که ما خود حی و حاضریم؟

آقای بی نام. اندک اندک از این پایگاه و فروم بنیان اندیشی، با توجه به تحرکات آقای دما و اسامه و موارد دیگر، بوی شگرد یهود شنیده می شود.

وب سایت

نویسنده: صالح

جمعه 3 اردیبهشت1389 ساعت: 11:9

استاد چند روز پیش یکی از بهترین دشمنانتان یعنی مردی برای هزاره سوم را از دست دادید.

آقای صالح. به ترین یا بدترین؟!

نویسنده: celestial

جمعه 3 اردیبهشت1389 ساعت: 17:14

سلام
"آقای بی نام. اندک اندک از این پایگاه و فروم بنیان اندیشی، با توجه به تحرکات آقای دما و اسامه و موارد دیگر، بوی شگرد یهود شنیده می شود."
این یعنی چی!؟
مگه انتظار دارین یهودیان وارد اونجا نشن؟
فروم برای عضویت آزاده و در این محیط مجازی نمی تونیم از کسی احراز هویت و عقیده کنیم، پس مسلمه که سر و کله همه جور آدمی پیدا بشه، پان شیعه، پان فارس و پان ترک، یهودی و آنوسی، مخالف و معاند و....
ما داریم اونجا سعی میکنیم یک فضای "بنیان اندیشی" در کنار "آزاد اندیشی" خلق کنیم.
شاید هم منظورتون اینه که ماها آنوسی هستیم!!؟
و این پیشنهاد خودتون بود که نقدها رو از اینجا اونجا توی فروم جمع کنیم و بهشون جواب بدیم، غیر از اینه!؟

نویسنده: بی نام

جمعه 3 اردیبهشت1389 ساعت: 21:21

انجمن بنیان اندیشی

مرجعیت بنده همان است که به ان رجوع کرده ام وهنوز همین وبلاگ مقصد ومنظور است.
با تشکر خود خود بی نام

نویسنده: AREF

جمعه 3 اردیبهشت1389 ساعت: 22:31

http://en.wikipedia.org/wiki/J._Z._Knight

mikone tamam adyan wageghan dar ajabam tamam talashash ra dar esbat yektaiye khoda wa enkar taslis ostad .guya eslam wa gorany dar zamin wojud nadarad ra be baad entegad migire waly sokhany az eslam nemizaneh

نويسنده: عربگرى

جمعه 3 ارديبهشت1389 ساعت: 23:8

سلام دوست عزيزم ILDIR
يادم مي آيد در گلدكوئست كه بوديم ليدرها مي گفتند پارادايم شيفت شدن افراد جهت پولدار شدنشان در اندك زمان كاري نيست كه بتوان يك شبه انجامش داد(يعني تغيير دادن چهارچوبهاي ذهني افراد كه يك عمر طول كشيده تا شكل گرفته اند به زمان زيادي نياز دارد) در اينجا كاري به اين ندارم كه اين دستور تا چه حد درست است ولي گويا شما هنوز مقالات استاد پورپيرار را براي فقط سرگرمي مطالعه مي كنيد و نيازي به انطباق آن با واقعيات و مسائل ديگر نداريد و حتي با مصداق عيني خودش نيز تطبيق نمي دهيد
غرض اينكه اگر قرار بود ما اسناد و مدارك غسل تعميد و ازدواج و وفات و ... كه در كليساها خاك مي خورند را نشنيده و نديده به عنوان واقعيتي انكارناپذير قبول داشته يا خودمان خلق كنيم پس چه نيازي بود اينهمه قلم فرسايي كنيم و اينهمه كتابها و اسناد و مدارك مستند(و به قول استاد مستند مانند فيلم راز بقايي كه يك شير گورخر را مي درد) ارائه دهيم؟ اصلا مگر ما براي برملا كردن همان ادعاهاي دروغين قيام نمي كنيم؟ما هنوز اينهمه تابلوي نقاشي از كمال الملك معاصرمان را دروغ ساخته مي يابيم و نه تالار آينه و نه حوض و ... در هنگام نقاشي كردن تابلوي آنها، موجود نمي يابيم آنگاه ادعايي را در دهان كليسائيان قرار مي دهيم كه بله در انبارهاي شما مداركي است و شما نمي دانيد و ما مي دانيم؟
گويا كار ما شده مصداق اين مثل كه مي گوييم نر است و شما دستور دوشيدنش را صادرمي فرمائيد.
ما با پرچمداري استاد موجوديت تمام فلاسفه يونان باستان، حمله اعراب به ايران و اروپا، حمله اسكندر به ايران، حمله مغول به ايران، قدمت شاهنامه فردوسي، قدمت ديوانهايي مانند حافظ و سعدي و مولوي و... را افسانه اي بيش نمي دانيم و منكر داستانهايي هستيم كه به عنوان تاريخ يا زندگينامه براي آنها ساخته اند و براي اين ادعايي بسيار ساده ولي تكان دهنده اسناد محكم و انكار ناپذير داريم

وب سايت

نويسنده: عربگرى

جمعه 3 ارديبهشت1389 ساعت: 23:9

بنده علاوه بر ادعاهاي استادپورپيرار، داستانهاي دايناسورها، وجود دوربينهايي ماهواره اي در مدار زمين(مانند گوگل ارث)، وجود بمب اتم، وجود كشتي تايتانيك، ... را نيز جزء داستانهايي مي دانم كه اخيرا (در حدود همين 20 تا 50 سال اخير) به يمن وجود رسانه اي همه گير و قوي مانند سينما و تلويزيون به آنها دامن و داستان زده شده است و اعتقاد دارم اين داستانها همگي جزء ابزار سلطه مي باشند كه ابهتي كاذب ولي قدرتمند در اذهان مردم عوام جهان به نفع ابرقدرتها ايجاد مي كند.
براي من خيلي جالب است كه شما چه راحت گول مي خوريد! مساله اين نيست كه داريوس يا ماريوس كه هيچ ربطي هم به هم ندارند از كي در لهستاني كه تا قرني پيش خودش يك ايالت بود نه كشور، رايج شده است مساله اين است كه اگر مثلا من يك افسانه اي تخيلي-تاريخي بنويسم و نام شخصيتهاي آنرا از اسامي مثلا ژاپني انتخاب كنم آيا اين دليل بر حقيقت داشتن آن افسانه خواهد بود؟(البته كه در مورد هخامنشيان آن اسامي هم قدمت ندارند نمونه اش اينكه چرا تا قبل از حكومت پهلوي در ايران، نامي از آنها در كتابهاي تاريخي ما يا در مثنوي معنوي يا در ديوان حافظ يا در گلستان و بوستان سعدي يا در شاهنامه فردوسي يا در كليله و دمنه يا در پنج گنج يا در سياست نامه يا در ... هزاران كتاب مثلا تاريخي ما ديده نمي شود؟)

وب سايت

نويسنده: انجمن بنيان انديشى

جمعه 3 ارديبهشت1389 ساعت: 23:19

"آقاى بى نام. اندک اندک از اين پايگاه و فروم بنيان انديشى، با توجه به تحركات آقاى دما و اسامه و موارد ديگر، بوى شگرد يهود شنيده مى شود."
منظور شما اين است كه يكى دو نفرى يهودى در انجمن پيدا مى شود يا اينكه اساس فروم مشكل دارد و يهود ساخت است؟!
خوشحال مى شوم نظرتان را واضح تر اعلام كنيد...

منظورم این است که اگر انجمن بنیان اندیشان دایر کرده اید، پس کارتان باید تربیت بنیان اندیش باشد نه سست کردن آبکی پایه های آن. مثلا می پرسم این پوستر تبلیغاتی برای بنگاه میراث مکتوب که آقای علی دما به عنوان خبر چاپ قدیم ترین متن به زبان فارسی! به دیوار انجمن چسبانده اند، چه خاصیتی دارد و چه کمکی به رشد بنیان اندیشی می کند؟ و می دانید که این تنها نمونه نیست.

آقای منصور. کاش فقط نسبت به درک مبانی زیر بنایی کند ذهن بودند، مغرضان نیز در میان آنان جای پای فراخی دارند.

وب سایت

نویسنده: سلام محمدی

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 8:39

باسلام
اقای اترش،راهنماییهای استاد مثل همیشه ،جلوگیری ازانحراف حرکت در مسیراست.

نویسنده: اترش

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 9:5

پس بگذارید به اطلاع شما و دیگران برسانم که
در دو ماه فعالیت انجمن، بیش از ۸۰۰ پست در آن ثبت شده... میانگین بازدید روزانه از آن بیش از هزار بار است و مجموع صفحات بازدید شده ی آن تا این لحظه ۶۶۷۰۰
این هم لینک به قسمت آمار آن:
http://www.naria.ir/forum/index.php?action=stats
حتی اگر نصف این آمار متعلق به یهودی جماعت باشد که نباید شما تیشه به ریشه کل فروم بزنید.
چرا این حرفهایتان را هم در خود فروم و قسمت انتقادات و پیشنهادات یا حتی قسمت ویژه مدیران و جمع خودمانی عنوان نمی کنید و در عوض آن را در اینجا بازتاب می دهید که نقطه رجوع همه است؟
من یکی به شدت از این حرفهای شما دلخور شده ام و ترجیح می دهم از سمتم کناره گیری کنم تا اینکه یک بار دیگر و به مناسبت دیگری مورد شماتت و بالاتر از آن انگشت اتهام مستقیم و غیرمستقیم شما یا دیگران قرار بگیرم.

آقای اترش. خداوند تذکر داده است در پستوها تصمیم نگیریم و مطلبی را از نظر عام دور نداریم. تعداد بازدید کنندگان مهم نیست، مهم این است که بفرمایید این همه بازدید کننده چه با خود برده اند؟! چند باری اشاره داشته ام که باید مراجعه کننده را به درک اهمیت بنیان اندیشی هدایت و مثلا دعوت کرد پس از دیدن مستندها، درباره تاثیر و یا برداشت از آن ها نظر دهند و نقاط قوت و ضعف آن را بیان کنند. آن چه من می بینیم پست های بی خاصیت و یا حتی مغرضانه ای است که مثل قارچ و بدون کسب هیچ نتیجه ای در فروم می رویند. در نهایت هم عرض می کنم که فروم و تصمیم گیری درباره آن با شماست و من جز مراجعه کننده ای نیستم.

وب سایت

نویسنده: abbas

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 10:35

http://www.iranicaonline.org/articles/judeo-persian-ix-judeo-persian-literature

نویسنده: سعید

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 11:3

حساسیت استاد در این مورد را درک نمیکنم من یکی از اعضای فروم هستم آمار فروم نشان دهنده پیشرفت روز آفزون فروم است و جای تقدیر دارد
امثال آقای علی دما نظراتی دارند و گرایشاتی که خط فکری خودشان است تضمینی بر ورود غیر بنیان اندیش و سکوت وی وجود ندارد اگر چنین باشد که دیگر نمیتوان به آنجا گفت فروم بیشتر شبیه به وبلاگ میشود
هنوز خروجی از نوشتار امثال آقای دما وجود ندارد در مورد این خبرها نظریات ارائه میشود و نتیجه گیری با بازدید کننده است بیشتر مراجعه کنندگان از مخالفین جریان بنیان اندیشی هستند واز دشمنان استاد و اگر عضو انجمن نشده اند دلیل بر ضعف

آنها در برخورد و مقابله با نظریات است اگر کسانی با حجاب بنیان اندیشی وارد میشوند و قصد شروع مباحثی را دارند که به مزاق ما خوش نیست هم در نهایت به آگاهی مخاطبان پنهان کمک میکنند به شرطی که نوشته ها بدون جواب رها نشوند و اعضا و دوستان بنیان اندیش در این امر مشارکت بکنند.

آقای سعید. هنوز هم نفهمیده ام مقصود شما از پیشرفت انجمن چیست؟ تکرار این که فروم همان راهی را می رود و همان کاری را انجام می دهد که دیگران، خود اقرار به درجا زدن است. به خصوص که شما می گویید "به شرط این که نوشته ها بدون جواب رها نشوند" و می دانید که غالبا بدون جواب رها می شوند و celestialاعتراف می کند که پس از گشودن عنوان قادر به ادامه آن نیستیم. منظورم این است که دوستان فروم را به سوی معینی هدایت کنند. حالا من مشغول ویراستاری مقالات ایران شناسی بدون دروغم و عنقریب جلد پنجم آن هم به لطف خدا تا یادداشت 206 آماده خواهد شد. در ضمن کار با مقوله هایی برخورد می کنم که استعداد گسترش فوق العاده دارد و برای جذب نواندیشان موثر است، چنان که سایه یادداشت های کمال الملک بر کلاس های هنر سنگینی می کند. علی ای حال به گمانم دوستان در انجمن بدون استراتژی و برنامه کار می کنند و حول محور بی خروجی چرخ می زنند. ضمن این که آدرس آقای دما به کلیات قدیم سعدی ختم نشد، بعدا قدیم ترین کتاب فارسی را تبلیغ کردند و اندکی آن سوتر ما را به دیدن نسخه نوی از شاه نامه دعوت خواهند کرد! چرخ زدن حول این مطالب بی سرانجام چه حاصلی دارد؟!

نویسنده: سعید

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 11:4

خبری مبنی بر نسخه اصلی گلستان سعدی نصب شده که مباحثه در مورد آن در نتیجه به بطلان سندیت آن نسخه خواهد انجامید.
حالا اگر شروع کننده ای وجود نداشته باشد و تنها حکم صادر شود و مخالفتی نباشد مخاطب چگونه به درستی نظریات بنیان اندیشی پی ببرد
میزان جذب مخاطب ارتباط مستقیمی با مخالف خوانها دارد و انجمنهای دیگر هم همینگونه عمل میکنند
من در یکی از انجمنها که جزو پر مخاطب ترین انجمنهاست تمام تالار تاریخ رو تحت تاثیر قرار داده ام در حالی که مدیریت تالار خود از زرتشت پرستان است
برای حفظ تالار مجبور به تحمل بنده است و با اینکه گرایشات مخاطبان به نوشته ها و نظرات شما را میبیند تنها به تذکراتی بسنده میکند و این کاملا طبیعی است
مرا محکوم به وطن فروشی میکند و فحش میدهد اما نتیجه در برداشت مخاطب است در یک تالار دیگر همان روز اول به جرم وطن فروشی مرا به اعدام محکوم کرده و اخراج کردند
فروم یعنی همین ما با مخاطبان آکبند طرف نیستیم که در روز اول تحت تاثیر قرار گرفته و توبه کنند بیشتر مخاطبین فروم ها خود مدعی اند و کسانی که با نظریات آشنایی ندارند بیشتر ادعا دارند پس باید منتظر بود
تجربه ای که من در تالارهای دیگر دارم بر این اساس است که دیدن مستندها همانا و فرار مخاطب همانا اینکه در گرایش مخاطب به دیدن مستندات باید تلاش کرد درست اما نتیجه گیری به این سرعت امکان پذیر نیست

نویسنده: celestial

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 7:52

اشکال کار اینجاست که ما موضوعات رو ایجاد میکنیم ولی بعد نمی تونیم ادامه بدیم و به سرانجام برسونیم، چون همه از متهم شدن واهمه دارن، هر کسی روی موضعش پافشاری کنه، بلافاصله حکم صادر میشه که آنوسیه، شاید هم باشه اما چه اهمیتی داره؟ مهم اینه که بتونیم با هر کسی در هر سطحی از آگاهی ارتباط برقرار کنیم و روشنش کنیم. متاسفانه فضای همیشه بدبینانه وبلاگ به انجمن هم سرایت کرده! کسی این حقیقت رو در نظر نمی گیره که هیچ کدوم از ما مادرزادی بنیان اندیش به دنیا نیومدیم.
مطالب لغو و بی فایده هم بدون مراجعه و پاسخ دهی باقی میمونن و یا امتیاز منفی میگیرن، پس جای هیچ نوع نگرانی نیست.
استاد محترم، شما همواره ما رو به صبر دعوت کرده اید، اما متاسفانه خودتان در مورد انجمن ناشکیبا و ایرادگیر شده اید.

نویسنده: م

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 11:35

http://www.tebyan.net/download/%d9%81%d9%88%d9%86%d8%aa_%d8%b9%d8%ab%d9%85%d8%a7%d9%86_%d8%b7%d9%87.1332.html

سلام

این سایت اسلام داره فونت اسلامی رو معرفیمی کنه و اون وقت در نمایش نمونه فونتش، ور میداره اولین آیه تورات رو می ذاره و بعد به عنوان خط عثمان طاها معرفی می که!
فی البدء کان .... الکلمة هو الله ....

مادر پیاله های ....

نویسنده: ..

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 13:20

واقعا" که بعضی ظرفیت پست ومیز ومقام را ندارند وچه ابلهانه که ترک نشینان که در حکم روسای مجازی اند غره تر از آن دیگری باشند.
من ادب مجتبی غفوری عزیز نسبت به استادعزیز را دیده ام, کاش ذره ای از وفای این جوان در وجود بعضی از آقایان وخانمهای مدعی بود وچنین جسورانه به ساحت استاد عزیز ما درشتی نمی کردند.
بنا به گفته بی نام مرجعیت ما استاد است واگر ایشان بفرمایند آبکی است لا شک که آبکی است.
آقای اترش .خانم celestial .انجمن بنیان اندیشی و..سمعا" وطاعتا"جواب استاد است ونه کلام درشت وناموزون.

نویسنده: علی

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 14:25

من برای شما اقای پور پیرار متاسفم ما از سر فردوسی حافظ سعدی و... هم میگذریم ولی نمیوان از واقعیت حادثه کربلا رد شد نمیتوان از علی (ع) رد شد نمیتوان از جرم وخیانت بنی امیه رد شد شما یهود را رد میکنید و ولی اخر در نهان حرف های تان به یهود بازمیگردیید شما بطور پنهان از حاکمیت 1000 ساله یهود میگویید از تسلط یهود بر بیت المقدس میگوویید اینطور که من فهمیدم شما از اونایی هستید که با انکار میخواهید به هدف خود برسید. شما چگونه به این مسائل جواب میدهید هر چند که جواب نمیخواهد چون من جز اعتقاد شما جیزی نگفتم
باید بگم چگونه خود را توجیح میکنید؟ با تشکر امیر محمدی

آقای امیر. معمولا معتقد به ادله نیازمند نیست و هرگز مثلا از خود نمی پرسد کدام روایت از قریب 150 نوع وقوع حادثه کربلا که در کتاب تاریخ طبری آمده، صحیح است، چون پذیرش آن جادثه را پایه اعتقادات خود گرفته است. اما مورخ و محقق چنین نیستند و برای هر تصویر تاریخی دلیل اثباتی محکم و همزمان طلب می کنند. مثلا اگر از شما سئوال کنم چه دلیل تاریخی و نه اعتقادی برای حادثه کربلا دارید مطلبی برای ارائه نخواهید داشت.

نویسنده: سعید

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 15:55

"پرشین" از کی "ایران" شد؟
http://www.tabnak.com/nbody.php?id=43402

نویسنده: اترش

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 17:19

استاد کسی نگفته در پستو به تصمیم بنشینیم و از آن جماعتی هم که در قرآن چنین معرفی شده اند نیستیم. بحث این است که شما در حال تضعیف روحیه ی انجمن اید. آن هم در معرض دید مخاطبان وبلاگتان که درصد قابل توجه ای از آن کاملا نمی دانند در فروم چه خبر است.
وقتی به انجمن به دیده ی منفی می نگرید نه تنها دوستان و هم اندیشان شما به آن بی رغبت تر می شوند و حضورشان در آن کمرنگ تر، بلکه همان می شود که از آن واهمه داریم، یعنی محفل دیگری که در آن نه بنیان اندیشان که مخالفان جمع اند و تریبون دیگری بر ضد ما.

مطالب فروم (جز تیتر انجمن هایش) هنوز در گوگل و دیگر موتورهای جستجو ایندکس نشده و در نتیجه ورودشوندگان و مخاطبان آن همان بیننده گان وبلاگ شما و آشنا با مباحث هستند.
نمی توان هم با چماق بازجویی بر سر کسانی که به انجمن رجوع می کنند ایستاد و پرسید چه با خود برده اند یا چه آورده اند.
در انجمن «قرآن کریم» ۱۸۰ و «تازه واردان» ۸۵ پست ثبت شده و مثلا انجمن «یونانیان» حتی یک پست هم ندارد. درج

پست و پی گیری مباحث سلیقه ی اعضا بوده و بستگی به خواست آنها دارد. مباحث هم نه کهنه و نه بسته می شوند. اگر کسی بخواهد می تواند در مورد اولین پست ثبت شده در انجمن هم چیزی نوشته و آن را بحث روز کند. فروم همین است و محل بحث آن جمعی و مشارکتی است. نمی توان جلوی افراد را گرفت که پست و موضوع جدید ندهند یا بصورت دیکتاتورمنشانه فقط مجبور باشند بحث های خاصی را پی گیری کنند.

وب سایت

نویسنده: انجمن بنیان اندیشی

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 17:41

آقای ..

در مباحثی که به شما مربوط نیست و در حد آن نیستید سکوت اختیار کنید و زالو منشانه بر زخم ننشینید.

وب سایت

نویسنده: امیر محمدی

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 18:33

1 شما دلیل قیام امام حسین را یک دعوا بر سر خلافت تعبیر کردید
2بنی امیه که خیانتش بر همه واضح است را به گونه ای از این جریان تبرئه کردید
3 بله حوادث اتفاق افتاده در کربلا نقل های زیادی دارد وامکان غلط بودن خیلی از ان ها است ولی شما اصل هدف امام حسین را نشانه گرفتید
4 بنده بعد از دیدن تخت گاه هیچ کس تفکر شما را ستایش کردم ولی بعد از خواندن کتاب برامدن اسلام واقعا نسبت به هدف شما دچار تردید شدم که شما نفی یهود میکنید و به طور پنهان در اخر به یهود میرسید. دوست دارم جوابی بدهید که بتواند من و هر که این کتاب را خوانده توجیح کنه
متشکرم

آقای محمدی. کاری به این ندارم که نگفته اید چه مبحثی در سه کتاب برآمدن اسلام یهود را تایید می کند، ولی حالا که خود اقرار دارید خیلی از روایات درباره کربلا غلط است، لطفا بفرمایید شما روایت درست را از کجا و چه گونه به دست آورده اید؟!

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 20:7

آقای اترش. بدین ترتیب و تا ابد خود را محکوم می کنید که انواع اسامه ها وارد شوند و برای هزارمین بار با دهن کجی بپرسند: پس شعرهای حافظ را که سروده و یا برای تایید احادیث، مثلا فرضیه علمی بیاورند. بعد او به ریش ما بخندد و ما هم سعی کنیم او را که به تر از خود ما از بی بنیانی پست اش خبر دارد، قانع کنیم!!!
هیچ اجباری در تبعیت از روال معمول فروم های دیگر ندارید که برای عرضه هر حرف نوی درمانده و دست خالی اند و ناگزیر آسمان و ریسمان می بافند. قریب ده هزار صفحه مطلب داریم که تمام سعی یهود در پنهان کردن و بی تریبون گذاردن آن هاست، اگر انجمن بنیان اندیشان است پس باید راهی بیابید که وارد شوندگان با عمده ترین مدخل ها آشنا شوند، آن ها را بخوانند، سئوال کنند و نظر دهند و خود را برای تبلیغ آماده کنند. از سیمای جمهوری اسلامی بیاموزید که راه چاره سقوط دروغ را در هزار باره گفتن آن و مقابله تک به تک با هر یادداشت جدید ایران شاسی بدون دروغ دیده اند! آیا خبر دارید که قرار است مجموعه ای را در دفاع از وجود کمال الملک در شبکه آموزش به روی آنتن بفرستند؟! پیش از این هم اشاره داشته ام که انجمن بنیان اندیشان نباید به مکانی برای گپ زدن قهوه خانه ای تبدیل شود.

نویسنده: AREF

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 19:13

agaye mohamady
ham yaddasht ha bekhanid wa baghd nazar bedin . man nokhost tamam mataleb ostad ra ham ketab ha wa ketab ha wa yaddasht ha ru khoondam ,fekr kardam wa baghd ba ostad ertebat khodam 3 sale tamam ebteda .kardam bargarar kardam, alghan ham baghd az 4 sal tazeh nazar dadan ru shorugh

نویسنده: اترش

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 19:40

فراموش کردم بگویم
جناب بی نام کسی نگفته شما مرجعیت و قبله تان را تغییر بدهید، سؤبرداشت نشود. وقتی شما در اینجا مشکل انجمن را عنوان می کنید چند ساعتی طول می کشد تا تایید شود، چند ساعت بعد ممکن است من یا یکی دیگر از مدیران آن را ببیند و به دنبال حل آن برود و وقتی جوابی هم در اینجا نوشته شود چند ساعت بعد تایید می شود. خب چرا همان از اول مشکل را در انجمن مطرح نمی کنید و از استاد می خواهید دستور بدهند تا رسیدگی شود؟ مگر مجموعه فروم به درخواست ها و مسایل اعضا رسیدگی نمی کنند؟
از طرف دیگر شما در اینجا موضوعی را در مورد چت روم پیش می کشید که مشکلی هم نبوده و آنگاه جرقه ای می شود برای حرفهایی که شاهد بودیم و می رسد به جایی که کسی با نقاب دو نقطه ی تفرقه جلو می آید و اظهار فضل می کند.

آقای بی نام می توانم از شما بپرسم که چرا در اولین پست خود نوشته بودید که نمی خواستم در اینجا مطلبی بنویسم و ترجیح می دادم خواننده صرف باشم (که البته بعد این گفته را حذف کردید)؟ و سهم شما از ۸۱۷ پست ارسالی در انجمن سه پست کوتاه است؟
http://www.naria.ir/forum/index.php?action=profile;u=55;sa=showPosts
اگر استاد چنین عنوان می کنند که پست ها در انجمن بی خاصیت است یا درجا می زند و غیره چرا امثال شما وارد گود نمی شوید و حضور پررنگتری پیدا نمی کنید؟ روی سخنم هم تنها به شما نیست، کم نیستند کسانی که تنها برای خود حساب کاربری باز کرده و اسم رزو کرده اند اما دریغ از درج یک پست و اظهار نظر خشک و خالی یا حتی دریغ از رجوع ماهی یکبار به انجمن.
فروم کاری گروهی و جمعی می طلبد و این انجمن هم انجمن بنیان اندیشی است، پس هرکس که در این مکتب اندک دانشی کسب کرده باید در ارتقای آن کوشا باشد و دین خود را به آن ادا کند.
والسلام

وب سایت

نویسنده: celestial

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 16:35

جناب ...
کدام درشتی!!؟شخصا ارادت و علاقه فراوانی به استاد دارم ولی این دلیل نمی شود که چاپلوسی کنم یا چشمم رو به واقعیت ببندم.قرار است بنیان اندیشی را معرفی و تبلیغ کنیم، نه دگم اندیشی را.
اگر مرجعیت شما استاد است، مرجعیت ما خداوند و کلام قرآن، شما در مقابل ایشان سمعنا و طاعنا می گوئید و ما در برابر امر خدا.
واقعا از کدوم پست و مقام حرف می زنید؟ ما ابدا از کسی انتظار تشکر و تشویق نداریم و برای پست و مقام(!؟) مشارکت نکردیم، پیرو عقیده مان هستیم، واقعا فکر کنید ببینید مگه ما چه ظلم و بدی کردیم که اینطور متهم می شویم!؟
استاد نوشته اند:" celestialاعتراف می کند که پس از گشودن عنوان قادر به ادامه آن نیستیم..." باید عرض کنم که مثلا مبحث "هادوا" که بسیار مورد علاقه دوستان بود و می رفت که تبدیل به یک بررسی داغ شود با کامنت استاد مختومه شد، چون استاد در نوشته شان تلویحا بیان کردند که هر کس این بحث رو پی بگیرن، مثل نویسنده نقد یهودیست! بعدش دیگه کسی مطلبی نفرستاد. برای همینه که بحثها ابتر میشن.
اینطوری نمیشه...
نمیشه ره صد ساله رو یه شبه طی کرد
ما در اقلیت هستیم
همکاری نیست
مشوق نیست، انصاف هم نیست

واقعا چرا همه کاسه کوزه ها رو سر اترش میشکنین، اگه اون نبود که اصلا انجمنی وجود نداشت، تا حالا هم او بیشتر از همه زحمت کشیده، اگه انجمن به شکل مورد انتظار در نیومده، گناه اترش نیست که از همه فعال تره، گناه اون به اصطلاح بنیان اندیشان بی مسئولتیه که فقط بلدن زبون بازی کنن.

نویسنده: عابدی

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 20:7

آن چه مورد اختلاف دوستان، در مورد نوع مطالب انجمن بنیان اندیشی شده است، فقط به نوع قوانین این انجمن مربوط می شود. تعریف چنین قانونی که ارسال های افراد در بازه ای مشخص انجام گیرد و خلاف آن حذف شود، راحت تر از آب خوردن

است. اما محدود کردن انجمن فقط به تمجید از آثار نوشته شده استاد و نه بررسی و داخل شدن در نقد هایی که صورت گرفته است، اندک اندک باعث دور شدن افراد از آن خواهند شد.

چنان چه ، ارسال مطلب آقای اتفاق، توسط خانم celestial، موجب ارائه نظرات و پاسخ دوستان من جمله استاد پورپیرار و بالا رفتن اطلاعات افراد شد و نیز سبب شد تا بعد از این با توجه بیش تری مطالب را مطالعه کنیم!

در مورد مطالب ارسالی آقای دما نیز مشکل خاصی دیده نمی شود. در واقع ارسال یک مطلب به منزله قبولی آن نیست و با توجه به شناختی که از نزدیک از آقای دما دارم لا اقل می دانم که ایشان اصلا در فاز اشعار سعدی و حافظ و فردوسی نیستند، چه رسد به قبولادن این مطالب به دیگران. وجود چنین لینک هایی در انجمن باعث زیر سوال رفتن مباحث نخواهد شد. چنان چه کتاب های زیادی در بازار من جمله دفتر استاد است که هیچ کس دلیلی بر قبولی این آثار توسط استاد نمی آورد.

سطح انتظارات از این انجمن تازه ساخت بسیار زیاد است. به جای هر نوع ایراد گیری از انجمن و دوستانی که ساعت ها بدون هیچ چشم داشتی، وقت خود را صرف به تر شدن انجمن می گذارند، می توان سعی در راهنمایی آن ها نمود. مثلا می توان به مقوله هایی که در ویراستاری فنی ایران شناسی بدون دروغ، برخورده اید را به دوستان نشان دهید.

هدف اصلی از ورود به انجمن طرح سوالات و پاسخ در خور به آن است. چنان چه پاسخ هایی درخور به همان مطلب آقای اسامه آمده است و تاپیک تا ارائه فلورانس اصلی اسناد احادیث بسته قلمداد می شود.

نویسنده: کپل

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 20:8

استاد گرامی. برنامه مستند زندگی کمال الملک چندی پیش در شبکه آموزش به روی آنتن رفت و تمامی و تمامی دروغهایی علنی شده از سوی شما را به عنوان زندگی و آثار کمال الملک با آب و تاب بسیار به خورد بینندگان داد!
و از آن جالبتر، یکی دو روز بعدش شبکه یک سیما نیز در ساعات بعدازظهر یک فیلم مستند درباره پاسارگاد پخش کرد و نریتور آن باز هم با آب و تاب و هیجان تا توانست کفشهای کوروش را لیسید و مجیز هاخامنشیان را گفت!!

نویسنده: ..

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 21:2

انجمن بنیان اندیشی

این تبختر و درشت گویی از سر طغیان در ذات شماست وجالب اینجاست که در یک فرار رو به پیش دیگران را به دیکتاتوری متهم می کنید!!!!خب بفرمایید وادامه بدهید وهرکس دم دستتان رسید تیری از کلام حواله اش کنید .
چگونه است که مراوده امثال بنده در فرم به عنوان عنصر عملکردی مثبت به رخ استاد کشیده می شود ولی به هنگام اظهار نظر صفت زالوی نشسته بر زخم ومحدد به حدود می شوم و در جایگاه پستی قرار می گیزم که ابراز نظرم واسعه شرریف!!!!شما را آلوده به خبائث می کند بابا شما دیگه که هستید؟البته امروز بر بیشتر همراهان اشکار شدکه جنستان از نوع خوارج است وچنگ ودندانهایتان امروز گواه آمادگی خروج وشاید بر افراشتن بیرقی از جنس بیرق حامد بود.ولی فراموش نکنید ما همه مدیون استادیم ایشان مجازند با هر لحنی در هر مکانی هر کدام از ما را مورد خطاب وعتاب قرار دهند وما سمعا" وطاعتا"ولا غیر.
یه ذره هم آوایی کنم تا مبادا در کامنت بعدی به تیر بی ادبی شما دچار شوم.
الحمد الله والمنه که هرکدام از شما مدیری هستید و صاحب منزلت وآمر بر برو بیا, حرف هم که ریاد می زنید اخطار از پس اخطار در هنگامه کم آوردن هم صادر می کنیدودر یک جمله اسباب بزرگی یک جا ویک شبه تمام وکمال نصیب گشته فقط مانده عصیان بر جایگاه استاد وتضعیف کیان ایشان من که برای این عمل شما هورا می کشم .خوب شد؟دیدید که من هم از شمایم.لطفا" دیگه از اون کامنتها برام نفرستید.(به قول دوستی هه هه هه)

نویسنده: R134a

شنبه 4 اردیبهشت1389 ساعت: 22:57

سلام استاد- فکر کنم اگه به مطالب اسلام و شمشیر 2 برسید این آقای امیر محمدی شما را متهم به ارتداد کند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 5 اردیبهشت1389 ساعت: 1:23

ضجه مویه و روضه خوانی های دوستان در مدیریت انجمن که درک نقدشان یا تعطیل و یا به کلی ضعیف است و صدور حواله ی طلب از دیگران به خاطر صرف وقت بی دستمزد در اداره فروم، مرا از دو سه جهت شرمنده کرد:
1. صرف شبانه روزی ده سال از عمر، درافتادن با اوباشی که صد ها نحوه ی قتل و هزاران رکیک نامه ارسال کرده اند، آماده کردن ده هزار برگه مطلب نو که مثلا ارائه ی هر یک از مقالات اسلام و شمشیر آن، در تاریخ اسلام بی سابقه است و شاید زعمای امور فروم حالا که مجبورند روزانه چند کلامی بنویسند را به اهمیت کار انجام شده نزدیک تر کند، مرا وامی دارد تا در برابر عظمت اداره یک پست در فروم و صرف دقایقی وقت از سوی خانم ها و آقایان مدیر، اظهار بندگی کنم و از این که به دوری از دروغ وادارشان کرده ام، ضمن ادای احترام در حالت خبردار پوزش بخواهم.
2. هنگام دریافت حقوق ماهانه از عربان وترکان و یهودیان به خود آیم و به یاد آورم که این بار درصدی از دریافت هایم را به حساب روسای فروم واریز کنم.
3. بار دیگر که در مراسم رسمی برایم هورا می کشیدند، دست حضرات مدیران فروم را هم بالاببرم.
4. و از همه مهم تر این که کم تر ساده لوح باشم و بیش تر دور و بر خودم را بپایم.

آقای امیر محمدی. معلوم نبود خطاب کامنت شما به چه کسی است، دوباره ارسال کنید.

آقای reza ahrıman.
این یادداشت ها با ویراستاری کامل
و نصب تمام عکس ها فعلا تا یادداشت 162
با چاپ لیزری به صورت 4 جلد کتاب تکثیر شده
و تا آن ها را مطالعه کنید ان شاء الله دنباله آن هم
آماده خواهد شد. برای تهیه آن ها
لطفا با تلفن 66492049 تماس بگیرید.

نویسنده: ILDIR

یکشنبه 5 اردیبهشت1389 ساعت: 0:39

اقای عربگری قصد روده درازی ندارم،اقای پورپیراراشکانیان رایونانی معرفی میکند،ساسانیان راساختگی میداند،صفویه راگروه های کاری عمداارمنی تحت امرواتیکان میداندودلایل انبوه وبسیارمنطقی ارائه میدهندکه برایم قانع کننده اند.ایشان حاخامنش رانفی نمیکندبلکه انان رامخرب وویرانگرتمدنهای شرقی میداند،که تنهانگاهی به حجاری های باقیمانده مویدخشونت ووحشیگری انان است.بنابرین طبیعی است که درطی قرون اخیردرمنطقه ما،کسی اسامی انان رابرفرزندان خودنگذاشته است.وطبیعی است که چنان عناصرضدشرقی محبوب غربیان بوده اند.

نویسنده: عابدی

یکشنبه 5 اردیبهشت1389 ساعت: 1:50

استاد من از شما چیزهای زیادی آموختم. و از اینگونه کنایه های تربیت کننده ی شما ناراحت نمی شود. من و همه ی دوستان هیچگاه نخواهیم توانست حتی به اندازه یک سر سوزن زحمات شما را جبران کنیم. این تعارفات نیست، واقعیت است. گویا منظور من را از کامنت پیشین متوجه نشده اید و از کامنت من دلخور شده اید. منظور من این بوده است که با توجه به قوانین سایت، اشتباهی نداشته است. قوانینی که توسط دوستان و گویا خود شما نیز مورد تایید واقع شده بود. تغییر مسیر دادن به انحمن باید با تغییر قوانین اش انجام گیرد. لطفا با مراجعه به بخش قانون انجمن، اصلاحیه ای از آن را ارائه دهید.

دوست و شاگرد همیشگی شما عابدی

نویسنده: abbas

یکشنبه 5 اردیبهشت1389 ساعت: 4:39

برخی از واژه عبری جمع در واقع مشخص مفرد :

نسیم 'زن' ، زنان عبری " ، pl. nāšimā
kinim 'هر نوع شپشه یا افت گیاهی وغیره شبیه شپش ، شپش عبری'
گندم hitim " ، ساقه عبری 'گندم (که از ḥiṭa نیست.' گندم ')
آجیل aquzim 'مهره' ، egozim عبری '
به عبارت دیگر در ساخت فرم و یا با پسوند ملکی مورد استفاده قرار گرفت :

شلوار mixnese " (ساختن فرم)
برادر āki " ، عبری آهی 'برادر من
دندان šenāy " ، عبری šinay 'دندان من
و چند کلمه را منتقل معنایی :

ketubā (قرارداد ازدواج عبری ") یعنی هر دو 'عقد' و 'مقاله'
māhār (فردا عبری ") به معنای 'دیروز' ('امروز' yuma ز ، عبری 'این' روز آرامی 'است ؛ روز قبل از دیروز است yuma šelušā ، عبری '3 'روز آرامی ' ')
raglaym (پاها) Heberw '، پا') به معنای 'کفش'

نویسنده: abbas

یکشنبه 5 اردیبهشت1389 ساعت: 4:44

מספרים על בית יהודי שחדר אליו גנב בזמן שבעל הבית ישן. האישה הרגישה בגנב ושרה לילדה שבעריסה שיר בלותראי : "להלה באבאי (אבי) ، שם טוב גנב היזי (בא) בתוך ביתו. אגר בזואם (אם אומר) מיכודונה (יהרוג) ، אגר נזואם (אם לא אומר) מילכונה (יוליך)". הבעל כמובן התעורר בצעקות "אי דוז אי דוז" (הוי גנב הוי גנב) וגירש את הגנב.

نویسنده: abbas

یکشنبه 5 اردیبهشت1389 ساعت: 4:54

گویشهای متفاوت به شدت و به طور کلی دو طرف ناخوانا. در مرحله اول ، لهجه ها متفاوت است : یهودیان اصفهانی ، و برخی از Shīrāzis و Kāshānis تلفظ ها و الف و به عنوان θ δ بود. در بعضی از شهرستانها و نزدیک به عراق (به عنوان مثال همدان و گلپایگان) ، یهودیان تلفظ <ḥ>واج ،> <'، <q>و در عبری و کلمات عربی که در عربی ، و گاهی اضافه کردن آنها (به زبان فارسی ، عبری و کلمات عربی) در آنجا وجود ندارد. در شهرستانها این واج ها تلفظ [] ساعت ،] ['، و [γ] بود ، همانطور که در فارسی است. استرس در یهودی یزدی است که به طور کلی یکی به اخر مانده ، به عنوان نهایی زبان فارسی و دیگر گویشهای ایرانی یهودی مخالف است. schwa Yazdis تلفظ عبری به عنوان [] ، در حالی که دیگران آن را بارگزاری صفحه [الکترونیکی].

واژگان کمک زیادی به غیر قابل فهم بودن متقابل است. به عنوان مثال ، برای کلمه 'بزرگ (بزرگ فارسی ، گفتگویی نیز gonde) در masar همدانی ، masār در Khunsāri، mas یا gondo در یزدی ، در gunda شیرازی است (این مثال ، که تلفظ اصلی مصطلح gonde فارسی ، نشان می دهد محافظه کاری از شیرازی) ، gōdi کاشانی ، اصفهانی bele. کلمه برای 'گربه' (gorbe زبان فارسی) است gorba در شیرازی ، یزدی gorbo (شک) ، و در همدانی ، Khunsāri ، کاشانی و ملی اصفهانی. یکی دیگر از تفاوت بزرگ در میان گویش های نهفته در مورفولوژی. من خوردن است در اصفهانی xer - úne ، Khunsāri xor - در تاریخ و یزدی xor - در. 'خوردم' اصفهانی باشد ، xort متر ، یزدی اونا xā - (خط تیره morphemes جداگانه بدون هیچ گونه وقفه در گفتار).

۱ ۲ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 263، نتیجه71، درباره کمال الملک، 6 - 100 نظر

نویسنده: abbas

یکشنبه 5 اردیبهشت1389 ساعت: 5:26

در این دوره از تاریخ طولانی خود در خاک ایران یهودیان ایران تولید بدنه بزرگی از ادبیات است که کمی مطالعه و منتشر شده است. این حجم معاملات با یکی از برجسته ترین شاعران یهودی ایران به نام 'Emrānī (1454-1536 م). کتاب شامل سه بخش است. مطالعات قسمت اول 'زمان Emrānī است ، و زندگی و کار و تجزیه و تحلیل در عمق آخرین شاعر بزرگ کار تحت عنوان گنج به نام (کتاب گنجینه). گنج نام ، نزدیک است که پس از ترکیب مدل کلاسیک ادبیات فارسی است ، «تفسیر versified Emrānī از رساله اخلاقی میشنا عموما به عنوان Pirqey Abot (" فصل از پدران ") شناخته شده است. بخش دوم کتاب ارائه می دهد ترجمه انگلیسی آن ، حاشیه نویسی و منبع مطالعه از گنج نام. 3 فراهم می کند و بخشی از آخرین کتاب چاپ انتقاد از گنج نام

نویسنده: ..

یکشنبه 5 اردیبهشت1389 ساعت: 6:58

استاد عزیزم سلام علیکم
پس از خواندن اخرین پیامتان بر غربت شما گریستم ای کاش می مردم وچنین شما دلتنگ از دوستان نمی دیدم .
عجیب است که حق ومظلومیت همیشه همراه وغربت همزاد شفیق آنها.به یقین فهمیدم که دوست نادان زخمی کاری تر از دشمن وارد می سازدچرا که در این ده ساله ستیز از هیچ برخورددشمن وهیچگاه چنین شکسته خاطر ندیده بودمت بشکند قلمی که نمک نشناس است .

نویسنده: اترش

یکشنبه 5 اردیبهشت1389 ساعت: 9:3

آقای ..
خواستم جوابی برایتان بتویسم که متوجه شدم همان جهود نام انجمن اید و اینکه حرفهایتان از کجا آب می خورد.
و کیست که با این دو به هم زنی ها هم آشنا نباشد.
جوابتان بماند برای انجمن.

نویسنده: اترش

یکشنبه 5 اردیبهشت1389 ساعت: 9:3

استاد
نمی دانم چه شد که به اینجا رسیدید و چنین به قضاوت ما نشستید.
مگر هدف از برپایی فروم چه بود؟
مگر جز این بود که کسانی که به مطالب شما اشراف دارند یک جا جمع شده و به روشن سازی و پاسخ دهی کسانی بپردازند که یا به مباحث آشنا نیستند یا اینکه تمام آن را نخوانده اند. تا از طرفی بار پاسخ گویی از دوش شما برداشته شود و از طرف دیگر مراجعه کننده ای هم برای جواب یک پاسخ به هزاران صفحه ارجاع داده نشود؟
در فروم مطالب و بحث ها دسته بندی می شوند. دیگر لازم نیست یک سوال هزاران بار پاسخ داده شود، با یک سرچ ساده در دسترس خواهد بود. رجوع به مباحث راحت تر است و مطلبی از زبان ها و دیدگاه های مختلفی عوان می شود و این هم در دراز مدت امکان خواهد داشت. چطور انتظار دارید مطالبی را که ده سال است پیاده کرده اید ما ظرف دو ماه به انجمن منتقل کرده باشیم؟ شما پست های انجمن را بی خاصیت قلمداد کرده اید و من دیروز چیزی نگفتم اما هیچ می دانید چه تعداد از آن پست ها کپی مطالب خود شما ست؟ نه، شما قسمت خالی لیوان را می بینید...
ذره بین به دست گرفته و یک سوال، یک لینک، یک نقد آمده در انجمن را چنان بزرگ می کنید که کل فروم را شگرد یهودی ببینید.
این انصاف نیست.
آنچه اتفاق افتاد و حرف هایی که رد و بدل شد را به انجمن و قسمت ویژه مدیران منتقل می کنم تا بخوبی حلاجی شوند.
در مورد ماندن یا رفتن ام هم از انجمن کاملا دو دل ام و بزودی معلوم می شود
علارغم تمام این حرف ها اگر در انجمن بمانم همچنان به روش و چهارچوبی که برای فروم برگزیده بودم ادامه می دهم و تغییری در روشم نخواهم داد چون به ساختار فروم آشنا هستم و رویه سابق را در دراز مدت به صلاح اشاعه ی مطالب شما و پیش برد مجموعه می دانم.
و در ضمن جای نگرانی نیست
من از طرف خودم و دیگران به شما قول می دهم کسی بابت فروم یک ریال هم از شما مطالبه نکند یا خیال چنین کاری را هم سرش راه ندهد...
بد ما را به چوب تکفیر زدید.
و می بینید که هیچ کدام از ما هم با شناسنامه وارد نشده ایم و جز یک نام مستعار کوچک چیزی نداریم؟ بچشم. اگر در انجمن باقی ماندم (که احتمالش زیاد نیست) اسم مستعارم را هم عوض می کنم تا شما یا دیگران فکر نکنید کسی هم برای نام و ننگ پا پیش گذاشته است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 5 اردیبهشت1389 ساعت: 11:29

آقای اترش. بسیاری از مطالب کامنت شما، از جمله موضوع شناس نامه نامفهوم بود. سری هم به قوانین انجمن بزنید، مفاد ماده 22 آن را استخراج و عمل کنید. ضمن این که پست های انجمن با نوشته های من و اساس بنیان اندیشی، یعنی قبول وقوع پوریم و ارزیابی عوارض آن، حتی سایه ای از ارتباط ندارد و غالبا خلاف آن قانون و راه نمای پایه عمل می کند. اگر دوستان هنوز در مورد رخ داد پوریم توجیه نشده اند، پس طبیعی است روی کتاب الادویه و نسخه قدیم کلیات سعدی مانور دهند.

نویسنده: علی دما

یکشنبه 5 اردیبهشت1389 ساعت: 12:18

با سلام / بعد از یک سال چند ماهی هست که به این وبلاگ دوباره آمدم و با مطالب جدید و مدخل های جدید مواجه شدم فکر میکردم این مباحث در کل بسته شده و شروع به تفصیل کل مباحث خواهد شد که ظاهرا چنین نیست و تا سه سال آتی نیز مطالب و مدخل های جدید در راهند / من از دوستان دعوت میکنم سه سال نیز صبر کنند تا مباحث بدون انحراف به حاشیه ، شکل بگیرند و وقت استاد صرف نگرانی از گمراهی نگردد / من در فروم بجز پیشنهاد برای بهبود فروم و درج اخبار بروز و مرتبط کاری نکرده ام که از انتقاد در باره آن دلخور نمیشوم /پیشنهاد ! میکنم فروم تا زمان معینی (مثلا سه سال = پایان مدخل ها) تعطیل شود .و تمرکز بر ایجاد فیلم و عکس و فایلهای فلش و ... قابل گسترش در بین عموم مردم گردد.
اسم فروم هم قبلا به دوستان گفته بودم بنیان اندیشی اسم سنگینی است به اسم "نگرشی متفاوت بر تاریخ " تبدیل بشود از انتظارات سنگین میکاهد /امیدوارم سال بعد که آمدم پیشرفت زیادی در رمز گشایی تاریخ معاصر ایران شده باشد / تنهایی استاد در این مسیر بسیار دردناک است / موفق باشید /

نویسنده: celestial

یکشنبه 5 اردیبهشت1389 ساعت: 9:42

واقعا برداشت شما از تمام نوشته من این بود که من خواهان مزد هستم!؟ فقط بدونین من هرگز بدخواه شما نخواهم بود، بر علیه بنیان اندیشی عمل نخواهم کرد، هرگز نا امید و تضعیف نخواهم شد،حتی اگه شما بعنوان پایه گذار بنیان اندیشی و بقیه، تصور کنین من آنوسی یا بی کفایت یا طلبکار مزد یا مقام پرست هستم، باز به اینجا رجوع خواهم کرد، در انجمن

فعالیت خواهم کرد، بنیان اندیشی را تبلیغ خواهم کرد و همون کاری را انجام خواهم داد و همان حرفی را خواهم زد که فکر میکنم حقیقت است و درست.
والسلام

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 5 اردیبهشت1389 ساعت: 19:51

آقای رحمانی و آقای سنجری. از پیام خصوصی شما ممنونم. مطلب اساسی توجه به این نکته کلیدی است که دروغ پردازان و پشتیبانان جعل تاریخ و فرهنگ و هویت برای مردم این سرزمین که حالا می دانیم از زمان اجرای پوریم تا قرن اخیر حتی سطری داده درست اعلام نکرده اند، اینک دیگر به خوبی می دانند مقابله با تزهای جدید ایران و اسلام شناسی از مسیرهای معمول میسر نیست و حالا مشغول امتحان شگردهای دیگرند که عمده ترین آن ها رسوخ در بدنه و زایمان یک اپوزسیون در دایره معتقدان به بنیان اندیشی است. من هم مثل تمام دوستان از ظهور فروم که دوستان برای راه انداختن و اداره آن سعی بسیار کرده و زحمت فراوان کشیده اند، کاملا خوش بین بودم و آن را گام بزرگی برای گسترش اندیشه های نو در موضوع اسلام و ایران می دانستم. اما متاسفانه و در فاصله ی اندک شاهد رسوخ و رد پای برنامه ریزان دیگری در فروم شدم که هر روزه جای پا را وسیع تر می کردند. نمی خواهم وارد جزییات شوم ، نام ببرم و نمونه عرضه کنم، اما سوق دادن انجمن به سمت پست های عامیانه نیاز به ارائه نمونه ندارد. مثلا شخصا منتظر بودم سعی آقای طالب حقیقت در ساخت آن پاور پوینت بی نظیر از سوی مدیران فروم استقبال شود و به عنوان نمونه ای برای گسترش منطق بنیان اندیشی توصیه و وارد شوندگان به فروم به سرمشق گرفتن از آن تشویق شوند. اما هیچ پستی در این باره باز نشد و حتی سعی در مسکوت ماندن آن ملموس بود. با این همه مثلا خواندن پست آقای منصور درباره برخورد قرآن با شعر و شاعری و آن رجوع خردمندانه ایشان به مفهوم الا الذین در آیات مختلف مرا امیدوار کرد که بنیان اندیشی در حال زایمان اجتماعی و نطفه سازی نسل دوم صاحب نظران خود است و درست در برابر این نمونه هاست که با خواندن اعلامیه تبلیغ قدیم ترین نسخه کلیات سعدی، که مانند همیشه در پستوی کنیسه و کلیسایی در اروپا یافته اند، صدای ضربه های کلنگ رسوخ را بلندتر و مرا وادار به عکس العمل کرد. آقایان به تر است عنوان فروم بنیان اندیشی را جدی تر بگیرند و چندان در فکر جمع آوری سیاهی لشکر نباشند که در میان شان خراب کارانی پنهان اند. مشکل این است که اینک فروم و وبلاگ همزاد شناخته می شوند وگرنه انتخاب هر روشی در آن مثل این همه فروم دیگر، قابل اعتنا نبود. موفق باشید.

نویسنده: علی از مالزی

یکشنبه 5 اردیبهشت1389 ساعت: 19:14

با سلام،

به اطلاع دوستان برسانم که مردم شریف و همیشه در صحنه کشور "ولز" نیز دقیقا با مسائلی همچون همان مساله زبان جودو-فارسی ما دست به گریبان اند. حتی فراتر از این! اصالتا زبان ولزی (ولش)، با عبری تجانس کامل دارد. از حرفهای این دوستان به این نتیجه رسیدم که اصلا کلمه بریت+ایش هم عبری است! و اینکه ولزی ها خودشان را نوادگان بنی اسرائیل میدانند، اصلا برایشان عجیب نیست!! و در اینترنت هم مقالاتی در مورد تجانس ولش و عبری می توان یافت. آنها معتقدند که پس از حکومت سلیمان نبی، اسرائیلیون دچار اختلاف شدند و گروهی به شرق و گروهی به غرب مهاجرت کردند.... به هر حال مرگ بر کوه آتشفشانی که از سیاست ما تابعیت نداره و ملت همیشه در صحنه رو اینقدر علاف میکنه!!

آقای پورپیرار، ترجمه آن مقاله را نسب کرده اید؟ یا ...؟

نویسنده: ×××

یکشنبه 5 اردیبهشت1389 ساعت: 22:10

سلام دوستان
لطفا کمی آرام گیرید و صدای سوت وکف آنوسیان را بشنوید.جدل بس است و لطفا در این خصوص مکاتباتتان با استاد جهت راهناییتان به صورت خصوصی باشد.
ضمنا پیشنهاد میکنم برنامه دیروز-امروز-فردا را با حضور دکتر عباسی که الان در حال پخش است نگاه کنید.
با تشکر

آقای ×××. جدلی در کار نیست، سعی در برداشت به تر از بذری است که به زحمت کاشته شده است. در مورد آنوسیان هم صدای سوت کشیدن سرشان است که می شنوید و در مورد کف هم زمان زیادی از کف کردن آن ها می گذرد.

نویسنده: آرمین

یکشنبه 5 اردیبهشت1389 ساعت: 22:57

با سلام خدمت استاد بزرگوارم،جناب آقای پورپیرار
استاد،کمی گیج شدم،آیا واقعا حضرت نوح برای حفظ نسل حیوانات از هر حیوانی جفتی در کشتی قرار داد یا اینکه موضوع جیز دیگری است؟این مورد را در آیه 40 سوره هود مشاهده کردم که خداوند این دستور را به حضرت نوح میدهد،حال نمیدانم ترجمه غلط است یا منظور خداوند چیز دیگریست یا اینکه بنده گیج میزنم.خواهشا یاری ام کنید.بابت تمامی زحماتتان از طرف خودم و خانواده ام ،از شما قدردانی میکنم.
با تشکر آرمین

آقای آرمین. حقیقت این که انباشتن آن کشتی از ازواج حیوانی در زمره شاهکارهای مترجمین و معجزات پرانتزها، آن هم با قصد کاریکاتوری کردن مطلب است. بی اطلاعی از منظور کامل آیه در بیان قید "کل زوجین اثنین"، هنگامی که با خانواده و مومنین به آموزه های نوح همراه و وصل می شود، ما را مجاز نمی کند که فیل ها و زرافه ها را برای تکمیل نگاه سبک عتیق نیشابوری به ماجرا و منظور آیه، سوار آن کشتی کنیم.

نویسنده: مجتبی غفوری

دوشنبه 6 اردیبهشت1389 ساعت: 1:8

با سلام
با اجازه چند نکته عرض کنم.
دولتی که امروز بر سر کار است دارای ژست های سیاسی به ظاهر مبتنی بر آرمان های نظام اسلامی است ولی همین دولت در حوزه های مختلف بطور مثال اقتصادی اولترا لیبرال است بدین معنی که با اندیشه های لیبرالی و نه اسلامی بنیان های اقتصادی مملکت را آنالیز و برای آن راهکار میدهد نظام بانکی این مملکت با آموزه های بانکداری غربی و در حوزه ربا حتی فراتر از آن عمل می کنند نه با آموزه های اسلامی همین طور است در حوزه فرهنگی و ...

گاهی اوقات فراموش می کنیم وارد چه مباحثی شده ایم .
این مباحث فوق العاده جدی و آینده ساز است . ما نمی توانیم بطور مثال در حوزه نظری بنیان اندیش باشیم ولی در حیطه عمل یا اطلاع رسانی لیبرال یا هر ایسم دیگری . باید نوع اطلاع رسانی ما نیز بنیان اندیشانه باشد باید نوع جذب مخاطب ما هم بنیان اندیشانه باشد و هر چیز دیگری که به زندگی ما ربط دارد.

با توجه به کلیات بعضی از مطالب در انجمن بنده احساس می کنم ما در انجمن خودمان را وارد حاشیه ها کرده ایم یا می خواهیم بکنیم.بیس مطالب در حال فراموش شدن است .بهتر است یک بار دیگر به مطالبمان رجوع کنیم .اگر مطلبی از حوزه بنیان اندیشی خارج است اصلا نیاز به پاسخ گویی یا حتی طرح ندارد. وظیفه ما در این مقطع یافتن اسناد بیشتر و بسط هر شماره از مطالب وبلاگ تا به این لحظه است .
بهتر است کار را با نظر دادن پیرامون هر شماره از مطالب وبلاگ دنبال کنیم که نیازمند نصب اصل شماره در همان محیط است. این مسیری است که از انحراف جلوگیری می کند . در اینجا می توانیم مطالب عکس و هر چیز دیگری که به پر بار شدن مقالات کمک می کند اضافه کنیم .در ضمن همانطور که خودمان هم اشاره می کنیم در اطراف ما کسانی که حرف مفت میزنند کم نیستند پس لازم نیست ما هم به جرگه آنها بپیوندیم.

از زحمتی که برای انجمن کشیده شده بنده بسیار متشکر و خوشحال هستم ولی باید تمام ارکان این انجمن مانند نامش بنیان اندیشانه باشد امیدوارم در این راه همه به هم کمک کنیم و از انتقادات دلگیر نشویم.

نویسنده: منصور

دوشنبه 6 اردیبهشت1389 ساعت: 7:13

با اجازه استاد و سلام خدمت ایشان و دوستان هم پیمان
جناب آرمین
کلمه "کل" در عربی معنی "هر" در فارسی می دهد.
مثلا شما می گویید: رفتم به اتاقم و هر چه کتاب بود جمع کردم. پس منظور تمام کتابهای دنیا نیست.
در مورد نوح هم خداوند او را به سوی قومش در ناحیه ای خاص فرستاده. بنابراین منظور از حیوانات هم حیوانات همان ناحیه بوده است. شما تصور کنید چقدر زمان لازم است که مثلا نوح برود آفریقا زرافه یا اسب آبی بیاورد دوباره برود قطب جنوب یک جفت پنگوئن بیاورد باز برود قطب شمال یک جفت خرس و روباه قطبی بیاورد یا برود آمازون مار بوآ بیاورد!!!
حتی در ناحیه زندگی حضرت نوح هم نمی توان تصور کرد که مثلا او یک جفت کرم خاکی یا مورچه یا پرنده یا ... را جمع کرده باشد. با دیدی خرد گرا بهتر می توان قرآن را فهمید تا با قرائت توراتی.

نویسنده: مسعود

دوشنبه 6 اردیبهشت1389 ساعت: 9:11

ضمن عرض سلام و خسته نباشید خدمت شما استاد محترم.

یک مطلب جالب در مورد اهرام مصر :

محققین مدعی اند قطعات سنگی برای ساخت هرمهای مصر در زمان کهن با استفاده از تکنیک تولید "ژئو پلیمرها" ساخته شده اند و اصولا" برش و حمل سنگ از مکانهای دور به محل و بالا بردن آنها صحت ندارد بلکه با بستن قالب چوبی در هر ارتفاع و حمل لجن های رود نیل با ظرف به آن نقطه و تولید بتون ژئوپلیمری با استفاده از مخلوط لجن و سنگ آهک و مواد دیگر قطعات سنگی تولید شده اند! :

http://www.geopolymer.org/archaeology/pyramids/are-pyramids-made-out-of-concrete-1

http://www.ianlawton.com/pc5.htm

http://www.geopolymer.org/archaeology/civilization/colosses-of-memnon-masterpiece-by-amenophis-son-of-hapu

http://www.ancient-world-mysteries.com/images/144000-casing-stones.jpg

http://www.way2egypt.com/img/Egypt_Giza_Sphinx.jpg

سلامت و سربلند باشید.

نویسنده: آرمین

دوشنبه 6 اردیبهشت1389 ساعت: 11:32

با سلام خدمت استاد پورپیرار و آقای منصور
از شما بابت ارسال پاسخ پرسشم ممنونم.

نویسنده: رحمانی

دوشنبه 6 اردیبهشت1389 ساعت: 13:25

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

با سلام و خسته نباشید خدمت ابرمرد تاریخ شرق میانه
ما فقط و فقط می توانیم بگوییم
اجرکم عند الله

ربا و یک سوال از دوستان

مقدمه :

ربا در قرآن به شدت نفی و رد شده است ، نزول خوار و نزورل خوارگی ، در میان مسلمانان از درجه مسلمانی ساقط ... ، هر چند با هزار ترفند و مفاهیم سازی و تعاریف سازی به عنوان علم و ساخت چند کلمه جدید سعی شده تا با جایگزینی کلمات و بحث اینکه قضیه فرق می کند و مطرح کردن آن به عنوان روشی علمی و ... این عمل را درست جلوه دهند و بهره را به جای ربا بیاورند

بانکها در ایران دولتی بودند یعنی پول ربای حاصله از درآمد ها ، بعد از چرخ خوردن های بسیار و حیف و میل در سیستم بانکی و رانتها و اختلاسهای احتمالی! در نهایت به بیت المال ریخته می شد در نتیجه قدرت این پول در نهایت به خدمت مردم در می آمد! ، چرخه ای دیگر ، ضربه ای دیگر ووو هر چند این موضوع توجیه عملکرد بانکها و یا ربا نمی شود

گام اول :
اما چند سال پیش با دلیل به ظاهر بسیار زیبای "حذف ربا در بانکها" ، شعارها شروع شد ، مثلا ربا کم(طبق ادعا حذف) شد ، پول متورم حاصله از ربا در سیستم بانکی کشور خالی شد و بین مردم به صورتی اشتباه پخش شد! ، نتیجه اش نه تولید، که تورم کاذب شد ، همه مردم بدهکارتر شدند و جیب بانکها خالی و البته طلبکار از مردمی که به خاطر شرایط اقتصادی پیش آمده دیگر توان پرداخت نداشتند ، حالا شعارهای جدید خلق شدند ، به صورت گزینشی نه شرکتهای بزرگ ، بدهکار ، که افراد، یعنی صاحبان آنها به عنوان دزد معرفی می شوند ووو

گام دوم :
با خلق و تعریف مفاهیم جدید در قالب خصوصی سازی (به عنوان یک علم و روش) ، اجازه دادند بانکهای خصوصی ایجاد شوند حالا در این شرایط بانکهای دولتی وام نمی دهند ، یعنی توان پرداخت ندارند ، پس راه برای بانکهای خصوصی باز می شود تا با روشهای دوار ، سودهای بیشتر از بانکهای دولتی بگیرند ، یعنی پول ربا دیگر نه در بیت المال که در جیب افراد خصوصی می رود، البته باید پرسید این افراد خصوصی چه کسانی هستند

نویسنده: رحمانی

دوشنبه 6 اردیبهشت1389 ساعت: 13:25

گام سوم :
اهمیت قدرت اقتصادی را که همه می دانید ، پول قدرت می آورد ، به ویژه که در ایران پولها و مبادلات (از نظر ارزش) ، در حال درشت شدن هستند ، پس پول پرستان، در هر صنعتی که در حال درشت شدن (از نظر ریالی) است باید که حضور یابند.

حالا همانها که از ربا در بانکهای دولتی می گفتند و مسلمانی اشان گوش فلک را کر کرده بود درمقابل بانکهای خصوصی گویا خفه شده اند!
آیا کل جریان تغییر خروجی رودخانه ربا به درون باغ خودشان نبوده است.

"و اگر نبود، روشنگریهای استاد کامل، ما هم در بهترین حالت کدخدامنشی بیش ، نمی شدیم!!! چنانکه اینهمه مسلمان مخلص ،کدخدامنشی بیش نشده اند؟!"

وَقُلْ جَاء الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

با تشکر فراوان

نویسنده: نگران

دوشنبه 6 اردیبهشت1389 ساعت: 13:44

استاد چند نفر از این دوستان که بدتر از دشمن هستند در خفا دایم شما را مسخره کرده و بدنبال اعضای جدیدند.

نویسنده: جهود اصل

دوشنبه 6 اردیبهشت1389 ساعت: 18:30

شالوم
اصولا بدون توجه به نحوه استخراج لجن از نیل و صعوبت آن، بد نیست نمونه ای هم از آن عرضه شود و اینکه چرا بعد از آن شاهد این تکنیک که منشا آن ناشناخته است نشده ایم؟
البته این سوال در برابر سوال اصلی من، بسی ساده است: چرا من را در انجمن، محدود کرده اید و من چه حرمتی را شکسته ام و محرمات فروم را تعریف فرموده، و شیوه کشف شهودی را که .. (دو نقطه) همان جهود یعنی من هستم را توضیح دهید!
با تشکرات نامحدود بابت اقدامات محدود سازی، اجرتان را شبات از خاخام خواهم گرفت. پیامی که به من نمایش داده می شود این است:

متاسفیم juhud، شما توسط مدیران از ارسال موضوع جدید یا پیغام خصوصی به اعضا منع شده اید.
حرمت شکنی

اگر ناراحت نشوید، توصیه می کنم که شکست را پل پیروزی بدانید و تکنیک شروع دوباره از صفر و امید در ظلمات را پایه اتکال بر خداوند بگیرید که حتی یقول الرسول و الذین آمنوا معه : متی نصر الله ؟ ...

آقای جهود اصل. مجاز نیستند بدون اثبات این مطلب که شما همان دو نقطه اید، حقوق ورود شما به انجمن را قطع کنند. بر مبنای مقایسه میان نثر کاربردی شما و دو نقطه، از نظر فنی و فرهنگی نمی توان شما و دو نقطه را یکی شناخت. هنگامی که علی از مالزی با نام alim وارد فروم می شود، نوح و طوفان و حتی آیات قرآن را تمسخر می کند و علنا اعلام کرده بود با توسل به مواد قانون سازندگان مستند طوفان نوح را مجازات خواهد کرد و توصیه دارد که مستند طوفان را جمع آوری کنیم، که خود عمق عصبانیت کنیسه از تولید آن مستند را نشان می دهد، اما مشمول هیچ تصفیه و حتی تذکری نمی شود و من آخرین کامنت او را هم نصب کرده ام، اخراج شما تجاوز به حقوق تان شناخته می شود. این کاروان همچنان لنگ می زند هرچند شما هم خود را مجبور نکنید زبان خیلی اختصاصی با ظاهر شنگولی و خوش مزگی به کار برید. این هم سند موضع گیری آقای alim

«حال یک پیشنهاد دارم و آن این است که مستند را با یک اطلاعیه بکشید پائین (یعنی فروش و دسترسی آنلاین آنرا متوقف کنید). چون خیلی راحت با دو بند قانون مطبوعات در ایران میشود، برای سازندگان آن مشکل ایجاد نمود».

واقعا که رویی می خواهد به ضخامت پوست یهودیان. آیا مطلب بالا مصداق تهدید نیست یا دوستان رفیق بازی می کنند؟!

نویسنده: توحید

دوشنبه 6 اردیبهشت1389 ساعت: 15:53

با سلام

استاد نظرتان در مورد این قرآن نوشته چیست :

http://www.freepichosting.com/image/323309-scan-20001.jpeg

تصویر مربوط به کتاب «تاریخ قرآن کریم» آقاي سید محمد باقر حجتي ، است با توضیحي اینچنین :

«قرآني است از نیجریه که پایین سوره بقره با نقوش هندسي و رنگارنگ زینت یافته و خط آن فاقد بسیاري از «الفها» است که در نسخه هاي دیگر قرآن ها وجود دارد .فواصل آیات با سه دایره انباشته روي هم که به صورت هرم در امده است مشخص گردیده و علائم املایي آن و عناوین سور به شنگرف و متفاوت از متن است .

این قرآن مربوط به افرقاي غربي و نوشته شده در اواخر سده 19 یا اوایل 20 میلادي است »

استاد جالب است که مولف نکات تعجب بر انگیز و قابل تامل در مورد این قرآن قرن نوزدهمي را بر خلاف سیاق خود در مورد دیگر نمونه هاي که به تشریح ذکر کرده را مورد توجه قرار نداده . از جمله :

نقطه نداشتن حرف «ن» هاي آخر مانند «الرحمن و ...»

لحاظ کردن يك نقطه براي حرف «ق»

قرار دادن نقطه حرف «ف» در پایین آن به سبك برخي قرآنهاي قرن هفتمي

قرار دادن يك نقطه بزرگ بالاي «ال» برخي حروف مانند «الله ، الرحمن ، الرحیم ، الحمد ، العالمین و ... »

آقای توحید. آیا تاریخ گذاری بر این قرآن از حواشی آن استخراج شده و یا مبتنی بر حدس آقای حجتی کرمانی است؟ ضمنا الف های آوایی و صوتی را نیز با رنگ زعفران آورده اند.

نویسنده: اترش

دوشنبه 6 اردیبهشت1389 ساعت: 19:26

جناب جهود اصل

شیوه ی کشف شهودی را می خواستید. خیلی ساده است از ۰۰ نقل قول می کنم:

«چگونه است که مراوده امثال بنده در فرم به عنوان عنصر عملکردی مثبت به رخ استاد کشیده می شود»

«الحمد الله والمنه که هرکدام از شما مدیری هستید و صاحب منزلت وآمر بر برو بیا, حرف هم که ریاد می زنید اخطار از پس اخطار در هنگامه کم آوردن هم صادر می کنید»

پس ۱- دو نقطه در انجمن حضور داشته و پست داده است. ۲- دو نقطه در انجمن اخطار پشت اخطار دیده است.

تنها کسی که شامل این دو بند می شود جهود نام است.

پیغام محدودیت هم گویا به طور کامل برای شما به نمایش داده نشده است:

«به دلیل حرمت شکنی و نقض مستمر قوانین تا اطلاع ثانوی حق ارسال مطلب ندارید»

حرمت شکنی برای این حرف است که مدیران را شدیدا زیر سوال برده و چیزهای دیگری که بی ملاحظه به نام دو نقطه ثبت شد:
«؟البته امروز بر بیشتر همراهان اشکار شدکه جنستان از نوع خوارج است وچنگ ودندانهایتان امروز گواه آمادگی خروج وشاید بر افراشتن بیرقی از جنس بیرق حامد بود.»

و اما نقض قانون، جدای از بعضی نوشته هایی که به اسم شما ثبت شده نکته آنجاست که این آی دی را چند نفر مورد استفاده قرار می دهند. و چنین است که یکی بر انجمن (گویی ملک پدری من یا دیگر مدیران است) بخاطر چند پستی که نوشته منت می گذارد و ما را خوارج می نامد و... و بخاطر عملکردش در انجمن اخطار می بیند، دیگری اظهار بی اطلاعی و مظلوم نمایی می کند. آقای جهود اگر شما جهود اصل هستید پاسوردتان را عوض کرده و آن را در اختیار دیگران قرار ندهید. دیگران می توانند هرکدام برای خود یک آی دی درست کنند و بخاطر علاقه شان به جهود، نام جهود۱، جهود۲، جهود۳ و تا آخر بگذارند. تا وقتی هم که از یک نفر بودن هویت این حساب کاربری مطمئن نشویم محدودیت همچنان ادامه خواهد داشت.

این محدودیت هم در راستای ارتقای سطح کیفی انجمن صورت گرفته است.
اقدامات دیگر هم در راه است

وب سایت

نویسنده: AREF

دوشنبه 6 اردیبهشت1389 ساعت: 20:40

world Mel Gibson: Jews responsible for all war in the

http://www.thebluestate.com/2006/07/mel_gibson_jews.html

نویسنده: بی نام

دوشنبه 6 اردیبهشت1389 ساعت: 21:40

جهود اصل- علیکم الشالوم

دلم می خواست قبل از انکه بخواهم پاسخ آن مطلب را که مصریان قدیم پس از سپری شدن فصول طغیان رود خانه نیل رسوبات برجامانده بر ساحل را قالب می زدند ودر اهرام به کار می بردند نه لجن سخت حصول کف رودخانه را بدهم پاسخ انهایی را بدهم که دائم بر مدار ظن کثیر می گردند تا بعد از استاد دومین نفر باشم که بگویم باز هم به بی راهه رفتید.
آقایان دو نقطه بنده هستم.ولی گویا نتوانستم خواست دلم را اجرا کنم وتالی مقدم بر اولی شد.
جنابان لطفا" بنده را به زعم خود مجازات و از فروم حذف کنید ولی پس از ان باید از جهود مظلوم که به نا حق به حقوق ایشان تعدی شده عذر خواهی کنید.
فکر نکنم این شهامت در وجود شما وجود داشته باشد چون قبل از ان بایداز استاد عذر می خواستید که نخواستید.

آقای بی نام. مطمئن باشید اجازه نخواهم داد با نام بنیان اندیشی باندی علیه این مکتب به راه اندازند. آقایان می توانند به هر نام دیگری، مثلا آنتی بنیان اندیشی، چون ده ها نمونه و نظیر، هرچه دل تنگ شان می خواهد، بفرمایند.

نویسنده: توحید

دوشنبه 6 اردیبهشت1389 ساعت: 19:29

با سلام مجدد

استاد توضیح بیشتری در مورد تعیین قدمت آن قرآن در کتاب آقای حجتی نیامده و توضیح کامل همان است که داخل گیومه گذاشته ام . حتما از روی دلیل این ادعا را مطرح کرده اند و الا بعید است اگر آن تاریخ گذاری را تا آن حد پرت بدانیم مولف دچار چنین اشتباه فاحشی شده باشد و ارزش کتابش را پایین آورده باشد .

در ضمن با توجه به این که آن قرآن بصورت صحافی شده و کتاب است و بسیار نو می نماید احتمالا مربوط به همان قرن 20 باشد . تا نظر شما چه باشد ؟

آقای توحید. اگر نگارش آن قرآن این همه به زمان مانزدیک است، پس بلافاصله مشکوک می شویم که شاید خط نسخ و قوانین رسمی الصاق شده در مورد رسم الخط آن نیز نه یک تصمیم مرکزی و رسمی و همگانی جهان اسلام، که قصه ای محلی است. در مورد زمان اجرای فنی آن قرآن نیز، کاش دیدار از نوع جلد آن نیز میسر بود.

نویسنده: عبور

دوشنبه 6 اردیبهشت1389 ساعت: 23:19

http://www.naria.ir/forum/index.php?topic=273.msg918#msg918

نویسنده: abbas

سه شنبه 7 اردیبهشت1389 ساعت: 4:0

استاد خسته نباشید.نظر شما در بارهٔ شاه که در سال ۱۹۷۱ بحرین را از ایران جدا کرد چی.آیا بحرین جزئ از ایران بوده.ویا این هم یکی دیگر از فتنه بین مردم مسلمان است

آقای عباس. از زحمتی که در ترجمه آن مقاله می کشید ممنونم. لینک مقاله اصلی را اشتباها حذف کرده ام اگر ممکن است دوباره ارسال کنید. بی شک فاصله جزیره بحرین تا سواحل ایران بسیار بیش از آن است که جزیی از خاک ایران شمرده شود.

نویسنده: اترش

سه شنبه 7 اردیبهشت1389 ساعت: 8:37

استاد
اما در صف اول من قرار داشتم و هر مشکل و نقص و برچسبی اول به من برمی گشت، دیگر کادر مدیریتی هم که شامل عابدی، مهدی ـ مهدی، رضا، حاجی زاده، رضا، سعید، منصور و poya D اند.

تمام مشکلات فروم و سهل انگاری و ضعف و بالاتر از آن انواع و اقسام برچسب ها و تهمت ها و لعن و نفرین هایی که این مدت به فروم حواله شد را می پذیرم و بدین ترتیب کناره گیری می کنم تا کدورت و بالاتر از آن خطر ها رفع شده باشد. با شناختی که این مدت از بقیه کادر مدیریتی، که دست چینی از افراد درجه یک بنیان اندیشی هستند، پیدا کرده ام، مطمئنم کافی است لب تر کنید و نام کسی را ببرید تا از مدیریت کناره گیری کند. پس خطری هم از جانب آنها وجود ندارد. شما صاحب خانه و صاحب اختیار فروم بوده و هستید. هرکس را که صلاح می دانید حذف و هرکس را که صلاح می دانید جایگزین کنید. هر قانونی که به نظرتان مناسب نیست تغییر بدهید و خط مشی فروم را عوض کنید و هر پست و ارسالی که مناسب نمی بینید حذف یا ویرایش کنید فقط چراغ فروم را خاموش نکنید. آنجا تنها مکانی است که می توان در کنار هم جمع شد و در کنار هم فعالیتی داشت.
من دیگر در فروم قدرت یا حتی حضوری ندارم.
برای بحث های توجیهی هم که پیش کشیدید دیگر دیر شده و بایستی خیلی قبل تر از اینها عنوان می شد
باز هم می گویم اگر رفتار و عملکردم در این مدت باعث رنجش خاطر کسی شده، حلالیت می طلبم

آقای اترش. در جمع مدیرانی که نام برده اید، صاحب نظران واقعی در مقوله بنیان اندیشی حضور دارند. مایل بودم پاسخ شما را بشنوم که آیا رخ داد پوریم و تبعات آن را پذیرفته اید یا نه؟! پوریم دروازه ورود به بنیان اندیشی است و اگر پشت دیوار بمانید و از سر در آن عبور نکنید بین شما و بنیان اندیشان فاصله خواهد افتاد و سرگردان خواهید شد.
خلاف تصور شمابر هیچ جزیی از مسائل انجمن اشراف کافی و هیچ شخصی از مدیران را در اختیار ندارم. لغزش هایی خلاف عنوان و مقصد فروم به نظرم رسید که البته از بی ایمانی شما نسبت به پایه های این مباحث جدید مایه می گرفت و تذکر دادم. تصمیم در این باره که شما بمانید و یا بروید نیز با همکاران خودتان است نه با من. اما چه بمانید و چه بروید به تعیین تکلیف با بنیان اندیشی و زیربناهای آن نیازمندید که با سئوال و جواب شاید که رفع شود.

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 7 اردیبهشت1389 ساعت: 6:33

جناب آقای بی نام تا جائی که خاطرم هست از بدو ورودم سیاق و منش شما را در این منوال دیده ام که همواره تفرقه افکن و آتش بیار معرکه بوده اید و از این دو دستگی که ایجاد شده لذت می برید. چند سال پیش که به عنوان یک تازه وارد نا آشنا به بنیان اندیشی وارد این وبلاگ شدم، این شما بودید که بی اطلاعی مرا مستمسکی برای کوبیدن و راندن من کردید.

همان موقع هم از همین ابزار امروزتان یعنی لفظ "دشمن" استفاده می کردید و بنیان اندیشی خود را مدام به رخ می کشیدید و آنرا پتکی کرده بودید بر سر دیگران. که البته با جنس پوشالی بنیان اندیشی شما در محیط خارج از این وبلاگ آشنا شدم و وقتی مشتتان را در اینجا باز کردم از فرط سوزش مرا به "مار" تشبیه کردید!!!
و اینک، اینبار در بدو تاسیس انجمن، باز با همان لباس و نقاب ظاهر شده اید و به همان ابزار لفظی دشمن مسلح اید.
جناب بی نام، آشفتگی امثال شما در برخورد با تاسیس انجمن برای ما شناخته شده است و فراز و نشیب این راه خوارج واقعی را معرفی خواهد کرد.
شما مومن نیستید، اگر بودید نمی توانستید چشم بسته، بدون اطمینان از آنچه که میگوئید و بدون در نظر گرفتن حضور خداوند، ما را به دشمنی متهم کنید.
و در این جریان دوستی شما با آقای جهود، مصداق دوستی خاله خرسه است!

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 7 اردیبهشت1389 ساعت: 6:36

استاد عزیز و بزرگوار، خاضعانه دست شما را می بوسم و مجددا بابت مجموعه این مجادله پوزش می طلبم، اخلال گران کاری از پیش نخواهند برد و ما هرگز به ولی نعمت خود پشت نخواهیم کرد و این راه را ادامه خواهیم داد.
انجمن مطابق خواسته شما پیش خواهد رفت، اگر قصور و تقصیری پیش آمده ببخشائید.
در این مسیر ما محتاج راهنمائی ها، محبتها و حمایتهای شما هستیم، ما را از نعمت اعتماد و خوشبینی تان بی بهره نگذارید.
ارادتمند همیشگی شما.

فریبا خانم. هیچ مجادله ای در کار نیست. به تبادل آرا' در باب نحوه ی اداره ی فروم مشغولیم با این نقطه مرکزی که پایه گذار و مدیر اصلی انجمن بنیان اندیشی نمی تواند نسبت به داده های آن مکتب مردد باشد! همین و بس.

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 7 اردیبهشت1389 ساعت: 6:48

برادر عزیز آقای اترش
هیچ گناه عمده ای مرتکب نشده ایم و هیچ عمد و سو نیتی در نصب پستها نبوده است، حقیقت این است که همه ما مجموع نظریات استاد را در کل پذیرفته ایم، اما هر کسی در یکی دو موضوع هنوز گرفتار گره هایی است که گشوده نشده، اغلب در محیط وبلاگ و به خاطر فضای خاص حاکم بر آن از طرح این گره ها اجتناب کرده اند، انجمن جائی بود که همه در آن احساس آزادی بیشتری کردند و این شد که همه فی الفور به سراغ این گره ها رفته و مسائل و جزئیات حل نشده خود را طرح کردند و این شد که در نگاه اول، فروم به جای محلی برای تبلیغ و نشر، مکانی برای مخالفت خوانی به نظر رسید.
شما مدیر لایقی هستید و اگر خواست این خواهر کوچکتان را بپذیرید، خواهش میکنم از مدیریت کناره نگیرید، اگر قرار باشد با یکی دو عتاب استاد از مسئولیتی که بر دوش گرفته ایم شانه خالی کنیم، در نهایت انجمن تعطیل خواهد شد، باید صبر، مقاومت و سر سختی را از استاد بیاموزیم.
پس به جای استعفا، بیایید تحت راهنمائی استاد، نقاط ضعف و قوت عملکردمان را بشناسیم و با یک رویه درست تر و کارآمدتر شروع به کار کنیم.

نویسنده: بی نام

سه شنبه 7 اردیبهشت1389 ساعت: 13:10

سرکار خانم حاجی زاده.
منطقی به نظر نمی اید که حتی پس از کشف حقیقت باز دنبال مقصر باشی ونو به کهنه سوزن بزنید.مگر اینکه....
به هر حال خوشحالم از اینکه از سفر ضرار بازگشتید.خوش امدید.
و الذین اتخذوا مسجدا ضرارا و کفرا و تفریقا بین المؤمنین و ارصادالمن حارب الله و رسوله من قبل و لیحلفن ان اردنا الا الحسنی و الله یشهد انهم لکاذبون (107)
لا تقم فیهابدا لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه فیه رجال یحبون ان یتطهروا و الله یحب المطهرین (108)
افمن اسس بنیانه علی تقوی من الله و رضوان خیر ام من اسس بنیانه علیشفا جرف هار فانهار به في نار جهنم و الله لا یهدي القومالظالمین (109)
لا یزال بنیانهم الذي بنوا ریبة في قلوبهم الا ان تقطع قلوبهم و الله علیم حکیم (110)

نویسنده: مهدي - مهدي

سه شنبه 7 اردیبهشت1389 ساعت: 13:46

جناب بي نام،

لطفاً در مورد معني تاريخي "خوارج" و "حقيقت مظلوم" کمي توضيح دهيد تا عمق بنيان انديشي شما مشخص شود.

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AE%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AC

http://en.wikipedia.org/wiki/Kharijites

http://www.tahoorkotob.com/docs/264a3f04015.php

پ. ن لينک هاي فوق هم نشان مي دهد که خوارج جز يک معناي مشخص ندارد.

جناب اترش،

حتماً کساني در اين انجمن از رفتن و خصوصاً نوع و دليل رفتن شما خوشحال خواهند شد و اين را راه رخنه اي در ميان بنيان انديشان خواهند يافت. لطفاً با حرکت خود نشان دهيد که اين راه و اين رخنه وجود ندارد. عرض مهم بنده اين است که صريحاً نظر خود را در مورد پوريم و نتايج آن در همين وبلاگ اعلام فرماييد.

جناب مجتبي غفوري،

مدتي است تلفن شما خاموش است لطفاً با بنده تماس بگيريد يا شماره تماسي در اختيار بنده قرار بدهيد.

با احترام
مهدي

نویسنده: میلاد

سه شنبه 7 اردیبهشت1389 ساعت: 16:3

با سلام به آقای پورپیرار
به نظر میرسد در چند سالی که این وبلاگ را به راه انداخته اید، به گوینده مطلق بودن عادت کرده اید و از برپایی یک انجمن "بنیان اندیش" که صدای شما در آن غالب نیست خورسند نیستید. ابتدا برای اصلاح انجمن نظرهایی میدهید، اما وقتی نظرتان اعمال نمیشود، دستور میدهید و تهمت میزنید و اساس انجمن را زیر سوال میبرید.
ویژگی این انجمن مدیران بسیار آن است. بطوریکه اعمال هر یک از مدیران توسط سایر مدیران کنترل میشود و مورد ارزیابی قرار میگرد و تصمیمات و اعمال مدیران به شور گذاشته میشود. پس اگر بخشی از انجمن مطلوب شما نیست از تمام مدیران بخواهید برکنار شوند و خود مدیریت انجمن را بر عهده بگیرید.
از حضور آنوسیها و پستهای عامیانه در انجمن گلایه کرده اید. اما وبلاگ خودتان و قسمت نظرات آن وضع بهتری ندارد.
به اترش پیشنهاد میکنم که انجمن دیگری اما نه تحت دامین ناریا براه اندازد، تا همزاد وبلاگ شما نباشد و بطور مستقل (البته نه مخالف) فعالیت کند.
آقای پورپیرار، پیشنهاد میکنم در رویه خود تجدیدنظری بفرمایید. امید است هنگامی که به اجبار گذر زمان این بیرق و علم (بنیان اندیشی) را بر زمین نهادید، کسی در جوارتان باقی مانده باشد که آن را بار دیگر برافرازد.

نویسنده: اترش

سه شنبه 7 اردیبهشت1389 ساعت: 16:42

سلام بر همگی

استاد بهتر است نگاهی به این تاپیک داشته باشید که خلاصه وار وظایف کادر مدیریتی فروم در آن لیست شده است. مدیر کل فروم کار مدیریتی فنی و پشت صحنه ی فروم را برعهد دارد و لزوما نباید شخصی باشد که در حد خود شما به مباحث اشراف دارد.
http://www.naria.ir/forum/index.php?topic=28.0
آن انتظارات شما را در واقع باید مدیر انجمن برآورده کند. اینکه چرا اکثر انجمن ها هم بی مدیر مانده اند احتمالا در همین نکته نهفته است.

در قسمت مدیران بعد از ورود قونقاباشی بحث های بسیاری بر سر مدیریت و شیوه ی برخورد عنوان شد. شما به آن قسمت هم دسترسی داشتید و سکوت شما را دوستان به عنوان تایید قلمداد کرده بودند.
لینک آن دیگر در دسترس من نیست، می توانید به فروم سر بزنید، مباحث آمده در قسمت ویژه مدیران را دنبال کرده و نقطه نظر و راهنمایی خود را هم در آنجا عنوان کنید.

من در همان تاپیک «بودن یا نبودن» از شما رخصت و فرصتی خواسته بودم. فردای آن روز را کامل به آپگرید مشغول بودم و شب هنگام وقتی به وبلاگ شما رجوع کردم دیدم متهم به باند سازی شده ام. به همین علت حق دارم اندکی دیگر به زندگی شخصی ام بپردازم، غایب باشم و به سوال و جواب ها هم بی اعتنایی کنم.
در اولین فرصتی که افکارم را سر و سامان دادم (شاید تا فردا طول بکشد) باز می گردم و حرف هایم را خواهم زد

آقای اترش. امیدوارم وقتی سروسامان گرفتید چند سطری هم درباب پوریم و عواقب آن و نیز طوفان نوح بنویسید. گریز شما از اظهار نظر مستقیم درباره این پایه های بنیان اندیشی، تردید دوستان نسبت به شما را افزایش می دهد. ضمنا اثر بخشی هر آیین نامه و بند و تبصره ای در عمل معلوم می شود.

نویسنده: بی نام

سه شنبه 7 اردیبهشت1389 ساعت: 18:55

جناب مهدی مهدی وسایر دوستان

والله ما ادعایی نداریم وکوچکترین عضو این مجموعه بنده هستم وشاید در مقابل کم سن سال ترین شما طفل ابجد خوانی بیش نباشم وبرای همه دوستان بنیان اندیش از قبل لنگ انداخته ام وبه هیچ عنوان حاضر به مجادله با دوستان نیستم اما آنجا که پای رعایت اصول وپیشگیری از انحرافات پیش بیاید ذره ای حاضر به عقب نشینی نیستم واز اشدا" بی ملاحطه هستم.

هم سن وسالان بنده خوب بیاد دارند که جوانان غیرتمند هم وقت ما به ازای درک وکشف شعاعی از حقیقت اجبار به پرداخت ثمن آن به بهای جان داشتندوتاثیر مبارزه را در تعدد پوکه ها جستجو می کردند.در جوانی ما حقیقت جزیره ای درک می شد. امپریالیسم سوای از یهود وفراماسیون منقطع از مبنا وموجدآن, در ظبقه تکنوکرات ها دولتی ها فهم می شدوبیشترین هزینه آن زیاده طلبی گروهی تصور می شد ووطن فروشی در پروسه مادیات ارزیابی وسازمانهای اطلاعاتی مرتبط به جزیره تجسس وضد تحسس ودو صفر هفت ها بودوحتی هاگانا در امیال دسته ها وگروه ها تعریف می شد و....
وبند تسبیح این مهره های منفرد تعریف نشده بود.
اما امروز و اینجا تمام حقیقت است .همه عوامل شر در این مکتب کشف وریشه حقیقی انها از بنیاد شناخته شده است نحوه مبارزه هم مشخص است دیگر کاری با تعداد پوکه ها ندارد ودر یک جمله ریشه وبنیان شر وتکلیف ومانیفیست مان و...همه وهمه روشن است اینجا تمام حقیقت است.اینجا امر سترگی در حال وقوع است رجعت عمیقی به قران والهام از ان.قدرش را باید بدانیم وبه جهد باید از صراط ان دفاع کنیم که صراط تنها راهی است که حتی به اندازه دوتا حالت جمع نمی پذیرد ومفرد ویکه است ودر این مسیر چه چیزی واجب تر از اطاعت از خواست ونظر ودیدگاه بنیان گذار آن که به تمام ریزه کاریهای ان آگاه است.نمی دانیم مقدر است استادرا تا چه وقت داشته باشیم انشا الله که مدید است ولی این انشا الله ها نبایدحجتی بر ولنگاریها وزمان کشی ها باشد وبا عناد وسرکشی دوره حصاد را کوتاه تر نکنیم.اگر باعث رنجش کسی شدم حلالیت می طلبم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 7 اردیبهشت1389 ساعت: 20:22

آقای بی نام. در همین مثلا فروم بنیان اندیشان از اخمقانی خبر داریم که بارها مستد طوفان را با ایراد تکراری و عوامانه پارچ و نقشه تمسخر کرده اند. این آقایان احتمالا اگر مامور تست استقامت خود رو و سرنشینان آن در حوادث و تصادفات باشند، از نصب آدمک در اتومبیل آزمایش ایراد خواهند گرفت و تست را به خاطر نداشتن سرنشین زنده مردود می دانند. زیرا یهوه خون می طلبد تا به آسمان بپاشند!

آقای میلاد. چنان انجمنی که می فرمایید به تعداد کافی فعال است که می توان یکی دیگر هم بر آن ها افزود! این که به گوینده مطلق بدل شده ام جای تعجبی ندارد زیرا مطلقا در برابر خود پاسخ نویسی ندیدم مگر بچه میمون هایی که خواهان تکرار طوفان نوح در حجم ترکیه اند، نه ماکت رسمی بلندی های آن. به گمان شما چیز عجیبی است که درخواست بسته شدن و یا تصحیح خط مشی انجمنی را داشت که به نام بنیان اندیشی فعالیت می کند و خبری از بنیان اندیشی در آن نیست. به گمانم غربال و قلاب تان را به گوال دیگری ببرید زیرا از این آب گل آلود ماهی نصیبت تان نخواهد شد.

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 7 اردیبهشت1389 ساعت: 16:40

آقای بی نام بسم الله...
موضوعات سازنده و مرتبط با بنیان اندیشی مطرح کنید و بحث را کنترل نمائید تا بفهمیم که چقدر مرد عمل و جهد و دفاع هستید.
اگر گردش امورات به عهده چند نفر معدود باشد کیفیت کار به شدت پائین خواهد آمد، مخصوصا اگر کنار گود نشستگان مدام کنایه و تهمت حواله کنند.

نویسنده: reza71

سه شنبه 7 اردیبهشت1389 ساعت: 20:25

با سلام خدمت استاد
کشتی حضرت نوح در کوه آغری ترکیه با جزئیات بیشتری کشف شد.
گزارش تصویری
http://www.khabaronline.ir/news-58058.aspx

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 7 اردیبهشت1389 ساعت: 22:24

بنا بر خبری که از طریق ای میل دریافت کرده ام، کانال دی ترکیه در اخبار ساعت هفت امشب خبر داد که یک هیئت چینی که 3 سال است در ارتفاعات آرارات تحقیق می کنند، اعلام کرده اند توده بزرگی از تخته و چوب در ارتفاعات بالای کوه آزازات یافته اند که به تشخیص سرپرست هیئت به احتمال 99.9 درصد بقایای کشتی نوح است. این چوب ها و تخته ها برای آزمایش بیش تر به هنگ کنگ برده شده و برآوردهای اولیه متعلق به 4800 سال پیش می داند. حالا باید منتظر عکس العمل قوم پرستان باشیم و ببینیم بالاخره از لجن های مدیترانه خارج می شوند یا نه؟!

نویسنده: اترش

سه شنبه 7 اردیبهشت1389 ساعت: 23:32

در مورد طوفان نوح هم مرا تفتیش عقاید کرده بودید.
تنها چیزی که من تا کنون روی آن انگشت گذاشته بودم این بود که آن کشتی عظیم الجثه که مستند عنوان می کند نمی توانسته با توجه به قرائن قرآنی کشتی نوح باشد. چون یک، ایمان آورندگان و وارد شوندگان به کشتی کم بوده اند (۴۰ هود) پس برای انسانها نیاز به کشتی ای به آن عظمت نبوده. با توجه به قرآن، طوفان منطقه ای بوده پس حمل حیوانات برای جلوگیری از انقراض نسل همه حیوانات نبوده (اگر فرض را بر مکان حرکت کشتی از منتها الیه غربی به منتها الیه غربی ترکیه در نظر بگیریم و آب طوفان را هم تا ۳۰۰ سال پیش در منطقه باقی بگذاریم. پس حمل حیوانات حتی برای جلوگیری از انقراض حیوانات یک منطقه هم صورت نگرفته چون منطقه فرود کشتی کاملا متفاوت بوده و حیوانات خاص خودش را داشته، حوزه طوفان هم تا این اواخر از زیر آب بیرون نیامده، پس لزومی به حمل حیوانات یک منطقه هم نبوده)
در نتیجه آن کشتی به آن عظمت ۳۲۰۰۰ تنی و به بزرگی زمین فوتبال را برای حمل حیوانات هم نساخته اند چون نیازی به آن نبوده. آیه ۱۳ سوره قمر هم از کشتی بعنوان «الواح و دسر» یاد می کند نتیجه گیری اینکه کشتی حضرت نوح به روایت قرآنی یک کشتی کوچک است. آنچه در مستند بعنوان کشتی معرفی شده با روایت تورات و انجیل هم خوانی دارد. در فروم هم من چنین سخنانی گفته بودم که در عوض، آن جواب ها را گرفتم.

در مورد این گزارش هم توجه شما را به قدمت ۴۸۰۰ ساله ای که برای آن برشمرده اند جلب می کنم که با روایت زمان نوح در تورات همخوانی دارد و تاییدی دیگر بر آن است.
و بالاتر از آن اینکه می گوید کشتی در ارتفاع ۴۰۰۰ متری قرار دارد!!؟
بگذریم از اینکه خبر بی منبع است و فقط یک چینی هم حاضر شده در درون کشتی عکس بیندازد

در مورد تفتیش عقاید پوریم هم اندکی دیگر صبر کنید

نویسنده: abbas

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 1:34

زبان یهودی
عبری ، زبان مقدس ، تا به زبان اصلی فکری و نیایش از مردم یهودی در طول تاریخ خود بوده است. با این حال ، این فقط یکی از زبان های بسیاری توسط یهودیان از پراکندگی بیش از هزاران سال به کار می باشد. از زمان های قدیم ، با شروع با زبان آرامی ، زبان های بومی مختلف یهودی اند به وجود آمده است. همه این منعکس کننده عملکرد و ضرورت های زندگی

یهودی و سنت ، همواره از جمله برخی از عبری به زبان آرامی واژگان و معمولا در حرف عبری نوشته شده است.

بهترین و شناخته شده ترین به طور گسترده ای از این زبان چاپ شده است یهودی ییدیش (یهودی آلمانی) ، هنوز میلیون ها تن از مردم سخن گفته است. (مونترال ، برای مثال ، مرکز ییدیش ادبی.) Judezmo (یهودی اسپانیایی) یکی از زبانهای عمده ای از یهودیان Sephardic ، مورد استفاده در تمام سرزمین های بالکان و بخشهایی از شمال آفریقا است ؛ اشکال یهودی عربی هنوز هم در سراسر شمال صحبت آفریقا و شرق. بسیاری از زبان های یهودی ، که توسعه یافته در زمان قرون وسطی ، در حال حاضر منقرض شده و یا تقریبا منقرض شده ، در میان آنها یهودی فرانسوی ، یهودی ثابت شده ، یهودی ایتالیایی ، یهودی ، یونانی و یهودی اسلاوی ، یهودی ، ترکی ، و یهودی زبان سرخپوستی امریکای شمالی. برخی از این تقریبا هرگز ظاهر در چاپ ، گاهی در برخی از نسخه های غیر معمول بود چاپ شده ، و برخی ، مانند یهودی فارسی ، در سنت دستنوشته زندگی عملا تا عصر مدرن ، نگهداری می شود. علاوه بر آن نشان داده شده در اینجا ، نمونه هایی از این زبان ، بخشی از زندگی یهودیان قبل از جذب ، در سراسر این نمایشگاه پراکنده

نویسنده: abbas

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 3:20

استاد خسته نباشید.من در اینترنت کتابی جدیدی را پیدا کردم که اسم این کتاب است.یهودیانی که تازه مسلمان شده در مشهد.اسم نویسندهٔ این کتاب .آقای Raphael Patai می باشد.که در اول کتاب تمام لقات یهودی.فارسی را نوشته

آقای عباس. لطفا اگر لینکی دارید برای من هم ارسال کنید. لینک قبلی هم رسید. 28 صفحه و پر از مطالب روشنگر و جالب بود. ممنون.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 5:57

آقای اترش. این تفتیش عقاید نیست. می خواهیم بدانیم مدیر فروم بنیان اندیشی کیست و از بنیان اندیشی چه می داند. برابر توضیحات شما، کشتی یافت شده در بلندای کوه آرارات کشتی نوح نیست و سفینه دیگری است! حق با شماست. در پنج هزار سال پیش مردم جهان هر هزار سال یک بار در ارتفاعات آرارات نمایشگاه کشتی برگزار می کرده اند! اما برای محقق همین که در هر ارتفاعی از کوه آرارات و به هر مقیاس و اندازه ای کشتی پیدا می شود به خصوص که استثنائا و فقط جغرافیای ترکیه می تواند محیط بروز آن طوفان باشد و آن دریاچه های آب شور و نبودن آثار کهن در حوزه آب گرفتگی ها و غیره، ماجرا را اثبات شده می گیرد، اما معاند روایت چینی ها را هم در مورد کشتی بی اعتبار می داند و حالا دیگر به ارتفاع بند می کند و بالاخره هم نتیجه می گیرد که ماجرا با روایت تورات منطبق است! زیرا قوم پرستی و یا اجرای ماموریت به او اجازه نمی دهد قدمی به سوی حقیقت بردارد. آقای اترش اگر قرار است دو هفته ای صبر کنیم تا شما نظرتان را درباره پوریم به هم ببافید و اگر از همین قماش فرمایشات است، لطفا خودتان را به زحمت نیاندازید. معلوم همگان شد که اشتباه نشده و شما بی جهت زحمت تهیه و تولید فروم بنیان اندیشی را نکشیده اید! می ماند تصمیم دیگران، اما برای من مطلب به طور کامل روشن است.

نویسنده: یه دانشجو

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 6:25

استاد عالیقدر پور پیرار کبیر: شما نه تنها یه مورخ بزرگ بلکه یه شخصیت شناس نابغه ای هستید که شخصیت اشخاص را از لابلای کلمات شان تشخیص می دهید. یادم است که در گذشته در پیام های سر بسته ای به اترش انتقاد هایی وارد کرده بودید ولی اینقدر چهره اش را افشا نکرده و بالاخره ماسک انوسی اش را پائین نکشیده بودید. آنوقت ها افرادی مانند من ایشان را در جبهه دوستان می دانستم با اینکه شک و شبهه هایی به من دست داده بود. فردی که درصحت مستند کبیر طوفان نوح شک کند ولی اکثر وقت اش را برای ترویج مسلک بودائیسیم بهدر دهد ریگی در کفش دارد. خوشحالم که این انوسی ها یک به یک با تیپا از بین بنیان اندیشان بیرون رانده می شوند.

اما انتقاد کوچکی هم به اقای عابدی دارم. برادر عریز: من از وقتی که متوجه شدم که سایت فروم توسط اترش مدیریت می شود به فروم شک کردم و به همین جهت هم تخواستم خودم را الوده کرده و شالوده اندیشه هایم که تک تک اتم هایش از اندیشه های استاد پورپیرار ساخته شده است تزلزل پیدا کند به همین جهت زیاد به فروم سر نمی زدم. چند روز پیش که در دانشگاه سایت استاد را به دوستی معرفی کردم با همدیگر هم از سایت استاد و هم از سایت فروم دیدن کردیم که آن دوستم وقتی آن عکس نمادینی که در برابر اسم شما قرار داده اید را دید از من پرسید که این جوان ژولیده و حیران که شباهتی به یه جوان مسلمان ندارد.
برادر: شما یکی از عمود های خیمه استاد هستید و از شما انتظار می رفت که عکسی که متناسب با مقام و مسئولیت

جنابعالی است و نماپانگر یه بنیان اندیش مسلمان است تصب کنید و نه عکس یه جوان سوپر مدرن ژولیده و حیران.
با احترامات برای شما و استاد و همه بنیان اندیشان اصیل تندرسی و موفقت ارزو می کنم.

نویسنده: اترش

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 9:12

استاد این هم تحلیل اولیه من از فروم
http://www.naria.ir/forum/index.php?topic=281.0

در مورد پوریم هم نظرات من در فروم ثبت شده، وقت کشی نمی کنم تا نظری در این باره از خودم ببافم. به انجمن پوریم رجوع کنید و ببینید تنها چه کسی به دفاع از آرای شما در مورد پوریم نشسته و جوابی بر نقد های آمده ثبت کرده است.
من صادقانه وارد گود شده بودم و تفکراتم را پشت نقاب عرضه نمی کردم. در مورد چگونگی پوریم و مرز وقوع آن اطلاعی ندارم اما در اینکه یک نسل کشی توسط یهودیان در ۲۵۰۰ سال پیش اتفاق افتاده شکی نیست و اینکه تمدن منطقه در آن زمان از حرکت ایستاده.

می دانم که فشار بسیاری بر روی شما قرار گرفته و در موقعیت حساسی قرار دارید برای همین هم از عتاب های شما رنجیده خاطر نمی شوم.

نویسنده: اترش

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 9:25

آقای یه دانشجو
چه زود جو گیر می شوید.
راست است که می گویند تعصب چشم آدمی را کور می کند. این هم آدرس وبلاگ من
/http://bazkhani.blogfa.com
من هنوز کلامی هم در مورد بودا و بودایسم ننوشته ام. وبلاگ را اشتباهی رفته اید.
در مورد بقیه مکاتب چرا و برای هر یک هم بیش از یک پست نبوده و آن هم نقد آن مکاتب بوده نه ترویج. کل مطالب غیر قرآنی من را در وبلاگ می توانید در اینجا بیابید.
http://bazkhani.blogfa.com/cat-13.aspx

البته برای کسی که مسلمانی را در موی آدمی می جوید هم نباید انتظار زیادی داشت که آن همه یادداشت پیرامون قرآن و اسلام را نبیند و من را مروج مسلک بودایی بپندارد.
من به احترام شما که خود را بنیان اندیش می دانید کلاه از سر برمی دارم

وب سایت

نویسنده: سایه

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 10:26

با سلام
جناب یه دانشجو به یاد دارم چنین ایراد کودکانه ای را زمانی از جناب غفوری هم میگرفتند!
مواظب باشید نقاب از چهره مبارکتان نیفتد!

نویسنده: سعید

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 10:44

...İşte dünyada olay yaratacak o iddia
09:27:44 27.04.2010
bulduklarını iddia etti. Hong Kong’da belgesel Evangelist Çinli ve Türk bir grup, Nuh’un Gemisi’ni Ağrı Dağı’nda grubunun (Uluslararası Nuh’un Gemisi Araştırmaları (Noah’s Ark Ministries International film yapımcılığı yapan ve yüksekliğinde karbon testlerine göre 4 bin 800 yıl üyelerinden Yang Ving Çıng, “Ağrı Dağı’nın yaklaşık 4 bin metre .parçalarının bulunduğunu” öne sürdü öncesine ait geminin ahşap

Gemisi’ne ait olduğunu iddia eden Yang, “geminin iskeletinin birçok bölüm Parçaların yüzde 99.9 Nuh’un birçok bölme olduğuna işaret barındırdığını ve bulunan kalıntıların geminin içinde hayvanların konulabileceği

korunması için yerel Türk yetkililerin hükümetle bağlantıya ettiğini” söyledi. Yang, bölgenin kazılar süresince .bölgeyi “dünya mirası” listesine almasını isteyeceğini belirtti geçerek, UNESCO’nun
Vatan

- ادعایی که در دنیا حادثه خواهد ساخت ...

Evangelist یک گروه چینی و ترکی ادعا کردند کشتی نوح را در کوه آغری یافته اند

یانگ وینگ چینگ که در شهر هنگ کنگ کارگردان فیلمهای حیات وحش و عضو گروه جهانی جستجوی کشتی نوح (Noah’s Ministries International Ark) است ادعای یافتن بقایای چوبهای یک کشتنی در ارتفاع نزدیک به 4 هزار متری کوه آغری که با تست کربن به 4800 سال پیش تعلق دارد را مطرح کرد
یانگ که بقایای چوبها را 99.9 درصد متعلق به کشتی نوح ادعا کرده پنهان شدن بسیاری از قسمتهای کشتی را مطرح کرد وگفت بقایای یافته شده قسمتهای بخش بخش شده ای را نشان میدهد که احتمالا برای استقرار حیوانات تعبیه شده بوده یانگ حفاظت منطقه را در طول حفاری از طرف مسئولان محلی ترک با همکاری دولت و درخواست شناخته شدن منطقه در لیست میراث جهانی یونسکو را اعلام کرد

نویسنده: آیدین قشقايي

چهارشنبه 8 ارديبهشت1389 ساعت: 10:53

سلام به دوستان
محقق ارجمند جناب آقاي پورپيرار
همه ما اكنون با اين اوضاع و احوال پيش آمده و اينكه بعضي از دوستان براي گردندان يك فروم اينقدر با هم جر و بحث مي كنند، بيشتر به عظمت كار شما و عمق خودسازي شما پي مي بريم. من به شخصه از شما بابت اين چراغي كه در راه شناخت تاريخ حقيقي شرق ميانه فرا روي ما روشن نموده ايد و بي مزد و بي منت اينگونه آخرين يافته هاي خود در اين حوزه را در اختيار ما قرار مي دهيد بسيار سپاسگزارم.
اينجانب متاسفانه تا كنون به خاطر شرايط تحصيلي و كاري عجيب و غريبي كه در تهران دارم نتوانسته ام كمكي به دوستان نمايم. تنها كاري كه عملاً از دستم برآمده و انجام داده ام تبليغ كتب، وبلاگ و فيلمهايي است كه تا كنون در اين حوزه توسط شما منتشر شده است. انشاالله در اولين فرصت ممكن با فروم همكاري خواهم كرد. منظورم از نگاشتن اين متن عرض پوزش از دوستان مي باشد.
ضمناً جناب آقاي پورپيرار
يك مشكلي كه براي ما جهت كمك به مباحث بنيان انديشي وجود دارد عدم آشنايي ما با كتب مرجع و معتبر در مورد تاريخ منطقه است. مثلاً من خودم دوست دارم در مورد ارامنه و اينكه كي و چگونه وارد منطقه شرق ميانه شدند اطلاعات مفصل و در عين حال قابل اتكايي كسب نمايم. ولي نمي دانم كتب مناسب در اين حوزه چه هستند. به گمانم اگر شما به نوعي كتب معتبري كه در حوزه هاي مرتبط با بحث تاريخ شرق ميانه هستند را در وبسايت ناريا معرفي كنيد كمك بيشتري به بسط و گسترش مباحث بنيان انديشي خواهد شد.
موفق باشيد

نویسنده: عابدی

چهارشنبه 8 ارديبهشت1389 ساعت: 11:1

آقای یک دانشجو، به آن دوست هم دانشگاهی تان متذکر شوید که مسلمانی و نا مسلمانی می تواند از رفتار ، عقاید و نوشته قابل تشخیص باشد.
موفق باشید.

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 263، نتیجه71، درباره کمال الملک، 6 - 162 نظر

نویسنده: علی رضا

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 11:48

خسته نباشی استاد
استاد بزرگوار بیخود نیست که در میان این همه (مثلا) روشنفکر و مدعی ایران شناس و تاریخدان و اسلام شناس حقیقت را از زبان شما میشنویم شما آدم شناس خوبی هم هستید. انشاالله عمر طولانی داشته باشید.

نویسنده: khalil

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 12:25

استاد شما خود کهنه کار سیاست هستیدو براي يادآوري عرض کنم از اظهار نظر و جبهه گيريهاي مثبت بعضي ها که باعث طرز فکرهاي مختلف بين دوستان و تازه واردين به اين وبلاگ مي شوند احتياط و يا دوري کنيد.شايد تازه واردانى که حين ورود به وبلاگ دعواي چند بنيان انديش را ببينند!!!! ديگر سراغي از اين وبلاگ را نگيرند و اين مسئله خوراکي براي مخالفان شما و بنيان انديشان باشد.
با تشکر

نویسنده: سعید

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 13:27

بقایای کشتی نوح پیدا شد ؟ + تصاویر
http://www.tabnak.com/nbody.php?id=45232

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 11:57

سلام
به نظر من پوریم و طوفان نوح و تبعات ناشی از آنها در عین ارتباط، دو مقوله مستقل از هم هستند، به این صورت که ممکن است کسی پوریم را بپذیرد -در همان حدودی که تورات وصف کرده است- اما تبعات آنرا انکار کند، یا کسی با استناد به قرآن، مومن به وقوع طوفان نوح باشد، اما عوارض حاصله از آن را باور نکند.
یا برعکس، فقدان حیات و سکونت بشری در دو سرزمین ایران و ترکیه و در طول قرون متمادی را بپذیرد ولی آنها را ناشی از پوریم و طوفان نوح نداند.
قصدم بیان این نکته است که اهمیت این دو حادثه به خاطر عوارض شان است نه خود واقعه ها و این خود پاسخ این سئوال مکرر است که چرا یهودیان به جای ان همه جعل وسیع ، پوریم را از کتاب دینی خود حذف نکرده اند؟ علت همان است که عرض شد، جهد آنان در جهت اختفای عوارض است نه خود واقعه و این بیانگر ارجحیت عارضه بر واقعه است.
پس تشکیک در تبعات می تواند نشان آنوسی بودن باشد نه تشکیک در واقعه ها که از چند و چون کیفیت وقوعشان تا حدود زیادی بی خبریم.
از نظر من آنچه از دیدگاه بنیان اندیشی اهمیت دارد تبعات حاصله است که ممکن است از حوادث دیگری ناشی شده باشند، اما چون شناخته شده ترین و محتمل ترین عوامل، پوریم و طوفان نوح هستند و اسناد و شواهد در دست نیز موید این موضوع می باشد، ما آنها را می پذیریم، تا زمانی که ادله ای معتبر تر و اسنادی مستدل تر خلاف آنرا ثابت کند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 20:18

آقای khalil. آمدن و یا نیامدن بازدید کننده و هرگونه قضاوت درباره وبلاگ کم ترین اهمیتی ندارد. حالا هم در میان دیدار کنندگان روزانه، که عدد درشتی را تشکیل می دهند، یا ده بنیان اندیش واقعی پیدا نمی شود و یا خود را علنی و اظهار نظر نمی کنند.

آقای قشقایی. چیزی با نام فروم بنیان اندیشان وجود ندارد و هرنوع همکاری و شرکت در مباحث آنان تا زمانی که برخی از عمده مدیران آن کاملا شناسایی نشوند، خروج از خط بنیان اندیشی است.

آقای سعید. پس از مستند مافوق تصور و محکم استاد غفوری در باب وقوع طوفان در ترکیه، هیچ مطلب دیگری در آن باب کشف شمرده نمی شود. زیرا مدت ها پیش از کوشش این هیئت، کشتی نوح کشف شده بود و مستند وقوع تصویری و جزییات مطلب را تکمیل کرد.

آقای اترش. نه خسته ام، نه فشاری روی خود احساس می کنم و تنها می دانم شما و تیم کوچک تان در طرح ایجاد شکاف از درون، میان بنیان اندیشان و زیر سئوال بردن مبانی اصلی بنیان اندیشی، ناکام مانده اید.

آقای خرمی. کار آنان درست مانند سرقت نام ناریا در وبلاگ ناریا 2 است. این یک همکاری برنامه ریزی و حمایت شده از سوی مثلث اترش و علی از مالزی و osameh
است که مانند موارد دیگر شکست خواهد خورد.

آقای جلال. محرم سال 61 هجری قمری با اول اکتبر سال 680 میلادی و نهم مهر سال 59 هجری شمسی برابر است.

نویسنده: مسعود

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 19:36

وقت جنابعالی بخیر استاد .

امر شما در خصوص عدم مشارکت در فروم مطاع است .

تشخیص شما با توجه به تیزبینی و تحلیل درست و تجربه تان در این خصوص بی برو برگرد منطقی است.

سلامت و سربلند باشید.

نویسنده: اترش

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 19:45

خب پس، خدا رو شکر

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 20:48

استاد عزیز سلام علیکم

با اعتقاد راسخ به عمق وگستره دانسته ها و آگاهی وصحت وسلامت اقدامتان امر شما مطاع است.

نویسنده: محمدرضا نیسی

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 22:58

با سلام و تشکر از زحمات شما و همکاران
من برای اولین بار کامنت می گذارم ولی به طور کامل مطالب را از طریق سایت و دوستان پیگیری مانند آقای سنجری دنبال میکنم
در جستجو در سایت یوتیوب به ویدئویی برخوردم که مستند تختگاه را با زیرنویس عربی نمایش میدهد. برای بررسی بیشتر موضوع می توانید به این لینک مراجعه نمایید.

feature=related&http://www.youtube.com/watch?v=my2-xpmnJ8k

ضمنا برای بررسی زیرنویس آن آمادگی خدمت گذاری دارم.

آقای نیسی. خوش آمدید و در صورتی که به وقت استراحت شما لطمه نمی زند پانویس ها را کنترل کنید.

نویسنده: یه دانشجو

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 23:25

بخش اول:قبل از هر چیز من از برادر بزرگوارم جناب عابدی به خاطر رنجشی که احتمالا باعث اش شده ام عذر خواهی می کنم. اقای عابدی: هم گفته های آن دوست و هم پیام من چندان جدی نبود و من هم به این امر آگاهم که مسلمانی به ریش و پشم و عبا و عمامه و جای مهر بر پیشانی نیست اما باید قبول کنیم که اگر خردمندی و عاقلی و علامه ای با لباس خواب بالای منبر رود مردم حرف هایش را زیاد جدی نخواهند گرفت و بخاطر این اگر اشتباه نکنم در اسلام دستورات اکیدی مبنی به انتخاب نام و پوشاک مناسب برای مسلمین از جمله کودکان صادر شده است. خلاصه عذرخواهی می کنم و پرونده را می بندم.

اقای اترش: درست است که شما ممکن است مستقیما به بودائیسم نپرداخته باشید ولی طبق آخرین پیامتان به مکاتب دیگر پرداخته اید. اصلا فرض کنید که من جو گیر شده و اشتباه کرده ام پس شما چرا به سئوال های ساده و مکرر استاد جواب سر بالایی می دهید.؟
ایا شما حادثه پوریم را قبول می کنید.؟ ایا شما طوفان نوح آنطوریکه در مستند آمده است را قبول می کنید یا نه.؟ پاسخ این سئوالات خیلی ساده اند اگر صداقتی داشته باشید.

نویسنده: یه دانشجو

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 23:26

بخش دوم: اقای یا خانم سایه:من نمی دانم ار کی به علم غیب مسلح شده اید که اتهاماتی به من وارد کرده اید که حتما در خواب دیده اید. من در این تقریبا یه سالی که با این سایت اشنا شده ام فقط دو سه بار اسم استاد غفوری را بر زبان آورده ام که همیشه با نیکی از ایشان یاد کرده ام. امثال ماند شما سعی دارند که بین دوستان بنیان اندیش شک و شبهه و دشمنی ایجاد کنند که از اب گل آلود ماهی بگیرند. افراد بی هویتی مانند شما و آنهاییکه با دو نقطه و چهار نقطه و علامت سئوالی پیام می گذارند و حتی زحمت انتخاب اسمی را هم بخود نمی دهند همیشه در این سایت از این اشوب ها بر پا کرده اند. بدون تعارف من در این سایت فقط از چهار نفر سپاسگزارم و ازشان یاد گرفته ام. اول از همه خود استاد پورپیراز هستند نفر دومی استاد غفوری اند با آن سه شاهکار مستندشان و سومی اقای عابدی با آنهمه زحمات و کار های فنی در بر پا نگهداری سایت پشتیبانی و نفر آخری اقای حاجی زاده با آن پیام های روشنگرانه و متین و صبور و تامل بر انگیزشان.
فقط کافی است که به توهین و افترا ها و متلک هایی که در همین سایت به اقای حاجی زاده زده شد نگاهی به افکنید و به بینید که شما تنها اشوبگر این سایت نیستید.

نویسنده: ایرج

چهارشنبه 8 اردیبهشت1389 ساعت: 23:35

با سلام و خسته نباشید خدمت استاد و سایر دوستان

اقای رحمانی لطفا در صورت امکان ادرس وبلاگ خود را برای من بنویسید

نویسنده: ×××

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 5:31

سلام استاد.امیدوارم دوستان موافق و مخالف بحث های اخیر متوجه بشوند که ادامه مباحث ایران شناسی از سوی شما که چند روزی است تاخیر افتاده مهمتر از هر چیزیست.استاد بیصبرانه منتظر ادامه مطالب هستیم.با تشکر

آقای ×××. مباحث ایران شناسی به خواست خدا ادامه خواهد یافت. اندکی تاخیر برای یافتن چند تصویر بسیار روشنگر است.

نویسنده: =-=

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 6:30

آقای یه دانشجو

بخشی از کامنتت افتاده بود گوشه سمت کج وبلاگ من پیداش کردم وبرای شما نصبش می کنم.
خسن وخسین هر سه دخترای معاویه هستند.

نویسنده: موومان

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 6:32

سلام استاد. وقت بخیر.

یک سوال ذهن مرا مشغول کرده است. در مستند، شما زمان وقوع طوفان را حوالی ده هزار سال پیش می گویید و این عدد با زمان نابودی سایتهای کهن ترکیه مثل چاتال هویوک کم و بیش تطبیق می کند. اما اگر خبر اخیر صحت داشته باشد و کشتی متعلق به 4800 سال پیش باشد آنگاه فاصله ی زمانی چهار هزار ساله بین نابودی چاتال هویوک و طوفان نوح چگونه توجیه می شود؟ با تشکر

آقای موومان. زمینه ی اصلی مربوط به مباحث این وبلاگ، در موضوع طوفان نوح، تنها اثبات وقوع آن در جغرافیای ترکیه امروز است که خروجی اصلی آن انهدام داستان های تاریخی مربوط به دعاوی کنونی درباره قوم ترک است. تعیین تکلیف با حواشی مطلب، به ارائه ی گزارش نهایی از سوی هیئت های مشغول به استخراج موضوع محول است که هنوز منتشر نشده و حصه قطعی این اکتشافات، تاکنون فقط پیدا شدن کشتی در ارتفاعات ترکیه است، که در مورد اخیر، ظاهرا نمونه ی یافته ها را برای تعیین تکلیف نهایی به هنگ کنگ برده اند. مثلا اگر وجود کشتی مسلم است، تکلیف ارتفاع آب در ترکیه را آثار و رد آن بر بلندی های محل معلوم می کند، نه تخمین مکتشفی در مصاحبه ها. در مورد چاتال هیوک نیز همین طور است. اگر زمان وقوع طوفان در پنج هزار سال پیش تثبیت شد، پس باید به تاریخ توقف تمدن چاتال هیوک شک کرد و بالاخره با تمرکز دوباره بر تمام حواشی مربوطه شاید سرانجام تصویر کامل و درست از بدنه ی مطلب تهیه شود. اینک فقط می توان گفت که محل وقوع طوفان قاطعانه در ترکیه است، که در عین حال اهمیت و ارزش مستند استاد غفوری را نیز آشکار می کند.

نویسنده: سایه

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 9:39

با سلام
جناب یه دانشجو در اولین فرصت به مانند شما در وبلاگ با اسم واقعی وارد خواهم شد!
لطف فرمایید و نوشته هایتان را دوباره بخوانید چون دقیقا یکی از مخاطبان نوشته هایتان خود شما می باشید!
موفق باشید

نویسنده: حاجی زاده

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 6:11

سلام
استاد گرامی
قصد من بررسی برخی دیدگاههای متفاوت و گاها مخالف است.
یهودیان دو واقعه مهم پوریم و طوفان نوح را که منجر به تخلیه این منطقه و زمینه ساز نقشه های آتی آنان گشت، حذف نکردند، بلکه با تحدید پوریم و توسعه طوفان سعی در اختفای آثار و عوارض نمودند، این خود موید رجحان عارضه بر واقعه از نگاه آنان است و این ارجحیت نسبی بوده و به معنای بی اهمیتی یا نفی دو حادثه مذکور نیست.
تاکید می کنم من در وقوع این دو رویداد تاریخی شک ندارم، مگر اینکه فرضا با تحقیقات آتی، علت موثر دیگری بر فقدان حیات آدمی این منطقه کشف شود.

فریبا خانم. شیوه اداره فروم کاملا انحرافی است. اگر به مطلبی که می گویید اطمینان دارید پس حضور شما در آن فروم یک ضایعه است. انجمن بنیان اندیشان تنها می تواند به عنوان وسیله ای در بمقابله با کوشش یهود در مسکوت گذاردن مباحث ایران شناسی بدون دروغ و دیگر نوشته ها عمل کند و لاغیر.

نویسنده: عادل

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 9:53

درباره آنوسی های مشهد
http://www.amordad.net/emag/?p=452

نویسنده: عابدی

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 10:59

استاد پورپیرار. در مورد ارائه نظرات آقای اترش، باید توجه داشت که ایشان تنها در مورد کشتی نظر داده اند و با توجه به صحبت هایی که با ایشان داشته ام، ایشان وقوع طوفان را در ترکیه امری بدیهی می دانند. برای مثال در گزارش قبلی ارتفاع کشتی را ۱۸۹۰ متر فرموده بودند در این گزارش جدید ارتفاع کشتی را 4000 متر گفته اند! بی شک نمی توان از این اختلاف ارتفاع چشم پوشی کرد.
...اگر این جسم عظیم قایقی شکل، به طول یک زمین فوتبال، در ارتفاع ۱۸۹۰ متری کوه آرارات، کشتی نوح نیست، پس چیست و اگر کشتی نوح است، آیا طوفان نوح واقعاً به وقوع پیوسته است...
... Ağrı Dağı’nın yaklaşık 4 bin metre yüksekliğinde ....

در مورد آقای اترش اندکی بی لطفی شده است، امیدوارم لحاظ بفرمایید.

آقای عابدی. به پاسخی رجوع کنید که برای آقای موومان در چند کامنت قبل نوشته ام و بدانید که نوع سئوالات درباره کشتی، محفل و محمل سازی برای انکار وقوع طوفان در ترکیه است، زیرا در مباحث وبلاگ هیچ سخنی از نوع و اندازه کشتی نبوده و اصولا نزد بنیان اندیشان هیچ ارتباطی با پایه ی مدخل ندارد. آقای اترش آگاهی لازم را برای مدیریت بر چنین فرومی ندارند که با دریایی از ایراد گیران بنی اسراییلی مواجه اند و همین. شما می توانید فروم تان را نگهدارید با این اطلاع که با مطالب وبلاگ و مستندات و کتاب ها کاملا بی ارتباطید.
جالب است سئوال خود شما نشان می دهد که هنوز هم گمان می کنید طوفان نوح ثبت شده در قرآن احتمالا افسانه است. عجب مدیران مناسبی برای انجمن بنیان اندیشی!!!

نویسنده: رحمانی

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 12:15

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

با سلام و خسته نباشید خدمت ابرمرد تاریخ شرق میانه
ما فقط و فقط می توانیم بگوییم
اجرکم عند الله

استاد خستگی ناپذیر اینها اگر بتوانند هر قدر از انرژی شما را صرف بیهوده ها بکنند، قهقهه مستانه خواهند زد
بی توجه به این موظفان ، به کار خود با توکل بر یگانه بی همتا، ادامه دهید، خوشحال شدن یا ناراحتی ما حقیقت را بسط نخواهد داد ، این خداست که تعیین کننده است،
و با دانستن این اصل که در این شرایط هر چقدر هم که قانون بگذارید، باز آنوسی های هزار چهره در آن جمع فعال خواهند بود و با روشهای بسیار زیبای شیادانه و با نقاب های متنوع حاضر خواهند شد، و به منافع خود خواهند اندیشید
پس در این شرایط ، باید نامتمرکز اندیشید ، نباید هیچ کسی و به هیچ اندازه ای در ذهن دیگران جایگزین شما شود
مطالب ارائه شده توسط شما ، به خاطر جوهره حقیقت ، چون چراغی هستند که هر کس از نور آن به وسع خود بهره خواهد گرفت ، و نیازی به کسانی نیست که بعد از مدتی همراهی مدعی می شوند،
استاد ، مسلما، پاسخگویی به سوالات دیگران مفید است ، اما با مقدورات حال حاضر و با این چنین جمع هایی فقط بازار بهانه های بنی اسرائیلی داغ می شود ، همین و بس ، کسانی که دروغ را با کلیت پذیرفته بودند و حرفی نمی زدند حالا که شما اصلی را گفته اید مرتب به حواشی به طور کامل مشخص نشده(که ان شاء الله در آینده مشخص خواهند شد) می پردازند
اگر با این تفکرات و بهانه ها می بود هیچ علمی پیشرفت نمی کرد ، چون نظریه ها شکل نمی گرفت تا ... ووو
به نظر من ، باید حداقل ها را حفظ کرد ، بعد به حداکثر اندیشید،

"و اگر نبود، روشنگریهای استاد کامل، ما هم در بهترین حالت کدخدامنشی بیش ، نمی شدیم!!! چنانکه اینهمه مسلمان مخلص ،کدخدامنشی بیش نشده اند؟!"

وَقُلْ جَاء الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

آقای رحمانی. به یقین چنین است که می فرمایید و نباید نغمه های ناموزون بی ضابطه و دلیل را جدی گرفت، اما ساکت ماندن در برابر روش های این به اصطلاح فروم بنیان اندیشی درست مصداق پروراندن مار در آستین است. موفق باشید.

نویسنده: موومان

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 12:18

آقای عابدی. اما تا آنجا که من به یاد دارم، آقای اترش نه آزمایش پارچ و نقشه را قبول داشتند و نه رسوبگیری زمینهای ترکیه را جدی می گرفتند. اگر یادتان باشد یک روز من و شما و ایشان در چت روم بودیم و گفتگوهایی با مضامین فوق رد و بدل شد. حتی من از سفر فردی به ترکیه و تایید عینی روسوبدار بودن زمین گفتم و ایشان با کمال تاسف موضوع را به مسخره گرفتند و در نهایت گفتند که در آینده روی موضوع بیشتر کار خواهند کرد. در مورد آزمایش پارچ و نقشه هم ایشان فرمودند که «من هم اصلا کل خاور میانه را با پارچ زیر آب می برم»! انگار نه انگار که منطق زیر آب بردن زمین، تبدیل آن به دریایی مناسب کشتیرانی بوده است و برای این منظور، جغرافیایی استثنایی و تشت مانند مورد نیاز است.

دلایلی هم که ایشان در مورد لزوم کوچک بودن کشتی ارائه کردند فوق العاده کودکانه بود. حتی بدتر از آن، ایشان با تکیه بر کوچک بودن کشتی و دلایل اینچنینی می خواستند نتیجه گیری کنند که طوفان نوح در حد یک سیل بوده است! و این چیزی بود که در لابلای صحبت ما در آن روز در چت روم قابل ردگیری بود.

اکنون شما می فرمایید که ایشان در مورد وقوع طوفان در ترکیه اطمینان دارند!؟

آقای موومان. نقل شما و نظایر دیگر، همراه قرائن قابل دیدار نشان می دهد که این تدارک فروم بنیان اندیشی، نیم کاسه ای است برای پنهان کردن تغاری بزرگ!

نویسنده: x

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 12:58

براستی متاسفم

آقای x. برای چه چیز متاسفید؟ دشمنان رنگارنگ بنیان اندیشی در همه جا و در هر شمایلی لول می زنند.

نویسنده: اترش

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 13:52

نمی دانم این چه بساطی است که به راه انداخته اید

آقای مووِمان خوب است که می گویید آقای عابدی هم در چت روم حضور داشته اند و صحبت هم عمومی بود پس هرکسی می توانست وارد و شاهد بحث باشد حتی خود استاد هم، البته اگر افتخار ورود به چت روم را نصیب ما می کردند. فکر می کنم یکی دو نفر دیگر هم در جریان قسمتی از حرف های رد و بدل شده بودند.
طوری حرف می زنید که انگار راز سر به مهری را می دانید و در حال افشاگری هستید
بحث اصلی آن روز هم حول خود کشتی بود و دلیل عظمت و بزرگی آن. اینکه سرنشینانش که زیاد نبودند و حیوانات در آن هم. پس چه دلیلی داشته چنان کشتی بزرگی ساخته شود.
حرف های من که با استناد به قرآن بود فوق العاده کودکانه است یا این چغولی شما؟
خودمانی داشتیم حرف می زدیم، چت روم بود
حرف های مستدل من در تاپیک طوفان نوح ثبت است.
نیش و کنایه من از این بود که گفتید «یک نفری» رفته ترکیه، نه از رسوب داشتن یا نداشتن زمین. بعد هم گفتم که به شخصه دنبال مدرک علمی و زمین شناسی برای رسوبی بودن یا نبودن زمین در اینترنت می گردم.

واقعا که
این هم از عیار شما

نویسنده: اترش

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 14:6

استاد مثل اینکه در جریان اخبار نیستید که هم اکنون هم «چند» کشتی را در آرارات تشخیص داده اند و در ایران و مرز عراق و سوریه.
همین دو سه روز پیش خبر کشف یک کشتی دیگر جار و جنجال به پا کرده.
کدام را باور کنیم. کدام محقق و کاشف راست می گوید؟
http://www.noahsarksearch.net/eng/
شما از این گزارش هم به نفع خودتان استفاده می کنید و بر فرق سر کسی مثل من فرود می آورد بی اینکه از چند و چون قضیه کاملا باخبر باشید و توجه کنید که اگر این گزارش تایید شود، فرضیه ی دریایی به ارتفاع ۱۸۰۰ متری را برای طوفان نوح به زیر سوال می برد، تایید نمی کند. چون این کشتی در ارتفاع ۴۰۰۰ متری است
این هم ویدیویی از اکتشاف و درون کشتی
http://www.noahsarksearch.net/eng/video.php?id=5

آقای اترش. یا تجاهل شگرد شماست یا درست تر این که در همین اندازه اید که نشان می دهید و احتمالا به همین دلیل است که شما را به تدارک چنین فرومی فرستاده اند. چنان که بارها مظلومانه استعفا داده اید و هنوز تا دریافت دستور در جای خودید! چه فایده که برای شما بنویسم که هر کوهی با دو ارتفاع معرفی می شود یکی از پایه تا قله که به کار کوهنوردان می آید و دیگری نسبت به ساحل دریای آزاد، که بین المللی است. 1800 متر از پایه تا محل کشف کشتی است و 4000 متر از ساحل دریا تا قله، چنان که در گزارش هم قید شده است.

نویسنده: مهدي - مهدي

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 14:19

ضرورت تعريف چهارچوبي براي سامان دهي و نظارت بر بحث ها در ابتداي تأسيس انجمن ديده شد ولي بحث آن به نتيجه اي نرسيد. همانطور كه قبلاً در طي يك صحبت دوستانه به آقاي اترش عرض كردم، اين كار نياز به اشخاص استخواندار دارد كه بين ما ناموجود است.
تا اطلاع ثانوي از انجمن خارج مي شوم. با احترام مهدي

آقای مهدی - مهدی. اصرار در ولنگ و باز گذاردن صحن فروم تراشیدن فرصت برای ورود امثال علی از مالزی و اسامه است که اگر راه را نبسته بودیم حالا صاحب چند دوجین آن ها شده بودیم.

نویسنده: حاجی زاده

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 11:18

سلام
براستی صحت وقوع طوفان نوح در سرزمین ترکیه امروزی تا چه میزان به کشتی بودن آن جسم مکشوفه در دامنه کوه آرارات دارد؟
باید توجه داشت که آن کشتی تنها دلیل در دست نیست بلکه ادله مهمتری از جمله فقدان آثار حیات در حوزه مرکزی آن کشور و وجود چنین نشانه هائی در حاشیه ها وجود دارد و همچنین وجود دریاچه های شور و رسوبات و...

آقای مومان، بنیان اندیش، موافق، مخالف و معاند مفاهیم و تعاریفی متمایز و متفاوت هستند

نویسنده: عابدی

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 15:23

استاد گویا زود قضاوت کرده اید. من کجا گفته ام طوفان نوح ثبت شده در قرآن افسانه است؟؟ لا اقل برای من مسجل است که طوفان در ترکیه رخ داده است.

حرف من این است که نمی توان به مطالب این هیئت ها استناد کرد، چنان چه اگر گزارش جدید بیان کننده مطالبی در مورد نبود کشتی در آن منطقه باشد، همانند این گزارش بی اهمیت خواهد بود.

آقای عابدی. این جمله ی شما در چند کامنت پایین تر است: "و اگر کشتی نوح است، آیا طوفان نوح واقعاً به وقوع پیوسته است"...
احتمالا قرآن برای سرگرمی و خواب کردن بندگان قصه سروده است. به راستی اگر حرف شما این است که نمی توان به چنین گزارشاتی اعتماد کرد، پس چه گونه به اعتبار ارتفاع 4000 متری آب بر آن همه دلیل دیگر وقوع طوفان در ترکیه خط بطلان می کشید؟!

نویسنده: مومان

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 16:1

بدینوسیله اعلام می کنم که اینجانب مومان نیز از فروم خارج شدم و به آن باز نخواهم گشت، و در نتیجه در قبال هر مطلبی که در آینده با هر نامی در آن فروم نوشته شود هیچ مسئولیتی نمی شناسم.

نویسنده: عابدی

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 16:29

استاد اگر با این متن چنین قضاوت کرده اید آن متن را از ایران شناسی بدون دروغ برداشته ام.

http://naria5.blogfa.com/post-25.aspx

آقای عابدی. به نظر می رسد که به اصطلاح سوراخ دعا را گم کرده اید:
"بدنبال این زمین لرزه، ران وایت ادعا کرد که شیء مذکور می تواند باقی مانده کشتی نوح باشد. سپس بدبینی ها به خوش بینی مبدل و این سؤال ها مطرح شد: «اگر این جسم عظیم قایقی شکل، به طول یک زمین فوتبال، در ارتفاع ۱۸۹۰ متری کوه آرارات، کشتی نوح نیست، پس چیست و اگر کشتی نوح است، آیا طوفان نوح واقعاً به وقوع پیوسته است»
بدین ترتیب در این یادداشت و برای نخستین بار، هم از طریق اثبات توقف روند سازنده ی تاریخ، در سرزمینی که امروز ترکیه می شناسیم و هم از مسیر مشاهدات عوارض و شرایط جغرافیایی، بی کم ترین تردید مدعی می شوم که ترکیه ی کنونی مکان وقوع طوفان نوح بوده است".
می بینید که رون وایت درباره وقوع طوفان سئوال داده و من قاطعانه مدعی شده ام که طوفان در ترکیه رخ داده است.

نویسنده: امید صادقی

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 17:29

سلام استاد به تازگی کتاب جالبی بدستم رسید به نام " مختصر و مفید از دنياي يهود " 38 صفحه بیشتر نیست اما مطالب و عکسهای جالبی داره لطفاً اگر وقت کردید مطالعه بفرمایید.
آدرس: IslamTape.Com

نویسنده: sima

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 18:33

والا من فکر می کنم همه طرفداران استاد بعد از چند سال شاگردی ایشان راه و رسم آنوسیگری را فرا گرفته اند و هرازگاهی آن را به کار می بندند!! بالاخره کارهای استاد این حسن را هم داشت که همه ما به اهمیت یهود و اخفاگرهای آنان آشنا شدیم و راه و رسم آنان را یاد گرفتیم!! فقط خدا به حال آینده رحم کنه که پر از آنوسی بازی بشه!!!

نویسنده: مسعود سنجری

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 18:41

برادر بزرگ استاد پورپیرار
سلام علیکم

همانگونه که جنابعالی فرمودید فروم تنها یک وسیله است. قطعا در نتیجه بحثهای پیش آمده و پرسش و پاسخ هایی که رد و بدل گردید از این پس همه دوستان چه بوسیله فروم و چه از طریق وسایل دیگر با وسواس و دقت بیشتری در مراقبت از بنیان های این بررسی های تاریخی و اسلامی به تحقیق و جستجو خواهند پرداخت.
خدای بزرگ شما حفظ کند.
والسلام علیکم فی امان الله

آقای سنجری. امیدوارم حاصل این رد و بدل مطلب چند روزه معلوم کرده باشد که من با کسی خرده حساب شخصی ندارم و واقعا آقای اترش به عنوان بنیان گذار فرومی با نام انجمن بنیان اندیشان، خود مقدار چندانی از استخوان بندی بنیان اندیشی همراه نداشتند. و تواصوا بالحق...

نویسنده: عابدی

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 19:11

استاد نمی دانم اگر به حضرت زرتشت (ع) یا قمر بنی هاشم سوگند یاد کنم که من واقعه طوفان نوح را در ترکیه کنونی می پذیرم، آیا قبول خواهید کرد !؟ می توان دلایل دیگری برای این مورد که این واقعه در ترکیه رخ داده است نیز اضافه کرد که برای ارائه در همان تاپیک انجمن ، گذاشته بودم! دوباره تاکید می کنم من در جایی مدعی نشده ام که طوفان نوح ثبت شده در قرآن افسانه است! این قضاوت شما نا عادلانه است.

آن دو نوشته در مورد ارتفاع (یکی از منبع ترکی و آن دیگری از ایران شناسی بدون دروغ) برداشته بودم تا بگویم در هر دو گزارش، ارتفاع متفاوتی را از کشتی می فرمایند. در همان منبع ترکیه نیز ارتفاع محاسبه شده را به حدود 4000 متر از کوه گفته اند. لا اقل من در منبع اش این گونه ترجمه کرده ام!

و در آخر انجمن را به توصیه تان تعطیل کردم. روند دیگری برای انجمن در نظر گرفته ام که تلفنی مزاحم می شوم.

نویسنده: یک سئوال

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 21:11

با سلام
پوریم را با شدیترین حالت آن قبول دارم.
طوفان نوح هم قطعا در ترکیه رخ داده است.
استاد اشخاصی که پس از دیدن مستندها سئوالات آنوسی مابانه می پرسند لایق چه لقبی خواهند بود؟!هر چند که با آنها از ابتدا بوده باشیم و یقین داشته باشیم که تن شان به تن یهودی ها نخرده است!
و دیگر اینکه آیا یک درصد احتمال ندارد حتی نخبه ای از بنیان اندیشان گاها سئوالی یا مطلبی به خاطر انسان بودن با حال و

هوای آنوسی بپرسند یا بنویسند؟!
چیزی که به نظر میاد رخ داده باشد!!

نویسنده: الکی خوش

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 23:12

من هم می خوام همون نظر مجتبی غفوری رو تکرار کنم.

دوستان! ما چه ادعایی داریم؟ آیا ما خودمون رو صاحب نظر می دونیم؟ جواب خیلی سادس: آره یا نه. گیر دادن و تفت دادن و آسمان و ریسمان بهم بافتن از همه بر می آد و نمونه هاشو توی دنیای وب زیاد می بینیم.

من خودم رو صاحب نظر نمی دونم. مطالعه و تجربیات من هنوز ناچیزه. پس بهتره یه کم آروم تر باشم! کلا صاحب نظر واقعی کم دیدم که یکیش آقای پورپیراره. ولی اگه بخوام کمکی کنم سعی خواهم کرد در اثبات و یا ابراز تردید مستند در نظریات آقای پورپیرار دنبال اسناد و مدارک بیشتری بگردم. تا حالا که دنبالش نبودم و ادعایی هم ندارم. ولی دوستانی که خیلی علاقه مندن این راهشه. لااقل از پشت کامپیوتر نشستن و شلوغ کردن خیلی مفیدتره.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 10 اردیبهشت1389 ساعت: 0:36

آقای محمدرضا نیسی. آدرس ای میل وبلاگ در زیر عکس و در همین کامنت آمده است.

نویسنده: محمدرضا نیسی

پنجشنبه 9 اردیبهشت1389 ساعت: 23:44

سلام خدمت استاد عزیز
لینک دانلود کتاب "قس و نبی" به قلم موسی الحریری درباره کشیش ورقه بن نوفل و پیامبر اسلام را می گذارم: (که فکر کنم به تحقیقات جدید شما درباره پیامبر کمک کند)

http://www.annaqed.com/ar/content/show.aspx?aid=15994

http://www.annaqed.com/files/ar/pdf/A%20Priest%20and%20a%20Prophet_Al-Hariri.pdf

در زیر نقدی بر این کتاب است:

http://www.ebnmaryam.com/vb/t4697.html

دمتم سالمین فی أمان الله

نویسنده: R134a

جمعه 10 اردیبهشت1389 ساعت: 0:40

آقای میلاد نوشته بودید: پیشنهاد میکنم در رویه خود تجدیدنظری بفرمایید. امید است هنگامی که به اجبار گذر زمان این بیرق و علم (بنیان اندیشی) را بر زمین نهادید، کسی در جوارتان باقی مانده باشد که آن را بار دیگر برافرازد.
متاسفانه همینطوریه! کسی تا حالا طهور نکرده که بتونه حتی یه یادداشت به یادداشتهای استاد اضافه کنه- پس درهر صورت فکر نکم لازم باشه منت کسی رو کشید.

نویسنده: مسعود سنجری

جمعه 10 اردیبهشت1389 ساعت: 1:12

برادر گرانقدر استاد پورپیرار
سلام علیکم

کوچکترین تردیدی نیست که جنابعالی با کسی خرده حساب شخصی ندارید. قبل از هر چیز باید همواره به یاد داشت که هیچ بحث و جدلی حجاری های ناتمام تخت جمشید را کامل نخواهد کرد و بنای نوساز کاخ کورش را به بنایی با ساخت دیرینه تبدیل نخواهد ساخت و ... .

الحمدالله این بررسی های بنیان اندیشانه به مرحله ای از بلوغ رسیده که انکار آن غیرممکن گردیده است و حتی اگر فرضا بتوان به بخشی از آن ایراد وارد نمود اما قطعا این ایراد احتمالی هرگز قادر به ابطال کلیت آن نخواهد شد. اگر دوستان به شعار حق و صبر نصب شده در بالای صفحات این وبلاگ بیشتر تمسک کنند نتایج بزرگتری برای همه ما در پیش خواهد بود.
استاد گرامی همیشه عقیده داشته ام که زمان مناسب برای نظریه پردازی ها و بحث و جدل بعد از تکمیل توصیفات مورد نظر شما از این مجموعه از تاریخ ایران و منطقه است. تا آن زمان که انشالله نزدیک است بهترین کار از منظر اینجانب جستجوی مطالب و گزینه های مرتبط به جهت هر چه غنی تر ساختن این تحقیقات است.(البته بدون فراموش کردن موضوع تکثیر مستندهای استثنایی تختگاه،طوفان،مجعولات مجلل و کلیپ آقای طالب حقیقت)

خدای بزرگ یار و یاورتان باشد.
والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: میم

جمعه 10 اردیبهشت1389 ساعت: 12:28

سلام
تو گوگل بزنید موریس بوکای ببینید چه خبره!
یه مسیحی که در تحقیقات مربوط به جسد فرعون، مسلمون شده!
نظرتون چیه؟ چاخانه یا نه ؟

آقای میم. درک مطلب ساده است: توی گوگل بزنید ناصر پورپیرار، 40 هزار فحشی را که به من داده اند برای شما ظاهر می کند و بزنید موریس بوکای، نابغه ای معرفی می شود که نامه به عمه اش هم شایسته خواندن و درس گرفتن است! حالا شما رغبت آشنایی با کدام یک پیدا می کنید؟ جهود یعنی چنین آشغال ضد شعور!

نویسنده: سایه

جمعه 10 اردیبهشت1389 ساعت: 11:45

شهر سوخته پیشرفته ترین و قدیمی ترین شهر جهان

این شهر در ۳۲۰۰ سال پیش از میلاد پایه گذاری شده و مردم این شهر در چهار دوره بین سال‌های ۳۲۰۰ تا ۱۸۰۰ قبل از میلاد در آن سکونت داشته اند.
شهری که گفته می‌شود پیشرفته‌ترین شهر جهان قدیم بوده است و حتا بسیار پیشرفته‌تر از شهر کرت که سینوهه در کتاب خود از آن یاد کرده است.

http://forum.parsiking.com/showthread.php?t=16365

نویسنده: ×××

جمعه 10 اردیبهشت1389 ساعت: 15:5

استاد به این لینک مراجعه کنید
خبر مشکوکی به نظر میرسه!! تا اهدافشان از انتشار این کتب چه باشد؟
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=95885

آقای ×××. بلبشوی غریبی در بخش فرهنگی حاکم است.

نویسنده: ایرانی

جمعه 10 اردیبهشت1389 ساعت: 15:9

در مورد ابوالحسن صدیقی ، شاگرد کمال الملک چه نظری دارید ؟

آقای ایرانی. مثل این که خروسی تخم بگذارد!!!

نویسنده: فرید

جمعه 10 اردیبهشت1389 ساعت: 15:18

سلام استاد
خوشبختانه ناکامی مجدد معاندان را شاهد شدیم

ضمنا
مدیریت محترم انجمن دگم اندیشی
متاسفانه سعیم برای حذف نام کاربری ام بی نتیجه ماند لطفا زحمتش را بکشید

نویسنده: khalil

جمعه 10 اردیبهشت1389 ساعت: 16:29

با سلام و اجازه خدمت استاد عزیز
به نظر من دوستان این همه به بدگويي ، کنایه بندي و بد بيني و در نهايت شيرين كلامي كه منجر به تفرقه و دشمني مي شود كنار گذاشته تا جو اينجا آرام تر شود.در اينجا بعضي حرفها زده مي شود كه آدم به فكر نشريه گل آقا مي افتد.ولي دوستان همه حرفها را تمام كنند تا ببينيم استاد چه مي گويد.
در مورد كشتي نوح در ارتفاع 4000 متري هم بايد گفت كه اگر 4000 متر از سطح كوه محاسبه شده باشد كه در اين موقع ما در حواشي تركيه آثار رومني نداشتيم(شايد هم رومن ها را حيوانات دريايي فرض كنيم كه چنين آثاري به جاي گذاشته اند)!!!! و يا ياران كشتي، سفينه ي به اين بزرگي را از ارتفاع 1890 متري چند كيلومتر به بالاي كوه برده اند؟؟!! تا 4000 متر، دقيقتر و رندتر شود.

نویسنده: پمپی

جمعه 10 اردیبهشت1389 ساعت: 18:31

استاد نظرتان راجع به این شهر و آثار بدست آمده از آن چیست؟!
http://islamworldnews.com/fa/display-news.php?nid=603

آقای پمپی. نظرم این است که شوونیست های فارس، بقایای یکی از کوچک ترین مراکز تجمع و تمدن باستانی را ببینند و خود با تخت جمشید نیمه ساخت مقایسه کنند که سقف و کف ندارد.

آقای یک سئوال. پاسخ شما در مستند جعلیات مجلل است. یک بار دیگر آن را ببینید. کمی دیر جنبیدید و گرنه دوستان ما در انجمن بنیان اندیشان برای مهملات شما کف می زدند و هورا می کشیدند.

آقای آمون. مدت ها بدون انجمن انجام وظیفه شده است. آن انجمن که دائما باید حواس بر آن بگماریم، تا پایه های بنیان اندیشی را به سمت کنیسه نکشاند، همان نباشد به تر است.

نویسنده: یک سئوال

جمعه 10 اردیبهشت1389 ساعت: 21:39

استاد آنها نظرات بنده نبود!!
در ضمن شما همیشه با شاگردان خنگ اینگونه برخورد میکنید؟!!احتمالا اگر گیرایی پایین داشتیم و نتوانستیم موضوعی را درک کنیم یا با دیدن مطلبی از کسی شبهه ای ایجاد شد بهتر است دور بنیان اندیشی را خط بکشیم!
به هر حال ممنون

آقای یک سئوال. نمی دانم شما مستند جعلیات مجلل را دیده اید یا نه؟ در آن جا به منبع هر نقلی از هرکسی رجوع داده شده است. به سئوال دهندگان این چنینی اعتنا نکنید. خودتان مستند را با دقت ببینید و اگر لازم بود سئوال بدهید. با این تذکر که اسناد و تصاویر مربوط به تازه ساز بودن پاسارگاد در آن مستند، ربطی به منقولات این و آن ندارد.

نویسنده: کاکا

جمعه 10 اردیبهشت1389 ساعت: 22:4

با سلام خدمت استاد عزیز ودوستان

تمدن پرآوازه وباستانی شهر سوخته!!!!
خط _ابداع_قوانین_نوع تعلقات فرهنگی و هنری وآئین های مذهبی_ سلسله حکمرانی و.....
هیچ کدام از این نشانه های تمدنی وشهرنشینی باستانی مطرح شده را، در این مکان که ادعا میشود یک شهر وتمدنی عظیم ویکه تاز در آن دوران است را، مشاهده نمی کنیم . و از همه مهمتر ، این چه شهر و تمدنی است که تا به امروز هم نمی دانیم << نامش>> چیست ؟ و گویی مانند تخت جمشید ناقص ، به سرنوشتی دروغین << سوختن >> دچار گردیده ، و در آن زمان مستقیما از جانب افسر انگلیسی کلنل بیت نامگذاری << شهر سوخته >> را به خود میگیرد ! تا طبق معمول با شگرد سوخته و از بین رفته ، هیچگونه پرسشی از نظر نبود نشانه های تمدنی در این مکان ، مطرح نشود . و با نشان دادن چند شئ سوال بر انگیز ومشکوک مانند : تخته نرد که ناگهان با این قطعه ، تمدن عظیم بین النهرین ، وابسته و تحت تاثیر شهر سوخته قرار می گیرد !!!! و با آن چشم مصنوعی ، تا ساکنین شزق ایران را اولین جراحان زیبایی در 5 هزار سال پیش بدانیم !!!! و با جام انیمیشن ، افتخار اولین سازندگان فیلمهای متحرک وشاید هم صنعت سینما در دنیا باشیم !!!!
فکرمیکنم که این مکان (شهرسوخته) را هم باید در ردیف تخت جمشید وهخامنشیها که آوازه اختراع وابداعات آنها از زمین تا آسمان را فرا گرفته بود ، قرار دهیم .

شهر وتمدنی که بعد از این همه کاوش ، هنوز هم نام آنرا نمیدانیم ! و شاید هم فقط یک روستای معمولی وبی نام بوده !

نویسنده: بی نام

جمعه 10 اردیبهشت1389 ساعت: 22:43

اقای ×××
این یه شگرد نسبتا"قدیمیه که یه نوعش در تاریخ همون خرید فحش وناسزا ازسر بعضی تریبونهاست.

نویسنده: ایمان

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 0:13

چند لینک زیر رو ببینید:
http://www.radiofarda.com/content/f3_bookreview_Iran_history/2028941.html

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8902081346

آقای ایمان. لینک اول شما که باز نشد، حالا شما این لینک را ببینید شاید یه آشنایان برخوردید!
Jadīd al-Islām: the Jewish "new Muslims" of Meshhed

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 263، نتیجه71، درباره کمال الملک، 6 - 162 نظر

نویسنده: abbas

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 6:36

گیلان

---------------------------- ---

گیلان ، استان ایران واقع در بخش جنوبی دریای خزر و از شمال به کوههای البرز در دلتای رودخانه سفید رود. تراکم جمعیت استان گیلان را ، در درون مرزهای کنونی آن ، 14،000 نفر در هر مایل مربع و در آغاز قرن 20 تا به حال جمعیت حدود 1 / 2 میلیون نفر ، اکثریت از آنها مردم گیلان اصلی که سخن گویش گیلکی و اقلیت ها که بودند ارامنه ، کولی ها ، یهودیان ، و چند هزار مهاجر از روسیه

نویسنده: abbas

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 7:7

سفرنامه بنجامین است (ص 57) است ، که تا کنون به اولین رکورد یهودی که اشاره سنت برگزار شده توسط یهودیان فارسی در خصوص مقبره استر و مردخای در همدان انجام شد. مقبره ها نیز با شاعر یهودی فارسی از قرن 14 ، شاهین ، و در حدود 300 سال بعد توسط بابایی * بن Lutf ذکر شده است. ارنست امیل هرتسفلد باستان شناس (pp. 104-107) پیشنهاد کرد که Shushandokht ملکه ، همسر پادشاه ساسانی یزدگرد یکم (399-420) است ، تحت مقبره به خاک سپرده شد. با این حال ، یهودیان به طور یکسان احترام به این مقبره ها به عنوان محل مقدس. مقبره ها به ویژه در طول Purim تعداد بازدید در ماه ادار ، توسط یهودیان را از سراسر ایران * (Netzer، 1984 ، 177-184

نویسنده: محمدرضا نیسی

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 9:41

سلام خدمت شما استاد عزیز
شب گذشته مطلبی درباره شهر سوخته ارسال کرد ولی تاکنون روی صفحه نظرات نیامده، آیا مطلب اشکالی داشته؟ اگر چنین است راهنمایی بفرمائید

آقای نیسی. مطلب شما نرسیده است.

آقای elyar45. نصایح شما هنگامی که سخن از محافظت بنیان هاست، کاربرد ندارد.

نویسنده: khalil

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 9:45

با سلام دوباره
استاد واقعاً نتوانستم جلوي حرفم را بگيرم.ببينيداين دو (پت و مت) چه برداشت روشنگري از نقص طرحهاي هخامنشيان دارند:
رحيم مشايي و حميد بقايي رئيس سازمان ميراث فرهنگي و گردشگري در هنگام بازديد از نقش‌برجسته‌هاي هخامنشي، وقتي مسئول سالن توضيح داد كه طراح اين نقش برجسته در هنگام كار، بخشي از آن را نيمه تمام گذاشته است، مشايي گفت: اتفاقاً اين كار به عمد بوده است؛ طراح قصد داشته بگويد كه همه كارهاي انسان نيمه تمام است و فقط خداست كه كامل كننده است.
استاد چه كسي اين بندبازان پشمالوي سيرك را به كرسي نشانده؟؟؟؟؟ اين حرف هاشون بايد تو گل آقا نوشته شود نه در جايي كه مردم دنيا به آن دسترسي داشته باشند!!!!

آقای khalil. همین قدر که آن راهنما نیمه تراش بودن کتیبه را فهمیده جای شکر دارد. این آقایان روسا هم در جوک گفتن بر اثر تمرین فراوان استاد شده اند.

نویسنده: محمدرضا نیسی

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 10:34

سلام
"سایه" گرامی
این روزها مطالب زیاد و هیجان انگیز و ازجنس مقولاتی که درباره آثار تاریخی دیگر گفته میشود، درباره شهر سوخته بسیار میشنویم
به نظر میاد باستان پرستان پس از درماندگی در ارائه پاسخهای مستدل به مباحث مستدل و مستند استاد عزیز درباره تاریخ ایران و بی نتیجه ماندن تخریبها و فحاشیهای گسترده، اکنون به داستان پردازی هایی از جنس داستانهای پاسارگاد و تخت جمشید پرداخته اند.
پس از کشف اولین چشم مصنوعی در شهر سوخته، رادیو و تلویزیون از کشف نصف النهار برای اولین بار توسط ساکنین باستانی شهر سوخته خبر داده است!
این کشف بر اساس کدام ضرورت و برای رفع کدام نیاز آن زمان صورت گرفته است؟
معلومات کل انسانهای آن دوران از کره زمین چقدر بوده که ساکنین شهر سوخته چنین کشفی کرده اند؟
یا ضربات وارده به باستان پرستان و ایادی یهود چنان سنگین بوده که آنان را به هزیان گویی مجدد واداشته است؟
من هم برای خوشحالی این جماعت خبر جدیدی می دهم ولی به دلیل عدم دسترسی به رسانه ها نمی توانم آنرا پخش کنم، هر کس میتواند این کار انجام دهد!
پس از کشف نخستین چشم مصنوعی در شهر سوخته، آثار و شواهد غیرقابل انکاری از انجام اولین عمل پیوند قرنیه در شهر سوخته به دست آمده و حفاری های بیشتر توسط باستان شناسان در حال انجام است و هیأتی از سوی یونسکو جهت بررسی و کمک عازم ایران شده است !!!

نویسنده: محمدرضا نیسی

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 10:47

ضمنا این را هم اضافه کنید:
اصطلاح GMT را انگلیسی های فلان شده از ما سرقت کرده اند، ما ZMT را اولین بار در شهر سوخته کشف کردیم و نصف النهار مبدأ باید از زابل محاسبه شود!
در آینده نزدیک نیز کشف خواهد شده که خط استوا نیز متعلق به ایرانیان بوده که استعمار آنرا جابه جا کرده است!!
این جعلیات آقایان در شهر سوخته به اندازه جمله اخیر، مرغ پخته را نیز به خنده وامی دارد

نویسنده: مهران حقیقت

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 14:46

استاد گرامی سلام علیکم

مجعولات مجلل را دوبار و دوباره دیدم. ضمن تشکر از روشنگریهای شما
منتظر ادامه روشنگریهای حضرتعالی هستم.

خداوند چشم دشمنان حقیقت را خاک فشانده و در این بین دیدن نور برای موشهای کور باستانی سخت خواهد بود.

واقعا خسته نباشید.

نویسنده: کاکا

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 15:3

با سلام
جناب آقای نیسی
واضح و آشکار است که حضرات باستان پرست و در رأس آنها سازمان یونسکو ، بخاطر عجز ودرماندگی در مقابل تألیفات ومستندات استاد پورپیرار و بخصوص در مورد حقایق انکارناپذیر تخت جمشید و پاسارگاد ، به در بسته خورده اند .
که اینبار سفره رنگین جعلیات خود را در مشرق ایران (شهرسوخته) گسترده اند ، تا شهرفرنگی از افتخارات وابداعات واختراعات کاذب را در این مکان دایر کنند و توقع دارند که این دروغها را هم باور کنیم !

ثابت شده است که هر کجا یونسکو به عنوان باستان شناس ، قدم رنجه فرموده اند ، صاحب شهرفرنگی از جعلیات تاریخی و تمدنی گردیده ایم .

در مورد جعلیات شهر سوخته هم تعجب نکنید ! هنوز ابتدای کار است و خدا عاقبت این داستانها و اکاذیب را به خیر بگذراند ، چون دیری نخواهد پاید که به خاطر عظمت توهمی این مکان ، ممکن است آنجا را نه شهر سوخته بلکه به « شهرفرنگ » تغییر نام دهیم !!!

موفق و پایدار باشید .

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 18:27

آقای مهران حقیقت. باید به خواست و کمک خداوند چشم دوخت.

آقای تلمیذ. اقوام و ساکنان اطراف، آن کوه را آرارات نخوانده و هنوز هم نمی خوانند. آرارات یک نام کاملا تازه نصب شده و با قصد بخشیدن صحت به گمانه تورات است. گواه این مطلب رجوع به نقشه های قدیم است که نام آرارات بر آن دیده نمی شود. این مطلب کاملا نشان می دهد که کنیسه از وجود آن کشتی بر سر کوه خبر داشته و نیز از تاریخ نسبی تولید آخرین ورژن معاصر تورات خبر می دهد. این که در زمان نزول قرآن، نام محلی این کوه جودی بوده باشد، نه تنها به هیچ وجه غریب نیست، بل با تکیه بر اطلاعات قرآن باید نام اصلی و قدیم کوه را جودی بدانیم. برای مطلب بابیه نیز لازم است باز هم حوصله کنید.

آقای فتح. حضرات غالبا اطلاعاتی را منتقل می کنند که مشاوران پیشاپیش آن ها را ابلاغ و در واقع تبلیغ کرده اند و در بیش تر مواقع گوینده فقط نقش بلندگو را دارد و از پایه مطلب بی خبر است.

آقای محسن. به آدرس زیر بروید راه نما و الگوی کاملی برای همکاری است.
http://www.4shared.com/file/8OAXywtI/Civilization_Signs2.html

نویسنده: سایه

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 18:8

با سلام
استاد عزیز آیا منبعی سالم و به دور از شیادی های معمول در باب تمدن های ماقبل هخامنشیان موجود می باشد؟!
ممنون

آقای سایه. به طور اصولی خیر. اما می توان از گزارشات اکتشاف و نیز کتاب مروری بر 50 سال باستان شناسی ایران، کار آقای عزت الله نگهبان و نیز تالیفات اختصاصی درباره سایت های کهن مارلیک و حسنلو و اخیرا جیرفت استفاده و همچنین به کتاب 7000 سال هنر ایران و چند کتاب دیگر رجوع کرد.

نویسنده: فرشته

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 23:21

سلام استاد عزیز و مهربان
خدا واقعا بهتون صبر بده با این ادمایی که اطرافتون هستن که انقد سر یه موضوع با هم جدل میکنن و وقت شما عزیز رو هدر میدن واقعا که شما صبر ایوب دارید به نظر من مطالبی که شما اینجا مینویسین و بعدش در همین قسمت نظرات وبلاگ پرسش و پاسخ هایی که مطرح میشه کافیه احتیاجی به فروم نیست شما چند ساله که دارین این وبلاگ رو اداره میکنین یه دونه از این مشکلات بوجود نیومده، ضمنا در مورد ابعاد کشتی نوح خب واضحه که این کشتی باید به اندازه یه ناو بزرگ باشه اگه افراد داخل کشتی مثلا به مدت یک سال رو آب بودن احتیاج به غذا برای خودشون و حیووناشون داشتن مثل الان نیست که همه چیز کنسروی باشه مجبور بودن کیسه های گندم و علوفه بار کشتی کنن اینا هم جای حجیمی میخان، ضمنا استاد میشه لطفا یه کم بیشتر در مورد شهر سوخته توضیح بدین؟
مرسی

خانم فرشته. از مرحمت شما ممنونم. سوق دادن ماجرای وقوع طوفان به اندازه گیری طول و عرض کشتی، از شیوه های ماست مالی مدخل است. آن ها از خود نمی پرسند اگر فراز کوهی به بلندای آرارات، کشتی و یاحتی قایقی یافت شود، پس بی شک زمانی در آن محل دریا وجود داشته که با تلفیق با وضعیت جغرافیایی مخصوص ترکیه، خالی بودن مرکز آن سرزمین از عوارض تمدن و تجمع، وجود دریاچه های آب شور فراوان و بالاخره گرده ماهی بودن ارتفاعات کم ارتفاع ترکیه، می توان وقوع طوفان مندرج در آیات قرآن را، به ترکیه منتقل کرد. به یقین اگر عرضه می شد که طوفان جهانی بوده است، دوستان اندک سئوالی بر امکان وقوع آن قرار نمی دادند، ولی حالا که محلی بودن طوفان مطابق فرموده های قرآن اثبات شده، کسانی به ظرف آزمون آن نیز گیر می دهند که چرا تفلون نیست؟! در مورد شهر سوخته نیز به زمان خود به چشم.

نویسنده: محمدرضا نیسی

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 23:23

سلام آقای کاکا
همین طور است که می فرمائید
و بدتر از آن مردم هستند که انگار دوست دارند کسی از آنها و گذشته آنها به هر شکل ولو غیر عقلانی تعریف و تمجید کند و در این راه هر هزینه ای را به خود و سرزمین خود تحمیل می کنند بدون ابنکه غیرت وطن پرستی به غلیان درآید

۱ ۲ ۳ ۴

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 263، نتیجه71، درباره کمال الملک، 6 - 171 نظر

نویسنده: abbas

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 6:36

گیلان

------------------------------- --

گیلان ، استان ایران واقع در بخش جنوبی دریای خزر و از شمال به کوههای البرز در دلتای رودخانه سفید رود. تراکم جمعیت استان گیلان را ، در درون مرزهای کنونی آن ، 14،000 نفر در هر مایل مربع و در آغاز قرن 20 تا به حال جمعیت حدود 1 / 2 میلیون نفر ، اکثریت از آنها مردم گیلان اصلی که سخن گویش گیلکی و اقلیت ها که بودند ارامنه ، کولی ها ، یهودیان ، و چند هزار مهاجر از روسیه

نویسنده: abbas

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 7:7

سفرنامه بنجامین است (ص 57) است ، که تا کنون به اولین رکورد یهودی که اشاره سنت برگزار شده توسط یهودیان فارسی در خصوص مقبره استر و مردخای در همدان انجام شد. مقبره ها نیز با شاعر یهودی فارسی از قرن 14 ، شاهین ، و در حدود 300 سال بعد توسط بابایی * بن Lutf ذکر شده است. ارنست امیل هرتسفلد باستان شناس (pp. 104-107) پیشنهاد کرد که Shushandokht ملکه ، همسر پادشاه ساسانی یزدگرد یکم (399-420) است ، تحت مقبره به خاک سپرده شد. با این حال ، یهودیان به طور یکسان احترام به این مقبره ها به عنوان محل مقدس. مقبره ها به ویژه در طول Purim تعداد بازدید در ماه ادار ، توسط یهودیان را از سراسر ایران * (Netzer، 1984 ، 177-184

نویسنده: محمدرضا نیسی

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 9:41

سلام خدمت شما استاد عزیز
شب گذشته مطلبی درباره شهر سوخته ارسال کرد ولی تاکنون روی صفحه نظرات نیامده، آیا مطلب اشکالی داشته؟ اگر چنین است راهنمایی بفرمائید

آقای نیسی. مطلب شما نرسیده است.

آقای elyar45. نصایح شما هنگامی که سخن از محافظت بنیان هاست، کاربرد ندارد.

نویسنده: khalil

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 9:45

با سلام دوباره
استاد واقعاً نتوانستم جلوي حرفم را بگيرم.ببينيداين دو (پت و مت) چه برداشت روشنگري از نقص طرحهاي هخامنشيان دارند:
رحيم مشايي و حميد بقايي رئيس سازمان ميراث فرهنگي و گردشگري در هنگام بازديد از نقش‌برجسته‌هاي هخامنشي، وقتي مسئول سالن توضيح داد كه طراح اين نقش برجسته در هنگام كار، بخشي از آن را نيمه تمام گذاشته است، مشايي گفت: اتفاقاً اين كار به عمد بوده است؛ طراح قصد داشته بگويد كه همه كارهاي انسان نيمه تمام است و فقط خداست كه كامل كننده است.
استاد چه كسي اين بندبازان پشمالوي سيرك را به كرسي نشانده؟؟؟؟؟؟ اين حرف هاشون بايد تو گل آقا نوشته شود نه در جايي كه مردم دنيا به آن دسترسي داشته باشند!!!!

آقای khalil. همین قدر که آن راهنما نیمه تراش بودن کتیبه را فهمیده جای شکر دارد. این آقایان روسا هم در جوک گفتن بر اثر تمرین فراوان استاد شده اند.

نویسنده: محمدرضا نیسی

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 10:34

سلام
"سایه" گرامی
این روزها مطالب زیاد و هیجان انگیز و ازجنس مقولاتی که درباره آثار تاریخی دیگر گفته میشود، درباره شهر سوخته بسیار میشنویم
به نظر میاد باستان پرستان پس از درماندگی در ارائه پاسخهای مستدل به مباحث مستدل و مستند استاد عزیز درباره تاریخ ایران و بی نتیجه ماندن تخریبها و فحاشیهای گسترده، اکنون به داستان پردازی هایی از جنس داستانهای پاسارگاد و تخت جمشید پرداخته اند.
پس از کشف اولین چشم مصنوعی در شهر سوخته، رادیو و تلویزیون از کشف نصف النهار برای اولین بار توسط ساکنین باستانی شهر سوخته خبر داده است!
این کشف بر اساس کدام ضرورت و برای رفع کدام نیاز آن زمان صورت گرفته است؟
معلومات کل انسانهای آن دوران از کره زمین چقدر بوده که ساکنین شهر سوخته چنین کشفی کرده اند؟
یا ضربات وارده به باستان پرستان و ایادی یهود چنان سنگین بوده که آنان را به هزیان گویی مجدد واداشته است؟
من هم برای خوشحالی این جماعت خبر جدیدی می دهم ولی به دلیل عدم دسترسی به رسانه ها نمی توانم آنرا پخش کنم، هر کس میتواند این کار انجام دهد!
پس از کشف نخستین چشم مصنوعی در شهر سوخته، آثار و شواهد غیرقابل انکاری از انجام اولین عمل پیوند قرنیه در شهر سوخته به دست آمده و حفاری های بیشتر توسط باستان شناسان در حال انجام است و هیأتی از سوی یونسکو جهت بررسی و کمک عازم ایران شده است !!!

نویسنده: محمدرضا نیسی

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 10:47

ضمنا این را هم اضافه کنید:
اصطلاح GMT را انگلیسی های فلان شده از ما سرقت کرده اند، ما ZMT را اولین بار در شهر سوخته کشف کردیم و نصف النهار مبدأ باید از زابل محاسبه شود!
در آینده نزدیک نیز کشف خواهد شده که خط استوا نیز متعلق به ایرانیان بوده که استعمار آنرا جابه جا کرده است!!
این جعلیات آقایان در شهر سوخته به اندازه جمله اخیر، مرغ پخته را نیز به خنده وامی دارد

نویسنده: مهران حقیقت

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 14:46

استاد گرامی سلام علیکم

مجعولات مجلل را دوبار و دوباره دیدم. ضمن تشکر از روشنگریهای شما
منتظر ادامه روشنگریهای حضرتعالی هستم.

خداوند چشم دشمنان حقیقت را خاک فشانده و در این بین دیدن نور برای موشهای کور باستانی سخت خواهد بود.

واقعا خسته نباشید.

نویسنده: کاکا

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 15:3

با سلام
جناب آقای نیسی
واضح و آشکار است که حضرات باستان پرست و در رأس آنها سازمان یونسکو ، بخاطر عجز ودرماندگی در مقابل تألیفات ومستندات استاد پورپیرار و بخصوص در مورد حقایق انکارناپذیر تخت جمشید و پاسارگاد ، به در بسته خورده اند .
که اینبار سفره رنگین جعلیات خود را در مشرق ایران (شهرسوخته) گسترده اند ، تا شهرفرنگی از افتخارات وابداعات واختراعات کاذب را در این مکان دایر کنند و توقع دارند که این دروغها را هم باور کنیم !

ثابت شده است که هر کجا یونسکو به عنوان باستان شناس ، قدم رنجه فرموده اند ، صاحب شهرفرنگی از جعلیات تاریخی و تمدنی گردیده ایم .

در مورد جعلیات شهر سوخته هم تعجب نکنید ! هنوز ابتدای کار است و خدا عاقبت این داستانها و اکاذیب را به خیر بگذراند ، چون دیری نخواهد پاید که به خاطر عظمت توهمی این مکان ، ممکن است آنجا را نه شهر سوخته بلکه به « شهرفرنگ » تغییر نام دهیم !!!

موفق و پایدار باشید .

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 18:27

آقای مهران حقیقت. باید به خواست و کمک خداوند چشم دوخت.

آقای تلمیذ. اقوام و ساکنان اطراف، آن کوه را آرارات نخوانده و هنوز هم نمی خوانند. آرارات یک نام کاملا تازه نصب شده و با قصد بخشیدن صحت به گمانه تورات است. گواه این مطلب رجوع به نقشه های قدیم است که نام آرارات بر آن دیده نمی شود. این مطلب کاملا نشان می دهد که کنیسه از وجود آن کشتی بر سر کوه خبر داشته و نیز از تاریخ نسبی تولید آخرین ورژن معاصر تورات خبر می دهد. این که در زمان نزول قرآن، نام محلی این کوه جودی بوده باشد، نه تنها به هیچ وجه غریب نیست، بل با تکیه بر اطلاعات قرآن باید نام اصلی و قدیم کوه را جودی بدانیم. برای مطلب بابیه نیز لازم است باز هم حوصله کنید.

آقای فتح. حضرات غالبا اطلاعاتی را منتقل می کنند که مشاوران پیشاپیش آن ها را ابلاغ و در واقع تبلیغ کرده اند و در بیش تر مواقع گوینده فقط نقش بلندگو را دارد و از پایه مطلب بی خبر است.

آقای محسن. به آدرس زیر بروید راه نما و الگوی کاملی برای همکاری است.
http://www.4shared.com/file/8OAXywtI/Civilization_Signs2.html

نویسنده: سایه

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 18:8

با سلام
استاد عزیز آیا منبعی سالم و به دور از شیادی های معمول در باب تمدن های ماقبل هخامنشیان موجود می باشد؟!
ممنون

آقای سایه. به طور اصولی خیر. اما می توان از گزارشات اکتشاف و نیز کتاب مروری بر 50 سال باستان شناسی ایران، کار آقای عزت الله نگهبان و نیز تالیفات اختصاصی درباره سایت های کهن مارلیک و حسنلو و اخیرا جیرفت استفاده و همچنین به کتاب 7000 سال هنر ایران و چند کتاب دیگر رجوع کرد.

نویسنده: فرشته

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 23:21

سلام استاد عزیز و مهربان
خدا واقعا بهتون صبر بده با این ادمایی که اطرافتون هستن که انقد سر یه موضوع با هم جدل میکنن و وقت شما عزیز رو هدر میدن واقعا که شما صبر ایوب دارید به نظر من مطالبی که شما اینجا مینویسین و بعدش در همین قسمت نظرات وبلاگ پرسش و پاسخ هایی که مطرح میشه کافیه احتیاجی به فروم نیست شما چند ساله که دارین این وبلاگ رو اداره میکنین یه دونه از این مشکلات بوجود نیومده، ضمنا در مورد ابعاد کشتی نوح خب واضحه که این کشتی باید به اندازه یه ناو بزرگ باشه اگه افراد داخل کشتی مثلا به مدت یک سال رو آب بودن احتیاج به غذا برای خودشون و حیووناشون داشتن مثل الان نیست که همه چیز کنسروی باشه مجبور بودن کیسه های گندم و علوفه بار کشتی کنن اینا هم جای حجیمی میخان، ضمنا استاد میشه لطفا یه کم بیشتر در مورد شهر سوخته توضیح بدین؟
مرسی

خانم فرشته. از مرحمت شما ممنونم. سوق دادن ماجرای وقوع طوفان به اندازه گیری طول و عرض کشتی، از شیوه های ماست مالی مدخل است. آن ها از خود نمی پرسند اگر فراز کوهی به بلندای آرارات، کشتی و یاحتی قایقی یافت شود، پس بی شک زمانی در آن محل دریا وجود داشته که با تلفیق با وضعیت جغرافیایی مخصوص ترکیه، خالی بودن مرکز آن سرزمین از عوارض تمدن و تجمع، وجود دریاچه های آب شور فراوان و بالاخره گرده ماهی بودن ارتفاعات کم ارتفاع ترکیه، می توان وقوع طوفان مندرج در آیات قرآن را، به ترکیه منتقل کرد. به یقین اگر عرضه می شد که طوفان جهانی بوده است، دوستان اندک سئوالی بر امکان وقوع آن قرار نمی دادند، ولی حالا که محلی بودن طوفان مطابق فرموده های قرآن اثبات شده، کسانی به ظرف آزمون آن نیز گیر می دهند که چرا تفلون نیست؟! در مورد شهر سوخته نیز به زمان خود به چشم.

نویسنده: محمدرضا نیسی

شنبه 11 اردیبهشت1389 ساعت: 23:23

سلام آقای کاکا
همین طور است که می فرمائید
و بدتر از آن مردم هستند که انگار دوست دارند کسی از آنها و گذشته آنها به هر شکل ولو غیر عقلانی تعریف و تمجید کند و در این راه هر هزینه ای را به خود و سرزمین خود تحمیل می کنند بدون ابنکه غیرت وطن پرستی به غلیان درآید

نویسنده: abbas

یکشنبه 12 اردیبهشت1389 ساعت: 2:24

خراسان

-- ----------------------------

خراسان (به خراسان) ، استان * پرشیا. اولین اشاره ای به یهودیان ساکن در خراسان در اوایل قرن چهارم به نظر می رسد در تلمود بابلی (Avodah Zarah 31b) ، که در آن شهرستان حاضر از مرو است در MRGW'N شکل قدیمی نوشته شده است. تنگ الکترونیکی Azao کتیبه به خط عبری نوشته شده است نشان می دهد تاریخ سلوکی 1064 era/753-4 م آن را در منطقه گور در شرق خراسان وجود داشت. در همین مدت توجه داشته باشید تجاری ، نیز به خط عبری نوشته شده است ، نیز در شرق خراسان بود یافت شده در محل به نام Dandan Uiliq. در قرون وسطی نیز شامل خراسان * افغانستان ، ترکستان و ماوراءالنهر. تاریخ یهودیان تا به ارتباط طولانی با خراسان ، که در برخی از منابع عبری به جای خانه از * ده قبیله گم شده اعتقاد بر این بود.

نویسنده: کاکا

یکشنبه 12 اردیبهشت1389 ساعت: 2:53

با عرض سلام خدمت استاد عزیز

استاد ارجمند ، من تقریبا 2 سال است که با تألیفات شما آشنا گشته و شکر خدا بتازگی همه کتابها و یادداشتهای خردمندانه و بی نظیر شما را مطالعه و به پایان رسانده ام . خواستم تشکر و قدردانی کرده باشم ،هر چند زبان انسان در مقابل این عمل عظیم که نشان دهنده انسانی پاک سرشت و حقیقت جو که حق و صبر را اساس زندگی و دانش خود قرار داده است ، عاجز و ناتوان میماند .
رسالت این کار بزرگ وعظیم و در خور توجهی که آشکار کننده حقایق تاریخی و بر ملا شدن ماجرای شُوم پوریم است ، فقط و فقط از عهده شما انسان بزرگ بر می آمد.

استاد اگر توجه کرده باشید من ناخواسته در قسمت نظرات وبلاگ مطالبی را در مورد مکانی بنام شهر سوخته بیان کرده ام و با تعلیم از شما در « بصیرت و حقانیت خرج دادن در قبول حقایق تاریخی و باستانی » نمی توانم براحتی گول سایت ها و رسانه های خبری را درمورد مکان بی نام و نشان « شهرسوخته » خورده ، که دارای هیچ گونه پشتوانه تاریخی وتمدنی نمی باشد را ، قبول کنم .

نویسنده: کاکا

یکشنبه 12 اردیبهشت1389 ساعت: 3:22

لذا استدعا دارم ، طبق معمولِ برخورد دقیق و صبورانه و خرد همیشگی خود در مورد مسائل ، حقیقت و ارزش تاریخی و تمدنی این مکان را مورد بررسی قرار داده و بیان
فرماید .
موفق و پایدار باشید .

نویسنده: بی نام

یکشنبه 12 اردیبهشت1389 ساعت: 6:52

آقای نیسی -با سلام
عجیب است که این درشت نماییهای بیخودی فقط در حوزه این تجمع نوخواسته کورش وداریوش زده وجود دارد.برای مثال نگرش کلوزیم ودرکی که از کلوزیوم وجود دارد همان است که در زمان حیات خود بوده هستش هنوز هم هرگاه قتل فجیعی در ایتالیا به وقوع بپیوندد مردم به نشانه اعتراض به سفاکی وخونریزی و زنده شدن بربریت موجود در زمان پدرانشان در آنجا شمع روشن می کنند.می بینید دلیل این یک بام دو هوا بودن چه فرهنگ غریبی برای این تجمع نو خواسته فراهم کرده حب بیجا وکره بی جهت تا جایی که در جنگهای شش روزه این ملت مسلمان برای هواپیماهای اسرائیل که در اصفهان سوخت و سلاح برای کشتن هم کیشان وبرادرانمان می گرفتند صلوات می فرستادیم.

نویسنده: محمدي

یکشنبه 12 اردیبهشت1389 ساعت: 11:52

سلام استاد، خسته نباشيد
چون قصد خريد کتاب هاي ايران شناسي بدون دروغ را دارم مي خواستم خواهش کنم قيمت مجلدات را بفرماييد، هرچند که ارزش ايشان به دينار و درهم نيست.

آقای محمدی. از تعارفات شما ممنونم.لطفا با تلفن 66492049 تماس بگیرید.

نویسنده: R134a

یکشنبه 12 اردیبهشت1389 ساعت: 14:38

خسته نباشید استاد

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 12 اردیبهشت1389 ساعت: 19:20

آقای متقی. غرفه انتشارات کارنگ در نمایشگاه، در بخش شبستان، راهروی شماره بیست، غرفه ی شماره یک است.

با خبر شده ام که فردا در ساعتی نامعلوم میز گردی در mihan tv راجع به این مباحث و به خصوص کتاب مگر این پنج روزه دایر خواهد شد. دوستانی که امکانات دارند اطلاعات بیش تر را به دست آورند. بسیار ممنونم.

آقای فرخ نژاد. چه در ارتفاعات آرارات ناو هواپیما بر یافت شده باشد، چه قایق ماهی گیری، بدین معناست که زمانی اطراف آن کوه تا ارتفاعی معین دریا بوده است. واقعا دریافت این مطلب ساده چنین دشوار است؟!

آقای سایه. کتاب ها در نمایشگاه عرضه نمی شود.

نویسنده: میهن تی وی

یکشنبه 12 اردیبهشت1389 ساعت: 19:23

http://tv.tarnama.org/mihan.htm

نویسنده: محمدرضا نیسی

یکشنبه 12 اردیبهشت1389 ساعت: 20:37

بله آقاي بي نام
همه اين معلومات را مديون زحمات شبانه‌روزي و بي‌دريغ استاد عزيز، جناب آقاي پورپيرار، و همكاران زحمت‌كش و بي‌ادعاي استاد مانند آقاي غفوري و سايرين هستيم و نوع نگاه واقع‌بينانه و روش تحقيق جديد درباره تاريخ و حتي ساير مباحث را از آثار استاد آموخته‌ايم.
و اما نشانه‌هاي انقضاي تاريخ قرارداد پيمانكار و مجري پروژه "سگ خاورميانه" كم‌كم در حال نمايان شدن است و اين را به وضوح در رفتار تركيه شاهديم.
ولي ايادي يهود در همه جا در مقابل اين تغيير دست به كار شده‌اند و هر كدام بسته به موقعيت خود در حال ايفاي نقش هستند و ما بايد نيز هر كدام به تناسب توانايي خود با استاد عزيز و همكاران ايشان همگام شويم و در اين رقابت نابرابر و ناجوانمردانه وظيفه تاريخي خود را انجام دهيم
و فراموش نكنيم كه بنيان يهود سست است و نور حقيقت گريزان...

۴ ۳ ۲ ۱

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تايپ نماييد:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 264

ایران شناسی بدون دروغ 264، نتیجه72، قلم - 53 نظر

نویسنده: reza

یکشنبه 12 اردیبهشت1389 ساعت: 23:24

عكس تاريخي از مسجد جامع دامغان

http://free-news24.blogspot.com/2010/05/blog-post_02.html

وب سایت

نویسنده: کاکا

یکشنبه 12 اردیبهشت1389 ساعت: 23:47

سلام استاد

خسته نباشید و با تشکر از زحماتی که می کشید .

نویسنده: AREF

دوشنبه 13 اردیبهشت1389 ساعت: 4:8

salam ostad
nim saatte keh 7safineh fazayee beh surat gatar shodeh wa az balaye poshte boom meman dor mizaznan

نویسنده: حدیثه

دوشنبه 13 اردیبهشت1389 ساعت: 7:59

خطاب به دوستان عزیزی که نسبت به تمدن درخشان شهر سوخته تردید کردند:
یادم می آید تا حالا چند بار استاد پورپیرار تاکید کردند که اگر نسل کشی پوریم و نخبه آدم کشی شرق میانه اتفاق نیفتاده بود، بشر هزار سال پیش توانسته بود به فضا قدم بگذراد و تا به امروز توانسته بود حتی بر مرگ هم غلبه کند!! این تصویر در ابتدا باورنکردنی از وسعت عظمت و تمدن و پیشرفت انسان ماقبل پوریم در بابل و شهر سوخته و جیرفت و عیلام و غیره حکایت می کند که برای نخستین بار در جهان کسی یه نام پورپیرار نوری تازه بر آن تاباند و با کنار زدن پرده های غبار آلود دروغ گوشه ای از عظمت آن را بیان کرد. بنابراین درست است که ما باید به دروغهای بادکنکی تمدن ایران بعد از پوریم شک کنیم، اما جایز نیست که درباره درخشش تمدن ماقبل پوریم هم همان تردیدها را روا داریم، و حتی

باید خوشحال باشیم که ابعاد آن تمدنها بیشتر شناخته شوند تا بر همگان معلوم شود که تمدن به اصطلاح هاخامنشی در برابر تمدنهای ایران ماقبل پوریم مثل خاشاکی در برابر الماسی درخشان است!

خانم حدیثه. کاملا درست می فرمایید.

نویسنده: khalil

دوشنبه 13 اردیبهشت1389 ساعت: 8:11

با سلام خدمت استاد و دوستان
استاد نوشته هاي شما واقعاً لذت بخش است.

استاد من فكر مي كنم در مورد حجاريهاي بين النهرين از آن دو نفر سمت چپ خطاط و ديگري طراح يا نقاش باشد چون در طراحي و نقاشي، قلم را به اين شكل هم مي گيرند.حتي به كاغذها دقت كنيم براي فرد چپي به صورت ورق نرم هست ولي براي فردسمت راست روي صفحه تخت مي باشد و نه تنها كاغذها بلكه قلمها هم متفاوت هستند.

نویسنده: سایه

دوشنبه 13 اردیبهشت1389 ساعت: 9:43

با سلام
استاد عزیز آیا کشف کاغذ و ورود آن به عنوان یکی از

ابزارهای نوشتن هم کاملا نوظهور و جدید می باشد؟!
ممنون

آقای سایه. تولید صنعتی کاغذ مسلما نمی تواند مقدم بر کشف الکتریسیته و نیروی بخار انجام شده باشد، که قدمت آن را حد اکثر به 150 سال پیش می رساند.
پروسه ساخت کاغذهای مانوفاکتوری و دستی نیز چندان دشوار و پر هزینه بوده است که مطلقا مصرف آن عمومی نبوده است.

نویسنده: محمدرضا نیسی

دوشنبه 13 اردیبهشت1389 ساعت: 10:0

سلام استاد عزیز با عرض تشکر و خسته نباشید
امروز خبر جديدي از راديو پخش شد درباره غارت محوطه تاريخي شهر بابك و اينكه گفته شد قديمي‌ترين محوطه‌هاي باستاني ايران در شهر بابك قراردارد كه روستاي 12 هزار ساله ميمند در شهربابک از جمله اين آثار است است. اين هم لينك خبر جام‌جم:
http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100874084374

نظر شما درباره اين ادعاي قديمي‌ترين بودن آثار تاريخي شهر بابك و قدمت روستاي ميمند چيست؟

نویسنده: سایه

دوشنبه 13 ارديبهشت1389 ساعت: 11:12

سلام
خانم محدثه شاید برخی از به میان آمدن عظمت تمدن های ماقبل هخامنشیان هراس دارند!و گرنه پیدا شدن آثار پیشرفته و مافوق تصور در آن تمدن ها دور از انتظار نیست.

نويسنده: محمدرضا نیسی

دوشنبه 13 ارديبهشت1389 ساعت: 11:13

سلام خدمت خانم حديثه
كسي منكر تمدن‌هاي ماقبل جنايت پوريم از جمله شهر سوخته نيست ولي قرار نيست هذيان‌ها و جعلياتي كه باستان‌پرستان و ايادي يهود درباره هخامنشيان و ساير موارد مي‌گويند، ما نيز شبيه اين گفته‌ها ررا درباره تمدن‌هاي قبل از پوريم بگوييم.
همانطور كه شما نيز مي‌گوييد اين تمدن‌ها درخشان و قوي بوده‌اند و ما نيز بر اين مسأله صحه مي‌گذاريم ولي ديگر نيازي به كشف چشم مصنوعي و نصف‌النهار (كه يك توافق قراردادي به دليل نيازهاي بشر امروزي است) و موارد اين چنيني در شهر سوخته نيست زيرا چنين ادعاهايي باعث افتادن در دام آقايان خواهد شد و آب به آسياب آنان خواهيم ريخت

نويسنده: جعفری

دوشنبه 13 ارديبهشت1389 ساعت: 13:48

با سلام و آرزوی موفقیت و تندرستی برای شما.
به نظر شما کاربرد لغت "قلم" در قرآن در این مبحث میتواند موثر باشد؟

آقای جعفری. اندکی دیگر حوصله کنید.

نویسنده: R134a

دوشنبه 13 اردیبهشت1389 ساعت: 14:3

salam ostad, khaste nabashid

نویسنده: ×××

دوشنبه 13 اردیبهشت1389 ساعت: 19:50

استادعزیز سلام
با توجه به مقاله 264 و با توجه به مطالبی که در مورد کتابت قران و اصولا اولین نوشته های بعد از اسلام در مجموعه کتابهای 12 قرن سکوت فرمودید و تمام کتابهای ادعا شده از قبل از قرن 4-5 هجری قمری را به حق و به زیبایی دروغ و جعل یهود معرفی کردید یک سوال مطرح میشود و آن این است که چطور میتوان ثابت کرد قرآن کریم در طول این 4-5 قرن از تحریف و یا جعل بعضی آیات در امان مانده و یا حداقل قران فعلی کامل است و قسمتی از قران واقعی نیست؟البته این سوالی است که بعضی از دوستان بنده در بحث ژیش میکشند و بنده درست نمیتونم جواب بدم .با تشکر

آقای ×××. برای اثبات جعل در هر موضوع و زمینه ای، لااقل باید دو نمونه متفاوت عرضه کرد تا بتوان سئوال داد کدام یک معتبرند و به چه دلیل؟ در مورد قرآن، هرگز و هنوز نمونه ای جز آن چه همه جا دیده می شود نیافته ایم و متن کلیه قرآن نوشته ها در هر شمایل و از هر زمانی واو به واو یکسان است و نمونه مغایر ندارد. پس اگر نمی توان دو نوع قرآن ارائه داد، پس سخن از جعل بی هوده می شود. در مورد ادعای ناکاملی قرآن هم قضیه به همین ترتیب است. ابتدا باید قرآنی کامل تر از این که در اختیار داریم، ارائه داد و سپس مدعی نقص شد!

نویسنده: کاکا

دوشنبه 13 اردیبهشت1389 ساعت: 20:59

سلام استاد عزیزودوستان
دیگرهیچگونه شکی در وقوع حادثه ویرانگر پوریم ، که از جانب استاد ثابت شده ، وهم چنین جایگاه والای تاریخی وتمدنی بابل- آکاد- سومر- عیلام و آرامیون ، نمی باشد .

ولی آیا مکانی بنام شهرسوخته را باید در ردیف یک تمدن درخشان و باستانی 5 هزار ساله قرار دهیم و یا یک تجمع معیشتی چند صد ساله ؟ با کدام خط وکتیبه

و در چه رویداد تاریخی و تمدنی ، نام این مکان و دست آوردهای پزشکی واختراعی و ابداعات ، مطرح و ذکر گردیده است ؟
قدمت و صحت تاریخی آن چند قطعه آثار بدست آمده از محوطه شهرسوخته تا چه حدی است که بنا به گفته باستان شناسان ، تمدن والای بین النهرین را وابسته به خود می کند ؟ واز همه مهمتر همانطور که ادعا میکنند بنای این مکان نه از سنگ ویا خشت پخته (آجر) که استحکام وتحمل زمانی بیشتری را دارد ، بلکه از خشت خام ساخته شده ، و از محالات است که این نوع مصالح بتواند ، مد ت زمان زیست محیطی طولانی 5 یا 4 هزار سال را تحمل و دوام یافته ، و تا به امروز بازمانده های آن را بصورت دیوار وسنگ قبر در محوطه شهر سوخته شاهد باشیم !
در لینک زیر ، در یکی از تصاویر شک برانگیز، متوجه نو بودن « کاه وگل » بکاررفته درچیزی شبیه به سنگهای قبر گورستان می شوید (استاد نظر شما مهم است شاید من اشتباه کرده باشم لطفا یک نگاهی بیاندازید)

« هیچکس منکر وجود این مکان «شهرسوخته» نیست ، ولی ارزش تاریخی وتمدنی این مکان را باید در همان حد و اندازه ای که هست بیان نموده وبه آن افتخار کرد » نه آن را به شهر فرنگی از افسانه های باستان پرستان وسودجویان مبدل کنیم ، که دراینجا یک نمونه شگفت انگیزاین حضرات را می خوانیم « اولین جراحان

عمل سزارین در دنیا : چون رستم به هنگام تولد ، بزرگ و استخوان درشت بود پزشکان باستان ایران اولین عمل سزارین در دنیا را انجام دادند!!!! و برای متولد شدن سزار رم ، با عمل سزارین از پزشکان ایرانی در آن زمان کمک گرفته شد!!! و به این خاطر است که پادشاه رم نام سزار را به خود میگیرد ، که افتخار این اولین علم پزشکی از آن ایرانی است !!! »
وصدها اراجیف وسخن دیگر ، که حتی شهرسوخته از این آفت و سرنوشت دروغ در امان نبوده ، تا دارای انواع جراحان پزشکی و صنعت انیمیشن وگارگاهای صنعتی ، آن هم در 5 هزار سال پیش باشیم !!!!

نویسنده: ح.ک

دوشنبه 13 اردیبهشت1389 ساعت: 21:6

سلام استادعزیز.مطلب راکه میخواندم یاد این تذکر ویل دورانت افتادم که تاریخ واقعی از 500سال بیش شروع میشود.اینگونه بنظرم می آید که منشیان از صف صفویان می باشند.

نویسنده: کاکا

دوشنبه 13 اردیبهشت1389 ساعت: 22:6

استاد عزیز این سخن گوهربار را از یادداشت 160 شما برداشته ام که می فرمایید :
«۱. اگر قومی نتواند بازمانده ی معماری کهن و یا لااقل باستانی خود را، با نمونه های اشرافی و اعتقادی

کافی و لازم برای هر دوران عرضه کند، پس آن قوم، حتی اگر خود را در پناه هزار افسانه ی پهلوانی و صدها قرینه قدمت قرار دهد، یا پیشینه ندارد و یا چادر نشین و بیابان گرد بوده است، هرگز به تجمع متمدنانه و به دانش تولید و تجارت و به شرایط لازم برای شهر نشینی وارد نشده و قومی پراکنده و نوپا و یا آفریده ی امکانات و الزامات خدعه آمیز، در دوران جدید است.»
پس به امید بیان حقیقت تاریخ ، که به دست شما انسان بزرگ امکان پذیر است .

لینک شهرسوخته (شهرفرنگ)

=http://www.google.com/imgres?imgurl
&http://upload.parsiking.com/file/1259167380.jpg
=imgrefurl
.http://forum.parsiking.com/showthread
&php%3Fp%3D106216
usg=__HYHlnXEW1h6orJ2uVUt36MFbJRQ
&start=14&hl=en&sz=68&w=800&h=600&=
tbnid&itbs=1&um=1
&tbnw=143&tbnh=107&:TAvmu8vshM3kkM=
prev=/images%3Fq%3D%25D8%25B4%25D9%2
587%25D8%25B1%25D8%25B3%25D9%2588%
25D8%25AE%25D8%25AA%25D9%2587%26um
%3D1%26hl%3Den%26client%3Dfirefox-

a%26sa%3DX%26rls%3Dorg.mozilla:en-US:official%26channel%3Ds%26tbs%3Disch:1

نویسنده: عباس سلامات

دوشنبه 13 اردیبهشت1389 ساعت: 22:11

سلام
من یک سوال دارم که البته به بحث این یادداشت بی ارتباط است.
آیا ارتباطی بین هاخام منش(هخامنش) وخاخام منش وجود دارد. وآیا این مفهوم قابل برداشت نیست که هخامنشی یعنی کسی که منش خاخام ها را دارد؟

آقای سلامات. در عبری خاخام نداریم و ملایان را حاخام می گویند. تلفظ درست آن سلسله منحوس هم حاخام منش است.

نویسنده: کاکا

دوشنبه 13 اردیبهشت1389 ساعت: 22:24

استاد ، گویا لینک قبلی ایراد دارد
لینک جدید:
http://forum.parsiking.com/showthread.php?p=106216

آقای کاکا. قبلا با دلایل لازم کهن بودن سایت شهر سوخته را رد کرده ام که اینک لینک آن را ندارم. شهر سوخته یک مرکز تجمع یونانی، نظیر فیروز آباد و سروستان است که حتی نخستین حفاران نیز به آن اعتراف کرده اند. اگر آن را چنان که مرسوم است چند هزاره فرض کنیم پس باید لایه های متعدد تاریخی داشته باشد که ندارد. ماجرای چشم مصنوعی و غیره نیز درست مانند یافتن کتیبه بنچاق خلیج فارس است.

نویسنده: ×××

دوشنبه 13 اردیبهشت1389 ساعت: 22:33

استاد فرمایش حضرتعالی متین
ولی سوالی که مطرح است این که چطور در طول 4-5 قرن اول که قران کتابت نشد از تحریف در امان ماند و آیا میتوان بحث سینه به سینه نقل شدن آن را پذیرفت و اگر جواب آری است چرا نتوان این قضیه را در مورد بخشی از کتب قدیمی بعد از 4-5 هجری که نقل قولی از روایات قبل از این تاریخ است نپذیرفت(البته بحث کتبی که در عصر حاضر نوشته شده و به دروغ به 4-5 هجری نسبت میدهند جداست.)با تشکر

آقای ×××. از اواخر قرن اول هجری لت نوشته های قرآنی موجود و حفاظت از متن قرآن در زمره ی تعهدات خداوند است... و نحن له لحافظون. و از یاد نبرید که

خداوند یادآوری کرده که نمی توان حتی آیه ای برابر قرآن آورد. امری که عملا و حتی برای یهودیان نیز ناممکن بوده است و اگر توان تدارک جاعلانه آیه ای از قرآن نیست، پس جعل آن نیز ناممکن می شود. سه جلد کتاب های پلی برگذشته را بخوانید.

نویسنده: ×××

دوشنبه 13 اردیبهشت1389 ساعت: 23:7

با تشکر از جواب انلاینتان.قانع کننده بود. سه جلد پلی بر گذشته را 2 سال پیش خواندم ولیکن با توجه به مشغله زندگی و کار(آنهم نامرتبط با علوم انسانی و تاریخی) فراموشم شده بود هر چند همان موقع قانع شدم که کتب تاریخی قبل از 4-5 هجری جعل و یا دروغ میباشد.سوال من صرفا در مورد قران کریم بود که با توجه به آیه نحن له لحافظون قانع شدم و اگر این اراده الهی نبود به نظرم نقل سینه به سینه و لت نوشته های اول هجری هم نمیتوانست در برابر قوم کثیف یهود عاری از آسیب شود (و نمیتوانست جواب سوال بنده باشد).همانطوری که چنین جعل تاریخی در مورد تاریخ ایران انجام دادند که انصافا هنر به خرج دادند .البته تا قبل از افشاگری های شما.

نویسنده: بی نام

دوشنبه 13 اردیبهشت1389 ساعت: 23:25

خانم حدیثه-سلام علیکم

به هیچ عنوان قصد رد کردن نظر استاد را ندارم انچه که استادبه نام علم پیش از پوریم عنوان می کند به نظر من علمی با مختصات جدای ازعلوم فعلی است و از جنس علم امروز نبوده واستاندارد ومختصاتی سوای آنچه بعد از پوریم ابداع شده را داراست.کافی است یک قیاس بین علم خشن پزشکی امروز وعلوم پزشکی قدیم بکنیم علم پزشکی امروز علم شیمی و جراحی است که هیچ سنخیتی با علم دارو های طبیعی یا شناخت مدارات بدن و طب سوزنی ندارد .هردو جهت درمان است اما در سیستم های کاملا" مجزا تعریف وبا فلسفه متفاوتی بنیان گذارده شده اند.

بی شک برای قرار دادی کردن مطلبی مانند نصف النهار درک مفاهیمی مانند هندسه مختصاتی اولر و تقسیمات گرادیانی به طور اجتناب ناپذیری الزامی می شود.اگر اینها درک شده باشد نسبتهای مثلثاتی نیز در حیطه فهم وابداع قرار داشته وکار بردی کردن نصف النهارها نیاز به اگاهی از مختصات قطبی داشته واین دور تسلسل نیاز و الزام چنان ادامه می یابد که در اخر یک ذبیح اله منصوری برای منحصر به فرد کردن علوم کنونی در جمع بنیان اندیشان منتها سقوط کرده از آنسوی هخامنشیان خواهیم داشت.که با وضعیت ساختمانی

واشیا″ به دست امده در شهر سوخته گواه چنین آگاهیهای مبتنی بر جنس علوم امروزی را نمی یابیم. شما فکر می کنید مسئله بسیار قدیمی برج هانوی مبتنی بر فهم ودرک چه نوع علمی بوده؟

نویسنده: کاکا

سه شنبه 14 اردیبهشت1389 ساعت: 1:16

سلام
استاد عزیز و گرامی از توضیحات مختصر و مفید شما در مورد مکانی بنام شهرسوخته سپاسگذارم .
آنچنان که فرمودید این مکان یک تجمع یونانی میباشد ، پس قدمت تاریخی شهرسوخته 1700 الی 2300 سال پیش است ، زمان حضور کلنی های در منطقه ، و از آن عدد اختیاری 5 هزار سال تنزل پیدا کرده و تمام آن داستانهای مورد علاقه باستان پرستان مربوط به این مکان ، به یکباره ساقط می گردد. یعنی تفاوت تقریبا 3 هزار سال ، کم نیست ؟!!!

استاد اگر مقدور است راجب آن گورهای قبرستان (لینک) و نو بودن « کاه و گل» آن هم توضیحی بفرمایید ، فقط می خوا هم از برداشت خودم در این مورد مطمئن شوم .
موفق وپایدار باشید .

http://forum.parsiking.com/showthread.php?p=106216

نویسنده: abbas

سه شنبه 14 اردیبهشت1389 ساعت: 2:26

http://www.jewishencyclopedia.com/view.jsp?artid=590&letter=J

نویسنده: سایه

سه شنبه 14 اردیبهشت1389 ساعت: 8:17

با سلام

استاد برخی عکس های قدیمی!

http://links.p30download.com/archives/17899.php

نویسنده: سایه

سه شنبه 14 اردیبهشت1389 ساعت: 8:20

عکس های قدیمی

http://runykey.blogfa.com/

آقای سایه. ممنون. به نظرم رسید آن عکس ستار خان در بستر، مونتاژ است.

نویسنده: یکی از فرزندان سلمان

سه شنبه 14 اردیبهشت1389 ساعت: 12:18

حرف های شما بسیار گیج کننده است.نمیدانم از شما تشکر کنم یا گله!
در بسیاری از جاها حق مطلب را ادا کرده اید و در بسیاری جاهای دیگر تندروی نموده اید.
راستی استاد در وبلاگی با آدرس
http://zartoshtimosalman.parsiblog.com/ با زرتشتیان مناظره میشود جا دارد شما نیز در مباحث تاریخی این وبلاگ نظرات خود را ابراز کنید.

نویسنده: سعید

سه شنبه 14 اردیبهشت1389 ساعت: 13:10

سلام
آقای سایه اگر ممکن است شماره تماس خودتان را برای من ایمیل کنید

نویسنده: امید صادقی

سه شنبه 14 اردیبهشت1389 ساعت: 14:1

جناب آقای پورپیرار با سلام من همه مقالات و مستندات تصویری شما را در این وبلاگ و وبلاگ اصلی (ناریا آی آر) دانلود کرده ام سایر کتب و فیلمهای شما را از چه طریق میتوانم تهیه و یا دانلود کنم؟

نویسنده: سایه

سه شنبه 14 اردیبهشت1389 ساعت: 14:38

با سلام
جناب سعید خان متاسفانه ایمیل شما را در اختیار ندارم!لطف می فرمایید آن را در اختیار بنده قرار دهید؟
ممنون

نویسنده: دوزگون یول

سه شنبه 14 اردیبهشت1389 ساعت: 15:38

به نظر می رسد مسابقات یا رقابتهای ورزشی و غیر ورزشی چیزهای جدیدی بیش نیست . چه در حافظه هیچ یک از ملتهای موجود تا دیروز حتی در حال حاضر جایی ندارد! و در طبع آنها نیست امکان دارد ما به نوعی بر پا کردن مشغولیتهایی در بین ملل مختلف بر خورد داشته باشیم ولی ایجاد مسابقات و رقابتهای آنچنانی(اینچنانی!) که امروزه برگزار می شود سراغ نداریم.
حس ایجاد رقابت به حدی که نوع انسان را رو درو قرار می دهد از پدیده های قرون جدید است.

نویسنده: ×××

سه شنبه 14 اردیبهشت1389 ساعت: 17:51

سلام استاد
ظاهرا مجعولات مجلل کار خودشو کرد!! حضرات در عربستان هم فعال شدند!!
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=96683

آقای ×××. به زودی باستان پرستان خوراک اعراب را از سوسمار به قرمه سبزی با گوشت بره تغییر خواهند داد.

نویسنده: مسعود سنجری

سه شنبه 14 اردیبهشت1389 ساعت: 21:22

برادر بزرگوار استاد پورپیرار
سلام علیکم
با تشکر فراوان بابت مقاله حاضر
به تارنمای تلویزیون میهن مراجعه کردم اما در خصوص بحث حول کتاب "مگر این پنج روزه در یابی" چیزی نیافتم. بنظر می رسد که این تارنما متعلق به جماعت شوونسیت های پان ایرانیست باشد و مطالبی علیه شما هم در آن قرار داده اند.
والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: محمدرضا نیسی

سه شنبه 14 اردیبهشت1389 ساعت: 22:5

سلام
اين كار تلويزيون پادشاهي سعودي را بايد در راستاي سياست جديد اتحاديه عرب براي تعريف سياست‌ها و روابط با منظر همسوگرايانه براي تشريك مساعي و

تشكيل ائتلاف‌هاي جديد منطقه‌اي براي مقابله با سياست‌هاي غرب و از آن مهمتر افزايش قدرت چانه‌زني كشورهاي منطقه در تعيين سياست‌هاي جهاني ديد.
نمونه موفق چنين سياستي در روابط تركيه و كشورهاي عربي واضح است.
از سوي ديگر كشورهاي عربي همكاري با غرب براي حل شدن نهايي قضيه ايران را منوط به تأسيس كشور فلسطين كرده‌اند كه يهود تاكنون با اين مسأله موافقت عملي نكرده‌اند.
كشورهاي عربي اگر هم بتوانند با كشورهاي ديگر ائتلاف كنند ولي به دلايل تاريخي و مذهبي كه همه با آن آشنا هستند، با ايران فارغ از اينكه حكومت مذهبي در ايران سركار باشد يا غيرمذهبي، به ائتلاف پايدار نخواهند رسيد.
ضمنا علاوه بر حكام بلكه بسياري از متفكرين و نخبگان عرب از ديدگاه‌هاي استاد پورپيرار بي‌اطلاع هستند.

نويسنده: elyar45

چهارشنبه 15 ارديبهشت1389 ساعت: 7:22

اين بيت از گلشن راز است:
به خط استوا بر قامت راست / ندارد سايه پيش و پس چپ و راست
در اوايل قرن هشتم شيخ محمود استوا را مى شناخته است . درود بر پورپيرار

نویسنده: ×××

چهارشنبه 15 اردیبهشت1389 ساعت: 7:40

جناب نیسی
اخوی از مرحله پرتی. تشکیل ائتلاف های جدید منطقه ای برای مقابله با سیاستهای غرب!!!! اخوی سران عرب خیلی وقته جیره خوره حضرات غربی اند اگر نگیم آنوسیند!!

آقای ×××. این ها ناله های از روی ناچاری و ناتوانی است. وقتی پوتین در زمان ریاست جمهوری اش در نطقی از زردشت تجلیل می کند و تلویزیون عربستان از ایران باستان می گوید، بدانید که هرچه داشته اند از دست رفته است.

نویسنده: معین

چهارشنبه 15 اردیبهشت1389 ساعت: 9:15

با سلام به استاد عزیز و دوستان،
یک خواهش:
چندی قبل (شاید یک سال پیش) عکس یکی از عروسی های قرن 19 ، زمان قاجاریه، در شیراز را در بخش نظر ات این وبلاگ دیدم که خیلی برایم جالب بود. لباس مردم همه شبیه لباس روحانیون بود از بزرگ تا پسر 10 و 12 ساله.

اگر کسی آن عکس را سراغ دارد بسیار تشکر می‌کنم که دوباره لینک آن را در وبلاگ بگذارد.

نویسنده: حسینی

چهارشنبه 15 اردیبهشت1389 ساعت: 9:56

سلام. خسته نباشید. مشتاق دیدار.

نویسنده: ح.ک

چهارشنبه 15 اردیبهشت1389 ساعت: 9:28

سلام حضوراستادعزیز.استاداینگونه بنظرم میرسد که آنچه بنام تمدنهای سومر.اکد.بابل.عاشور.عیلام و حتی یونان علیرغم نامگذاریهاوتقسیمات زمانی برای هرکدام.صورت ظاهر وفضای روحانی حاکم بر آنها حکایت از تشابه ونوعی تسلسل منطقی که ناشی از یک اصل است استنباط میشود.بنظرمی آید در یکی دو سده فعلی و به سبب نیاز پوشش و تقسیمات جدید و ایجاد احساس استقلال وبرتری آن تقسیمات نامگذاری بر اثار گذشته و خصوصا ثبت زبانی مخصو ص هر تمدن اعجاب بر انگیز است.از آنجاییکه پایه و اساس باستان شناسی برنوعی خواسته ونیاز تاسیس شده جدی گرفتن دادهای آن بنظرم صحیح نمیباشد.چرا انسان هزاهای پیشین بعد از هر باصطلاح دوره ای نیاز به تعویض زبانش داشته باشد.خصوصا وقتی میبینیم بر جوان بودن زبان مبین قرآن مصرند.در زمان حاظر اکثر زبانهای منطقه(فارس.ترکی.هندی.مالیایی.سواحیلی...)وهمچنیـ

ن اسپانولی .پرتقالی.انگلیسی.مالتی و غیره ملامال از لفظ قرآن است .بنظر این حقیر زبان حضرت آدم(ع)همین زبان واین زبان موهبتی الهی است.و ثبت نام حاکمان و پادشاهان ونام بتها بخاطر حذف نام انبیا الهی و اثر تمدن سازشان است.متشکرم و موفق باشید.

نویسنده: سعید

چهارشنبه 15 اردیبهشت1389 ساعت: 12:57

جناب آقای سایه میبخشید فراموش شده بود

نویسنده: سعید

چهارشنبه 15 اردیبهشت1389 ساعت: 15:39

جناب سایه به نظر آدرس ایمیل ثبت نمیشود تایپ کنم بهتر است
saeidibrahimi@yahoo.com

نویسنده: khalil

چهارشنبه 15 اردیبهشت1389 ساعت: 17:53

با سلام بر استادو دوستان
آقاي xxx
بايد به رؤساي مريض الاحوال اين كشور در رابطه با عظمت باستاني و مقوايي تخت جمشيد نيمه كاره و چند كتيبه قلابي نو كنده ساساني تبريك گفت.مغز اينها تا اينجا كشش دارد.كافي است مستند تخت گاه هيچ كس و مجعولات مجلل را ببينند كه حضرات به اين

برسند به صرع دچار شده و سرشان گیج مي رود و از دودکش مغزشان دود بیرون مي آید.
استاد دست بوس شما هستم.🌹

نویسنده: محمدرضا نیسی

چهارشنبه 15 اردیبهشت1389 ساعت: 20:21

سلام اخوي xxx
الحمد الله خیلي وقت خدا توفیق داده و از مرحله‌اي که شما در آن مانده‌اید، پرت شوم البته خیلي هم آسون نبود و انرژي و وقت ازم گرفت
... و اما همه مي‌دانیم سالیان درازیست که غرب براي مقابله با نفوذ اسلام در حال توطئه است و کشورهاي اسلامي به دلائل مختلفي استراتژي مشخص و موفقي در مقابله با این توطئه‌ها نداشتند.
اما کشورهاي نفتخیز عرب مانند پادشاهي سعودي، امارات و ... با برنامه‌ریزي، اقتصاد خود را تقویت کرده و اکنون پس از سال‌ها و با مدیریت اصولي‌تر و اقتصاد قویتر در حال تحمیل نقش محوري‌تري براي تعیین سیاست‌هاي منطقه‌اي، به غرب هستند و در این مسیر تعامل‌ها و بده بستان‌هایي بر اساس دیدگاه و منافع خود با کشورهاي غربي دارند که شما اسم آن را "جیره‌خواري" مي‌گذارید. البته هنور هم اشتباهات و بعضا رفتارهایي از این کشورها مي‌بینیم که خیلي در جهت منافع مردم منطقه نیست ولي اوضاع از گذشته بسیار بهتر شده.

کلا بهتره از بررسي موضوعات به شکل 0 یا 1 پرهیز کنیم چون 30 ساله که مملکت بر همین اساس اداره شده و این است حال و روز مملکت...
در این رمینه مسائل و معلوماتي وجود دارد که یا آنرا نميدانید یا به هر دلیل نميخواهید به تأثیر کشوري مانند پادشاهي سعودي اعتراف کنید... انشاءالله در فرصت بهتري موضوع قابل بحث خواهد بود
به هر حال فارغ از این بحث، ما نیز تلاش زیادي براي نشر تحقیقات استاد عزیز در کشورهاي عربي نکردهایم البته خود آقاي پورپیرار در حال انجام فعالیتهايي در این زمینه هستند که بسیار قابل تقدیر است و مایه شرمندگي ما که براي نشر آثار کم کاري ميکنیم.

نویسنده: +++

چهارشنبه 15 اردیبهشت1389 ساعت: 20:36

جناب آقای ×××
صراط وحدت امتهای اسلام باید از یک شاهراه دو طرفه بدون تعصب باشد واین چیزی است که شاید عربستان حالا" به آن پی برده نکوهش وسرزنش تاریخ همسایگان باب هر مراوده ای را از ابتدا می بندد.زمان حقیقت را روشن می کند .در ضمن فراموش نکن ترکیدن تخمه به روی آتش آغاز پروسه بلعیده شدن است.ان درون مایل به باستان پرستی وعرب ستیزی خود را تصفیه کن تا مثه آقای خیابانی از پس هر گزارش فوتبال با اعراب برزخی نشی.آقای نیسی بد نگفت شما بد فهمیدید .

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 15 اردیبهشت1389 ساعت: 20:57

جناب ×××

آیا هیچ در پی این بوده اید که چرا اعراب به عوض ائتلاف منطقه ای در پی ائتلاف فرا منطقه ای هستند؟
کافیه که یه نگاهی به خودمان بیندازیم.
حدود صد سال است که تیر غیض و غضب از اسلام را بی مهابا نثار عرب می کنیم وباز دو قورت ونیمان باقیست که چرا از ما گریزانند؟

نویسنده: محمدرضا نیسی

چهارشنبه 15 اردیبهشت1389 ساعت: 22:38

سلام آقاي khalil
براي بيان احترام و تشكر خود بهتر است از به كار بردن عباراتي مانند "دست بوسي" و از اين دست عبارات خودداري كنيم، چون فضاي فحاشي و تخريبي كه توسط باستان‌پرستان و ايادي يهود عليه استاد عزيز مدت‌هاست به راه افتاده را تشديد مي‌كنيم.
يكي از تخريب‌هايي كه به طور گسترده انجام مي‌شود اين است كه " پورپيرار قبلا شاعر بوده در اين زمينه به شهرت نرسيده و حالا مي‌خواهد از اين طريق براي خود مريداني جذب كند"

نویسنده: مسلم

پنجشنبه 16 اردیبهشت1389 ساعت: 0:31

افسانه غزانیق ساختگی است
http://www.khabaronline.ir/news-59888.aspx

استاد به نظر من اگر وارد مبحث بنیان اندیشی درباره ی کتاب و کتابت و قلم و بیان و قرائت در کتاب مبین قرآن بشوید بسیاری از پرسشها بنده و دیگر عزیزان پاسخ داده میشود.

نویسنده: عادل

پنجشنبه 16 اردیبهشت1389 ساعت: 9:20

گالری عکس محمود پاکزاد از تهران قدیم
http://www.pakzad-photo.net/Gallery.htm

نویسنده: مسعود سنجری

پنجشنبه 16 اردیبهشت1389 ساعت: 10:19

با سلام به مهندس نیسی و دیگر دوستان عزیز
براداران گرامی دارید وقت گرانبهایتان را با حضرت مستطاب الدوله " xxx" دامت اضافاته تلف می کنید!
همه می دانیم که استاد پورپیرار به درستی اثبات کردند که قوم پرستی و ناسیونالیزم محصولی وارداتی از غرب هستند. حال بعد از دانستن این موضوع اگر کسی با مدعای بنیان اندیش هنوز هم نژادپرست و عرب ستیز باشد فقط در حال حمالی مجانی برای اسرائیل و

اسرائیلیان است. همین شخص چندی پیش با ژستهای متفکر مابانه و با تظاهر به بنیان اندیشی سعی داشت تا با طرح سئوالات بنی اسرائیلی بر نظریات استاد ابهام ایجاد کند که نشد و از آن زمان در حال استمالت از استاد است تا جبران مافات کرده باشد که هر بار بیش از پیش مشخص می شود که اساسا مفاهیم بنیادین این بررسی ها را قبول ندارد یا نمیداند.
اکنون ما در زمانی زندگی می کنیم که شاهد ظهور حرکتهایی نظیر jcool و jstreet در غرب هستیم و نیز شاهدیم که وزیر خارجه آریکار صراحتا اعلام می کند که بزرگترین نقش در مبارزه با به اصطلاح اسلام افراطی در جهان به هندوستان سپرده شده است. حال با این اوصاف - با همه حوادث رخ داده در منطقه - اگر کسی هنوز از ادبیات جلف و خنک اوایل دهه شصت نظیر " جیره خوار " برای توصیف دیگر مسلمین استفاده کند چیزی نیست جز نژادپرست و عرب ستیز و قطعا پیام این بنیان اندیشی مبارک را از اساس درک نکرده و حسابی از مرحله پرت تشریف دارد.
اما بعد از اجازه از استاد گرامی از شما مهندس عزیز و دیگر دوستان محترم تقاضا دارم تا با توجه به تسلطی که به زبانهای عربی , فارسی و انگلیسی دارید مقالات استاد را (چه اسلام و شمشیر و چه یادداشتهای حاضر) بصورت تکی ترجمه و بعد از تایید استاد به رسانه ها و سایت های مختلف عربی ارسال نمائید تا هر چه سریعتر نظریات استاد همه گیر شوند.

با تشکر
والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: آیدین قشقایی

پنجشنبه 16 اردیبهشت1389 ساعت: 11:23

سلام به دوستان
داشتم در بخش reader سایت gmail اخبار سایت بالاترین را می خواندم خبر جالبی را خواندم گفتم برای شما هم عیناً نقل کنم تا بدانیم رسانه های فارسی زبان باصطلاح آزادی که در کشورهای غربی تدوین و مدیریت می شوند همه سر در یک آخور دارند:
"می توانید کتابهایی بمانند : اسلام در ایران ایلیاپاولیچ پطروشفسکی + بابک خرم دین، دلاور آذربایجان +تاریخ فارسنامه ابن بلخی + کوروش کبیر + از زبان داریوش + ایران باستان- موری + نقدی بر ناصر پورپیرار – کعبه زرتشت و حتی یزدگرد آخرین پادشاه نگون بخت ساسانی و ده ها کتاب دیگر اینجا را دانلود کنید."
جالب اینجاست که مطلب نقدی بر پورپیرار-کعبه زرتشت از چند سال پیش در وبلاگ ذوالقرنین درج شده بود!!!!!!!!!!!!!!!!
معلوم است شونیزم موهوم آریا علاوه بر داشتن یابوهای قلم به دست، یابوهای رسانه ای را هم برای خاموش کردن چراغ بنیان اندیشی بکار انداخته است.
عزیزان، این موضوع وظیفه ما در اشاعه نظریات نوین به

تاریخ شرق میانه را دوچندان می کند. ما باید علاوه بر اشاعه نظریات جناب آقای پورپیرار در جامعه، در سطح وب هم باید فعالانه تر وارد شویم و حداقل هرکداممان با راه اندازی وبلاگ و وبسایت، در مورد این نظریات اطلاع رسانی کنیم تا در این جبهه هم سربلند بیرون بیاییم.
{یریدون ان یطفوا نورالله بافواههم و یابی الله الا ان یتم نوره و لو کره الکافرون: آن ها میخواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنن؛ ولی خدا جز این نمیخواهد که نور خود را کامل کند، هرچند کافران ناخشنود باشند.}
32 برائت

نویسنده: احسان

پنجشنبه 16 اردیبهشت1389 ساعت: 12:4

استاد نصف العمر شدیم!! پس بقیه مجلدات ساسانیان را کی چاپ میکنید؟!
جناب عابدی به خاطر خدا بقیه مقالات ایرانشناسی بی دروغ را با فرمت pdf تکمیل بفرمایید.

نویسنده: khalil

پنجشنبه 16 اردیبهشت1389 ساعت: 12:16

آقاي نيسي ممنونم از نصايحتان .ولي آنها چند سالي هست كه به نق نق و دهن كجي افتاده و گستره زبانشان را به پوچ باز كرده اند.

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود

[حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر   بازنويسي

264، نتیجه72، قلم، 1 - 84 نظر

نویسنده: احسان

پنجشنبه 16 اردیبهشت1389 ساعت: 12:18

ضمناً میخواستم نظرتان را درباره ی رشاد خلیفه بدانم. آیا شما با معجزه عدد 19 و این که او با استناد به آیه 81 سوره 3 خود را رسول میثاق خدا معرفی کرده موافقید؟
http://www.efarsi.org/quran/apx02.html

وی همچنین دو آیه آخر سوره توبه را جزو قرآن نمیدانست و عقیده داشت که در زمان عباسیان بر سر تعلق این دو آیه به قرآن اختلاف افتاد و اشتباهاً آنها را متعلق به قرآن دانستند.

اقای احسان. تمام سعی مشرکین و دشمنان اسلام موقوف به حذف یا اضافه کردن حرف واوی بر قرآن است تا از آن منفذ بتوانند به مبحث تحریف آن وارد شوند. هرکس که در این باب هر ادعایی با توسل به هر استدلالی دارد، به خصوص رشاد خلیفه را دشمن در لباس دوست بدانید.

نویسنده: khalil

پنجشنبه 16 اردیبهشت1389 ساعت: 12:31

آقاي مسلم لينك خوبي بود. اگر باستان پرستان اين حرف را از استاد مي شنيدند كلي كنفرانس مطبوعاتي و اتهامات بي اساس مي بستند.

نویسنده: دوزگون یول

پنجشنبه 16 اردیبهشت1389 ساعت: 14:59

آقای عادل نکته جالبی که در آن عکسها است عدم وجود زمین آسفالت تا سال 1325 می باشد!!با توجه به این که در سال 1324 خیابانهای تبریز توسط فرقه دمکرات شروع به آسفالت شدن می شد!

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 16 اردیبهشت1389 ساعت: 19:33

جناب دکتر آیدین قشقایی-با سلام

امروز مراسم تشیع معلم بزرگ عشایر جناب اقای محمد بیگی بود فکر می کردم شما و تعدادی از دوستان بنیان اندیش را می توانم انجا ببینم.اگه ادرس وبلاگش را دارید لطف بفرمایید ممنون می شوم.در ضمن ادرس مربوط به خبر بالا را نیز عنایت بفرمایید.

نویسنده: ×××

پنجشنبه 16 اردیبهشت1389 ساعت: 20:44

جناب نیسی با سلام و تشکر از جوابتان
نمیدانم یا من منظور حضرتعال را نفهمیدم یا شما جواب بنده را بد برداشت کردید
بنده ملت مسلمان عرب منطقه منظورم نبود بلکه سران جیره خوار عرب مد نظرم بود و کاملا به این موضوع با توجه به شواهد وقرائن وعملکردشان معتقدم.در خصوص اعراب 2 سالی میشه که دیگه تعصب باستان پرستیم را به کمک روشنگریهای استاد کنارگذاشتم و ملتهای عرب منطقه را به قران و اسلام نزدیکتر دیدم و در مورد این موضوع حداقل این طور بودم و معتقدم هرکه چنین تفکری داشته باشد:("اما كشورهاي نفتخيز عرب مانند پادشاهي سعودي، امارات و ... با برنامه‌ريزي، اقتصاد خود را تقويت كرده و اكنون پس از سال‌ها و با مديريت اصولي‌تر و اقتصاد قويتر در حال تحميل نقش محوري‌تري براي تعيين سياست‌هاي منطقه‌اي، به غرب هستند و در اين مسير تعامل‌ها و بده بستان‌هايي بر اساس ديدگاه و منافع خود با كشورهاي غربي دارند كه شما اسم آن را "جيره‌خواري" مي‌گذاريد. البته هنوز هم اشتباهات و بعضا رفتارهايي از اين كشورها مي‌بينيم كه خيلي در جهت منافع مردم منطقه نيست") با احترام به عقیده اش از مرحله پرته.
جناب +++ و بی نام امیدوارم جواب بنده برای شما قانع کننده باشد

در مورد آن خرمگس معرکه یاد مرحوم پدربزرگم افتادم که هروقت بی ادبی از ما سر میزد رو به ما میکرد و میگفت سلام علیکم پدر صلواتی!!!

نویسنده: ایرانی

پنجشنبه 16 اردیبهشت1389 ساعت: 22:13

آیا انتشارات کارنگ در نمایشگاه کتاب حضور دارد؟

آقای ایرانی. بله. قسمت شبستان، راهروی 20، شماره 1.

نویسنده: جلال

پنجشنبه 16 اردیبهشت1389 ساعت: 23:5

اقای احسان جواب سوالتان را مکررا استاد بیان کرده اند اگر فقط چند نظر قبلی از جمله جواب ایشان به xxx را خوانده باشید جوابتان را خواهید یافت .استاد وجود هرگونه تحریف در قران را منتفی می دانند.
استاد در مورد ابن عربی مطلبی نوشته اید؟ اگر ممکن است شماره مقالات را بیان نمائید. با تشکر

آقای جلال. می گویند ابن عربی در زندگانی و به زمانی که خط عرب هنوز بلوغ لازم را نداشته و نمی دانیم بر چه ماتریال و چه گونه پانصد جلد کتاب نوشته که ذره

ای از هیچ یک آنان باقی نمانده است! همین گاف درشت تکلیف ابن عربی و هر نام دیگری را معلوم می کند که پیش از قرون جدید ادعای کتاب نویسی کرده است.

نویسنده: محمدرضا نیسی

جمعه 17 اردیبهشت1389 ساعت: 1:12

باسلام وتشكر از آقاي سنجري
واقعا حيف است وقت گرانبها را صرف بحث كردن آن هم از جنس ادبيات چاله‌ميداني بكنيم و به زودي تحولات سريع منطقه و جهان به نژادپرستان خواهد فهماند كه تاريخ انقضاي آنها رسيده، گرچه فكر ميكنم ميدانند ولي از سر ناتواني مجبور شده‌اند براي تسلي خاطر سر خود را زير برف كنند.
پيشنهاد بسيار خوبي داديد و تاكنون هم براي اداي وظيفه تاريخي خود كوتاهي بسيار كرده‌ايم.براي ورود حرفه‌اي و دقيق به مقوله ترجمه آثار استاد عزيز، نيز نياز به كار حرفه‌اي و منسجم است.
براي اين منظور با برخي از دوستان كه اهل فكر بوده و كه دستي به قلم دارند توافق شد كه براي نشر آثار فعاليت‌هاي منسجم و هدفمندي انجام دهيم و براي ترجمه در مراحل اوليه بررسي موضوع هستيم كه چه تعدادي داراي توان تخصصي كافي بوده و به ميزان وقت صرف خواهند كرد.
دعا كنيد به نتيجه برسيم

نويسنده: abbas

جمعه 17 ارديبهشت1389 ساعت: 8:11

The Judeo-Persian poet ‘Emrānī and his "Book of treasure": ‘Emrānī's Ganǰ

نويسنده: اخبار

جمعه 17 ارديبهشت1389 ساعت: 10:12

رشد بيش از 83 درصدي سؤالات شرعي مقلدان در سال جاري

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8902151452

آياتي كه به قيام حضرت قائم تأويل شده است

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8902030248

موسوي:بي‌حجابي باعث ايجاد دغدغه‌هايي غير از علم در دانشجويان مي‌شود

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8902151365

ایرانی ها نمی فهمند پس به دادگاه بین المللی شکایت می کنیم!

http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=97101

دولت‌های قبل، عامل سست شدن خانواده‌ها و اختلافات خانوادگی!

http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=96378

حمله صهیونیست منتقد به قانونی که تل‌آویو را بهشت متخلفان کرد

http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=96227

نویسنده: سایه

جمعه 17 اردیبهشت1389 ساعت: 10:14

مجله تصویری ایران

http://vista.ir/?view=photo

نویسنده: بی نام

جمعه 17 اردیبهشت1389 ساعت: 10:15

اقای نیسی-با سلام

فکر بسیار خوبی است البته گویا قبلا" آقای سلامی قصد داشت چنین کاری را بکند.اگر در اهواز قصد به راه انداختن جمعیتی برای نشر آثار استاد به زبان عربی دارید ایمیلی بدهید شاید بتوانم از بابت ترجمه ومعرفی کردن دوستان کمک کنم.

نویسنده: سایه

جمعه 17 اردیبهشت1389 ساعت: 10:20

مقالات مختلف در مورد میراث فرهنگی

http://vista.ir/mag/No.4-Danesh.html

نویسنده: khalil

جمعه 17 اردیبهشت1389 ساعت: 11:26

سلام استاد
چند سال پیش از خبرهای تلویزیونی خبر تقدیر ریچارد فرای از تمدن باستانی ایران و چند سال بعدش خبر مرگش را شنیده بودم که این ماجرا در زمان رئیس جمهوری احمدی نژاد اتفاق افتاده بود که من الان نامه اش به ریاست جمهوری را پیدا کردم:
نامه استاد دکتر "ریچارد نلسون فرای" به "دکتر محمود احمدی نژاد"

دکتر ریچارد فرای در دانشگاه UCLA (کمپوس لوس آنجلس دانشگاه ایالتی کالیفرنیا)

عشق به ایران لیاقت می‌خواهد. استاد دکتر ریچارد نلسون فرای ایران شناس بزرگ در نامه ای به دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری اسلامی ایران با بیان عشق خود به ایران، درخواست کرد پس از مرگ، در آغوش پاک ایران زمین به خاک سپرده شود.
استاد دکتر ریچارد نلسون فرای (Richard Nelson Frye) ایران شناس آمریکایی در نامه اش می‌نویسد:
اینجانب که تمام زندگی فعال خود را صرف شناختن و شناساندن فرهنگ و تمدن درخشان ایران باستانی و ایران اسلامی کرده ام، از مقام ریاست جمهوری درخواست می نمایم، اجازه داده شود جسد اینجانب پس از مرگم در کنار زاینده رود در شهر زیبای اصفهان که پیوسته عاشق آن بوده ام، به خاک سپرده شود. باشد که پیوند ناگسستنی دو ملت شریف ایران و آمریکا برای جهانیان ثابت گردد.
دکتر احمدی نژاد در پاسخ به درخواست این ایران شناس برجسته طی دستوری به وزارت کشور نوشته - اند:

سلام بر سرزمین مقدس ایران و ملت بزرگش!

بحمدالله فرهنگ وتمدن ایران اسلامی منطبق بر فطرت های پاک بشری و جاذب دل های شیفته از هر نژاد و قوم وسرزمینی است.

با تقدیر از این استاد ارجمند که عمر خود را وقف شناخت میراث کهن و ارزشمند فرهنگ وطن سرافرازمان کرده اند و با آرزوی طول عمر همراه با موفقیت درخدمت به بشریت و معرفی فرهنگ اصیل اسلامی این دیار به سایر ملت ها، لازم است ترتیبی دهید که خواسته ایشان محقق شود.

نویسنده: khalil

جمعه 17 اردیبهشت1389 ساعت: 11:27

رئیس جمهور در ادامه یادآور شد:

این خواسته نمایش علاقه دو ملت به عدالت، توحید و ارزش های فطری بشری و الهی است و مطمئناً ایشان تنها کسی نیستند که نسبت به ایران چنین احساس پاکی دارند. مردم ایران و آمریکا به حکم فطرت الهی خواستار توحید، عدالت و زیبایی های برخاسته از اندیشه های ناب هستند. امیدوارم خداوند همه انسان های خدوم و ملت های خداخواه را به یکدیگر نزدیک تر و موانع محبت و مهرورزی را از روابط بین ملت ها زایل فرماید.
استاد دکتر ریچارد نلسون فرای
وی در سال 1946 از دانشگاه بسیار معتبر هاروارد، در رشته تاریخ آسیا دانش‌آموخته شده و برای مدتهای طولانی در این دانشگاه به تدریس مشغول بوده اند.
لازم به ذکر است که دانشگاه هاروارد، در بین

دانشگاههای دنیا، رتبه اول را دارا می باشد. وی با دانشگاه‌های مختلفی همکاری داشته و در آنها اقدام به تدریس نموده است:
دانشگاه کابل 1942 تا 44
دانشگاه هاروارد 1948 تا 90
دانشگاه فرانکفورت 1959 تا 60
دانشگاه هامبورگ 1968 تا 69
دانشگاه شیراز 1970 تا 76
دانشگاه تاجیکستان 1990 تا 92
دکتر فرای، مسلط به زبان‌های انگلیسی، روسی، آلمانی، عربی، فارسی، فرانسوي، پشتو، ازبکی و ترکی است.
در سال 1953، استاد علی اکبر دهخدا، ریچارد فرای را ملقب به "ایران دوست" نموده است. وی مقاله های بسیاری درباره تاریخ ایران به رشته تحریر در آورده است.
در انتها یادآور می‌شود، درخواست دکتر ریچارد نلسون فرای برای دفن شدن در کنار زاینده رود، نکته جدیدی نبوده و پیش از او دو تن از ایران شناسان آمریکایی در این مکان شریف به خاک سپرده شده اند.
http://www.shafighi.com/forum/showthread.php?6947

نویسنده: khalil

جمعه 17 اردیبهشت1389 ساعت: 11:32

استاد می بینید ما با چه کسانی طرف هستیم.در اینطور مواقع آمریکا دوست و فرشته بزرگ کشور می شود.

آقای khalil. اگر روسی، آلمانی، عربی، فرانسوي، پشتو، ازبکی و ترکی دانستن فرای هم مثل فارسی دانستن او باشد، که وای به حال آن ها. فرای هنوز نمرده و آن تعارفات درباره او را هم جدی نگیرید. فرای واقعی در پله های تخت جمشید و در کارتن کودکانه شکوه تخت جمشید دیده می شود که حتی سالی پس از انتشار مستند تختگاه مشغول بافتن دروغ برای ایرانیان و مردم دنیا است.

نویسنده: مسعود سنجری

جمعه 17 اردیبهشت1389 ساعت: 11:46

برادران عزیز محمدرضا نیسی،+++ و بی نام
سلام علیکم
واکنش آن پشه کوره قابل پیش بینی بود. در لجنزار نژادپرستی که متاسفانه کشور را در بر گرفته تعداد این پشه کوره ها هم بیشمار است. مثل باقی نژادپرستان دیگر این یکی هم مدعی است که به دولتهای عربی و نه ملت عرب اهانت کرده. همه می دانند که هیچ دولتی در این منطقه از دایره اتهام و انتقاد بیرون نیست و قابل دفاع هم نیست و مبانی قیاس بین آنها هم به

شکل دیگری است اما همواره شاهدیم که عرب ستیزان ایرانی همواره برای اهانت و تحقیر اعراب بهترین راه را در اهانت تحت لفافه به حکومتهای عربی دیده اند و می بینند تا اگر به آنها اعتراض کنید در جایگاه دفاع یا وابستگی به دولتهای بیگانه قرار گیرید.
همانطور که میدانید بعد از نمایش مستند ویرانگر "مجعولات مجلل" اولین رسانه ای که در خارج از کشور حرکت مضاد را آغاز کرد شبکه بی بی سی بود که مرتب مستندهایی را در خصوص پاسارگاد به نمایش گذاشته و می گذارد. غیر از آن در فواصل زمانی مختلف از اشخاص و اطراف مختلف نظیر رئیس جمهور آمریکا ، نخست وزیر روسیه و ... سخنرانی ها و مداحی ها درباره عظمت تاریخ باستانی ایران و موضوعات مرتبط سرازیر شد ولی پشه کوره ما چون به آنها حساسیت ندارد واکنش نشان نداد اما به محض اینکه تلویزیون سعودی همان حرکت اشتباه دیگران را مرتکب شد فریاد زنان ندا سر داد که مجعولات مجلل کار خود را کرد عربستانی ها کار خود را شروع کردند! و ...
جالب اینجاست که جیره خواری اعراب از شواهد و قرائن پیداست آنهم بدون ورود به تفاصیل. یعنی اگر در شصت سال گذشته کشورهای غربی و اسرائیل به کشورهایی مثل لیبی، مصر، سودان، صومالی، اردن ،فلسطین، لبنان، سوریه و عراق حمله کرده اند و فلسطین و عراق هنوز در اشغال هستند همه بدلیل جیره خواری ملت عرب بوده است و شماها همه از

مرحله پرتید!!!!.
اما خواهشمندم در کنار هر بحثی موضوع اصلی این وبلاگ در حاشیه قرار نگیرد و زیبایی و عمق نظر استاد در این یادداشتهای جاری در مقابل چشم و عقل باقی بماند. مهندس نیسی عزیز در انتها هم امیدوارم که در آغاز کار ترجمه اندکی تسریع شود چراکه به شرایط فعلی هیچگونه تریثی جایز نیست.
والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: reza71

جمعه 17 اردیبهشت1389 ساعت: 12:2

با سلام خدمت استاد

http://www.pakzad-photo.net/images/g4/g4%20%2815%29.jpg

استاد این عکس فوق العاده است و وجود محرابها را در دو طرف مکعب زرتشت تا سال 1342 به وضوح نشان می دهد.

آقای reza71. عکس بسیار روشن و کم نظیری است، اما نمی تواند مربوط به سال 1342 باشد و یادداشت زیر عکس اشتباه است، زیرا عکس های متعددی از مکعب

مربوط به سال های 1317 شمسی وجود دارد که سکوها در آن نیست. ضمن این که در این عکس خرابی های سقف و کف و دیوار جنوبی محوطه هنوز ترمیم نشده است. دلیل دیگر این که در سال 1342 متن خوانده شده کتیبه ها را منتشر کرده اند حال آن که در این عکس قاعدتا در زیر سکوهاست! عکس در عین حال عیب دیگری هم دارد و آن این که آفتاب از سمت غرب می تابد طوری که پله ها سایه غلیظی به سمت شرق انداخته اند، اما تابیدن آفتاب بر ضلع غربی بنا ایجاد سایه در سمت شرق نکرده است!!! بد نیست بفرمایید که عکس را از کجا برداشته اید؟ به هر حال ممنونم.

نویسنده: آیدین قشقایی

جمعه 17 اردیبهشت1389 ساعت: 14:17

سلام به دوستان
جناب بی نام سلام علیکم
من حدوداً دو سالی است که در تهران ساکنم. تا آنجا که اطلاع دارم مرحوم بهمن بیگی وبلاگ یا وبسایتی نداشتند. مرحوم بهمن بیگی بنیانگذار مدارس عشایری در ایران بود و خدمات زیادی به باسوادی عشایر ایران نمود. منتهی متاسفانه چون کتابهای ابن ندیم و ابن شلغم در تاریخ ایران را قبول داشت فکر می کرد که فارسها باید بر ترکها خرده نگیرند چون اگر چه ترکها بعضاً به ایران حمله کردند و فلان مکان را خراب کردند ولی در عوض با کمک مستقیم و غیر مستقیم به گسترش زبان

فارسی قابل بخشایش اند چون باعث شدند تا اعراب غیر متمدن نتوانند زبان عربی را بر ایرانیان تحمیل کنند!!!!!!!!!!!!!!!!!!!

اینجانب خیلی دوست داشتم در شیراز می بودم و نسخه ای از فیلمهای تختگاه و مجعولات را به ایشان می دادم ولی چه حیف ...
ضمناً آن خبر پیام قبلی را از سایت "بالاترین" آورده بودم:
www.balatarin.com
راستی من اگر چه دانشجوی دکترا هستم و اساتید بزرگ ایران در رشته خودم را دیده ام با اعتقاد کامل بگویم که:
اگر در ایران دنبال دکتر آنهم در حوزه علوم انسانی می گردید یک استاد شش دانگ داریم آنهم پورپیرار کبیر است و بس.

نویسنده: مهران حقیقت

جمعه 17 اردیبهشت1389 ساعت: 14:49

با سلام بر آقای پورپیرار و دوستان گرامی

دیروز پنجشنبه گفتگوی زندهای در محل نمایشگاه کتاب با یکی از آقایون مدعی میراث مکتوب فارسی انجام شد که از تلویزیون پخش میشد.
ایشان با نشان دادن کتابهای تازه یافت شده و چاپ شده توسط دم و دستگاهشان مدعی شدند که هم

اکنون بیش از یک میلیون و دویست هزار جلد کتاب دستنویس فارسی در کتابخانه های دنیا وجود دارد که در طول بیش از 1100 سال قدمت فارسی نوشته شده اند.
حساب کردم سالی بیش از 1000 جلد کتاب دستنویس از هزار سال پیش باید نوشته شده باشد تا به این عدد برسیم.
خیلی خوبه: همه دانشمند بودن!

نویسنده: ×××

جمعه 17 اردیبهشت1389 ساعت: 15:5

سلام علیکم پدر صلواتی!!

نویسنده: محمدرضا نیسی

جمعه 17 اردیبهشت1389 ساعت: 16:40

آقاي xxx وقتي پدر بزرگ مرحومت نتونست شما رو از بي‌ادبي كردن منصرف كنه ما كه ديگه جاي خود داريم، " سلام عليكم پدر صلواتي!!! " مي‌خواهم بدونم عبارت چاله‌ميداني " اخوي از مرحله پرتي " بي‌ادبي نبود؟!
لطفا وقت عزيزان رو با اين بحث‌هاي بي‌فايده تلف نكن و عوض آن سعي كن خودت رو از حس عرب‌ستيزي خالي كني فقط با گفتن اينكه نژادپرست نيستم مشكل حل نمي‌شود.
جناب آقاي بي نام ايميل من mohamadrezaneisi@yahoo.com است. مسأله

ترجمه آثار استاد عزيز رو با برادر بزرگوارم جناب آقاي سنجري و برخي از روستان پيگيري كرديم ولي موضوع در مراحل اوليه است و هنوز به فرمولي كه بتوان ترجمه حرفه‌اي و فني انجام شود نرسيده‌ايم. فكر مي‌كنم تا 2 يا 3 هفته آينده جمع‌بندي اوليه حاصل شود و در اين راه از تجارب شما استقبال مي‌كنيم. من آقاي سلامي را متأسفانه نمي‌شناسم.

نویسنده: khalil

جمعه 17 اردیبهشت1389 ساعت: 20:58

با سلام دوباره خدمت استاد و دوستان
استاد این لینک را از ذوالقرنین برداشتم عکس های قدیمی از کعبه زرتشت که هنگام حفاری نیایشگاهی دیده نمی شود آیا جریان چه می تواند باشد؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟
http://www.azargoshnasp.net/Pasokhbehanirani/ppnaqshpasokh.htm
http://www.azargoshnasp.net/Pasokhbehanirani/ppnaqshpasokh_files/image042.jpg
http://www.azargoshnasp.net/Pasokhbehanirani/ppnaqshpasokh_files/image044.jpg
http://www.azargoshnasp.net/Pasokhbehanirani/ppnaqshpasokh_files/image050.jpg
http://www.azargoshnasp.net/Pasokhbehanirani/ppnaqshpasokh_files/image071.jpg

http://www.azargoshnasp.net/Pasokhbehanirani/ppnaqshpasokh_files/image073.jpg

---

آقای khalil. به سه جلد کتاب ساسانیان از مجموعه تاملی در بنیان تاریخ ایران رجوع کنید.

نویسنده: ×××

شنبه 18 اردیبهشت1389 ساعت: 0:29

جناب نیسی
تا الان فکر میکردم که جواب بنده قبل از اینکه در قسمت نظرات کاربران بیاید شما آن متن بی ادبانه را در پاسخ به دوستتان جناب سنجری دادید ولی الان میبینم تعصب رفاقت، چشمانتان را به حقیقت کور کرده .برادر من، گفتن جمله اخوی از مرحله پرتی اگر بی ادبانه است پس استاد پورپیرار عزیز در جواب خیلی از عزیزان که دیدگاهشان از مسیر این وبلاگ دورتر بود این نبود! بنده اگه میگفتم" یارو" چه میکردی؟ انصافا و خداوکیلی به متن آقای سنجری که پابرهنه وسط بحث امدند یک بار دیگه مرور کن و اگه در هر جمله ایشان یک کلمه حرف بی ادبانه نبود بنده تمام صحبتهای شما را میپذیرم.
برای مثال:
دامت اضافاته
حمالی مجانی برای اسرائیل و اسرائیلیان

طرح سئوالات بنی اسرائیلی
استمالت از استاد
ادبیات جلف و خنگ
ادبیات چاله میدانی
اصلا بر فرض که من عرب ستیزم(که نیستم) نظرم را گفتم (حالا یا درست یا غلط) به نظر شما آیا با فحش دادن شما و دوست با ادبتان بنده قانع میشم و یا کاربران عزیز دیگه منو هو میکردند؟. برادر این رویه شما و دوستتان غلط است.استاد 2 شاگرد مثل شما داشته باشه نیاز به دشمن نداره!!

نویسنده: ×××

شنبه 18 اردیبهشت1389 ساعت: 0:33

همانطور که فرمودید وقت گرانبهایتان را صرف بنده نکنید چون جوابی برای گفتن ندارید و هر جا به بن بست میخورید فحش نثار مخاطب میکنید. در گذشته هم دوستتان امتحان پس داد و در مورد قلاع ها نه تنها جواب نداشت بلکه نشان داد که حتی مباحث استاد را هم به درستی دنبال نمیکنه و از مرحله پرته. (در مورد قلاع ها فقط به واسطه اینکه استاد عزیز به صبر دعوت کردند تا در آینده حقایق بیشتری آشکار کنند مطلب را ادامه ندادم و گرنه سنجریها نمیتونند با این برخوردهای غیر علمی و شعبان بی مخی سد راه بنده شوند.!!)
ضمنا در مورد این جمله تان"اما كشورهاي نفتخيز عرب مانند پادشاهي سعودي، امارات و ... با برنامه‌ريزي،

اقتصاد خود را تقويت كرده و اكنون پس از سال‌ها و با مديريت اصولي‌تر و اقتصاد قويتر در حال تحميل نقش محوري‌تري براي تعيين سياست‌هاي منطقه‌اي، به غرب هستند" باید عرض کنم که حداقل این یک مورد را کاملا در اشتباهید و آینده نه چندان دور حقیقت روشن خواهد شد. بنده در صنعت نفت هستم و اتفاقا در امارات هم کار میکردم(تا 1 ساله پیش) .عمق فاجعه بیش از این حرف هاست و شما ظاهر پر زرق و برق اقتصادشان را میبینید.غربیها اینجا همه کاره اند اخوی.اقتصاد که خوبه اخوی اینها حتی مدیریت سیاسی هم در دستانشان است اتفاقی که تا 5 ساله دیگه در مورد عربستان نیز شاهدش خواهیم بود. (البته نظرتان محترمه ولی این مسائل اقتصادی و سیاسی را به خبره اش واگذار کنید اخوی)

از این که وقت استاد را در این وبلاگ جهت پاسخ به ادبیات چاله میدانی شما میگیرم متاسفم. در پناه حق

نویسنده: امید صادقی

شنبه 18 اردیبهشت1389 ساعت: 10:1

عکس رضا خان قبل از به قدرت رسیدن در کسوت نگهبان سفارت هلند
http://www.parsine.com/fa/pages/?cid=20170

نویسنده: محمدرضا نیسی

شنبه 18 اردیبهشت1389 ساعت: 13:46

نويسنده xxx
اولا اون كسي كه استاد عزيز حرفي به او زده حتما نامربوط گفته و تو هم لازم نيست خودت رو در موقعيت مشابه تصور كني

ثانيا اين تو (ادب آموخته از محضر پدربزرگ) بودي كه گستاخي رو شروع كردي و من در جواب گستاخي اولت مؤدبانه جوابتو دادم ولي همچنان رفتارت گستاخانه رو ادامه دادي و مجبور شديم با ادبياتي كه آنرا بهتر متوجه مي‌شي جوابت رو بديم

ثالثا اينجا ملك پدري تو نيست كه تعيين كني كي پابرهنه وسط بحث بياد يا نه، آقاي مؤدب!

رابعا مثل اينكه رفتار گستاخانه حضرتعالي مسبوق به سابقه بوده و شناخت آقاي سنجري از تو درست بوده و اگر من هم چنين شناختي رو داشتم حتما همون بار اول محكم‌تر از ايشون جوابت رو مي‌دادم

خامسا اگه تو در صنعت نفت امارات بودي من الان در پروژه‌هاي مرتبط با همين صنعت نفت خودمون مشغول به كار هستم و بدان كه با ادامه سياست‌هاي مستقل و غرب‌ستيزانه !!! فعلي حداكثر تا 7 يا 8 سال ديگه امكان صادرات نفت را از دست خواهيم داد

سادسا از اینکه به واسطه خبرگي سياسي و اقتصاديت سرسپردگي كشورهاي عربي برايمان محرزشده و از گمراهي نجاتمان دادي ازت متشكريم ولي اين جمله‌ات "اتفاقی که تا 5 ساله دیگه در مورد عربستان نیز شاهدش خواهيم بود" من رو ياده مصاحبه و دقت پيش‌بيني محمدرضا پهلوي با bbc انداخت كه خطاب به خبرنگار گفت: تمدن غرب در مقابل تمدن 2500 ساله ما هيچي نيست و با اين كارها (توسعه دمكراسي) تمدن شما تا 5 سال ديگر فرو خواهد ريخت.

سابعا من هنوز افتخار شاگردي استاد عزيز رو ندارم و لازم هم نيست نگران اين موضوع باشي، سعي كن كمتر حاشيه‌سازي كني تا به موضوعات اساسي و مهم‌تر بپردازيم

به هر حال از دوستاني كه در بحث اخير من و xxx شركت كردند، ممنون هستم و تقاضا دارم از ادامه بحث در اين باره خودداري كنيم.

نویسنده: مسعود سنجری

شنبه 18 اردیبهشت1389 ساعت: 15:9

با سلام به جناب مهندس نیسی
همانطور که در ابتدا عرض کردم دارید وقت خود را با این پشه کوره تلف می کنید. الحمدالله تمام کامنت های قبلی موجود هستند و می توان براحتی تشخیص داد

که چه کسی بی ادب و از مرحله پرت است. جالب اینکه در همین یادداشت با ارزش استاد - که به هیچ طریقی نباید فراموش شود - به این حضرت آقا توصیه کردند که فلانی مجموعه کتابهای برآمدن اسلام را بخوانید. این جمله معنای مشخصی دارد.
اما بسیار متاسفم که بعد از این همه زمان که از آغاز بررسی های بنیادین فعلی می گذرد باید بدیهیاتی را دوباره یادآوری کرد. نظیر:
1- تمام یادداشهایی که در بخش نظرات نصب می شوند با تایید استاد نصب شده اند و هیچ کس در اینجا نمی تواند طلبکار باشد. استاد گرامی چنان با سعه صدر با این موضوع برخورد می کنند که برخی خود را صاحب خانه تصور کرده اند.
2- بدلیل فوق کسی نمی تواند به دیگری بگوید که فلانی تو حق نداری به من خطاب کنی و بهمانی تو فقط حق داری یا بدتر از آن مثلا بگوید فلانی شما وارد بحث دوستان نشوید.
3- وقتی مطبی نوشته می شود نمی توان پاسخ طرف مقابل را معین کرد.

کسی که تا این حد بی کیفیت باشد که نتواند این بدیهیات را درک کند وضعی بهتر از این که هست نخواهد داشت.
مهندس نیسی عزیز فرد مخاطبتان دائما دیگران را از مرحله پرت و یا دچار تناقض و یا منعصب می داند و

جالب اینجاست که تنها در صورتی که طرف مقابلش عرب باشد ادب و تربیت را از یاد می برد. مطمئنم که جز جهت خودنمایی در این وبلاگ محترم قصدی ندارد. بنظر من ادامه این گفتگو فقط از قیمت ما خواهد کاست.
مطالبی را که درباره کشورهایی مثل امارات و غیره عنوان می کند نمی توان جدی گرفت چراکه گذشت زمان برای رد یا اثبات آنها کفیل است.
البته اگر فرصت دیداری با ایشان دست می داد حتما آرزوی پدر بزرگ خدابیامرز ایشان را برآورده می کردم.
والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: khalil

شنبه 18 اردیبهشت1389 ساعت: 18:59

استاد كتابهاي شما با ارزش تر از يك بار خواندن است بلكه بايد چندين بار آنها را مطالعه كرد.مثل آن نباشد كه استاد جغرافيايي با توپ پر براي نجات اساتيد تاريخشون به ميدان بحث در دانشگاه آن هم با شما !!!! و در يك شبه پاس كردن تمام كتابهاي شما به نظر خودشون 651 ايراد در آورده باشد.
استاد در مورد يادآوري كتابهاي ساسانيان ممنونم.

نویسنده: reza71

شنبه 18 اردیبهشت1389 ساعت: 21:35

با سلام خدمت استاد

عکس مکعب زرتشت از سایت اختصاصی محمود پاکزاد به آدرس ذیل بود.

http://www.pakzad-photo.net/

از این صفحه

http://www.pakzad-photo.net/g4.htm

نویسنده: مسعود سنجری

شنبه 18 اردیبهشت1389 ساعت: 22:10

با سلام به برادر عزیز مهندس نیسی

به یاد دارم که در اوائل انقلاب برخی از جوانان عرب در اهواز مرکزی به نام الثقافی تاسیس کرده بودند که من هم گاهي به آنجا سر مي زدم. خاطرم هست که چند ماه قبل از آغاز جنگ 8 ساله برخی از دوستان فعال در آن مرکز مرتبا به تهران سفر می کردند و به مسئولین وقت که برخی از آنها امروز در جایگاههایی بسیار رفیع و حساس قرار دارند هشدار می دادند که عراق در حال تجمع نیرو و ساخت استحکامات نظامی در کنار مرز است . جوابی که می شنیدند بسیار جالب است و آن اینکه : "اخوی از مرحله پرتی، کی می تونه، این حرفها

کدومه، مگه الکیه و .... بعد از چند ماه جنگ آغاز شد و نابودي صدها روستا و آوارگي هزاران هزار انسان و خرابي و ... باقی ماجرا را هم همه می دانند.
ادبیات "اخوی از مرحله پرتی" در این کشور قدیمی است و نشان از یک مشکل روانی دارد که در اصطلاح روانشناسی به آن "Self Justify" مي گويند و شخص دچار اين مشكل همواره خود را در هر رفتاري محق مي داند و از جايگاهي بالاتر به ديگران نگاه مي كند. ممكن است باور آن براي همه مشكل باشد ولي اين بررسي هاي بنيان شناسانه استاد پورپيرار مي تواند اين مشكل در نزد انسان ايراني را علاج كند.
اين نو رسيده بدبخت مي نويسد "این مسائل اقتصادی و سیاسی را به خبره اش واگذار کنید اخوی" يعني بدون اينكه اطلاع داشته باشد شما را فاقد تجربه سياسي و اقتصادي مي داند. البته حتما عضويت شما در كميته مركزي دفتر تحكيم وحدت در آن دوران حساس و خطرناك و نجات معجزه وارتان از عواقب آن حركتهاي سياسي نمي تواند دليلي بر سياسي بودن شما باشد.
در مورد خود نخواهم نوشت چون به دنبال معرفي خودم نيستم. اگر افتخار شاگردي استاد نصيبم شود كافي است. تا زمانيكه بي ادبي آن نژادپرست ادامه پيدا كند پاسخ هاي من نيز ادامه خواهد داشت و فقط استاد كفيل هستند كه اين كامنتها نصب شوند يا خير و كسي اينجا صاحبخانه نيست و نمي تواند پاسخ دهنده و نوع

پاسخ را بدلخواه انتخاب کند و با زبان نصیحت به دیگران خطاب کند.

در انتها فقط از استاد عذرخواهي مي کنم و براي باقي آرزوي موفقيت.

والسلام عليکم
في امان الله

نویسنده: عباس سلامات

شنبه 18 اردیبهشت1389 ساعت: 22:52

جناب مسعود سنجری
سلام
کتاب اسلام وشمشیر وهمچنین دو جلد اول دوازده قرن سکوت توسط دوستی با نام مستعار هیجان و همچنین مستندهای تخت گاه هیچ کس و طوفان نوح توسط بنده به عربی ترجمه شده است لیکن کانالی برای نشر آنها در دست نیست. در همین جا از شما و همه دوستانی که می توانند کانالی برای انتشار آنچه ترجمه شده است، در جهان عرب بیابند تقاضا می کنم از طریق استاد پورپیرار با من تماس بگیرند

نویسنده: عباس سلامات

شنبه 18 اردیبهشت1389 ساعت: 23:2

دوستان عزیز نیسی و سنجری
من سلامی هستم
وایمیل من این است abbasalhelffy@gmail.com
خوشحال می شوم به توافقی در زمینه ترجمه آثار و انتشار آثار ترجمه شده دست بیابیم.

نویسنده: یه دانشجو

شنبه 18 اردیبهشت1389 ساعت: 23:32

با عرض سلام خدمت استاد کبیر پورپیرار خستگی ناپذیر و همه دوستان:

هم بینش عزیز XXX این اقای محمد رضا نیسی تازه وارد این مجلس شده اند که کمی هیچان زده هستند و از هول حلیم به داخل دیگ شیرجه رفته اند. صبور باشید که ایشان اینقدر نا اشنا به مسئایل و پیچیده گی سیاست هستند که هر حرف و گفته عوام پسند را باور دارند. در زودباوری و چهل لذتی است که در هیچ چیر نیست. لذت ساده لوح بودن مثل این است که تمامی سلول های بدن آدم عسل به چشد.لطفا صبور باشید که این دیگ از جوش خواهد افتاد.

۱ ۲

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود **[حذف مشخصات]**

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر　بازنويسي

ایران شناسی 265

ایران شناسی بدون دروغ 265، نتیجه73، قلم، 2 - 60 نظر

نویسنده: محمد رحمانی

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 6:32

با سلام و خسته نباشید
من محمد رحمانی هستم دانشجوی رشته مهندسی برق (مخابرات) دانشگاه شیراز البته بچه تاکستان (قزوین) هستم
من به تاریخ ایران علاقه زیادی دارم میخواستم از آقای پور پیرار سوال کنم که بهتر تاریخ را با چه کتابهایی شروع کنم .
کتابهایی در زمینه 1- تاریخ قبل اسلام 2- بعد از اسلام 3- تاریخ مشروطه و بعد
همچنین کتابهای مناسب تاریخ جهان را هم معرفی کنید
باتشکر . دوستدار همیشگی آقا ناصر
محمد رحمانی

آقای رحمانی. واقعا نمی توانم کتابی را در حوزه تاریخ به شما معرفی کنم که سراپا دروغ نباشد.

آقای بختیار. مشکلی در انجام آن کار نمی بینم.

نویسنده: +++

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 6:43

سلام به استاد عزیز ودوستان

قصه روباه است ودمش .واسه این آقای ××× یه تایید کننده بیشتر وجود نداره اون هم "یه دانشجو" هستش.شاید این آقای یه دانشجو خود آقا روباهه باشه !!!! اما ما هم مثه صاحب دم می گیم نه بابا این دمشه.آقای ××× برو خوش باش.
نمی دانم فکر می کنی با چه تیپ آدمهایی در این وبلاگ طرفی. فقط بهت عرض کنم این وبلاگ بشکن وبالا بنداز دات کام نیست پسر جان که پر از آدمای دبنگ باشه یه ذره بیشتر با ما باش حالیت می شه..

نویسنده: khalil

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 7:51

سلام استاد
واقعاً در هر زمينه بي نظيريد.به نكاتي اشاره داريد كه كمتر به ذهن انسان خطور مي كند.احسنت
استاد شنيده ام در موزه ايتاليا اتاقك مخصوصي كه دورش زنجير كشيده اند و به گفته مسئول موزه داخل آن صندوقي در قفس هست كه ورژن قديم تورات در آن نگهداري مي شود وهيچ كسي حق باز كردن حتي رئيس جمهور هم باشد ندارد فقط پاپ اعظم مي تواند آن را ببيند.!!
استاد اگر اين حرف درست باشد كه !!! پاپ يعني كتاب الهي را از مردم قائم مي كند؟؟؟؟؟؟

نویسنده: سعید

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 8:2

با سلام
استاد منظورتان از نوشته
«در پیش، اثبات خواهم کرد که حتی قطعه دست نوشته ای بر هیچ ماتریال و در هیچ مقوله ای یافت نخواهد شد که به هر خط و زبانی، دیرتر از چهار و با تردید بسیار پنج قرن قبل نوشته شده باشد.»
این است که هیچ نوشته ای« غیر از قرآن» و یا قرآن هم شامل این موضوع میشود
چونکه نسخه قرآنی ارائه شده متعلق به 10 ، 11 قرن پیش است

در مورد انجیل با نرم افزار فتو شاپ و تطبیق حروف میتوان دریافت که حروف با هم مطابقند و به نظر مثلا تمام« a » ها با یک

ابزار بر روی کاغذ مهر شده اند نام این ابزار که نوعی چاپ ابتدایی است و زمان اختراع آن را نمی دانم اما میتواند به حل این مسئله کمک کند
در مورد نسخه تورات هم با ارائه تصویر با کیفیت میتوان این بررسی را انجام داد

آقای سعید. یادآور شده ام که فقط قرآن است که لت نوشته های قدیم دارد و نه هیچ متن دیگر. مسلم این که آن تورات و انجیل را با امکانات فنی سده اخیر نوشته اند نه با پر.

نویسنده: الیار

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 10:49

با سلام و خسته نباشید

استاد در قرآن کلمه کتاب آمده است. می توانید بگویید که به شکلی بوده است؟ آیا مثل کتابهای امروزی بوده است یا به اشکال دیگری. با تشکر

آقای الیار. لفظ کتاب در قرآن به معنای فرمان گرفته شده و نه کتاب با شکل ظاهر و مفهوم امروز. کتاب در قرآن با لفظ سفر با کسر سین و به صورت جمع یعنی اسفار آمده است... یحمل اسفارا...

نویسنده: محمدرضا نیسی

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 13:31

سلام عليكم برادر گرامي آقاي عباس سلامت و آقاي مهندس سنجري

آقاي سلامت، من از مباحث بنياني استاد عزيز هم راه و روش نوين انديشدن را ياد گرفتم و از آن مهمتر عزيز و سربلند بودن را. در ثاني مسأله همين "بينهم" است اين مقوله شامل هر كسي نمي‌شود نمي‌توان هم "بينهم" بود و هم نژادپرست.
بر خلاف شما فكر نمي‌كنم نوع مباحث من و مهندس سنجري از جنس قوم‌گرايانه باشد، اساسا به اين مقوله فكر نمي‌كنيم ما فقط احترام به حقوق خود را مي‌خواهيم. حداقل ما و شما خوب مي‌دانيم كه با اين انگ و برچسب قوم‌گرايي چه بلاهايي بر سر ما آورده‌اند و همچنان مي‌آورند و در حاليكه قوم‌ستيزي را عليه ديگران به بدترين اشكال آن انجام مي‌دهند و در عين حال در همه ابعاد نيز قوم‌گرايي را براي خود مجاز مي‌دانند.

آقاي سنجري، همانگونه كه مي‌بينيد xxx و يه دانشجو حالا كه ديگر حرفي براي گفتن ندارند مارك تكراري و نخ‌نماي "جهالت" را بر پيشانيمان مي‌كوبند به همان سبك و سياقي كه بزرگان نژادپرست و شوينيست آنها اين مارك را بر همه جهان عرب مي‌كوبند و در اين مباحث بيشترين گستاخي‌ها را به شما، مهندس بزرگوار، نموده‌اند. حتي به خود زحمت ندادند بيش از اينكه سوابق سياسي-اجتماعي و از آن مهمتر اقتصادي شما را بدانند شما را فاقد صلاحيت اظهارنظر در حوزه اقتصاد و سياست مي‌نامند ولي مطمئنا اظهارنظر شما با توجه به سوابق اجرائي به عنوان مسؤول كامپيوتر سازمان اقتصاد و دارائي از آقايان به حقيقت نزديكتر خواهد بود.

نویسنده: محمدرضا نیسی

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 14:59

سلام عليكم آقايان بي‌نام، سلامات و سنجري

به نظر من براي بررسي نهايي موضوع ترجمه آثار استاد بايد يك ديدار مشترك با هم داشته باشيم. يكي از دوستان ما كه به صورت حرفه‌اي در كار ترجمه كتاب از عربي به فارسي و بلعكس مي‌باشد و كتاب‌هاي متعددي از او به چاپ رسيده است و با استاد عزيز و آثار ايشان آشنايي دارد امروز موافقت نهايي خود را براي همكاري اعلام نمود. منتظر نظرتان هستم.
ان‌شاءالله نتايج اين ديدار را با استاد عزيز در ميان خواهيم گذاشت و مراحل اجرائي كار را هماهنگي ايشان شروع خواهيم كرد.

آقاي بي‌نام از بذل توجه و همكاري شما براي ترجمه آثار استاد متشكرم. ايميلتان دريافت شد و جواب آنرا براي شما فرستادم. اگر صلاح مي‌دانيد دوستان را نيز براي اين ديدار پس از مشخص شدن زمان و مكان آن دعوت بفرمائيد.

آقاي سلامات، با عرض پوزش در کامنت قبلي نام شما را اشتباه نوشتم درباره همکاري در زمينه ترجمه برايتان ايميلي فرستادم.

آقای نیسی. همان طور که می فرمایید نیاز به یک دیدار از نزدیک است.

نویسنده: amin

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 15:5

با سلام بر یاران اندیشه ورزی!!
جناب استاد! با تدقیقات اخیر و نگاه خاص عالمانه و روش تحلیل دقیقی که در مجموعه بی مثال اسلام و شمشیر ارائه داده ایدٰ و نبود عباراتی چون < ما ادراک... > و < یسئلونک عن...> در کنار واژه های چون قلم و یسطرون و کتاب و تفکر و حتی خود واژه قرآن و ... آیا می توان گفت کاربرد مکرر این واژه ها در جغرافیای فرهنگی معاصر محمد (ص) کاملا معلوم و عرفی بوده و تاکید خداوند بر این امور از جهتی نشانه امتیازات بالای مسلمین نسبت به پیروان سایر مذاهب بوده است؟؟!

آقای amin.مسلم این که ادراک و ایمان آوردن به یک آیه قرآن هم در فضای جهالتی ممکن نیست که به قوم عرب و بومیان نجد در زمان طلوع اسلام نسبت می دهند.

نویسنده: محمدرضا نیسی

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 15:18

سلام‌عليكم استاد عزيز جناب آقاي پورپيرار
در ابتدا از اینکه ممکن است بحث ما باعث ناراحتي شده باشد از شما عذرخواهي مي‌كنم و لطفا براي بهتر انجام شدن امور مربوط به ترجمه ما راهنمايي فرمائيد.

آقای نیسی. انجام این کار اگر دوستان به جد تصمیم گرفته باشند، ابدا دشوار نیست که بی شک و ابتدا و مقدم بر همه باید از ترجمه اسلام و شمشیر آغاز شود. برای برنامه ریزی کامل هم یک نشست کوتاه حتی با یک نماینده هم کفایت می کند.

نویسنده: م

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 17:2

با سلام ، دوستانی که مایل باشند ، می توانند آرشیو ما را تکمیل کنند که نوعی جمع آوری سخنان قصار درباره مسائل بنیان اندیشانه است

naria-.blogfa.com

نویسنده: khalil

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 16:23

سلام
دوستاني كه به اينجا سر مي زنند بهتر است اين را هم بخوانند:
گفت‌وگوهايي با مهندس منوچهر كارگر

http://www.naria.ir/download/html.aspx?number=463

نویسنده: رعد

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 19:41

آقای پیرار , با توجه به توضیح شما به اقای الیار : کتاب در عربی (قران) = فرمان در فارسی (با معنی امروز) است .کتاب (با معنی امروز) در فارسی = سفردر عربی (قران) با کسر سین است .کنجکاو هستم بدانم : اگر قران به معنای فرمان

قابل قرائت باشد پس نیازی به حمل ان به صورت کتاب نبوده , میتواند صحیح باشد و ایا توضیح دیگر بر ان میتوان مترتب دانست یا که خیر .؟ایا جهودان که مانند الاغ ها اسفار را بصورت لوح سنگی بوده حمل میکرده اند, صدق میکند ؟
خواهشمندم به کنیسه و قم و کلیسا ارجاع نفرمائید .

نویسنده: khalil

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 19:45

آقاي محمدرضا نیسی سلام و خسته نباشید
در مورد مترجم عربي ،من يكي از دوستان را سراغ دارم كه دكتراي اين زبان را دارد و صاحب انتشارات هم هست و ترجمه كتابهاي خليل جبران خليل از ايشان است والبته با مطالب و مستندهاي استاد هم آشنا كرده ام اگر شما مايل باشيد با ايشان هم صحبت كنم.

نویسنده: بی نام

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 19:48

جناب اقای نیسی-سلام علیکم

ایمیلتان را خواندم ممنون از پاسختان.با دوستی که تمایل به افکار استاد دارد (اقای یوسف.ع) تماس گرفتم وشماره تلفن شما را دادم احتمالا" باید با شما تماس گرفته باشد.
در ضمن مطلع شدم که دو شخص دیگر به نام آقایان سیاحی وسواری در حال ترجمه هستند که اگر چنین باشد احتمالا"استاد باید بیشتر خبر داشته باشند.
ضمنا" آقای یوسف.ع این آقایان را می شناسد می توانیدبا کمک یوسف .ع با آنها نیز تماس برقرار کنید.
متاسفانه بعد مکانی مانع از دخالت بنده بطور مستقیم است وسعی می کنم با ایجاد این پیوندها منشا٬کمک باشم.موفق باشید

نویسنده: یه دانشجو(حمال= باربر)

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 21:11

اقای مهندس محمد رضا نیسی: اولا : من اسمی از آن یکی مهندس یعنی مهندس سنجری به میان نیاورده ام که شما پای ایشان را به میان می کشید. ثانیا: اگر مهندس سنجری وزیر علوم عالی ایران می بود و بالاتر از آن حتی ده جایزه نوبل هم نصیب اش شده بود ایا ما باید عقل سلیم مان را به مرخصی فرستاده و گوش به فرمان حرف های این نابغه می شدیم.؟ من از شنیدن این گونه حرف ها در این سایت بنیان اندیشان شاخ در آورذم.

اینکه ادعا می کنید که سران کشور های عربی به اصطلاح متحد شده و برنامه مبارزه با دنیای یهود را دارند مرغ پخته در ته دیگ را هم به خنده وادار می کند. اینکه این سران کشور های عربی بدون اجازه اربابان شان به دستشویی هم نمی روند را حتی کودکان دبستانی هم می داند و اینکه مهندسین ما از این پدیده بی خبرند مرا به اهداف تان مشکوک می کند.

شما فقط کافی است که به نقشه کشور هایی مانند عربستان سعودی و کویت نگاه کنید که مرز هایش را انگار که با خط کش کشیده اند که معلوم مان است که انگلیسی ها این دو و بقیه مرز های خاور میانه را در قرن نوزدهم ایجاد کرده اند.
آدم باید چقدر خوش باور باشد که قبول کند که خاندان آل سعود بدون اجازه انگلیسی مثلا برای خودشان کشوری ایجاد کرده اند.

اقایان مهندسن: اگز اینها قرن ها پیش برای رد گم کردن فاجعه پوریم برایمان در شرکت هند شرقی فردوسی و ابن ندیم و رازی و فارابی و ابن سینا ساخته و برایمان صد ها کتاب جعلی چاپ کرده اند به این راختی خاک عربستان را به اعراب اصیل واگذار کرده اند.؟

تازه ادعایی را شنیده ام که خود خاندان آل سعود انوسی اند که رفتار و سیاست و عمل کرد هایشان با انوسی بودن تطابق کامل دارد.

یه خواهش دیگه دارم و آن اینکه ما در این سایت بنیان اندیشان القاب یکدیگر را به رخ یکدیگر نمی کشیم. اینگونه مهندس و دکتر خطاب کردن ها فقط در میان سلطنت طلبان رواج دارد اما اگر قرار است که همدیگر را با شغل هایمان مشخص کنیم لطفا مرا هم بعد از این حمال بنمانید که در کنار نیمه وقت دانشجو بودنم کار اصلی و محل در آمد ام ازحمالی است که بهش افتخار می کنم.

نویسنده: khalil

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 21:57

آقاي محمدرضا نيسى
عذر خواهي مي کنم که از بي حواسي اسم کتاب را اشتباه نوشتم. مترجم (جبران خليل جبران)

نویسنده: محمد رحمانی

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 22:32

با سلام خدمت استاد گرامی
اگر براتون امکان داره کتابها را معرفی کنید
متوجه جمله زیر نشدم
آقای رحمانی. واقعا نمی توانم کتابی را در حوزه تاریخ به شما معرفی کنم که سراپا دروغ نباشد.

آقای بختیار. مشکلی در انجام آن کار نمی بینم.

نویسنده: مسعود سنجری

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 22:32

برادر مهندس نیسی
سلام علیکم
تمام امکانات این جانب در اختیار شماست. انشالله با ارتباط برقرار کردن با دیگر دوستان از صرف هزینه و زمان در کارهای تکراری اجتناب و با استفاده از تجربه دسته جمعی این مسیر را سریع تر طی خواهیم کرد.

حضرت یه دانشجو
دنیای قشنگی داری انشالله به آرزوهات برسی و خوشبخت بشی.

والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: محمدرضا نیسی

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 23:44

سلامعليکم جناب آقاي پورپيرار
از راهنماييتان بسيار متشکرم. اتفاقا در صحبتي که چند روز گذشته با مهندس سنجري داشتم ايشون نيز درباره شروع کار از اسلام و شمشير با شما هم نظر بودند.
براي تسريع کار نيز ديداري با آقاي سنجري و يکي ديگر از دوستان (که از لحاظ فني نقش محوري خواهند داشت) براي 24 ساعت آينده تدارك ديدم.
البته اگر مقداري با تأمل جلو مي‌رويم به اين دليل است که نمي‌خواهيم کار مانند ترجمه امتحان آخر ترم از کار درآيد و کاملا حرفه‌اي و قابل عرضه در انتشاراتي‌هاي کشورهاي عربي باشد و هم مخاطبان عمومي و مخاطبان حرفه‌اي آن را بپسندند.
همچنين پاره‌اي هماهنگي‌هاي اوليه براي انتشار ترجمه انجام شده که اگر توفيق حاصل شد تا آخر هفته در تهران باشم حضورا به عرض خواهم رساند.
در هر صورت هر گونه پيشرفتي حاصل شود حتما هماهنگي لازم با حضرتعالي به عمل خواهد آمد.
في امان الله

آقای نیسی. خداوند یار و مدد کار شما و دیگر دوستان دست اندر کار باشد. یادآوری کنم که از نظر فنی ترجمه اسلام و شمشیر به عربی، چندان زمان نخواهد برد، زیرا که آیات الهی در قرآن، نیازی به ترجمه ندارد و بدین سان قریب یک سوم از حجم کار کاسته خواهد شد. ضمن این که ظاهرا ترجمه بخش هایی از آن نیز آماده است. موفق باشید.

نویسنده: مجید

یکشنبه 19 اردیبهشت1389 ساعت: 23:46

لام بنده مجد دو باره ژیام میدم من نوشته های استاد را تو کلوب دات کام گذاشتم همینجوری دارم فحش ودری وری میشنوم

میتونید بمن کمک کنید
http://www.cloob.com/profile/memoirs/one/userid/1074993/memid/13435
خواهش میکنم بگویید استاد مدرکش چیه من عاشقشم اما جلوی مخالفاش کم اوردم

آقای مجید. نیمه تمام ماندن بنای تخت جمشید، قلابی بودن سراپای پاسارگاد و نوکنده بودن کتیبه های ساسانی نقش رستم که در مستندها و مقالات اثبات شده، ربطی به تحصیلات من ندارد که اسم خودم را هم غلط می نویسم!

نویسنده: محمدرضا نیسی

دوشنبه 20 اردیبهشت1389 ساعت: 0:3

سلام‌عليكم

آقاي khalil
از پيگيريتان تشكر مي‌كنم موضوع را با دوستتان مطرح كنيد تا درصورت موافقت هماهنگي‌هاي بعدي انجام شود.

آقاي بي‌نام
توجه و اهتمام شما به اين موضوع تا همين جا كلي منشأ فايده بوده و باعث مزيد امتنان ولي دوست شما تماسي نگرفته، اگه ممكنه تسريع بفرمائيد

آقاي سنجري
حتما تجارب شما چراغ راه خواهد بود و وقت شما را بيشتر خواهيم گرفت

في أمان الله

نویسنده: بابك

دوشنبه 20 اردیبهشت1389 ساعت: 8:16

با سلام خدمت استاد روشنگر و دوستان بنيان انديش
جناب يه دانشجو
دوست گرامي، آقاي پورپيرار در اين چند سال نشان داده اند كه يك آدم شناس و روانشناس حرفه اي هستند و اگر احساس كنند كه كسي اين مباحث بنيان انديشي را به بيراهه مي برد مطمئنا با اين موضوع برخورد خواهد كرد ايشان با هيچ احد الناسي تعارف ندارند نمونه اش اين آقاي اترش و انجمن بود كه اين امر مشخص شد. حتي خود من به شك افتادم كه چرا استاد اينقدر بدبين هستند ولي صحبتها كه ادامه يافت واقعا به تجربه و پختگي استاد در شناختن آدمها دورو برش ايمان آوردم. در مورد آقاي سنجري و آقاي نيسي هم كه وارد گود شده اند و مانند امثال من خواننده صرف نيستند بايد احترامشان را داشته باشيم چون استاد براي اشاعه نظرياتش كه آرزوي همه ماهاست به اينگونه آدمها نياز دارد ولي مطمئن باشيد اگر همين افراد هم در مسير بنيان انديشي خالصانه عمل نكنند به زودي طرد خواهند شد ولي اين را هم مطمئنم كه عملكرد اينها خيلي بهتر از امثال من است...
بابك

نویسنده: اليار

دوشنبه 20 اردیبهشت1389 ساعت: 10:6

با سلام

استاد الان چندين بار است که به ترکمنچای میروم تا در باره عهدنامه چند تا عکس بردارم و اطلاعاتی کسب کنم. باور کنید حتی اهالی ترکمنچای اونو ندیدند. از چند نفر سالخورده پرسیدم گفتند که با آب طلا بروی کاغذ نوشته اند. چند نفر دیگه هم گفتند که بروی سنگ نوشته شده. و تو مسجد گذاشتند. وقتی مسجد رفتیم گفتند که یکی دو ماه پیش دزدیدند. به نظرم اگر عهدنامه واقعیت داشت حداقل یه ماموری میذاشتند. شما میتوانید اطلاعاتی راجع به عهد نامه بدین؟

با تشکر
ارادتمند شما

نویسنده: khalil

دوشنبه 20 اردیبهشت1389 ساعت: 12:35

استاد حالا در اين لينك به خانواده هاي غفاريها نگاه كنيد:
http://www.ichodoc.ir/p-a/CHANGED/10/HTML/10_10003.HTM
نظر شما چيه؟؟؟؟

نویسنده: خلیج

دوشنبه 20 اردیبهشت1389 ساعت: 12:37

دبیر کل قطری شورای همکاری خلیج فارس در اظهارات خنده داری گفت: فارسی نامیدن خلیج عربی مسخره کردن تاریخ است.

به گزارش عصر ایران ، عبدالرحمن بن حمد العطیه در گفت و گو با روزنامه الحیات چاپ لندن درباره مواضع ایران در زمینه فارسی نامیدن خلیج فارس گفت: نباید تاریخ را مسخره کرد چرا که تاریخ همیشه حاکم است.

وی در بی سابقه ترین و در عین حال گستاخانه ترین سخنان یک مقام عرب افزود: ادعای ایران برای خلیج فارس نامیدن این دریا، مسخره کردن تاریخ است زیرا حضور عرب ها در ساحل شرقی خلیج ع رب ی همچنان ادامه دارد و این حضور به صورت تاریخی بیش از سه هزار سال سابقه دارد در حالی که حضور ایرانی ها در این منطقه تازگی دارد و حداکثر مربوط به دوران ایجاد دولت صفوی یعنی پنج قرن گذشته است.

نویسنده: رعد

دوشنبه 20 اردیبهشت1389 ساعت: 14:46

اقای پیرار , در مورد نوع نگارش , سخن شما بی پروا صحیح میباشد .
در مورد نوع جوهر و ماندگاری ان تا امروز , باید از ان خداوند رحمن و رحیم مدد گرفت .

نویسنده: مممم

دوشنبه 20 اردیبهشت1389 ساعت: 15:43

آقای محمد رحمانی

سیادنیج آنیشین فقط جیو کتابن بخن بیخود جیجا کتاب پییه مشه

نویسنده: کاکا

دوشنبه 20 اردیبهشت1389 ساعت: 16:50

سلام

آقای خلیج ممکن است لطف کرده و بفرمائید ،این دریا از نظر تاریخی و تمدنی و مالکیت ، از چه زمانی نام « خلیج فارس » را به خود گرفته و به این نام خوانده می شد ؟

اگر منظورتان آن تبلیغات و جشن سراسری است که چند روز گذشته برای نامگذاری " خلیج همیشه فارس "انجام گردید ، که گویی سند مالکیت آنرا از "اداره ثبت اسناد دریایی و اقیانوسی جهان " گرفته ایم ! پس مبارکمان باشد !!!

به امید روزی که " نام " این خلیج وسیله ای برای اتحاد و وحدت بیشتر مسلمانان منطقه و جلوگیری از توطئه های یهود ، نه عربی و نه فارس ، بلکه بنام « خلیج همیشه اسلامی » نامگذاری گردد.

نویسنده: (=.=)

دوشنبه 20 اردیبهشت1389 ساعت: 20:15

زنده باد خلیج اسلام عامل وحدت مسلمانان منطقه.ننگ باد بر آنان که هویتشان بر تفرقه بین مسلمانان است.

نویسنده: محمدرضا نیسی

سه شنبه 21 اردیبهشت1389 ساعت: 0:8

سلام‌عليكم برادر گرامي "بي‌نام"
با تشكر از پيگيري شما، دوستتان براي موضوع ترجمه امشب با من تماس گرفت و قرار شد هفته آينده ديداري داشته باشيم

في أمان الله

نویسنده: محمدرضا نیسی

سه شنبه 21 اردیبهشت1389 ساعت: 1:7

اندر احوالات خبرگزاري ميراث فرهنگي در هزاره!!! سرايش شاهنامه

"محققان كمبريج جديدترين بررسي‌ها درباره شاهنامه را منتشر مي‌كنند
اما متخصصان بين المللي ازجمله«چارلز ملويل» و «باربارا برند» و «ديك ديويس» از جمله كارشناساني هستند كه توانسته اند نوري بر پيشينه تاريخي اين اثر بزرگ بيفكنند و اهميت و راز ماندگاري اين ميراث ملي را آشكار كنند."

معلوم نيست اين محققان نامحترم چه وقت قرار است دست از سر ما بردارند و كي قرار است "بررسي‌هاي جديد" يك اثر به ظاهر 1000 ساله تمام شود!
id=32826&http://www.chn.ir/news/?section=1

"فردوسي تا آينده‌ي دور ايرانيان را كافي است"

يعني عظمت باستاني و عمق و ريشه‌هاي تمدن ايران از گذشته دور تا آينده دور در يك كتاب 1000 ساله خلاصه مي‌شود؟

"اما محمدامين رياحي، از فردوسي‌شناسان معاصر، نام «حسن بن علي» را به خاطر شيعه بودن فردوسي مناسب دانسته و تأييد كرده‌است."

به روباه ميگن شاهدت كيه ميگه دمم، اينم حال و روز آقايان براي اثبات دروغ‌هاي خود به ديگر جعليات خويش استناد مي‌كنند.
id=31163&http://www.chn.ir/news/?Section=1

"نمايش 120 اثر خطي، فلزي و سراميك شاهنامه در بريتانيا"

بله باز هم كاسه از آش داغتر هميشگي

"كشور بريتانيا افتخار دارد كه يكي از غني ترين كشورهاي جهان از نظر برخورداري از انواع آثار هنري مربوط به شاهنامه را در خود گردآوري و حفاظت كند."

راستي اين خبرگزاري ميراث فرهنگي ايرانه يا بريتانيا؟! اين كه داره افتخارات «كاسه از آش داغتر» رو به رخمون مي‌كشه!!!!

"آثار هنري مربوط به شاهنامه در كتابخانه بريتانيا و نيز مجموعه هاي خصوصي بسيار كمياب موجود در كاخ ملكه بريتانيا كه تاكنون به ندرت در معرض ديد افراد وعلاقمندان قرار گرفته ازجمله ديگر آثاري است كه در اين نمايشگاه براي نخستين بار يكجا و همزمان، به نمايش در مي آيد."

آقای نیسی. این هجوم همه جانبه برای دفاع از دروغ، به ویژه از سوی لندن، نخست جد اعلای مهمل سازی ادبی و تاریخی موجود برای ایرانیان را معرفی می کند و در ثانی عمق آسیبی را نشان می دهد که از سوی این تحقیقات متوجه مراکز ایران شناسی برخاسته از دروغ شده است! به امید خدا بر باد خواهند شد.

نویسنده: محمدرضا نیسی

سه شنبه 21 اردیبهشت1389 ساعت: 1:10

اين هم لينك خبر آخر كه يادم رفت بزارم
id=32830&http://www.chn.ir/news/?section=1

في أمان الله

نویسنده: مهران حقیقت

سه شنبه 21 اردیبهشت1389 ساعت: 8:8

با سلام بر استاد و دوستان

با خواندن خبر بالا مبنی بر دفاعیات لندن از شاهنامه؛ یاد سرآغاز کتاب اسلام و شمشیر استاد افتادم: "مشرکان نجسند"

خسته نباشید و در پناه حق همچنان بر جهالتها نور بتابانید.

ممنون

نویسنده: khalil

سه شنبه 21 اردیبهشت1389 ساعت: 8:55

برادر احمدشاه مسعود زورخانه فردوسي كابل را افتتاح مي‌كند

خبرگزاري ميراث‌فرهنگي_ گردشگري_ سيدامير حسيني، دبيركل فدراسيون بين‌المللي ورزش‌هاي زورخانه اي گفت:« مجموعه ورزشي فرهنگي و آكادمي ملي المپيک افغانستان، با هزينه يک ميليون دلاري ايران !!!! از محل کمک به بازسازي افغانستان در دو سال ساخته شده است.»
سيدامير حسيني با اعلام خبر افتتاح مجموعه ورزشي فرهنگي و زورخانه حكيم ابوالقاسم فردوسي در روز شنبه هشتم تيرماه گفت:« در اين مراسم احمد ضيا مسعود، معاون اول رييس جمهور و برادر شهيد بزرگوار احمدشاه مسعود، وزرا، نمايندگان مجلس، سفراي خارجي در كابل و مقامات بلند پايه ايراني شركت خواهند داشت.»
======================
از پان فارسهاي عزيز هرکس با خواندن شاهنامه فردوسي کسالت پيدا کند مي تواند آدرس دقيق اين مکان مقدس پارسيان را از احمد شاه مسعود دريافت کرده و براي زور دادن، خود را آماده کند!!!!

نویسنده: خلیج

سه شنبه 21 اردیبهشت1389 ساعت: 9:2

باید بگم دبیر کل اتحادیه عرب خیلی تخفیف داده که تاریخ ایران را به زمان به اصطلاح صفویه امتداد داده....چون ما که قبل از ناصرالدین شاه کشوری نبودیم که بخواهیم روی ابهای اطرافمان اسم بگذاریم....ثانیا" همه می دانیم که پدیده فارس و فارسی گرایی بسیار جدید و وارداتی و ساختگی است و به همین اواخر برمی گردد

نویسنده: محمدرضا نیسی

سه شنبه 21 اردیبهشت1389 ساعت: 16:29

سلام عليكم
بله استاد عزيز، إن شاءالله به همت و تلاش شبانه‌روزي شما و مساعدت بنيان‌انديشان نور حقيقت چشمان دروغ‌پردازان بريتانيايي و ساير همكاران بين‌المللي آنها و همچنين ايادي و مزدوران داخلي را كور خواهد كرد و خفاشان پنهان شده در پس‌توي كاخ ملكه بريتانيا رسوا خواهند شد.

نویسنده: r134a

سه شنبه 21 اردیبهشت1389 ساعت: 20:2

khaste nabashid ostad

نویسنده: مسلم

چهارشنبه 22 اردیبهشت1389 ساعت: 1:59

با سلام
اگر منظور قران از کتاب و مشتقات آن فرمان است پس منظور قرآن از اسفار چیست ایا آنها هم مثل کتب امروزی بوده اند؟یا به صورت لت نوشته و شیرازه نشده؟ ایا تمدنهای ماقبل پیامبر به صنعت کتاب به مفهوم امروزی ان رسیده بودند؟یا کتاب به چیز دیگری میگفتند؟
منظور قرآن از کتابهای پیشین(فرمانهای پیشین) و ملزم کردن مسلمانها به ایمان به آنها وحتی خود کتاب قرآن

چیست؟مسلمانان امروز چگونه به فرمانهای پیشین دست یابند تا به مرحله ی ایمان برسند؟(شرط ایمان در قران)
منظور از "یعلمهم الکتاب و الحکمه"چیست مگر فرمان آموختنی است یا امر کردنی؟یا علم چیز دیگری است؟
منظور ازقلم و سطر در قران چیست؟ایا اعراب نجد به فناوری قلم رسیده بودند؟
پس منظور قران از املا چیست و نویسنده ی املا ؟
ایا کتاب قران یعنی "فرمانهای خواندنی"؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 22 اردیبهشت1389 ساعت: 4:15

آقای مسلم. سفر که جمع آن اسفار است به مجموعه ای از اوراق می گویند که مطالب آن به هم مربوط باشد. مثلا اوراق حاوی تورات را روی هم در صندوقچه ای می چیدند و نام آن را صندوقچه و یا تابوت عهد می گذاردند که البته در آن دوران صحافی نشده بود. و به گمانم باید اندکی هم تامل کنید و مطالب در دنبال را بخوانید.

آقای ×××. تمام طرفین درگیر در آن نبرد بزرگ اعلام آتش بس کرده اند.

آقای رعد. باید حوصله داشت و در انتظار فرصت و امکانات ماند.

آقای رامین ع. اذیت ها هر روزه و به اشکال مختلف در حوزه های فرهنگی برقرار است ولی مستمسک قانونی برای اقدام بدون آبروریزی ندارند. شما با اخلاق خوش و با زبان ملایم و ارائه ی دلایل خفته در مستندها باز هم دعوت به حقیقت کنید.

نویسنده: khalil

چهارشنبه 22 اردیبهشت1389 ساعت: 9:20

استاندار آذربایجان غربی افزود: با همت مسئولین و اختصاص دو میلیارد تومان ؟؟؟؟؟؟؟فضای مقبره شمس به 7600 !!!! متر رسید و اکنون تلاش برای احداث مقبره و بارگاه شمس آغاز شده است.

سلام استاد
مردم از بيكاري و بي پولي زن و مرد بسيج شده تا نان خانواده را تأمين كنند ولي اين آقايان نارگيل خور فله فله ميلياردها ميليارد از بيت المال را خرج گورها و بناهاي بي صاحب مي كنند.
استاد اينها براي اينكه دروغهايشان باد كرده مي خواهند با هزينه هاي كلان آبروي رفته شان را باز گردانند.

اين هم از صاحب گور عارف بزرگ استادشمس كه از بي كاري يا تشدد عرفاني خود را به بيابان زده و دارد با بچه محلشون شطرنج بازي مي كند.حتماً جناب مولانا هم جزء تماشاچي ها از سود بردن شرط بنديهايي كه براي شمس انجام داده عاشق او مي شود.
http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/e/e4/Shams_ud-Din_Tabriz_1502-1504_BNF_Paris.jpg

نویسنده: آيدين قشقايي

چهارشنبه 22 اردیبهشت1389 ساعت: 9:55

سلام به دوستان
دوستان براي اينكه حاضرين در كلاس درس بنيان انديشي هم سهمي در اشاعه حقايق تاريخ شرق ميانه داشته باشند اينجانب پيشنهاد مي كنم چندين كارگروه در مورد مسائل روز مبتلابه دنياي اسلام تشكيل شود و با استفاده از وبلاگ گروهي هر كارگروه مساله مربوطه خود را بر اساس مباحث بنيان انديشانه ارائه شده توسط جناب آقاي پورپيرار كبير ادامه دهد. رييس هر كارگروه هم از بين دوستان بنيان انديشي باشد كه تا كنون امتحانشان را پس داده اند.
بعضي از كارگروهها كه به نظر من وجودشان لازم است شامل: كارگروه فلسطين، كارگروه قره باغ، كارگروه زبان (عربي/فارسي/تركي/ و ...) مي باشند.
تا نظر دوستان چه باشد!

نویسنده: عباس سلامات

چهارشنبه 22 اردیبهشت1389 ساعت: 11:15

سلام استاد
میشه لطف کنین وبفرمایین که اشاره خداوند در آیه شریفه (ن والقلم یسطرون) به چیست.

نویسنده: مسعود سنجری

چهارشنبه 22 اردیبهشت1389 ساعت: 12:20

برادر قشقایی عزیز
سلام علیکم
اگر امکان دارد در خصوص کارگروه ها و بطور خاص کارگروه زبان توضیح بیشتری بفرمائید.
والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 22 اردیبهشت1389 ساعت: 12:30

استاد عزیز جناب آقای پورپیرار-سلام علیکم خسته نباشید

امروز مرقومه ای با مضمون وصیت نامه تشرف به حج مربوط به سال 1302 هجری را برای شما پست کردم (کپی) البته به بنده قول بیش از این را داده بودند که به عهد خود عمل نکردند.باز هم پیگیرم که اگر در رابطه با کتوبه ها چیزی به دستم رسید ارسال کنم.
برقرار وچون همیشه سرفراز در عین صحت وسلامت باشید انشا الله.

نویسنده: khalil

چهارشنبه 22 اردیبهشت1389 ساعت: 14:15

استاد در مورد خط و خطوط نوشتاري چيني ها چه نظري داريد.معمولاً آنها با قلمو مي نويسند يعني آنها نوشتن را از چه موقع شروع كرده اند؟؟؟؟

نویسنده: khalil

چهارشنبه 22 اردیبهشت1389 ساعت: 15:24

استاد در مورد بازي شطرنج چه نظري داريد؟؟؟؟هر چقدر من خودم دنبال تاريخچه اين بازي گشتم چيز به درد بخوري عايدم نشد و همه جا گزارش نا معلوم داده بودند.البته بعضي ها به هنديان نسبت داده اند.
در داستان ثعالبی در شاهنامهٔ معروف به ابومنصور هم نقل می‌شود. این داستان را فردوسی نیز در شاهنامه(قاسدان نامه) خودش با تفصیل بیشتر هم آورده‌است.
استاد اگر حقيقت را در اين مورد پيدا كنيم باز هم از طرفي مي توان اين مينياتورها و اين شعرهاي آب دوغ خياري و آبگوشت پيازي را همراه با آش نظري كنيسه و كليسا به كاسه قي اضافه كرد.

نویسنده: سلام محمدی

چهارشنبه 22 اردیبهشت1389 ساعت: 16:35

id=536&cmd=4&http://www.kurdishcartoon.com/index.php?Page=Articles

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 22 اردیبهشت1389 ساعت: 21:43

آقای عابدی. عزت الله نگهبان در صفحه 53 کتاب مروری بر 50 سال باستان شناسی ایران می نویسد: در این هنگام بعضی از زارعین و به خصوص نوجوانان که در اطراف دهکده مشغول بازی بودند به طرف ما آمدندو پس از آن که مشاهده نمودند یک نفر از ما خارجی است، بعضی آن ها رفته و اشیایی برای فروش به همراه خود آوردند... بعضی از آنان مجسمه های مفرغی حیوانات را که به اندازه های کوچک ساخته شده بود برای فروش عرضه داشتند و می گفتند ان ها را ضمن کند و کاو از زمین های اطراف به دست آورده اند. وقتی این اشیای عتیقه را بررسی کردیم متوجه شدیم که مجسمه های مفرغی تقلبی و ساختگی هستند. برای نگارنده این سئوال پیش آمد که این اشیا' تقلبی چه گونه به دست این زارعین رسیده است. وقتی موضوع را با همکاران در میان گذاردم گفتند که این اشیا' در تهران و یا پاریس و رم ساخته می شود و دلالان وارد ایران می کنند و برای فریب خریداران به روستاهایی می فرستند که در نزدیکی آن ها آثار باستانی وجود دارد و حفاری می شده است.

دوستان در مورد مبحث قلم به تر است حوصله کنند.

آقای سلامات. قسم خداوند به قلم و نوشتار یک اصل کلی است و قصد اشاره به قلم مشخصی را ندارد. مثلا اشاره خداوند

به نهی تفرقه یک اصل کلی است نه وقوع تفرقه مذهبی در زمان نزول آیه.

آقای بی نام. ممنون. وجود اوراق نوشتاری در 130 سال پیش محل حیرت نیست. گفت و گو از ادعاهای کنونی در باره وجود نمونه های کتابت در 500 سال پیش است.

نویسنده: مسلم

پنجشنبه 23 اردیبهشت1389 ساعت: 0:0

با سلام خدمت استاد عزیز
بی صبرانه منتظر ادامه یادداشتهای شما هستم.
فقط برای اینکه سوالات بنده هم در مقالات بعدی لحاظ شود سوال دیگری را در ادامه پرسشهایم دارم و ان اینکه منظورتون از اوراق چیست؟ایا منظور ورق های کاغذ است یا پوست یا پاپیروس یا سفال یا سنگ؟
انها با چه وسیله ای نوشته یا حکاکی یا ترسیم شده بودند؟روش کار آنها چگونه بوده؟
صحت و سند این مطالب از کجا فهمیده میشود؟
اگر تورات سفر داشت چرا قران بعد از تورات سفر نداشته؟عوامل مزاحم و مخالف سفر و اسفار قران چه بوده است؟
پیشنهاد میدهم اگر وقت آن رسیده که بار دیگر قرآن قویم را بکاوید، ادامه ی یادداشتها را به "اسلام و شمشیر" یا "سلسله ی انبیاء"اختصاص دهید.

نویسنده: احسان

پنجشنبه 23 اردیبهشت1389 ساعت: 12:9

اگر از تورات نسخه ی قدیم باقی نمانده پس مثلاً در 2500 سال قبل قسمتهای تاریخی آن را (کتاب ارمیا- اشعیا- دانیال و ...) را بر چه چیزی نوشته بودند؟ بر سنگ یا گل ؟

۱ ۲ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود **[حذف مشخصات]**

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر | بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 265، نتیجه73، قلم، 2 - 117 نظر

نویسنده: خبر

پنجشنبه 23 اردیبهشت1389 ساعت: 14:34

مدیر بلاگفا بازداشت شد
ساعتی پیش علیرضا شیرازی مدیر سرویس وبلاگ بلاگفا با حکم قاضی در منزل دستگیر و به دادسرای نیابت منتقل شد.
دستگیری وی درباره شکایت شخص حقیقی از یکی از وبلاگهای بلاگفا است.
لازم به توضیح است که وبلاگها تحت مسولیت حقوقی نویسنده و صاحب هر وبلاگ منتشر می شود و مسولیت سرویس وبلاگ و مدیر سرویس در چارچوب قوانین جرایم رایانه ای و در حد حفظ ادله و ارایه داده ها به مراجع قانونی است.

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 23 اردیبهشت1389 ساعت: 20:40

سلام به استاد ودوستان

داشتم مروری بر مطالب گذشته ونظرات می کردم که کامنت زیر از آقای عارف نظرم را جلب کرد.

نویسنده: AREFدوشنبه 13 اردیبهشت1389 ساعت:
salam ostad8
gatar shodeh wa az balaye poshte boom meman dor mizaznan nim saatte keh 7safineh fazayee beh surat

کسی می دونه این یعنی چه؟

آقای بی نام. ایشان ظاهرا در نیمه شبی در بالای بام منزل شان در ارومیه چندین شیٔ نورانی در حال گذر دیده اند که گویا در مجموع احوالات ایشان اثرات عجیبی گذارده است. در خدمت دوستانم.

نویسنده: K3yl0gg3r

پنجشنبه 23 اردیبهشت1389 ساعت: 20:47

سلام آقای پورپیرار

عرض خسته نباشید و دعا و آرزو برای توفیقات بیشتر در آینده برای شما
بنده ویدیوهای مصاحبه با شما (تختگاه هیچکس) رو چندین سال قبل دانلود کردم.واقعا زحمات ارزنده ای از همه لحاظ خصوصا بخش های گرافیکی انجام شده بود.ایکاش ویدیوهای بیشتری در زمینه های مختلف مورد بحث تهیه کنید و معرفی کنید(شاید باشه و من ندونم)؛بگذریم
به یکی از دوستان که دبیر تاریخ و دانشجوی دانشگاه بود دادم تا در دانشگاه بررسی و تحلیل تاریخی کنند.بعد از چند روز با کمال تاسف دیدم ایشون از قول استادشون عرضه داشت که در این شرایط که اعراب در حال تاریخ دزدی(!) از ما هستند گفتند این صحبتها چه فایده ای داره و این حرفها بی پایه است...

جای تاسف است که عِرق پان ایرانیسم در بعضیها تا بکجاست

اخیرا برای دو نفر از دبیران تاریخ دیگه نمایش دادم ، با روی بازتری پذیرا شدند
به هر حال غرض ، عرض تشکری از جنابعالی بود که چشم بسیاری از ما رو به حقایق باز کردید و چاره اندیشی برای عرضه ی عمومی تر این مطالب هست تا کمتر با مقاومت قشریون روبرو نشید

نقل قولی از یکجا همیشه یادم هست که سفیر اسراییل در ایران پیش از انقلاب گفته بوده که اگر مردم ایران روزی بفهمند ما در ایران مشغول چه کارهایی هستیم... .
همیشه برام جای سوال بود مگه چه اعمالی انجام میدادند که اینقدر در نظرشون بزرگ و مهلک بوده.فکر میکنم با مطالعه ی نظریات شما تا حدودی (هر چند اندک) پی به ماجرا برده باشم
بدرود

آقای K3yl0gg3r. مستند تختگاه هیچ کس تست شناخت اشخاص شده است که آیا رابطه ای با حقیقت دارند و یا خیر.

نویسنده: ایلدیر

جمعه 24 اردیبهشت1389 ساعت: 1:16

http://img.blogcu.com/uploads/geograpy_N.jpg
اقای پورپیرار،درموردمجسمه های کوه نمرودچه نظری دارید.ایاجعلی هستندوگرنه مربوط به کدام دوره تاریخی وکدام تمدن اند.

وب سایت

نویسنده: reza

جمعه 24 اردیبهشت1389 ساعت: 3:8

قابل توجه دوستان تازه وارد به این وبلاگ

مشاهده و داونلود همه فیلم های مستند ساخته شده تاکنون از تحقیقات استاد در زمینه تاریخ ایران و شرق میانه

http://www.naria.ir/view/8.aspx?id=402

وب سایت

نویسنده: حمید فارغ‌بال

جمعه 24 اردیبهشت1389 ساعت: 9:28

جناب آقای پورپیرار
سلام
من به‌عنوان شخصی که در این مملکت زندگی می‌کنه تا مدت‌ها با چشمان بسته زندگی می‌کردم تا این‌که مدتی قبل کتاب ۱۲قرن سکوت شما رو خوندم. بسیار عالی و به‌نظر من تماما حقیقت. متحول شدم و رفتم چندجا هم نظرات شما رو گسترش دادم. خوش‌بختانه عده‌ای با روی باز استقبال کرده و پذیرفتند؛ حال آن‌که عده‌ای بر دروغی که به‌درون مغزشان وارد شده استقامت ورزیدند.
امیدوارم که روزی تمامی مردم از جفای حکومت‌های پیش‌از اسلام بر تمدن‌های حقیقی این سرزمین آگاه بشوند.
باتشکر
حمید فارغ‌بال

نویسنده: موومان

جمعه 24 اردیبهشت1389 ساعت: 10:29

سلام استاد بزرگوار. خسته نباشید.

در هفته ای که گذشت من بالاخره استخدام شدم! همین یک هفته سر کار رفتن کافی بود تا به عمق فاجعه ای که مشرکین نجس بر سر مردم دنیا آورده اند و از آنها بردگانی خسته و ناتوان ساخته اند پی ببرم. در خلوت خود عهد کردم که به هر زحمتی که هست و شدیدتر از گذشته، تمام توان خود را برای مبارزه با پلیدی ها به کار برم. من آزادگی و جنگندگی خود را تا حد بسیار زیادی مدیون شما هستم و جز دعای خیر و تلاش برای اشاعه ی بنیان اندیشی کار دیگری برای شما از

دستم بر نمی آید.

به امید آن روز که فرمان الهی به غلبه ی حق بر باطل جاری گردد.

نویسنده: ×××

جمعه 24 اردیبهشت1389 ساعت: 13:25

جناب mooman سلام
لطف میکنید کمی بیشتر توضیح بدید؟ در مورد این جمله:(همین یک هفته سر کار رفتن کافی بود تا به عمق فاجعه ای که مشرکین نجس بر سر مردم دنیا آورده اند و از آنها بردگانی خسته و ناتوان ساخته اند پی ببرم.) مرسی

نویسنده: فتح

جمعه 24 اردیبهشت1389 ساعت: 17:47

گزارش خبرآنلاین از متن و حاشیه حضور رهبر انقلاب در نمایشگاه کتاب/ چاپلین اصالتا ایرانی بود!؟
http://www.khabaronline.ir/news-61497.aspx
آقای پورپیرار به شما هم سر زدند.

رمزگشایی از یک شوخی تاریخی/
چارلی چاپلین اصالتاً ایرانی بود؟!

http://www.parsine.com/fa/pages/?cid=20470
این هم تائیدیه ای محکم بر نوشته های استاد

آقای فتح. بله به ما هم سرزدند ولی بخش حزاست نمایشگاه، که به بهانه های بی معنی غرفه کارنگ را تعطیل کردند.

نویسنده: آرمین

شنبه 25 اردیبهشت1389 ساعت: 0:56

با سلام خدمت استاد بزرگوارم جناب آقای پورپیرار
قبل از هر چیز از شما تشکر میکنم که هر لحظه برگ تازه ای از حقیقت را بر ما آشکار میکنید.استاد،هنگام مطالعه یادداشت 222 ،سوالی برایم مطرح شد،و آن این است که ما باید حضور قوم اورارتو و آشوری را درشرق میانه به طور کلی منتفی بدانیم و یا اینکه وسعت آن دو را تا ترکیه که محل وقوع طوفان نوح بوده و اینکه مرکز اورارتوها ترکیه است را بایستی منتفی بدانیم؟
با تشکر از زحمات گران قدرتان

آقای آرمین. اختراع این اقوام در آن منطقه، فقط و فقط تاییدیه ای است برای مطالب مندرج در تورات که گاه گاهی برای هر یک از آن ها قطعه سنگی را نیزجاعلانه مصور و منقوش کرده اند. در ایران و در حوزه ی تجمع آب ناشی از وقوع طوفان در ترکیه، تا همین اواخر تجمع انسانی با هیچ نام و مشخصاتی ممکن نبوده است.

نویسنده: آرمین

شنبه 25 اردیبهشت1389 ساعت: 12:27

خیلی ممنون استاد

نویسنده: khalil

شنبه 25 اردیبهشت1389 ساعت: 17:31

سلام استاد.خسته نباشید
استاد جالب است بخوانید:
یافته ها ی جدید پیرامون تکامل تاریخی و پیدایش اسلام

از نظر کارل هاینس اولیگ(پرفوسورآلماني) پیچیدگی های تاریخی بسیاری در زمان اسلام وجود داشته است که برای روشن شدن آن به همکاری بسیاری از متخصصان مختلف از جمله فیلولو گ ها (زبان شنا سی تاریخی – تطبیقی) ، متخصصان زبان شناسی در حوزه زبان سامی ، متخصصان سکه شناسی (سکه هایی که در آن زمان ضرب شده اند) توجه به امپراطوری ساسا نیان و بیزانس و حرکتها و جنبش های مذهبی و فرهنگی آن زمان و ... نیاز داریم. در واقع دو کتاب ،، آغاز تاریک ،، (۳) و،، صدر اسلام،، (۴) تلاشی در این جهت است. یعنی درک واقعی و یافتن تاریخ واقعی اسلام و به همین دلیل بر منابع کتبی و مستند موجود در دو قرن اولیه اسلام (مطابق اعتقاد سنتی در اسلام) متمرکز شده است.

t=8165&http://www.askquran.ir/showthread.php?s=654385e667b8a77ea0b5827f6c89371e
استاد به نظر من این یکي هم مانند پرفوسورهاي ديگر مثل ريچارد فراي و سلمان رشدي با كتابهاي شبيه آيات شيطاني وارد ميدان شده... .
استادنظر شما در مورد این دو کتاب چیه؟

آقای khalil. جز قرآن هیچ سند دیگری از قرون اولیه اسلامی وجود ندارد که مجعول نباشد. بنا بر این در پس این ظواهر این محققین و تالیفات شان افعی خطرناکی چنبره زده است.

نویسنده: فتح

شنبه 25 اردیبهشت1389 ساعت: 18:5

وقتی تو همین چندین سال جلوی چشم همه پروفسوری خلق می شود که مدارک محکمی ارائه می کند دال بر اینکه چارلی چاپلین ایرانی است همه هم قبول می کنند کسی هم پیگیر قضیه نیست تازه اگر هم باشد راه به جایی نمی برد و از همه اینها مهمتر به عنوان یک افتخار می خواهند آن را به رهبر انقلاب هم قالب کنند و خیلی هم تو نئشه و کیف فرو می رن که هر کجا مشاهیر یا افتخاری باشد (هنر) نزد ایرانیان است و بس خب وای به حال 100 یا 200 سال پیش که نه خبری از این همه دکتر و پرفسور بود و نه اینترنت. باز هم میگم به گفته سر پروفسور حسنعلی خان مستوفی چارلی چاپلین اصالتاً ایرانی بود؟!

نویسنده: khalil

شنبه 25 اردیبهشت1389 ساعت: 18:10

ماجراي پروفسور روبرفوريسون‌و پروفسور روژه گارودي، هر دو از فرانسه،در مورد هولوكاست نظر جالب توجهي دارند:

به عنوان مثال، فوريسون به عكس‌هاي‌ساختگي از اتاق‌هاي گاز مورد ادعاي‌صهيونيست‌ها اشاره كرده و ضمن رد اين ادعا به‌مدارك غير قابل انكار، با تعجب مي‌پرسد، اگر اين‌عكس‌ها واقعي است، چگونه سربازان آلماني،مورد ادعا، بدون ماسك و بي آن كه كمترين‌پوششي بر دهان، بيني و چشم خود داشته باشندرد اتاق‌هاي مالامال از گازهاي كشنده ايستاده وبر جان كندن يهوديان محكوم نظارت مي‌كنند؟ ويا درباره يكي ديگر از عكس‌هاي مورد ادعاي‌صهيونيست‌ها كه جمعي از يهوديان را در محاصره‌چند تانك نشان مي‌دهد، با ارئه اسناد و شواهدي‌خواندني و غير قابل ترديد، نشان مي‌دهد كه‌تانك‌ها در اين عكس، انگليسي هستند نه آلماني‌و...
ده‌ها سال است كه دولت‌هاي اروپايي وآلماني، با استناد به اين داستان جعلي، تشكيل‌دولت غير قانوني و به قول آقاي خميني غده سرطاني اسراييل را قانوني جلوه داده واشغال فلسطين را هزينه‌اي مي‌دانند كه بايد براي‌جبران جنايان آلمان نازي عليه يهوديان، به آنهاداده شود! و حال آن كه;

اولا؛ قتل عام يهوديان در جريان جنگ دوم‌جهاني يك داستان ساختگي و خالي از واقعيت‌است، بنابراين چگونه مي‌توان از اين داستان‌جعلي به عنوان سند مشروعيت، دولت وحشي‌صهيونيست‌ها استفاده كرد؟

ثانيا؛ اگر آمريكا و اروپا و صهيونيست‌ها اصراردارند كه اين داستان را واقعي بدانند، چرا به‌جاي جنايت كاران اصلي، يعني نازي‌ها، آلمان واتريش كنوني، بايد تاوان اين جنايت جنگي رامردم مسلمان و مظلوم فلسطين بپردازند؟ و چرايكي از ايالت هايشان را از آلمان و اتريش را براي‌دلجويي از يهوديان به آنها واگذار نمي‌كنند؟

يك استاد دانشكده دولتي (جان اف كندي)دانشگاه هاروارد آمريكا گفت: (فلسطيني‌هامرتكب هولوكاست نشدند كه بهاي آن رابپردازند)

نویسنده: khalil

شنبه 25 اردیبهشت1389 ساعت: 18:12

(استفن والت) افزود: (به نظر من از لحاظاخلاقي درست نيست كه فلسطيني‌ها در نتيجه اين‌مساله هولوكاست) رنج بكشند.
وي با بيان اين كه فلسطيني‌ها بايد كشور خودرا داشته باشند كه در سراسر كرانه باختري و غزه‌ايجاد شود، تاكيد كرد: (بنابراين به نفع همه اين كه‌به يك راه حل دراز مدت و عادلانه براي اين‌درگيري دست يابند و اميدواريم ايران و آمريكانقش سازنده‌اي را براي تحقق اين هدف ايفاكنند).
فوريسون افزود: بازنگران تاريخ دلايل بسياري‌براي رد اين مطلب دارند كه از آن جمله اين كه‌اگر نظاميان و فرماندهان آلماني، يهوديان را به‌كمپ خود رد آلمان باز مي‌گرداندند و سپس‌مي‌كشتند بايد پس از گذشت سه تا چهار سال‌اشغال گري آلمان، ديگر هيچ يهودي وجودنداشته باشد، در حالي كه همچنان تعداد زيادي‌يهودي در روسيه، لهستان، فرانسه و حتي آلمان وديگر كشورها وجود دارد.

آقای khalil. متووجهید که ماحصل سخنان این استفان والت تایید هولوکاست است! از این جهت پیوسته گفته ام که اگر صدایی علیه یهود بلند شد و انعکاس جهانی یافت، آن صدا از اورشلیم بلند شده است.

نویسنده: khalil

شنبه 25 اردیبهشت1389 ساعت: 18:22

استاد در سوره بروج (85) آيه 4 - 7 منظور از "اصحاب اخدود" چه كساني هستند؟؟؟؟؟
قُتِلَ أَصْحابُ الْأُخْدُودِ * النّارِ ذاتِ الوَقُود * إِذ هُمْ عَلَيْها قُعُودٌ * وَهُمْ عَلى ما يَفْعَلُونَ بِالمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ؛
ممنونم از پاسخ شما........

آقای khalil. برای پاسخ این یکی حتما باید به کارشناسان حوزه رجوع کنید.

آقای فتح. بله، نکته ای در میان است که از آن بی خبرید.

دوستانی که به دنبال لینک کلیپ عالی آقای طالب حقیقت می گردند به آدرس زیر رجوع کنند:
http://www.4shared.com/file/8OAXywtI/Civilization_Signs2.html

نویسنده: مجید

شنبه 25 اردیبهشت1389 ساعت: 22:10

در اصفهان مکانی وحود دارد که عد هی میگویند اینجا ی ک پیامبر یهود دفن است
یوشع گویا اسمش هست
مردم نذر ونیاز میبرند دخیل میبندند
نزدیک مبار کس
بعضیا می گویند این قد مگاه معصومینس
میخواستم
اگر اطلاعی درمورد این مکان
که نام
ان محل ان حوض ماهیس
است بنده رادرمورد صحت یا سقم این پیامبر بنی اسراییلی ....
مطلع کنید

من کتاب 12 قرن سکوتا نتوانستم گیر بیارم از کجا باید بخرم

وبسایت nria.ir
{مسدود شده

نویسنده: AREF

شنبه 25 اردیبهشت1389 ساعت: 23:33

salam ostad
york amrica az daheye 70 bazi kardeh and ba deggat khas beh dalayele khas film hayee keh dar shahre new
baghd ajibi jalbeh tawajoh mikone film ha wa ya akhbar hayee keh az saleh 2002 beh negah kardeh am nokteye
gooneh yeest keh noghy azemat wa dar an shahr tahiye shodeh and cheh amrica yee cheh gaire amrica yee beh
mikoneh wahshat ra dar dele binandeh elga
name pars ra mikoneh hatta akhbare in jomhoory tory name an shahr ra talafoz mikoneh keh
beh nazare shoma ellate in kara chiye

نویسنده: علی

یکشنبه 26 اردیبهشت1389 ساعت: 0:21

سلام.
من در مورد استر و مردخای میخواستم سوال کنم. اول اینکه آیا استر همسر داریوش بوده؟ دوم آیا مردخای برادرش بوده؟
سوم این دو نفر در پوریم نقش داشتن؟ چهارم اینکه من شنیدم که داریوش به درخواست استر سه روز به یهودیان اجازه
میده تا مخالفین خودشونو از بین ببرن که بعد ها این سه روز توسط صهیون به عنوان جشن ملی با نام عید (پسح)
خودنمایی میکنه . آیااین درسته؟ و آیا ممکنه پوریم همان عید پسح باشه؟
از وقتی که میذارید پیشاپیش ممنون.

نویسنده: AREF

یکشنبه 26 اردیبهشت1389 ساعت: 1:59

agaye bi nam
soleyman wa dawood ra beh yeky az doostan khod yaghny allah eradeh kardeh keh bare digar godrat
waresane abady zamin gardandeh wa gome yahood ra manandeh agwame bebakhshad ta bonyan andishan ra
nooh wa ferghon beh darak befrestad ad wa samood wa

نويسنده: آيدين قشقايي

يكشنبه 26 اردیبهشت1389 ساعت: 8:0

سلام به دوستان
دوست گرامي جناب آقاي سنجري
با عرض پوزش بابت تاخير در پاسخ به سئوال شما. در زير فرآيند تشكيل و فعاليت كارگروهها را برميشمارم:
1- درخواست از دوستان بنيان انديش حاضر در اين وبلاگ جهت معرفي موضوعات مبتلابه جهان اسلام در حال حاضر (طي يك دوره يك ماهه اين اطلاعات جمع آوري مي شود)
2- پس از مشخص شدن موضوعات، درخواست از دوستان بابت معرفي روساي كارگروهها در اين وبلاگ. براي هر موضوع يك كارگروه انتخاب شود. رييس كارگروه بايد كسي باشد كه وقوع حادثه پوريم در حوزه تاريخ شرق ميانه را باور داشته باشد.
3-طراحي وبلاگ گروهي توسط رئيس گروه و درخواست از دوستان علاقه مند به موضوعات مربوطه جهت عضويت در وبلاگها.
ضمناً هر كس مي تواند در يك يا چند كارگروه عضو باشد حتي روساي كارگروهها. منتهي بهتر است يك نفر همزمان رييس دو يا بيش از دو كارگروه نباشد. پيشنهاد مي كنم بالاي وبلاگها درج شود: هر كس به وقوع حادثه پوريم اعتقاد ندارد وارد نشود!
هر كس در مورد وقوع حادثه پوريم و كميت و كيفيت وقوع آن شك دارد را بايد به وبلاگ ناريا راهنمايي نمود.
4-افراد عضو هر وبلاگ مي توانند آخرين يافته هاي تحقيقاتي خود را براي حاضرين در وبلاگ درج كنند. دوستان نيز با مراجعه به وبلاگ نظر خود را در مورد موضوع اعلام مي نمايند.
براي جلوگيري از انحراف وبلاگها از مسير اصلي خود، پيشنهاد مي كنم وظيفه نظارت عاليه بر مديريت وبلاگها بر عهده جناب آقاي پورپيرار باشد.
مثلاً يكي از موضوعاتي كه مبتلابه جهان اسلام است مانع تراشي مشركين در مقابل گسترش دين اسلام است. يكي از اين موانع بزرگ و كمتر شناخته شده اي كه اين مشركين براي ما ايجاد كرده اند زبانهاي يديش يهودي از قبيل تركي و فارسي است كه بحث آن قبلاً در اين وبلاگ مطرح شده است. اينكه مشركين از اين دوزبان براي ممانعت از گسترش دين مبين اسلام بهره گرفته اند شكي نيست اما ممكن است براي دوستان در مورد نحوه و چگونگي آن سئوالاتي باشد كه بايد پاسخ داده شود. كارگروه زبان مي تواند پاسخگوي اين قبيل سوالات دوستان باشد.

انشاالله که توضيحاتم کافي بوده باشد.
موفق باشيد

نويسنده: khalil

يکشنبه 26 ارديبهشت1389 ساعت: 9:49

استاد آيا انگلستان همان انجيلستان هست يا نه؟؟؟؟
استاد نظر شما در اين مورد چيه؟؟
قدیمیترین نسخ برجای مانده از عهد جدید ، که قدمت برخی به ۵۰ تا ۱۰۰ سال پس از اتمام نگارش متون کانن عهد جدید(یعنی قرن دوم میلادی) می‌رسد.
اين هم يك نمونه پاپيروسي از نسخه قديمي انجيل
http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/5/5c/P46.jpg
ممنونم 

نويسنده: khalil

يکشنبه 26 ارديبهشت1389 ساعت: 10:1

"گفتنی است که از تورات و انجیل، به عهدین [یعنی عهد عتیق و عهد جدید] یاد می گردد و به شهادت تاریخ و منابع موثق، هیچ یك از کتاب های آسمانی پیامبران، جز قرآن کریم، چیزی بر جای نمانده است و تمامی آن ها به دست طاغوت ها و ستمگران عصر نابود شده اند و آن چه که هم اکنون به نام انجیل و تورات، در میان پیروان مسیح و یهود وجود دارد، کتاب های اصلی آنان نیست. بلکه برداشت هایی از آن کتاب ها شریف است، که از سوی پیشوایان مذهبی و مقدس این دو کیش، تدوین و منتشر گردیده است و بی تردید، دچار تحریف و زیادتی و کاستی های فراوانی می باشند."

اسلام و عقائد و آرائ بشری (علامه یحیی نوری)، ص 404 و ص 445_ص 405 و ص 454

نويسنده: توحيد

يکشنبه 26 ارديبهشت1389 ساعت: 7:6

سلام استاد

براي سايت naria.ir مشکلي بوجود آمده ؟ به هيچ وجه باز نمي شود .

آقای توحید. مشغول رفع اشکالیم.

نويسنده: مسعود سنجری

يکشنبه 26 ارديبهشت1389 ساعت: 11:16

برادر گرامی آیدین قشقایی
سلام علیکم

از توضیحات جنابعالی متشکرم.

در کنار توضیحاتی که مرقوم فرمودید لازم است تا برای دوستان شرح داد که بر مبنای چه ضرورتی و به چه دلیل باید کارگروهها را تشکیل داد. به معنی دیگر باید گفت بر اساس کدام نیاز و چه دلایلی لازم است تا کارگروهها تشکیل شوند. تصور اینجانب این است که بدون این توضیحات کار تشکیل کارگروهها مشکل خواهد بود.

دیگر این که بدرستی فرموده اید که شخص کاندید برای ریاست کارگروه باید وقوع پوریم را باور داشته باشد. اما چگونه می توان باور آن شخص را فهمید؟ آیا به گفتن صرف اینکه پوریم را قبول دارد باید اکتفا کرد یا روش دیگری لازم است؟

در هر حال امیدوارم تا طرح این سئوالات و موضوعات را به عنوان مخالفت با ایده خود بشمار نیاورید. در پایان پیشنهاد می کنم تا راهی برای اضافه کردن زبانهای عربی و ترکی به وبلاگ استاد را جستجو کنیم.

پاینده باشید
والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: بی نام

یکشنبه 26 اردیبهشت1389 ساعت: 12:19

جناب AREF-با سلام

آیا این که فرمودید از مکاشفات شخص خاصی است؟لطفا" منبع را ذکر کنید.

نویسنده: داریوش

یکشنبه 26 اردیبهشت1389 ساعت: 12:37

استاداین فرمایش شما
"پیوسته گفته ام که اگر صدایی علیه یهود بلند شد و انعکاس جهانی یافت، آن صدا از اورشلیم بلند شده است"کاملادرست است به شرطی که شامل برنده ی نوبت دهم هم بشود.

نویسنده: عباس سلامات

یکشنبه 26 اردیبهشت1389 ساعت: 12:59

دوست گرامی
جناب سنجری
راه های زیادی برای سنجیدن یک فرد و بررسی اینکه وی وقوع پوریم را پذیرفته است یا خیر وجود دارد. اولین راهی که به ذهن هر فرد خطور می کند این است که کاندیداهای مدیریت کارگروه ها نزد جناب پورپیرار مصاحبه دهند. یعنی خود استاد اعلام کند براساس مصاحبه شخص، این فرد وقوع ،مفهوم ، علت ، وسعت و نتایج حاصله پوریم را پذیرفته است یا خیر.
در ارتباط با یافتن راهی برای افزودن زبان های ترکی و عربی باید بگویم از سال 85 که من با استاد آشنا شدم دلمان خون شد ولی راهی پیدا نکردیم. البته در آن زمان هم من تسلط کنونی به زبان عربی را نداشتم و فقط در حد محاوره خودمان در اهواز، زبان می دانستم. هر چند مدت یکبار دوستانی پیشنهاد شما را مطرح می کنند ما هم با آنها مذاکره می کنیم ولی وقت عمل که می رسد................ البته من امیدوارم که سرنوشت پیشنهاد شما هم بدانجا ختم نشود. از اینکه اینگونه بی پرده پاسخ شما را دادم عذر می خواهم و اعلام می کنم که دست برادری من به سوی هر کسی که گامی در راستای اعتلا و گسترش بنیان اندیشی بردارد، دراز است.

نویسنده: بی نام

یکشنبه 26 اردیبهشت1389 ساعت: 13:15

جناب آقای آیدین قشقایی-سلام علیکم

جهان اسلام بیش از انکه مبتلا به ابتلائاتی از قبیل صهیونیست و بیلد برگ و فراماسیون و....باشد مبتلا به بلای دهان بینی ورخوت در شناخت وگرفتار مفسران ومترجمان وبلدان و... با مشربهای مختلف وگاه متضاد است وشاهدیم که هر گروه از ما معرکه نشینان معرکه گیرانی از قماش سنی وشیعه وزیدی وحیدری ونعمتی و....هستیم.از بدیهیات است که مقدم بر "اعدوا لهم مااستطعتم من قوه"وحدت و همفکری وهمراهی یک جمع منتسب به عقیده واحداست ومی بینیم که هر گروه این "اعدوا" را چگونه تفسیر می کند وگاه تفاسیر وتعابیر چنان احمقانه می شود که برادر خویش را به تیغ قهر می دریم.اگر وحدت دراندیشه ,وحدت در کلمه ووحدت در عمل نباشد بی شک آب به دلو بی بن کشیده ایم و در رویارویی جزحزیمت نصیب نمی بریم.فرقه گرایی وگروه گرایی های این امت نشتی تمام قدرت لایزال برخواسته از کلام الله است که می تواند در بین این امت باشد.باید تبلیغ وحدت کنیم وتمام خبائث فکری از پان وایسم وایست وملا ومفتی را رو به قبله ذبح شرعی کنیم وبه سه اصل مشترک ایمان بیاوریم که خدایمان وکتابمان وپیامبرمان محور اعتقادیمان است ولا غیر.

نویسنده: AREF

یکشنبه 26 اردیبهشت1389 ساعت: 13:36

agaye bi nam
asarat jahany an ra shahed khahid bood beh khaste yekta gadere motaghal sal haye ayande
har kas keh bekhahad mibakhshad manbagh ash danesh elahy ast keh beh

نویسنده: مسعود سنجری

یکشنبه 26 اردیبهشت1389 ساعت: 23:0

برادر عزیزم عباس سلامات
سلام علیکم

اینجانب نه در حال مسابقه هستم تا بخواهم مثلا از کسی یا کسانی پیش بیفتم و نه مدعایی دارم که بتوان خلاف آنرا اثبات کرد. لذا نمی توانم درک کنم که این عبارات مایوسانه شما به چه کار خواهد آمد؟ آیا معلومات کسی را اضافه می کند؟ همه می دانند که چه اتفاقی افتاده است و همان کسان که گفتند و عمل نکردند باید پاسخگوی انتقاد شما باشند.
حال چه ما مشتری باشیم یا نباشیم شما لطفا صورت حساب ما را بعدا ارسال نمائید. همیشه باید به یاد داشت که نام این وبلاگ محترم " حق و صبر " است ولی انگار شما انتخاب کرده اید که جلد الذات و ذرع الیاس را در پیش بگیرید. اگر ما همگی از اشاعه نظریات استاد دست برداریم آیا این نظریات اشاعه نخواهند یافت؟ مطمئن باشید که دیگران اینکار را انجام خواهند داد. پس می توان انتخاب کرد. مثلا شما می توانستید با توجه به تسلطی که به زبان عربی دارید مقالات ایرانشناسی را ترجمه و در اختیار استاد قرار دهید تا ایشان در وبلاگی نظیر به نظیر با وبلاگ فعلی قرار دهند و ...
برادر گرامی اینجانب شخصا به پیگیری خود آنقدر ادامه خواهم داد تا راهها خود را به ما نشان دهند. شما نیز بهتر است تا با این ادبیات مایوسانه وداع کنید که انشالله توانایی آنرا هم دارید.

دمتم سالمین و غانمین فی امان الله

نویسنده: منصور

یکشنبه 26 اردیبهشت1389 ساعت: 23:38

دوست عزيز جناب آيدين قشقايي
ضمن سلام و تشكر از پيشنهاد حضرتعالي
ذكر چند نكته بطور خلاصه براي هر گونه فعاليت در راه اشائه نظرات استاد لازم است عنوان گردد:
1- افراد حاضر در اين كلاس به سه گروه تقسيم مي شوند، افرادي كه در حال گذراندن دروس و واحدها مي باشند ، افرادي كه برخي واحدها را افتاده اند و ترم مشروطي هستند يا رد شده اند و گروه سوم هم فارغ التحصيلان، يعني كساني كه ديگر هيچ ابهامي در صحت دروس ارائه شده توسط استاد ندارند و ساختار ذهنشان هيچ انحرافي را بر نمي تابد و قدرت ايجاد ارتباط ميان آموخته هاي خود از اولين تا آخرين مباحث را دارند و در برابر تازه واردان يا دشمنان قادربه بحث و پاسخ گويي هستند. تنها گروه سوم صلاحيت اداره اين فعاليت ها را دارند ، هر چند به سختي بتوان چنين كساني پيدا كرد.
2- ايجاد هرگونه صداي فرعي غير از بيدارگري هاي استاد عملا انحراف از اصل بنيان انديشي است هر چند آن بحث منطقا بجا باشد مانند مباحث قرآني كه در آن انجمن معلوم الحال انجام مي شد و باعث خود مشغولي ، اتلاف وقت و غفلت از هدف اصل است كه استاد تيرهاي خود را به سمت آن روانه كرده است. بنابراين ما فقط بايد بعنوان تقويت كننده اين تفكر عمل كنيم، تلاش در جهت دوبله فيلمها و ترجمه مقالات استاد به زبانهاي مختلف ، افزايش سرعت انتقال مفاهيم و عمق نفوذ مطالب ناريا در اذهان (مانند كار بي نظير جناب طالب حقيقت) ، تلاش هر چه بيشتر در جهت رساندن اين صدا به هر رده از مسوولين مخصوصا رده هاي بالاترو نيزآگاه ساختن مراكز علمي و فرهنگي نظير مدارس، دانشگاهها، كتابخانه هاي عمومي و ... مهمترين وظيفه براي هرگونه فعاليت بنيان انديشانه است.
راجع به مواردفوق مي توان مفصل تر نوشت ولي مخلص كلام اينكه : اگر كسي مدعي بنيان انديشي است بايد عملا اين را نشان دهد، آقاي پورپيرار تمام دشمنان كوچك و بزرگ را سرجاي خودشان نشانده و ما نيازي به بگو مگو با آنها نداريم افراد زيادي امروزه مدعي شناسايي و حل مشكلات دنياي اسلام هستند ولي كار ما بايد افزايش سرعت انتشار ايده هاي استاد باشد.
با تشكر

نویسنده: محمدرضا نیسی

دوشنبه 27 اردیبهشت1389 ساعت: 0:10

سلام عليكم آقاي قشقايي
خيلي متوجه جزئيات ايده شما نشده‌ام يا شما يع اندازه كافي موضوع را باز نكرده‌ايد ولي من اصرار بيش از حد شما در پذيرش واقعه پليد پوريم تداعي كننده اصرار برخي حكومتيان در پذيرش موارد مد نظر آنان است. بهتر است از روش‌هاي بهتر است در اين زمينه استفاده كردد كه از سوءاستفاده‌هايي كه از اين شيوه مخالفت با پوريم مي‌شود جلوگيري شود.
ضمنا من نگران هستم يك غفلت يا سهو منجر به تكرار قضيه فورم گردد.
من پيشنهاد مي‌كنم در ابتدا به نشر آثار استاد عزيز اهتمام ورزيم و انرژي خود در اين حوزه متمركز كنيم و پس از آن كارهاي تخصصي انجام دهيم.

في أمان الله

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 27 اردیبهشت1389 ساعت: 4:31

آقای عابدی. بسته بودن سایت موجب تاخیر چند روزه در نصب یادداشت ها شده چون عکس هایی که از آن طریق آپلود شده بود دیگر در دسترس نیست. اگر گشوده شدن سایت طول می کشد اعلام کنید تا از مسیر دیگری عکس ها را بیابم. ممنون.

آقای فتح. نکته حساسی در ان راز است که انتقال آن به دیگری نیاز به صرف زمان و گذر از باریکه های دشوار گذر دارد. اگر حوصله کنید شاید به خواست خدا زمان بیان آن فرا رسید. درست فهمیده اید اصل این تقلاها و قلمبه گویی ها هدف گرفتن قرآن است.

آقای منصور. از الطاف و حسن ظن شما ممنونم. شخصا جز حداوند امیدی به این و آن نبسته ام و نخواهم بست. سلام مرا به دوستان و همراهان تان برسانید.

آقای بی نام. ارسالی شما رسیدکه چندان قدیم نبود. درباره آن ان شا٬ الله گفت و گو خواهیم داشت.

نویسنده: یه دانشجو (همان حمال)

دوشنبه 27 اردیبهشت1389 ساعت: 8:32

استاد عالیقدر اقای پورپیرار عزیز: نمیدانم چرا چند وقت است که کیفیت پیام های دوستان مراجعه کننده اینقدر افت کرده است.؟ لطفا به کنه پیام های اقایان سالامات و قشقایی توجه کنید که یکی پیشنهاد خنده دار و کودکانه ای کرده است که مراجعه کننده گان به سایت های گروه های پشتیبانی باید وقوع پوریم را قبول کنند. مرد حسابی" شما با کدام دستگاه اندازه گیری می توانید باور های مردم --آنهم از هزاران کیلومتر-- را به سنجید.؟ مثلا افرادی مانند داریوش همایون و یا علی میر فطروس نمی توانند با دروغ وارد سایت تان شوند.؟

اقای سالامات هم که به سلامتی ایشان فنجان چایی ام را بلند می کنم هم استاد را تا حد یه مفتش عقاید و باز جو تنزل داده اند. اقای سالامات: اگربا نصب یه دروغ سنج در سایت و یا دفتر استاد مشکلی ندارید من یکی را سفارش دهم.
کجا رفتند بنیان اندیشان استخوان داری ماند اقایان میثم و استاد غفوری و اتفاق-- هر چند با بعضی از مواضع اش راحت نبودم--- و رضا و م. ستاره و حاجی زاده و بی نام اصیل و دیگران که با بحث های خلاق شان نوری از این پنجره بر تاریکی ها می تابانیدند.

آقای یه دانشجو. سنگین بودن مطالب جدید و به خصوص ماجرای کمال الملک کسانی را دچار افسردگی کرده است.

نویسنده: ثانیه

دوشنبه 27 اردیبهشت1389 ساعت: 10:27

ما مانده ایم با حرف های ضد و نقیض چه کنیم

یکی هم پیدا میشه که همه چیز رو نقض می کنه !؟

همه رو ساختگی میدونه

استاد به نظرت با چنین کسی چگونه دیدی داشته باشیم - منی که وقت تحقیق و تفحص زیاد رو ندارم - چطور به یقین برسم ؟

آقای ثانیه. سئوال است یا فلسفه می بافید؟

وب سایت

نویسنده: اترش

دوشنبه 27 اردیبهشت1389 ساعت: 10:34

آقای منصور سلام

مطلبی که از کامنت شما برداشت کرده ام این است که تنها فارغ التحصیلان و کسانی که بر تمامی مباحث اشراف دارند حق فعالیت داشته و دیگران بهتر است گوشه ای ایستاده و نظاره گر محض باشند.
با احترام نسبت به شما اجازه می خواهم که با چنین دیدگاهی مخالفت کنم.
ببینید هیچ لزومی ندارد شخصی که مثلا به پای ترجمه ی «اسلام و شمشیر» می نشیند، به تمامی مباحث اشراف داشته و مو به مو همگی آنها را قبول داشته باشد. این ایده ئال گرایی است، تعداد افراد مسلط بسیار اندک است و حجم مطالب بسیار زیاد. نبایستی جلوی شخصی را که با مطالب اسلام و شمشیر موافق است و می خواهد آن را ترجمه کند اما مثلا با مطالب آمده در مورد اشکانیان موافق نیست یا اصلا اطلاعی از آن ندارد سد کرد. یا مثلا لزومی ندارد شخصی که تصمیم دارد کلیپی در مورد نیمه کاره بودن تخت جمشید بسازد حتما اسلام و شمشیر را خوانده و به جمله جمله ی آن ایمان داشته باشد و غیره.
حق و حقیقت که انحصاری نیست. بیایید محیط فعالیت را با این حرف ها و آرمان گرایی های آنچنانی سنگین نکنیم و حرکت در شاهراه حقایق را با تابلوهای بی شمار ایست و بازرسی نبندیم.
البته من هم قبول دارم که مسئولیت های سنگین و پروژه های آنچنانی را باید به دست کسی سپرد که هم مورد اعتماد باشد و هم به مباحث مسلط اما سختگیری در مورد هر شخص و هر فعالیتی نتیجه ی عکس خواهد داشت.

این خبر را هم در آخر اضافه کنم که بعد از رفع مشکل سایت، فروم با تایید و اجازه استاد در ساختاری متفاوت که زمینه فعالیت ها را بسیار آسان می کند شروع به کار خواهد کرد.
آنجا قدم هرکسی که حاضر است در هر زمینه ای ذره ای به پیشبرد مطالب کمک کند بر روی چشم است.

نویسنده: عباس سلامات

دوشنبه 27 اردیبهشت1389 ساعت: 10:46

دوست و برادر گرامی جناب سنجری
سلام
من برای شما صورت جساب صادر نکردم زیرا خود را در آن جایگاه نمی بینم که برای کسی خدای ناکرده صورت حساب صادر کنم و آنچه گفته ام تنها به دلیل تجربه ای است که دوستان سابق بر سر ما آورده اند. با این حال من شما را مخاطب قرار ندادم بلکه ابراز امیدواری کردم که تجربه های قبلی تکرار نشود.
در انتهای کامنت قبلی ذکر کرده بودم "دست برادری من به سوی هر کسی که گامی در راستای اعتلا و گسترش بنیان اندیشی بردارد، دراز است." وکماکان نیز بر حرف خود ایستاده ام.
من کم کاری خود را در رمینه ترجمه می پذیرم هر چند این عدم اقدام به ترجمه عمق احترام من به مفاهیم و موضوعات مطرح شده را نشان می دهد زیرا در آن برهه،آنگونه که قبلا ذکر کردم، تسلط کافی به زبان، که در شان ترجمه باشد نداشتم. شاید جالب باشد بدانید که دکتر حسین مونس که از اساتید مسلم ترجمه است، گاهی ترجمه هایش را برای ویرایش و بازبینی نهایی نزد دوستان و هم صنفانش می برد ولی در مدت گذشته من حتی کسی را نداشتم که آنچه را ترجمه کرده ام بخواند و نظر دهد. مدتی پیش ترجمه طوفان نوح از طریق یکی از دوستان(که نمی شناسمش) برای ویرایش نزد مترجم سفارت سوریه در تهران برده شد ولی ایشان آنقدر ناپخته و کودکانه در ترجمه دست برد که من مجبور شدم برای آن تقریبا 30 موردی که آن شخص به زعم خودش اصلاح کرده بود دفاعیه بنویسم. اینک خوشحالم که دوستانی مانند شما یافته ام که می توانیم دست در دست هم گامی هر چند کوچک برداریم.

نویسنده: AREF

دوشنبه 27 اردیبهشت1389 ساعت: 11:46

salam ostad
keh ba reghayat sokoot wa makhfianeh shadidan mashgooleh zaheran dar shahre urumia goruhy tashkil shodeh ketab haye jadid shoma hastand aya shoma dabareh ye in goruh chizi midanid ta pakhsh eh mostanad wa tanha tablig konandegan anjayee keh midanestam man wa aga wa khanoome hajy zadeh wa aly jenab ahmady hagigat dar in ostan boodim

نویسنده: ناصر پورپیرار، 1

دوشنبه 27 اردیبهشت1389 ساعت: 12:52

آقای اترش. چاله هایی که اورشلیم بر سر راه صاحبان خرد و نظر و مسلمین، در جاده شناخت و با عمق و پهنای مختلف کنده، به تعدادی است که با هر فن و زیگزاگی عبور به سلامت از میان آن ها ممکن نیست. اگر بنا بر خرده کاری باشد، باید سطر به سطر محتویات صدها کتاب را بزداییم که به فرصت کوتاه عمر نامیسر است. باید شاعران و صاحبان این همه دیوان را

در جای خود بنشانیم، سفرنامه نویسان را مسخره کنیم، فیلسوفان را یکی یکی به دم جارو بسپاریم، موزه ها را به سبب انباشتن نمونه های قلابی، تعطیل کنیم و چهره آرام و متین اسلام را در نظر جمع و جوانانی بگشاییم که به انواع شگردها، از مهد کودک علیه اسلام تبلیغ شده اند.
چنین است که بنیان اندیش خود را گرفتار خرده کاری نمی کند، تکیه گاه و جاده کوب او نمایش قتل عام کامل پوریم و عواقب آن است که اگر این صحنه مخفی مانده تاریخ به صحنه کشیده شود، آن گاه تمام آن چاله ها فقط با ریختن یک بیل دلیل پر می شود:
"تا قریب دو قرن پیش کسی نیست تا این یا آن اظهار وجود را کرده باشد".
که کارها را به سطح اثبات آسان سکوت حاکم بر شرق میانه به درازای 2200 سال منحصر می کند و همین طور است ماجرای طوفان که قوم پرستان ترک را در جای خود می نشاند، سعی سالیان اورشلیم را ضایع می کند، آن لشگریان مومی سلجوقی و عثمانی و غیره را به شعله ای می سوزاند و تاریخ سلسله انبیا' ساخت یهود را باطل و رسوا می کند، که گزیده ترین پیامبر خدا در قرآن یعنی ابراهیم مسلم را، از روی لجاج با ابراهیمی تعویض کرده است که همسر خود را کرایه می داد!!!

نویسنده: ناصر پورپیرار، 2

دوشنبه 27 اردیبهشت1389 ساعت: 13:5

بنا بر این و مسلما مدیریت فرومی که قصد انتقال این نمایه های اصلی را به ذهن دیگران دارد، خود نمی تواند مردد باشد و تحت تاثیر نق نق زنندگانی قرار گیرد که قصد اخلال مذبوحانه را دارند. بنا بر این باور به وقوع پوریم در شرق میانه و طوفان نوح در ترکیه و نیز قبول عوارض آن ها، مبدایی است که انجام کارها را در این مرحله، آسان تر می کند، که تمام مراکز مسلط و مربوط علیه این داده های نو تجهیز شده و نمایشات گوناگون ترتیب می دهند. این یک جنگ تمام عیار فرهنگی است که بنیان اندیشان آن را به صحنه جهان نیز کشانده و هر زمان از روزن دیگری پذیرش های نادرست کنونی را اعلام عمومی می کنند. آقای اترش به این جنگ نمی توان در حالی وارد شد که تیزی قلم را به سمت یکدیگر نشانه رویم، به دشمن پشت کنیم و با بنیان این مباحث نو درافتیم. موفق باشید.

نویسنده: موومان

دوشنبه 27 اردیبهشت1389 ساعت: 14:3

آقای ×××، علیک سلام. پاسخ شما قصه ای دراز است!

نویسنده: مسعود سنجری

دوشنبه 27 اردیبهشت1389 ساعت: 14:12

برادر عزیز عباس سلامات
سلام علیکم

در کامنت قبلی در پاسخ به دوست گرامی آقای آیدین قشقایی نوشتم که اگر در توضیح دلایل پیشنهاد خود در تشکیل کارگروهها موفق نشوند کار تشکیل این کارگروهها اگر غیرممکن نباشد اما بسیار مشکل خواهد شد. همچنین پرسیده بودم که چگونه می توان به باورهای شخص کاندید برای مدیریت کارگروه رسید؟ شما دوست گرامی زحمت کشیدید و پاسخی مرقوم فرمودید که با نهایت احترام باید بگویم که نظرتان صحیح نیست و خواهشمندم تا در نگاهتان به چنین مسائلی بازنگری بفرمائید. برادر گرانقدر ما منصور هم مدلی برای ارائه این موضوع ارائه نمودند که ضمن احترام به ایشان معتقدم که نمی توان در عمل آنرا پیاده سازی کرد. لذا خواهش می کنم قبل از ارائه این طرحها به انعکاسات آنها هم نگاهی داشته باشیم.
اما در خصوص زحمات شما در کنار استاد از سال 85 تاکنون تصور می کنم که فبول داشته باشید که اکنون این بنیان اندیشی روشنگرانه در جایگاهی مستحکم تر و متین تر قرار گرفته و به بلوغ خود دست یافته به گونه ای که رد بنیانهای آن غیرممکن است. به این دلیل خواهش کردم تا دست از ادبیات ناامیدانه بردارید.
در خصوص همکاری نیز با برادر نیسی هماهنگی نمائید. من با ایشان همکاری را آغاز کرده ایم . اینجانب شماره تماس خود را برای شما از طریق ای میل ارسال کرده بودم ولی نمی دانم دریافت کرده اید یا خیر.

بهرحال موفق باشید
والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: اترش

دوشنبه 27 اردیبهشت1389 ساعت: 15:19

سلام استاد
حرف های شما رو کاملا قبول دارم.
منظور من این است که کسی آقای عباس را احراز هویت نکرد و مستند توسط هزینه و سعی ایشان در شبکه رنگارنگ پخش شد.
یا کسی آقای «هیجان» را نمی شناسد و از دیدگاه های ایشان خبر ندارد با این حال مقالات اسلام و شمشیر توسط ایشان به عربی ترجمه شده است.
مباحث کلان بسیار است و لزومی ندارد کسی که در این وادی قدم می گذارد هفت خان رستم را بگذراند و شخصی باشد که همه چیز برایش حل شده و قبول افتاده باشد. سابقا نگاه اینقدر ممیزی نبود و لزومی هم به آن احساس نمی شد.
بحث من این است که اگر به فرض ترجمه ی مقالات اسلام و شمشیر را یک انتشاراتی عربی قبول کند آیا لازم است حتما مسئول انتشاراتی پوریم را قبول داشته باشد؟ یا برای شخصی که می خواهد مبحث مربوط به دیوار چین را برای چینیان بازگو کند و آنها را از دروغ تاریخی که رفته مطلع سازد، مبحثی که با پیگیری آن مسایل بسیاری رو خواهد شد آیا لازم است در مورد بود و نبود ساسانیان هم همفکر ما باشد؟
یا... مباحث کلان بسیار اند و اعلام عمومی حتی یکی از آنان راه را برای بقیه مسایل هم هموار خواهد کرد. مهم این است که هرچه بیشتر پوسته ی دروغ ترک بردارد. حال اینکه چه کسی و با چه دیدگاهی در این راه یاری رسان می شود از اهمیت چندانی برخوردار نیست.

وب سایت

نویسنده: اترش

دوشنبه 27 اردیبهشت1389 ساعت: 15:21

با شما هم موافقم که نبایستی در مقابل یکدیگر قرار بگیریم، لزومی هم به چنین کاری نیست. اختلاف نظرها و تفاوت دیدگاه ها طبیعی است و همه ما به یک صورت فکر نمی کنم.
من برای آقای منصور ارادت خاصی قائل ام و در زمان فروم هم با هم همکاری هایی داشته ایم. با دیگر دوستان هم مشکلی نداشته و گمان نمی کنم کسی هم با من خرده حسابی داشته باشد.

در مورد ساختار جدید فروم هم در آن گروه های مختلفی تعریف خواهد شد. مانند «تیم بنیان» که چهارچوب آن اکنون مشخص شده و فعالیت اعضای آن ساختن اسلاید شو و کلیپ کوتاه و عرضه ی رسانه ایی مباحث است. اگر استقبال خوب باشد حتی ترتیب مسابقه دهی دوره ای و اهدای جایزه به بهترین اثر هم می تواند در نظر گرفته شود.
ترجمه و دیگر فعالیت ها هم به همین صورت، با وجود ارسال سریع پیغام خصوصی و چت روم اختصاصی و تامل و همفکری در فروم، بستر بسیار مناسبی را برای خود خواهند یافت. هماهنگی و مدیریت تمامی برنامه ها و فعالیت ها هم بین اعضا تقسیم خواهد شد و هر فردی که صلاحیت آن را داشته باشد امور مربوطه را به دست خواهد گرفت.

آقای اترش. درست است، مترجم عربی مقالات اسلام و شمشیر، سفارش دهنده پخش مستند تختگاه در رنگارنگ و آن انتشاراتی که زیر بار چاپ اسلام و شمشیر به زبان عرب می رود، می توانند با پایه هایی مخالفت کنند که بنیان اندیشی بر ان استوار است: یعنی وقوع پوریم و طوفان و حتی نیمه ساخت بودن تخت جمشید را نپذیرند، اما مدیر و مسئولیت اداره بخش های مختلف فروم مطلقا نمی تواند با کسی باشد که مبانی را نپذیرفته است. زیرا پس از چندی فروم به کاریکاتوری از مباحث بنیان اندیشی تبدیل می شود.

نویسنده: عباس سلامات

دوشنبه 27 اردیبهشت1389 ساعت: 16:50

جناب یه دانشجو
سلام
من هم دلم برای دوستانی که اسم بردید تنگ شده زیرا آنان حداقل از پدریزرگ چیزی به یادگار دارند.
آنچه در این وبلاگ گفته می شود انقدر ارزش دارد که اگر بخواهیم کسی را مدیر یک کارگروه قرار دهیم در جیبش یک دروغ سنج قرار دهیم.
تصور می کنم بعضی از دوستان متوجه عظمت مطالب نیستندو آنها را با داستان های فهمیه رحیمی اشتباه گرفته اند.
آقای یه دانشجو من خوشحال میشوم که شما راهکار خود را ارائه دهید تا ببینیم چه در چنته دارید. چایی تان را هم هورت نکشید خدای ناکرده زبانتان میسوزد.

جناب آقای سنجری
من هیچ گاه ادبیات نومیدانه به کار نبرده ام بل خواسته ام تجربه های قبلی تکرار نشود. متاسفانه ایمیلی از شما دریافت

نکرده ام.
والسلام

نویسنده: اترش

دوشنبه 27 اردیبهشت1389 ساعت: 19:38

راهی سراغ ندارم که اعتماد شما را جلب کنم. در واقع به اعتماد آنچنانی هم نیازی نیست. من مدیر فنی فروم بوده و مسئولیتم به پشت صحنه باز می گردد. به هیچ وجه لیدر و راهبر اعضای فروم محسوب نشده و قدرت نفوذی بر فعالیت ها نخواهم داشت، مگر اینکه در حد عضوی عادی مانند بقیه اظهار نظری کنم. اگر هم اظهار نظر احتمالیم به فرض نامناسب باشد کافی است به من بگویند که به متورخانه باز گردم و در کار بزرگترها دخالت نکنم.
همانطور که گفتیم مسئولیت و مدیریت بر فعالیت های مختلف بین اعضا تقسیم می شود. در مورد بقیه اعضا هم هر کسی که بخواهد سنگ اندازی کرده یا جو را متشنج کند، در فضای فروم هرکس با یک هویت می تواند حضور داشته باشد، به سادگی شناسایی شده و کنار گذاشته می شود.
حال که چنین است توصیه و پیشنهاد می کنم سکان مدیریت و نظارت کلی بر فعالیت های فروم را شخصا به دست بگیرید که معتمدترین فرد در جمع محسوب می شوید.

نویسنده: khalil

دوشنبه 27 اردیبهشت1389 ساعت: 23:5

استاد منتظر پاسخ موضوع زیر هستم. ممنونم.

استاد آیا انگلستان همان انجیلستان هست یا نه؟؟؟؟

استاد نظر شما در این مورد چیه(نسخه پاپيروسي انجيل)؟؟
قدیمیترین نسخ برجای مانده از عهد جدید ، که قدمت برخی به ۵۰ تا ۱۰۰ سال پس از اتمام نگارش متون کانن عهد جدید(یعنی قرن دوم میلادی) می‌رسد.
اين هم يك نمونه پاپيروسي از نسخه قديمي انجيل
http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/5/5c/P46.jpg
ممنونم

نویسنده: khalil

سه شنبه 28 اردیبهشت1389 ساعت: 0:26

دكتر حسين صابري، دكتراي فقه و مباني حقوق اسلامي و معاون آموزشي دانشكده الهيات دانشگاه فردوسی مشهد، در گفت‌وگو با خبرگزاري كتاب ايران(ايبنا)، درباره ترجمه آخرين اثرش عنوان داشت: اگرچه در انتساب اين اثر به شيخ مفيد نظرات مخالفي نيز وجود دارد، اما اين نوشتار در شمار كتاب‌هاي مرجع ماست و بسياري از احاديثي كه در اين كتاب آمده‌اند، در منابع و آثار قبل و بعد از ايشان هم نقل شده‌اند و اعتبار اين اثر را نشان مي‌دهند.
خالق كتاب «فقه و مصالح عرفی» بازگو كرد: در ترجمه «الاختصاص» شيخ مفيد علاوه بر استفاده از نسخه تصحيح شده «علي‌اكبر غفاري» كه به زبان عربي است، كوشيده‌ام با پرهيز از پيچيدگي و اطناب، مطالب را تا حد امكان قابل درك عموم خوانندگان عنوان كنم و در عين حال، اين اثر اصالت كهن خود را حفظ كند.
(استاد اين هم يك دكتر اصلاح طلب كه به نظر خودش راه حلي براي پيچيدگي و هزيان گويي شيخ مفيد پيدا كرده)

نویسنده: khalil

سه شنبه 28 اردیبهشت1389 ساعت: 0:34

کلیله دمنه و چیست و از کجا آمد؟
قدیمی‌ترین نسخه خطی بازمانده از «کلیله و دمنه» به قرن‌های ۱۳ و ۱۴ میلادی برمی‌گردد اما محبوبیت گسترده این کتاب از اشاره‌هایی که در سایر آثار ادبی قرون وسطا به آن رفته، روشن است، اما «کلیله و دمنه» هرگز مجموعه ثابتی از قصه‌ها تلقی نشده و نویسندگان و ویرایشگران بعدی، آزادانه قصه‌هایی را به آن می‌افزودند، قصه‌هایی را از آن کم می‌کردند یا محتویات آنها را تغییر می‌دادند.

از قرن نوزدهم به بعد عده‌ای از محققان تلاش کردند تا تاریخچه پیچیده سرمنشاء «کلیله و دمنه» را از طریق تحلیل ادبی و تاریخ هنری دنبال کنند و در این میان دریافتند که سنت تصویرگری قصه‌های کلیله و دمنه احتمالا مبتنی بر تصویرگری قصه‌های حیوانات پانکاتانترا (پنجه تنتره) است اما مشهورترین نسخه فارسی آن مربوط دوره تیموری «انوار سهیلی» است که بعدها در دوره عثمانی به صورت نظم با نام «همایون نامه» برای شاه سلیمان کبیر ترجمه شد و پس از آن نسخه تازه‌ای

از اثر دوره‌ی تیموری با عنوان «عیار دانش» به سفارش اکبرشاه، امپراتور مغول تهیه شد.

«کلیله و دمنه» کتابی اصالتا هندی است که در دوران ساسانی به فارسی میانه ترجمه شده و مبتنی بر چند اثر هندی است که مهم‌ترین آنها پنجه تنتره (به معنی پنج فصل) و به زبان سانسکریت است اما از سویی دیگر، روایات سنتی، برزویه «مهتر اطبّای پارس» در زمان خسرو انوشیروان را مؤلف این اثر می‌دانند.

۱ ۲ ۳ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 265، نتیجه73، قلم، 2 - 117 نظر

نویسنده: khalil

سه شنبه 28 اردیبهشت1389 ساعت: 0:36

نام پهلوی اثر «کلیلگ و دمنگ» بوده که نشانی از آن در دسترس نیست اما ترجمه‌ای از آن به زبان سریانی امروز موجود است که نزدیک‌ترین ترجمه از لحاظ زمانی به تالیف برزویه به شمار می‌رود و در آن حکایت‌های گوناگونی (بیشتر از زبان

حیوانات) نقل شده است. عنوان کتاب نیز از نام دو شغال «کلیله» و «دمنه» گرفته شده و بخش بزرگی از کتاب اختصاص به داستان این دو شغال دارد.

در قرن ششم هجری، نصرالله منشی (منشی بهرامشاه غزنوی) کلیله و دمنه را به فارسی دری ترجمه کرد که ترجمه‌ای آزاد است و وی هرجا لازم دانسته ابیات و امثال فراوانی از خود و دیگران بر آن افزوده است که این ترجمه را گاه «کلیله و دمنه بهرامشاهی» نیز می‌نامند اما ترجمه دیگری که تقریبا مقارن با ترجمه نصرالله منشی صورت گرفته ولی کمتر شناخته‌شده، توسط محمد بن عبدالله بخاری (منشی دربار اتابکان موصل) صورت گرفته که برخلاف نصرالله منشی به عبارت‌پردازی نپرداخته و کاملا به متن اصلی وفادار مانده است.

در عین حال اگر بخواهیم از اهمیت کلیله و دمنه آگاهی یابیم، کافی به اشاراتی که از آن در متون ادب فارسی شده بسنده کنیم به عنوان مثال فردوسی در «شاهنامه»، ابن ندیم در «الفهرست»، ابوریحان بیرونی در تحقیق «ماللهند»، ابراهیم بن محمد اصطخری در «مسالک الممالک» ، عبدالحی بن ضحاک گردیزی در «زین الاخبار» و عبدالملک بن محمد ثعالبی، درباره کلیله و دمنه بحث و اظهار نظر کرده‌اند.

نویسنده: khalil

سه شنبه 28 اردیبهشت1389 ساعت: 1:33

این هم داستان «بلوهر و بوذاسف» مشاهده فرمایید:
http://www.persian-language.org/GROUP/Criticism.asp?ID=443&P=13

کارل هرمان اته، ایران شناس آلمانی که با ارائه رساله ی "شبستان خیال" دکتری خیالي اش را در کانون پرورش فکري و خیالي کنیسه، کسب کرده است.
http://www.persian-language.org/Asatid/Ostad.asp?ID=18&P=1

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 28 اردیبهشت1389 ساعت: 7:3

آقای سنجری. تعیین سن لت نوشته های قرآنی که پر شمارند، بر اساس طبقه بندی شکل ظاهری حروف و تغییرات حاصل در حرکت به سوی کمال اند. مشکل بزرگ این است که بر هیچ قرآنی، اعم از لت نوشته و یا کتاب کامل تا همین اواخر، نام کاتب و تاریخ کتابت نیامده است که گویا این عمل را در برابر عظمت قرآن نوعی خاکساری و فروتنی می انگاشته اند. آن چه در حال حاضر و به یقین بیش تری می توان گفت دسته بندی زمان استفاده از مواد و نیز برداشتن نوع قلم است که به اراده الهی در دنباله مطلب قلم توضیح خواهم داد. مختصر این که تاریخ گذاری های کنونی بر کتابت قرآن شیوه مطمئن ندارد و حتی قرآن های کاملی را با خط و تصحیف و حتی نقطه های کامل، که تحولی جدید است، به راحتی به قرن اول هجری و یا دست نوشته هایی از امامان منتسب می کنند که به یقین تولیداتی در زمره جعلیات و با مقاصدی روشن است.

آقای khalil. اگر نگاهی به پاپیروس نوشته های عربی بیاندازید، که کتابت آن ها دورتر از قرن اول هجری نیست، مطمئن خواهید شد که پاپیروس و مرکب گذاری بر آن به علت ماهیت ساخت اوراق پاپیروسی عمر دراز ندارد، تار و پود آن از هم جدا و ریش ریش می شود. به همین دلیل و به علت کم دوامی، مسلمانان لت نوشته قرآنی بر پاپیروس نداشته اند و یا هنوز یافت نشده است. از این رو به طور قطع این انجیل نوشته پاپیروسی که در قریب 2000 سال از هرنظر سلامت مانده، ساختگی است. در مورد انگلستان هم چنین مرقوم است که نام خود را از قوم انگلوساکسون ها گرفته است.

نویسنده: سیروس

سه شنبه 28 اردیبهشت1389 ساعت: 6:30

سلام استاد گرامی. در مورد پاپیروسها همانطور که می دونید پاپیروسهایی از تمدن باستانی مصر و عصر فراعنه به دست آمده که قدمت چند هزار ساله دارند و دارای خطوط هیروگلیف. پس چطور نمی توان انتظار داشت که بر همان پاپیروسها انجیل یا تورات نوشته باشند و باقی مانده باشد، همانطور که پاپیروسهای اعراب سده های دوم یا سوم هجری باقی مانده است؟ با احترام فراوان

آقای سیروس. در مصر باستان بیش ترین کاربرد پاپیروس ها در لفاف پیچی مومیایی ها، برای جلوگیری از نفوذ رطوبت بوده است و البته تعدادی نیز برگ نوشته های هیروکلیفی بر پاپیروس باقی است. زیشه بحث در مورد سلامت ماندن این نمونه انجیل نوشته بود که در هیچ مورد دیگر، اعم از مصر و یا در نوشته های پاپیروسی اعراب

سابقه ندارد. وانگهی بعید است در 1700 سالی که از پیروزی مسیح بر امپراطوران هلنیست روم می گذرد، از برگ نوشته های توراتی و انجیلی اندکی در حد دو سه نمونه مشکوک باقی مانده باشد. ضمن این که یهودیان ادعای چند هزار ساله بر مالکیت و موجودیت تورات می کنند، اما نمونه باز هم مشکوکی دورتر از 700 سال پیش ندارند.

نويسنده: آيدين قشقايي

سه شنبه 28 ارديبهشت1389 ساعت: 7:6

سلام به دوستان
ممنون از شما بابت پاسخهايتان
ابتدا بايد بدانيم كه كارگروههايي كه اينجانب پيشنهاد دادم بناست چه اهدافي را دنبال كنند، نقش روساي كارگروهها چيست و چرا اينجانب پيشنهاد دادم كه نظارت عاليه با جناب آقاي پورپيرار باشد.
كارگروههاي مذكور بناست بيايند وضعيت شرق ميانه بعد از وقوع پوريم را براي بنيان انديشان روشن نمايند. يعني اعضاي اين كارگروهها پذيرفته اند كه پوريم روي داده و حالا مي خواهند بدانند كه با پذيرش وقوع اين پديده، سير تكامل حيات انساني و اجتماعي در منطقه شرق ميانه و كلاً در سطح جهان چگونه بوده است. پس طبيعي است كه فردي كه بخواهد عضو اين كارگروهها شود بايد به وقوع حادثه پوريم اعتقاد داشته باشد.
ما مي دانيم كه مخالفين بنيان انديشي طي ده سالي كه از طرح شدن مباحث جديد در مورد شرق ميانه توسط جناب آقاي پورپيرار مي گذرد هر كدام به نحوي سعي در اخلال در روند بنيان انديشي نموده اند. در سطح وبلاگ هم اينان با وارد كردن ناخاله هايي از قبيل آقاي حامد و امثالهم سعي در ايجاد وقفه در جريان بنيان انديشي نموده اند و اينگونه افراد با طرح مباحث پيش پا افتاده سعي نموده اند بين ياران بنيان انديش فاصله بياندازند. پس ما بايد در طراحي كارگروهها مواظب اين خدعه ها باشيم.
با توجه به مشغله هاي زياد جناب آقاي پورپيرار، پيشنهاد نمودم كه هر كارگروهي يك رييس داشته باشد كه بر عملكرد ساير اعضاي كارگروه نظارت كند. اين شخص بايد فردي باشد مومن به وقوع پوريم و الزاماً از بين اعضاي حاضر در كلاس بنيان انديشي. با توجه به شمه قوي جناب آقاي پورپيرار در دوست و دشمن شناسي و با توجه به شناختي كه ايشان از بچه هاي كلاس بنيان انديشي دارند، بهتر است كه روساي گروه توسط ايشان انتخاب شود. بدين ترتيب ديگر لزومي به نظارت هر لحظه اي ايشان بر كارگروهها نمي باشد و رييس هر كارگروه مي تواند در صورت نياز با ايشان در مورد چالشهاي پيش آمده در گروه تعامل داشته باشد.

نويسنده: آيدين قشقايي

سه شنبه 28 ارديبهشت1389 ساعت: 7:32

ادامه ...
حالا فرض كنيم فردي وارد وبلاگ يكي از كارگروهها مي شود. اين فرد جز يكي از سه قشر زير است:
1- قشر بنيان انديش كه اين وبلاگ و ماهيت آن را مي داند و بطور هدفمند وارد اين وبلاگ شده تا نظرات دوستان را در مورد موضوعات وبلاگ بداند و در مباحث مشاركت كند. اين قشر همان قشري است كه مطمع نظر ماست و مي خواهيم كه به نوعي در سير تكامل مباحث بنيان انديشي وارد شود و مشاركت نمايد. اين فرد وقوع پوريم را پذيرفته و با اين فرض در مباحث وبلاگ مشاركت مي كند.
2-قشر بنيان انديشان تازه وارد: اين قشر از بنيان انديشان تازه وارد به كلاس است كه دستكاري غربيان در متون و آثار تاريخي شرق ميانه و جهان را تا حدي پذيرفته ولي هنوز به دلايلي وقوع پوريم را نپذيرفته است. اين فرد به اشتباه وارد اين وبلاگ شده است. به اين منظور اينجانب پيشنهاد نمودم كه در وبلاگها راهنمايي درج شود تا كساني از اين سان به وبلاگ حق وصبر راهنمايي شوند.
3- قشر مخالف جريان بنيان انديشي: اين قشر از جماعت فريب خوردگان يا خفتگان و نوكران بيگانگان هستند كه عمداً سعي در ايجاد وقفه در جريان بنيان انديشي را دارند. اين قشر عمداً وقوع پوريم را قبول ندارد و مطمئناً اين قبيل افراد به اسمهاي مختلف وارد مباحث وبلاگها خواهند شد و سعي در ايجاد انحراف در مباحث وبلاگ خواهند نمود. در اينجاست كه نقش روساي كارگروهها برجسته تر مي شود. اينجانب پيشنهاد دادم كه در بالاي وبلاگها درج شود "هر كس وقوع پوريم را باور ندارد وارد نشود". نوشتن اين عبارت اتمام حجتي است بر اين قشر مخالف تا بدانند كه اگر بخواهند با طرح موضوعات پيش پا افتاده وبلاگ را از مسير اصلي اش منحرف كنند نظراتشان حذف خواهد شد.

نويسنده: khalil

سه شنبه 28 ارديبهشت1389 ساعت: 9:11

استاد اين حديث هم از حضرت ابراهيم رفرف(ع):

"تكرار ميكنم كه اين سخنان براي دفاع از زبان تركي نيست. زبان تركي همه انواع اتهامات عجيب و غريب و ايرادات بني اسرائيلي رنگارنگ را تا به حال تحمل كرده و، هر چند زخمي شده است، اما به بركت اصالت تاريخي و ارتباط ماهوي خود با

آئین پرطراوت اسلام از نفس نیفتاده است. آنچه باید نگرانش بود، خود ناصر پورپیرار و مجموعه دانش تاریخي است که به همت وي فراهم آمده است و اینک به دست خود وي به باد یغما سپرده شده است."

نویسنده: توحید

سه شنبه 28 اردیبهشت1389 ساعت: 6:41

با سلام
استاد با اجازه شما قسمت (سلمان پاک) کتاب پلی بر گذشته تان را اسکن کرده و بصورت PDF نمودم . من فایل آن را برایتان اي میل کردم خواستم ببینم اجازه انتشار آن در اینترت را مي دهید ؟

به نظر من اگر قسمت هایي از کتاب هایتان را بصورت محدود براي تبلیغ و جلب نظر و کنجکاوي جویندگان حقیقت بصورت PDF در آورده و اقدام به آپلود کردن آنها در سایت ناریا و انتشار در فضاي اینترنت نمود مي تواند کمك بسیار خوبي براي انتشار سریع تر حقیقت باشد . مثلا این بخش ها را توصیه مي کنم :

(سلمان پاك)

(شاهنامه و فردوسي)

(چاره اندیشي یهود)

(در جستجوي هویت)

(با هم پهلوي بخوانیم)

(غم نامه کعبه زردشت)

(آکادمي)

تا نظر شما استاد عزیز چه باشد .

آقای توحید. انتقال مقالاتی از کتاب و یا برخی از یادداشت ها به صحنه وب، مفید است. اگر به تدریج و با گزینش درست انجام شود توجه را هم جلب خواهد کرد. ولی نباید کتاب کامل باشد و البته این گونه کارها در عهده دوستان است و اگر اشکال در اجازه است، هم اجازه صادر است و ممنون هم می شوم.

نویسنده: سبحان ممیز

سه شنبه 28 اردیبهشت1389 ساعت: 13:5

سلام
گشتم ببینم که آیا کسی و یا شما چیزی در باره ی ممنوع الفروش شدن کتاب های شما در نمایشگاه کتاب نوشته است که که خب چیزی ندیدم.(البته بنده با سماجت یک دوره تاملی... را از فروشنده هایتان خریدم به پانزده هزار تومان به همراه دو عدد تقویم به عنوان هدیه)
لطفاً در این باره نیز توضیح بفرمایید.

نویسنده: مجید

سه شنبه 28 اردیبهشت1389 ساعت: 13:59

سلام
ایا این که درقران بوجود مادن کائنات را در 6 روز بیان کرده میتوان باا عداد زمینی
ان راحساب کرد

نویسنده: توحید

سه شنبه 28 اردیبهشت1389 ساعت: 11:51

با تشکر استاد
اگر زحمتی نیست فایلی که با ایمیل برایتان ارسال کردم به آقای عابدی ارسال کنید تا در یک سایت مناسب آپلود کند .
دوستانی هم که علاقه دارند از طریق ای میل این فایل را برای گسترش بنیان اندیشی بین افراد منتشر کنند از طریق ای میل من را خبر دار کنند .

tohid.zaher@yahoo.co.uk

نویسنده: عابدی

سه شنبه 28 اردیبهشت1389 ساعت: 16:55

با سلام

با عرض پوزش از دوستان ، سایت باز شد .

انجمن نیز فعال شد.

نویسنده: ایوب

سه شنبه 28 اردیبهشت1389 ساعت: 17:42

با سلام خدمت استاد ارجمند
استاد عزیر ما کتاب 150 صحابه ساختگی علامه عسگری را پیدا نکردیم . آیا در آن کتاب سلمان فارسی نیز جزء صحابه های ساختگی معرفی شده است .
با آرزوی توفیق

آقای ایوب. علامه کبیر مرتضی عسکری از اشخاص به صورت فردی کم تر نام برده، با دلایل مخصوص کلیه صحابه پیامبر در صدر اسلام و تمام کتاب های اسلامی را تا زمان معین، یعنی قرن دهم هجری، مردود و محصول دست جاعلین یهود دانسته است.

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 28 اردیبهشت1389 ساعت: 16:3

سلام
اقای اترش، مجوز فعالیت مجدد انجمن حاکی از اعتماد استاد است.
امیدوارم از این فرصت دوباره به نحو مطلوب و سازنده استفاده شود.

نویسنده: علی

سه شنبه 28 اردیبهشت1389 ساعت: 20:41

سلام مجدد.من چند روز قبل هم مزاحم شدم. چندتا سوال دارم
1-دربعضی کتب میگن داریوش خداپرست بوده و استدلال میکنن که دانیال وزیر او بوده. این درسته؟
2-آیاممکنه ازبین رفتن تمدن شهرسوخته مربوط به پوریم باشه؟

نویسنده: عباس سلامات

سه شنبه 28 اردیبهشت1389 ساعت: 22:57

آقای عابدی
سلام
هرچه سعی کردم صفحه انجمن باز نشد

نویسنده: نیما

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 0:1

با سلام استاد چیزی که در مورد نقاشی ایران همیشه برای من جای سوال داشت این که چرا همه ی نقاشی های کشیده شده شبیه به هم بوده و انگار یک نقاش آنها را کشیده و با وجود زور زدنهای زیاد در مکاتب نقاشی ایران تفاوت زیادی در آثار نمی بینیم. و جالب تر این که چهره های هیچ شاهتی به چهره های ایرانی ندارد.قطعاً این هم یکی از جعلیات یهودیان است اما اگه برای شما امکان دارد در این مورد توضیحی بدهید که این آثار مربوط به چه زمانی است و چرا یهودیان در زمان کشیدن این آثار یک ذره ابتکار به خرج نداده اند که جای سوالی باقی نگذارند که این آثار را کمی متفاوت تر از یکدیگر به تصویر بکشند.
خداوند نگهدار شما باشد.

۳ ۲ ۱

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 266،
نتیجه74، قلم، 3 - 63 نظر

نویسنده: یک همراه

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 1:10

ما هم دل خوش کرده بودیم که مجالی یافته ایم تا به واسطه صفحات وب ، تبلیغی کرده و خداوند هم شاید بدینوسیله از سر تقصیراتمان بگذرد و ما را مشمول عفو و گذشت خود نماید اینجا را معبر امیدی می دیدیم تا سکوت از سر ترسمان را در محیط مجازی بشکنیم و بدون آنکه در ظاهر شناخته شویم امر به معروف کنیم و ناهی منکر شویم . آنچه را که از قران آموخته بودیم در معرض دید دیگران قرار دادیم تا پاسخ هایی دیگران را هم بشنویم و بهترین آن را انتخاب کنیم و بعد تبلیغ کنیم آنچه را که خدا به ما امر نموده بود .
اما حالا دانستیم که سادگی کردیم و عمری را بدینگونه گذراندیم چون تنها خیال می کردیم جهادی اینچنینی برای نجات ما کافیست
ما سرگذشت مومنان به تاریخ پیوسته را نخوانده بودیم و الا اینگونه به مسائل ساده نگاه نمی کردیم
آیا نمی دانید که آنها مثل ما به حداقل ها کفایت نکردند ؟
قران تجربه هم هست .
سرمشق یست که از طریق این کتاب به ما آموخته شده است .
شنیده اید که می گویند اصحاب جلاد اخدود مومنانی را در گودالی جمع کردند و آتشی عظیم برای آنان مهیا نمودند تا بسوزانند آنان را تنها به خاطر ایمانشان که می گفتند فقط

خداست که بی همتا و قادر مطلق است ؟ آنان حتی در آتش از مسلمانی خود کوتاه نیامدند چون به خدا اطمینان داشتند و به توحید عقلانی رسیده بودند . آنها با آتش کین سوختند اما به زیبائی های لقای الله رسیدند و ما حسرت می خوریم که چرا ما نباید ما مثل آنان باشیم ؟ !
آنها چه بودند و ما چه هستیم ؟
ابتدا باید لایق بود تا وقتی که در آتش زجه کشیدیم قبل از آن به ایمان خود اطمینان داشته باشیم و تنها زبانه های آتش برای ما وسیله رستگاری آخرینمان باشد .

نویسنده: یک همراه

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 1:12

لیاقت می خواهد که ما هرگز لایقش نیستیم .
مسلمان باید باشیم تا ایمانمان را حتی سخترین شکنجه ها نشکند .
آیا در این دور و زمونه مردی را پیدا می کنید که از آن سوی شهر دوان دوان بیاید و در مقابل انبوهی از جاهلان شهرش بایستد تا گو.اهی دهد که پیام آوران خدا در ابلاغشان صادقند حتی اگر این کار او خطر مرگ برایش در پی داشته باشد ؟
او هم هرگز حاضر نشد سکوت کند و مثل ما به حداقل ها دل خوش کند چون می دانست که بهشت را به بهانه نمی دهند بلکه تلاش و همت و استقامت می خواهد .
مسلمان یا باید زحمت هجرت را بکشد و دست از شهر و دیار و تمامی دلبستگی های آن بشوید ویا انصار شود تا جایی که تمامی مال و دارایی خود را با برادر مومن بی چیزش شریک شود .
ایمان نبرد با تیر و نیزه و شمشیر در بدر و احد می خواهد . به

آسانی پشت رایانه نشستن و مقاله ایی بی اثر تایپ کردن نیست .
مسلمان شدن تنها این نیست که پشت هزاران دیوار بنشینیم تا شاید زمزمه های توحیدی ما را عابری گذری بشنود .

سخت است مانند همسر فرعون شدن . سخت است جایگاه و مقام دولتی را رها کردن و یار غار شدن . سخت است در بیابانی لم یزرع سالها مشغول به ساختن زورقی شدن که تنها حرفه ساحل نشینان است . سخت است آتش نمرود را به چشم دیدن ولی هنوز بر ایمان خود استوار و ثابت قدم ماندن . سخت است تحمل و صبر ایوب . سخت است رها کردن قصر رامسس و عازم صحرای پر از مور و عقرب و مار شدن . سخت است هجرت و نبرد و از دست دادن عزیزان و مال و خانه و خویشاوندان و تمسخر گمراهمان و حقیران و دهها بلایی که تنها بخشی از مصبتهای مومنان و پیامبران بوده است .

آنها چه بودند و ما چه هستیم ؟
آیا تو هم قصد جهاد و تبلیغ دین خدا داری ؟
آیا تو هم می خواهی مجاهد مومن نامیده شوی ؟
اما این رسمش نیست .
خواهر این راهش نیست .
برادر این کافی نیست .
مسلمان بدان که باید مسلمانی خود را ثابت کنی نه تنها با یک وسیله بلکه با تمامی توان و جانی که در اختیار داری .

نویسنده: محمدرضا نیسی

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 1:19

سلام عليكم استاد عزيز
مبحث مربوط به قلم يكي از بحث‌هاي اساسي و منحصر به فردي براي ارزيابي متون تاريخي است كه فهم دقيق و كامل آن براي انجام اين ارزيابي ضروري خواهد بود.
به نظر من در فضائي كه مناسب مي‌دانيد بحث مشروح و مبسوطتر در اين باره لازم مي‌باشد.
برخي از دوستاني كه اين مبحث را مطالعه كردند بر اين نكته تأكيد داشته‌اند.
با تشكر از زحمات بي‌وقفه شما و ساير همكاران

في أمان الله

آقای نیسی. در پایان یادداشت های قلم، ان شا, الله گره ها باز خواهد شد.

نویسنده: یه دوست

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 6:16

آقا ما جز بوسیدن دست حضرتعالی از راه دور و ابراز شرمندگی و خجالت از اینکه کار چندانی نمی توانیم برای تشکر در حق شما انجام بدیم، چیزی برای گفتن نداریم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 10:4

آقای بی نام. احتمالا یادداشت 159 است.

آقای سنجری. امروز ان شاء الله برای تان ای میلی ارسال خواهم کرد.

نویسنده: الیار

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 9:56

با سلام

آستاد گفته می شود که قضیه 11سپتامبر در قرآن ذکر شده است آیا واقعیت دارد؟ با تشکر

نویسنده: khalil

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 10:59

سلام و خسته نباشید خدمت استاد عزیز
به فرموده شما اگر در قرون پیش کتابت نبود پس همه نقل و قولهايي که از ارسطو، سقراط، کسنوفان و... گفته شده تماماً باید به زباله باستاني ریخت یا نه؟؟آیا این مهاجرین بین النهریني به یونان براي خود آثاري که از گزند جعل هاي کنیسه اي و کلیسايي به دور باشد و مهر استناد خورده باشد از گفته ها و داشته هاي خود به یادگار گذاشته اند؟؟یعني کلاً ما باور این عناصر فیلسوف و دانشمند را با کدام مستندها قبول کنیم؟؟؟؟
ممنون

نویسنده: khalil

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 11:48

استاد خسته نباشید

آقاي رفرف واووشار من در نظرات مربوط به بحث كامنت مي گذارم واين مربوط به بحث طوفان بود.شايد اشتباهي رخ داده به هر حال معذرت مي خواهم.
آقاي اووشار ما از خاك تركيه صحبت مي كنيم. با ادله اي محكم مي توان گفت كه طوفان نوح در اين قسمت اتفاق افتاده. اگر شما مي خواهيدمولوي و يا امپراطور عثماني و اورارتور را از آب يا باطلاق در بياوريد نياز به گروه امداد از طرف دانشگاه شيكاگو داريد.و سازمان يونسكو هم براي ثبت اين آثار كمك موثري مي تواند برايتان انجام دهد.
===
آقای خلیل:
از درج دو کامنت دیگرتان خودداری کردیم. اگر میخواهید کامنتهایتان در این وبلاگ درج شود، ناگزیر از آشنائی با عفت کلام هستید. شما با هر مقصدی که کامنت مینویسید، با عفت کلام نتیجه بهتری میگیرید، مخصوصا که خود را "بنیان اندیش" هم معرفی میکنید و یقینا وابستگی شدیدی هم به معیارهای اسلامی دارید. اگر این کار برای شما سخت است، یا این وبلاگ برای شما وبلاگ مناسبی نیست، یا شما خواننده مناسبی برای این وبلاگ نیستید و بهتر است وقت خود را صرف مطالعه منابع دیگری بکنید. آرزوی موفقیت داریم.
- رفرف

نویسنده: khalil

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 13:58

استاد اين تصاوير مربوط به بحث نمي شود ولي به صورت اتفاقي پي گير قضيه شدم ؟؟؟؟

اجسامي كه خود من هم باور و گول اين چيزها را نمي خورم ولي فكر كنم اينها كمي به واقعيت نزديك باشد.البته بهتر از اينها را توي فيلمهاي هاليوودي با كيفيت عالي مشاهده مي كنيم ولي در يكي از اين كليپها كه گفته مي شود در قسمت جنوبي كشورمان ديده شده با موبايل تصوير برداري كرده اند و زياد به جلوه هاي ويژه نزديك نيست!!!!

http://www.youtube.com/watch?v=lFuWGbe039s&feature=related

http://www.youtube.com/watch?v=RlsWp4elIxo&feature=related

http://www.youtube.com/watch?v=FtKuBKIaVvs&feature=related

آيا استاد اينها هم مي تواند جزء شيادي غربيان باشد يا نه؟؟؟؟(كمي مشكوك به نظر مي رسند تا اينكه سرگرمي مردم باشد).

آيا مي تواند جزء پروژه جاسوسي ناسا باشد؟؟

البته بگويم استاد من دچار طب شديد و هذيان گويي نشده ام و مرا به سازمان ناسا ارجاع نكنيد . در اين كشور پيدا كردن بليط مستقيم هواپيما به مقصد تعيين شده گير نمي آيد.ممنونم.

آقای khalil. جز یکی از لینک ها بقیه باز نشد. زیرا یوتیوب فیتلر شده است. این گونه مطالب گرچه قریب قرنی است حواس ها را به خود جلب کرده و هنوز نمی توان با یقین کامل در باب آن ها چیزی نوشت، اما مسلما شیادی نیست. در این باره آقای عارف که به زبان انگلیسی کامنت می گذارند قابل رجوع اند.

نویسنده: عادل

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 16:33

سایت عکس قدیمی
http://old-pic.blogspot.com/

نویسنده: شیوا کشاورز

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 17:1

سلام
من می خواهم عضو انجمن بشم ولی بعد از وارد کردن مشخصات در فرم مربوطه با پیغام زیر مواجه میشم
"متاسفیم، اما کاربران زیر 14 سال مجاز به عضویت در انجمن های ما نیستند."
میشه بگین علتش چیه؟ من که جایی مشخصات سنی خودم رو وارد نکردم و در واقع کسی از من نپرسید که براساس اون منو بخواد تو انجمن راه بده یا نه. در ضمن من 26 سالمه

خانم کشاورز. اشتباه بزرگی است اگر برای ورود خانم شجاعی چون شما به فروم، که سن تان را اعلام می کنید، بهانه بسازند! بیرون از مزاح ممکن است عددی را درست ثبت نکرده باشید.

نویسنده: محمد

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 17:10

با دیدن این عکس اولین تصویری که در ذهنم نقش بست تصویر شما بود و به یاد نوشته های شما افتادم .

http://27.media.tumblr.com/tumblr_l1htw70uLC1qz6f9yo1_500.jpg

نویسنده: اترش

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 19:17

سلام

خانم کشاورز
با ارتقای ورژن انجمن اختلالاتی جزئی روی داده است و همانطور که اعلام کرده ایم اندکی زمان لازم است تا همه چیز رو به راه شود. قدم اول برای رفع مشکلات هم آگاه شدن از آن است.
مواردی که ذکر کردید پیگیری و اصلاح شد، فیلتر سن را کلا برداشته و اکنون هرکسی با هر سنی می تواند عضو شود.

وب سایت

نویسنده: ×××

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 19:18

سلام استاد
امروز یکی از همکاران شیرازی من باهام از نقش رستم تماس گرفت و با ناباوری فراوان میگفت هر چی تو فیلم مجعولات مجلل و کتاب 12 قرن سکوت که حضرتعالی یاداور شدید در مورد این سایت با یک دوربین لنز دار قوی دیده و ایمان اورده.جالب اینجاست 2 سال بود تقریبا هر هفته در این مورد حرف میزدیم ولی قانع کردنش سخت بود و محال ولی با دیدن فیلم کنجکاو شد.الغرض باید فکری کرد تا بتوان فیلمهای بیشتری برگرفته از کتابهای حضرتعالی درست کرد زیرا عجیب

تاثیر شگرفی بر مخاطبان کم حوصله و کتاب نخوان این مرز و بوم دارد.دوستان بهجای این که راههای تفتیش عقاید مخاطبین را بررسی کنند بهتر است فکری برای تامین هزینه های تهیه کلیپهای تصویری کنند !!

نویسنده: R134a

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 22:2

خسته نباشید استاد

نویسنده: R134a

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 22:23

تاريخ بايد واقعي تبيين شود

http://www.jamejamonline.ir/archnewstext.aspx?year=1389&newsnum=100875214962&day=25&month=2

نویسنده: R134a

چهارشنبه 29 اردیبهشت1389 ساعت: 22:28

خواندنی از شدت پریشان گویی:
http://www.jamejamonline.ir/papertext.aspx?newsnum=100875125834

اسطوره دانستن شاهنامه خودباختگي و خودفريفتگي محض است كه الان استادان دانشگاه ها چنين بحث‌هايي را مي‌كنند

اولا شاهنامه در دوره غزنويان افزوده پيدا كرد و آنها

مي‌خواستند نشان بدهند كه فردوسي هم مانند ديگر شاعران دريوزه‌گر شاهنامه را براي صله سروده است. بنابراين در زمان «نه دود غزنوي» (سومين امير غزنوي) كه در آن زمان فردوسي از جهان چشم فروبسته بود و محمود هم مرده بود در اين زمان 5 شاعر را جمع كردند تا اين افزوده‌ها را در شاهنامه وارد كنند. وقتي من اين افزوده‌ها را بررسي كردم فهميدم كه اين افزوده‌ها 5 سبك است، يعني 5 نفر سروده‌اند. يعني شيوه سرايش افزوده‌هايي كه در جلد اول هست با افزوده‌هاي جلد سوم فرق مي‌كند......

نويسنده: منصور1

چهارشنبه 29 ارديبهشت1389 ساعت: 22:44

سلام خدمت استاد گرامي و دوستان بزرگوار
واضح است كه با چند سال آشنايي با نظرات آقاي پورپيرار كه عصارة بيش از 40 سال فعاليت و خون دل خوردن ايشان است، نمي توان ادعاي بنيان انديشي داشت. اما همين واقعيت، عظمت و اهميت اين راه را اثبات مي كند و اينكه داعيه بنيان انديشي چيز قابل داد و ستدي نيست كه بياييم براي جذب مشتري بيشتر از آن عدول كنيم. اترش جان اگر در كامنت قبلي بنده دقت كنيد مي بينيد نوشته ام اداره كننده نه شركت كننده.ديدي كه در فروم موضع من حتي از شما هم در مورد پذيرش آراء مختلف بازتر بود. هنوز هم نظرم همان است ولي مگر مي توان از كسي كه مثلا در رياضي مشكل دارد انتظار داشت اداره كننده يك كلاس رياضي باشد؟
فارغ التحصيلان يعني كساني كه حداقل زاويه ديدشان درست منطبق با زاويه ديد استاد است هر چند از لحاظ بعد ديد به ايشان نرسند. منظور كساني است كه وقتي كه 15 قطعه از

يك پازل 20 قسمتي را به درستي پيش چشم خود بيابند ولي در يافتن چند قطعه درمانده شدند، نزنند زير همه چيز.اين افراد بايد بعنوان پايان نامه درس بنيان انديشي پروژه اي رادر اين زمينه به انجام رسانند. علاوه بر فعاليتهايي كه در كامنت قبلي عنوان شد مي توان كارهاي ديگري كرد ، به قول استاد هر كدام از اين يادداشتها مدخلي است كه قابليت تبديل به يك كار بزرگ تحقيقاتي را دارد.
مثلا يكي از دروغهاي بزرگ تاريخ فعلي افسانه مغول است. مي توان يك بررسي مفصل جمعيتي و جغرافيايي از شرايط مغولستان دو ميليوني فعلي و چين يك ميليارد و سيصد ميليوني انجام داد كه اگر كنترل جمعيت در آن صورت نمي گرفت تا كنون 2 ميليارد نفر جمعيت داشت.خب با چه روندي مي توان تسلط چنگيز خان را در 800 سال پيش بر اين درياي جمعيت توضيح داد. مي توان مبحث كاغذ را بعنوان يك پروژه دنبال كرد. اگر نخستين كارخانه كاغذ سازي در سال 1344 وارد ايران شده پس اين همه مكتوبات به ظاهر تاريخي در جايي غير از ايران توليد شده اند چون سابقه كاغذ در ايران 50 سال هم نمي شود. معلوم است كه كتابهاي درسي براي مدارس و دانشگاهها هم از خارج توليد شده است و به تبع آن خط فكري دنبال شده در آنها از مسير هدايت يافته اي نشأت گرفته است.

نويسنده: منصور2

چهارشنبه 29 ارديبهشت1389 ساعت: 22:47

استاد عزيزهمانگونه كه فرموده ايد عمر انسان براي بررسي خروارها مجعولات كاغذين كفاف نمي دهد ، عده اي فكر مي كنند براي تك تك اين كتابها بايد «مگر اين چند روزه...» نوشته

شود. شما چراغ به دست ما داده ايد تا راه را از درون اين سياهي ها پيدا كنيم ، شما عيار به ما داده ايد كه آن را به هر كدام از اين كتابها بزنيم بوي تعفن جعل از آن برمي خيزد. اين عيار همان است كه بارها فرموده ايد، «از كل به جزء رسيدن» بايد تلاش كنيم اين عيار به دست همگان برسد. تلاش براي واقعي جلوه دادن اين كتابها از راه مطابقت دادن آن با قرآن مانند مثل آن فيلسوفي است كه دوسيب در بشقابي گذاشته بود و به پدرش گفت چند سيب وجود دارد ، پدرش گفت دو تا ، فيلسوف گفت نه خير ، سه تاست، اين يك اين دو ، يك و دو مي شود سه. پدرش هم گفت پس اولي و دومي را من و مادرت مي خوريم سومي هم براي تو.

با تشكر از حوصله دوستان

آقای منصور. باید صبورانه و با تیزبینی کار را پیش ببریم. وعده این است که دروغ مغلوب خواهد شد.

نویسنده: reza

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 1:11

اسامی 30 میلیاردر ایرانی

به نظر شما در این لیست چند تا آنوسی از خطه خراسان جا گرفته اند؟

http://bima.ir/view-2995.html

وب سایت

نویسنده: رضا

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 1:21

سلام علیکم .

گفته شد که نبود ابزاری مناسب جهت کتابت تا دو و سه قرن پیش نشان می دهد که گذشتگان اهمیت چندانی به نوشتن نمی دادند لا اقل به اندازه ابزار جنگی . اما استاد عزیز توجه نکرده که ابزار تا وقتی که کشف نشده اند یک مسئله پیچیده و لا ینحل در نزد همگان جلوه می کند یک معمای بسیار مشکل مثل همین خودکار و مداد و خودنویس . ولی بعد بدست اوردن آن و کشف آن موضوع بسیار ساده و تا حدی ابتدائی خود را نشان می دهد .مثالها زیاد است . گردش زمین به دور خورشید که همکنون هر کودکی با آن آشنا است .
اختراع برق . کشف الکل . تولید کبریت .
آری , هیچ کسی نمی تواند اهمیت آتش در نزد انسانها را مورد سوال قرار دهد آتش از عناصریست که مطمئنا از قرون اولیه خلقت , انسان با آن آشنا بوده و به آن نیاز داشته منتها تا همین چند دهه پیش هنوز به ابزاری به راحتی کبریت برای روشن کردن ان دست پیدا نکرده بود .
اگر قرار باشد استدلال جناب استاد در مورد فلم را بپذیریم باید قبول کنیم که مردم تا قبل از اختراع کبریت به آتش اهمیت چندانی نمی دادند که مطمئنا این درست نیست

با تشکر

نویسنده: AREF2

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 2:57

hatta agar tawajoh konid balaya ye tabighy shab ha
rokh midahad
dar goran bar ebadate shabaneh takid shodeh ast
dideh wa hangame worud moosa az door roshanayee
beh safineh kafsh haye khod ra dar miawarad
loot ensan boodand mihmanane
mojdeh dahandeye maryam ensan bood
faghel beh surate jamgh beh kar rafteh dar ayate goran
anan boodand ast pas sazandegan kashty ye nooh ham

نویسنده: AREF3

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 3:34

beh ellate damideh shodane rooh e khoda dar ensan har
keh adami tajassom konad khalg mishawad chizi ra
ast wally in kar niazmande sabr wa energy
keh energy e lazem ba tasbih wa zekre asma ye ellahy
tamin mishawad wa shokr gozary
dar wagegh adamiane hasti ye pishin be ellate tasbih e
ha sale wa tajassome 6 ruze wa sabre 15 miliard miliard
ha wa zamin wa sale be godrate khalg e aseman
hedayate mardoman miresand
gomy ba tajassom serwat jaleb injast keh har kas ya har
ya godraty ra khalg konad wa shokr gozary nakonad
manande garoon wa ferghon wa ad wa samod wa nooh
nagahan sogut mikonad

نویسنده: AREF4

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 4:6

pas an hayee keh ma danesh mandane 3 garne akhir parastim dar wagegh haman keshish ha namideh wa mi control wa hakham hayee hastand keh barye tahte gereftan wa naboodye islam tamadone modern wa khalg kardand pishrafteh ye emruz ra
in keh chera tamadon haye gadim abzar wa mashin alat ba door dast ra nadashtand beh khatere an e ertebat manandeh ast keh doshmane khareji nadashtand ta wahshat zadegan mahwareh mooshak hawapeyma khalg konand
sakhteman ha wa rah haye bozorg ba dar natijeh dar meghmari ye ajib beh surate mosalemat amiz sarzamin khod khalg mikardand

نویسنده: AREF5

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 4:32

keh tamam an tamadon ha beh elate ghadame shokr az khoda maghdoom shodand gozary wa tarse door tarsidan hesi ast keh khatar wa azab ra az bashar mikonad
in keh chera tamadone modern e emruz maghdoom khatere tarsi ast keh tawassote clisa nemishawad beh mishawad wa kenise dar jahan tablig
chon naboodiye tamadon haye pishin ra khod dideh and in tamadone garb wa amrica nabood bedin tartib moslemin nakhahad shod balkeh tawassote ma be erse khahad resid

نویسنده: طالب حقیقت

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 6:1

استاد سلام.

لینک را بررسی کردم. مشکلی نبود. اگر ممکن است دوباره امتحان کنید:

http://www.4shared.com/get/293047061/9dbe8049/Civilization_Signs2-2.html

نمی دانم آیا مشکل از فیلتر است یا نه.البته این سایت در منطقه ما فیلتر نیست.
به هر حال ببخشید.
با تشکر.

آقای طالب حقیقت. نمی دانم مشکل از کجاست ولی پس از دانلود و نصب هم فرمان اوپن اجرا نمی شود. باید روی کامپیوتر دیگر هم امتحان کنم. موفق باشید.

باز هم نتیجه نداد.

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 6:21

جناب یک همراه -سلام
تلنگر بجایی بود.استفاده کردیم.

نویسنده: عباس سلامات

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 9:15

با سلام
ترجمه مستند ارزشمند طوفان نوح در فرووم قرار گرفت. لطفا دوستان دیگری که به زبان عربی تسلط (نه آشنایی مختصر) دارند نظر خود را درباره ترجمه اعلام نموده و در صورت نیاز ترجمه به تصحیح، متن تصحیح شده را برای من ایمیل کنند تا در فرووم قرار دهم.

آقای سلامات. ممنون. لینک ارسالی و جدید آقای طالب حقیقت، راه نمایی است برای گسترش بنیان اندیشی.

نویسنده: عباس سلامات

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 12:8

سلام استاد
ممنونم از راهنمایی تان
من مدتی پیش(حدود یک هفته) از دوستی این لینک را دریافت کردم که البته لینک سالمی بودو من توانستم از آن دانلود کنم ولینک را برای همه دوستان من جمله حضرتعالی فوروارد کردم

نویسنده: مهران حقیقت

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 12:22

با سلام بر استاد

خسته نباشید و ممنون از قلم و بیان روشنگر شما.

با اجازه از استاد
جناب عارف؛ لطفا از کامنت گذاشتن به زبان فینگلیش خودداری کنید.

نویسنده: توحید

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 9:10

با سلام

استاد اگر صلاح مي دانيد فايل (سلمان پاك) درون سايت ناريا توسط آقاي عابدي آپلود شود . همچنين از هر كتابتان قسمتهاي كوچكي را به همين ترتيب اسكن كرده و درون سايت قرار دهيم .

با تشكر

آقای توحید. مخالفتی ندارم.

نویسنده: رعد

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 13:17

سلام اقای پیرار , دم قلم شما برنده وگرم .
اقا رضا این سی نفر با میانگین سن تقریبا 62.5 سال مایه مباهات برای جامعه ام القری
اسلامی هستند , من فکر میکردم که فقط این گونه صداها از خانواده پهلوی بلند می شد (:

نویسنده: آرمین

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 13:31

با سلام خدمت استاد بزرگوارم،جناب آقای پورپیرار
استاد این روزها بدجوری دچار افسردگی شدم،علتش هم این است که وقتی دوستانم را به حقیقت دعوت میکنم و در رابطه با نیمه کاره بودن تخت جمشید،وقوع طوفان نوح در ترکیه و مطالب اسلام شمشیر با آنها صحبت میکنم،به جای دادن پاسخی عقلایی و منطقی،صحبت هایم را با جوابهایی بسیار خنده آور و مضحک پایان میدهند و از آنجا که تعدادشان زیاد است،نمیتوانم در مقابلشان ایستادگی کنم،به ناچار آنان را به خدای متعال میسپارم.جالب ایجاست که این روزها نیز مرا ایران فروش و بی ایمان و... صدا میزنند.واقعا نمیدانم چه کنم؟به دوستانم میگویم که چرا در این امپراطوری بزرگ هخامنشیان که از هند تا حبشه و بخشهایی از یونان وسعت دارد،به جز تخت جمشید و خرابه هایی در شوش مسند حکومتی دیگری از آنها در سایر نقاط دیده نمی شود و...در جواب میگویند این نبود آثار به دلیل آزادی است که کوروش به اقوام این خطه در فرهنگ و عقیده و دینشان داده است!!!!
استاد حال میفهمم که شما از دست این جاهلان چه میکشید.با این همه و به یاری خدا باز هم در برابر آنان ایسادگی خواهم کرد.
پاینده و پیروز باشید استاد.

آقای آرمین. برای کسی که با دیدن مستندها متحول نمی شود سرمایه مجدد نگذارید چون او اصولا علاقه و استعداد درک حقیقت را ندارند و با لج بازی شما را خسته می کنند.

صبور باشید و به دنبال نمونه هایی بگردید که خود مترصد دریافت حقیقت اند.

نویسنده: khalil

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 14:10

با اجازه استاد
آقاي عارف جسارتاً عرض مي كنم.به علت لاتين نوشتن كلماتتان نمي توان به راحتي و تا آخر مطلب ادامه داد لطفاً به رسم الخط عربي منظور فرماييد.
آقاي عارف در مورد لينك هايي كه ارسال كرده ام، استاد اين راهنمايي را به شما واگذار كردند لطفاً نگاهي بياندازيد و در اين مورد نظر بدهيد.
ممنونم

نویسنده: khalil

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 15:48

استاد اين كليپ هم از سردم دار معركه(دكتر الهي قمشه اي)
حتماً نگاه كنيد از راست و حقيقت گفتن صحبت مي كند...
http://www.lxxl.ir/1389/02/29/%D8%AF%D8%A7%D9%86%D9%84%D9%88%D8%AF-%DA%A9%D9%84%DB%8C%D9%BE-%D8%B3%D8%AE%D9%86%D8%B1%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%AF%DA%A9%D8%AA%D8%B1-%D9%85%D9%87%D8%AF%DB%8C-%D8%A7%D9%84%D9%87%DB%8C-

%D9%82%D9%85%D8%B4/#more-760
استاد نظرتان در مورد این دکتر حافظ و فردوسي شناس چیه؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 18:18

آقای سایه. این گونه اسناد می تواند به درک به تر مدخل کمک کند و دریچه تازه ای به روی محقق بگشاید. تمام عکس های مورد نیاز زا هم می توانید از آقای عابدی دریافت کنید. ممنون

دوستان گرداننده فروم هم به لینک جدید آقای طالب حقیقت توجه و جایی در فروم نصب کنند و در صورت لزوم آن را نقد و یا تشویق کنند. شخصا نتوانسته ام لینک را باز کنم و نمی دانم اشکال در چیست؟!

http://www.4shared.com/file/ETaWrMeG/Civilization_Signs2-2.html

http://www.4shared.com/get/293047061/9dbe8049/Civilization_Signs2-2.html

نویسنده: سایه

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 17:52

با سلام
استاد من لینک آقای طالب حقیقت را دانلود کردم مشکلی

نداشت!
ممنون

آقای سایه. لینک دانلود می شود و ست آپ را هم کامل می کنم ولی باز هم لینک باز نمی شود و مجددا خواهان نصب ست آپ است.

نویسنده: اترش

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 18:31

با سلام
قسمتی را برای فعالیت و عرضه محصولات رسانه ای در فروم ایجاد کرده ام به آدرس زیر:
http://www.naria.ir/forum/index.php?board=47.0
پیشنهاد من این است که آقای طالب حقیقت برای دو کلیپ خود دو پست مجزا ساخته، خلاصه ای از کلیپ را عنوان و کلیپ مورد نظر را در همان پست پیوست کنند.
فایل هایی که در فروم پیوست می شوند قابلیت دانلود را داشته و مشکلات احتمالی در سایت های اشتراکی را نخواهند داشت.

وب سایت

نویسنده: +++

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 18:35

جناب آرمین -سلام

به وقت تسلیم شدن عقل در برابر منطق قوی تر شاهد عکس

العمل های مختلفی می شویم . عاقل پس از تسلیم
منطقش حقیقت را می پذیرد وبی خرد زبان به مسخره بازی و
لودگی می گشاید واحمق یقه درانی می کند,بی خیال می
شنود ومی گذردو مغرور بر افروخته می شود و سعی بر
تحمیل خویش حتی در حرکات وسکنات می کند و...
جناب آرمین بایدبه روش استاد تحلیل کرد که با کدام قماش
طرفیم هرکدام راه نفوذی دارند.عاقل را باید مکرر به بحث
کشیدتا به عقل ومنطق بپذیرد.لودگی بی خرد را باید به طریق
خودش سرکوب کرد.احمق را باید در جبهه ای دیگر منقاد کرد
واز حماقتش در جهت خود استفاد کنیم وبی خیال را باید
گذشت که او اصلا" در این وادی علقه ای ندارد و در مقابل
مغرور باید با غرور ایستاد و حس ذلت در او ایجاد کنیم.به هر
حال با این کلیت به مسئله نگاه می کنیم یا ما بر خاسته از
اراده وخواست دیگرانیم وتابع و منفعل یاما ایجاد کننده شرایط
ومسلط بر ان .
اینها توشه ای بود که به وسع خوداز عمل استاد در پایمردی
ایشان در مقابل دشمنان در این چند سال تلمذ برداشتم.کمی
دقت به عمل استاد راه را چه زیبا می نماید.از پرداخت هزینه
ها نباید هراسید و زبان به شکوه نگاشاییم که مسهل شانه
خالی کردن است,تو زدن است ,تابع شدن است و تحمل یوغ
دروغ بر گردن است.
برادرم امیدوارم استوار و موفق باشی.

نویسنده: محمدرضا نیسی

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 19:36

سلام علیکم
شب گذشته کار جدید آقای طالب حقیقت را دانلود کردم و

دیدم که به زیبایی و دقت و منطق تمام با تلفیق تصاویر و تحقیقات استاد عزیز، حجت دیگری برای کسانی که چشمهای خود را بر حقیقت نبسته اند، ارائه شده است. من به نوبه خود از تلاش های آقای طالب حقیقت تشکر می کنم و امیدوارم این تلاشها چراغ راهی باشد برای بنیان اندیشان که به نشر و بسط تحقیقات استاد عزیز بپردازند.

جناب آقای پورپیرار
به نظر من ایده آقای طالب حقیقت می تواند مبنای خوبی برای ساخت مستند دیگری باشد.

آقای نیسی. آقای طالب حقیقت الگویی برای آماده سازی اذهان و تربیت بنیان اندیش اند. احتمالا می توان کارهای ایشان و نظایر بعدی را با نصب صدا و موسیقی در ردیف مستندهای ساخت استاد غفوری قرار داد در دسترس جامعه گذارد.

نویسنده: منصور

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 19:49

آقای طالب حقیقت سلام برشما
عالی بود. دانلود مشکلی نداشت

نویسنده: منصور

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 20:0

دوست عزیز جناب طالب حقیقت
درود بر شما

نظير همين استدلال را در مورد ادعاي حمله مغول هم مي توان كرد.
دروغ پردازان، حمله مغول را عامل انهدام آثار تمدن ايران تا قرن هفتم هجري مي دانند. حال اگر به بررسي حوزه ادعايي حمله چنگيز خان و نوادگان او بپردازيم ، مي بينيم كه مثلا در چين ، هند و اروپا كاري به آثار تمدني ما قبل خود نداشته اند ولي نامردها آثار تمدن سلاطين و سلسله هاي قدرتمند ايران را به زمين فرو برده اند.
پايدار باشيد

نویسنده: تاجیک

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 20:17

آقای عارف هرچند شایسته ی کمک نیستید اما...
برای تبدیل فنگلیش به فارسی از این سایت استفاده کنید:
http://www.behnevis.com/

نویسنده: reza

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 20:58

آقای طالب حقیقت
کار بسیار بسیار زیبا و مفیدی بود. حتی بدون موسیقی پس زمینه. موفق باشید.

نویسنده: توحید

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 17:30

با سلام

آقای عابدی من فایل - سلمان پاک- را برایتان ای میل کردم .

اگر امکان دارد در سایت ناریا آپلود کنید .با تشکر و موفق باشید .

استاد نظرتان در مورد این مقالات چیست ؟

اختلاف فلسفه‌ي سنتي و قرآني لباس زنان: نقدي بر تفسير رايج از آيه‌ي قواعد:

http://www.touheed.com/Hijab/hijab4.htm

تفسیر تناقض‌آمیز از «زینت زنان» :

http://www.touheed.com/Hijab/hijab3.htm

اعجاب پیامبر از زیبایی زنان :

http://www.touheed.com/Hijab/hijab1.htm

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 21:5

من هم نتوانستم لینک مربوط به اقای طالب حقیقت را باز کنم.مثه اینکه سعادت دیدنش را نداریم.

نویسنده: شهاب

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 21:11

با سلام خدمت به استاد عزيز، آقاي پورپيرا
همين امروز مستند مجعولات مجلل را مشاهده كردم، بسيار

زيبا و پر از حقايق تامل برانگيز بود. من روشنگري اين مستندهاي ساخته شده را در حدي بسيار اثر گذار ديده‌ام.
واقعا خسته نباشيد.
با آرزوي سلامتي و عمر بابركت براي استاد گرانقدر
متشكرم

آقای شهاب. ممنونم. مستندها متعلق به استاد غفوری است. ایشان در نظر من از جهات مختلف انسانی بسیار درست کردارند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 0:46

آقای سایه. به روش شما هم باز نشد. ظاهرا باید سی دی آن را از آقای طالب حقیقت تقاضا کنم.
http://hotfile.com/dl/43877592/97a72c4/Civilization_Signs2-2.wmv.html

آقای نیسی. ایشان در برابر دستمزد انجام کار را قبول کرده اند و یا همت است.

اقای بی نام. چنین لطماتی پیوسته حاصل دفاع از حقیقت بوده است. مطمئنم که با شجاعت تمام اجازه نخواهید داد که حقوق تان را به یغما برند.

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 30 اردیبهشت1389 ساعت: 23:48

آقای طالب حقیقت -سلام علیکم

بلاخره موفق شدم کار زیبایتان را ببینم .دست مریزاد. عالی بود.باموسیقی وبیان تاثیر گذاری در حد کار استاد غفوری عزیز خواهد داشت.اگر کمکی در رابطه با موسیقی گذاری وکلیپ کردن اثر خود داشتید بفرمایید شخصی پس از دیدن کار شما حاضر به کمک شده است البته فقط تصاویر را نیاز دارد.

نویسنده: عباس سلامات

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 0:1

تم اضافة اللغة العربية للمنتدى
لاختيار اللغة العربية تابعوا الدليل الآتى
الملف الشخصى ==> تحرير المعلومات الشخصية ==> معلومات الحساب الاساسية ==> اللغة المفضلة
ثم اختارو لغتكم المفضلة

١ ٢ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود **[حذف مشخصات]**

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 266، نتیجه74، قلم 3 - 108 نظر

نویسنده: عباس سلامات

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 0:10

arabic language was added to the forum. to choose your favorite language follow this guide.

profile <== modify profile <==setting account <== preferred language.

then select your favorite language.

نویسنده: عباس سلامات

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 0:13

زبان عربی به فرووم افزوده شد. برای انتخاب زبان مورد علاقه خود مسیر زیر را دنبال کنید.
مشخصات ==> ذخیره تغییرات ==> تنظیمات حساب کاربری
preferred language<==

نویسنده: عباس سلامات

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 0:18

از دوستان ترک زبان بابت عدم اطلاع رسانی افزوده شدن زبان عربی به فورووم ،به زبان ترکی، عذر خواهی می کنم . البته دلیل این موضوع عدم آشنایی بنده به زبان ترکی می باشد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 8:34

آقای طالب حقیقت. بالاخره با فایرفاکس باز شد. زحمت فراوان کشیده اید و ممنون.
می توانید کلیپ های تان را در یک دی وی دی جمع کنید، روی آن متن و موسیقی بگذارید و به عنوان مستند چهارم عرضه کنید.

آقای نیسی. کار اصلی پس از طی این مقدمات فراهم آوردن امکانات نشر است.

نویسنده: عابدی

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 9:54

با سلام.

بسته شدن و راه اندازی مجدد انجمن، این امکان را داد تا دوستانی که دانسته و ندانسته ، با برداشتی صحیح و یا نادرست که از سخنان استاد پورپیرار در مورد انجمن، کامنت هایی را ارسال کرده بودند، اندکی بیش تر در مورد سخنان ایشان دقت نمایند! سخنان استاد، که با چندین سال در مجادله با دروغ می خواستند تجارب خویش را به دوستان منتقل کنند، با ارسال کامنت های بی ربط به حاشیه کشانده شد.

بی شک به جای تلف کردن انرژی، در پاسخ دهی به افرادی که همه از ذات شان با خبریم، می توان با رایت یم دی وی دی و دادن اش به غافلی، او را از اکاذیب نجات داد.

یکی از روند آتی انجمن به این صورت خواهد بود که با نصب خلاصه ای از ایران شناسی بدون دروغ، و ارجاع آن به متن کامل، کلیپی با تصاویر و مطالب آن ساخته شده و با گذاشتن آن در یوتوپ ، موبایل و ... روند انتشار مطالب را به تر خواهیم کرد ان شاء الله.

بی شک کلیپ هایی که به صورت موبایل در آمده اند، مفهوم را به تر از متن به مخاطب القاء خواهند کرد، ضمن این که ارسال اش به دیگری به صورت بلتوس نه هزینه بر می دارد و نه زمان خاصی را می گیرد.

با سپاس

نویسنده: آیدین قشقایی

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 9:57

محقق ارجمند جناب آقاي پورپيرار
سلام عليكم
با سيري در حقايق تاريخي مشخص شده توسط جنابعالي، اينجانب حدس می زنم در طي سيصد سال گذشته شرق ميانه روند زير را طي كرده باشد:
1- از زمان پوريم تا حدود سيصد سال پيش اين منطقه خالي از سكنه بوده است.
2- با گسترش دين اسلام از منطقه حجاز به سمت شرق، غربيان احساس خطر مي كنند و به فكر راه و چاره اي براي آن مي گردند. راه چاره را در ايجاد حكومتهايي دست نشانده كه مانع از گسترش اسلام مي شوند، مي بينند. بدين ترتيب مبناي فكري تشكيل دولتهايي به نام ايران و عثماني در شرق ميانه در ذهن روسها و همپيمانان غربي اش شكل مي گيرد.
3- اين كشورهاي جديدالتاسيس مي بايست مروج اسلام تحريف شده به مردم دنيا مي بودند. براي تشكيل اين كشورها، شروع به كوچ دادن اقوام و قبايل عمدتاً يهودي و بعضاً غير يهودي به منطقه شرق ميانه مي نمايند.
4- اين قبايل و طوايف كوچ داده شده با كمك غربيان و روسها بر سرزمينهاي خالي از سكنه شرق دور حاكم مي شوند و حتي منطقه حجاز فعلي كه حداقل سكنه اي داشته را هم به اشغال خود در مي آورند و حتي توليت مكه را هم در دست مي گيرند.
5- حاكمان كشورهاي جديداً تاسيس شده ايران و عثماني در ظاهر مروج دو مذهب (كه هر كدام داراي چند زيرشاخه هستند) به ظاهر متضاد مي شوند كه هر كدام داراي پيشينه

تاريخ من در آوردي مي گردند.
6- چون زبان دين اسلام عربي بوده، اگر آنها مي توانستند با تهيه كتب و زبانهايي براي مردمان دو كشور ايران و عثماني و با ايجاد اين توهم در ذهن آنها كه تاريخ شما مملو از شكوه و مدنيت بوده و آمدن اسلام مانع از پيشرفت مدني جامعه تان گرديده، مي توانستند علاوه بر سپر فيزيكي كه در مقابل گسترش اسلام ناب ايجاد كرده بودند، يك سپر فرهنگي هم در مقابل اسلام ايجاد كنند. بدين ترتيب به فكر تدوين تاريخ براي افراد و قبايل ساكن در ايران و عثماني نمودند و اينگونه بود كه شاهنامه ها و دده قورقودها سربرآوردند. ضمناً كتب جعلي زيادي هم به عنوان ترويج اسلام تحريف شده تحت نام نويسندگان و علمايي كه وجود خارجي نداشتند تدوين و بين مردمان منطقه و مردمان دوردست توزيع شد.

نويسنده: آیدین قشقایی2

جمعه 31 ارديبهشت1389 ساعت: 9:59

ادامه ...
7-اين وضع ادامه داشت تا سال 1917 ميلادي همزمان با سقوط تزارها در روسيه و آمدن كمونيستها در منصب قدرت روسيه. در اين زمان غربيان كه منادي ليبراليسم و سرمايه داري در جهان بودند احساس خطر كردند و سعي نمودند به انحاي مختلف با متحد قديمي و رقيب جديد خود از سر ستيز برآيند. يكي از كارهايي كه مي توانستند انجام دهند تجزيه دو كشور ايران و عثماني و خارج كردن آنها از دست روسها بود. بهترين كاري كه مي شد كرد ترويج قوم گرايي نژادي در منطقه بود. بدين ترتيب شروع به فتنه كردند و در دو كشور ايران و عثماني انقلابهاي مشروطه راه انداختند و راه را براي

تشكيل حكومتهاي وابسته به غرب بازكردند. باين منظور چه پولها كه خرج نشد و چه خونها كه به ناحق ريخته نشد.
8- اين تلاشها ثمر داد و امپراتوري عثماني در سال 1923 ميلادي ساقط شد و از دل اين واقعه، دو نوع حكومت بيرون آمد: آتاتركي كه نژاد ترك را برتر مي شمرد؛ حزب بعثي كه نژاد عرب را نژاد برتر معرفي مي كرد. در ايران هم رضاشاه با ضرب و همكاري ايادي انگليس و يهود حكومت قاجاريه وابسته به روسيه را در سال 1925 ميلادي ساقط كرد و منادي نظريه نژاد آريايي گرديد. بدين ترتيب حكومتهاي به ظاهر اسلامي ايران و عثماني كه تا ديروز اسلام مسموم را به اينور و آنور صادر مي كردند حالا نقش جديدي پذيرفته بودند: ترويج نژاد پرستي.
بدين ترتيب به مردم منطقه شرق دور باورانده ميشد كه حكومتهاي اسلامي ايران و عثماني نتوانستند به يك وحدت در بين مسلمين بيانجامند چون اصولاً اسلام ديني نبوده است كه توانمندي اين اتحاد را داشته باشد.

نويسنده: آيدين قشقايى3

جمعه 31 ارديبهشت1389 ساعت: 10:0

9- در ايران، رضاشاه شروع به زدودن نشانه هاي عربيت از ادب و تاريخ ايران كرد و همزمان در تركيه هم آتاترك نشانه هاي عربيت را از زبان تركي زدود. در تركيه نشانه هاي حضور تمدني قوم ترك وجود نداشت كما اينكه در ايران هم نشاني از قوم آريا وجود خارجي نداشت. لذا غربيان اينبار در لباس مورخ و محقق شروع به تاريخ بافي براي ايران و تركيه نمودند كه يكي منادي تمدن آريايي كذايي شود و ديگري خودش را وارث تمدن سومري جلوه دهد تا براي كُري خواندن پيش هم كم نياورند. به اين منظور در صورت نياز، با دست بردن در شواهد

تاريخي و باستاني موجود و انجام حكاريهاي جديد در آثار بازمانده و احياناً از بين بردن بعضي از شواهد تاريخي، راه را هموارتر هم نمودند و سعي نمودند بين كتب جعلي تاريخي كذايي با واقعيتهاي موجود انطباق ايجاد كنند. ضمناً برای اینکه ذهن جوانان ومردمان کشورهای ایران را هم منحرف کنند و جوی ضد روسیه در آنها ایجاد نمایند تا مبادا مردم ایران به سمت روسها گرایش یابند، در تاریخی که در این مقطع برای ایران تدوین میشد چنین ادعا می شد که آذربایجان، ارمنستان و ... هم زمانی جزء ایران بوده تا این حس نفرت از روسها همواره در دل ایرانیان باقی بماند.

10- در حكومتهاي جديد ايران و تركيه حاكمان دست نشانده گماردندو اگر هم لازم بود كودتا هم مي كردند تا مبادا عنان از دستشان خارج شود. براي بقاي اين حكومتهاي جديد در مقابل رقيب ديرينه خود –يعني روسهاي كمونيست- همكاريهاي نظامي و اقتصادي را با اين دو متحد خود گسترش دادند و تركيه عضو ناتو شد و ايران هم ژاندارم منطقه.

نویسنده: آیدین قشقایی4

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 10:2

11- حكومتهاي دست نشانده ايران و تركيه را مجبور كردند تا برنامه هاي تحول اقتصادي را در كشور خود پياده كنند و صنايع عقب افتاده و از همه جا مانده غربي را وارد كشور خود نمايند و با انواع تحقيرها و تهديدها، خود بطور مستقيم و غيرمستقيم بر مناصب تصميم گيري اين دو كشور حاكم شدند.

12- در ايران اين وضع ادامه داشت تا سال 1962 ميلادي (1341 شمسي) كه سال تصويب طرح كاپيتولاسيون در

مجلس شوراي ملي بود، که اين طرح در واقع نوعي تحقير ايرانيان محسوب مي شد. در اين زمان غرور خفته مردم ايران با هدايت مردي به نام روح الله موسوي خميني بيدار شد و نبردهاي خياباني مردم و حکومت آغاز گشت که نتيجه نهايي آن، سقوط حکومت دست نشانده پهلوي در سال 1979 ميلادي (1357 شمسي) در ايران بود. در ترکيه اين جريان به دفعات توسط کودتا سرکوب شد ولي در نهايت از سال 2001 ميلادي با روي کار آمدن حزب عدالت و توسعه در اين کشور نشانه هاي تمايل مردم اين کشور به تشکيل جمهوري اسلامي در ترکيه بيشتر احساس مي شود.

13- غربيان که به يکباره با تغيير حکومت در ايران برآشفته بودند به انحاء مختلف سعي در بازگرداندن حکومت پهلوي نمودند که از جمله کودتاي نوژه، حمله به طبس و مهمتر از همه جنگ ايران و عراق بود. جنگ ايران و عراق که مي توانست با درايت رهبران ايران هيچگاه روي ندهد با از هم پاشانيدن ارتش به جاي مانده از رژيم پهلوي توسط بعضي دوستان نادان و دشمنان داناي داخلي، در سال 1980 شروع شد و در طي هشت سال سرمايه هاي انساني و مادي دو ملت مظلوم ايران و عراق را تحليل برد.

نویسنده: آیدین قشقایی5

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 10:2

13- غربيان که به يکباره با تغيير حکومت در ايران برآشفته بودند به انحاء مختلف سعي در بازگرداندن حکومت پهلوي نمودند که از جمله کودتاي نوژه، حمله به طبس و مهمتر از همه جنگ ايران و عراق بود. جنگ ايران و عراق که مي توانست با درايت رهبران ايران هيچگاه روي ندهد با از هم

پاشانيدن ارتش به جاي مانده از رژيم پهلوي توسط بعضي دوستان نادان و دشمنان داناي داخلي، در سال 1980 شروع شد و در طي هشت سال سرمايه هاي انساني و مادي دو ملت مظلوم ايران و عراق را تحليل برد.
14- پس از انقلاب، انقلابيون انتظار داشتند حكومت جديد كه تحت لواي اسلام عرض اندام مي كرد، بتواند آزادي بيان و تشكيل احزاب را براي مردمان ايران زمين فراهم كند كه متاسفانه از همان ابتدا جريان شونيزم مذهبي شيعي بر شئونات اين مردم چيره گشت. در سال 1376 با روي كار آمدن دولت خاتمي كه منادي دولت باصطلاح اصلاحات بود متاسفانه مجدداً پاي شونيستهاي نژادپرست سلطنت طلب به حكومت باز شد و از آن موقع تا كنون، اين دو منطق شونيزم نژادي آريا و شونيزم مذهبي شيعه هر از گاهي باعث و باني آَشوبي بر ايران و مردم آن مي گردند.
15- از سال 1379 با ظهور ابرمردي به نام ناصر پورپيرار كه خود سالها در بطن حوادث اين سرزمين بوده و خود به نوعي به هويت واقعي غربيان و نوكران داخلي آنها از نزديك آشنا بود، جريان تاريخي ايران و جهان اسلام سمت و سويي ديگر گرفت. ايشان با انتشار مجموعه كتبي در مورد تاريخ ايران باستان و معاصر، سعي نموده است تا روي پليد غربيان و دوستان داخلي و خارجي آنها را در استثمار مردمان شرق ميانه به همگان معرفي نمايد و شمه هايي زيبا از وجهه اسلام حقيقي را به جهانيان بنماياند. اميد است نسلهاي فعلي و آتي جهان اسلام راه ايشان را پي بگيرند تا مبادا نور حق و حقيقت خاموش شود.
با تشكر
آيدين قشقايي

نویسنده: کاکا

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 10:55

سلام آقای طالب حقیقت

کار قابل تحسین و زیبایی را انجام داده اید ، دست شما درد نکند و موفق باشید .

نویسنده: طالب حقیقت

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 11:20

با سلام به استاد و دوستان

و با تشکر از همه.

آقای اترش. ضمن تبریک به خاطر آغاز به کار مجدد انجمن. پیشنهاد خوبی ارائه فرمودید. سعی می کنم حتما این کار را انجام دهم.

آقای منصور. درست است. و ضمنا در همین کلیپ، در تا حدودی پیشنهاد شما مبنی بر نشان دادن آثار یونانیان در ایران انجام شد.

آقای بی نام. ممنونم. کیفیت تصاویر فیلم بالاست. اگر کسی بخواهد می تواند به راحتی یک موسیقی به فیلم اضافه کند. اگر هم خواستید فایل پاورپوینت آن را برایتان آپلود می کنم.

نویسنده: توحید

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 7:54

با سلام . آقاي آرمين

به عنوان كوچكترين عضو مكتب بنيان انديشي كه افتخار 3 سال آشنايي با استاد پورپيرار را دارم ، فقط من باب راهنمايي عرض مي كنم بهترين راه مقابله با ياوه بافي هاي باستان پرستان داشتن مطالعه مستمرآثار استاد پورپيرار است . يعني هر چه بيشتر مطالب را دوره و باز خواني كنيد مجهز تر خواهيد شد بطوري كه اساتيد به اصطلاح معظم باستان شناسي و تاريخ چون رجبي و خنجي و فراي و بوشورلا در برابر استدلالاتتان به لكنت زبان دچار خواهند شد حالا اين چند نفر تازه به دوران رسيده كه جاي خود دارند .

چيزي كه به ذهنم مي رسد مثلا به دوستانتان كه ادعا مي كنند نبود آثار هخامنشي بعلت خوي «آزادي خواهي» كورش كبير !!! است ، بگوييد :

1-پس چرا از ديگر شاهان هخامنشي كه چون داريوش ديكتاتور بوده اند و از خوي آزادي خواهي كورش بهره اي نداشته اند هيچ اثري در ساير نقاط دنيا مانند هزاران هزار اثر رومي و سلوكي وجود ندارد ؟

2-اگر كورش تا اين حد آزادي خواه بوده و محبوب مردم جهان ، چرا در هيچ كشوري حتي در ايران (خانه اش) حتي يك تنديس ، يك تمثال و شمايل و بناي يادبودي براي اين اسوه آزادي و مردانگي نساخته اند ؟ چرا مثلا مردم منطقه براي بزرگداشت و تفاخر نام «كورش» را بر فرزندان خود نگذارده اند ؟ چرا هيچ سندي بصورت تقدير نامه از مردم منطقه در باره كورش هنوز توسط باستان شناسان يافت نشده است ؟

3-منبع اين حرفشان که مي گويند «کورش آزادي خواه بود» چيست ؟ آيا جز منشور کورش که جعلي است سند ديگري دارند ؟ آيا اين درست است که حرف کسي را که در وصف خود گفته و به اصطلاح از خود تعريف کرده که من چنين بودم و چنان را بطور يکجانبه بعنوان سند شناخت آن شخص کورکورانه قبول کرد ؟

4-آيا نيمه کاره بودن تخت جمشيد هم ارتباطي با روحيه مسالمت جو و صلح جويانه کورش داشته است ؟

5-چرا تمدنهاي عظيمي چون شوش و بابل و عيلام و ... دقيقا مقارن با ظهور هخامنشيان خاموش شده اند و ديگر در تاريخ سر بر نياورده اند ؟

وب سایت

نویسنده: بی نام

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 12:1

جناب طالب حقیقت -سلام علیکم

بنده شما را با ایشان اشنا می کنم.منتظر کامنت ایشان باشید.

نویسنده: طالب حقیقت

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 12:4

استاد. خوشحالم از اینکه مشکل حل شد و ممنون از پیشنهادات شما که محرک ساخت این کلیپ ها هستند.

در ضمن لازم می دانم از دوست بزرگوارم که تنها کسی است که در شهر محل سکونتم در راستای نظریات استاد به اینجانب یاری می رساند تشکر کنم.

همه مطالب متعلق به استاد است و این کلیپ ها هیچ نیستند؛ تنها ایجاد مسیری مناسب حال عموم، برای آشنایی با مطالب استاد ایجاد می کنند؛ و در برابر کارهای بزرگ آقای غفوری که حقیقتا تاثیر عمیق آنها را دوستان شاهد بوده اند، نمونه بسیار کوچکی است.

با تشکر مجدد از استاد و تمام دوستان.

نویسنده: ابراهیم فرآباد

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 12:13

جناب طالب حقیقت

کلیپ شما را دیدم .بسیار آموزنده بود .
پیشنهاد من به جناب بی نام ساختن فایل پاورپینت از این تصاویر بود.که خود شما قبلا این کار را انجام داده اید.

نویسنده: ×××

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 19:45

جناب آیدین قشقایی
بسیار مختصر و مفید جمع بندی کردید.خسته نباشید و دست مریزاد .ولی فکر میکنم از شماره 12 به بعد در اشتباه باشید.فکر میکنم انقلاب اسلامی ایران هم در همان مسیر

طرح و توطئه برنامه ریزی شده امپریالیسم جهانی بوده که امیدوارم استاد عزیز بعد از گذر از تاریخ قاجار به عصر حاضر هم بپردازند و روشنگری نمایند.البته نظر من این است و مشتاقانه منتظر نظر استاد در خصوص متن حضرتعالیست.موفق باشید

نویسنده: ×××

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 21:10

استاد سلام
اخیرا فایل پی دی اف جالبی بدستم رسید و در حال مطالعه آن هستم تحت عنوان"اسطوره ها و بنیان های اندیشه سیاسی یهود" (پژوهه صیهونیست- کتاب دوم-تهران: مرکز مطالعات فلسطین- 1381-صص 496-433) که مصاحبه ای با جناب عبداله شهبازی در خصوص بنیان های اندیشه سیاسی یهود است.هر چند ایشان از منظر پوریم به قضیه نگاه نکرده ولیکن نکات بسیار جالبی از توطئه های یهود در ایران و جهان اشاره کرده که به نوعی در راستای تحقیقات شماست.آیا کتاب زرسالاران اییشان را مطالعه فرمودید؟ آیا خواندن این کتاب را به مخاطبین میشود توصیه کرد؟
موفق باشید

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 1 خرداد1389 ساعت: 0:2

آقای ×××. آن شخص یک ژورنال نویس و بدون نظریه تاریخی است، وقوع پوریم را با شدت و حدت رد می کند و کتاب های اش از انواع بی خبری و صحنه آرایی های بی سروته مملو است.

آقای قشقایی. خسته نباشید.

نویسنده: محمدرضا نیسی

جمعه 31 اردیبهشت1389 ساعت: 23:43

سلام عليكم
به ويژه قابل توجه كساني كه برنامه‌هاي تلويزيون سعودي باعث تورم رگ گردنشان مي‌شود و خونشان را به جوش مي‌آورد ولي حساسيتي به برنامه‌هاي شبكه‌هايي چون BBC كه به مراتب از تلويزيون سعودي مؤثرتر است، ندلرند:
شب گذشته(پنجشنبه) از تلويزيون فارسي BBC گزارشي از اكران فيلمي به نام شاهزاده ايراني ديدم كه با آب و تاب از صحنه‌هاي اكشن و جذاب آن مي‌گفت كه چگونه يك شاهزاده ايراني براي اثبات بي‌گناي خود در قتل پدر خويش به يك ماجراجوئي بزرگ و سفري به دور دنيا دست مي‌رند و سوپرمن‌وار يك تنه به جنگ پليدي‌ها مي‌رود و همانند مرد عنكبوتي از ديوار راست بالا مي‌رود و كوه‌هاي سربه فلك كشيده را در مي‌نوردد و گوينده مات‌وار از اينكه هنرپيشه‌هاي ايراني نتوانستند در اين فيلم ايفاي نقش كنند، اشك تمساح مي‌ريخت!
جالب اينجا بود كه ايادي سينمائي يهود (هاليوود)مبناي ساخت اين فيلم سوپر و اسپايدر مني را جعليات ديگر يهودي يعني كتاب‌هاي شاهنامه و هزار و يك شب معرفي مي‌كنند و در لواي جعليات مركبي كه ساليان درزايست به باور اين مردم رسانده‌اند، فرهنگ و عادات خود را به آنان قالب مي‌كنند.

چه بايد گفت...

نویسنده: پرویز

شنبه 1 خرداد1389 ساعت: 0:6

با سلام .
استاد عزیز . مقالات زیبایتان مرا بسیار متحول کرده است لطفا در فرصت آینده به عصر حاضر و تحاریفی که در عرصه نقل وقایع تاریخی این دوران صورت گرفته بپردازید .
بسیار سپاس گذارم

نویسنده: عباس سلامات

شنبه 1 خرداد1389 ساعت: 0:54

جناب قشقایی
جمع بندی کامل و جالبی بود واقعا از شما متشکرم و صادقانه می گویم این جمع بندی دید تازه ای به من داد.

نویسنده: فتح

شنبه 1 خرداد1389 ساعت: 1:36

آقای پورپیرار مسئله خیلی جالبی است بد نیست شما هم تحلیلی داشته باشید. در این مقاله تقسیم بندی مذهبی اعضا هم جالب است.

همه اعضای دیوان عالی آمریکا تحصیل کرده دو دانشگاه
http://www.bbc.co.uk/persian/world/2010/05/100520_u04_harvard_yale.shtml

نویسنده: آیدین قشقايي1

شنبه 1 خرداد1389 ساعت: 8:7

سلام به دوستان
محقق ارجمند جناب آقاي پورپيرار
با تشكر از شما بابت پاسختان.
با پذيرفتن روند تاريخي مذكور در 300 سال گذشته، مي توان بطور قطع پاسخ برخي سئوالات را داد. مثلاً حوادث مربوط به حزب دموكرات كردستان و آذربايجان؛ حوادث مربوط به كودتاي 28 مرداد؛ سركوب وحشتناك حزب توده توسط محمد رضا پهلوي؛ جنگ ايران و عراق. در واقع مي توان گفت دو حادثه حزب دموكرات و كودتاي 28 مرداد سال 1332 تلاش مجدد روسيه براي بازپس گيري اُستان از دست رفته اش (ايران) از غربيان دانست و سركوب حزب توده توسط محمدرضا شاه را هم پاسخ دندان شكن غربيان به روسيه براي مواجه با اين خواست روسها دانست.
اما در مورد جنگ ايران و عراق اين دو رقيب ديرينه روسيه و غرب با هم بر عليه ايران متحد مي شوند. اينكه غربيان بر عليه ايران متحد شوند چندان عجيب نيست چون بالاخره شاه نوكر پولدارشان در منطقه بود ولي روسها چرا اينگونه موضع گرفتند؟
با تاملي در رفتار روسها و غربيان (مشركين) با مسلمين در حدود 300 سال اخير، جواب سئوال واضح است: حكومت جمهوري اسلامي در ايران تحت نام اسلام تشكيل ميشد و احساس خطر غربيان و روسهاي مشرك از جانب اسلام عامل اتحاد آنان بر عليه ايران بود چون اگر چه روسها با سقوط شاه از شر پايگاه اصلي دشمنان خود در منطقه خلاص مي شدند اما باز هم درد قديميشان تازه مي شد: اسلام و گسترش آن.

نويسنده: آيدين قشقايي2

شنبه 1 خرداد1389 ساعت: 8:8

در واقع مي توان اينگونه نتيجه گيري كرد كه تا زماني كه مردم شرق ميانه حول محور اسلام گرد هم آمده باشند بلافاصله مسيحيان و يهوديان (مشركين) بر عليه آنان متحد مي شوند اما وقتي كه هر قوم ساكن شرق ميانه دنبال قوميت گري نژادي و مذهبي خودش مي رود و ديگر كاري به اسلام و مسلمين ندارد مشركين هم مشغول دعواي قديميشان با هم مي شوند: كمونيسم و سرمايه داري!
در اين بين ما كه اكثريتمان اصالتاً بني اسرائيلي بوده ايم، دو راه در پيش رو داريم: بر كيش يهوديت وارد شويم، يا به اسلام بگرويم. چون مي دانيم كه قوم بني اسرائيل پس از ظهور اسلام مي بايست مسلمان مي شدند ولي با تحريفي كه علماي آنان در دين موسي ايجاد كردند لاجرم مشرك شدند و از آن زمان به آنها يهودي اطلاق شد، و بر اساس تعاليم دين مبين اسلام، مشركين نجس اند لذا ما اگر به دنبال اصالت واقعي انساني خود هستيم بايد دين مبين اسلام را بپذيريم.
در اين بين، لازم است ما بنيان انديشان اسلام واقعي را از لجنزاري كه مشركين برايش ايجاد كردند نجات دهيم و اصول راهنماي اسلام را از مرجع اصلي دين مبين اسلام (يعني قرآن) به دقت استخراج و در اختيار آحاد مردم قرار دهيم. بدين منظور لازم است زبان عربي را فرا بگيريم، كتب مذهبي (بغير از قرآن) موجود در كشور را بيرون بريزيم، و با تحقيق و مطالعه و سير در قرآن، ابتدا خودمان سيراب شده و سپس ديگران را از اين نعمت سيراب سازيم. به اين منظور و با توجه به اينكه ما بنيان انديشان از بابت آگاهي از حقايق تاريخي اسلام و ايران، چندين دهه از هموطنانمان جلوتريم موظفيم به هر طريق ممكن نسبت به آگاه كردن آحاد جامعه اسلامي از اين بلايي كه مشركين بر سر اسلام آورده اند اقدام كنيم و بستر سياسي، اجتماعي و فرهنگي لازم براي تشكيل ايدئولوژي

اسلام ناب را ايجاد نماييم. به اين مي گويند اصلاحات واقعي. در اين راه بايد سختي كشيد و آماده شنيدن ناملايمات زيادي بود اما اينكار همانند جهاد در راه خداست كه وعده خداوند به كساني كه در اين راه قدم گذارند اجر عظيم است و حتي كساني كه در اين راه جان هم دهند سعادتي به نام شهادت است.

نویسنده: امین

شنبه 1 خرداد1389 ساعت: 11:38

با سلام بر مبارزان راه روشنایی و اهل خرد و ایمان
و قدردانی ویژه از کسی که منطق درست اندیشیدن را به ما تذکر داد...
و با اجازه استاد و دوستان عزیز...
جناب آرمین ضمن سپاس از دغدغه و تلاش جنابعالی، در ارتباط با مطلبی که اشاره نمودید، به نظر حقیر نیز مواردی رسید که خدمتتان معروض می دارم:
1- تنها راه بیداری و ارائه آگاهی ها دعوت به تعقل و خرد ورزی و آگاه نمودن و بیدار کردن ضمیر ناخودآگاه انسان هاست. یعنی همان کاری که محمد (ص) کرد.
2- باید بپذیرم که نا آگاهی ریشه جهالت است و جهالت مقدمه گمراهی. آگاهی امروز هر کدام از ما نتیجه زحمات و تلاش های 50 ساله و هزاران صفحه قلم فرسایی پورپیرار عزیز است که اگر نبود ما نیز در گمراهی محض بودیم.
3- جهت تاثیرگذاری کلام، خصوصا در این مباحث عظیم و واقعا سنگین و عقل مدار که باید مستقیما عواطف و احساسات و باورهای یک فرد را در نوردیده و به جغرافیای عقل او قدم نهاد، بهترین راه ممکن، منطق و روش آیه شریفه 125 سوره نحل

است یعنی اصول خود پیامبر اکرم (ص) در دعوت بر حقیقت. (ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتی هی احسن ان ربک هو اعلم بمن ضل عن سبیله وهو اعلم بالمهتدین)

نویسنده: امین 2

شنبه 1 خرداد1389 ساعت: 11:49

جناب آرمین در خصوص آیه 125 سوره نحل (ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتی هی احسن ان ربک هو اعلم بمن ضل عن سبیله وهو اعلم بالمهتدین) مطالب مشرحه لینک زیر قسمت الف، ب و ج مفید است.

http://rasekhoon.net/Article/Show-52094.aspx

مبحث الف، ب و ج مبحث الف، ب و ج

نویسنده: علي

شنبه 1 خرداد1389 ساعت: 15:37

سلام / دسترسي به لينك آخرين نظرات وبلاگ در اول فروم پيشنهاد ميشود

نویسنده: کاکا

شنبه 1 خرداد1389 ساعت: 18:16

جناب آقای نیسی سلام

برای انسانهای حقیقت جویی که با تالیفات استاد آشنا شده

اند آشکارو واضح است که این فیلمهای تخیلی و کارتونی بیشتر برای سرگرمی کودکان ودلخوشی باستان پرستان مفید است تا یک رویداد تاریخی و تمدنی ، چون دیگراین فیلمها کارایی و تاثیرگذاری خود را به عنوان یک مستند و مدرک تاریخی از دست داده اند .

پیشنهادم به این حضرات این است که اگر بتوانند برای دلخوشی خود داستانهای شاهنامه فردوسی را هم که دارای تمام مواصفاتی از قبیل صحنه های قهرمان بازی و اکشن وهیجان است را به صورت فیلم بسازند ، همانند سری فیلمهای هری پاتر ، درآمد خوبی را عاید آنان خواهد کرد . و یا اینکه حداقل شاهنامه فردوسی را به صورت کتابهای داستان تبدیل کنند چون قصه های جالبی برای کودکان ، قبل از خواب شبانه خواهد بود .

چندی پیش " مستند تختگاه هیچکس " را بدون هیچ گونه توضیح تاریخی به شخص آشنایی جهت مشاهده عرضه کردم و او هم در مقابل ، فیلمی با عنوان " شبی با پادشاه " که در مورد خشایارشا بود را با غرور و افتخار به من داد تا مشاهده کنم . فیلمی مملو از تخیلات و صحنه آرایی هایی از یک شهر عظیم باستانی ، و مورد جالب توجه دراین فیلم چند طبقه بودن این شهر" تا کجا آباد " بود .
بعد از اتمام مشاهده فیلم نظراو را در مورد " مستند تختگاه هیچکس " پرسیدم ؟ با ناراحتی و تعصب همیشگی که مختص این اشخاص است ، جواب داد که همه مطالب مندرج در مستند دروغ است !!! وتنها دلیل بی منطق او این بود که اکثریت اعتقاد دارند تخت جمشید با همان عظمت خود وجود داشته است ! در جواب گفتم که ، اکثریت دلیل بر حقانیت

نیست چون این اکثریت ممکن است تاریخ حقیقی را ندیده و یا نخوانده و از همه مهمتر گول همین فیلمهای تخیلی و جعلی کمپانی های یهودی هالیوود را خورده باشند .
و جالب بود که این شخص بدون هیچ منطقی همچنان بر این فیلم مسخره خود پافشاری میکرد و آن را ملاک عظمت تمدنی هخامنشی ها می دانست !!! بنابر این از او آدرس این شهر با شکوه و باستانی نمایش داده شده در فیلم را جویا شدم؟؟؟

نویسنده: کاکا

شنبه 1 خرداد1389 ساعت: 18:18

ادامه...
دوستان مطمئن باشید اگر" مستند تختگاه هیچکس" را ندیده بود آدرس تخت جمشید را می داد ولی با کمال تعجب دیدم که از روی ناچاری " شیراز" را شهر باستانی نمایش داده شده در فیلم دانست !!!!
و وقتی از او سوال کردم که آیا ممکن است بگوید در کجای شیراز می توان یک نشانه بجا مانده ، حتی در حد بسیار کوچک از این عظمت تمدنی و پادشاهی خشایارشا را مشاهده کرد ؟؟؟ بلافاصله و با حاضر جوابی ، این سخن معروف و همیشگی زمان رضا شاهی را شنیدم که « عربها همه این عظمت و تمدن ما را از بین برده وغارت کرده اند !!!»
البته توقع شنیدن این سخن ، که از در ماندگی و عجزاین اشخاص در مقابل بیان حقیقت حکایت دارد را ، داشتم .

جناب آقای نیسی پس بگذاریم این افراد در جهل و نادانی خود با این فیلمهای توهمی هالیوودی دلخوش باشند که حتی

جرات و تحمل تماشای کار زیبا و در این حال ساده و رسای آقای طالب حقیقت را هم ندارند .

و این سخن را هم برای باستان پرستان و ایادی یهودی که با این گونه اکاذیب و جعلیات دلخوش اند اضافه کنم که « حقیقت تلخ است و قبول کردن آن شجاعت می خواهد»

نویسنده: ×××

شنبه 1 خرداد1389 ساعت: 18:30

جناب قشقایی عزیز
با قسمت دوم نظرتان در خصوص برگشت به اصالت واقعی انسانی خودمان و ... کاملا با شما هم عقیده ام ولی در مورد قسمت اول صحبتتان در مورد انقلاب ایران باید عرض کنم که فکر میکنم اتفاقا از آنجایی که تقریبا پیش بینی غربیان این بود که جامعه ایران در حال سیر به کمونیست هست (تقریبا طیف عظیمی از روشنفکران و دانشجویان آن دوران وابسته یا متمایل به حذب توده یا حزبهای غیر اسلامی دیگر بودند) و جهت جلوگیری از این امر و ندادن امتیاز به حریف روس خود تنها راه را ایجاد یک حکومت مذهبی (البته به طور موقت) دانستند(فعال شدن مذهبیون از سال 56 به بعد گواه این مساله است) ولیکن به نظر من شیرازه آن از دستشان خارج شد و دشمن مشترکشان که اسلام بود را بیدار کردند لذا هر دو رقیب شروع به توطئه کردند به همان نحوی که شرح فرمودید.از قبیل وقایع کردستان.ترکمن صحرا و جنگ ایران و عراق و ...هر چند معتقدم غربیان از این فرزند ناخواسته به مرور زمان حداکثر استفاده را کردند(حضورشان را در خلیج فارس(!) و حوادث سالهای اخیر گواه این مساله است) و

اتفاقا وجود یک حکومت دینی از نوع شیعی در قلب جهان اسلام را کاملا در راستای منافع خود یافتند .(تا نظر دوستان و استاد چه باشد.با تشکر

نویسنده: کاکا

شنبه 1 خرداد1389 ساعت: 20:17

سلام استاد
آیا قسمت اول کامنت ارسالی ایرا د داشته و یا درست ارسال نشده است؟
بنابر این هر دو قسمت را مجددا ارسال میکنم .

آقای کاکا. هر دو قسمت کامنت شما نصب شده است.

نویسنده: طالب حقیقت

شنبه 1 خرداد1389 ساعت: 21:16

با سلام به استاد و دوستان.

از آنجا که مطالعه کتاب فرزندان استر می تواند گامی مهم در جهت روشن شدن اذهان و کامل تر شدن آگاهی های افراد از تاریخ ایران باشد، با موافقت استاد تصمیم بر این شد که خلاصه ای از این کتاب به PDF تبدیل شود تا علاوه بر معرفی کتاب، کسانی هم که دسترسی به این کتاب ندارند بتوانند با خلاصه ای از مطالب آن آشنا شوند.
این فایل PDF شامل حدود 140 صفحه از چاپ دوم ترجمه فارسی کتاب فرزندان استر(انتشارات کارنگ) است که به روش اسکن صفحات تهیه شده است. البته این خلاصه به

صورت پراکنده است و به این خاطر از همه عذر می خواهم.
علاوه بر آن PDF کتابهای دیگری نیز آپلود شده است:

فایل PDF خلاصه کتاب فرزندان استر:
http://www.4shared.com/document/V6u310dj/Esthers_Children-summary.html

کتاب مقدس مسیحیان به طور کامل؛ که با پیوستن PDF های جداگانه آن و افزودن Bookmark به طور یکجا در یک فایل تهیه شده است:
http://www.4shared.com/file/nGEFyTis/The_Bible.html

ترجمه فارسی کتاب خزران آرتور کستلر که قبلا آقای "یه دانشجو" لینک آن را گذاشته بودند و اینجانب آن را به صورت یک فایل واحد درآوردم:
http://www.4shared.com/file/O3PkxGZb/Xazaran.html

نویسنده: محمدرضا نیسی

شنبه 1 خرداد1389 ساعت: 23:1

سلام عليكم
بله دوست گرامي "كاكا" راه درازي در پيش است و خيلي سخت خواهد بود باور كردن اين حقايق از سوي اينان و فرو ريختن اين همه جعليات كه هويت و تاريخ و افتخارات!! خود را بر پايه آن بنا نهاده‌اند. ولي پيروزي با حقيقت است و صبر و استمرار وظيفه ما.

جناب آقاي پورپيرار

كاغذ از چه زماني در چين توليد مي‌شده و كيفيت آن در چه حدي بوده؟ آيا كاغذ چيني در گذشته به منطقه ما مي‌رسيده؟ در صورت مثبت بودن جواب از چه راهي مي‌رسيده و در صورت منفي بودن چرا نمي‌رسيده؟
في أمان الله

آقای نیسی.کاغذ دست ساز که از اشرافی و گران بها ترین کالاها در جهان بوده، در کشورهای گوناگون و غالبا در حجم مورد نیاز دربار و حواشی آن تولید می شده است. بدین ترتیب آوازه پیشگامی چینیان در تولید کاغذ، که گویا مقدار کلانی هم به ایران می فروخته اند، زمینه سازی برای حضور مولف و کتاب نویس و کتاب خوان، در ایران قبل از سه قرن پیش است. این گونه اطلاعات در باب چین درست مانند دیوار خواندن جاده های آن کشور دروغ است.

نویسنده: آیدین قشقایی

شنبه 1 خرداد1389 ساعت: 23:9

سلام به دوستان
جناب ×××
با تشکر بابت نظرتان.
شما اگر حوادث 53 سال پادشاهی پهلویها را پی بگیرید می بینید در عموم این حوادث به نوعی ملت ایران تحقیر شده است. تحقیر یک ملت خود انگیزه ای بسیار قوی برای تمایل آن ملت به سمت تغییر و انقلاب است. مثلاً:
1- تحمیل یک فرد نوکر انگلیس به ایرانیان در سال 1304 شمسی به عنوان پادشاه
2- خط دهی ایجاد اصلاحات مختلف به وی به منظور غربیزه

کردن ایران: از قبیل کشف حجاب و...
3- اشغال ایران بدون توجه به سیاست عدم مداخله ایران در جنگ جهانی دوم توسط غربیان و روسها و غارت منابع غذایی مردم آن علیرغم نیاز مبرم آن مردم به آن منابع
4- انجام کودتا بر علیه نخست وزیری که آحاد مردم ایران آن را نماینده واقعی خود می دانستند و حاکم کردن مجدد شاه ضعیف النفسی که به ضرب این و آن بر ملت خود حکومت می کند.
5- عدم اعتقاد حاکمان ایران در زمان پهلوی به اینکه ما می توانیم خودمان در بسیاری زمینه ها خودکفا باشیم و سرسپردگی آنان به غربیان
6- سرکوب جریانات مخالف سلطنت طلب بطوری که تنها یک حزب در ایران باقی بماند و حمایت غربیان از این تفکر شاه: حزب شاه و ملت (آفتی که جمهوری اسلامی هم به آن دچار شده: حزب فقط حزب علی؟؟؟)
7- تحویل بخشی از ایران به بحرین به دلیل فشار غربیان که آحاد مردم ایران این موضوع را نوعی تحقیر غرور خود تلقی می کردند
و ...
این دلایل کافی بود تا مردمی بخروشند و فقط دنبال ایدئولوگ می گشتند که ایدئولوگش هم امام خمینی شد.
شاه در کشتن مخالفانش شکی به خود راه نمی داد و حتی در سال 42 قصد کشتن امام خمینی را هم داشت اما آقای پاکروان رییس وقت ساواک مانع از آن شد چون خودش امام را از قبل می شناخت و شفیع ایشان در نزد شاه شد.

راستی دوستان من در پیام قبلی خودم به اشتباه اشاره ای به کودتای 28 مرداد داشتم و حمایت روسها از این کودتا. در

اینجا اصلاح می کنم که منظورم حمایت روسها از دولت مصدق بود نه از کودتاچیان
موفق باشید

نویسنده: ضد یهود

شنبه 1 خرداد1389 ساعت: 23:31

سلام
وبلاگ های بیشماری علیه شما فعالیت و نوشته های شما را نقد میکنند.آدرس یکیش هم
اینه:http://www.naria2.blogfa.com/

آقای ضد یهود. نگران نباشید. چون در مقایسه، بی ارزشی تمام آن ها برای اهالی وبلاگ نویس و مردم با فرهنگ معلوم شده است.

نویسنده: reza

یکشنبه 2 خرداد1389 ساعت: 7:46

Baca the Holy city of The Muslims pilgrimage is in the Bible Holy
اشاره به مکه در انجیل مسیحیان و تحریف آن

http://thequranmiracles.canalblog.com/archives/historical_miracles/index.html

وب سایت

نویسنده: khalil

یکشنبه 2 خرداد1389 ساعت: 7:52

سلام و خسته نباشید خدمت استاد عزیز
به فرموده شما اگر در قرون پیش کتابت نبود پس همه نقل و قولهایي که از ارسطو، سقراط، کسنوفان و... گفته شده تماماً باید به زباله باستاني ریخت یا نه؟؟آیا این مهاجرین بین النهریني به یونان براي خود آثاري که از گزند جعل هاي کنیسه اي و کلیسایي به دور باشد و مهر استناد خورده باشد از گفته ها و داشته هاي خود به یادگار گذاشته اند؟؟یعني کلاً ما باور این عناصر فیلسوف و دانشمند را با کدام مستندها قبول کنیم؟؟؟؟
ممنون

نویسنده: محمدرضا نیسی

یکشنبه 2 خرداد1389 ساعت: 10:2

سلام علیکم استاد عزیز
چند روزیه در مورد قلم بحث‌هاي شدیدي با بعضي از دوستان و دشمنان! دارم که به بحث کاغذ چیني رسیدیم و من به معلومات فني بیشتري نیاز دارم کتاب پاپیروس‌ها رو هم خوندم بحث قلم به صورت فني و مستقل از سایر مباحث بسیار مؤثر است و خود مي‌تواند مدخلي بر سایر مباحث مانند پوریم باشد
به هر از هر گونه راهنمائي و مساعدت در این زمینه ممنون خواهم شد
في أمان الله

آقای نیسی. باید تا پایان بحث قلم حوصله کنید.

نويسنده: رامين.ص

يكشنبه 2 خرداد1389 ساعت: 16:4

با سلام:
استاد گرامي با توجه به معني كتاب كه فرمان ترجمه شده ،ايه 79 از سوره بقره را چطور بايد معني كرد:"فويل للذين يكتبون الكتاب بايديهم..."با تشكر فراوان.

نويسنده: khalil

يكشنبه 2 خرداد1389 ساعت: 17:48

آقاي كاكا ماجراي جالبي بود .كاش به اين متعصب مي فرموديد كه خاك بر سر امپراطوري كه اعراب جاهل و سوسمار خوار بساطشان را به هم زده و ويران كرده است.

نويسنده: khalil

يكشنبه 2 خرداد1389 ساعت: 17:58

آقاي طالب حقيقت دست شما درد نكنه هم بابت مستند و هم بابت PDF ها واقعاً كار بزرگي كرده ايد.

نويسنده: رهگذر قديمي

يكشنبه 2 خرداد1389 ساعت: 19:19

آقاي پورپيرار سلام و خسته نباشيد
نظر شما راجع به مجموعه اي كه بنام قديمي ترين نسخه قران كريم در موزه شهر تاشكند ازبكستان نگهداري مي شود چيست؟ آيا واقعيت دارد يا جعلي است؟

نويسنده: كاظم

یکشنبه 2 خرداد1389 ساعت: 20:45

جناب طالب حقیقت .
با سلام .لطف کنیدلینک دسترسی به کار ارائه شده تان را بفرمایید
با تشکر

نویسنده: طالب حقیقت

یکشنبه 2 خرداد1389 ساعت: 21:52

آقای خلیل. ممنون.

نویسنده: R134a

یکشنبه 2 خرداد1389 ساعت: 22:37

سلام استاد
خسته نباشید

نویسنده: مسعود سنجری

یکشنبه 2 خرداد1389 ساعت: 23:51

برادر گرامی طالب حقیقت
سلام علیکم
درود بر شما. حقا که با تلاش خود مساحت این بنیان اندیشی را فراخ می نمائید. با اجازه استاد اگر موافق باشید بزودی برای ساخت نسخه بزبان عربی کلیپها با شما هماهنگ خواهیم کرد.
والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: طالب حقیقت

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 0:34

آقای کاظم. با سلام به شما:

کلیپ اول:
http://www.4shared.com/file/8OAXywtI/Civilization_Signs2.html

کلیپ دوم:
http://www.4shared.com/file/ETaWrMeG/Civilization_Signs2-2.html

نویسنده: کاکا

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 1:24

سلام

جناب آقای khalil ، اگر از این حضرات سوال کنید که هنگام حمله اعراب درآن زمان ، امپراطوری عظیم ایران چرا بدون واکنش نظاره گر نابودی و غارت شهر های باستانی!!!! و آن هم به دست عده اندکی " عرب بیابانگرد و شتر سوار " بوده اند ؟
در جواب خواهند گفت که :
در آن زمان امپراطوری ما با تمام نیرو برای فتح سرزمین یونان لشکر گشی کرده بود - و یا مشغول جنگ با رومیها بودیم - و یا اینکه نیروهای این امپراطوری در حال کشف قاره امریکا بوده اند که این افتخار از آن ایرانی است و نه کریستف کلمب ، و به این صورت از جانب عربها غافلگیر شده ایم !!!

اشخاص وانسانهای یهودی صفت وشونیسمی که با هیچ صراطی مستقیم نیستند .

نویسنده: آرمین

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 2:5

با سلام خدمت استاد و تمامی دوستان
استاد پورپیرار از شما و از نظرات آقایان توحید،امین و +++،بسیار بسیار ممنونم.من تمامی مطالب و نظراتی را که برایم بیان کردید را به این باستان پرستان گفته ام ولی همانطور که گفتم در مقابل، پاسخ ها بسیار مضحک و خنده دار بودند.این آقایان اصلا تمایلی به دیدن مستندها نشان ندادند و اصرار من هم فایده ای نداشت،که این خود نشانه ترس آنهاست که نکند آن تاریخ بلورینشان و هر آنچه که در ذهن داشته اند ناگهان از بین برود.اینان به من میگویند که چرا در این 2500 سالی که گذشته کسی از خونریز بودن هخامنشیان صحبت نکرده است!!! و میگویند این سخنان ساخته و پرداخته ذهن یهودیان است که چون ما را در منطقه ابر قدرت می دانند میخواهند ما را خوار کنند .چرا که اطراف ایران اعم از عربها و ترکها و افغان ها همه خوار و ذلیل اند و فقط ما ابر قدرت منطقه هستیم!!!
در پاسخ گفتم اولا کسی قبل از رضا خان صحبتی از هخامنشیان نکرده است.ثانیا شمایی که این حرفها را ساخت ذهن یهودیان میدانید،پس چرا هنگامی که همین یهودیان که قبر مادر سلیمان را که همه مردم پیش از محمد رضا پهلوی و رضا خان به همین نام میشناختند، ناگهان قبر کوروش معرفی کردند،به خود شک و تردید راه ندادید و نگفتید که چرا در این 2500 سالی که گذشته کسی از کوروش حرفی نزده!!!!!

صحبت کردن با این آدمها فایده ای ندارد.باز هم از شما و استاد عزیزم تشکر میکنم.

۱ ۲ ۳ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

بازنویسي ثبت نظر

ایران شناسی بدون دروغ 266، نتیجه74، قلم، 3 - 117 نظر

نویسنده: سعید

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 8:37

با سلام
اجلاس تهران هم با رد پای یهود اجرا شد بساط تخت جمشیدی و هاخام منشی
دکوراسیون اجلاس 15 اشل کوچکی از بنای با عظمت تختگاه هیچکس
بود برای تداعی کردن قدرت خیالی ایران و تسلط منطقه ای و مرکز اصلی رسیدگی به مشکلات جهانی!و احتمالا جشن سده
در این دکوراسیون هدف دار که به پیشنهاد و نظارت جناب مشایی اجرا شده طبق گفته دکوراتور خوشبخت این شامورتی که اتفاقا از همکاران یکی از دوستان دکوراتور بنده است و بسیار از کار کرده خود شعفناک و مسرور الجیب هم هست برای تصاویر امام و رهبری در کنار تمثال مبارک هاخام منشیان جایی را باز کرده بوده و عکسها رو در دو طرف نمای بسته دکور تعبیه کرده بوده در هنگام بازدید نهایی از طرف جناب مشایی تشخیص داده اند که تصاویر به دکوراسیون لطمه بصری وارد مینماید پس بهتر است که این تصاویر که پایه اساسی این حکومت یعنی ولایت فقیه است در تصاویر دیده نشود و بهتر است خود داریوش شاه فعلا ولایت را به عهده

بگیرند
قبل از این اجلاس هم تغییر لحن جناب احمدی نژاد در نیویورک و کشاندن پای ابوالقاسم و مصلح الدین و عمر و وحشی و دیگر دار و دسته تفاخرات ایرانی به جای کلامی هر چند مختصر از قرآن تلنقری بود بر اینکه عمال یهود بسیار زیرک تر از آن هستند که در مقابل ایران احساس ضعف کنند چنان پایه های تسلط خود را محکم کرده اند که تنها با اراده خدواند سست میشوند و اگر خداوند بخواهد با قدرت بنیان اندیشی موفق باشید

نویسنده: الیار

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 8:45

با سلام و خسته نباشید

استاد آیه 109 سوره توبه به چه چیزی اشاره دارد.
خواهشمند است اگر ممکن است توضیحی در این مورد بدهید.

با تشکرات فراوان

نویسنده: ×××

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 11:40

جناب طالب حقیقت باز نشد. نمیدونم مشکل چیه.در naria.ir هم نیست.

نویسنده: مسعود سنجری

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 12:4

برادر گرامی طالب حقیقت
سلام علیکم

درود بر شما . حقا با زحماتی که در ساخت دو کلیپ زیبایتان متحمل شدید مساحت این بنیان اندیشی فراخ تر گردیده است. با اجازه استاد اگر مناسب بدانید برای تهیه نسخه زبان عربی از کلیپهایتان با جنابعالی هماهنگ خواهیم کرد.

والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: r134a

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 12:35

سلام استاد
شما این روند سیصد سال گذشته شرق میانه که اقای آیدین قشقایی بیان کردن رو تایید میکنید

نویسنده: یه خبر مهم

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 12:36

خدمت استاد گرامی و دوستان و یاران سلام. روز پنج شنبه شانزدهم خرداد قرار است در مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی در دارآباد از ساعت نه صبح همایشی با عنوان کوروش هخامنشی و ذوالقرنین برگزار شود. بانی این کار هم دکتر بجنوردی رئیس این مرکز است که در باستان پرستی و پروبال دادن به باستان پرستان و دشمنی با استاد پورپیرار ید طولایی دارد. در این همایش گنده های باستان پرستان ایرانی سخنرانی می کنند. از تمام دوستان بنیان اندیش و همفکران

خواهش می کنم همگی با سی دی فیلم مجعولات و تختگاه در این همایش شرکت کنند و ضمن توزیع سی دی ها در میان شرکت کنندگان، بنیان این دروغها را به زیر سئوال ببرند.
دوستان حتی می توانند با تهیه عکس در ابعاد بزرگ از مقبره قلابی کوروش و مستندات دیگر برای نشان دادن آن در جمع و دعوت به پاسخ از حضرات سخنران مدعی، یک چالش جدی ایجاد نمایند. من هماهنگیهایی را برای حضور برخی از خبرنگاران همفکر و انعکاس این برنامه ها به شکل وسیع انجام دادم و برای همین از تمامی دوستان تقاضا دارم این فرصت طلایی را بسیار غنیمت بشمارند و به طور جدی وارد صحنه بشوند تا انشا الله از این طریق بتوانیم خبر این فیلم ها و دیدگاه های استاد را رسانه ای بکنیم و خبر آن را مثل بمب بترکانیم. لطفا برای هر چه غنی تر شده این برنامه از هر طریقی که می دانید و می توانید در اسرع وقت اقدام کنید.
آدرس این مرکز : نیاوران، کاشانک، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی تلفن: 22297626 با تشکر

نویسنده: khalil

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 13:11

سلام بر استاد
دوستاني که اينجا سر مي زنند گفتم براي تفريح و سرگرمي اين را هم بخوانند:(جنگ شادي)

قرطبي، از مفسّران نامدار (م 671ق)، مي نويسد: هنگامي که اين آيه نازل شد، رسول خدا خوش حال گرديد و فرمود: اين آيه نزد من از همه دنيا محبوب تر است.

منظور از جمله (یَسْتَبْدِلْ قَوْماً غَیْرَکُمْ) ایرانیان هستند. برخي مفسّران نیز آنان را یکي از احتمالات آیه دانسته اند.

در حدیث آمده است: هنگامي که رسول خدا(صلي الله علیه وآله) آیه شریفه (وَإِن تَتَوَلَّوْا) را تلاوت کردند، حاضران عرض کردند: اي رسول خدا! کساني که اگر ما اعراض کردیم خدا آنان را جانشین ما مي کند و آنان مانند ما نخواهند بود، کیانند؟ رسول خدا دست بر ران سلمان فارسي زد و فرمود: این و طایفه اش هستند. (سپس اضافه نمود:) اگر دین خدا آویزه ستاره ثریا باشد، حتماً مرداني از فارس به آن خواهند رسید.

نویسنده: آیدین قشقایي

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 13:54

محقق ارجمند جناب آقاي پورپیرار
سلام علیکم، وقت بخیر
مي خواستم نظر شما را در مورد سیر تطور تاریخي شرق میانه که اینجانب در کامنتهاي قبلي ارائه دادم، بدانم. آیا برداشتهاي اینجانب صحیح بوده است؟
همچنین نظرتان در مورد کارگروههایي که اینجانب پیشنهاد دادم چیست؟ من چون احساس کردم فروم فعلي اهداف بنیان اندیشانه را پي نمي گیرد و همچنین کاربر پسند نیست و ورود به آن دنگ و فنگ دارد آن پیشنهاد رادادم.
سربلند باشید.

نویسنده: سعید

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 16:25

آقا یا خانم یه خبر مهم. از خبری که دادید خیلی ممنونم. من حتما دست پر خدمت می رسم ولی فکر کنم لازمه تو این فرصت باقی مانده بقیه دوستان هم یه برنامه ریزی دسته جمعی انجام بدن. بنظر من هم فرصت خوبیه تا یه ضربت شصت بنیان اندیشانه به این حضرات نشان بدیم.

نویسنده: عباس سلامات

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 16:29

جناب آقای سنجری
سلام علیکم
کلیپ فوق العاده دوست عزیز آقای طالب حقیقت به عربی برگردانده شده است و متن عربی کلیپ به زودی در اختیار ایشان قرار خواهد گرفت. به امید خدا به زودی نسخه عربی کلیپ در فرووم نصب خواهد شد.

نویسنده: طالب حقیقت

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 16:32

آقای xxx. منظورتان کدام لینک است؟

نویسنده: طالب حقیقت

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 16:44

آقای سنجری. ممنون. اگر استاد اجازه بدهند، مشکلی نیست.

آقای طالب حقیقت. حقوق کامل آن کلیپ ها به خود شما تعلق دارد و آقای سنجری هم مناسب ترین برای هرگونه اقدام مربوط به آن ها. موفق باشید.

نویسنده: توحید

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 14:57

با سلام

جناب آقای عابدی . دوست و همفکر محترم گویا هنوز فایل "سلمان پاک" را در سایت ناریا آپلود نکرده اید که البته به زودي قسمت های دیگری از کتابهای استاد هم بصورت pdf آماده خواهد شد . اگر فایل را دریافت نکرده اید اطلاع دهید تا برایتان ارسال کنم .

با تشکر .

وب سایت

نویسنده: محمدرضا نیسی

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 19:41

سلام علیکم
لینك زیر مربوط به اطلاعاتي است که شوينيستها و باستان پرستان و ايادي يهود در دانش‌نامه آزاد ويکيپديا درباره استاد عزيز گذاشته‌اند که همه آن قابل ويرايش است.

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D8%A7%D8%B5%D8%B1_%D9%BE%D9%88%D8%B1%D9%BE%D9%8A%D8%B1%D8%A7%D8%B1

http://en.wikipedia.org/wiki/Nasser_Pourpirar

http://ar.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D8%A7%D8%B5%D8%B1_%D8%A8%D9%88%D8%B1%D8%A8%D9%8A%D8%B1%D8%A7%D8%B1

از همه ياران و بنيان‌انديشان تقاضا دارم نسبت به اصلاح اين مطالب اقدام كنند و هر چند روز يك بار از عدم ويرايش مجدد مطالب توسط ايادي يهود اطمينان حاصل كنيم و اگر اين اتفاق افتاد مجددا اصلاح اعمال شود.
پيشنهاد من اين است كه يك مطلب قوي و كامل و با رعايت اختصار و همچنين فصل‌بندي دقيق مانند مطالب ديگري كه روي ويكيپديا هستند، توسط دوستاني كه اشراف كامل به مباحث دارند تهيه شود و به انگليسي و عربي ترجمه گردد. من ترجمه متن تهيه شده را به عربي انجام خواهم داد.

آقای نیسی. بارها این تصحیح و یک بار هم به وسیله خودم انجام شده است و بلافاصله متن قبل را به صفحه برگردانده اند. شاید به تر این باشد که اجازه دهیم در ادرار خود بلولند زیرا حتی یک تصویر ارائه شده در آن باب منطبق با حقیقت نیست.

نويسنده: محمدرضا نيسی

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 19:47

...
مطلب عربي ويكيپديا را خواندم]، بسيار مختصر ولي منصفانه

بود و به نظر من توسط يك شخص غير ايراني نوشته شده است.
نشر آثار استاد عزيز از هر موقعيت ممكن وظيفه همه ماست
منتظر همت عالي‌تان هستيم

في أمان الله

نویسنده: reza

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 20:19

با سلام به دوستان
در رابطه با فعالیتهای در دست تهیه جهت هرچه پربار! برگزار کردن همایش ذوالقرنین ، لطفا فیلم برداری به خصوص از جلسات پرسش و پاسخ فراموش نشود.

نویسنده: محمدرضا نیسی

دوشنبه 3 خرداد1389 ساعت: 22:12

سلام عليكم
استاد عزيز، اگر همه دوستان همت كنند نخواهند توانست.
تجربه مشابهي درباره قضيه ندا آقا سلطان اجرا شد و آنقدر مطالب اديت شد كه مسئولين ويكيپديا مجبور به دخالت شدند.
اگر اجازه مي‌دهيد مطالبي كه مد نظر شماست را به 3 زبان با پيگيري مستمر دوستان قرار دهيم؟

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر   بازنويسي

ایران شناسی 267

ایران شناسی بدون دروغ 267، نتیجه75، قلم، 4 - 55 نظر

نویسنده: محمدرضا نیسی

في أمان الله

نویسنده: ×××

سه شنبه 4 خرداد1389 ساعت: 5:5

جناب طالب حقيقتخطاطي علي رضا عباسي تبريزي(شاهنواز خان):
http://www.aftab.ir/photoblog/adv_images
f5a15041089a001c340c46d7b4d22658.jpg/

http://i8.tinypic.com/4y51tht.jpg
http://upload.wikimedia.org/wikipedia/fa/b/b3/AliReza_Abbasi4.JPG
http://farm4.static.flickr.com/3150/3018507593_a50d9f1628.jpg
http://upload.wikimedia.org/wikipedia/fa/c/c3/AliReza_Abbasi2.JPG
http://upload.wikimedia.org/wikipedia/fa/2/2a/AliReza_Abbasi1.JPG
http://i369.photobucket.com/albums/oo131/a_arabbeigi/Masajed/SheikhLotfolah/23-1.jpg
http://i369.photobucket.com/albums/oo131/a_arabbeigi/Masajed/SheikhLotfolah/17.jpg
مارك پرچم اسرائيل نقش بسته ميان چمن هاي داخل ميدان نقش جهان:
http://i369.photobucket.com/albums/oo131/a_arabbeigi/Masajed/SheikhLotfolah/03.jpg
خطوط مسجد برسيان(در تاريخ 491 هجري)
http://i369.photobucket.com/albums/oo131/a_arabbeigi/Masajed/Bersian/18.jpg
http://i369.photobucket.com/albums/oo131/a_arabbeigi/Masajed/Bersian/09.jpg
http://i369.photobucket.com/albums/oo131/a_arabbeigi/Masajed/Bersian/13.jpg
لوحهاي سنگي نوشته شده بر ديوارمسجد جامع نطنز:
http://i369.photobucket.com/albums/oo131/a_arabbeigi/Masajed/Natanz/05.jpg
مضمون:" بنای تعمیر و سفید نمودن مسجد جامع به سعی عالی حضرات فضیلت و افادات پناه مولانا محمد باقرا دماوندی و سلاله السادات و النجبایی حاجی میر ابراهیم الحسینی النطنزی به اتمام رسید به تاریخ شهر ذی القعده الحرام سنه 1178 کتبه محمد علی ابن محمد سعید الحسینی النطنزی"
http://i369.photobucket.com/albums/oo131/a_arabbeigi/Masajed/Natanz/04.jpg
مضمون:" هوالواقف"
"بسم الله الحمن الرحمن الرحیم بتوفیق حضرت جبار استاد حیدر نجار ولد مظفر نطنزی بشرح وقفنامچه علیحده تمامت سه طاق از ممر قناتین دستجرده نطنز و باغ و ملک تابعه آنرا وقف مسجد جامع نطنز نمود که متولی آن هر ساله خاصل آنرا بعد از وضع موضوعات در وقفنامچه مزبوره صرف تعمیر بر بوریا و روشنایی مسجد مذکور نماید و خلاف کننده به لعنت خدا گرفتار گردد و کان ذلک فی ثامن شهر رجب سنه ثلاث و مائه و الف کتبه العبد الراجی اسنکدر ابراهیم آبادی النطنزی "

نویسنده: محمدرضا نیسی

آقای رهگذر. ظاهرا آن قرآن را بر کاغذ نوشته اند. کاغذ به این علت که در مواد اولیه خود مقداری اسید برای حل شدن اجزا' بسیار ریز چوب دارد، از درون می پوسد و به پودر تبدیل می شود. این پروسه در حد اکثر عمر خود به 300 سال می رسد. بنا بر این نمی توان در باب تک تک قرآن های موجود قضاوت کرد. اگر قرآنی بر کاغذ داریم به نسبت آسیب دیدگی اسیدی حد اکثر عمر آن می تواند 300 سال باشد.

نویسنده: سعید

جناب آقای نیسی و دوستان ، سلام

در مورد مطالب مندرج در ویکیپدیا و یا سایر سایتهای دیگر باستان پرستان برای بد نام کردن استاد و ساکت کردن کلام حقیقت .

اگر از زاویه ای دیگر نگاه کنیم ، اتفاقا این تهمت ها و دروغها به نوبه خود " تبلیغ " خوبی برای هر چه بیشتر شناخته شدن استاد از جانب اکثریت مردمی که هنوزبا ایشان آشنایی نداشته و به طور تصادفی در این سایتها با نام " پورپیرار" برخورد میکنند ، خواهد بود .

این ایادی یهود جاهل و احمق خبر ندارند که با این یاوه بافیها و تهمت هایی که به استاد نسبت می دهند ، خود وسیله و کمک مفیدی است برای ایجاد " حس کنجکاوی " هر بیشتربازدید کنندگان این سایتها ، که اصلا تا به حال در هیچ جا ومکانی با نام و تالیفات استاد آشنا نشده و بر خورد نکرده اند !
و برای اولین بار با نامهای نا آشنای « پورپیرار ؟! پوریم ؟! 12قرن سکوت ؟! » و از همه مهمتر جبهه گیری کردن لشکری از ایادی یهود با دروغ و تهمت در مقابل یک نفر !!! که خود تاکیدی خواهد بود بر حقانیت آن یک نفر ، و در نهایت امر منجر به " کنجکاوی " و شناخت چهره واقعی و حقیقی استاد و تالیفات ایشان از جانب مردم خواهد گردید .

پس بگذارید این احمقها در سایت ها و سمینارهای تاریخی آنقدر مانند " میمون " ملق زده و جلب توجه کنند که خود تبلیغ جالب و مفیدی است برای آشنایی هر چه بیشتر استاد و تالیفات ایشان ، نه فقط در نزد مردم کشورمان که تا هنوز هم اکثریت بی خبری هستند بلکه مردم دیگر نقاط جهان و بخصوص منطقه خاور میانه.

دوستان ، ما راه خود را همانند آقای طالب حقیقت و پیشنهاد آقای نیسی ادامه می دهیم وبگذارید عیادی یهود هم راه بی آبروی خود را ، « که در هر دو صورت پیروزی از آن حقیقت است »

آقای کاکا. با شما موافقم. ورود

سه شنبه 4 خرداد1389 ساعت: 14:11

آقای ×××. لینک ها را بررسی کردم؛ مشکلی نداشتند.
پیشنهادم این است که برای دانلود کلیپ ها از Internet Explorer 8 و یا Firefox و ... استفاده کنید.
می توانید برای دیدن کلیپ ها از قسمت مدیا گالری انجمن هم استفاده نمایید.

action=media&http://www.naria.ir/forum/index.php?PHPSESSID=89eb234420b70f08ec12d17e9f1471ba

نویسنده: پیشنهاد

سه شنبه 4 خرداد1389 ساعت: 16:9

با سلام
ضمن تشکر از آقا / خانم "یه خبر مهم" پیشنهاد من هم این است که يك متن و تکلمه کوبنده و اثر گذار توسط استاد و یا به سلیقه دوستان بنیان اندیش در باب «پیامبر یهود بودن کورش» ، «اشارات تورات به کوروش و به نام خواندن او» ، «تمجیدات فراوان تورات از کورش» و «خاموشي ناگهاني تمدن هاي منطقه پس از ظهور کورش» و ... تهیه شود ، اصلا چطور است يك مسابقه تکلمه نویسي در انجمن بنیان اندیشان راه اندازي شود تا دوستان با قریحه خود متن را تهیه کنند و از جمله خود استاد . سپس شیوا ترین و اثر گذار ترین متن برگزیده شده و چاپ و تکثیر شده و همراه CD مستندهاي «تختگاه هیچ کس» و «مجعولات مجلل» بین حضار پخش شود و یا حتي توسط یکي از بنیان اندیشان با صداي بلند و غرا و اثر گذار در جلسه قرائت شود .

آقای پیشنهاد. ایجاد هرگونه درگیری لفظی و استدلالی موجب تشنج خواهد شد. به ترین اقدام و عکی العمل توزیع سی دی ها در سکوت و بدون رفتارهای توام با شعار است. سی دی ها و به خصوص سی دی مجلل خود کوبنده ترین شعار است.

نویسنده: کاکا

سه شنبه 4 خرداد1389 ساعت: 20:2

سلام استاد عزیز و دوستان

خبر درج شده در کامنت آقای " یه خبر مهم " مبنی بر برگذاری همایش کورش در تاریخ پنجشنبه شانزده خرداد درست نمی باشد ، بلکه تاریخ پنجشنبه 6 خرداد صحیح است (لینک)

http://www.khabaronline.ir/news-60696.aspx

نویسنده: اخبار

سه شنبه 4 خرداد1389 ساعت: 20:6

دیدار احمدی نژاد با حاخام ها!!
دوستان نظرتان چیست؟!!

http://img5.immage.de/25052329ff3434123.jpg

http://img5.immage.de/2505750f93be3423.jpg

http://img4.immage.de/25052fe324234f.jpg

http://img4.immage.de/2505551cd9324234.jpg

http://img4.immage.de/25051570243143f.jpg

http://img6.immage.de/25054a34933.jpg

http://img4.immage.de/2505d2134921.jpg

http://img6.immage.de/2505574d4f342134.jpg

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 4 خرداد1389 ساعت: 23:31

آقای تلمیذ. این که امروز استخوان قلم می گویند شباهت این استخوان ها به قلم است که می تواند یک نام گذاری جدید باشد و نه برعکس. زیرا در زمانی که قلم نیست نمی توان برای آن مشابه لفظی قائل شد. قرطاس هم همان پاپیروس است.

نویسنده: سایه

سه شنبه 4 خرداد1389 ساعت: 22:40

با سلام خدمت دوستان محترم
دوستان بنیان اندیش فروم یک بستر بسیار مناسب جهت گسترش بنیان اندیشی می باشد منوط به اینکه دوستان حضور پررنگی داشته باشند.
فعالیت در حد وسیع مستلزم حضور همه دوستان عزیز می باشد و و با تعداد کم در حد 2 یا 3 نفر این امر تقریبا غیر ممکن می باشد.
منتظر حضور قدرتمندانه شما هستیم.
ممنون

نویسنده: اخبار

چهارشنبه 5 خرداد1389 ساعت: 7:53

تایید تقلبی بودن مدرک دکترای رحیمی معاون احمدی نژاد

به گزارش "الف"، در جلسه اخیر هیات دولت وزیر علوم براساس تحقیقات خود اعلام کرد آقاي محمدرضا رحيمي، مدرك دكتري ندارد و مدرك ارايه شده از سوي ايشان فاقد صحت و اعتبار است.

در اين جلسه آقاي احمدي نژاد پس از استماع گزارش وزير علوم اعلام كرد آقاي رحيمي از مدرك دكتري استفاده نمي‌كنند و ديگران هم نبايد ايشان را دكتر خطاب كنند.

يادآوري مي‌شود محمدرضا رحيمي در زمان رياست بر ديوان محاسبات نامه‌هاي خود را با عنوان دكتر امضا مي‌كرد و در زمان حضور در دولت هم سايت رسمي دفتر امور رسانه‌های رياست‌جمهوری(president.ir) وي را «دكتر محمدرضا رحيمي» مي ناميد. وي در سال1382 با عنوان «دكتر محمد رضا رحيمي»، رياست دانشكده حقوق دانشگاه آزاد واحد تهران را به عهده داشته است. در جريان پيگيري هاي مدرك مرحوم كردان، محمدرضا رحيمي مدرك دكتر آن مرحوم را معتبر دانسته و رسانه ها را از پيگيري ماجرا محروم كرده بود.

الياس نادران، احمد توكلي و عليرضا زاكاني به دلايلي فراتر از دروغگويي عليه محمدرضا رحيمي به كميسيون اصل 90مجلس شكايت كرده و پيگير رسيدگي به پرونده ايشان در قوه قضائيه هستند.

پيگيري وزير محترم علوم و موضعگيري آقاي رئيس جمهور درباره مدرك دروغين رحيمي قابل تقدير است اما جاي اين سوال باقي مي‌ماند كه كسي كه سالها به دروغ خود را داراي مدرك دكتري معرفي مي‌كرده و از مزاياي آن بهره برده، آيا صلاحيت مديريت در دولت جمهوري اسلامي ايران را دارد؟

در كشورهايي كه ادعاي دينداري و حكومت ديني هم ندارند، با افشاي دروغگويي سياستمداران، آنها را رسوا و از صحنه سياسي و دست درازي به اموال عمومي دور مي‌كنند.

الف

نویسنده: محمدرضا نیسی

چهارشنبه 5 خرداد1389 ساعت: 10:15

سلام عليكم
به نظرم پيگيري قضيه ويكي‌پديا باعث حضور فعال و موثر ياران بنيان‌انديش خواهدشد.
به دوستان فعال در فروم پيشنهاد مي‌كنم به اين موضوع بپردازند كه اگر چنين شد همكاري كه در كامنت‌هاي قبلي گفتم را انجام خواهم داد

حتي حاضرم روزي 10 بار و بيشتر مطالب را در ويكي‌پديا اصلاح كنم

نویسنده: khalil

چهارشنبه 5 خرداد1389 ساعت: 13:37

سلام استاد
قضيه ديدار احمدي نژاد با حاخامها كه آقاي اخبار فرستاده چيه؟؟مثل اينكه يهودي بودن اين هم درست از آب در مياد!!!!

نویسنده: اركين قشقايى

چهارشنبه 5 خرداد1389 ساعت: 17:54

با سلام خدمت استاد بزرگوار و کلیه دوستان
اخیراً آقای محمد بهمن بیگی مدیر کل سواد آموزی عشایر ایران در زمان پهلوی دوم فوت کردند.در تشیع جنازه ایشان خیل عظیمی از هواداران وی از عشایر و غیر عشایر شرکت کردند، لکن در مورد ایشان که از نظر برخی منتقدین مجری نسخه ایرانی اصل 4 ترومن بر روی عشایر غالباً غیر فارس زبان بوده اند حرف و حدیث زیادی مطرح است.
اگرچه این مطلب با موضوع این پست غیر مرتبط می باشد اما با موضوع کلی این سایت مربوط می باشد لذا بخشی از سخنان وی در یک مصاحبه را برای اطلاع سایر دوستان نقل می کنم :
"بنده از اینجا توفیق پیدا کردم با استفاده از تجارب ممتد کارم، در خارج از فارس حتا بهتر از خود فارس کار کنم.معلم به شاهسون های تبریز فرستادیم که ترک زبان ها فارسی را طوری حرف می زدند که معلوم نبود ترک زبان هستند و ما برای اولین بار این کار را کردیم.عین همین کار را در خوزستان کردیم، عرب زبان های خوزستان، فارسی را خیلی عالی یاد گرفتند و من در نوشته های خود که چاپ خواهد شد گفته ام عرب زبان های کنار کرخه و کارون، قبایل بنی طرف و بنی کعب و ... شعر سهراب سپهری را بهتر از بچه های کاشان می خوانند."
"در آن کتاب نوشتم ایل برای شما گرفتاری است و به جای آنکه خود خلع سلاح شوند، سربازان را خلع سلاح می کنند و این راهش فقط ایجاد مدرسه سیار است."
"من تأکید کردم که به جای توپ و تفنگ، مدرسه و کتاب بفرستید."
http://siavashon.ir/admin/3223.html

وب سایت

نویسنده: www.naria.ir/forum

چهارشنبه 5 خرداد1389 ساعت: 18:26

با سلام

می توان قسمت ویکی را به سایت ناریا اضافه کرد و فضایی اختصاصی تر داشت.

کسانی که با ویکی آشنایی داشته و حاضرند در این راه همکاری کنند سری به انجمن زده و در قسمت مربوطه اعلام آمادگی کنند:
http://www.naria.ir/forum/index.php?topic=299.0

وب سایت

نویسنده: khalil

چهارشنبه 5 خرداد1389 ساعت: 21:7

6 خرداد سيرك بزرگ كوروش«هخامنشي و دوستانش» با هدف ايجاد فضايي دلپذير براي تفريح و سردر گمي و جنگ شادي براي دوستداران تمدن 2500 ساله در مركز دايره‌المعارف بزرگ اسلامی!!!!

http://www.cgie.org.ir/showbuilderB.asp?newsID=1707

نویسنده: khalil

چهارشنبه 5 خرداد1389 ساعت: 21:59

استاد این هم از بنیان گذار ارکستر موسيقي ملي ایران فرهاد فخرالديني(زادهٔ ۱۳۱۶ در تبریز) که براي شهرت و مقام خود سمفونی مسخره و آبکي خليج فارس را اجرا کرده است.

دریافت فایل صوتی Dial-up
http://www.cgie.org.ir/download/persiangulf.wma
دریافت فایل صوتی DSL
http://www.cgie.ir/download/persiangulf_dsl.wma
گوش كنيد بي مايه است فقط براي ثبت خليجشان اين آش بي نمك ساخته شده.
از ليست تمام شاهكارهاي سنفوني با مليتهاي مختلف از نابغه هايي چون
چايكوفسكي،بتهوون،حاجي بيف،خاچاطوريان،اشتراوس،پاگانيني و... اين كشور هنوز هم كه هنوزه نتوانسته است يك نابغه موسيقي به جهان معرفي كند(به جز باربد زمان ساسانيان كه نت هر روزش با ديگري مغاير بود)!!. با اين وضع هم به فكر چاره انديشي براي پس گرفتن نام هميشه فارسشان دست به اين راه زده اند تا در جهان بدانند كه خليج فقط فقط خليج فارس چشم حسود كور... .

نویسنده: +++

چهارشنبه 5 خرداد1389 ساعت: 22:17

اخی الكريم سيد عباس سلامات

(المسئلة سهلة للغاية.يكفى للمحقق ان يبحث عن مكاناً على وجه الارض له امكانية التبديل الى بحراًعميق بعد المطر المداوم."من كلام اخ العزيز عباس سلامات")

اخی العزيز ارجوک ان تضيف ان فار الما' من الارض و المطر من السما'

شكرا" على مقالک العالی المرفوع .

حفضک الله يا نشمه اللسان القران فی المنتدی .

نویسنده: ..

چهارشنبه 5 خرداد1389 ساعت: 22:38

جناب اقای عباس سلامات-سلام علیکم

اگر ممکن است وبلاگی متصل به حق وصبر جهت ترجمه مقالات استاد وجدای از فروم فراهم نمایید تا بدون امتزاج با زبان پدیش فارسی و مختص عرب زبانان باشد.من فکر می کنم که عرب زبانان کشورهای دیگر به دلیل عدم آشنایی با زبان فارسی وارد فرومی به زبان فارسی که دارای زیر مجموعه عربی است نمی شوند.

ضمنا" ترجمه قوی حضرت عالی را تبریک می گویم.

نویسنده: R134a

چهارشنبه 5 خرداد1389 ساعت: 22:41

فرموده های یک روحانی!
انتظار باستاني
من ایرانی‌ام؛ از ماد تا پارس، تا کوروش ذوالقرنین تا ... من ایرانی‌ام و اکنون مسلمان و منتظر! بی‌علت نبود که در شمال کشورم، علی(ع) و حسن و حسین‌اش را «رشت» یعنی «فرزانه و دانشمند» مي‌خواندند و نام شهر و دیار خود را آن نهادند و در جنوب کشورم ...
/http://mouood.org/content/view/9721/3

جالبه

نویسنده: AREF link

پنجشنبه 6 خرداد1389 ساعت: 0:8

http://thebiggestsecretpict.online.fr/ufo/Roswell_museum_display_new_prop.jpg

نویسنده: موومان

پنجشنبه 6 خرداد1389 ساعت: 8:58

سلام استاد. خدا قوت.

سلام آقای طالب حقیقت. تاکنون دو بار سعی کرده ام که کلیپ یا کلیپهای شما را داونلود کنم ولی متاسفانه احتمالا به علت مشکلات اینترنتی نتوانسته ام. ولی امروز فایل PDF خلاصه ی فرزندان استر را که گذاشته بودید داونلود کردم و خیلی مفید بود. دست شما درد نکند و خدا به شما در راهی که پیش گرفته اید ثبات قدم بدهد.

نویسنده: عباس سلامات

پنجشنبه 6 خرداد1389 ساعت: 11:4

با سلام به همه
خواهش می کنم به تعریف زیر دقت کنید
""یک جنگ ویرایشی زمانی رخ می‌دهد که یک کاربر یا جمعی از کاربران مداوما ویرایش‌های یک دیگر را در مقاله یا موضوع خاص واگردانی می‌کنند.معاونت عمدی در یک جنگ ویرایشی به‌جای بحث و گفتگو به عنوان یکی از مصداق‌های بی‌نزاکتی محسوب می‌شود و ممکن باعث قطع دسترسی کاربری از مشارکت در ویکی‌پدیا بشود.تلاش برای پیروزی در جنگ‌های ویرایش با واگردانی‌های پی در پی و یا تقاضا از دوستانتان برای حمایت از شما رویه اجماع‌یابی را در ویکی‌پدیا دچار اخلال می‌کند و روحیه همکاری را در میان مشارکت‌کنندگان می‌کشد.""
این تعریف جنگ ویرایشی در ویکیپدیا است. دوستانی که پیشنهاد روزانه 10 ویا بیشتر اصلاح در روز را می دهند گویی که قوانین ویکی را نمی دانند. دوستان ویکی ملک پدری کسی نیست که هر کاری بخواهد در آن انجام دهد.ویکی خوب یا بد،غلط یا صحیح قوانینی دارد که کاربران موظف به رعایت آنها هستند که عدم رعایت آنها منجر به بسته شدن نام کاربری به مدت چند روز و در صورت تکرار برای همیشه می شود واگر آن کاربر با نام کاربری جدیدی اقدام به عدم رعایت قوانین کند آدرس آی پی او برای همیشه بسته خواهد شد.
دوستانی که توانایی این همه اقدام مفید در جهت بنیان اندیشی دارند لطف نموده و توانایی هایشان را در فرووم به کار گیرند زیرا فرووم مکانی در راستای بنیان اندیشی است که جنگ ویرایشی به معنای ویکی نخواهد داشت.
صفحه ویکی فرووم اکنون را اندازی شده است امیدوارم دوستان هر چه زودتر در آنجا حضور یابند.

نویسنده: کاکا

پنجشنبه 6 خرداد1389 ساعت: 12:30

سلام استاد عزیز و دوستان

سخنرانی دکتر احمد اقتداری در همایش خلیج فارس :
" مسجد و مدرسه و خانقه و دیر همه جا گشتم و دیدم که هیاهوی تو بود ! "

بحرین نه به معنی دو دریا بلکه از کلمه بهر و بهره و ساسانی است!!!
قطر یعنی کتر و یک نامگذاری ایرانی !!!
شارجه یا شارقه یعنی شهر گه و کلمه ای فارسی !!!
نام تمام جزایر متعلق به کشورهای عربی خلیج ، ریشه در زبان فارسی و تهران!!!! و ایرانی دارند !
نام اغلب روستاها و شهرهای کهنه یمن فارسی است !!!
جلفار تعریف گلبار مانند رودبار - بخاطر صادرات زائد بر مصرف گل سرخ محمدی!!!
و.....
http://www.cgie.org.ir/showbuilderB.asp?id=380

و اگر همینطور سوار بر کشتی خیالبافی خود اقیانوسها را طی کرده و به قاره امریکا می رسید ، حتما در سخنرانی اش می گفت که کلمه امریکا ریشه ای ایرانی دارد :
امر یعنی امرکردن ، ی یعنی یهورامزدا (اهورامزدا) ، ک یعنی کشف کردن ، الف یعنی اینجا ، و در کل می شود " امر کرد اهورا مزدا کشف کنیم اینجا را " ! پس قاره امریکا یک نام ایرانی است !

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 6 خرداد1389 ساعت: 14:22

آقای مهدی. ساعت 3 تا 5 بعد از ظهر درخدمتم.

نویسنده: آیدین قشقایی

پنجشنبه 6 خرداد1389 ساعت: 13:27

سلام به دوستان
هم ایلی گرامی جناب آقای ارکین قشقایی
همانطور که پیشتر نوشتم، بهمن بیگی بر اساس تاریخی که مشرکان اسلام ستیز نوشته اند، مدعی بود فارسها باید ترکها را ببخشند چون اگر چه ترکها ایران را در برهه های مختلف اشغال و ویران کردند با اینحال چون باعث حفظ زبان فارسی از چنگ اعراب سوسمار خور شدند شایسته بخشایش اند!!!!
شما فکر می کنید اگر ما می توانستیم یک نسخه از فیلم تختگاه هیچکس را دست ایشان برسانیم ایشان در گفته های قبلی خودشان تجدید نظر نمی کردند؟ مطمئن باش اینکار را می کرد هر چند با تاخیر!!!
به نظر من کار بهمن بیگی در باسواد کردن عشایر از جهتی قابل تقدیر است چون باعث شد آنها دست از زندگی عشایری بردارند و بیایند ساکن شوند موضوعی که هم به نفع عشایر است هم به نفع این مملکت.
متاسفانه خوانین ما نتوانستند آینده نگرانه در مورد ایل قشقایی برنامه ریزی کنند. خوانین باید با ترغیب جوانان قشقایی به تحصیل، امکان اسکان آنها را فراهم می کردند و بعد با استفاده از قشر تحصیلکرده ایل، چالشهای فراروی مردمان ایل (از جمله حفظ و آموزش زبان ترکی) را برطرف می نمودند. برای حضور در حاکمیت هم می توانستند حداقل در زمان مصدق حزب تشکیل دهند و همین قشر تحصیلکرده ایل هم از آنها حمایت می کرد. بدین ترتیب خودشان هم می توانستند در قالب حزب به کار خود ادامه دهند. متاسفانه آنها نه تنها اینکار را نکردند بلکه حتی مانع اسکان عشایر هم می شدند. نتیجه اش هم این شد که چون مصدقی بودند با وقوع کودتای 28 مرداد سال 32، مغضوب حکومت شده و چون از میان قشقاییها هم در سطح جامعه کسی نبود که از آنها حمایت موثر کند، چاره را در هجرت به خارج از ایران دیدند. سال 57 هم که به ایران بازگشتند چون روی مصدقی بودنشان اصرار داشتند اینبار در تله مذهبیها گرفتار آمدند و آخر داستان را هم که می دانید.
با این اوصاف، بیایید واقع بین باشیم. بهمن بیگی جور باسوادی مردمان ایل را کشید و اگر ایشان نبود بسیاری از پزشکان همین شهر شیراز قشقایی نبودند.

نویسنده: طالب حقیقت

پنجشنبه 6 خرداد1389 ساعت: 13:52

آقای موومان. ممنون. به یادداشتی که در همین صفحه نظرات برای آقای xxx گذاشته ام رجوع کنید؛ شاید مشکل حل شود.

نویسنده: هشدار احمدي‌نژاد به روسيه

پنجشنبه 6 خرداد1389 ساعت: 19:8

http://www.jamejamonline.ir/papertext.aspx?newsnum=100876178831

نویسنده: AREF

پنجشنبه 6 خرداد1389 ساعت: 19:23

در 8 جولای 1947، بایگاه هوائی ارتش امریکا اطلاعیه رو مبنی بر یافتن یک دیسک برنده در مزارع نزدیک به رزول صادر کرد، که باعث توجه گسترده وسایل ارتباط جمعی شد.همون روز عصر فرمانده ارتش 8 هوائی اطلاعیة دیکری مبنی بر اینکه این شئ جیزی جز یک بالون هواشناسی نبوده، صادر کرد .. ن
/http://ufo-iran.persianblog.ir/post/52

نویسنده: ×××

پنجشنبه 6 خرداد1389 ساعت: 19:30

این دیگه آخرشه!!!
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=100950

نویسنده: AREF

پنجشنبه 6 خرداد1389 ساعت: 19:45

مشاهده بیش از شصت هزار بشقاب پرنده و اختفا

از ویژگیهای دیگرشان ، وجود یک یا چند سرنشین در آنهاست که معمولا مایل به مشاهده شدن نیستند. سرنشینان بشقابهای پرنده مجهز به دستگاهی با توانایی تابش پرتوهایی هستند که از میان اشخاص و دیوار عبور می‌کند. سرنشینان قادر به پرواز بوده ، اصابت تیر را احساس نکرده و متقابلا می‌توانند مشاهده کنندگان را فلج کنند. در برخی گزارشها آمده که سرنشینان شبیه انسان هستند. بشقابهای پرنده در پرواز در ارتفاعات کم و یا در روی زمین اثرهایی بر دستگاههای ساخت بشر و محیط اطراف بر جای می‌گذارند. بشقابهای پرنده از تواناییهای هواپیماهای مدرن کاملا آگاهند، از اینرو فاصله خود را اسلحه هواپیماها و توپهای ضد هوایی طوری حفظ می‌کنند تا همواره در خارج از برد موثر آنها قرار گیرند و می‌توانند کلیه سیستمهای الکترونیکی و موتوری و راداری و ... هواپیماها را از کار بیاندازند.

مشاهده کنندگانی که به بشقابهای پرنده خیلی نزدیک شدند، در معرض آثار رادیواکتیو قرار گرفتند. به علاوه ، این اشیاء قادرند رادار را به موقع حس و خنثی نمایند و مانع قفل شدن رادارهای کنترل آتش شوند و در دید رادارهای دور برد واقع نشوند. سرنشینان بشقاب پرنده مجهز به سیستم مولد نیروی دافعه قابل حمل‌اند، که پرواز و شناور شدن آنها را در فضا ممکن می‌سازد. به علاوه ، پدیده‌های عدم اصابت گلوله به دستگاه و سرنشینان آن به کمک میدان دافعه قابل توجیه‌اند.

http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%A8%D8%B4%D9%82%D8%A7%D8%A8+%D9%BE%D8%B1%D9%86%D8%AF%D9%87&SSOReturnPage=Check&Rand=0

نویسنده: سایه

پنجشنبه 6 خرداد1389 ساعت: 21:43

با سلام
جناب عابدی گویا مشکلی برای فروم پیش آمده است.در دسترس نمی باشد!!
ممنون

نویسنده: محمدرضا نیسی

پنجشنبه 6 خرداد1389 ساعت: 23:15

سلام‌عليكم
جناب آقاي كاكا، من هم با شما موافقم كه تبليغات منفي و تخريب نتيجه معكوس براي ايادي يهود خواهد داشت ولي براي نشر آثار استاد عزيز بايد از وسايل مختلف استفاده كرد و اتفاقا بايد به قلب آنان زد و از رسانه‌ها و ابزارهائي كه براي تبليغاتشان استفاده مي‌كنند و ادعاي آزادي بيان براي همه دارند، استفاده كنيم.
يادمان نرود كه هدف ما افراد بي‌اطلاع و يا مخالف نظرات استاد عزيز است نه اينكه صرفا به نوشتن كامنت و عضويت در فروم اكتفا كنيم گرچه اينها لازم هستند.
به هر از راهنمائيتان ممنونم.

و اما آقاي سلامات
يا اينكه مطالب سخيف و نامربوطي كه درباره آقاي پورپيرار در ويكي‌پديا نوشته‌اند را نخوانده‌اي كه داري "نزاكت" آنان را به رخمان مي‌كشي؟! و يا تسلط خودت رو در بخشي از فضاي مجازي(اينترنت) يا مديريتت در فروم يا به زعم خود عدم فعاليتمان را داري به رخ مي‌كشي؟ شايد همه موارد صحيح باشد و با يك تير چند نشون زدي.
اگر ويكي‌پديا مي‌توانست جلوي بي‌نزاكتي را بگيرد براي قضيه "ندا آقاسلطان" اين كار را مي‌كرد نه اينكه امكان ويرايش آنرا حذف مي‌كرد ولي حالا كه نگران بي‌نزاكتي ويكي‌پديايي هستي و به مباحث IP و ... مسلطي لينك زير رو بررسي كن و نحوه ويرايش آنرا برايمان توضيح بده
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D8%AF%D8%A7_%D8%A2%D9%82%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%B7%D8%A7%D9%86

...

نویسنده: محمدرضا نیسی

جمعه 7 خرداد1389 ساعت: 0:8

...
به اين دليل نمي‌شه اينو ويرايش كرد كه اين مطلب روزي بين 700 تا 1000 بار مورد بي‌نزاكتي ويكي‌پدیائي! قرار گرفت و مجبور شدند آنرا از دست‌رس خارج كنند.

ضمنا مثل اينكه با مقوله‌هاي آنتي‌فيلتر، IP مجازي و نرم‌افزارهاي Hide IP آشنائي نداري. به همان دليلي كه نرم‌افزارهاي آنتي‌ويروسي كه IPهاي ايران را تحريم كرده‌اند و با اين همه باز هم از ايران قابل آپديت كردن هستند ويكي‌پديا هم نمي‌تواند جلوي بي‌نزاكتي! را بگيرد و به علاوه اگر تعداد زيادي ويرايش كنند باز هم نمي‌تواند.
بهتر است نگران مفيد بودن اقداماتم نباشي و به جاي آن مطلب عربي ويكي‌پديا را با هماهنگي استاد تكميل كني چون ايادي يهود كاري به اعراب سوسمارخور! ندارند كه مرتكب بي‌نزاكتي بشوي.
من هم از پيگيري مقوله ويكي‌پديا منصرف مي‌شوم كه خيال آقاي سلامات از عدم وقوع جنايت بي‌نزاكتي ويكي‌پديائي راحت باشد!

نویسنده: عباس سلامات

جمعه 7 خرداد1389 ساعت: 1:33

دوست عزیزی که قصیه نداآقا سلطان را مطرح نمود ویرایش مورد نظر را اعمال نماید و به ایمیل من بفرستد تا در صفحه ندا آقاسلطان در ویکی نصب کنم. از دوستان خواهش می کنم کاری نکنند که کسی بفهمد هیچ نمی دانند.
در مورد فرووم و انجمن نیز باید بگویم در مقابل مدیریت انجمن عربی نه از کسی بلیط مسافرت دور دنیا طلب کرده ایم ونه اصولا کسی به ما چنین چیزی خواهد داد. اگر دوستی در خود توانایی مدیریت فرووم می بیند،بسم الله. فرووم ملک پدری من یا کس دیگری نیست. آن دوست عزیز هم یک سطر ترجمه عربی بنویسد من با کمال افتخار به نفع ایشان کنار می روم.
دوستان اگر صلاح می بینند اعلام کنند تا لیست وعده های عمل نشده آنان را به اطلاع برسانم من باب نمونه عرض می کنم که از تشکیل کارگروه های تخصصی ترجمه عربی به روزانه ده تصحیح در دانشنامه ویکیپدیا(که آن هم براساس قوانین ویکیپدیا نامیسر است) اکتفا شد.

نویسنده: عباس سلامات

جمعه 7 خرداد1389 ساعت: 1:41

اخی العزیز او اختی الکریمه +++
اشکرک علی ملاحضتک الرائعه و ساقوم بتصحیح الترجمه کما امرت.
نرحب بقدومک فی القسم العربی من المنتدی

دوست عزیز ..
از پیشنهاد حضرتعالی متشکرم لیکن به دلیل حجم اندک مطالب ترجمه شده در حال حاضر چنین امکانی فراهم نیست. به امید خدا پس از رسیدن مطالب ترجمه شده به یک حجم قابل قبول می توان پیشنهاد حضرتعالی را عملی ساخت.
ذکر این نکته ضروری است که زبان عربی به فرووم افزوده شده که من در قسمت نظرات یادداشت قبلی درباره نحوه فعال سازی زبان عربی توضیحاتی به فارسی عربی و انگلیسی داده ام. البته دوستان عرب نیز می توانند لینک مطالب تصب شده در فرووم را برای دوستان عربشان ارسال نمایند.
در پایان از ابراز لطف حضرتعالی متشکرم.

نویسنده: فالح باوی

جمعه 7 خرداد1389 ساعت: 8:20

آقای سلامات
(المسئلة سهلة للغاية.یکفی للمحقق ان یبحث عن مکاناً علی وجه الارض له امکانیة التبدیل الی بحراًعمیق بعد المطر المداوم.

به زبان عرب گفتم متوجه نشدی .آقا عباس سلامات انشا الله می بخشید .مثه یهود تر جمه کردی .مثه تورات مسئله را گفتی.
فقط باران(قول تورات) نبود که قوم نوح را غرق کردفوران تنوره های آب از زمین و باران(قول قران) از آسمان قوم نوح را هلاک کرد البته این ترجمه شما به درد همان فروم رفته به بی راهه می خورد.بهتر است که مستقل از اون آقایون اقدام کنید چون اگه مستقل عمل نکنید دوغ شما موجب ارتقاع کیفیت دوشاب بعضی حضرات در فروم خواهد شد.

نویسنده: رهگذر

جمعه 7 خرداد1389 ساعت: 10:57

با سلام

آقای نیسی علت برآشفتگی شما برای من قابل توجیه نیست.
قوانین ویکی پدیا را که آقای سلامات ننوشته اند، ایشان تنها یکی از این قوانین را برای جلوگیری از اتلاف وقت شما یا دیگر

دوستان در اینجا کپی پیست کرده اند.
همانطور که باید در جریان باشید چنان نیست که تمامی صفحات هم در ویکی پدیا قابل ویرایش باشند، مدیریت ویکی می تواند چنین گزینه ای را غیرفعال کند که معمولا برای مباحث علمی و تثبیت شده یا مقالات جنجالی (نمونه مبحث ندا آقا سلطان) و مورد اختلاف نظر صورت می گیرد تا اختلافات از طریق کانال بحث و تبادل نظر پیگیری شده و نتیجه حاصل در صفحه اصلی بازتاب داشته باشد.
ایده ی داشتن یک ویکی مستقل و مجزا ایده ی مناسبی است که به دور از اتلاف وقت و انرژی بازده خوبی به همراه دارد.

نویسنده: سایه

جمعه 7 خرداد1389 ساعت: 12:7

سلام
مدیران فروم به دنبال فراهم آوردن امکانات متعدد در حد توانایی برای گسترش بنیان اندیشی و یاری رساندن به دوستان فعال که با تایید دوباره استاد و خط مشی ایشان شروع به کار کرده اند می باشند و هیچ گونه ادعای نداشته و نخواهند داشت!
استاد گویا با شگرد جدیدی در مواجهه با بنیان اندیشی و دو به هم زنی و راه اندازی جنجال و بر هم زدن فضای صمیمیت و دوستی روبرو هستیم!!

آقای سایه. ظاهر قضایا ظن شما را تایید می کند و به نظر می رسد لااقل یکی از طرفین دعوا میلی به آغاز همکاری دوستان عرب در ترجمه مطالب وبلاگ را ندارد و هنوز کاری انجام نشده مشغول افاده فروشی به یکدیگرند و یکی دو کامنت دیگر با یکدیگر قهر و از همه خدا حافظی می کنند و خلاص.

نویسنده: عباس سلامات

جمعه 7 خرداد1389 ساعت: 13:34

آقاي نيسي از اظهار فضل تان متشكرم و برايتان آرزوي موفقيت مي كنم
جناب فالح باوي
من متن مستند را آنگونه که بود ترجمه کردم به متن زير دقت کنيد.
"مسئله خيلي ساده است. يعني فقط آدم کافيست بعنوان يک ناظر طبيعي،يک گوشه اي از دنيا رو پيدا کنه که اگر از آسمان باران مدوام توش بباره،اونجا بتونه تبديل به دريا بشه"
اين دقيقا گفتار استاد در مستند است ومن خوشحالم که در ترجمه، به متن وفادار مانده ام.خدا مي داند اگر تغييري در ترجمه انجام داده بودم اينک با چه مواجه مي شدم. شايد راست مي گوييد که""البته اين ترجمه شما به درد همان فروم رفته به بي راهه مي خورد."" ليکن من در حضور استاد وهمه دوستان از شما تقاضامندم که ترجمه اي در شان آنچه به بي راهه نرفته مي دانيد ارائه دهيد مطمئن باشيد که من برادرانه به شما تبريک گفته و تشکر خواهم کرد هرچند که حضرتعالي نيازي به تبريک وتشکر من نداريد. قضيه دوغ و دوشاب را هم زماني که شما ترجمه خود را ارائه داديد پاسخ خواهم داد.در آخر يادآور مي شوم که""ارتقاع"" غلط املايي دارد و صحيح آن""ارتقاء"" است که البته چنين گافي از شخصي چون شما دور از انتظار مي نمود. البته برای من دور از انتظار نیست که شما معنای همان "ارتقاع" را هم ندانید.
دوستان عزيز
من در اينجا اعلام مي کنم که آنگونه که سابقا نيز گفته ام ترجمه خود را وحي منزل نمي دانم چه بسا اشتباهاتي داشته باشد. من دست هر کس که بخواهد ترجمه مرا تصحيح کند ويا ترجمه جديد ارائه دهد صميمانه مي فشارم

آقای سلامات. چند سالی از ان وعده ها که برای ترجمه اسلام و شمشیر و کتاب ها دادید می گذرد و در عمل خبری نشد. حالا یکی دو ماهی است که آقای نیسی علاقمند دنبال کردن کارند و تا آن جا که می دانم ترجمه اسلام و شمشیر را هم آماده دارند. به دنبال فضای همکاری بگردید اگر قرار است سرانجام دوستان عرب زبان هم قدمی بردارند!

نویسنده: محمدرضا نیسی

جمعه 7 خرداد1389 ساعت: 15:9

سلام عليکم
آقاي سلامات به جاي اينكه به فكر نزاكت ويكي‌پديايي باشي و به دنبال اصلاح صفحه ندا آقاسلطان باشي (كه توسط مديران ويكي بسته شده و امكان تصحيح آن وجود ندارد) صفحه عربي استاد عزيز در ويكي‌پديا را تكميل كن.
از گير دادن به اين و آن چيزي عايدمان نمي‌شود حتي نمي‌توان عرضه اندام كرد آقاي سلامات! يكي به دنبال از مرحله پرت كردن است و تو هم به دنبال جا انداختن نزاكت ويكي‌پديائي.

ما (من، مهندس سنجري و بعضي ديگر كه در آينده با آنها بيشتر آشنا خواهيد شد)حدودا يك ماهي است به طور جدي وارد مقوله ترجمه و وعده و وعيد شده‌ايم و بسيار زود است براي قضاوت درباره موفقيت كارمان. ما در قالب يك سري كارها كه ضرورتي به توضيح بيشتر نيست، داريم سعي مي‌كنيم بدون جار و جنجال وظيفه خود براي نشر آثار استاد عزيز انجام دهيم.
تا فرد با نزاكت! وسينه‌چاكي چون تو در فروم هست حضور چون من در آنجا بي‌معني خواهد بود.
بهتر است از جار و جنجال دوري كني و به حاشيه نري در آن صورت فضاي مناسبي براي فعاليت پيش مي‌آيد.
در آخر هم ازت مي‌خواهم از بحث كردن به اين شكل خودداري كني تا بتوانيم با هم بحث‌هاي مفيد و مثبت داشته باشيم و شايد بتوانيم فروم را فعال‌تر كنيم

آقای نیسی. تمام قرائن و حوادث سالیان اخیر، به وضوح نشان می دهد که شورای جهانی یهود اصرار دارد که تریبونی به دست بنیان اندیشان نیفتد و مقدمات این مکتب در منطقه شایع نشود. حواشی را دنبال نکنید و به متن و اصل قضایا بپردازید. آن گاه به زودی شاهد شیوه و عرض اندام دیگری از سوی آن ها برای توقف کارها خواهیم شد.

نویسنده: عباس سلامات

جمعه 7 خرداد1389 ساعت: 16:19

روی سخنم با شماست جناب پورپیرار
1- آن زمان که از خارج از کشور با شما در تماس بودم بنا بود دوستی اسلام شمشیر را ترجمه کند که ایشان پس از ترجمه مقدمه درخواست 2 میلیون تومان برای ترجمه کتاب کرد که شما با 500هزار تومان موافقت کردیدوبعد از آن هم آن بنده خدا دنبال کار خود رفت و دیگر پیدایش نشد.
2- همزمان با نتشار مستند طوفان نوح من پیشنهاد دادم که اسلام وشمشیر را خودم ترجمه کنم و آقای حسین محمدی آن را توسط دوستش در امارات تصحیح کند که آقای محمدی نیز پس از آنکه یک فصل ترجمه شده (فصل 44)را به او دادم ناپدید شد.
3- بنا شد که مستند طوفان را خود ترجمه کنم که اینکار را کردم و هیچ گاه برای آن افاده نفروختم زیرا در مقابل آنچه ارائه نموده اید قطره در مقابل دریا هم نمیشود.
4- دوست عزیز " هیجان" همه اسلام وشمشیر را ترجمه کرد و آن ترجمه اینک در اختیار شماست که من 4فصل اول را در اختیار آقای نیسی هم قرار دادم ونمیدانم چه اصراری به ترجمه مجدد است.
5- برای پخش مستند تخت گاه به دیدار دکتر ایهم عطیه مدیر تامین برنامه شبکه الجزیره در قطر رفتم وایشان اعلام کرد که این فیلم منافع الجزیره را به خطر می اندازد.

اگر ادعای دیگری کرده و کاری را خود به دوش گرفته وبه مقصد نرسانده ام اعلام فرمایید تا توضیح دهم.
از ترس اینکه مبادا در این روزها که افترا بستن از هرکاری آسانتر است به چیزی فراتر از اینکه عامل شورای جهانی یهود هستم متهم شوم از ادامه بحث با آن آقایان منصرف می شوم. وامیدوارم آنان در راستای اهداف عالیه حضرتعالی فعالیت نمایند.
کمافی السابق در حد توان در ترجمه آثار خواهم کوشید که آخرین کار ارائه شده هم که ترجمه کلیپ دوست عزیز طالب حقیقت است که به آدرسشان ایمیل شد.
پایدار باشید.

نویسنده: محمدرضا نیسی

جمعه 7 خرداد1389 ساعت: 17:17

سلام عليكم استاد عزيز
تمام سعي خود را براي نشر بنيان‌انديشي به كار خواهيم بست و سعي خواهيم كرد در بازي‌هاي حاشيه‌اي وارد نشويم.
آيا در كاغذهاي قديمي كه در چين و جاهاي ديگر دنيا به صورت محلي توليد مي‌شد نيز اسيد مي‌زده‌اند؟ اساسا شيوه توليد اين كاغذهاي به چه شكلي بوده؟

نویسنده: فالح باوی

جمعه 7 خرداد1389 ساعت: 19:44

آقای نیسی -سلام علیکم

بنده خبر فعالیت شما را از طریق دوستان در اهواز دارم انشا الله موفق وموید باشید .اگر جناب سلامات خبر ندارند بگویم که ایشان باید خودشان را قبل از اینکه با گروه فروم هم آهنگ کنند مو٘ثر تراست در راستای یک وبلاگ و با گروه شما هم جهت کند.قبلا" گفتم وباز هم می گویم بردن زبان عرب یا زبان ترک به عنوان فرع در جنگ نامه ای به زبان یدیش فارسی جذبه ای

برای عرب زبانان وترک زبانان ندارد فکر کنم همان نام وبلاگ کفایت کند که به لحاض ندانستن زبان فارسی از آن بگذرند.حال که تعدادی از عرب زبانان مسلط به این زبان هم زمان در این وبلاگ ظهور کرده اندآن را فرصتی دانسته و وبلاگی به زبان عرب از اندیشه های استاد جهت آشنا نمودن ودعوت از اندیشمندان جهان عرب که بی شک می توان ادعا کرد از خالص ترین مخالفین یهود ونزذیک ترین تفکر به بنیان اندیشان هستند فراهم کنیم.فروم هم می تواند به زبان انگلیسی اندیشه های استاد را نشر دهدکه به عقایدو قوانین دموکراسی وبه نهاده های آن فرهنگ نزدیک تراست .برادران وخواهران ترک هم در فکر راه اندازی وبلاگی به زبان ترکی برای شناساندن اندیشه های استاد به ترک زبانان برون مرزی باشند(قابل توجه کلیه برادران ترک به خصوص خواهر حاجی زاده که باید از لاک سکوت به در آیند) به هر حال اتفاقات مناسبی در جهت مبارزه با یهود در جهان ترک در حال وقوع است وموقعیت خوبی فراهم است تا این نخ بنیان اندیشی را از مهره های متفرق مسلمانان عبور دهیم وپیوندی بین این مهره ها ایجاد کنیم و به این وسیله به دشمنان اسلام عملا" ثابت کنیم که آموزه های اسلام بی توجه به زبان ونژاد وموقعیت جغرافیایی در یک بستر مناسب ومتعالی فکری بر خلاف تمام هزینه کرد یهود می تواند در قالب بنیان اندیشی نشات گرفته از اسلام هم سو وهم جهت ومتفق عمل کنند و وجود بسترهای نفاق طراحی شده توسط یهود پست نه فقط امکان ایجاد نفاق ندارد بل عامل اساسی وحدت بین رنگها ونژادها وزبانهاست.

تا نظر استاد چه باشد.

ضمنا" برادر عزیز جناب سلامات از تذکری که در باره ارتقا٬دادید ممنونم.

۱ ۲ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 267، نتیجه75، قلم، 4 - 101 نظر

نویسنده: جهنم سرخ و نکبتی به نام کمونیسم

جمعه 7 خرداد1389 ساعت: 20:7

کره شمالی و کوبا تنها نقاطی از جهان هستند که همچنان آلوده به کمونیسم یا همان طاعون سرخ قرن بیستم باقی مانده اند . کوبا به واسطه نزدیکی اش به آمریکا و روابط خارجی اش با بسیاری از کشورهای دنیا ، سرزمین نسبتا شناخته شده ای هست . اما بسیاری از مردم دنیا از وقایع و حقایق درون کره شمالی که با سیستمی استالینی اداره میشود ، خبر چندانی ندارند .
رهبر کنونی کره شمالی کیم چونگ ایل هست . پدر وی هم رهبر سابق این کشور بود و کیم ایل سونگ نام داشت . البته مردم بدبخت کره شمالی رهبر حکومتشان را (معاون رهبر) می نامند چرا که به فرمودهء مقامات آن کشور ، کیم ایل سونگ نمرده است بلکه به خورشید پیوسته و هر روز جهان را گرم و روشن می کند . در نتیجه مقام رهبری ایشان محفوظ است .
در کره شمالی تنها کسی که حق فکر کردن دارد رهبر حکومت است که فرماندهء بزرگ نامیده میشود . وقتی فرماندهء بزرگ دربارهء مسئله ای حرفی زد دیگر هیچکس حق ندارد در آن زمینه اظهار نظر کند .
از نظر حکومت کمونیستی آن کشور ، مردم کره شمالی و حتی مدیران و مقامات آن کشور وظیفه ای جز کشف حقیقت در افکار و سخنان رهبر نظام کمونیستی را ندارند . چندی پیش رهبر حکومت کره شمالی (کیم چونگ ایل) در حال بازدید از جایی به خانمی که کت و دامن پوشیده بود گفته بود شما در لباس سنتی کره ای زیباتر به نظر می رسید .. همان شب تلویزیون کره شمالی با قطع برنامه های عادی اش اعلام کرد از این لحظه به بعد همهء زنان شاغل در کشورمان موظف هستند که با لباس سنتی کره ای از خانه هایشان خارج شوند تا جهان زیباتر شود!
کره شمالی طبیعت بسیار زیبایی دارد و دارای تنوع آب و هوایی شگفت انگیزی است اما مردم این کشور حق خروج از روستا ها یا شهرهایشان را ندارند . در واقع همه در همان جایی که زندگی می کنند زندانی هستند . برای رفتن از روستایی به روستایی دیگر و یا شهری به شهر دیگر باید از حکومت اجازه بگیرند .
در کره شمالی کسی حق انتخاب همسر و ازدواج را ندارد ، مگر با موافقت وزارت اطلاعات و امنیت آن کشور . یعنی دختر و پسری که عاشق هم شده اند باید گزارش کاملی از نحوهء عاشق شدنشان ، دلیل عاشق شدنشان ، میزان علاقه و احساسی که نسبت به یکدیگر دارند و خیلی چیزهای دیگری را در چندین صفحه بنویسند و تحویل مقامات امنیتی بدهند تا نوبت مصاحبه شان شود .

نویسنده: جهنم سرخ و نکبتی به نام کمونیسم

جمعه 7 خرداد1389 ساعت: 20:8

قبل از مصاحبه ، سیستمهای امنیتی و نظامی کره شمالی هفت نسل پشت و جد و آباد دختر و پسر را بررسی می کنند و نهایتا اگر مورد مشکوکی دیده نشد ، برای ازدواج آن دختر و پسر جوان مجوز صادر می کنند .
مردم کره شمالی همیشه فقیر و قحطی زده هستند و سالیانه چندین هزار نفر از آنها به دلیل گرسنگی می میرند .
دولت کره شمالی معمولا کمکهای غذایی خارجی را نمی پذیرد چرا که معتقد است این غذا ها ممکن است روی افکار مردم اثرات نامطلوب بگذارد و باعث تهاجم فرهنگی علیه نظام کمونیستی شود .
سفر مردم کره شمالی به خارج از کشور مطلقا ممنوع است و هر کس مایل به دیدن خارج باشد به عنوان یک ضد انقلاب و عامل دشمن دستگیر می شود . حتی تلفن زدن به خارج از کشور هم می تواند منجر به تیرباران شخص تلفن کننده شود .
سفر خارجی ها نیز به داخل کره شمالی مطلقا ممنوع هست ، بجز کمونیستها و سوسیالیستهای ضد آمریکایی که از برخی از کشورهای دنیا به شکل گروهی و به صورت تورهای همبستگی! و برای شرکت در جشنهای دولتی به این کشور سفر می کنند . به ازای هر توریست هم یک نفر برای مراقبت و بطور شبانه روزی در کنارش هست تا مبادا با کسی حرفی بزند .
در کره شمالی حتی خواب دیدن مردم هم کنترل میشود و دانش آموزان موظف هستند آخرین خوابهای سیاسی خود و والدینشان را به نمایندهء وزارت اطلاعات و امنیت در کلاسشان! گزارش کنند .
انتشار هر نوع خبر ناخوشایند سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و غیره که مربوط به کره شمالی باشد ممنوع است . هر گونه انتقاد از نظام کمونیستی و مقامات آن نیز جرم تلقی میشود . دوازده روزنامه در این کشور منتشر می شوند اما خبرنگار ندارند! این روزنامه ها موظف هستند که هر روز خبرهایی که از وزارت اطلاعات و امنیت دریافت می کنند را عینا منتشر کنند . فقط برخی از مقالات آنها با هم فرق می کند .

نویسنده: جهنم سرخ و نکبتی به نام کمونیسم

جمعه 7 خرداد1389 ساعت: 20:10

پخش و نمایش هر نوع فیلم و حتی کارتون خارجی در تلوزیون کره شمالی مطلقا ممنوع است . پدیدهء اینترنت در کره شمالی وجود ندارد و داشتن رادیوهایی که قادر به دریافت امواج خارجی باشند و یا گیرنده های تلوزیونهای ماهواره ای و

دستگاه فاکس جرم است . حتی موبایل و دوربین فیلمبرداری نیز جزو ابزار جاسوسی برای دشمن محسوب میشوند و دارنده اش می تواند با مجازات تیرباران در ملاء عام روبرو شود .
کمونیستهایی هم که به عنوان مهمان دولت کره شمالی و به منظور شرکت در جشنهای دولتی به آن کشور سفر می کنند باید به محض ورود ، دوربین فیلمبرداری و موبایل خود را تحویل بدهند و در وقت خروج از آن کشور تحویل بگیرند . حرف زدن با اتباع کره شمالی برای خارجی ها مطلقا ممنوع است و حتی اگر قیمت کالایی را هم بخواهند بپرسند این کار را باید از طریق فردی که مراقب توریست است و او را قدم به قدم همراهی می کند ، پرسیده شود .
مردم کره شمالی هیچ خبری از دنیای بیرون از کشورشان ندارند و تاکنون هیچ فیلم خارجی را در تلوزیونشان یا سینماهایشان ندیده اند . آنها نمی دانند که واقعا در دنیا چه می گذرد؟
چند سال پیش در دانشگاه پیونگ یانگ کره شمالی فیلم اولیور توئیست که داستانش متعلق به دویست سال پیش است را برای دانشجویان نمایش داده بودند و گفته بودند حالا خودتان خیابانهای لندن را ببینید و قضاوت کنید که ما پیشرفته تریم یا اروپایی ها؟
مقامات کره شمالی می گویند تماشای فیلمهای خارجی و بخصوص فیلمهای آمریکایی باعث تهاجم فرهنگی دشمن می شود . اصولا مقامات کره شمالی به تمام دنیا (بجز چین ، روسیه ، کوبا ، لیبی ، سوریه و ونزوئلا) می گویند دشمن .
در کره شمالی آموزش و پرورش رایگان است اما نود درصد از مطالب کتابها در وصف مقام رهبری کره شمالی و پدرش و نیز دستاوردهای حکومت کمونیستی است . بهداشت و درمان هم رایگان است اما در بیمارستانهایش هیچ نوع دارو و امکاناتی وجود ندارد و بیماران صرفا برای مرگ و راحت شدن از دست زجر کشیدنهایشان به آنجا می روند . مردم کره شمالی به ظاهر در مسکن های رایگان زندگی می کنند اما خانه هایشان به سلول انفرادی بیشتر شبیه هستند تا منزل و مسکن یک انسان.

نویسنده: جهنم سرخ و نکبتی به نام کمونیسم

جمعه 7 خرداد1389 ساعت: 20:10

هیچ کس حق داشتن ماشین شخصی را ندارد و هفتاد درصد مردم برای مسافرتهایشان از دوچرخه استفاده می کنند .
همهء مردم کره شمالی موظف هستند که با یونیفرم رسمی از منزل خارج شوند و یا آنکه علامت خاصی را روی پیراهنهایشان نصب کنند تا به این ترتیب وزارت اطلاعات و امنیت کشورشان بداند چه کسانی و با چه شغلها و موقعیتهایی در حال عبور و مرور در کوچه ها و خیابانها هستند . در کره شمالی دو نوع پول رایج وجود دارد . یکی پولی که مردم آن کشور استفاده می کنند و یکی هم پولی که خارجی های مقیم آن کشور موظفند خرج کنند . سیستمهای امنیتی کره شمالی معتقدند که به این شکل می توان فهمید که چه کسی از دشمن و یا توریستهای خارجی پول گرفته یا با او معامله کرده است .

مردم کره شمالی موظف هستند که هر روز و قبل از شروع کار ابتدا در مقابل مجسمه های رهبر حکومتشان و پدر او تعظیم کنند و سپس به مدت ده دقیقه به سخنرانی های ضد آمریکایی رئیس یا مدیر یا معلمشان گوش کنند و بعد هم به مدت پنج دقیقه شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر دشمن بدهند و آنگاه کارشان یا درسشان را آغاز نمایند .

این برنامه پنجاه سال است که هر روز صبح در سراسر کره شمالی اجرا می شود . درآمد همهء مردم در کره شمالی یکسان است و هر نفر معادل ۴۸ هزارتومان در ماه حقوق می گیرد . ورزشکاران کره شمالی قبل از اعزام به خارج از کشور و حضور در مسابقات خارجی ، ابتدا در کلاسهای عقیدتی و سیاسی شرکت می کنند و بعد خانواده هایشان به گروگان گرفته میشوند تا فرزند ورزشکارشان به کره برگردد . اگر کسی برنگشت ، همهء عزیزانش را یکجا تیرباران می کنند . وقتی هم برگشت اجازهء دیدن هیچ کس را ندارد و برای مدتی طولانی توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی کره شمالی بررسی میشود تا مشخص گردد که در چند روزی که در کشورش نبوده آیا مورد تهاجم فرهنگی دشمن قرار گرفته است یا نه؟

نویسنده: جهنم سرخ و نکبتی به نام کمونیسم

جمعه 7 خرداد1389 ساعت: 20:11

کشور کره شمالی تنها یک وبسایت دارد! من بعدا دربارهء این وبسایت و مطالبش (که به انگلیسی هم هستند) نکات جالبی را خواهم نوشت . مردم کره شمالی معتقد هستند که به دلیل اعتقادشان به کمونیسم و زندگی در یک کشور کمونیستی ، خوشبخت ترین انسانهای روی زمین هستند . از نظر عموم مردم بدبخت و مفلوک و بی خبر از دنیای کره شمالی مارکس و انگلس و لنین و استالین سازندگان تاریخ و تمدن بشری هستند . آنها تحت تاثیر بمبارانهای تبلیغاتی حکومتشان بر این باور هستند که رهبر سابقشان (کیم ایل سونگ) بعد از مرگش به خورشید پیوسته و کار خوبی هم البته کرده است اما اگر رهبری کنونی شان بمیرد نه تنها کره زمین بلکه منظومه شمسی نیز متلاشی خواهد شد! تنهاسایت کره شمالی که توسط وزارت اطلاعات و امنیت آن کشور اداره میشود صراحتا به زبان انگلیسی نوشته است که طبق کشف جدیدی که شده ، کیم ایل سونگ از همان ابتدا بخشی از خورشید بوده! وقتی کیم ایل سونگ مرد ، مرکز هواشناسی کره

شمالی اعلام کرد به دلیل پیوستن رهبر بزرگ و بنیانگزار کبیر انقلاب کمونیستی کره شمالی به خورشید ، درجهء حرارت خورشید و طبیعتا گرمای جهان بطور ناگهانی بالا رفته است!

سازمان حفاظت محیط زیست کره شمالی نیز اعلام کرد گروهها و دسته های انبوه و بی شماری از پرندگان به طرز شگفت انگیزی برای بنیانگزار انقلاب شکوهمند کمونیستی ادای احترام کرده اند . در آن زمان روزنامهء اطلاعات چاپ تهران این خبرها را عینا و به نقل از خبرگزاری ها منتشر کرد .

کمونیستهای ایرانی که در نوع خود عجیب و غریب ترین کمونیستهای جهان محسوب میشوند با رحل اقامت افکندن در کشورهای اروپای غربی و نیز کانادا و آمریکا ، از بام تا شام علیه همین کشورهای غربی ، کانادا و آمریکا در وبسایتها و وبلاگها و فیس بوکهایش مطلب می نویسند اما حاضر نیستند برای یک شب در عمرشان هم که شده است این کشورهای غربی و پادشاهی اروپایی را ول کنند و بروند در کره شمالی یا کوبا زندگی کنند تا طعم زندگی در زیر سایهء یک حکومت کمونیستی و کمونیسم واقعی را بچشند .

آقای جهنم سرخ... ماخذ این اطلاعات کجاست؟!

نویسنده: محمدرضا نیسی

جمعه 7 خرداد1389 ساعت: 21:40

سلام علیکم
آقای باوی همین طور است که می فرمائید، باید روی حوزه هائی سرمایه گذاری کرد که هنوز با آثار استاد عزیز آشنا نیستند و یا مانند باستان پرستان و شوینیستها لجن دروغ و جعلیات چشمها و گوشهایشان متعفن نشده باشد.
به همراه آقای سنجری و دیگر دوستان کار ترجمه را ادامه خواهیم داد و از یار بنیان اندیشی چون شما انتظار همکاری داریم من ایمیلم را می گذارم و منتظر پیام شما هستم.
ما باید کارنکردن هایمان در گذشته جبران کنیم و بخش کوچکی از این بار سنگین بنیان اندیشی را از دوش پرتوان استاد عزیز و بزرگوتر را سبک کنیم.

mohamadrezaneisi@yahoo.com

نویسنده: ستاره

شنبه 8 خرداد1389 ساعت: 6:6

بی زحمت آدرس این وبسایت انگلیسی کره شمالی را هم بنویسید بریم ببینیم واسه خارجی ها چی میگه؟؟؟؟

نویسنده: مهدي - مهدي

شنبه 8 خرداد1389 ساعت: 10:23

جناب آقاي پورپيرار،

مأخذ اطلاعات جهنم سرخ، نوشته اي از عبداللطيف عبادي در وبلاگ "روزنامه نگار آزاد" است:

http://www.aebadi.com/?p=592

ارادتمند
مهدي

نویسنده: سایه

شنبه 8 خرداد1389 ساعت: 11:20

با سلام

منبع نوشته جهنم سرخ

http://www.aebadi.com/?p=592

نویسنده: سایه

شنبه 8 خرداد1389 ساعت: 11:28

در ضمن دوستان مطالعه قسمت نظرات هم فراموش نشه!گویا کمونیست ها از این نوشته سخت برآشفتند!
سایت دولت کره
http://www.korea-dpr.com/
و چند وب سایت دیگر
http://www.jasoncarter.net/nkoreablog.html
http://www.blogjam.com/north-korea
http://en.wikipedia.org/wiki/North_Korea

نویسنده: مسعود سنجری

شنبه 8 خرداد1389 ساعت: 12:51

برادر عزیز آقای نیسی
سلام علیکم
صراحتا عرض می کنم که بحث های چند روز اخیر بحثهای خوبی نیستند. خواهشمندم از این پس در هیچ شرایطی به این موضوعات ورود نکنید. با تغییر کوچکی در برنامه کاری انشالله اینجانب دو روز دیگر در اهواز در خدمت شما خواهم بود و بیشتر در این باره گفتگو خواهیم کرد. فصبرک یا خوی.
اینجا از فرصت استفاده می کنم و به برادر عزیزم آقای فالح باوی سلام عرض می کنم.
والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: فالح باوی

شنبه 8 خرداد1389 ساعت: 13:13

آقای نیسی سلام علیکم

بنده ایمیل وتلفن شما را از طریق دوستان دارم .وحتما" با شما تماس خواهم گرفت.کار بزرگی را به عهده گرفته اید آوازه آن پیچیده وتوقعات بدون اینکه خودتان بدانید از شما ایجاد شده ومسئله حیثیتی نه فقط بر ذمه شما بلکه براعتبار مردم عرب خوزستان ایجاد شده که مطمئنم با شنیده هایی که از شما دارم به نحو احسن از پس آن بر خواهید آمد.
خیلی کار محکم تر می شود اگر برادر عزیز عباس سلامات هم دست در دست شما وشما دست در دست ایشان می گذاشتید و به قول استاد از حاشیه به متن می رفتید واین کار حیثیتی را به نحو احسن تمام می کردید. بنده درست است که عرب هستم اما قدرت زبانم در حد ترجمه نیست وگرنه منت کشان وبا افتخار قبول خدمت می کردم. انشا الله موید وموفق باشید.

نویسنده: ستاره

شنبه 8 خرداد1389 ساعت: 13:14

اینم آدرس وب سایت رسمی دولت کره شمالی که جز اندکی، هیچ کدام از داده های بالا را تایید نمی کند:
www.korea-dpr.com

حالا بعد از دعوا و مرافعه بر سر نحوه ترجمه آثار استاد و شاخ و شونه کشیدن و پز دادن عرب دانهامون، می تونیم یه چند روزی هم در مورد نحوه زندگی مردم در کره شمالی به هم بپریم.

وب سایت

نویسنده: عابدی

شنبه 8 خرداد1389 ساعت: 14:36

سلام

آقای توحید فایل تان دست من رسیده است و در زمان نزدیک آپلود خواهم نمود. دوستان می توانند فایل های خود را برای آپلود در سایت به جناب آقای reza73 بفرستند.

ضمن این که از آدرس naria.4shared.com نیز می توانید جهت آپلودینگ استفاده نمایید.

نویسنده: محمدرضا نیسی

شنبه 8 خرداد1389 ساعت: 14:59

سلام عليكم
آيا كسي خبري از "همايش كوروش هخامنشی و ذوالقرنين" خبري دارد؟ آيا CDها در همايش توزيع شد؟ يا در حد يك پيشنهاد باقي ماند؟

نویسنده: فتح

شنبه 8 خرداد1389 ساعت: 19:3

شنيده‌ام «فارسي 1» گوي رقابت را از ما ربوده

http://www.news.niksalehi.com/view/شنيده‌ام%20«فارسي%201»%20گوي%20رقابت%20را%20از%20ما%20ربوده.php

نویسنده: فتح

شنبه 8 خرداد1389 ساعت: 19:18

ماجرای کسی که توسط فرعون مسلمان شد + تصویر فرعون
http://www.fun.niksalehi.com/view/001136.php

نویسنده: +++

شنبه 8 خرداد1389 ساعت: 20:36

جناب ستاره
از قرار معلوم حزرت آلی در باغ نیستید.هه هه هه ساعت خواب لیلی زن بود یا مرد؟ به ارز آلی برسانم که اختلاف جزیی بود بین دو دوست بنیان اندیش بر سر مسئله ثبت اطلاعات در ویکیپدیا واین مطلب ربطی به عربدانها ومسئله ترجمه آثار استاد نداشت.کج نشستن وراست گفتن به تر از راست نشستن وکج گفتن است.

نویسنده: مشایی

شنبه 8 خرداد1389 ساعت: 21:45

سخنان مشایی راجع به اصلیت ایرانی پیامبر اسلام(ص)

http://nahalnews.com/news/1389-02-29/news109.aspx

نویسنده: عباس سلامات

شنبه 8 خرداد1389 ساعت: 22:7

جناب فالح باوی
سلام علیکم
مساله ترجمه چیزی نیست که تنها بردوش من یا جناب نیسی باشد بل وظیفه تمام دوستان عرب است که در این راه هرچه در چنته دارند به میدان بیاورند. اختلافات شخصی هیچ تاثیری در حرکت رو به جلوی ما نخواهد داشت کما اینکه دلخوری شدید بنده از آقای نیسی به خاطر لجن تهاجمی وی تنها یک موضوع شخصی است و ارتباطی به قضایای کاری ندارد. بنده کماکان ایشان را به همکاری دعوت می نمایم و فرووم را بستری مناسب جهت همکاری های دوطرفه می دانم.
از شما نیز بابت راهنمایی هایتان متشکرم.
یادآور می شوم که کلیپ دوست عزیز"طالب حقیقت" توسط بنده به عربی برگردانده شده و متن ترجمه در اختیار ایشان است و ایشان قول داده اند تا حدود یک ماه دیگر و یا اندکی بیشتر نسخه عربی کلیپ مذکور را منتشر نمایند.

نویسنده: محمدرضا نیسی

شنبه 8 خرداد1389 ساعت: 22:25

سلام علیکم
از همه یاران بنیان اندیش باز هم می خواهم از بحث کردن به این شکل خودداری کنیم.
آقای باوی از پیگیریها، تشویقها و روحیه دادنهایتان بسیار ممنونم ولی ما هنوز پیشرفت خاصی نداشتیم و در مراحل اولیه کار هستیم و اگر بعضیها اجازه بدهند بدون تبلیغات و جار و جنجال کار را دنبال خواهیم کرد و دعا کنید در کار موفق شویم، برای ارتباط بیشتر و جواب سوالهایتان بهتر است از طریق ایمیل اقدام کنیم.

نویسنده: ×××

شنبه 8 خرداد1389 ساعت: 22:38

جناب اترش با سلام
میخواستم نظرتان و برداشتتان را در مورد این 3 لینک که در وبلاگتان در بخش سایر پیوندها(سایت وحید) قرار داده شده بدانم با تشکر
http://www.touheed.com/Hijab/hijab2.htm
http://www.touheed.com/Hijab/hijab3.htm
http://www.touheed.com/Hijab/hijab10.htm

نویسنده: الکی خوش

یکشنبه 9 خرداد1389 ساعت: 3:23

http://www.radiofarda.com/content/f2_Iraq_Saddam_Hussein
_fake_video_CIA_sex_tape_Castro_cigars/2054632.html

روزنامه بریتانیایی گاردین در مطلبی به بهانه انتشار خبر طرح سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، سیا، برای ساخت ویدئویی جعلی از رابطه صدام حسین با یک همجنس‌گرا نگاهی دارد به روش‌های بحث‌انگیز و حتی افتراآمیز این سازمان برای بدنام کردن مخالفان دولت آمریکا.

این روزنامه از جمله این موارد به استفاده از سیگار برگ‌های حاوی مواد منفجره برای کشتن فیدل کاسترو یا جعل یک فیلم ویدئویی اشاره می‌کند که ظاهرا اسامه بن لادن را در حال مشروب‌خواری نشان می‌دهد.

به گزارش روزنامه گاردین، سازمان سیا به نام مردم آمریکا و با هدف مبارزه با دشمنان این کشور تاکنون اقدامات غیرقانونی و عجیبی انجام داده است. ولی در تازه‌ترین نمونه از این اقدامات که اخیرا برملا شده سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا با تهیه یک نوار ویدئویی که صدام حسین را در رابطه جنسی با مردی دیگر نشان می‌دهد سعی کرده رهبر سابق عراق را همجنس‌باز نشان دهد.

براساس وبلاگی مربوط به مسائل امنیتی در روزنامه واشینگتن‌پست، برخی از طراحان و برنامه‌ریزان در سازمان جاسوسی آمریکا معتقد بودند که تهیه ویدئویی که صدام حسین را در حال هم‌بستری با پسری جوان نشان دهد می‌تواند پایه‌های حکومت وی را در آستانه حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ به لرزه درآورد.

نویسنده: الکی خوش

یکشنبه 9 خرداد1389 ساعت: 3:24

روزنامه واشینگتن‌پست از قول یک مقام سابق سازمان سیا می‌نویسد: «قرار بود این فیلم طوری تهیه شود که گویا با دوربین مخفی ضبط شده است، با کیفیت بسیار پایین، مثل ضبط پنهانی یک صحنه جنسی.»

روزنامه گاردین می‌نویسد که تهیه این فیلم جعلی از همجنس‌بازی صدام حسین تنها ایده درخشان گروه عملیاتی عراق در سازمان سیا نبوده است.

طرح دیگر آنها متوقف کردن پخش برنامه‌های تلویزیون دولتی عراق و نشان دادن یک گزارش خبری جعلی بوده که صدام را در حین انتقال قدرت به پسر منفور وی عدی نشان می‌داده است. ظاهرا هدف از نشان دادن چنین خبری تحریک مردم عراق به قیام علیه دولت و در نتیجه ساده‌تر کردن عملیات اشغال عراق بوده است.

البته نه نوار ویدئوی همجنس‌بازی صدام و نه گزارش خبری جعلی انتقال قدرت هیچ یک پخش نشدند و مدیران ارشد سیا با چنین شیوه‌هایی موافقت نکردند.

روزنامه گاردین سپس می‌افزاید که با این وجود سازمان سیا ویدئوی اسامه بن لادن در حال مشروب‌خواری و رجزخوانی در مورد سوابق همجنس‌بازی خود را تهیه کرده است. در این ویدئو ظاهرا از کارمندان تیره‌پوست‌تر سیا برای ایفای نقش سیاهی‌لشکر در اطراف اسامه بن لادن استفاده شده است. اما به نظر می‌رسد که این ویدئو نیز هرگز پخش نشده است.

نویسنده: keylogger

یکشنبه 9 خرداد1389 ساعت: 6:31

با سلام و عرض ادب
چرا وبسایت http://www.narina.ir باز نمی شود؟
پیشنهاد می کنم همیشه از مطالب سایت پشتیبان تهیه کنید.
لینکهای زیر را ببینید (همینجا از نگارنده ی اصلی آن مطالب قدردانی می کنم)
http://forum.p30world.com/showthread.php?t=412155
http://forum.p30world.com/showthread.php?t=412158
http://forum.p30world.com/showthread.php?t=412173
http://forum.p30world.com/showthread.php?t=412178
http://forum.p30world.com/showthread.php?t=412171

وب سایت

نویسنده: توحید

یکشنبه 9 خرداد1389 ساعت: 8:28

با سلام

آقای عابدی با تشکر از زحمات شما . به نظرم فایل را داخل خود سایت naria آپلود کنید بهتر است چون فایل شخصي نیست و مربوط به کتاب استاد است از این نظر که وقتي آدرسش را براي آپلود به کسي معرفي مي کنیم ضمن آن شخص با آدرس وبلاگ و دیگر نوشته هاي استاد هم آشنا مي شود .

ضمن اینکه دیگر قسمت ها نیز بصورت pdf آماده خواهد شد تا چکیده اي از آثار گرانبهاي استاد از طریق نت و بصورت الکترونیك در اختیار بي خبران قرار گیرد .

وب سایت

نویسنده: اترش

یکشنبه 9 خرداد1389 ساعت: 8:48

سلام آقای xxx

جز در موارد بسیار جزئی نگرشی یکسان با نویسنده ی این سایت نسبت به موضوعات دارم. در مورد مبحث حجاب هم هنوز تحقیق مستقلی انجام نداده ام، پس در حال حاضر می توانم همین را بگویم که نظر و برداشت من با مطالبی که در سایت توحید بازتاب پیدا کرده اند هیچ مغایرتی ندارند.
مقالات مربوط به حجاب هم به ۱۲ مورد می رسد و نمی دانم چرا فقط به سه شماره ی ۲، ۳ و ۱۰ اشاره کرده اید.

وب سایت

نویسنده: اترش

یکشنبه 9 خرداد1389 ساعت: 11:50

سلام

قسمت ویکی سایت ناریا هم به راه افتاد...

کسانی که مایل به همکاری در زمینه ی ویکی هستند در گروه «تیم ویکی» عضو شده و برنامه ها را از طریق آن پیگیری کنند:
http://www.naria.ir/forum/index.php?topic=299.msg995#msg995

وب سایت

نویسنده: کاکا

یکشنبه 9 خرداد1389 ساعت: 12:16

سلام

لااقل این "عرب دانها "!!!! همت کرده و با حسن نیت ، ترجمه عربی یکی از آثار بی نظیر و مهم استاد را به دست گرفته اند ، که به نظر من موفقیت در ترجمه این اثر با ارزش راهنمای مسائل دینی و قرآنی (اسلام و شمشیر) ، موجب آشنایی هرچه بیشتر و صحیح تر مسلمانان جهان با مسائل دینی و قرآنی خواهد گردید .

به نوبه خود به برادران عرب (عربدانها !!!) خسته نباشید گفته و خداوند در این کار ارزشمند توفیق عایدتان گرداند .

نویسنده: الکی خوش

یکشنبه 9 خرداد1389 ساعت: 15:24

عکس:کارنامه درسی احمدشاه قاجار

http://www.rajanews.com/detail.asp?id=51468

نویسنده: عباس سلامات

یکشنبه 9 خرداد1389 ساعت: 16:49

با سلام
با هماهنگی صورت گرفته با دوست عزیز "هیجان" ترجمه کامل اسلام و شمشیر بزودی در فرووم نصب خواهد شد.
بنوبه خود این موفقیت بزرگ را در ابتدا به استاد و عزیز و پس از به همه دوستان تبریک عرض نمایم. امید است با همکاری یکدیگر وبه دور از دسته بندی ها برای رسیدن به اهداف پنهان، تمام تلاش خود را در راستای شناساندن این ترجمه گرانمایه به جهان اسلام به کار گیریم.
خرسندم که حامل این خبر مسرت بخش برای دوستان بودم.

نویسنده: بی خیال

یکشنبه 9 خرداد1389 ساعت: 19:29

سخنان مشایی راجع به اصلیت ایرانی پیامبر اسلام(ص)

من این بحث را آقای بقائی هم مطرح کردند این بحث را وعده می دهیم در جای دیگری مستنداتش از قرآن خواهیم داشت پیوند ایران اسلام کجاست هر چند که پیامبر بزرگ وار اسلام ما وائمه هدی هم که پیش از امام سجاد که مادرشان ایرانی بود با یک حلقه وصلی پیدا کرد که خون ایرانی در رگ های امام سجاد جاری شد ولی پیش از آن هم که بررسی می کنید پیامبر به ابراهیم می رسد ابراهیم که عرب نبوده ابراهیم ایرانی است اما این بحث دیگری است این بسیار بسیار مهمه روح عدالت تعیین کننده است
http://nahalnews.com/news/1389-02-29/news109.aspx

نویسنده: +++

یکشنبه 9 خرداد1389 ساعت: 19:43

جناب کاکا

عربدانها جمله مرکب اشتباهی است که آقای "ستاره" نه از سر بی سواطی که از سرغیظ به اعراب وبر اساس ته مانده تعلیمات یهود در لایه های عمقی داشته هایش به طعنه دوستان ما را خطاب نمودند.من مطمئنم که شما نیز به اشتباه دوست نا خالصمان پی برده اید که علامت تعجب بر آن افزوده اید.
باید به این دوست نه چندان عزیز "ستاره"که از مغاماط!!!! بلتد پایه !!!شرکت نفت هم هستند متذکر شوم که صداشو خفه کردی با بوی متعفنش چه می کنی .نامت را عوض می کنی با استایل نگارشت چه می کنی؟یه روزی به ایشان گفتم یه کم بیشتر با ما باش خواهی فهمید که اینجا وبلاگ قر بده دات کام نیست که مشتی گاگول دور هم جمع شده باشند.اینجا تجمعی از ناب ترین ونخبه ترین فرزندان اسلام حول محوری جمع شده اند که همه امکانات وقدرت یهود را به سخره ای باور نکردنی گرفته .خدا ایشان را به راه راست هدایت بفرماید.

نویسنده: ستاره

دوشنبه 10 خرداد1389 ساعت: 6:49

گاهی اوقات آدمها دچار اشتباه می شوند. گاهی اوقات براساس اشتباهشان قضاوت می کنند و گاهی اوقات هم بر اساس قضاوت اشتباهشان یکی نفر را بی گناه و اشتباهی محکوم می کنند و می کشن. این آقای سه تا + هم از دست یه نفر به طور موجه یا نا موجه (من نمی دونم) به شدت عصبانیه. ولی بدبختانه منو با اون یه نفر اشتباه گرفته و دق دلیهاش از اونو سر من از همه جا بی خبر خالی می کنه! اول می خاستم جوابشو بدم، ولی وقتی کامنتهای بعدیشو خوندم و فهمیدم دچار اشتباهی سخت شده، جلوی خودمو گرفتم و فقط خندیدم. مخصوصا به خاطر اینکه عبارت عربداناهمون رو بدجوری بد معنی کرده و فکر کرده من از رو ی دشمنی غرض اینجوری نوشتم!!!! اشتباه آدمها هم مثل خیلی از چیزای دیگشون مرز نداره! قصد توهین ندارم ولی این برداشت شما جناب سه تا ستاره!! "از سرغیظ به اعراب و بر اساس ته مانده تعلیمات یهود در لایه های عمقی داشته هایش" حسابی و حسابی منو خندوند!! ان تا مرسی

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 10 خرداد1389 ساعت: 8:6

آقای جلال. درباره آن اشخاص در کتاب چهارم یعنی برآمدن مردم به اراده و عنایت الهی خواهم نوشت.

به همت آقای سلامات وبلاگی به آدرس زیر و به زبان عربی به نام الحق و الصبر آماده شده است.
/http://naria.maktoobblog.com
البته سایت مکتوب در ایران فیتلر است.

نویسنده: ترک دان

دوشنبه 10 خرداد1389 ساعت: 7:9

با سلام
از دوستان عرب زبان برای فعالیت ستودنیشان در ترجمه و نشر آثار فاخر استاد تشکر میکنم امیدوارم با قدمهای راسخ تر به این مهم ادامه بدهند
مدتی است میخواهم پیشنهاد ترجمه مستندها و سپس وب نوشتها را به ترکی بدهم اما دغدغه های کاری جرات ارائه این پیشنهاد را از من گرفته است شاید در این مدت تنها به اندازه سر زدن به وبلاگ و انجمن زمان داشته باشم منتظرم تا دوستان ترک زبان بنیان اندیش که تعدادشان کم هم نیست پیش قدم بشوند اما به نظر آنها هم مثل من منتظرند
برای ترجمه مستندها به ترکی میبایست دوستان به نگارش صحیح ترکی به لاتین اشراف کامل داشته باشند اگر از میان دوستان ترک زبان یا به قول دوستمان ترکدانهایی در میان بنیان اندیشان در خود استعداد این کار را میبیند برای تشکیل کار گروه ترجمه میتوانند روی قول من حساب کنند
موفق باشید

نویسنده: عباس سلامات

دوشنبه 10 خرداد1389 ساعت: 8:29

با سلام به همه
به حول و قوه الهی آرزویی بس بزرگ تحقق یافت و کتاب ارزشمند اسلام وشمشیر برای انتشار در جهان عرب آماده شد.این موفقیتی بزرگ وگامی به جلو برای بنیان اندیش و بنیان اندیشان است.
طی گفتگویی تلفنی استاد خواستار به راه انداختن وبلاگی جهت انتشار این ترجمه شد که پس از بررسی های فراوان سایت maktoob که پربیننده ترین سایت اجتماعی و پرترافیک ترین سایت ارائه بلاگ در جهان عرب است برای اینکار انتخاب گردید.بسیاری از نویسندگان و علمای جهان اسلام(مثلا حسین مونس و یوسف القرضاوی) بر روی این سایت بلاگ دارند.
این سایت در ایران فیلتر شده است ولی مزایای داشتن بلاگی بر روی آن،آنقدر زیاد است که ارزش استفاده از فیلترشکن را دارد. نکته ای که نباید فراموش کرد این است که مخاطب اصلی و در واقع گروه هدف عرب های خارج از کشور می باشند که آنان قاعدتا با مشکلی به نام فیلتر مواجه نیستند. از آنجایی که اسلام وشمشیر ترجمه شده است بهتر است به توصیه استاد نیرویمان را رو بخش دیگری از مطالب متمرکز کنیم تا از دوباره کاری پرهیز شود. یادآور می شوم که نسخه عربی ناریا نیز مانند نسخه فارسی متعلق به همه بنیان اندیشان به رهبری استاد پورپیرار است لذا پذیرای همه مطالب ترجمه شده به عربی است.از دوستان خواهش می کنم که در راستای معرفی این وبلاگ به جهان عرب تمام تلاش خود را انجام دهند.
/http://naria.maktoobblog.com
در پایان متن ایمیل استاد به اینجانب را در مورد این وبلاگ عینا به اینجا منتقا می نمایم
"""سلام
بسیار زحمت کشیده اید. به تر این که مطلب را

به دوستان دیگر یعنی مدیران فروم و آقای نیسی
نیز خبر دهید تا دوباره کاری نشود. حتی اگر وبلاگ را
در جایی باز می کردید که در ایران فیلتر نبود
از حرف اضافی و حواشی بعدی خلاص می شدیم
موفق باشید"""

نویسنده: آيدين قشقايي

دوشنبه 10 خرداد1389 ساعت: 9:9

سلام به دوستان
دوستان اینجانب وبلاگ ارمنیان ارمنيان ابزار غربيان براي تقابل با اسلام را به آدرس لينك پيوست راه اندازي نمودم. خوشحال مي شوم وارد شده و نظر دهيد.

وب سایت

نویسنده: فالح باوی

دوشنبه 10 خرداد1389 ساعت: 13:15

برادر عزیز جناب سلامات-سلام علیکم

دستمریزاد.
فخورین بک یا ولید الکرامه والعزه.

نویسنده: اکبر

دوشنبه 10 خرداد1389 ساعت: 17:18

روی سایت ettelaat.net فیلمی از 80 سال پیش راجع به تخت جمشید قرار داده شده.

نویسنده: reza

دوشنبه 10 خرداد1389 ساعت: 18:32

با سلام و تبریک به استاد پورپیرار و همه بنیان اندیشان
یقینا همینطور است که جناب سلامات فرموده اند. اینک آرزویی بس بزرگ تحقق یافته پس وظیفه تک تک ماست تا نوشته های اسلام و شمشیر را به جهان اسلام و ملل عرب معرفی کنیم.

آقای سلامات وبلاگ معرفی شده تنها حاوی یکی از نوشته هاست. آیا قصد دارید بقیه را به مرور آپلود کنید؟
آیا برنامه ای نیز جهت چاپ "اسلام وشمشیر" به صورت کتاب در دست اقدام دارید.

بار دیگر دست همه دوستان را به گرمی میفشارم و برایتان آرزوی موفقیت دارم.

نویسنده: reza

دوشنبه 10 خرداد1389 ساعت: 18:35

آقای سلامات
به نظرم بهتر است که در قسمت معرفی نویسنده اشاره گردد که اصل مقالات و کتابها به زبان فارسی است.
مستدام باشید

نویسنده: طالب حقیقت

دوشنبه 10 خرداد1389 ساعت: 20:52

با سلام به استاد و دوستان

آقای سلامات و دوستان عرب زبان. خسته نباشید. به امید موفقیت های بیشتر.

نویسنده: عباس سلامات

دوشنبه 10 خرداد1389 ساعت: 21:33

جناب reza
من نیز مانند همه شما از خوشحالی در پوست خود نمی گنجم. مقالات به ترتیب بر روی وبلاگ قرار خواهند گرفت.اینک تمام مقالات در اختیار بنده است ولی من با مشورت دوستان من جمله شخص استاد و همچنین دوست گرامی مجتبی غفوری تصمیم گرفتم هفته ای یک فصل در وبلاگ قرار دهم البته این فاصله یک هفته ای میتواند برای فصل های مختلف تغییر کند که این تغییر را حجم مراجعات ونظرات مشخص می کند.البته گمان نکنم فاصله بین هر دو فصل از یک هفته کمتر شود. از عواملی که بر اساس آنها تصمیم به انتشار هفته به هفته مطالب بر روی وبلاگ گرفته شد مطرح شدن مباحث در جهان عرب واحتمال یافتن ناشری برای انتشار آن است. از همه دوستان تقاضا دارم اگر کانالی برای نشر دارند با من تماس بگیرند تا مذاکره برای انتشار را آغاز کنم. در ارتباط با معرفی استاد هم بنده اینک در حال نوشتن مطلبی برای ویکیپدیای عربی هستم که به امید خدا در قسمت مشخصات بلاگ عربی هم نصب خواهد شد.

اخی العزیز باوی
کما مّن الله علینا بنعمة الاسلام علینا ان نجاهد فی سبیل نشر الفکرة الاسلامیة الصحیحة بکل ما لدینا من مالا و علما و....کما قال الله فی کتابه الکریم"" واعدوا لهم ما استطعم من قوة...""
اطلب من کافة الاخوة ان یسعوا بدورهم فی اعلان خبر انتشار المدونة
عنوان بریدی الالکترونی هو : abbasalhelfy@gmail.com
اتقبل کل مقترحاتکم بکامل الامتنان و الشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 11 خرداد1389 ساعت: 0:1

آقای سنجری. احتمالا نکته پنهان در مطالب آن ای میل را نگرفته اید.

نویسنده: محمدرضا نیسی

دوشنبه 10 خرداد1389 ساعت: 23:48

سلام عليكم
آقاي سلامات با تشكر از پيگيري‌هايتان و اينكه گام اوليه كار را برداشتيد
ان شاءالله هماهنگي‌هاي لازم با دوستان را انجام خواهيم داد تا يار راه باشيم
در زمينه اطلاع‌رساني كارهايي انجام شده كه براي وبلاگ سايت مكتوب كه زحمت آن زا كشيده‌اي نيز فعاليت‌هاي لازم انجام خواخد شد
از اينكه همت به خرج داده‌ايد به نوبه خودم تشكر مي‌كنم اما يادمان نرود كه راه دراز است و نياز به حوصله و انرژي فراوان

نویسنده: یه دانشجو

سه شنبه 11 خرداد1389 ساعت: 3:10

دست و پا زدن در خرافات و توهم و هذیان گویی و در جهل مرکب هم حالی دارد که نپرس. هر وقت دلتنگ و افسرده شدید لطفا ویدیوی چرندیات کاوه فرخ این پروفسور دلقک ایرانی و استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا در شهر ونکوور کانادا را نگاه کنید و به خداوند دعا کنید که شما را هم مانند این احمق نیافریده است. اقای عباس از ونکوور هم می توانند مستند های استاد را به دانشگاه بریتیش کلمبیا تحویل داده و از آنها بخواهند که با استناد به داده های مستند ها ادعا های دروغین این کلاهبردار را دوباره خوانی کنند. منهم در اسرغ فرصت با آن دانشگاه تماس گرفته و چهره این پروفسور عامی و بی سواد را افشا خواهم کرد. البته ایشان یه سایتی هم که از تعفن اش بیشتر به توالت های عمومی می ماند دارند که می توانید آدرس ایمیل و تماس با خودشان را هم از آنجا بدست بیاورید.

feature=related&http://www.youtube.com/watch?v=gQbpS0deksM

نویسنده: عادل

سه شنبه 11 خرداد1389 ساعت: 9:5

فیلم اکتشافات تخت جمشید در 80 سال قبل توسط دانشگاه شیکاگو
http://immortals.blogfa.com/post-51.aspx

نویسنده: بختیار

سه شنبه 11 خرداد1389 ساعت: 12:22

با سلام خدمت استاد

نمی‌دانم توضیح خواهید فرمود یا نه
میخواستم از حضورتان بپرسم
کلمه‌ی کتاب در قران به چه معنا است
با عنایت به اینکه در زمان نزول قران هنوز در قالبی که ما امروز کتاب مینامیم نبوده است

آقای بختیار. برای کتاب در قرآن ترجمه های زیادی از نامه تا امریه وجود دارد و هیچ کس آن را کتاب با معنا و مفهوم امروز ترجمه نکرده است. برای درک ریشه ای تر آن کافی است به ارتباط میان لغت خطبه با خطاب توجه کنید.

نویسنده: توحید

سه شنبه 11 خرداد1389 ساعت: 13:22

با سلام

دوست گرامی آقای عباس سلامات با تشکر از زحمات شما .

نظر من هم این است که قسمت نظرات را غیر فعال کنید و یا قابل کنترل . تجربه نشان داده که در چنین فضایی آنوسیان به خوبی جو را مغشوش می کنند و دنبال حاشیه سازی هستند . بهتر است فقط خوانندگان مطالب را بخوانند و اگر سوالی داشتند از طریق ای میل مطرح کنند . به نظر من در صورت مسدود بودن قسمت نظرات و درگیری بحث های فرسایشی خواننده می تواند در فضایی آرام فقط مطالب را خوانده و در مورد ان تامل کند . البته این تدبیر تنها در مورد مطالب اسلام و شمشیر است و نه مقالات دیگر استاد .

وب سایت

١ ٢ ٣ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنویسي

ایران شناسی 268

ایران شناسی 269

ایران شناسی بدون دروغ، 269، نتیجه 77، قلم 6.

نتاب
جمعه 28 خرداد ماه سال 1389 ساعت 7:19 PM

سلام

این چند روزی که گذشت گویی عالم به تاریکی فرو رفته بود. طلوع مجدد را تبریک می‌گویم

پاسخ:

از ابراز محبت شما ممنونم.

همراه
جمعه 28 خرداد ماه سال 1389 ساعت 7:20 PM

با سلام

خوشحالم که اولین نظر رو در وبلاگ جدید می گذارم . به امید روزی که سیل حقیقت جویان به این وبلاگ سرزیر بشه .

پاسخ:

از ابراز محبت شما ممنونم چنین بی قراری که در خاموش کردن این تک صدا نشان می دهند، به خصوص هنگامی که خود تمام انواع رسانه های داخلی و خارجی را در اختیار دارند، حکایت روشنی از درماندگی آنان و قدرت استدلال نزد بنیان اندیشان است. گمان نمی کنم اگر تمام ظرفیت دانشگاهی کنیسه و کلیسایی جهان متمرکز شوند، بتوانند فقط جوابی برای ۶ یادداشت قلم بیاورند.

امید صادقی
جمعه 28 خرداد ماه سال 1389 ساعت 7:33 PM

با سلام راه اندازی وبلاگ جدید را تبریک عرض میکنم

پاسخ:

آقای صادقی. از ابراز محبت شما ممنونم.

مسعود سنجری
جمعه 28 خرداد ماه سال 1389 ساعت 10:21 PM

برادر بزرگ استاد پورپیرار

سلام علیکم

راه اندازی وبلاگ جدید را به شما و دوستان عزیز تبریک عرض می کنم و از آندسته دوستانی که در راه اندازی آن زحمت کشیدند سپاسگزارم.

والسلام علیکم

فی امان الله

پاسخ:

آقای سنجری. ممنونم. همان طور که انتظار می رفت دوست نازنین ما یک بار دیگر چهره خود را عیان کرد.

ایرج
جمعه 28 خرداد ماه سال 1389 ساعت 11:43 PM

استاد خسته نباشید.

جهود اخرین نفسهایش را می کشد

http://narya.blogsky.com

پاسخ:

آقای ایرج. این وعده ی بی خلاف خداوند است.

طالب حقیقت
شنبه 29 خرداد ماه سال 1389 ساعت 3:28 PM

با سلام به استاد و دوستان

استاد خسته نباشید.

با تشکر از همه؛ من هم راه اندازی وبلاگ جدید را تبریک می گویم.

در این زمانه که همه جا از نوشته های بی ارزش و سطحی پر شده، واقعا نوشته های شما گوهرهایی گرانبها هستند.

پاسخ:

آقای طالب حقیقت. کلیپ های شما کمک بزرگی به روشن شدن این مباحث کرده است.

رشید
شنبه 29 خرداد ماه سال 1389 ساعت 4:08 PM

با سلام خدمت استاد عزیز و روحیه بخش

استاد بوی سوختن سراسر وب را پر کرده این بیچارگان از دست نوشته های شما در طول یک شبانه روز چه می کشند خوابشان را خراب کرده ای و روزشان را عذاب دست شما درد نکنه ان شاء الله روزی برسد که به سوگ این اذناب یهود خنده سر دهیم.

باتشکر فراوان از زحمات بی دریغتان

پاسخ:

آقای رشید. باید حق را گفت و صبر پیشه کرد

سلام محمدی

شنبه 29 خرداد ماه سال 1389 ساعت 7:43 PM

سلام استاد

این اعمال تنها کار،وپاسخی است که در مقابل آثار شما می توانند انجام دهند.

پاسخ:

آقای سلام محمدی. سودی نخواهند برد.

کاکا

شنبه 29 خرداد ماه سال 1389 ساعت 7:48 PM

سلام براستاد عزیز و دوستان زحمت کش

و با تبریک در راه اندازی مجدد " دانشگاه حق و صبر " این خورشید همیشه تابان و درخشان حقیقت و درستی ، که به عنوان آخرین راه و حربه از جانب ایادی یهود و باستان پرستان بوسیله ابرهای سیاه جهالت و نادانی پوشانده و مسدود گردیده بود .

استاد عزیز ، با تمام نا ملایمات روزگار، رسالت و راه شما همیشه جاودانه بوده و حق و حقیقت پیروز است .

پاسخ:

آقای کاکا. بی شرمی یهودیان پایان ندارد.

سلام محمدی

شنبه 29 خرداد ماه سال 1389 ساعت 7:54 PM

http://www.kurdishcartoon.com/index.php?Page=Articles&cmd=4&id=553 مصاحبه

http://irancartoon.ir/news/archives/2010/06/post_3304.php آثار

http://www.kurdishcartoon.com/?Page=Articles&cmd=4&id=548&se= تحلیل آثار

حاجی زاده

شنبه 29 خرداد ماه سال 1389 ساعت 10:14 PM

سلام

خدا را شکر که گمشده مان را دوباره یافتیم.

پاسخ:

فریبا خانم. حقیقت هرگز گم نخواهد شد. هرچند در مغاره ها پنهان کنند.

ناریا

یکشنبه 30 خرداد ماه سال 1389 ساعت 09:43 AM

Sun, June 20, 2010 4:55:48 AM پخش مستند مجعولات مجلل از شبکه رنگارنگ یکشنبه 30 خرداد

با سلام

تلاشها و زحمات دوست گرامی و بنیان اندیش مان عباس به بار نشسته و طبق هماهنگی های بعمل آمده قرار است که فیلم مستند مجعولات مجلل از شبکه تلویزیونی رنگارنگ روز یکشنبه 30 خرداد ساعت 18:30 به وقت تهران (20 ژوئن ، ساعت 3 بعدازظهر بوقت لندن - 10 صبح به وقت واشنگتن دی سی - 7 صبح بوقت لس آنجلس) پخش گردد.م

دوستان لطفا به همه اطلاع رسانی نمایید و در حد امکان از طریق تماس تلفنی در مباحثات بعد از پخش فیلم که به صورت زنده خواهد بود شرکت نمایید تا بدین طریق از این تریبون بتوان اندیشه های بنیان اندیشی استاد را به گوش همه رساند. ن

تلفن تماس با شبکه

---------- ---

Tel:703-255-5500

Fax:703-991-2184

در تعقیب حقیقت
یکشنبه 30 خرداد ماه سال 1389 ساعت 1:02 PM

با تبریک بازگشایی مجدد وبلاگ

لینک زیر قابل تعمل است آیا بنظر شما همین امر باعث فیلترینگ وبلاگ نشده است.

http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=52705

پاسخ:

آقای در تعقیب حقیقت. تاخت و تاز ضد فرهنگی کنونی ظاهرا به بهانه محتاج نیست هرچند که بوی ناخوشی از این مطلب بلند است.

خاکستری
یکشنبه 30 خرداد ماه سال 1389 ساعت 1:41 PM

سلام

خب به خوشی و میمنت کلا سایت بلاگفا با هزاران وبلاگش فیلتر شد و خلاص

احسان
یکشنبه 30 خرداد ماه سال 1389 ساعت 3:22 PM

استاد عزیز برقراری مجدد حق و صبر را تبریک عرض میکنم. سالم و برقرار باشید انشاء الله.

محمدرضا نیسی
یکشنبه 30 خرداد ماه سال 1389 ساعت 8:02 PM

سلام‌علیکم

تلویزیون رنگارنگ در حال پخش مجعولات مجلل است. در اینترنت از لینک زیر به صورت آنلاین قابل مشاهده است

http://www.tvunetworks.com/watchTV/index.html#c=12350

حسین ک

یکشنبه 30 خرداد ماه سال 1389 ساعت 8:04 PM

یریدون ان یطفوا نور الله بافواههم و الله متم نوره و لو کره ....

reza

یکشنبه 30 خرداد ماه سال 1389 ساعت 8:38 PM

با سلام استاد

پخش مستند مجعولات مجلل را از شبکه ماهواره ای رنگارنگ به شما و همه دوستان تبریک می گویم. این شبکه در انتها پیام شما به جوامع اسلامی را علی رغم مغایرت با جهت دهی سیاسی و فرهنگی شبکه نیز پخش کرد که در نوع خود حرکت غیر قابل پیش بینی بود.

مهدی - مهدی

یکشنبه 30 خرداد ماه سال 1389 ساعت 9:23 PM

جناب آقای پورپیرار،

خداوند خستگی سالیان دراز زحمت و مواجهه با دشواری های طاقت فرسا را به قدرت بی منهای خود از وجود شما زایل فرماید. لطفاً نگاهی به لینک های زیر بیاندازید:

/http://zartosht3000.persianblog.ir/post/4

/http://zartosht3000.persianblog.ir

ارادتمند

مهدی

پاسخ:

سلام

نویسنده آن وبلاگ را نمی توان بنیان اندیش نامید در حالی که از خط ژهلوی و اوستایی حرف می زند. با این همه مطالب او از زبان اقبال و تفضلی کاملا غیر منتظره بودُ به ویژه که علاوه بر تفضلی شخص اقبال هم بی موقع مرد. به هر حال بی اندازه ممنونم.

فتح

یکشنبه 30 خرداد ماه سال 1389 ساعت 11:37 PM

جناب پور پیرار مسدود شدن وبلاگ قبلی جای بسی تاسف دارد بخصوص برای کامنتهای بایگانی شده اما تولد دوباره حق و صبر که پایان ندارد را تبریک می گویم در انتشار آدرس جدید تلاش خواهم کرد.

وَتَوَاصَوْا بالْحَقّ وَتَوَاصَوْا بالصَّبْر

موفق و سلامت باشید

پاسخ:

آقای فتح. بسیار ممنون.

آرمین
دوشنبه 31 خرداد ماه سال 1389 ساعت 11:10 AM

با سلام خدمت استاد بزرگوارم،جناب آقای پوریپرار
استاد،راه اندازی مجدد وبلاگ حق و صبر را به شما و تمامی بنیان اندیشان تبریک عرض میکنم.

...
دوشنبه 31 خرداد ماه سال 1389 ساعت 1:28 PM

با سلام
دوستانی که مستند را دیدند لطف فرمایند اگر بحثی صورت گرفته اعلام فرمایند؟!

khalil
دوشنبه 31 خرداد ماه سال 1389 ساعت 3:31 PM

با سلام بر استاد بزرگ
با دیدن وبلاگ جدید خیلی خیلی خوشحال شدم و برای شما و تمامی دوستان تبریک می گویم.
استاد این هم سخنی از آقای خاتمی در مورد فردوسی حکیم:
فردوسی نماینده بزرگ فرهنگ ممتاز ایرانی است که با اسلام هم بارور شده است و امروز ما نیاز داریم با فرهنگی که منشاء هویت ماست و فردوسی بیانگر او بود، با توجه به فرهنگ امروز ما که به شدت مضطرب و آشفته است، گفت و گو کنیم و نیز با این ایده که در گفت و گوی فرهنگ ها و تمدن ها می توان از نگاه فردوسی و از نگاه هویت ممتاز ایران به گونه ای که فردوسی بیان می کند، با فرهنگ های دیگر سخن گفت و وارد گفت و گو شد.
http://www.yazdfarda.com/news/10649.html

پاسخ:

آقای خلیل. کافی است از آن ها بپرسیم فردوسی دیوان اش را با چه نوع قلم و بر چه ماتریالی نوشته و آیا از نوشته ی نخستین او نمونه ای باقی است؟ تا در لحظه ای این لفاظی ها در باب شاه نامه به خیال بافی بدل شود. این سئوالات ساده تکلیف هر نوشته ای جز قرآن را به خوبی تعیین و ادعای داشتن آن را باطل می کند.

مسعود سنجری
دوشنبه 31 خرداد ماه سال 1389 ساعت 3:59 PM

برادر بزرگ استاد پورپیرار
سلام علیکم

پخش مستند مجعولات مجلل را به شما و استاد غفوری نازنین تبریک عرض می کنم

والسلام علیکم
فی امان الله

پاسخ:

آقای سنجری. ممنون. همگی امیدواریم پخش این مستندها ذهن هایی را از کرختی نجات دهد و به تکاپو برای کشف حقیقت و دفع دروغ وادارد.

R134a
دوشنبه 31 خرداد ماه سال 1389 ساعت 4:43 PM

خسته نباشید استاد

خانه نو مبارک!

فالح باوی
دوشنبه 31 خرداد ماه سال 1389 ساعت 7:25 PM

ققنوسیم وقیاممان از خاکسترمان.سمندریم و شاهد خفت آتش. ابراهیمی ایم و اتش گلستانمان .

استاد تولد دوباره حق وصبر بر همه بنیان اندیشان وتشنگان حقیقت مبارک.

پاسخ:

آقای باوی. ممنون

سعید
دوشنبه 31 خرداد ماه سال 1389 ساعت 8:40 PM

سلام به استاد عزیز و همه دوستان

استاد این سخن از خود شماست:
حقیقت مسئول مواظبت از اذهان و اوهام نیست و به سهولت یا به سختیُ نهایتا احکام خود را به خواهنده آن دیکته خواهد کرد.

به راستی برای کسانی که خود را پرچم دار آزادی می دانند فیلتر کردن جای شرم است. همیشه در پناه خداوند باشید

http://www.shifaa.blogfa.com

پاسخ:

آقای سعید. ظاهر و آوای جمله از من است ولی به یاد ندارم کجا نصب کرده ام.

سعید
دوشنبه 31 خرداد ماه سال 1389 ساعت 8:46 PM

استاد اگر زحمتی نیست موضوع ؛قلم؛ را از ابتدا در این وبلاگ قرار دهید تا موضوع زیبای قلم ناقص نباشد

http://www.shifaa.blogfa.com

پاسخ:

آقای سعید. اطاعت می شود مشکل بازیافت دوباره تصاویر است.

توحید
دوشنبه 31 خرداد ماه سال 1389 ساعت 9:56 PM

سلام استاد .

واقعا نمی دانم با چه زبانی می توان از شما تشکر کرد . واقعا زبان از بیان خدمات شما قاصر است . شما به نحو احسن رسالت خود را که خدا بر دوشتان گذاشته عمل کرده اید .

فقط می گویم خسته نباشید و اجرتان با خدا .

پاسخ:

آقای توحید. فقط انجام وظیفه است.

توحید
دوشنبه 31 خرداد ماه سال 1389 ساعت 10:06 PM

راستی جناب عباس سلامات

با تشکر از زحمات شما در ترجمه و نصب اسلام و شمشیر در وبلاگ ناریا عربی خواستم بپرسم علت تاخیر در نصب مقالات علی رغم درخواستهای مکرر و موکد استاد بر نصب سریع ۱۰ یادداشت اول چیست ؟

عباس سلامات
دوشنبه 31 خرداد ماه سال 1389 ساعت 10:37 PM

صدایی از صدای عشق خوشتر نیست حافظ گفت
کسی نشنیده زین فریاد فریادی رساتر را

طنین اندازی مجدد صدای عشق بر عاشقان حقیقت مبارک باد

پاسخ:

آقای سلامات. شاهدی قلابی تر از حافظ نیافتید!؟

عباس سلامات
سه شنبه 1 تیر ماه سال 1389 ساعت 00:29 AM

استاد راست گفتید. من باید دنبال یه شاهد دیگه بگردم

آقای توحید
دو ماموریت کاری بنده به کشور امارات و جزیره کیش باعث این تاخیر بود و من بابت آن عذر خواهی می کنم
البته امروز فصل 5 و6 نصب گردید و بقیه نیز به سرعت نصب خواهند شد.
یادآوری می کنم که ترجمه اسلام وشمشیر کار بنده نیست و آنگونه که در پایان هر یادداشت ذکر می کنم مترجم اسلام وشمشیر دوست عزیز " هیجان " می باشد.

امید صادقی
سه شنبه 1 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:36 AM

با سلام لطفاً فرکانس شبکه رنگارنگ را اعلام نمایید. آیا روی هات برد پخش میشود؟

مسعود سنجری
سه شنبه 1 تیر ماه سال 1389 ساعت 08:25 AM

برادر عباس عزیز
سلام علیکم

از تلاش ها و پیگیریهای شما جهت پخش مستند دوران ساز مجعولات مجلل متشکرم.

والسلام علیکم
فی امان الله

reza
سه شنبه 1 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:04 AM

آقای صادقی با سلام

مستند روز یکشنبه از شبکه پخش شد و طبق قولی که مسئول شبکه داده احتمالا چندین نوبت دیگر نیز از همان شبکه پخش خواهد شد.اگر در این مورد اطلاعی بدست آمد از طریق همین صفحه و نیز انجمن به اطلاع دوستان خواهد رسید.

توضیح بیشتر در این باره:
http://www.www.naria.ir/view/1.aspx?id=660

تا آنجا که من چند ساعت بعد از پخش را چک کردم بحث خاصی از طرف بینندگان در مورد فیلم نشد.

http://www.www.naria.ir/view/1.aspx?id=660

khalil
سه شنبه 1 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:19 AM

با سلام

استاد به نظر شما در بیت زیرمنظور از کلمه قطار در کتاب مثنوی معنوی مولانا چیست؟ آیا می تواند همان وسیله نقلیه امروزی باشد؟

این سخن پایان ندارد بازران
تا نمانیم از قطار کاروان
(جلد اول مثنوی معنوی-بر اساس نسخه رینولدالین نیکلسن-ص۱۵۶)
ممنون

پاسخ:

آقای khali. مگر این که هر شتر را یک واگون و یا هر واگون را یک شتر و استر و اسب فرض کنیم.

یک سئوال
سه شنبه 1 تیر ماه سال 1389 ساعت 12:22 PM

با سلام

استاد عزیز خواستم نظر شما را در مورد سه یادداشت که پیرامون زنا و فحشا در این وبلاگ آمده است را جویا شوم؟!
ممنون
bazkhani.blogfa.com

پاسخ:

آقای اترش. نوشته های شما را خواندم. گمانم باید تا درج یادداشت ۵۰ اسلام و شمشیر تامل کنید، که به گمانم زمان ان نزدیک است.

مهدی - مهدی
سه شنبه 1 تیر ماه سال 1389 ساعت 2:02 PM

جناب آقای پورپیرار،

محقق دور اندیش خسته نباشید. مسلماً مطالب آن وبلاگ بنیان اندیشانه نیست. امّا کشف صحت و سقم ادعاها و انتصابات مربوط به شخصیت های تاریخی معاصر که در آن وبلاگ مطرح شده است ممکن است درک ما را از تاریخ معاصر تغییر دهد. به عنوان مثال اگر هدف نویسنده تطهیر خاندان پهلوی یا توطئه ای دیگر نباشد و بتوان از صحت متن نامه های منتسب به محمد رضا شاه اطمینان حاصل کرد، باید به گونه ای دیگر به زنجیره اتفاقات 30 - 40 سال اخیر نگاه کرد. مثلاً متن زیر نمونه ای است که نویسنده وبلاگ مدعی شده است که نامه

محمد رضا شاه به دکتر منوچهر اقبال است:

جناب مستطاب و دانشمند اندیشمند، دکتر منوچهر اقبال - دام اقباله؛ کتاب ارزشمندی را که نزدیک به ۸ ماه از اوقات فراغت خود را ، صرف نگارش و تحقیق و تدوین آن نموده اید، با حوصله و دقت کافی و دور از چشم اطرافیان خواندم. من بسختی میتوانم باورکنم که کسی با اشتغالات فراوانی که شما دارید، بتواند هشت ماهه چنین اثر نفیسی را با آنهمه گستردگی و پراکندگی تحقیقات موجود در آن، ارائه دهد. اما چون نبوغ ذاتی در خانوادهٔ مرحوم اقبال السّلطنه، امری مشهود است، این در مورد شخص شما برای من ثابت گشته و سرعت عمل حضرتعالی درانجاح امور محوّلهٔ مملکتی ما سرمشقی است برای دیگر مسئولین. وامّا، کتاب نفیس شما را مو بمو خواندم. نزدیک به پنجاه روز از اوقات فراغت خود را فـقـط برای مطالعهٔ آن صرف کردم وگاه شبها در بستر خواب نیز به مطالب آن می اندیشیدم. ابتدا قبول کردنش سخت بود که بپذیرم واقعاً ملت ایران اینهمه سال با دروغهای مورّخان سرگرم شده باشند و به یک چنین تاریخ سراسر افسانه ای دل خوش کرده و بر سر قبری اشک ریخته باشند که مرده ای درآن قبر اصلاً نبوده است (زرتشت و دیگر شخصیتهایی را میگویم که استوانه های تاریخ ایران هسـتـند!!)؛ ولی با انصاف و بدون تعصب، کتابتان را خواندم و به این نتیجهٔ تلخ و باورنکردنی رسیدم که خود من نیز عمری در اشتباه بوده ام. صراحتاً میگویم که اکثر نزدیک به همهٔ گفته هایتان دراین کتاب منطقی بنظر میرسد؛ اما چند نکته بـرایـم مجهول یا مبهم باقی مانده، که شما باید حضوراً توضیح بدهید و با من درمورد آنها بحث دوستانه بنمائید که اگر بازهم ثابت شودکه اشتباه کرده ام، بدون درنگ تسلیم همگی کتاب شما خواهم بود. باری، پی بردم که کوروش هخامنشی و نیز دیگر پادشاهان ایران باستان، افرادی نبوده اندکه ارزش داشته باشند تا تقویم آنـها را مجدداً ترویج بدهیم اما جناب دکتر اقبال، با اینکه من پذیرفته ام کـه تصویب این تقویم درسال گذشته (اسفند۱۳۵۴) شاید اقدامی عجولانه از من بود و شاید اشتباهی بزرگ (که پیشگوئیهای شما نیز درست درآمد)، اکنون نمیتوانم در این شرائطی که حزب توده در عرصهٔ دانشگاه و در میان نسل نوجوان ایران ، به تاخت وتاز و گردوخاک کردن مشغول است،یک بهانهٔ دیگر نیز با چاپ کتاب ارزشمند شما دست کمونیستها ومارکسیستها بدهم تا زرتشتیها را نیز به جمع خود اضافه کنند. گذشته از ایـنکه، فقط این مسئله خشم زرتشتیها را برنمی انگیزد، بلـکه تمامی احزاب ملیگرا با من وشما دشمنی خواهند کرد و بیم آن میرود که انتشار این کتاب و اعلام ساقط شدن تقویم مزبور، تیر خلاصی برای ایران و در نتیجه سقوط درکام کمونیست باشد. لیکن برادرم شاپورحمیدرضا و شهریارجان و نیز برخی دیگر سخت اصرار دارند که هم کتاب را سریعاً منتشر کنیم و هم من رسماً تقویم را ساقط کـنم. درخواست من اینستکه کمی صبرکنیم ودرشرائط مساعدتری (و لو چند سال بعد) این کار را انجام بدهیم. نظر شما چیست؟! دوست دارم بی پرده به من پاسخ بدهید. مراقب خود باشید. محمدرضا پهلوی - ۱۰ اسفندماه ۱۳۵۵

پاسخ:

آقای مهدی - مهدی. اصل همان است که خود گفته اید: ابتدا باید از صحت اسناد و ادعاها مطمئن شد. هرچند نشانه هایی چون مرگ زود هنگام تفضلی و اقبال محل تامل بسیار است.

عباس سلامات

سه شنبه 1 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:04 PM

تم ادراج الفصل السابع من مجموعة مقالات الاسلام والسيف على موقع مكتوب العربى.

ترجمه عربی یادداشت هفتم مجموعه یادداشت های اسلام و شمشیر بر روی سایت مکتوب نصب گردید.

http://naria.maktoobblog.com/

http://naria.maktoobblog.com/

محمد اوجال اولوتورک

سه شنبه 1 تیر ماه سال 1389 ساعت 6:57 PM

با سلام و عرض تبریک برای راه اندازی وبلاگ جدید و البته عرض تسلیت به "کسانی که چشم دارند ولی نمی بینند، و گوش دارند ولی نمی شوند"!

فقط خواستم این را خدمتتان عرض کنم که به رغم تمامی ممانعت ها از انتشار "حقیقت"، ما دربست در اختیارتان هستیم تا نوشته ها و

یادداشتهایتان را به هر طریق ممکن و به هر قیمتی به دست طالبان حقیقت برسانیم.

و الله خیر حافظ و معین

پاسخ:

آقای محمد اوجال اولوتورک. ممنون از الطاف شما.

khalil
سه شنبه 1 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:54 PM

آقای سلام محمدی به نظر من آثار شما ازبهترین کاریکاتورهای جهان است که به شیوه ای شبیه کوبیسم کار کرده اید و یک خلاقیت هنری و غیر تکراری می باشد و همین آثار بی کسالتی بیننده را برای ادامه کارهای چیده شده در نمایشگاه بر طرف می کند. واقعاً به کارهای بسیار خوب و با ارزشتان تبریک می گویم . من هم به عنوان یک نقاش و مجسمه ساز زیر دست شما آرزوی توفیق روز افزون شما را دارم.

آمون
چهارشنبه 2 تیر ماه سال 1389 ساعت 03:00 AM

سلام. همین طور است. احتمالا این وبلاگ را هم مسدور خواهند کرد. برای همین منظور می توانید در گروه اینترنتی زیر عضو شوید و هم در جریان مسایل باشید و هم به روز شدن وبلاگ و هم سایر اطلاعات لازم و نیز فایل های .... !

http://groups.google.com/group/smnshd

http://groups.google.com/group/smnshd

reza
چهارشنبه 2 تیر ماه سال 1389 ساعت 06:36 AM

پخش مجدد مستند مجعولات مجلل از شبکه رنگارنگ هم اینک چهارشنبه 2 تیرماه ساعت شش و نیم صبح به وقت تهران شروع شد. (سه شنبه 22 ژوئن ساعت 10 شب به وقت واشنگتن)

جهت مشاهده آنلاین
http://www.jahantv.com/rangarang.htm

Rang-A-Rang
Hot Bird 6
Transponder 134
Frequency: 11199
Polarization: Vertical
Symbol Rate: 27500
FEC: 5/6

Rang-A-Rang
Telstar 12
Transponder 5
Frequency: 11494

Polarization: Vertical

Symbol Rate: 17469

FEC: 4/3

SID: 10

VPID: 272

سلام محمدی

چهارشنبه 2 تیر ماه سال 1389 ساعت 2:06 PM

با سلام خدمت استاد ودوستان

آقای khalil، ممنون از لطف شما.

عکس

چهارشنبه 2 تیر ماه سال 1389 ساعت 5:16 PM

http://runykey.blogfa.com/

پاسخ:

تحفه تر از این ها پیدا نکردید؟!

احسان

جمعه 4 تیر ماه سال 1389 ساعت 12:57 PM

در یکی از یادداشتها بغداد را نامی ضد اسلامی خوانده بودید. میخواستم معنای نام این شهر را بفرمائید.

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

34870

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya	2	

ایران شناسی 270

ایران شناسی بدون دروغ 270، نتیجه 78، قلم، 7

لینک

پنجشنبه 3 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:26 AM

سلام خدمت استاد گرامی از اینکه وبلاگ جدیدی راه اندازی نموده اید بسیار خوشحالم

آیت‌الله خزعلی:اگر روزی روزنامه کیهان را نبینم آن روز ناراحتم

http://www.parsine.com/fa/pages/?cid=22186

اشتباه فاحش در اسکناس 10هزار تومانی + عکس

http://www.parsine.com/fa/pages/?cid=22153

ماهواره جدید اسرائیل برای جاسوسی از ایران

http://www.asriran.com/fa/news/122405

روایتی متفاوت از زندگی سید حسن نصر الله

http://www.asriran.com/fa/news/122518

مصاحبه خواننده لس آنجلسی با نشریه داخلی

http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=105754

یادآورد گذشته / هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۱ :

ماموریت بنی صدر در مقام ریاست جمهوری ایجاد بن بست در ساختار اداره کشور بود! /هدف « فتنه» بنی صدر ایجاد تقابل در قوای سه گانه نظام بود!

http://www.hashemirafsanjani.ir/?type=dynamic&lang=1&id=2230

عبدالمالک ریگی اعدام نشده است!؟

http://www.jahannews.com/vdcgxq9qnak9x74.rpra.html

بده و بستان‌های جاسبی درمجلس کنترل شود

http://www.jahannews.com/vdch6znzz23niqd.tft2.html

کاریکاتور/کاهش محاصره غزه

http://www.jahannews.com/vdcai6n6i49nu01.k5k4.html

لینک

پنجشنبه 3 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:26 AM

تصاویر اختصاصی از مرقد حضرت بنیامین

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=113950

اشک رئیس جمهور در خاطره وزیر مسکن

http://www.jahannews.com/vdcepz8zxjh8wei.b9bj.html

نخست وزیر پاکستان اظهارات منتسب به خود را اصلاح کرد

مجبور به اطاعت از تحریم های آمریکا نیستیم

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=113920

شیعیان ریشه در تاریخ هزار و چهارصد ساله اسلام دارند

http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=18216

لینک

پنجشنبه 3 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:28 AM

ایت الله وحید خراسانی بر روی لوح ثبت ملی خطبه حضرت زهرا (سلام الله علیها) چه نوشتند ؟

http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=18194

نگاهی به زندگی میشل عفلق/پدر معنوی صدام،از تولد تا مرگ+عکس

http://www.seratnews.ir/fa/pages/?cid=6445

شکار عکاسان روی صورت اوباما

http://www.fararu.com/vgldz90k.yt0zxy2loaym-.6l2sy.h.html

ردپای مشایی و هدایای دولتی در انشعاب جامعه وعاظ

http://www.fararu.com/vdciywaw.t1aur2bcct.html

ادعاهای‌مرزی‌امارات این‌بار گریبان‌عربستان را گرفت (کار، کار انگلیسی هاست)

http://www.rajanews.com/detail.asp?id=53710

وقتی معاون «صدام» معیار مرتد شدن افراد می‌شود!

http://www.shia-online.ir/article.asp?id=12270

با تلاش طلاب و مردم و همراهی بیوت مراجع؛

مشائی به قم راه پیدا نکرد

http://www.shia-online.ir/article.asp?id=12237

پاچه گیر هر چی آدم خرده شیشه باز

پنجشنبه 3 تیر ماه سال 1389 ساعت 7:05 PM

ای گرفتار در قید و بند جهالت و تعصب! ای سینه مالامال از کینه شخصی و انتقام! ای رانده شده چون سگ گر گرفته و مطرود از جمع اولی الالباب!

ما همچنان در انتظار توبه نامه اسحار! روزشماری میکنیم.

پیرمرد
جمعه 4 تیر ماه سال 1389 ساعت 00:56 AM

سلم استاد.

خسته نباشید.عرض ارادت . همواره موفق باشید.
reza
جمعه 4 تیر ماه سال 1389 ساعت 05:18 AM

با سلام استاد

نظرتان در باره این نوشته چیست؟ در نتیجه گیری نهایی چنین آمده:
همه اینها این شک را هم به ذهن متبادر می گرداند که گویا نارمن شارپ در متن اصلی دست برده و آن را مطابق خواسته سیاسی آن زمان ایران نگاشته است. به هر حال این امر خود موضوع پژوهشی دیگر است و نیاز به منابع بسیاری دارد که فعلاً در دست ندارم.نتیجه نهایی من این است که کلمه "آریا" در متن کتیبه بیستون به معنی "نافرمان" و "شورشی" به کار رفته است و نه برای اشاره به نام یک قوم یا زبان.

بررسی تحلیلی کتیبه بیستون

http://kurdishperspective.com/read.php?id=1396

واژه "آریا" یکی از کلماتی است که برای اشاره به مردمانی خاص به کار برده می شود. این واژه معروف حتی زمانی که هیتلر رهبری آلمان نازی را به عهده گرفت بار نژادپرستانه ای هم پیدا کرد که هنوز به طور کلی از آن تهی نگشته است. بررسی سیر تاریخی این واژه برای بررسی تاریخ یک ایده بسیار مهم است. بسیار مهم است که بدانیم چگونه واژه "آریا" در تاریخ معاصر به نام یک زبان و حتی نژاد تبدیل شده و حتی بار فاشستی و نژادپرستانه گرفته است. در آنچه در این قسمت می آید کاربرد این واژه را در کتیبه بیستون بررسی می کنم...
http://kurdishperspective.com/read.php?id=1396

پاسخ:
آقای رضا. یادداشتی هم احتمالا با عنوان میخ آخر یا آریاییان شرور در مجموعه این نوشته ها موجود است که آدرس آن را ندارم. در کتیبه بیستون با وضوح کافی آریایی به معنای شرور و نافرمان به کار رفته و هیچ ارتباطی با قوم و گروهی که اینک در بوق کرده اند ندارد. البته مطالب درباب آن کتیبه بسیار بیش از این هاست که کسانی مشغول کار بر روی آنند. موفق باشید.
reza
جمعه 4 تیر ماه سال 1389 ساعت 07:57 AM

هم اینک جمعه ۴ تیرماه ساعت هفت و نیم صبح به وقت تهران (پنجشنبه 2۴ ژوئن ساعت ۱۱ شب به وقت واشنگتن)
پخش مستند مجعولات مجلل از شبکه رنگارنگ برای دفعه سوم آغاز گردید. این موفقیت را به استاد و همه بنیان اندیشان تبریک میگویم.

تلفن تماس با شبکه جهت مشارکت در بحث و تشویق گردانندگان شبکه نسبت به پخش مجدد اینگونه مستندها در ارتباط با تاریخ حقیقی ایران.

Tel:703-255-5500

مشاهده آنلاین

http://www.jahantv.com/rangarang.htm

Rang-A-Rang

6 Hot Bird

Transponder 134

Frequency: 11199

Polarization: Vertical

Rate: 27500 Symbol

FEC: 5/6

Rang-A-Rang

Telstar 12

5 Transponder

Frequency: 11494

Polarization: Vertical

Symbol Rate: 17469

4/3 :FEC

SID: 10

VPID: 272

reza

جمعه 4 تیر ماه سال 1389 ساعت 09:27 AM

آیا سنگسار کردن یک حکم قرآنی است؟

http://www.feministschool.com/spip.php?article5161

http://www.feministschool.com/spip.php?article5161

حاجی زاده

جمعه 4 تیر ماه سال 1389 ساعت 3:50 PM

سلام

خسته نباشید.

حاجی زاده

جمعه 4 تیر ماه سال 1389 ساعت 5:53 PM

اگر مسلمانان در حدود یک قرن بعد از ظهور اسلام، با مدد خط نابالغ عرب قادر به کتابت متن کبیری چون متن قرآن (حال با تمسک بر هر قلم و ورقی) بوده اند، پس آن خط یارای ارائه سایر متون، ولو در حجم اندک، را داشته است!؟ بعبارتی پیش از ظهور قلم نی، آن خط ناکامل تا چه حد توان برآوردن حاجات نگارشی اندیشمندان و مولفان و حتی مردم عامه آن برهه را داشته است؟

ضمنا در مقاله قبل مرقوم فرموده اید که "ناتوانی سرقلم های کند حرکت فرانسوی در گردش دایره وار، کاتب را از سه بار برداشتن قلم از کاغذ برای نقش اندازی نقطه های حرف شین و پ و ث و غیره، ناگزیر کرده است." اگر چنین باشد پس چطور ممکن است که قلم های کند حرکت فرانسوی از عهده ترسیم گردی حروف "و، ص، م، ه، ط..." آمده باشد!؟

با تشکر

پاسخ:

خانم حاجی زاده. به گمانم باید برگردید و تمام ۲۷۰ یادداشت را یک بار دیگر اما این بار به دقت بخوانید. مختصرا یادآوری می کنم مکتوبات قرآنی تا قبل از پیدایش قلم نی، عمدتا صورت کتاب ندارند و لت نوشته هایی شخصی برای آموزش و از بر کردن آیات اند. اگر گمان می کنید بدون ابزار استاندارد قلم و با خط بدوی عرب جز قرآن هم نوشته می شده، پس همان طور که از لت های قرآنی به تعداد فراوان نمونه یافته ایم، لااقل باید تکه نوشته ای نیز از متنی در باب حدیث و روایت و تاریخ و تفسیر و سیره و جغرافیا و غیره به دست آمده باشد، که تاکنون جز اسناد شخصی، نامه و اعتراف به بدهی و صورت حساب و غیره، پیدا نشده است. درمورد گردی های کوچک حروف ص و ق و میم و ها هم به آن نامه ها رجوع کنید تا معلوم تان شود که تمامی آن ها توپرند! به راستی که محل تاسف است.

سئوال

جمعه 4 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:20 PM

استاد پذیرش نبود هیچ گونه نوشته ای این رادر ذهن ایجاد میکند که مردم دوران اسلام و حتی قبل تر از آن چگونه علوم و تجربیات خود را به نسل های بعدی انتقال میدادند؟!علومی مثل ریاضیات و مهندسی چگونه بدون ثبت و مکتوب شدن به سوی پیشرفت سیر میکرد!و از این قبیل مطالب؟!چگونه میتوان این امر را توجیه کرد؟

پاسخ:

آقای سئوال. از آن جا که مسلما آموزش عمومی و مکتب و مدرسه و دانشگاه، سوقات جهان نوین است و اگر کنیسه و کلیسا تا همین چند قرن پیش گردش زمین به دور خویش و به دور خورشید را منکر می شدند و معتقد به آن را به آتش می افکندند، پس آن لایه بس نازک اندیشمندی، از عهد فراعنه تا استیلای مطلق واتیکان، که علم را به صورت اسرار و میراث در خانواده نگه می داشتند، نیازهای خود را به صورت شفاهی و با همان صفحات گل نوشته و ادوات ابتدایی برطرف می کردند. هرچند چنین صفحاتی را نیز هنوز نیافته ایم.

فتح

شنبه 5 تیر ماه سال 1389 ساعت 02:24 AM

در سایت محفل بنیان اندیشان برای انتخاب زبان عربی از پرچم عربستان سعودی که در زیر کلمات مبارک لا اله الّا الله، محمّد رسول‌الله شمشیر را نشاده اند استفاده شده نظر به مقاله مفصل اسلام و شمشیر استفاده از این پرچم برای زبان عرب در این محفل معقول نیست آیا امکان تغییر این ایکن وجود دارد.

پاسخ:

ظاهرا اختیار آن پرچم در دست بلاگ اسکای است.

عباس

شنبه 5 تیر ماه سال 1389 ساعت 09:09 AM

استاد خسته نباشید.امیدوارم که حالتان خوب باشد.استاد به امید خدا مستند توفان نوح را هم درآیندۀ نزدیگ اگر دوستان کمک کنند در برنامه رنگارنگ نشان خواهیم داد.

پاسخ:

زحمات و اقدامات شما دود از کله بسیاری از احمقان متعصب بلند کرده است. دوستان پیوسته معتقد بوده اند که حاصل کار شما دوره تازه ای در این تحقیقات آغاز کرده است. به سهم خود از شما تشکر بی حد دارم. برای پخش طوفان نوح اگر کمکی از من برمی آید اطلاع دهید.

موفق باشید.

حاجی زاده

شنبه 5 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:48 AM

سلام

اگر سئوالم نابجا بوده معذرت میخواهم.

طبق راهنمائی شما به آن متون مراجعه کردم، حق با شماست، حروف ه، م، ف، ق، به شکل توپر هستند، باری اغلب حروف عرب حالت

گردی و نیم گردی دارند، مثل ن، ح، ع و... ولی احتمالا بعلت بزرگی این حروف، ترسیم گردی آنها با قلم فرانسوی سهل و ممکن تر از گردی کوچک سه نقطه بوده است.

حاجی زاده

شنبه 5 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:55 AM

ضمنا مقصود من از سایر متون، سیره و حدیث و روایت نیست، بلکه متن و ورقی حاوی یک اعتقاد و باور فلسفی، یا قطعه ای شعر و یا حاصل یک تحقیق و ...است، چرا که در جائی عنوان فرموده اید که قوم عرب در هنگام نزول قرآن مردمی مترقی و اهل فرهنگ و علم و ادب بوده اند.

پاسخ:

خانم حاجی زاده. لااقل این که به تصدیق قرآن سرودن شعر در میان اعراب در عهد پیامبر رواج داشته است و عجیب این که اعراب شاعران را چیزی شبیه مجنون و سرودن شعر را با تصنیف حرف مفت یکی می گرفته اند، چنان که پیامبر را از سر تحقیر شاعر می خواندند، عنوانی که قرآن نیز در باب بی هوده گویی شاعران تکرار می کند. توجه به همین مطلب مسلم داستان های مربوط به معلقات و غیره را بر باد می دهد به خصوص که تاکنون قطعه نوشته ای شامل آن مطالب مورد درخواست شما و از جمله شعر نیز یافت نشده است.

توحید

شنبه 5 تیر ماه سال 1389 ساعت 12:30 PM

سلام و خسته نباشید

استاد گویا در کامنتی برای نصب مجدد مقالات در وبلاگ جدید از مشکل بازیابی تصاویر گفتید . خواستم اطلاع دهم من تمام تصاویر مقالات ایران شناسی را بصورت منظم شماره گذاری و آرشیو کرده ام اگر گره از کار می گشاید خدمتتان ای میل کنم .

پاسخ:

آقای توحید. ممنونم. اگر احتیاج شد خبر می کنم.

...

شنبه 5 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:04 PM

پیشگویی سازمان سیا درباره فروپاشی رژیم صهیونیستی

http://islamworldnews.rr.nu/fa/display-news.php?nid=1273

خنثی‌سازی طرح صهیونیستی ترور اردوغان

http://islamworldnews.rr.nu/fa/display-news.php?nid=1266

مسعود سنجری

شنبه 5 تیر ماه سال 1389 ساعت 6:54 PM

برادر بزرگ استاد پورپیرار

سلام علیکم

به نظر می رسد تا زمانیکه مفاهیم کتاب و کتابت از طرفی و وسایل تهیه و تدوین آن را از یکدیگر مستقل ندانیم ابهامات بوجود آمده در باره آنها و بطور خاص موضوعات مطرح شده در یادداشتهای استثنایی قلم ادامه خواهد یافت. واضح است که اکنون بسیاری مفهوم کتاب و کتابت را با وسایل امروزین تهیه آن مثل چند برگ که با دو جلد و به کمک شیرازه به هم متصل شده اند منحصر می کنند. حتی آندسته از

جاعلین که هزاران مجلد کتاب به اصطلاح قدیمی را برای اثبات افکار و خواسته های خود تولید کرده اند نیز تصور امروزین از کتاب را -که تصوری تکامل یافته از کتاب و کتابت است- بعنوان کتاب در تمام دوران ها می شناخته اند که اینک به مدد روشنگری های شما بخصوص در یادداشتهای اخیر با جاعلانه بودن آنها آشنا گشته ایم.

به عنوان مثالی دیگر شما اکنون بدون استفاده از قلم و کاغذ مطالب فعلی را بوسیله صفحه کلید و ماوس بر روی اینترنت قرار می دهید که با وجود این قطعا کتاب است و فقط خدا می داند که آیندگان چه تصوری از مفهوم کتاب خواهند داشت. لذا قبل از هر چیز لازم است تا به تصوری از کتاب برسیم که از وسایل کتابت مستقل باشد.

والسلام علیکم

فی امان الله

پاسخ:

آقای سنجری. نزد خردمند اشاره شناس همه چیز مانند حرکت آب طبیعی و روشن است: به جز قرآن، هیچ میراث مکتوب غیر جاعلانه ای، با عمر دورتر از چهار پنج قرن اخیر وجود ندارد. تواریخ هرودوت و جمهور افلاطون ، به هر شمایلی که فرض کنیم، همان اندازه مجعول اند که شفای ابن سینا و دیوان شعر حافظ. این است حقیقت محض و جز این دکان داری فرهنگی و مذهبی است.

سعید

یکشنبه 6 تیر ماه سال 1389 ساعت 08:29 AM

باسلام خدمت استاد

نقاط ظریفی که استاد در مورد نوع نوشتار قلمهای فرانسوی و قلم نی بدان اشاره کرده اند بسیار ظریف و دقیق است و از غیر استاد هم کسی قدرت پرداختن به این موضوع را ندارد

باید دوستان دقت کنند که حتی برای نوشتن حرف هاء به دلیل ضعف نگارش قلمهای نی و فرانسوی مجبور به تغییر نگارش آن و اختراع نوع جدیدی از نگارش این حرف شده اند که پسینه ای نداشته است

اکنون با اطمینان تمام زمان به دور انداختن تمام مجعولات از جمله دیوانها و لغت نامه ها و شاهنامه ها و ادعیه و روایات و احادیث مجعول فرا رسیده و این جای تبریک به بنیان اندیشی دارد

پاسخ:

آقای سعید. اشاره شما به تغییر فرم ظاهر حرف ها که استخراج آن از عهده قلم های فرانسوی خارج و یا لااقل بسی دشوار بود، یک دریافت یگانه و بی سابقه در موضوعات جاری است. حقیقت مطلق و محض این که جز قرآن نوشته هایی بر قطعات پوست، فرهنگ جهانی قادر نیست دست نگاشته ای با طول عمر بیش از چند قرن اخیر ارائه دهد. این مطلب به آن معنا است که قرآن تنها آموزگار کهن سال آدمی است. چرا که تورات و انجیل قدیمی و اریژینال باقی نگذارده اند. موفق باشید.

سئوال

یکشنبه 6 تیر ماه سال 1389 ساعت 09:16 AM

سلام

پس با این اوصاف باید گفت علومی که در کتاب های دانشمندان ایرانی و عربی و مسلمان آمده است کاملا جعلی میباشند؟!!و یا اینکه یهودیانی بوده اند که آنها را به مسلمانان و به اسم مسلمانان بخشیده اند و علوم دردست آنها بوده است!

استاد توجیه این امر چیست؟

پاسخ:

آقای سئوال. با توجه به نبود خط کارآمد و ابزار استاندارد نگارش، تمام این به اصطلاح میراث مکتوب جعلیاتی تازه سازند.

آیدین قشقایی

یکشنبه 6 تیر ماه سال 1389 ساعت 09:17 AM

سلام به دوستان

داشتم به این داستان بوز قورد (گرگ خاکستری) که ادعا می شود ترکها به آن اعتقاد دارند فکر می کردم دیدم اگر چنین چیزی واقعیت داشته باشد قاعدتاً ما قشقاییها هم می بایست در فرهنگمان اینچنین چیزی داشته باشیم. بررسیهای من نشان داده که این داستان یک داستان ساختگی و جدید است و صرفاً در کتبی که ابن ندیمیان نوشته اند آمده و الا اگر چنین داستانی وجود خارجی داشت لااقل باید در بین ایلات و عشایر قشقایی نقل می شد.

طرف مقابل بوز قورد ترکها، شیر پارسیان قرار دارد. اگر پارسیانی در فلات ایران بوده باشند و بخواهند چیزی را به عنوان نماد قوم خود معرفی کنند قاعدتاً باید نام گل و گیاهی را نماد خود قرار داده باشند چون در زبان فارسی معمولاً متداول است که نام گل و گیاه را بر روی شهرها و روستاها یا نام افراد قرار می دهند و اصولاً در زبان فارسی مُد نیست که نام حیوان را برای اسامی انتخاب کنند.

در ثانی حتی اگر هم بخواهند نام حیوانی را به عنوان سمبل خود معرفی کنند قاعدتاً باید نام حیوانی که در سرزمین پارس وجود داشته را انتخاب می کردند نه شیری که اصولاً در سرزمین پارس وجود خارجی ندارد.

"شیر ایرانی (نام علمی: leo persica Panthera) یا شیر پارسی یا شیر آسیایی، زیر گونه‌ای از شیرها می‌باشد که هم اکنون تنها در هند یافت می‌شود جاییکه شیر هندی؟؟؟؟؟؟؟؟؟ نامیده می‌شود. این گونه شیر زمانی از دریای مدیترانه تا جنوب غربی آسیا یافت می‌شد. تنها جمعیت باقیمانده اینگونه شیر حدود ۲۵۰ تا ۳۵۰ قلاده شیری است که در جنگل گیر واقع در گجرات هند یافت می‌شود." منبع ویکیپدیا

به نظر من این خود دلیلی بر غیر بومی بودن سازه مشهور به تخت جمشید در فلات ایران است.

ره

یکشنبه 6 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:41 PM

با سلام

استاد عزیز نقد جناب 206 منتظر پاسخ میباشد!و فقط حواله دادن به مستند و یادداشت ها حداقل از بنده دردی را دوا نمیکند!مگر اینکه جای افرادی مثل بنده دراینجا اضافه باشد!آیا این نقد استحقاق هیچ جوابیه ای را ندارد و رجوع دوباره به یادداشت های شما چاره کار است؟!

در ضمن جناب 206 جواب ندادن بسیاری از دوستان و شرکت نکردن در هیاهوی مورد نظر شما دلیل بر پذیرش نقد نامه شما نیست!

ممنون

پاسخ:

آقای ره. راجع به چه چیز و چه کس صحبت می کنید؟ همان دلقکی که ظاهرا از فرط ترس و به واقع برای لو نرفتن هویت اصلی اش، کشف نام خود را به چتکه بقالان سپرده است؟!

نکته

دوشنبه 7 تیر ماه سال 1389 ساعت 05:26 AM

هشدار ۴۰ سال قبل هاشمی رفسنجانی: همیشه باید مراقب نفوذ یهودیان مسلمان نما بود!

* باافراط بسیار به برخی اماکن مذهبی ابرازعلاقه کرده و پای پیاده به زیارت آنها می روند ولی در خفا با فلان شخصیت غیر دینی می نشینندو برنامه ریزی ضد اسلامی می کنند!!

* از صدر اسلام تاکنون همیشه بوده اند به ظاهر مسلمانان دو آتشه ای که در واقع در خدمت اهداف ضد اسلامی یهود بوده اند!

* دستان « یهود » در تمامی انحرافات اسلامی پیدا بوده و خواهد بود!

* برخی از این به ظاهر مسلمانان حتی در طول تاریخ سعی کرده اند به هر شکل ممکن آیات ضد یهود را از متن قرآن حذف کنند !

* این خط انحرافی بیشتر در پی تهییج مردم و استفاده ابزاری از احساسات مردم مسلمان به اهل بیت (ع) و حتی امام زمان (عج) است

* اینها بیشتر دوست دارند مردم در هجوم کور کورانه به اماکن متبرکه و زیر دست و پای هم کشته شوند تا در راه مبارزه با اسرائیل به شهادت برسند !

http://www.hashemirafsanjani.ir/?type=dynamic&lang=1&id=2264

پاسخ:

آقا یا خانم نکته. آیا عجیب نیست چنین آدمی پس از چهل سال حالا به تحقیقات تاملی در بنیان تاریخ ایران و مستندهای تصویری سه گانه بی اعتناست!؟ آیا این از معجزات پول و یا ملاحظات استمرار قدرت است؟!

عباس

دوشنبه 7 تیر ماه سال 1389 ساعت 06:57 AM

استاد خسته نباشید مجعولات مجلل از برنامهٔ رنگارنگ در حال پخش می باشد

مسعود سنجری

دوشنبه 7 تیر ماه سال 1389 ساعت 07:55 AM

برادر بزرگ استاد پورپیرار

سلام علیکم

در خصوص پوست نوشته ها خصوصا قرآنهای بر روی پوست نوشته شده از چه ابزار و چه مرکبی برای نوشتن استفاده می کرده اند؟ با تشکر

والسلام علیکم

فی امان الله

پاسخ:

آقای سنجری. برخی از آن نمونه ها و از جمله شماره ۳ را دیدم. به نظرم آمد که ارتباط آسان تری با خواننده برقرار می کند. در مورد پوست نوشته ها، گرچه تعداد زیادی از آن ها یافت شده اما دو نمونه یکسان از نظر خط و وسیله نگارش ندارد. تنها به احترام قرآن کاتبین کوشیده اند که مستقیم تر و با اعوجاج کم تر حروف بنویسند. در مورد مرکب نیز گمان بر این است که از مخلوط دوده چوب و روغن و آب تهیه می شده است.

reza

دوشنبه 7 تیر ماه سال 1389 ساعت 08:01 AM

پخش مجدد مستند مجعولات مجلل از شبکه رنگارنگ برای مرتبه چهارم . امروز دوشنبه ۷ تیرماه ساعت هفت صبح به وقت تهران.

مشاهده آنلاین

http://www.jahantv.com/rangarang.htm

Rang-A-Rang

6 Hot Bird

Transponder 134

Frequency: 11199

Polarization: Vertical

Rate: 27500 Symbol

FEC: 5/6

Rang-A-Rang

Telstar 12

5 Transponder

Frequency: 11494

Polarization: Vertical

Symbol Rate: 17469

FEC: 4/3

SID: 10

VPID: 272

khalil
دوشنبه 7 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:10 PM

با سلام و خسته نباشید خدمت استاد

اصل نوشته ای که شیادان به عنوان منابع تاریخی و فرهنگی در تاریخ طبری و الفهرست و تاریخ هرودوت و ... ثبت کرده اند به چه زبان و خطی نوشته شده است؟؟؟؟؟؟

پاسخ:

آقای khalil. هیچ یک از این عناوین، نسخه اصل ندارند. دست نویس های جدیدند که منبع استنساخ آن ها نامعلوم است.

مسعود
دوشنبه 7 تیر ماه سال 1389 ساعت 8:40 PM

سلام علیکم استاد گرانبها و خستگی ناپذیر

یهودیان به هر دری میزنند فقط خفت و خواری خود را در برابر تابش حقیقت هدیه میگیرند.

مبارک باشد این فیلترینگ چند سویه که ناب بودن حقایق این مطالب فوق العاده شما را بر عالمیان اثبات میکند.

این مطالب حاصل عمر گرانبهای شماست که چون خار دردناکی در گلوی این کفتارهای وحشی گیر کرده است.

همیشه سربلند و پایدار باشید.

ضمنا نمیدانم چرا بعضی از دوستان قدیمی مانند حاجی زاده بنظر میرسد کل مطالب را نگرفته اند و اصولا مطرح کردن آن مطلب از جانب کسانی همانند ایشان آدم را در حیرت فرو میبرد!

شبر
دوشنبه 7 تیر ماه سال 1389 ساعت 9:38 PM

با عرض سلام،

به تازگی با مقالات شما آشنا شده ام و بسیار به خود می بالم که یک هموطن اینچنین به گره گشائی از کلاف تاریخ این کشور پرداخته است.

سئوالی به هنگام قرائت قرآن مجید در ذهنم خطور کرد که احساس میکنم بی ارتباط نباشد و اجازه مطرح کردن آنرا میگیرم: خداوند در قرآن کریم از مجازات اقوام متعدد روی زمین روایت ها بیان فرموده اند. آیا تا به حال وسعت خرابیها در حیطه ایران زمین شما را برای لحظه ای هم به فکر فرو نبرده است که شاید خالی از سکنه بودن این خطه دلیلی بغیر از حادثه پوریم و مثلا عذابی فراگیر داشته باشد؟

امیدوارم که سئوال من بسیار مقدماتی برای شما جلوه نکند.

با آرزوی طول عمر و سلامتی برای شما.

پاسخ:

آقاس شبر. عذاب های الهی از نظر اجرا، مثلا وزش بادهای تند و یا بارش سنگ، دارای شناسه اند که با خرابی های رخ داده در منطقه شرق میانه تطبیق نمی کند. وانگهی زمان و هویت تاریخی نابود شدگان در پوریم ناشناخته نیست و اسامی معینی، جدای از نام های قرآنی دارند.

ره

دوشنبه 7 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:51 PM

با سلام

استاد چرا کامنت های بنده را درج نمی فرمایید؟!آیا اینقدر سئوالات بنده حقیر و بی معنی میباشند؟!آیا انتقاد بنده درست میباشد یا شما فکر کرده اید بنده اجیر شده کسی هستم یا شیوه ای را در پیش گرفته ام؟!

موومان

دوشنبه 7 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:58 PM

سلام. از همه نظر تبریک می گم.

چهارشنبه 9 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:49 PM

استاد چرامطالبتان تکراریست قبل گویا افند 84 یا اسفند 85 قسمتی ازین مطالب را دروبلگ naria.ir

دیدم.استاد

درضمن به اقای توحید بگویید تصاویر اسلام وشمیر شان را برزوز کنند

ونیزاقای امون تصاویر وبلگشن را برزوز کند

****

سوال دیگه داشتم چراشمااینقدر با شیعیان چالش دارید بخصوص اقای شهبازی وطرفدارش حامد

مگرانهاوشما دریک خط نیستیداخه استاد چراکدورتهای قدمی رافراموش نمی کنید

تابهتر بتوانیم جلوی الیگارشی یهودی مقاوت کنیم

ایازمان اتحاد روشنفکران ودلسوپزان اسلام نرسیده

استاد بنده همیشع ژرف نگری شمارا ستودم

حتی باینکه شیعم ویک بسیجی وبعضی افکار شما مغایر تفکراتم هست ولی من به کلیات تفکرات شما پایبندم و

خواستار اتحاد شما اشیعیان جهان اسلام هستم

استاد شمانبایدبخاطر بعضی اختلافات نباید با امثال حامدها وشهبازی ها وباعامه شیعیان وبسیجیان ایران کدورتی داشته باشد

استاد بیاید باعامه مردم که شیعیان هستند اشتی کنی بیایید کدورتهارا ازبین ببرید

به امید تحاد شما با همه مخالفان یهود بخصوص (شهبازیها ...احمدینژادها..)

****

با همه این حرفها استاد بنده دوستدار شمابودم امیدوارم مطالب بنده رابه فال نیک بگیرید واین بنده حقیر رابخاطر سخنانم شماتت نکنید وست دارم استاد

من حالا درکلوبم مطالبم قدیمی شمارا درم وسیل مشقان به مطالب شماهروز بیشتر میشود

استاد تو بهترینی

امیر
یکشنبه 13 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:06 AM

جناب آقای پورپیرار

شما در نوشته هایتان مدعی هستید که تا پیش از کتابت قران، کتاب و نوشتن به معنی نزدیک به مفهوم امروزین آن وجود نداشته است. در ادامه آیاتی از قران را می آورم که دلالت بر مفهوم نوشتن و کتابت و مهمتر از آن وجود قلم و در یک مورد حتی مرکب می کنند. تنها متن عربی را می آورم تا شبهه نادرست بودن ترجمه بوجود نیاید:

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ سوره: 68 , آیه: 1

الَّذِى عَلَّمَ بالْقَلَمِ سوره: 96 , آیه: 4

قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی و لو جینا بمثله مددا سوره: 18 , آیه: 109

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْکَ کِتَابًا فِى قِرْطَاس فَلَمَسُوهُ بأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ کَفَرُواْ إنْ هَذَا إلاَّ سِحْرٌ مُّبِينٌ سوره: 6 , آیه: 181

بالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُر وَأَنزَلْنَا إلَيْکَ الذِّکْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاس مَا نُزِّلَ إلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَکَّرُونَ سوره: 16 , آیه: 44

وَإن يُکَذِّبُوکَ فَقَدْ کَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءتْهُمْ رُسُلُهُم بالْبَيِّنَاتِ وَبالزُّبُر وَبالْکِتَابِ الْمُنِير   سوره: 35 , آیه: 25

لَّوْلاَ کِتَابٌ مِّنَ اللهِ سَبَقَ لَمَسَّکُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ سوره: 8 , آیه: 68

فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَکْتُبُونَ الْکِتَابَ بأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِندِ اللهِ لِيَشْتَرُواْ بهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا کَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُمْ مِّمَّا يَکْسِبُونَ

سوره: 2 , آیه: 79

کِتَابٌ مَّرْقُومٌ سوره: 83 , آیه: 9 و سوره: 83 , آیه: 20

فَإن کَذَّبُوکَ فَقَدْ کُذِّبَ رُسُلٌ مِّن قَبْلِکَ جَآؤُوا بالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُر وَالْکِتَابِ الْمُنِير سوره: 3 , آیه: 184

وَمَا کُنتَ تَتْلُو مِن قَبْلِهِ مِن کِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بيَمِينِکَ إذًا لَّارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ سوره: 29 , آیه: 48

در مورد واقعه پوریم، با توجه به اینکه قران بعد از این حادثه و یا در خلال انجام آن باید نازل شده باشد، با آنکه در موارد متعدد و به روشنی یهودیان مرد عتاب و سرزنش قرار گرفته اند، چرا هیچ اشاره ای به قتل عام بزرگ پوریم توسط یهودیان نشده است که در مقیاس کشته شدگان باید از طوفان نوح نیز عظیم تر بوده باشد در حالیکه به رخدادهای دیگری مانند نابودی قوم هود پرداخته شده است؟ آیا تذکر دادن این واقعه در قران بهترین دلیل بر گمراگی یهود و شناساندن نیات درونی آنان برای مسلمانان نمی بود؟

با سپاس

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

83260

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya | 3 |

ایران شناسی 271

ایران شناسی بدون دروغ 271، نتیجه 79، قلم 8

محمدرضا نیسی

یکشنبه 13 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:54 AM

سلام‌علیکم استاد عزیز

واقعا کلمات در وصف میزان راهگشائی و تاباندن نور حقیقت بر عقل‌های سلیم قاصرند و مبحث گران سنگ قلم در همین مدت کوتاهی که از مطرح شدنش می‌گذرد تأثیر زیادی در توسعه بنیان‌اندیشی داشته است. امید است صاحبان تریبون‌های عمومی نیز از زلال حقیقت این مباحث بهره‌مند گردند و بستر نشر گسترده‌تر این مباحث را مهیا سازند. ان‌شاءالله

جناب آقای پورپیرار، از چه زمانی بشر اقدام به تولید کتاب به مفهوم امروزی کرده است؟ با عنایت به سیر زمانی توانائی قلم‌های تولید شده، تولید متریال توانمند برای نوشتن، کاغذ، زودتر بوده است؛ آیا این برداشتم صحیح است؟ اگر چنین بوده، دلیل تأخر زمانی تکامل توانمندی ابزار کتابت نسبت به متریال آن چه می‌تواند باشد؟

با تشکر از زحمات بی‌وقفه حضرتعالی و مطالب راهگشایتان

پاسخ:

آقای نیسی. در جهان اسلام پس از پیدایش قلم نی و بیش تر در حوزه ی قرآن نویسی های وسیع و نفیس و در جهان غرب در قرون اخیر و ابتدا با نوشتن متون کلیسایی و سپس آموزشی و به اصطلاح دانشگاهی، آن هم با استفاده از پر.

شبر

یکشنبه 13 تیر ماه سال 1389 ساعت 12:42 PM

با سلام و صبح بخیر

با تنی چند از مخالفان شما بحث میکردم، همانهائیکه چشمانشان بهنگام طرفداری از جلال و شکوه سلسله های ایرانی باد میکند!! گفتم اگر شما بر این باورید که این بزک بوزک 2500 ساله تان پیوسته از هر انگشتش تمدن و هنر و سلسله میچکیده، پس چرا آوار برداری از پرشکوه ترین دکورتون همین 80 سال پیش به دست شیکاگوئیها انجام شده؟ یعنی این همه سلسله و دبدبه و کبکبه هیچکدام متوجه این دکور که سر راه شیراز است نشدند؟؟ که با چهار پنج تا بیل و کلنگ جزو اولین کسانی باشند که آنجا را (حداقل) غارت کنند؟؟ درست مثل این است که بعد از چهل سال زندگی در خیابان آزادی؛ متوجه برج آزادی نشده باشی !

پاسخ:

آقای شبر. این که پس از هخامنشیان هیچ مرکز قدرتی اقدام به مصادره مجموعه تخت جمشید نکرده، خود از اصلی ترین دلایل رخ داد پوریم است.

عباس سلامات

یکشنبه 13 تیر ماه سال 1389 ساعت 12:56 PM

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته
تم ادراج الفصل العاشر من مجموعة مقالات " الاسلام والسیف " علی موقع مکتوب العربی

ترجمه عربی یادداشت دهم مجموعه مقالات " اسلام و شمشیر" بر روی سایت مکتوب نصب شد.

http://naria.maktoobblog.com/

http://naria.maktoobblog.com/

پاسخ:

آقای سلامات. ممنون

سعید
یکشنبه 13 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:41 PM

استاد سلام

مثل همیشه عالی بود

http://www.shifaa.blogfa.com
khalil
یکشنبه 13 تیر ماه سال 1389 ساعت 2:13 PM



با سلام و خسته نباشید خدمت استاد
استاد واقعاً تمام تیرها را به هدف می زنید.
آن امضایی هم که کمال الملک نقاش زده نشان از قدرت قلم ایشان در طراحی است شاید هم تست ضربان قلبش بر کاغذ بوده که به دلشان نشسته .

کاکا
یکشنبه 13 تیر ماه سال 1389 ساعت 2:23 PM

با عرض سلام خدمت استاد عزیز و دوستان

از دوستان عزیزم و به خصوص برادر گرامی آقای شبر ، اگر با سخنی ناخوشایند باعث رنجش خاطر آنها گردیده ام پوزش خواسته و با بزرگواری خود مرا ببخشند .

شاید من مسئله اهل بیت را درست بیان نکرده ام که دوستان آن را یک نوع فرقه گرایی از جانب من دانسته اند و به هیچ عنوان قصدم مورد قداست قرار دادن هیچ فرقه یا شخصی نبوده است .
و اصلا مشکل اساسی و اصلی ما مسلمانان علاوه بر قوم یهود همین فرقه های مذهبی هستند که هر کدام خود را مسلمان تر و درستکار تر از دیگری می دانند که نمونه های آن را هم از کشور الجزایر گرفته تا همین عراق و پاکستان هر روزه شاهد هستیم . که دیگر از حد یک اختلاف کوچک مذهبی مثلا " وضو گرفتن " به درگیریهای خونین و جنایت و گناه مبدل شده است و فقط توسل به قرآن کریم و درک و فهم صحیح آن تنها را نجات از این جهالت و نادانی است .

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (الحجرات ١٠)

خبرها
یکشنبه 13 تیر ماه سال 1389 ساعت 3:23 PM

ضد ایرانی ترین نماینده پارلمان کویتی ، اصفهانی الاصل است.
http://www.asriran.com/fa/news/122860
بازتاب عیاشی برخی ایرانی های مسافر در کشورهای همسایه
http://www.jahannews.com/vdcfj0dy0w6d0ea.igiw.html

کاکا
یکشنبه 13 تیر ماه سال 1389 ساعت 3:53 PM

باسلام

سرکار خانم حاجی زاده شما کاملا درست می فرمایید . به هر حال برای اینکه از در میان کشیدن این بحثها رنجش و ناراحتی برای دوستان پیش نیایید و از موضوع اصلی یعنی مباحث یادداشتهای ایرانشناسی ..... استاد عزیز خارج نگردیم ، این موضوع از جانب من تمام شده است .

موفق باشید

عباس سلامات
یکشنبه 13 تیر ماه سال 1389 ساعت 5:09 PM

خبری در راه است........

http://naria.maktoobblog.com/
GLX 405 با موتور انژکتوری
یکشنبه 13 تیر ماه سال 1389 ساعت 5:26 PM

آفرین 206 ! قربون مرامت. می دونستم تو آخرش یه چیزی می شی. همین طور بتاز ای سمندر! فقط حیف مدل ar هستی . بهتره خودتو turbo کنی و بشی arar . دیگه حرف نداری! حرزت آباسی خیلی حال کردیم.

عابدی
یکشنبه 13 تیر ماه سال 1389 ساعت 7:04 PM

با سلام

با توجه به حذف شدن متوالی وبلاگ های «حق و صبر» ، سایت ناریا در نظر دارد، تمامی نظرات وبلاگ های «حق و صبر» را در سایت برای استفاده عموم، آپلود نماید. از آن دسته از دوستانی که نظرات وبلاگ ها را از 1382 تا اکنون، به صورت ذخیره شده در اختیار دارند، خواهشمند است به ای میل mohseyn_abedy@yahoo.com ارسال نمایند.

با تشکر و سپاس

پاسخ:

آقای عابدی. آقای منصور در کامنت های یادداشت قبل نوشته اند:

تمام مطالب وبلاگ حق و صبر حتی نظرات غیر خصوصی و پاسخهای آنها را دارم هر کدام نیاز بود برایتان ایمیل کنم.

ادرس ایشان را پیدا کنید مشکل برطرف خواهد شد ان شاء الله
موفق باشید

عابدی
یکشنبه 13 تیر ماه سال 1389 ساعت 8:18 PM

سلام. گویی در نوشته جدید این جناب ۲۰۶، من را نیز مورد لطف و مرحمت قرار داده اند که فقط من باب تفریح هم که شده آن را نصب می کنم!

« صحبت از نان و نمک و لزوم حفظ حرمت آن شد و پیش از آن « بی مرامی » و « بی معرفتی » آقای پورپیرار و یادم به جوانی کارشناس و خبره افتاد به نام آقای عابدی ، که سال ها بی منت و بی پول و حتی بی چشمداشت یک تشکر ساده ، جور سایت و وبلاگ و پشتیبانی های اینترنتی تالیفات و محصولات آقای پورپیرار را می کِشد و این اواخر تنها به خاطر یک ابراز وجود عقیدتی ساده و یک تشکیک در تز طوفان نوح آقای پورپیرار _ که به زودی مستقلاً آنرا به بحث خواهم نشست _ به استناد لن ترانی های موجود در بخش کامنت های شمارهٔ 263 مجموعه یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ ، زیر رگبار گزنده گوئی های آقای پورپیرار قرار گرفت و مجبور شد چونان گالیله ، در دادگاه تفتیش عقائد آقای پورپیرار بنویسد : « استاد نمی دانم اگر به حضرت زرتشت (ع) یا قمر بنی هاشم سوگند یاد کنم که من واقعهٔ طوفان نوح را در ترکیهٔ کنونی می پذیرم ، آیا قبول خواهید کرد !؟ » و چنین ماجرائی بر عزیزی دیگر (آقای اترش) هم فقط به دلیل نوع اندیشیدنش رفته است!!! »

عده ای که از شهر خود کیلومترها تا همین دفتر کارنگ برای دیدار پورپیرار سینه خیز راه می رفتند حال نمی دانم چه کتابی؟؟؟! خوانده اند که این گونه با سواد مشرف شده اند و دیگران را (شاگردان پورپیرار) بی سواد می انگارند؟؟

برای من که آشکار است نویسنده گان این متون، راه شان را از همان اظهار نظر استاد در مورد انتخابات جدا کرده اند. حال آن که وبلاگ های زیادی در نشان دادن نیمه کاره گی تخت جمشید ترتیب دیده بودند!!! هنوز نمی دانند چه می کنند و چه بکنند ؟ و طرفدار چه هستند و چه نیستند ؟ اگر درد خماریشان بگذارد، شاید به قول خودشان بی طرفِ بی طرف تشریف دارند!!!

تشخیص نویسنده این متن که دوستانی فرموده اند روح آقای اتفاق از این متون بی خبر است، زیاد هم سخت نیست به چرتکه هم نیازی ندارد. حال علی تهرانی معروف باشد یا کس دیگر...

جز صدای جغد ها چیزی نمی آید به گوش

پاسخ:

آقای عابدی. کاش قصه های او شرح زندگانی من بود که به احوال یک قهرمان همه جانبه و کامل شبیه است.

بی نام
یکشنبه 13 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:46 PM

در خبرهای امروز امد که شیخ حسن فضل الله به رحمت ایزدی پیوست .
هرچند ایشان از مراجع شیعی ودارای دو بعد لاینفک سیاسی و دینی کما عمده مراجع شیعی بودند ولی آنچه ایشان را از سایر مراجع متمایز وشاخص می ساخت نحوه تفکر ایشان ونزدیکی این تفکر با بنیان اندیشان است.ایشان شاید از معدود فقه های شیعی بودند که چون علامه مرتضی عسکری فقید به تاریخ اسلام ومخصوصاشیعه به دیده شک می نگریست و جلوه های تاریخی که در بین مراجع بنیاد

گرا وروایت گرا وجه تقدس یافته بود را مردود می شمرد.ایشان وجه تشابه دیگری با ینیان اندیشان داشتند وان اعتقاد به فقاهت قرانی بود.

خدایش بیامرزد.روحش شاد.

پاسخ:

خدا رحمت اش کند.

منصور
دوشنبه 14 تیر ماه سال 1389 ساعت 07:44 AM

سلام استاد

۵ روز پیش یعنی ۲۰۱۰/۷/۱ کلیه نظرات از سال 82 تا کنون را برای ایشان ارسال کردم. نمی دانم چرا پاسخی نیامد. اگر نگرفته اند دوباره بفرستم.

پاسخ:

ضمن تشکر از آقای منصور، قابل توجه استاد عابدی

reza
دوشنبه 14 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:01 PM

یکی از مواردی که به مطالعه و بررسی های دقیق و عمیقتر نیازمند می باشد، نحوه تعامل آیت الله کاشانی و دکتر مصدق با یکدیگر است، زیرا بخشی از متعصبین به منظور بزرگداشت شخصیت آیت الله کاشانی، ضمن تحریف تاریخ و عدم انعکاس همه دیدگاه های این روحانی برجسته اهتمام خود را صرف تخریب دکتر مصدق کرده اند. در این یادداشت فرازهائی از موضعگیری های مرحوم کاشانی که کمتر در معرض افکار عمومی قرار گرفته است را انتخاب کرده ایم تا کاربران عزیز با شناخت بیشتر نسبت به شخصیت و دیدگاه های آیت الله کاشانی بتوانند، بخشی از تاریخ را آنگونه که بوده است بازخوانی نمایند. ... جربه نشان داده است که وقتی تاریخ نگاران حکومتی، به نگارش تاریخ روی می آورند، غالبا تاریخ را بگونه ای می نویسند و بازگو می کنند که خود و حاکمان می خواهند و خوشایند آنهاست. از اینرو برای پی بردن به همه حقایق تاریخی، باید به واکاوی دقیق و جامعتر تاریخ آنگونه که رخ داده است روی آورد.

یکی از مواردی که به مطالعه و بررسی های دقیق و عمیقتر نیازمند می باشد، نحوه تعامل آیت الله کاشانی و دکتر مصدق با یکدیگر است، زیرا بخشی از متعصبین به منظور بزرگداشت شخصیت آیت الله کاشانی، ضمن تحریف تاریخ و عدم انعکاس همه دیدگاه های این روحانی برجسته اهتمام خود را صرف تخریب دکتر مصدق کرده اند. در این یادداشت فرازهائی از موضعگیری های مرحوم کاشانی که کمتر در معرض افکار عمومی قرار گرفته است را انتخاب کرده ایم تا کاربران عزیز با شناخت بیشتر نسبت به شخصیت و دیدگاه های آیت الله کاشانی بتوانند، بخشی از تاریخ را آنگونه که بوده است بازخوانی نمایند.

قهرا این بخش از موضعگیری های این روحانی بلندمرتبه به تنهائی هرگز نمی تواند ما را به کالبد شکافی دقیق شخصیت ایشان رهنمون سازد. از اینرو لازم است که همه گفتار و کردار و اندیشه های ایشان در کنار یکدیگر مورد بازخوانی و ارزیابی قرار گیرد.

19 مورد زیر گزیده هائی از رفتارها و موضعگیری های آیت الله کاشانی در یک مقطع تاریخی خاص است که بصورت مستند ذکر شده است:
1-من یقین حاصل کردم دعاها و التماس‌های این خادم اسلام در پیشگاه پروردگار در رئیس الوزرا شدن حضرتعالی اجابت شده‌است

"یا هو، جناب آقای دکتر مصدق، پس از استعلام از مزاج شریف نمی‌دانم چگونه زحمات و فداکاری‌های برادر کامکار و عزیزم را تقدیس کند. صبح وقتی نور چشمی آقا مصطفی خبرمسرت بخش رئیس الوزرایی حضرتعالی را آورد، من یقین حاصل کردم دعاها و التماس‌های این خادم اسلام در پیشگاه پروردگار قادر متعال اجابت شده‌است و پیروزی و سعادت از آن ملت گردیده‌است. در ختم کلام جز اینکه سعادت و سلامت و موفقیت برادر لایق و دانای خود را از پیشگاه احدیت مسئلت نمایم، توقع دیگری ندارم ایام به کام باد. سید ابوالقاسم کاشانی."(1)

2-به اعلی حضرت بگویید اگر بی درنگ دکتر مصدق بر سر کار بر نگردد شخصا به خیابان خواهم رفت

"به اعلی حضرت بگویید اگر بی درنگ دکتر مصدق بر سر کار بر نگردد شخصا به خیابان خواهم رفت و دهانه تیز انقلاب را با جلوداری شخص خودم مستقیما متوجه دربار خواهم کرد".(2)

3-وجود شاه یک جهت جامعی برای جمع آوری کلیه طبقات مردم به دور این مرکز ثابت است

"عقیده من این است که ایران سالیان دراز حساسیت سلطنت دارد و فی الحقیقه وجود شاه یک جهت جامعی برای جمع آوری کلیه طبقات مردم به دور این مرکز ثابت است."(3)

4-من خدمات شما(سرلشگر زاهدی) را به نهضت ملی ایران فراموش نکرده‌ام

پس از آنکه دولت مصدق حکم جلب سرلشگر زاهدی، متهم اصلی پرونده قتل افشارطوس، را صادر کرد ، آیت الله کاشانی توسط میراشرافی وی را به مجلس آورد و در معیت خویش نشاند. کیهان نوشت: "آیت الله کاشانی از او بگرمی استقبال نمود و از مزاحمت‌هایی که تا کنون برای وی فراهم شده اظهار تاسف کرده و خدمات او به نهضت ملی را ستود."(4)

کاشانی به اتفاق ۱۵ نفر از نمایندگان به دیدن سرلشکر زاهدی رفت و اظهار داشت: "شما مهمان مجلس میباشید و به علاوه مورد احترام همه آقایان بوده و هستید و از مزاحمت‌هایی که تا کنون برای شما ایجاد شده متاسفم چون من خدمات شما را به نهضت ملی ایران فراموش نکرده‌ام و امیدوارم بتوانید به خمات بیشتری نائل شوید. اینجا هم خانه ملت است و شما می‌توانید تا هر وقت که بخواهید باشید."(5)

کاشانی خطاب به رئیس بازرسی مجلس گفت: "مادام که تیمسار در اینجا تشریف دارند شما از میهمان عزیز ما مواظبت کنید. زیرا ایشان در اینجا حق آب و گل دارند." (6)

5-من سرمایه مملکت هستم . مرا همه مسلمانان جهان به رهبری قبول دارند

آیت الله کاشانی: "من سرمایه مملکت هستم . فقط رهبر مسلمین ایران نیستم ، مرا همه مسلمانان جهان به رهبری قبول دارند." (7)

http://www.akbaralami.com/Public/ContentBody.aspx?ContentID=3437

پاسخ:

آقای reza. این ها مباحث کتاب چهارم یعنی برآمدن مردم است. باید صبور بود.

حسین محمدی

دوشنبه 14 تیر ماه سال 1389 ساعت 6:15 PM



http://www.rajanews.com/detail.asp?id=54436

پاسخ:

آقای محمدی. پا برهنه های بی کفش مانده هم از شما ممنون اند!؟

دوشنبه 14 تیر ماه سال 1389 ساعت 6:36 PM

سلام آقای مجید اصفهانی

فکر کنم این طوری بهتر از علامت فاصله باشد چون من فقط اسمتان را آشکار کردم که شما به دنبال آن فامیلیتان را برایم مشخص کردید.
آقای مجید شاید اشتباه گرفته اید.چون من چند سال هست که با اسم خودم خلیل کامنت می گذارم و شاید هم سیستم کاربردی شما مانند کامنتهایتان مرا به صورت خلل ناقص نشان می دهد که در این صورت باز هم من نیستم.
من نمی دانم در کجا کامنتی(به جزء یک مورد ازمردمان قفقاز) برای اثبات زبان ترکی گذاشته باشم . ولی شما محض اطلاع یک لینکی یا آدرسی بدهید تا شاید یادم بیافتد. ولی تا ماههای قبل به خاطر همین موضوع در وبلاگ آقای رفرف بحث و جدل می کردم که دیگر ایشان کامنتهای مرا از بخش نظرات حذف کردند.
کسی که بتواند جاده های موجود در چین را دیوار و یا زمین بکری را به جاده ای برای انتقال ابریشم و از آن طرف کاخ حضرت کوروش را بسازد مطمئن باشید همین مذاهب و قوم تراشی را هم به این صورتی که رو به رشد هم هست می توانند بسازند حتی با دستهای مسئولان داخلی کشورهای مربوطه.
من بیماری از نوع تعصب قومی و مذهبی ندارم و هر چیزی را که از استاد با آن استنادات محکمشان یاد گرفته ام همان را به دیگران می رسانم.
من از استاد یاد گرفته ام که تعصب را کنار بگذارم و به الله محمد وکتاب الهی قرآن ایمان بیاورم .والسلام.
در ضمن اگر ناراحت نشوید به عنوان برادر کوچکتر باز هم تاکید می کنم مروری به یادداشتهای قبل بیاندازید از جمله اسلام و شمشیر و موضوع اندونزی؛ شاید ابهامات مذهبی شما در مورد فرقه ها برطرف شود و دیگر روایات الفهرستی و ندیمی و یعقوبی و...را برای دعوای علی و عمر و فاطمه و... پیش نکشید که اینان جز ضربه ی محکمی بر پیکر مبارک اسلام نیستند.آیا برایمان این سه گزینه بس نیست؟؟؟؟
به نظر من اگر فضولی نباشد تغییراتی هم در کیبورد(صفحه کلید) خود بدهیدکه کلمات را ناقص نشان می دهد.
برای من هم جبهه گرایی نکنید من چاکر هرکسی که حرفش را با سندیت و جویای حقیقت باشد هستم.
موفق و سر بلند باشید برادر اصفهانی.

بیژن
دوشنبه 14 تیر ماه سال 1389 ساعت 6:41 PM

سلام آقای پور پیرار سوالی داشتم و ممنون میشوم اگر پاسخ آن را بدهید
آیا چیزی بنام صیغه کردن به مفهومی که از دیر باز در جامعه ایران شاهد هستیم از نظر قرآن و اسلام صحیح دانسته شده و مورد تایید است یا نه ؟ و یا صیغه کردن یک نوع سوء استفاده دینی از جانب بعضیها برای تبرعه کردن خود از اعمال شهوانی وگناهان میباشد . و اگر این عمل از نظر اسلام حلال وصحیح دانسته شده است پس ازدواج کردن دیگر چه معنی دارد ؟
دانستن این مسئله برای من بسیار مهم است سپاسگذار میشوم که پاسخ من را بدهید با تشکر فراوان

پاسخ:

آقای بیژن. قطعا چنین مجوزی، که مردی بتواند به تعداد دل خواه همسر موقت برگریند، در قرآن نیست. بد نیست یادداشت های ۴۶ تا ۴۹ اسلام و شمشیر را هم مطالعه کنید.

لینک
دوشنبه 14 تیر ماه سال 1389 ساعت 9:15 PM

روز قلم بر بزرگمرد عرصه نوشتار که مکتوبات کنونی اش به حق شرافت و رسالت " قلم " او را به روشنایی خورشید بر میکشد مبارک باد. با بغضی در گلو شکسته فروغ چندین باره قلمتان را خواستارم. عمر با عزت و سلامت نصیبتان.

پاسخ:

آقای لینک. شرمنده می کنید.

reza
دوشنبه 14 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:34 PM

نظر خصوصی است

با سلام استاد
اگر برایتان مقدور است نظرتان را راجع به مطلبی که لینک آن را گذاشته ام و به نقش آیت الله کاشانی در نهضت نفت میپردازد بیان نمایید. و یا اینکه منبعی جهت تحقیق مستقل و بررسی تاریخی این موضوع به من معرفی نمایید.

http://www.akbaralami.com/Public/ContentBody.aspx?ContentID=3437

پاسخ:

آقای رضا. منبع قابل اعتنایی نمی شناسم و اصولا بحث درباره آن دوران را نمی توان از آیت الله کاشانی شروع کرد و در موضوع تاریخ معاصر ایران انتساب به برخی از شهرها همانند کد عمل می کند: کاشان، نیشابور، همدان، یزد، شیراز، قزوین و بالاخره مشهد.

بی نام
دوشنبه 14 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:44 PM

جناب 205 (خط) سومی

نامت را نمی دانم ولی گویا شما را به نام 206می شناسند.من هم شما را به این نام می خوانم چون نشان دیگر از شما ندارم حتی ارتباط چنان یک سویه ای ایجاد کرده ای که برای فهم اینکه کلام اوریجنال منصوب به شما کدام است حیران مانده ایم . اگر یک بی نام مثل بنده بیاید وبگوید این منم از کجا بدانیم که این من یعنی شما.به نظر می رسد در همین ابتدای راه سه کرده ای و پازلی طرح کرده ای که راه حلش را فقط نظر شما تعیین می کند نه منطق و عرف جاری در مباحثات در سیستم های مجازی. برادر /خواهر ما فعلا" ادعای شما را قبول می کنیم وقبول می کنیم که بار علمی شما بسیار وزراد خانه ات هم الی ماشاالله خوب آوردگاه را هم تعیین بفرما(لطفا") تا امید آن داشته باشیم این رجز خوان چهره به برقعه گرفته در پس دیوار یک سویه ایمیل توان شنیدن هم دارد؟اینکه نمی شود شما رجز بخوانی وسیاه نمایی بفرمایی و تک نوایی کنی بعد هم جلوی پای طرف یک راه بگذاری وان هم پرت شدن از گردنه است البته اگه توان آن دیگر کار را نداشته باشیم که نداریم.از پی این ایمیل پرانی هم که نمی شود جواب شما را داد. برادر/خواهر در وبلاگ خط اول و خط دوم عار حضور داری خوب بهتر نیست برای اثبات اینکه حاضر به مناظره هستی مثه انتی یک وبلاگ به پا کنی وبعد دعوت به عمل بیاوری؟به هر حال ما منتظریم .فکر کنم از پس تو یکی با این شیدایی به ظهور رسیده بر اییم اگر هم نیامدیم حتما" سه کرده ایم وتمام سه کرده های عالم را که در هر مقام سه کرده اند به وبلاگ خط سه فرا می خوانیم.بسم الله

پاسخ:

آقای بی نام. به تر آن که بنشینید و تماشا کنید چه سان در مدفوع نوشته های خود فرو می رود.

مسعود
دوشنبه 14 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:12 PM

سلام علیکم و بحول الله
خسته نباشید استاد گرامی و دست مریزاد.

امروز یک همایشی با نام مشکوک : حمایت از کودکان، زنان و معلولان مظلوم غزه در تهران برگزار شد.
مثل اینکه مردان غزه جزو آمار نیستند !!!!!!!!
یهودیها در همه جا به ریش همه مردمان جهان به این روشها هم میخندند!
این تاسیس کشور موهومی به نام اسرائیل و سپس به راه انداختن جنگ و آشوب و تهدید در منطقه عرب زبان بیشتر برای گرم نگه داشتن کانون بحران در این منطقه نفت خیز و مهد تولد اسلام است و اساسا؛ مسخره بازیی به نام جنگ اعراب و مسلمانان با اسرائیل چیزی جز تنوری همیشه گرم برای پخت نان خوشمزه بحران و به تبع آن فروش اسلحه روسی و آمریکایی به کشورهای منطقه نیست که این نشان

میدهد سرمایه گذاران در این بحرانها کارخانجات اسلحه سازی و صنایع وابسته و سرمایه گذاران غالبا؛ یهودی آنها میباشند .
این یک تجارت و صنعت قدیمی ابداع شیاطین است که نمونه های قدیمی تر آن جنگهای تصنعی کره و ویتنام کامبوج و فیلمنامه های ناتمام جنگ سرد در کوبا میباشد!
سربلند و در پناه خدای متعال سلامت باشید.

پاسخ:

آقای مسعود. جنگ اسلام و شرک است آن هم در حالی که در صف مسلمین تا بخواهید مشرک جا زده اند.

محمدرضا نیسی
سه شنبه 15 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:56 AM

سلام‌علیکم

جناب آقای قشقائی

حق با شماست

من آن مطالب را صرفا برای عدم تکرار ژنین برخوردهائی گفتم

با تقدیم احترام

تلمیذ
سه شنبه 15 تیر ماه سال 1389 ساعت 07:47 AM

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر

خوشحالم که می بینم مطالب ارزنده شما مجددا در دسترس است. خداوند به شما طول عمر د هد.

امیر
سه شنبه 15 تیر ماه سال 1389 ساعت 09:11 AM

جناب آقای پورپیرار

این سوال را در ادامه یادداشت 270 مطرح کرده بودم ولی احتمالا به علت دیرهنگام بودن ارسال نظر، شما آنرا مشاهده نکردید. با عرض معذرت آنرا دوباره مطرح می کنم:
شما در نوشته هایتان مدعی هستید که تا پیش از کتابت قران، کتاب و نوشتن به معنی نزدیک به مفهوم امروزین آن وجود نداشته است. در ادامه آیاتی از قران را می آورم که دلالت بر مفهوم نوشتن و کتابت و مهمتر از آن وجود قلم و در یک مورد حتی مرکب می کنند. تنها متن عربی را می آورم تا شبهه نادرست بودن ترجمه بوجود نیاید:

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ سوره: 68 , آیه: 1
الَّذِى عَلَّمَ بِالْقَلَمِ سوره: 96 , آیه: 4
قل لو كان البحر مدادا لكلمات ربى لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربى و لو جينا بمثله مددا سوره: 18 , آیه: 109
وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِى قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُواْ إِنْ هَذَا إِلاَّ سِحْرٌ مُّبِينٌ سوره: 6 , آیه: 181
بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ سوره: 16 , آیه: 44
وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ سوره: 35 , آیه: 25
لَّوْلاَ كِتَابٌ مِّنَ اللهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ سوره: 8 , آیه: 68
فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِندِ اللهِ لِيَشْتَرُواْ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُونَ
سوره: 2 , آیه: 79
كِتَابٌ مَّرْقُومٌ سوره: 83 , آیه: 9 و سوره: 83 , آیه: 20
فَإِن كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ جَآؤُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ سوره: 3 , آیه: 184
وَمَا كُنتَ تَتْلُو مِن قَبْلِهِ مِن كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لَّارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ سوره: 29 , آیه: 48

همینطور در مورد فرضیه جدید بودن نسخه های تورات و انجیل، در قران به کرات از آنها نام برده شده و به موجود بودن آنها در دست مومنین به آنها، در زمان نزول قران، اشاره شده است. برای مثال ایه های زیر را ملاحظه کنید:

وَکَیْفَ یُحَکِّمُونَکَ وَعِندَهُمُ التَّوْرَاةُ فِیهَا حُکْمُ اللهِ ثُمَّ یَتَوَلَّوْنَ مِن بَعْدِ ذَلِکَ وَمَا أُوْلَئِکَ بِالْمُؤْمِنِینَ سوره: 5 , آیه: 43
وَقَفَّیْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعَیسَى ابْنِ مَرْیَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَیْنَ یَدَیْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَآتَیْنَاهُ الإِنجِیلَ فِیهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَیْنَ یَدَیْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِینَ سوره: 5 , آیه: 46
وَإِذْ قَالَ عِیسَى ابْنُ مَرْیَمَ یَا بَنِی إِسْرَائِیلَ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْکُم مُّصَدِّقًا لِّمَا بَیْنَ یَدَیَّ مِنَ التَّوْرَاةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ یَأْتِی مِن بَعْدِی اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءهُم بِالْبَیِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِینٌ سوره: 61 , آیه: 6
مَثَلُ الَّذِینَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ یَحْمِلُوهَا کَمَثَلِ الْحِمَارِ یَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ سوره: 62 , آیه: 5
یَا أَهْلَ الْکِتَابِ لِمَ تُحَآجُّونَ فِی إِبْرَاهِیمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّورَاةُ وَالإنجِیلُ إِلاَّ مِن بَعْدِهِ أَفَلاَ تَعْقِلُونَ سوره: 3 , آیه: 65
قُلْ یَا أَهْلَ الْکِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَیْءٍ حَتَّىَ تُقِیمُواْ التَّوْرَاةَ وَالإِنجِیلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَیْکُم مِّن رَّبِّکُمْ وَلَیَزِیدَنَّ کَثِیرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَیْکَ مِن رَّبِّکَ طُغْیَانًا وَکُفْرًا فَلاَ تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْکَافِرِینَ سوره: 5 , آیه: 68
وَلَقَدْ آتَیْنَا مُوسَى الْهُدَى وَأَوْرَثْنَا بَنِی إِسْرَائِیلَ الْکِتَابَ سوره: 40 , آیه: 53
کُلُّ الطَّعَامِ کَانَ حِلاًّ لِّبَنِی إِسْرَائِیلَ إِلاَّ مَا حَرَّمَ إِسْرَائِیلُ عَلَى نَفْسِهِ مِن قَبْلِ أَن تُنَزَّلَ التَّوْرَاةُ قُلْ فَأْتُواْ بِالتَّوْرَاةِ فَاتْلُوهَا إِن کُنتُمْ صَادِقِینَ سوره: 3 , آیه: 93
الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الأُمِّیَّ الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوبًا عِندَهُمْ فِی التَّوْرَاةِ وَالإِنْجِیلِ سوره: 7 , آیه: 157

در مورد واقعه پوریم، با توجه به اینکه قران بعد از این حادثه و یا در خلال انجام آن باید نازل شده باشد، با آنکه در موارد متعدد و به روشنی یهودیان مرد عتاب و سرزنش قرار گرفته اند، چرا هیچ اشاره ای به قتل عام بزرگ پوریم توسط یهودیان نشده است که در مقیاس تعداد کشته شدگان باید از طوفان نوح نیز عظیم تر بوده باشد در حالیکه به رخدادهای دیگری مانند نابودی قوم هود و عاد پرداخته شده است؟ آیا تذکر دادن این واقعه در قران بهترین دلیل بر گمراگی یهود و شناساندن نیات درونی آنان برای مسلمانان نمی بود؟

با سپاس

پاسخ:

فقط می توانم اعلام کنم که خیلی از مرحله پرتید و مسلما یادداشت ها را نخوانده و یا مفاهیم آن را درک نکرده اید. سعی کنید پیش از اظهار نظر با ترتیب اظهارات در یادداشتهای ایران شناسی بدون دروغ و کتاب اسلام و شمشیر آشنا شوید که جواب شما در وجوه گوناگون در آن ها ثبت شده است.

عباس سلامات

سه شنبه 15 تیر ماه سال 1389 ساعت 2:12 PM



السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

تم ادراج الفصل الحادی عشر من کتاب الاسلام والسیف علی موقع مکتوب العربی

ترجمه عربی یادداشت یازدهم کتاب گرانقدر اسلام و شمشیر در نارپای عربی نصب گردید.

http://naria.maktoobblog.com/

http://naria.maktoobblog.com/

پاسخ:

آقای سلامات. به نظر می رسد وبلاگ شما را برچیده اند. شورای جهانی یهود از نوشته های پور پیرار می ترسد،زیرا که متن زیر تنها یکی از انعکاسات آن است:

سلام عليكم

ايها الاخوة والاخوات

قد قرأت يوم امس فى مدونة الحق والصبر للكاتب "ناصر بيرار" على موقع مكتوب بان استنادا للقرآن ان المشركون نجس.

ووجدت المقال رائع من حيث اسلوب الكتابة و عجبتنى جرأة الكاتب و شهامته فى مهاجمة الصهاينة ودعمه للثورات الاسلامية فى كافة انحاء العام.

فاقترح للمشاهدين قرائة المقال و الادلى بآرائهم عسى ان يزيد عدد الكتاب كالاخ بيرار فى عالمنا الاسلامى

وعنوان المدونة هو http://naria.maktoobblog.com/

باید بکوشیم به هر شکل و عنوان یادداشت های اسلام و شمشیر به زبان عرب را منتشر کنیم.

سه شنبه 15 تیر ماه سال 1389 ساعت 3:48 PM

ضمن عرض ارادت خدمت استاد و خسته نباشید به آقای سلامات.

همین الان که من چک کردم به نظر میرسد کلا وبلاگ ایشان را از مکتوبلاگ حذف کرده اند...

تبریک به شما استاد و همه دشمنان یهودیان و دوستان خدای یکتا!

عباس

سه شنبه 15 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:59 PM

با سلام

استاد همین طور است که شما می فرمایید وبلاگ ناریا توسط سایت مکتوب بسته و از روی سایت حذف گردید. بعنوان مدیر سایت ناریا عربی و بعنوان عضو رسمی جامعه وبلاگ نویسان جهان عرب نامه اعتراض آمیز به مدیر انجمن وبلاگ نویسان جهان عرب نوشته ام که به زودی آن را منتشر خواهم کرد.

http://naria.maktoobblog.com/

عباس سلامات

سه شنبه 15 تیر ماه سال 1389 ساعت 7:06 PM

با سلام متن زیر به مدیر اتحاد وبلاگ نویسان عرب ارسال شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

سماحة الاستاذ محمد كريزم

الرئيس العام لاتحاد المدونين العرب

السلام عليكم ورحمة الله و بركاته

تم اليوم حذف مدونة " الحق والصبر" الواقعة فى عنوان www.naria.maktoobblog.com من قبل موقع مكتوب.

فى البداية اريد ان الفت انتباهك الى المادة العاشرة من استمارة العضوية لاتحاد المدونين العرب و البند الثالث من القوانين المذكورة فى موقع مكتوب.

المادة العاشرة: تمنح عضوية الإتحاد لكـل شخصية معنوية أو طبيعية تؤمن بمبادئه وأهدافه وتعمل على تكريسها واقعيا

فی ظل التعهد بالإلتزام بقانونه الأساسی والقوانین الداخلیة المنظمة لعمل الإتحاد .

البند الثالث من قوانین موقع مکتوب : الإساءة أو التشهیر: عند کتابة أی إدراج یجب احترام الذات الإلهیة ومراعاة هیبة الأنبیاء والرسل ویجب عدم التعرض لأیة دیانة سماویة أو أی مذهب دینی أو المساس بولاة الأمر بالإساءة من خلال السب أو التجریح، أو التعرض لأی شخص بالإهانة أو الإیذاء أو التشهیر، أو کتابة ما یتعارض مع القوانین المتعارف علیها رسمیاً.
السوال هنا ما هو الاختراق الذی حدث من تلک القوانین و ادی باغلاق المدونة و ما هو القانون الذی ینص بان عند العدول من تلک القوانین یسمح للادارة بحذف المدونة او عدم الاجازة بالتحکم بها؟
سماحة الاستاذ هل کنت تعلم بان ما هو النشاط الوحید الذی کان یمارس فی مدونة " الحق والصبر" ؟ الموضوع الرئیسی فی الادراجات کان کتاب الله ولهذا الفت انتباهک مرة اخری لکتاب الله عندما یذکر فیه "فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه".
هل تدل هذه الآیة علی شیئاً غیر تعدد الاصوات الذی نسمیه الیوم حریة التعبیر و القلم و الیس ما کان نزول الآیة الشریفة " لکم دینکم ولی دین" الا بعد اختلاف النبی مع الکفار؟ الیوم لا یوجد اختلاف بیننا کاختلاف الاسلام والکفر لاننا مومنون برب واحد و کتاب واحد و نبی واحد و نکتب و نتکلم بلسان واحد.
فی النهایة نطلب اعادة التفعیل و الاجازة بالتحکم بمدونة " الحق و الصبر"
والسلام علیکم
عباس سلامات
مدیر مدونة الحق و الصبر
www.naria.maktoobblog.com

http://naria.maktoobblog.com/
آمون
سه شنبه 15 تیر ماه سال 1389 ساعت 7:32 PM



با سلام به دوستان ، اولا برای اینکه در صورت وقوع اتفاقات احتمالی که توطئه چیدن ، اندیشه هنگام بستر رفتن یهودیان است ، در گروه اینترنتی زیر عضو شوید:

http://groups.google.com/group/smnshd

دیگر اینکه این ایمیل را بردارید و در هر جای اینترنت که دیدید امکان عضویت هست ، مثلا خبرنامه ها و گروه های اینترنتی و غیره ، وارد کنید!

a281.r206@gmail.com

به هر حال رفیق نامرئی ، ما هم رگه هایی از جهودان را داریم و اگر فکر کرده ای که فقط خودت این کاره ای ، نه برادر مسلمان شیعه آنوسی! حرومزادگی که مایه نمی خواد! باز هم اگر خواستی ، راه های بدتر از این هم سراغ دارم که مجبورت کنه کلا کرکره زیرپله ای که کنیسه بهت رهن داده رو آجر بچینی بری بالا و سرت رو ببری پایین.
فکر می کنی تهدیده؟ نه قربان، عمل خواهد شد بهش!
فکر می کنی نمی تونیم؟! همین الان ایمیلت رو چک کن تا ببینی چند تا برات رسیده!
نکبت گندیده. حیف که نمی تونم بگم چی تو چی نداری ولی به طور خلاصه خشتکت رو پاپیونت می کنم اگر مانتو و دامن پوش نباشی.
http://groups.google.com/group/smnshd
رضا
سه شنبه 15 تیر ماه سال 1389 ساعت 8:03 PM

سلام استاد

این همون وبلاگمه لطفا ملاحظه بفرمایید .

www.mutif.persianblog.ir

http://mutif.persianblog.ir

ساسان بابکان استخری

سه شنبه 15 تیر ماه سال 1389 ساعت 8:05 PM

بدرود بر تمام آریاییان راستین نیکوی اصیل نژاد و نیکو جوهر مثل استاد عزیز و فرزانه و دانشمند گرامی جناب آقای دکتر پورفوسور اتفاق آریایی نیکوی شیرزای و نفرین اهورامزدا و حضرت زردشت ع بر دشنمان نژاد نیکوی آریایی به سرکردگی ناصر پورپیران. بنده چندین و چند سال استاد اتفاق را نصیحت نمودم به اصل نیکوی آریایی خویشتن بازگشت بگرداند، چونکه آگاهی می داشتم ایشان شیرازی می باشند و در اصل آریایی می باشند و از نسل کوروش بزرگ و داریوش بزرگتر می باشند و برای همین امید می داشتم یک روزی متوجه بگردند که دچار اشتباه می باشند، ولی دشمنان نژاد نیکوی آریایی بنده را مسخره می نمودند، ولی امروز آشکار گشت که زحمات و تشخیص نیکوی بنده درست بوده می باشد و بالاخره استاد اتفاق با نام نیکوی آریایی ۲۰۶ متوجه بگشتند که آریایی می باشند و نباید با پورپیران دوستی بگردانند و باید با وی دشمنی بگردانند. بدرود بسیار زیاد فراوان بر استاد پوفوسور اتفاق آریایی اصیل تبار توبه نموده

http://nejadarya.persianblog.ir

عباس سلامات

سه شنبه 15 تیر ماه سال 1389 ساعت 8:34 PM

با سلام

با توجه به اینکه مدیر اتحادیه وبلاگ نویسان جهان عرب فقط ایمیل اعضای این اتحادیه را مطالعه می کند از همه دوستان خواهش می کنم که نامه های خود را به ایمیل من abbasalhelfy@ gmail.com بفرستند و من آنها را به ایمیل ایشان می فرستم در حد توان سعی در ترجمه نامه های شما به زبان عربی خواهم کرد. از همه دوستان عرب نیز می خواهم فارغ از اختلاف نظرهای آشکار ونهان نامه های خود را به زبان عربی نوشته و به ایمیل من بفرستند.

http://naria.maktoobblog.com/

محمدرضا نیسی

سه شنبه 15 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:43 PM

سلام علیکم

جناب آقای سلامات

با تشکر از زحمات شما در نشر آثار استاد عزیز

من با آنتی فیلتر Your Freedom توانستم وارد ناریا در سایت مکتوب شوم و مطلب الإسلام و السیف 11 را که در مورخ 6 یولیو 2010 الساعه 07:53 ص زحمت ارسال آن کشیده اید را دیدم.

فکر می کنم از آنتی فیلتر قوی تری باید استفاده کنید. اگر نیاز بود بفرمائید خدمت شما و سایر یاران بنیان اندیش معرفی کنم.

در وبلاگ قبلی آنتی فیلترهای قوی موجود را معرفی کردم که متأسفانه حذف گردید.

کلا بر اساس تجربه آنتی فیلتر Your Freedom را پیشنهاد می کنم.

reza

چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 00:21 AM

با سلام خدمت استاد و دوستان

وبلاگ ناریا عربی در مکتوب را چک کردم و قابل مشاهده است و هیچ مشکلی نداشت. آخرین نوشته نیز شماره ۱۱ است.

http://naria.maktoobblog.com/

مسعود سنجری
چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:19 AM

برادر عباس سلامات
سلام علیکم
من با فیلتر شکن معمولی u995 از ظهر تاکنون چند مرتبه به سایت ناریا عربی مراجعه کردم که اشکالی ندیدم و یادداشت 11 اسلام هم نصب شده است. الحمدلله. موفق باشید
والسلام علیکم
فی امان الله

منصور
چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:33 AM

سلام به استاد آزاده و دوستان هم پیمان
وبلاگ عربی ناریا قابل مشاهده است و آخرین نوشته هم شماره ۱۱ است.

نتاب
چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:54 AM

با سلام،
جاعلان کمال الملک آن جمله مربوط به زیرشلواری را هم دزدیده‌اند.
یادم هست که کسی راجع به نوشته‌های فرعون مصر تحقیق کرده بود و می‌گفت که خط با زحمت زیاد ترجمه شد، ولی (ضمن اینکه می‌خندید) موضوع آن نوشته این است که فرعون زیرشلواری خواسته برایش بیاورند و الی آخر...

آیدین قشقایی
چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 08:26 AM

سلام به دوستان
دوستان اگر با نگاهی تیزبینانه به اطراف خود بنگریم از راههای متعددی می توان به پوچ بودن گفته ها و نوشته های باستان پرستان ایران پی برد. در اینجا دو نمونه دیگر از این نشانه ها که اینجانب در وبلاگ آنتی در پاسخ به مخالفین دیدگاه بنیان اندیشی بیان نمودم را می آورم:
دروغ بودن ابن سینا: رضا پهلوی در سال 1313 دانشگاه تهران را راه اندازی کرد و به همین ترتیب دانشگاههای شیراز و ... . قاعدتاً انتظار می رفت که ما بعد از گذشت حدود 8 سال بعد از این تاریخ که اولین گروهای دانشجویان فارغ التحصیل شدند ما خودمان پزشک و مهندس بومی داشته باشیم.
من یادم می آید در سال 1362 (یعنی 50 سال پس از تاسیس دانشگاه تهران!!!!!)در مرودشت (40 کیلومتری شیراز) بسیاری از پزشکان هندی بودند. حالا خودتان سرانگشتی حساب کنید ملتی که با این همه هارت و هورت نتوانسته بعد از 50 سال برای مردم خودش آن هم نه در بیابانهای زابل، بلکه در 40 کیلومتری شیراز –قطب پزشکی کشور- پزشک بومی تربیت کند چطور می تواند ادعا کند که 1000 سال پیش ابن سینا و ... را در دامن خود پرورانده که نه تنها نیازهای جامعه خودش به پزشک را برطرف می کرده حتی بسیاری از پزشکان دربارهای عباسیان و امویان و ... را هم تامین می کرده و هزار چرندیات از این قبیل.

آیدین قشقایی 2
چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 08:50 AM

یک مثال دیگر. اگر دقت کرده باشید، ما در زبان فارسی برای بسیاری از کارهای روزمره از افعال مرکب استفاده می کنیم. شما اگر به سایت متعصب ترین اساتید زبان فارسی وارد شوید می بینید همگی اعتراف کرده اند که در کل زبان فارسی (حتی با لحاظ کردن لغات موجود در شاهنامه) تنها 250 فعل ساده وجود دارد که از این تعداد فقط 150 فعل کاربردی اند. اگر به زبان بین المللی انگلیسی نگاه کنید می بینید در این زبان 23000 فعل ساده وجود دارد. حالا اخلاقاً بیایید زبان انگلیسی را با زبان فارسی مقایسه کنیم.

انگلیسی زبان بین المللی است که الان حدود 100 سال است که در دنیا بصورت یک زبان علمی تدریس می شود. این زبان، بطور جدی حدود 100 سال است که زبان علم شده منتهی در این مدت 100 سال چنان رشدی کرده که تعداد افعال ساده آن حدوداً 115 برابر زبان فارسی شده.
حالا اگر انگلیسی در عرض این 100 سال توانسته اینقدر رشد کند پس چرا زبان فارسی که به قول شما بیش از 2500 سال تحت نامهای مختلف بصورت زبان علم و فلسفه بوده نتوانسته برای بسیاری از کارهای روزمره هم فعل ساده داشته باشد؟
دلیلش ساده است: چون کتب باصطلاح قدیمی زبان فارسی همانطور که پورپیرار کبیر می گوید، توسط افراد مختلف و بطور موازی و سازگار هم توسط افراد مختلف در کارگاههایی نوشته شده تا حقیقتی را پنهان نگهدارد و آن حقیقت جز خالی بودن ایران از سکنه بدلیل پوریم است. ابلهانی مثل شما هم مثل آدمهای بنگی که دچار توهم شده اند، دچار این توهم شده اید که ما سعدی را داشتیم، مولوی را داشتیم، ابن سینا را داشتیم و ... .

منصور
چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:14 AM

به یاد نقد استاد با عنوان «تولد تاویلگر» در بهمن ۸۵ بر کتاب «معنای متن» نوشته نصر حامد ابوزید

سایت میرحسین موسوی به بهانه درگذشت نصرحامد ابوزید، از وی تجلیل کرد.
حامد ابوزید قبله فکری حلقه کیان و کسانی چون سروش در انکار قداست قرآن محسوب می شد و به خاطر دعاوی خود در زمینه تخطئه اسلام و ادعای آمیختگی خطا در کتاب الهی مورد خشم مسلمانان مصر قرار گرفته بود. وی از سوی مسلمانان تکفیر شد و 15سال پیش، پس از فرار از مصر، به هلند رفت.
سایت «کلمه» وابسته به موسوی در تجلیل نصرحامد ابوزید نوشت: این اسلام شناس از هرمنوتیک دموکراتیک قرآن دفاع می کرد. این روستازاده بی نوای سخت کوش، به شهرتی عالمگیر رسید. تکفیر در روزگار جدید در مصر سابقه ای ریشه دار، تلخ و خشن دارد. پیشتر کسانی چون نجیب محفوظ مورد تکفیر و حتی سوءقصد قرار گرفته بودند.
«کلمه» در کلماتی قابل تأمل اضافه می کند: «ابوزید پوینده شیدای حقیقت بود. او اندک اندک از اخوان المسلمین فاصله گرفت و با روش زبانی- تاریخی- نقدی، قرآن را مطالعه کرد. او راه خود را با دلیری برگزید و تاوان آن را نیز سخت، تلخ و گزاف پرداخت... سخن او برای ایرانیانی که قصد فهم تاریخی- انتقادی قرآن را دارند، بس غنیمت و غنی است»!!
http://www.kayhannews.ir/890416/2.htm#other205

عباس سلامات
چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:42 AM

با سلام
با تشکر از پیگیری همه دوستان
با توجه به اینکه من از وی پی ان استفاده می کنم لیکن با چندین نرم افزار مختلف هم توانستم ناریای عربی را ببینم اما هنوز دسترسی به control panel غیرممکن است و یا پیغامی مبنی بر اینکه این وبلاگ غیرقابل دسترس است مواجه می شوم.
از آنجایی که اتحادیه جواب اعضا را حداکثر تا 48 ساعت بعد می دهد من کماکان منتظر هستم لذا به دلیل عدم امکان یادداشت جدیدی نصب نخواهد شد.
اخبار تکمیلی در این رابطه را فرووم نصب خواهم کرد.

http://naria.maktoobblog.com/
شبر
چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 12:06 PM

جناب آقای امیر و جناب آقای پورپیرار،

با تشکر از هر دوی شما. من برداشتی دارم که مطرح میکنم ان شاءالله شما هم تصحیح کنید:

اینطور که من متوجه شده ام نوشته های آقای پورپیرار یک دره بزرگ تاریخی را کشف و رصد نموده است که تا به حال از منظر همه مورخان پنهان بوده است. این دره از ماجرای پوریم در گستره محلی که امروز ایران و بخشی از عراق می شناسیم، آغاز می شود. اما نه از نظر زمانی به قبل آن ماسبق می شود و نه به جغرافیای دیگری بغیر از پوریم گسترده تر است. یعنی آقای پورپیرار چنین ادعاهائی را در مورد اروپای غربی و یا شرق دور و یا عربستان و کانادا مطرح نکرده اند. روی سخن و نوشته های ایشان به مردم ایران و جغرافیای پوریم آنهم در حصن و حصار بویژه ایران می باشد.

دوم اینکه آن آیاتی که از کلام الله مجید هستند در جغرافیای خارج از پوریم نازل شده اند (یعنی عربستان) و یافته های مربوط به آن دره عمیق را که مربوط به کشور خودمان است را نقص ننموده اند. برعکس! آیا بغیر از آن است که قرآن کریم در یک کلمه مانند "غلبت" در "غلبت الروم" نشانه بزرگی را هم حتی برای اهل یقین ارائه فرموده است تا اهل فکر را بفکر فرو ببرد؟؟؟ میخواهم بگویم که کتاب و قلم و مرکب میتواند به راحتی در هر کجای دنیا منجمله عربستان و هند و آلاسکا قرنها قبل و پس از پوریم، نه به شکلی که امروز می شناسیم بلکه (بطور بومی) وجود داشته باشد. مثلا یک دلیل آن کتابی است که اقوام بلغاری از خود به زبانی که امروزه کاملا منسوخ گشته از خود به جای گذارده اند که در 6 صفحه و بر روی صفحات طلا نوشته شده است و موجود است و به حدود 3000 سال پیش میرسد، اینهم لینکش:

http://news.bbc.co.uk/2/hi/europe/2939362.stm

خلاصه اینکه همانطور که قرآن فرموده است مردمان تمدنها (از جمله یهودی و مسیحی و مسلمانان تازه به اسلام گرویده) می توانسته اند کتاب مکتوب داشته باشند، چه بر روی صفحات فلزات، پوست و پاپیروس و یا چیزی شبیه به کاغذ و اینها. به نظر من اشاره آقای پورپیرار حوزه جغرافیای پوریم است نه کل دنیا و می دانیم که از خطه ای بنام ایران و شرق میانه چیزی با این تفاسیر تا بحال کشف نگردیده که این خود نوپا بودن تمدن انسانی در آن مناطق را بیان میکند.

حاجی زاده
چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:01 PM

آقای دویست و شش(اتفاق) بنا به دلایل متعدد و از جمله شیوه ای که برای نشر مطالبتان اتخاذ کرده اید می توان فهمید که شما در پی اهداف خاص و محرمانه و تا حدودی قابل حدس خودتان هستید، پس از این کسوت متظاهرانه تعهد به افشای حقیقت و دلسوزی برای مخاطبانتان بیرون بیایید.
صرف نظر از اینکه در برخی تصاویر زاویای دوربین را تنگ گرفته اید، در تصویر صفحه ۱۵، من علی رغم کوشش فراوان و با چشم غیرمسلح و مسلح قادر به تشخیص قصر ؛پی؛ نشدم، در حالیکه از مقایسه این عکس با تصاویر ماقبل(صفحه۱۰ و ۱۴)، مسلما بایستی تل خاک برجسته ی قصور پی و اس با وضوح دو تصویر اخیرالذکر مشاهده میشد، اما تنها زمین کاملا مسطح قابل رویت است که کل ادعای شما را تباه میکند

حاجی زاده
چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:01 PM

دوستان محترم
زمانی به فحاشی های آنتی پورپیرار وامثالهم که از سر عجز و درماندگی بود میخندیدیم، خواهش میکنم در مواجهه با نوشته های اتفاق طوری رفتار نکنید که هم تراز و همتای آنها تلقی شویم.

بی نام
چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:25 PM

ساسان نیکو نژاد آریایی-با سلام

ساسان نمی دانم که منبع گفتار بالا چه هست هرچند این اواخر مرقومه های ضد ونقیضی از دوستان موثق در مورد دوست عزیزمان جناب کیو....درج شده که با شناختی که بنده از آن دوست عزیز دارم پذیرشش حد اقل برای بنده سخت است. به چند دلیل:

اول اینکه دوست عزیز ما دارای شخصیت قوام یا فته تر از این حرفهاست که بخواهند دست به یک همچین امر سخیفی بزنند وقایمکی چون بچه های بحران زده و رانده شده از مدرسه سنگ به شیروانی مدرسه پرتاب کنند..

دوم اینکه من از شدت علاقه ایشان به استاد آگاهم وآگاهی ام ازهمین یک مورد کفایت بر رد این شایعات دارد.

سوم اینکه کیوی عزیز با وجود تر وشجاع تر از این موش دواندنهای جبن گونه است ومطمئنا" این شبنامه وتهمت نامه پراکنی ها از شخصیت ایشان به دور است.

چهارم اینکه(طبق اطلاع بنده وفق آخرین تماس تلفنی) ایشان برای مطالعات اجتماعی(وظایف کاری) در محلهایی مشغول به کار هستند که بعید به نظر می رسد حتی به تلفن دسترسی داشته باشد چه رسد به اینتر نت.

پنجم این که سواد وقلم این آقای ۲۰۶ خیلی نحیف تروبی رمق تر ازقلم قوی کیو...می باشد

جناب کیو... عزیز چنانچه کامنت بنده را مشاهده می فرمایید لطفا" برای روشن شدن حقیقت کلامی به اندازه یک رد وایجاب بفرمایید انشا الله اشتباه نکرده باشم.

آیدین قشقایی
چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:56 PM

سلام به دوستان

دوستان در پیام دوم اینجانب در فوق، چون این پیام را در وبلاگ آنتی گذاشته بودم منظورم از "ابلهانی مثل شما" آنتی و همپالگی هایش می باشد.

سوء تفاهم نشود.

منصور
چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:37 PM

سلام به استاد گرامی و دوستان عزیز

تاریخ و فرهنگ فعلی چون مردابی راکد همه را در بر گرفته. اما هنگامی که در معرض این روشنگریها واقع می شویم، به نسبت دست و پایی که می زنیم بوی تعفن آن را احساس خواهیم کرد. کسانی از ترس این بو ترجیح می دهند سکوت کنند. زجر می کشند، دنیایی از تضادها را در برابر خود می بینند ولی چشم خود را بر حقیقت می بندند. اینها محکوم به ماندن و مردن در این مرداب هستند. کسانی هم معیار و ماهیت خود را و دید خود را تغییر داده و بر شرایط مرداب منطبق کرده اند. در مرداب اند ولی فکر می کنند در بهشت هستند و لجن می خورند ولی فکر می کنند غذا می خورند. تنها انتظاری که از این گروه می توان داشت این است که فقط مخالفت کنند چون هستی خود را در گرو بقای مرداب می دانند. کسانی هم به قیمت مواجهه با حقیقت مرداب حرکت می کنند و پس از آنکه خود را بیرون کشیدند تازه می فهمند که چه محیط تنفر انگیزی بوده است و کسانی که در آن واقع اند چه وضع اسف انگیزی دارند.

دوست عزیز جناب شبر
درک عمیق یادداشتهای استاد واقعا نیاز به تمرکز شامل بر تمام آنها و وارستگی کامل از هر گونه اعتقادی دارد. البته این مشکل برای همه وجود دارد و تعجبی هم ندارد و توقعی هم نیست و باید با این سوال و جوابها مسائل روشن گردد. واقعا چیزی نمی توان گفت جز اینکه مانند استاد از شما خواسته شود که مطالب را دوباره و با توجه بیشتر بخوانید.
اتفاقا نظریات استاد در مورد ابزار نگارش شامل بر تمام جهان می باشد و منحصر به ایران نیست چون تأیید حرف شما مجالی برای ابراز وجود امثال هرودوت در یونان یا سینوهه در مصر می شود که تماما حاصل خیالپردازی های یهودیانی مانند ذبیح الله منصوری بوده اند.
دوست عزیز جناب کاکا
کسی منکر وجود اهل بیت نیست. اما چه کسی را اهل بیت بدانیم؟ در قرآن از اهل بیت ابراهیم و شاید چند اهل بیت دیگر هم سخن رفته است. اما خداوند قویا انتساب یهود و نصارا به ابراهیم را تکذیب می کند. در مورد مسلمانان هم دقیقا همین مساله وجود دارد و به مانند آن دوازده سبط اهل بیت برای پیامبر اسلام خلق کرده اند و به حدیثی از جابر که یهود ساختگی آن از نامش پیداست اتکا می کنند. دوست من، بنیان مطلب را دریابید. وقتی که تا دوسه قرن پیش هیچ اثری از احدی در ایران نیافته ایم و هیچ موجودیتی از بغداد نداشته ایم چگونه می توانیم وجود کسانی را به این مشخصات در این نقاط بپذیریم. مخصوصا که الآن طیف وسیعی از این منتسبان به پیغمبر به سید هندی معروفند. اهل بیت پیغمبر در هند چه می کنند؟
دوست عزیز جناب امیر
همانگونه که بارها در یادداشتها و تذکرات استاد عنوان شده ، اصولا کتاب و کتابت به معنای فعلی در قرآن نیامده. مثلا «کتب علیکم الصیام» یا «ان الصلوه کانت علیکم کتابا موقوتا». پس کتاب به معنای مجموعه ای از دستورالعمل هاست. مخصوصا در آیه ای که خود به آن اشاره کرده اید « وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِى قِرْطَاس فَلَمَسُوهُ بأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُواْ إنْ هَذَا إلاَّ سِحْرٌ مُّبِينٌ ». به وضوح تمام این حقیقت را بیان می دارد که کتاب هنگامی که در قرطاس نوشته می شود قابل لمس می گردد. در مورد «قلم» و «یسطرون» و «مداد» و «زبر» هم نیازمند تعمق بیشتری است مخصوصا که در قرآن با ترجمه های فعلی چندین کلمه مختلف را به نوشتن یا کتاب معنا کرده اند. مثلا راجع به «الذی علم بالقلم» یعنی آیا خداوند به قلم یاد داده چیز بنویسد یا آنکه قلم به مفهوم دیگری است؟

رضا
چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 5:50 PM

با سلام آقای سلامات
به نظر من یک راه مقابله با ترفند یهود ایجاد وبلاگ های متعدد جهت نشر مقالات عربی در مکتوب می باشد.

عباس سلامات
چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 9:23 PM

با سلام

نظراً لعدم الامکان بالتحکم علی مدونة ناریا علی موقع مکتوب، تم ادراج الفصل الثانی عشر من کتاب الاسلام و السیف بالغة العربیة علی منتدی ناریا. عند امکان التحکم یستانف الادراج علی ناریا العربیة.

از آنجایی که هنوز دسترسی به کنترل پنل ناریای عربی امکان پذیر نیست، ترجمه فصل 12 کتاب ارزشمند اسلام و شمشیر بر روی فرووم

نصب گردید. به محض دسترسی مجدد، نصب یادداشت ها در نارای عربی پیگیری خواهد شد.

http://forum.naria.ir/index.php?topic=319.0

http://naria.maktoobblog.com/

پاسخ:

آقای سلامات. نصب دنباله ی یادداشت های اسلام و شمشیر در فروم چه سودی دارد؟ مگر خوانندگان عرب وبلاگ مکتوب بلوگ از وجود این فروم و انتقال دنباله مطالب به آن باخبرند که برای دسترسی به آن رجوع کنند؟!!! هرچند همان ادعای شما که به کنترل پنل یک وبلاگ در حال کار دسترسی ندارید، خود به میزان لازم موجب تعجب است و خاموشی یکی دو ساعته وبلاگ مکتوب بلوگ را مشکوک می کند ولی این ژست آخری که دنباله یک متن عربی را به یک فروم فارسی فرستاده اید، شاهکار است!!؟

<< 2 1

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

32852

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya 7

ایران شناسی بدون دروغ 271، نتیجه 79، قلم 8

حاجی زاده

چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 9:29 PM

آقای منصور در پاسخ منکران آسمانی بودن قرآن بایستی گفت بر فرض زمینی بودن قرآن،اگر در چهارده قرن پیش علمای عرب قادر به ارائه چنین متن مترقی و جامع العلومی بوده اند، بایستی در سیر طبیعی تکامل علم، در طول قرون پیش و پس از ظهور قرآن، متونی در درجات پائین تر و متعالی تر عرضه میشد، پس اگر نمونه های مشابهی نمی یابیم دلیل بر یگانگی و خارج از حوزه علوم بشری بودن آن است.

محمدرضا نیسی

چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:28 PM

سلام‌علیکم

یاران بنیان‌اندیش و جناب آقای بی‌نام

پس از درج کامنت آقای عابدی با یکی از دوستان درباره جناب اتفاق و احتمال دست داشتن ایشان در ایمیل پراکنی‌های اخیر جویا شدم که ایشان ارتباط آقای اتفاق را با این کار بعید می‌دانست.

بهتر است تلاش‌مان را بر بازگشت بنیان‌اندیشانی که به هر دلیل در این محفل یا نیستند یا حضور مؤثر ندارد مجددا با نقش‌آفرینی خود محفل بنیان‌اندیشی را گرم‌تر کنند.

بی‌شک کمک استاد عزیز در تحقق این هدف از تأثیر بسزایی برخوردار خواهد بود.

توحید
چهارشنبه 16 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:53 PM

سلام استاد خسته نباشید

به این آیات دقت کنید :

یَسْأَلُونَکَ عَنِ الأهِلَّةِ

یَسْأَلُونَکَ مَاذَا یُنفِقُونَ

یَسْأَلُونَکَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِیهِ

یَسْأَلُونَکَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَیْسِرِ

یَسْأَلُونَکَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ

....

حالا به این آیات دقت کنید :

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ لاَ تَسْأَلُواْ عَنْ أَشْیَاء إِن تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ وَإِن تَسْأَلُواْ عَنْهَا حِینَ یُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ لَکُمْ عَفَا اللّهُ عَنْهَا وَاللّهُ غَفُورٌ حَلِیمٌ .

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِکُمْ ثُمَّ أَصْبَحُواْ بِهَا کَافِرِینَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد شما را اندوهناک می‌کند مپرسید و اگر هنگامی که قرآن نازل می‌شود در باره آنها سؤال کنید برای شما روشن می‌شود خدا از آن گذشت و خداوند آمرزنده بردبار است . روهی پیش از شما نیز از این پرسشها کردند آنگاه به سبب آن کافر شدند . (مائده 101)

به نظر من این نکته تا حدودی به مقاله اسلام و شمشیر 50 شما مربوط می شه که هر سوالی جلوی آیات قرآن قرار ندهیم و همچنین آن بحثی که در انجمن بنیان اندیشان تحت عنوان «آیا هر کلامی که به پیامبر وحی شده در قرآن آمده»

عباس سلامات

پنجشنبه 17 تیر ماه سال 1389 ساعت 00:03 AM

استاد عزیز

لیکن من باب یادآوری متذکر می شوم که من سابقا گفته بودم که کار ادامه نصب یادداشت ها از طریق نصب در فرووم موقت است و در کامنت های قبل تر هم گفته بودم که اتحادیه حداکثر ظرف 48 ساعت جواب می دهد. ولی کلا من همه فصول را همزمان با نارپای عربی در فرووم هم نصب می کردم با یادآوری مجدد همه تذکرات قبلی شما درباره نصب سریعتر اسلام و شمشیر عربی آخرین پاسختان را عیناً به اینجا نقل می کنم.((باید بکوشیم به هر شکل و عنوان یادداشت های اسلام و شمشیر به زبان عرب را منتشر کنیم.)) ومن فرووم را یکی از همین"به هر شکل و عنوان" فرض کردم.

در آخر نکته ای را یادآور می شوم که بنده نه جزء نسل قبل فرووم(بدون در نظر گرفتن خوب یا بد بودنشان) هستم و نه کاری به دعواهای آنان دارم. من به فرووم فقط بعنوان یک ابزار (رسانه) می نگرم و با کار کردن در آن مشکلی ندارم.

http://naria.maktoobblog.com/

پاسخ:

آقای سلامات. سئوال این است که نصب یک برنامه عربی در فروم فارسی مورد استفاده کیست؟! مگر این که فولدری برای دانلود به اختیار باشد.

لینک

پنجشنبه 17 تیر ماه سال 1389 ساعت 00:18 AM

کامنت قبلی بهتر است تایید نشود فقط برای محض اطلاع شما استاد نوشتم الان که ادرس عکس‌ها رو دیدم فهمیدم که باید کار مدیر سایت باشه لطفا کامنت قبلی را تایید نکنید تا بلکه آدرس دیگر فیلتر نشود چون اگر فیلتر شود عکس‌ها دیگر در وبلاگ بدون استفاده از فیلتر شکن دیده نخواهند شد

با احترام

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 17 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:11 AM

سلام‌علیکم

جناب امیر

مثل اینکه شما همانند باستان‌پرستان برای اثبات جعلیات یهود ساخته تاریخ دست به دامان قرآن می‌شوید و این همه استدلال منطقی را نادیده می‌گیرید؟ دقیقا مانند این بابا (آنتی رو عرض می‌کنم) برای استحکام بخشیدن به استدلال خود در رد مبحث قلم دست به دامن قرآن می‌شوی؟ واقعا که خیلی باهوشی! یک کم هویج بخوری و در محضر باستان‌پرستان تلمذ کنی حتما به تو کرسی استاد تمامی در دانشگاه شیکاگو خواهند داد.

تو دیگه روی جاعلان شیکاگویی و کمبریجی رو سفید کردی. تمام مبنای جعلیات آقایان بر اساس ضدیت با قرآن و اسلام است بعد تو با قرآن به کمک جاعلان تاریخ می‌آئی؟

در این زمینه جواب‌های جناب "یه نفر" در وبلاگ آنتی در جواب باستان‌پرستان را می‌آورم:

آرش:

خیلی خنده دار است که آقای " یه نفر " می گوید اشاره قران به قلم و آنچه می نویسد نوعی " پیش بینی آینده " بوده است. پس این همه اشاره قران به " کتاب " چیست و چه معنا و مفهومی دارد؟

مثلا : ذلک الکتاب لاریب فیه . (قرآن کتابی است که در آن هیچ شکی وجود ندارد) به کلمات" فیه " و " کتاب " توجه کن آقای با سواد یه نفره

یه نفر:

جناب آرش
کتاب در قران به معنای قانون و آنچه که باید انجام شود و درست می‌باشد، آمده است مانند آیه "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ -البقرة183" و کلا معنا و مفهوم کلمات از ریشه "ک ت ب"در قران به معنای الزام‌آور بودن چیزی است. شاید از کلمه أسفار در قران بتوان به چیزی شبیه کتاب تعبیر کرد آن هم نه کاملا. اسفار جعبه‌هایی بوده‌اند که برای نگهداری لت‌نوشته‌های بر روی پوست استفاده می‌شده‌اند.
اصولا به غیر از ضعف بشر در داشتن قلم مناسب تا همین چند دهه اخیر، متریال (کاغذ) مناسبی نیز تا 200 - 300 سال پیش برای تولید کتاب به مفهوم امروزی وجود نداشته است.
آرش جووووون ما درس و مشقمون رو خوب انجام می‌دیم و البته استاد خیلی قوی هم داریم، قصه شماها و استادتون مثل حکایت جناب أخوش(أخفش) و بزش می‌ماند که چون کسی به حرفش توجه نمی‌کرد برای بزش می‌گفت و بز نازنین گاه گاهی سری برایش تکان می‌داد.

ادامه در بعدی...
پنجشنبه 17 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:23 AM


...ادامه از قبلی
مهرآیین:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَل لَّهُ عِوَجَا
سپاس خداوندی را که بربنده خود کتاب را نازل کرد و درآن کجی قارنداد.

وَمَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلاَّ لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُواْ فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً
و بر تو نازل کردیم کتاب راکه بیان کننده همه چیز ومایه هدایت و رحمت است.

مرحوم صدرالمتألهین می‌گوید:
فرق میان کلام خدا و کتاب خدا مانند فرق میان بسیط و مرکب است و گفته شده است که کلام از عالم امر و کتاب از عالم خلق است و کلام وقتی تشخص یافت کتاب می‌شود.
راغب اصفهانی در مفردات، این ارتباط را چنین بیان می‌کند: «و فی التعارف ضمّ الحروف بعضها الی بعض بالخطّ؛» در عرف زبان، به انضمام حروف به یکدیگر با خط، کتابت گفته می‌شود.

بی‌نام:

جناب مهر ایین (انتی جون)
فکر کنم اگه یه ذره غافل شیم باید منتظر عبدالکریم سروش(دباغ) دیگری باشیم و ابداع عجیب دیگری از سوی شما که خداوند نه به وحی که قران را مکتوب نازل کرده .این دو آیه اثباط کننده نظر ماست که منظور خدای عزوجل از کتاب همان فرمان و قانون است وربطی به فیزیک کتاب ندارد.

یه نفر:

درباره جناب مجلسی (از پایه‌گذاران فرقه شیعه) هم اول باید بررسی کرد که ایشان کتاب بحارالانوار خود را بر چه متریالی نوشته و نمونه‌هایی از نسخه اصلی آن کجاست؟ با توجه به اینکه فقط پوست است که امکان دوام برای چندین قرن را دارد، این علامه ما برای نوشتن 110 جلد فعلی کتاب بحارالانوار لابد نسل آهوان را منقرض کرده است! و اما راغب اصفهانی که در قرن 5 می‌زیسته که دیگر جای خود دارد.

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 17 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:30 AM



... ادامه از قبلی

مهرآیین:

هو الذی بعث فی الامیین رسولا. یتلو علیهم آیاته و یعلمهم الکتاب و الحکمه
توجه کنید که کتاب و حکمت مقابل هم قرار گرفته اند . حال اگر منظور از کتاب همان حکم و فرمان الهی باشد قطعا حاوی حکمت نیز هست و نیازی به تفکیک این دو (کتاب و حکمت) از هم نیست.
قرآن کریم در ده مورد بر همراهی کتاب و حکمت پای فشرده است که این خود نکته‌ای تأمّل برانگیز است، پاره‌ای از آیات به شرح زیر است:
«و انزل الله علیک الکتاب و الحکمة» (نساء، 113)
«و یعلّمه الکتاب و الحکمة و التّوراة و الانجیل» (آل‌عمران، 48)
«و اذ علّمتک الکتاب و الحکمة و التّوراة و الانجیل» (مائده، 110)

همچنین در مورد پیامبران آل ابراهیم آمده است:
«فقد آتینا آل ابراهیم الکتاب و الحکمة» (نساء، 54)

در آیه‌ای دیگر، از این حد نیز فراتر رفته، خداوند از همه‌ی پیامبران بر کتاب و حکمتی که به آنان داده، پیمان گرفته است.
«و اذا اخذ الله میثاق النّبیّن لما آتیتکم من کتاب و حکمة» (آل‌عمران، 81

یه نفر:
در این آیات موضوع نزول، آموزش و آتینا مطرح است. همانطور که در کامنت‌های قبلی گفتم کتاب در قران یک مفهوم فیزیکی و شئی ندارد و در معنای قانون و آنچه درست است و باید اجرا شود می‌باشد و نمی‌توان از آن برداشت مفهوم امروزی کتاب را داشت.
اگر مفهوم امروزی کتاب مطرح بود پس موقع نزول باید توی سر پیامبر می‌خورد یا باید پیامبر جاخالی میداد. بر اساس مفهوم امروزی، آموزش کتاب توسط خداوند چه معنا و مفهومی دارد؟ اساسا آموزش کتاب یعنی چه؟ مگر کتاب آموزش دادنی است؟
دادن (آتینا) کتاب به مفهوم امروزی به آل ابراهیم از طرف خداوند چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ یعنی خداوند به آل ابراهیم هدیه داده؟
درباره حکمت تمام موارد شدنی است چون حکمت هر تعبیری هم از آن بکنید در نهایت یک مفهوم معنوی است و نه شیئی و مادی
****

آرش:
شما مثل اینکه متوجه کلام آقای مهرآیین نشدی. ایشان گفت کلمه (کتاب) در قرآن معانی مختلفی دارد. فقط معنای (حکم کردن و فرمان دادن) نمی دهد. شما اصرار بیهوده داری که یک معنا می دهد. با توجه به اینکه حکم الهی شامل حکمت نیز هست پس نباید در قرآن بین

حکم و حکمت فاصله وجود داشته باشد و دو امر منفک حساب شوند. (... و یزکیهم الکتاب و الحکمه) مگر اینکه بپذیرید در جاهایی از قرآن کلمه کتاب معنی حکم و فرمان نمی دهد.

یه نفر:
"مگر کتاب آموزش دادنی است؟"
جناب آرش
کی میخاین دست از این کاراتون بردارین؟ حداقل برین پیش جاعلان شیکاگویی تاریخ باستانی‌تون به کمی کلک بازی و جعل یادتون بدن. آخه "یزکیهم الکتاب و الحکمه..." یعنی چی؟ یه ذره سواد داشته باشین می‌فهمین دارین هذیون می‌گین.
مگه نگفتم زور نزنین؟ مگه ندیدین چه بلایی سر آذری مشکین شهری اومد بعد از اون همه زور زدن.
فکر کردین همه چی رو مثل تاریخ جعلی‌تون جعل کرد؟ این هم اصل آیه قرانی که تحریفش کردین
"...یتلو علیهم آیاته و یزکیهم و «یعلمهم» الکتاب و الحکمه ..." سوره آل عمران آیه 164

دوباره ازتون می‌پرسم:
اگر مفهوم امروزی کتاب مطرح بود پس موقع نزول باید توی سر پیامبر می‌خورد یا باید پیامبر جاخالی میداد. بر اساس مفهوم امروزی، آموزش کتاب توسط خداوند چه معنا و مفهومی دارد؟ اساسا آموزش کتاب یعنی چه؟ مگر کتاب آموزش دادنی است؟
دادن (آتینا) کتاب به مفهوم امروزی به آل ابراهیم از طرف خداوند چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ یعنی خداوند به آل ابراهیم هدیه داده؟

ادامه در بعدی...

محمدرضا نیسی
پنجشنبه 17 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:36 AM



... ادامه از قبلی

بی‌نام
آقای مهر آیین(انتی جون)آقای احمد.آقای ارش

چرا اینقدر خارج می زنید اولا"کلمات هرچند از یک ریشه باشند ولی بار معنایی مختلف دارند .بله ممکن است که حکم وحکمت از یک ریشه باشند ولی برادر بار معنایی هم سنگی ندارند.چرا که هر حکمی نمی تواند حکیمانه باشدوهر حکمتی هم نمی تواند حکمت آورده شده درپس کلمه کتاب در آیات قران باشد.خوب بحث ما اصلا" در باره کلمات وتخلیط کتاب وحکمت نبود.
جناب مهر آیین نمی دانم یادت هست جهت بحث ما چه بود؟فکر کنم یادت رفته وبه همین علت به سفسطه بازی روی اوردید.اثباط وجود قلم و به این منظور کتاب را شاهدی بر وجود قلم آوردی حال که در خلال بحثها مشخص شد که منظور قران از کتاب شیئی مادی وملموس نیست زدی به جاده خاکی وشروع به گرد وخاک کردی وبه هرحشیش متشبص بشدی.
بد نیست به تاخر حکمت بر کتاب دقتی داشته باشی که حکمت متاثر از کتاب(قران) مورد تایید است نه حکمت متاثر از اندیشه های انسانی یا هر کتاب دیگر.

آقای آرش اولا" شما بفرمایید اینگونه آیه را ابتر کردن از خواستگاه بی سوادی است یا لاقیدی به اصول (... و یزکیهم الکتاب و الحکمه) .پسر جان خراب کردی.
در ضمن یک بار دیگه مطلبت را بخوان وبین من متوجه نشدم یا حضرت عالی.
در ضمن از نظر انتقال مطلب حکم کردن وفرمان دادن با حکم وفرمان بدون فعل "کردن" فرق می کند پس امانتداری در بازگو کردن مطلب بنده

حفظ بفرمایید لطفا".
واما بهتره خود آقای خود آقای مهر آیین دفاع کنند چون به نظر می رسد در سفسطه از شما قوی تراست. جای آیات را در قران می شناسند هر چند بد تفسیر وتاویل می کند.

جناب آذری در مقابل افکار بدیع شما بنده لنگ انداخته ام لطفا" بیش از این در افشانی نفرمایید. به ظاهر وجود شما کفایت بر رد آیه" فتبارک الله احسن الخالقین" برای احتجاج گران لائیک است که چه مونگولی آفریده که نه فقط احسن نیست بل در حد اغبر است.اگر بگویم معلومات شما به اندازه مجهولات باری تعالی است دست از این شر وور گوییهایتان بر می دارید.
****

مهرآیین:

جناب آقای یه نفر

همانطور که گفتم واژه " کتاب " در قرآن معانی مختلفی دارد. و این طور نیست که شما فکر می کنید فقط یک معنا (حکم و فرمان دادن) بر آن مترتب است.دقت کنید :
قرآن می فرماید: «رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُواْ صُحُفًا مُّطَهَّرَةً * فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَة;
یعنی : پیامبری از جانب خداوند که صحیفه پاکیزه می خواند، (صحیفه هایی) که در آن نوشته هایی استوار است.

خوب دیگر از این روشنتر و واضح تر ؟
در این آیه به صراحت واژه " کتب " به معنی نوشته آمده است.
آیات متعدد دیگری هم وجود دارد که اگر مایل باشید بازگو خواهم کرد.

می دانید که در عربی کلمه " صحف " به معنی برگهایی از " کاغذ " است که روی آن نوشته شده است. برگی که از دو رو مکتوب باشد .
این واژه به همین صورت، در هشت مورد از آیات قرآنی آمده است.

یه نفر:
جناب مهر آیین
دلیل این همه اصرار شما برای چیست؟ اینکه بگویید کتاب به مفهوم و شکل و شمایل شبیه امروز بوده؟ همانطور که در کامنت‌های قبلی گفتم از لحاظ فنی و امکانات بشر در تولید متریال مناسب برای نوشتن بر آن و وسیله نوشتن یا همان قلم تا همین چند قرن اخیر امکان تولید کتاب به این شکل و شمایلی که می‌شناسیم وجود نداشته است. تازه این موضوع به غیر از نبود امکان دوام متریال کاغذی برای مدت چند قرن است.
و اما در باب مقوله صحف همانطور که خود می‌گویید به برگ‌هایی از "کاغذ" اطلاق می‌شود... پس از صحف معنای کتاب برداشت نمی‌شود و امروزه هم اعراب از صحیفه و صحف استفاده‌ای غیر از کتاب می‌کنند.
در باب کتب باز هم اشتباه کردید مانند اشتباه قبلی؛ "کتب قیمه" باز همانطور که خود می‌گویید به معنای نوشته‌های استوار است که منظورتان مستدل و عقل پسند است. باز هم در اینجا اشاره به یک مفهومی از جنس شیء و ماده نیست چون صفت مستدل و عقل پسند از جنس شیء نیست. اگر مقصود شیئی بود باید از صمانند حجیم، بلند و زیاد و ... استفاده می‌شد. اگر چه همان معنای فارسی آن یعنی نوشته‌ها نیز مفهومی شیئی ندارد.
باز هم می‌بینیم در اینجا "کتب" نیز مفهومی معنایی دارد.

جناب مهرآیین به دنبال آوردن استدلال از قران برای آنچه که از لحاظ واقع و فنی نمی‌تواند صحیح باشد و به وقوع پیوسته باشد، نباشید. باز هم می‌گویم امکانات بشر در حوزه نوشتن چه از نظر ابزار آن یعنی قلم و چه از نظر متریال آن تا همین اواخر توسعه نیافته بود. مطالب قلم در سایت آقای پور پیرار را بخوانید و اگر خوانده‌اید مجددا اینکار را انجام دهید. قطعا راهگشا خواهد بود.

ادامه دربعدی...

محمدرضا نیسی
پنجشنبه 17 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:43 AM


ناظر:

در مورد آیه زیر چه نظری دارید؟
یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ إِذَا تَدَایَنتُم بِدَیْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاکْتُبُوهُ وَلْیَکْتُب بَّیْنَکُمْ کَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلاَ یَأْبَ کَاتِبٌ أَنْ یَکْتُبَ کَمَا عَلَّمَهُ اللّهُ فَلْیَکْتُبْ وَلْیُمْلِلِ الَّذِی عَلَیْهِ الْحَقُّ وَلْیَتَّقِ اللّهَ رَبَّهُ وَلاَ یَبْخَسْ مِنْهُ شَیْئًا سوره ۲: البقرة - جزء ۳
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه به وامی تا سررسیدی معین، با یکدیگر معامله کردید، آن را بنویسید. و باید نویسنده‌ای (صورت معامله را) بر اساس عدالت، میان شما بنویسد. و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتن خودداری کند؛ همان گونه که خدا او را آموزش داده است. و کسی که بدهکار است باید املا کند، و او (=نویسنده) بنویسد.

به آیه زیر هم التفات بفرمایید:
وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَیْکَ کِتَابًا فِی قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَیْدِیهِمْ لَقَالَ الَّذِینَ کَفَرُواْ إِنْ هَذَا إِلاَّ سِحْرٌ مُّبِینٌ سوره ۶: الأنعام - جزء ۷
و اگر مکتوبی نوشته بر کاغذ بر تو نازل می‌کردیم و آنان آن را با دستهای خود لمس می‌کردند قطعا کافران می‌گفتند این جز سحر آشکار نیست

و این هم آیه ای دیگر:
فَوَیْلٌ لِّلَّذِینَ یَکْتُبُونَ الْکِتَابَ بِأَیْدِیهِمْ ثُمَّ یَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِندِ اللّهِ لِیَشْتَرُواْ بِهِ ثَمَنًا قَلِیلًا فَوَیْلٌ لَّهُم مِّمَّا کَتَبَتْ أَیْدِیهِمْ وَوَیْلٌ لَّهُمْ مِّمَّا یَکْسِبُونَ سوره ۲: البقرة - جزء ۱
پس وای بر کسانی که کتاب با دستهای خود می نویسند سپس می‌گویند این از جانب خداست تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته و وای بر ایشان از آنچه به دست می‌آورند

یه نفر:

من در حداقل 30 کامنت اخیر بارها خدمت خوانندگان گفتم که میزان پیشرفت بشر در تولید قلم کارآمد تا همین چند دهد اخیر به تکامل نرسیده و قبل از ان با پر،قلم فلزی برای نوشتن بر سنگ، قلم نی و ... به ترتیب زمانی استفاده می کرده است که 100 البته استاد پورپیرار به تفصیل و دقت و استدلال تمام تاریخچه رشد و تکامل قلم را تشریح کرده اند.

درباره آیه اول خدمت عرض کنم که خدا گفته بده و بستان هایتان را بنویسید نه گفته برید کتاب بنویسید و نحوه ثبت معاملات را برای جلوگیری از اختلاف بین مسلمین تشریح کرده نه اینکه برید کتاب برای ابن ندیم، این خلدون، ابن قطیبه، حکیم بی نظیر!!! فردوسی، فارابی و ... جعل کنید که ملت های مسلمان چنان توی سر هم نزنند که هیچ افق مشخصی برای اصلاح حال و روزشان متصور نبود. نه کنه می خوای بگی خدا گفته بنویسید و ما گفتیم کسی چیزی نمی نوشته؟ برای اینکه خیالت رو راحت کنم و دیگه دراین باره زور علکی نزنی برو کتاب پاپیروس ها از انتشارات استاد پورپیرار یعنی کارنگ رو بخون و ببین چند سند تاریخی درباره نوشتن و ثبت معاملات در این

کتاب وجود دارد و از اون مهمتر ببین قدرت و توانایی قلم بشر در گذشته دور چگونه بوده و روی این اسناد با چه کیفیتی نوشته شده است.

در آیه دوم هم؛ بله اگه خدا این کار رو می کرد ما هم می گفتیم سحر است. خداوند می داند که قدرت بشر در کتابت چقدر بوده که کتاب نوشته برکاغذ بر پیامبر نازل نکرد چون بشر آنروزی همچون چیزی را ندیده بود و در نتیجه از دید بشر یک کار خارق العاده میشد و به آن سحر میگفت. فکر کردی از این آیه میتونی برای تأیید جعلیات تاریخ باستانیت استفاده کنی! ما هم یه زمانی مسحور تاریخ میرالعقول باستانیتان بودیم اما به لطف تحقیقات ارزشمند استاد پورپیرار سحر و کید دانشگاههای شیکاگو، کمبریج و ... باطل گردید و شماها همچنان مسحورید و هر روز برایتان حفاری های باسانی در محوطه های باستانی شیکاگو انجام میدن و الواح باستانی را 300 تا 300 تا کشف میکنند!!!! فکر کردی حکمت خداوند مثل حکمت فردوسی است که سوتی بدهد!!!

و اما آیه سوم؛ نمیشه یه خورده فکر کنی؟! تو که باز خبت کردی در اینجا کتاب باز هم یک مفهوم شیئی و مادی نیست چون هدف از نوشتن ثبت یک مفهوم معنوی و غیر شیئی است که به آن عینیت داد. ما شعر مینویسیم، شیمی، فیزیک،ریاضی، خاطرات و .. را می نویسیم و تبدیل به کتاب به مفهوم امروزی میشود نه اینکه شعر،فیزیک،ریاشی،خاطرات و... را کتاب بدانیم. وقتی امروزه میگوییم کسی کتاب مینویسد منظور تألیف و تبدیل یک مفهوم غیر شیئی به یک مفهوم شیئی است. به زبان بسیار ساده یعنی بشر مفاهیمی غیرشیئی مانند شعر و .. را می نویسد و کتاب را تولید میکند. در اینجا باز هم مراد از کتاب آنچه خداوند گفته و قانون و صحیح است میباشد که عده ای می خواستند با احترامی که مسلمانان برای آن قائل بوده اند تجارت کنند.

و باز هم آن تعبیر خنده دار از "یعلمهم الکتاب" را تکرار میکنی و باز ازتون می پرسم آموزش کتاب یعنی چی؟ مگر کتاب آموزش دادنیست؟ به ما بگید شاید بتون ایمان اوردیم. از همه باستان پرستان عزیز میخواهم برای توجیه جعلیات باستانیتون دست به دامن قران نشوید چون موفق نخواهید شد. فقط یک راه دارید سراغ خدای خود و کتاب او بروید و رو به قبله او نماز بگذارید. دنیا فقط شیکاگو

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 17 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:50 AM

ناظر:

در مورد آیه زیر چه نظری دارید؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلاَ يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللّهَ رَبَّهُ وَلاَ يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا سوره ۲: البقرة - جزء ۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه به وامی تا سررسیدی معین، با یکدیگر معامله کردید، آن را بنویسید. و باید نویسنده‌ای (صورت معامله را) بر اساس عدالت، میان شما بنویسد. و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتن خودداری کند؛ همان گونه که خدا او را آموزش داده است. و کسی که بدهکار است باید املا کند، و او (=نویسنده) بنویسد.

به آیه زیر هم التفات بفرمایید:

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُواْ إِنْ هَذَا إِلاَّ سِحْرٌ مُّبِينٌ سوره ۶: الأنعام - جزء ۷

و اگر مکتوبی نوشته بر کاغذ بر تو نازل می‌کردیم و آنان آن را با دستهای خود لمس می‌کردند قطعا کافران می‌گفتند این جز سحر آشکار نیست

و این هم آیه ای دیگر:

فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِندِ اللّهِ لِيَشْتَرُواْ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُونَ سوره ۲: البقرة - جزء ۱

پس وای بر کسانی که کتاب با دستهای خود می نویسند سپس می‌گویند این از جانب خداست تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته و وای بر ایشان از آنچه به دست می‌آورند

یه نفر:

من در حداقل 30 کامنت اخیر بارها خدمت خوانندگان گفتم که میزان پیشرفت بشر در تولید قلم کارآمد تا همین چند دهد اخیر به تکامل نرسیده و قبل از ان با پر،قلم فلزی برای نوشتن بر سنگ، قلم نی و ... به ترتیب زمانی استفاده می کرده است که 100 البته استاد پورپیرار به تفصیل و دقت و استدلال تمام تاریخچه رشد و تکامل قلم را تشریح کرده اند.

درباره آیه اول خدمت عرض کنم که خدا گفته بده و بستان هایتان را بنویسید نه گفته برید کتاب بنویسید و نحوه ثبت معاملات را برای جلوگیری از اختلاف بین مسلمین تشریح کرده نه اینکه برید کتاب برای ابن ندیم، ابن خلدون، ابن قطیبه، حکیم بی نظیر!!! فردوسی، فارابی و ... جعل کنید که ملت های مسلمان چنان توی سر هم نزنند که هیچ افق مشخصی برای اصلاح حال و روزشان متصور نبود. نه کنه می خوای بگی خدا گفته بنویسید و ما گفتیم کسی چیزی نمی نوشته؟ برای اینکه خیالت رو راحت کنم و دیگه دراین باره زور علکی نزنی برو کتاب پاپیروس ها از انتشارات استاد پورپیرار یعنی کارنگ رو بخون و ببین چند سند تاریخی درباره نوشتن و ثبت معاملات در این کتاب وجود دارد و از اون مهمتر ببین قدرت و توانایی قلم بشر در گذشته دور چگونه بوده و روی این اسناد با چه کیفیتی نوشته شده است.

در آیه دوم هم؛ بله اگه خدا این کار رو می کرد ما هم می گفتیم سحر است. خداوند می داند که قدرت بشر در کتابت چقدر بوده که کتاب نوشته برکاغذ بر پیامبر نازل نکرد چون بشر آنروزی همچون چیزی را ندیده بود و در نتیجه از دید بشر یک کار خارق العاده میشد و به آن سحر میگفت. فکر کردی از این آیه میتونی برای تأیید جعلیات تاریخ باستانیت استفاده کنی! ما هم یه زمانی مسحور تاریخ میرالعقول باستانیتان بودیم اما به لطف تحقیقات ارزشمند استاد پورپیرار سحر و کید دانشگاههای شیکاگو، کمبریج و ... باطل گردید و شماها همچنان مسحورید و هر روز برایتان حفاری های باسانی در محوطه های باستانی شیکاگو انجام میدن و الواح باستانی را 300 تا 300 تا کشف میکنند!!!! فکر کردی حکمت خداوند مثل حکمت فردوسی است که سوتی بدهد!!!

و اما آیه سوم؛ نمیشه یه خورده فکر کنی؟! تو که باز خبت کردی در اینجا کتاب باز هم یک مفهوم شیئی و مادی نیست چون هدف از نوشتن ثبت یک مفهوم معنوی و غیر شیئی است که به آن عینیت داد. ما شعر مینویسیم، شیمی، فیزیک،ریاضی، خاطرات و .. را می نویسیم و تبدیل به کتاب به مفهوم امروزی میشود نه اینکه شعر،فیزیک،ریاشی،خاطرات و... را کتاب بدانیم. وقتی امروزه میگوییم کسی کتاب مینویسد منظور تألیف و تبدیل یک مفهوم غیر شیئی به یک مفهوم شیئی است. به زبان بسیار ساده یعنی بشر مفاهیمی غیرشیئی مانند شعر و .. را می نویسد و کتاب را تولید میکند. در اینجا باز هم مراد از کتاب آنچه خداوند گفته و قانون و صحیح است میباشد که عده ای می خواستند با احترامی که مسلمانان برای آن قائل بوده اند تجارت کنند.

و باز هم آن تعبیر خنده دار از "یعلمهم الکتاب" را تکرار میکنی و باز ازتون می پرسم آموزش کتاب یعنی چی؟ مگر کتاب آموزش دادنیست؟ به ما بگید شاید بتون ایمان اوردیم. از همه باستان پرستان عزیز میخواهم برای توجیه جعلیات باستانیتون دست به دامن قران نشوید چون موفق نخواهید شد. فقط یک راه دارید سراغ خدای خود و کتاب او بروید و رو به قبله او نماز بگذارید. دنیا فقط شیکاگو

پاسخ:

آقای نیسی. مطالعه دقیق و به قصد بهره وری از قرآن، شبیه معجزه ای بر تفکر و تمایلات آدمی اثر می گذارد. مثلا می توان از الیس الصبح بقریب برداشت آرمانی کرد و یا این که صبح را دمیدن روشنایی هر روزه گرفت. در باب ن والقلم و ما یسطرون هم چیزی شبیه اذا السماء انفطرت و اذا الکواکب انتثرت است، به قلم و حاصل کار با آن که نشر اندیشه و علم است در تمام دوران ها سوگند خورده می شود و نه به قلمی که در دست پیامبر در حال نوشتن است! اشاره دیگر قرآن به تبدیل تمام درختان به قلم نیز، گواه روشنی است که تراشه های چوب

درختان را به عنوان قلم به کار می برده اند.
بی هوده اوقات تان را تلف جماعتی نکنید که ده سال است به قدر حشره ای فهم اشارات نکرده اند. راستی گمان می کنید کسانی را که از سه مستند روشنگر برداشتی نداشته اند، با ارائه ادله و آیات متنبه خواهید کرد؟! عناد آن ها موضوع انجام وظیفه ای مقرر و با برنامه است. به تر این که آنان را به کار خود واگذارید.

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 17 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:55 AM

ناظر:

جناب یه نفر

در مورد آیه اول و دوم هدف من آوردن گواهی از قران بود که در آن به نوشتن و کاغذ(قرطاس) اشاره شده و در آیه سوم هم به نوشتن کتاب اشاره گردیده است. حال این نوشتن معنی نگارش کتابی جدید باشد یا دستکاری در کتابی قدیمی هر دو دلالت بر وجود مجموعه ای از نوشته ها می کند که عنوان کتاب به آن داده شده است که موضوعی مادی بوده چون قابل خرید و فروش بوده است. در ضمن در هیچ یک از این آیات به عبارت "یعلمهم الکتاب" برنخوردم. نمی دانم منظورتان چیست.
به چه دلیل می گویید که مراد از کتاب دراینجا آنچه خداوند گفته و قانون و صحیح است میباشد؟ شاهدی از جای دیگری در قران دارید یا تفسیر شخصی شماست؟

یه نفر:

جناب ناظر

تو هم مثل آنتی جون که الان در نقش سخنگوی غیر رسمی او هستی، بر اساس یک دروغ وارد به اصطلاح نقد مقوله قلم استاد پورپیرار می‌شوی و اینکه استاد اساسا منکر وجود قلم می‌شوند برای اینکه به همه ثابت شود دروغ می‌گویید و خیالتان از نوشتن بشر بر روی قرطاس(پاپیروس) و کاغذ راحت شود لطفا به کتاب پاپیروس‌ها که توسط استاد پورپیرار منتشر شده و در آن بیش از 250 نمونه پاپیروسی آورده شده مراجعه کنید و علاوه بر آن متوجه توان کم و قدرت مانور ضعیف قلم بشر در آن دوران نیز خواهید شد.

در کامنت‌های قبلی مفصلا درباره کاغذ و پاپیروس و نحوه استفاده آن توضیح داده‌ام و درباره آیات با اینکه تکراری است ولی ناظر باهوش ما همونطور که گفتم یک مفهوم غیر شیئی مانند شعر و... رامی‌نویسیم و آنچه تولید می‌شود کتاب است. در این آیه خداوند به این اشاره دارد که بعضی‌ها قانون و دستور خداوند(کتاب) که یک مفهوم غیرشیئی است را بر روی کاغذ یا پاپیروس که اصرار دارید آنرا کاغذ بنامید می‌نوشتند و بعد به دلیل احترامی که اعراب بی‌تمدن و وحشی برای قانون(کتاب) خداوند قائل بودند آن کاغذها یا پاپیروس‌هایی که کتاب خداوند بر روی آن نوشته شده بود را می‌خریدند.

جناب ناظر
تمام این بحث‌های ما با شما این است که بشر نمی‌توانسته کتاب به مفهوم امروزی بنویسد و امثال شماها به این همه کتاب جعلی برای اثبات عظمت!! تاریخ باستانی‌تان استناد کنین. اگر هم بتوانی چیزی در قران به نفع نظرت ثابت کنی با 2 مشکل اساسی مواجهی:
1- هم ابزار کتابت بشر یعنی قلم قدرت مانور کمی داشته و نمی‌توانسته این همه کتاب ادعایی جعل‌پرستان از جنس معتقدان به حکمت بی‌بدیل فردوسی و هم از جنس اعراب تا ابد وحشی(برای اینکه بیشتر حال کنین) معتقد به ابن‌ندیم جعلی، نمی‌توانسته نوشته شده باشد و هم اینکه بشر به دلیل ضعف دانش و تکنولوژی و ابزار صنعتی مناسب برای تولید متریال کتابت یعنی کاغذ با کیفیت و نازکی امروز، نمی‌توانسته تولید کند. اگر به فرض محال بشر در گذشته دور توانسته باشد کاغذی به ضخامت رؤیایی 1 میلیمتر تولید کند، ضخامت یک

کتاب 1000 صفحه‌ای بدون جلد نیم متر می‌شود. دیگر خودتان بقیه‌اش را قضاوت کنید.

2-به فرض محال از چنین گردنه‌ای عبور کنید و بتوانید استدلال معقولی بیاورید که نخیر شعب باستانی ایرانی دانشگاه‌های شیکاگو و کمبریج در دوران پادشاهان رؤف و بشردوست حاخام‌منشی با استفاده از دستگاه‌های دقیق و تکنولوژی نانو کاغذی به ضخامت کاغذهای امروزی تولید کرده‌اند و با خودنویس فرانسوی می‌نوشتند، حال می‌گوییم نمونه‌های اصلی و اوریجینال این شاهنامه‌های پر از حکمت فردوسی کجاست؟ نمونه الفهرست ابن ندیم در کدام عطاری وجود دارد؟ شرایط محیطی کاری با کتاب‌های باستانی‌تان نداشته‌اند؟ این کتاب‌های ادعایی در چه شرایطی نگهداری می‌شده که دهها قرن دوام آورده‌اند؟ لابد می‌خواهید بگویید در حفاری‌های باستانی در شیکاگو یافته‌اید و زیر خاک محفوظ مانده‌اند!!!!

...یه بحث فنی کوچولو درباره عدم امکان تولید کتاب به مفهوم امروزی در گذشته‌های دور؛ ضخامت کاغذهایی که امروزه در کتاب‌ها استفاده می‌شود معمولا 0.1 میلیمتر است که به لطف تکنولوژی و دستگاه‌های بسیار دقیق ایجاد چنین ضخامت بسیار کم ولی مقاوم و بسیار قابل انعطاف ممکن شده است. حال با این ضخامت یک کتاب 1000 صفحه‌ای بدون در نظر گرفتن جلد آن دارای 5 سانتیمتر ضخامت خواهد بود. حال به فرض محال بشر در 10 یا 20 قرن پیش توانسته باشد زور خود را بزند و همه دانش و تکنولوژی خود را جمع کند و کاغذی به ضخامت 1 میلیمتر تولید کرده باشد آنگاه یک کتاب 1000 صفحه‌ای نیم متر ضخامت می‌داشت.

اونوقت همونطور که الان جعلیات بار باستان‌پرستان محترم کرده‌اند این کتاب‌های خیالی را هم بار می‌کردند و 5 نفر آن را می‌گرفتند تا یکی برای بقیه بخواند بماند که چگونه چنین کتابی را در ان زمان صحافی می‌کرده‌اند. با اینکه بحثی تکراریست و جعل‌پرستان و باستان‌پرستان محترم خود را به کوچه علی چپ میزنند اساسا کاغذ به دلیل شرایط محیطی امکان دوام ندارد و هر کتابی که ادعای قدمت طولانی برای آن شود و روی کاغذ باشد جعلی است. گرچه بر اساس توانایی قلم اصلا بشر نمی‌توانسته در حجم‌های ادعایی تاریخ مجعول کتاب تولید کرده باشد.

آذری جووووون تو حالا بیا دم خروس‌های تاریخ جعلی‌تو جمع کن بعدش بیا از هردوت دفاع کن. در زمان هردوت متریال رایج کتابت سنگ بوده، میشه لطف کنی و نمونه‌های اوریجینال هردوت رو بگی کجاست؟ احتمالا کوه‌ها و صخره‌های کشور یونان!!! آقا خرگوشه هویج دیگه کارساز نیست برو آبهویج بخور

دومی
پنجشنبه 17 تیر ماه سال 1389 ساعت 03:21 AM


خانم حاجی زاده اندکی هم تفریح باید در مبنای کار باشد. باید به آن بوزینه ای که در وبلاگ اش نصب را نسب می نوشت، فراوان فراوان خندید !

پنجشنبه 17 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:52 AM


سلام‌علیکم

حالا جناب امیر بفرمایند با این بحث‌های صورت گرفته و این همه استدلال فنی درباره توان ابزار نگارش و متریال کتابت هنوز داعیه تولید کتاب در قرن‌های دور گذشته را دارند؟
این مطلب را هم می‌اورم که یکجا جواب بدهید:

یه نفر:
و باز هم از صنعت چاپ مهمتر متریال نوشتن است، به گونه‌ای حرف می‌زنی انگار من منکر وجود کاغذ شده‌ام. (با فرض صحت آنچه درباره

کاغذ باستانی گفته‌اند) کاغذ در زمان‌های قدیم به دلیل نبود تکنولوژی کافی و مناسب، دانش کم بشر، نبود مواد شیمیایی مورد نیاز و ..به صورت نامرغوب، در مقدار کم، با ضخامت زیاد و قدرت انعطاف ضعیف تولید می‌شده است و معمولا برای استفاده‌های اعیانی و درباری آن هم به صورت محدود به کار می‌رفت.

بشر تا یکی دو قرن اخیر نتوانست به دانش استفاده از مواد قلیایی و اسیدی برای درست کردن دوغاب مخصوص چوب برای تولید کاغذ نسبتا مرغوب دست یابد. علاوه بر این کاغذ در مقابل عوامل محیطی نظیر رطوبت، تغییرات دما، نور، گردوخاک و .. به شدت آسیب‌پذیر است و اصولا دشمن اصلی کاغذ یعنی رطوبت، در خوشبینانه‌ترین حالت اجازه دوام بیش از 2-3 قرن را به هیچ کاغذی نمی‌دهد و آنرا به پودر تبدیل می‌کند. البته امروزه به کاغذ مواد ضدرطوبت و چسب‌های مخصوص برای حفظ بافت آن می‌زنند که باز هم برای نگهداری طولانی مدت به مراقبت‌های ویژه نیاز است.

خوب حالا باستان‌پرستان بگویند این همه کتاب در حوزه‌های مختلف علوم، که ادعا می‌کنید از n سال پیش به جا مانده، بر روی چه متریالی نوشته شده؟ با چه ابزاری نوشته شده؟ نمونه اصلی و اورجینال آن در کجاست؟ البته این سوال فقط شامل باستان‌پرستان نمی‌شود این یک معیار بسیار دقیق و عقل‌پسندی است که می‌توان با آن همه آنچه از تاریخ بشر گفته می‌شود را اندازه زد و واقعی یا جعلی بودن آنرا سنجید.

به عنوان مثال چه افسانه‌ها که به نقل از هردوت گفته نمی‌شود! حال باید از آقایان پرسید در 1400 سال قبل از میلاد که بشر روی سنگ می‌نوشته این مورخ اساسا جعلی شما این همه اطلاعات تاریخی را روی چه نوشته؟ ایشون باید کلیه کوه‌ها و صخره‌ای یونانی را کتیبه نویسی کرده باشد!!! یا این ویل دورانت محترم این همه تاریخ‌نویسی خود را بر اساس کدام منابع و مستندات انجام داده؟ نمونه‌های این مستندات کجایند؟

بینید عظمت جعل و دروغ در تاریخ را. وقتی به شما می‌گوییم باستان‌پرست یا جعل‌پرست به این دلیل است. بروید از این ناراحت باشید که چگونه سرکارید و فقط سواری می‌دهید. آنتی جوووون برو خوش باش و چند تا جمله سر و ته بریده را انتخاب کن و به زعم خودت نقد بنویس راستی نظرت رو درباره تاثیر مسهل سولفات دوسود در درمان اسهال خونی کمال‌الملک نگفتی؟

کاکا
پنجشنبه 17 تیر ماه سال 1389 ساعت 12:08 PM

سلام

جناب آقای منصور عزیز کاملا درست می فرمایید و از راهنمایی شما سپاسگذارم .

موفق و پایدار باشید

شبر
پنجشنبه 17 تیر ماه سال 1389 ساعت 12:17 PM

آقای منصور با سلام،

در اسکاندیناوی همه پدربزرگها هم میدانند که کتاب سینوهه داستان و زائیده تخیلات فنلاندیهاست. حالا شما ذبیح الله منصوری را می شناختید و بعدها به خیال خودتان از او مچگیری کرده اید، نشان از کوچک بودن دایره زندگی ما ایرانیها دارد که هر آبراهی را سلسبیل می بینیم و بعد به محض التفات به اصل داستان برای دایورت کردن نادانی خودمان منکر عالم و آدم می شویم! پس تند نروید و به بهانه یک سری جعلیات که زائیده دست پدران خود شما و من است!! همه میز را بر نگردانید!

ادعای بزرگی کردید و آنرا به آقای پورپیرار نسبت دادید:

اگر سخن از عدم وجود قلم و کتابت در دنیا و قارههای مختلف در میان است که اولا، با منزل نشینی در تهران نمی توان چنین نسخه ای بزرگ را برای همه دنیا صادر کرد! (مرا به یاد یک شخصیت معاصر نیندازید که هر روز برای دنیا نسخه صادر میکند) حداقل کسی اجازه دارد چنین ادعائی نماید که بالای سر هر کدام از این کتابت ها به اشکال و احجام مختلف رفته باشد، یک مطالعه ای از آثار مکتوب اقوام و ملل انجام داده باشد و چیزی مادی در چنته داشته باشد که تازه به جمع کثیری از محققین و اندیشمندان ملل متفاوت می پیوند که سالها در گوشه و کنار دنیا مشغول بوده و هستند. شما که بغیر از نوشته های آقای پورپیرار که آنهم در مورد شرق میانه است چیز دیگری ندارید؟؟

حال توجه شما را به این آیه شریفه جلب میکنم. لطفا برداشت شخصی تان در مورد عملکرد و کارائی چنین قیاسی در قرآن کریم را بفرمائید:

بسم الله الرحمن الرحیم

يَوْمَ نَطْوِى السَّمَاءَ كَطَىِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ (الانبياء 104)

محمدرضا نیسی
پنجشنبه 17 تیر ماه سال 1389 ساعت 2:28 PM

سلام‌علیکم
مطلب
پنجشنبه 17 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:52 AM
را من گذاشتم که فراموش کردم نام را وازد کنم

یه نفر
پنجشنبه 17 تیر ماه سال 1389 ساعت 6:13 PM

با سلام ، به استحضار می رسانم که یه نفر ، اسمی که مدتها پیش با آن در ناریا کامنت می گذاشتم ، تعطیل شده است !
آن یه نفر هم که در ناریا2 دارد نظر می دهد ، من نیستم ! دلیل آن هم ساده است :
از این کار نهی شده ایم !
در واقع مدتهاست که آدرس ناریا2 را گم کرده ام ! امیدوارم کسی نشانی درست تحویلم ندهد !

پاسخ:

آقای یه نفر قدیم. هنوز هم از دوستان خواهش دارم که به منابعی که جز تکرار هزار باره حرف های کپک زده ندارند، اعتنایی نکنند و پاسخی ننویسند. آن ها نه برای آموختن که به عنوان انجام وظیفه وبلاگ و سایت زده و چرندیات می پراکنند. اگر به فرض محال زمانی کسی مطلبی نو در باب این مباحث مطرح کرد، پاسخ او با خود من است.

کاکا
پنجشنبه 17 تیر ماه سال 1389 ساعت 8:58 PM

سلام

دوستان بد نیست برای زنگ تفریح و خستگی در کردن هم که شده یک سری به وبلاگ " آنتی پورپیرار " بزنید و ببینید که چطور آقای " یه نفر " به تنهایی ! بساط باستان پرستان را بر هم زده و آنجا را تبدیل به یک سیرک مورد مضحکه نموده است . و علاوه بر توضیحات دقیق و منطقی در باره تاریخ و دین ، چه زیبا از اصطلاحاتی مانند : جووووون و سولفات دو سود کمال الملک ، در مقابل باستان پرستان مقابله به مثل کرده است .

موفق باشید

سلام محمدی
جمعه 18 تیر ماه سال 1389 ساعت 00:53 AM

با سلام خدمت استاد ودوستان
آقای مجتبی غفوری
در ارتباط با مقاله ای که در یکی از سایتها ی هنری گذاشتم . آقای "علیرضا آشتیانی" در مقابل نوشته من، ازشما نام برده و شما را نقد کرده است . اگرنیاز دانستید غیر از پاسخ من که خواهم نوشت ، خودتان هم در این سایت نظری بگذارید.
باتشکر

id=557&cmd=4&http://www.kurdishcartoon.com/index.php?Page=Articles

R134a
جمعه 18 تیر ماه سال 1389 ساعت 12:06 PM

با سلام
شورای گسترش وزارت علوم تصویب و تاسیس رشته های زیر از کاردانی تا دکتری رو ممنوع کرده:
-حقوق
-مطالعات زنان
-مدیریت
-ارتباطات اجتماعی
-حقوق بشر
-اقتصاد
-علوم تربیتی
-علوم سیاسی
-روان شناسی
-جامعه شناسی
-فلسفه
و تمام زیر رشته های وابسته به رشته های فوق
علت رو وقتی ازشون پرسیدیم گفتن به دستور رهبر تا وقتی سرفصل این رشته ها بازنگری کلی نشه این وضعیت ادامه داره.

پاسخ:

آقای R134a. این تصمیم می تواند فصل نوی در مبارزه با زمینه های یهود ساخته علوم انسانی و قطع تزریق و تشویق و تعلیم دروغ گرفت.

سلام محمدی
جمعه 18 تیر ماه سال 1389 ساعت 3:41 PM

با سلام خدمت استاد ودوستان
آقای علیرضا آشتیانی

بااجازه استاد، سئوالات جنابعالی و جواب بنده را برای اطلاع شما واستفاده در خدمت دیگر دوستان اینجا میگذارم.

علیرضا اشتیانی

اقای سلام محمدی: نوشته تان را خواندم و به نقاط جالبی بر خوردم اما فکر نمی کنم که شما خودتان دلیل منع هنر و یا شاعری در قرآن را فهمیده باشید. اینکه استادتان اقای پورپیرار در این باره چیز هایی نوشته اند که با کتاب" مگر این پنج روزه" اش که در آن سعدی را به عرش الهی برده اند 180 درجه متضاد هستند جدا از این است که خودتان قرآن را مطالعه کرده و فهم خودتان را به قلم آورده باشید. اما من اصلا با محتوای نوشته تان کاری ندارم و فرض را بر این می گیرم که از سرتا پای نوشته تان موافق ام. انتقادی که من دارم این است که چرا شما در این مدتی که سایت استادتان باز بود به آن یکی استاد کبیرتان یعنی اقای مجتبی غفوری که تصادفا هنرمند و گیتار زن --- آنهم از جنس منحط ترین یعنی هارد راک --بود و شیفته مایک جکسون انتقادی نکردید.؟ ممنون از پاسخ تان

سلام محمدی

اقای علیرضا آشتیانی : کاش مبحث را در مورد مقاله ادامه می دادید و نقاط قوت و ضعف نوشته را بیشتر مورد بحث قرار می دادیم ، که موجب بسط و تامل بیشتری روی مباحث می شد .

اما شما به جای تشریح نظرتان ، از استاد پور پیرار و آقای غفوری سخن گفته اید . که با توجه به شناختی که از شما (در حد همان کامنتهایی که در وبلاگ استاد می گذارید) می توانستید همین سوال را از آقای غفوری بپرسید ، که قطعاً حرفهای زیادی برای گفتن دارند .

1- بحث کتاب " مگر این پنج روزه " را پیش کشیده اید . بنده در عجبم که با توجه به آشنایی شما با مطالعات استاد ، هنوز از روش تحقیق ایشان (متدی که دیگر نویسندگان و متفکرین را به زانو درآورده است) بی خبر هستید!!

اسلوب بررسی های ایشان بر دو پایه است :

الف : بررسی نقادانهٔ هر مدخل ، بر اساس فرض های موجود (آثاری مانند مگر این پنج روزه ، مبحث فردوسی در کتاب برآمدن اسلام و ...)

ب : بررسی ماهوی و نهائی هر مدخل ، بر اساس برداشت های جدید (مثلاً مباحثی پیرامون شهر شیراز و..... ساسانیان و ...)

2 - در ارتباط با آقای غفوری هم به گفته خود ایشان استناد می کنم که فرموده اند ((سبک هانوع خاصی از موسیقی به حساب می آید با اصول مربوط به خود از لحاظ استفاده از ریتم ها فواصل/ مدها /سازها و... در اینجا موسیقی تنها یک ابزار دست هنرمند است هنرمند می تواند بوسیله آن صداهایی را که در طبیعت نمی شنود را تولید کند . اصواتی که خداوند در جهان پخش کرده گاه بسیار آرام بخش و گاه بسیار وحشتناکند. در موسیقی نیز می توان به همین ترکیب دست زد می توان بوسیله استفاده از مدها صداهایی شاد و آرام بخش یا اصواتی مرموز و ترسناک ساخت و...... هیچ ربطی به این ندارد که چه کسی شیطان پرست است و چه کسی مسیحی یا یهودی است .... حال اگر شیطان پرست باشی می توانی در کنارش در مدح شیطان نیز ترانه ای بخوانی و... . توجه کنید قبل از اینکه گیتارت را برداری ذهنیت شکل گرفته گیتار فقط منعکس کنند درون توست . تو با زدن گیتار شیطان پرست /همجنس باز/ کافر یا هر چیز دیگری نشده ای بلکه قبلا به این موضوعات رسیده ای و حال با گیتار در حال اجرا کردن آهنگی در این رابطه هستی و....)) و برای درک کردن این مطلب کافی است قسمتی از مقاله را برایتان بگذارم ((انسان پرورش‌یافته است که تفاوت وجودی خود را درک می‌کند و در پیمودن مسیر، ابزار در خدمت تجلّی وجودی اوست و نه فقط در محدوده‌ای که اکنون، آن را هنر می‌خوانیم)) به محض اطلاع هم خدمتتان عرض میکنم که همین مقاله مربوط به سه سال گذشته است و هیچگاه در هیچ یک از نشریات (حتی محلی) همچون دیگر نوشته ها و مصاحبه ها مجوز نگرفت و سال گذشته در سایت استاد و محفل بنیا ن اندیشی هم نصب گردیده است .

پاسخ:

آقای محمدی. شماره شما را به استاد غفوری داده ام.

محمدرضا

جمعه 18 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:59 PM

جناب بی نام. احتراما در مورد مطالبی که در باره آقای اتفاق نگاشتید، باید به عرض تان برسانم که یا شما نمی دانید و یا خود را به نادانی می زنید. آقای اتفاق در نگارش این مطالب چند گاف و سوتی آشکار دادند که دستشان را کاملا رو کرده است برادر. از جمله این گافها: اول اینکه این مطالب به آدرس هایی ایمیل می شود که بعضی از آنها را فقط و فقط آقای اتفاق داشتند و نه هر کس و ناکسی!! دوم این که خود ایشان در حاشیه اخیرشان در جواب آقای غفوری اعتراف کردن که مولف همان مطلب پاسارگاد تحت عنوان تلنگر ۴ بودند!!! و همه می دانیم که این تلنگر ۴ چند سال پیش از سوی آقای اتفاق نوشته و منتشر شد!!! و سوم اینکه ایشان دست نوشته ای از استاد را اسکن و منتشر کردند که این دست نوشته از سوی آقای اتفاق گرفته شده بود!!! آقای بی نام لطفا از این به بعد کمی محتاط تر و عاقلانه تر رفتار کنید، قضاوت کنید، اظهار نظر کنید و بیندیشید!!!! به آقای اتفاق هم بگویید به تعبیر یکی از یاران بیشتر هویج بخورد!!!

منصور

جمعه 18 تیر ماه سال 1389 ساعت 6:14 PM

دوست عزیز جناب شبر.

سلام

نمی دانم کدام نکته از پاسخ من باعث عصبانیت و بانی اتهامات جنابعالی به بنده می باشد. جعلیات و هویت ذبیح الله منصوری یا جهان شمولی نظرات استاد در مورد نگارش کتاب.

پاسخ:

آقای منصور. ذبیح الله منصوری در دوران فعالیت خود، به عنوان مترجم، قریب ۵۰ جلد کتاب آماده کرد در موضوعات متفرق و متعدد، از زندگی تیمور لنگ تا طبیب فرعون، که یا نام مولف و یا متن تمامی آن ها مجعول مطلق است و برای استحکام مکتوبات و تلقینات در حوزه تاریخ و فرهنگ این منطقه کاربرد دارد. اگر در ۲۰۰ سال گذشته، کلیسا و کنیسه فقط یکصد نفر نظیر ذبیح الله منصوری را به استخدام گرفته باشد، قادر بوده اند۵۰۰۰ جلد کتاب برای انحراف اذهان آماده کنند حال آن که میراث مکتوب قدیم ایران در حدود ۵۰۰ کتاب است! نمونه ذبیح الله منصوری پاسخ روشنگری برای آنان است که پیوسته می پرسند یهودیان چه گونه این همه کتاب جعل کرده اند.

نتاب

شنبه 19 تیر ماه سال 1389 ساعت 00:59 AM

با سلام،

استاد عزیز آیا می‌شود گفت که کتابهای گلستان و بوستان بعد از نامگذاری کشورهایی که پسوند "ستان" دارند، ساخته شده‌اند؟ آیا 'ستان' در فارسی که اینک برای نامگذاری کشورها بکار برده می‌شود مشخص کرد نخستین بار کی به کار گرفته شد؟

با تشکر فراوان

پاسخ:

آقای منصور. مشکل این جاست که زبان فارسی تاریخچه ندارد!ناگهان در هندوستان ده ها فرهنگ لغت فارسی ظهور می کند که مناسب تمسخرند!

عباس سلامات

شنبه 19 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:35 AM

با سلام

نارپای عربی هنوز زنده اس و تا همیشه زنده خواهد بود

فصل 12 رو اگه تو فرووم نخوندین تو نارپای عربی موجوده الان.

http://naria.maktoobblog.com/

کورش آریایی

شنبه 19 تیر ماه سال 1389 ساعت 03:36 AM

به نام اهورامزدای جان و خردمندانه، بزرگ ایزدان

باید به دوست گران خودم 206 بفرمایم که این ناصر پورپیران همیشه در اکسپارتی و سک.سپارتی ها هم شرکت نمایاند ! وی به هیچ گاه سواد نمی دارد !

اهورامزدا شما را بپاید ! انشاالیهوه!

مسعود سنجری
شنبه 19 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:57 AM

آقای نتاب

سلام علیکم

تا آنجا که بررسی ها و منابع داخلی نشان می دهند کلمه "آستان - استان - ستان" کلمه ای ارمنی به معنی سرزمین است. موفق باشید.

والسلام علیکم

فی امان الله

بیژن
شنبه 19 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:27 PM

سلام جناب استاد پورپیرار

سوالی داشتم و چون شما را تنها منبع قابل اعتماد در مورد مسائل قرآنی و دینی می دانم ممنون می شوم اگر که پاسخ من را بدهید

آیا آنچنان که روایت است « فشار قبر » پس از موت جسدی انسان صحت داشته و مورد تایید اسلام و قرآن کریم است یا خیر ؟

با تشکر فراوان

پاسخ:

آقای بیژن. به خواندن قرآن عادت کنید و آن چه را که در آیه های قرآن ثبت نیست باور نکنید.

سعید
یکشنبه 20 تیر ماه سال 1389 ساعت 08:30 AM

شهری که همه خانم هایش چادری هستند

http://www.rajanews.com/detail.asp?id=54642

یکشنبه 20 تیر ماه سال 1389 ساعت 3:10 PM

http://www.rajanews.com/detail.asp?id=54719

نحوه افشای کودتای نوژه

واقعا قصه دل چسبی است!

کلا مادربزرگ چیز خوبیه!

افسوس که مادر بزرگ من فقط از گرانی نان و گوشت قصه میگوید!

محمدرضا نیسی
یکشنبه 20 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:12 PM

سلام‌علیکم

در ابتدا باز هم لازم می‌دانم از زحماتی که برای مبحث راهبردی قلم کشیده‌اید، تشکر کنم گرچه کلمات از بیان عمق تأثیر شگرف آن قاصرند.
وظیفه‌ای مهم بر دوش همه یاران بنیان‌اندیش می‌ماند همانا نشر تحقیقات استاد عزیز است که تلاش‌هائی صورت گرفته ولی هنوز جای کار بسیار است.
در مورد انتصاب ایمیل‌پراکنی‌های اخیر به جناب "اتفاق" از قرار معلوم اختلاف نظرهایی وجود دارد که پرداختن به این مسأله نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه باعث خوشحالی و تحقق بخشی از اهداف پلید این ایمیل‌پراکنان مستأصل می‌شود البته متن این ایمیل‌ها به گونه‌ایست که حاوی ضد خود است و دربرگیرنده مباحثی بنیادین و تغییردهنده‌ای چه از نظر فنی و چه از نظر اطلاعات عمومی نیست.
چه آقای اتفاق و چه سایرین خالی از اشکال و خطا نیستند و ما نباید با یک سری بحث‌های حاشیه‌ای باعث رنجش خاطر یاران بنیان‌اندیش را فراهم کنیم و ایادی یهود و باستان‌پرستان را خوشنود سازیم.

محمدرضا نیسی
یکشنبه 20 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:15 PM

جناب "محمدرضا"
با به‌کار بردن عباراتی از جنس "نادان" درباره یاران بنیان‌اندیشی همچون جناب آقای "بی‌نام" در حالیکه بحث منفی درنگرفته است، نه تنها باعث انجاد نقطه‌ضعفی برای این بزرگوار نخواهی شد بلکه خواننده را به شک درباره بعضی امور و مسائل وامی‌داری و در باب نقل قول ازکی از یاران درباره هویج، نظر ایشان بر این است که مصرف آبهویج خود را افزایش دهی تا شاید مؤثر افتد و کمی دقتت در به کار بردن لحن و کلمات افزایش یابد و متوجه ریختن آب به کدام آسیاب بشوی

سرباز مسلمان
یکشنبه 20 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:19 PM

با سلام
استاد جوابتان به بیژن جوابی سربالا نباشد حسابی هم نیست چون سوال مهمی است خوب است به این آیه اکتفا نمایید:
ولا تقف ما لیس لک به علم

محمدرضا نیسی
یکشنبه 20 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:24 PM

و اما جناب امیر
همچنان منتظر قرآن پژوهی شما در باب مقوله قلم هستیم و ببنیم بالاخره روی دست جاعلان شیکاگوئی و کمبریجی محترم خواهی زد یا نه؟ آیا خواهی توانست پایه‌گذار سبک جدید در اثبات جعلیات با استعانت از قرآن شوی؟
واقعا که مضحک است در حالیکه مبحث قلم استاد عزیز تأثیر ویران‌گری بیش از مستندهای مجعولات مجلل و تختگاه هیچکس داشته است و آنان چنان درمانده و کلافه کرده که به ندانم‌کاری‌هائی همچون فیلتر کردن و حذف وبلاگ بنیان‌اندیشی روی آورده‌اند، بعد عده‌ای مانند جناب "امیر" با ژستی متفکرانه و به ظاهر بنیان‌اندیشانه با تمسک به قرآن به شبه تراشی می‌پردازند.
واقعا که چه روزگاری شده است...

مقول
یکشنبه 20 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:33 PM

کپل خان این تعطیلی ها را فقط بخور بخواب تا اثرات سو این همه زحمت جفران بشه

بی نام
یکشنبه 20 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:51 PM

جناب آقای نیسی با سلام

فکر کنم ایشان ارزش پاسخگویی ندارد .البته این اولین باری نیست که این اقا جهت متشنج کردن جو وبلاگ تلاش می کنند. بنده تیز کلنگ انداختن عمله وار ایشان را هم سنگ عمل بی خردان می بینم که سکوت مناسب ترین عکس العمل برای پیش گیری از رم کردنشان است.
به هر حال از توجه شما ممنونم و حمیه شما را سپاسگزارم .

محمدرضا
دوشنبه 21 تیر ماه سال 1389 ساعت 09:09 AM

برای کسانی که یا روخوانی درست را هم بلد نیستند یا خود را به نادانی می زنند: من نگفتم کسی نادان است، بلکه گفتم خود را به نادانی می زند!!!! لطفا اگر خود را به نادانی نمی زنید کمی دقت فرمایید تا مطالب ساده و واضح را درست بخوانید، و اگر مایلید خود را به نادانی بزنید که هیچ!! در هر حال فکر کنم بوی دماغ سوخته میاد!!! چون مدعیان درباره گافهای آقای اتفاق بدجوری خاموشند!!!!!!!!!!!؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ درست شبیه به خاموشی مخالفان استاد پورپیرار!! و درست مثل همانها فقط فحش می دهند!!!!!!!!!!!!!!!

پاسخ:
آقای محمد رضا. برخی به این وبلاگ سر می زنند و مطالب را به گونه ای می خوانند که قسمت دیگری از پازل گم شده حقیقت را بیابند و کسانی دیگر از روزنی وارد می شوند و دنبال اشاره ای می گردند تا در باب آن هیاهو کنند. این گروه دوم ارتباط بین نوشته ها را کشف نکرده اند، با پوریم آشنا نیستند، از مبحث کوه سان قلم بهره ای نبرده اند و مشکل شان جای دیگری است که معمولا یا بی پاسخ می مانند و یا متلک می شنوند.

سرباز مسلمان
دوشنبه 21 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:07 AM

با سلام و با کسب اجازه از استاد بزرگوار
جناب نیسی ادبیاتی که به کار می برید چندان در شان یک مسلمان نیست - اینکه ایشان راجع به قلم و سطر و کتاب و قرطاس در قرآن می بیند و در برابر یادداشتهای استاد سوال می پرسد نباید چنین مورد تهاجم قرار گیرد

امیر
سه شنبه 22 تیر ماه سال 1389 ساعت 2:59 PM

جناب آقای شبر

از اظهار نظرتان ممنونم. بر خلاف دریافت شما، منظور آقای پورپیرار از محدوده پوریم ایران فعلی با مرزهای سیاسی امروزه نیست بلکه گستره امپراطوری هخامنشی می باشد که شامل عراق، ترکیه، سوریه، اردن و محدوده های دیگری نیز می شده است. در ضمن ایشان معتقداند که (بعضی) اعراب حجاز هم از نجات یافتگان گریخته از پوریم اند که به صحرا پناه برده اند. بدون در نظر گرفتن این ادعا هم باز سوال در مورد عدم ذکر واقعه پوریم در قران پاسخ داده نمی شود چرا که این کشتار در همسایگی حجاز رخ داده و اعراب قطعا از آن با خبر می شده اند همانطور که از جنگهای روم مطلع بوده اند.
در ضمن انکار وجود کتاب و کتابت، تا جاییکه من دریافت کرده ام، به کل خشکیهای دارای موجودیت انسانی تعمیم داده شده است در غیر اینصورت ممکن بود کتابی در منطقه ای آشنا به نوشتن کتاب تهیه شود و سپس به منطقه پوریم زده، از طریق مهاجران به آن سرزمین، برده

شود.
لینک ارسالی شما مربوط می شود به مجموعه ای از لوحه های زرین که به یکدیگر متصل شده اند که دلیل وجود قلم نوشتاری نمی شود بلکه شبیه حکاکی روی سنگ است.

جناب آقای منصور

طبق همان آیه مورد بحث، خداوند تایید فروده است که می توانست قران را نوشته در قرطاس نازل کند. پس وجود نوشته و قرطاس برای مسلمانان امری ملموس و شناخته شده بوده است که خداوند استدلال خود را با بیان آن روشن می سازد.
راجع به «الذی علم بالقلم» یعنی آیا خداوند به قلم یاد داده چیز بنویسد، بوضوح خداوند استعاره بکار برده و منظور این نیست که کسی به قلم چیزی را دیکته کند همانطور که در آیه الحشر - آیه21 آمده است: لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ اگر این قرآن را بر کوهی فرومی‌فرستادیم یقینا آن [کوه] را از بیم خدا فروتن از هم پاشیده می‌دیدی و این مثلها را برای مردم می‌زنیم باشد که آنان بیندیشند

جناب آقای محمدرضا نیسی
از اظهار نظر و لطف حضرتعالی به خودم بسیار متشکرم. نمی دانم آیا در هنگام بحث و استدلال هم به همین ترتیب به استعداد غیب گویی خودتان متکی هستید و افراد ناشناس را به پیروی از این و آن متهم می کنید؟
از اینکه جوابهای دیگران را یکجا جمع آوری کردید سپاسگذارم.
و اما باز هم پرداختید به آوردن نسخه اصلی از فلان کتاب و نوشته. شما خودتان اذعان دارید که ماندگاری کاغذ محدود است و در بهترین شرایط، در زمانهای گذشته، بیش از چند سالی عمر نمی کند آنهم با استفاده از قلمی مثلا به شکل تراشه چوب و مرکبی از دوده که با اندک تماسی محو می شود. پس احتمال پیدا کردن نسخه ابتدایی کهنی روی ماده ای شبیه کاغذ نباید زیاد باشد مگر اینکه آن نوشته ارزش خیلی خاصی دارا بوده باشد و به همین دلیل در شرایط بسیار ویژه و در محلی بدور از رطوبت و هوازدگی نگهداری شده باشد که در مورد متونی چون شعر و تاریخ بعید به نظر میرسد که چنین هزینه ای شده باشد. در مورد پوست هم با وجود ماندگاری بیشتر آن، ضخیم بودن، سنگینی و گرانی مانع از آن می شده که نسخ متعددی از یک کتاب، مگر زمانی که ارزش دینی داشته است، تهیه شود و یا نگهداری از نسخه موجود در شرایط مناسبی صورت گیرد. لذا نابودی نسخه اولیه یک کتاب در اثر حوادث طبیعی و جنگ یا در اثر پوسیدگی دور از ذهن نیست. این عوامل نباید از دیدگاه پیشینیان هم پوشیده بوده باشند و برای حفظ یک اثر یه نسخه برداری از آن بر روی اوراق موجود و ممکن در زمان خود مبادرت می کرده اند. بنابراین مایه تعجب نمی شود اگر اصل کتابی کهن پیدا نشود ولی رونوشته هایی متاخرتر و قطعا با مقداری ناهمخوانی موجود باشند. این موضوع در مورد قران به علت ارزش فوق العاده دینی آن برای مسلمانان صدق نمی کند و به دلیل نسخه برداری های متعدد و یا به حافظه سپردن آن توسط مومنین از چند گانگی و ناهمخوانی مصون مانده است. پیدا کردن قرانی که بتوان آنرا نسخه اولیه دانست نیز بنا به دلایل مذکور کم است ولی نمی توان با این استدلال آنرا جدید و نو ظهور دانست.

استناد من به آیات قران نه دلیل بر اعتقاد من و نه عدم اعتقاد من به آن می شود و اصولا این موضوع ربطی به منتقد ندارد چون منظور بیان دلایل از منابع مورد تایید طرف مقابل بحث می باشد و همین کفایت میکند که شما به قران اعتقاد راسخ داشته باشید و بنابر این باید بتوانید به سوالاتی که از درون آن استخراج شده پاسخ دهید. همانطور که کسی مجاز است مثلا از تورات یا اوستا مطالبی را برای بحث با طرفی که مومن به آنهاست استخراج کند. حالا اینکه طرف مقابل بگوید که تورات یا اوستا مال من است و به تو دخلی ندارد نشانه ضعف و نوعی مغلطه است.

جناب آقای پورپیرار در پاسخ آقای نیسی، به سوره لقمان آیه 27 اشاره کرده اند و اظهار نموده اند چون خداوند فرموده اگر همه درختان قلم شوند نمی توانند حق مطلب را ادا کنند بنا بر این قلم از تکه چوب ساخته می شده است. بنابراین آیا با اتکا به بقیه این آیه و آیه 109 سوره

کهف که خداوند دریا رابرای بیان گفته هایش ناکافی شمرده است، می توان استدلال کرد که در آن زمان برای نوشتن، تکه چوب را در آب می زده اند و کتابت می کرده اند؟

پاسخ:

آقای امیر. این نمط پر حرفی ها مخصوص کسانی است که اصل مطلب را نگرفته باشند. کم تر بگو و بیش تر و دقیق تر بشنو.

امیر
چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 08:57 AM

به دیده منت!

انشاء الله دوستان دیگر هم توجه کنند.

حاجی زاده
چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 3:57 PM

سلام

استاد گرامی خواهش میکنم اگر صلاح تشخیص میدهید آن دسته از کامنتهایی را که فاقد معنی و اندیشمندی و ادب هستند، نصب نفرمائید، امید که این ستون مجال و وسیله ای در دست اخلال گران نباشد.

iran
دوشنبه 18 مرداد ماه سال 1389 ساعت 1:34 PM

سلام استاد

من با اینکه به تمومه گفته های شما ایمان دارم ولی یه سوالی برام پیش اومد قبل از حضرت موسی و آمدن تورات چیزی بنام یهودیت وجود نداشته پس قدمت تورات بیشتر از افراد یهودیه یعنی این افراد به توراتی که وجود داشته ایمان آوردن پس چطور ممکنه واقعه ی پوریم که بعد از نازل شدن تورات اتفاق افتاده دوباره وارد تورات شده؟

پاسخ:

آقای ایران. تورات نازل شده بر موسای پیامبر فقط ۵ کتاب اول تورات های کنونی با نام های پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه است که با مرگ موسی به پایان می رسد. ۳۴ کتاب بعد ذیل هایی است که خاخام ها و ربی های یهود به عنوان تاریخ قوم یهود پس از وفات موسی تا ظهور عیسی مسیح بر تورات افزوده اند و هر بخش آن مولفی شناخته شده دارد مانند عزرا، نحمیا، استر،ایوب، اشعیا، ارمیا، حزقیال، دانیال یوشع و غیره. این کتاب ها نازل شده از جانب خداوند نیستند و فقط خاخام های بزرگ حوادث مهم پس از درگذشت موسی را شرح می دهند.

مترجم
سه شنبه 19 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:30 AM

السید نیسی والسید سنجری والسید سلامات...تعرفوا جیدا ان الکتاب الذی تستخدموه فی مدوناتکم هو من ترجمتی... تعبت فی ترجمته حوالی عام وانتم سرقتموه خلال یوم..السیدین نیسی و سنجری لم التقی بهما...لکن السید سلامات طلبت منه شخصیا ان یترک کتابی ولا یستخدمه وهو لم یهتم واستمر بادراجه فی مدونته... عیب علیکم والله.... عیب... ان استمریتم بهذه السرقة سوف اتقدم بطرق أخری

iran
سه شنبه 19 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:08 PM

سلام

ببخشید دوباره مزاحم میشم ولی این بار ازتون یه خواهشی داشتم ما رو از وجود خودتون محروم نکنین کتابهاتون رو که توقیف کردن دستمومون بهشون نمیرسه فقط و فقط از مستند ویدیی و وبلاگ خواهشا روی مستند ودیویی بیشتر کار کنین ما که از دستمون چیزی بر

نمیاد جز اینکه از شما خواهش کنیم
فقط میتونم بگم که منتظریم

پاسخ:

آقای ایران. برای داشتن کتاب ها و مستندات به تلفن ۶۶۴۹۲۰۴۹ در تهران رجوع کنید.

طالب الحق طایی
شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:21 PM

سلام علیکم

جناب آقای پورپیرار بحث خالی از سکنه بودن ایران کمی مدهوشم کرد نمیگویم که این بحث داغتر از بحث های دیگر شماست ولی چون به تاریخ ساختگی همیشگی عادت کردم کمی سخت است قبول کنم ایران فعلی پر کبکبه فقط 500 سال است که مسکون شده ، حال شاید بتوانم با کوهستان وکویر ایران کنار بیایم ولی با خوزستان متصل به بلاد بین النهرین که هیچ مانعی در سد کوچ مردم عراق وشام وجزیرة العرب وخلیج به این منطقه سرسبز آباد پر رود وآب نیست نتوانستم کنار بیایم الا به خودم بقبولانم که عراق وشام وجزیرة العرب هم تا قبل از 500 سال پیش هم خالی از سکنه بوده.

2 1 >>

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

70736

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya	7	

omid
دوشنبه 21 تیر ماه سال 1389 ساعت 6:15 PM

سلام .

ارزوی موفقیت و کامیابی برای شما دارم.

افشاگری و اثبات جعلیات تاریخی که شما پرده از ان بر داشتید باعث شده که ما در مورد رمانهای عاشقانه و داستانهای کودکانه که به کتابهای تاریخ معروف شدند تجدید نظر کنیم ..

حق نگهدارتان.

http://paintingword.bloghaa.com/

محمدرضا نیسی
دوشنبه 21 تیر ماه سال 1389 ساعت 7:12 PM

سلام‌علیکم استاد عزیز

با تشکر از مطالب پر بار و روشنگرانه‌تان

لینکی که در کلمه "همدان" در پاراگراف یکی مانده به آخر معرفی کرده‌اید، به دلیل اشتباهات تایپی مشکل دارد.

فکر می‌کنم لینک صحیح یکی از لینک‌های زیر باشد»

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A2%D8%B1%D8%A7%D9%85%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%B1_%D9%88_%D9%85%D8%B1%D8%AF%D8%AE%D8%A7%DB%8C

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%87%D9%85%D8%AF%D8%A7%D9%86

پاسخ:

آقای نیسی. اصلاح شد و ممنون.

بی نام
دوشنبه 21 تیر ماه سال 1389 ساعت 9:27 PM

استاد عزیز سلام علیکم -خسته نباشید

ممنون از مقاله ۲۷۲ بسیار آموزنده است.در ضمن کامنت زیر را آقای دکتر شیخی (کتیبه شناس)با ارائه شماره تماس جهت آقای انتی ارسال داشته وایشان را بحث دعوت کرده.آیا این اقا با شما آشناست؟

نویسنده: 2400دوشنبه 21 تیر1389 ساعت: 19:54سفسطه اقای وبلاگ نویس+_سفسطه تخطئه ی

ما نباید برای رد یک نظر سابقه شخص را معیار بگیریم بلکه نیازمند برهانیم

1-برای توجیه نواقص فراوان ت جمشید چه دلیل اساسی دارین

2- برای چه پیشرفت های عالی در یک زمان معین در کل منطقه افو.ل کرده است

حسین شیخی دکترای باستان شناسی(کتیبه شناس) برلین

t-09366123200

تا تاریخ5/5

پاسخ:

سلام

متاسفانه با ایشان آشنایی ندارم. موفق باشید.

رشید

سه شنبه 22 تیر ماه سال 1389 ساعت 00:34 AM

با سلام خدمت استاد بزرگوار

از روشنگری های بی پایان شما بسیار متشکریم ان شاء الله خداوند ما را لایق آن سازد که در حکم شاگرد شما باشیم و درس تاریخ غیر قابل فراموش شدنی شما را به درستی به گوش دیگران برسانیم.

خداوند نگه دار شما باشد.

reza

سه شنبه 22 تیر ماه سال 1389 ساعت 06:35 AM

بازخوانی قتل عام "سربرنیتسا"/ کشتار 8000 نفر به جرم مسلمان بودن

خبرگزاری مهر- گروه بین الملل: بیش از 15 سال از حادثه وحشتناک شهر مظلوم "سربرنیتسا" در بوسنی و هرزگوین می گذرد که طی آن در حضور نیروهای سازمان ملل و در مدت دو روز بیش از 8000 انسان بیگناه فقط به جرم مسلمان بودن مورد قتل عام وحشیانه قرار گرفتند.جنایت دهشتناک یازدهم جولای سال 1995(20 تیر) برای همیشه به عنوان برگی سیاه در کارنامه سازمان ملل متحد و نیروهای حافظ صلح اروپایی(هلندی ها) ثبت شد و در تاریخ معاصر نیز بعنوان لکه ننگی بر دامن اروپا باقی خواهد ماند.

با مروری به وقایع پس از فروپاشی یوگسلاوی سابق و تقسیم آن به شش جمهوری مستقل در می یابیم که دستیابی به استقلال در جمهوری بوسنی و هرزگوین با اکثریت مسلمان در مقایسه با جمهوری های دیگر با اکثریت مسیحی(اسلوونی ـ کرواسی مقدونیه) تلفات و ویرانی های سنگینی در بر داشته است و خون های زیادی بر زمین ریخته شده است.

درحالی که در هیچ یک از جمهوریهای با اکثریت مسیحی چنین حوادثی اتفاق نیفتاده و استقلال طلبی در این جمهوری ها در فضایی دیگر و خشونت و خونریزی بسیار کمتر صورت گرفته و دقیقا به همین علت است که مسلمانان بوسنی و هرزگوین دولت های اروپایی را به همدستی و مشارکت در جنایات صرب ها متهم می کنند و آنان را در قتل عام هزاران انسان بی گناه شریک جرم می دانند. ننگی که یقینا تا ابد از پیشانی اروپائیان مدعی حقوق بشر زدوده نخواهد شد. مطلب پیش روی که در آستانه سالگرد فاجعه "سربرنیتسا" تهیه شده شامل دو بخش است که بخش اول روز شمار وقایع و بخش دوم نقش سازمان ملل و اروپاییها، در شکل گیری آن فاجعه مورد بررسی قرار می دهد:

1-روز شمار وقایع

8 ـ6 جولای 1995 (17ـ15 تیر 1374): نیروهای صرب حلقه محاصره شهر سربرنیتسا را که طی چند سال جنگ ده ها هزار آواره مسلمان را از مناطق شمال شرق بوسنی در خود جای داده بود تنگ تر کردند. حدود 600 نظامی هلندی مسلح با سلاح سبک از آوارگان محافظت می کردند. مواد غذایی به پایان رسیده و از ماه مه نیز هیچگونه مواد غذایی به این منطقه محاصره شده وارد نشده بود. توپخانه نیروهای صرب منطقه را زیر آتش خود گرفته بود و مدافعین مسلمان شهر خواستار بازگرداندن سلاح های خود از نیروهای سازمان ملل شدند که این تقاضا مورد قبول واقع نشد. فرمانده هلندی نیروهای سازمان ملل در تماس با مرکز فرماندهی نیروهای سازمان ملل در سارایوو خواستار حمایت

هوایی گردید.

9 جولای 1995 (18 تیر 1374): صرب های بوسنی آتش حملات خود را تشدید کرده و در نتیجه هزاران آواره در مقابل پیشروی صرب ها از اردوگاه های اطراف بسوی شهر در حال حرکت بودند. صربها در حین پیشروی حدود 30 سرباز هلندی را از ایستگاه های بازرسی گروگان گرفتند. یک سرباز نیروهای حافظ صلح هنگام عقب نشینی نیروهای هلندی از شهر توسط یکی از آوارگان بشدت زخمی شد.

10 جولای 1995 (19 تیر 1374): پس از اینکه صرب ها مقر نیروهای هلندی را زیر آتش گرفتند سرهنگ کارمن فرمانده نیروهای هلندی خواستار حمایت هوایی سازمان ملل شد. فرمانده نیروهای سازمان ملل در ابتدا با این درخواست مخالفت کرد ولی پس از اینکه فرمانده هلندی درخواست خود را تکرار کرد با درخواستش موافقت شد. قبل از اینکه جنگنده های سازمان ملل وارد عمل شوند حملات صربها متوقف و لذا حمله ای به صرب ها صورت نگرفت. با فرا رسیدن تاریکی حدود 4 هزار نفر از آواره در خیابان های شهر سرگردان و مضطرب بودند. تجمع زیادی در اطراف یگان های هلندی مستقر در شهر بوجود آمده بود. فرمانده هلندی به رهبران شهر گفته بود اگر تا ساعت 6 صبح صرب ها از اطراف منطقه امن اعلام شده عقب نشینی نکنند مواضع آنها بشدت بمباران خواهد شد.

11 جولای 1995 (20 تیر 1374): نیروهای صرب عقب نشینی نکردند. اما ساعت 9 صبح از سارایوو به فرمانده هلندی اطلاع دادند که درخواست وی برای حمایت هوایی به شکل صحیحی ارایه نشده است. در ساعت 10:30 درخواست دیگری به سارایوو ارسال شد ولی جنگنده ها می بایست برای سوختگیری به پایگاه های خود در ایتالیا باز گردند. حوالی ظهر بیش از 20 هزار آواره که غالبا زن، کودک و افراد ناتوان بودند بسوی پایگاه نیروهای هلندی در "پوتوچاری" سربرنیتسا هجوم آوردند. ساعت 14:30 دو نیروی هلندی دو بمب بسوی مواضع صربها در اطراف سربرنیتسا پرتاب کردند. صرب ها در پاسخ به منظور جلوگیری از حملات جنگنده های F16 سازمان ملل تهدید به کشتن گروگان های هلندی و بمباران آوارگان کردند. دو ساعت بعد ژنرال "راتکو ملادیچ" فرمانده نیروهای صرب همراه تیم خبرنگاران وارد شهر سربرنیتسا شد. ملادیچ عصر همان روز فرمانده نیروهای هلندی را فراخواند و به وی التیماتوم داد که مسلمانان برای حفظ جان خود باید سلاح ها را تحویل دهند.

12 جولای 1995 (21 تیر 1374): اتوبوس ها برای انتقال زنان و کودکان به مناطق تحت کنترل مسلمانان وارد شهر شدند. صرب ها تمام مردان بین 12 تا 77 سال را برای بازجویی به اتهام جنایت جنگی جدا کرده بودند. گفته می شود در طول 30 ساعت حدود 23 هزار زن و کودک را از منطقه خارج کردند و هزاران تن از مردان مسلمان نیز در داخل کامیون ها و انبارهای شهر نگهداری می شدند. حدود 15 هزار رزمنده مسلمان نیز تلاش داشتند شبانه زیر آتش توپخانه صرب ها از طریق کوه های اطراف به سوی مناطق تحت کنترل مسلمانان فرار کنند.

13 جولای 1995 (22 تیر 1374): نیروهای حافظ صلح اولین گروه از اجساد غیرنظامی مسلمانان در یک انبار در روستایی بنام KRAVICA از منطقه بدست آوردند. نیروهای حافظ صلح در مقابل 14 سرباز گروگان هلندی حدود 5 هزار مسلمان را که به پایگاه نیروهای هلندی پناه آورده بودند را تحویل صرب ها دادند.

16 جولای 1995 (23 تیر 1374): اولین گزارشات قتل عام سربرنیتسا با رسیدن بازماندگان این شهر که پس از یک راهپیمایی طولانی خود را به مناطق تحت کنترل مسلمانان رسانده بودند منتشر شد. در نتیجه مذاکرات سازمان ملل و صربها نهایتا نیروهای هلندی مجوز خروج از سربرنیتسا را دریافت کردند و تمام سلاح ها، مواد غذایی و داروهای خود را نیز رها کردند. پنج روز بعد نیروهای صرب شهر سربرنیتسا را اشغال کردند. گفته می شود بیش از 8000 مسلمان در این واقعه بقتل رسیدند.

2- نقش سازمان ملل و اروپائیها (کوتاهی جامعه بین الملل)

در اوایل سال 1995 (1374) با میانجیگری آمریکا و اروپائیان، یوگسلاوی سابق 2 با استقلال بوسنی هرزگوین موافقت کرد و برای پایان دادن به جنگ قرار شد نیروهای حافظ صلح در مناطق حساس بوسنی مستقر شوند. این درحالی بود که شورای امنیت سازمان ملل در سال 1993(1372) هنگامی که صرب ها حملات خود به مناطق مسلمان نشین را تشدید کرده بودند شهر سربرنیتسا را به همراه سارایوو، توزلا، گوراژده، بیهاج و ژپا را بعنوان مناطق امن اعلام کرده بود. بنابراین نسل کشی در مقابل چشم نیروهای حافظ صلح و در منطقه ای که از سوی سازمان ملل امن اعلام شده بود به وقوع پیوست. در قضیه نسل کشی سربرنیتسا در دادگاه وجدان بشریت، غرب و اروپا که بیش از دیگران داعیه دار بشردوستی دارند، باعث جنایت شده اند بخصوص هلندیها که مسلمانان بی دفاع را تسلیم صربها کردند.

واضح است که علاوه بر عاملین صرب، سازمان ملل و دولت هلند روی نیمکت متهمین قرار دارند. اعتراف شخصیت های غربی در این مورد تاییدی بر این مدعا است "جک استراو" وزیر خارجه سابق انگلیس طی سخنانی بدین مناسبت اظهار داشت: دنیا از اینکه موفق نشد کشتار صرب ها در جنگ بوسنی را متوقف کند، شرمنده است. "کوفی عنان" دبیرکل سابق سازمان ملل نیز صربرنیتسا را همواره موجب عذاب وجدان سازمان ملل عنوان کرد. "مارک براون" نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل هم طی عبارات مشابهی اظهار داشت: سربرنیتسا همواره تاریخ سازمان ملل را خدشه دار خواهد کرد.

reza
سه شنبه 22 تیر ماه سال 1389 ساعت 06:36 AM



صرب ها متهم ردیف اول

نسل کشی سربرنیتسا در زمان حکومت میلوشوویچ متهم و زندانی اصلی دادگاه لاهه بوقوع پیوست. وی که چند سال پیش قبل از صدور رای دادگاه در زندان این دادگاه بر اثر بیماری درگذشت، اما جنایات انجام شده بحدی بود که دولت های بعدی صربستان علی رغم میل باطنی خود نتوانستند نسبت به تقصیر و نقش صربها در این جنایات اعتراف نکنند.

جامعه بین الملل برای جبران کوتاهی های خود دولت محلی صربسکای بوسنی را مجبور نمود با تشکیل کمیته ای حقیقت یاب عاملان حادثه سربرنیتسا را مشخص کند. دولت صربسکا نیز پس از وقت کشی های فراوان نهایتاً کمیته ای بدین منظور تشکیل داد. گفته می شود در گزارش تهیه شده کمیته مذکور اسامی 19000 نفر صرب بعنوان عاملین کشتار سربرنیتسا ذکر شده است که از این تعداد 892 نفر از آنها هنوز در ادارات دولتی مشغول بکار می باشند. البته هنوز تمام عاملین جنایت این جنابت شناسایی یا مجازات نشده اند و حضور این افراد در منطقه سربرنیتسا عامل بوجود آمدن نا امنی برای بازگشت مسلمانان به این منطقه می باشد.

از سوی دیگر جامعه بین الملل برای جبران گذشته تاریک خود در جنگ بوسنی وهرزگووین و ترسیم چهره عدالت جوی خود به قربانیان جنگ بوسنی و مردم جهان همواره از دستگیری "کاراجیچ" و "ملادیچ" بعنوان کسانی که عامل اصلی جنایات صربها در بوسنی بودند. حمایت کرده است. اما با وجود اینکه نیروهای نظامی کشورهای اروپایی و ناتو در بوسنی و کشورهای همسایه حضور دارند، و کنترل اطلاعاتی و امنیتی بوسنی و منطقه توسط سازمان های اطلاعاتی کشورهای قدرتمند غربی حاضر در بوسنی انجام می شود ،ولی هنوز موفق به دستگیری ملادیچ و معرفی به دادگاه لاهه نشده اند. بنظر می رسد عدم توانایی یا عدم وجود اراده سیاسی برای دستگیری جنایتکاران صرب نقطه ضعف بزرگ کشورهای غربی بویژه آمریکا در بالکان می باشد.

اگر واقعاً ناتوان از دستگیری جنایتکاران می باشند ، معرفی خود بعنوان کشورهایی با توانایی بالای نظامی ـ امنیتی سراب و دروغی بیش نیست و اگر هم فاقد اراده سیاسی برای این کار می باشند بنابر این معلوم می گردد شعار عدالت طلبی و حمایت از حقوق قربانیان خالی از هرگونه صداقت و حقیقت است. سوابق امر نشان می دهد اراده سیاسی لازم برای دستگیری در نیروهای ناتو وجود ندارد و بیشتر به فکر

داد و ستد های خود هستند تا دستگیری جنایتکاران، پس از گذشت چند سال از این قتل عام فجیع، جمعی از بازماندگان سربرنیتسا (همسران، مادران و فرزندان قربانیان) از دولت هلند بخاطر اقدامات نیروهایش در زمان حضور در سربرنیتسا، شکایت کردند. گفته می شود در صورتی که دادگاهی بدین منظور تشکیل شود، دولت هلند و سازمان ملل متهمین اصلی این دادگاه خواهند بود. وکلای بازماندگان سربرنیتسا اعلام کرده اند قصد دارند دو دبیرکل سازمان ملل را بعنوان شاهد به این دادگاه فرا بخوانند. البته این احتمال وجود دارد که دولت هلند قبل از صدور رای دادگاه با شاکیان توافق نماید و به خانواده های قربانیان غرامت بپردازد. در این حالت دولت هلند می بایست حدود 2 یا 3 میلیارد یورو غرامت بپردازد.

بعد از گذشت یک دهه از این حادثه "بوریس تادیچ" رئیس جمهور صربستان بعنوان اولین مقام عالیرتبه صربستان ضمن شرکت در مراسم دهمین سالگرد نسل کشی سربرنیتسا اعلام کرد برای ادای احترام به قربانیان این حادثه در مراسم بزرگداشت آنان شرکت نموده است. وی پیش از سفر به بوسنی به منظور شرکت در این مراسم گفته بود با حضور خود نشان می دهد صربستان نسبت به این حادثه چه احساسی دارد. تادیچ همچنین اعلام کرد به دلایل انسانی تاکید بر محکومیت جنایات جنگی و نیز با هدف اعتمادسازی بین کشورهای منطقه در این مراسم حضور می یابد. از سوی دیگر دولت صربستان نیز چند روز قبل از سفر تادیچ بطور رسمی جنایات جنگی در سربرنیتسا را محکوم کرد.

10سال پس از این حادثه دادگاه لاهه در حکم صادره خود در مورد شکایت بوسنی علیه یوگسلاوی سابق اعلام کرد در سربرنیتسا نسل کشی به وقوع پیوسته است و در نتیجه عاملین آن می بایست پاسخگو بوده و نتایج این نسل کشی از بین ببرند. البته دادگاه علی رغم انتظار مسلمانان صربستان را عامل این نسل کشی معرفی نکرد و نیروهای پلیس و ارتش صربهای بوسنی را عامل وقوع این جنایت اعلام کرد. رهبران مسلمان بوسنی در حالی که از همه موارد مندرج در حکم دادگاه ابراز رضایت نمی کردند تلاش فراوانی را بکار بستند تا با استفاده از محکومیت ارتش و پلیس صرب های بوسنی در رای دادگاه، مشروعیت جمهوری صربسکا را زیر سئوال برده و منطقه صربسکا را از صلاحیت و حاکمیت موجودیت در بوسنی و هرزگووین خارج نمایند.ا ین موضوع مورد مخالفت شدید صرب های بوسنی قرار گرفت.

هر ساله مراسم باشکوهی برای بزرگداشت یاد و خاطره قربانیان این حادثه در شهر صربرنیتسا برگزار می شود. مسلمانان نقاط مختلف بوسنی، مهاجرین بوسنیایی که در طول جنگ از کشور رخت بربسته و هم اکنون در کشورهای مختلف اروپایی مقیم شده اند و همچنین بازماندگان قربانیان حادثه سربرنیتسا در این مراسم شرکت می کنند. در این مراسم هر ساله حدود 700 جسد از قربانیان که از گورهای دستجمعی کشف و شناسایی شده اند بطور دست جمعی بخاک سپرده می شود(در یک گور دسته جمعی که در سال 2001 میلادی با حضور بیل کلینتون رئیس جمهوری سابق آمریکا باز شد. بیش از یک هزار و 237 بوسنیایی دفن شده بودند).

در خاتمه باید به این نکته توجه کرد که حادثه سربرنیتسا نشان داد در جهان متمدن امروز در زمانی که حقوق بشر در صدر اولویت برخی کشورها قرار گرفته است تکرار جنایات جنگ دوم جهانی امکان پذیر می باشد. البته این امکان فقط در منطقه ای می تواند تکرار شود که قربانیان آن مسلمانان باشند. مسلما نمونه هایی از این دست در مناطق دیگری از این کره خاکی نیز قابل مشاهده است. سالگرد این فاجعه وحشتناک که نشان از بربریت در قلب مدنییت ادعایی اروپاییها دارد.

"محمد جواد آسایش زارچی" سفیر پیشین ایران در بوسنی و هرزگوین

محمدرضا نیسی

سه شنبه 22 تیر ماه سال 1389 ساعت 09:16 AM



سلام علیکم

می‌گوئیم در انتصاب یا عدم انتصاب ایمیل‌پراکنی‌های اخیر به جناب "اتفاق" از ایجاد فضای سجالی خودداری کنیم ولی باز همان آش است و همان کاسه وار بردن عبارات سخیفی چون "نادان" به نظر می‌آید به دنبال چیز دیگری هستند.

اینان نه هویج چاره‌ساز ادب‌شان است و نه آب هویج و در عوض ادب و گفتارشان یادآور "xxx" و "یه دانشجو" ست.

به تنها نباید با رفتار و گفتار خود باعث رنجش خاطر یاران بنیان‌اندیش شویم بلکه باید فضا و بستر مناسب برای بازگشت "رنجیدگان" به محفل زیبای بنیان‌اندیشی را فراهم کنیم.

سرباز مسلمان

سه شنبه 22 تیر ماه سال 1389 ساعت 12:40 PM

آقای نیسی از ایسم ها و ...اندیشان خلاصمان کنید بگذارید خلق خدا به حقیقت دست یابند چرا کسانی را بنیان اندیش و کسانی دیگر را فلان اندیش معرفی می کنید

انزل من السماء ماء فسالت اودیه بقدرها ...

نا آشنا

سه شنبه 22 تیر ماه سال 1389 ساعت 12:44 PM

سلام

در نظر آقای نیسی به کلمه "سجالی" برخوردم. میشه یه نفر زحمت بکشه به من بگه این کلمه یعنی چی؟ ممنون میشم

پاسخ:

آقای ناآشنا

احتمالا سگالی یعنی فضای جنگ و جدال لفظی. در کی بورد حرف گ و ج درست زیر هم اند. ضمنا عرب چون حرف گ ندارد به جای آن حرف ج می گذارد. مثل گرگان و جرجان.

حاجی زاده

سه شنبه 22 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:20 PM

سلام

خسته نباشید استاد عزیز، خدا قوت.

آقای نیسی اگر یکی از طرفین این بگومگوهای مطلقا بی ثمر از خود گذشت نشان دهد و از ارسال جواب دندان شکن اش(!) صرف نظر کند، مطمئنا مجادله خاتمه خواهد یافت. اما شما ظاهرا مایلید "xxx" و "یه دانشجو " را نیز مجددا وارد جنگ و جدل کنید!!؟

R134a

سه شنبه 22 تیر ماه سال 1389 ساعت 6:41 PM

سلام استاد

مدتی میبینیم توی کامنتها بحثی نسبتا مفصل اما بی مربوط به موضوع اصلی یادداشت در میگیره! فکر کنم منظور پرت کردن حواس خوانندگان به اصل موضوعه

مثلا توی یادداشت 50 اسلام و شمشیر دیدیم بحث مفصل و داغی درمورد ائمه در گرفت، شاید هم میدونن قراره بعدا بحث بشه دست پیش رو گرفتن!

محمدرضا

سه شنبه 22 تیر ماه سال 1389 ساعت 8:27 PM

خانم حاجی زاده امروز فهمیدم نباید زیاد از آقای نیسی توقع داشته باشیم. ایشان ظاهرا به دلیل عرب زبان بودن نظرات ما را چندان درست متوجه نمی شوند یا این که چندان با دقت و صرف وقت معمول و کافی مطالب را نمی خوانند. چون با تاخیر بسیار و بعد از کلی کامنت دهی تازه جواب می دهند!!!!!!!! بنابراین هزار سال هم که توضیح بدین باز مثل طوطی برداشت خودشان را تکرار می کنند و می گویند کسانی عبارت (؟؟) سخیف نادان را به کار می برند!!!!!!! کسی از ایشان خواهش کند تا این ((کلمه)) سخیف را در نوشته من پیدا کند!!!!!!!

ضمنا من قصد جواب ندادن نداشتم. اینها را نوشتم تا کمی بخندیم و مطوئن شویم با کسی طرفیم که روخوانی درست فارسی را اصلا بلد نیست!!!!!

محمدرضا نیسی

سه شنبه 22 تیر ماه سال 1389 ساعت 9:09 PM

سلام علیکم

سرکار خانم حاجی‌زاده

جای آن بود که تذکری به شروع کننده بحث منفی که الفاظ سخیفی چون " نادان " را به کار برده است، هم می‌دادید. بار اولی نیست که ایشان چنین بحث می‌کنند و چند بار که تبادل نظری بین یاران صورت می‌گرفت با لحن مشابه وارد بحث شده و کار را به سجال می‌کشاند.

این بار نیز برادر بزرگوارمان جناب بی‌نام بنا به دلایلی که برای خود دارند عقیده خود را همانند جناب آقای عابدی و سایر بزرگواران با متانت بیان کردند که به ناگاه مجددا شاهد برخورد نامناسب و تکراری شدیم.

حال با توجه به مسبوق به سابقه بودن اینگونه رفتار و گفتار، ضروری است که به شکلی این عزیزان را متوجه نوع گفتارشان کرد. در نتیجه مطمئن باشید این "بگومگوها" نه تنها "مطلقا بی‌ثمر" نیستند بلکه در گذشته آثار مثبت خود را در موارد مختلف داشته است.

فکر می‌کنم مخاطب کلامم در باب آقا یا آقایان "XXX" و "یه دانشجو" متوجه منظورم شده باشد! و این برداشت شما مصلقا از واقعیت به دور است.

در پایان از توجه‌تان به مطالبی که می‌نویسم بسیار متشکرم و ان‌شاءالله تبادل‌نظرهای مفیدی با همدیگر و سایر یاران داشته باشیم.

بی نام

سه شنبه 22 تیر ماه سال 1389 ساعت 9:56 PM

جناب سرباز مسلمان

سجالی به معنی جدلی است وهمانطور که استاد هم فرمودند فارسی شده آن سگال= جنگ است.آقای نیسی در ادبیات عرب قوی هستند وبه همین دلیل است که گاه از کلمات عربی استفاده می کنند که حتی خود اعراب هم کمتر از آن استفاده می کنند نباید بر ایشان خرده گرفت این درد مشترک تمام اعرابی است که به فارسی می نویسند مثالی می زنم که متوجه بشوید که این گونه کلام بی عمد بیان کردن گاها چه توش در می اید .یادم است که حدود سی سال پیش آقای یوسف عزیزی بنی طرف کتابی را از عربی به فارسی ترجمه کردند نام این کتاب در زبان عرب(الثوره تسیر) بود که جناب یوسف عزیزی بنی طرف آن را (انقلاب راه می رود) ترجمه کرده بود که بعد توسط دوستان به ایشان تذکر لازم جهت تصحیح داده شد.

البته در ادبیات عرب کلمه سجالی کاربردهایی از قبیل شعر سجالی.مقاله سجالی.کتاب سجالی وگفتار سجالی وشاید ترکیبات دیگر با کلمه سجالی وجود داشته باشد که جمله دلالت بر معانی از جنس سلب و رد با تم جدل دارد .

بی نام
سه شنبه 22 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:50 PM

با عرض معذرت اشتباها نام سرباز مسلمان به جای نا آشنا نوشته شده.

مسعود
چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 00:16 AM

استاد عزیز وقت شما بخیر.

نمیدانم این کشمکش های بی هوده و بی معنای لفظی در وبلاگ شما آب به آسیاب کدام شخص ثالث میریزد !؟

به گمانم حق با جناب R134a باشد!

استاد گرچه به مبحث جاری مربوط نیست منتها اگر مصدع اوقات شریف نیست این دو لینک را ملاحظه بفرمایید که در آن اشاراتی است به ائتلافها و اقدامات ضد یهودی لخ کاچینسکی رئیس جمهور مقتول لهستان که اخیرا هواپیمای روسیش وی را بهمراه همسر و ۹۴ نفر دیگر از دولتمردان آن کشور بقتل رساند !!! :

http://www.wsws.org/articles/2010/apr2010/kacz-a13.shtml

http://blog.ctnews.com/evans/2010/04/10/anti-gay-polish-president-lech-kaczynski-killed-in-plane-crash/

این حادثه چنان مشکوک و در ابهام بود که همه مردم جهان را شوکه کرد . نمونه این گونه حوادث برای افرادی در آن مقام یعنی رئیس جمهور و هیئت یک دولت بسیار نادر بوده است و همه شواهد خبر از یک دسیسه میدهد!

به گمانم سرنوشت کاچینسکی را هم میشود به چائوشسکو پیوند داد !

مسعود سنجری
چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 00:19 AM

حضرت محمدرضا خان

سلام علیکم

به به بسیار خوشوقت شدم. شما هم که همان ادبیات عرب ستیز شایع شده از زمان رضاخان را بکار میبرید. حتما باید قبول کرد که جناب عالی با این ادبیات تان یک بنیان اندیش هستید؟ تصادفی است که هر وقت مخاطب شما عرب باشد کلمه نادان را بکار می برید و ادب و تربیت هم فراموشتان می شود؟

به خانم حاجی زاده خطاب فرمودید ولی ایکاش مثل ایشان همیشه در محدوده ادب و احترام باقی ماندید نه اینکه حتی از نوشتن یک جمله مودبانه هم عاجز باشید (البته فقط اگر طرف کلامتان عرب باشد). گله کوچکی هم به خانم حاجی زاده گرامی دارم و آن اینکه به ادبیات بی ادبانه حضرتعالی اعتراض نکردند و تنها به آقای نیسی تذکر دادند.

بله محمدرضا خان اگر دوست داشتید پاسخ بدهید خوشحال خواهم شد و مطمئن باش در آن صورت ثابت می کنم که بنیان اندیش نیستی بلکه یک نژاد پرستی که هیچ تاثیری از این بحث ها نبردی و نمی بری. اگر 272 یادداشت دوران ساز ایرانشناسی نتوانسته حتی کوچکترین تغییری در ادبیات حضرتعالی ایجاد کند پس از کدام فهمیدن دم می زنید که به نفهمیدن دیگران می خندید. شما خودتان می فهمید چه می نویسید که دیگران بخاطر نفهمیدن آن مستحق تمسخرتان گردند. واقعا جای تاسف است. همانطور که استاد پورپیرار فرمودند حداقل به

گذشت دو نسل برای درک واقعی اهداف این بنیان اندیشی نیاز است.

فی امان الله

آسمان
چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:08 AM

با سلام

استاد می توانید مختصری در مورد فراماسونری توضیح داده و نظر خود را در این باب بفرمایید؟

ممنون

کاکا
چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:24 AM

سلام استاد عزیز و خسته نباشید

دوست گرامی آقای R134a اگر منظورت راجب شروع کننده بحث " اهل بیت " من هستم پس لطف کرده و کامنتهای قبل را دوباره مرور کنید و خواهی دید که آن بحث را من شروع نکرده ، بلکه اتفاقا سریع کوتاه آمده (نه بخاطر تایید و قبول طرف مقابل) تا از موضوع اصلی یادداشتهای استاد خارج نگردیم و حتی این موضوع را در آنجا تذکر داده ام .

دوستان مخالف هم به محض زیر سوال رفتن نامهای مبارکه عمر و عثمان و ابوبکر ، نرمش خاطر نشان داده!!!! و کوتاه آمدند و پرونده خاتمه و مسدود گردید .

والسلام

م
چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:29 AM

سلام .

تذکرا اول از همه برای حقیر و دیگر برای آنان که در بحث هستند و دیگرانی که نیستند :

و اذا مروا باللغو ، مروا کراما !

بیش از این گفتنی ندارم .

رهگذر
چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:20 PM

آیت الله فاطمی نیا: اینکه پیغمبر به حسنین علیهما السلام فرمود:لامکمااشف اعه یعنی تا حضرت تایید نکنند پیغمبر اکرم و دیگر امامان شفاعت نخواهند کرد.

رجوع به:

&view=article&http://u313.com/index.php?option=com_content

catid=3:main&id=195:1389-03-29-10-07-17

فقط خواستم بدونین با کیا طرفین !!!

عربگری
چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:38 PM

سلام

بسیار خوشحالم که جناب استاد را شاداب می بینم و فیلترها و هک ها هم خمی بر ابروی ایشان نتوانسته بنشاند

موفق باشید

http://xinap.blogfa.com

پاسخ:

ممنون...

نتاب

چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:55 PM

با سلام،

استاد عزیز آیا تشکیل دولت اسلامی در مدینه بعد از هجرت پیامبر به آن شهر، را می‌شود یک واقعیت تاریخی دانست؟ و آن بحثهای مربوط به مذاکرات با طوایف و پلورالیسم موجود در آن سیستم را می‌شود جزو حقایق تاریخی دانست؟

تشکر فراوان

پاسخ:

آقای نتاب. در مورد تاریخ قرون اولیه اسلامی فقط مطالبی قابل اعتناست که ردی از آن در قرآن آمده باشد.

omid

چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 3:13 PM

سلام .

میشه لطفا بگید سی دی تخت گاه هیچکس را چگونه می تونم تهیه کنم ؟

فرو شگاهی می شناسید که این سی دی را عرضه کنند ؟

پاسخ:

لطفا به سایت naria.ir رجوع کنید

آسمان

چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 3:20 PM

http://www.rahpouyan.com/forum/topic.asp?TOPIC_ID=5882

استاد نظرتان چیست؟

پاسخ:

آقای آمان. هر شگردی زدم باز نشد.

محمدرضا نیسی

چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 5:39 PM

سلام علیکم

جناب آقای بی نام

من ادعائی بر تسلط به زبان عربی و یا فارسی ندارم ولی شما بهتر از کسی با مطالبم آشنا هستید و در وبلاگ آن دروغگوی شارلاتان (آنتی) ودر این محفل بنیان اندیشی دیده اید. و فکر میکنم تسلطمان بر فارسی نویسی خیلی بیشتر از افراد بنیان اندیشی!!! است که تا فرصت گیر می اورند به دیگران به جرم تسلط و یا تکلم به زبان عربی، با عبارات(این یکی را اشتباه به کار بردمD:) یا الفاظ یا کلمات سخیفی چون "نادان" گیر می دهند و به اینان گفت که "ادب مرد به ز دولت اوست"

استاد کم پیدا R134a

بابا خیلی کم لطفی می کنی، نکنه بی اطلاع میای و میری ;)

بله آقای R134a از خیلی وقته بحثهای نسبتا مفصل و بی ربط به تبادل نظرهای انجام شده، آن هم نسبت به دوستان عربی که کامنت می

گذارند در میگیرد.

نمونه اش همین مورد آخری است که جناب "بی نام" مانند سایر عزیزان نظر خود را درباره ایمیل پراکنی ها دادند و به ناگاه ... خودتان بقیش را میدانید.

نظرهای یاران با این بحثهای حاشیه ای که از سوی این عزیزان مطرح میشود، هیچگاه به حاشیه نخواهد رفت کما اینکه تاکنون چنین نشده است و همانند گذشته از این حاشیه سازی ها طرفی نخواهند بست.

محمدرضا نیسی

چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 5:57 PM

سلام علیکم جناب آقای سنجری

اینانی که همانند جناب محمدرضا خان بحث می کنند ذره ای از مبحث کوه سان قلم را متوجه نشده اند سایر یادداشت دوران ساز ایرانشناسی بدون دروغ که جای خود دارد. اگر مبحث قلم 8 را به دقت و تفصیل می خواندند مفهوم این گفته استاد عزیز "گر تا زمان ما، برای نگارش خط عرب، که حالا کپی برداری دقیق از آن را خط فارسی می نامیم..." را درک می کردند و متوجه میشدند که ما زبان فارسی را اگر بیشتر از آنان متوجه نشویم قطعا درک ما از فارسی کمتر از آنان نیز نخواهد بود.

در وصف میزان درک از زبان فارسی و استدلال محمدرضا خان به این گفته ایشان توجه بفرمایید "...یا این که چندان با دقت و صرف وقت معمول و کافی مطالب را نمی خوانند. چون با تاخیر بسیار و بعد از کلی کامنت دهی تازه جواب می دهند!!!" بالاخره وقت کافی برای مطالعه مطالب صرف می کنم یا نمی کنم. کدام گزینه صحیح است؟! هیچکدام از گزینه ها صحیح نیست و "خان" فقط میخواهند گیر بدهند.

جناب سنجری همانگونه که می فرمائید درمانی برای حس نژادپرستی نیست چون با این گفتمان تربیت شده و ساختار ذهنی آنان شکل گرفته است

omid

چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 6:02 PM

naria.ir که فلتر شده .

http://paintingword.bloghaa.com/

پاسخ:

با فیلتر شکن وارد شوید و یا با تلفن ۶۶۴۹۲۰۴۹ تماس بگیرید.

محمدرضا نیسی

چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 6:21 PM

سلام علیکم

جناب امیر

همان گونه که استاد عزیز خدمتتان گفتند شما به درک صحیح و اصولی از مبحث کوه سان ویرانگر قلم نرسیده اید. این مبحث چنان موثر و روشنگر و بنیادین است که باستان پرستان وایادی یهود را به درماندگی انداخته است و وبلاگ قبلی هم به همین خاطر حذف گردید.

شما نمی توانید با گفتن "از اینکه جوابهای دیگران را یکجا جمع آوری کردید سپاسگذارم" از جواب فرار کنید. جهت اطلاعتان تمام مطالب با عنوان "یه نفر" (جدید) نوشته های من است که هیچکدام از آن دار ودسته مأمور و تهی از استدلال و درک صحیح (نویسندگان کامنتهای وبلاگ naria2 را عرض میکنم) نتوانستند حتی به یک مورد آن پاسخی که همقطارانشان را قانع کند، بدهند و با گفته های خود بیشتر مضحکه شده اند و این هم به لطف استادی چون پورپیرار کبیر و عظمت مبحث قلم است.

منظورتان از "در ادامه آیاتی از قران را می آورم که دلالت بر مفهوم نوشتن و کتابت و مهمتر از آن وجود قلم و در یک مورد حتی مرکب می کنند" در کامنت "سه شنبه 15 تیر ماه سال 1389 ساعت 09:11 AM" چیست؟ مگر استاد گفته اند قلم نبوده؟ کتابت نبوده؟ مگر شما

کتاب پاپیروسها از انتشارات کارنگ را ندیده اید؟ در آنجا که با مدارک تاریخی بر کتابت بشر تأکید شده است. چرا همان حرفی را می زنی که جناب آنتی در 5 روز قبل از آندر یادداشت جدیدش مدعی آن شده است؟ یعنی بستن این دروغ به استاد "بررسی ادعای محو قلم در واقعه پوریم"

.....

اکبر

چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 6:37 PM

بشر قادر به ساخت اهرام بوده ولی برای ساخت و کشف قلم مشکل داشته ! نمیشود قبول کرد !

پاسخ:

اخوی. کار با ابراز حیرت سامان نمی گیرد، باید نمونه ای از قلم مورد استفاده مردم اروپا در ۱۰۰۰ سال پیش و متنی را آدرس دهید که با آن قلم های احتمالی نوشته شده باشد. برای این که بیش تر تعجب کنی بدان که در هیچ کجای جهان نوشتاری با قدمت ۱۰۰۰ ساله وجود ندارد مگر از متن قرآن و در جهان اسلام.

محمدرضا نیسی

چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 6:46 PM

.....

در باره ادعای نگهداری نوشته های روی مواد شبیه کاغذ در شرایط ویژه به دور از رطوبت و هوازدگی، مثالی دارید که بیاورید؟ روش تهیه این مواد شبیه کاغذ چیست؟

و اما درباره ادعای عجیب "ین عوامل نباید از دیدگاه پیشینیان هم پوشیده بوده باشند و برای حفظ یک اثر به نسخه برداری از آن بر روی اوراق موجود و ممکن در زمان خود مبادرت می کرده اند" یعنی شما می فرمایید کتابهایی که برای آنها قدمت اداعا میشود در طول تاریخ به دفعات استنساخ و کتابت مجدد شده اند؟ میتوانید بگوئید چند نفر و به چه مدت به کار استنساخ این همه کتاب ادعائی مشغول بوده اند؟

مگر پیشینیان همگی سواد داشته و همگی با چنین قلم های ضعیف به کار استنساخ و کتابت مجدد کتابهای قدیمی اشتغال داشته اند؟

پس چه کسی به کار کشاورزی و دامپروی و تجارت و... می پرداخته؟ اینهمه حجم مواد شبیه کاغذی که می فرمائید را از کجا می آوردند؟

سواد نوشتن و خواندن را هم باید در شعب باستانی دانشگاههای شیکاگو و کمبریج فرا گرفته باشند!!!!

در مورد استدلال آوردنتان از قرآن به اندازه کافی جوابتان در مطالبم هست و برای روشن شدن بیشتر موضوع مجددا آنها را مطالعه بفرمائید و این نشانه ضعف و مغلطه کاری است که موضوع بحث را به اعتقاد یا عدم اعتقاد به قرآن منحرف می کنید.

و اما در باب تبدیل شدن چوب درختان به قلم و آیه 109 سوره کهف، مگر از چوب درختان قلم تولید نمی شود؟ تشبیه آب دریا به مرکب در آیه 109 سوره قلم چه ربطی به گفته شما در انتهای کامنت اخیرتان (سه شنبه 22 تیر ماه سال 1389 ساعت 2:59 PM در یادداشت اسلام وشمشیر 50) در رد کردن نظر استاد عزیز درباره تشبیه قرآن از تراشه های چوب درختان و قلم دارد؟

محمدرضا نیسی

چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 7:10 PM

در کامنت قبلی آیه 109 سوره قلم اشتباه بوده و سوره کهف صحیح است.

راستی جناب "امیر"

تا به امروز هیچکدام از همقطاران آنتی در سایت naria2 این استدلال شما که گذشتگان کتب قدیمی را استنساخ و کتابت مجدد را به دلیل بی پایه و اساس بودن آن نیاورده و شایدذ بعد از این کشف شما آنرا نیز در آنجا بگویند که باعث خواهد شد تا بیشتر از اینی که تا حالا بوده مضحکه شان کنیم.

بی نام

چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 7:12 PM

استاد عزیز سلام علیکم -خسته نباشید

اگر ممکن است سری به وبلاگ بنده بزنید ونظرتان در هر دو پست جدید بفرمایید.لطفا دوستان هم سری بزنند

http://www.b-na.blogfa.com/post-4.aspx

http://http://www.b-na.blogfa.com/post-4.aspx

حاجی زاده
چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 7:27 PM

جناب آقای اکبر

آیا اطمینان دارید که بنای اهرام، حاصل توانمندی بشر است؟
در هستی و در عالم خلقت، سلسله مراتبی وجود دارد که فعلا ما از درک جزئیات آن عاجزیم، مسلم این است که با رجوع به قرآن میتوان پی برد انسان خاکی در این سلسله مراتب در مرتبه ای میانه ـ یعنی دون برخی و فوق برخی دیگر ـ قرار دارد و البته این قابلیت به او عطا شده است تا با استعانت از رهنمودهای قرآن تا مرزی به مدارج بالاتر صعود کند.

بی نام
چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 7:49 PM

جناب آقای نیسی باسلام

آنچه را در کامنت قبل عنوان کردم به همین معنی است که می فرمایید.دایره لغت عرب زبانان بسیار وسیع تر از برادران فارس ماست اگر دامنه استثنا را وسیع تر از بعضا تعریف کنیم وهمچنین اگر می بینیدکه مقصود با آن لحن و تعریف آن خاطره مزاح گونه عنوان شد به جهت دور نگه داشتن نخوت وتکبر از جولان کلام در منظر برادران غیر عرب بودهر چند دوستان بنیان اندیشی از فارس وترک ولر و کورد و..در اینجا مطلب می نویسند که انسان به روانی کلامشان ودایره لغاتشان مباحات می کند مانند خواهر عزیز خانم حاجی زاده .جناب توحید.آیدین قشقایی عزیز.و...... آنچه هم در باره توانایی شما عرض شد حقیقتی است که من به آن گواهی دادم آگر شهادت من برای حضرتعالی ودوستان بر سبیل اعتنا باشد.

شبر
چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 8:05 PM

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد پیغمبران خود را پشت سرهم فرستادیم. هر وقت پیغمبری پیش امتی آمد، منکر رسالت او شدند و بعضی از آنها را دنبال بعضی دیگر نابود کردیم و آنها را بصورت داستانهائی درآوردیم. رحمت خدا از کسانی که ایمان نمی آورند دور است. (سوره مومنون : 44)

برادرگرامی آقای پورپیرار،
سلام علیکم،

مطابق آیه شریفه بالا اقوام زیادی از صحنه مادی روزگار پاک گشته اند و چیزی بغیر از مجموعه ای از داستانها و افسانه ها از آنها باقی نمانده است. مستحضر هستید که خداوند به پیامبر در قرآن فرموده است که بعضی از روایات حال و روز اقوام را برای تو گفتیم و بعضی را نگفتیم. پس ملاحظه میکنید که دیدگاه متکی به نقد مارکس در بررسی تاریخ در این نقطه مستاصل می شود ، چرا که برای این دیالکت هیچ شاهد مادی دال بر وجود آن تمدنها نخواهد یافت و بالنتیجه منکر اصل وجودی آنها خواهد شد.

من هم از جواب شما به آقای اکبر و بالنتیجه آقای امیر در مورد مساله قلم ابراز تعجب میکنم. درخواست میکنم که با مد نظر قرار دادن عملکرد آیات فوق و مدل قیاسی آیه مهم ذیل نظرتان را بیان کنید تا با دیدگاه شما بیشتر آشنا شویم:

بسم الله الرحمن الرحیم

یَوْمَ نَطْوِی السَّمَاء کَطَیِّ السِّجِلِّ لِلْکُتُبِ (الانبیاء 104)

متشکر و سلامت باشید.

پاسخ:

آقای شبر. قرآن نگفته است هیچ اثری از نابود شدگان نخواهید یافت، بل برعکس توصیه به سیر آفاق دارد تا بقایای آن ها را ببینیم.

فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین.

محقق بر مبنای نشانه های همزمان قضاوت می کند و مسئول تحیر این و آن نیست. باید نخست مبنای سخن را به درستی دریابید و سپس اعلام نظر کنید.

آیه مورد اشاره شما به خوبی معنای نوشته هایی بر طومار را بیان می کند که منظور کتب کنونی نیست. چاره ای ندارید جز این که یادداشت های قلم را به دفعات لازم بازخوانی کنید.

محمدرضا

چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 8:37 PM

جناب استاد با توجه به بمباران یک سویه این جانب لطفا اجازه دهید پاسخ حقیر نیز درج گردد تا بلکه آقایان بپذیرند دچار سو تفاهم و سو برداشت شده اند و بنده را با دیگرانی اشتباه گرفته اند:

به به! گل بود به سبزه نیز آراسته شد!!

حالا کسی پیدا شده که می گوید من مدعی بنیان اندیشی نیز هستم!!! و بر مبنای این تصور خود بنیان اندیشی مرا نقد می کند!!!!!!!!!!

و به دلیل درست نخواندن و درست نفهمیدن تصور می کند میراث بر عرب ستیزی زمان رضاشاه تفاله یهود نیز میباشم!!!!!!!!

براستی نمی دانم چه بگویم!!! آیا گفتن این که کسی به دلیل فارس زبان بودن عربی را نداند و نفهمد، یا به دلیل ترک زبان بودن فارسی و عربی را نداند و نفهمد، و یا به دلیل عرب زبان بودن فارسی و ترکی را به درستی متوجه نشود، یعنی اینکه گوینده عرب یا فارس یا ترک ستیز است؟؟؟؟؟؟؟!!!!!!!!!!!!!! دوستان به اصطلاح بنیان اندیش ولی بسیار آماتور و احساساتی عزیز: اولا به جای اتهام و افترا غیراسلامی و مبنا قرار دادن تصورات خود در قضاوت، اول سعی کنید مخاطب خود را دقیق شناسایی کنید. دوما به جای زود قضاوت کردن و تند تند خواندن و بدبرداشت کردن به دلیل ضعف زبانی یا هر دلیل دیگری، اول سعی کنید به درستی دریابید منظور دقیق مخاطبتان چیست. سوما اگر بعد از این همه تذکر باز هم در همان خانه اول باقی مانده بودید، توقع نداشته باشید کسی به این همه ولنگاری گفتاری و کرداری شما و ناتوانی تان در درک نکات معمولی نخندد!! با احترام

آسمان

چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 8:43 PM

استاد لینکی بود که مختصری در باره فراماسیون گفته بود!در وب سایت ناریا به دنبال نظر شما بودم که به جز یک اشاره در پاسخ دوستی فرموده بودید که بعدا به این موضوع خواهید پرداخت.لطف می فرمایید و از زاویه بی نظیر دید خود مختصری توضیح دهید؟

ممنون

مسعود سنجری

چهارشنبه 23 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:47 PM

جناب محمد رضا خان

هیچ سوتفاهمی در کار نیست . کاملا مشخص است که داری چکار می کنی. عبارت سخیف برای توصیف آنچه می نویسی کافی نیست و اگر احترام این وبلاگ برجسته بر من واجب نبود حتما عبارتی که استحقاقش را داری درج می کردم.

اصطلاح بنیان اندیش ولی بسیار آماتور و احساساتی - ضعف زبانی - ولنگاری گفتاری و ناتوانی در درک نکات معمولی - درست نفهمیدن - همه و همه بیشتر زیبنده خودت شما ست محمدرضا خان که حتی از نوشتن یک جمله مودبانه هم عاجز تشریف دارید.

راستی محمدرضا خان شما فارسی بلدی؟

فرشته

پنجشنبه 24 تیر ماه سال 1389 ساعت 00:17 AM

سلام استاد

خدا قوت

راستش من هر وقت میان سایت ،چن نفرن که مدام به سر و کله همدیگه میزنن مرتب از همدیگه ایراد میگیرن واقعا با این حرفای پیش و پا افتاده شون حال ادم رو بهم میزنن ،استاد خواهشا کامنتهای این آقایون رو تایید نکنید تا دیگه یه بار برای همیشه این بحثهای الکی تموم بشه، قبلا اوضاع واقعا خوب بود اونایی که می اومدن حرفای جدید میزدن از استاد سوالهای اساسی می پرسیدن کلی اشکالات تاریخی برطرف می شد اما الان.... فقط جای تاسفه

omid

پنجشنبه 24 تیر ماه سال 1389 ساعت 02:32 AM

سلام.

مستند تختگاه هیچکس را توانستم تهیه کنم .بسیار سپاسگذارم.

این مستند واقعا جواب بسیاری از ابهاماتی که در ذهنم بود را پاسخ داد. الان معلوم شد چرا نام یک پادشاه و وزیر از سلسله عظیم عیلامی را نمی شناسیم .

نعلت بر دانشگاه شیکاگو و بریتیش موزیوم که این جنایت را در حق تاریخ ما انجام دادند.

تف بر سلسله ننگین پهلوی که اثار ملی ما را که از عهد عیلامیان برای ما به ارث مانده را با مشتی سیمان تعویض کرد .

باور کنید وقتی دیدم اثار عیلامی را بکلی تخریب کردند و زیگروات های باشکوه عیلامی را به نفع تخت سیمانی جمشید مصادره شد روح و روانم پریشان شد .

http://paintingword.bloghaa.com/

reza

پنجشنبه 24 تیر ماه سال 1389 ساعت 07:49 AM

آدمیت پرکارترین مورخ تحلیلی مشروطیت است. بی شک هیچ مورخ دیگری در حد و مانند او بصورت منظم و مدون در بارهٔ این واقعهٔ بزرگ تاریخ ایران غور و تفحص و تولید نوشتاری نکرده است. او بنیانگذار مکتب ((تاریخ نگاری)) در مقابل ((وقایع نگاری)) مشروطیت است. در دیباچه کتاب ((مجلس اول و بحران آزادی)) می نویسد: ((تفکر تاریخی عنصر اصلی تاریخ نویسی جدید است. کار مورخ، گرد آوردن واقعیات از هر قبیل و تلمبار کردن آنها به صورت خشکه استخوان، در موزه باستانی نیست.)) در همان دیباچه می نویسد: ((اما در بارهٔ همه مباحث اصلی تاریخ مشروطگی و مهمترین حوادث، به معتبرترین مواد و مدارک تاریخی دسترسی داریم. این بدان معنا نیست که به تمامی جزییات وقایع آگاهی داشته باشیم. مگر هرنکته جزیی یا همهٔ جزییات به کار تاریخ می خورند؟ تاریخ نویسی غیر از فن نقالی است.))

در پیشگفتار ((امیر کبیر و ایران))، آدمیت در بارهٔ شیوهٔ تاریخ نگاری خود می نویسد: ((روش من تحلیلی و انتقادی است. در واقعه یابی، نهایت تقید را دارم که هر قضیهٔ تاریخی را تا اندازه ای که مقدور بوده، همه جانبه عرضه بدارم. حقیقتی را پوشیده نداشتم، از آنکه، کتمان

حقیقت تاریخ، عین تحریف تاریخ است. و مورخی که حقیقت را دانسته باشد و نگوید، یا ناتمام بگوید، راست گفتار نیست. مسئولیت او چندان کمتر از آن نیست که دروغزنی پیشه کرده باشد. در سراسر کتاب سخنی نگفتم که مستند نباشد، و سندی ندادم که معتبر نباشد. ولی در تحلیل تاریخ، مختارم و استقلال رای دارم: آن، جهتی از تفکر تاریخی مرا می نماید. معیار داوری های تاریخی، ارزش هایی است که اعتقاد دارم و به آنها خو گرفته ام، ارزش هایی که مبنای عقلی دارند، نه عاطفی، اما هیچ اصراری ندارم که مورد پذیرش همگان باشد.))

با سلام استاد

این گزیده ای است از متنی درباره فریدون آدمیت در فضای مجازی که من تا پیش از این آشنایی با وی و آثارش نداشتم.

به نظر شما جایگاه و اعتبار ایشان در عرصه تاریخ نویسی به ویژه تاریخ معاصر کجاست؟

با تشکر از راهنمایی تان

پاسخ:

آقای رضا. هیچ. برابر معمول او مشغول جان دادن به امیر کبیری است که وجود نداشته و زنده کردن انقلابی که رخ نداده است! این یک شیوه است اگر مثلا و ناگهان مینورسکی را مشغول نوشتن جزوه ۱۰۰ صفحه ای نادر شاه و محمد حسن خان اعتماد السلطنه را سرگرم تالیف کتاب اشکانیان دیدید هوشیار شوید که مشغول ساخت نادرشاه و اشکانیان اند. بقیه نیز به همین ترتیب.

reza

پنجشنبه 24 تیر ماه سال 1389 ساعت 08:02 AM

دوست گرامی و امیدوار!

حالا که تنها گوشه کوچکی از جنایات استعمار و دانشگاه شیکاگو در تاریخ سازی مجعول بر شما روشن گردیده بهتر است که نگاهی دوباره و از بالا به بعضی عناوین و مطالب وبلاگتان بیندازید . به عنوان نمونه:

- مناظره مهر نرسی (وزیر اعظم دربار ساسانی) با بزرگان ارمنستان

- دردم از یار است و درمان نیز هم (تفکرات سید جمال الدین اسد ابادی)

توصیه میکنم مستند سوم (مجعولات مجلل)را نیز ببینید که تیر خلاصی است بر کاهدان تاریخ رسمی و نوساخته ایران پیش از اسلام.

http://www.youtube.com/view_play_list?p=8C2BC8E932E4AE3C

سایه

پنجشنبه 24 تیر ماه سال 1389 ساعت 12:24 PM

با سلام

جناب عابدی ما همچنان دعای گوی شما هستیم.

لام

پنجشنبه 24 تیر ماه سال 1389 ساعت 12:42 PM

با سلام

دوستی در مورد فراماسونری سوال کرده بود، اجازه می خواهم به نکته ای که بی ارتباط با این مقوله نیست اشاره کنم.

در کشور ما سالها ست رسم شده است هنگامی که در هر مسابقه ی ورزشی بازیکنان ما با کشور اسراییل رو در رو قرار می گیرند به عنوان اعتراض به سیاست های اسراییلی از رقابت کناره می گیرند. این عمل نیز همیشه از جانب دست اندرکاران ورزشی با استقبال و پاداش همراه است.

به این مسئله که تا چه حدی این کار درست یا غلط است کاری نداریم، سوال من اینجاست که اگر کسی بگوید المپیک ۲۰۱۲ پروژه ای صهیونیستی است (نماد این المپیک آشکارا zion است) و قرار است مراسمی مطابق با امیال و آرزوهایشان را در آن برگذار کنند مسئولان ورزشی ما حاضر می شوند این المپیک را تحریم کرده و به اعتراض به پشت پرده آن هیچ ورزشکاری را به آن اعزام نکنند؟ اگر در رقابت نکردن با ورزشکاران اسراییلی می توان چون و چرا کرد، در مورد این المپیک که تکلیف روشن است.

در آخر لینکی را برای رجوع می گذارم که نویسنده اش جانش را بر سر بیان آن از دست داده است:

http://www.scribd.com/doc/6078610/London-Zion-2012-Book

امیدوارم مجالی برای بیان حقایق در موردfreemasonry و illuminati و new world order و غیره برای این حقیر فراهم شود تا دانسته هایم را در اختیار شما عزیزان نیز قرار بدهم

حاجی زاده

پنجشنبه 24 تیر ماه سال 1389 ساعت 9:02 PM

آقای بی نام

اقرار میکنم که از این تعارف شما به وجد آمدم، چرا که من همواره به احاطه شما بر روی کلمات بلیغ عربی غبطه خورده ام.

حاجی زاده

پنجشنبه 24 تیر ماه سال 1389 ساعت 9:02 PM

حرف و حدیث در باب سال ۲۰۱۲ فراوان است و خوشبختانه زمان کوتاهی تا حلول این سال باقیست تا واقعیت یا کذب بودن پیشگوئی ها آشکار شود.

خدمت دوستان عرض شود که بنیان اندیشی هدف نیست، پایان راه نیست، حتی مسیر هم نیست، بنیان اندیشی یک راهنماست در مبدا، برای مصونیت از گمراهی مسافران و جویندگان حقیقت در مسیر راستین، یک هشدار برای غفلت زدگان و یک بیدار باش برای فریب خوردگانی که قوه خرد و اندیشه ورزی آنها آگاهانه و یا ناخواسته در خدمت امیال و آمال اهریمنی گرفته شده است، بنیانی اندیشیدن مستمسکی است جهت استرداد تعقل به سرقت رفته و رجوع به حقیقت و راستی، دعوت به امحای هر نوع سیستم غیرالهی و طاغوتی. توشه و سرمایه برای مشی سالم و مومنانه مسیر طولانی و پر انحنای حقیقت جوئی ، ملعبه نیست، اسباب تفاخر نیز نیست، عیار اندیشه ورزی هرکس، چه بنیانی و عمیق باشد و چه سطحی و صوری، از کردار و گفتارش حاصل می گردد.

*****

پنجشنبه 24 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:11 PM

با عرض سلام خدمت استاد عزیز

از فردای آن روزی که وبلاگتان فیلتر شد به دلایل کاری و شخصی و .. و صد البته عدم دسترسی به وبلاگتان موفق نشدم که تا امروز مطالبتان را پیگیر شوم. ولی راستش را بخواهید یه جورایی نگران حالتان بودم. امروز که به کمک یکی از دوستان ضد فیلتر را رو کامپیوترم نصب کردم انگار که دنیا را به من دادند و ذوق زده سایت جدیدتون را از وب ناریا پیداکردم و امدم!!. الغرض سعی میکنم تا چند روز آینده با مرور مطالب خودم را به کلاس برسونم و از خدمتتان استفاده کنم .

فتح

جمعه 25 تیر ماه سال 1389 ساعت 02:38 AM

باز بی بی سی سنجش افکار کرد بد نیست برای انتراک و پوز هم که شده و خروج از این بگو مگو ها شما حاضرین هم در اینجا تحلیل خود را بیان کنید.

پیامدهای قطع احتمالی روابط ترکیه و اسرائیل از نگاه شما

http://newsforums.bbc.co.uk/ws/fa/thread.jspa?forumID=12160

حاجی زاده

جمعه 25 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:01 PM



سلام

"وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانُ ابْنِ لِی صَرْحًا لَّعَلِّی أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ

و فرعون گفت ای هامان برای من کوشکی بلند بساز شاید من به آن راهها برسم"(غافر36)

http://masonyab.blogfa.com/post-5.aspx

http://savid.blogsky.com/category/cat-15

http://alijanak.blogfa.com/post-123.aspx

وَفِرْعَوْنَ ذِی الْأَوْتَادِ و با فرعون صاحب بناهای بلند

الَّذِینَ طَغَوْا فِی الْبِلَادِ آنان که در شهرها سر به طغیان برداشتند

فَأَكْثَرُوا فِیهَا الْفَسَادَ و در آنها بسیار تبهکاری کردند(12-11-10فجر)

النَّارُ یُعْرَضُونَ عَلَیْهَا غُدُوًّا وَعَشِیًّا وَیَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ

اینک هر صبح و شام بر آتش عرضه می‌شوند و روزی که رستاخیز بر پا شود فریاد می‌رسد که فرعونیان را در سخت‌ترین عذاب درآورید(غافر46)

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://



ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya 8

ایران شناسی بدون دروغ ۲۷۲، نتیجه ۸۰، نقشه همدان

بی نام

جمعه 25 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:56 PM

با سلام به استاد ودوستان بنیان اندیش عزیز

یک مطلب وتعدادی عکس از کنفرانس سران اسلامی ارسالی دوستی برای بنده بود .حیفم آمد که نخوانند و نبینند دوستان نبینند. لطفا؛

اگر ممکنه نظر خود را نیز عنوان کنید.

با تشکر بی نام

http://www.b-na.blogfa.com

پاسخ:

آقای بی نام. این تصاویر حاصل خستگی سفر، سن بالاتر از ۵۰، پرخوری غذاهای ثقیل و بالاخره شنیدن حرف های تکراری و مفت است.

کاکا
جمعه 25 تیر ماه سال 1389 ساعت 6:24 PM

آقای بی نام سلام

با مشاهده این عکسها و نظایر آن در دیگر اماکن و کنفرانسهای دینی و سیاسی جهان ، براستی که باید گفت تنها انسان متفکر و بیدار این عصر و زمانه آقای پورپیرار می باشند .

موفق باشید

لام
جمعه 25 تیر ماه سال 1389 ساعت 8:20 PM

با سلام

دیدن لینک زیر که نشان دهنده ی نفوذ فراماسونری ها ست خالی از لطف نیست:

http://www.pinoyexchange.com/forums/showthread.php?t=298765

این هم کلیپی از نمادهای این جماعت در لوگوها:

http://www.youtube.com/watch?v=eKigyegmz2M

در آخر هم یوهو! سران کشورهای اسلامی:

http://www.contactmusic.com/pics/m/fashion_for_relief_210907/fashion_relief_19_wenn1583874.jpg

ایمان
جمعه 25 تیر ماه سال 1389 ساعت 8:20 PM

خانم حاجی زاده برخی از گردانندگان این وبلاگ را از نزدیک می شناسم.عجیب اینه که یکی شون از یهودی تباران نام آشنا است.

آرمین
جمعه 25 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:09 PM

با سلام خدمت استاد بزرگوارم جناب آقای پورپیرار

میخواستم از شما در رابطه با نماز سوالی از شما بپرسم.

استاد، این چنین نماز خواندن یعنی نماز صبح 2 رکعت و نماز ظهر 4 رکعت و... و هر 2 رکعت با هم متفاوت،از کجا بین ما مسلمانان رواج پیدا کرده،چرا که در قرآن در این باره سخنی نیامده و فقط در رابطه با زمان به پا داشتن نماز صحبت شده،آیا این مسئله در روایات و احادیث

مطرح شده و باید آنها را بپذیریم و یا اینکه در قرآن صحبت از نماز چیز دیگریست؟لطفا در این باره توضیح دهید.

با تشکر از زحمات گرانقدر شما.

پاسخ:

آقای آرمین. پاسخ به این سئوال شما نیازمند یک سفر کوتاه تا مرکز استفتاآت در قم است.

حاجی زاده
جمعه 25 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:16 PM

استاد بایستی پیش از خستگی سفر، پرخوری غذاهای ثقیل و بالاخره شنیدن حرف های تکراری و مفت، به بی مسئولیتی و ولنگاری آقایان اشاره می فرمودید.

****
جمعه 25 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:40 PM

استاد با سلام و خسته نباشید

غیبت یکماهه را جبران کردم و امروز با حوصله مطالب یک ماه اخیرتان را خواندم. واقعا خسته نباشید.مباحثی که در مورد قلم و در کل کتاب و کتابت مرقوم فرمودید واقعا میتواند شاخصی باشد برای یافتن حقیقت همچون شاخص نیمه کاره بودن تخت جمشید و شاخص واقعه پلید پوریم که امیدوارم جناب غفوری عزیز همچون 3 مستند قبلی به فکر تهیه فیلمی از این مبحث کلیدی باشند.

گله کوچکی هم داشتم که میخواستم به طور خصوصی خدمتتان بفرستم ولیکن ظاهرا در وبلاگ جدیدتان در قسمت ارسال نظرات گزینه ارسال خصوصی وجود ندارد و ناچارم همین جا مطرح کنم :

متاسفانه بر خلاف نظرات بسیار عمیق شما در این یادداشتها ولیکن سطح نظرات و نوشتههای مخاطبینتان در کامنت نظرات در حد این کلاس نیست و بعضی از حضرات یا دنبال به رخ کشیدن بنیان اندیش بودنشان هستند و یا قدیمی بودنشان در محضر شما و یا فحش دادن به منتقدین کلاس(حالا یا واقعا منتقد است و یا بیمار!!).البته این جو را به اعتقاد بنده 2-3 نفر ایجاد کردند و متاسفانه در هر مبحثی با بی ادبی وارد میشوند(جواب یکی از این حضرات به خانم کشاورز آنقدر برایم شگفتی داشت که هنوزم باورم نمیشود کسی پای سفره پدر و مادر بزرگ بشود چنین جسارتی به یک خانم داشته باشد. هر چند خانم کشاورز هم خیلی تند رفته بودند)

در کل پیشنهادم این است که این جدلها را اصلا در قسمت کامنت نیاورید و اجازه ندهید هر کسی جواب سوالات مخاطبینتان را بدهد حالا چه مودبانه و چه بی ادبانه و این وظیفه را خودتان به عهده بگیرید

در غیر اینصورت معتقدم با جو موجود و حضور این حضرات کسی وارد مباحث نشود و مانع پربارتر شدن و قابل فهم تر شدنهر چه بیشتر نظرات کلیدی شما شود

با تشکر فراوان

پاسخ:

آقای ***. از محبت های شما ممنونم. آن نقش پرده درانه را که مجموعه یادداشت های قلم، در حوزه تجسسات تمدنی ایفا کرد، در سراسر عالم و در هیچ زبانی نظیر ندارد. در واقع آن مبحث چون ملات و دوغابی درزهای میان یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ را پر و آن ها را همچون بنایی استوار و یکپارچه درآورد. بله غالبا تقابل هایی بروز می کند که به امید رفع و رجوع نهایی بر اثر خالی کردن دق دل ها نصب و رفع می شود.

تلمیذ
شنبه 26 تیر ماه سال 1389 ساعت 07:50 AM

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر

آیا می توان اینطور توجیه کرد که آرارات نام یک رشته کوه است و جودی به قسمتی از آن گفته می شده است؟!مثلاً البرز یک رشته کوه است ولی دماوند قسمتی از آن است که از شرق تا غرب این رشته کوه هر کوهی ممکن است نامی داشته باشد.

پاسخ:

آقای تلمیذ. قضاوت محکمی است، اگر فقط به دلیل نام گذاری قرآن، بگوییم ۱۴ قرن پیش آن کوه را جودی می گفته اند. تورات نام کوهی که کشتی بر آن نشسته را آرارات می گوید که چون از تورات نسخه قدیم ندارند، در این موضوع سند محسوب نمی شود.

حدیثه

شنبه 26 تیر ماه سال 1389 ساعت 07:55 AM

جناب یه ستاره و استاد گرانقدر. به نظر من هم برخی از دوستان گاهی دچار غرور می شوند و چون خود را بنیان اندیش می پندارند، هر سخنی را درست و کامل درک نکرده به قضاوت می نشینند و صاحب آن را به نقد و حمله می کشانند. در حالیکه کمی تامل و حلم و بردباری می تواند نتیجه بهتری به بار آورد. ضمنا گاهی این دوستان عزیز طاقت شنیدن نظر مخالف را هم از کف می دهند و عرصه نقد و گفتگو و تبیین مباحث را با دعوا و ناسزاگویی و ... اشتباه می گیرند که این نیز شایسته اهل خرد و یا بنیان اندیشان نیست.

سعید

شنبه 26 تیر ماه سال 1389 ساعت 08:26 AM

پائولوکوییلو، عرفان‌های‌نوپدید، آرش‌حجازی، نداآقاسلطان و چند قصه‌دیگر...

http://www.rajanews.com/detail.asp?id=55073

لام

شنبه 26 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:26 AM

آقای ایمان عجیب تر می شود اگر بدانیم مثلا هالیوودی که خود در لیست سیاه است فیلم هایی را می سازد که حول این موضوع و پرده برداشتن از نمادهایش می چرخند یا کسانی که صنعت موسیقی را در دست دارند و خود فراماسون اند به شکل معناداری آهنگ های بخصوص یا کلیپ هایی با تم فراماسونری توسط بزرگترین خواننده گان پاپ و رپ روانه ی بازار می کنند. جریان چیست؟ آنان دیگر سعی ندارند خود را مخفی کنند بلکه برعکس در جهت افشای خود و اعلام موجودیتشان روز به روز بیشتر قدم برمی دارند. به همین دلیل است که بوش چنین ابلهانه خود را به نمایش گذاشت که فراماسون است چون همین رفتارش (نمونه عکس های بسیاری که دستش به علامت شاخ است) جزو برنامه ی خودشان بوده تا ذهن هایی را کنجکاو کنند وگرنه به راحتی می توانستند اگر منافعشان در خطر می افتاد بوش را از صحنه روزگار محو کنند به همان شکلی که با ریس جمهور هایی که از خودشان نبود رفتار کردند. یا وقتی که به کسانی که در صف اول مبارزه با فراماسونری مانند David ice یا jones alex قدم برمی دارند با دقت نگاه می کنیم می بینیم خود جزو فراماسون ها هستند و در برنامه هایشان اندکی حقیقت را جاشنی دروغ های بسیاری می کنند.

اینجاست که باید از خود پرسید به راستی جریان از چه قرار است؟

متاسفانه مدارکی که کنون در دست دارم و دیدگاهم را تایید می کنند بسیار اندک یا خارج از دسترس اند به این دلیل که گویندگان چنین نظری به محض شناسایی، خود و تا جایی که امکان دارد آثارشان را از دور خارج می کنند.

تنها کاری که از من برمی اید این است که دیدگاهم را هرچند با پشتوانه ی ضعیفی از مدارک و شواهد همراه است اعلام کنم تا دست کم عده ای احتمال چنان فرضیه ای را هم در نظر داشته باشند که جریان اصلی و پشت پرده چه می تواند باشد.

فعلا این کلیپ را داشته باشید تا بعد:

http://www.4shared.com/video/i_5fk4Q9/Zeitgeist_Disinfo.html

مسعود سنجری

شنبه 26 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:14 AM

جناب حدیثه

سلام علیکم

شما با تایید کلام جناب *** تلویحا تایید نمودید که آقای نیسی بر سر سفره پدر و مادر ننشسته اند. اگر نظرتان این نبوده است که انشالله

همین طور باشد پس بار دیگر کامنت ایشان را بخوانید و اگر نظرتان همین بوده که مانند جناب *** دست به هتاکی زده اید .

ایشان با نامهای مختلف در این وبلاگ حاضر می شوند و کاری جز به حاشیه کشیدن بحثها و ابهام افکنی و هتاکی انجام نمی دهند. ضمنا شماتت و انتقاد کردن از یک طرف بحث و جدل چه معنی می تواند داشته باشد؟

والسلام علیکم

فی امان الله

آسمان

شنبه 26 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:37 PM

سلام

از دوستانی که با راسال لینک و مختصری توضیح در باب فراماسیون موضوع را باز کرده اند بسیار ممنونم.

گویا این ظالمان در همه جا وجود دارند و زمان ظهور منجی بسیار نزدیک است!

آیا 2012 اخر الزمان می باشد؟

از دوستان و به خصوص جناب لام خواهشمندم بیشتر در این بحث حضور به هم رسانند تا ابعاد مختلف قضیه هر چه بیشتر فاش شود.

ممنون

آمون

شنبه 26 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:13 PM

سلام.

میشه بسه؟

تا کی می خواید همین طور تو سر و کله هم بزنید؟

امروز شباته. به اندازه کافی اشد الناس عداوتا للذین آمنوا رو دلشاد کرده اید.

نمی دونید سر رشته کجاست یا دنبال نمد کلاه خودتونید؟

چی از جون هم می خواید؟خسته شدیم از بس حرفای صد تا یه غاز می زنید.

اگه از کسی خوشتون نمیاد دیگه باهاش نه حرف بزنید نه سلام بدین و نه جواب. بی خیالش باشید.

لاتزر وازرة وزر اخری. شما حساب کار خودتونو داشته باشید. اجازه بدین هر کس ماهیت خودشو نشون بده و دیگران هم بشناسنش و بدون طرف کیه. شما که قاضی انگیزیزاسیون نیستین!!

http://amun.blogsky.com/

محمدرضا نسبی

شنبه 26 تیر ماه سال 1389 ساعت 8:20 PM

سلام علیکم

بعداز مدتی با سختی بسیار توانستم امکان نوشتن در محفل بنیان اندیشی را به دست اورم بدلیل محدودیت در فونت وتایب به صورت مختصر مطالبی را به استحضار میرسانم

به قول معروف کافر همه را به کیش خویش بندارد و این اشعه ایکس قصه ما که هر روز او را از روی سفره کسی جمع کرده و همجنان در حال جمع اوری ایشان هستند حال و روز تاریک ومجهول الهویه خود را نیز برای دیکران متصور است

ادامه دارد در اولین فرصت بعدی

حدیثه

شنبه 26 تیر ماه سال 1389 ساعت 9:00 PM

سلام استاد. لطفا یه سری به این وبلاگ بزنید و نظر خودتون را به ما هم بگویید. فکر کنم از جهاتی بسیار جالب باشه. با ارادات و سپاس

http://www.bidari-andishe.blogfa.com/

پاسخ:

خانم حدیثه. خداوند مشرکان را نجس و آن ها را ملزم به پرداخت جزیه و محروم از حساب رسی اخروی دانسته است، از قبیل این تجمع ها که هر روز نیز اضافه می شوند از گفت و گوی ادیان الهی، مسیحیان و مسلمانان و یهودیان، حرف می زنند تا فراموش شود که تنها دین الهی معترف به یکتایی خداوند، اسلام است. این شگردهای جدید برای انحراف اذهان و اختفای اصل مطلب یعنی شرک اهل کتاب پیشین است.

رضا

شنبه 26 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:29 PM

بازار باز است ؛ جدال دو یهودی الاصل در ام القرای جهان اسلام!

غروب روز تعطیل دوشنبه 21 تیر ماه، توافقی بین دولت محمود احمدی نژاد و نمایندگان اصناف بیرون آمد برای حل بحران مالیات و شکستن اعتصاب بازار اما صبح سه شنبه، کرکره مغازه ها بالا نیامد و چهار شنبه و پنج شنبه هم بازار بزرگ تهران در اعتصاب کامل به سر برد.

صبح امروز اما همان توافق نامه به مهر عقیق انگشتر حبیب الله عسگر اولادی تازه مسلمان ممهور شد و بازار تهران پس از حدود دوهفته اعتصاب، خمیازه کشان به حالت عادی کسب و کار مشغول گردید.

این قدرت نمایی موتلفه ثابت کرد که این تشکل دیرپای اسلامی، حزبی برای همه فصول است. در فصل سرخ سیدعلی و محمود، قدم آهسته میکند و با چراغ خاموش پیش میرود، در فصل زرد آنان دو قدم به پیش میاید، در فصل سبز مردم چشمان را میبندد و سوت میزند و هنوز هم به فصل سفید نرسیده است تا تکلیفش را روشن کند.

اطلاعیه عسگراولادی منتشره در بازار:

در این اطلاعیه آمده است : با توجه به نگرانی اصناف کشور در باره رشد 70 درصدی مالیات ، تفاهم نامه سه جانبه اخیر شورای اصناف ، وزارت بازرگانی و سازمان امور مالیاتی مورد تائید است.

در این اطلاعیه با تقدیر از مودیانی که اظهار نامه خود را تحویل داده اند ، از واحدهای صنفی که اظهارنامه خود را ارائه نکرده اند خواسته شده است ، براساس مفاد تفاهم نامه سه جانبه ، حداکثر تا پایان تیرماه 1389 اظهارنامه مالیاتی خود را به سازمان امور مالیاتی تحویل دهند.

در بند دیگری از این اطلاعیه آمده است: در پرداخت مالیات اصناف در مقایسه با مالیات قطعی سال 1387 ، با رشد 15 درصدی توافق شده است و بر همین اساس وزارت اقتصاد و دارایی پس از دریافت مبلغ مالیات برگه تسویه قطعی صادر خواهد کرد.

لام

شنبه 26 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:57 PM

بگذارید از اصل ساده اما مهمی در مورد پیشگویی سخنی بگویم. اصلی که بسیار قدیمی است و معمولا در فیلم ها و رمان های بسیاری هم شاهد آن ایم: پیشگویی یک اتفاق شوم که بعدها به وقوع می پیوندد.

بار دیگر که به فیلم یا کتابی برخوردید که چنین مضمونی را در خود داشت دقت کنید و ببینید همین گونه است که می گویم یا خیر:

یک پیشگو از رخداد شومی سخن می گوید که سالها بعد اتفاق می افتد، شخصی که پیشگویی را می شنود ۱) به پیشگو اعتماد و ایمان کامل دارد و از ته قلب باور می کند چنین اتفاقی می افتد ۲) در جهت عکس و تحقق نیافتن پیشگویی به تکاپو می افتد اما در آخر ۳) نتیجه با تمام تلاش های فرد پیشگویی به وقوع می پیوندد.

به نظر شما چنین قدرتی در آدمی هست و بالاتر از آن هرکسی می تواند پیشگویی کند؟

بله اما نکته در خود غیبگویی نیست چرا که از جن و انس چنین کاری ساخته نیست.

شما می توانید هر رخداد شومی را پیشگویی کنید (نیروهای منفی انرژی کمتری لازم دارند) و به وقوع می پیوندد به شرط اینکه شخص مقابل آن را باور کند. آنوقت تمام انرژی ذهنی او و کارهایی که انجام می دهد در جهت وقوع همان رخداد پیش می روند. در واقع شما چیزی از آینده نمی دانید و به پیشگویی به معنای کلمه ننشسته اید بلکه با خط دهی شخص را به سمت آن اتفاق سوق می دهید. برای مثال پیشگویی در مورد آینده ی بودا را در نظر بگیرید. اگر پدرش پیشگویی را باور نمی کرد و از ترس اینکه بودا تاج و تخت را رها نکند او را آنقدر در ناز و نعمت بزرگ نمی کرد، زمانی که بودا به یک بیمار و پیر و مرده می رسید چنان ضربه ی روحی شدیدی نمی خورد تا تاج و تخت را رها کند.

بله، آگاهی و باور ما نیروی عظیمی در خود نهفته دارد که می تواند جهان را تغییر بدهد.

حال در مورد پیشگویی شومی که در مورد آینده می شنویم هم قضیه به همین صورت است. تا یکی دو سال بعد همه ی انسان های روی کره زمین از وجود فراماسون ها و ۲۰۱۲ مطلع می شوند و باور می کنند که نیرویی اهریمنی در کار است و ما به آخر الزمان نزدیک شده ایم. جمع شدن این انرژی منفی توسط مردم باعث می شود پیشگویی به وقوع بپیوندد و برای همین هم خود فراماسون ها در جبهه ی تبلیغ و صف اول آگاهی مردم قدم برمی دارند.

و البته این تنها دلیل موجود نیست و مسایل دیگری هم در پشت صحنه در جریان اند.

مجتبی غفوری

یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:30 AM



۵ سال قبل برای اولین بار داستان یاغی رو خوندم ...هر چی فیلم کوتاه تاثیر گذار از کارگردانهای برجسته جهان دیده بودم یه دفعه تبدیل به کالر بار شدند . استاد شما یاغی رو ننوشتید بلکه ساختید اینو فقط بنده نمی گم خیلی از کسانی که این داستان رو خوندن بهش اعتراف می کنن .خیلی بی معرفتیه که بعضی ها بگن<<هرچند انصافاً آقای پورپیرار داستان های قشنگی نوشته اند...>>به نظر من قشنگ واژه احمقانیه و از درک پایین خواننده خبر میده.آیا تمام نمایش نامه نویس ها فیلمنامه نویس ها رمان نویس ها و... قادر به خلق یک صلوات هستند .استاد شما رو به کائنات قسم میدم بگید چند بعد دارید شما چجوری دنیا رو نگاه میکنید و این فهم شما رو ما چجوری <<تلافی>> کنیم ؟

و من چقدر آدم بدبختی هستم که حتی علارقم بی ادبی هام باید یک عده برام احترام قائل باشن .کسانی که خودشون در نوشته هاشون اعتراف می کنن که پیش شما درس یاد گرفتن کسانی که با پررویی تمام اعتراف می کنن که لااقل برخی از نوشته های شما رو کاملا قبول دارن ولی جرات ندارند یک بار بله فقط برای یک بار از اون مطالبی که قبول دارن حرف بزنن چون بمحض انجام این کار همه هستی شون تباه میشه .ولی چه عرض کنم که متد شما باعث شده حتی این عده هم دیگه جرات نکنن تو این مملکت قبری به کوروش بدن و از همه مهمتر اینکه دیگه خودشون هم پاسارگاد رو یونیک معرفی میکنن و از اینجا میشه فهمید که اینها همه چیز رو قبول کردند ولی خوب ماموریت باید انجام شه !مسئله ناراحت کننده اینکه حداقل به نوشته ای که خوشون ایمیل میکنند و گاف هایی که در اون می دند هم وفادار نمی مونند و چقدر این جماعت وقیح هستند با این جماعت چی کار میشه کرد <<هیچی>> .

تا انجا که شاگردان مکتب شما رو اول چند نفر می خوانند و لی در سطر سطر نوشته های بعدی نشون میدهند که چه واهمه ای از همه گیر شدن اندیشه شما دارند.اره یادشون میره و برای این چند نفر از قران هم قرار بنویسند . بله اینها خط سومی هستند خط سوم رو بزدلانی تشکیل می ده که جرات ندارند بگن استادشان کی بوده و چه کسی جرات حرف زدن به آنها داده بزدلانی که هر روز با شماره ای جدید ظاهر میشن.بزدلانی که جرات نتیجه گیری از بحث خود شون رو هم ندارند هم به نعل می کوبند هم به میخ بزدلانی که حتی پای ایمیل خوشون هم وا نمیستند و فقط با یک اشاره کوچک به ایمیلشون حاشیه ۱۰۰ مینویسن .بی سوادانی که هر بار خودکار صد تمانی

دستشون میگیرند به یاد مبحث قلم می افتند و جز فحش چیزی یادشون نمی مونه.

استاد خداوند به خاطر وجود شما طومار این دنیا را هنوز نپیچیده و بهش امید داره . دوست داشتم بگم امثال شما ولی دیدم نظیر ندارید .پدر و مادر و تمام خانواده ام فدای یک تار موی شما که دنیای ما را به بیکران ها بردید.

مجتبی غفوری
یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:55 AM

این کامنت رو جدا کردم که بتونی راحت تر نصبش کنی :

<<از خوانندگان تقاضا دارم فعلاً این یادداشت ها را برای دیگران ارسال نکنند . انشاءا... در پایان گرفت وگیرهای پیش رو که ب یشک چندماهی از فرط پرتعدادبودنِ یادداشت های باقیمانده وقت خواهد برد ، متن بروزشدهٔ تمام اوراق با افزود هها و التفات به منت هائی که منتقدانِ احتمالی بر سرم خواهند گذاشت منتشر خواهد شد و آن نسخه ها ، مناس بتر برای انتشار عمومی خواهند بود .>>

این خوانندگان که به گفته خودت پنج شش نفر بیشتر نیستند چرا جوش می خوری؟! در ضمن یادت باشه این استاد هست که همیشه ترکش هایی اضافی برای آخر کار نگه میدارند که نعش متعفن تون رو محکم تر به دیوار میخ کنه. هیچ موقع ریسک نکن و نوشته آخرت رو رو نکن چون قبر خودت رو می کنی. در ضمن یادت باشه ما با وبلاگ های غریبه سالهاست آشناییم این حرف هایی که تو میزنی کپی همون هاست که سالهاست زده میشه با این تفاوت که دیگه خیلی از حقایق رو خودتون قبول میکنید یعنی بیس قضایا رو پذیرفتید ...استاد چه بلایی سرتون آورده... این ها کهنه شده مطالب در باره پاسارگاد کعبه زدشت و ... و ... است از رو اونها چیزی برای ما کپی نکن.بزدل لاقل خودت باش! و یادت باشه مطالبی هست که ازش بی خبری دلم برای عاقبت کارت میسوزه خیلی زود شروع کردی!!!

مجتبی غفوری
یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 02:08 AM

دوستان چند وقتیه ایمیل های تفرقه افکن برای بعضی از دوستان و خود بنده ارسال میشه با این مضمون که فلانی در بارت چنین گفت یا فلانی چنان . گویا عده ای در صدد ایجاد تفرقه بین بچه های وبلاگ هستند . این افراد شگردهای مختلفی دارند که دوست دارم جناب مهدی -مهدی عزیز هر وقت که حوصله کردند به اون بپردازند .ولی فعلا از همه استدعا دارم حرف خودمون رو بزنیم. واقعا بعضی از کامنت ها اضافیه . در ثانی بعد از رد و بدل شدن ۲-۳ کامنت اگر طرف مقابل قانع نشد ادامه بحث تبدیل به جر و بحث میشه به همین خاطر بهتره نظر خودمون رو بگیم و تمام زیاد جر و بحث نکنیم .این اشتباهی بود که شاید خود بنده هم مرتکب میشدم ولی بهتره بعضی مسائل رو چند بار تجربه نکنیم ...

سعید
یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 08:15 AM

با سلام خدمت استاد

جنابان محمدرضا ، محمد رضا نیسی ، سنجری ، سرباز مسلمان و، بی نام و...و سرکار خانمها

با تمام احترام از شما تقاضا میشود این بحث های بی ارزشتان که ارتباطی به مطالب ندارند و حلاجی شخصیت مقابلتان که شاید حتی یک بار هم وی را ندیده اید را تمام کنید این دوستمان جناب نیسی با تمام تلاش و در بدترین شرایط هم بی خیال این بحث بی ارزش نمیشود و دنبال آتوی عرب ستیزی است برادر عرب بحثهای شما به هر طریقی با هر شروع کننده ای یک نتیجه دارد و آن هم انحراف از مطالب است و از تمرکز دوستان بر بحثهای بسیار ارزشمند و حساس امروز میکاهد آیا میخواهید در مقابل بنیان اندیشی سنگ اندازی کنید

باز هم معذرت خواهی میکنم و از همه دوستان دعوت میشود در این شرایط بسیار حساس حواسشان را بیشتر جمع کنند بنیان اندیشی در حساسترین گردنه هاست برای عبور از این گردنه ها تنها کاری که نباید کرد بحثهای خاله زنکی است

موفق باشید

رضا
یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:19 AM

برادر عزیز جناب عابدی

جای خالی داستان های ناریا در سایت ناریا بسیار خالی است. متشکرم

reza
یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:27 AM

در خانه اگر کس است یک حرف بس است.

".. و من چقدر آدم بدبختی هستم که حتی علارقم بی ادبی هام باید یک عده برام احترام قائل باشن ..."

مجتبی نازنین

سالها باید در این کلاس شاگردی کرد تا معنی این یک حرفت رو بفهمیم. قابل توجه بنیان اندیشان! خود خوانده.

مسعود سنجری
یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:36 AM

برادر گرامی سعید

سلام علیکم

خدا را شکر می کنم. امیدوارم شما و تمامی دوستان از این پس نسبت به هر تلاش برای به حاشیه کشاندن بحثها حساس باشید.

ضمنا خواهشمندم قبل از هر قضاوتی دو موضوع را مد نظر داشته باشید. یکی اینکه اینجانب هرگز آغاز کننده هیچ بحث و جدلی نبوده ام و دیگر اینکه همواره به این حاشیه سازیها حساس بوده ام لذا هیچ سرزنشی را از جانب هیچ احدی که باشد نمی پذیرم.

والسلام علیکم

فی امان الله

محمد اوجال اولوتورک
یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 2:29 PM

با سلام

معمولا عادت ندارم که قسمت مربوط نظرات خوانندگان را هم بخوانم. الان هم که برای بار دوم (پس از راه اندازی شدن وبلاگ جدید) کامنت ها را خواندم، اصلا خوشم نیامد! انگار که اساسا این کامنتها مربوط به وبلاگ دیگری بوده و در اینجا آورده شده! مخصوصا برخی از اظهار نظرها که به من چنین احساسی را منتقل می کند که گویی در فروم یکی از سایتهای باستان پرستی و شونیستی فارس هستم! بنده هم با نظر آقای/خانم *** موافقم که جناب استاد پورپیرار چنین کامنتهایی را تایید نکنند. به گمان من چنین بگو مگوهایی که نه کمکی به درک بهتر مطالب این وبلاگ می کند و نه اصولا اکثرا ربطی به موضوع مطالب وبلاگ «حق و صبر» ندارند، در شأن این کلاس درس «بنیان اندیشی» و «حقیقت» نیستند. گرچه این را هم می دانم که جناب استاد قطعا خود بهتر تشخیص می دهند که کدام طرز برخورد صحیح تر و سودمندتر است.

...

چندروز پیش، از طریق ایمیل از خدمت جناب استاد پورپیرار دو سوال پرسیده بودم که ایشان به یکی جوابی کوتاه داده، به یکی هم اصلا جواب نفرمودند. با توجه به جالب بودن موضوعات مورد سوال، تصمیم گرفتم آنها را در اینجا هم مطرح کنم تا هم از نظرات سایر دوستان بنیان اندیش در این زمینه مطلع شویم، و هم به این وسیله شاید فضای حاکم بر کامنتها اندکی تغییر یابد.

سوال اولی که از استاد کرده بودم این بود که:

- آیا آیه 43 سوره قصص، این موضوع را نشان نمی دهد که در جریان طوفان نوح، «تمامی انسانها»، البته سوای آن عده از مومنین سوار بر کشتی، هلاک شده بوده اند؟

« وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِن بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَائِرَ لِلنَّاس وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ » (قصص، 43)

استاد نیز در جواب فرموده بودند:

« موسی پیامبری پس از نوح است. اگر فرض را بر نابودی تمام انسان ها در طوفان نوح بگیریم، آن گاه سئوال این است که موسی برای هدایت چه قومی مامور شده است!؟ ضمنا توجه کنید که خداوند در ایه 13 سوره حجرات می فرماید که خود بین زبان ها و بین گروه های انسانی اختلاف قائل شده تا شناسایی اقوام ممکن شود. »

جواب بنده هم چنین بود که:

« جوابی که در این خصوص به ذهن بنده خطور می کند عبارت از اینست که: موسی، به منظور هدایت «نسلهای بعدی بوجود آمده از نجات یافتگانِ از طوفان نوح» مبعوث شده بوده است؛ نسلهایی که گرچه اخلاف «مومنین» بوده اند، اما طبیعتا ممکن بوده در طول زمان دچار گمراهی شده باشند.

ضمنا بنده در متن سوالم گرچه عبارت «تمام انسانها» را بکار برده بودم، اما «مومنین سوار بر کشتی» را مستثنی کرده بودم. بعلاوه، آیا آنچه باید در ارتباط با موضوع مورد بحث مورد توجه قرار گیرد، می بایست کلام خداوند باشد، یا فرضیات ما؟ و اساسا سوال بنده هم این بود که آیا از آیه مذکور («وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِن بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَائِرَ لِلنَّاس وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ») این موضوع (نابودی تمام انسانها به جز مومنین در طوفان نوح) مستفاد می شود یا خیر؟ »

استاد در جواب، مطالعه مجدد و دقت در جواب قبلی شان را فرموده بودند.

سوالی دوم ام نیز، که به هر دلیل بی جواب ماند، چنین بود:

« بر اساس نظریه بدیع ارائه شده از سوی حضرتعالی (اگر اشتباه نفهمیده باشم)، «از یک زبان واحد، نمی تواند دو یا چند لهجه بیرون بیاید؛ لهجه ها، زاده و نتیجه برخورد دو یا چند زبان هستند». حال سوالم این است که با توجه باینکه در ابتدا فقط یک زبان واحد (مورد تکلم حضرت آدم و همسر و فرزندانش) وجود داشته است، پس چگونه زبانهای مختلف و متعدد امروزی بوجود آمده اند؟ »

با آرزوی سلامتی برای استاد

حاجی زاده

یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:00 PM



سلام

برادر بزرگوارم آقای غفوری

مراجعان به این وبلاگ از طیفهای گوناگونی هستند، معاند، مخالف، غافل(ناآگاه)، موافق، بنیان اندیش و مبارز، این تفکیک بر مبنای سطح آگاهی و دانش، نوع عملکرد، میزان تعهد، پایبندی به اندیشمندی، جهان بینی، ویژگیهای شخصیتی و فرهنگی افراد است. با وجود چنین دامنه متغیری از مراجعان، بایستی انتظار همه نوع نظر از سخیف تا عالمانه، و همه نوع برخورد از پرخاشگرانه تا خداپسندانه را داشته باشیم، شایسته است، اهتمام ما چه در این فضا و چه در محیطی وسیعتر، بر این باشد که هر انسان حق طلبی را در محدوده فهم و توان اش از حقایق مطلع سازیم و هدایتش کنیم

با این اوصاف، مجادله در چنین مکانی به خاطر وجود طیفهای فوق الذکر اجتناب ناپذیر است، باری اگر این مباحثات حول مسئله ای معین و قابل تامل بوده و سیر مباحثه به شکلی هدفدار تعقیب شود بطوریکه در نهایت تلاش فکری و محققانه جمع به یک نتیجه قابل استفاده

برسد، بسیار ارزشمند و قابل احترام خواهد بود، من شخصا هرگز تلاش آن "سه تفنگدار بنیان اندیش" در راستای آگاه سازی خودم را فراموش نخواهم کرد!

بایستی مکررا و موکدا یادآوری کنیم که بنیان اندیشی اسباب تفنن یا تفاخر نیست، دعوت به مبارزه است، بنیانی اندیشیدن سلاحی است که تجهیز به آن برای ورود به میدان کازار ضروری است، یک مبارزه جدی در حال تولد است، هر فرد متملق، خودنما، خودپسند، حسابگر و ترسوئی که ولنگارانه و متظاهرانه و بدون فکر وارد این مبارزه شده است غفلتا و بیهوده قربانی خواهد شد، این مبارزه، انسانهائی وارسته و آزاد، متعهد و مومن، جسور و فداکار می طلبد، چه در جبهه موافق و چه در جبهه مخالف، هر انسان آرمان خواهی بایستی بین "خودش" و "آرمانش" یکی را برگزیند، پس برادرم، کسی که با وسواس نام خود را مخفی میکند، چون وارستگی و از خود گذشتگی یک مبارز را ندارد، یک ترسوی خودنماست، قابل اعتنا نیست، چه در جناح دوست باشد و چه در جناح دشمن، یا کسی که کلامش را در گفتگو با برادر آرمانی اش و با دوست هم ره و هم کیش اش، با درشتی ادا میکند و به هیچ روی قصد گذشت از حق(!) ناچیز خود ندارد، هرگز دست از متعلقات دنیوی اش نخواهد کشید و وارد صف مبارزین نخواهد شد، او مومن و قابل اتکا نیست، دنیاطلب است، پس وجودش فاقد ارزش سرمایه گذاریست.

عباس سلامات

یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:09 PM

اللهم إنا نسألک همة فی الحق وعجزا عن الباطل وأن تغفر لنا وترحمنا وإذا أردت فتنة بقوم فتوفنا غیر مفتونین ولا ضالین ولا مضلین

http://naria.maktoobblog.com/

ناریا

یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:43 PM

مستند چهارم برای نصب در وب و برای فروش آماده است. یک دی وی دی ۲ ساعته است. قیمت ارسال پستی سه هزار تومان و قیمت فروش در مغازه دو هزار تومان است. لطفا وجه را به حساب ۰۲۰۰۳۶۴۴۸۴۰۰۶ کارت به نام ناصر پورپیرار واریز و همراه آدرس به شماره ۶۶۴۹۲۰۴۹ اطلاع دهید.

دوستانی که برای انتشار آن در وب آمادگی دارند آدرس خصوصی ارسال کنند تا برایشان بفرستیم.

حاجی زاده

یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:45 PM

آقای لام

این خط دهی به وقایع بیرونی با مدد نیروی ذهن، همان است که روان شناسی آنرا نیروی تلقین و قرآن توکل می نامد.

در قرآن تاکید بسیار بر توکل (اعتماد به خدا و اعتقاد کامل به اینکه او امر دلخواه مرا محقق خواهد کرد) شده است، چرا که توکل در باب خواست و آرزوئی، نیروی ذهن را در راستای برآوردن آن متمرکز کرده و به تکاپو وا می دارد.

حکیمی

یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 5:33 PM

چنین سیمایی بهتر که از حقیقت چیزی نگوید!

http://haghighatnews.files.wordpress.com/2010/07/atx3491.jpg

آمون

یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 6:22 PM

سلام.

با عرض معذرت، مستند چهارم چی چی بیده ؟!

و این عکس چرا نمایش داده نشد در کامنت قبلی که حذف شد؟!

من اعتراض دارم!

لطفا این یکی رو نمایش بدین! ناسلامتی میدان انقلاب تهرانه دیگه! روزی شونصد میلیون نفر از اطراف و اکنافش رد می شن و به اون همه ستاره داوود تعظیم می کنند! البته در کنارش کتاب هم می خرند تا معلوم بشه یهودیان در علم و دانش ، چه قدر کوشا و موثر و مفیدند!

بنابراین آزادی به صلیبی در میدان آزادی منتهی می شه و انقلاب به ستاره های داوود در میدان انقلاب؟!!

میشه یکی بگه اینجا چه خبره؟! یا من توهم زده ام؟ پارانوئید هستم؟

راستی اون گنبد مترو چند تا ستاره داره؟!

احتمالا 313 تا !!!

البته من نشمردم!

لطفا یه آدم بیکاری بشمره و به ما بگه!

http://s1.picofile.com/amun/Pictures/Capture.JPG

از شما خواهش می شود این کامنت را تایید بفرمایید!

http://amun.blogsky.com/

حدیثه

یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 7:10 PM

استاد فرزانه. مطلبی که فرمودید حاصل دانش و دریافت مردی بنام پورپیرار است که در دنیا کمتر نظیری می توان برایش یافت. در حالی که در سوی دیگر لشکری از مسلمین صادق وجود دارند که به هزار دلیل و با هزار ترفند از متن اصلی قرآن دور نگه داشته شدند. این بندگان خدا که من نیز سالیان سال جزو همانها بودم، هیچ تقصیری ندارند و میلیونها نفر از آنها هنوز کتاب اسلام و شمشیر را نخوانده اند تا مثل مای نوعی بفهمند از متن قرآن دور بودند و کلاه سرشان رفته. به علاوه وجود تعصبات فرقوی و ... مانع درک تمام این اشنا شدگان با مباحث نوین شماست. بنابراین نمی توان همه این افراد صادق را مامور و کارشان را شگرد دانست، بخصوص که بسیاری از آنان خیلی پیش از پورپیرار وارد نقد یهودیت و صهیونیست شده بودند و همچون علامه عسکری از سالیان پیش در این راه منتهی بر اساس مبانی خودشان کار می کردند. به نظر این حقیر قضاوت براساس دیدگاه پورپیرار کاملا گویا و بجا نیست زیرا که هنوز این دیدگاه گسترش و حاکمیت سراسری و البته شایسته خود را به دست نیاورده و در مرحله دعوت است.

لام

یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 8:43 PM

یک دلیل دیگر برای وجود فراماسون ها در صف مبارزین با فراماسونری وارد کردن انبوهی اطلاعات غلط و هدایت کردن تفکر مخالفشان به سمتی است که به نفع منافع خودشان تمام شود. مثلا دو تفکر غالب در این جبهه در مورد دین وجود دارد. یکی اینکه تمامی ادیان را مغزهایی متفکر سرهم بندی کرده و از جانب خداوند نیست. دوم، منجی یا مسیحی در راه است که با نیروهای اهریمنی فراماسون ها به مبارزه پرداخته و انان را شکست می دهد. این تفکرات باعث می شود انرژی مبارزین به انحراف کشیده شده، در انتظار منجی بمانند یا نتوانند تمرکز قوا داشته باشند.

دلیل دیگر، شناسایی مهره های برجسته و راستین در صف مبارزین است تا آنها را از دور خارج کرده و نگذارند اندیشه ی درست و اهداف پشت صحنه ی جریان فراماسونری افشا شوند چنانچه بزرگترین فورم اینترنتی جبهه ی مخالف فراماسونری در سایت David Ice قرار داشته که آمار تعداد موضوعات موجود در آن بالغ بر صد هزار، تعداد پست ها بیش از دو میلیون و اعضای آن ۴۵ هزار است. لینک به فورم:

/http://www.davidicke.com/forum

با چنین مرکز قدرتمندی می توان تمامی اعضا را مونیتور نمود و به تمامی تفکرات موجود در این جبهه اشراف کامل داشت.

وجود مهره هایی نیز که خود بعنوان فراماسون شناخته می شوند باعث تضعیف روحیه و سلب اعتماد از دیگر اعضای برجسته می شود. در آخر سر شخص با یک سری اطلاعات ریز و درشت اما ضد و نقیض بدون قدرت تصمیم گیری باقی می ماند که عملا وقت و انرژی اش صرف کسب اطلاعات بیشتر بدون نتیجه و بازدهی کارا تباه می شود.

فرید
یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 9:44 PM

اینو ببین:

http://www.gooya.com/external/www.goftaniha.org/2010/07/blog-post_17.html

آسمان
یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:54 PM

با سلام

دیدن دو مستند کوتاه زیر درباره ufo ها خالی از لطف نیست!مسائل جالبی پیرامون این موضوع افشا میشود!

لینک دانلود همراه با زیر نویس فارسی :

http://www.aup.ir/asr/movie/Mahdism/The-Arrivals-pt19.rar

http://www.aup.ir/asr/movie/Mahdism/The-Arrivals-pt20.rar

در ضمن از لینک زیر میتوانید بقیه قسمت های مستند را نیز دانلود فرمایید!

http://www.asr-entezar.ir/archives/2411

و همچنین از دوستانی که از نظر فنی امکانات لازم را دارند خواهشمند هستم در صورت امکان مستند های استاد را به سازندگان این مستند ها ارسال نمایند.آدرس وب سایت ایشان در آخر مستندها موجود میباشد.

ممنون

مسعود سنجری
دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 00:54 AM

برادر بزرگ استادپورپیرار گرامی

سلام علیکم

آماده شدن مستند چهارم را به شما و استاد غفوری نازنین تبریک عرض می کنم

والسلام علیکم

فی امان الله

محمدرضا نیسی
دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 02:05 AM

سلام علیکم

از تمامی یاران بنیان اندیشی که با نام ثابت و مشخص درباره مطالبم اظهارنظر کردند تشکر میکنم و توجه یاران بنیان اندیش را به موارد زیر جلب میکنم

1-اینکه عده ای با طراحی سناریوی خنده دار و مضحک برای از بین بردن رد خود با اشعه ایکس به کالبدشکافی مطالب بقیه میپردازند ادامه همان سناریوی تکراری به کار بردن الفاظ سخیف است که هم به زعم خود سیر مباحث را به حاشیه ببرند و هم یاران بنیان اندیش را از ورود به مباحث بازدارند

2-همانکونه که بردار بزرگوار جناب سنجری اشاره کردند اینان بویی از اندیشیدن به شیوه بنیادین نبرده اند و بهتر است که کسانی که راه

حل را در نصیحت من دیده اند فکری هم برای اینان کنند

3این مباحث تا به امروز بخوبی دست اینان را رو کرده وکار را برایشان در اینده سختتر کرده است

محمدرضا نیسی
دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 02:21 AM

سلام علیکم

جناب امیر

منتظر اظهارنظرتان درباره مطالبم هستم

ضمنا در یادداشت قبلی این شارلاتان انتی رو عرض میکنم بحثی با نام یه نفر البته جدید درباره تورات و انجیل انجام دادم که بد نیست ان را مطالعه بفرمایید و یکجا زحمت جواب را متحمل شوید

ممنون

abbas
دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 04:40 AM

http://www.lib.cam.ac.uk/Taylor-Schechter/GF/54/

محمدرضا
دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 07:49 AM

عذرخواهی:

من از تمام دوستان و عزیزانی که موجب رنجش خاطر آنها شدم، صمیمانه عذرخواهی می کنم. باور کنین هرگز به قدر ذره ای قصد نداشتم به کسی بی احترامی کنم یا موجبات اختلاف و تفرقه و به حاشیه کشیدن بحث های اساسی این وبلاگ را فراهم بیاورم. از ابتدا فقط نظرم را گفتم اما متاسفانه بعضی از دوستان منو با کس یا کسان دیگری اشتباه گرفتن و یا حرفهای منو براساس پیشداوریهای خودشان داوری کردن و دچار سو تفاهم شدند. همین مسئله باعث شد تا منظور منو درست متوجه نشوند و با اینکه چند بار توضیح دادم، بازهم درنیافتن مطالب روشن و ساده از سوی دوستان باعث گردید تا آنها را تمسخر نمایم. فکر کنم من هم به قول خانم حدیثه کمی دچار غرور شدم و به خودم حق دادم با دوستانی اینطوری رفتار کنم. ولی بنا به توصیه خانم حدیثه دیدم بهتر است با صبر و بردباری با یکدیگر برخورد کنیم و اگر لازم شد صد بار هم منظورمان را توضیح بدیم تا مخاطبمان از سو تفاهم بیرون بیاید. برای همین امیدوارم دوستانی که از من رنجیده خاطر شدند، بنده را به لطف و بزرگواری خود ببخشایند.

reza
دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 09:29 AM

با سلام جناب محمد اوجال اولوتورک

در رابطه با سوال اول:

این برداشتی که شما به آن اشاره نموده اید از متن آیه بدست نمیآید. این آیه اشاره ای است به اینکه حکم پیامبری به موسی (ع) در زمانی اعطا گردیده که پیش از او اقوام دیگری در آن جغرافیا و در زمانی پیش از او زیسته و از میان رفته اند. دقت شود که این اشاره به هیچوجه به این معنی نیست که همه آنها در نتیجه یک حادثه و الزاما عذاب الهی منقرض شده باشند.

و اما اجازه دهید که با فرض شما مسئله را بررسی نمایم.

- موسی به پیامبری در میان قومی برگزیده شده که همه از نسل نجات یافته گان (مومنین همراه نوح) طوفان نوح اند در چند هزاره پیش.

یعنی طوفان امری جهانی بوده و همه انسانهای غیر مومن به نوح روی کره ارض نابود گشته اند.
لذا نوح پیامبری بوده برای تمام انسانهای ساکن کره خاکی از شرق تا غرب و شمال تا جنوب با هر گستردگی و تنوع محتمل در آن زمان.

بنابراین نوح موظف بوده که پیام یکتاپرستی و پرهیز از گناه را به همه انسانها در آن زمان ابلاغ نماید تا حجت را بر همه تمام کرده باشد چه در غیر اینصورت عذاب الهی نمی تواند شامل بی خبران باشد و این با عدل خدا در تضاد خواهد بود.

سوال اینجاست که این حضور مادی نوح و ارتباط کلامی با اقوام جغرافیای دور دست چگونه برقرار میشده؟ در صورتیکه تا همین یک صده گذشته تنها راهور شناخته شده در خدمت انسان دوپا شتر و اسب بوده.

البته راه ساده تری نیز وجود دارد که مختص یک ذهن کنجکاو است که ادله مادی و قابل لمس را بر داستانها و افسانه های تورات رجحان دهد.
راه دیگر حل این تناقض بررسی آثار به جا مانده از طوفان نوح در حوزه جغرافیایی ترکیه امروزی و مقایسه آن با دیگر نقاط دنیاست.
کدام منطقه کوهستانی دیگری در روی زمین سراغ دارید که بر کوههای آن آثار تخریب و شستگی آب تا ارتفاع ۱۸۰۰ متر قابل مشاهده باشد؟
reza
دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 09:48 AM

{ با توجه باینکه در ابتدا فقط یک زبان واحد (مورد تکلم حضرت آدم و همسر و فرزندانش) وجود داشته است، پس چگونه زبانهای مختلف و متعدد امروزی بوجود آمده اند؟ »}

و اما سوال دوم. اینبار نیز فرضتان را بر پایه داستانهای تورات گرفته اید. در کجای قرآن آمده که در زمان آدم و همسرش آنها تنها ساکنان کره ارض بوده اند؟

ۚ وَلَـكُمْ فِى وَقُلْنَا اهْبِطُوْا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ الْاَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَّمَتَاعٌ اِلٰى حِيْنٍ ﴿۳۶﴾ فَتَلَقّٰٓى اٰدَمُ مِنْ رَّبِّهٖ كَلِمٰتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ اِنَّهٗ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ ﴿۳۷﴾ ۚ فَاِمَّا يَاْتِيَنَّكُمْ مِّنِّىْ قُلْنَا اهْبِطُوْا مِنْهَا جَمِيْعًا هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَاىَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ

اگر دقت کرده باشید استاد با رد فرض فوق جواب سوال دومتان را نیز با ارجاع به قرآن عظیم داده.

يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَـٰكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَـٰكُمْ شُعُوبًا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓا۟

وَمِنْ ءَايَـٰتِهِۦ خَلْقُ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱخْتِلَـٰفُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَٰنِكُمْ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَـَٔايَـٰتٍ لِّلْعَـٰلِمِينَ
khalil
دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:35 AM

سلام بر استاد بزرگوار و عزیز
استاد در مورد نقشه هایی که مورد نقد و بحث شما قرار گرفته آیا می توان خود نقشه ها را محصول جدید همین اواخر دانست؟ چون به کمک وسایل اندازه گیری و قدم نمی توان نقشه ای با ریزه کاریهای جزئی را درسال۱۸۵۱م ثبت کرد به نظر من از عکس هوایی بهره برده اند .سازمان نقشه برداری آمریکا در سال ۱۸۹۴ برای نقشه برداری از مرز آمریکا و کانادا از فوتوگرامتری بهره جسته و اختراع هواپیما هم در سال ۱۹۰۲ توسط برادران رایت و از آن طرف اولین عکسبرداری با هواپیما در سال ۱۹۰۹ از یکی از شهرهای ایتالیا انجام شده ، بعد از آن با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۳ عسبرداری از طریق هواپیما برای تهیه نقشه استفاده شده است. پس اگر این نقشه ها با استفاده

از عکس هوایی رسامی شده باشد چند سال بعد از ۱۹۰۹ می توان سراغ نقشه های دقیق این کشور را گرفت نه در سال ۱۸۵۱.

استاد نظر شما چیست؟؟؟؟

elyar45
دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:57 AM

با سلام خدمت همه دوستان عزیز به ویژه استاد و با سلامی مخصوص به جناب غفوری

استاد اگه صلاح دونستید این کامنت رو نصب کنید

جناب غفوری نمی دونم چند سال دارید ولی این طوری که شما نوشته اید نشون می ده که کمتر از چهل سال دارید چون خیلی خیلی احساساتی نوشته اید تا جایی که می دانم چنین دوآتشه بودن مطمئنا به حد افراط نزدیک است تا به حد تعادل.

کسی که نمی دانم کیست با شماره 206 ایمیلهایی می فرستد که آقای پورپیرار را نقد کند چه اشکالی دارد بگذارید اگر پورپیرار ریگی در کفشش نیست نقد شود تا کسی به بوته نقد بخورد مقبول نخواهد شد اگر از نقد پورپیرار اینقدر می ترسید بر آینده شما نگرانم - خود جناب پورپیرار باید بر مبنای حق سنجیده شود نه هیچ معیار دیگری - اینکه کسی می گوید در زندان چنین و چنان شد و یا تونلی می خواست بکند تا شاه بمیرد خوب همه اینها گیریم درست - حرف الان آقای پورپیرار اینها نیست باید در نقد تنها حرف اصلی طرف نقادانه و بی غرض نقد شود نه اینکه از زندگی او افشاگری شود به جناب آقای 206 که قطعا خواننده این کامنت است در مورد جناب آقای پورپیرار گفتم این آقای پورپیرار در اوایل مرا به آنوسی بودن متهم کرد چون گفته بودم شهری که یونس بدان ارسال شد بیش از صدهزار نفر جمعیت داشت ولی جناب آقای پورپیرار از آن حرف من تعجب کرد و گفت در کجای قرآن ؟ -----

جناب استاد پورپیرار نقشی که داشته خیلی والاست اما هیچکدام از اینها باعث نمی شود کسی پورپیرار را بپرستد و پدر و مادرش را به قربان او بفرستد خود این امر پورپیرار را ضرر می رساند - بگذارید نور حقیقیتی اگر هست که من فکر می کنم هست - این آقای پورپیرار منعکس کند در مقابل منتقدان هم تنها این حرف را می گویم تنها استدلالهای ایشان نقد شود نه تونلهای زیرزمینی!

elyar45
دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:59 AM

یکی از نقد های آقای ۲۰۶ که برایم جالب بود و می خواهم از استاد عزیز جوابی اگر دارند بگویند این است که در سوره هود می فرماید : یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی ...

خوب این آیه به صراحت می گوید که آب طوفان به یکباره فرو نشسته است . ممنون خواهم بود از شما استاد گرامی که جوابی بدهید

پاسخ:

آقای elyar45. اگر کسی بخواهد نادانی خود را جار بزند از جمله می تواند به همه اعلام کند که مفهوم و کارکرد افعال را هم نمی داند و احتمالا اگر برادر و یا پدرش به او امر کند که برو به تهران. او باید در چشم برهم زدنی در میدان آزادی تهران حضور یابد. در آیات مربوط به نوح و کشتی و خداوند در سوره هود افعال امری چندی به کار رفته است. "و اصنع الفلک" که در چشم بر هم زدنی کشتی آماده شده است. "احمل فیها من کل..." که ناگهان کشتی از ازواج حیوانات لبریز می شود." ارکبوا فیها..." و غیره که هیچ یک افاده معنای تحقق بالفور چیزی ندارد. اگر ابلعی ماءک را به معنای بلع بلافاصله دریای وسیعی با عمق 1800 متر بدانیم. آن گاه کشتی و سرنشینان اش را همراه گرداب حاصله مانند سوزنی به اعماق زمین فرو کرده ایم. نفهمی هم عالمی دارد...

امیر
دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 12:18 PM

جناب آقای پور پیرار

سوالی را می خواهم مطرح کنم که مربوط به مبحث قلم است و باز کمی از زمان مناسب طرح آن گذشته است.

شما در ایران شناسی بدون دروغ 270، نتیجه 78، قلم، 7 بیان نموده اید "گرچه از خط عرب، که مادر و مبتدای خط فارسی است، تا قرن دهم هجری، صدها و هزاران قطعه نوشته بی نقطه و با نوشتارهای خام و فاقد سبک دیده ایم، اما مثلا نمی دانیم فردوسی با تمسک به

کدام معجزه، با حروف و خط کامل و منقوط فارسی، هزار سال پیش، دیوان شاه نامه سروده است؟!"

با مراجعه به سایت www.islamic-awareness.org به تعدادی از دستنوشته های عربی و دو زبانه بر روی پاپیروس برخوردم که در آنها نقطه گذاری هر چند بصورت ناقص انجام گرفته است. مثلا http://www.islamic-awareness.org/History/Islam/Papyri/PBerol.html

و یا http://www.islamic-awareness.org/History/Islam/Papyri/PMich.html

تصاویر سایر دستنوشته ها نیز در آدرس http://www.islamic-awareness.org/History/Islam/Papyri/ موجود است.

بنابر این دستنوشته هایی داریم که مربوط به قرن اول هجری اند و در عین حال حاوی حروف منقوط اند. پس نقطه گذاری در قرن اول هجری بطور ابتدایی وجود داشته است.

از طرف دیگر، حتی با قبول عدم وجود نقطه گذاری تا قرن دهم هجری، معترفید که قران یا قسمتهایی از آن تا زمان مذکور کتابت شده اند و با وجود بدون نقطه بودن حروف بکار رفته، در قرائت متن آن مشکل حادی بروز نمی کرده است. پس آیا نمی توان احتمال داد متون دیگری مانند شاهنامه نیز، فارغ از بحث نوع قلم و کاغذ، قابل نگارش و خواندن با همان الفبای ابتدایی بوده باشند؟ به هر حال نسخه اولیه از شاهنامه موجود نیست تا بر سر نقطه دار و بی نقطه بودن آن بحث شود. رونوشت های موجود مربوط به سالها بعد از سرودن آن می شوند و منقوط بودن حروف می تواند به دلیل پیشرفت های بعدی در نگارش حروف عربی باشد که در آنها اعمال شده اند.

با سپاس

پاسخ:

آقای امیر. سئوالات آشفته ای بود و در لینک های ارسالی مطلب به درد بخوری ندیدم ضمن آن که عکس ها ابدا باز نشد. اگر شما می توانید چند عکسی را انتخاب و لینک آن را با سئوال مشخص ارسال کنید. می فرمایید اگر عرب متن بدون نقطه را می خوانده شاید فردوسی هم با کلمات بدون نقطه شعر گفته باشد. اشکالی نیست به شرط آن که قطعه ای به اندازه یک سکه ۵ ریالی از آن شاه نامه با کلمات بدون نقطه فارسی را ارائه دهید. نگویید همه چیز سوزانده شد و بر باد رفت که همین حرف معلوم می کند که بدون نمونه هر قصه ای را که دوست دارید به خود می بندید. فراموش نکنید که عرب می تواند از قرن اول هجری نمونه خط بدون نقطه خود را ارائه کند و به همین دلیل به قصه نیاز ندارد.

مسعود سنجری

دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:05 PM



برادر بزرگ استاد پورپیرار

سلام علیکم

استاد در یادداشتهای قبل در خصوص نقشه های قدیمی جهان و منطقه خاورمیانه مطالب مهمی را عنوان فرمودید. سئوال اینکه نقشه های قدیمی بر چه موادی ترسیم می شده اند؟

والسلام علیکم

فی امان الله

پاسخ:

آقای سنجری. تصور جهان مدور، تا پیش از ورود انسان به اوقیانوس ها مفهوم و ممکن نیست و اگر کسی نقشه جهان را ماقبل۴۰۰ -۴۵۰ سال پیش ارائه دهد قطعا مجعول است مگر این که تصور کنیم نقشه دنیا را از تصاویری برداشته که در خواب می دیده است. آن چند نمونه ای که در دانمارک دیدم بر روی پوست بود و بقیه را هم ندیده ام. هرچند تکنیک ساخت کاغذ دستی و سنتی در قرون اخیر مورد استفاده بوده است.

عباس سلامات

دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:55 PM

با سلام

جناب elyar45

من هم با شما موافقم که به دستور خدا زمین آب باران را بلعید ولی در متن آیه هیچ نشانه ای که بتوان از آن استنباط کرد زمین در آن واحد(به سرعت) آب را بلعیده است وجود ندارد بار دیگر با هم آیه را بررسی می کنیم

""یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی ""

به نقش " ابلعی " در آیه دقت کنید.

فعل امر مفرد مونث. آیا شما در آیه شریفه چیزی که دلالت بر انجام واتمام فعل درهمان لحظه .کند می بینید؟ به آیه دیگری اشاره می کنم تا از آن هم یاری بجوییم

""إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئاً أَن يَقُولَ لَهُ كُن فَيَكُونُ""

"بدرستی که اراده خدا اگر چیزی را بخواهد به او می گوید : بشو پس می شود""

در آیه قبل خدا از زمین می خواهد آب را بخورد پس زمین شروع به خوردن آب می کند.

برای نتیجه گیری می گویم که برداشت شما و 206 و همه کسانی که به این آیه اشاره می کنند و می گویند زمین آب را بلعیده است صحیح است و از قضا هیچ تفاوتی با برداشت و نظر استاد هم ندارد لیکن ظاهرا شما با توجه به این پیش فرض که "کن فیکون" یعنی حدوث آنی، گمان کرده اید که همان لحظه زمین آب را بلعیده است که من گمان می کنم این برداشت ناصحیح است ودرست تر این است که بگوییم به فرمان خدا زمین شروع به بلعیدن آب کرد.

اگر دوستان دیگری نظری در این باره دارند خوشحال می شوم که از آن استفاده کنم.

http://naria.maktoobblog.com/

elyar45

دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 2:28 PM

فکر می کنم جواب خیلی خوبی بود - متشکرم

<< 3 2 1 >>

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

08415

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya	8	

ایران شناسی بدون دروغ ۲۷۲، نتیجه ۸۰، نقشه همدان

نتاب

دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 3:22 PM

با سلام

با مدد گرفتن از این فرموده استاد، می‌خواهم بگویم که

تصور جهان و نقشه آن الزاما باید بعد از کشف کروی بودن زمین باشد، و گرنه قبل از آن چگونه ابتدا و انتهای چنین نقشه‌ای در مخیله جای می‌گیرد؟

امیر

دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 3:42 PM

جناب آقای پور پیرار

علت باز نشدن تصاویر این است که روی سیستم عامل شما باید Java Platform نصب شده باشد که به احتمال زیاد آن را نصب نکرده اید یا نسخه Java شما قدیمی است. به هر روی، دو عدد از تصاویر را به همراه توضیحات مربوطه در آدرس http://papiri.blogsky.com جهت ملاحظه جنابعالی قرار دادم. سایر تصاویر و توضیحات در http://www.islamic-awareness.org/History/Islam/Papyri قرار دارند.

از پاسخ شما متشکرم

مجتبی غفوری

دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:02 PM

با سلام

جناب elyar45منظور بنده از فرستادن ایمیلهای تفرقه افکن ایمیلهای مورد نظر شما نیست بلکه ایمیلهایی است که دو سه هفته ای است برای بنده و چند نفر از دوستان فرستاده شده تا رابطه بین اعضای وبلاگ را بهم بزند یک مشت خاله زنک بازی کودکانه در این باره که فلانی چه گفت و چه کرد شاید شما این ایمیلها را دریافت نکرده باشید . در را بطه با ایمیلهای مد نظر شما باید بگویم سالهای سال است که نه تنها ایمیل بلکه وبلاگ ها سایت ها به همین اوضاع مشغولند و مطلبی هم در باره آنها گفته نشده .شخصا قصد ورود به چند موضوع طرح شده در این ایمیلها را داشته ام ولی از فرمول حق و صبر استفاده کرده ام و گذاشته ام هر چه این جماعت می خواهند در گل بیشتر فروروند تا در نهایت از این روند بخواست خداوند و امر استاد مستندی تهیه شود که هم برخی از سوالات دوستان را پاسخ دهد و هم تصویری باشددر باره چگونگی و نحوه غرق شدن در گل البته با کسره زیر حرف گاف!

استاد زحمت فراوانی کشیده اند و کوهی از مدخل ها را بروی جهانیان گشوده اند اینک نوبت ماست که وظیفه خود را انجام دهیم .

در رابطه با موضوع دیگری که اشاره کردید بنده از شما تعجب می کنم که چرا خودتان مرددید بنده سعادت این را داشته ام تا اندکی از نزدیک با شخصیت ایشان آشنا شوم به جرات قسم می خورم کسی را تا کیلومترها آنسو تر به عظمت ایشان ندیده ام .فقط کافی است برای مدت کوتاهی هم صحبت ایشان باشید تا بفهمید دلیل زندگی چیست و چرا باید ادامه داد .شما با نمونه منحصر بفردی از مخلوقات خداوند مواجه هستید که ابعاد وجودی ایشان فراتر از بیکران هاست . به خداوند احد و واحد اگر کمترین اغراقی دراین گفته باشد شاید باید با ایشان به مسافرت بروید تا ببینید دنیارا چگونه میتوان دید .بنده جان خود را بسیار بی ارزش میدانم که بخواهم فدای ایشان بکنم ولی دوباره و چند باره می گویم پدر و مادرم فدای ایشان و آنها از این موضوع خوشحالند.بنده سن و سالم کم نیست ولی در هر صورت فهم این قضیه به سن و سال نیاز ندارد به اندکی بینش محتاج است و این موضوع سوای پرستش استاد است ایشان به بنده یاد داد که معنی واقعی پرستش چیست ...

پاسخ:

آقای غفوری نازنین. ارزش و اهمیت کار شما که با گذشتن از تمام تعلقات خود و صرف میلیون ها مخارج تولید مستندها، که در قانع کردن

بدترین شکاکان نیز سهم مسلمی داشته است، بسی بالاتر از عرضه خام و از طریق کلمات یادداشت های تاملی در بنیان تاریخ ایرا ن بوده است. طبیعی است که تعارفات و اغراق های شما برای من هم ثقیل است که ادعایی ندارم و کوچک تر از این توصیفاتم . خداوند برای تک تک اعضای خانواده شما سعادت و سلامت نصیب کند و باید به امید روزگار دیگری بود تا قدر زحمات شما دانسته شود. در پناه خدای بزرگ بمانید.

محمد لوجال اولوتورک

دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 5:03 PM



جناب آقای رضا، با سلام و تشکر از توجه تان

با مراجعه مجدد به قرآن کریم و مطالعه آیات مرتبط، بخصوص آیات 69 به بعد سوره اعراف، برایم مشخص شد که - همانطور که شما هم فرموده اید – برداشت بنده از آیه مورد بحث، صحیح نبوده است، چرا که در این آیات سخن از مردمان مختلفی (قوم عاد، قوم ثمود، قوم لوط و قوم شعیب) است که در فاصله میان نوح و موسی، برایشان پیامبر فرستاده شده و همگی، یکی پس از دیگری و نه به صورت یکجا، هلاک شده اند.

با این همه، این گفته شما که «این اشاره به هیچوجه به این معنی نیست که همه آنها در نتیجه یک حادثه و الزاما عذاب الهی منقرض شده باشند»، هم قابل قبول نیست. چرا که در خود آیه مورد بحث، فعل «اهلکنا» به کار برده شده. این موضوع، از آیات 69 به بعد سوره اعراف هم کاملا مشخص است.

در ارتباط با توضیحاتی که با فرض صحیح بودن برداشت قبلی من داده اید، چند نکته قابل توجه است:

- برای اینکه در زمان نوح تمامی انسانهای غیر مومن روی کره زمین نابود شوند، لزومی به «جهانی» بودن طوفان وجود ندارد. چرا که می توان فرض کرد که در آن زمان، (با توجه به کم بودن جمعیت) «تمامی انسانهای روی کره زمین» تنها در منطقه خاص محدودی ساکن بوده اند. با این فرض، برای نابود شدن تمامی انسانهای آن زمان، کافی بوده است تا طوفانی بزرگ «فقط در آن منطقه» برپا شود.

- در ادامه گفته اید: «... لذا نوح پیامبری بوده برای تمام انسانهای ساکن کره خاکی». با توجه به توضیحات پاراگراف قبل، بر فرض هم که اینگونه بوده باشد، اشکالی پیش نخواهد آمد. ضمن اینکه، بر اساس کلام خدواند در قرآن، خداوند هیچ انسان و یا قومی را که حجت خداوند به دست او نرسیده است، مورد مؤاخذه قرار نخواهد گرفت. وانگهی، مگر دین اسلام، دینی جهانی و برای تمامی انسانهای روی کره زمین تا قیام نیست؟ با اینحال همین امروز هستند انسانهایی (مثلا انسانهای بدوی ساکن در جنگلهای آمازون) که ممکن است هیچگاه خبری از اسلام و قرآن به آنان نرسد و یا حداقل در طول عمر خود از آن مطلع نشوند و بی خبر از آن بمیرند.

- اینکه توصیه به بررسی آثار به جا مانده از طوفان نوح در ترکیه کرده اید، ارتباطی به موضوع مورد بحث ندارد. چرا که بحث بر سر وقوع یا عدم وقوع طوفان و یا مکان وقوع آن نیست. با اینحال اگر در این زمینه اطلاعات قابل رجوع رسمی در اختیار دارید، بسیار ممنون می شوم اگر برایم ایمیل کنید (mohemmed1362@yahoo.com). مثلا: اطلاعات مربوط به مناطق کوهستانی ترکیه و ارتفاع کوههای آن؛ اینکه آیا آثار و ابینه و اشیاء باستانی یافته شده در ترکیه فقط در حاشیه های آن یعنی مناطق نزدیک دریاها قرار دارند و مناطق داخلی خالی از آنهاست؟ ؛ آیا بر سطح خارجی کوهها رسوب وجود دارد و نیز خاک قسمت میانی جغرافیای ترکیه رسوبی است؟

در ارتباط با توضیحات مربوط به سوال دوم ام:

شاید این اطلاع که آدم و همسر و فرزندانش اولین ساکنان کره زمین بوده اند، از اطلاعات توراتی است که به ما داده اند و طبیعتا من هم اطلاعات نادرست دریافت کرده ام (البته در این زمینه در قرآن هنوز تحقیق نکرده ام)، اما این موضوع خللی در اصل سوال من ایجاد نمی کند. چرا که، چه «اولین ساکنان کره زمین» آدم و همسرش بوده باشند و چه غیر آنها، به هر حال و به حکم عقل، زمانی در روی زمین، «تنها یک زن و مرد» وجود داشته اند و طبیعتا به زبانی هم تکلم می کرده اند (و یا به مرور، زبانی به وجود آورده اند). اما مسلم است که آن زبان، «یکی» بوده است و نه بیشتر! حال سوال این است که چگونه از آن «یک زبان»، صدها زبان مختلف امروزی متولد شده است؟!

محمد اوجال اولوتورک

دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 5:06 PM

جناب پورپیرار سلام

آیا مستند جدیدی (بعد از مجعولان مجلل) تهیه شده است؟

با تشکر

پاسخ:

آقای اولوتورک. بله در مرحله آماده شدن برای توزیع است.

...

دوشنبه 28 تیر ماه سال 1389 ساعت 8:33 PM

سلام استاد

معمولا عادت ندارم کامنت های بی مورد و بیهوده بگذارم و مصدع وقت شما شوم و چشمان نازنینتان را بخاطر خواندن چند خط تعارف و یا مطالب بی ارزش خسته کنید و برای لحظه لحظه وقتتان ارزش قائلم ولی در عجبم از دوستانی که فله ای کامنت می گذارند و یا به دعواهای بچه گانه و شاید هم زرگری می پردازند . اگر هم نام اصلی ام را نیاوردم بخاطر اینکه هیچگاه نخواسته ام خودنمایی کنم .

به قول یکی از خواهران محترم من هم فکر می کنم اگر دوستان یک مطلب خاص را به بحث بگذارند و از حضور شما هم استفاده ببریم بهتر است ، هم از جدالهای بی مورد جلوگیری خواهد شد و هم نتایج مطلوبی خواهد داشت .

استاد از پاسختان به آقای Elyar شوق زده شدم . واقعا باید قبول کرد که این بی پدر مادرها (اصحاب کلیسا و کنیسه) نفهمی را در بین ما نهادینه کرده اند (بقول کسی همین که این واقعیت را قبول کنیم که نفهم بار آمده ایم و با خود روراست باشیم قدم اول برای موفقیت را برداشته ایم) ولی بخواست خدا و ظهور شخصی چون شما در شرق میانه جاودانه شاهد سیر معکوس خواهیم بود و بازگشت مجدد عقلانیت و خرد به شرق میانه . ولی در عجبم از ابعاد وجود شما و ذهن پویا و مغز ناب بینظیرتان .

پاسخ:

آقای ... بین آن کس که مطلبی را نمی فهمد و کسی که می کوشد نفهمی را عام کند تفاوت است.

عابدی

سه شنبه 29 تیر ماه سال 1389 ساعت 00:45 AM

جناب سایه من را بیش از این شرمنده نفرمایید. گویا سفر برای گریختن از گرما به مکان های ییلاق ، موجب شرمنده گی ام شده است.

آقای ۷۱reza امانتی نزد استاد دارید که اگر فرصت اش را یافتید، ممنون تان می شوم.

عابدی

سه شنبه 29 تیر ماه سال 1389 ساعت 00:57 AM

خانم شیوا به صراحت عنوان کنم بد گویی های دوستان در مورد انجمن از بی مایه گی برخی از آن ها نشات می گیرد. اگر آن ها منظور و مقصود سخنان استاد را دریافته اند چرا مشغول به کار نمی شوند و نصیحت های ایشان را در انجمن پیاده نمی کنند؟ و همانند جهودان ...

محمد اوجال اولوتورک

سه شنبه 29 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:13 AM

جناب پورپیرار، سلام

مطلب عربی موجود در لینک زیر (با عنوان «الیهود غیر الذین هادوا») را از یکی از سایتهای عربی پیدا کردم. فکر می کنم جالب توجه باشد.

http://www.ahl-alquran.com/arabic/show_article.php?main_id=4639

پاسخ:

آقای اولوتورک. مطلب جالبی بود هرچند به نقائض عمده چون نام گذاری هود از سوی یهودیان بر خود و نقض آن از سوی خداوند با اعلام یهود به آن هاست. بد نیست اگر می توانید مقاله ایشان را ترجمه و در همین جا نصب کنید.

نتاب

سه شنبه 29 تیر ماه سال 1389 ساعت 02:50 AM

سلام

قابل توجه علاقمندان مبحث قلم،

در فیلمی از سران اروپایی قبل از آغاز جنگ جهانی دوم در حضور هیتلر، دیده می‌شود که رهبران خودنویس ندارند و برای امضائ عقدنامه چند بار نوک قلم را به جوهر فرو می‌کنند.

ولی فیلمی از روزولت در همان سالها هست که چهار یا پنج کلمه پشت سر هم می‌نویسد بدون فرو کردن قلم به جوهر. البته آن فیلم همین مقدار را کلیپ کرده است.

محمد اوجال اولوتورک

سه شنبه 29 تیر ماه سال 1389 ساعت 03:07 AM

در ارتباط با مطلب «الیهود غیر الذین هادوا»

استاد، متاسفانه به زبان عربی تسلط ندارم، تنها در حد 30، 40 درصد بلد هستم. با اینحال در صورت امکان از یکی از اقوام که به زبان عربی تسلط دارند خواهش خواهم کرد تا مطلب را به فارسی ترجمه کنند.

عباس سلامات

سه شنبه 29 تیر ماه سال 1389 ساعت 03:08 AM

با سلام

جناب محمد اوجال اولوتورک مطلب بسیار جالبی بود. خوشحال و ممنون می شوم اگر این مقاله را برای استفاده سایر دوستان به فارسی برگردانیدو اگر به هر دلیلی این امر برایتان نامقدور است،اطلاع دهید تا فورا مقاله را به فارسی ترجمه کنم.

برای پرهیز از دوباره کاری است که هنوز شروع به ترجمه ننموده ام وگرنه ترجمه این مقاله حداکثر 30 دقیقه زمان می طلبد

http://naria.maktoobblog.com

سلام محمدی

سه شنبه 29 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:43 AM

جناب elyar45 :

با دیدن مستندها و نوشته های آقای مجتبی غفوری ، مثقالی عقل هم کافیست که تئوری شما (احساساتی بودن آقای غفوری) را به هم بریزد .

عجب دنیا یی شده است ، اعمال آقای غفوری ،نشئت گرفته از "احساساتی شدن " ایشان نام می گیرد و خود را استتار کرده زیر نام مستعار را " منطق " مینا مند !

محمود

سه شنبه 29 تیر ماه سال 1389 ساعت 12:10 PM

تولید مستند درخشان زخم نشر را به شما و آقای غفوری نازنین تبریک و تهنیت می گویم و بسیار مشتاقم تا هر چه زودتر آن را ببینم. یکی از دوستان بدجوری ازش تعریف می کرد و چنان آتشی در دل ما انداخته که برای دیدن این مستند لحظه شماری میکنم. از راه دور دست هر دوی شما بزرگان را می فشارم و می بوسم.

حدیثه

سه شنبه 29 تیر ماه سال 1389 ساعت 12:16 PM

استاد عزیز. با زحمات دوستان وبلاگ بیداری اندیشه مستند پنجاه قسمتی {ظهور} با زیر نویس فارسی تهیه و تولید شد. این مستند آمریکایی از سوی {گروه پروژه بیداری} تهیه و تولید شده و کوشیده تا دست یهودیان و صهیونیستها و فراماسونها را در مسائل فرهنگی و رسانه ای جهان باز نماید. از شما و همه دوستان تقاضا می کنم این مستند را از این وبلاگ دانلود نموده و ببینید که بسیار قابل تامل می باشد. با تشکر

http://www.bidari-andishe.blogfa.com/

آسمان

سه شنبه 29 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:06 PM

با سلام

خانم حدیثه با تشکر از شما.بنده نیز در بالا لینک های دانلود این مستند را درج نمودم که به صورت مستقیم قابل دانلود میباشد و دردسر های دانلود غیر مستقیم را ندارد.

http://www.asr-entezar.ir/archives/2411

مهدی - مهدی

سه شنبه 29 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:11 PM

جناب محمد اوجال اولوتورک،

مقاله «الیهود غیر الذین هادوا» را خواندم که به گونه ای دیگر در پی تطهیر یهودیان و بخشیدن نام دیگری به آنهاست. نویسنده بدرستی می گوید که یهودیان در سرتاسر کلام خداوند، برخلاف "الذین هادوا" مورد لعن و غضب هستند (المتتبع لکلمة "الیهود" فی القرآن یجد أنها دائماً تُذکر بسیاق اللعن، والغضب، والذم) اما سپس مدعی می شود که خطاب یهود خطابی تشریعی نیست و نه تنها ارتباطی به پیروان شریعت موسی ندارد بلکه حتی معنی قومی نیز ندارد و به بنی اسرائیل هم مربوط نمی شود و یهودی بودن روش فکر، خلق و سبک زندگی است. پس مسیحی و مسلمانی هم که همان روش را پیش بگیرد،یهودی خطاب می شود. پس در نتیجه هیچ کسی با یهودی خطاب کردن خود یهودی نمی شود و آنها که مدعی یهودی بودن هستند در اشتباهند و باید خود را موسوی بنامند (فکلمة "الیهود" لا تدل علی أتباع النبی موسی ولا علاقة لهم ببنی إسرائیل، فهم لیسوا أتباع أی نبی، ولا یوجد عندهم کتاب إلهی، ولا تدل علی عرق، وإنما تدل علی ملة مجتمعة علی عقیدة معینة، تقوم علی النظرة الأحادیة، والفوقیة ، والسلفیة، والانغلاق علی الذات، ومشبعة بالحقد، والکراهیة للآخر إلی درجة إزالته من الحیاة، ویتبنون فی دعوتهم الإرهاب والعدوانیة، وهذه الصفات لا دین لها، أو جنس، وإنما یمکن أن تنشأ وتتکاثر فی أی فکر، أو ثقافة بصورة فیروسیة، وبالتالی یصیر من ینهج هذا المنحی من التطرف؛ یهودیاً،ولو کان فی الظاهر ینتمی إلی الإسلام،أو المسیحیة،أو غیرهم ... فمن کان ینتسب إلی النبی موسی؛ فلیُسمِّ نفسه؛ موسویاً، أو إبراهیمیاً،أو مسلماً، وینبغی حذف اسم إسرائیل عن سلطة الیهود ، واستخدام الوصف المناسب لهما).

با احترام

مهدی

پاسخ:

آقای مهدی - مهدی. انگیزه مولف آن مقاله جای شناخت دارد ولی تنها بحث گرامری او که می نویسد نمی توان از هادوا، یهود را اراده کرد، مورد نظر است.

ضمنا تمام اختیار و مدیریت آن امر خیر با خود شماست. موفق باشید.

محمد اوجال اولوتورک

سه شنبه 29 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:39 PM

برادر عزیز عرب، جناب آقای عباس سلامات

با سلام و عرض خسته نباشید و تشکر فراوان از شما و همکاران ارجمندتان در وبلاگ

http://naria.maktoobblog.com به سبب ترجمه و نشر اینترنتی مجموعه مقالات «اسلام و شمشیر» به زبان عربی و نیز سایر زحماتتان در ترویج و گسترش «حقیقت».

متاسفانه بنده به زبان عربی تسلط ندارم، تنها در حد 30، 40 درصد بلد هستم. بسیار عالی می شود اگر زحمت کشیده و مقاله مورد بحث را ترجمه کنید.

پیشنهادی نیز داشتم: بنده چند باری که در اینترنت عبارت «الاسلام والسیف» را سرچ کردم، غیر از وبلاگ شما، به سایت یا وبلاگ دیگری برنخوردم که این مقالات را منتشر کرده باشد. در حالیکه به نظرم شما می توانید در بسیاری از فرومها و یا وبلاگها و سایتهای عربی امکان نشر آنها را فراهم سازید. بنده خودم ترجمه عربی مقالات «اسلام و شمشیر» را گاه گاه برای آقای «احمد الکاتب» محقق عرب عراقی (که احتمالا نام یکی از آثار ایشان معروف با عنوان «تطور الفکر السیاسی الشیعی من الشوری الی ولایه الفقیه» به گوشتان خورده باشد) ارسال می کنم. به نظر بنده، ارسال مقالات مذکور به محققینی از این دست، خالی از فایده نباشد.

ممنون می شوم اگر در صورت تمایل آدرس ایمیلتان را برایم ارسال کنید. (mohemmed1362@yahoo.com)

لینک

سه شنبه 29 تیر ماه سال 1389 ساعت 5:04 PM

آقا نلسون تولدت مبارک

http://www.webneveshteha.com/weblog/?id=2146310219

عکس/آخرین لحظات علامه فضل الله

http://www.jahannews.com/vdcj8ievxuqe8oz.fsfu.html

نگرانی از تحریم کالاهای اسرائیلی در آمریکا

http://www.jahannews.com/vdch6mnzq23niqd.tft2.html

انتقال گروهک منافقین به کوههای مرزی ایران

http://www.seratnews.ir/fa/pages/?cid=7979

رونمایی از فرهنگنامه رجال روحانی عصر امام خمینی+عکس/

http://www.asriran.com/fa/news/126876

پیش بینی مشائی از یک سال آینده احمدی نژاد

http://www.asriran.com/fa/news/126840

تقوی: آیت الله جنتی قصد بازنشستگی ندارد

http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=109908

عکس::رئیس جمهور جارو به دست

http://iusnews.ir/?pageid=112782

عکس::کشتار زوار بیت‌الله الحرام

http://iusnews.ir/?pageid=112783

خاطره امام(ره) از ترور شخصیت آیت‌الله کاشانی

http://www.inn.ir/newsdetail.aspx?id=47511

دو نماینده زاهدان استعفای خود را پس گرفتند (به راستی چه خدمتی از دست این دو نماینده برمی آید؟)

http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=109897

تصاویر: مسئولان امروز در جبهه‌های دیروز

http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=109859

توصیه امام (ره) به آیت‌الله خامنه‌ای در بیمارستان

http://farsi.khamenei.ir/memory-content?id=9496

سحرگاه بعد از فراق حضرت امام (ره)

http://farsi.khamenei.ir/memory-content?id=7289

آیت‌الله مسعودی خمینی:

برگزاری جشنواره‌های مهدوی باید هرساله پربارتر باشد

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8904291207

سوء قصد به هیلاری کلینتون در پاکستان

http://shafaf.ir/fa/pages/?cid=24492

نبش قبر سیمون بولیوار با اصرار هوگو چاوز + عکس

http://tabnak.com/nbody.php?id=58232

بازسازی به صلیب کشیدن مسیح (ع) از طریق عکس‌های ماهواره‌ای گوگل + عکس

http://tabnak.com/nbody.php?id=58227

رژیم صهیونیستی قاتل عکاس انگلیسی را آزاد می‌کند + عکس

http://www.rajanews.com/detail.asp?id=55692

نویسنده مشهور یهودی مسلمان شد

cat=1&http://www.shia-online.ir/article.asp?id=13021

مصاحبه نکته دار مولوی عبدالحمید با رادیو فردا !

http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=18532

فرید

سه شنبه 29 تیر ماه سال 1389 ساعت 7:35 PM

http://www.asriran.com/fa/news/126251/%D8%AE%D8%A7%D8%B7%D8%B1%D8%A7%D8%AA-D9%85%D9%86-%D8%8C-%D8%B2%D9%86-1%%DA%A9%D8%A7%D8%B%D8%A7%D9%8A%D8%B1%D8%A7%D9%86%D9%8A-%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%88%D8%A7%D8%AF%D9%87-%D8%A8%D9%86-%D9%84%D8%A7%D8%AF%D9%86

...

سه شنبه 29 تیر ماه سال 1389 ساعت 7:47 PM

سلام

آقای سلامات اگر مقاله (ملک الیمین) را هم که مرتبط با مباحث اسلام و شمشیر استاد بودند را ترجمه کنید ممنون می شویم :

همچنین اگر بتوانید نویسنده عرب وبلاگ مذکور را با افکار آقای پورپیرار آشنا کنید خیلی خوب است . مثلا آدرس سایت Nariamaktoob را به ایشان معرفی کنید تا بحث استاد پورپیرار در مورد (هادوا) را بخوانند .

http://www.ahl-alquran.com/arabic/show_article.php?main_id=929

با تشکر

عباس سلامات

سه شنبه 29 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:31 PM

برادر گرامی محمد اوجال اولوتورک

ممنون از اظهار لطفتان.

انتشار مقالات عربی استاد ،آرزوی بس بزرگ بود که به خداست خداوند به حقیقت پیوست.

درباره همکاران باید بگویم که در ابتدا و در طول مسیر پر مشقت ترجمه دوستان(!!!) زیادی وعده های آنچنانی دادند که هیچ گاه محقق نشد و من قضاوت درباره آنها را به محمکه بی رحم و بی تعارف تاریخ می سپارم. شاید اگر تلاش ها و فداکاری های دوست عزیز "هیجان" علیرغم مشغله های فراوان در یک منصب دیپلماتیک و تجصیل در مقطع دکترا ،نبود امروز همین نارِیای عربی را نیز نداشتیم.

باور به فرمایید مشغله های فراوان و ماموریت های دورن و برون کشوری، حتی نصب یادداشت ها در همین یک وبلاگ را، گاهی به امری دشوار مبدل می سازد. اگر دوستان دیگری اقدام به نصب یادداشت ها در دیگر فروم ها و وبلاگ های عربی کنند من سپاسگذار همه آنها خواهم بود. از اینکه به احمد الکاتب ایمیل می دهید متشکرم خود من نیز پس از نصب هر یادداشت به بیش از 50 شخصیت عربی مانند القرضای،السویدان،بن باز و... ایمیل می دهم. ودر فیس بوک هم اطلاعیه می دهم .البته باید گفت تعداد بازدید کننده ها و دامنه کشورهای های مراجعه کننده به سرعت خوبی در حال پیشرفت است و تاامروز از بیش از 32 کشور بازدید کننده داشتیم.

ایمیل من abbasalhelfy@gmail.com می باشد.

http://naria.maktoobblog.com

عباس سلامات

سه شنبه 29 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:36 PM

برادر محمد اوجال اولوتورک

باز هم سلام

متن مقاله بسیار پیچیده بود و بسیار بیش از 30 دقیقه برای ترجمه زمان برد. پس از ویرایش نهایی، حداکثر تا فرداشب مقاله را نصب خواهم کرد و لینک ان را در همین جا برایتان خواهم گذاشت

برادر یا خواهر ..... عزیز

با سلام

به روی چشم . امر شما اطاعت می شود.

http://naria.maktoobblog.com

محمد اوجال اولوتورک
چهارشنبه 30 تیر ماه سال 1389 ساعت 00:57 AM

جناب عباس سلامات

سلام. خسته نباشید. از زحمتتان بسیار تشکر و قدردانی می کنم. جزاکم الله خیرا.

محمد اوجال اولوتورک
چهارشنبه 30 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:00 AM

جناب آقای مهدی – مهدی

از توضیحاتتان بسیار ممنون و متشکرم.

همانطور که استاد نیز فرموده اند، آنچه در ارتباط با مقاله مذکور مورد نظر است، این است که نویسنده، معنای «هادوا» را «یهود» ندانسته است. و این همان مسئله بسیار مهمی است که استاد در اسلام و شمشیر آنرا اثبات کرده اند.

موفق باشید.

لام
چهارشنبه 30 تیر ماه سال 1389 ساعت 09:56 AM

هالیوود با ساختن فیلم هایی با مضمون فراماسونری سه مقصود را دنبال می کند: ۱- سود کلان از فروش چنین فیلم هایی (موضوعات مرتبط با فراماسونری خوراک فیلم سازی اند) ۲- تزریق اطلاعات غلط به ذهن مخاطبان (فیلم بزرگترین و بهترین رسانه ی ارتباطی است) ۳- کنجکاو کردن ذهن مخاطبان تا جایی که همگی مردم روی کره زمین تا دو سال آینده از وجود فراماسونری آگاه شوند که جزئی از پروژه ی خود ماسون هاست.

و اما صنعت میوزیک چه نقشی را در این میان بازی می کند: ۱- کنجکاور کردن ذهن مخاطبان به فراماسونری ۲- هدف قرار دادن نسل جوان اکثر کشورهای دنیا و استفاده از قدرت تکرار و تلقینی که آهنگ ها به همراه دارد ۳- اجرای مراسم و آیینی شیطانی در قابل کلیپ و شوو بی اینکه بینندگان چندان متوجه اصل ماجرا شوند. پیرامون این مسئله که مهمترین نقش دست اندکاران این صنعت است توجه ی شما را به

Awards MTV's 2009 Video Music

جلب می کنم. تفسیری از اجرای این مراسم را می توانید در لینک زیر بخوانید:

http://vigilantcitizen.com/?p=2191

مسئله ای که در جایزه سال ۲۰۰۹ برجسته بود اجرای lady gaga معروف ترین و آشکارترین خواننده ی illuminati بود که بر روی خود خون ریخته و هنگامی که برای دریافت جایزه بر روی صن ظاهر شد لباسی سرتاسر قرمز (حتی صورتش هم با آن پوشیده است) به تن داشت. برای دیدن تصاویر بیشتر (تصاویر مستهجل اند) می توانید در قسمت image گوگل کلمات lady gaga blood را وارد کرده و به سایت های معرفی شده نگاهی بیندازید.

مهدی - مهدی

چهارشنبه 30 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:19 AM

جناب غفوری عزیز،

در اولین فرصت اطاعت می شود گر چه فکر نمی کردم روزی در مورد فریب و شیادی مطلب بنویسم!

با احترام

مهدی

مهدی - مهدی

چهارشنبه 30 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:21 AM

جناب محمد اوجال اولوتورک،

صحیح می فرمایید ارزش آن مقاله در جدا کردن معنی آن دو کلمه است.

با احترام

مهدی

مجید نصراصفهانی

سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 1:58 PM

استاد این اقای اسمان بنده قبل مناظره کردم ایشان یک یعه متعصب ودشمن خونی شماست گوش به چرندیاتش ندهید ......

ایشان دنبال اشوب درسایت ایت

مجید نصراصفهانی

سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 8:45 PM

استادحتی دراین سایت هم عرب ستیزی یافت می شود واقعا خسته شدم باهرکه از اتحاد اسلامی حرف میزنم شروع به

فحاشی به بنی امیه و عمر رضی الله می کند

استاد به این باور رسیدم 90 درصد مردم ایران عرب ستیز اند

نمی دانم خسته شدم از این فحشای شیعیان وفرقه گرایان

حتی بعضی از شاگردان شماکه اسم نمی برم به

به اسم شمابه اعراب واسلام توهین می کنند واقعا جایی یافت می شود که فرقه گرا ومتعصب یافت نشود

استاد پیدانمیشه حتی بین شاگردان شما عده ای هستند که می خواهند سربه تن اعراب نباشد ..

واقعا درمانده شدم از این عرب ستیزی که درجامعه رسوخ کرده

چند وقت پیش در امام زاده معروف اصفهان با یک روحانی مناظره کوچک داشتم ایشان دست اخر جز سفسطه نداشتکم مانده ود همانجنا حکم ارتدادم صادر شود

همه تا اسم شمارا می شنوند بهتان پان عربیسم وضد شیعه به شما می زنند حتی بدون انکه مطالب شمارا خواند باشند

کم بوده بوده بنده راوهابی کند اینگار که توی گوش این ملت چوب پنبه فروکردند

قرار است مدارک اسلام شمشیر رابرایش فرستم

استاد راه خیلی سخت است

پاسخ:

آقای اصفهانی. حق را باید گفت و برای کسب نتیجه صبر و تحمل لازم است.

3 2 1 >>

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya | 8

ایران شناسی 273

ایران شناسی بدون دروغ ۲۷۳، نتیجه ۸۱، نقشه اصفهان

عباس سلامات

چهارشنبه 30 تیر ماه سال 1389 ساعت 2:32 PM



با سلام

در قسمت "لینک دوستان" برای " حق وصبر" آدرس www.maktoobblog.com در نظر گرفته شده است که این آدرس سایت ارائه دهنده بلاگ است نه خود بلاگ. خواهشمندم آدرس را به http://naria.maktoobblog.com

تغییر دهید.
با تشکر

http://naria.maktoobblog.com

لینک

چهارشنبه 30 تیر ماه سال 1389 ساعت 3:06 PM


سروری خبر داد:
هفته آینده سفر نمایندگان به غزه
http://jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100880983770

خاطرات قاری بزرگ مصر از رهبر انقلاب
http://www.tebyan.net/Religion_Thoughts/Articles/QuranicArticles/2010/7/21/131154.html

ظهور یک نشریه صهیونیستی در مطبوعات اقلیم کردستان عراق
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1120585

در 41 امین سالگرد آتش‌سوزی؛
ستاد بین‌المللی حفاظت از مسجد الاقصی در سوریه راه‌اندازی شد
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1120712

نماینده کویت: مقلد آیت‌الله خامنه‌ای هستم
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=110096

بادامچیان: احمدی‌نژاد تنها برخی اوقات تعارف می‌کند که من به هیچ حزبی وابسته نیستم
http://www.asriran.com/fa/news/126920

سرقت از منزل یک مرجع عالی قدر تقلید
http://www.akharinnews.com/index.php?option=com_c
Itemid=36&id=6962&task=view&ontent

عکس: منوچهر متکی و هیلاری کلینتون
http://www.akharinnews.com/index.php?option=com_c
Itemid=1&id=6993&task=view&ontent

نمایش دوباره لجن پراکنی های باند پالیزدار توسط رئیس جمهور در شان مردم و نظام اسلامی نبود!/ تقابل با این پدیده زشت و گناه آلود هر روز سخت تر از روز قبل!
&lang=1&http://hashemirafsanjani.ir/?type=dynamic
id=2320

افشاگری مدیر سابق MI5 در مورد جنگ عراق و افغانستان
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=110092

تصویر: سید حسن خمینی در کنار کاسترو
http://www.seratnews.ir/fa/pages/?cid=8027

وام و هدیه برای نوزادان در دستور کار بهایی ها
http://www.seratnews.ir/fa/pages/?cid=8014

پاسخ رهبر معظم انقلاب اسلامی به یک استفتاء جدید
http://www.seratnews.ir/fa/pages/?cid=8001

گزارشی از 11 ماه حضور مهدی هاشمی در لندن
http://www.irdc.ir/fa/content/10282/default.aspx

آمار تکان دهنده طلاب وهابی در سراسر جهان

cat=1&http://www.shia-online.ir/article.asp?id=13074

حرم حضرت عباس (ع) دو سال دیگر اینگونه خواهد شد
cat=1&http://www.shia-online.ir/article.asp?id=13084

با صدور فتوایی توسط مفتی اعظم سعودی؛
شش میلیون وهابی امسال روزه نمی گیرند
cat=1&http://www.shia-online.ir/article.asp?id=13083

دعوت نامه های "ماسونی" برای فتنه گران
http://bultannews.com/pages/?cid=28114

سفیر اسرائیل: در جهان بی آبرو شده ایم
http://bultannews.com/pages/?cid=28075

توضیحات ثمره هاشمی در خصوص لغو اخیر سفرهای استانی
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=55868

فعالیت پان ترکیستها در بازار تبریز
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=55860

طالب حقیقت

چهارشنبه 30 تیر ماه سال 1389 ساعت 5:48 PM



سلام به استاد و دوستان

استاد خسته نباشید.

با عرض معذرت از تاخیر پیش آمده، همان طور که تعهد کرده بودم، کلیپ اول حقیر (بر اساس یادداشت شماره 71) با ترجمه آقای عباس سلامات و راهنمایی ایشان به زبان عربی تهیه و در آدرس زیر آپلود گردید.

امید که مورد پسند استاد و دوستان و به ویژه دوستان عرب زبان واقع شود.

http://www.4shared.com/video/tr5kHRBZ/Civilization_Signs-Arabic_1_.html

پاسخ:
آقای طالب حقیقت. خسته نباشید و خداوند پشت و پناه تان.

***

چهارشنبه 30 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:40 PM

جناب طالب حقیقت
با عرض سلام و خسته نباشید
متاسفانه کلیپ تهیه شده بر اساس یادداشت ۷۱ در آدرسی که فرمودید باز نمیشه .

مسعود سنجری

پنجشنبه 31 تیر ماه سال 1389 ساعت 10:40 AM

برادر طالب حقیقت و عباس سلامات
سلام علیکم

از زحمات شما در تهیه نسخه عربی کلیپ Civilization_Signs تشکر می کنم.

والسلام علیکم
فی امان الله

بختیار

پنجشنبه 31 تیر ماه سال 1389 ساعت 11:54 AM

با سلام به حضور استاد و ارزوی سلامت برای جنابعالی

با توجه به یادداشتهای قبلی و خواندن فاتحه‌ی شهرهای افسانه ای ایران از قبیل تهران و اصفهان و تبریز و همدان و... و

اثبات محکم و متقن نوساز بودن این قلعه‌های بسیار محدود. سبب چیست که مجددا یادداشتهای با همان موضوعات نصب فرموده اید. از دیگر سو بر اساس همان روشی که پیشتر ارائه فرموده بودید(الگوی دو برابر شدن جمعیت در هر سی سال) نیز کم جمعیت بدون و بی رونقی این مراکز جمعیتی قابل اثبات است و ظاهرا منازعان خاصی هم نداشته است. من خود بسیار مایلم تا مدخل‌های به عصر حاضر نزدیک‌تری را مورد توجه قرار دهید. هرچند که بر من اثبات شده که در پایان هر سلسله گفتار نتیجه گیری‌های بدیعی ارائه می‌فرمایید. بهرحال هر گفتاری که نصب می‌فرمایید پر فایده و عبرت انگیز است و نهایت تشکر را از حضورتان دارم

طالب حقیقت

پنجشنبه 31 تیر ماه سال 1389 ساعت 1:08 PM

آقای ***. با سلام. لینک را امتحان کردم. مشکلی نداشت.

بهتر است از مرورگرهایی مانند Firefox و یا Internet Explorer 8 استفاده کنید.

عباس سلامات

پنجشنبه 31 تیر ماه سال 1389 ساعت 4:04 PM

با سلام

علیرغم اینکه لینکی که برادر طالب معرفی کرده اند کاملا بی اشکال است اما من هم کلیپ عربی را روی سرور دیگری آپلود کردم تا دوستان بتوانند از آنجا هم دانلود نمایند.

http://rapidshare.com/files/408373200/Civilization_Signs-Arabic.wmv

----

آقای سنجری سپاسگذارم

http://naria.maktoobblog.com

khalil

پنجشنبه 31 تیر ماه سال 1389 ساعت 6:13 PM

سلام و خسته نباشید
استاد در مورد نقشه هایی که مورد نقد و بحث شما قرار گرفته آیا می توان خود نقشه ها را خیلی جدید دانست؟ چون فکر نمی کنم به کمک وسایل اندازه گیری و قدم نقشه شهرهای ایران را با این ظرافتکاری درسال۱۸۵۱م ثبت کرد .
آیا می توان به این نقشه ها اعتماد کرد؟؟؟؟
تا نظر شما چه باشد....

http://www.ianlogan.co.uk/brooking/Plymouth%201851.htm

استاد در این نقشه اسم خلیج فارس دیده نمی شود: http://www.thepersiangulf.org/information/germanmapofmideast.jpg

اقامتگاه اخوان که ستاره های داوود به صورت فله ای نقش بسته: http://lh3.google.ca/abramsv/R8PG5KoD8gI/AAAAAAAAJW0/1ega6vS8MWY/s1600-h/27.jpg

کمال الملک از دیدگاه محمد علی فروغی: http://qajar.wordpress.com/2010/05/26/%DA%A9%D9%85%D8%A7%D9%84-%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%84%DA%A9-%D8%A7%D8%B2-%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF-%D8%B9%D9%84%DB%8C-/%D9%81%D8%B1%D9%88%D8%BA%DB%8C

***

پنجشنبه 31 تیر ماه سال 1389 ساعت 7:06 PM

جالبه:
http://tatbook.blogfa.com/post-35.aspx

***

پنجشنبه 31 تیر ماه سال 1389 ساعت 7:59 PM

ظاهرا کلیپ اول جناب طالب حقیقت کار خودشو کرد و حضرات آژانس یهود دست بکار شدند به لینک زیر توجه کنید:
http://video.google.com/videoplay?docid=-#hl=en&5356229498218843348

مجتبی غفوری

جمعه 1 مرداد ماه سال 1389 ساعت 01:03 AM

جناب طالب حقیقت و آقای سلامات واقعا زحمت کشیدید
بنده هم از این کار پر ارزش بینهایت متشکرم.

abbas

جمعه 1 مرداد ماه سال 1389 ساعت 06:23 AM

http://www.bollyn.com/index.php#article_11148

پیرمرد

جمعه 1 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:23 AM

سلام استاد
استاد به نظرم میاد که بخشی از مطالب رانیمه کاره رها کرده اید. منظورم منشا پیدایش زبان فارسی بود که اشاره به اخراج یهودیان از شبه جزیره ایبری بود و ...
هر چند که مطالب ادامه یافته بسیار غنی هستند اما هنوز این مبحث می توان پربارتر ارایه شود.
با احترام و عرض خسته نباشید مجدد.

پاسخ:
آقای پیرمرد. مدت ها پیش بحث پیدایش زبان فارسی نصب شده است. به سایت ناریا دات آی آر رجوع کنید.

khalil

جمعه 1 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:43 AM


استاد این هم یک لوگوی کارخانه معتبر یهودی که جبهه خود را با دین اسلام نشان داده و دیگران انتظار دارند که آنها را نجس نخوانیم :
http://www.asandownload.com/download/caricature/farhangi/coca-cola.jpg
بعضی ها شباهت کلمه ای این لوگو را مطرح و از قصد بد به دور می دانند ولی به نظر من چرا شباهت و اتفاق با این کلمات است؟؟؟

سلام

جمعه 1 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:34 PM

چرا استاد این فلم جدید را بر روی سرور ناریا نمیگذارید؟

حسین محمدی

جمعه 1 مرداد ماه سال 1389 ساعت 1:41 PM

معاون جدید ارشاد 285 عنوان کتاب را از توقیف خارج کرد
خبرگزاری فارس: طی دستوری از سوی بهمن دری معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز انتشار 285 عنوان کتاب که بیش از 2 سال در محاق توقیف قرار داشت صادر شد.

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8905010371

طالب حقیقت

جمعه 1 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:48 PM

آقای سنجری و آقای غفوری. ممنون و سپاسگزارم.

فرید

جمعه 1 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:28 PM

بخشی از پیام "سید احمد خمینی " در خصوص سالروز تولد پدرش :

" پدر عزیزم رنگ سبز چشمانت، رنگ صبر امید آزادی و شادی است.

خدایا آن دو چشم زیبا را از ما نگیر.

خدا یا یوسف آل خمینی مورد حسد و مکر بد خواهان قرار گرفته، همان طور که وعده کرده‌ای مکر آنان را به خودشان برگردان و او را عزیز ایران و اسلام بگردان. "

http://parlemannews.ir/?n=12582

elyar45

شنبه 2 مرداد ماه سال 1389 ساعت 07:58 AM

جناب غفوری اگر به واقع اینطور است و اینطور خواهد ماند بنده حرفی ندارم باشد که خداوند شما را برای هم نگه دارد - منکر این عشق نیستم که می تواند وجود داشته باشد ولی خودتان در بررسی قرآن و پیامبر و امامان این نوع محو شخصیت شدن را قابل قبول نمی دانید !

پاسخ:

آقای الیار. نمی دانم چرا آن نام سرباز مسلمان را کنار گذاردید و به نام یهودی الیار متوسل شدید که طبیعتا به یهوه نزدیک تر است. حاجات تان روا باشد.

حسین بیات

شنبه 2 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:37 AM

دوست عزیز برای اینکه بدانید چقدر مهم است که وقتی نظرات دیگران را نقد می کنید به همه ابعاد موضوع توجه کنید در باره خانه عنکبوت توجه شما را به تحقیقات دانشمندان جلب می کنم که درست است که ظاهر خانه عنکبوت سست بنیان است اما با توجه به نوع بافت و جنس تار عتکتوت در مقایسه با سایر الیاف ها ی باریک از محکم ترین آنها به شمار می رود لازم است اطلاعات ما دقیق و عمیق باشد تا قضاوت سطحی نکنیم

http://digpress.bliogfa.com

پاسخ:

آقای بیات. همسایه ای داریم که برای گردگیری و خانه تکانی با خود دلر هم برداشته بود. علت را پرسیدم گفت برای حذف لانه عنکبوت ها لازم می شود. فیل سرگردانی را هم دیدم که در جنگل دنبال فرزندش می گشت که در تارهای لانه عنکبوتی گرفتار شده بود! یاد اطلاعات دقیق و عمیق شما افتادم و از این همه دانایی شما حظ کردم.

مجیدنصراصفهانی

شنبه 2 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:03 PM

استاد ممنون ازاینکه از اصفهان هم یادی کردیدد بالاخره به ارزویم که همانا مطلب نوشتن شمادرباره اصفهان است رسیدم
استاد هیچ نتوانستم از زحمات بی دریغ شما تشکر کنم چون هیچ زبان قاصرم یارای تشکر از حمات شما نیست استاد توبرتراز هرچه نویسنده است روی زمینی

عباس سلامات

شنبه 2 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:51 PM

با سلام
فیلم "زخم نشر" را دیدم که الحق و الانصاف فیلم خوب و پرمحتوایی بود لیکن به گمان من باید در نظر داشت که بر علل

کاهش فروش کتاب،علاوه بر آنچه در فیلم ذکر شد مطلب ذیل را هم افزود.
امروزه رسانه هایی سهل الوصول تر در اختیار مردم است و دیگر کسی برای خرید یک کتاب 10000تومان نمی دهد،در حالی که کل کتاب در یک فایل pdf حداکثر یک مگابایتی در اینترنت قابل دانلود است. مثال عینی آن همین مطالب استاد است(با یادآوری این نکته که استاد از حق نشر محروم است ولی گویی جدیدا این مطالب بصورت کتاب هم منتشر شده است) که حجم آنها به چند هزار صفحه می رسد در صورت انتشار می توانست به حداقل 20 کتاب 300 صفحه ای مبدل شود اما اینک به صورتی خیلی آسانتر در دسترس است.
دوستان دقت کنند امروز وجود فیس بوک و توییتر وسایر رسانه های اجتماعی (حتی همین سایت کلوپ خودمان) از عوامل تاثیر گذار بر کاهش فروش کتاب است البته میتوان به رسانه های مذکور،کانال های ماهواره ای،تلفن همراه، اس ام اس، ام ام اس و ده ها رسانه دیگر مدرن اضافه کرد.
http://naria.maktoobblog.com/

مهدی - مهدی

شنبه 2 مرداد ماه سال 1389 ساعت 5:42 PM



جناب بیات،

زیبایی و عمق کلام خداوند با گذشت اعصار و قرون آشکارتر می شود. می بینید که گرچه یهودیان برای بستن راه حقیقت توری با محکمترین الیاف و مصالح بافته اند اما با وزش نسیم حق هم بر باد رفته است.

مهدی

محمدرضا نیسی

شنبه 2 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:10 PM

سلام علیکم

جناب امیر
باز هم بدون جواب دادن به مطالب قبلی به ارائه مطالب جدید می پردازید؟ شما اگر مدعی هستید استدلال کافی دارید چرا در هر کامنت از این شاخه به آن شاخه می پرید؟

آنگاه که به زعم خود برای رد مبحث کوه سان قلم استاد عزیز دست به دامن قرآن شدید در مقابل استدلال های مبسوط ارئه شده برای جلوگیری از سوءاستفاده از آیات قرآن، ادعای عجیب و غریب و مضحک استنساخ کتب تاریخی توسط بشر را مطرح کردید.
وقتی پاسختان درباره استنساخ کتب در طول تاریخ داده شد به جکنامه حکیم!!! ابوالقاسم فردوسی می شوید و با مطرح کردن نقطه گذاری حروف عربی باز هم راه انحرافی جدیدی را می گشائید تا از تبعات مطالب قبلی بگریزید.

نه جناب امیر! این شمائید که در موضع جواب قرار دارید و مفری از مطالبی که درباره مبحث عظیم قلم گفته اید، ندارید. نمی توانید بدون اثبات و استدلال کافی درباره ادعاهای قبلی، ادعاهای جدیدی را برای نقد مباحث قلم مطرح کنید. گرچه برای همه آنها پاسخ مستدل وجود دارد.
...

محمدرضا نیسی

شنبه 2 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:26 PM

...
جناب امیر شما که دم از شاهنامه می زنید؛ بفرمائید در زمان یزدگردسوم ادعائی مگر بغداد وجود داشته که این حکیم!!! یزدگرد موهومی را بدانجا می فرستد؟ یا اینکه جاعلان محترم فراموش کرده اند که حتی در زمان خود فردوسی هم بغداد

وجود خارجی نداشته و یا اینکه جاعلان تاریخ می خواسته اند جعلیات نوینخود به نام عراق را مستند به جعلیات باستانی کنند که چنین گافی داده اند؟!
این حکیم!!! بی بدیل چگونه است که دست چپ و راست خود را بلد نبوده و غرب جغرافیائی را به شرق منتقل میکند و شما با افتخار و سری برافراشته به او استناد میکنید؟!

واما نمونه ای از سوالات بی پاسخ قبلی؛ یعنی شما می فرمایید کتابهایی که برای آنها قدمت اداعا میشود در طول تاریخ به دفعات استنساخ و کتابت مجدد شده اند؟ میتوانید بگوئید چند نفر و به چه مدت به کار استنساخ این همه کتاب ادعائی مشغول بوده اند؟
مگر پیشینیان همگی سواد داشته و همگی با چنین قلم های ضعیف به کار استنساخ و کتابت مجدد کتابهای قدیمی اشتغال داشته اند؟ پس چه کسی به کار کشاورزی و دامپروی و تجارت و... می پرداخته؟ اینهمه حجم مواد شبیه کاغذی که می فرمائید را از کجا می آوردند؟ سواد نوشتن و خواندن را هم باید در شعب باستانی دانشگاههای شیکاگو و کمبریج فرا گرفته باشند!!!!

رامین.ص

شنبه 2 مرداد ماه سال 1389 ساعت 9:24 PM



با سلام:
ازاینکه سایت دوباره راه اندازی شده خوشحالم و برای شما استاد گرامی از خدای متعال سلامتی و طول عمر خواستارم.
درارایه این مطالب جدی و نفس گیر حس کردم مطلبی هم از اقای فریدون جنیدی که 30 سال درکار شاهنامه پژوهی بوده بیاورم که در تاریخ 25 اردیبهشت 89با روزنامه جام جم مصاحبه کرده است البته ان را به عنوان زنگ تفریح ارایه میدهم:
سلسله هخامنشی از مهمترین سلسله های تاریخی ایران است که فکر میکنند در شاهنامه نیامده وزیر سوال میبرند

چراکه رمز شاهناه را نمی شناسند.مادر کتیبه های هخامنشی داریوش رابه صورت فاعلی"دروووش"و به صورت مفعولی"دروهوم"داریم که انتهای انها را برداریم میشود"درو" که ما در کتابهایمان "دارا" داریم که در حقیقت حکومت هخامنشی است."دارا"یعنی"کوروش و کمبوجیه"و"دارای دارایان" یعنی "کوروش اول تا داریوش سوم". با تشکر.

khalil

شنبه 2 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:13 PM



استاد نظرتان در مورد ریچارد داوکینز چیه؟
ایشان در مورد اخلاقیات مطلق و در مورد دین صحبت می کنند. استاد با شنیدن اینگونه حرف ها انسان آگاه به صبر خداوند مهربان در خصوص بندگان نا آگاه و ناشکر و نادان پی می برد.
YouTube.com/DawkinsPersian
/Facebook.com DawkinsPersian
http://www.youtube.com/watch?v=Um2cWjfDVXo
استاد خیلی دوست داشتم شما هم در این بحث و گفتگو با ریچارد داوکینز حضور داشتید و با پتک استدلال هایتان ضربه محکمی بر پیکر این گونه روشنفکری فرود میاوردید تا جایی که برای تقدیر از ایشان یک بیل برنزی همراه با چند سکه 25 تومانی تقدیم می کردید که برای جمع آوری و دور ریختن رسوبات ته مانده مغزش به زباله دانی از آن وسیله استفاده کند.

فتح

یکشنبه 3 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:38 AM



جنابان آقای طالب حقیقت و آقای سلامات کار و زحمت شما نتیجه خوبی را حاصل کرد دست شما درد نکند.

abbas

یکشنبه 3 مرداد ماه سال 1389 ساعت 04:41 AM

استاد نظر شما در بارهٔ احمد شاملو چیه؟

آیدین قشقایی

یکشنبه 3 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:36 AM

سلام به دوستان
دوستان من تا آنجا که می دانم، آقای شاملو از مخالفین سرسخت فردوسی کذایی بود. دلیل مخالفت ایشان با فردوسی کذایی، تاکید فردوسی بر شیوه و سبک و سلوک شاهانه در مملکت داری و به نوعی ترویج نظام شاهنشاهی بود.
منتقدین شاملو معتقدند که تاکید فردوسی بر شاهان و شاهنشاهی منظور نه ترویج نظام شاهنشاهی بلکه منظور فره ایزدی !!!! است و چرندیاتی از این قبیل.
اینجانب عموم منظومه اشعار ایشان را خوانده ام. به نظر من از لحاظ سبک و محتوای شعری، کلاً سبک شعر آقای شاملو دلنشین نیست و به جز بخشی از اشعار مجموعه "آیدا در آینه" ایشان، بقیه مجموعه اشعار ایشان زیاد دلچسب نیست.
من به دوستانی که اهل شعر نو هستند پیشنهاد خواندن اشعار فروغ فرخزاد را می نمایم که بسیار زیبا و ظریف احساسات انسانی را به تصویر کشیده است.

آمون

یکشنبه 3 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:21 PM

سلام.
لطفا این یکی رو تایید کنید و اگر خوشتون نمیاد بهتره که بهم بگین:
www.naria-.blogfa.com

آمون

یکشنبه 3 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:35 PM

سلام.
لطفا این یکی رو تایید کنید و اگر خوشتون نمیاد بهتره که بهم بگین:
www.naria-.blogfa.com

راستی مثل این که سیستم کارکرده!
سری به این آدرس بزنید و همچنین بخش نظراتش:

http://youridea.blogsky.com

قدم بعدی چیه؟

امیر
یکشنبه 3 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:49 PM

جناب نیسی

تعجب میکنم از اینکه شما خود را بجای مدیر این وبلاگ اشتباه گرفته اید و اصرار دارید به جای گفتگوی منطقی، به هر طریقی و با تکرار سوالات قبلی پاسخ داده شده و بدون پاسخ سعی بر اعلام پیروزی خود و اعلام ضربه فنی شدن طرف سوال کننده را دارید.
من اگر سوالی را ادامه نداده ام یا به دلیل این بوده که به پاسخی رسیده ام یا برای ادامه بحث دلیلی ندیده ام یا آگاهی کافی نداشته ام.
من از کدام شاخه به شاخه دیگر رفته ام؟ آیا استفاده از منابع مختلف برای استدلال مورد ایراد شماست؟
اما مصداق گم کردن موضوع، یکی همین کامنت اخیر شماست که عنوان نموده اید "شما که دم از شاهنامه می زنید؛ بفرمائید در زمان یزدگردسوم ادعائی مگر بغداد وجود داشته که این حکیم!!! یزدگرد موهومی را بدانجا می فرستد".

اگر به سوال دقت فرموده باشید من شاهنامه را تنها به عنوان مثال مطرح کردم و هدفم اثبات محتوای آن از نظر تطابق تاریخی نبود. شما در جای شاهنامه، نام کتاب فارسی یا عربی کهن دیگری قرار دهید.
در مورد پرسشهای مطروحه: سوال من طرح یک فرضیه محتمل در مورد علت موجود نبودن نسخه اصلی آثار مکتوب پیشینیان بود. استدلال شما خللی در این فرضیه وارد نمی کند چرا که نمی توانید دلیلی بر بی سوادی کامل نفوس ساکن در خاور میانه در آن زمان بیاورید. اینکه چه تعداد به کار استنساخ مشغول بوده اند چه موضوعیتی دارد؟ برای رونوشت یک کتاب ممکن است یک نفر هم کافی باشد تا نسخه ای از اصل اثر در حال نابودی تهیه کند. این کار به همان میزان متریال نیاز دارد که اصل اثر داشته است، پوست، چوب، پارچه، ...
با این اوصاف دیگر لازم نیست کشاورز و دامدار و تاجر کار خود را تعطیل کنند و به کار استنساخ مشغول شوند. مگر برای اینکه ثابت کنیم که در گذشته مثلا دامداری هم وجود داشته باید بپذیریم که کشاورزی وجود نداشته چون اگر مردم به کشاورزی مشغول بوده اند پس چه کسی به کار پرورش دام می پرداخته است.
سواد خواندن و نوشتن هم گرچه بطور محدود ولی در هر زمان در اختیار تعدادی از افراد وابسته به دستگاه اداری حکومت قرار داشته است، برای رونویسی از یک کتاب نیازی به اشراف کامل بر محتوای آن نیست؛ کاتب تنها کلمات را رونویسی می کند.

سلام محمدی

یکشنبه 3 مرداد ماه سال 1389 ساعت 1:12 PM



آقای آیدین قشقایی : دراین مکان ، برای درک احساسات زیبا و ظریف انسانی ، به دوستان پیشنهاد خواندن " شعر " می فرمایید ؟!!

لینک

یکشنبه 3 مرداد ماه سال 1389 ساعت 1:16 PM


مراسم بزرگداشت شجاع‌الدین شفا، ادیب، پژوهشگر و مترجم ایرانی در پاریس
«روشنگری، روشنگری و بازهم روشنگری»
http://zamaaneh.com/morenews/2010/07/post_1339.html

حجاب ممنوع نمیشود؛حضرت مریم محجبه بود
http://tabnak.com/nbody.php?id=59013

توضیحات مجلس درباره نحوه سفر حج نمایندگان
http://tabnak.com/nbody.php?id=58976

هشدار احمدی نژاد به متحدین آمریکا
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=110706

پناهندگی 50 شهروند و روزنامه نگار ایرانی به آلمان
http://www.asriran.com/fa/news/127579

مشایی تاکید کرد:
جهان آینده جهان فرهنگ است / انسان حیوانی مولف و کتابگراست
http://mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1122687

عضو سازمان وحدت بین مسلمانان از انگلستان در همایش دکترین مهدویت:
مهدویت مختص به مسلمانان نیست
http://ilna.ir/newsText.aspx?ID=137398

آماده باش ارتش کره شمالی

رزمایش واشنگتن-سئول آغاز شد
http://jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100881322261

گزارشی از یک کتاب
فلاسفه یهودی و یک مساله بزرگ
http://jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100881315349

موزه قرآن و کتابت مسجدصاحب الامر / تبریز (1) + گزارش تصویری (در این گزارش تصویری نمونه ای از قرآن کریم بر روی پوست آهو وجود دارد)
http://www.iqna.ir/fa/photos_detail.php?goz_tas_id=15637

موزه قرآن و کتابت مسجدصاحب الامر / تبریز (2) + گزارش تصویری
http://www.iqna.ir/fa/photos_detail.php?goz_tas_id=15638

گزارشی از آزمایشگاه مدرن سارایوو و تلاش برای شناسایی هویت قربانیان/
این استخوان ها صاحب ندارند!
http://iranbalkan.net/view-1990.html

سید مقتدی صدر:
گفتگو با آمریکایی‌ها را حرام می دانیم
cat=1&http://shia-online.ir/article.asp?id=13135

احمدی نژاد: یکی از آرزوهایم این است که بنزین تحریم شود، ظرف دو روز 17 میلیون لیتر جایگزین می‌کنیم
http://khabaronline.ir/news-78486.aspx

پرچم فلسطین نخستین بار در آسمان آمریکا
http://khabaronline.ir/news-78493.aspx

۱۷ رباعی تازه از خیام در یک سفینه کهن
http://www.ibna.ir/vdci5uay.t1aqr2bcct.html

دو عکس جالب از معاون اول رییس جمهور در نمایشگاه بین المللی محیط زیست
http://shafaf.ir/fa/pages/?cid=24756

فیلمی درباره نابودی اسرائیل درسال2048
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=116468

آخرین:کشف نسبت فامیلی لاریجانی و علی مطهری با جاسبی
http://parcham.ir/vdcb09b8.rhbg0piuur.html

مرد صهیونیست 3 فرزندش را سلاخی کرد
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=56123

همجنس‌بازی داخل کلیسا!
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=56113

محمد لوجال اولوتورک

یکشنبه 3 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:06 PM

Sayın مهدی - مهدی selamlar, Umaramyaxşısınız.
”Allah isterse, “İslam veŞemşir yazılarınıTürkiyeTürkçe’sineçevirmekniyetindeyem.Bu qonuyu, SayınUstadPurpirar’lapaylaşdım, sizinledanışayımdediler.Bu üzden, mümkünse

.emailadesinizibilemegönderin
Sağolun

عباس سلامات

یکشنبه 3 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:55 PM

وزیر ارشاد: سیاست ما در بخش کتاب سختگیرانه نیست.

http://www.jamejamonline.ir/papertext.aspx?newsnum=100881265156

http://naria.maktoobblog.com/

محمدرضا نیسی

یکشنبه 3 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:46 PM

سلام علیکم

جناب امیر
من هم از شما تعجب می کنم که هم استاد عزیز جواب مستدل به شما داده اند و هم جواب هایم درباره سوء تعبیر (البته اگر چیز دیگری نباشد) جنابعالی از قرآن حجت را بر شما تمام کرده ولی هر بار به شاخه دیگری می پرید.
یکبار می گوئید کتب تاریخی را استنساخ می کنند و ما به شما می گوئیم چنین چیزی از نظر امکان وقوع غیرممکن است؛ بعد دست یه دامن جعلیات شاهنامه و حکیم!!!
موهومی می شوید و به شما می گوئیم که این حکیم!!!
افسانه ای در جکنامه ای که به نامش جعل کرده اند، کلی گاف داده اند و مواردی را برایتان مثال می زنم.
حالا هم که دوباره با یک سری استدلال غیرمرتبط به بحث دوباره به نقطه قبلی باز گشته اید؟
...

محمدرضا نیسی

یکشنبه 3 مرداد ماه سال 1389 ساعت 5:14 PM

...

جناب امیر چرا می فرمائید تعداد افراد مشغول به استنساخ موضوعیت ندارد؟ مگر همان تعداد معدود کاتب مورد ادعای شما می توانسته اند این همه کتاب را استنساخ و بازنویسی کنند؟ با چه ابزاری و با چه سرعتی این تعداد معدود کاتب توانسته اند این همه کتاب را استنساخ بفرمایند؟ می توانید با اهتمامی که در یافتن نسخ و دست نوشته های قدیمی در اینترنت دارید، لطف فرموده و تصویر یک نمونه از قلم هائی که این کاتبان مورد ادعای شما از آن استفاده کرده اند را ارائه دهید؟

و در ثانی با در نظر گرفتن تعداد تجمعی کتب در هر دوره و دوران ماقبل آن به چه میزان متریال برای نوشتن این کتب مورد نیاز بوده؟ این حجم زیاد متریال چگونه تأمین می شده؟ مگر کارخانه کاغذسازی داشته اند؟ می توانید نمونه از کاغذ 1000 سال پیش را ارائه نمائید؟ اگر نمی توانید چنین کاری بکنید، پس حداقل به ما بگوئید این کاغذها چگونه تولید می شده و ضخامت آنها چقدر بوده است؟

و اما درباره کشاورزی و دامداری؛ تعداد معدودی از افراد می توانسته اند در شرایط مناسب تعداد زیادی گوسفند را پرورش دهند چون متریال و ابزار آن یعنی علوفه و مکان نگهداری و... مهیا بود ولی تعدادی کاتب نمی توانسته اند به دلیل ضعف ابزار و متریال کتاب های مورد ادعای شما را تولید کنند.

و بدین ترتیب شما باز هم نه بحث راهگشا، بنیادین و کوه سان قلم استاد عزیز را به خوبی درک کردید و نه جواب های مستدلی ارائه دادید ولی به هر حال خوب است که دیگر دست به دامن جکنامه حکیم!!! ابوالقاسم فردوسی نشدید...

حاجی زاده

یکشنبه 3 مرداد ماه سال 1389 ساعت 7:24 PM

با سلام و عرض خسته نباشید خدمت استاد عزیز و آقای غفوری گرامی
در مملکت ما سایر اقشار و اصناف نیز همچون صنف نشر، در حیطه فعالیت خودشان و در ارتباط با وزارتخانه و سازمانها ذی ربط با معضلات بی منطق و دشواریهای غیرضرور مشابهی دست به گریبان اند.
استاد در طول مستند مهمترین اعتراض شما و همکاران محترمتان به روالیست که مسئولان اتخاذ کرده و این بدان سبب است که معتقدید چنین روالی مانع از شکوفایی فکر و اندیشه ورزی خواهد شد، اما استاد عزیز خود واقف اید که پیاده کردن چنین روالی آگاهانه و خصوصا" در جهت ممانعت از ترقی اندیشه و اندیشه ورزی ملت انتخاب شده است، از آن روی که از قدیم مرسوم بوده است برای آسانتر حکومت کردن سعی میشده تا مردم بیسواد و گرسنه نگه داشته شود.

حاجی زاده

یکشنبه 3 مرداد ماه سال 1389 ساعت 7:25 PM

آقای خلیل
در تقابل با افکار الحادی داوکینز، عقاید ادوارد ویلسون، دانشمند سوسیوبیولوژیست وجود دارد که آشنائی با ایده های او را توصیه میکنم.
حاصل تحقیقات بدیع ویلسون، رسیدن به اتوپیا (بهشت زمینی اشاره شده در قرآن) را متصور میکند.
و قالوا الحمدالله الذی صدقنا وعده واورثنا الارض نتبوا من الجنة حیث نشأ فنعم اجر العاملین (زمر74)

شیوا کشاورز

دوشنبه 4 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:26 AM

در این زمانه بی هیاهوی لال پرست
خوشا به حال کلاغان قیل و قال پرست

چگونه شرح دهم، لحظه لحظه خود را
برای این همه ناباور خیال پرست

به شب نشینی خرچنگ های مردابی
چگونه رقص کند ماهی زلال پرست

رسیده ها چه غریب و نچیده می افتند
به پای هرزه علف های باغ کال پرست

رسیده ام به کمالی که جز اناالحق نیست
کمال دار براس برای من کمال پرست

هنوزم زنده ام و زنده بودنم خاریست
به تنگ چشمی نامردم زوال

http://www.fromyesterday.blogfa.com

مهدی - مهدی

دوشنبه 4 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:11 PM


,SayınUlutürk

Tam ben de
.buişidüşünürkensizinçağırınızımübarekbuldum
Bencebuiştetercümeninkalitesiçokönemlidir.Metininönemine, zerafetinevesayınPurpirar'ın da uzunveağırcümlelerkuduğunabakarsakbuişhiç de kolayolmayacaktır. Ben
.dahaönceNuhTufanınınbelgeseliniTürkceyeçevirmişimdir
Banabirmeilatarsanız, onuörnekolarak size aktaracağım. İslam vekılıç" " O tercümeyebakıp
serisininbirincimakalesiniçeviripbanagöndermeniziricaede
.rim. Ondansonraişbirliğiüzerindegörüşelim

Hürmetler
Mehdi - Mehdi

khalil
دوشنبه 4 مرداد ماه سال 1389 ساعت 1:54 PM


خانم حاجی زاده
متوجه منظورتان نشدم آیا اینها ایده به اصطلاح جدید خود را جایگزین دین و قوانین کتاب آسمانی کرده اند؟
در مورد سنگسار کردن و مرگ برای ترک دین و مجازات برای تخلف ازحکم سبت که همه اینها را نمونه ای ازاخلاق مطلق بر پایه دین می دانند و می گویند که در اخلاقیات باید اندیشیده و استدلال صورت گرفته باشد و با نگرش بر اخلاقیات مورد قبول قرن 21 اظهار میکنند که دیگر به برده داری باور نداریم و به برابری زنان معتقدیم ما به ملایمت اعتقاد داریم و معتقدیم که باید با حیوانات مهربان باشیم . این چیزها را کاملا جدید و بنیاد بسیار اندکی از اینها را در کتب دینی انجیلی و قرآنی می دانند. ولی خود من نمی دانم اخلاقیات این آقایان در کدام کتاب قانونشان ثبت است و اگر بر پایه استدلال جایی ثبت شده، باید پرسید شما که با حیوانات مهربان هستید و به آنها احترام می گذارید و با جان عده ای به خاطر بی دینی بازی نمی کنید پس آیا از ویرانی و کشتار و بی خانمان کردن مردم هیروشیما و ناکازاکی،افغانستان ، هند، آفریقا،بوسنیا، شیلی ،و غیره غیره شروع کرده تا همین الان نتیجه اخلاقیات شما بوده و هست که هوشمندانه و مستدل طراحی کرده اید و رفته رفته رو به رشد هم هست؟
آیا اینها مرتکب چه گناهی شده بودند که درس اخلاقشان متفاوت تر از درس اخلاق این آقایان بود ؟؟؟؟
و دیگر اینکه اگر اشتباه نکنم آیه زمر 74
"همه ستایش ها ویژه خداست که درباره ما به وعده اش وفا کرد ، و زمین [بهشت] را به ما میراث داد که هر جای از بهشت را بخواهیم ، جای خود قرار می دهیم . چه نیکوست پاداش عمل کنندگان" . (متن قرآن با ترجمه استاد حسین

انصاریان)زمر«74»
"و گویند سپاس خدایی را که وعده اش را بر ما راست گردانید و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد از هر جای آن باغ [پهناور] که بخواهیم جای می‌گزینیم چه نیک است پاداش عمل‌کنندگان"(متن قرآن با ترجمه فولادوند)زمر«74»

"آنها می‌گویند: حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین (بهشت) را میراث ما قرار داد که هر جا را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم، چه خوب است پاداش عمل کنندگان!"(متن قرآن با ترجمه مکارم شیرازی)زمر«74»

"و گویند سپاس خداوندی را که وعده خود را در حق ما راست گردانید و به ما سرزمین [بهشت] را به میراث داد که از بهشت هر جا که خواهیم سکنا کنیم، پس چه نیکوست پاداش عملداران"(متن قرآن با ترجمه خرمشاهی)زمر«74»
منظورش از بهشت زمبن نیست بلکه این از نظرات آقایانی امثال استاد حسین انصاریان و ... می باشد که به دلخواه لابه لای آیات، غلط املایی برای کتاب خدا پیدا کرده و آن را داخل پارانتز برای خواننده گذاشته اند تا منظور خدا را کامل کنند!!!!

این هم نظر من است شاید هم جریان چیز دیگری باشد که اگر استاد و دیگر دوستان لطف کرده و مطالب قابل عرضه ای داشته باشند ما را روشن کنند .
متشکرم.

لینک

دوشنبه 4 مرداد ماه سال 1389 ساعت 1:59 PM



رئیس سابق سیا به شکست تحریم‌های ایران اعتراف کرد
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8905040013

فخرایی: علامه قزوینی 450 آیه قرآن را مرتبط با منجی می‌داند
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8905031604

آبشخور جاسوسان روسی مشخص شد؛
دیدار صمیمانه پوتین با 10 جاسوس روسی
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=110800

پرمخاطب‌ترین کتاب سال 88
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=110760

امارات افراطی تر از دیگران در برابر تحریم ایران
http://www.asriran.com/fa/news/127669

تخریب جایگاه مرجعیت به معنای نفی امام زمان(عج)است / سه عنصر موفقیت شیعه
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1123353

چاوز، آمریکا را به قطع صدور نفت تهدید کرد
http://ilna.ir/newsText.aspx?ID=137731

نامه علمای سنی و شیعه زاهدان به رهبری
http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=18562

شمشیری که کمر صدام را شکست
http://jamaran.ir/fa/NewsContent-id_15135.aspx.

نشست مثنوی خوانی کتابخانه ملی هفته آینده برگزار می شود

&ctl=Details&http://www.nlai.ir/Default.aspx?tabid=36
ItemID=3133&mid=3469

"مدیریت کوروش بزرگ" از زبان پدر مدیریت
http://www.ketabnews.com/detail-23993-fa-1.html

مقایسه ضیافت شام اوباما و امیر قطر (عکس)
http://shafaf.ir/fa/pages/?cid=24851

سفر رییس موساد به عربستان
http://shafaf.ir/fa/pages/?cid=24844

پاسخ آیت‌الله سبحانی به شبهات وهابیت درباره زیارت قبور
http://www.fararu.com/vdcezf8n.jh8w7i9bbj.html

نقش منافقین در کشتار خونین مکه
/http://alef.ir/1388/content/view/78815

جنگ سرد ایران و اسرائیل در آفریقا
http://www.asriran.com/fa/news/127816

نکته جالب درتابلوهای اتاق سیدنصر الله
http://bultannews.com/pages/?cid=28378

ورود 2 هزار وهابی به ایران
http://bultannews.com/pages/?cid=28370

واکنش کیهان به خبرافزایش محبوبیت میرحسین
تحقیر شیخ شجاع در سایت میر حسین
http://www.alborznews.net/fa/pages/?cid=25976

لینک

دوشنبه 4 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:01 PM

وقتی مشا یی دکتر می شود
http://sedayema.blogfa.com/post-51.aspx

مهدئی - مهدی

دوشنبه 4 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:10 PM

mehdi.mehdi.sepo@gmail.com

۸۸۸

دوشنبه 4 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:33 PM

http://www.iranjewish.com/Pic/Etefagh.jpg

محمد رضا

دوشنبه 4 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:22 PM

سلام حضرت استاد حقیقتا که یادداشتهای شما ریشه دروغ و فساد را از خاک شرق میانه و از تاریخ اسلام بیرون کشیده است. جایی خواندم که ابله ممتازی نوشته بود که شما ناریا را به عنوان پوشش بر نام اصلیتان برداشته اید!!!؟ باید بسی حمار باشد زیرا که آن افلیج از مغز نمی داند که ناریا در عرصه رفت و آمد کنندگان به عرصه سیاست و فرهنگ معروفتر و شناساتر از نام اصلی شما یعنی استاد ناصر پورپیرار است. شخصا با کسی برخوردم که ضرورتا نام شما در میان آمد و تا وقتی که نگفتم ناریا شما را بیاد نیاورد! خداوند بر جلال و جلای شما روزانه بیفزاید.

<< 2 1

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narra 9

ایران شناسی بدون دروغ ۲۷۳، نتیجه ۸۱، نقشه اصفهان

مسعود سنجری

دوشنبه 4 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:56 PM

جناب ۲۰۶

گفتگو و اندیشه ورزی که از پیش نیازمند صراحت و شجاعت است. با فردی که خود معترف است که به خاطر مصون ماندن از خطرات خیالی و احتمالی، جرات ندارد خود را معرفی کند، اهانت به فهم خویش و فرهنگ است و تنها پاسخی که می توان به شما داد اینست که ما جنابعالی را نمی شناسیم. حال هر زمان که توانستید مانند استاد پورپیرار نام کامل و تصویر و تلفن و آدرس محل کار و ای میل خود را معرفی کنید، آنگاه تشریف بیاورید تا با شما تعیین تکلیف کنیم وگرنه در همان سایه پنهان بمانید و هرچه در دل تنگتان دارید، برای اشباح خیالی دور و برتان بگویید

والسلام

فتح

سه شنبه 5 مرداد ماه سال 1389 ساعت 00:31 AM

آقای پورپیرار مجدانه منتظر نصب مقالات برآمدن مردم در رابطه با دوران پهلوی و جمهوری اسلامی هستم نمی دانم تا چه حد با گفته های این مقاله موافقید و یا به چه میزان این مطالب را صحیح می دانید.

شاه و اصلاح طلبان
http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2010/07/100725_shah_anniv30_rahbar_amini.shtml

گل و بلبل

سه شنبه 5 مرداد ماه سال 1389 ساعت 02:08 AM

یک عمر منتظر یکی بودیم که نبود!

توروخدا ما رو بیشتر از این منتظر نذار.

می ترسم بمیرم و نفهمم مشروطه چی به چی شده و بوده.

ضمنا دستت رو از اینجا ماچ میکنم.[بوسه]

یه دانشجو

سه شنبه 5 مرداد ماه سال 1389 ساعت 06:38 AM

خانم حاجی زاده: ادوارد ویلسون که از اسم کتابش سوسیوبیولو÷ی هم معلوم است یه داروینیست قهاری است که می خواستند تئوری تنازع بقای داروین را در جامعه بکار گیرند. ایشان چگونه می توانند قول بهشت روی زمین را به دهند.؟

abbas

سه شنبه 5 مرداد ماه سال 1389 ساعت 08:59 AM

http://cmes.hmdc.harvard.edu/node/753

پاسخ:
از زحمات و جست و جوهای فرهنگی شما ممنونم. می خواستم اگر ممکن باشد درباره این عنوان اطلاعات بیش تری به دست آورید.

Harvard Middle Eastern and Islamic Review

منصور
سه شنبه 5 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:59 AM

سلام خدمت استاد عزیز و دوستان گرامی
از دوستان عزیز طالب حقیقت و عباس سلامات برای نصب آثار تمدن عربی کمال تشکر و قدردانی و آرزوی توفیق روزافزون دارم
بنده در لبنان سعی کردم سایت ناریا۵ را باز کنم ولی نشد. که نشان می دهد این سایت از سوی ایران فیلتر نشده بلکه سرور بلاگفا آن را فیلتر کرده است در ایران هم با هیچ فیلتر شکنی باز نمی شود. در حالیکه سرور مکتوب بلاگ که در ایران فیلتر است چنین نیست یعنی هم در ایران با فیلتر شکن باز می شود هم در لبنان براحتی باز می شود.
جناب استاد آیا مستندهای تولید شده به زبان انگلیسی هم هستند؟چگونه می توان آنها را تهیه کرد؟

حاجی زاده
سه شنبه 5 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:58 PM

سلام
آقای 206 آن دو صفحه پاسخ مرقومی شما برای چند سطر نقد نازل (خاطرم نیست چنین نامی بر نوشته ام گذارده باشم) مرا وا می دارد تا چند کلامی برای روشن شدن برخی مسائل بنگارم!
انصافا باور کردن اینکه آن چند لکه سیاه موجود در عکس، تصویر یک کاخ باشد مشکل است، این در حالی است که بنای منفرد و فروریخته زندان سلیمان با بعد مکانی افزونتر نسبت

به دوربین، با وضوح، قابل روئت است، جای جای آن عکس مملو از چنین سایه روشنهایی است که معطل نامگذاریهایی از نوع کاخ ایکس و قصر ایگرگ اند!!!
این در حالیست که اذعان دارید تصویر متعلق به قبل از خاکبرداری است و طبیعتا بایستی یک تل خاک برجسته مشاهده میشد نه چند نقطه سیاه پراکنده!؟
محل حیرت است که در انتهای آن همه کلنجار رفتن با تصاویر، به عکسی استناد میکنید که محتوایش درست خلاف مدعای شما را اثبات میکند! همانطور که استاد نیز به عکسی استناد میکنند که پشت به کاخها گرفته شده است!؟
باری بر فرض صحت ادعای شما، آیا چند بنای پراکنده با ماهیت ناشناخته و معماری بیگانه قادر به بازگردانیدن مجدد امپراطوریهای مفقود و تاریخ موهوم ایران به صحنه حیات خواهند شد!؟ مسلما نه!
فرموده اید در علوم انسانی باید ابتدا دهان گوینده را نگریست بعد سخن او را! از شما می پرسم اگر مومن به این سخن اید پس چگونه است که خود را از این اصل مستثنا کرده اید، اگر فعالیت شما در حوزه علوم انسانی است چرا بایستی آشنائی ما با صاحب این دهان در حد نام مزخرف 206 باشد!؟
آیا با اتکا بر اصل مورد نظر شما، شایسته نیست سوظن ما به سلامت نیات و اهداف منافقی چون شما باشد تا به کسی که هر دوست و دشمنی به زوایا و خفایای زندگی و افکارش دسترسی دارد!؟
بایستی از شما پرسید در تعقیب چه اهدافی در برابر این جریان نواندیشی دیر افتاده، قد علم میکنید!؟ اگر به قدرت قلمتان ایمان دارید، از چه روی است که این قلم تنها در نقد تالیفات پورپیرار چرخیده است نه آن اکاذیب وارداتی از دانشگاههای غربی؟ و چطور می توانید حقه بازانه همه این تالیفات را تکرار مکررات دیگران القا کنید؟
ظاهرا ایراد شما بر این است که چرا ایشان مورخ متولد نشده اند و احتمالا چه حقی داشته اند که از آثار و افکار دیگرانی تاثیر یا الهام بگیرند!؟

آقای 206، شما به زبان بنیان اندیشان مسلط اید و میدانید از چه کلمات و با چه نوع جمله بندی و حول چه موضوعاتی و با چه ترکیبی و تکرار چه شعارهایی در ذهن آنها رخنه کنید و عنان افکارشان را بدست گرفته و به سمت و سوی دلخواه تان هدایت کنید، زیرکی و تبحر شما را تحسین میکنم، اما بایستی عرض کنم که کور خوندی!
بگذریم
از شما دعوت می شود سفری به مناطق غرب دریاچه ارومیه داشته باشید تا معلومتان شود خاطره مهاجرت به این مناطق ار ذهن معمرین در دو قرن اخیر محو نشده است، خاطره سرزمینی مملو از گیاهان و حیوانات وحشی که زمینش هرگز تا قبل از آن تیزی خیش را احساس نکرده بود! یقین بدانید این مناطق تا دو قرن پیش فاقد حیات انسانی بوده است، حال این فقدان چه از تبعات پوریم باشد یا طوفان نوح و یا علل دیگر. سخن را با جمله ای از شما که ناشی از خودشیفتگی و ذوق زدگی خام و مضحک شماست به پایان می برم:
"شنیدم مستندی دیگر تهیه کرده اند.خدا ایشان و آقای غفوری را رحمت کند که برایم خوراک تازه تدارک دیدند!

مسعود سنجری

سه شنبه 5 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:11 PM



برادر بزرگ استاد پورپیرار
سلام علیکم

این آقای ۲۰۶ چندی پیش نامه ای تحت عنوان پاسارگاد شناسی برای دوستان ارسال کرده بود که در صفحه ۱۷ آن چند عکس از ستون ها و کف سازی هایی دیده می شد که در طی حفاری از خاک سربرآورده بودند. با بررسی این عکسها و مناظر در کادر قرار گرفته براحتی می توان متوجه شد که این عکسها متعلق به محوطه قبر مزعوم کورش یا همان پاسارگاد هستند و نه کاخهای پی و اس و ... و دقیقا مربوط به مراحل مختلف پاکسازی این محوطه جهت حمل این

ستونها و کف ها به محل کاخهای در حال مونتاژ هستند که ازبان علی سامی نیز در مستند استثنایی مجعولات مجلل به آن اشاره شد.

ایکاش این حضرت ۲۰۶ قبل از این نامه پراکنی ها از خود می پرسید که آیا مخاطبینش افرادی فاقد شعور هستند که نیاز به هدایت و راهنمایی داشته باشند؟ آیا طرفداران استاد پورپیرار افرادی فاقد توانایی قیاس عیار کلمات و حقایق هستند که نیاز به چنین آگاه سازی هایی داشته باشند؟

البته از ادبیات بکار رفته در آخرین نامه ایشان بر می آید که دارد آرام آرام تسلط بر اعصابش را از دست می دهد و قابل پیش بینی است که در روز های آینده وضع مشکلتری هم خواهد داشت. واقعا که باعث تاسف است. ایکاش افرادی مثل ایشان بدنبال جواب این سئوالات می گشتند که مثلا به چه دلیل تمدنهای قدیمی ایران ناگهان از حرکت بازایستادند؟ چرا بازماندگان آنها حتی از دفن کردن عزیزان خود عاجز ماندند؟ به چه دلیل تمام مناطق باستانی کشف شده در این سرزمین مملو از وسایل زندگی روزمره است؟ اگر این مکانها بطور طبیعی متروک شده اند که اهالی می بایست وسایل زندگی روزمره خود را همراه ببرند و از این قبیل سئوالات و نه این قایم باشک بازیهای نپخته.

والسلام علیکم
فی امان الله

عباس سلامات

سه شنبه 5 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:28 PM



با سلام
جناب منصور
از اینکه از لبنان هم وبلاگ ها را مشاهده می کنید خرسندم
ساختن کلیپی مانند کلیپ برادر طالب حقیقت ،با تمام

احترامی که برایشان قائلم، در مقابل زحماتی استاد میکشنند بسیار ناچیز است.
برادر طالب الحق که کار بزرگی انجام دادند وبنده هم فقط افتخار ترجمه را دارم که باز در قیاس با کار برادر طالب،اینجانب اصلا کاری نکرده ام.
جهت اطلاع شما عرض کنم وبلاگ ناریا5 نه فیلتر بل از روی سرور بلاگفا حذف گردیده است. وبلاگ نارياى عربی نیز فقط از ایران بدون ف ی ل ت ر شکن غیر قابل مشاهده است و در سایر کشور فیلتر نیست. کلا همه سایت مکتوب بلاگ در ایران فیلتر است واین قاعده شامل حال همه بلاگ های این سرور می باشد.
خوشحال میشوم که آدرس ناریای عربی را در اختیار دوستان لبنانی خود قرار دهید تا بدینوسیله سهمی در گسترش این مفاهیم عالیه داشته باشد
نسخه انگلیسی برخی از مستندها در آدرس زیر موجود است.www.naria.ir
این مژده را هم بدهم که ترجمه انگلیسی کلیپ برادر طالب که به زودی به ایشان جهت ساخت نسخه انگلیسی تقدیم خواهد شد.

http://naria.maktoobblog.com/

پاسخ:
آقای سلامات. توجه کنید که اعراب کم حوصله ترند و لازم است یادداشت های اسلام و شمشیر را با فاصله کم تری نصب کنید. ضمن این که زحمات آقای طالب حقیقت الگویی ماندنی و موثر و تعقیب و تقلید کردنی است.

حاجی زاده

سه شنبه 5 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:12 PM


آقای خلیل در آیه مورد نظر به صراحت بیان شده است جنة وعده داده شده در الارض محقق خواهد شد، بدست عمل کنندگان به فرامین قرآن.
علوم و تئوریهائی که منافاتی با قرآن ندارند بایستی مورد تایید

ما بوده و حتی بسط یابند.
یکی از مهمترین داده های ویلسون در خصوص زندگی اجتماعی موجودات زنده، گزینش و تداوم صفات و رفتارهائی است که ادامه حیات آن موجودات را تضمین میکند، بعبارتی موجودات طی آزمون و خطا، چنین صفات و رفتارهائی را شناسائی کرده و تثبیت خواهند نمود و در کنار آن به حذف رفتارهای مخرب و تهدید کننده حیات اقدام خواهد کرد.
تثبیت رفتارهای متضمن حیات چون نیکی، صلح، احترام به حقوق دیگران، انفاق، مودت و ...
و امحای رفتارهای مخرب حیات مانند جنگ، خودپسندی، نفاق، حسد، دروغ و....
در سیر تکاملی اندیشه و شعور بشری، اینک او در جایگاهی قرار دارد که برای نمونه، از درک میزان قدرت تخریب کنندگی جنگ عاجز است و بدین سبب به آن مبادرت می ورزد، باری به مرور و با تکامل تفکر و قوه تحلیل بشری، تحت تعالیم ادیان الهی بخصوص قرآن و در اثر اعتقاد به وجود یک نیروی قهار و حاکم بر جهان به نام الله و با عنایت و ایمان به زندگی جاوید، وصول یک زندگی اجتماعی مترقی و منطبق با توصیفات قرآن محقق خواهد شد.

شبر

سه شنبه 5 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:22 PM



هنوز هم آثار تمدن درخشان 2500 ساله در اقصا نقاط ایران پیدا میشود:

http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1124051

٨٨٨

سه شنبه 5 مرداد ماه سال 1389 ساعت 9:42 PM

سلام
آقای ... ندانستم کجای آن نوشته را نقد کاملا منطقی طوفان نوح تشخیص داده اید.
یک بار دیگر مستند طوفان نوح را ببینید و پیش خود دریایی با عمق 1800 متر را در نظر آورید که چه گونه در مدت کوتاهی آب خود را به عمق زمین می فرستد.
قرآن در هیچ موردی به فوریت اجرای امر اشاره ندارد که در صورت وقوع در زمره معجزات قرار می گیرد. به تر است رگ قوم پرستی خود را قطع و به دلایل ضمیمه طوفان از جمله نایابی آثار تجمع تمدنی در محدوده ی آب تا دوران اخیر
توجه کنید که زیر آب بوده است. موفق باشید

....

این پاسخی بود که به ایمیل من دادید .
استاد ، در عجبم از استحکام و اراده و خونسردی و اطمینان نفس شما ، در حالی که شاگردان سرد و گرم نکشیده شما و چون منی و امثال من سریع با خواندن مطالب نقد این 281 که خوب می دانم پشت اینگونه به ظاهر نقدهای معصومانه و حقیقت جویانه !!! چه هدف ثانوی ای را دنبال می کند گر گرفته و آتشین مزاج شده و از دایره منطق خارج می شویم و شک و تردید درونمان رخنه می کند .

استاد حقیقتا می گویم مرد با اراده و خبیر و عالم و مطمئن و مومن به افکار خود چون شما در این زندگی 30 ساله خود ندیده ام ، این ای میل را در قسمت نظرات ارسال کردم چون حیف می دانم حتی یک جمله از سخنان و نوشته های شما نیز در اختیار عموم قرار نگیرد و بقیه نیز استفاده نکنند .

ولی این شاگرد شما شاید بعلت کند ذهنی هنوز سوالاتی دارد در مورد طوفان نوح که فکر می کنم مطرح کردن آن در این قسمت و پاسخ های شما برای همه ما سبب و منشا خیر باشد .

پاسخ:

آقای ۸۸۸. اگر با هواپیما از فراز ترکیه عبور کنید، شمایل دگرگونه ارتفاعات تا بلندای ۱۸۰۰ متر و آثار زیر اب ماندن طولانی مدت آن ها را نسبت به ارتفاعات دیگر مشاهده می کنید. همین که چیدمان کوه های ترکیه، آن ظرف عجیب و یگانه را می سازد که تمام رخ داده های طوفان به روایت قرآن در آن عملی است، هنگامی که با دریاچه های آب شور در دره های ترکیه و نیز نبود آثار و لایه های تمدنی در حوزه تشکیل آن کاسه بزرگ و چند عامل دیگر را کنار هم می گذاریم، به سهولت آن ماجرا قابل بازسازی می شود. این مطلب سترگ را نمی توان با علائق قومی به زیر سئوال برد.

reza

سه شنبه 5 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:17 PM


آیا تمایل به انتشار کتاب دارید؟

انتشارات VDM (Verlag Dr. Muller) انتشاراتی آلمانی است که اقدام به چاپ کتب علمی به روشی منحصر بفرد مینماید. این انتشارات، کتب علمی نوشته شده به زبانهای انگلیسی یا آلمانی را بدون هزینه برای مولف چاپ مینماید و یک نسخه از آنرا برایگان برای مولف میفرستد. کتابهای چاپ شده توسط برخی از فروشگاههای معتبر بفروش میرسد. علاوه بر آن، این کتابها توسط کتاب فروشی های معتبر آنلاین همچون آمازون در معرض دید عموم قرار میگیرد. مقداری از درآمد حاصل از این فروش نیز بصورت سالانه به مولف بابت حق تالیف پرداخت میشود.

http://www.vdm-publishing.com/

http://meysamsafari.wordpress.com/2010/07/

پاسخ:

نشنیده بودم. ضمن این که گمان نمی کنم آماده چاپ کتاب هایی باشند که مهر یهود ستیز خورده است. او حتی از مقدمه اسلام و شمشیر نیز هراس خواهد کرد.

reza

سه شنبه 5 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:38 PM

این بی بی سکینه اگه یه حرف راست تا حالا زده اون هم اینه:

رویکرد شاه به مذهب مانند بیشتر ایرانیان بود ــ تناقض آمیز و روانپاره (shizophrenic) و سودگرایانه.

او پرورش اروپائی داشت و از نظر شیوه زندگی و سلیقه ها از هیچ اروپائی معمولی باز شناختنی نبود. برای ملت خود نیز مقامی در میان پیشرفته ترین ملت های جهان می خواست. ولی مانند عموم هم میهنان نه تا پایان هر راه می رفت و نه از هیچ ناهمخوانی میان مقصد ها و راه ها و میان مقصدها باهم در شگفت می شد.

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2010/07/100727_shah_annive30_h

۸۸۸

سه شنبه 5 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:56 PM

سلام

استاد نمی دانم چرا بر علایق قومی من پافشاری می کنید شما آیا تا کنون از من کوچکترین نشانه ای از این عارضه نامطلوب دیده اید ؟

استاد اندک عارضه ای که سابقا در من وجود داشت بر می

گردد به سالهای ۷۶-۷۷ و در این سالها بود که به طور کاملا اتفاقی و اتفاقا توسط یکی از دوستان هم خدمتی که مخالف نظرات شما بود با وبلاگ شما آشنا شدم و از بخت خوش دقیقا مطلبی را خواندم مربوط بود به بررسی سکه های اشکانیان که درک و هزم آن چندان سخت نبود و هوش و ذکاوت نمی خواست و پس از آن به شدت به همه چیز شک کردم و مطالبتان را مشتاقانه خواندم و حتی چه درگیریهای جدلی و لفظی که با دوستان هم خدمتی نداشتم ... این خاطرات شیرین و درس آموز هیچگاه برایم فراموش شدنی نیست .

تازه آن زمان هم با اینکه اصالتا آذربایجانی هستیم چون بزرگ شده در بین فارسها بودم آریا پرست بودم و مثلا نژاد آزربایجانیها و ترک ها را هم آریایی می دانستم ...

تا آنجا هم که می دانم اکنون چند تن از آشنایان که سخت پان تک و هویت طلب هستند و چند مستند تخت گاه هیچکس و مجعولات مجلل را برایشان داده ام که متاسفانه استفاده ابزاری از آنها کردند در جهت تبلیغات پان ترکی و نه فهم و درک اصل مطلب !!! و اکنون که با آنها نشست و برخواست می کنم چنان احساس آزردگی و چندش می کنم که قابل بیان نیست .

ضمنا در همان ایمیل خدمتتان صراحتا عرض کردم که حتی با وجود رد نظریه طوفان نوح در ترکیه با تمام وجود اعتقاد راسخ دارم که ترک و فارس دو هویت جعلی هستند و حکومت عثمانی یک حکومت مصنوعی کلیسایی و کنیسه ای و حکومتهایی چون سلجوقیان و ... همه وهم و خیال است .

به هر حال ممنون از توضیحاتتان و ضمنا یادم رفت در مورد مستند اخیر هم از زحمات شما و مجتبی غفوری فداکار تشکر

کنم . مطمئنم این مستند نیز تاثیر خود را خواهد گذاشت و ارزشش به زودی مشخص خواهد شد .

=.=

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 00:11 AM

نمی دانم چرا این آقای ۲۰۶ با این سطحی نویسیها خود را مرشد وقطب خط ۳می داند اگر بزرگ این حضرات خط ۳ به ادعای خودش این آقا باشد طفل خط سه محکوم به سقط است وبا ناف نبریده وجفت جدا نشده وبدن بدون غسل از شکم مادر یک راست به گور است.خدا می داندکدامین کینه را از بنیان اندیشان به دل دارد که در تصورات ذهنی خود تمنای هجر وهدم بنیان اندیشان به دست نظام را برای خود تصور کرده.

کینه در کلام این آقا موج می زند بطوری که مارا از اینده سیاه واخراج از کار وزندان جمهوری اسلامی می ترساند .جناب ۲۰۶ نوشته ات را دوباره بخوان ودر حد داناییای شکسته بسته بی بضاعتت تحلیل روانشناسانه ای از خودت بکن ومنصفانه بگو کجایت سوخته که به ریا دست بر سبیلت گذاشته ای وثلمه به سمبل جوانمردی را بهانه آخ و اوخت قرار داده ای .ما که می دانیم این سوزش نه از سر حقیقت جویی که اگر ادای وظیفه مزدوری نباشد از سر حقد و حسد به داده های نوینی است که دنیای جاعلان و تفرقه طلبان را نا امن وتحسین وامیدحقیقت جویان را رستن نو آغازیده.

توباید دست بر آن نقطه سیاه قلبت که از انباشت حسد در حال ترکیدن است بگذاری وبر ان فرق سرت که پوشش عقل ناقص ات است به جرم پیشی نگرفتن از اندیشه های استاد بکوبی تا به صدق وآرامش جان برسی که خط سه همان سه است وهیچگاه یک(با کسر ک) استاد نیست و مرحمی التیام بخش بر قلب بیمار و ذهن کج اندیش تو نخواهد بود حتی اگر هزار سه باشی.

متاسفم که قرعه برای تو سوم بودن است واوج جایگاهت فقط

شاگرد درجه سه بودن است نه بیشتر .البته برای شاگرد درجه سه بودن هم دیگر دیر است سه کردی.

به آقایان بیلکی... و دهق....هم سلام برسان جناب با هوش!!!!!.

م

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 00:14 AM


سلام
این نوشته آخر کار اتفاق نیست. در واقع کنیسه یک عده آخوند آنوسی و چند سوفیست حراف وراج استخدام کرده که می تونند با 32 حرف الفبای فارسی هم معلق بزنند و هم جفتک بیندازند و هم کم کم .... شما رو بمالند چون اصلا اقدام فیزیکی رو صلاح نمی دونند و ترجیح می دن که این تز رو امتحان کنند که می تونند این طوری موش های سفید بی دندون طویله به قول قرآن (کنیسه در تابلو نوشته ها، البته اگر باشند!) رو به جویدن حبل المتین و عروة الوثقی مشغول کنند که معنی والله متم نوره ، این میشه که تا کور شود هر آنکه دماغش سوخت!
همچنین به شدت می خوان شما رو وارد این بحث کنند تا ولو یک مقاله شما رو عقب بندازند و دیگران رو هم مشغول چرخیدن به دور خود کنند. اون ها از تکنیک های خاص روانی در تهییج و تحریک و مبارزه طلبی مستقیم شما و دوستان استفاده می کنند چون فهمیده اند که فعالیت ها این طرف توسعه یافته و داره روز به روز هم بیشتر می شه و هیچ راهی ندارند جز اینکه با سفسطه بافی های بی پایان و به قولی ایرادهای بنی اسراییلی، ما رو علاف کنند.
و ضرب لنا مثلا و نسی خلقه، قال من یحیی العظام و هی رمیم؟
این گونه شبهه افکنی ها از قدیم بوده و جواب اونها هم کاملا مشخصه:
قل یحییها الذی انشاها اول مرة و هو بکل خلق علیم!

میگن! وقتی پیامبر از معراج اومد پایین، ابولهب گفت رفته بودی آسمانها؟ یک وجب از زمین بلند شو و یک لحظه بمون و آرام بیا پایین تا حتی من بهت ایمان بیارم! من این چیزا رو از خودشون یاد گرفتم! الان هم دقیقا دارند همین تکنیک رو پیاده می کنند.
از نظر اونا اگر شما یک مقاله هم عقب بیوفتین، یکی از ستون های اونها حفظ شده و غنیمت محسوب میشه.
ضمن اینکه از تکنیک ثابت و قدیمی مظلوم نمایی هم استفاده میشه که بگن من ننه گور به گور شده که مامانم بعد از ده تا شوهر رسمی و ... ، چیزی جز نیت خیر ندارم! بعد کلی آسمان به ریسمان بافی و در نهایت، از هیچ، یه نتیجه در میارن که بفرمایید! این طوریه! حالا بیا و حالیش کن که ....شعر واسه خودت سروده ای و به قول فلاسفه!! صغری و کبری خواهر نیستند و این استدلال می لنگه! بعد شروع می کنند که بابا و ننه تو فلان بوده خودت فلان کاره که به استدلال من گیر دادی!نمی خوام روده درازی کنم ولی می تونه چیزهای بیشتری هم در این بین باشه مثلا ایجاد اختلاف و تحقیر دوستان در عدم توانایی پاسخگویی و .... نظر شما چیه؟

حاجی زاده

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:17 PM



سلام
دلائل مکفی در خصوص جهانی نبودن طوفان نوح موجود می باشد که نیاز به تکرار نیست.
اولین نکته ای که بایستی در نظر داشت، حاوی این مطلب است که قدیمی ترین قومی که حکایت آنان در قرآن ثبت است، قوم نوح می باشد. بعبارتی مطابق متن قرآن هیچ روایتی از هیچ قومی که در ازمنه ای کهن تر از نوح و قومش زیسته باشد وجود ندارد.
إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْکَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِن بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالأَسْبَاطِ وَعِيسَى

وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا(۱۶۳ نسا)
با توجه به آیات متعددی که نام نوح بلافاصله بعد از نام آدم ذکر میشود، قوم نوح از ذریه آدم و این قوم، اولین تجمع شکل گرفته و نوح برجسته ترین شخصیت بعد از آدم(به لحاظ زمانی) می باشد.
إِنَّ اللّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۳۳آل عمران﴾
بدین شرح که متعاقب اولین تولید نسل ها بعد از آدم و فرزندانش، نخستین اجتماع متولد شده و بلافاصله رسولی به نام نوح برای هدایت آن جامعه و از میان آن گماشته می شود.
وَقَالَ نُوحٌ رَّبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا(۲۶ نوح)
از این آیه چنین افاده میگردد که قوم نوح تنها ساکنان زمین در آن برهه زمانی بوده اند.
آیات متعددی موید این مدعا هستند که تداوم نسل بشری در کره زمین نیز از پشت مسافران کشتی نوح است.
ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا(۳ اسرا)
وَخَلَقْنَا لَهُم مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ (۴۲یس)
بعد از آنچه بر این جامعه میگذرد(امحا)، می توان از مطالعه متن قرآن و آیات مرتبط چنین مستفاد کرد که بعدها و مجددا پیامبرانی از نسل قوم نجات یافته نوح ظهور میکنند، این موضوع و ایضا یادآوری این نکته که همواره پیامبران از میان قوم خویش برگزیده میشده اند، حاکی از انحراف نسلهای بعدی قوم نجات یافته نوح از یکتاپرستی یا از اصول الهی است،
ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ* فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ(۳۱ و ۳۲ مومنون)
با توجه به این نکته و بنا بر قرائنی که قوم نوح را تنها جامعه مترقی کره ارض در هنگامه طوفان نوح متصور میکند، احتمال میرود اقوام عاد و ثمود و...از نسل انسانهای رسته از طوفان نوح باشند.
أُوْلَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَن خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا(۵۸ مریم)

این نوع جانشینی منافاتی با جانشینی جغرافیایی ندارد، با این توضیح که آن جغرافیای به ارث رسیده، کره ارض است نه سرزمینی خاص!و جانشینی مورد نظر، خلافت در کره زمین است که ممکن است در هر نقطه ای از آن باشد(در احقاف و یا در واد و یا...)، به شرحی واضح تر، بعد از قوم نوح، بعنوان تنها تجمع انسانی در کره زمین، از اندک انسانهای مومن رهیده از عذاب، جامعه قوم عاد در کره زمین تشکیل میگردد، بعد از امحای این قوم و بعد از ازدیاد نسل نجات یافتگان، تجمع بعدی یعنی قوم ثمود ساخته میشود و...
ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿۳۱مومنون﴾
نیاز به یادآوری نیست که بگوییم تجمعات نو در مکانی بغیر از محل سکونت سابق که دچار عذاب شده، شکل میگرفت، مومنان به نبوت نوح و هود و صالح و...قبل از نزول عذاب به نحوی آن محل را ترک کرده و در منطقه دیگری سکنی می گزیدند.
با توجه به توضیحات فوق، مجددا متذکر میشوم که منظور از الارض در آیه 26 سوره نوح، کره زمین است نه سرزمین.
نکته جالب این است که امحای مکذبین و گمراهان به شیوه عذابهای آسمانی از مقطعی ادامه نمی یابد، چه اگر اینطور بود، بایستی قوم بنی اسرائیل به سبب گردنکشی های مداوم، دچار عذاب و حذف مگردیدند.
این موضوع بیانگر این مسئله است که هدف از آن امحا و تولید اقوام، صرفا تنبیه و عذاب نبوده است، بل این یک نوع غربالگری نژادی بوده که از مقطعی قطع و غربالگری رفتاری(آنچه که در کامنت قبلی عرض شد) جایگزین آن می گردد.
قرآن کتابست حاوی آیات محکم و متشابه، تا زمانی که از همه انحناهای آن عبور نکرده ایم، نمی توانیم با قاطعیت حکم صادر کنیم، هر ایده و نظری که ارائه میدهیم بایستی توام با احتمال نادرست بودن باشد، مانند آنچه که من یا آقای 206 مرقوم کرده ایم.

ناریا

دوشنبه 11 مرداد ماه سال 1389 ساعت 9:54 PM

خانم حاجی زاده. کامنت ارسالی شما اشتباها حذف شد. لطفا دوباره ارسال کنید.

مجید نصراصفهانی

سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:13 PM

خانم حاجی زده وام دار یهودیان ایران لطفا مطالب کوئتاه ومختصر باشد ..
این موج عرب ستیزی ماراهلاک کرد ....
مطالب شما همان تفسیر برای شخصی ازقران است تایک تفسیر ماهیتی وجامع قرانی

2 1 >>

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

67131

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya 9

ایران شناسی بدون دروغ، ۲۷۴، نتیجه ۸۲، نقشه شیراز

abbas

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 02:59 AM

http://ted.lib.harvard.edu/ted/deliver/browseResul
&searchterm=99&ts?_collection=iohp
browseindex=Narrator&navtype=next

abbas

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:05 AM

/http://www.fas.harvard.edu/~iohp/publications

abbas

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 04:42 AM

http://www.afghan-web.com/history/articles/jews.html

تلمیذ

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 07:55 AM

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر
1- قبل از جنگ اول خلیج فارس و اشغال کویت توسط عراق و بعد هم آمریکا رادیو وتلوزیون کویت بعد از پخش اذان دعای" اللهم رب هذا الدعوت التام والصلاه القائمه

آت محمد وسیله و الفضیله و بعث مقام محمود الذی وعده. انک لا تخلف المیعاد" را می خواند. ولی حالا گرچه بعد از پخش اذان تلوزیون این دعا را به صورت نوشته نشان می دهد وو قاری هم می خواند ولی جمله آخر را نمی خواند.خیلی عجیب است. به نظر من یهویدان عرب هم قصد زدودن آیات قیامت از قرآن را دارند مانند بلایی که بر سر تورات آورده اند. در صورتی که در یکی از سوره های قرآن کریم بلافاصلخ بعد از انتخاب موسی(ع) به پیغمبری در وادی مقدس طوی تذکر روزبازگشت و روز قیامت به اوست.

تلمیذ

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 07:58 AM

۲- من فکر می کنم یهودیان و مسیحیان ساکن در شهر مکه و یثرب زمان ظهور اسلام شاید یک یا دو قرن قبل از ظهور اسلام به آنجا رفته بوده اند و زمانی که هنوز موحد بوده اند و آن هم به احترام مقام حضرت ابراهیم(ع) به آنجا رفته اند ولی بعدها مشرک شده اند.(نظرات خصوصی است)

تلمیذ

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 08:12 AM

3- اشعارحافظ بهترتیب حروف الفبا و مناسب فالگیری ردیف شده اند. این کار نوطپسط خود حافظ که انجام نشده است؟!در ثانی اگر حافظ واقعا در 800 سال پیش بوده پس اینهمه روایت بعدا" جعل شده است.

khalil

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 08:38 AM

استاد واقعاً که با حیرت تمام دهان باستان پرستان زیپ شده است.

تلمیذ

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 08:41 AM

نظر خصوصی

استاد من فکر می کنم نام شیراز از نوعی ریحان به نام شیراز که به خصوص در فصل بهار در این دشت حاصلخیز سبز می شده است گرفته شده است.
به دروازه کازرون هم تا این اواخر دروازه دولک د زان می گفته اند.چون مرکز فعالیت دولک دوز ان بوده است.

تلمیذ

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 08:55 AM

یکی از اقارب ما که سن زیادی نداشت و ر حمت خدا رفت می گفت که در جای چهار راه سینما سعدی که اکنون مرکز شهر شیرا ز محسوب می شود یک چشمه کوره ویک درخت بید بود که ما وقتی دام می اوردیم شیراز بفروشیم سر این چشمه و زیر این درخت اتراق می کردیم ومنتظر می شدیم تا دامها به فروش برسد.

امیر

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:39 AM

جناب نیسی

در باب سوال "مگر همان تعداد معدود کاتب مورد ادعای شما می توانسته اند این همه کتاب را استنساخ و

بازنویسی کنند" باید عرض کنم من ادعا نمی کنم کار استنساخ توسط گروهی کاتب که در بازه زمانی معینی عزمشان را جزم کرده و کمر همت به رونویسی از کتب قدیمی بسته اند انجام شده بلکه همانطور که کتابها در طی زمان نگاشته شده اند، نسخه برداری از آنها هم می تواند به مرور و طی زمان انجام شده باشد تا مشکلی از نظر تعداد کاتبان یا مواد مصرفی پیش نیاید.
در مورد قلم مطلب زیر می تواند راهگشا باشد:
BOSWORTH, C.E.
A MEDIAEVAL ISLAMIC PROTOTYPE OF THEFOUNTAIN PEN?
http://www.yourfilelink.com/get.php?fid=558479
خلاصه ترجمه فارسی بخشی این مقاله در زیر می آید:
" قاضی نعمان بن محمد که خداوند از او راضی باد گفت: امام معزالدین الله (سلام خدا بر او باد) دربارة قلم سخن گفت و فضل قلم را توصیف کرد و آن را به باطن علم ارتباط داد. بعد هم گفته: می‌خواهیم از قلمی استفاده کنیم که بدون استفاده از دوات بنویسد و مرکبش در داخلش باشد: یعنی وقتی انسان می‌خواهد بنویسد به کمکش بیاید و اینطوری هرچه می‌خواهد نوشته شود و هر وقت هم خواست ننویسد مرکب بر جای بماند. در واقع قلم داخلش باشد و نویسنده آن را در داخلش بگذارد تا هر وقتی که خواست استفاده کند و هیچ تأثیری در آن به وجود نیاید و چیزی هم از مداد به بیرون درز نکند تا وقتی خواست بنویسد از آن استفاده کند. ابزار عجیبی است که هرگز قبل از آن چیزی درباره آن ندانسته‌ام و دلیلی برای دانش فراوان کسی است که به آن بیندیشد و معنای پنهانش را دریابد.

گفتم: می‌شود؟
گفت: ان شاءالله می‌شود.

چند روزی نگذشت تا اینکه سازنده‌ای آمد که برایش این موضوع توضیح داده شده بود. چیزی ساخته بود طلایی که مرکب را در دل خود داشت و با آن می‌شد نوشت. به اندازه مرکب اضافه می‌شد. دستور داد تغییراتی در آن ایجاد شود. رفت و اصلاح کرد و دوباره آورد. قلمی بود که در دست جای می‌گرفت و چیزی از مرکب پیدا نبود. وقتی نویسنده آن را در دست می‌گیرد هر چه می‌خواهد می‌نویسد. بعد هم وقتی دست از نوشتن برمی‌دارد مرکب متوقف می‌شود.

...

این مثل بعضی چیزهاست که برخی عوام دربارهٔ قلم می‌گویند که اولین چیزی است که خداوند عز و جل آن را خلق کرد. پس به آن گفت: بنویس و نوشت.

بوسورث این مطلب را در مقاله‌ای به عنوان: A Mediaeval Islamic Prototype of the Fountain Pen مندرج در مجلة Journal of Semetic Studies (26/2 – 1891- pp. 229-234) براساس کتاب المجالس و المسایرات و المواقف و التوقیعات تألیف قاضی ابوحنیفه نعمان بن ابی عبدالله محمد تمیمی معروف به ابن حیّون (درگذشته 363) از دعاة اسمعیلی مصر و ندمای خلیفة فاطمی المعز نوشته است."
وی در پایان می‌گوید عاقبت ساختن قلم طولانی نویس (long-wirting pen) که دارای مخزنی از مرکب باشد

در اروپا به وجود آمد و به نظر می‌رسد در اوایل قرن هفدهم E.Schwerder توانست آن را اختراع کند و نمونة کارش را در 1636 بشناساند.

در مورد ساخت کاغذ و کتاب می توانید به مقاله زیر و مراجع معرفی شده مراجعه بفرمایید.
Paper and Book production in the Muslimworld
http://www.ghazali.org/site/paper-rch.htm

مقاله زیر هم جالب توجه است:
.On the Making of Local Paper
A Thirteenth Century YemeniRecipe
http://www.yourfilelink.com/get.php?fid=558486

130.1001.92

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:08 PM



سلام علیکم

جناب امیر
جنابعالی شیپور را دست گرفتی و از بخش گشادش در آن می‌دمی؟! خودتان هم آنچه را که نقل می‌کنید را متوجه هستید؟ تناقضات آن‌را متوجه می‌شوید؟!
فکر کردی ما را گرفتی نخیر عزیزم این ما هستیم که امثال شما گرفتیم!

برادر گرامی از شما نمونه قلمی که گذشتگان مورد ادعای جنابعالی با آن می‌نوشته‌اند را خواستیم و اینکه بفرمائید این قلم‌های ادعائی شما در کدام موزه نگهداری می‌شوند؟

اگر چنین قلم‌هائی بر اساس ادعای جاعلانی که از آنها نقل قول کرده‌ای از گذشته‌های دور و مثلا قرن 4 موجود بوده، پس چرا تا همین 70 - 80 سال اخیر با کلی صعوبت بشر باید با سرقلم‌های فرانسوی بی‌کیفیت می‌نوشته؟ اون هم رضاخان پهلوی پادشاه ایران زمین!

درباره کاغذ هم با گذاشتن چندتا لینک مشکلت حل نخواهد شد؛ بشر در گذشته و قبل از استفاده از مواد اسیدی و قلیائی برای ایجاد دوغاب از کواد چوبی برای تولید کاغذ نمی‌توانسته کاغذ با ضخامت مناسب و کیفیت و دوام معمولی تولید کند.

کاغذهای امروزی که با کیفیت و تکنولوژی بسیار پیشرفته تولید می‌شوند ادارای ضخامت متوسط 0.1 میلیمتر هستند که یک کتاب 1000 صفحه‌ای بدون در نظر گرفتن جلد آن دارای ضخامت متوسط 5 سانتیمتری خواهد بود. حال فارغ از کیفیت، انعطاف‌پذیری و میزان دوام کاغذهایی که بدون دوغاب تولید می‌شوند، فرض کنیم دارای ضخامت رؤیائی 2 میلیمتر بوده باشند آنگاه ضخامت کتاب 1000 صفحه‌ای بدون جلد 1 متر می‌شود و به فرض محال ضخامت کاغذهای دوغابی را 1 میلیمتر در نظر بگیریم آنگاه کتاب 1000 صفحه‌ای نیم متر قطر خواهد داشت.

...

130.1001.92

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:09 PM

...بحث دیگر دوام این کاغذهاست؛ عوامل محیطی نظیر رطوبت، تعییرات دما، نور و ... اجازه دوام طولانی حتی در حد چند ده سال را هم به کاغذ نمی‌دهد و به دلیل وجود مواد اسیدی و قلیائی و رطوبت پس از مدت کوتاهی این کاغذها به پودر تبدیل می‌شوند. در این باره جناب امیر یک آزمایش ساده انجام دهند: یک تکه از کاغذهای امروزی که در بافت آنها آهار، چسب‌های مخصوص، مواد ضدرطوبت و ... می‌زنند را در یک اتاق و در معرض شرایط عی قرار دهند و ببینند پس از 1 سال چه بلائی سر کاغذهای مرغوب امروزی می‌آید، چه رسد به کاغذهای باستانی مورد ادعای ایشان؟!

لابد در کامنت بعدی لینکی را به نقل منابع جاعلان شیاد تاریخ ارائه خواهی کرد که شعب ایرانی-باستانی دانشگاه‌های شیکاگو و کمبریج با استفاده از تکنولوژی نانو کاغذهای مرقوب تولید می‌کرده‌اند و کتبی چون جکنامه حکیم!!! ابوالقاست فردوسی را روی آنها نوشته‌اند و برای اولین بار در تاریخ که ایرانیان در شهر سوخته نصف‌النهار رابلد بودند، باز این ایرانیان باستان بودن که از تکنولوژی نانو استفاده کرده‌اند!

جناب امیر! شما اشاره به حجم چند هزار تنی مورد نیاز برای استنساخ کتاب‌های باستانی نکردید و اینکه با کدام تکنولوژی و در کدام کارخانه چنین حجمی از کاغذ تولید می‌شده؟ اثری از این کارخانه‌های ادعائی باقی مانده؟ در کجاست؟ می‌توانی بفرمائی برای استنساخ 5000 جلد کتاب منتسب به جابر ابن حیان در طول تاریخ به چه میزان کاغذ نیاز بوده و در کجا تولید شده؟!

جناب امیر! با آن دروخگوی شارلاتان (آنتی رو عرض می‌کنم) خوب بده بستانی راه انداختی! از استناداتش به قرآن برای زیر سؤال بردن مفحث قلم استفاده می‌کنی و ایشان از استناداتت به قرآن در زیر سؤال بردن جنایت پوریم!

در آخر جناب پرفسور و دانشمند خط سومی جامانده از قافله بنیان‌اندیشی با استفاده از چرتکه جادوئی خود نام من را حدس بزند که جایزه خوبی به او خواهم داد

مقول

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:11 PM

آلبوم بزرگ عکسهای افغانستان. چی ها که توش پیدا نمیشه! توپ توپه!
http://www.vatandar.com/pic/index.htm
http://www.vatandar.com/pic/index.htm

حاجی زاده

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 5:04 PM

سلام
دلائل مکفی در خصوص جهانی نبودن طوفان نوح موجود می باشد که نیاز به تکرار نیست.
اولین نکته ای که بایستی در نظر داشت، حاوی این مطلب است که قدیمی ترین قومی که حکایت آنان در قرآن ثبت است، قوم نوح می باشد. بعبارتی مطابق متن قرآن هیچ روایتی از هیچ قومی که در ازمنه ای کهن تر از نوح و قومش زیسته باشد وجود ندارد.
إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْکَ کَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِن بَعْدِهِ

وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا(۱۶۳ نسا)
با توجه به آیات متعددی که نام نوح بلافاصله بعد از نام آدم ذکر میشود، قوم نوح از ذریه آدم و این قوم، اولین تجمع شکل گرفته و نوح برجسته ترین شخصیت بعد از آدم(به لحاظ زمانی) می باشد.
إِنَّ اللّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۳۳آل عمران﴾
بدین شرح که متعاقب اولین تولید نسل ها بعد از آدم و فرزندانش، نخستین اجتماع متولد شده و بلافاصله رسولی به نام نوح برای هدایت آن جامعه و از میان آن گماشته می شود.
وَقَالَ نُوحٌ رَّبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا(۲۶ نوح)
از این آیه چنین افاده میگردد که قوم نوح تنها ساکنان زمین در آن برهه زمانی بوده اند.
آیات متعددی موید این مدعا هستند که تداوم نسل بشری در کره زمین نیز از پشت مسافران کشتی نوح است.
ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا(۳ اسرا)
وَخَلَقْنَا لَهُم مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ (۴۲یس)
بعد از آنچه بر این جامعه میگذرد(امحا)، می توان از مطالعه متن قرآن و آیات مرتبط چنین مستفاد کرد که بعدها و مجددا پیامبرانی از نسل قوم نجات یافته نوح ظهور میکنند، این موضوع و ایضا یادآوری این نکته که همواره پیامبران از میان قوم خویش برگزیده میشده اند، حاکی از انحراف نسلهای بعدی قوم نجات یافته نوح از

یکتاپرستی یا از اصول الهی است،
ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ* فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ(۳۱ و ۳۲ مومنون)
با توجه به این نکته و بنا بر قرائنی که قوم نوح را تنها جامعه مترقی کره ارض در هنگامه طوفان نوح متصور میکند، احتمال میرود اقوام عاد و ثمود و...از نسل انسانهای رسته از طوفان نوح باشند.
أُوْلَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَن خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا(۵۸ مریم)
این نوع جانشینی منافاتی با جانشینی جغرافیایی ندارد، با این توضیح که آن جغرافیای به ارث رسیده، کره ارض است نه سرزمینی خاص!و جانشینی مورد نظر، خلافت در کره زمین است که ممکن است در هر نقطه ای از آن باشد(در احقاف و یا در واد و یا...)، به شرحی واضح تر، بعد از قوم نوح، بعنوان تنها تجمع انسانی در کره زمین، از اندک انسانهای مومن رهیده از عذاب، جامعه قوم عاد در کره زمین تشکیل میگردد، بعد از امحای این قوم و بعد از ازدیاد نسل نجات یافتگان، تجمع بعدی یعنی قوم ثمود ساخته میشود و...
ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿۳۱مومنون﴾
نیاز به یادآوری نیست که بگوییم تجمعات نو در مکانی بغیر از محل سکونت سابق که دچار عذاب شده، شکل میگرفت، مومنان به نبوت نوح و هود و صالح و...قبل از نزول عذاب به نحوی آن محل را ترک کرده و در منطقه دیگری سکنی می گزیدند.

با توجه به توضیحات فوق، مجددا متذکر میشوم که منظور از الارض در آیه 26 سوره نوح، کره زمین است نه سرزمین.
نکته جالب این است که امحای مکذبین و گمراهان به شیوه عذابهای آسمانی از مقطعی ادامه نمی یابد، چه اگر اینطور بود، بایستی قوم بنی اسرائیل به سبب گردنکشی های مداوم، دچار عذاب و حذف مگردیدند. این موضوع بیانگر این مسئله است که هدف از آن امحا و تولید اقوام، صرفا تنبیه و عذاب نبوده است، بل این یک نوع غربالگری نژادی بوده که از مقطعی قطع و غربالگری رفتاری(آنچه که در کامنت قبلی عرض شد) جایگزین آن می گردد.
قرآن کتابست حاوی آیات محکم و متشابه، تا زمانی که از همه انحناهای آن عبور نکرده ایم، نمی توانیم با قاطعیت حکم صادر کنیم، هر ایده و نظری که ارائه میدهیم بایستی توام با احتمال نادرست بودن باشد، مانند آنچه که من یا آقای 206 مرقوم کرده ایم.

+++

چهارشنبه 6 مرداد ماه سال 1389 ساعت 9:25 PM

جناب امیر

شاید دوساعتی در مقابل کامپیوترم نشسته ام وفکر می کنم که جواب این ادعای بی سند ومجعول شما را منطقی پاسخ بگویم ولی هیچ نکته قابل تاملی جهت آغاز سخن منطقی نیافتم وخود را ناتوان در مقابل کودکی دیدم که از پاسخ در خور فهمش عاجزم پس مجبورم فقط بگویم آقا شما اینقدر از مسئله پرتید که از

نهایت پرتی گفته های شما را جکی مفرح دیدم ودل سیر خندیدم.

آرمین

پنجشنبه 7 مرداد ماه سال 1389 ساعت 02:49 AM

با سلام خدمت استاد پورپیرار استاد،میتونم بیام مستند چهارم رو از انشارات بگیرم؟

پاسخ:

آقای آرمین. البته. لابد می دانید که از ساعت ۱۳ تا ۱۵ مغازه تعطیل است.

داریوش

پنجشنبه 7 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:34 AM

جناب استاد برای تهیه کتاب ارزشمند مگراین پنج روزه چکاربایدکرد.
کاش درموردحافظ موهوم ومجهول الهویه نیزکارتحقیقی انجام می دادیدتااین بت نامیمون نیز شکسته می شدوپرده ای دیگرازواقعیات شیرازبرداشته می شدتادیگردرهیچ خانه ای درکنارقرآن دیوان مجعولش گذاشته نشودتابدانند بقول خودش عرصه ی سیمرغ(قرآن)نه جولانگه مگسی چون اوست وبرهمگان معلوم شودکه اونه لسان -الغیب بلکه لسان یهودومجوس است.باتشکر

پاسخ:

آقای داریوش. برای خرید کتاب مگر این پنج روزه به مقابل دانشگاه تهران شماره ۱۳۰۰ رجوع کنید.

منصور

پنجشنبه 7 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:25 AM


دوست عزیز جناب تلمیذ ضمن سلام.
همانطور که اشاره فرموده‌اید در تورات هیچ یادی از دنیای پس از مرگ نیست (البته مثلا گفته که یعقوب مرد و به اجدادش پیوست. ولی فقط در همین حدود).
بعکس بر روی موضوعاتی نظیر ختنه کردن بسیار تاکید شده است. مثلا درجایی پیامبر اولوالعزم خود موسی را به خاطر ختنه نکردن پسرش به مرگ تهدید می کند که همسرش صفورا هوشمندانه عمل می کند و او را از دست خداوند نجات می‌دهد. توجه فرمایید:
« 24: پس موسی و خانواده اش بسوی مصر رهسپار شدند. در بین راه وقتی استراحت می کردند، خداوند براو ظاهر شد و او را به مرگ تهدید کرد.25و 26:پس صفوره یک سنگ تیز گرفت و پسرش را ختنه کرد و پوست اضافی را جلو پای موسی انداخت و گفت:«بسبب ختنه نکردن پسرت نزدیک بود خودت را به کشتن دهی.»بنابراین ،خدا از کشتن موسی چشم پوشید.» (خروج – 4)
اکنون یهود ، مساله ختنه را بعنوان یک شاخص مسلمانی در بین مسلمین نهادینه کرده است تا آنوسی ها از مسلمین قابل تشخیص نباشند. و در پی موردی است که جنابعالی بدان اشاره کرده‌اید. آیا نباید سوال کرد خدا چه نیازی به این حرکات زیگزاگی دارد که حکمی را برای یهود واجب و برای نصارا غیر واجب و برای مسلمانان دوباره واجب کرده است؟
براستی یک بار خواندن تورات ضرر ندارد که به شخصی که هر بار در دفاع از یهود با اسم تازه ای مطلب می نویسد توصیه می شود.

پاسخ:
آقای منصور. ختنه دستور مستقیم انجیلی و قرآنی ندارد و فقط در تورات ضبط است.

عباس سلامات

پنجشنبه 7 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:00 PM


با سلام
این دیگه آخرشه

@@@مبدل انگلیسی به میخی@@@

شما می توانید نام خود را به انگلیسی وارد کرده سپس معادل میخی آن را ببنید. جالب است مگه نه؟

http://www.iranview.ir/pars.aspx

لطفا یه نفر مبدل فارسی به آرامی هم درست کند زیرا من دلم میخواهد اسم خود را به آرامی هم بدانم.ههههههههههه

http://naria.maktoobblog.com

تلمیذ

پنجشنبه 7 مرداد ماه سال 1389 ساعت 8:00 PM


با سلام خدمت استاد و سایر دوستان
نکته جالبی که از این مطالب می توان دریافت این است که ترویج مذاهب ساختگی شیعه و سنی در یکی دو قرن گذشته در این قصبات کوچک و کم جمعیت چقدر سهل و راحت بوده است!

r134

پنجشنبه 7 مرداد ماه سال 1389 ساعت 8:32 PM


کشفیات جدید در نانو باستان
ساخت بتن سبک 2500 سال پیش در ایران

بتن سبک برای اولین بار در جهان توسط کشور ما ساخته و در 2500 سال پیش در زمان هخامنشیان در کاخ داریوش در استان بوشهر در شهر برازجان مورد استفاده قرارگرفت.
برای ساخت این نوع بتن ,محصول از پیش ساخته شده را که با صمغ ترکیب نموده بودند, با استفاده از موادی مانند خون حیوانات و شاخ بز و گوسفند که از قبل ساییده شده بود ترکیب نموده و با کف حاصل بتن سبک را تولید می کردند.
همچنین با کشف این اثر ملی که برای اولین بار توسط آقای دکتر علی اکبرسرفراز پدر باستانشناسی ایران کشف گردید می توان به صورت یقین اعلام داشت مخترع سیمان نیز کشور ایران بوده و برای اولین بار در همان کاخ داریوش از آن استفاده گردیده است .
در سقف این کاخ که خود نمونه عجیب معماری و مهندسی است ، توانسته اندیک سقف با طول 40 متر و عرض 10 متر به صورت یکپارچه و صاف با ضخامت حدوداً 65 سانتی متر بسازند می توانیم این سقف را به عنوان یکی از عجایب جهان محسوب بنماییم

http://nanosazeh.ir/

حسین

جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 00:29 AM

سلام استاد
استاد در حال مطالعه ی مجموع مقالات اسلام و شمشیر هستم و تا کنون ۲۵ تای آن هارا خوانده ام راستش خواستم این سوال را بعد از خواندن کامل مطالب از شما بپرسم ولی خب حس کنجکاوی نمی گذارد
استاد شما مرتب در این مقاله سخن از عدم توانایی زبان عربی در نوشتن کتاب در قرن های ابتدایی اسلام می زنید ولی من هنوز متوجه نشده ام چرا ؟
در ضمن استاد وبلاگ های زیادی هم نام وبلاگ شما وجود دارند که بعضی از آنها حتی ربطی به تاریخ نداره !!!!!

http://www.moalemkhaan.blogfa.com

پاسخ:
آقای حسین. در سایت چند مقاله با نام قلم در همین اواخر نصب شده که خواندن آن ها و نیز مطالعه کتاب پاپیروس ها به شما کمک می کند.

مجتبی غفوری

جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 01:37 AM

با سلام و پوزش بخاطر استفاده بی مورد از فضای وبلاگ . بی مورد از این جهت که باید مانند دوست گرامی آقای سنجری رفتار میشد و مطلب همان میشد که ایشان تذکر دادند ولی این نگارش که در این باب آخرین خواهد بود دلیلی داشت که از ذکر آن نتوانستم کوتاه بیایم.
وقتی اولین ایمیل بدستم رسید متوجه شدم با گروهی روبروییم که قصد به حاشیه بردن بحث های روز را دارند

.بحث هایی که با مطرح شدن موضوع قلم به اوج خود رسیده بود و به امید خدا ادامه خواهد یافت.
عمل سنجیده آن بود که هیچ پاسخی داده نشود و مانند وبلاگ هایی که در این چند سال مشغول لجن پراکنی هستند مسکوت بماند چون آنها فاقد هرگونه مطلب قابل عرضه اند.
ولی مسئله ای بنده را مجبور به نگارش آن چند سطر کرد خاطرتان هست ! خاطرتان هست بنده تعداد صفحات pdf ارسالی را چند صفحه ذکر کرده بودم ؟!27 صفحه ...

مجتبی غفوری
چهارشنبه 9 تیر ماه سال 1389 ساعت 03:32 AM
"مانند آن کسی نباشید که بعد از ۲۷ صفحه کاغذ سیاه کردن و خط کش گذاشتن و ... در نتیجه گیری خود ازعان می کند که پاسارگاد یک مجموعه هلنی است و به اصطلاح قبر کوروش را خود دهها بار با عنوان -عمارتی که می گویند قبر کوروش است -میشناسد یعنی اینکه یا خودش هم نمی داند با چه چیزی روبروست یا به این نتیجه رسیده که قبر کوروش نیست و بقیه هم حواسشان را جمع کنند!!!"

به نظر شما بنده از کجا متوجه شدم که pdf اصلی 27 صفحه بوده نه 26 صفحه ؟و صفحه 27 حاوی چه مطالبی بوده ؟!!!
این عمل بنده با واکنش نصاب pdf ها مواجه شد موضوعی که به خوبی آنرا پیش بینی کرده بودم .

pdfدر حاشیه 2 -صفحه 2 -قسمت 2
"برای آقای غفوری عل یرغم بی ادبی هایشان احترام زیادی قائلم...پس با این مقدمه به آقای غفوری نازنین و سخنانشان پیرامون یادداشت پاسارگاد حقیر ، دربخش کامنت های« اسلام و شمشیر 50 »بازگردم و به ایشان توضیح دهم جان برادر ! آن صفحه سیاه کردن که اولاً 26 صفحه بود نه 27 صفحه ، و ورژن اصلاح شدة جدیدش را با افزودن چیزهائی دیگر تا اکنون 27 صفحه کرده ام..."

اما آیا صفحه 27 باید نوشته می شد و یا تغییر می کرد ؟محتویات صفحه 27 چه بود وارد تمام ماجرا و اطلاعاتی که در اختیار بنده قرار دارد نمی شوم اما بهر حال سالهاست مانیز با رابطانی آشنا شده ایم(so what /منظورت چیه؟!) اونی که باید بدونه خودش می دونه! می دانید محتوی صفحه 27 چه بود. مقداری وقت صرف شد اول فکر کردم که موضوع لو می رود و با عث رنجش یکی از دوستان که با بنده در ارتباط بود میشود .ولی از سطر سطر نوشته های بعدی کند ذهنی نویسنده پیدا بود.

pdf در حاشیه 2 -قسمت 2- صفحات 2و 3
"هرکسی ، هرکسی خیال می کند بضاعت علمی دارد ، اگر م یتواند یادداشت« !؟ و پاسارگادشناسی تحریف شدة آقای پورپیرار » را در ....چارچوبی.... که آن یادداشت در آن قدم می زند و نه نظیر ده بیست کلمة بی ارتباطی که آقای غفوری پس از یک هفته ، آسمان ریسمان کردند ، نقد و مثلاً بی اعتبار کند !

هرکسی خیال می کند چنین سوادی دارد بسم ا... !
این یک مبارزه طلبی است ! پورپیرار و مریدانش یک طرف ، من و یک خودکار صدواند تومانی یک طرف !"

چند نکته در این نوشته مهم است :
1- چرا انقدر سعی دارد خود را تنها معرفی کند؟
2-چهارچوب مورد بحث کدام چهار چوب بود ؟و چرا فقط چهار چوب مورد بحث ؟!

صفحه 27

صفحه 27 دستورالعمل بحث و پیامدهای بعدی را پیش بینی میکرد...
1-عدم ورود به موضوع اصلی مطرح شده در فیلم.

اما موضوع اصلی چه بود :
الف)علائم یونانی
ب)کاوش ها
ج)سکه ها و اشیا یونانی
د)عدم وجود لایه های هخامنشی
ه)موضوع قبر
و)جعلی بودن نامگذاری ها
ز)از موضوعات دیگر می گذریم چون آنها جای بحث در آن چهارچوب را نداشتند البته می توان به این فهرست چند مورد دیگر هم اضافه کرد.
براستی اگر برروی سایت پاسارگاد محوطه هایی نیز وجود داشته باشد با توجه به گزارش های متعدد در باره هویت این سایت چه اتفاقی می افتد ؟!

در داخل پرانتز نکته ای را ذکر کنم و آن اینکه در لابه لای صحبت ها با آن دوستی که در باره صفحه 27 برایم صحبت می کرد موارد جالبی وجود داشت که به یک نمونه آن اشاره می کنم:

"عملیات متعددی جهت زدودن تاریخ ماقبل هخامنش ایران انجام شده تغییر هویت / بنام زدن سایت های تاریخی کهن به نام سلسله های مورد توجه ...شاید اگر کارشکنی ها و دستکاری های فراوان در پاسارگاد صورت نگرفته بود می توانستیم امروز با تمدن هایی دیگر در ایران آشنا شویم ولی اینک با تغییراتی که صورت گرفته این کار غیر ممکن است."

2-در چهاچوب مقاله بحث شود .

چهار چوب مقاله چه بود ؟

یک عکس

بله تمام مقاله حول محور یک عکس و این موضوع می چرخید که در نقاطی روی عکس آثاری نمایان است. اما این pdf بیست و هفت صفحه ای باید اصلاح میشد !چرا ؟
یک بار دیگر به عکسی که تمام مقاله و استناد های آن حول آن می چرخد دقت کنید بنده در باره اصالت آن صحبت نمی کنم . به قسمت پایین و سمت راست آنجایی که تاریخ گرفته شدن عکس درج شده دقت کنید

:
عکس متعلق به سپتامبر سال 1935است.
معنی آن این است که این عکس بعد از دستکاری های ارنست هرتسفلد و ناتوانی وی در اجرای اوامر و سپس اخراج وی جهت عدم توانایی یا تمکین و دادن گزارش منفی پیرامون محوطه گرفته شده ...
حتی بعد از در گیر شدن سراورل اشتین در سال 1934 که منجر به اقدام کاوش ها و گمانه هایی آزمایشی در محوطه میشود و اونیز رای منفی میدهد ...
بگذارید بگوییم حتی این عکس بعد از گمانه های خود اشمیت در سال 1935 و کاوش ها وی که بعد از آن منجر به چنین عکس برداری هایی از کل شیراز برای یافت منطقه ای برای احداث قبر کوروش در سال 1935 و ناتوانی در بثمر رساندن خواسته های اربابانش گرفته شده بطوری که آثار گمانه زنی های فراوان و دست کاری های بسیار بر روی عکس گرفته شده حتی با آن فاصله هم کاملا مشخص است .
براستی چرا هیچکس حتی کسانی که قبل از هرتسفلد منطقه را شخم زده بودند و به منطقه راهی شده بودند تا اشتین و اشمیت و نفرات بعدی حتی سامی که به اعتقاد بنده حرامزاده تر از هر باستان شناس غربی در ایران عمل کرده بطوری که تخریب های فراوانی در تخت جمشید انجام داده و صحنه سازی های بسیاری در سایر نقاط ترتیب داده و تا امروز عقبه او به دنبال ماست مالی کارهای اویند نیز از انجام و ساخت کاخ های کوروش عاجز بوده اند ؟!!

آیا جز این است که از آنجا چیزی بدست نمی آمده؟

در صفحه آخر pdf حاشیه 3 با این مطلب و چند تصویر روبروییم:

"سوال:چطور می شود کسی کتاب« پاسارگاد »استروناخ را به شهادت حداقل 10 بار ذکر یا نقل از او ، تورق کرده باشد ، اما باصراحت کامل و با اعتماد به نفس تمام در چشم مخاطبانش بگوید کاخ های منتسب به کورش آوار نداشته و روی زمین کشاورزی چیده شد ه اند ؟"

براستی چه کسی را باید درغگو خواند ؟هرچند که دروغگو واژهای در خور اینان نیست . چطور کسی می تواند کتاب پاسارگاد آستروناخ را دیده باشد و آن عکس ها را در صفحات نوشته های خود بگذارد و نداند که این عکس ها را منسوب به هرتسفلد می دانند ؟!!!البته پاسخ روشن است چون این شخص فقط این مطالب را ایمیل می کند البته نه با یک خودکار صدو اند تومانی و تنهایی.

او در جریان این موضوع قرار نداشته ! باید گفت در مورد این تصاویر بارها و بارها صحبت شده آخر مگر دروغ باید سیانور باشد؟!!!
برای مدت ها در حین ساخت مستند مجعولات مجلل که امیدوارم روزی با امکانات کافی نسخه بهینه ای از آن تهیه شود با آن تصاویر برخورد کرده ام هر بار خاطره تختگاه هیچ کس برایم زنده میشد . واقعا که چقدر نوع کار به کار هرتسفلد شبیه است.

به اعتقاد بنده او زحمت بسیاری کشید تا از این محوطه چیزی بسازد ولی در نهایت نیز از آن عاجز ماند .چون چاره ای نبود به دوستان پیشنهاد میکنم برای یک بار به این مکان بروند و بگویند واقعا آیا چیزی برای حتی فیلم برداری وجود دارد؟

براستی دوستان چنین نویسنده ناراست گویی چقدر قابل اعتماد است و چقدر می توانیم به حرف هایش وقتی میدانیم سابقه تجاهل دارد اعتنا کنیم؟

در حین نگارش این سطور نگاهی به کتاب ساسانیان استاد انداختم باید دوباره و چند باره اعتراف کنیم اشراف استاد به قضایا بحدی زیاد است که با خواندن چند باره مطالب ایشان فقط و فقط این حرف باقی می ماند پدر و مادرم به فدایت.

درباره این موضوع تا اینجا بیشتر ادامه نمی دهم و بحث رابه آینده های نزدیک وقتی کار اصلی آغاز شد میسپارم ولی قبل از آن...

برای روشن شدن بیشتر موضوع به قسمتی از کامنتم اشاره میکنم این کامنت را مخصوصا خواستم جدا نصب کنم:
در یکی از کامنت هایم آنچه اعتقاد خودم بود در ارتباط با استاد عرض کرم با علم بر اینکه این موضوع فورا توسط جریان مذکور ثبت و ضبط میشود و اینچنین شد. اما در آن کامنت بنده مطلب دیگری را نیز ذکر کرده بودم

مطلبی که گمان میکنم از دیده ها پنهان ماند:

مجتبی غفوری
یکشنبه 27 تیر ماه سال 1389 ساعت 01:55 AM
"یادت باشه ما با وبلاگ های غریبه سالهاست آشناییم این حرف هایی که تو میزنی کپی همون هاست که سالهاست زده میشه با این تفاوت که دیگه خیلی از حقایق رو خودتون قبول میکنید یعنی بیس قضایا رو پذیرفتید ...استاد چه بلایی سرتون آورده... این ها کهنه شده مطالب در باره پاسارگاد ----کعبه زدشت---- و ... و ... است از رو اونها چیزی برای ما کپی نکن.بزدل لااقل خودت باش! و یادت باشه مطالبی هست که ازش بی خبری دلم برای عاقبت کارت میسوزه خیلی زود شروع کردی!!!"

در این کامنت چند نکته روشن کننده وجود دارد ولی آنچه که بیش از همه مهم است این قسمت است:

"این ها کهنه شده مطالب در باره پاسارگاد و ----کعبه زدشت!!!"

بنظر شما چرا بنده بلافاصله بعد از پاسارگاد از کعبه زردشت استفاده کردم و ذکر کردم این مطلب را بقیه گفته اند؟!!
واضح است چون می دانستم مطلب بعدی در باره چه خواهد بود.

درpdf حاشیه سوم

"به ایشان پیشنهاد می کنم برای نشان دادن تبحرشان ، بر یادداشت« و پاسارگادشناسی تحری فشدة آقای پورپیرار »نقدی بنویسند تا برای نگارشیادداشت طوفانی ای که پیرامون تحاریف آقای پورپیرار حول مکعب نقش رستم دارم..."

در حقیقت باید یادداشت مربوط به مکعب زردشت قبل از یادداشت طوفان نوح نصب می شد ولی با تمام انتظاری که برای گرفتن فایل اصلاح شده آن شد به موقع آماده نشد به دین ترتیب ازجای دیگری فایل مربوط به نوح دریافت و نصب شد و باید بگویم فایل مربوط به مکعب بدلایلی هنوز هم در حال ایجاد تغییرات است تا مشابه نمونه های قبلی خود نباشد.

بدین ترتیب یادداشت حول موضوع طوفان نوح منتشر شد و حتما ما باید در حاشیه بعدی در چهارچوب همان یادداشت بحث کنیم چقدر بگوییم که کار ما شکستن همین چهار چوب هاست و اینکه کسی ما را هدایت به سمتی که علاقه مند است نکند.

اما چهارچوب کدام است ؟

مراد از جانشین قومی شدن موقعیت مکانی است یا زمانی یا نژادی یا ...
کاش جناب مهدی -مهدی در این باره اطلاعاتی بگذارند. قصد ورود به بحث را ندارم همانطور که قبلا گفتم منتظر خواهم ماند تا تمام یادداشت ها یی که از آنها با خبرم و یا قرار است خبر دار شوم ویا با فروتنی بی خبرم !!!

نصب شود .
این چهاچوبی است که بنده در آن فعالیت نخواهم کرد ولی از آن بیگاری خواهم کشید.

باید بگویم هیچکس از حرکت بعدی استاد باخبر نیست...

ولی بد نیست تنها به یک قسمت از سر هم بندی های مربوط به موضوع نوح پاسخ دهم .
حقیقت این است که در مدتی که در ترکیه بودم اسناد خوبی جمع آوری کرده ام کتاب فیلم و نقشه هایی که موضوع را بخوبی مشخص می کند ما یک دمو از طوفان ساختیم خاطرتان است مانقشه های تپوگرافی تمام ترکیه را در اختیار داریم به امید خدا اگر امکانات تکمیل شود مستند نوح فیلم بزرگی خواهد شد .
اما از موضوع دور نشویم در قسمتی از مطالب مربوط به نوح این دروغگوی متقلب- نویسنده مقاله را عرض میکنم وگرنه شخصی که ایمیل می کند از موضوع اطلاعی ندارد-با توجه به اینکه با یک سرچ کوچک نیز میتوانست به اطلاعات دقیقی دست پیدا کند دست به یاوه سرای و دروغ بافی میکند و یک کلاشی فوق شنیع میکند :

به صفحه 37 و عکس بالای صفحه pdf مربوط به نوح توجه کنید :
در رابطه با ارتفاعات نویسنده چنین میگویند:
"من این کار را کرده ام : متوسط ارتفاعات نقاطی اُخرائی رنگ نقشهٔ ترکیه ، یا همان نقاطی که آقای

پورپیرار خیال
می کنند دریا بوده ، 1300 متر است (این نقاط تقریباً از 800 متری شروع و به 1800 متری ختم م یشوند) ."

در مدتی که در ترکیه بودم نقشه های بسیاری از انجا با خود آورده ام حال بنده نقشه فیزیکی ترکیه را به همراه مشخصات ارتفاعات آن نشان میدهم ببینید با چه ارتفاعاتی روبرو هستیم ؟!!!

http://up.iranblog.com/Files1/db16bbff21964f6c91bc.TIF

حال می خواهم اندکی از مطالب ایمیل های بعدی را آشکار کنم تا در آینده برای کسانی که به این کامنت مراجعه می کنند موضوع ملموس تر شود.
همانطور که گفته شد موضوع بعدی در رابطه با مکعب زردشت است .
اما حاوی چه مطالبی است ؟!!!
1-بازی با زمان
2-محل فلش شماره 6
3-موضوع دستک ها
4-اصرار بر اینکه در حین خاک برداری کتیبه ها دیده شده
5-موضوع سکوها
اما بخش هایی که از مقاله باید حذف شوند از جمله تصاویری که در زمان 1:20:00 فیلم دیده میشود .
در ابتدا قرار بود القا شود که این دو خط یکی هستند ودلیل تفاوت ها به دلیل تفاوت در جنس سنگ هاست

ولی خوب هر احمقی با کمی دقت می توانست بفهمد دو خط کاملا با هم متفاوتند .
به تفاوت مابین تعدادی از حروف های دو سنگ نوشته توجه کنید آیا اینها کار یک نفر است .آیا این تغییرات فقط بدلیل نوع سنگ و گذر زمان است ؟!!!
http://up.iranblog.com/Files1/31cf7d460ceb44ea90a0.bmp

ولی در آخر این اشاره ها در باره سکوها باقی است

با اشاره های سامی و اشمیت چه کنیم سکوها را خراب کنیم بسازیم چه کنیم راستی این سکوها چگونه از کتیبه ها محافظت می کرده چرا بر روی قسمت های تازه برش خورده نیز همان علائم پرش ها و همان سبک نگارش را شاهدیم .

راستی چرا دانشگاه شیکاگو بایستی در مورد عکس اشتباه کند ولی بهتره بی خیال این یکی شد فلش 6 IE6 رو تفت بده !!!

و در آخر به این بسنده کن که اینجور کتیبه نویسی یه رسم کهن بوده از برره به ارث رسیده .

(راستی عابدی جان اون کتیبه یونانی دم دستت هست یادت باشه بعدا لودش کنی).

راستی چند سال پیش اونارو کندن زمان ساسانیان - خوب اگه باورت نمی شه 400 سال پیش یا شایدم

300تا یا 200 یا خوب من حرفی ندارم.

در مورد مستند های تولید شده توسط ناریا به همراه کلیپ هایی که عزیزان وبلاگی می سازند بعدها بسیار بحث خواهد شد البته همین الان هم داره کار خودشو می کنه .
ابتدا خواهند گفت به این ها توجه نکن -بعد ما را به همه چیز متهم خواهند کرد --بعد از هر روشی برای ناتوان کردن ما در تولیدات بهره خواهند برد -بنظر شما مثل استاد مسموم خواهیم شد .
چه بخواهیم چه نخواهیم نقطه درست همین جاست آغاز ماجرا و ساخت دنیای فعلی از همین جا کلید خورد تحریف تاریخ و تاریخ سوزی .
ابتدا گذشته را تغییر می دهند بعد یا سرگرم می کنند و یا سرکوب . آیا برای تحول باید ترسید؟!!
راستی کسی از دوستان خواهان پس گرفتن 2000 تومانش در ازای دی وی دی ها است ؟بنده با کمال میل تقدیمش می کنم .

ولی دوست حاشیه نویس ما بدنبال حاشیه هاست نکند او مجری برنامه نود است ؟با این حال از حاشیه ها متنفر است :

"از دوستان خواهش دارم فکر و ذکر خود متوجة مغز کلام کنند و به حاشیه ها نپردازند که حاشی هنویسی نه گرهی از کار کسی بازمی کند و نه برای خودم خوشایند است ".

آخر مگر دروغ باید سیانور باشد تا با مرگ گوینده اش بفهمیم او دروغگو بوده است ؟ شما بگوئید ! چنین نویسندهٔ ناراست گوئی چقدر قابل اعتماد است ؟ و چقدر می توان به دیگر حرف هایش وقتی می دانیم که سابقهٔ تجاهل دارد اعتناء نمود ؟

یادتان هست گفتم خط سوم چه کسانی هستند . گفتم خط سوم را بزدلان تشکیل می دهند . این حرف بنده شما را یاد اعترافی نمی اندازد؟!!!

استاد هر لحظه که به مطالبتان رجوع می کنم شگفتی هایم دو چندان میشود و وقتی به به اصطلاح نقدهایی که پیرامون مطالب شما بر می خورم یاد این آیه قران می افتم که خداوند می فرماید: این کتاب دارای متشابهات و محکماتی است و...
به حال شما قبطه می خورم واقعا عمر پربرکتی داشتید و مانند ما وقت را هدر ندادید.
پاسخ:
www.www.naria.ir/view/5.aspx?id=53

abbas
جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 06:45 AM


http://www.lessing-photo.com/search.asp?a=1&kc=20202020C39&ipp=6&p=18&kw=OLD+TESTAMENT

reza
جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:31 AM

سلام
آیا کسی از دوستان آدرس داستانهای ناریا رو توی نت جایی سراغ داره؟
آقای عابدی عزیز التماس دعا داریم.

توحید

جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:12 AM

سلام
خسته نباشید استاد

من در مورد «طوفان» باز هم بیشتر تامل کردم و به نتایج نسبتا جالبی رسیدم ،
به نظر من ترکیه واقعا از نظر زمین شناسی و خصوصیات استثنایی توپوگرافی و جغرافیایی قابل تامل هست ،

از تمام نکاتی که استاد در این موارد ارائه کردند چند مطلب جدید هم به ذهنم رسید ، در کنار نشانه هایی چون گرده ماهی بودن کوههای ترکیه تا ارتفاع 1800 متر و چیدمان کاسه مانند کوههای ترکیه و توقف لایه های تمدنی در یک زمان خاص و ... باید به چند نکته ظریف توجه کنیم :

به نظر من باید بین «عقوبت» های الهی و «معجزه» تفاوتهایی گذاشت ، دلیل ساده اینکه معجزات برای تلنگر به ذهن منکرین و در زمان حیاتشان رخ می دهد که با انواع آن آشناییم ، ید بیضا و عصای موسی ، ناقه

صالح و فهم زبان پرندگان توسط سلیمان نبی و سرد شدن آتش بر ابراهیم و ... و تازه بعد از این معجزات و انکار از سوی منکرین است که «عذاب» نازل می شود . شما به تمام عذابها که توجه کنید ، از انواع زلزله گرفته تا بادهای سوزان و یا سرد و رعد و برق و ... همه اموری طبیعی هستند و از قوانین معمول طبیعت پیروی می کنند ، و متناسب با شرایط جغرافیایی و طبیعی هر مکان رخ می دهد و در این موارد و از جمله طوفان نوح ، بررسی مادی و طبیعی این شرایط به هیچ وجه مردود نیست بل بسیار هم منطقی است .

در واقع کسانی که می خواهند «طوفان نوح» را بعنوان یک «معجزه» بشناسانند و تلقین کنند هدفی جز انحراف ذهنهای پویا و بقول مطایبه استاد ذهنهای مریض (طبق مستند زخم نشر و منظور ذهنی که به دنبال علل وقایع می گردد) از حقایق طوفان نوح نیست .

پس کاملا منطقی است که با ریز بینی تمام عوامل مادی و طبیعی و شرایط وقوع طوفان مورد بررسی قرار گیرد و با قوانین علمی سنجیده شود .

از جمله قبل از همه نکات ، باید به دنبال شرایط لازم وقوع طوفان گشت ، که از این نظر هم واقعا ترکیه قابل تامل است و نکات جالبی دارد ،

از جمله اینکه قبل از هر چیز برای بارش چنان حجم انبوهی از باران باید منطقه دارای چنین شرایط و استعدادی باشد که شرایط ترکیه هم از این نظر بسیار

خاص و جالب توجه است و آن اینکه مانند جزیره ای دور تا دور در محاصره منابع آب فراوانی چون دریای سیاه و دریای مدیترانه قرار دارد که حجم مورد نیاز این همه باران را تامین می کند .

در ثانی نکته جالب دیگر در مورد توجه به این آیه است:

حَتَّى إِذَا جَاء أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلاَّ مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلاَّ قَلِيلٌ (هود40)

که به طور مشابهی در آیه 27 مومنون نیز تکرار شده و توجه به واژه «فار تنور» است ...

فار به معنای جهیدن و فوران با فشار آب است و همین هم می تواند یک کد دیگر برای بررسی طوفان باشد ، و آن توجه به این مطلب که از وضع خاص منابع آب زیرزمینی محل وقوع طوفان خبر می دهد ، امروز تنها توجیهی که می توان برای این واژه قرآن در نظر گرفت ، وجود چاههای «آرتزین» است که بدون نیاز به پمپ با فشار آب را به بیرون پوسته زمین «فوران» می دهد که علت این امر هم بخاطر اختلاف ارتفاع و فشار هیدرو استاتیکی منبع ذخیره آب می باشد ، یعنی در این گونه چاهها چون منبع آب زیر زمین بالاتر از سطح دهانه چاه قرار دارد باعث می شود که آب با فشار به بیرون فوران کند ... به نظر من اگر از نظر میزان وجود چنین چاههایی یعنی چاه آرتزین در ترکیه نیز تحقیق شود و صحت وجود چنین پدیده ای در ترکیه اثبات شود که کار چندان سخت

و تخصصی ای هم نیست و حتی می توان از طریق اینترنت به آن دست پیدا کرد می تواند دلیل دیگری برای وقوع طوفان در ترکیه باشد .
پاسخ:
آقای توحید. و فراموش نکنید در ارتفاع ۱۸۰۰ متری کوه آرارات بقایای یک کشتی یافته ایم که طبیعتا باد از بنادر ترکیه نبرده است. این را هم در باب طولانی شدن بلع آب تا سده های اخیر اضافه کنم که میزان فرونشست سالانه آب در سرزمین پر بارانی چون میانه و شرق ترکیه می تواند علت این کندی شناخته شود.

محمد(92).رضا(1001).نیسی(130)
جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:04 PM


سلام علیکم

جناب 206 و لوئی‌جرگه عظیم‌الشأن وقتتان برای حدس اسم من خاتمه یافت و همانطور که جناب "=.=" گفت خیلی باهوشین!!!
واقعا که چه حوصله‌ای دارید که برای گفتن یک پاراگراف 5 صفحه مطلب می‌نویسید و شاید تاکتیکی باشد برای اینکه خواننده نتواند وارد بررسی جدی گردد همانند تأکیدی که بر بررسی همه آیات قرآن حاوی ریشه‌های "خ‌ل‌ف" کردید، خودبه‌خود این فضا را به ذهن متبادر می‌کند که موضوع در حد کفایت بررسی شده است. جناب 206 در ابتدا آن ستون معروف و لانه لک‌لک معروفترش و کلمه خلفاء را به خاطر بسپارید که با آنها خیلی مار داریم.

در این نوشته به ترتیب "در حاشیه..."، دروغ‌ها و

"کلاشی"های جناب 206 در یادداشت "و پاسارگادشناسی تحریف‌شده آقای پورپیرار"، سؤال‌هائی درباره محوطه جعلی پاسارگاد از جناب 206، شکستن ستون فقرات مطلب "پورپیرار، طوفان نوح و اختفای آیات قرآن"، سؤالاتی درباره مکان مورد ادعای وقوع طوفان از منظر جناب 206، درباره عوارض باقیمانده از طوفان نوح، بحث هویت‌طلبی عزیزان و سروران ترک را ارزیابی خواهم کرد و برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها و "ننه من غریبم" بازی‌های جناب 206 و مشاورین‌شان در توصیفشان از همان کلماتی که "بهتر از آن را گیر نیاوردند" و بسیار لایق خودشان است، استفاده خواهم کرد.

****

الف- "در حاشیه 3"

1- در ابتدا می‌خواهم به آن بخش از "در حاشیه3" بپردازم که به مانند روشنفکران تافته‌جدابافته جامعه‌مان که مردم مخاطب خود را فرعون‌سان، عوام و به عبارتی واضح‌تر دارای قوه ادراک پائین خطاب می‌کنند، بپردازم که در آن یاران بنیان‌اندیش را با عباراتی که مناسب تعبیر قوه ادراک و تراوشات مغزی شما و دیگر اعضای لوئی‌جرگه‌تان است، خطاب قرار دادید.
اینجانب حدودا 13 سال پیش از طریق یکی از دوستان "هویت‌طلب" عرب اهوازی که اکنون به دلایل بسیار واهی در زندان است آشنائی مختصری با آرای استاد عزیز یافتم و به دلیل اشتغال به پاره‌ای فعالیت‌های

دیگر، تا سنوات اخیر توفیق آشنائی دقیق با آثار جناب پورپیرار را نیافتم که این مهم به همت برادر ارجمندم جناب مسعود سنجری محقق شد.
...

محمد(92).رضا(1001).نیسی(130)

جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:05 PM

...

جناب 206 ! مدت کوتاهیست که تلمذ در محضر استاد عزیز را شروع کرده‌ام و به درس‌آموزی از محضر بزرگوارانی چون خانم‌ها فریبا حاجی‌راده ، فرشته، سحر و... و آقایان مجتبی غفوری، مسعود سنجری، محمدرضا عابدی، بی‌نام، کاکا، آمون، خلیل(هر دو)، عباس(هر دو)، منصور، شبر، محمد اوجال اولوتورک، سلام محمدی، سایه، ایمان، آرمین، تلمیذ، حسین محمدی، سلام، م، لام، فتح، نتاب، رضا(هر دو)، امید، رشید، آسمان، مسعود و بقیه 20 -30 نفر مورد ادعای شما مشغولم. قدرت و توان یاران بنیان‌اندیش در طول زمان و با انجازات درخشان‌شان بر همگان هویداست. مستندهای تاریخ‌ساز و ویرانگر جناب غفوری نازنین شاه‌بیت همه این فعالیت‌هاست. حال برای اینکه مقیاس ناچیز و لطیفه‌مانندی برای درک توان شاگردان پورپیرار کبیر برایتان حاصل گردد، سری به وبلاگ شارلاتان دروغگوی مأمور (naria2.blogfa.com) بزنید و مطالبم تحت عنوان "یه نفر" را بخوانید ببنید میزان "سادگی" تازه‌واردترین مریدان! 20-30 نفره استاد عزیز چقدر است و شما که خوب بلدید تناسب ببندید و مدت زمان خشک شدن آب طوفان نوح را برآورد کنید، میزان "سادگی" بقیه بزرگواران را ارزیابی کنید.

2- جناب 206 بفرمائید که چه فکری کرده‌اید که ما را از لولوخورک می‌ترسانید؟! مگر تصور کرده‌اید مانند حضرتعالی در دوران کودکی باقیمانده‌ایم که باید با ترس دیو قصه‌ها بخوابانندمان که حالا ما را از تبعات با جناب پورپیرار بودن می‌ترسانید! نخیر جناب باهوش!!! این ما هستیم که تو و امثال تو را گیر آورده‌ایم...

3- در متن‌تان تفرعن و در کنار آن لودگی و تمسخر دیگران و کینه شدیدی موج می‌زند. مطمئن باشید اینگونه رفتار بر قیمت دیگران می‌افزاید و نیات نه چندان پنهان‌تان را بیشتر معلوم می‌نماید و بر خواننده اوج درد به زعم خود خط سومی بودن و اوج حرص مصادره کردن تحقیقات بنیان‌اندیشی به نام خود و تلاش برای بی‌ارزش جلوه دادن کارهای دیگران مشهود می‌باشد. علاوه بر اینها حس کینه و انتقام چشم عقلتان را نیز کور کرده است.
...

محمد(92).رضا(1001).نیسی(130)

جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:07 PM



...

4- همانگونه که سرکار خانم حاجی‌زاده به درستی فرمودند بنا به استدلال خودتان برای قضاوت دقیق‌تر درباره نیات نه چندان پنهان‌تان باید گذشته‌تان را برای همگان روشن کنید و شاید مریدانی برای‌تان جور شود و مشکلاتان بدین ترتیب حل گردد.

5- باز هم حرفی در حد قوه ادراک فرعونی‌تان زده‌اید که

باز باید به شما بگوئیم "نه جانم این ما هستیم که شما را گرفته‌ایم" وجدانا حضرتعالی به تازگی از این موضوع مطلع شده‌اید که جناب "اتفاق" در نوروز 87 مستندها را بین مهمانان نوروزی در شیراز توزیع کرده‌اند! (و در اثر اینکار بسیار ارزشمند مشکلات متعددی نیز توسط باستان‌پرستان و ایادی یهود برایشان درست شد ولی باید دید امروز به چه کاری مشغولند و به چه کسی مشاوره می‌دهند...) موضوعی که همگان از آن باخبرند. می‌خواهید بگوئید این نوشته‌ها کار جناب "اتفاق" نیست؟

ولی من می‌گویم حتی روح شما از این موضوع بی‌خبر بوده و اخیرا یا در جلسات لوئی‌جرگه و یا در أخذ مشاوره از جناب اتفاق از این موضوع و همچنین سرخوردگی ایشان مطلع شده‌اید! جناب 206 باهوش بر میزان مصرف هویج و آبهویج روزنه‌تان اضافه بفرمائید البته خود هویج فواید متعدد دیگری نسبت به آب آن دارد!

6- جناب 206! به جای اشک تمساح ریختن برای باستان‌پرستان درمانده و توصیه یاران بنیان‌اندیش به سکوت فرهنگی، فکری برای "دریده‌دهانی"اتان بکنید که دارد کار دستتان می‌دهد. استناداتان به مجعولات سعدی، کلیله و دمنه، ابن خلدون و ... جائی از شک باقی نمی‌گذارد که تراوشات ذهنی‌تان هم تفاوت چندانی با باستان‌پرستان شوینیست ندارد و توان درک مبحث کوه‌سان قلم را ندارید. البته فکر می‌کنم بهترین راه برای فرار از وارد شدن به این مبحث عظیم را در فرار دیده‌اید و آنرا فاقد ارزش نقد فرض کرده‌اید که باز هم به

شما می‌گوئیم این ما هستیم که شما را گیر آورده‌ایم ...

محمد(92).رضا(1001).نیسی(130)
جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:08 PM


...

7-جناب 206 این پرمدعائی و تفرعن دارد کار دست‌تان می‌دهد و مصادق بارز این مثل شده‌اید "خود گوید و خود خندد" هنوز جوهر قلمتان خشک نشده یادداشت "و پاسارگادشناسی ..." خود را تزلزل‌ناپذیر می‌خوانید!!! شما فکر کرده‌اید با "پرحرفی‌هائی که مفت نمی‌ارزد" می‌توانید تزلزل‌ناپذیری یادداشت‌های خود را در میان "گردوغباری" که به پا کرده‌اید به ما قالب کنید! که باز هم به شما می‌گوئیم این ما هستیم که شما را گیر آورده‌ایم.

8- جناب 206 شما نمی‌توانید با "کلاشی" و "پر حرفی‌هائی که مفت نمی‌ارزد" دست خود را پرتر از باستان‌پرستان شوینیست نشان دهید. اینان اگر چیزی در چنته داشتن تاکنون دودمان بنیان‌اندیشی را به باد می‌دادند و هزاران البته به امثال شما لحظه‌ای رحم نمی‌کردند کما اینکه تاکنون ضعفای‌شان به شیوه‌های متعدد ما و شما را به باد استهزاء و تمسخر گرفته‌اند و قوی‌هاشان چه جنایت‌ها که در حقمان(!) مرتکب نشده‌اند.

****

ب- دروغ‌ها و "کلاشی"های جناب 206 در یادداشت "و

پاسارگادشناسی تحریف‌شده آقای پورپیرار"

1- از مبحث آوارهای کاخ‌های جعلی کوروش سابقا کبیر آغاز می‌کنم؛ جناب 206 اگر به شما بگویم "کلاش" و "شیاد" این فقط توصیف یک ساعت از احوال و اقوال‌تان است! هر چی در دایرةالمعارف‌ها گشتم کلمات مناسبی برای توصیف احوال و اقوال‌تان نیافتم(راستی اگر هم بیابم نباید استفاده کنم، این بابا خیلی کلاشه! بعدا چماقش می‌کنه و می‌زنه توی سرمون) جناب 206 بفرمائید در شهر شما خاکبرداری از محوطه‌های تاریخی را آواربرداری می‌نامند؟! در شهر یا دهات شما به رسوبات و خاک‌هائی که به مرور زمان روی آثار تاریخی می‌نشیند، آوار می‌گویند؟! می‌شود لطف کنید و تعریف‌تان را از آوار بفرمائید تا خواننده مبنای بحث شما را متوجه شود و به خطا نرود!!!! خوب حالا متوجه شدیم خاک‌های برداشته شده از روی آثار تاریخی را آوار این آثار می‌داند؛ و بر طبق این نظریه بی‌بدیل و بسیار بدیع جناب 206 و مشاوران بی‌نظیرشان، نتیجه می‌گیریم دیوارها، ستون‌ها، سقف و بقیه اجزای کاخ‌های جعلی کوروش سابقا کبیر به مرور زمان و بر اثر عوامل محیطی فرسوده شده و به خاک تبدیل شده‌اند.

...

محمد(92).رضا(1001).نیسی(130)

جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:09 PM



...خوب حالا یک آقا خرگوش باهوشی! به ما بگه چطور عوامل مخرب طبیعی کاری با این پایه ستون‌های "خوش‌تراش"!!! و نیمه ستون‌ها و آن ستون معروف و

لانه لک‌لک‌اش! نداشته؟! چرا فقط دیوارها و سقف‌های نگون‌بخت به خاک تبدیل شده‌اند؟!
اکنون جناب 206 و مشاوران معظم بفرمایند بر اساس نظریه راهگشای تاریخی‌تان این سرستون‌های "خوش‌تراش" چگونه از دست عوامل بی‌رحم طبیعی جان سالم به در برده‌اند؟
جناب 206 بر اساس نظریه تاریخی جدیدتان ما می‌گوئیم این پایه ستون‌ها را جاعلان محترم شیکاگوئی و کمبریجی با گودبرداری از دل خاک خارج کرده و آنها برای جعل کاخ برای کوروش سابقا کبیر مورد استفاده قرار داده‌اند. بازهم جناب 206 این ما هستیم که شما را گیر آورده‌ایم...

2- در عکس صفحه 14 در محلی که کاخ P نامگذاری شده یک عارضه بسیار واضح به رنگ روشن و سایه نسبتا بلند آن دیده می‌شود و در وسط محلی که کاخ R نامگذاری شده یک عارضه با رنگ متفاوت و مقداری تیره‌تر دیده می‌شود که سایه با طول متوسط نسبت به بقیه دارد. در گوشه پائین سمت چپ محلی که کاخ S نامگذاری شده باز هم عارضه‌ای به رنگ تیره و با سایه نسبتا بلند دیده می‌شود ولی برای خط تیره بلندی که مشاهده می‌شود و جناب 206 آنرا شاهد و گواه خویش برای وجود آن ستون معروف و لانه لک‌لک معروف‌ترش قرار داده‌اند، هیچگونه عارضه‌ای دیده نمی‌شود و با فقط چند میلیمتر بالاتر یک عارضه با رنگ تیره‌تر دیده می‌شود که هیچگونه ارتباطی با این سایه ندارد.
اکنون جناب 206 بفرمایند بر اساس نظریه‌های بی‌بدیل‌شان ما حق نداریم بگوئیم جاعلان کاخ‌های

کوروش سابقا کبیر این عکس را دست‌کاری کرده‌اند؟ اگر ایشان و مشاوران‌شان متوجه این نکته نبوده‌اند پس بر چه مبنایی دیدگاه‌های خود را "تزلزل‌ناپذیر" می‌دانند!؟ البته بر اساس نظریه بی‌بدیل جدیدتان وقتی خاک‌های رسوب کرده بر آثار تاریخی، آوار است این چنین دستکاری هم چون "دلتان می‌خواهد" قابل استناد است!!!
حال اگر جناب 206 و مشاوران باهوش‌تر از خرگوش‌شان می‌گویند نه برای آن سایه مطول عارضه داریم ما هم سمعا و طاعتا می‌پذیریم، خوانندگان گرامی لطفا تمام عارضه‌ها چه جعلی و چه واقعی این تصویر را به خاطر بسپارند که در بند بعدی با آن کار داریم.
...

محمد(92).رضا(1001).نیسی(130)

جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:10 PM


...

3- به عکس اول صفحه 12 توجه کنید اگر عمارت جعلی مقبره کوروش سابقا کبیر را با یک خط فرضی به تخت سلیمان وصل کنیم کاخ جعلی S با کمی خطا روی این خط قرار می‌گیرد و کاخ جعلی دیگر با فاصله کمی بالا و پائین این خط فرضی قرار می‌گیرند. اکنون در عکس صفحه 15 که به نظر من اساسی‌ترین مبنای "تزلزل‌ناپذیری" "کلاشی"های جناب 206 است، همان خط فرضی را در نظر بگیرید در این تصویر هر3 کاخ جعلی کوروش سابقا کبیر باید مشاهده شوند. حال عکس دستکاری شده توسط جاعلان شیکاگوئی در صفحه 14 را با این عکس مقایسه کنید و خود بخوان حدیث مجمل این شیادی را!!!

جناب 206 یک جلسه فوق‌العاده اضطراری با مشاورین باهوش‌تان تشکیل دهید و بفرمائید جاعلان شیکاگوئی چگونه آن سایه‌های مطول را حواله شما کرده‌اند؟! پس آن ستون بسیار مطول با آن لانه لک‌لک معروفش در این عکس کجاست؟!!!
آن همه سایه روشن‌هائی که در عکس صفحه 14 به ما نشان دادید در این عکس کجایند؟ نکند می‌خواهید بگوئید فاصله عکاس زیاد بوده، پس چطور است که در عکس صفحه 14 که فاصله 10 برابر و شاید بیشتر باشد ولی مطول بودن "سایه‌های حواله شده" کاملا واضح است
بله جناب 206 و مشاوران اعظم! باز هم این ماهستیم که شما را گیر آورده‌ایم...

4- جناب 206 چه استدلالی برای اثبات مربوط بودن عکس‌های صفحه 17 به کاخ‌های جعلی کوروش سابقا کبیر دارید؟ نکنه باز هم می‌خواهید از کلیله و دمنه و ابن خلدون برایمان دلیل بیاورید یا از اربابان جعل شیکاگوئی؟!!

****

ج- سؤال‌هائی درباره محوطه جعلی پاسارگاد از جناب 206

1- جناب 206 و مشاوران معظم‌له! بدون در نظر گرفتن نظریه بی‌بدیل‌تان در آواربرداری! بفرمائید آوار سقف و

دیوارهای این کاخ‌های ادعائی کجاست؟
...

محمد(92).رضا(1001).نیسی(130)

جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:12 PM


...

2- این کاخ‌ها برج و بارو و یا حصار محافظ نمی‌خواسته‌اند؟ اگر نیاز داشته‌اند آثار آن کجاست؟ مگر بر اساس نظریه بی‌بدیلتان بفرمائید همان حصاری که جاعلان شیکاگوئی برای جلوگیری از ورود گوسفندان! و لو رفتن جعلیاتشان ساخته‌اند،محافظ این کاخ‌ها بوده است!!! چون اینقدر جاعلان شیکاگوئی اصطلاحا سه کرده‌اند که حتی گوسفندان هم متوجه می‌شدند اما شما و مشاوران باهوشتان هنوز متوجه نشده‌اید؟! افزایش دوز مصرف روزانه هویج فراموش نشود!

3- از فضائی که برای این کاخ‌ها جعل شده چنین برمی‌آید که در این فضا فقط خدم و حشم و خود کوروش سابقا کبیر و متعلقین‌ش می‌توانسته‌اند زندگی کنند. حالا بفرمائید پس آن سپاهیان چند هزار نفری ادعائی کجا می‌خوابیده‌اند؟ نگوئید توی بغل مامانشان! که باید مثل آن دارو دسته شارلاتان کلی به شما خواهیم خندید

4- غذا و سایر نیازمندی‌های کوروش سابقا کبیر و همراهانش چگونه و توسط چه کسانی تأمین می‌شده؟ این کسان در کجا ساکن بوده‌اند؟ آثار مسکن آنها کجاست؟ نکند می‌خواهید بفرمائید برای اولین بار در تاریخ، دارودسته کوروش سابقا کبیربه کمک شعب

ایرانی-باستانی دانشگاه‌های شیکاگو و کمبریج با استفاده از علم ژنتیک کشاورزی می‌کردند و محصولات خود را با تراکتور و کمباین برداشت می‌کردند؟!!

****

د- شکستن ستون فقرات یادداشت "پورپیرار، طوفان نوح و اختفای آیات قرآن"

جناب 206 و مشاورین محترم در ابتدا بر خود لازم می‌دانم که از بررسی‌های کامل آیات قرآن برای تأکیدی مجدد بر جهانی نبودن طوفان نوح تشکر کنم و بعد از آن به بررسی ستون فقرات مبحث طوفان نوح‌تان می‌پردازم.

جناب 206 باز هم که در این یادداشت به ارائه تفسیرهای جالب حوزه زبان‌شناسی پرداخته‌اید. شما که اینقدر به زبان عربی مسلطید و به دنبال هویت‌طلبی هستید چرا به مقابله با جریانی که الفبای لاتین را به ملت ترک قالب کردند نیستید؟ در اینباره جلوتر بیشتر خواهم گفت...

زبان عربی به دلیل توانمندی بی‌نظیرش (تقریبا می‌توان گفت) برای هر مفهوم یک کلمه مستقل دارد و این به دلیل تکامل این زبان در طول حیات بشر است. یعنی اینکه (بر خلاف زبان‌های دیگر) اگر کسی متنی از قرآن را دستکاری کند و با کلمات مشابه جایگزین کند حتما مفهوم تغییر خواهد کرد و بلعکس نمی‌توان از یک کلمه

به دلیل معنای یونیک مفهوم مشابه دیگری برداشت کرد. این به غیر از ارتباط بی‌بدیل کلام عرب با اعداد و ریاضیات است.
...

محمد(92).رضا(1001).نیسی(130)

جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:13 PM



...

اکنون آیه 69 سوره اعراف که بنا به گفته جناب 206 مبنای بحث ایشان است، را در صفحه 8 در نظر می‌گیریم: از "إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوح " همانگونه که سرکار خانم حاجی‌زاده به درستی اشاره کردند و من با قاطعیت تمام می‌گویم امکان برداشت جانشینی مکانی وجود ندارد و کلمه "خلفاء" همانگونه که در بخش بعدی آیه آمده به نوع خاصی از جانشینی اشاره دارد که متضمن یک مفهوم معنویست نه یک مفهوم فیزیکی.

در فارسی کلمه جانشین در جاهای مختلف و با مفهوم مختلف جایگزینی قابل استفاده است ولی در عربی بدین شکل نیست و معمولا برای این نوع مفهوم جانشینی که جناب 206 بکار برده‌اند، از کلمه "بدیل" استفاده می‌گردد.

اکنون به "وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلاءَ اللَّهِ " توجه کنید؛ بله اینجاست که بر خواننده غیرعرب مشخص می‌شود که "خلفاء" نوعی جانشینی با مفهومی فیزیکی نیست که خداوند به قوم عاد می‌گوید آن جایگاه و نعمات و مواهب ویژه‌ای که به آنها داده و

قبل از آنها به قوم نوح نیزداده را به یاد آورند و بدانند که این مواهب اعطائی خاص باعث نجات قوم نوح نشد.

حال جناب 206 و مشاوران اعظم بفرمایند واقعا به دلیل خواندن ترجمه آیات چنین خطای فاحشی مرتکب شده‌اند یا اینکه در راستای کلاشی‌هایشان دست به تفسیرهائی در حوزه زبان‌شناسی زده‌اند!
جناب 206 بر اساس این نظرتان؛ امام علی که بعد از جانشین خلفای راشدین مرکز حکومت را به کوفه انتقال داد، از خلافت مسلمین ساقط شده چون اصل "خلفاء" بودن از دید شما را رعایت نکرده و در جای قبلی باقی نمانده است!!!
جناب 206 با این استدلال‌ها حداقل نمی‌توانی کلاشی‌هایت را به کسی که عربی را بلد است قالب کنید.
و باز هم لازم است بگویم جناب 206 و مشاورین معظم این ما هستیم که شما را گیر آورده‌ایم...
...

محمد(92).رضا(1001).نیسی(130)
جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:14 PM


...
****

ه- سؤالاتی درباره مکان و نحوه وقوع طوفان از منظر جناب 206

1- جناب 206 و مشاوران باهوش‌شان در این یادداشت "مریدان" خود را مجددا از نظریه‌های جدید بی‌بهره

نگذاشته‌اند و می‌فرمایند برای یافتن مکان طوفان نوح به دنبال یک دره و یا یک جای ریگزار که باقیمانده یک سیل بوده، باشیم. خوب اگر چنین باشد سیل که دیگر کوه‌ها را نمی‌پوشاند و قوم نوح که بر فراز بلندترین کوه رقته بودند نجات می‌یافتند و تمسخرهایشان به پیامبر خدا برای ساخت کشتی در بیابان هم درست از آب درمی‌آمد.
جناب 206 تصور کرده‌اید حکمت خداوند همانند حکمت خیالی فردوسی است که غرب جغرافیائی را به شرق منتقل می‌کند؟!
جناب 206 و مشاوران نظریه‌پرداز اگر حکمت خداوند مانند حکمت بی‌بدیل شما باشد که برای مقابله با سیل در یک مسیل ریگزار به پیامبر خود بگوید کشتی بسازد که باید حال و روز جهان مانند حال و روز "سرخورده و درمانده" جناب اتفاق باشد!
"یک خبر: خبردار شده‌ام خیلی‌ها با دریغ پول از جیب شخصی " به خرید قایق نجات روی آورده‌اند چرا که دانشمندان به دنبال ارائه نظریه جدید جناب 206 از نقصان روش‌های ارئه شده برای مقابله با سیل "سرخورده و درمانده" شده‌اند و توصیه کرده‌اند برای مقابله با سیل مردم در خانه‌های خود قایق نجات داشته باشند!!!

2-جناب 206 در صفحه 16گفته‌اید طغیان رود می‌تواند تا کیلومترها را زیر آب ببرد؛ آیا آماری از طغیان‌های رود اردن دارید که چنین اتفاقی و یا در مقایس کمتر رخداده باشد؟
اگر چنین باشد که نباید اکنون منطقه اطراف رود اردن

بیشترین تراکم جمعیتی را در جهان داشته باشد. می‌دانید که این منطقه و به ویژه قلسطین با تراکم 15 نفر در کیلومتر مربع رتبه اول را دارند در حالیکه چین 9 نفر در کیلومتر مربع است.

3- باز در همین صفحه می‌فرمائید هرگونه تلاطم در دریای سرخ و خلیج عقبه تا کیلومترها را زیر آب می‌برد. خوب در این صورت خداوند چه نیازی داشته بارن بباراند؟ با یک زلزله مانند آنچه در آسیای جنوب شرقی رخ داد یک سونامی عظیم قوم نوح را هلاک می‌کرد ...

محمد(92).رضا(1001).نیسی(130)

جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:16 PM



...

4- جناب 206 و مشاوران معظم اگر مصرف هویج‌تان را افزایش می‌دادید پس از بررسی‌های دقیق درمی‌یافتید که نقطه‌ای که در حوالی رود اردن امکان جمع شدن آب وجود دارد، بحر المیت است که امروزه به دلیل کاهش ورود آب، سطح آب آن حدودا 400 متر پائین‌تر از آب‌های آزاد است و تاکنون با توجه به جغرافیای و اقلیم آن هیچگونه نشانه‌ای از زندگی بشری در آن مشاهده نشده و فقط عده‌ای برای تفریح بدانجا می‌روند. شاید در اینجا بخواهید نظریه بدیع دیگری برای "مریدان"تان ارائه دهید که نخیر قوم نوح در همینجا زندگی می‌کرده‌اند، در این صورت بلندی اطراف آنها را از غرق شدن حمایت می‌کردند.

5- جناب 206 نمی‌توانید با گفتن "الله أعلم" خود را از

آوردن دلیل برای نظریات‌تان بی‌نیاز کنید و کلاشی‌های‌تان را به خوانندگان و "مریدان" عقل‌باخته‌تان قالب کنید و باز این ما هستیم که شما را گیر آورده‌ایم...

****

و- درباره عوارض باقیمانده از طوفان نوح

اخیرا در بازگشت از یک سفر به استانبول ترکیه در فرودگاه صبیحه از مسؤل کنترل بلیط جائی در کنار پنجره هواپیما را برای بررسی اثرات طوفان تقاضا کردم. تا حدودا 10 دقیقه پس از پرواز زمین سرسبز و متأثر از آب و هوای ساحلی بود و خانه‌ها با سقف شیروانی قرمز یا نارنجی رنگ دیده می‌شدند و 2-3 شهر متوسط و نسبتا بزرگ را دیدم.

پس از این مدت به تدریج از سرسبزی کاسته و بر بلندی ارتفاعات افزوده شد و بعد از مدتی به سرزمین‌هائی با ارتفاعات کمتر و فاقد گرده تیز و تقریبا به شکل گنبدی رسیدیم. در سمت چپ(جهت شمال) هواپیما در فاصله‌ای دورتر کوه‌های مرتفع با پوشش پراکنده‌ای از برف مشاهده می‌شد که تا نزدیکی دریاچه ارومیه ادامه داشتند. در سمت راست(جهت جنوب) هم در افق دور دست ارتفاعات بلندی بدون جزئیات قابل رؤیت بودند.

...

محمد(92).رضا(1001).نیسی(130)

جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:17 PM


...

پس از آن 2-3 شهری که در ابتدای مسیر دیدم تا دریاچه وان که 1:20 حدودا گذشت هیچگونه تجمع مسکونی که بتوان نام شهر کوچک را بر آن نهاد مشاهده نکردم و فقط یک سری تجمع‌های بسیار کوچک که با راه‌هائی به رنگ تقریبا زرد روشن به هم وصل بودند قابل رؤیت بود که این رنگ حاکی از خاکی بودن راه‌هاست و 3 یا 4 جاده با رنگ تیره بود که معلوم بود راه آسفالته است و تردد در آن هم بسیار کم مشاهده گردید.

در عوض آن دریاچه‌های متعدد و در اندازه‌های مختلف را می‌توان دید که به جز دو دریاچه بسیار عظیم مربوط به سدهای ساخته دست بشر، به هیچکدام آنها رودخانه‌ای وصل نبود. انصافا دریاچه‌های سد دز و کارون خودمان که آنها را دیده‌ام در مقابل دریاچه‌های این دو سد که مربوط به دجله و فرات بودند، به مانند رودخانه‌ای می‌مانند و طی کردن یکی از آنها از ابتدا تا انتها با هواپیما بیش از 10 دقیقه زمان برد.

نکته جالب دیگری که جلب توجه می‌کرد رودخانه‌ها و نهرهای متعدد بود. با اینکه از دیرباز حاشیه رودخانه‌ها مهد تمدن‌های کهن بوده ولی در حاشیه هیچکدام از آنها و نه دجله و نه فرات برای دلخوشی نمی‌توانستید یک تجمع قابل اعتنای بشری را ببینید. توسعه نیافتگی جاده‌ها هم یکی دیگر از نکات جالب توجه این نواحی بود که به تبع عدم وجود شهر نیزچندان توسعه نیافته

بودند.

خلاصه بعد از 1ساعت و 20 دقیقه اولین شهر نسبتا بزرگی را که مشاهده کردم در حاشیه دریاچه وان بود و پس از 5 دقیقه به ارومیه و دریاچه آن رسیدیم و اینجا بود که چشم ما به یک شهر بزرگ با بافت شهری معین خورد.

حال جناب 206 اگر فرض کنیم طوفان نوح در ترکیه نبوده، آیا این فرض باعث تغییر واقعیت موجود روی زمین می‌شود؟ عدم وقوع طوفان نوح در ترکیه آیا برای اثبات هویت شما مؤثر است؟ آیا پذیرش این "کلاشی" شما شهر و جاده و تمدن برای مرکز ترکیه ایجاد می‌کند؟ یا این کلاشی‌ها برای‌تان "مریدان" با "سادگی" مورد انتظارتان به همراه می‌آورد؟

به نظر من بهتر است جناب 206 و مشاوران‌شان علاوه بر افزایش مصرف هویج‌شان یک سفر هوائی به استانبول و اردن داشته باشند تا بتوانند نظریه‌های بدیع‌تری ارائه دهند و "مریدان" بیشتری را جمع‌آوری کرده و کم‌کم از خط سومی "سرخورده و درمانده" بودن به در آیند.
...

محمد(92).رضا(1001).نیسی(130)
جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:22 PM


...
****

ز- بحث هویت‌طلبی عزیزان و سروران ترک

جناب 206 بهتر نیست شما برای هویت‌طلبی ملت شریف ترک به تبیین کارهای مزدوری به نام آتاتورک بپردازید که چگونه ترکیه را به سدی مقابل اسلام تبدیل کرد، خیانت این مزدور همه جانبه در تغییر الفبای مردم ترک و قالب کردن الفبای لاتین را تشریح کنید.

بهتر نیست زوایای پنهان تبدیل ترکیه و مردم شریف ترک به نگهبانانی بی‌جیره و مواجب برای سرزمین جیره‌دهندگان آتاتورک را برای همگان بازگو کنید؟ ارجاع‌تان می‌دهم به سخنان اخیر جناب دیوید کامرون که گفته بود ما چگونه ترکیه را که سال‌ها نگهبان ما بود را به اتحادیه اروپا راه ندهیم!!(نقل به مضمون)

بر ملت شریف ترک مبارک باد! که تاکنون نگهبان مرزها بوده و الان هم با خروارها منت قرار است به نگهبانی در داخل مرزها بپردازد!

زوایای پنهان ائتلاف آتاتورک و رضاخان مزدورتر از او را روشن کنید. پیمان ائتلاف ایران، اسرائیل و ترکیه را برای مقابله با اسلام روشن کنید.

البته من به شما بگویم این ارجیف نخست وزیر "مادر همه عروس‌ها" نشان از درماندگی و استیصال آنان در مقابل موج اسلام است و الان مجبورند امتیاز بدهند و عقب‌نشینی تاکتیکی کنند.
...

محمد(92).رضا(1001).نیسی(130)

جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:23 PM



...

****

ح – در پایان

جناب 206 و مشاوران معظم با توجه به نبوغ و استعداد بی‌نظیرتان در خنداندن بقیه، سیرک بسیار موفقی سراغ دارم که می‌توانید نبوغ و نظریه‌های بی‌بدیل‌تان را تا حد اعلا در آنجا عرضه کنید. در صورت موافقت با عنایت روابط حسنه‌ای که با آن شارلاتان دروغگوی "کلاش" همچون شما، دارم سفارش‌تان را به آنها خواهم کرد که هم شما به "مریدان"ی همانند بز أخوش دست یابید و هم باعث تفرج خاطر ملت را فراهم کنید و خلاصه هم حض دنیا را برده‌اید و هم عاقبت به خیر خواهید شد!

در پایان همه کسانی‌که ممکن است تحت تأثیر کلاشی‌ها، شارلاتان‌بازی‌ها و دروغ‌پردازی‌های جناب 206 و مشاوران باهوشش قرار گرفته باشند، بدانید و آگاه باشید نور حقیقتی که جناب پورپیرار کبیر تابانده تمام خفاشان و اربابان جعل تاریخ را چنان کور کرده که چاره‌ای جز عقب‌نشینی و هذیان‌گوئی برایشان باقی نمانده است. تنها راه نجات از این ظلمات پیوستن و یا ماندن در مسیر بنیان‌اندیشی نوینی است که همه بشریت مدیون استاد عزیز خواهد بود.
تا سعادتی باشد و درک کنند... ان شاءالله

مووِمان

جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 9:34 PM

با سلام و خسته نباشید خدمت استاد پورپیرار و استاد غفوری.

مستند بی نظیر «زخم نشر» را به همراه پدر و مادرم تماشا کردیم. از آنجا که پدرم خودش نویسندگی می کند و خانه ی ما پر از کتابهای گوناگون است، موضوع کاملا ملموس و دردناک بود. تبریکات فراوان مرا به مناسبت این مستند پذیرا باشید.
آیتمهای عنوان شده در فیلم کاملا گویا هستند و در مجموع، روند طرح مطلب، مصاحبه ها و حواشی به دقت تنظیم شده اند. تنها موردی که مرا اندکی آزار داد عبارت بود از بعضی از سخنان کلیشه ای که آقای دکتر طرفداری و دانشجوی فرش شناسی به صورت مطول ابراز می کردند. می شد که آنها را کوتاهتر کرد.
آرزو می کنم که همگی در پناه خداوند متعال باشید و این فیلم نقطه ی عطفی در حیات فرهنگی این مملکت باشد.

حاجی زاده

جمعه 8 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:10 PM

یکی از دوستان در خصوص کامنت من مطلبی را بصورت ایمیل فرستاده اند که آنرا همرا با جوابی که برای ایشان نوشته ام به اینجا منتقل میکنم، شاید برخی دریافتهای اشتباه تصحیح شود.
***
سلام

با این اوصاف اگه حساب کنیم همه ی رسولا می شن خاورمیانه ای
اما اسم و داستان خیلی از رسولا گفته نشده
در واقع هرچه اسم رسولی و داستانش برای مردمی که قرآن براشون اومده معروف تر و آشناتر بوده ازش بیشتر حرف زده شده ولی در مورد بقیه رسولا که برای بقیه نقاط دنیا بودن اشاره شده یا اصلا حرفی زده نشده. اگه بگیم قوم نوح تنها اجتماع انسانی بعد از آدم بودن چون آدمی توی هزاره های پیش قدرت مهاجرت های قاره ای رو نداشته و داریم که عاد و ثمود و ابراهیم و موسی و یعقوب و داوود و عیسی و محمد هم امتداد اون هاست معنی اش این می شه که تا ۱۴۰۰ سال پیش آدمی زاد فقط تو خاورمیانه بوده که خب درست نیست. از نظر ژنتیکی تفاوت های بنیادینی بین آدما هست
از این رسولا ما بیشتر اطلاعات داریم و توی قرآن اومدن چون برای مردم اون خطه (شمال عربستان) آشنا بودن.
خود محمد هم اهل شمال عربستانه نه اونطور که می گن مکه (این بحث بمونه برای بعد)
حرف ۲۰۶ هم البته درست نیست که می گه حتما باید این تجمعات نوح و عاد و ثمود یک جا و توی یه سرزمین بوده باشن هرچند نمی تونن خیلی از همدیگه دور بوده باشن. اگه طوفان توی ترکیه بوده باشه نجات یافته ها می تونن توی عراق شمال عربستان یا حتی ایران تجمع کرده باشن
***
پاسخی که در جواب ایشان ارسال شد:
اولا با احتساب حرفای ۲۰۶ همه رسولا میشن

حجازی!!؟
ثانیا موضوع بحث ما آیاتی هستن که باید تکلیفمون رو باهاشون روشن کنیم. آیاتی که هیچ قومی کهن تر از قوم نوح رو معرفی نمیکنه، آیاتی که میگه ایها الناس شما از نسل کسانی هستین که سوار کشتی بودن و...آیاتی که میگه عاد و ثمود (با عیسی و موسی و یعقوب و داود و.. کاری ندارم) جانشین قوم نوح شدن و ما باید بدونیم نحوه این جانشینی چطور بوده؟ ضمنا من کجای نوشته ام ادعا کردم که همه پیامبرا تو خاورمیانه بودن!!؟
من اینو نوشتم ((جانشینی مورد نظر، خلافت در کره زمین است که ممکن است در هر نقطه ای از آن باشد)) بهتره نگاهی به آیه ۷۳ سوره یونس هم بندازین.
ضمنا لطفا آدرس اون آیه ای که میگه از روایت داستان خیلی از پیامبرا صرف نظر شده رو بدین، هر چند که من کاری به بقیه پیامبرا نداشتم و فقط گفتم نوح مقدم بر بقیه بوده چه اونا که روایتشون هست و چه اونا که نیست.

یه مطلب دیگه هم اینه که ممکنه یه دستکاریهایی در ژنوم انسان شده باشه، منظورم اینه که بعضیا حاصل علم ژنتیک هستن، مهمترین گواه این علم ژنتیک مترقی هم عیسی هستش. شاید تفاوت های اساسی ژنتیکی(!) بین انسانها هم همین باشه.

منصور

شنبه 9 مرداد ماه سال 1389 ساعت 00:09 AM

سلام استاد گرنقدر و دوستان بزرگوار
دوستان اگر امکان دارد و ارزش خواندن و پاسخ گویی دارد لطف کنید و این مطلب ۲۰۶ را برای بنده ایمیل کنید.
تا پاسخ های مطول شما به ایشان برایم قابل فهم تر شود.

عابدی

شنبه 9 مرداد ماه سال 1389 ساعت 01:30 AM

سلام استاد غفوری عزیز

این هم تصویری که می خواستید :

http://www.www.naria.ir/uploads/Image/Pict0211.JPG

محمد

شنبه 9 مرداد ماه سال 1389 ساعت 07:49 AM

جناب موومان. این صحبتهای مطول و کلیشه ای در نسخه نهایی فیلم زخم نشر حذف شده اند. بهتر به جای آن نسخه قبلی، ورژن نهایی آنرا مشاهده بفرمایید.

abbas

شنبه 9 مرداد ماه سال 1389 ساعت 08:45 AM

http://hcl.harvard.edu/research/guides/courses/2008fall/Lit163

abbas

شنبه 9 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:28 AM

http://www.fas.harvard.edu/~iranian/Manicheism/Manicheism_I_Intro.pdf

معتصم بالله

شنبه 9 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:12 AM

برادر گرامی سید پورپیرار،
سلام علیکم

به پیشنهاد یکی از دوستان کتاب اسلام و شمشیر شما را که به صورت الکترونیکی ارسال شده بود مطالعه کردم و چند نکته را جهت وظیفه شرعی به همراه تشکری در پایان به شما اطلاع میدهم:

اول اینکه از کم لطفی شما نسبت به مقام شاخص پیامبر عظیم الشان اسلام محمد (ص) بسیار متاسف و شرمسار شدم. به راستی در پس آن چهره امی که در قرآن کریم از ایشان توصیف شده چرا بر آن سعه صدر و استعداد ایشان در حفظ وحی نیز که در قرآن منعکس است و در "وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيل..." و آیاتی اینچنین دیده میشود، اشاره ای نکردید و چرا هیچ نام و نشانی از یک صلوات خشک و خالی بر محمد و آل ابراهیم دیده نمی شود؟ به راستی دور نگفته ایم اگر ادعا کنیم که شما هم با اگر نه شمشیر، بل با خشونت به جنگ معاندان اسلام رفتید: عبوس و زمخت حتی نسبت به شخص پیامبر درست به مثال یک بنیان اندیش، نه قرآن اندیش. به همان ترتیب باید به

جنابعالی در ایجاد شبه علم جدید لحن شناسی قرآن کریم تذکر نیز بدهیم. به راستی شما از کجا و با چه اشرافی مجموعه آیاتی را لحن بندی میکنید و برای خواننده تان این چنین بدون ترس از آخرت، خط عتاب و رحمت به این و آن میکشید و بعد مصرانه با کمک این لحن بندی ها گروه عظیمی از آیات رحمت را که نسبت به همان قوم و گروهی که شما از آن انتقاد کردید(یهود)، نادیده میگیرید؟ آیا بهنگام نزول آیات توسط فرشته امین، لحن آیات را ثبت کرده بودید؟ چرا حداقل به خواننده بارها گوشزد نمی کنید که اینها برداشتهای شخص شماست و نه قرآن کریم؟

کتاب ارزشمند معجم الفاظ القرآن الکریم به چاپ سنه 1409 هجری در مصر، ذیل بند (ه-و-د) صفحه 1154 تمامی آیاتی را که شما در اسلام و شمشیر لیست کرده اید، بر شمرده است و معنی هادوا را --دانوا بالیهودیه-- آورده است. شما حدس و گمانهایتان که بر پایه لحن شناسی است را چگونه با معنی آن لغت توضیح میکنید؟

بیش از نصف آخر ادله های کتاب شما و یادداشتهایتان در رد حدیث در آیه مبارک فبای حدیث بعد الله وآیاته یومنون به تفصیل و به اعجاز آمده است. چرا خوانندگان را مجبور به خواندن چیزهائی میکنید که دلیل بهتر و مفصل تری از آن در قرآن کریم از قبل آمده است؟ چرا ماز سازی و بعد برای صحت سلامت از شاخ و برگ آن سم پاشی میکنید؟

مطالب بسیار است. در پایان باید تشکری هم بواسطه حرکتی که در نوشتن اسلام و شمشیر انجام دادید، بنمایم هر چند اشکالاتش بیشتر از منفعت هایش می نماید.

و الی الله عاقبت الامور.

پاسخ:

آقای معتصم بالله. سلام.تا پرخاش به خداوند که چرا چنین آیاتی را در باب پیامبر نازل کرده، فاصله اندکی دارید. شاید هم وجود این گونه آیات را انکار می کنید! ادعای نادرست زیر از جانب شما "گروه عظیمی از آیات رحمت را که نسبت به همان قوم و گروهی که شما از آن انتقاد کردید(یهود)، نادیده میگیرید»؟ حرارت شک را در آدمی بالا می برد و مشتاق می کند که آیه ای از میان این گروه عظیم را به تشخیص و انتخاب شما بشنود.

بی نام

شنبه 9 مرداد ماه سال 1389 ساعت 1:57 PM



جناب منصور با سلام
بنده از نوشته به قول شما مطول دوستان عزیز جناب نیسی.جناب استادغفوری.جناب توحید وخواهر گرامی خانم حاجی زاده به جهت بروز حمیت وجانبداری از حقیقت ودانیيهای دریافتی سپاسگزارم ومطمئنم که دیگر دوستان نیز چنین اند.
بی شک شما نیز مانند دیگر بنیان اندیشان از شب نامه پراکنی های جبینانه نیز به جوش جواب در امده اید که تقاضای دریفت مطالب آقای ۲۰۶ را نموده اید ولی خوب است ضمن ترغیب و اگر مایل بودی تحسین دوستان

زحمت کش ما طئنه مطول نویسی را نثار کسی بفرمایید که به قول جناب آقای نیسی عزیز برای هر پاراگراف چند صفحه قلم فرسایی کرده.
البته تذکری برادرانه است و توقع جواب و ادامه بحث را ندارم.

محمد رضا

شنبه 9 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:36 PM

جناب moومان بنده نسخه ای ابتدایی مستند و نسخه دوم را که صحبت های جناب دکتر طرفداری در آن نبود بررسی کردم . به اعتقاد بنده شما به عمق صحبت های ایشان پی نبرده اید باید عرض کرد که ایشان مسائلی را هدف قرار داده اند که مدت هاست روشنفکری ما از آن غافل بوده . در هر صورت احساس میکنم ایشان به بنیان قضایا بسیار اشراف دارند . نمی دانم دلایل حذف این قسمت ها چه بوده ولی امیدوارم آقای غفوری دلیل خوبی برای آن بتوانند ارائه دهند چون به اعتقاد بنده کار اشتباهی بوده .چند تن از دوستان هم که مستند را دیده بودند همین اعتقاد را داشتند . همچنین صحبت های آن جوان دانشجو نیز در جای خود بسیار قابل اهمیت است و نوع بیان ایشان بسیار جالب .

حاجی زاده

شنبه 9 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:59 PM

سلام
آیه مورد نظر دوست گرامی مان در خصوص عدم روایت همه داستانهای پیامبران به قرار زیر است:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِکَ مِنْهُم مَّن قَصَصْنَا عَلَیْکَ وَمِنْهُم مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَیْکَ وَمَا کَانَ لِرَسُولٍ أَنْ یَأْتِیَ بِآیَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاء أَمْرُ اللَّهِ قُضِیَ بِالْحَقّ وَخَسِرَ هُنَالِکَ الْمُبْطِلُونَ (غافر۷۸)

و مسلما پیش از تو فرستادگانی را روانه کردیم برخی از آنان را [ماجرایشان را] بر تو حکایت کرده‌ایم و برخی از ایشان را بر تو حکایت نکرده‌ایم و هیچ فرستاده‌ای را نرسد که بی‌اجازه خدا نشانه‌ای بیاورد پس چون فرمان خدا برسد به حق داوری می‌شود و آنجاست که باطل‌کاران زیان می‌کنند.

باری به دو آیه زیر توجه کنید

إِنَّا أَوْحَیْنَا إِلَیْکَ کَمَا أَوْحَیْنَا إِلَى نُوح وَالنَّبِیّینَ مِن بَعْدِهِ ...

همانا وحی کردیم به تو همانند نوح و پیامبران *بعد او*...

همانگونه که مشاهده میکنید تاکید خداوند بر بعد نوح است و اشاره ای به قبل از او نیست، بنابراین نتیجه حاصله عبارت از این میشود که گشایش باب وحی با نوح بوده و نوح اولین انسان زمینی است که بر او وحی نازل گشته.

تذکر یک نکته ضروری است که گفتگوی* آدم* با خالق نمی تواند در قالب وحی بگنجد چرا که در عالم و مکان و زمان متفاوتی صورت گرفته و کلا از بررسی آیات مرتبط در سوره بقره چنین بنظر می رسد که *آدم* صرفا به معنای یک مخلوق هوشمند ساکن کره ارض نیست، بلکه حامل مفهومی عمیقتر است.

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِن بَعْدِهِمْ...
پیش از اینان هم تکذیب کردند قوم نوح و اقوام *بعد ایشان*...(غافر 5)
این آیه سند دیگری است برای اثبات این مدعا که برای نخستین بار در میان قوم نوح زمینه های طرح تفکر توحیدی مهیا گشته است.
به آیه اول بر میگردیم، مشخص است که همه آن پیامبرانی که ذکرشان در قرآن نیامده مربوط به دورانهایی پس از نوح و قومش هستند.
یک بار دیگر برخی آیات را مرور میکنیم:
أُوْلَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَ""مِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ"" وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَن خَرُّوا سُجَّدًا
وَبُكِيًّا
ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ وَقَالَ نُوحٌ رَّبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا

64325

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya | 10

ایران شناسی بدون دروغ، ۲۷۴، نتیجه ۸۲، نقشه شیراز

شنبه 9 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:03 PM

آقای آرش عمای.

آدرس وبلاگ را غلط نصب کرده اید است narya غلط است و صحیح آن naria

معتصم بالله

شنبه 9 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:58 PM

سلام علیکم سید پورپیرار،

این هم چند آیه ای که در خاطر هست که خدمتان تقدیم میکنم، ان شاءالله شما تعداد بیشتری از آنها را هم خواهید یافت:
وَمِن قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ
فَآمَنَت طَّائِفَةٌ مِّن بَنِى إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَت طَّائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا
الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ

اما بعد...

فرصتم دهید تا مدعی شوم که مشکل اصلی کتاب اسلام و شمشیر نادیده انگاری پیش فرضهای مهمی است که با دقت در آیات قرآن بطور واضح شکوفائی دارند. بسم الله:

برادر گرامی سید پورپیرار، انصاف نبود که قالب قوم و ذریت بودن کلمه بنی اسرائیل را از قلم انداختید تا خوانندگان موکدا بدانند کلمه بنی اسرائیل رجوع عام به ذریهٔ یعقوب است و نه متدینین به تورات. قرآن کریم نقشه ای بزرگتر از آنچه در قبل تصور میکردیم را برایمان فراهم نموده است و در قله بلاغت درجائی که منظور "ایمان" پیروان اهل تورات (و نه فقط بنی اسرائیل) مد نظر بوده، از ریشه (ه – و – د) یعنی لغات (هادوا و هودا) مقصود را منعکس می نماید. اما چه زیباست هشدار الله (س.ت) به مسلمانان آینده که از مسیر همین "والذین هادوا و کانوا هودا" گذشته است که مبادا ما هم گرفتار همان بلای آمده بر (هادوا و هودا) شویم که شدیم!! حتما مستحضرید که اسرائیلییونی که پیرو تورات بودند (هادوا و هودا) پس از مدت کوتاهی طائفه طائفه و مذهب مذهب شدند و از میان این طائفه، طائفه ای بخود نام (یهود) را گرفت که چنانچه قرآن کریم نیز تاکید فرموده است، آنها بلا شک، مشرک بودند. جالب اینجاست که اگر به یک فرهنگ لغهٔ عبری مراجعه کنید با کمال تعجب این تعبیر را مشاهده خواهید نمود و مطمئنا وقتی بیشتر متعجب خواهید شد که اسرائیلییون معتقد به تورات خود به هلنی بودن و خارج شدن طائفه ای از خودشان به نام (یهود) اعتراف

کرده اند!

יְהוּדָה
de-Judaized (Hellenized) to 'Judah' ;′Yəhud•âh
...refer to all three Hellenizedcorruptions: Judah, .Judea and Jew

و آخر این عدم دقت شما مرا متعجب کرده است: قرآن کریم اسرائیل را فردی "سر خود" معرفی نفرموده است. متعجبم چطور بدون توجه به قید (من قبل ان تنزل التورات) در حالیکه تورات هنوز نازل نشده است و هیچ حرجی بر کسی از پیروان نیست، فردی موسوم به اسرائیل را تصویر کرده اید که "ضابطه نشناسی خود سر" بوده است؟! آیا مصداق بدون حکم بودن خمر و قمار قبل از نزول قرآن کریم در زمان پیامبر را فراموش کرده بودید؟ حق بود که به بررسی "اولئک الذین انعم الله علیهم" در مبتدا می پرداختید تا مشخص شود که آن پیامبری که در زمره افراد خاضع و گریان و سجده کنان آمده است، همان کسی است که کار ناشایستی در حرام و حلال سازی از او سر نزده است و او کسی بغیر از یعقوب نبی نیست.

بدین ترتیب مدعی هستم که کتاب اسلام و شمشیر فی الواقع پیش فرضهای نادرستی را در مقدمات اتخاذ کرده است.

و الی الله عاقبت الامور.

پاسخ:
آقای معتصم بالله. گرچه بخش هایی از کامنت ارسالی شما چندان قابل فهم نبود، اما در آن چندان بی خبری خواندم و سعی شما برای اتصال یعقوب و به طور کلی ذریه ی ابراهیم به بنی اسراییل به میزانی خلاف تاکیدات قرآنی بود که به نظرم آمد توصیه کنم قرآن را با دقت بیش تری بخوانید و یکی دو بار دیگر هم یادداشت های اسلام و شمشیر را و اگر حوصله نمی کنید به این چند آیه زیر رجوع کنید.

بقره ۱۳۳
بقره ۱۳۵
بقره ۱۴۰
آل عمران ۶۵
آل عمران ۶۷
نساء ۱۶۳
ص ۴۵
و.......

و اگر باز هم مدعی شدید که یعقوب از پیامبران بنی اسراییل بود احتمالا منزل شما به یکی از کنیسه های تهران کاملا نزدیک است و به صدای موعظه های خاخام به طور ناخواسته زیاد گوش می دهید!
در آیاتی که ارسال کرده بودید یادآوری خداوند به ملاحظات عدیده در باب قوم بنی اسراییل برای نمایش نمک ناشناسی و خلف وعده بنی اسراییل است که سرانجام نیز به شرک آشکار آنان انجامید و لایق این شدند که از جانب خدا نجس خوانده شوند و مجبور به پرداخت جزیه باشند.

مجتبی غفوری

یکشنبه 10 مرداد ماه سال 1389 ساعت 00:03 AM

روز دوم!

یکشنبه 10 مرداد ماه سال 1389 ساعت 01:55 AM

سلام

خانم حاجی زاده شما رسول و نبی را یکسان در نظر گرفته اید درحالی که با هم تفاوت هایی دارند. بله، نوح اولین نبی بعد از آدم است اما اولین رسول بعد از او نیست.
برای همین قوم نوح قبل از او رسولان دیگری فرستاده شده اند:

وَقَوْمَ نُوح لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاس آيَةً ۖ [۲۵:۳۷]
قوم نوح را هنگامی که رسولان را تکذیب کردند غرق نمودیم، و آنان را درس عبرتی برای مردم قرار دادیم.
كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوح الْمُرْسَلِينَ [۲۶:۱۰۵]
قوم نوح رسولان را تکذیب کردند.

در نتیجه نمی توان گفت بطور حتم قوم نوح اولین تجمع انسانی بعد از آدم بوده اند (امکان دارد تجمع های دیگری در اقصا نقاط دنیا بوده و رسولانی هم برایشان فرستاده شده باشد). اما می توان تا حدودی مطمئن بود قوم نوح اولین کلونی انسانی است که یک نبی را در جمع خود می یابد.

abbas

یکشنبه 10 مرداد ماه سال 1389 ساعت 02:55 AM

http://www.america.gov/st/educ-english/2010/April/20100428160831cjnorab0.1450419.html

abbas

یکشنبه 10 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:47 AM

Studiesin Judeo-Persian literature

مهران حقیقت

یکشنبه 10 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:34 AM

http://www.u313.blogfa.com/post-141.aspx
http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=111487
تقیه و عملکرد پیچیده برای حفظ جان شعیب!

انشاالله در طی روزهای آینده و طی اثبات شعیب بن صالح بودن دکتر ، دلیل دیگری هم برای درک رفتار مبهم دکتر ذکر خواهد شد و آن ایجاد شک و دودلی در دشمنان و حتی دوستان و ایجاد نوعی حصار امنیتی توسط دکتر برای مصون ماندن از خطرات حضور آزاد در میان مردم و حفاظت جانی شعیب بن صالح است.

یعنی کاملاً آشکار است که دشمن اگر یقین کند که دکتر همان شخصیت مهم زمان ظهور یعنی طلایه دار لشگر امام زمان(عج) است ، قطعاً به هر قیمتی درصدد حذف او برمی آید و دکتر نیز نمی تواند آزادانه به ایفای نقش خود و حضور آزاد در میان مردم که لازمه ادامه روند تغییرات است ، بپردازد ، همانگونه که بنا بر فرمایش محققین خود نام شعیب به صالح مستعار بوده و با رمز بیان شده است تا شعیب بتواند به دور از خطرات جانی

به ایفای نقش خود بپردازد و البته با این تحلیل ، عملکرد مبهم و پیچیده دکتر در این راستا قابل تفسیر است.

چه می توان گفت؟
جهود را هر لحظه فتنه ای دیگر در سر است.

معتصم بالله

یکشنبه 10 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:35 AM



سید پورپیرار،
سلام علیکم

به گمانم شما هنوز ریشه (ه - و - د) کلمات هادوا، هودا را نادیده می انگارید؟! از عرب متعدد بپرسید. من هم از آن کتاب مصری، و معجم عبری با مدرک برای شما دلیل آوردم. شما که اهل تحقیقید.

سیدپورپیرار، اسرائیل مسلمان بود نه خودسر و بی هدایت، اینکه حکم قطعی قرآن است و غیرقابل بحث است. مگر اینکه شما اولین کسی باشید که بدون دلیلی از کتاب مدعی 2 اسرائیل باشید! (که به نظر من چنین شبهه ای را وارد کرده اید) اما بعد.. هر بنی اسرائیلیی یهودی نیست! شما اشاره کرده اید یهودی ها مشرکین اند، ولی درست تر این بود اشاره میکردید که مطابق قرآن کریم "یهودیان طائفه مشرکی از بنی اسرائیل بعد از موسی هستند" یعنی ظرافت این تحلیل باید بالا باشد نه اینکه همه قوم و ذریت اسرائیل را با یک چوب برانید و بخاطر همین راندن به ناچار از یعقوب

هم سلب کنیه اسرائیل کنید. آیاتی که فرستادید خود دلیل مسلمان بودن بنی اسرائیل و اسباط آنها بعد از اسرائیل تا قبل از دوره موسی نبی است.

مثل آن است که کسی بگوید "احمد" و "محمد" دو انسان متمایز و متفاوتند! و گرنه خداوند الف را به میم تغییر میداد!!؟؟ خوب این شبهه افکنی در اذهان است و خطرات دارد. شما دست به قلم هستید و خداوند آزمایشهای شما را با کسی که در کار تجارت و کسب و کار است متفاوت قرار میدهد. خدای ناکرده به ثمن قلیلی به بیراهه نروید!

من آنچه شرط بلاغ بود با شما گفتم و وظیفه از من ساقط شد.
و السلام علی من اتبع الهدی.
ع.م. یکشنبه 10 مردادماه 1389

پاسخ:
آقای مستعصم بالله. یهود و نصاری به قول متعدد قرآن مشرک و نجس و ملزم به پرداخت جزیه اند و البته سعی ناشیانه شما در تنظیف آنان، که ابلاغ شرط بلاغ نامیده اید، بی ثمر است. این که می گویید بنی اسراییل مسلمان بوده اند به مثابه غلط گیری از قرآن است و بوی اورشلیم را می دهد.

توحید
یکشنبه 10 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:40 PM


سلام خدمت استاد گرامی و سایر بنیان اندیشان .

مطلب زیر در وبلاگ آقای «اترش» بسیار خواندنی و قابل تامل است :

/http://www.bazkhani.blogfa.com

فتح

یکشنبه 10 مرداد ماه سال 1389 ساعت 5:30 PM



واقعا یهودی واقعی کیست جناب پورپیرار و اقای معتصم بالله امروز ما با کدام یهودی مواجهیم کدامین یهودی در دنیا فتنه می کند آقای پورپیرار معتقد است کار در دست خاخامهای اعظم است و همه مشرکین بر اساس قرآن کریم نجس و شما معتقد بنی اسرائیل مسلمان هستند آیا امروز ما یهودی مسلمان به مفهومی که در قرآن مجید آمده داریم آیا اسرائیلی داریم که با بهودی متفاوت باشد.
این هم مطلبی از بی بی سی

یهودی واقعی کیست؟
http://www.bbc.co.uk/persian/world/2010/08/100801_an_jews_israel.shtml

این مطلب واقعا خواندنی است. به خصوص بخشی که می گوید" موارد شمول این قانون نا محدود است و تصمیم گیری در مورد تولد، ازدواج و مرگ یهودیان و اعلام یهودی بودن افراد به گروه کوچکی از خاخام های بنیادگرای تندرو در اسرائیل سپرده خواهد شد.

در صورت تصویب این قانون و فقط با یک امضا، خاخام

های جوامع یهودی خارج از اسرائیل، تمام اختیارات مذهبی شان را از دست خواهند داد."

جویای حقیقت

یکشنبه 10 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:00 PM

جناب پورپیرار با سلام
در مورد نوشته مهران حقیقت و اثبات شعیب بن صالح بودن دکتر متوجه جواب حضرتعالی نشدم.آیا شما تایید کردید؟
اصلا مگر در قران آیه ای در خصوص منجی بشریت داریم که حالا دکتر احمدی نژاد بشه نماینده امام زمان!! به نظر من با توجه به مشخصات افراد انوسی که قبلا اشاراتی داشتید ایشان صد در صد انوسیند.با تشکر

بنده خدا

یکشنبه 10 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:46 PM

استاد عزیز -سلام علیکم. خسته نباشید

سید معتصم بالله با کلمات بازی می کنند وچون هر همسایه کنیسه نشین هوشمند تبلیغ سطحی نگری می کند.معنی یهود به تحقیق همان مشرک است یک بار مطلبی نوشتم واعلام کردم که معنی هود هدایت یافته است وهر هدایت یافته به معنی تسلیم خدا شده است وهر تسلیم شده به فرمان خدا مسلمان است حال ابراهیم و تابع دین ابراهیم باشد یا به قول آقای معتصم بالله بنی اسرائیل و یا تابعین دین بنی اسرائیل ولی به نظر بنده نکته اینجاست که قران یهود را به معنای هدایت نیافته وحرف (ی)متصل به هود را برای نشان دادن عدم تکمیل پرسه هدایت بر کلمه هود

افزوده است.هدایت همان تسلیم امر خداوند بودن است ونقطه مقابل آن شرک است ویهود هنوز هدایت نشده.مشرک است ونجس.

و وصی بها ابراهیم بنیه و یعقوب یا بنی ان الله اصطفی لکم الدین فلا تموتن الا و انتم مسلمون (بقره 132)

ما کان ابراهیم یهودیا و لا نصرانیا ولکن کان حنیفا مسلما (ال عمران 67)

جناب معتصم بالله درست می گوید اسرائیل اگر همان عبد خدا هدایت یافته وهود باشدوبر سبیل وهدایت تورات غیر مجعول بله مسلمان است ولی ما با قوم صاحب چنین صفتی هیچگاه آشنا نبوده ایم ما با اسرائیل ویعقوب دیگری که هیچ شباهتی به عبد خدای(معنی اسرائیل) سر به راه وهدایت نیافته در تورات اشناییم این اسرائیل دیگری است که هدایت نیافته ونمی توان بر آن نام مسلمان نهاد چرا که او یهود است .
مخلص کلام اینکه استاد عزیزبنا بردرکی که از تعالیم شما دارم بنده به دو اسرائیل معتقدم به این طریق که یکی آن اسرائیلی است که در تورات مجعول است که هدایت نیافته و سر براه نیست ومسلمان نامیده نمی شوندوگردنکشی به خدا دارد با او کشتی می گیرد و خدا را مغلوب می کند ویهود است ودیگری اسرائیلی است که در واقع بوده ولی از مقطع جعل ودستکاریهای تورات واعتقاد به مجعولات که قرآن هود را یهود خوانده کلا" اثری از واقعیت انها از زمان جعل در تورات نمی

یابیم و آن اسرائیلی بود که هود بود و وصیت به مسلمان مردن فرزندانشان می کرد.
تا نظر شما چه باشد.
پاسخ:
آقای بنده خدا. هود نامی است که یهودیان بر خود گذارده اند: قالوا کونوا هودا او نصارا تهتدو... اما قرآن آن ها را نه هود که یهود می خواند. ولن ترضی عنک الیهود... اینک خطاب یهود فاقد معنای ر وشن لغوی است، اما واضح است که خداوند نام هود را برای یکی از پایه های شرک، با افزودن حرف ی بر ابتدای آن، رد کرده است. این مطلب بسیار واضحی است که به خواست خدا گره لفظی آن به زمان خود گشوده خواهد شد.

مجتبی غفوری

دوشنبه 11 مرداد ماه سال 1389 ساعت 02:22 AM

روز سوم!

abbas

دوشنبه 11 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:12 AM

http://www.thejewishmuseum.org/onlinecollection/object_collection.php?objectid=9239

abbas

دوشنبه 11 مرداد ماه سال 1389 ساعت 08:34 AM

http://opac.nlc.gov.cn/F/DY7E5LT2IHTVFA8P2GXLULRS45QQ4MBUUN7ABC33KXBMULQDCN-33358?func=short-0-

&set_number=065216&b
request=Judeo%2DPersian
پاسخ:
آقای عباس. از ارسال لینک های مفیدی که می فرستید ممنونم. هرچند که تعدادی از آن ها باز نشد.

خبرها
دوشنبه 11 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:00 PM


ایران، هشتادو یکمین کشور شاد دنیا است!
http://www.aftabnews.ir/vdcbsab88rhbgfp.uiur.html
موش های بلژیکی در تهران
http://www.aftab.ir/news/2010/aug/02/c4c1280737044_social_urban_mouse.php
فعالیت فرقه ضاله شاهدان یهوه در آستارا
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=111712
یک یهودی داماد کلینتون‌ها شد
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=111718
ده دولت اول ورشکسته دنیا چه کشورهایی هستند؟
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=111060
آمار امامزادگان ایران اعلام شد
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=111828
قانونی شدن یک ازدواج جدید در عربستان/ ازدواج از صبح تا غروب
http://khabaronline.ir/news.aspx?id=80135

سایه
دوشنبه 11 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:02 PM

با سلام
استاد عزیز خسته نباشید.
جناب عباس سلامات امیدوارم خوب و سلامت باشید !

abbas

سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:44 AM

http://www.lib.cam.ac.uk/arabic_catalogues/browne1896/index.php

پاسخ:

سلام. این یکی باید کتاب خوبی باشد، چون تمام چاخان ها را یکجا جمع کرده و نیازی به جست و جوهای مختلف نیست. اگر ممکن است قیمت آن را هم اعلام فرمایید.

عباس

سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:56 AM

http://www.lib.cam.ac.uk/Taylor-Schechter/exhibition.html#T-S_K5.13

reza

سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 07:49 AM

سلام استاد
کتابی را که گفته بودید به صورت آنلاین جهت مطالعه و پرینت در وب موجود است. البته همانطور که ملاحظه مینمایید به جز یک بیوگرافی چند صفحه ای از هر شاعر و چند نقاشی به اصطلاح مینیاتور چیزی برای عرضه ندارد. قیمت آن نیز حدود 20 دلار است.

http://www.archive.org/stream/acataloguecolle01unkngoog#page/n1/mode/1up

http://www.abebooks.com/servlet/SearchResults?tn=catalogue+collection+Persian+manuscripts,+including+also+some+Turkish+Arabic

downloadfull
http://ia331406.us.archive.org/1/items/acatalogue/colle01unkngoog
http://www.archive.org/stream/acataloguecolle01unkngoog#page/n1/

ز- سلامات

سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:40 AM

با عرض سلام
از همه دوستانی که حضوراً ویا از طریق تلفن وایمیل جویای حال برادرم"عباس سلامات" شده اند صمیمانه سپاسگزاری می کنم.
حال ایشان،بنا به اعلام پزشک معالج رو به بهبودی است و حداکثر تا 5روز آینده از بیمارستان مرخص خواهند شد.
با سپاس
خواهرِ عباس سلامات

حاجی زاده

سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:43 AM

دوست محترمی که بدون اسم کامنت گذاشتید به آیه 5 سوره غافر مجددا توجه فرمائید:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ ""وَالْأَحْزَابُ مِن بَعْدِهِمْ"" وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ ""بِرَسُولِهِمْ"" لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

همانطور که آیه گویاست، قوم نوح اولین قوم تکذیب کننده پیامبرانش بوده اند، ادعای شما در صورتی قادر است صحت داشته باشد که فرض کنیم اقوام پیش از قوم مورد نظر، جملگی، پیامبرانشان را تائید کرده اند! لکن با سوابقی که از نحوه استقبال نوع بشر از رسولان و انبیا در قرآن ضبط است، فرض بعیدیست. دقت بفرمائید که حضرت نوح نهصد و پنجاه سال عمر کرده اند، ممکن است آن رسولان متعدد، همراه و همزمان با نوح مامور شده باشند، چنانچه قرینه های دیگری از چنین همزمانی در قرآن موجود است، باری در صورت عدم همزمانی نیز، خللی در ادعای من مبنی بر نخستین کلونی انسانی بودن قوم نوح ایجاد نمی گردد.

مجید نصراصفهانی

سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:26 PM



استاد کاش ک بار هم میشد بهدانشگاه اصفهان تشریف می اوردید تاماشهرستانی هااز حظور شما استفاده کنیم
استاد اگر فرصت می شد وبه شهرستانها سفر می کردید وبرچشمان ما دوستدار ان شما قدم می گذاشتید که بسی افتخاراست شاید حقیقت عوض میشد ودیگراین هرانی های یاوه گو جرات چرند گوی را از دست می دادند ...
استاد ایابهرنیست درشهرهای بزرگ برایعلاقه مند

نمایندگی تاسیس می کردید تابهتر می توانستیم از حظور شما استفاده می کردیم
استاد باید فضا رابرای توسعه افکار تان بازکنیدتاهمه ایران زیرلقای شما از استعمار یهودیان وانوسیان بیرون ایند ..
استاد تنهاامید مابه شماست
حزب الله پیروزاست
سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:35 PM
حاجی زاده
سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:43 AM
دوست محترمی که بدون اسم کامنت گذاشتید
به آیه 5 سوره غافر مجددا توجه فرمائید:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوح ""وَالْأَحْزَابُ مِن بَعْدِهِمْ"" وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ ""بِرَسُولِهِمْ"" لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

همانطور که آیه گویاست، قوم نوح اولین قوم تکذیب کننده پیامبرانش بوده اند، ادعای شما در صورتی قادر است صحت داشته باشد که فرض کنیم اقوام پیش از قوم مورد نظر، جملگی، پیامبرانشان را تائید کرده اند! لکن با سوابقی که از نحوه استقبال نوع بشر از رسولان و انبیا در قرآن ضبط است، فرض بعیدیست.
دقت بفرمائید که حضرت نوح نهصد و پنجاه سال عمر کرده اند، ممکن است آن رسولان متعدد، همراه و همزمان با نوح مامور شده باشند، چنانچه قرینه های دیگری از چنین همزمانی در قرآن موجود است، باری در صورت عدم همزمانی نیز، خللی در ادعای من مبنی بر

نخستین کلونی انسانی بودن قوم نوح ایجاد نمی گردد.

خانم حاجی زاده اولین قوم تکذیب کننده حاشا به این تفسیر شما ..اگر این طوراست همه پیامبران از نوح تا زمان خاتم هم بشکاریم به صدهزار تن نمیرسد ....ایا این تفسیریهودی نیست که قوم نوح ر ا تنهابازماندگان ادم بدانیم که چه شود شمابا وتوهمات خود که با اگروغیره برای قران تفیر می گیرید .....
علم غیب داری که م گویی همه پیمبران درزمان نوح یابعدو بودند ..

بی نام

سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:19 PM

اخی الزیز سید عباس سلاما-سلام علیکم ورحمه الله

انشا الله سلامات .غد الشر وانتشر.

سایه

سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:12 PM

با سلام
خان حاجی زاده با این اوصاف نوح و واقعه طوفان نوح باید بسیار قدیمی تر از آنچه ادعا می شود باشد ؟!

reza

سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:34 PM

خانم حاجی زاده سلام

از اینکه در میانه بحث وارد میشوم پوزش میطلبم. تنها جهت بیان نکته ای که از متن آیات مشهود است.

شما با اشاره به آیه ذیل :

(كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ ""وَالْأَحْزَابُ مِن بَعْدِهِمْ"" وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ ""بِرَسُولِهِمْ

همانطور که آیه گویاست، قوم نوح اولین قوم تکذیب کننده پیامبرانش بوده اند،..)

به نظر من این قید اولین را شما شخصا نتیجه گرفته اید در صورتی که در متن آیه مورد ذکر هیچ نشانه و تاکیدی بر اولین بودن قوم نوح دیده نمیشود.

نگاه به آیه ای که خود شما نیز بدان اشاره نموده اید:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُم مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُم مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ

خداوند قادر و متعال سرگذشت بعضی از رسولان را بر پیامبر نگفته.

پس به نظر من هیچ قطعیتی در این مورد وارد نیست. الا اینکه ما نیز همچون مترجمین و مفسرین بر آیات قرآن پرانتز و حاشیه اضافه نماییم.
با تشکر

حاجی زاده

سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 7:21 PM

من تعصبی روی ادعایم ندارم و اگر دوستان رای مستدل و صحیحتری ارائه دهند بی تردید استقبال خواهم کرد.
جناب بدون اسم، من با مدد علم غیب عرض نکرده ام قوم نوح و اقوام بعد او! اگر دقت کنید در آیه مذکور در کامنت پیش چنین قید شده است، اگر شما عبارت قبلهم را رویت میکنید فبها!
اگر ادعای پرجمعیتی شما و یا قدمت آقای سایه را بپذیریم پس از چه روی جمعیت فعلی کره زمین تنها هفت میلیارد نفر است!!؟

رعد

سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 8:02 PM

سلام - امروز سایت ایلنا صفحه مخصوصی بنام {مشروطه خوانی روزگار مشروطه خواهی} دارد که افراد زیادی در هر باب ان نوشته اند .هنوز شما نمیخواهید حداقل مقاله کوچکی در باب اتفاق افتادن یا نیافتادن ان بنویسید!؟
پاسخ:
آقای رعد. زمان گفت و گو از مشروطه هم به خواست خدا خواهد رسید.

abbas

سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:58 PM

http://www.fouman.com/history/Iran_Historical_Photographs_Gallery.htm

پاسخ:
آقای عباس. هزار پایگاه اینترنتی هم نخواهد توانست اندک اعتباری برای تاریخی فراهم کند که یک سطر مطلب منطبق با واقعیت ندارد.

بی نام

سه شنبه 12 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:59 PM

سلام به استاد عزیز ودوستان

امروز شبکه سریانیها را تماشا می کردم.مردم سریانی از نژاد سامی وزبان آنها از شاخه های زبان سامی است در حین مکالمات آنها که بعضا؛ نزدیک به عربی وعبری بود از کلمه (چونکه) وکلمه (مفتی)احتمالاابرای بی ارزشی استفاد.تا الان فکر می کردم چونکه ومفتی واژه های فارسی است.بد ندانستم ان را عنوان کنم تا اگر اصلاحی لازم باشد استاد ودوستان مطلع راهنمایی بفرمایند.
پاسخ:
آقای بی نام. از راه لغات یکسان نمی توان به مدخلی تاریخی راه پیدا کرد. زیرا علل و ابزار این گونه اختلاط ها بسیار متنوع است.

فتح

چهارشنبه 13 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:15 AM

عسکراولادی به میاباردر بودنم افتخار می کنم

http://www.news.niksalehi.com/view/013010.php#more

حاجی زاده

چهارشنبه 13 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:29 PM

آقای رضا
ممنون از توجه شما به این بحث
پاسخ شما در کامنت سوم بنده در همین ستون موجود است.

چهارشنبه 13 مرداد ماه سال 1389 ساعت 5:00 PM

سلام
پروردگارا مرا با شیطان محشور بگردان!

http://www.planetdan.net/pics/misc/ahmad.htm

ببینید محبوب ترین اسکرین سیورهای دنیا رو! این مال داش احمد خودمونه!

http://www.planetdan.net/pics/misc/nakedhillary.htm
این هم هیلاری کلینتون!

خدایا از سر تقصیرات من یکی که درنگذرا! و مرا نیامرزا!
چه قدر از گناه و معصیت خوشم میاد!
اون قبلی رو حذف کنید و این یکی رو تایید کنید! اگر دیدین تکون نمی خوره، با موس باهاش بازی کنید!

شیوا کشاورز

چهارشنبه 13 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:53 PM

دوست عزیز جناب سلامات
امیدوارم هر چه سریعتر خداوند به شما لباس عافیت

بپوشاند وآنگونه که فامیلی تان "سلامات" است خود نیز"سلامات" باشید.

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:53 AM



سلام به دوستان

دوستان از سایت دویچه وله آلمان خبری خواندم دیدم برای کلاس هم مفید است لذا متن خبر را در زیر می آورم:

استاد دانشگاه تل آویو : اسرائیل یک دروغ تاریخی است .

به گزارش دویچه وله ، شلومو سند (Shlomo Sand) در کتاب خود « اختراع قوم یهود - اسطوره های باستانی اسرائیل در بوته آزمون » ، بدیهیات را به پرسش می کشد و می پرسد: آیا ملت یهود وجود خارجی دارد ؟ آیا جماعت های یهودی پراکنده در دنیا ، افسانه ای برای تصاحب سرزمین تاریخی فلسطین نیست .

این گزارش می افزاید : « کتاب « سند » اعتراض شدید همکاران خود و افکار عمومی اسرائیل را برانگیخت . او در کتاب خود این تز را مطرح می کند که هیچ سند علمی برای اثبات این امر وجود ندارد که در سال 70 پس از میلاد مسیح ، قوم یهود از سرزمین مقدس خود بیرون رانده شد . یهودیان اصلاً قومی نیستند که 2000 سال تمام در سراسر دنیا پراکنده شده باشند .

یهودیان قوم نیستند ، بلکه یک جامعه دینی هستند که گروه هایی با تبار گوناگون به آن پیوسته اند . از نگاه اسرائیلی ها که هر کودک در آن می آموزد یهودیان آلمانی و مغربی ، اتیوپی و عراقی دارای میراث مشترک فرهنگی و ژنتیکی هستند ، طرح چنین نظرات و تزهایی به معنای خیانت محض است . »

دویچه وله از قول این مورخ می نویسد : من اسطوره بنیانگذاری جامعه یهودی - اسرائیلی را به چالش کشیده ام . اسرائیل مشروعیت خود را از تبعید یهودیان در 20 قرن پیش می گیرد . اما این تبعید هرگز وجود خارجی نداشته است و بدین گونه تکلیف صهیونیسم نیز روشن می شود . وقتی یهودیان این کشور را هرگز ترک نکرده باشند ، چگونه می توان بازگشت به میهن « یهودیان به سرزمین تاریخی شان را مشروع دانست . » من با اعتماد به نفس تمام می گویم که پژوهش های تاریخی ام « پایه های اسرائیل جدید » را به لرزه درآورده است .
بنابراین گزارش مورخ مذکور هزاران بار ، نامه تهدید به مرگ دریافت کرده است .
منبع:
http://www.dw-world.de/dw/article/0,,5842295,00.html

مجید نصراصفهانی
پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:39 AM


سلام دوستانمتاسفانه مشایی کم عقل وبی خرد اسلام ستیز گویا چرندیات اقامه کرده
که گفته هدف از این بعد معرفی تمدن ایرانی است نه معرفی تمدن ومکتب اسلامی
واقعا ایشان بی شرمی واسلام ستیزی را به کجا رسانده

علی
چهارشنبه 10 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:27 AM


با درود به تمام قلمهای تعصب ستیز
گاهی ستیزه با دروغ به جایی می رسد مجبور شویم از دروغ استفاده کنیم.
گاهی تمایل داریم که حقیقت را بیابیم برای همین چشممان را بر روی بخشی از حقیقت می بندیم.
محقق گرامی
به سختی نتیجه گیری شما رو درباره شیراز فهمیدم اما ادله شما در باره این شهر خیلی ضعیف بود.
حداقل تشریف بیارید توی کوچه های قدیمی شیراز قدم بزنید. با خونواده هایی که 7 -8 نسل توی این شهر هستند و هنوز گور جد شون دست نخورده صحبت کنید.
درسته که باید مزخرفات رو از چهره تاریخ پاک کرد اما نباید به اسم دروغ زدایی، دروغ های جدیدی تحویل مردم داد.

پاسخ:

آقای علی. به جای این که با رگ های ورم کرده گردن، در جست و جوی گور جدتان باشید، به دنبال یک حمام و یا یک قباله ازدواج و یا سند خرید و فروش خانه ی قدیم تر از ۲۰۰ و یا حتی ۱۵۰سال پیش در شیراز بگردید و یا لااقل به نقشه هوایی شیراز در ۵۵ سال پیش نگاهی بیاندازید و اگر حمام قدیمی نیافتید و شیراز ۵۵ سال پیش، بیش از خانه کرت بندی علوفه داشت و سند مکتوبی دال بر وجود روابط اجتماعی در شیراز دو قرن پیش هم نیافتید، در عوض پرسه زدن در کوچه پس کوچه های خیالات، ابتدا اثر حضور آدمی و تاریخ ساخت قدیم ترین خانه در شیراز را پیدا کنید که متعلق به اواخر دوران ناصر الدین شاه است.

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya | 10

ایران شناسی 275

ایران شناسی بدون دروغ، ۲۷۵، نتیجه ۸۳، نقشه مشهد

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 02:30 AM

شرک و کفر که شاخ و دم نداره

حجت‌السلام علی سعیدی با اشاره به روایتی که براساس آن خداوند همواره بر زمین حجت دارد، گفت: حتی قرآن نیز نمی‌تواند ملاک حل اختلافات باشد، زیرا قرآن زبان ندارد و کلامی است قابل تاویل و تفسیر.

http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=112281

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:38 AM


سلام علیکم

درباره مطلبی که به تبیین "کلاشی"های جناب 206 و مشاوران باهوش ایشان پرداختم، ارائه پاره‌ای توضیحات به رفع ابهام ضروری به نظر می‌رسد:

1- درباب طغیان رود اردن:

تراکم جمعیت در کشور چین 130 نفر در کیلومتر مربع و حاشیه غربی رود اردن 350 نفر در کیلومتر مربع است.

2- در باب هویت‌طلبی سروران ترک:

گسترش موج اسلام در بین مردم ترکیه باعث عقب‌نشینی جریان بی‌هویت و ادامه‌دهنده راه آتاتورک مزدور شده است و فضای امیدوارکننده‌ای از بازگشت ملت ترک به جایگاه واقعی خویش ترسیت شده و به تدریج در حال احیای مجدد هویت واقعی خود هستند و در پناه این بیداری اراجیفی از جنس اعطای نشان نگهبانی و... جز تلاش‌های مذبوحانه و اعلام اقتدار دروغین برای تحت‌الشعاع قراردادن این عقب‌نشینی مفتضانه نیست و کسی می‌تواند که داعیه هویت‌طلبی داشته باشد که در مسیر تقویت این موج و رسواسازی استراتژی‌های جدید ایادی یهود حرکت کند.

در ادامه مجددا بخش‌هایی از مطلب قبلی‌ام را برای کمک به جناب 206 برای پاسخگوئی می‌آورم:

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:39 AM


...

****

الف- "در حاشیه 3"

(1)3- در متن‌تان تفرعن و در کنار آن لودگی و تمسخر دیگران و کینه شدیدی موج می‌زند. مطمئن باشید اینگونه رفتار بر قیمت دیگران می‌افزاید و نیات نه چندان پنهان‌تان را بیشتر معلوم می‌نماید و بر خواننده اوج درد به زعم خود خط سومی بودن و اوج حرص مصادره کردن تحقیقات بنیان‌اندیشی به نام خود و تلاش برای بی‌ارزش جلوه دادن کارهای دیگران مشهود می‌باشد. علاوه بر اینها حس کینه و انتقام چشم عقلتان را نیز کور کرده است.

(2)6- جناب 206! به جای اشک تمساح ریختن برای باستان‌پرستان درمانده و توصیه یاران بنیان‌اندیش به سکوت فرهنگی، فکری برای "دریده‌دهانی"اتان بکنید که دارد کار دستتان می‌دهد. استناداتان به مجعولات سعدی، کلیله و دمنه، ابن خلدون و ... جائی از شک باقی نمی‌گذارد که تراوشات ذهنی‌تان هم تفاوت چندانی با باستان‌پرستان شوینیست ندارد و توان درک مبحث کوه‌سان قلم را ندارید. البته فکر می‌کنم بهترین راه برای فرار از وارد شدن به این مبحث عظیم را در فرار دیده‌اید و آنرا فاقد ارزش نقد فرض کرده‌اید

(3)7-جناب 206 این پرمدعائی و تفرعن دارد کار دست‌تان می‌دهد و مصادق بارز این مثل شده‌اید "خود گوید و خود خندد" هنوز جوهر قلمتان خشک نشده، یادداشت "و پاسارگادشناسی ..." خود را تزلزل‌ناپذیر می‌خوانید!!! شما فکر کرده‌اید با "پرحرفی‌هائی که مفت نمی‌ارزد" می‌توانید تزلزل‌ناپذیری یادداشت‌های خود را در میان "گردوغباری" که به پا کرده‌اید، به کرسی بنشانید!

...

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:40 AM

...

(4)8- جناب 206 شما نمی‌توانید با "کلاشی" و "پر حرفی‌هائی که مفت نمی‌ارزد" دست خود را پرتر از باستان‌پرستان شوینیست نشان دهید. اینان اگر چیزی در چنته داشتند تاکنون دودمان بنیان‌اندیشی را به باد می‌دادند و هزاران البته به امثال شما لحظه‌ای رحم نمی‌کردند کما اینکه تاکنون ضعفای‌شان به شیوه‌های متعدد ما و شما را به باد استهزاء و تمسخر گرفته‌اند و قوی‌هاشان چه جنایت‌ها که در حقمان مرتکب نشده‌اند.

****

ب- دروغ‌ها و "کلاشی"های جناب 206 در یادداشت "و پاسارگادشناسی تحریف‌شده آقای پورپیرار"

1- از مبحث آوارهای کاخ‌های جعلی کوروش سابقا کبیر آغاز می‌کنم؛ جناب 206 اگر به شما بگویم "کلاش" و "شیاد" این فقط توصیف یک ساعت از احوال و اقوال‌تان است! هر چی در دایرة‌المعارف‌ها گشتم کلمات مناسبی برای توصیف احوال و اقوال‌تان نیافتم.
جناب 206 بفرمائید در شهر شما خاکبرداری از محوطه‌های تاریخی را آواربرداری می‌نامند؟! در شهر یا دهات شما به رسوبات و خاک‌هائی که به مرور زمان روی آثار تاریخی می‌نشیند، آوار می‌گویند؟! می‌شود لطف کنید و تعریف‌تان را از آوار بفرمائید تا خواننده مبنای بحث شما را متوجه شود و به خطا نرود!
خوب حالا متوجه شدیم خاک‌های برداشته شده از روی آثار تاریخی را آوار این آثار می‌دانید؛ و بر طبق این نظریه بی‌بدیل و بسیار بدیع جناب 206 و مشاوران بی‌نظیرشان، نتیجه می‌گیریم دیوارها، ستون‌ها، سقف و بقیه اجزای کاخ‌های جعلی کوروش سابقا کبیر به مرور زمان و بر اثر عوامل محیطی فرسوده شده و به خاک تبدیل شده‌اند.
چطور عوامل مخرب طبیعی کاری با این پایه ستون‌های "خوش‌تراش"!!! و نیمه ستون‌ها و آن ستون معروف و لانه لک‌لک‌اش! نداشته‌؟! چرا فقط دیوارها و سقف‌های نگون‌بخت به خاک تبدیل شده‌اند؟!
اکنون جناب 206 و مشاوران معظم بفرمائید بر اساس نظریه راهگشای تاریخی‌تان این سرستون‌های "خوش‌تراش" چگونه از دست عوامل بی‌رحم طبیعی جان سالم به در برده‌اند؟
جناب 206 بر اساس نظریه تاریخی جدیدتان ما می‌گوئیم این پایه ستون‌ها را جاعلان محترم شیکاگوئی و کمبریجی با گودبرداری از دل خاک خارج کرده و آنها برای جعل کاخ برای کوروش سابقا کبیر مورد استفاده قرار داده‌اند.

...

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:42 AM

...

2- در عکس صفحه 14 در محلی که کاخ P نامگذاری شده یک عارضه بسیار واضح به رنگ روشن و سایه نسبتا بلند آن دیده می‌شود و در وسط محلی که کاخ R نامگذاری شده یک عارضه با رنگ متفاوت و مقداری تیره‌تر دیده می‌شود که سایه با طول متوسط نسبت به بقیه دارد. در گوشه پائین سمت چپ محلی که کاخ S نامگذاری شده باز هم عارضه‌ای به رنگ تیره و با سایه نسبتا بلند دیده می‌شود ولی برای خط تیره بلندی که مشاهده می‌شود و جناب 206 آنرا شاهد و گواه خویش برای وجود آن ستون معروف و لانه لک‌لک معروف‌ترش قرار داده‌اند، هیچگونه عارضه‌ای دیده نمی‌شود و فقط چند میلیمتر بالاتر یک عارضه با رنگ تیره‌تر دیده می‌شود که هیچگونه ارتباطی با این سایه ندارد.
اکنون جناب 206 بفرمایند بر اساس نظریه‌های بی‌بدیل‌شان ما حق نداریم بگوئیم جاعلان کاخ‌های کوروش سابقا کبیر این عکس را دست‌کاری کرده‌اند؟ اگر ایشان و مشاوران‌شان متوجه این نکته نبوده‌اند پس بر چه مبنایی دیدگاه‌های خود را "تزلزل‌ناپذیر" می‌دانند!؟ البته بر اساس نظریه بی‌بدیل جدیدتان وقتی خاک‌های رسوب کرده بر آثار تاریخی، آوار است این چنین دستکاری هم چون "دلتان می‌خواهد"

قابل استناد است!!!

حال اگر جناب 206 و مشاوران باهوش‌تر از خرگوش‌شان می‌گویند نه! برای آن سایه مطول عارضه داریم ما هم سمعا و طاعتا می‌پذیریم، خوانندگان گرامی لطفا تمام عارضه‌ها چه جعلی و چه واقعی این تصویر را به خاطر بسپارند که در بند بعدی با آن کار داریم.

3- به عکس اول صفحه 12 توجه کنید اگر عمارت جعلی مقبره کوروش سابقا کبیر را با یک خط فرضی به تخت سلیمان وصل کنیم کاخ جعلی S با کمی خطا روی این خط قرار می‌گیرد و 2 کاخ جعلی دیگر با فاصله کمی بالا و پائین این خط فرضی قرار می‌گیرند. اکنون در عکس صفحه 15 که به نظر من اساسی‌ترین مبنای "تزلزل‌ناپذیری" "کلاشی"های جناب 206 است، همان خط فرضی را در نظر بگیرید در این تصویر هر3 کاخ جعلی کوروش سابقا کبیر باید مشاهده شوند. حال عکس دستکاری شده توسط جاعلان شیکاگوئی در صفحه 14 را با این عکس مقایسه کنید و خود بخوان حدیث مجمل این شیادی را!!!

جناب 206 یک جلسه فوق‌العاده اضطراری با مشاورین باهوش‌تان تشکیل دهید و بفرمائید جاعلان شیکاگوئی چگونه آن سایه‌های مطول را حواله شما کرده‌اند؟! پس آن ستون بسیار مطول با آن لانه لک‌لک معروفش در این عکس کجاست؟!!!

آن همه سایه روشن‌هائی که در عکس صفحه 14 به ما نشان دادید در این عکس کجایند؟ نکند می‌خواهید بگوئید فاصله عکاس زیاد بوده، پس چطور است که در عکس صفحه 14 که فاصله 10 برابر و شاید بیشتر باشد ولی مطول بودن "سایه‌های حواله شده" کاملا واضح است؟!

...

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:43 AM



...

4- جناب 206 چه استدلالی برای اثبات مربوط بودن عکس‌های صفحه 17 به کاخ‌های جعلی کوروش سابقا کبیر دارید؟ نکند باز هم می‌خواهید از کلیله و دمنه و ابن خلدون برایمان دلیل بیاورید یا از اربابان جعل شیکاگوئی؟!!

****

ج- سؤال‌هائی درباره محوطه جعلی پاسارگاد از جناب 206

1- جناب 206 و مشاوران معظم‌له! بدون در نظر گرفتن نظریه بی‌بدیل‌تان در آواربرداری! بفرمائید آوار سقف و دیوارهای این کاخ‌های ادعائی کجاست؟

2- این کاخ‌ها برج و بارو و یا حصار محافظ نمی‌خواسته‌اند؟ اگر نیاز داشته‌اند آثار آن کجاست؟ مگر اینکه بر اساس نظریه بی‌بدیلتان بفرمائید همان حصاری که جاعلان شیکاگوئی برای جلوگیری از ورود گوسفندان! و لو رفتن جعلیاتشان ساخته‌اند، محافظ این کاخ‌ها بوده است!!! چون اینقدر جاعلان شیکاگوئی اصطلاحا "سه" کرده‌اند که حتی گوسفندان هم متوجه می‌شدند اما شما و مشاوران باهوشتان هنوز متوجه نشده‌اید؟! افزایش دوز مصرف روزانه هویج فراموش نشود!

3- از فضائی که برای این کاخ‌ها جعل شده چنین برمی‌آید که در این فضا فقط خدم و حشم و خود کوروش سابقا کبیر و متعلقین‌ش می‌توانسته‌اند زندگی کنند. حالا بفرمائید پس آن سپاهیان چند هزار نفری ادعائی کجا می‌خوابیده‌اند؟ نگوئید توی بغل مامانشان! که مثل آن دارو دسته شارلاتان کلی به شما خواهیم خندید

4- غذا و سایر نیازمندی‌های کوروش سابقا کبیر و همراهانش چگونه و توسط چه کسانی تأمین می‌شده؟ این کسان در کجا ساکن بوده‌اند؟

آثار مسکن آنها کجاست؟ نکند می‌خواهید بفرمائید برای اولین بار در تاریخ، دارودسته کوروش سابقا کبیربه کمک شعب ایرانی-باستانی دانشگاه‌های شیکاگو و کمبریج با استفاده از علم ژنتیک کشاورزی می‌کردند و محصولات خود را با تراکتور و کمباین برداشت می‌کردند؟!!

...

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:44 AM



...

****

د- شکستن ستون فقرات یادداشت "پورپیرار، طوفان نوح و اختفای آیات قرآن"

جناب 206 و مشاورین محترم در ابتدا بر خود لازم می‌دانم که از بررسی‌های کامل آیات قرآن برای تأکیدی مجدد بر جهانی نبودن طوفان نوح تشکر کنم و بعد از آن به بررسی ستون فقرات مبحث طوفان نوح‌تان می‌پردازم.

جناب 206 باز هم که در این یادداشت به ارائه تفسیرهای جالب حوزه زبان‌شناسی پرداخته‌اید. شما که اینقدر به زبان عربی مسلطید و به دنبال هویت‌طلبی هستید چرا به مقابله با جریانی که الفبای لاتین را به ملت ترک قالب کردند نیستید؟ در اینباره جلوتر بیشتر خواهم گفت...

زبان عربی به دلیل توانمندی بی‌نظیرش (تقریبا می‌توان گفت) برای هر مفهوم یک کلمه مستقل دارد و این به دلیل تکامل این زبان در طول حیات بشر است. یعنی اینکه (بر خلاف زبان‌های دیگر) اگر کسی متنی از قرآن را دستکاری کند و با کلمات مشابه جایگزین کند حتما مفهوم تغییر خواهد کرد و بلعکس نمی‌توان از یک کلمه به دلیل معنای یونیک مفهوم مشابه دیگری برداشت کرد. این به غیر از ارتباط بی‌بدیل کلام عرب با اعداد و ریاضیات است.

اکنون آیه 69 سوره اعراف که بنا به گفته جناب 206 مبنای بحث ایشان است، را در صفحه 8 در نظر می‌گیریم: از "إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوح " امکان برداشت جانشینی مکانی وجود ندارد و کلمه "خلفاء" همانگونه که در بخش بعدی آیه آمده به نوع خاصی از جانشینی اشاره دارد که متضمن یک مفهوم معنویست نه یک مفهوم فیزیکی.

اکنون به "وَزَادَكُمْ فِى الْخَلْق بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلاءَ اللَّهِ " توجه کنید؛ بله اینجاست که بر خواننده غیرعرب مشخص می‌شود که "خلفاء" نوعی جانشینی با مفهومی فیزیکی نیست که خداوند به قوم عاد می‌گوید آن جایگاه و نعمات و مواهب ویژه‌ای که به آنها داده و قبل از آنها به قوم نوح نیزداده را به یاد آورند و بدانند که این مواهب اعطائی خاص باعث نجات قوم نوح نشد.

حال جناب 206 و مشاوران اعظم بفرمایند واقعا به دلیل خواندن ترجمه آیات چنین خطای فاحشی مرتکب شده‌اند یا اینکه در راستای کلاشی‌هایشان دست به تفسیرهائی در حوزه زبان‌شناسی زده‌اند؟!

جناب 206 بر اساس این نظرتان؛ امام علی که بعد از خلفای راشدین مرکز حکومت را به کوفه انتقال داد، از خلافت مسلمین ساقط شده چون اصل "خلفاء" بودن از دید شما را رعایت نکرده و در جای قبلی باقی نمانده است!!!

...

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:45 AM

...

****

ه- سؤالاتی درباره مکان و نحوه وقوع طوفان از منظر جناب 206

1- جناب 206 و مشاوران باهوش‌شان در این یادداشت "مریدان" خود را مجددا از نظریه‌های جدید بی‌بهره نگذاشته‌اند و می‌فرمایند برای یافتن مکان طوفان نوح به دنبال یک دره و یا یک جای ریگزار که باقیمانده یک سیل بوده، باشیم. خوب اگر چنین باشد سیل که دیگر کوه‌ها را نمی‌پوشاند و قوم نوح که بر فراز بلندترین کوه رفته بودند نجات می‌یافتند و تمسخرهایشان به پیامبر خدا برای ساخت کشتی در بیابان هم درست از آب درمی‌آمد.

جناب 206 تصور کرده‌اید حکمت خداوند همانند حکمت خیالی فردوسی است که غرب جغرافیائی را به شرق منتقل می‌کند؟!

جناب 206 و مشاوران نظریه‌پرداز اگر حکمت خداوند مانند حکمت بی‌بدیل شما باشد که برای مقابله با سیل در یک مسیل ریگزار به پیامبر خود بگوید کشتی بسازد که باید حال و روز جهان مانند حال و روز "سرخورده و درمانده" شما ومشاورین‌تان باشد!

"یک خبر: خبردار شده‌ام خیلی‌ها با دریغ پول از جیب شخصی " به خرید قایق نجات روی آورده‌اند چرا که دانشمندان به دنبال ارائه نظریه جدید جناب 206 از نقصان روش‌های ارئه شده برای مقابله با سیل "سرخورده و درمانده" شده‌اند و توصیه کرده‌اند برای مقابله با سیل مردم در خانه‌های خود قایق نجات داشته باشند!!!

2-جناب 206 در صفحه 16گفته‌اید طغیان رود اردن می‌تواند تا کیلومترها را زیر آب ببرد؛ آیا آماری از طغیان‌های رود اردن دارید که چنین اتفاقی و یا در مقایس کمتر رخداده باشد؟

اگر چنین باشد که نباید اکنون منطقه اطراف رود اردن دارای تراکم جمعیتی 350 نفر در کیلومتر مربع باشد و این در حالی است که پرجمعیت‌ترین کشور دنیا یعنی چین تراکم جمعیتی معادل 130 نفر در کیلومتر مربع را دارد.

3- باز در همین صفحه می‌فرمائید هرگونه تلاطم در دریای سرخ و خلیج عقبه تا کیلومترها را زیر آب می‌برد. خوب در این صورت خداوند چه نیازی داشته بارن بباراند؟

با یک زلزله مانند آنچه در آسیای جنوب شرقی رخ داد یک سونامی عظیم قوم نوح را هلاک می‌کرد

...

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:46 AM

...

4- جناب 206 و مشاوران معظم اگر بررسی‌های دقیق انجام می‌دادید، درمی‌یافتید که نقطه‌ای که در حوالی رود اردن امکان جمع شدن آب وجود دارد، بحر المیت است که امروزه به دلیل کاهش ورود آب، سطح آب آن حدودا 400 متر پائین‌تر از آب‌های آزاد است و تاکنون با توجه به جغرافیای و اقلیم آن هیچگونه نشانه‌ای از زندگی بشری در آن مشاهده نشده و فقط عده‌ای برای تفریح بدانجا می‌روند.

شاید در اینجا بخواهید نظریه بدیع دیگری برای "مریدان"تان ارائه دهید که نخیر قوم نوح در همینجا زندگی می‌کرده‌اند، در این صورت بلندی اطراف آنها را از غرق شدن حمایت می‌کردند.

5- جناب 206 نمی‌توانید با گفتن "الله أعلم" خود را از آوردن دلیل برای نظریات‌تان بی‌نیاز کنید و کلاشی‌های‌تان را به خوانندگان و "مریدان" عقل‌باخته‌تان قالب کنید...

****

و- درباره عوارض باقیمانده از طوفان نوح

اخیرا در بازگشت از یک سفر به استانبول ترکیه در فرودگاه صبیحه از مسؤل کنترل بلیط جائی در کنار پنجره هواپیما را برای بررسی اثرات طوفان تقاضا کردم. تا حدودا 10 دقیقه پس از پرواز زمین سرسبز و متأثر از آب و هوای ساحلی بود و خانه‌ها با سقف شیروانی قرمز یا نارنجی رنگ دیده می‌شدند و 2-3 شهر متوسط و نسبتا بزرگ را دیدم.

پس از این مدت به تدریج از سرسبزی کاسته و بر بلندی ارتفاعات افزوده شد و بعد از مدتی به سرزمین‌هائی با ارتفاعات کمتر و فاقد گرده تیز و تقریبا به شکل گنبدی رسیدیم. در سمت چپ(جهت شمال) هواپیما در فاصله‌ای دورتر کوه‌های مرتفع با پوشش پراکنده‌ای از برف مشاهده می‌شد که تا نزدیکی دریاچه ارومیه ادامه داشتند. در سمت راست(جهت جنوب) هم در افق دور دست ارتفاعات بلندی بدون جزئیات قابل رؤیت بودند.

پس از آن 2-3 شهری که در ابتدای مسیر دیدم تا دریاچه وان که 1:20 حدودا گذشت هیچگونه تجمع مسکونی که بتوان نام شهر کوچک را بر آن نهاد، مشاهده نکردم و فقط یک سری تجمع‌های بسیار کوچک که با راه‌هائی به رنگ تقریبا زرد روشن به هم وصل بودند قابل رؤیت بود که این رنگ حاکی از خاکی بودن راه‌هاست و 3 یا 4 جاده با رنگ تیره بود که معلوم بود راه آسفالته است و تردد در آن هم بسیار کم مشاهده گردید.

...

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:47 AM



...

در عوض آن دریاچه‌های متعدد و در اندازه‌های مختلف دیده می‌شد که به جز دو دریاچه بسیار عظیم مربوط به سدهای ساخته دست بشر، به هیچکدام آنها رودخانه‌ای وصل نبود. انصافا دریاچه‌های سد دز و کارون خودمان که آنها را دیده‌ام در مقابل دریاچه‌های این دو سد که مربوط به دجله و فرات بودند، به مانند رودخانه‌ای می‌مانند و طی کردن یکی از آنها از ابتدا تا انتها با هواپیما بیش از 10 دقیقه زمان برد.

نکته جالب دیگری که جلب توجه می‌کرد رودخانه‌ها و نهرهای متعدد بود. با اینکه از دیرباز حاشیه رودخانه‌ها مهد تمدن‌های کهن بوده ولی در حاشیه هیچکدام از آنها و نه دجله و نه فرات برای دلخوشی نمی‌توانستید یک تجمع قابل اعتنای بشری را ببینید. توسعه نیافتگی جاده‌ها هم یکی دیگر از نکات جالب توجه این نواحی بود که به تبع عدم وجود شهر نیزچندان توسعه نیافته بودند.

خلاصه بعد از 1ساعت و 20 دقیقه اولین شهر نسبتا بزرگی را که مشاهده کردم در حاشیه دریاچه وان بود و پس از 5 دقیقه به ارومیه و دریاچه آن رسیدیم و اینجا بود که چشم ما به یک شهر بزرگ با بافت شهری معین خورد.

حال جناب 206 اگر فرض کنیم طوفان نوح در ترکیه نبوده، آیا این فرض باعث تغییر واقعیت موجود روی زمین می‌شود؟ عدم وقوع طوفان نوح در ترکیه آیا برای اثبات هویت شما مؤثر است؟ آیا پذیرش این "کلاشی" شما شهر و جاده و تمدن برای مرکز ترکیه ایجاد می‌کند؟ یا این کلاشی‌ها برای‌تان "مریدان" با "سادگی" مورد انتظارتان به همراه می‌آورد؟

به نظر من بهتر است جناب 206 و مشاوران‌شان علاوه بر افزایش مصرف هویج‌شان یک سفر هوائی به استانبول و اردن داشته باشند تا

بتوانند نظریه‌های بدیع‌تری ارائه دهند و "مریدان" بیشتری را جمع‌آوری کرده و کم‌کم از خط سومی "سرخورده و درمانده" بودن به در آیند.

...

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:47 AM



...*******************

ز- بحث هویت‌طلبی عزیزان و سروران ترک

جناب 206 بهتر نیست شما برای هویت‌طلبی ملت شریف ترک به تبیین کارهای مزدوری به نام آتاتورک بپردازید که چگونه ترکیه را به سدی مقابل اسلام تبدیل کرد. خیانت همه جانبه در تغییر الفبای مردم ترک و قالب کردن الفبای لاتین را تشریح کنید.

بهتر نیست زوایای پنهان تبدیل ترکیه و مردم شریف ترک به نگهبانانی بی‌جیره و مواجب برای سرزمین جیره‌دهندگان آتاتورک را برای همگان بازگو کنید؟ ارجاع‌تان می‌دهم به سخنان اخیر جناب دیوید کامرون که گفته بود ما چگونه ترکیه را که سال‌ها نگهبان ما بود را به اتحادیه اروپا راه ندهیم!!(نقل به مضمون)

بر ملت شریف ترک مبارک باد! که تاکنون نگهبان مرزها بوده و الان هم با خوارها منت قرار است به نگهبانی در داخل مرزها بپردازد!

البته من به شما بگویم این ارجیف نخست وزیر "مادر همه عروس‌ها" نشان از درماندگی و استیصال آنان در مقابل موج اسلام‌خواهی وبیداری ملت شریف ترک است و الان مجبورند امتیاز بدهند و عقب‌نشینی تاکتیکی کنند.

****

ح – در پایان

در پایان همه کسانی‌که ممکن است تحت تأثیر کلاشی‌ها، شارلاتان‌بازی‌ها و دروغ‌پردازی‌های جناب 206 و مشاوران باهوشش قرار گرفته باشند، بدانید و آگاه باشید نور حقیقتی که جناب پورپیرار کبیر تابانده تمام خفاشان و اربابان جعل تاریخ را چنان کور کرده که چاره‌ای جز عقب‌نشینی و هذیان‌گوئی برایشان باقی نمانده است. تنها راه نجات از این ظلمات پیوستن و یا ماندن در مسیر بنیان‌اندیشی نوینی است که همه بشریت مدیون استاد عزیز خواهد بود.

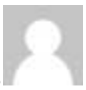
تا سعادتی باشد و درک کنند... ان شاءالله

پاسخ:

آقای نیسی. به کارهای مهم تر از صرف وقت در پاسخ نویسی به یک یهودی برسید. بایستید و ببینید چه گونه دائما در مدفوع خود فروتر می رود. شاید هم توانست به راه نمایی مراکز یهودی، کتیبه دیگری در اطراف شیراز به زبان عبری در مظلومیت قوم یهود در ماجرای پوریم حک کند. همین قدر بدانید که به دنبال یادداشت های قلم، تمام ماموران فرهنگی نان خور اورشلیم در سطوح رسمی و غیر رسمی آن در منطقه به حرکت درآمده اند. اما خرواری از این مبهمات قادر نیست تراش یکی از آن همه گل لوتوس نیمه تراش در تخت جمشید را کامل کند.

abbas

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 05:41 AM



page=4&http://www.skyscrapercity.com/showthread.php?t=901098

****
پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:07 AM

استاد خسته نباشید

مطالب جالبی بود.

موفق باشید

بختیار
پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:23 AM

استاد سلام

براستی زیبا بود و از همه مهمتر و جالب تر اخرین عکس بود

در قسمتی اشاره فرموده اید که بزودی به مدخل‌ها تاریخ معاصر وارد خواهید شد.

بسیار خبر خوش و خوبی بود.

پیروز باشید

توحید
پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:06 AM

سلام

نصب مقاله جدید را تبریک می گویم و امیدوارم هر چه سریع تر نصب مقالات ادامه داشته باشد ، استاد به نظرتان فاصله نصب مقالات طولانی نیست ؟ به هر حال گروهی از مشتاقان برای نصب هر مقاله روز شماری می کنند و دعا می کنم تمام گرفتاریها رفع شود تا با فراغ خیال بیشتری به نصب مقالات بپردازید .

استاد در مورد اسلام و شمشیر 21 در مورد واژه «تحسونهم» (آل عمران 152)فرموده اید که هیچ ریشه ای در زبان عرب امروز ندارد ، امکان دارد بیشتر توضیح بدهید ؟ منابع شما برای ریشه یابی چه کتابهایی بوده ؟ ضمن اینکه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان این توضیح گنگ و سربسته را داده اند :

کلمه «حس » به فتحه حا به معنای قتل بر وجه استیصال است ، کشتنی که انقراض بیاورد روایات بر این مساءله اتفاق دارند و تاریخ هم در داستان جنگ احد ضبط کرده است که ...

به نظرم همینکه علامه صحبت از روایات برای ریشه یابی این کلمه به میان اورده و نه رجوع مستقیم به فرهنگ لغات خود دلیلی بر مبهمی معنای این کلمه است .

در ضمن نظرتان در مورد «غنیمت» در قرآن چیست ؟ آیا به نظر شما از نظر قرآن گرفتن «غنیمت» در جنگ از دشمن تایید شده است و چنین چیزی مشروع است ؟ چون در قرآن این واژه بسیار کم به کاررفته و اکثرا خود مترجمین کلمات دیگر را به معنی «غنیمت جنگی» گرفته اند :

وَإِنَّ مِنكُمْ لَمَن لَّيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُن مَّعَهُمْ شَهِيدًا

وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ الله لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُن بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيتَنِي كُنتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا
و اگر غنیمتی از خدا به شما برسد چنانکه گویی میان شما و میان او [رابطه] دوستی نبوده خواهد گفت کاش من با آنان بودم و به نوای بزرگی می‌رسیدم

وَإِن فَاتَكُمْ شَیْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَآتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُم مِّثْلَ مَا أَنفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی أَنتُم بِهِ مُؤْمِنُونَ

و در صورتی که [زنی] از همسران شما به سوی کفار رفت [و کفار مهر مورد مطالبه شما را ندادند] و شما غنیمت‌یافتید!!! پس به کسانی که همسرانشان رفته‌اند معادل آنچه خرج کرده‌اند بدهید و از آن خدایی که به او ایمان دارید بترسید

آیاتی که در آن لفظ مستقیم غنیمت به کار رفته :

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِی سَبِیلِ اللّهِ فَتَبَیَّنُواْ وَلاَ تَقُولُواْ لِمَنْ أَلْقَى إِلَیْكُمُ السَّلاَمَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا فَعِندَ اللّهِ مَغَانِمُ كَثِیرَةٌ كَذَلِكَ كُنتُم مِّن قَبْلُ فَمَنَّ اللّهُ عَلَیْكُمْ فَتَبَیَّنُواْ إِنَّ اللّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرًا

وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَیْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبَى وَالْیَتَامَى وَالْمَسَاكِینِ وَابْنِ السَّبِیلِ إِن كُنتُمْ آمَنتُمْ بِاللّهِ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا یَوْمَ الْفُرْقَانِ یَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللّهُ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

فَكُلُواْ مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلاَلاً طَیِّبًا وَاتَّقُواْ اللّهَ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ

لَقَدْ رَضِیَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِینَ إِذْ یُبَایِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِی قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ السَّكِینَةَ عَلَیْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِیبًا

وَمَغَانِمَ كَثِیرَةً یَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِیزًا حَكِیمًا

وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِیرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَیْدِیَ النَّاسِ عَنكُمْ وَلِتَكُونَ آیَةً لِّلْمُؤْمِنِینَ وَیَهْدِیَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِیمًا

پاسخ:

آقای توحید. توضیح علامه نوعی گریز از ناشناختگی آن واژه است. تا آن جا که برخوردم هر جا لغت فاقد ریشه ای در زبان قرآن یافت شده است، کسانی از آن علیه بیان آیات سوء استفاده کرده و به میدان جنگ برده اند.

ایلدیر

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:07 AM



ایروان تاقبل از۱۹۱۵ میلادی شهری ترک ومسلمان نشین بوده،وارامنه طی سالهای ۱۹۱۵-۱۹۱۷ ازاناطولی به ان منطقه که چخورسعد نام داشت امده و۲۱۱ده مسلمان ان ایالت راقتل عام کرده اند.بیات و قجر نیز قبایل ترک ساکن ان مناطق بوده اند.

تلمیذ

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:39 PM



با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر و سایر دوستان

1- آیا کلاه آقای سوکونخا در کتیبه بیستون نیز از این نوع کلاه ها نیست؟!آیا سکونخا ار در همان زمان قاجار حک نکرده اند؟!

2- ضمنا" قاجار ها یا قجر ها ظاهرا" قوم و قبیله ای بکوچک(ونه یک ایل بزرگ)بوده اند که در تهران ساکن شده اند و تا این اواخر یک محله به نام قجر ها نیز در تهران وجود داشته است!

پاسخ:

آقای تلمیذ. کلاه سکونخا نوک تیز است. قجرها هم نه فقط یک کوچه در تهران که یک سرزمین را در اختیار داشته اند. فراموش نکنید که در ایران مردم بومی نداریم و درست مانند ایالات متحده در دو سه قرن اخیر هر کدام از مبدایی به این یا آن منطقه کوچ کرده ایم.

محمدرضا

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:03 PM

جناب نیسی. حیف از شماست که بخواهید وقت ارزشمندتان را صرف بوزینه ای به اسم ۲۰۶ بکنید. به قول استاد بگذارید در مدفوع خود دفن شود و ما نظاره گر این رویداد باشیم و انبساط خاطر بیابیم.

عابدی

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:48 PM

سلام. از دوست گرامی و عزیز آقای منصور ممنونم بابت ارسال بخش نظرات. فقط خواستم بدانم که آیا این نظرات به طور جداگانه نیز به صورت ذخیره شده دارید یا خیر.

محمد اوجال اولوتورک

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:27 PM

در ارتباط با کامنت «در باب هویت‌طلبی سروران ترک»

جناب محمد رضا نیسی، سلام

خسته نوشتن این همه کامنت در موضوعات متعدد و به اشخاص مختلف نباشید! (ضمنا، بالاخره بنده نفهمیدم این اقای 206 کیست و اظهارات و کامنتهایش، که گویا شما به آنها پاسخ داده اید، را در کجا می توان دید؟!)

در ارتباط با کامنت شما با عنوان «در باب هویت‌طلبی سروران ترک» دو نکته می خواستم خدمتتان عرض کنم:

1. عنوان کامنت شما و بحث «هویت طلبی» تورک ها، چه ارتباطی به مطالبی دارد که در ذیل آن و در ارتباط با آتاتورک و تورکیه عنوان کرده اید؟! آنچه که با عنوان «هویت طلبی»، چه در رابطه با تورک ها، و چه سایر مردمان غیر فارس کشور، مطرح است، عبارت است از تلاش این مردمان در جهت احقاق حقوق حقه انسانی خود در زمینه های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ...، و مبارزه بر علیه رژیمی که تنها، نماینده و محافظ و مدافع حقوق و منافع مردمی از مردمان مختلف این سرزمین است، و نه همه آن مردمان. اینکه این مسئله چه ارتباطی به تورکیه و آتاتورک دارد، برای بنده چندان مکشوف نیست.

2. این که آتاتورک که بود و چه کرد، و آیا بنا به قول شما «مزدور» بود یا نه، موضوعی است که می تواند مورد بررسی محققانه و مستند قرار گیرد (امیدوارم جناب پورپیرار در این رابطه هم یادداشتهایی بنویسند). فقط در خصوص تغییر الفبا در تورکیه، و سپس سایر کشورهای تورکی، از عربی به لاتین، (ضمن اینکه که قبول دارم بعید نیست این کار هم تدبیری دیگر از سوی یهودیان برای هرچه بیشتر جدا کردن مردمان امت مسلمان از یکدیگر بوده باشد) این را بگویم که الفبای عربی، از آنجا که سه مصوت کمتر از زبان تورکی دارد، الفبایی کارآ و مناسب برای آن (تورکی) نیست. به عبارت واضح تر، تورکی دارای 9 مصوت است، در حالی که عربی دارای تنها 6 مصوت می باشد، که سه تای از آنها (مصوتهای کوتاه) هم اساسا نوشته نمی شوند. و این موضوع باعث مشکلات فراوانی در خواندن و نوشتن کلمات و جملات تورکی می شود (کسی که با زبان تورکی به میزانی اندک هم آشنایی داشته باشد، این را به راحتی درک می کند). در حالیکه این مشکلات در الفبای لاتین وجود ندارد و خواند و نوشتن به تورکی با آن بسیار آسانتر است.

موفق باشید

پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 8:10 PM

با سلام آقای محمد اوجال

۲۰۶ نام مستعار و کد شده ای است که یک آنوسی شناخته شده بر خود گذارده. مدتی است که وی به کمک و پشتیبانی یهوه اندیشان به خیال خود در جهت مقابله با اندیشه ها و بنیان اندیشی که استاد پایه گذار آن در جهان هستند برآمده و به ایمیل دوستان نامه پراکنی مینمایند غافل از اینکه:

ای مگس عرصه سیمرغ نه جولان گه توست عرض خود میبری و بس

این هم نمونه ای از این فایلها

http://rapidshare.com/files/411220100/Taamol_1.pdf

http://rapidshare.com/files/411219066/taamol_2.rar

اگر مایل بودید بقیه را به ایمیل شما خواهم فرستاد.

حاجی زاده
پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:05 PM

سلام و خسته نباشید خدمت استاد گرامی و دوستان محترم

از آقای 206 معرفی نامه ای خواسته بودیم که ایشان اجابت کردند و طی یادداشتی تحت عنوان آفتاب بر یخ، شرح مبسوطی از هویت، دغدغه های فکری، تعلقات خاطر، هدف و سطح فکر و قوه تحلیل شان را ارائه دادند!

آقای 206 مراقب خودتان باشید دارید به قهقهرا می روید.

abbas
پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:51 PM

http://www.zarrinkafsch-bahman.org/6.html

پاسخ:

آقای عباس. عکس های جالبی بود. هرچند مقداری از آن ها باز نشد. ممنون

سایه
پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:59 PM

با سلام

استاد عزیز خسته نباشید.

جناب عابدی عزیز ان شالله که به سلامت و دل خوش برگشته باشید.

abbas
جمعه 15 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:56 AM

http://www.qajarpages.org/fathalishahchildren.html

پاسخ:

آقای عباس. سئوال این است که این لشکر جرار میرزاها که لابد هرکدام دم و دستگاهی با خود یدک می کشیده اند، شب ها کجا تولید مثل می کرده اند، این اسامی شاپور میرزا و بهرام میرزا و منوچهر میرزا و هرمز میرزا و ایرج میرزا و کی خسرو میرزا و بهمن میرزا را در آن سال های دور از کدام نسخه شاه نامه برداشته اند و در حالی که در تمام شهرهای ایران بازار و داد و ستد و مالیات پردازی نبوده است، مخارج این زرق و برق و اطوارها را از کجا تامین می کرده اند؟!

abbas
جمعه 15 مرداد ماه سال 1389 ساعت 07:09 AM

http://www.iranian.com/main/singlepage/2008/qajar-prince-russia

پشت پرده آنوسی ها

جمعه 15 مرداد ماه سال 1389 ساعت 08:42 AM



پشت پرده آنوسی ها(پاسخ به پشت پرده مهدی خزعلی)

یادش بخیر، کوچه پس کوچه های قم، از مدرسه که برمی گشتیم، سر گذر2 ریال می دادیم و با تفنگ بادی سه بار هدف گیری می کردیم، ترقه هایی روی تخته هدف چسبانده بودند، که اگر به هدف می خورد منفجر می شد و صدایش در می آمد، نمی دانم، چرا هر وقت از آنوسی ها – یهودیان مخفی – می نویسم، سایت ها و نشریات خاصی واسرائیل به من حمله می کنند! حتماً به هدف زده ام، اینبار صهیونیست ها عریان به صحنه آمده اند، اشتباه نکنید، من با برادران هموطن یهودی و پیروان حضرت موسی کلیم الله(ع) مشکلی ندارم، من با صهیونیست ها و آنوسی ها می ستیزم. و بر این باورم که هر کس هر اعتقادی دارد، شفاف بیان کند، بر کسی تحمیل ننماید، نفاق نورزد و خیانت نکند.

چندی پیش به مناسبت فوت شجاع الدین شفا، مقاله ای نوشتم، او را آنوسی خوانده و پشت پرده حملات او به اسلام را آشکار کردم، همان روز برخی سایتها که برای من دستهای مرموز آنوسی در پشت پرده آنان روشن بود، مقدمه کتاب هویت را بی مقدمه منتشر کردند، اینک که رصدخانه را دایر کردم، بیش از دو روزاز انتشار اسناد رصدخانه نگذشته بود که از من خواستند، رصدخانه را تعطیل کنم، من نیز موقتاً سکوت کردم.اما امروز پشت پرده آنوسی ها یعنی صهیونیست ها، در سایت " صهیونیسم نوین" بی پرده و آشکارا حمله به من را آغاز کرد. من از این که دشمن را برهنه وارد صحنه کرده ام خرسندم، پیش از این نیز در مورد مقاله " قوم یهود در ایران" سایت وزارت خارجه اسرائیل در مخالفت با من وارد صحنه شده بود. باز هم می گویم: آنوسی ها - یهودیان مسلمان نما - با هدایت و حمایت صهیونیست ها خوابهای بدی برای ما دیده اند، ما را بین جنگ و یا تسلیم به حاکمیت این تبار قرار داده اند و هیهات منا الذله

در سایت " صهیونیسم نوین " شش سئوال از من طرح شده است که برای تنویر اذهان پاسخ می گویم

۱: نقش سعید امامی ، حسین شریعتمداری و حسین پناه در موسسه حیان چه بود؟

۵: چقدر بودجه از وزارت اطلاعات ، دفتر رهبری و بنیاد مستضعفان برای موسسه حیان دریافت کردید؟

ج : حیان را - که یک انتشارات خصوصی کتب پزشکی است - از یک زیر پله در دوران انترنی شروع کردم و سپس یک طبقه در کوچه عبدی نژاد اجاره کردم، از هیچ منبعی کمک نگرفتم وازهیچ ارگان دولتی ریالی دریافت نکردم و وامدار هیچ فرد یا نهادی نیستم، این سه نفرهیچ ارتباطی با حیان نداشته وندارند، مرابا تبارحسین بازجو و امامی چه کار؟ شریعتمداری همان کسی است که از پدر اعلام برائت مرا می خواست، من از افکار و دین او اعلام برائت می کنم و قاطعانه اعلام می کنم حتی یک لحظه با او و امثال او همراه و همگام و همکار نبوده ام. من کیهان را روزنامه نمی دانم، بهتر است آنرا شبنامه بنامیم. جریده ای هتاک و دروغگو که از بیت المال مسلمین ارتزاق می کند.

۲:نقش شما در تهیه برنامه هویت از صدا و سیما چه بود؟

ج: من هیچ نقشی در برنامه تلویزیونی هویت نداشم، اما آن برنامه را بصورت مکتوب منتشر کردم تا سندی در تاریخ بماند، و بارها اعلام آمادگی کردم تا پاسخ کسانی که در برنامه هویت نامی از آنها رفته است - و امکان پاسخ در صدا و سیما به آنها داده نشده است - را در کتاب هویت 2 منتشر کنم، اما هیچ پاسخی دریافت نکردم، جالب است بدانید که افرادی مثل هوشنگ گلشیری با انتشار کتاب موافق بودند و کسانی مثل علی لاریجانی علیه من شکایت به دادگاه بردند، و تنها خواسته لاریجانی این بود که از ادامه انتشار کتاب خودداری کنم. باز وکیل شوخ طبع من در محضر دادگاه از وکیل لاریجانی - که نابینا بود - پرسید:" آقای قاضی از وکیل شاکی بپرسید، آیا فیلم هویت را دیده است؟" معلوم است که ندیده است!! و قاضی تذکر داد: " آقای وکیل شوخی نکنید" من بر آن بودم که هویت 2 را به بررسی هویت مسئولین نظام بپردازم که نشد یا ......

اما امروز از آن برنامه فقط کتاب هویت است که در دست محققین می باشد، از برنامه چراغ چیزی در دست نیست، ایکاش آن حرکت منفی راهم مستند کرده بودیم.

۳:نقش شما در گروه فداییان اسلام ناب محمدی و به طور خاص قتل مرحوم پیروز دوانی چیست؟

با این گروهها ارتباطی نداشته و نخواهم داشت، درتفکر اهل بیت ترور- به قول آقایان حذف فیزیکی - جایی ندارد، وگرنه مسلم در خانه هانی کار ابن زیاد را تمام می کرد و کربلایی پیش نمی آمد.

۴:نقش شما در بولتن محرمانه وزارت اطلاعات چیست؟

هیچ نقشی نداشتم و با بولتن سازی و خط دهی مسئولین نیز مخالفم، مسئولین خود باید اهتمام داشته باشند که بولتن سازها با اخبارهدفدارو سست آنها را نفریبند

۶:نقش شما در تاراج معادن خاک سرخ جریزه هرمز و همکاری با شخص علی فلاحیان در این زمینه چیست؟

من ارتباطی با خاک سرخ هرمز ندارم و تنها خاک سرخی که می شناسم، خاک سرخ گلگون به خون برادر شهیدم حسین است، نام من مهدی خزعلی فرزند ابوالقاسم است، مدیر عامل شرکت باستان معدن - مالک خاک سرخ هرمز - محمد مهدی فرزند مصطفی است. با علی فلاحیان هم هیچ همکاری نداشته ام و او نیز هیچ ارتباطی با خاک سرخ ندارد

http://drkhazali.com/index.php?option=com_content&view=article&i

ستاره داود و رساله آیت الله نوری هم

جمعه 15 مرداد ماه سال 1389 ساعت 08:50 AM

ستاره داود و رساله آیت الله نوری همدانی

آیت الله نوری همدانی که در کارنامه خود حمایت از بنی صدر ومتعاقب آن اخراج از جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را دارد، در میان شش مرجع تقلید جایز التقلیدِمعرفی شده از سوی جامعه مدرسین نمی باشد،من هنوزکسی ازعلما یا مدرسین را نمی شناسم که ایشان را برای مرجعیت معرفی کرده باشد! اما حمایت وی از جناح حاکم و دولت فعلی، فضای رسانه ای را برای ایشان باز و تا حدودی در جامعه مطرح شدند، تا جایی که رسانه ملی صحنه شعار دادن ایشان - که خلاف شان مرجعیت بود!- راپخش کرد، در واقع ایشان در این صحنه به جای وزیر شعار - که می گویند بازنشسته شده است - انجام وظیفه کردند.

اما سئوال من این است، با عنایت به کلام رهبری در مورد " ستاره منحوس داود" صدها ستاره داود در روی جلد رساله عملیه ایشان چه می کند؟ من هر کجا که ستاره داود را دیدم رد پای یهودی تباران جدید الاسلام و آنوسی ها را جستجو کردم. من این جستجو و تبار شناسی را به معظم له می سپارم. امیدوارم پاسخی شایسته بیابم.

و اما کلام رهبری:

" صهیونیست ها هر نقطه ی دنیا که خواستند یک ساختمانی بسازند آن علامت نحس ستاره داود را سعی کردند یک جوری رویش تثبیت کنند. "

30/4/89 مهدی خزعلی

http://drkhazali.com/index.php?option=com_content&view=article&i

پاسخ:

آقای خزعلی. در قرآن نام و عنوان آنوسی نیامده و کلیت یهود را نجس و ملزم به پرداخت جزیه گفته است. از شما که دائما دنبال سوژه اید، سئوال کنم: آیا با۲۷۵ مقاله در باب ایران شناسی بدون دروغ و ۸ جلد کتاب و ۴ فیلم مستند و لااقل ۱۰۰ مقاله پراکنده مربوط به خراب کاری های یهود در ذهن مردم جهان و به خصوص مسلمین را دیده و خوانده اید؟! اگر آری چرا دستور یهودیان در باب مسکوت گذاردن آن ها را اجرا می کنید و مثلا در موضوع مستند طوفانی «تختگاه هیچ کس» که چشم های بسیاری را گشوده است درست در راستای خواست یهود سکوت کرده اید؟!

abbas

جمعه 15 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:11 AM

http://www.armenian-history.com/Armenian_mythology.htm

فتح
جمعه 15 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:24 PM


این هم تائیدی دیگر بر نظریه کاشی کاری آقای پورپیرار به همراه عکس:

گنبد مسجد امام (ره) اصفهان چین خورد!

http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=112501

پاسخ:

آقای فتح. حالا باید آن ابلهانی بیدار شوند که مسجد و مقبره هایی پر از کاشی های تمیز و نفیس از زمان یعقوب لیث صفاری در خیال خود ساخته اند.

khalil
جمعه 15 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:30 PM


با سلام و خسته نباشید خدمت استاد عزیز

استاد من هر موقع با مردمان ترکیه هم صحبت می شوم شاهد علاقه و اعتقاد شدید آنها به دین اسلام می شوم که حتی الگو ی رفتارو زندگیشان را از قرآن و(احادیث پیامبر!!) بر می دارند و از یهودیان چنان نفرت دارند که بزرگترین دشمن خود و اسلام می دانند واز طرفی دلسوزی خود را نسبت به فلسطین اشغالی نشان می دهند و دو کشور ایران و ترکیه را مانع بزرگی بر سر راه آمریکا و اسراییل می دانند.حتی وقتی من در مورد جعلی بودن مولانا توسط یهودیان و نشانه های شش پر آنها در گور این شاعر صحبت کردم مغزشان سوت کشید و به فکر فرو رفتند و امکان هم دارد کسانی پرواز توهمی استاد شمس و امام مولانا بر آسمان را بر واقعیت ترجیح دهند!!

استاد به نظر من اگر فردی را برای ترجمه اسلام وشمشیر پیدا کنید که به زبان ترکی ترجمه کند واقعاً تأثیر گذار مردم ترک خواهد بود.

ممنون از یادداشتهای مشهد که منتظر این یادداشتها بودم .

پاسخ:

آقای khalil. باید صبور بود و منتظر امداد الهی ماند شاید کمکی رسید و به ترجمه اسلام و شمشیر به زبان ترکی منجر شود.

محمد اوجال اولوتورک
جمعه 15 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:57 PM


جناب نیسی، از بابت لینکها ممنونم.

در ارتباط با آقای 206، گمان می کنم پرداختن به مطالب وی و نوشتن پاسخ برای آنها چندان هم ضروری نیست. به هرحال، مگر در طی 10 سال گذشته، صدها تن با نامهای آشنا و غیرآشنا، در کتب و نشریات متعدد و بصورت مستقیم و غیر مستقیم، بر علیه استاد پورپیرار و کتب و نوشته های بی بدیل ایشان قلم فرسایی نکرده و نمی کنند؟ و مگر اینها، نتیجه ای هم از این اقداماتشان گرفته و اساسا می توانند بگیرند؟؟ اگر نه، پس آقای 206 را هم به جمع آنها بیافزایید.

موفق باشید

محمد اوجال اولوتورک
جمعه 15 مرداد ماه سال 1389 ساعت 5:09 PM


آقای khalil ، سلام

همانطور است که می فرمایید. بنده، از آنجا که خودم (باصطلاح) تورک هستم، و از این رو علاقه و توجه خاصی به تورکیه داشته ام، طی چند سال گذشته آشنایی زیادی با تورکیه و برادران مسلمان تورکیه ای پیدا کرده ام. مسائلی که ذکر کرده اید کاملا درست است، اما مسئله اصلی، اندیشه های سیستمداران و کارگزاران و متولیان فرهنگی و دانشگاهی است. مثلا، یکی دو هفته پیش، با یک استاد دانشگاه تورکیه ای (که ظاهرا استاد - باصطلاح - زبان فارسی بود)، بواسطه یکی از سایتها، آشنا شدم. پس از آشنایی بیشتر (از طریق

مکاتبات ایمیلی)، مطلع شدم که ایشان با کتب و اندیشه های استاد پورپیرار باخبر هستند. از چگونگی این آشنایی پرسیدم، گفت: «چند سال پیش یکی از انتشاراتهای تورکیه به من پیشنهاد کرد که "تاملی در بنیان تاریخ ایران" را ترجمه کنم. من هم کمی کتابها را مطالعه کردم، اما بعدها به دلایلی پیشنهاد را قبول نکردم.» علت عدم قبول پیشنهاد را پرسیدم، گفت (نقل به مضمون):

« گرچه ادعاهای پورپیرار در رابطه با پارس ها و پرسپولیس قابل تامل است، اما اظهارات منبعث از اطلاعات اندکش در ارتباط با کتیبه های اورخون، تاریخ تورک و زبان تورکی و ...، قابل اعتنا نیست. این ادعاهای سست پایه اش در رابطه با زبان تورکی و تورک ها تنها چهره وی بعنوان یک مورخ را خراب کرد (!) ...»

در ادامه هم، پس از اینکه من ایمیلی در دفاع از اندیشه ها و نوشته های استاد برایش فرستادم، پس از تکرار دیگر گونه ی مطالب فوق، در نهایت نوشت: «... بحث و گفتگویمان در این موضوع را عبث و بیهوده می دانم (!!!)». (گرچه این را هم بگویم که وی بدون هیچ گونه چشمداشتی، کمکهای فراوانی در جهت ترجمه برخی از نوشته های استاد به تورکی تورکیه، به بنده کرده و می کند)

و من هم بلافاصله به یاد آن وجیزه و کلام درخشان استاد در یکی از یادداشتها افتادم، که:

«... اینک مهار دانایی های عمومی، در حوزه های معینی از هستی و هو یت اقوام کهن، و به طور کلی در علوم انسانی، به دست اورشلیم است ... »

...

به هر حال و به گمان من، امکان گسترش و اشاعه اندیشه های استاد در جامعه تورکیه، ـ به دلایلی که برای پرهیز از اطاله کلام لازم به ذکر نمی بینم ـ بسیار بیشتر و آسانتر از کشور ایران و بسیاری از کشورهای مسلمان دیگر است. بنده هم البته بعنوان یک تورک، واقف به وظیفه بزرگی که در این رابطه بر گردنم است، می باشم که امیدوارم از عهده برایم.

موفق باشید

عابدی

جمعه 15 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:15 PM



سلام

استاد به ایران شناسی بدون دروغ، 269، نتیجه 77، قلم 6. نگاه کنید، جملاتش پس و پیش شده است. مرسی.

ضمنا تا چندی دیگر به تهران میام.

توحید

جمعه 15 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:40 PM



سلام استاد

خسته نباشید

قابل توجه کسانی که معتقدند حقیقت وجود دو «اسرائیل» و دو «یوسف» در قرآن بی سند است و غیر واقع و مستند قرآنی ندارد (بخصوص جناب 206)

پس چشمان خود را باز کنید که در قران کریم به جز دو «اسرائیل» و دو «یعقوب» و اینکه به هیچ وجه «یعقوب» همان اسرائیل نیست ،

در قرآن ما دو «هارون» داریم ، یکی هارون پیامبر ، برادر موسای پیامبر

دیگر «هارون» برادر مریم که پیامبر نبود :

يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا

استاد همین که چنین نکات نابی از قران قرنها دور از دیده ها می ماند و تازه به حقایق آنها می رسیم نشان می دهد که چگونه 500 سال در خواب بودیم و نسبت به چنین نکات ظریف قرآنی غافل بوده ایم .

جمعه 15 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:51 PM

استاد

به نظرم این تصویر مسجد امام را در مقالاتتان قرار دهید سند خوب باشد . نظرتان چیست ؟

http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=112501

عابدی

جمعه 15 مرداد ماه سال 1389 ساعت 7:15 PM

با توجه به فیلتر شدن و حذف چندین وبلاگ حق و صبر، برآنیم تا تمامی نوشته های استاد پورپیرار که در سایت است را به صورت سی دی در اختیار علاقه مندان قرار دهیم. ممنون خواهم شد از دوستانی که مصاحبه های و نقدهای صورت گرفته پیرامون نوشته های استاد که در سایت نیست را برای من ارسال کنند. ضمنا سعی خواهد شد در این سی دی آخرین ویرایش فنی که روی ایران شناسی انجام شده است بهره گیریم.

ضمنا سعی می کنم مشکل تصاویر ایران شناسی را تا چند روز دیگر حل کنم. ضمن این که بخش بزرگش حل شده. همچنین برای رفع خطا به هنگام ورود به سایت به جای سه w از کلمه ی دیگری استفاده کنید.

استاد غفوری اگر ممکن است شماره موبایل خود را برای من ایمیل کنید.

محمد رضا نیسی

شنبه 16 مرداد ماه سال 1389 ساعت 01:34 AM

سلام‌علیکم

**********سنگ روی یخ **********

استاد عزیز همانگونه که در پاسخ کامنتم مربوط به " پنجشنبه 14 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:47 AM " بسیار دقیق اشاره کردید حرکات مذبوحانه ایادی آگاه و ناخودآگاه یهود بعد از یادداشت‌های کوهسان "قلم" به شکل فزاینده افزایش یافته است و مطمئنا این ندانم‌کاری‌ها باعث اشاعه و گسترش روزافزون بنیان‌اندیشی خواهد شد و نور حقیقت خفاشان به ویژه از جنس نام مستعار و کدشده 206 را به شدت آزرده است.

مطلب مبسوط و مفصلی برای روشن کردن زوایای نه‌چندان پنهان این "کلاش" شارلاتان آمده کرده بودم، که با عنایت به توصیه شما با حذف بخش‌های توصیفی و توضیحات آن فقط خلاصه‌ای را می‌آورم که چماق نبودن هم‌آورد را از دست این نوکر یهود و باستان‌پرستان شونیست به درآورم و حجت بر کسانی که هنوز بنیان‌اندیشی آنان در حد یک لایه نازک باقی مانده و تحت تأثیر این "کلاشی" قرار گرفته باشند، تمام شود:

1-بحث‌هائی که اکنون در مباحث "ایران‌شناسی بدون دروغ" می‌خوانیم از روز اول بدین شکل قابل طرح نبوده است. مثلا قبل از شروع

مباحث "ایران‌شناسی بدون دروغ" برای یاد کردن از محوطه "جعلی" پاسارگاد، به کار بردن تعابیری مانند "جعلی" طبیعتا محلی از اعراب نداشته و هر نویسنده و یا گوینده‌ای ناچار است برای اینکه به بی"منطق" بودن متهم نشود از به کار بردن لفظ "جعلی" برای پاسارگاد خودداری کند و این استدلال برای همه آیتم‌های تاریخی دیگر صادق است.
اما اکنون دست ما به لطف تحقیقات عظیم جناب پورپیرار پر است و به ایادی باستان‌پرستان شوینیست و یهود مانند جناب 206 و مشاوران باهوشش که می‌خواهند با پوشش هویت‌طلبی که خواسته امثال من است، به طور ضمنی اصالت پاسارگاد "جعلی" را به ما قالب کند، می‌گوئیم که شما بیش از "سنگی روی یخ" نیستید...

2-با این نظریه‌ها و استدلال‌های بی‌بدیل و بدیع دار و دسته "سنگ روی یخ" (جناب 206 و مشاوران باهوشش را عرض می‌کنم) ژان پل سارتر حق نداشته نظریه خود را در باب اگزیستانسیالیسم ارائه دهد.
سارتر سخنگوی حزب کمونیست فرانسه بوده و به دیدار استالین جنایتکار رفته است و یا چون نمایشنامه‌نویس بوده ویا چون در گفته‌های قبلی خود به غیر از اعتقادات جدید خود را می‌گفته، حق نداشته که نظرات جدیدی به غیر از آنچه در گذشته معتقد بوده را بدهد.
دار و دسته "سنگ روی یخ"! اگر قرار باشد بعد از آن نظریه‌پردازی‌های مضحک در باب آوار آثار باستانی، از این استدلال شما پیروی کنیم حال و روزمان می‌شود حال و روز "درمانده و سرخورده" شما که برای پاسارگاد جعلی به صورت ضمنی اصالت قائل شویم.
...

محمد رضا نیسی

شنبه 16 مرداد ماه سال 1389 ساعت 01:35 AM

...

دار و دسته "سنگ روی یخ"! با این استدلال‌های خنده‌دارتان تکلیف سیر تکامل اندیشه فرد بر اساس معلومات و تکامل عقلی چه می‌شود؟ باید آنرا تعطیل کرد؟ اگر روز اول حرفی زدیم باید تا آخر عمر همان حرف را بزنیم حتی اگر ثابت شود اشتباه است؟
جناب 206 و مشاوران معظم‌له(دار و دسته "سنگ روی یخ") درست شما از همان روز اول می‌گفتید پاسارگاد جعلی نیست و امروز هم به طور ضمنی همین حرف را می‌رنید ولی امروز به لطف تحقیقات استاد عزیز نه تنها جعلی بودن پاسارگاد ثابت شده که حقایق بسیار دیگری همانند بحث عظیم "قلم" بر ما روشن شده و ما را در موقعیت جدیدی قرار داده و می‌توانیم به مانند "آفتاب بر یخ" !!! امثال شما را ذوب کنیم

3-دار و دسته "سنگ روی یخ"! "به خودتان نگاه کنید چقدر از وقتتان به زدوخوردهای کلامی با این و آن ... می‌گذرد"! "به خودتان نگاه کنید چقدر به حاشیه‌پردازی و پرگوئی‌هائی که "مفت نمی‌ارزد" علاقمندید؟
بر خلاف میل شما از هر فرصت و روزنی برای نشر آثار استاد عزیز استفاده می‌کنیم و بدون ملاحظه‌کاری نظرات خود را و لو در باب انتقاد از یاران بنیان‌اندیش باشد، بیان می‌کنیم و بهتر است شما نگران آب شدن یخ‌تان باشید که بعد از آن چیزی برایتان باقی نمی‌ماند.

4-دار و دسته "سنگ روی یخ"! آنچه درباره یادداشت‌های طولانی و فاقد مغزتان نوشته شد، نقد و بهانه نبوده بلکه "شکستن ستون فقرات" بوده و منتظر "کشیدن زحمت فشردن یک آیکون Send از سوی شما" درباره مبحث قلم هستیم.

م

شنبه 16 مرداد ماه سال 1389 ساعت 01:41 AM

سلام.هیچ نیازی به آوردن استدلال در برابر 206 یا مرسدس بنز نیست. نگاهی کلی به حرفهای او، می تواند ما را در تعیین تکلیف با او راهنمایی کند.
در یکی از یادداشتهایش (که البته من مثل او مزدور یا احمق نیستم کدپستی نوشته ها را بیاورم) خود را شیعه 12 امامی نامیده و به حدیثی استناد کرده است که در آن، اسراییلیاتی را در دهان پیامبر می نهد که ایشان فرموده اند: الحرب خدعه.
کمی اندیشه، نشان می دهد که او در وضعیت جنگی است و به جنگ و حرب اشاره دارد. او دوست نیست، دشمن است. او مدعی است

که ایمیل ها را به افراد خاص می فرستد. این هم بدین معنی است که گیرندگان این ایمیل، در نقش برجک ها و اهداف مهم جهت شلیک های توپخانه است و ایمیل ها هم گلوله های کنیسه که مگر کس دیگری با ما سر جنگ دارد؟

281 و 206 هم کدهای غلط اندازند. یا اینها هم مشمول الحرب خدعه اند و یا او آن قدر گوساله نفهم است که به همین نکته هم دقت ندارد که در این صورت، واقعا باید به حال کنیسه گریست و به کمثل الحمار یحمل اسفارا، ایقان یافت.

بیش از این وارد توضیح چرندیات او نمی شوم که به لعنت هم نمی ارزد. صرفا جهت کسانی نوشتم که وقت خود را صرف اشباح می کنند.

الاغ گوش درازی چون او، از سلاله نجس همان بوزینه ایست که به نام آنتی پورپیرار می نویسد و بعد از سالها، هنوز شهامت معرفی خود را ندارد ،حمار طاحونه اند و لاغیر. بگذارید به کاسبی خود بپردازد والله متم نوره هر چند اکنون به مرحله "یارم، یارم" رسیده است(اصطلاحی که وقتی خواننده های مجالس عروسی ،دیگر چیزی برای خواندن ندارند، تکرار می کنند!).

حال تکلیف شما چیست؟ با دشمن علنی خود، از در گفتگوی تمدنها وارد می شوید؟ یعنی همان چیزی که او از شما می خواهد؟

مکن کاری که دشمن گوید آن کن/که بر زانو زنی دست تغابن

اکنون می توان فهمید چرا کسی که همه این جار و جنجال ها به خاطر اوست، آرام نشسته و هزاران ایمیل و وبلاگ و ar-ar و غیره را، به چیزی! هم نمی گیرد!

صحیح آن دعا هم دوست عزیز، بدین صورت است:

اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلوة القائمة آت محمدا الوسیلة و الفضیلة و ابعثه مقاما محمدا الذی وعدته انک لاتخلف المیعاد

در ضمن اگر بناست اسلام و شمشیر به ترکی ترجمه شود، به نظرم همکاری های مساعد زیادی موجود است. تضمینا دوستان ترک زبان همکاری خوبی خواهند داشت.

یه دانشجو

شنبه 16 مرداد ماه سال 1389 ساعت 06:15 AM

استاد محمد رضا نیسی: قصدم دفاع از آتا ترک نیست که ایشان احتیاجی به پیام بنده در پیامگیر سایتی ندارند.می بخشید که فضولی می کنم اما پیام های جنابعالی سوالی برایم ایجاد کردند که هر چه به این مغز کوچک ام فشار آوردم نتوانستم پاسخی برایش پیدا کنم. مطمین هستم که مشا پاسخ قانع کننده ای برایش دارید. فرض کنیم که آنطوریکه دشمنان اش افترا بسته اند آتا ترک یهودی بوده و آتا ترک همجنس گرا بوده. اتا ترک خائین بوده . آتا ترک جاسوس بوده و غیره.

شما اگر دز آن زمان بجای آتا ترک بودید و کشورتان از هر چهار جهت توسط دشمنان مسیحی اشغال می شده چکار می کردید.؟

اولا: اینکه تغیر خط باعث چدایی ترک ها از دنیاش اسلامی شده هم درست نیست برای اینکه اکثرا معتقد هستند که پایگاه اسلام در ترکیه از خیلی ا ز کشور هایی که خودشان را اسلامی میدانند محکمتر و با ثبات تر است. ثانیا: قبول داریم که همه انسانها-- مخصوا در دوره های غیر عادی مانند جنگ و ویرانی کشور و غیره دچار اشتباه می شوند و آتا ترک هم از این قاعده اشتثنا نیست و احتمالا ایشان هم دچار اشتباهات زیادی شده اند و در دوره ای هم ترکیه نگهبان منافع غرب بوده اند اما در جاهایی هم مانند اجازه ندادن به آمریکا برای استفاده از پایگاه هایش برای حمله به عراق و سیاست های اخیرش مستقل عمل کرده و اصول انسانی را فدای منفعت های مالی نکرده اند و می شود ایراد های خیلی به دولت کنونی و قبلی ترکیه هم وارد دانست اما ایا عملکرد آتا ترک و آن جنگ حماسی ازادی بخش اش را می توان خیانت نام نهاد.؟ ایا مطمین نیستید که اگر آتا ترک رهبری آن جنگ با شکوه استقلال را به عهده نمی گرفتند ای بسا که الان با چند دولت خیلی کوچک مسیحی در منطقه روبرو بودیم.

یه دانشجو

شنبه 16 مرداد ماه سال 1389 ساعت 06:23 AM

اقای محمد اوجال اولو تورک: بنیان اندیش عزیز: چرا از گفتن اینکه شما هم ایرانی هستید و زبان فارسی زبان ملی ماست خجالت می کشید.؟ من به اصطلاح ترک هستم یعنی چه.؟ بالاخره ترک هستید یا نه.؟ اگر ترک هستید که از اسم انتخابی تان هم معلوم است که

هستید و بهش فخر هم می کنید نمی توانید بنیان اندیش باشید. قبل از همه باید از این توهمات ترک بودن دست کشیده و با خلوض نیت ایرانی بودنتان را اعلام کنید. می بخشید که بدون رو درواسی حرفم را زدم که نخواستم در جاده های گمراهی عمرتان را بهدر دهید.

علیرضا

شنبه 16 مرداد ماه سال 1389 ساعت 07:58 AM

ناصر خان در مورد اشاره تان به آقای خزعلی لازم است بگویم در طول این دهه ها و سالیان اخیر، دهها نفر با انگیزه و رویکردهای گوناگون به نقد یهودیت و موش دواندنهای آنان در میان مسلمانان و مباحثی بی شماری نظیر اینها دست زدند که بی اغراق مهمترینشان شما و بحث پوریم هستید، اما هیچ کس ندیده شما در طول این سالها نسبت به سخن هیچ یک از این آدمها واکنشی نشان دهید. آنها کار خودشان را کردند و عموما با سکوت عمومی مواجه شدند. خوب الان هم وضع به همان صورت است: شما کار خود را می کنید و دیگران ضمن استفاده یا مخالفت چیزی از شما نمی گویند و در سکوت کار خودشان را دنبال می کنند. چیزی فرق کرده؟؟ سکوت یهودیان یا طبق فرمان یهود هم در مورد همه با تفاوتهایی صادق است و رعایت می شود. هر چند سکوت شما مثلا در باره آقای خزعلی در گذشته یا اکنون هیچ ربطی به این خواست یا فرمان یهود نداشته است. شما فقط دنبال کار خود بودید و امروز هم بقیه دنبال کار خودشان اند.

علیرضا

شنبه 16 مرداد ماه سال 1389 ساعت 07:59 AM

ناصر خان در مورد اشاره تان به آقای خزعلی لازم است بگویم در طول این دهه ها و سالیان اخیر، دهها نفر با انگیزه و رویکردهای گوناگون به نقد یهودیت و موش دواندنهای آنان در میان مسلمانان و مباحثی بی شماری نظیر اینها دست زدند که بی اغراق مهمترینشان شما و بحث پوریم هستید، اما هیچ کس ندیده شما در طول این سالها نسبت به سخن هیچ یک از این آدمها واکنشی نشان دهید. آنها کار خودشان را کردند و عموما با سکوت عمومی مواجه شدند. خوب الان هم وضع به همان صورت است: شما کار خود را می کنید و دیگران ضمن استفاده یا مخالفت چیزی از شما نمی گویند و در سکوت کار خودشان را دنبال می کنند. چیزی فرق کرده؟؟ سکوت یهودیان یا طبق فرمان یهود هم در مورد همه با تفاوتهایی صادق است و رعایت می شود. هر چند سکوت شما مثلا در باره آقای خزعلی در گذشته یا اکنون هیچ ربطی به این خواست یا فرمان یهود نداشته است. شما فقط دنبال کار خود بودید و امروز هم بقیه دنبال کار خودشان اند.

پاسخ:

آقای علی رضا خزعلی. هرچند از وجود این ده ها نفر بی خبرم، این را می دانم که یهود درباره هیچ یک از آنان دستور سکوت نداده، هیچ یک مستند های موضوعه را نساخته و به کشورهای شینگن و آمریکا و کانادا و استرالیا به جرم یهود ستیزی ممنوع الورود نشده اند! در اساس بررسی های ایران شناسی بدون دروغ و سایر نوشته ها رو به یهود ندارد، هشدار به خودمان است که با بی هویتی تاریخی و فرهنگ قلابی خودمان آشنا شویم که در قله آن حافظ شیرازی و در زمانی ایستاده که هنوز شیراز ی بر زمین نبوده است. موضوع این است که هرچند حضرات از جاده ای کاملا کوبیده می گذرند ولی هنوز هم جرات عبور از میان برها را ندارند. در واقع اگر فقط از پس گذر از کوچه قلم هم برایند، قلم ها ی شان را به سوی دیگری خواهند چرخاند.

abbas

شنبه 16 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:20 AM

http://zarrinkafsch-bahman.org/19.html

مهران حقیقت

شنبه 16 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:54 AM

جناب آقای عابدی

با سلام

بنده مطالب ایران شناسی بدون دروغ را تا شماره های ۲۰۰ در اختیار دارم.

لطفا ایمیل خود را برای ارسال اعلام نمایید.

موفق باشید

سعید ابراهیمی

شنبه 16 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:15 AM

در پاسخ به یه دانشجو:

نظرتان را به آقای محمد اوجال اولو تورک خواندم.

به نظر میرسد شما هنوز در توهم ایران و ایرانی بسر می برید یعنی اینکه شما اصلا مطالب این سایت را نخوانده اید. لازم است یاد اوری کنم قبل از ۱۹۳۵ کشوری به اسم ایران وجود نداشته که الان شما با افتخار ازآن یاد می کنید. در نهایت کشور ایران یک قرارداد اجتماعی است که میتواند هر ان توسط ملت های ساکن آن لغو شود چنانکه قبلا چنین شده است و حتما در آینده نیز با این وضعیت موجود چنین خواهد شد. در ضمن بنیان اندیشی چه ربطی به ترک بودن و یا نبودن دارد. شما اصلا بنیان اندیش نیستید چون ایرانی (جعل آشکار) هستید

مهران

شنبه 16 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:48 AM

وزیر خارجه صدام اوباما را ریاکار شمرد و ایران را آغازگر جنگ!

طارق عزیز به جرم جنایت علیه بشریت به 15 سال زندان محکوم شده است. این پیرمرد 64 ساله چند حمله مغزی داشته است و ماه گذشته به شکلی ضعیف در دادگاه ظاهر شد. او این مصاحبه بیان داشت: «صدام مرد مغروری بود. او باید از شان عراق دفاع می کرد و نشان می داد که نه اشتباه می کند و نه ضعیف است. حالا ایران در حال ساخت بمب اتمی است. همه این مساله را می دانند اما هیچ کس کاری نمی کند. چرا؟»!! / «ما همگی قربانیان آمریکا و انگلیس هستیم. آن ها کشور ما را به طرق مختلف نابود کردند.»

http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=112598

سعید

شنبه 16 مرداد ماه سال 1389 ساعت 1:08 PM

با سلام

قبل از امروز فکر میکردم سعید ابراهیمی منم اما از این به بعد شاید من یکی دیگه باشم

البته نظر بنده با این همنام کاملا یکی است البته این دوستمون یک دانشجو در ایرانی بودن و خلیج همیشه فارس ثابت قدم است کاریش نمیشه کرد

بنیان اندیش باید خود را فقط بنده مسلمان خدا بداند نه ایرانی و ترک و عرب و... چه برسد به اینکه خود کلمه ایران از نظر بنیان اندیشی یک جعل کثیف است

محمد اوجال اولوتورک

شنبه 16 مرداد ماه سال 1389 ساعت 1:26 PM

حضرت آقای یه دانشجو

اظهارات مغشوش و متناقضتان، نشان می دهد که در مباحث "حق و صبر" تازه وارد هستید. لذا ابتدائا توصیه می کنم کتاب گرانسنگ 8 جلدی "تاملی در بنیان تاریخ ایران" و نیز مجموعه یادداشتهای بی بدیل "ایرانشناسی بدون دروغ" را از ابتدا تا انتها و با دقت کامل، و البته پس از کنار گذاشتن هر گونه تعصب (علی الخصوص نوع قومی آن) و آمادگی برای قبول حقیقت هر قدر هم که غیرقابل باور و تلخ باشد، مطالعه کنید.

البته که من "تورک" هستم و زبان مادری ام هم "تورکی" است. اما بر خلاف شما، تورک یا فارس یا عرب یا ... بودن را موجب فخر و فضیلت و یا خجالت و ذلت نمی دانم! چرا که من قبل از هر چیز "انسان" ام، و سپس مسلمانی معتقد و مومن به آیه درخشان "یا ایها الناس انا

خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفو ان اکرمکم عند الله اتقیکم".

این که شما منسوبیت به یک قوم و زبان را موجب افتخار و یا سرافکندگی، و زبان اخیر الولاده ی خود را، زبان "ملی"(!!) تمامی مردمان ساکن در این سرزمین می دانید، خود، حکایت از عمق تفکرات باستان پرستانه، شونیستی و فارس پرستانه رخنه کرده در وجود شما دارد. و البته از چنین ذهن بیماری بیش از این هم نمی توان انتظار داشت که انتخاب نامی متناسب با زبان مادری از سوی فردی را موجبی برای عتاب و سرزنش وی، و احتمالا جرم بدانند! این را هم بگویم که اتفاقا یکی از دلایل استفاده از نام ترکی برای خودم در این فوروم، سنجش میزان خلوص مدعیان بنیان اندیشی و شناختن و شناساندن افرادی از قبیل شما بوده است.

وباز این را هم بدانید که همین که این سطور را به زبان شما می نویسم، خود، لطفی است از جانب من به شما. یوخسا اؤز دیلیمده یازمایی ترجیح ائده ردیم!

* * * * *

انتظار داشتم که مدیر محترم وبلاگ خود پاسخی به این کامنت می نوشت.

ضمنا جناب "سعید ابراهیمی" به خاطر کامنتتان، تشکر می کنم.

1 2 >>

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

83520

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya 11

ایران شناسی بدون دروغ، ۲۷۵، نتیجه ۸۳، نقشه مشهد

علیرضا

شنبه 16 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:29 PM

آقا این نامگذاری علیرضا خزعلی خیلی باحال بود. معلومه از اون بچه باحالای تهران بودین.

منصور

شنبه 16 مرداد ماه سال 1389 ساعت 9:14 PM

با سلام خدمت استاد گرانقدر و دوستان بنیان اندیش

جناب استاد عابدی، تمام مطالب وبلاگ حق و صبر به تفکیک نزد اینجانب موجود است. حتی قسمت نظرات و پاسخهای استاد. فقط در مورد پاسخهای قدیمی استاد چون نظرات و سوالات خوانندگان درج نشده بود، برخی از پاسخهای استاد نامفهوم بود که آنها را حذف کرده ام اما یقینا حتی اگر از نیم خط پاسخ ایشان هم کمترین مفهومی قابل استخراج بود آن را نگه داشته ام.

بنده اینجا کارهای دیگری هم انجام داده ام از جمله اینکه لیست منابع و مآخذی که جناب استاد در یادداشتها نامی از آنها برده را هم تهیه کرده ام (بیش از 220 مورد)که مطمئنا خالی از اشکال نیست و محتاج کمک خود ایشان است.

ایمان صمیمی

شنبه 16 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:38 PM



سلام. زمانی که ساعت 8:30 بعد از ظهر پس از 15 ساعت کار به خانه برسی یقینا توانی نداری که لبیک گوی شوقت برای نوشتن باشد. بسیار علاقه داشته و دارم تا هیاهوهای جانبی اندک مجالی برایم بگذارد و بتوانم فرصتی برای گفتگوی مفصل تر بیابم و لااقل بخشی از آن چه را که باید حتی فهرست وار عنوان کنم، اما چه سود که کم پیش می آید خدنگ زمان به سوی خواسته های آدمی بجهد . آنچه این مسیر معمول را اندکی تغییر می دهد همان اتفاقاتی است که می توان از آنها برای تعیین کلی مرزهای فکری و عملی سود جست. اکنون نیز بر سبیل اتفاق جریاناتی ره می گذرانند که بد نیست به مرز بندی پررنگتری با آنها دست یابیم.

نمی خواهم اکنون به کنه مطلب ورودی داشته باشم چرا که مطلع همین نوشته نیز گویای ناتوانی زمانی برای این قبیل کارها است ولی عجولانه و از سر وظیفه و صد البته صریح بایستی مطالبی را عنوان کنم.

1- با فرض آن که تمام مطالب عنوان شده از سوی نویسنده صحیح باشد. پور پیرار توده ای ، دزد ، یهودی ، عامل جمهوری اسلامی و..... باشد آیا این مطالب ناقض نظرات وی در خصوص نیمه کاره بودن تخت جمشید است؟ آیا سر پناهی برای اشکانیان ، آغلی برای طویله ساسانیان ، پلی بر راههای ناکشیده آل بویه و یا رد پای انسانی برای ساکنان نیشابور می شود؟ کوتاهی قد اندیشه و انصاف در کنار قامت بلند حسادت در آدمی نقاش این تصویر تلخ از طمع ورزی انسانی است که با ذلیل نمایاندن دیگران حقارت خود را مخفی دارد. براستی آیا خود نویسنده می تواند با صعود از مسیر های صعب العبور این کوه استدلال خود ساخته ادعا کند تخت جمشید نیمه کاره نیست؟

2- افشانندگان بذر تفرقه اینجا و آنجا می نویسند که فلان فرد یا فلان مجموعه همراه و همکار در گردآوری این نوشتارها هستند نام من نیز مهمتر از نام پورپیرار نیست تا در حاشیه بنشیند. این شایعات آنقدر پوچ و بی معنی است که برای پاسخ به آنها تنها بسنده می کنم که : " از پربارترین لحظات زندگی ام همانا همنشینی ها و هم صحبتی ها یم با آقای پورپیرار است. میزان آموخته های بی منت و ژرفی که این بزرگوار بر سفره کنکاش هایم نهاده است حقیقتا فراتر از این حد از تشکر است. افق بلند دید آقای پورپیرار در کنار چاشنی غرور و متانت خاص نوشتار ایشان که در بند بند خود پیام آور ایمان نویسنده به پیروزی حقیقت است بی هیچ درنگی دست ادب را به سوی سینه ادمی می کشاند سر را به احترام وا می دارد. این مظلومیت ناجوانمردانه اوست که در کنار حق و صبر در پیش گرفته اش است که مرا وا می دارد تلخی گفتار و عتاب او را حتی به خودم به جان بخرم. "

3- از ابتدای نوشتن همواره سرفصل های اصلی و اساسی اعتقاداتم را به صراحت و با نام حقیقی خود عنوان کرده ام. که یک جستجوی کوتاه در همین فضای نت صحت گفتارم را مشخص خواهد کرد. با این همه آنجا که به ضرورت حرفه ای نام مستعار برگزیده ام به صراحت اهالی فرهنگ و جمیع خوانندگان را از هویت خود مطلع ساخته ام. سپردن نام نویسنده به چرتکه بقالان آن هم زمانی که خود بیش از همه تاکید بر ارائه هویت گوینده دارد ،مخالف با اصول کار فردی است که زندگی خود را وقف عقیده کرده است.

4- نمی دانم افرادی که دیروز به لفاظی بر علیه امامان مشغول بودند و حتی اسناد نوشتاری آنها نیز همینک اینجا و آنجا دست بدست می چرخد ، چگونه راوی حدیث شده اند و مدافع حریم ولایت؟ برایم سخت است زبان هایی را مجیز گوی حریم ولایت ببینم که تا دیروز وبلاگهایشان جولانگاه مقالاتی در دفاع از

" عبدالمالک ریگی " ، جنبش های مسلح قومی و طرح های حمله به مراکز نظامی کشور بوده است. آنها اگر فکر می کنند اسناد این ادعا ها با حذف یک وبلاگ از بین رفته است بایستی سر خود را از زیر برف بیرون کشند. اگر می پندارند که لفظی های رذیلانه آنها بلامنازع است باید بدانند هنوز صدای کلمات زشت و توهین های چهارواداری آنها بر علیه فاطمه زهرا (س) طنین انداز است که اینگونه به نقل حدیث می پردازند. دهانی باید به دفاع از رهبری ایران برخیزد که در جمع دیگران حد دهان دریدگی را نگذرانده باشد. البته اشتباه نکنید مقصدم نفی اعتقادات فردی نیست اما آیا نباید یک نویسنده مدعی قبل از پرداختن به دیگران برای چنین چرخشهای فاحشی در اعتقادات خود دلایل قانع کننده ای بیاورد؟

امیدوارم این اشاره ها خطی پررنگ بر چنین اتفاقاتی باشد چرا که اسناد مسیر خود را خواهند یافت.

شنبه 16 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:53 PM

http://www.jewfaq.org/alephbet.htm

محمد رضا نیسی

یکشنبه 17 مرداد ماه سال 1389 ساعت 00:42 AM

سلام علیکم

دوستان گرامی جنابان محمدرضا، محمد اوجال اولوتورک و "م"

من هم با استاد عزیز و شما موافقم و حیف از وقتی که صرف دار و دسته "سنگ روی یخ" (همان اسم کد شده 206) شود ولی در پاره‌ای موارد که عدم پاسخگوئی به چماقی تبدیل می‌شود و شائبه عدم توانائی مطرح می‌شود، ارائه پاره‌ای توضیحات برای روشن زوایای پنهان چنین حرکات مذبوحانه‌ای ضرورت پیدا می‌کند.

ارائه نظریه‌های جدید به طور طبیعی مخالفین و موافقین منطقی پیدا می‌کند. انتشار تحقیقات بنیادین جناب پورپیرار علاوه بر این 2دسته باعث شکلگیری جبهه‌ای از معاندین و ایادی یهود برای ریشه‌کن کردن بنیان‌اندیشی نوین شد. برای مصون ماندن جریان بنیان‌اندیش از توطئه‌های این دسته سوم باید به تعمیق لایه‌های تشکیل شده اقدام کرد و راه آن هم نشر آثار استاد عزیز است.

توطئه‌های این دسته سوم لایه‌های ضعیف‌تر بنیان‌اندیشی را هدف می‌گیرد و سعی در جداکردن آنها دارد. همه ما در قبال این لایه‌ها وظیفه داریم که آنها را با منطق قوی بنیان‌اندیشی حمایت کنیم و چنین حمایت‌هائی‌ست که باعث تعمیق این لایه‌ها می‌شود.

از این منظر است که چنین بحث‌هائی البته بدون وارد شدن به سیکلی از بحث‌های تکراری و فاقد محتوا معنی و ضرورت پیدا می‌کند و هم چتر حمایتی لازم برای بنیان‌اندیشان را ایجاد می‌کند و هم به تعمیق لایه‌های بنیان‌اندیشی می‌انجامد.

به هر حال این نظر من است و با احترام برای سایر دیدگاه‌ها، در نصب کامنت‌ها تصمیم نهائی با استاد است و هرگونه تشخیصی در این زمینه از سوی ایشان با توجه به اشراف به سایر جوانب امر، قطعا از تشخیص من کامل‌تر و به حقیقت نزدیک‌تر خواهد بود.

منصور

یکشنبه 17 مرداد ماه سال 1389 ساعت 00:54 AM

پوریم و اکوهای مدرن آن (البته به روایت یهویان)

http://www.jewfaq.org/holiday9.htm#Hamentaschen

حاجی زاده

یکشنبه 17 مرداد ماه سال 1389 ساعت 01:02 AM

سلام

آقای صمیمی من هم خاضعانه و خالصانه این جملات زیبای شما را تکرار میکنم:

از پربارترین لحظات زندگی ام همانا همنشینی ها و هم صحبتی ها یم با آقای پورپیرار است. میزان آموخته های بی منت و ژرفی که این بزرگوار بر سفره کنکاش هایم نهاده است حقیقتا فراتر از این حد از تشکر است. افق بلند دید آقای پورپیرار در کنار چاشنی غرور و متانت خاص نوشتار ایشان که در بند بند خود پیام آور ایمان نویسنده به پیروزی حقیقت است بی هیچ درنگی دست ادب را به سوی سینه ادمی می کشاند سر را به احترام وا می دارد. این مظلومیت ناجوانمردانه اوست که در کنار حق و صبر در پیش گرفته اش است که مرا وا می دارد تلخی گفتار و عتاب او را حتی به خودم به جان بخرم.

محمد رضا نیسی

یکشنبه 17 مرداد ماه سال 1389 ساعت 01:16 AM



سلام‌علیکم

برادر عزیزم محمد اوجال اولوتورک
پرداختن به مقوله هویت‌طلبی مردم شریف تورک در مطالبم به دلیل داعیه هویت‌طلبی دار و دسته "سنگ روی یخ" برای اتراک است و من و شما در یک موضع در مقابل شوینیست‌های باستان‌پرست هستیم.

من هم در مقابل قومگرائی اقلیتی که خود را فارس یا "پارس" می‌دانند و چونان سگان وحشی "پارس"کنان به افعال پلید و ضدانسانی قومگرایانه خود مشغولند.

این عده با کلی ارفاق و احتساب اقوام غیر"پارس" ساکن در کنار آنان بیش از 35 درصد جمعیت کشور را تشکیل نمی‌دهند ولی همه امکانات و قدرت فرهنگی در اختیار آنان است و اصطلاحا با روش زور چپان زبان خود را به عنوان زبان ملی جازده‌اند و آنرا زبان ملی می‌نامند، عادات و ساختار فرهنگی خود را به همه تحمیل می‌کنند و تمام روش‌های مذبوحانه قومگرایانه را برای استعلای خود و فرهنگ بی‌ریشه خود به کار می‌برند ولی اگر کسی در مقابل آنان از خود دفاع فرهنگی هم بکند به انواع تهمت‌های تجزیه‌طلبی و قومگرائی متهم می‌شود و در اینجا اهواز و خوزستان با تهمت‌های واهی دودمانش را به باد می‌دهند و این به غیر از تمسخر و جک‌سازی‌های مستمر است...

اما آتاتورک که عملکرد او را می‌توان با رضاخان مزدور مقایسه کرد. به نظر من بهترین جواب را مردم شریف ترکیه به کارهای آتاتورک داده‌اند که پس از سال‌ها دورنگهداشته شدن از اصل خویش و تبدیل شدن حکومت آنان به دربانی برای سرزمین‌های کلیسائی و کنیسه‌ای، اکنون حکومت خود را وادار به بازگشت به آغوش اسلام و مسلمین کرده‌اند.

پروژه تغییر الفباء در تورکیه از عربی به لاتین یک پروژه کنیسه‌ای-کلیسائی بوده و مشابه پروسه دمکراتیک زورچپان تبدیل شدن فارسی به زبان ملی، در تورکیه نیز زورچپانی گردید. اکنون این پروژه‌ها ناکارآمدی خود را نشان داده و ظواهر شکست و عقب‌نشینی آنان از غرب به داخل مرزهای خود و از شرق به داخل هند هستیم.

ان‌شاءالله به همت شما و سایر نخبگان تورک شاهد انجازات دیگر در این زمینه خواهیم بود و با ترجمه و نشر آثار استاد عزیز به تعمیق بنیان‌اندیشی و مبارزه با چنین پروژه‌هائی کمک کنید

محمد رضا نیسی
یکشنبه 17 مرداد ماه سال 1389 ساعت 01:33 AM



سلام‌علیکم

جناب یه دانشجو
اولا- با ثبات بودن پایگاه اسلام در بین مردم تورکیه حاکی از شکست پروژه‌های کسانی دارد که آتاتورک مأمور آنان بوده و زورچپانی الفبای لاتین هم مؤثر واقع نشد.

ثانیا- اگر آتاتورک با دشمنان مسیحی مبارزه می‌کرد پس چرا الفبای لاتین را به ملت خود زورچپان کرد؟! شما می‌گوئید اگر آتاتورک نبود اکنون شاهد چند کشور مسیحی به جای ترکیه بودیم، پس تکلیف ما با رژیم لائیک آتاتورک برای مبارزه با اسلام چه می‌شود؟ آتاتورک برای مبارزه با مسیحیت بود که الفبای آنان را جایگزین الفبای اسلامی کرد؟!

فکر می‌کنم این گفته‌های متناقض‌تان برای ورود به مبحث دوم‌تان است که با اشاره به آتاتورک، همزاد او یعنی رضاخان را توجیه کنید و روزچپانی‌های او را موجه جلوه دهید و زبان فارسی را ملی‌تر از گذشته بدانید.

ولی تاکنون کسی اختیار تعیین زبان را به ما نداده که مثل شمائی زبان فارسی را ملی بنامد!

مجتبی غفوری

یکشنبه 17 مرداد ماه سال 1389 ساعت 02:02 AM



۰۹۳۸۹۳۳۰۱۲۹

جناب عابدی عزیز جای مستند زخم نشر روی اینترنت خالی است اگر کمکی از دست بنده برای تکه کردن فیلم به منظور راحت نصب شدن در اینترنت است بگویید تا انجام دهم .از دوستانی که قادر به گذاشتن مستند بر روی نت هستند خواهشمندم زحمت این کار را بکشند.

abbas

یکشنبه 17 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:06 AM



http://www.presstv.ir/detail.aspx?id=125444§ionid=351020105

پاسخ:

آقای عباس. در اجلاس اخیر کشورهای فارسی زبان همسایه. کرزای با ذکر این که دولت جمهوری ایران، انصافا شربت های خاکشی خوبی برای مهمانان آماده کرده و آن دیگری هم با این اعتراض که ما هنوز تصمیماتی که در اجلاس اول گرفته بودیم عملی نشده، پس چرا بی جهت دور هم جمع می شویم، باسمه ای و تشریفاتی بودن این رفت و آمدها و نشست و برخواست ها را علنی کردند.

عادل

یکشنبه 17 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:06 AM



در نقشه رسامی هئیت روسی مربوط به شهر اصفهان آیا مسجد شیخ لطف اله دیده می شود یا خیر ؟ با تشکر

khalil

یکشنبه 17 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:37 PM



با سلام خدمت استاد و تمامی دوستان

بنده با این همه خوش و بش و احوال پرسی که دوستان با شخصی به نام ۲۰۶ داشتند تا همین الان بی اطلاع بودم ولی یکی از دوستان با گذاشتن pdf از مطالب 206 در کامنت متوجه قضیه شدم.

تا آنجائی که مطالب ایشان را مطالعه کردم :

به نظر بنده ایشان نمی توانند با تغییر دل بخواه مکان دوربین به احتساب زاویه دوربین بر روی عکس هوایی (ص 8 pdf) منکر جعلی بودن کاخ کوروش باشند و با این استنادات نمی توانند دلیلی بر رد واقعه عظیم پوریم و فقدان نفوس در این منطقه داشته باشند.و البته چنین کسانی را باید به حالت خوشگذرانی و روحیه پردازی خود آزادانه رها کنیم چه بسا بسیاری با این روش آزادانه کار خود را انجام می دهند و کسی هم مخالف این گونه داستان پردازی نیست که از طرف کسانی هم شایسته تشویق و تمجید هم می شوند.

ولی آقای 206 بهتر است تیزبینانه تر از این به مطالب بنگرید تا به واقعیت پوریم ایمان بیاورید . تحقیقات استاد را که با بار سنگینی از علوم همه جانبه به صورت بنیانی بر کتاب در آمده از نخست شروع به مطالعه کنید و به این همه حاشیه پردازی های جزیی و کودکانه نپردازید که هیچ ثمری بر رد پوریم و شاهان و امپراطوران منتسب با قصه های کودکانه و نامعقول و قلابی ندارد در عوض به نقد آثار شیادان ایرانی و غیر ایرانی که قصد گمراه کردن مردمان دنیا را دارند بپردازید.

توحید

یکشنبه 17 مرداد ماه سال 1389 ساعت 1:30 PM

سلام

خسته نباشی استاد

انصافا چقدر پیش گویی هاتون درست است و چه شمی دارید برای شناسایی آنوسی ها . قبلا عبدالکریم سروش رو خاخام پنهان معرفی کرده بودید این هم تایید پیش بینی شما :

http://harfayebirabt.blogfa.com/post-22.aspx

مجید نصراصفهانی

یکشنبه 17 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:07 PM

استاد کا درمورد واقعه پوریم قبل ترازینها صحبت میشد تا چالش عدم قبول این واقعا رفع شود ....

زمان استاد کم است خیلی

ا(استادامروز یک استاد مسیحی اعلام کرد بود هر جا اسلام ژای گذاشت پشت سرش فساد بی بندو باری امد)

استاد بنده هر چه دلیل اوردم ازاین جا وانجا دکه مسیحیان با امدنشان در منطقه جز بدبختی وفلاکت چه نصیب مسلمانها کردند جز سفطسه وانکار حرفی نداشت حتی بعضی مسلمان نما یعنی چندتا که هوادرا نهضت ازادی بودند بخاطرچرندهای اوتشکرکردند ..وقضیه ظلم مسلمان ها به زرتشیان راقیاس کردند

ببینید وقتی یک شخص مریض الحوال مثله مشایی از شوویتزم وتمدن ایرانی دفاع می کند باید امثال این استاد مسیحی گستاخ شوند

بگذریم چند وقته بعضی از دانشجویان شیعه مسلک دارند با عنوان گروه گفتگوی دینی سعی دارند واقعا پوریم را جعلی بدارند وحتی میتینگ ها ی خاصی وکنفرانس ها ی مخفی راه انداختند که هزار مشا ء الله از این حکومت (یعنی مشایی) حمایت می شوند

خدا به داد این ملت برسد که روشنفکرانشان اینها هستند

سعید ابراهیمی

یکشنبه 17 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:22 PM

شش هفت ماه پیش در کانال HABERTURK ترکیه در برنامه sansorsuz (بدون سانسور)بحثی در مورد اتاترک و" ظلم در قران "همراه با مهمان برنامه جناب" یاشار نوری اوزتورک" برگزار شد. آقای اوزتورک معتقد بودند اصولا دنیای غرب از سه شخص در دنیای اسلام متنفرند1. پیامبر 2. امام اعظم(حنفی) 3. آتاترک

اولی که آورنده اسلام بعنوان آخرین و کاملترین دین است.2. دومی بخاطر اینکه جریان عقل گرایی را وارد متون اسلامی کرد (پرهیز از خرافه بافی) و 3. سومی بعنوان پرچمدار مبارزه با امپریالیزم جهانی در قرن 20 و زدودن خرافات که در زمان حکومت عثمانی بعنوان دین بر مردم قالب کرده بودند که یکی از مهمترین عامل عقب ماندگی کشورهای اسلامی است و این عامل همچنان در ایران نیز با قدرت هرچه تمامتر اجرا میشود .

در بحث اسلامگرایی مردم ترکیه و حکومت آک پارتی مشکل ملت در باب اسلام تنها بحث حجاب است که به نظر بنده نیز هرکس مختار است که حجاب داشته باشد و گرنه محبوبتر از آتاترک شما در ترکیه پیدا نمی کنید.

در مورد رسم الخط :

عدم کارایی رسم الخط عربی در مورد زبان ترکی برای کسانی که مختصرا با زبان ترکی آشنایی دارند کاملا آشکار است(بحث اصوات 9 گانه). در ثانی تکیه بر چنین فرعیات مسئله ای را حل نمی کند .

مثل این است که بگوییم از این پس کلیه علائم و مشخصه های علمی انگلیسی و یونانی را در ریاضیات و فیزیک بکار نبریم چون غربی هستند .در نهایت پرداختن به چنین مسائلی اصلا بصلاح نیست. و مشکلی را حل نمی کند

عادل
یکشنبه 17 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:01 PM

http://www.divinephoto.org/index.php/gallery-iv-old-photo-of-isfahan/

تعدادی عکس قدیمی از اصفهان

سلام محمدی
دوشنبه 18 مرداد ماه سال 1389 ساعت 01:23 AM

سلام استاد

زمانی نمایشگاهم را تقدیم کردم به (یکه تاز راههای پیموده دوست داشتن " محمد مصطفی ". دوست داشتنی که مغضوبین زمین را وارثان زمین خواند.)

اما حیف ، که شاعران " دوست داشتن " را باحرفی که فقط حرف است ، وبا احساسی سطحی عرضه کرده اند. و دوست داشتن (عمل) قرانی را از یادمان ربوده اند.

ومی دانم که " دوست داشتن " از جنس پیامبرتان راخوب چشیده اید، که با وجود ناملایمات وزجرها وعصیان ها ونیرنگهای پیش رویتان ، باز هم بیداریشان را نوید میدهید . وهمچون پیامبر که برای سعادت زندگی کسانی وجودش را گذاشت که اورا تمسخر ونفی می کردند ومی زدند .واین دوست داشتن ، "عمل "است .

وعطش نگاهتان در لحظات آخر مستند "زخم نشر"، که یک رنگی بی غل و غش سفید ، به آغوشش می کشد . یادآور این است که ،دوست داشتن یعنی، ذره ذره خود را خشکانیدن برای سیرابی دوست .

وچه خوب آقای مجتبی غفوری راهم راهرو همین راه می بینم .

abbas
دوشنبه 18 مرداد ماه سال 1389 ساعت 04:47 AM

Marriage Certificate Discovered in Zanjan Historical

May 23, 2007

http://www.rozanehmagazine.com/JulyAugust07/Aculture.html

عابدی
دوشنبه 18 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:06 AM

ON IKI ƏSR SÜKUT

(Iran tarixinin təməli barədə düşüncələr)

PURPIRAR NASIR

Birinci kitab:

zühuru (Həxamənşilərin (Əhəmənilərin

Çevirən: Güntay Gəncalp

http://www.www.naria.ir/view/14.aspx?id=668

مهران
دوشنبه 18 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:39 PM

عکسهای منزل اهدایی محمود احمدی نژاد به ریچارد فرای یهودی.

http://www.asriran.com/fa/news/130259/منزلی-که-احمدی-نژاد-به-ایران-شناس-معروف-هدیه-کرد-عکس

در همایش ایرانیان مقیم خارج ، دکتر فرخ سعیدی استاد دانشگاه هاروارد به پشت تریبون رفت و به معرفی استاد ریچارد فرای پرداخت و اظهار داشت: استاد فرای نخستین کسی است که از دکتر علی اکبر دهخدا لقب ایران دوست را گرفته است.

ریچارد فرای هم طی سخنانی اظهار داشت: سالهاست که خود را یک ایرانی می پندارم و آرزو من این است که مرگ مرا در کنار زاینده رود اصفهان، نصف جهان قرار دهد و بدینوسیله از رئیس جمهور ایران می‌خواهم که این تقاضای مرا بپذیرد .

در پاسخ رئیس جمهور هم خطاب به وی عنوان کرد: ما به جای آن یک باب منزل مسکونی در اصفهان به شما می‌دهیم که تا هر وقت بخواهید در آنجا زندگی کنید.

ما هم یک آپارتمان خریده ایم که تو قسطاش موندیم.

کاش ایشون به ما هم یک آپارتمان میداد.

پاسخ:

واقعا چهود پروری از این اشکارتر نمی شود. آن هم در زمانی که طشت رسوایی جاعلانی چون فرای از بام تاریخ ایران افتاده است.

عابدی
دوشنبه 18 مرداد ماه سال 1389 ساعت 8:19 PM

از دوستانی که تصاویر هفتم و هشتم ایران شناسی بدون دروغ 186، دیدار از اندونزی 9، با نگاهی به چین را دارند اگر زحمتی نیست به ایمیل زیر ارسال کنند.

mohseyn_abedy@yahoo.com
دوشنبه 18 مرداد ماه سال 1389 ساعت 8:44 PM

سلام آقای عابدی

hardan mən bu xəbəri eşiddığıma görə sevindim .bu xəbəri siz alıbsınız??? bunu nəcur tapa billəm???l

.bunu görax günəgün ola hər dildə

با عرض معذرت خدمت دوستان بابت تغییر کانال.این یک گپ دوستانه بابت خبر خوشی که آقای عابدی داده اند.

انشا ...ا آثار استاد را در هر زبانی و در هر مکانی بر دست صاحب خردان جهانی مشاهده می کنیم.

منصور

سه شنبه 19 مرداد ماه سال 1389 ساعت 00:49 AM



جناب عابدی

سلام

ارسال شد

محمد اوجال اولوتورک

سه شنبه 19 مرداد ماه سال 1389 ساعت 01:51 AM



selamlar , (عابدی) Abidi Sayın

resim var! buna rağmen men o yaddaştın PDF faylını emailinize İranşenasi'yi Bedun-i Duruğ, 186"da esasen sadece 6"

.gönderdim

Saygılarla

M. Ucal Ulutürk

لینک

سه شنبه 19 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:35 AM



نسخه چینی منشور کوروش

ردپای هخامنشیان در چین پیدا شد

http://jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100882526992

نابودی کهن ترین سرو جهان در ایران

http://www.asriran.com/fa/news/130403

پیمان سور امضا شد

شلیک تیرخلاص امپراتوری عثمانی

http://jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100882659896

آیت الله نوری همدانی: انقلاب اسلامی زمینه‌ساز ظهور امام زمان(عج) است

http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=1271339

متن جدیدترین اظهارات مشایی:

انسان ظرفیت خدا شدن دارد / بدون "ایران" اسلام گم می‌شود

http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1130755

سردمداران اسرائیل و سیاست فرار به جلو

http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1130968

مشروح میزگرد «بررسی نقش علما در نهضت مشروطه»

http://farsi.khamenei.ir/others-page?id=9825

مشروطیت و تجربه های ایرانی

http://www.khatami.ir/fa/news/980.html

ولایتی: هیچ اعتمادی به پیشنهادهای امریکا نداریم

http://www.tabnak.com/nbody.php?id=61524

مصلحت است که موسوی دوباره به نفاق برگردد!(خبر ویژه)

http://www.kayhannews.ir/890519/2.htm#other209

خاطره خواندنی آقاتهرانی از دختر تازه مسلمان فرانسوی

http://www.tabnak.com/nbody.php?id=61455

شواهد قرآنی بوسه بر ضریح ائمه

http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=133098

کشف آثاری تازه از قرون اولیه اسلامی در تپه اشرف اصفهان

id=51681&http://www.chn.ir/news/?section=2

نصرالله: صهیونیست‌ها مسیر تردد رفیق حریری را شناسایی کرده بودند

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8905190005

مشاور نخست وزیر به دنبال زن چهارم

Itemid=1&id=7921&task=view&http://www.akharinnews.com/index.php?option=com_content

توزیع کتاب ایران در دست توده ای هاست

Itemid=1&id=8032&task=view&http://www.akharinnews.com/index.php?option=com_content

abbas

سه شنبه 19 مرداد ماه سال 1389 ساعت 04:11 AM



http://www.iranian.com/main/blog/darius-kadivar/eminent-persians-iranologist-richard-frye-reza-shahs-mausoleum-1970s

محمد رضا

سه شنبه 19 مرداد ماه سال 1389 ساعت 07:14 AM

به نظر می آید اثرات فیلم زخم نشر دارد خود را نشان می دهد:

به گفته بهمن دری، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کیفیت آثار ناشران و نزدیکی این آثار به اهداف انقلاب اسلامی، ملاک رتبه بندی ناشران خواهد بود. وی تاکید کرد که نظرات تشکل‌های ناشران نیز در این رتبه‌بندی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.
دری به خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، گفت: برخی از ناشران ممکن است تعداد زیادی کتاب منتشر کنند که کیفیتی نداشته باشند، ولی ناشرانی هم وجود دارند که کتاب های با کیفیت بالا چاپ می‌کنند. ما باید کیفیت را به عنوان اولویت اصلی در بحث رتبه‌بندی در نظر بگیریم.
وی ادامه داد: موارد زیادی در مساله رتبه‌بندی ناشران وجود دارد، ولی ما باید شمول عام را در این زمینه در نظر بگیریم و این موارد را برای تصویب به هیات نظارت اعلام کنیم.
معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین گفت: گاهی اوقات از سوی وزارت ارشاد ناشرانی مورد حمایت قرار می‌گیرند که نباید حمایت شوند و همچنین ناشرانی از این حمایت محروم می‌مانند که باید زیر پوشش حمایتی این وزارتخانه باشند.
دری با اشاره به این مطلب که باید یارانه‌های هدفمند در اختیار نشر کشور قرار گیرد، افزود: برای رتبه‌بندی ناشران با تشکل‌ها هم مذاکره خواهیم کرد تا این نهادهای صنفی نیز نظراتشان را اعلام کنند و این نظرات مورد بررسی قرار گیرند.
به گفته دری، در حالی که بسیاری از صنف‌های کشور دارای رتبه‌بندی اند، ضرورت دارد تا نشر کشور نیز بر اساس فعالیت کیفی ناشران درجه‌بندی شود.
دری تصریح کرد: فقدان پیوند فکری و عاطفی ناشر و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را حل می‌کنیم و ناشران نیز باید این خلا فکری و عاطفی را بین خود و مولفان از بین ببرند، چون بسیاری از مولفان از ناشران به معاونت امور فرهنگی شکایت می‌آورند و این نهاد را مامن خود می‌دانند.
وی همچنین یادآورشد: نگاه ما بر اساس کیفیت آثار منتشر شده است و علاوه برتاثیرگذاری آثار بدون توجه به کمیت آن، سابقه ناشر و نزدیکی آن به اهداف انقلاب اسلامی را نیز در نظر خواهیم گرفت.

http://www.ibna.ir/vdcbssbz.rhb09piuur.html

abbas
سه شنبه 19 مرداد ماه سال 1389 ساعت 07:19 AM

http://www.savepasargad.com/2010-June/Iranian%20Professors%20attack%20their%20own%20History.htm

ایمان
سه شنبه 19 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:43 PM

سلام خانم حاجی زاده. از اینکه تشکر با لکنت زبان من از زحمات ناصر خان آن قدر قابلمند بود که از دید حضرتعالی بخشی از آن به ارزش تکرار برسد به خود می بالم.از لطفتان متشکرم.
سه شنبه 19 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:51 PM

با تشکر از دوستان. باید یک بار دیگر تاکید شود که تا نصب مقاله جدید، مقاله پیشین ایران شناسی بار ها ویرایش می شود. و به این سبب ایران شناسی بدون دروغ 186 که دوستان برای من ارسال کرده بودند متاسفانه شش تصویر داشت.

کتاب ترکی آذری هخامنشیان نیز از همان لینک به وورد و پی دی اف قابل برداشت است.

http://www.www.naria.ir/view/14.aspx?id=668

بختیار
سه شنبه 19 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:59 PM

با سلام حضور استاد و با کسب اجازه از ایشان

(بخش کامنت‌ها واقعا مفیدتر و قابل استفاده تر خواهد بود اگر بیشتر در رابطه با مسایل مطرح شده در هر پست باشد اما متاسفانه تعدادی از دوستان آنرا به جولانگاه نوشتارهای خود تبدیل نموده اند. به این دوستان پیشنهاد دارم ادرس وبلاگشان را که یک خط بیشتر نمیشود بنویسند تا علاقمندان بهتر بتوانند نوشته‌هایشان را دنبال نمایند. گاه مشاهده می‌شود که شخصی با هر نیتی ده تا پانزده کامنت را که در کنار هم هم خواناتر خواهند بود و هم مفیدتر به کامنت‌دانی میفرستند. از محضر استاد هم خواهشمندم در صورت صلاحدید این انتقاد را ترتیب اثر دهند.)

سئوالی از خدمت استاد دارم. عنایت فرموده اید که تنها در زمان قاجار است که زنان نیز به عرصه‌های حکومتی وارد شده و از آنان نامی میان آمده است. سوای از اسامی عجیب و غریبشان آیا استاد نمونه یا پیشینه‌ی دیگری از فرم لباس زنان قاجار با آن دامن‌های کوتاه و شلوارهای تنگ و روسری‌های گره پیچ زیر گردن که شبیه لباس بالماسکه بوده و ظاهرا این فرم لباس یک فرم بدیع و بی پیشینه ای است سراغ دارند و یا این فرم لباس نیز در ردیف کلاه و لباس مردان قجر قرار می‌گیرد؟

جسارت نباشد لباس این زنان بسیار شبیه عشایر کردستان و ایلام و بختیاری است.

سه شنبه 19 مرداد ماه سال 1389 ساعت 1:13 PM

سلام مجدد.

ایران شناسی بدون دروغ،186، دیدار از اندونزی 9، با نگاهی به چین

http://www.www.naria.ir/view/14.aspx?id=541

khalil

سه شنبه 19 مرداد ماه سال 1389 ساعت 5:16 PM



استاد خسته نباشید

متوشالح (عبری:מְתוּשֶׁלַח به معنی وقتی او بمیرد فرستاده خواهد شد) از شخصیت‌های اساطیر سامی، پسر خنوخ و پدر لمک و جد اعلای نوح است. طوفان نوح همزمان با مرگ او بود. متوشالح در سن ۹۶۹ سالگی مرد، او در بین شخصیت‌های عهد عتیق بیشترین عمر را کرده‌است. نام متوشالح در نسب‌نامه عیسی و نسب‌نامه محمد پیغمبر اسلام ذکر شده‌است.

(ویکی پدیا)

عرفان

چهارشنبه 20 مرداد ماه سال 1389 ساعت 02:52 AM

http://azargoshnasp.net/Pasokhbehanirani/ppnaqshpasokh.htm

با سلام خدمت شما استاد

در این لینکی که بالا زدم کسانی ادعا بر این دارند که جوابی کامل و با مدرک به سخنان شما در مورد مکعب زرتشت و نقش رستم دارند.

لطفا بررسی کرده و در مورد این حرفهای آقایان یک پاسخی دیگر از همین جا بدهید.

با تشکر

پاسخ:

آقای عرفان. در آدرس زیر ۵ مطلب درباره تخت جمشید و نقش رستم و به خصوص پاسارگاد آورده ام که احتمالا چشمان شما را به رنگ حقیقت می گشاید.

http://www.www.naria.ir/view/5.aspx?id=53

abbas

چهارشنبه 20 مرداد ماه سال 1389 ساعت 04:54 AM

http://www.iranica.com/articles/lithography-ii-in-india

چهارشنبه 20 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:39 AM

چاپ کتاب در معرفی و ارتقای موسیقی ایران! باستان

بخشی از مطالب این کتاب:

سکینه دختر امام حسین(ع) شاعره و موسیقی‌دانی بود که شاید بتوان او را از حامیان بزرگ موسیقی ایرانی در حجاز معرفی کرد،...

مجلسی باشکوه با حضور برجسته‌ترین موسیقی‌دانان شاعر و موسیقی دوستان در خانه سکینه برپا شد، این جشنواره بزرگ موسیقی به حدی پرجمعیت و پرشور بود که سقف یکی از تالارها فروریخت و حنین (موسیقی‌دان) زیر آوار جان سپرد، حزن و اندوه نهفته در بافت موسیقی ایرانی می‌توانسته تسلی‌بخش دل دغ‌دار سکینه از فجایع کربلا و کشته شدن شوهرش باشد!!

هرکس سماع و غنا و رقص و دف و آواز و سرودخوانی را انکار کند و گوید حرام است، بر فعل نبی منکر شده و چنین اعتقادی موجب کفر و خروج از دین خواهد شد!

----

http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=113406

بی آبرویی دستگاه نظارت بر انتشارات کشور را ببینید که اجازه نشر مطالب سخیفی چون کتاب فوق را میدهد و از انتشار واقعیات مطروحه استاد و ایران شناسی بدون دروغ جلوگیری میکند.

آنوسی ها فعالند.

احسان

چهارشنبه 20 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:04 PM

http://shahaab.blogfa.com/post-31.aspx

اصولا اگر سلسله ساسانی را برای تلقین عظمت باستانی اختراع کرده اند پس چرا برجسته ترین صاحبنظر در این زمینه یعنی آرتور کریستنسن در جای جای کتابش از رذالتها و زشتکاریهای شاهان ساسانی سخن گفته است؟ همچنین اگر تواریخ اسلامی مشکوک و مغشوش هستند چرا از ساسانیان و مزدک به تحسین و تمجید یاد نکرده اند؟

khalil

چهارشنبه 20 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:26 PM



با سلام و کسب اجازه از استاد

آقای عرفان سلام

در دروغ های مجدد و بازسازی چاله های تاریخیشان هیچ دلیلی بر وجود ساسانیان نیست. اگر به کتیبه ای که با ضربات چکش ظاهر کهنه بودن داده اند دقت کنید در کنار کتیبه های نوسازی که مدعی هستند قصه های ساسانی بر آن کنده شده قرار دارد ولی از خود نمی پرسند که اگر این دو نمونه در زیر خاک بوده چرا یکی سالم و دیگری با چه حسابی پوسیده و کلماتش غیر قابل تشخیص و نا مفهوم است؟؟!!

این کتیبه ها که قلابی است حرفی نیست ولی آیا ساسانیان کارشان فقط کتیبه تراشی بوده؟؟چرا کاخ و لوازم مایحتاج زندگی برای خود ندارند؟؟

تا پاسخ استاد چه باشد...

عادل

چهارشنبه 20 مرداد ماه سال 1389 ساعت 1:00 PM

جناب پورپیرار جواب سئوال 5/17 بنده را ندادید لطفاً جواب دهید

پاسخ:

آقای عادل. سئوال تان را دوباره بفرستید.

عادل

چهارشنبه 20 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:30 PM

با سلام

آیا در نقشه رسم شده توسط هئیت روسی مسجد شیخ لطف اله ترسیم و ذکر شده است یا خیر ؟

پاسخ:

آقای عادل. در نقشه ها چنین چیزی نیست ولی در شروح ان نام مسجد شیخ لطف الله را آورده اند.

تجاوز بزرگ ترین خاخام اسرائیل

چهارشنبه 20 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:30 PM

تجاوز بزرگ ترین خاخام اسرائیل به چندین کودک + عکس

http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=113344

عادل

چهارشنبه 20 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:52 PM

&pid=2K7O3RT2GARW&http://www.magnumphotos.com/Archive/C.aspx?VP=XSpecific_MAG.BookDetail_VPage

utm_medium=email&utm_campaign=8bb816b8ef-POTW0806108_6_2010&utm_source=Global

تعدادی عکس از ایران دهه 30

حاجی زاده

چهارشنبه 20 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:39 PM

با اجازه استاد

آقای احسان

هدف و ماموریت آرتور کریستنسن و امثالهم باوراندن وجود تجمع انسانی در سرزمین خالی از سکنه ایران است نه تقبیح یا تطهیر چهره شخصیتهایی که خود آنها عالم به فقدانش هستند.

انتقاد از عملکرد پادشاهان ساسانی به نوعی تائید ضمنی وجود چنین سلسه ای است ولو با سیمایی مخدوش! وقتی هدف آنان الصاق چنین وصله های دروغینی باشد برای پوشاندن عیبش دست به هر نوع رفوئی خواهند زد، چنین است که تمجید یک به اصطلاح مورخ و تقبیح مورخ دیگر و یا ارائه نظرات و فرضیات متناقض منجر به براه افتادن بحثهای مطول و حاشیه ای وگیج کننده ای خواهد شد که هر محققی را از پرداختن به کنه موضوع و رسیدن به اساس و پایه های کذائی مطلب و وصول حقیقت بازخواهد داشت.

یه دانشجو

چهارشنبه 20 مرداد ماه سال 1389 ساعت 5:19 PM

اقای عرفان: مطمین باشید که در مدفوع گاو بیشتر از مغز نویسنده گان آن سایتی که معرفی کرده اید می توان سلول های مغزی پیدا کرد. مغزشان معیوب نیست به بیماری سفلیس مبتلا شده اند. حتی هیچ احمقی هم حاضر نیست که حتی دقیقه ای وقت اش را برای پاسخگویی به هذیان های ایم مغز های معلول بهدر دهد پاسخگویی استاد پیش کش تان.

2 1 >>

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya	11	

ایران شناسی 276

ایران شناسی بدون دروغ، ۲۷۶، نتیجه ۸۴، نقشه یزد و کرمان

منصور

چهارشنبه 20 مرداد ماه سال 1389 ساعت 9:19 PM

سلام بر استاد گرانقدر

مقالاتتان را با جان و دل می خوانیم. مقالاتی که بند بند وجود انسان را به حرکت بر ضد دروغ وا می دارد.

جناب استاد عابدی

عکسهایی که فرموده بودید در مباهله ۳ موجود است که برایتان فرستادم.

پاسخ:

سلام آقای منصور. مبارزه با دروغ های یهود ساخته تاریخی، یک جهاد فرهنگی خوش یمن است که اندک اندک مجاهدان و مشتاقان شرکت در این جهاد بیش تر می شوند.

وحید

چهارشنبه 20 مرداد ماه سال 1389 ساعت 9:43 PM

خداوند با شما باد.

بهروز

چهارشنبه 20 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:32 PM

سلام

مستند چهارم را چه جوری می شه خرید؟

پاسخ:

با تلفن ۶۶۴۹۲۰۴۹ تماس بگیرید.

مسعود

چهارشنبه 20 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:07 PM

سلام و اوقات شریف بخیر

این مطلب که میفرمایید همه شهرهای ایران طبق نقشه ای از قبل طراحی شده توسط روسها ساخته و سپس مسکونی شده اند در مورد شرق ترکیه و شمال عراق هم دقیقا" صدق میکند .

مثلا" نقشه قدیمی و عکس شهرهای اربیل و دیاربکر ترکیه را ملاحظه بفرمایید که هردو دارای یک هسته قلعه ساخت میباشند :

http://www.longtelegram.com/wp-content/uploads/2010/05/erbil_1944.jpg

http://blog.tkaraca.com/wp-content/uploads/2010/07/erbil.jpg

http://diyarbakirburada.com/images/sehir/diyarbakir_merkez.jpg

پاسخ:

آقای مسعود. آیا زمان ترسیم آن نقشه معلوم است؟!

چهارشنبه 20 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:12 PM

با سلام

استاد عزیز خسته نباشید.

فرا رسیدن ماه مبارک رمضان را به استاد و همه دوستان عزیز تبریک میگویم.

استاد در ضمن سئوالی در باب چرخش ماه های قمری داشتم.دلیل و فلسفه این چرخش چه می باشد و چرا مثلا ماه رمضان زمانی زمستان است و زمان دیگر در تابستان؟

پاسخ:

در مناطق کویری و صحراها که خورشید مزاحم شناخته می شود و رصد آن دشوار است، بومیان گردش شبانه روز را بر مدار ماه قرار می دهند، که گردش سالانه آن به دور خورشید ده روز کم تر از مدار خورشیدی زمان می برد وجمع این ده روزها ، موجب تغییر گردش تقویم قمری می شود.

توحید
پنجشنبه 21 مرداد ماه سال 1389 ساعت 00:22 AM

سلام استاد

نصب یادداشت جدید را تبریک می گویم

فرا رسیدن ماه رمضان بر همه مبارک ...

پاسخ:

ممنون و بر شما هم مبارک.

reza
پنجشنبه 21 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:44 AM

با سلام خدمت استاد و همه دوستان

فرا رسیدن ماه پر خیر و برکت رمضان و ماه انس با قرآن عظیم را به همه تبریک عرض مینمایم. ان شاء اله تعالی توفیق علم آموزی از کتاب خدا نصیب همه ما گردد.

سعید
پنجشنبه 21 مرداد ماه سال 1389 ساعت 08:15 AM

با سلام

استاد در رسامی شهر تبریز به یاد دارم رسامان روسی جزئیات شهر را دقیقا همراه با نام صاحب خانه ها در 180 سال پیش نوشته بودند

در نقشه های آتی با وجود گذشت 30 سال یعنی 150 سال پیش هیچ جزئیاتی در مورد شهرها به چشم نمیخورد آیا دلیل این ته کشیدن

بودجه روسها در زمینه این طراحی ها بوده یا واقعا این شهرهای باستانی! جزئیاتی مانند شهر تبریز را در خود ندارند

مانند شهر مشهد که دارای زیر ساختهایی است اما شرح دقیق آنها بیان نشده است

با این اوصاف تهران قدیمیتر از یزد و کرمان و.. به نظر میرسد به هر حال در 180 سال پیش جزئیاتی از این شهر در حال ساخت هم مشخص است

استاد مباحث شهرها تمام شد اما از شهر ری و قم خبری نشد

ما بی صبرانه منتظر تاریخچه حوزه علمیه قم و حرم عبدالعظیم بودیم

پاسخ:

آقای سعید. مورد تبریز در کتاب نقشه شهرهای ایران در دوران قاجار استثنا است و نقشه شهر ری و قم هم در میان نقشه ها نیست.

سعید
پنجشنبه 21 مرداد ماه سال 1389 ساعت 08:18 AM

راستی استاد این قبرستان ارامنه به این وسعت چرا صلیب ندارد یا من نمیبینم شاید هم به احترام آتشکده زرتشتیان از نصب صلیب منصرف شده و شرمنده پسر خدا شده اند

پاسخ:

آقای سعید. احتمالا صلیب را بر سنگ حجاری کرده اند که در حالت خوابیده دیده نمی شود.

پنجشنبه 21 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:31 AM

استاد متاسفانه خیر تاریخ ترسیم نیامده است.آن نقشه در این لینک موجود است :

http://www.longtelegram.com/page/2

اینهم از نقشه قدیمی شهر دیاربکر :

http://img2.blogcu.com/images/t/i/c/ticlis/diyarharita.jpg

از این لینک اصلی :

http://ticlis.blogcu.com/DIYARBAKIR-AMED

سلامت و سربلند و خوش باشید.

abbas

پنجشنبه 21 مرداد ماه سال 1389 ساعت 1:29 PM

http://www.longtelegram.com/im-moving-to-iraq/erbil_1944

توحید

پنجشنبه 21 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:11 PM

سلام

استاد خسته نباشید . در حال تحقیق بیشتر بر روی جاده های چین هستم ، نظر شما با اکثر تصاویر می خواند ولی برخی عکس ها سوال برانگیز است ، مثلا این عکس ها :

http://ups.night-skin.com/uploads/89-5-1/1298515380.jpg

http://ups.night-skin.com/uploads/89-5-1/1347977455.jpg

استاد چگونه می توان قبول کرد انسان با بار و بنه و شتر خود از چنین شیب غیر معمولی عبور کند ؟ بخصص در لینک دوم که یک رمپ با شیب بسیار تند و همچنین با معبری بسیار باریک در حد عبور 2 نفر کنار هم به ورودی فضای مسقف قلعه مانند متصل شده است ؟ معبری که به وضوح امکان عبور گاری و درشکه را غیر ممکن می کند .

پاسخ:

آقای توحید. اگر توریست های فرهنگی که غالبا مثل بنده از پا اتاده اند، چنان که در تصاویر می بینید، از آن شیب ها بالا می روند، پس کاری نیست که برای قاطر و شتر ناممکن باشد. بدانید که دولت چین در قسمت هایی از دیوار برای سهولت رفت و آمد بازدید کنندگان تغییراتی اعمال کرده است که پله دار کردن شیب های تند از آن جمله است.

فتح

پنجشنبه 21 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:36 PM

رمضان کریم.

پنجشنبه 21 مرداد ماه سال 1389 ساعت 5:11 PM

با سلام استاد

آیا علت اصلی واقعه گوهر شاد در زمان رضا خان مسئله کشف حجاب بوده یا اینکه اوامر رضا خان در یکسان سازی لباس و ...

(.... کشف حجاب شش ماه پس از واقعه گوهرشاد واقع شده است. واقعیت آن است که ۲۸ خرداد ۱۳۱۴ دولت محمد علی فروغی در یک

بخشنامه مضحک و آمرانه که از تبعات سفر رضاشاه به ترکیه در ۱۲ خرداد ۱۳۱۳ بود، مردم ایران را ملزم کرد که از کلاه پهلوی (یک لبه) دست برداشته و کلاه بین المللی تمام لبه ای به اسم شاپو استفاده کنند. طبق این بخشنامه اگر یک کارمند دولتی از این دستور اطاعت نمی کرد باید قید شغلش را می زد! دو روز بعد نیز دولت بخشنامه دیگری ابلاغ کرد که طبق آن، مجالس ختم اموات فقط در مساجد معدودی که بلدیه (شهرداری) اجازه می داد باید برگزار می شد و استعمال چای، قهوه، قلیان و سیگار نیز در این مجالس ممنوع اعلام شد.

(..

***

پنجشنبه 21 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:50 PM

خسته نباشید استاد

آیا شروع به شهر نشین کردن اقوام کوچانده شده به ایران از ۱۵۰-۲۰۰ سال پیش شروع شد و یا کلا کوچاندن انها به فلات ایران.منظورم این است که از ۳۰۰ سال پیش به ایران کوچانده شدند و به نوعی زندگی عشایری-روستایی داشتند و سپس جهت تکمیل پروژه اسکان و تمدن سازی مجبور به ایجاد ابنیه و کوچاندن آن اقوام به این مراکز تجمع شدند؟ با تشکر

پاسخ:

آقای *** . ورود به جزییات این مدخل با چنین وضعی که مراکز اطلاعات ملی نداریم، نه فقط مشکل است که احتمالا منجر به صدور نظریه های تک بعدی نیز خواهد شد. سعی مدخل اصولا بر این پایه قرار دارد که از مسیر نمایش همین مستندات قوی ولی قلیل، ابتدا باور کنیم که نخستین فعالیت های شهرسازی بعد از پوریم در ایران، از قریب دو قرن پیش، آن هم نه با همت و اقدام نیروهای بومی که نداشته ایم، بل با ارسال تکنوکرات های ارمنی و سرمایه گذاری یهود آغاز شده است. این نقشه ها به تنهایی وقوع قتل عام پر دامنه پوریم را با نتایج و عوارضی که شرح داده ام کاملا اثبات می کند.

مسعود سنجری

پنجشنبه 21 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:23 PM

برادر بزرگ استاد پورپیرار گرانقدر

سلام علیکم

حلول ماه مبارک رمضان بر شما و همه دوستان مبارک باد

والسلام علیکم

فی امان الله

پاسخ:

جناب آقای سنجری. متقابلا آغاز ماه صبر و اندیشه را به شما تبریک می گویم.

آیا زمان اعلام شروع به کار و معرفی آن صفحات نرسیده است؟!

محمد اوجال اولوتورک

جمعه 22 مرداد ماه سال 1389 ساعت 01:33 AM

عدم دعوت از سفیر اسرائیل در تورکیه به ضیافت افطار برگزار شده از سوی حزب حاکم (آق پارتی)

İsrail Büyükelçisine Davet Yok

TRT: İsrail'in Ankara Büyükelçisi Gaby Levy, AK Parti Dış İlişkiler Başkanlığı'nca düzenlenen ve yabancı misyon temsilcilerinin yer aldığı geleneksel iftar yemeğine davet edilmedi...

http://www.trt.net.tr/Haber/HaberDetay.aspx?HaberKodu=c50e320a-d382-4a35-b15d-93cfd1d20bd4

khalil

جمعه 22 مرداد ماه سال 1389 ساعت 02:07 AM



سلام استاد

من در سال ۱۳۸۱دانشگاه خود را در شهر یزد گذرانده ام .شهری که واقعاً کوچک بود و در چهارچوب گسترده ای چند خانه به صورت متراکم وجود داشت حتی در جای جای شهر شاهد زمینهای کشاورزی و بوستان و باغهای توت و انار بودیم که موقع گشت زنی در شهر بدون نارضایتی صاحبان باغ از این میوه ها کمبود غذایی خود را جبران می کردیم .

با این حال آدمهای خونگرم و مومنی داشت.از لحاظ جمعیت حدوداً نصف جمعیت و آبادی این شهر را دانشجویان تشکیل داده بودند.

به نظر من ارسال دانشجویان به این منطقه کویری به خاطر آباد کردن این شهر بود و باز هم این روش را در بقیه شهرها انجام می دهند.

زرتشتیانی هم در آن گرمای 30-40 درجه جلوی درهای خود آتش کوچکی برپا کرده بودند که دین خود را ادا کرده باشند.

khalil

جمعه 22 مرداد ماه سال 1389 ساعت 02:13 AM



استاد آیا روزه گرفتن در قرآن آمده است یا از تفاسیر در آورده اند.

و اگر واقعاً در این مورد نوشته آیا به یک ماه گرسنه ماندن اشاره کرده یا نه ؟؟؟؟

ممنون می شوم اگر مرا روشن و آگاه سازید.قبلاً از راهناماییهای شما نهایت تشکر را دارم.

پاسخ:

آقای خلیل. آیات ۱۸۳ تا ۱۸۸ سوره بقره را بخوانید.

abbas

جمعه 22 مرداد ماه سال 1389 ساعت 06:08 AM

http://hakimi.50webs.com/farmans/farmans.html

abbas

جمعه 22 مرداد ماه سال 1389 ساعت 07:25 AM

http://hakimi.50webs.com/album/grand_vazir/g_hakimi.htm

مسعود

جمعه 22 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:47 AM

ضمن عرض سلام و خسته نباشید.

وباتشکر از آقای abbas استاد کم دقتی بنده را ببخشید.

به نظر میرسد نقشه را در سال 1944 میلادی یعنی 66 سال قبل رسم کرده اند.

سایه

جمعه 22 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:20 PM

سلام

ماه مبارک رمضان بر شما استاد عزیز و تمامی دوستان مبارک باد.

استاد آیا مبحث کتاب سوم پایان گرفته است ؟!

پاسخ:

آقای سایه. فقط چند یادداشت پایانی مانده است.

حاجی زاده

جمعه 22 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:27 PM

سلام

پیرو سئوال یکی از دوستان در خصوص ماههای قمری ذکر نکته ای ضروری به نظر می رسد:

در آیه 37 سوره توبه خداوند پس از پرداختن به موضوع ماههای حلال و حرام می فرماید:

""إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُواْ يُحِلِّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِّيُوَاطِؤُواْ عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللّهُ فَيُحِلُّواْ مَا حَرَّمَ اللّهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللّهُ لاَ يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

جز این نیست که جابجا کردن [ماههای حرام] فزونی در کفر است که کافران به وسیله آن گمراه می‌شوند آن را یکسال حلال می‌شمارند و یکسال دیگر آن را حرام می‌دانند تا با شماره ماههایی که خدا حرام کرده است موافق سازند و در نتیجه آنچه را خدا حرام کرده بر خود حلال گردانند زشتی اعمالشان برایشان آراسته شده است و خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند.""

آیا این آیه اشاره به گردش ماههای قمری ندارد؟ آیا خداوند در این آیه چنین گردشی را مردود و مرادف با کفر اعلام نفرموده است!؟

استاد ممنون می شوم اگر حضرتعالی راهنمائی بفرمائید.

پاسخ:

خانم حاجی زاده. و اذا رایت الذین یخوضون فی آیاتنا فاعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره و اما ینسینک الشیطان فلا تقعد بعد الذکری مع القوم الظالمین. (انعام، ۶۸)

مسعود

جمعه 22 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:23 PM

استاد عزیز خسته نباشید.

در اشاره به آیات دستورالعمل روزه در شهر رمضان و در قرآن مبین خداوند متعال برای بیان دستور کلی و در ابتدا میفرماید :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

و بلافاصله تاکید میشود : أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ

سپس حکم الهی را در مورد افراد مریض و یا معذور بیان مینماید.

آنگاه میفرماید :

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِيَ أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلاَ يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُواْ الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ اللّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

یعنی :

شهر رمضان است که در آن قرآن فرو فرستاده شده است که مردم را راهبر و دارای دلایل آشکار هدایت و جهت تشخیص حق از باطل است پس هر کس از شما این ماه را شاهد باشد باید آن را روزه بدارد و کسی که بیمار یا در سفر است تعدادی از روزهای دیگر را. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد تا شماره را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه رهنمونیتان کرده است به بزرگی بستایید و باشد که شکرگزاری کنید .

در اینجا امر به روزه گرفتن شهر = دوره به نظر من برای کسانی است که طبق دستور شاهد = ناظر = شبانه روز بیدار و شاید از این

معانی در این ماه باشند .

هر چند برای من هنوز وجود شهر به معنای ماه سی روزه قمری آنطور که اکنون رواج داده اند و با این اسامی ماههای درهم بر هم موجود امروزی غیر قابل باور است. به نظر میرسد این سالشمار قمری موجود نیز تحفه قرن اخیر واتیکان باشد !

در هر صورت نظر من جز نظر یک انسان نیست و الله اعلم .

r134a

جمعه 22 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:12 PM



کاوش تپه حسنلو آغاز شد

جام جم یکشنبه 17 مرداد 1389

... خطیب شهیدی پیش از این توضیح داده بود: در گذشته، باستان‌شناسان آمریکایی به‌مدت 20سال، 10 فصل در تپه حسنلو و اطراف آن فعالیت و حدود 10 دوره را شناسایی کرده بودند. این دوره‌ها از نوسنگی آغاز می‌شود و دوره‌های مس و سنگ، مفرغ، عصرآهن، اورارتو، هخامنشی، سلوکی و ایلخانی را دربرمی‌گیرد....

توجه کنید بعد از هخامنشی نوبت سلوکیه و بعد هیچی نیست تاااا ایلخانی !

پاسخ:

آقای r134a. کاوش های باستانی در ایران فقط یک دوره دارد: ماقبل پوریم، یعنی ایران کهن، که حسنلو هم یکی از مراکز آن است. هیچ یافته ای را نمی توان هخامنشی نامید، زیرا دوره تسلط آنان بسیار کوتاه، یعنی تا اواسط خشایارشا و دائما در حالت دفاع و نزاع گذشته است. آن ها هرگز در مرکزی ثابت و در آرامش توقف نداشته اند که در اندیشه تولید اختصاصی خود باشند، که نمی دانم چه گونه چیزی را ممکن بود بسازند!در حال حاضر فقط چند ظرف طلایی را نشانه تولید هخامنشی می دانند که به وجه مضحکی مجعول است. این ظروف کپی کامل آن جام و گلدان و بازوبند هایی است که در پله های آپادانا منقوش است و چون تخت جمشید هرگز محل تدارک هیچ جشنی نبوده، پس جاعلان با کپی کردن، همان اشیاء را از تولیدات هخامنشی معرفی می کنند. نادانی و ابلهی سازندگان امپراتوری هخامنشی تا به حدی است که درک نکرده اند همان گلدان و ظرف و بازوبندها تحفه همراه مردم عازم بارگاه خشایار است نه تولید هخامنشی!!! نقشه شهرهای ایران در دوره قاجار نیز به خوبی شهادت می دهد که تا زمان ناصر الدین شاه در ایران تولید بومی و ملی و محلی نداشته ایم که کشف نمونه ای از آن به حفاری نیازمند شود!

سایه

جمعه 22 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:52 PM



سلام

از زمانی که به طرق مختلف این مسئله اثبات گردیده که تنها منبع قابل رجوع و مطمئن تنها قرآن کریم است حساسیت ها برای هماهنگی تمام اعمال و رفتار با قوانین و احکام آن بیشتر شده است.

ماه رمضان هست و انجام اعمال عبادی این ماه طبق دستورات قرآن.

ولی آیا تمام اعمال ما منطبق با دستورات قرآن می باشد؟!

وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ۖ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ

آیا می توان سنخیتی با این آیه و آنچه که بین مسلمان ها رایج است پیدا نمود؟!!

این آیه به روشنی اعلام میکند که شروع روزه داری با پیدا شدن روشنایی شروع شده و تا آغاز شب ادامه دارد نه از اذان صبح تا اذان مغرب!!

حاجی زاده

جمعه 22 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:54 PM

استاد گرامی

از پاسخی که لطف کرده و مرقوم فرمودید ممنونم، لکن سئوال من فاقد خصیصه طعن و خرده گیری است بنابراین مشمول آن آیه نمی شود. هر آیه ای در زندگی و امورات دنیوی و اخروی ما مصداقی دارد، این آیه نیز از این اصل مستثنی نیست، بارزترین مصداقی که برای آیه مذکور به ذهن من جستجو گر آمد گردش ماههای قمری است که بعد از طی هر سه سال، تمامی ماهها از قرارگاه خود کاملا جابجا می شوند. در استانی که من در آن زندگی میکنم کشاورزی رونق دارد و اینک فصل کار و تلاش شبانه روزی است، هوا گرم و روزها طولانی! بنابراین کشاورزان ناگزیر از روزه خواری اند، آیا باور کردنی است خداوندی که در فکر آسان کردن امر عبادت برای بیمار و مسافر است نسبت به خیل کارگران و دهقانان ودامداران در فصول تلاش و اقتصاد بی اعتنا بوده باشد!!؟

پاسخ:

خانم حاجی زاده. احتمالا شعار تبلیغاتی روزه داری مهمان خدا بودن است را باور کرده اید. چه طور است از میزبان بخواهید تا رمضان را در دی ماه ثابت نگه دارد که روزها کوتاه است، شرایط زمستانی تشنگی نمی آورد و کشاورزان عزیز ما هم بیل نمی زنند، شاید اگر بیش تر اصرار کنید کشیدن سیگار و چپق و نوشیدن چند لیوان چای هم موجب ابطال روزه نشود!!؟

عربگری

شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 00:58 AM

سلام

اولا می خواهم نظرتان را در مورد کتاب «استاد عشق»نوشته ای از ایرج حسابی از خاطرات پدرش پروفسور حسابی بدانم زیرا که ایشان قبل از انقلاب با وام بانکی ملکی را در تجریشبرای خود ساخته اند که صدو اندی اتاق رویال دارد و حتی چندی پیش تلویزیون فقط یکبار اعلام کرد که هنوز هم قسط اول آن پرداخت نشده! و سفر عجیب او در کودکی بدون پدر به فرانسه و اقوال بسیار...

ثانیا در مورد مقاله اخیرم اگر نظرتان را مرحمت بفرمائید ممنون می شوم:

...نکته جالبتر در اینجاست که با وجود صراحت احادیث در رنگ سیاه مو و چشمان پیامبر اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع)، تمثالهای فرضی که از این بزرگان در همه جا رویت می شود نیز به شکل چشمان رنگی می باشند. یک وای بزرگ را باید موقعی با نعره ای سهمگین فریاد زد که متوجه باشیم اصولا عرب جماعت آنهم در صدر اسلام به جز با چهره ای گندمگون و چشمانی سیاه شناخته نمی شده است و اینجا درست همان جایی است که یک ناصر پورپیرار تازه نفسی می طلبد تا پرده از فتنه کهن و خزنده یهودیان برفکند زیرا که در کتب عتیق است که چشمان رنگی و موهای قرمز و زرد معرف یهودیان و بنی اسرائیل با آن عنادها و لجاجت ها و فسادهای مذکور است...

http://www.xinap.blogfa.com

پاسخ:

آقای عربگری. در سرزمین ما دشمن اسلام و عرب و توجیهگر دوران ماقبل اسلام دهان گشادتر و دروغ سازتر از او نداریم که در اطراف او چنان مهملاتی ساخته اند که یک کامیون ۱۸ چرخ هم نمی تواند حمل کند.

حسین محمدی

شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 01:52 AM

سلام استاد

با عرض سلام و خسته نباشید و نیز تبریک فرا رسید ماه رمضان

بعد از درک خستگی کار کشاورزان و فهم توجیه روزه خواری و غیره و همینطور چانه زدن جهت تخفیف ساعات روزه داری نمی دانم چرا یاد عتیق نیشابوری و کتابش افتادم...

abbas

شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 08:19 AM

/http://starsinsymmetry.wordpress.com/page/3

elyar45

شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:55 AM

گردش ماههای قمری که با ماه تنظیم شده و ردخور ندارد می ترسیدم که جعلی تلقی شود (شوخی بود) به هر حال این فرمان خداوند بسی مایه خیر و خوبی و شادی برای من است که ماه روزه داری می گردد و در هر زمانی آن را تجربه می کنیم - راستی ۲۰۶ می گفت پورپیرار نماز نمی خواند ! هنوز در مورد روزه گرفتن شما چیزی نگفته ! چرا اینهمه مجذوب شخص می شوند که یکی آن را در حد بسیار بالا می گیرد و یکی بسیار پایین - این از نتایج جذب در شخصیت یک انسان است - استاد پورپیرار خسته نباشید راستی ۲۰۶ اینبار گفته های جالبی داشت در خصوص ویرایش مقاله های ؛چند بگو مگو با چند مقاله دیگر ؛ راستی آنها درست است ؟ چون پیش فرضها در آنجا پذیرفته بودید - البته به نظر من مهم نیست فرض کنیم شما هم در ایران متولد و زندگی کرده اید مهم این است که بر تحریف بزرگ تاریخ ایران و اسلام انگشت گذاشته اید و این خیلی بزرگ است .

عادل

شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:15 AM

http://www.camelphotos.com/camels_asia.html

تعدادی عکس قدیمی در خصوص شتر در آسیانه میانه و روسیه که جالبند

abbas

شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:36 AM

http://www.zarrinkafsch-bahman.org/6.html

پاسخ:

آقای عباس. لینک بسیار سرگرم کننده و پر محتوایی بود. ولی مکان استقرار این عالی جنابان را معلوم نمی کرد.

شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:52 AM

سلام بر همه دوستان

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِندَ اللهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِی کِتَابِ اللهِ یَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَات وَالأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ

همانا تعداد «ماهها» نزد خداوند از روزی که آسمانها و زمین را خلق کرد ۱۲ «ماه» می باشد و ۴ ماه آن حرام می باشد این است دین ثابت و پایدار خدا .

این آیه اثبات می کند که منظور از «شهر» در قرآن همان «ماه» است !

و اما در مورد تعداد روزهای ماه قمری و متغیر بودن ماهها . این مسلم است که هر ماه قمری ۲۸ یا ۲۹ روز است و بدون تلقینات یهود !!! و با یک رصد ساده قرون وسطایی نیز قابل درک است . بنابراین ماههای قمری با گردش ۳۶۵ روزه زمین به دور خورشید هماهنگ نیست و سالانه ۱۱ روز کمتر است و طبیعی است که ماهها در طول سالها ثابت نباشند .

و اما تقویم شمسی که یک تقویم مصنوعی است و البته نمی توان آن را خالص «شمسی» دانست بلکه یک تقویم ترکیبی از رصد «ماه و خورشید» بصورت مشترک است چه ناگزیر برای یافتن تعداد روزهای هر ماهُ نیازمند رصد ماه است و این شکل ظاهری ماه است که به انسان می گوید چندمین روز هر ماه است .

و اما دخل و تصرفی در تقویم شمسی شده و برای منطبق شدن با تعداد روزهای گردش زمین به دور خورشید (۳۶۵) به هر ماه بطور سلیقه ای ۱ یا ۲ یا حتی ۳ روز می افزایند و بنابراین تقویم شمسی یک تقویم مصنوعی و انسان ساز است .

حاجی زاده

شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:03 PM

با اطمینان در انتظار چنین جوابی بودم و البته این پاسخ گریز از پرداختن به اصل موضوع و آیه ای است که وجودش انکار ناپذیر می باشد.

در قرآن احکام و قوانین موکدی وجود دارد که بدست فراموشی سپرده و گاها قواعد مغایر و متضادی جایگزین شده اند، ما مسلمانان نمی توانیم به بهانه خوض نکردن در آیات از بار مسئولیت احیای این قوانین شانه خالی کنیم.

موضوع بحث من کشاورزان و روزه خواری نیست، درستی یا نادرستی تقویم مورد استعمال است.

قوم ظالمینی هم در کار نیست، پیشترها تشخیص من در نظر شما معتبر بود، طبیعتا بایستی الآن نیز چنین باشد، چون تغییری بوجود نیامده، الا تغییرات مثبت.

حاجی زاده

شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:06 PM

راه گشاترین آیات برای تعیین تقویم صحیح قرآنی دو آیه زیر می باشند:

هُوَ الَّذِی جَعَلَ الشَّمْسَ ضِیَاء وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُواْ عَدَدَ السِّنِینَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللّهُ ذَلِکَ إِلاَّ بِالْحَقِّ یُفَصِّلُ الآیَاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ

اوست کسی که خورشید را روشنایی بخشید و ماه را تابان کرد و برای *ماه* منزلهایی معین کرد تا شماره سالها و حساب را بدانید خدا اینها را جز به حق نیافریده است نشانه‌ها را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کند.(یونس 5)

یَسْأَلُونَکَ عَنِ الأهِلَّةِ قُلْ هِیَ مَوَاقِیتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ...

در باره حکمت *هلالهای ماه* از تو می‌پرسند بگو آنها شاخص و گاه‌شماری برای مردم و [موسم] حج‌اند...(بقره 189)

باری به شهادت قرآن، در تنظیم یک شبانه روز دو عامل دخیل هستند، گردش ماه و گردش خورشید.

اللّهُ الَّذِی رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ کُلٌّ یَجْرِی لأَجَلٍ مُّسَمًّى یُدَبِّرُ الأَمْرَ یُفَصِّلُ الآیَاتِ لَعَلَّکُم بِلِقَاء رَبِّکُمْ تُوقِنُونَ

خداست آن ذات پاکی که آسمانها را چنان که می نگرید بی ستون برافراشت آنگاه بر عرش استیلا یافت و خورشید و ماه را مسخر کرد که هر کدام در وقت خاص به گردش آیند، امر عالم را تنظیم میکند و آیات را با دلائلی مفصل بیان می دارد، باشد که به لقا پروردگار خود یقین کنید.(رعد2)

آیا تقویمی که بر مبنای گردش یکی از این دو عامل تنظیم شده است، می تواند صحیح باشد!؟

وَجَعَلْنَا اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ آیَتَیْنِ فَمَحَوْنَا آیَةَ اللَّیْلِ وَجَعَلْنَا آیَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُواْ فَضْلًا مِّن رَّبِّکُمْ وَلِتَعْلَمُواْ عَدَدَ السِّنِینَ وَالْحِسَابَ وَکُلَّ شَیْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِیلًا

و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم نشانه شب را تیره‌گون و نشانه روز را روشنی‌بخش گردانیدیم تا فضلی از پروردگارتان بجویید و تا شماره سالها و حساب را بدانید و هر چیزی را به روشنی باز نمودیم.(اسرا 12)

آیا اتکا صرف به گردش ما جهت تنظیم تقویم موجب چرخش ماهها شده است؟

و مجددا سئوال میکنم مصداق بیرونی این آیه چه چیزی می تواند باشد؟ تقویم قمری یا شمسی؟

""إِنَّمَا النَّسِیءُ زِیَادَةٌ فِی الْکُفْرِ یُضَلُّ بِهِ الَّذِینَ کَفَرُواْ یُحِلِّونَهُ عَامًا وَیُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِّیُوَاطِؤُواْ عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللّهُ فَیُحِلُّواْ مَا حَرَّمَ اللّهُ زُیِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللّهُ لاَ یَهْدِی الْقَوْمَ الْکَافِرِینَ

جز این نیست که جابجا کردن [ماههای حرام] فزونی در کفر است که کافران به وسیله آن گمراه می‌شوند آن را یکسال حلال می‌شمارند و یکسال دیگر آن را حرام می‌دانند تا با شماره ماههایی که خدا حرام کرده است موافق سازند و در نتیجه آنچه را خدا حرام کرده بر خود حلال گردانند زشتی اعمالشان برایشان آراسته شده است و خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند.""

حاجی زاده

شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:13 PM



راه گشاترین آیات برای تعیین تقویم صحیح قرآنی دو آیه زیر می باشند:

هُوَ الَّذِی جَعَلَ الشَّمْسَ ضِیَاء وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُواْ عَدَدَ السِّنِینَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللّهُ ذَلِکَ إِلاَّ بِالْحَقِّ یُفَصِّلُ الآیَاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ

اوست کسی که خورشید را روشنایی بخشید و ماه را تابان کرد و برای *ماه* منزلهایی معین کرد تا شماره سالها و حساب را بدانید خدا اینها را جز به حق نیافریده است نشانه‌ها را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کند.(یونس 5)

یَسْأَلُونَکَ عَنِ الأهِلَّةِ قُلْ هِیَ مَوَاقِیتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ...

در باره حکمت *هلالهای ماه* از تو می‌پرسند بگو آنها شاخص و گاه‌شماری برای مردم و [موسم] حجاند...(بقره 189)

باری به شهادت قرآن، در تنظیم یک شبانه روز دو عامل دخیل هستند، گردش ماه و گردش خورشید.

اللّهُ الَّذِی رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ کُلٌّ یَجْرِی لأَجَلٍ مُّسَمًّى یُدَبِّرُ الأَمْرَ یُفَصِّلُ الآیَاتِ لَعَلَّکُم بِلِقَاء رَبِّکُمْ تُوقِنُونَ

خداست آن ذات پاکی که آسمانها را چنان که می نگرید بی ستون برافراشت آنگاه بر عرش استیلا یافت و خورشید و ماه را مسخر کرد که هر کدام در وقت خاص به گردش آیند، امر عالم را تنظیم میکند و آیات را با دلائلی مفصل بیان می دارد، باشد که به لقا پروردگار خود یقین کنید.(رعد2)

آیا تقویمی که بر مبنای گردش یکی از این دو عامل تنظیم شده است، می تواند صحیح باشد!؟

وَجَعَلْنَا اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ آیَتَیْنِ فَمَحَوْنَا آیَةَ اللَّیْلِ وَجَعَلْنَا آیَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُواْ فَضْلاً مِّن رَّبِّکُمْ وَلِتَعْلَمُواْ عَدَدَ السِّنِینَ وَالْحِسَابَ وَکُلَّ شَیْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِیلاً

و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم نشانه شب را تیره‌گون و نشانه روز را روشنی‌بخش گردانیدیم تا فضلی از پروردگارتان بجویید و تا شماره سالها و حساب را بدانید و هر چیزی را به روشنی باز نمودیم.(اسرا 12)

آیا اتکا صرف به گردش یکی از این دو عامل جهت تنظیم تقویم موجب چرخش ماهها شده است؟

و مجددا سئوال میکنم مصداق بیرونی این آیه چه چیزی می تواند باشد؟ تقویم قمری یا شمسی؟

""إِنَّمَا النَّسِیءُ زِیَادَةٌ فِی الْکُفْرِ یُضَلُّ بِهِ الَّذِینَ کَفَرُواْ یُحِلِّونَهُ عَامًا وَیُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِّیُوَاطِؤُواْ عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللّهُ فَیُحِلُّواْ مَا حَرَّمَ اللّهُ زُیِّنَ لَهُمْ سُوءُ

أَعْمَالِهِمْ وَاللّهُ لاَ يَهْدِی الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

جز اين نيست كه جابجا كردن [ماههای حرام] فزونی در كفر است كه كافران به وسيله آن گمراه می‌شوند آن را يكسال حلال می‌شمارند و يكسال ديگر آن را حرام می‌دانند تا با شماره ماههايی كه خدا حرام كرده است موافق سازند و در نتيجه آنچه را خدا حرام كرده بر خود حلال گردانند زشتی اعمالشان برايشان آراسته شده است و خدا گروه كافران را هدايت نمی‌كند.""

فتح

شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:58 PM

حمايت اوباما از احداث مسجد 'جنجالی' در نيويورک

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2010/08/100813_u01

obama-mosque.shtml-

حرفهای اوباما در اين مورد جالب است

سايه

شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:47 PM

با سلام

استاد عزيز شايد گاها برخی سئوالات بسيار حقير به نظر رسد و فقط به اين جهت است كه منبع قابل رجوعی جز شما نمی شناسيم كه به اصل حقيقت برسيم.

سها

شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 7:15 PM

سلام، اقای تو حيد شما رو به ما معرفی كردن.

خوشحالم كه وبتون و پيدا كردم.

http://bahanet.blogfa.com

وحيد

شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 8:02 PM

سلام

قريب يک سالی است تقريبا هر روز مطالب شما را ميخوانم و همچنان در كنكاش و جدل .

ولی اينک مطمئن هستم قسمت عظيمی از تاريخ اين سرزمين به دروغ نوشته شده:

تخت جمشيد نميتواند بنايی تمام شده باشد... .

اشكانيان نمی توانند ايرانی باشند... .

ساسانيان مشكوكند... .

حمله اعراب بی شک جعلی است... .

ايران بعد اسلام به شدت بزرگ نمايی شده است... .

خداوند با شما باد.

شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:30 PM

آقای پورپيرار نظر شما راجعب انجيل برنابا چيست. بعضی شباهتهای آن با كلام الله در قرآن مجيد.

. مسيح پسر خدا نيست

. مسیح مصلوب نشده است

. ملغا نشدن شریعت به شکل پولسی

. پیشگویی پیامبر اسلام

اما با استدلال شما نمی توان وجود کاغذ را برای نگارش هیچ کدام از اناجیل پذیرفت. پس وجود چنین انجیلی چرا و کار کیست.

فتح

شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:39 PM

مخالفین انجیل برنابا می گویند در کتابهای فارابی ، مسعودی،و... اسمی از برنابا نیامده یعنی همانهایی که شما از تاریخ خارجشان کردید.

در این انجیل آمده:

آن وقت یسوع(عیسی) فرمود: وقتی که رسول‌الله بیاید، پس از نسل که خواهد بود؟ شاگردان جواب دادند: از داوود... تصدیق کنید مرا؛ زیرا به شما راستی می‌گویم به درستی که عهد بسته شده‌است با اسماعیل نه با اسحاق

مسعود سنجری

شنبه 23 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:40 PM

برادر بزرگ استاد پورپیرار

سلام علیکم

دومین وبلاگ حق و صبر به زبان عربی راه اندازی گردید که از آدرس زیر قابل دسترسی است.

http://haghvasabr2.vatanblog.com

امیدوارم این وبلاگ جدید بتواند سهمی را در انتشار آثار شما داشته باشد. در حال حاضر 45 یادداشت اسلام وشمشیر در آن نصب شده و بتدریج یادداشتها و لینکهای دیگری نیز بر روی آن قرار خواهد گرفت. بعلت اینکه آماده شدن ترجمه جدید از نسخه فارسی اسلام وشمشیر بطول می انجامد و بدلایل متعددی نباید بیش از این در انتشار آثار استاد درنگ نمود لذا از همان ترجمه هیجان عزیز با تعدیلاتی در این وبلاگ استفاده گردیده است که البته این تعدیلات هرگز نمی تواند از ارزش زحمات ایشان بکاهد.

در ضمن نسخه موبایل وبلاگ از آدرس زیر قابل دسترسی است.

http://haghvasabr2.vatanblog.mobi

خواهشمندم چنانچه کسی از دوستان از سرویس وایمکس استفاده می کنند نحوه مشاهده آن را در موبایل به ما اطلاع دهند.

استاد گرامی و دوستان در صورت مشاهده هراشکال در متن یا امکانات وبلاگ ما را از راهنمایی خود بی دریغ نگذارند.

والسلام علیکم

فی امان الله

پاسخ:

دوست عزیز آقای سنجری. ارائه کامل مقالات اسلام و شمشیر به زبان عرب ، موفقیتی بزرگ است که به همت شما بالاخره سرانجام یافت. به شما شاد باش می گویم و سپاس می گذارم که این گره ده ساله را گشودید.

abbas
یکشنبه 24 مرداد ماه سال 1389 ساعت 08:14 AM

&dq=oldest+armenian+cemetery+in+india&printsec=frontcover&http://books.google.ca/books?id=BlreO8bmK30C

f=false&q=oldest%20armenian%20cemetery%20in%20india&cad=1#v=onepage&source=gbs_similarbooks_s
یکشنبه 24 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:03 AM

الحق و الصبر

رویه فریده و منقطعة النظیر للاسلام و تاریخ شرق الاوسط

الاسلام والسیف

الکاتب : ناصر بوربیرار

/http://haghvasabr2.vatanblog.com/2010/07

http://haghvasabr2.vatanblog.com/2010/07/

khalil
یکشنبه 24 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:16 AM



استاد در کتاب مثنوی چند داستان در مورد هامان که گویا در زمان فرعون بوده نوشته اند.

مشورت کردن فرعون با وزیرش، هامان، در ایمان آوردن به موسی(ع) (جلد اول نسخه رینولدالین نیکلسن ص665)

تزییف سخن هامان علیه اللعنة (همان جلد ص666)

نومید شدن موسی-علیه السلام-از ایمان فرعون به تأثیر کردن سخن هامان در دل فرعون (همان جلد ص667)

استاد به نظر شما این هامان تشبیه شده هامان دربار خشایار است؟؟یا نه؟؟
نتاب
یکشنبه 24 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:57 AM

سلام استاد عزیز

آیا به جای زبان عرب، بهتر نیست بگوییم زبان عربی؟
khalil
یکشنبه 24 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:19 AM



استاد نمونه ای از عرب ستیزی امام مولانا

(قصه اعرابی درویش و ماجرای زن او با او به سبب قلّت و درویشی

. . .

. . .

. . .

مر عرب را فخر،غزو است و عطا   در عرب تو همچو اندر خط خطا

چه غزا؟ما بی غزا خود کشته ایم   ما به شمشیر عدم سرگشته ایم

چه عطا ما بر گدایی می تنیم   مر مگس را در هوا رگ می زنیم

گر کسی مهمان رسد، گر من منم   شب بخسپد،قصد دلق او کنم

(همان جلد ص102)

واقعاًچه کسانی بر قرآنی خواندن این کتاب مثنوی دل بسته اند؟

1 2 >>

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya 12

ایران شناسی بدون دروغ، ۲۷۶، نتیجه ۸۴، نقشه یزد و کرمان

khalil

یکشنبه 24 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:45 AM



«غیرقابل انتشار» نام فیلمی است که دی پالما، آن را با موضوع تبعات حضور سربازان آمریکایی در یک کشور جنگ زده مثل عراق در سال ۲۰۰۷ جلوی دوربین برده است.

دی پالما بیشتر به خاطر فیلم های گانگستری که در آن، سبک ویژه و مستقل او مشهود است، معروف شده است.

برایان دی پالما(زاده ۱۱ سپتامبر ۱۹۴۰) کارگردان آمریکائی با بیش از چهل سال سابقه کاری.

عمده شهرت دی پالما به خاطر کارگردانی چهار فیلم مطرح و پرفروش آمریکائی به نامهای کری , صورت زخمی , تسخیر ناپذیران و ماموریت غیر ممکن ۱ می‌باشد.

شیوه کارگردانی و فیلمبرداری چندین فیلم دی پالما را با کارگردان شهیر سینما یعنی آلفرد هیچکاک مقایسه می‌کنند.

دی پالما به همراه کارگردانانی چون استیون اسپیلبرگ و فرانسیس فورد کاپولا جزو پیش قراولان سینمای نوی آمریکا می‌باشد.

خلاصه داستان فیلم

«غیرقابل انتشار» کولاژی از تصاویر مستند باقیمانده از خشونت نیروهای آمریکا در عراق است. تصاویری مستند که با فیلم‌های بازسازی شده از حوادث رخ داده ترکیب شده‌اند. خط اصلی داستان بر پایه حادثه‌ای واقعی شکل گرفته است: دوازدهم مارس 2006، شهر المحمودیه

در جنوب بغداد. 5 سرباز لشکر 502 ارتش آمریکا، یک دختر سیزده ساله عراقی را مورد تجاوز قرار داده و سپس او و خانواده‌اش را به قتل می‌رسانند. یک گروه مستندساز فرانسوی به طور پنهانی از این فاجعه فیلمبرداری می‌کنند. در حالی که دولت آمریکا به طور جدی تصاویری از این دست را سانسور می‌کند.

خبرها

یکشنبه 24 مرداد ماه سال 1389 ساعت 1:30 PM

سریال «حضرت موسی(ع)» کار جدید سلحشور

http://www.news.niksalehi.com/view/013524.php

شاعر و طنز پرداز تبریزی درگذشت

http://www.news.niksalehi.com/view/013495.php

آشنایی با فرزندان رهبری + تصاویر

http://www.news.niksalehi.com/view/013520.php

یک کلیمی در نمایشگاه قرآن مسلمان شد!

http://www.rajanews.com/detail.asp?id=58097

زن مسیحی در نمایشگاه قرآن مسلمان شد!

cat=1&http://shia-online.ir/article.asp?id=13536

«هنریک برودر»، نویسنده مشهور یهودی مسلمان شدن خود را رسماً اعلام کرد!

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8904271157

محمد رضا نیسی

یکشنبه 24 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:51 PM

سلام‌علیکم استاد عزیز

رسیدن ماه مبارک رمضان را به شما تبریک می‌گوین و امیدوارم همه ساله سلامت و سربلند باشید.

می‌خواستم توجه شما را به یکی از شاهکارهای تاریخی!! ویکیپدیا جلب کنم که دیدن آن خالی از لطف نیست.

http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_countries_by_statehood#Historical_kingdoms_and_dynasties

رامین.ص

یکشنبه 24 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:07 PM

با سلام:

ایام ماه رمضان بر همه مبارک باشد.استاد گرامی اگر امکان دارد

اسم "مالکوم ناپیر" را به صورت انگلیسی بنویسید تا بتوانیم از

اینترنت ان را جستجو کنیم.

در یکی از کتابهایتان فرموده بودید از "اسحاق بن شپروط" سخن

خواهم گفت اما مطلبی نیافتم. باتشکر.

پاسخ:

napier malcolm

این نام مالکولم به انگلیسی است

وفور ساختمان هایی با راس هرمی نیز

به این دلیل است که تحقیقات مهندسان و معماران

اثبات کرده است که این گونه مخروط ها موجب دوام

بیش تر مصالح بنا و نیز سلامت مطمئن تر ساکنین آن می شود

مور د اسحاق بن شپروط هم یک خاخام است که در تحولات اسپانیا

نقش داشته است.

محمد اوجال اولوتورک

دوشنبه 25 مرداد ماه سال 1389 ساعت 00:27 AM

جناب آقای سنجری، سلام

به نوبه خود از زحمات بی شائبه و چشمداشت جنابعالی و سایر دوستان همکار و همفکر، علی الخصوص جناب آقای هیجان و دوست عزیزم جناب سلامات، در ترجمه و نشر «اسلام و شمشیر» به زبان عربی تشکر می کنم.

بدون شک، نشر و ترویج اندیشه های بی بدیل جناب استاد پورپیرار، که همانا نشر «حقیقت» و «حقیقت طلبی» است، دینی است بر گردن هر مدعی «بنیان اندیشی». و انشاء الله که همگی در ادای این دین، موفق، و از این «امتحان الهی» سربلند بیرون خواهیم آمد.

جزاکم الله خیرا

***

دوشنبه 25 مرداد ماه سال 1389 ساعت 07:36 AM

استاد سلام.میخواستم بدونم شما فیلم "سریال ظهور" را که توسط دو فیلمساز جوان به نامهای نوریگا و آرکنار ساخته شده است و ایده اولیه آن با الهام از مستند شخصی به نام هاشم عبدالله یا عبدالله هاشم ساخته شده است را دیده اید؟(که به علت بازدید بالای فیلم هایش به او لقب سلطان یوتیوب را داده بودند.)

در این مستند تلاش شده است که به پرسشهایی نظیرسوالهای زیر پاسخ داده شود:

- چرا مسائل جهان امروز، به صورت کنونی است؟

- چرا این همه برجهای هرمی و برجهای دوقلو در اطراف ما ساخته می شود؟

- چه کسانی جهان را کنترل می کنند؟

- پشت پرده فیلمها و کارتون های سینمایی چیست؟

- پشت پرده موسیقی ها چیست؟

- چرا سلطه گران جهانی به دنبال احیای معبد سلیمان هستند؟

- چرا این همه خشونت و کشتار در اطراف جهان وجود دارد؟

- چه ارتباطی بین فرعون امروزی و "نظم نوین جهانی" وجود دارد؟

- چه وجه اشتراکی بین جورج بوش، اباما و ملکه انگلیس وجود دارد؟

- چرا شیطان پرستی امروز توسط سران کشورهای استعمارگر و صهیونیست پشتیبانی می شود؟

- مقصود واقعی اشیاء پرنده ناشناخته (UFO) چیست؟

- هدف واقعی فروپاشی اقتصادی در جهان چیست؟

- دجال (ضد امام مهدی، عجل الله تعالی فرجه، و ضد مسیح، علیه السلام) کیست و هدف او و ابزارهای رسیدن به آن هدف چیست؟

اینها سوالاتی هستند که در این سریال مستند به آنها پاسخ داده می شود.

هدف این سریال، افشای طبقه ممتاز (Elite)، خاندانهای سلطنتی در اروپا، زرسالار و جهان خواهان است که تمامی جنبه های زندگی بشریت را کنترل و برنامه ریزی می کنند

جناب پورپیرار من تمام 52 قسمت این مستند رادیدم و جز چند قسمت که با دیدگاهای شما منطبق نیست تقریبا بالای 80 درصد تایید کننده کار عظیم شما در معرفی دستهای پشت پرده بازیگران اصلی دنیای کنونی است.اگر ندیدید این مستند را خوشحال میشم براتون بفرستم . تقریبا 2.5 گیگ بود که دانلود کردم.زیر نویس فارسی هم براش گذاشتند.با تشکر

بختیار

دوشنبه 25 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:21 AM

با کسب اجازه از استاد

هرچند موردی که میخواهم بیان کنم هیچ ربطی به پست اخیر ندارد اما :

دوست عزیز حاجی زاده . میخواستم از حضورتان جویا شوم که آیا به درجه حرارت مثلا تهران و یا شهرهای جنوبی دقت کرده اید و یا آن را با درجه حرارت عربستان و شهرهای ان مقایسه فرموده اید. حتما اگر این کار را انجام دهید خواهید دریافت که انجا بشدت گرمتر و شرایط زندگی بسیار سخت تر است. بنابراین با توجه به این نکته باید بدانید که فریضه‌ی روزه در همان اب و هوای دشوار بر مردم قرار داده شده است.

اما نکته دومی که از شما دیگر دوستان بارها خواهش کرده ام این است که خدا را شکر با این همه معلومات بهتر است که یک وبلاگ شخصی داشته باشید و نظرات طولانی و شاید بی ربط به موضوعات تاریخی این وبلاگ را در انجا مطرح کنید که بسیار مفید تر خواهد بود

مهران حقیقت

دوشنبه 25 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:29 AM

سلام دوستان

جناب آقای نیسی

ممنون از لینک ارسالی.

نکته جالبی که وجود داره زمان تشکیل کشور آلمان هستش: 18 ژانویه 1871

جالبتر اینکه در تاریخ جدید جعلی ایران که به نام شاه عباس کبیر صفوی جعل شده این شاه عباس سفیر کشور آلمان رو که 200 سال بعد تشکیل میشه رو میپذیره و به اون کشور سفیر میفرسته ۸

این نکته رو قبلا استاد متذکر شده بودند و این لینک هم دلیل مضاعف بر موضوع.

مسعود سنجری

دوشنبه 25 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:46 AM

برادر گرامی محمد اوجال اولوتورک

سلام علیکم

از بذل عنایت جنابعالی تشکر می کنم. امیدوارم به زودی شاهد ترجمه و نشر آثار استاد به زبانهای انگلیسی و فرانسوی و فراتر از آنها به زبان ترکی باشیم.

امروز در جهان شاهد ظهور و طلوع پدیده جدیدی تحت عنوان (((دینداری غیرفقهی))) هستیم که مطمئنا نظرات و افکار استاد خصوصا در موضوع دوران ساز اسلام وشمشیر پشتوانه مهمی از نظر تئوریک و عقیدتی برای این طبقه جدید خواهد شد. به این دلیل باید تلاش کرد تا به هر ترتیب ممکن راه نشر آثار استاد هموار گردد. با آرزوی موفقیت برای شما

والسلام علیکم

فی امان الله

abbas

دوشنبه 25 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:55 AM

&dq=napier%20malcolm&printsec=frontcover&http://books.google.ca/books?id=c0S4lOyfKSYC

f=false&q&source=gbs_slider_thumb#v=onepage

آیدین قشقایی

دوشنبه 25 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:02 AM

سلام به دوستان

جناب آقای سنجری

با تشکر از شما بابتزحمتی که کشیده اید.

عرضی خدمتتان داشتم. قشر تحصیلکرده ما آشنایی نسبی با زبان عربی دارد. می خواستم بدانم اگر کسی بخواهد زبان عربی روان و در عین حال بین المللی را یاد بگیرد شما چه کتاب خودآموزی را به ایشان معرفی می کنید؟

عباس سلامات

دوشنبه 25 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:12 AM

با سلام به همه دوستان

و با پوزش برای این غیبت طولانی

به آقای سنجری بابت وبلاگ جدید تبریک می گویم و از زحمات ایشان قدردانی می کنم.

بعلت مخالفت خانم هیجان،که ظاهرا مخالفت خود را حضورا به استادنیز اعلام نموده اند، از درج ادامه یادداشت ها در نارپای عربی بر روی سایت مکتوب معذورم.

خانم هیجان گویی با ناشری برای نشر کتابشان به توافق رسیده اند به همین دلیل مایل به ادامه نشر ترجمه خود بر روی اینترنت نیستند.

اگر دوستی خواهان ادامه کار برروی سایت مکتوب است اعلام فرماید با کمال میل یوزرنیم و پسوورد وبلاگ را در اختیارش قرار خواهم داد.

از همه دوستانی که در این مدت با راهنمایی های خود مرا یاری کردند متشکرم.

پاسخ:

آقای سلامات. خانم هیجان حضورا به من اطلاع دادند که با نصب ادامه یادداشت های عربی ترجمه خودشان مخالف اند... حالا که شما هم از ادامه کار دست می کشید بد نیست در پایان آخرین یادداشت نصب شده دعوت کنید برای ادامه مطالعه یادداشت ها به وبلاگ آقای سنجری بروند.

عابدی

دوشنبه 25 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:47 PM

سلام. آقای سنجری لطفا بعد از ویرایش اسلام و شمشیر عربی به من نیز ارسال کنید.

محمد رضا نیسی

دوشنبه 25 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:33 PM

سلام‌علیکم

من هم به نوبه خودم انتشار مجموعه مقالات اسلام و شمشیر به زبان عربی را به شما استاد عزیز و همه بنیان‌اندیشان تبریک می‌گویم و از زحمات برادر بزرگوارم مهندس سنجری تشکر می‌کنم که اگر نبود همین مقدار نیز محقق نمی‌شد.

از این به بعد بر همه یاران بنیان‌اندیش است که این ترجمه را به صورت گسترده به جهان عرب معرفی کنیم و از هر راه و وسیله‌ای برای تبلیغ استفاده کنیم.

استاد عزیز! اگرچه ترجمه آثار به دلایلی که بخشی از آنرا می‌دانید، به کندی پیش می‌رود ولی به زودی 5 یادداشت دیگر مجموعه اسلام و شمشیر ترجمه خواهد شد.

سایه

دوشنبه 25 مرداد ماه سال 1389 ساعت 5:20 PM

با سلام

استاد عزیز می خواستم بدانم آیا سفارش بنده ارسال شده است؟

ممنون

مسعود سنجری

دوشنبه 25 مرداد ماه سال 1389 ساعت 5:26 PM

برادر گرامی آیدین قشقایی

سلام علیکم

اینجانب برای پاسخ به سئوالتان شخص مناسبی نیستم چراکه معمولا ما برای یادگیری زبان عربی از خودآموز استفاده نمی کنیم. اما از افراد صاحب تخصص سئوال و به شما اعلام خواهم کرد

برادر عابدی نازنین

به روی چشم. در پایان کار تصحیح برایتان ارسال خواهم کرد.

والسلام علیکم

فی امان الله

مسعود سنجری
دوشنبه 25 مرداد ماه سال 1389 ساعت 9:28 PM

برادر عزیز عباس سلامات

سلام علیکم

از شما تشکر می کنم و امیدوارم به ترجمه و نشر آثار استاد ادامه دهید

والسلام علیکم

فی امان الله

محمد رضا نیسی
دوشنبه 25 مرداد ماه سال 1389 ساعت 9:36 PM

سلام علیکم

جناب آقای سلامات از زحمات شما درانتشار آثار استاد عزیز تشکر میکنم و با توجه به اعلام آمادگی شما برای واگذری این مهم به دیگران، من آمادگی خود را برای استمرار کار درسایت مکتوب اعلام می کنم.

منتظر ارسال یوزرنیم و پسورد وبلاگ مکتوب به ایمیلم هستم.

mohamadrezaneisi@yahoo.com

با تشکر از شما

توحید
دوشنبه 25 مرداد ماه سال 1389 ساعت 9:44 PM

سلام استاد گرامی

خدا را شکر که شما برای عرضه این همه آگاهی حیاتی تر از خون در رگها و تنفس و ... که ارزش گذاری حتی بر روی یک سطرش غیر ممکن است از ما طلب پول نمی کنید والا خدا می داند سرنوشتمان چه بود .

من نمی دانم انتشار ترجمه عربی اسلام و شمشیر بر روی سایتی که هنوز ناشناس می باشد چه ضرری متوجه مترجم آن می کرد؟

اینجاست که معلوم می شود چه کسانی برای دین و چه کسانی برای دنیا کار می کنند .

البته جای آن هست که یادی هم از استاد غفوری بکنیم که ارزش کارش با این وقایع بیشتر روشن می شود که نه تنها هیچ مزدی برای فیلمهایشان طلب نکردند بلکه شخصا از جیبشان هم مایه گذاشتند .

خدا یار و یاورتان .

حقیقت دوست

شنبه 30 مرداد ماه سال 1389 ساعت 7:00 PM

استاد پورپیرار ، کسروی در کتاب تاریخ 500 ساله خوزستان گفته که شهر مسجد سلیمان در سال 1327 وبا رشد استخراج نفت در آن منطقه و فراهم شدن محیط کار برای کوچ نشینان عرب وبختیاری تاسیس شده که شهر عبادان هم در همین حدود رونق گرفت وبا تعداد جمعیتی کم که از آمار جمعیتی شهر های شوشتر ودزفول ارائه داده وبا محاسبه آماری رشد جمعیت میتوان گفت که دزفول وشوشتر تا سیصد سال پیش خالی از سکنه بوده اند وجز آثار قدیم قبل از اسلام آثاری منوط به قبل از 300 سال پیش یافت نمیشود البته اگر قبرهای مشکوک البراء بن مالک برادر انس بن مالک که گویند در مایسمی فتح بلاد فارس به شهادت رسیده و قبر یعقوب لیث صفار را مستثنی دانست!

همچنین هم بیشتر قبایل عرب در حدود سیصد الی 400 سال پیش در حکومت مشعشعیان یا همان موالی ها وارد ایران شدند که اینها همه موید خالی از سکنه بودن ایران میباشد ولی همه کتاب های تاریخی دیگر عکس این را ثابت میکنند ، وآنچه که مرا در اثبات نظریه شما در خوزستان به شک وامیدارد عدم وجود موانع وسدود طبیعی مانند کوه ودریا وصحرا بین خوزستان وبین النهرین وخلیج وشام وجزیرة العرب میباشد کهد چگونه انسانهای این مناطق به خوزستان پر آب واین جلگه سرسبز وارد نشده اند! چرا این عرب هایی که 400 سال پیش به خوزستان کوچ کرده اند چرا با فاصله کم 40 الی 50 کیلومتری با این خطه سرسبز زودتر آنچه شما میفرمایید یعنی مثلا 800 سال پیش یا 1000 سال پیش ویا حتی قبل از آن کوچ نکردند

پاسخ:

آقای حقیقت دوست. عجیب است که این یعقوب لیث صفاری گوری هم در شیراز دارد! احتمالا در عهد او مرده ها هم ییلاق و قشلاق می کردند یعقوب لیث تابستان ها را در شیراز مقبور می شده و زمستان ها به خوزستان می رفته است. از بابت سئوال دوم شما هم لازم است یک شب جمعه به قبرستانی در اهواز بروید، مرده حرف شنو و اهل مجادله های تاریخ بیابید و از او سئوال کنید که چرا این همه دیر به خوزستان سرازیر شده اند!؟

حقیقت دوست

سه شنبه 2 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:36 AM

استاد ذائقه شوخ طبعی شما به کامم خوش آمد واز شما کمال تشکر را دارم ولی در خوزستان آثاری را که وفق مراد هدسه پرستان ومردخای طلبان است ثبت کردند و بقیه تپه های پدیدار با کوزه های شکسته را به کشاورزان ودامداران هدیه دادند تا آنها را زیر پای دامها وخیش تراکتورها نوازش دهند واگر اثر کله گنده ای هم سر برآورد زودآن را کهنه بکشند وبرق بیندازند وصفرهای دلارها را در آن منعکس کنند ودو برابر ببینند ،بیشتر آثار خوزستان ثبت نشده وغیر معرفی شده اند که به این حال نمیشود زود در مورد خالی از سکنه بودن خوزستان قضاوت کرد ، بالحتم در واقعه پوریم اولین سرزمینی که ضربه دید وخال از سکنه شد، شوش ودر کل خوزستان است ولکن ورود مهاجر را در سده های بعد از آن نمیتوان انکار کرد

2 1 >>

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya	12	

ایران شناسی 277

ایران شناسی بدون دروغ، 277، نتیجه ۸5، کتیبه های تخت جمشید

محمد رضا نیسی
سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 01:32 AM

سلام‌علیکم

دست‌مریزاد جناب آقای پورپیرار، مانند همیشه افشاگرانه و مستدل و مستند بود و ای کاش متولیان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری این چنین نکته‌سنج و تیزبین می‌بوند و شاید هم تعمدی نیستند!

آقای سلامات من آمادگی ادامه کار وبلاگ مکتوب را دارم. بطفا یوزرنیم و پسورد را به ایمیلم ارسال کنید. با تشکر

mohamadrezaneisi@yahoo.com

سروش
سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 01:39 AM

ممنون از کرامت که پرده از حقایق باز کرد و ممنون از شما که فضا رو برای باز شدن حقایق بازکردین.

abbas
سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 02:53 AM

/http://oi.uchicago.edu/gallery/dai_aerial

مسعود
سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:29 AM

بر فراز این این پست بنویسید : قابل توجه کسانی که مدعی مرور چندین باره آثار اند ولی به جای اشاره و پرسش از مسائل اساسی که ارائه آنها تعمدا به اینده موکول شده به آسمان ریسمان بافی های خاله زنکانه روی می آورند.

حسین محمدی
سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:52 AM

بنابراین تخت جمشید می تواند اصلا ربطی به گنگ به اصطلاح هخامنشیان نداشته باشد

پس فقط می ماند : داریوش و کتیبه بیستون

علی رضا

سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 07:57 AM

اراد تمند استاد عزیز

مهران حقیقت

سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:26 AM

سلام

واقعا کور باد بینایی که نمی بیند.

خسته نباشید استاد.

khalil

سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:01 AM



استاد بر فرزندان کوروش دیگر هیچ آبرویی نگذاشته اید فکر کنم تا اینجا بسشان باشد.نه در تخت جمشیدشان چیزی مانده و نه در امپراطوریهایشان.

واقعاً دستتان درد نکنه.

مهدی - مهدی

سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:54 AM

جناب آقای پورپیرار،

محقق روشن بین، خسته نباشید. در تصویر چهارم از ابتدای یادداشت (تصویر زوم شده) ارتفاع سنگ بالای بال اسفنکس به میزان قابل توجهی کمتر از تصاویر دیگر است. علت آن چیست؟

با احترام

مهدی

پاسخ:

آقای مهدی. تفاوت چشم گیری ندیدم. بیش تر راه نمایی کنید.

مهدی - مهدی

سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:24 PM

جناب آقای پورپیرار،

در مورد سئوال قبلی با مقایسه جرز دیوار با تصاویر دیگر متوجه شدم که تصویر فشرده شده است.

ارادتمند

مهدی

پاسخ:

آقای مهدی. کنترل خواهم کرد و ممنونم

امیر

سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:25 PM

جناب آقای پورپیرار

در خصوص تصویری که در آخرین پست ارسالی شما مورد بررسی قرار گرفت، توجه تان را به تصویر موجود در لینک زیر جلب می کنم:

http://www.travelblog.org/Photos/2456944

عکس فوق از زاویه ای تقریبا برابر با عکس مورد بررسی شما گرفته شده با وضوح تصویر تقریبا برابر با این تفاوت که فاصله عکس برداری کمی به موضوع نزدیکتر بوده است و "زمان عکس برداری هم نزدیک به زمان حال می باشد". با این وجود و با هیچ ترفندی قادر به مشاهده کتیبه ها نشدم.

در زیر تصویر بزرگنمایی شده را می توانید ملاحظه کنید:

http://www.free-imagehosting.com/out.php/i4037_Nationsgateresized.jpg

سپاسگذارم

پاسخ:

آقای امیر. در این عکس ها روی قسمت مربوط به کتیبه ها کار کامپیوتری انجام داده اید.

مهدی

سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:11 PM

ای بت شکن شرق میانه موفق باشی .

حدس می زنم باستان پرستان چند روزی در منگی به سر خواهند برد .

الله یارت باد

سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 5:38 PM

جناب پورپیرار

آیا در این سنگ نوشته مانند سنگ نوشته مکعب زرتشت کلمات از روی شکستگی ها پرش داده شده است یا خیر ؟

پاسخ:

پاسخ دقیق به این سئوال فقط زمانی میسر است که از فاصله بسیار نزدیک کتیبه مورد بررسی قرار گیرد.

عادل

سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 5:57 PM

http://goonagoon.nasseh.ir/page.php?gid=1057

استاد پورپیرار

عکسهای هوایی بسیار جالبی از تخت جمشید و نقش رستم بین سالهای 1935 تا 1937.

نمی دانم آیا این عکسها را دیده اید یا خیر ؟

پاسخ:

آقای عادل. این عکس ها سالیانی است که در کتاب ؛پرواز بر فراز نقاط باستانی ایران» منتشر شده است. ممنون

بی نام

سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 8:43 PM

استاد عزیز شلام علیکم -خسته نباشید

هر دم از این باغ بری می رسد.

تیر خلاص بر تفاخر وتکبرمنافقانه باستان پرستان شلیک نمودید وبی ریشه گی این حضرات را چنان نور نما نمودید که هر مدعی از این دست را دیوانه ای توهم زده نمایاندید.وثابت شد که تورم جعل چنان در این مجموعه انباشت است که گذر رمان هر روز بیش از روز دیگر بیماری توهم زدگان را تایید و مزدوران جیره خوار یهودیت پست را رسوا تر می کند.

استاد دست مریزاد بسیار عالی بود.

پاسخ:

آقای بی نام. از مراحم شما ممنونم. به قول آقای حسین محمدی برای هخامنشیان تنها کتیبه بیستون باقی مانده است، زیرا اثبات قلابی بودن تک کتیبه همدان از نوشیدن لیوانی چای سبز آسان تر است.

محمدرضا نیسی

سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 9:11 PM

سلام‌علیکم

جناب امیر

بفرمائید در لینک‌هائی که داده‌اید، حکایت آن سنگ افقی بر فراز دروازه ملل چیست که در عکس‌های مربوط به این یادداشت دیده نمی‌شود؟

نتاب

سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:47 PM

با سلام به استاد عزیز، تکان دهنده است!

آیا هرگز به چهارچوب آن کتیبه‌ها انتقاد کرده‌ایم؟ آنها فریاد می‌کشند که این کتیبه‌ها جدای از آن بنا درست شده‌اند. زیرا در کادر یا در قاب آن نوشته‌ها طبیعتا بایستی نماها و سمبولهایی منعکس باشند، گلبرگی، گلی، ستاره‌ای، یا کله‌آدمی، ... . حاشیه عاری از هر گونه نقش و نگار و سمبولی که بدور نوشته‌ها می‌بینیم حاکی از عجله در ساخت، بی‌مسئولیتی و ملهم بودن از هنر مدرن غربی در نیمه دوم قرن بیستم است، و گر نه کدام اثر معماری یا هنری در قدیم اینچنین ساده و ماشینی است؟ اصلا جای خود دارد که دقت کرد آیا آن مستطیل دور کتیبه با ابزار برش ماشینی است یانه. زیرا که در آخرین تصویر حاشیه چهارچوب کتیبه درخشش آشکاری دارد.

پیداست که سازنده آن مامور و در پی رفع تکلیف بوده و نه دارای عشق به خلاقیت هنری.

عابدی

سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:04 PM

سلام

مستند زخم نشر

http://dl.naria.ir/Movie/ZakhmeNashr

پاسخ:

آقای عابدی. ممنون ولی به نظر می رسد اشکالاتی در کار است مثلا از کلیپ سوم به پنجم رفته است.

مهدی - مهدی

سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:04 PM

http://www.livius.org/a/iran/persepolis/gate/XPa.JPG

http://www.flickr.com/photos/youngrobv/499488316/sizes/o/in/set-72157600203944983/

پاسخ:

آقای مهدی - مهدی. با مراجعه به قدیم ترین تصاویر به نظر می رسد سنگ های اطراف و زمینه کتیبه تعویض و یا به شدت ساییده شده است

ضمن این که تصویر flickr باز نشد.

مهدی - مهدی

سه شنبه 26 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:23 PM

جناب اقای حسین محمدی،

همان کتیبه بیستون هم مشکوک است. زیرا متن فارسی آن را (چه باستانی باشد چه نو کنده) بعداً نقر کرده اند. به آن نشان که در زمان نقر اولیه کتیبه محل مناسبی برای متن فارسی در نظر گرفته نشده است و بعداً هر جای خالی که پیدا کرده اند متن فارسی را اضافه کرده اند.

با احترام

مهدی

پاسخ:

آقای مهدی. بدین ترتیب ظهور حروف میخی داریوشی در بیستون، حک آن را بسیار دیرتر از بنای تخت جمشید می برد که اگر کتبه های آن را حک جدید ندانیم، مملو از خط میخی داریوشی است. و چون تخت جمشید هم نیمه تمام و به خود رها شده است، پس تاریخ حک کتیبه بیستون نامعلوم می شود و ارزش همزمان بودن خود را از دست می دهد. این مطلب سرنخ و راه نمای یگانه ای برای شناخت تاریخ درست هخامنشیان است. موفق باشید.

علا

چهارشنبه 27 مرداد ماه سال 1389 ساعت 00:40 AM

سلام

ضمن قدردانی از تلاشهای پژوهشگرانه تان و آرزوی سلامتی و پایداری برای جنابعالی ، جسارتاً به عرض می رسد که بنده ضمن مطالعه مقالات با ارزش شما ، به برخی اشتباهات چاپی در نصوص قدآنی میان متن برخوردم ، که آرزو می کنم با دقت بیشتری نقل شوند.

اگر دقیقاً موقع آن را جویا باشید در مجموعه مقاله اسلام و شمشیر ، مقاله ششم:

«انا ارسلناک بالحق بشیرا و نذیرا. تو را فرستادیم تا بشارت دهنده ی راه حق و منذز باشی (بقره ۱۱۹). کما ارسلاناکم فیکم رسولا منکم یتلوا علیکم آیاتنا و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و یعلمکم ما لم تکونوا تعلمون. چنان که از میان شما رسولی فرستادم تا آیات مرا بر شما بخواند، کتاب و حکمت و مراتبی را بیاموزاند که نمی دانستید (بقره، ۱۵۱)».

پاسخ:

آقای علا. غالب این یادداشت ها در ساعات نزدیک به صبح آماده می شود و بروز برخی اشتباهات جزیی اجرایی ناگزیر است که غالبا به تدریج رفع می شود. با این همه ضمن تشکر رسیدگی خواهم کرد و به تر بود شماره صفحه مقاله را نیز می نوشتید.

محمدرضا نیسی

چهارشنبه 27 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:03 AM

سلام‌علیکم

جناب امیر

بعد از بیان حکایت شنیدنی سنگ افقی موجود بر فراز دروازه ملل، بفرمائید این ستونی که سرتاسر آن دارای لکه است و در عکس قدیمی موجود نیست، چگونه سر از اینجا درآورده است؟

نکند جاعلان شیکاگوئی و کمبریجی با استفاده از روش‌های ژنتیک سنگ‌های به جای مانده در تختگاه هیچکس را بارور کرده و آنها در اینجا کاشته و با استفاده از کودهای شیمیائی قوی این ستون لکه‌دار و ضایع را اینجا سبز کرده‌اند؟!

جناب امیر! به بخشی از مطالب باستان‌پرستان در ویکیپدیا درباره کتیبه‌های دروازه ملل توجه کنید:

"بالای پلکان‌ها، بنای ورودی تخت جمشید، «[دروازه بزرگ]» یا «[دروازه خشایارشا]» یا دروازه ملل، قرار گرفته‌است. ارتفاع این بنا ۱۰ متر است. این بنا یک ورودی اصلی و دو خروجی داشته‌است که امروزه بقایای دروازه‌های آن برجاست. بر دروازهٔ غربی و شرقی طرح مردان بالدار و بر و طرح دو گاو سنگی با سر انسانی حجاری شده است. این دروازه‌ها در قسمت فوقانی با شش کتیبهٔ میخی تزیین یافته‌اند. این کتیبه‌ها پس از ذکر نام اهورامزدا به اختصار بیان می‌کند که: «هر چه بدیده زیباست، به خواست اورمزد انجام پذیرفته‌است.»"

...

****

چهارشنبه 27 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:03 AM

با سلام.خسته نباشید استاد

پیشنهاد میکنم در صورتیکه قصد انتشار مجدد ۱۲ قرن سکوت را چه به طور رسمی و چه غیر رسمی دارید و یا به صورت جزوات به علاقه مندان توسط انتشارات کارنگ قرار باشد ارائه دهید حتما یک بازبینی کلی و ویرایش مجدد داشته باشید چون با توجه به حقایق جدیدی که مرحله به مرحله طی چند سال بعد از انتشار ان کتب در این وبلاگ داشته اید و همچنین همین مقاله فعلی در خصوص کتیبه های تخت جمشید به نوعی برای خواننده گان تازه واردتان و یا باستان پرستان کینه توز و متعصب نوعی شائبه تناقض(البته از دید حضرات) ایجاد میشود (البته متوجه هستم که در ان برهه زمانی ارائه همه حقایق یکجا کاملا غیر قابل هضم میبود و روش شما هوشمندانه بود) .

ضمنا با توجه به این روشنگری که در مورد کتیبه های تخت جمشید فرمودید به نظر بنده کاملا پرونده این بنا را ببندید و وقت گرانبهایتان را صرف پاسخ به زوزه کوردلان متعصب نکنید و حتی در مورد بیستون!! مطمئنا آن کتیبه هم جعلی است. به نظرم زودتر به تاریخ معاصر وارد شوید که خیلی مشتاقانه منتظر سیراب شدنیم.

پاسخ:

آقای ***. نگران گرفتاران در شائبه تناقض نباشید. آن ها برای مجموعه تخت جمشید به اندازه یک پاکت بادام زمینی مزمز هم ارزش قائل نیستند و لجوجانه دستورات را اجرا می کنند و چون مرد میدان مباحث بنیانی نیستند مانند چهارشنبه سوری از آتش مدخل های کلان جفتک زنان می پرند. ضمن این که در بررسی ساختمان تچر و کتیبه های آن، قلابی بودن آن ها را تذکر داده ام. خودتان را قیاس قرار دهید. آیا بدون آگاهی های قبلی آماده شنیدن مبحث قلم و یا نقشه شهرها و دالان ورودی تخت جمشید بودید؟

محمدرضا نیسی
چهارشنبه 27 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:14 AM

...

این هم بخشی از "کتاب تحلیل تاریخی ساخت تخت جمشید نوشته محمدکاظم توانگر زمین" درباره دروازه ملل و کتیبه‌های آن:

"در حال حاضر چهار کتیبه بر چهار دیواره باقیمانده درگاه‌های غربی و شرقی دیده می‌شود که به سه زبان پارسی باستان ، عیلامی (ایلامی) و بابلی نوشته شده و در آن خشایارشا خود نام « دروازه همه سرزمین » را به این مکان داده است.

«...خشایارشا شاه گوید : به خواست اهورمزدا این دروازه همه سرزمین را من ساختم...»

کتیبه خشایارشا بر دیواره‌های دروازه ملل معروف به XPa

عبارتی را که خشایارشا در اینجا به کار برده است به لفظ پارسی باستان « دوورثیم ویس دهیوم » می‌باشد که در واقع باید آن را « دروازه همه کشور (سرزمین) » معنی کرد. چون واژه « دهیوم » به معنی سرزمین و کشور است و نکته مهم آن که مفرد است و به معنی « یک کشور ، یک سرزمین » و جمع نیست اما امروزه آن را دروازه ملل می‌گویند که حقیقتا ترجمه اصلی عبارت نیست. معنای واقعی واژه در واقع به هدف اصلی ساخت تخت جمشید که نمونه‌ای کوچک از سرزمین پهناور قلمرو هخامنشیان بود نزدیک تر است. از آنجا که هم داریوش و هم خشایارشا ، به طور سمبلیک تخت جمشید را یک ایران کوچک می‌دانستند لذا خشایارشا دروازه تازه ساخت خود را که ورودی تخت جمشید بود به نام « دروازه همه کشور » یا « دروازه تمام سرزمین پارس » نامید."

حال جناب امیر، با نشان دادن 2عکس آن هم از فاصله دور می‌خواهی منکر وجود این کتیبه‌ها بشوید؟! کتیبه‌هائی که باستان‌پرستان بیشتر از ناموس خود بر آنها تعصب دارند، را زیر سوال می‌برید؟!

جناب امیر، سری به تختگاه هیچکس بزنید و در بین دیوارهای دروازه شرقی بایستید و به سمت راست بچرخید و سپس سر خود را بالا بگیرید، این راه‌حل مشکل شماست!

عباس سلامات
چهارشنبه 27 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:04 AM

جناب نیسی

سلام

حداکثر تا ۵ روز آینده یوزرنیم و پسوورد نارپای عربی را در اختیار استاد قرار خواهم داد تا ایشان بنابر صلاحدید خود به هرکه خواستند بدهند.

امیر
چهارشنبه 27 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:01 PM

جناب نیسی

گویا کمی سوء تفاهم شده است. قصد من از ارایه تصاویر نشان دادن این موضوع بود که با اتکا به این قسم تصاویر و از این فاصله نمی توان در مورد وجود یا عدم وجود کتیبه ها در بالای دروازه حکم صادر کرد همانطور که جنابعالی نیز به آن معترفید "حال جناب امیر، با نشان دادن 2عکس آن هم از فاصله دور می‌خواهی منکر وجود این کتیبه‌ها بشوید؟!". پس کمی عجله کردید و اتهام نابجایی به من وارد نمودید.

در مورد سنگ افقی دروازه ملل و آن ستون لکه دار که در عکس قدیمی دیده نمی شود حق با شماست. این قسمتها را در مرحله مرمت و بازسازی به این نقاط منتقل کرده اند. عدم وجود آنها در مرحله قبل از مرمت در عکسهای گرفته شده توسط کارشناسان دانشگاه شیکاگو هم به خوبی نمایان است:

http://www.free-imagehosting.com/out.php/i4081_3A272dpi.png

http://www.free-imagehosting.com/out.php/i4082_3A372dpi.png

در تصویر زیر که از فاصله نزدیک گرفته شده، کتیبه ها را می توان به سختی تشخیص داد:

http://www.free-imagehosting.com/out.php/i4083_3A472dpi.png

در دو تصویر بعد، می توان آثار مرمت را روی ستون و سر ستون مذکور مشاهده کرد:

http://www.free-imagehosting.com/out.php/i4084_TakhtejamshidJalalposterir5.jpg

http://www.free-imagehosting.com/out.php/i4085_TakhtejamshidJalalposterir9.jpg

اما من متوجه موضع شما در این مورد نشدم

1-"ای کاش متولیان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری این چنین نکته‌سنج و تیزبین می‌بوند و شاید هم تعمدی نیستند"

2-" با نشان دادن 2عکس آن هم از فاصله دور می‌خواهی منکر وجود این کتیبه‌ها بشوید" ؟؟

محمدرضا نیسی

چهارشنبه 27 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:36 PM



سلام علیکم

جناب امیر

در کامنت قبلی گفتید که "عکس فوق از زاویه ای تقریبا برابر با عکس مورد بررسی شما گرفته شده با وضوح تصویر تقریبا برابر با این تفاوت که فاصله عکس برداری کمی به موضوع نزدیکتر بوده است و "زمان عکس برداری هم نزدیک به زمان حال می باشد". با این وجود و با هیچ ترفندی قادر به مشاهده کتیبه ها نشدم."

ولی الحمدلله در این کامنت همان عکسی که در یادداشت استاد عزیز آورده شده را ارائه می دهید و به وجود این کتیبه ها اعتراف می کنید.

حال که در این عکسی که میفرمائید و از فاصله موجود در آن کتیبه ها پیدا هستند در عکس اول و دوم یادداشت "کتیبه های تخت جمشید" که فاصله ها کمتر از عکس ارائه شده توسط شما(که در یادداشت هم موجود است) میباشد ولی کتیبه ای دیده نمیشود. حال شما بفرمائید این کتیبه های جعلی چرا حاشیه ندارد و کارهای لازم روی آن انجام نشده است؟ غیر از این است که جاعل محترم عجله داشته ئ به جوانب امر ناآشنا؟!

و اما در باب آنچه شما مرمت می نامید و در حقیقت جورچینی توسط جاعلان شیکاگوئی وکمبریجی است؛ اگر این ستون مرمت شده که باید در عکس های قدیمی اثر آسیب دیده آن وجود داشته باشد.

حال که کاشه از آش داغتر هستید و میخواهید سوتی های جاعلان شیکاگوئی را رفو کنید بفرمائید آوار دیوارهای قطور و سقفهای تختگاه هیچکس کجاست؟ نکند میخواهید به نظریه بی بدیل دارودسته "سنگ روی یخ" (206 و مشاوران معظمشان) استناد کنید که رسوبات موجود همان آوار این دیوارها و سقفهاست؟! یا اینکه اسکندر مقدونی آنها را آتش زده و یا بار الاغ کرده و با خود برده است؟!

...

محمدرضا نیسی

چهارشنبه 27 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:37 PM

...

پادشاهان حاخام منشی که نمیتوانسته اند در تختگاه هیچکس نیمه کاره ساکن بوده باشند، لطفا بفرمائبد در کجا بتوته می کرند؟ در کجا از مهمانشان پذیرایی میکردند و عظمت پوشالیشان را به رخ میکشیدند؟ در بغل مامانشون لابد!!!

قبلا هم گفتم که شما مانند جعل پرستان دچار بیماری لاعلاج و مزمن فراموشکاری عمدی و متوجه نشدن عمدی هستید و وقتی که کلام حقی را می شنوید که باب میلتان نیست این بیماری تان عود می کند و دیگر کلا چیزی را متوجه نمی شوید.

مفهوم عبارت "ای کاش متولیان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری این چنین نکته‌سنج و تیزبین می‌بودند و شاید هم تعمدی نیستند" کاملا واضح است ولی به زبانی که برای شما مفهوم باشد: متولیان سازمان میراث فرهنگی وگردشگری هم مانند شما دچار بیماری لاعلاج ومزمن فراموشکاری عمدی و متوجه نشدن عمدی هستند.

در باب عبارت " با نشان دادن 2عکس آن هم از فاصله دور می‌خواهی منکر وجود این کتیبه‌ها بشوید" می خواهید با گرفتن ایرادات بنی اسرائیلی از اصل موضوع دور بشوی؟

بله در اینجا به دلیل اینکه این مطلب را ساعت 3 بامداد نوشتم خیلی نمی توانید به چنین اشتباهی که معنا و مفهوم کلام را عوض نکرده، خورده بگیرید و اگر مقصودتان ضعف قلم من است وسع من بیش از این نیست شما به بزرگواری خودتان ببخشید.

با همان فضا و گفتمانی که همه باستان پرستان، اقوام را با آن به تمسخر میگیرند، صحبت نکنید که فقط شأن خود را پائین می آورید.

مهدی - مهدی

چهارشنبه 27 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:35 PM

جناب آقای پورپیرار،

مورخ بنیان اندیش خسته نباشید. تصویری از Flickr که نتوانستید باز کنید در واقع تصویر همان کتیبه XPa با دقت و کیفیت بسیار بالا است که دیدن آن خالی از لطف نیست. آن تصویر را (با دقت کمی پایین تر) در آدرس دیگری آپلود کردم:

http://lh6.ggpht.com/_DgacFOhVwrA/TGu2dLJ6w_I/AAAAAAAAAA0/4xvxmv6M5vE/499488316_03d29a07f2_o.jpg

وقتی در این تصویر دقیق می شوید متوجه می شوید که ظاهراً قبل از نقر کتیبه ریختگی ها و ترک های سنگ را ابتدا با خمیر سنگ پر کرده اند و سپس کتیبه را نقر کرده اند. بدین ترتیب در جاهایی که خمیر سنگ ریخته نوشته ها هم ریخته است و نسبت به کتیبه های مکعب زرتشت ظاهری طبیعی تر پیدا کرده است. ولی هنوز جاهایی در کتیبه وجود دارد که خمیر سنگ آن نریخته و نکته های لو دهنده ای دارد.

ارادتمند

مهدی

مهدی - مهدی
چهارشنبه 27 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:40 PM

تصویر با کیفیت بالاتر:

http://www.free-imagehosting.com/out.php/i4093_49948831603d29a07f2o.jpg

پاسخ:

آقای مهدی. ممنون. همه چیز به وجهی مستند قابل فهم است.

امیر
چهارشنبه 27 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:44 PM

جناب نیسی

باز هم گرفتار سوء تعبیر شده اید. من منکر وجود کتیبه ها نشدم که شما می فرمایید "ولی الحمدلله در این کامنت همان عکسی که در یادداشت استاد عزیز آورده شده را ارائه می دهید و به وجود این کتیبه ها اعتراف می کنید." بلکه با ارایه عکسی که در زمان ما گرفته شده است و با علم به اینکه کتیبه ها در حال حاضر قطعا وجود دارند، خواستم نشان بدهم با توجه به این تصویر و فاصله تصویربرداری نمی توان در مورد وجود یا عدم جود کتیبه ها قضاوت کرد، وگرنه کتیبه ها در زمان گرفتن این عکس بطور قطع وجود داشته اند.

"حال که در این عکسی که میفرمائید و از فاصله موجود در آن کتیبه ها پیدا هستند در عکس اول و دوم یادداشت "کتیبه های تخت جمشید" که فاصله ها کمتر از عکس ارائه شده توسط شما(که در یادداشت هم موجود است) میباشد ولی کتیبه ای دیده نمیشود." باید عرض کنم که تصویر دوم قسمتی از همان تصویر اول است که با بزرگنمایی یا زوم کردن روی عکس بدست آمده است. به علت پایین بودن کیفیت تصویر نخست، بزرگنمایی باعث محو شدن تصویر دوم شده است که در نتیجه چیزی بیش از آنچه در تصویر اولیه دیده می شود را نمایان نمی کند. ظاهرا شما تصور کرده اید دومی از فاصله نزدیکتر گرفته شده است. با ارایه تصویر جدیدی که از همان زاویه و فاصله ولی در زمانی که کتیبه ها وجود داشته اند گرفته شده است خواستم نشان دهم که باز هم آنها روی تصویر قابل مشاهده نیستند. تصویر دوم بزرگنمایی تصویر اول بود.

"اگر این ستون مرمت شده که باید در عکس های قدیمی اثر آسیب دیده آن وجود داشته باشد". بنده عرض کردم مرمت و بازسازی. قطعا تکه های ستون و سرستون به یکدیگر متصل و چسبانده شده اند، همانطور که دد لینکای ارسالی قابل تشخیص بودند. اما آثار آن در عکس قدیمی مشاهده نمی شود پس باید آنها را در محلی خارج از کادر عکس برداری پیدا کرده باشند و بنا به تشخیص کارشناس یا کار شناسان محل آن را در اینجا تعیین کرده و منتقل کرده باشند (دلیل این تشخیص را باید از همان کارشناسان جویا شد) ولی این موضوع حاشیه است و ربطی به اثبات وجود کتیبه ها در زمان گرفتن تصویر قدیمی ندارد. در لینک زیر می توانید نمونه ای از مراحل بازسازی را مشاهده کنید:
http://www.free-imagehosting.com/out.php/i4094_5.jpg

اینهم وضعیت قسمتی از سایت بعد از حفاری و جمع آوری قطعات پیدا شده در کنار هم برای انجام بازسازی:
http://www.free-imagehosting.com/out.php/i4095_image026.jpg

"حال شما بفرمائید این کتیبه های جعلی چرا حاشیه ندارد و کارهای لازم روی آن انجام نشده است؟"

نمی دانم این دیگر چه ایرادیست! حک کردن روی چند تخته سنگ صاف و صیقلی چه نیازی به حاشیه دادن دارد آنهم در ارتفاع و زیر سقف

دروازه که از آسیب برف و باران هم مصون بوده است. کارهای لازم یعنی ایجاد قاب عکس و تراشیدن گل و بته در حاشیه کتیبه؟ اگر چنین چیزی سراغ دارید لطفا به من هم نشان بدهید. در لینک زیر کتیبه های گنج نامه همدان قابل مشاهده اند:

http://www.free-imagehosting.com/out.php/i4096_g1.jpg

http://www.free-imagehosting.com/out.php/i4097_g2.jpg

می بینید که با وجود قرار داشتن در فضای آزاد و قصد حکاک از قرار دادن کتیبه ها در معرض دید عموم، حاشیه و تزیینی منظور نشده است تنها تخته سنگ را برای فراهم کردن سطحی صیقلی تراشیده اند که در نهایت بشکل قابهایی در آمده اند.

"بله در اینجا به دلیل اینکه این مطلب را ساعت 3 بامداد نوشتم خیلی نمی توانید به چنین اشتباهی که معنا و مفهوم کلام را عوض نکرده، خورده بگیرید و اگر مقصودتان ضعف قلم من است وسع من بیش از این نیست شما به بزرگواری خودتان ببخشید"
در اینجا به هیچ وجه قصد غلط گیری از شما را نداشتم بلکه منظورم اظهار شگفتی از شما بود که در یکجا با استناد به تصویری متقاعد می شوید که کتیبه ای وجود نداشته ولی چند خط پایین تر از تصویر مشابه نتیجه گیری معکوس می کنید. اتفاقا قلم شیوایی دارید و بخشش هم کار بزرگان است که به شما برازنده تر است. در ضمن من اطلاعی از اینکه شما به کدامیک از اقوام تعلق دارید ندارم. شاید هر دو از یک قوم باشیم.

پاسخ:

آقای امیر. لینک عکس هایی که گذارده اید هیچ ربطی به موضوع کتیبه های دروازه ندارد و مجموع آن ها فقط به کار اثبات قدرت حقه بازی و جعل نزد به اصطلاح مرمت کاران جهود می آید. مثلا سرطاق های قسمت تچر که مشغول بالا بردن آن ها هستند اگر قبلا از بالای جرزها سقوط کرده پس چرا صحیح و سالم است و اگر روی زمین به سلامت یافت شده پس هرگز به محل اصلی خود به علت پوریم و تعطیلی کار در تخت جمشید بالا نرفته است. لطفا قبل از آشنایی با بنیان مطالب وارد اظهار نظر نشوید.

مقول

چهارشنبه 27 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:37 PM

آقا من هر کاری می کنم نمی تونم عکس های وبلاگ رو باز کنم. اگه از دوستان کسی راهی بلده لطفا منو راهنمایی نماید. با تشکر بسیار

عابدی

چهارشنبه 27 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:54 PM

سلام استاد خسته نباشید. مشکل خاصی را ندیدم.

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 28 مرداد ماه سال 1389 ساعت 02:43 AM

سلام‌علیکم

جناب امیر

در ابتدا بگویم که این آخرین مطلبی است که درباره کتیبه‌های مربوط به این یادداشت با شما بحث می‌کنم چرا که موضوع کاملا واضح است.

عکس‌های اول تا چهارم یادداشت که دومی و چهارمی زوم‌شده اولی و سومی هستند از وضوح کافی برای تشخیص عدم وجود کتیبه‌های بعدا جعل شده برخوردار است ولی همانطور که گفتم بحث با شما به دلیل اصرارتان بر متوجه نشدن، به جائی نمی‌رسد.

درباره آوار دیوارها و سقفی که این کتیبه‌های جعلی را از برف و باران محافظت می‌کرده و همچنین محل خواب پادشاهان حاخام‌منشی هم که توضیحی ندادید؟

اینکه گفتید کتیبه با قاب ندیده‌اید و لینک چنین کتیبه‌هائی را خواسته بودید، به لینک زیر مراجعه کنید:

http://www.bigfalse.blogfa.com/post-10.aspx

در باب جورچینی و جعل در تختگاه هیچکس لینک‌های زیر حاوی اطلاعات مفیدی برای شماست:

http://www.bigfalse.blogfa.com/

http://forum.hammihan.com/thread22645.html

جناب امیر برای روشن شدن بیشتر موضوع برایتان، خواندن مجدد پاسخ استاد عزیز و یادداشت‌های ایران‌شناسی بدون دروغ و دیدن مستند تختگاه هیچکس را به شما توصیه می‌کنم که جامع‌ترین و دقیق‌ترین منابع می‌باشند.

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 28 مرداد ماه سال 1389 ساعت 03:15 AM



سلام‌علیکم

جناب آقای پورپیرار

لینک زیر حاوی عکسی است که جاعلان شیکاگوئی در حال کارگذاشتن ردیف تکمیل‌کننده پلکان ورودی کاخ آپادانا هستند و تفاوت رنگی بین دیواره موجود و بخشی که در حال جورچینی‌ست، دیده می‌شود.

در دیواره سمت راست پلکان آثار تخریب متعدد دیده می‌شود و همچنین خبری از آثار فوقانی این دیواره حتی روی زمین مجاور دیده نمی‌شود ولی ما جائی که یادم هست امروز این دیواره کامل باشد.

http://www.phalls.com/showthread.php?t=19827&page=7

می‌خواستم نظر شما را درباره این ترمیم‌ها جویا شوم که صحت و سقم آن به چه شکلی است؟

khalil

پنجشنبه 28 مرداد ماه سال 1389 ساعت 05:27 AM



سلام استاد طاعات و عبادات قبول

استاد توجه کنید ،ستاره ای که علامت پلیس آمریکا و بر سینه کلانترها دیده می شود همان ستاره شش پر معروف یهودیان است.

****

پنجشنبه 28 مرداد ماه سال 1389 ساعت 05:58 AM



جناب عابدی با تشکر از آپلود کردن مجموعه زخم نشر.

ولیکن نمیدونم چرا هر تراک فقط تا نیمه دانلود میشه و ناقص میمونه؟

عابدی

پنجشنبه 28 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:17 PM

جناب چند ستاره به تر است با موزیلا فایرفاکس دانلود کنید یا اینکه از نرم افزار دانلود کمک گیرید.

مقول

پنجشنبه 28 مرداد ماه سال 1389 ساعت 4:30 PM

از دوستانی که بنده را راهنمایی فرمودند خیلی ممنونم!

کرامت

پنجشنبه 28 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:27 PM

سلاماستالطفا ای میلتان ا چک کنید

م

پنجشنبه 28 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:54 PM

اسمش فلمینگ بود . کشاورز اسکاتلندی فقیری بود. یک روز که برای تهیه معیشت خانواده بیرون رفت، صدای فریاد کمکی شنید که از باتلاق نزدیک خانه می آمد. وسایلشو انداخت و به سمت باتلاق دوید.اونجا ، پسر وحشتزده ای رو دید که تا کمر تو لجن سیاه فرو رفته بود و داد میزد و کمک می خواست. فلمینگ کشاورز ، پسربچه رو از مرگ تدریجی و وحشتناک نجات داد.

روز بعد، یک کالسکه تجملاتی در محوطه کوچک کشاورز ایستاد.نجیب زاده ای با لباسهای فاخر از کالسکه بیرون آمد و گفت پدر پسری هست که فلمینگ نجاتش داد.

نجیب زاده گفت: میخواهم ازتوتشکر کنم، شما زندگی پسرم را نجات دادید.

کشاورز اسکاتلندی گفت: برای کاری که انجام دادم چیزی نمی خوام و پیشنهادش رو رد کرد.

در همون لحظه، پسر کشاورز از در کلبه رعیتی بیرون اومد. نجیب زاده پرسید: این پسر شماست؟ کشاورز با غرور جواب داد بله.” من پیشنهادی دارم.اجازه بدین پسرتون رو با خودم ببرم و تحصیلات خوب یادش بدم.اگر پسربچه ،مثل پدرش باشه، درآینده مردی میشه که میتونین بهش افتخار کنین” و کشاورز قبول کرد.

بعدها، پسر فلمینگ کشاورز، از مدرسه پزشکی سنت ماری لندن فارغ التحصیل شد و در سراسر جهان به الکساندر فلمینگ کاشف پنی سیلین معروف شد.

سالها بعد ، پسر مرد نجیب زاده دچار بیماری ذات الریه شد. چه چیزی نجاتش داد؟ پنی سیلین. اسم پسر نجیب زاده چه بود؟ وینستون چرچیل

سلام. دروغه، این طور نیست؟ به نظر میاد دلشون می خواد داستان بسازن! کشکی پشمکی!

عابدی

پنجشنبه 28 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:26 PM

آقای مقول برای راهنمایی ایمیل تان بگذارید!

abbas

جمعه 29 مرداد ماه سال 1389 ساعت 06:06 AM

استاد خسته نباشید.اگر به عکسی که برایتان می فرستم توجه کنید متوجه می شوید سنگی که سر در را تشکیل می داد در عکس در سایت شما وجود نداردhttp://payvand.com/news/04/aug/1102.html

پاسخ:

سلام

آقای abbas. از ارسال لینک های مفیدتان بسیار ممنونم. آن تکه سنگ که تراش آن نیز ناتمام است بخشی از قرنیز لبه بام است که بقیه جزاء آن نیز در زیر دیوار و البته به صورت نیمه تراش پراکنده است.

عابدی

جمعه 29 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:47 PM

سلام

دوستان این مقاله را دیده اند؟؟

http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100882526992

پاسخ:

به درد کامنت گذاری هم نمی خورد.

مهدی - مهدی

جمعه 29 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:18 PM

[حجم کتاب ها زیاد است. با برنامه های دانلود کتاب ها را دریافت کنید و آدرس را مستقیماً در مرورگر وارد نکنید.]

کتاب های زیر را به عنوان نمونه، از میان کتاب های آزاد یا کتاب هایی که مالکیت معنوی آنها به علت گذر زمان منقضی شده است انتخاب کرده ام.

با استفاده از صفحه جستجوی پیشرفته که آدرس آن را در انتهای کامنت اضافه کرده ام. می توانید با تعیین ضوابط مناسب جستجوهای دقیقی انجام دهید.

کتاب "کتیبه های میخی و عهد عتیق" نوشته "شرادر ابرهارد" سال 1885

شناسنامه کتاب:

جلد یک:

http://www.archive.org/details/cuneiforminscrip01schruoft

جلد دو:

http://www.archive.org/details/cuneiforminscrip02schruoft

متن کامل جلد یک:

http://www.archive.org/download/cuneiforminscrip01schruoft/cuneiforminscrip01schruoft.pdf

متن کامل جلد دو:

http://www.archive.org/download/cuneiforminscrip02schruoft/cuneiforminscrip02schruoft.pdf

----

کتاب "باستانشناسی کتیبه های میخی" نوشته "آرشیبال هنری بایس" سال 1908

شناسنامه کتاب:

http://www.archive.org/details/archaeologyofcun00sayc

متن کامل:

http://www.archive.org/download/archaeologyofcun00sayc/archaeologyofcun00sayc.pdf

----

کتاب "معادل آوایی علایم میخی" نوشته "جورج اسمیت" سال 1871

شناسنامه کتاب:

http://www.archive.org/details/cu31924026946743

متن کامل کتاب:

http://www.archive.org/download/cu31924026946743/cu31924026946743.pdf

----

کتاب "حکایت مسافرت به خراسان در سال های 1821 و 1822" نوشته "جیمز بیلی فراسر" سال 1825

شناسنامه کتاب:

http://www.archive.org/details/narrativeofjourn00frasuoft

متن کامل:

http://www.archive.org/download/narrativeofjourn00frasuoft/narrativeofjourn00frasuoft.pdf

----

کتاب "مسافرت به استانهای ایران در کرانه جنوبی دریای کاسپین" نوشته "جمیز بیلی فراسر" در سال 1826

شناسنامه کتاب:

http://www.archive.org/details/travelsadventure00frasrich

http://www.archive.org/download/travelsadventure00frasrich/travelsadventure00frasrich.pdf

----

صفحه جستجوی پیشرفته:

http://www.archive.org/advancedsearch.php

با احترام

مهدی

پاسخ:

آقای مهدی - مهدی. کولاک کرده اید. به خصوص ترجمه کتاب اول از واجبات است. ضمن این که تمام دانسته های رسمی و کنونی ما نیز از مسیر ترجمه همین گونه کتاب ها تامین شده است. منظورم این است که یهودیان با تالیفات شان در موضوع خط میخی و مدیریت هخامنشی، قصد فریب جهان را داشته اند، نه فقط مردم شرق میانه را.

ضمنا مشغول تماشای خرابی های دو سیل پاکستان و چین بودم و به قدرت تفکر چاره جویانه نزد مدیران اجتماعی قدیم چین آفرین گفتم که با بردن راه های ارتباطی برفراز خط الراس ها در هر شرایطی امکان ارتباط را برقرار نگه می داشتند!

عابدی

جمعه 29 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:03 PM

برای تفریح و خنده چرا

خواننده همیشگی

جمعه 29 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:04 PM

سلام جناب پورپیرار

مستند زخم نشر را دانلود کردم و از دیدن آن لذت بردم. به نظر من این مستند برای آن بخش از جامعه تحصیل کرده کشور که به علت اعتقاداتی که به تاریخ ایران باستان داشتند نخواستند مستندهای قبلی را ببینند یا بپذیرند بسیار تاثیر گذارتر از مستندهای قبلی است.

در ثانی چرا کار هخامنشیان را یکسره و نهایی نمی کنید؟ ما را عذاب می دهید یا باستان پرستان را؟

http://http

پاسخ:

خانم و یا آقای خواننده همیشگی. مطالبی که در یادداشت های نهایی ایران شناسی بدون دروغ عرضه می شود، مثلا نقشه شهرهای ایران در ۱۷۵ سال پیش، یا مبحث قلم و یا نوکنده بودن کلی کتیبه های تخت جمشید و یکی دو یادداشت ان شاء الله در پیش، مکاتبی است برای توجه دادن آن لایه روشن فکری هنوز مردد که نمی تواند از جایگاه دروغ دل بکند و به شناسه های حقیقی هستی و هویت خود رو کند. این ها تیر خلاص در شقیقه دروغ اند، که دیگر امید زنده ماندن و دوباره جان گرفتن سوقات های متعفن دانشگاه های کنیسه ای شرق و غرب را بر باد می دهد. این یادداشت ها و صحنه هایی از مستند زخم نشر، که جوان کتاب خوان را از یاد آوری نام یک عنصر روشن فکر عاجز نشان می داد، اگر نتواند تکان و تحولی در محتوای ذهنی روشن فکری ایران پدید آورد، پس دو پله دیگر از آن تصویری هم ساقط تر شده، که مهران مدیری از آنان نشان داد.

مقول

جمعه 29 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:42 PM

حالا از طریق این جعبه نمیشه راهنمایی کرد؟

بهروز

جمعه 29 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:00 PM

سلام

یادداشت های ایران شناسی به صورت کتاب آماده شده؟ چه طور می شه سفارش داد؟

پاسخ:

آقاس بهروز

لطفا با لفن ۶۶۴۹۲۰۴۹

تماس بگیرید.

عابدی

جمعه 29 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:29 PM

آقای مقول ممکن است آی پی شما توسط سرور ناریا بسته شده باشد. اگر از اینترنت ای دی اس ال استفاده می کنید، از سرویس دهنده تان درخواست تغییر آی پی کنید. یا می توانید از فیلتر شکن استفاده کنید.

موفق باشید

1 2 <<

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

15107

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya	13	

ایران شناسی بدون دروغ، 277، نتیجه ۸5، کتیبه های تخت جمشید

عابدی

جمعه 29 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:41 PM

ضمنا یافتن فیلترشکن که این روز ها زیاد سخت هم نیست.

http://www.google.com/ig/adde?moduleurl=hosting.gmodules.com/ig/gadgets/file/116270893497802254772/jonamoos.xml

به آدرس بالا رفته و روی

add jonamoos browser to igoogle

کلیک کنید. و بعد در صفحه باز شده در قسمت jonamoos browser آدرس وبلاگ را وارد کنید.

و اگر این حوصله این کار را نیز را ندارید به این آدرس بروید :

http://ser02.shorooshod01.co.cc/index.php?url=xzyo0HivuUpcZGCroIPZINW5VKiKgyf4Cc%2FF

عابدی

جمعه 29 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:50 PM

من فعلا کامپیوترم در دسترس نیست. لطفا دوستانی که داستان های ناریا را دارند برای من ایمیل کنند. ضمنا مصاحبه های قدیمی استاد را با مجالات دارید نیز بفرستید.

mohseyn_abedy@yahoo.com

م. اوجال اولوتورک

جمعه 29 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:54 PM

Sayın مهدی - مهدی

selamlar

vermeyirsiniz?!! s size iki yol email gönderdim, neden cevab

فریدون

شنبه 30 مرداد ماه سال 1389 ساعت 06:48 AM

بنام خدا

سلام به استاد پورپیرار و تبریک ماه مبارک رمضان

و تشکر از این مطلب و عکس های جالب و تکان دهنده که کشفی بزرگ و تعیین کننده در بررسی تاریخ ایران می باشد

داشتم در اینترنت ترجمهء مقاله ای از یک نویسندهء خارجی را می خواندم که با دیدن عبارتی که برای من تازگی داشت فوری به یاد پل معروف اصفهان افتادم گفتم آن را در اینجا بنویسم شاید مفید باشد:

{ ما نمی‌توانیم جهان مدرن را درک کنیم مگر آنکه تصدیق کنیم که این جهان محصول توطئه ماسونی‌هاست. کسانی که شواهد را به باد تمسخر می‌گیرند بد نیست بدانند که این شواهد هر روز پیش چشم آنهاست. تصویر Great Seal ایالات متحده بر روی تک تک اسکناس‌های دلار، یک نماد ماسونی است. در هر طرف این هرم، سی و سه پله وجود دارد که نشانگر سی و سه درجه فراماسونری است. ماسون‌ها ایالات متحده را به عنوان پایگاهی برای پیشبرد اهداف خود برای چیرگی بر جهان انتخاب کردند.

به همین ترتیب نماد سازمان ملل متحد نیز یک نماد ماسونی است. در این نماد، جهان در شبکه ای متشکل از سی و سه فضای محاصره شده در برگ‌های اقاقیا که بر فعالیت شدید در فراماسونری دلالت دارد، گرفتار شده است.}

منبع فارسی مقاله:

/http://mouood.org/content/view/10979/3

با آرزوی قبولی طاعات و عبادات و خدا نگهدار

بختیار

شنبه 30 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:31 AM

این هم میخی دیگر بر تابوت خرافه پرستی و باستان ستایی

دستتان درد نکند بدیع و عالی بود

شنبه 30 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:49 AM

سلام استاد مطالب شما واقعا خیره کننده بوده

استد من یک کارشناس نظامی هستم سالها قبل ازاینکه مطالبی درمورد تخت جمشید درج کنید ما کلیه کارشناسان نظامی ایران وروسیه درمحوطه تخت جمشید تحقیاتت گسترده انجام دادیم این هم باماهواره روسی وکلیه امکانات پیشرفت که د دست مابود حدود 6 ماه بطور پیوسته درمنطقه شیراز باهمه توان خودمان تحقیق کردیم ومطالب جالب وباور نکردنی از هخلامنشیان بدست اوردیم این چیزی که شما الان با دوربین ها ی معمولی به ان رسیدید ما سالها قبل رسدیم که البته تحقیقات ما به حد اعلای خود رسید..........

امادران زمان نتوانستیم به قطعیت مورد نظر درمورد حادثه پوریم برسیم چرا؟

چون کلید گمشده ما کتیبه ها تخت جمشید بود که تمام حقایق پوریم را اشکار می کرد

استاد اگرایرانشانسی شماره 277 که یک ظن قوی به یقین هم باشد یعنی 80 درصد احتمال دهیم که گفته های راست باشد بخاطر شباهت این تصاویر به واقعه پوریم 20 درصد احتمال دارد این مطالب نزدیک به یقن نباشد استاد شما نمی تواند به یقین بگوییدکه تحقیقات درتخت جمشید انهم باهمه امکانات بازگوی حقایق ایران وپوریم است چون کلید گمشدهع تخت جمشید یعنی کتیبه های ربوده شده د ر دست مانیست ..

استاد تا کتیبه های ربوده شد به ایران باز نگردد 8 ما گره 9 مان است

باتشکر از شما ببخشید بنده قصد جسارت نداشتم بهرحال با همین امکانات محدود هم شما معجزه کردید امیدورام بتوانم ان تحقیقات نظامی را یک روز برملا سازم

پاسخ:

قصدتان از تحقیقات نظامی در تخت جمشید روشن نبود ضمن این که کتیبه ای از تخت جمشید ربوده نشده. اگر منظورتان آن چند هزار لوحه های گلی است، نه کتیبه اند و نه هخامنشی. تمام آن ها به زبان عیلامی و از اسناد مربوط به زیگوراتی است که قبل از حمله نیزه داران هخامنشی در جای تخت جمشید دایر بوده است. ضمنا می توان اثبات کرد که کلیه کتیبه های کنونی به خط میخی داریوشی در تخت جمشید به کلی جعل جدید است.

امیر

شنبه 30 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:56 AM

جناب آقای پورپیرار

لینک ارسالی مربوط به وبلاگ یک عکاس و جهانگرد بنام Meadows Joel بود که در ژوئن 2008 به ایران سفر کرده است و عکس مربوطه هم مربوط به همان تاریخ است یعنی دو سال قبل از مطرح کردن این بحث توسط شما. من هم به منبع عکس دسترسی نداشته ام تا در آن دست ببرم. بنابر این دستکاری در آن منتفی است. تصویر دوم را برای مشاهده آسانتر از سایت برداشتم و بزرگنمایی شده آن را آپلود کردم. اگر در اصل بودن آن شک دارید می توانید تصویر موجود در لینک اول را بزرگنمایی کنید.

پاسخ:

آقای امیر. دست کاری عکس ربطی به جدید و قدیم بودن آن ندارد. اصل این است که در جای سنگی که صد سال پیش فاقد کتیبه بوده حالا کتیبه نوشته اند!

محمدرضا نیسی

شنبه 30 مرداد ماه سال 1389 ساعت 12:32 PM

سلام‌علیکم

جناب آقای بی‌نام

از پیگیری‌ها و زحماتی که متحمل شدید ممنونم.

عکس‌ها را دیدم. فکر می‌کنم نیاز به عکس‌های واضح‌تر و با زوم بیشتر باشد.

در صورت امکان از بخشی از کاخ آپادانا که مربوط به عکسی که در لینک زیر می‌باشد نیز عکس تهیه فرمائید.

"لینک زیر حاوی عکسی است که جاعلان شیکاگوئی در حال کارگذاشتن ردیف تکمیل‌کننده پلکان ورودی کاخ آپادانا هستند و تفاوت رنگی بین دیواره موجود و بخشی که در حال جورچینی‌ست، دیده می‌شود.

در دیواره سمت راست پلکان آثار تخریب متعدد دیده می‌شود و همچنین خبری از آثار فوقانی این دیواره حتی روی زمین مجاور دیده نمی‌شود ولی ما جائی که یادم هست امروز این دیواره کامل باشد.

page=7&http://www.phalls.com/showthread.php?t=19827

"

داریوش

شنبه 30 مرداد ماه سال 1389 ساعت 3:30 PM

جناب استادضمن خسته نباشید قابل عرض است هرروزامدادالهی برای روشدن قضایابه کمکتان می آید.امااین مطالب ناب ونووبسیارتروتازه کاش برروی آنتن ماهواره میرفت تاملت به خواب غفلت رفته ی مابجای نشستن پای کانال فارسی 1 وگشتن بدنبال فرکانس جدیدآن سرازاین خمارمستی برآرنندوبدانندچه برسرشان آمده است.جناب استادکاش دراین ضمنینه اقدامی جدی مکردید.

حقیقت دوست

شنبه 30 مرداد ماه سال 1389 ساعت 6:28 PM

استاد سلام علیکم تیرماه من و چند تن از دوستان از اهواز قصد دیدار شما کردیم وبه شما قول ترجمه قلم را دادم الآن در حین ترجمه میبینم که برای عرب خارج از ایران غیر متسلط بر زبان فارسی که فرمایشات شما را در کتابهایتان نخوانده کمی هضم مواضیعی چون مجعول بودن اعترافات ءاسور بانی بال و الخ دشوار میباشد از شما استدعا دارم چون که همه دست نوشته های ماضی شما لازم الزوم مبحث قلم میباشند وچون فرمایشات شما گسترده اند وفراوان وخود بهتر بر آنها واقف هستید در مباحث قلم در مواردی که لازم میبینید باید مصدری ارائه شود مصدری را به این ایمیل ارسال کنید وان شاءالله در این هفته ترجمه دقیق واخیر قلم 1 به پایان رسیده وبرای شما ارسال و بر روی یکی از وبلاگ ها خواهد رفت.

پاسخ:

آقای حقیقت دوست. درست می فرمایید. درک کامل و محکم هر یک از این مدخل ها معمولا برای کسی میسر است که این نوشته ها را به صورت سیستماتیک خوانده باشد. از زحمتی که می کشید ممنونم و سعی می کنم کم و کسری ها را جور کنم.

khalil

شنبه 30 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:18 PM



سلام استاد

استاد کتیبه را در جایی حک کرده اند که نمی توان در آن ارتفاع خوب دید حالا چه رسد به خواندن آن حروفات میخی کوچولو !!!!

باید پرسید آنها این خطوط را با چه دوربینی می خواندند.

یکی از یادگارهای اسرائیلی:

در بیشتر جاهای شهر تهران چشمم به یادبودی از شخصی که فوت کرده می خورد که این یادبود به صورت شش گوش و آینه کاری شده با چیدمانی از ستاره های شش پر اسرائیلی به شکل تابلو و حاشیه ای چراغانی شده همراه با عکسی از شخص فوت شده در داخلش بر سر محله صاحب عذا می گذارند.

محمد اوجال اولوتورک

یکشنبه 31 مرداد ماه سال 1389 ساعت 00:44 AM

جناب داریوش، سلام

استاد، 30 ، 40 سال است که در حال انجام «اقدام جدی» است! 30، 40 سال (یا شاید هم بیشتر) است که در حال تحقیق و بررسی و تفکر و تدبر و البته تولید اندیشه است؛ استاد، عمر پربرکت خود را در این راه صرف کرده است. اما پس «ما» چه؟؟؟!! پس ما چه زمان غیرت و همت به خرج داده و دست به «اقدام جدی» خواهیم زد؟؟!...

بدانیم که: «ان الله لا یغیر ما بقوم، حتی یغیروا ما بانفسهم»

با سلام...

سعید

یکشنبه 31 مرداد ماه سال 1389 ساعت 07:54 AM

با سلام

منظور آقای امیر این است که از این فاصله عکسها نمیتوان تشخیص داد که در عکسهای قدیمی کتیبه بوده یا نه

باید خدمت این دوست بهت زده عرض کنم عکسهای قدیم به صورت فتو گراف است وضوح بالایی دارد و اجزاء آن با ذره بین قابل رویت حالا شما در عکس jpg نمیتوانید نبودن کتیبه را تشخیص دهید بهتر است به عکس اصلی مراجعه کرده و دیدگان خود را به ذلال حقیقت غسل دهید حالا اگر در آن صورت کتیبه ای یافتید که نمی یابید شما برنده اید در غیر این صورت برایتان بهتر است این جرعه زهر را هم قورت دهید شاید عذاب تلخی آن کمتر باشد.

تلمیذ

یکشنبه 31 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:34 AM

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر

1- استاد من فکر می کنم پادشهاهان مقتدر هخامنشی باید آنقدر ارج و قرب برای اسناد مکتوبشان قائل می شدند که آنها را در معرض عموم و در یک تابلو یی با کادر بندی مزین به گل لوتوس و یا چیزی شبیه به انی نقر می کردند و نه در جاهایی پست و دور از دید مانند پای پله ها و در بالاترین قسمتهای یک دیوار آن هم با انهمه کج سلیقگی و بی ذوقی؟!

2- در کتاب پیرلوکوک اشاره شده است که به کتیبه های به اصطلاح عیلامی آقای نمی دانم کی اک اصطلاح عیلامی را اطلاق کرده است. منظورم این است که آن تمدن ممکن است نام عیلام را نداشته است چون خود بهتر می دانید که نوشته هایشان برای امروزی ها قابل فهم نیست. این اصطلاح عیلام را هم از تورات برداشته اند. همینطور آشور و بابل و کلده و ...را از تورات برداشته اند چون همه چیز را با محوریت پادشاهان پارس آنگونه که درتورات آمده است توجیه کرده اند.

تلمیذ

یکشنبه 31 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:38 AM

3- کتیبه بیستون هم با آن جایگاه درو از دسترس و صعب العبور بودنش به احتمال زیاد جعلی است و یا این که ان تصاویر حکاکی شده و متون پارسی صددرصد جعلی است و متن به اصطلاح عیلامی آن شاید هیچ ربطی به جنگ و کشورگشایی نداشته است.کسی چه می داند شاید یک متن دینی بوده است؟!

khalil

یکشنبه 31 مرداد ماه سال 1389 ساعت 09:53 AM



سلام آقای اوجال اولو تورک

?işləri çevirməyə görə bir iş görə bilərsiz Əgər sizin Turkiyədə va Azərbaycanda tanışız olsa bu

abbas

یکشنبه 31 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:01 AM



http://oi.uchicago.edu/news/2007.html

داریوش

یکشنبه 31 مرداد ماه سال 1389 ساعت 11:21 AM



اقای محمد اوجال اولوتورک منظوربنده حضوراستاددریکی ازکانالهای ماهوره ای بودنه اینکه گفته باشم استادکارجدی انجام نداده اند.به نظرمن استاددرخارج ازکشورمی توانندخیلی سریعترتحقیقاتشان رابه گوش ایرانیان وجهان برسانندوماندن ایشان درایران به ضررهمه ملت ایران است.این مطالب اززبان خودمحقق درسطح جهان ارایه شودخیلی مفیدتراست.

بی نام

یکشنبه 31 مرداد ماه سال 1389 ساعت 1:29 PM



جناب آقای نیسی -سلام علیکم

این عکس ها حدود ساعت ده صبح گرفته شده که نور شدیدی در دوربین وجود داشت وبه هیچ نحو امکان گریز از نور مستقیم وجود نداشت.ان شاءالله بعد از ظهر که خورشید در پشت سر قرار می گیرد به تختگاه هیچکس خواهم رفت وسعی می کنم عکسها مناسبتری بگیرم البته این عکسها هم که در بدترین شرایط نوری گرفته شده تاییدکامل نظر استادعزیز است.

داریوش

یکشنبه 31 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:30 PM



جناب استاد برای من خیلی مهم است که بدانم ذهن خلاق شمابرای اولین بارچگونه وازچه راهی متوجه این مساله بسیارمهم وباورنکردنی جعل تاریخ واین قضایای دامنه دارشدید؟آیاتحقیق ونوشتن درباره زندگی سعدی(کتاب ارزشمند مگراین پنج روزه)نقطه شروع وتله نگور اولیه بودیانه؟اگربزرگواری بفرماییدجواب بدهیدممنونم.

محمد اوجال اولوتورک

یکشنبه 31 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:53 PM



khalil" Bey, selamlar" Sayın

vardır ancaq, bu qonuda bi iş görebilecek kimseler değildirler, yani tercüme Valla menim Türkiye'de tanıdıqlarım ve yoldaşlarım qonuda elimden bir iş geleceğini bilersem, işi, o da Farsca'dan Türkiye veya Azerbaycan Türkcesi'ne. Buna rağmen, eğer bu .esirgemem arxayın olun kesinlikle

in Türkiye Türkcesi tercümesi üzerine işleyirik. "اسلام و شمشیر" ,Öte yandan, bir müddetidr Sayın "Mehdi-Mehdi" ile birge desteklerinizle, bu işi bitireceğik merhelelerdeyik, ama Allah'ın izni ve yardımı, sizin de dualarınız ve manevi Elbette hele ilk açıqlamasanız, daha yaxşı olar. İnşalla iş tamamen tükenenden sonra, herkese (elbette bu meseleni hele ayrılarına .(bildirebilerik

edecek yoldaşlarınızı, tanıdığınız varsa bize xeber verirseniz, çox Bu qonuda bize "gönüllü" (davtelebane) olaraq yardım - .olarıq müteşekkir

Selamlar...

M. Ucal Ulutürk

محمد اوجال اولوتورک

یکشنبه 31 مرداد ماه سال 1389 ساعت 2:54 PM

آقای داریوش

متوجه منظورتان در کامنت قبلی و همین کامنت هستم، اما و اتفاقا مقصود من هم این بود که برای تحقق مطلبی که شما فرموده اید، آیا نباید ما هم کاری انجام بدهیم و هر یک با هر امکانی که داریم، در این راستا تلاشی بکنیم؟ اگر هر کدام از ما، مثلا کسی که صاحب وبلاگ یا سایتی است، با انتشار مقالات و یادداشتهای استاد در آنها؛ کسی که امکان مادی دارد، با خریداری و هدیه کتب و مستندها به دوستان و آشنایان و انتشار آنها در میان طالبان دیگر؛ کسی که به زبان دیگری تسلط دارد، با ترجمه مطالب و کتابها؛ کسی که امکان ارتباط با مسئولین مثلا فلان شبکه ماهواره ای یا فلان روزنامه یا سایت اینترنتی در هر جای دنیا و در هر کشوری را دارد، با تلاش برای فراهم کردن امکان پخش و انتشار مستندها و مطالب در آنها؛ و در یک کلام هرکس، با هر امکانی کم یا زیادی که دارد و در هر کجای دنیا، در راستای نشر و ترویج «حقیقت» بکوشد، بدون شک رسیدن صدای استاد به گوش مردم مسلمان شرق میانه و دنیای اسلام و سراسر جهان، بسیار سریعتر و راحت تر محقق خواهد شد.

درارتباط با اینکه ماندن جناب استاد پورپیرار در این جغرافیا، به ضرر مردمان ساکن در آن است، باید بگویم که این طور فکر نمی کنم. چه، اولا اگر چنین بود، قطعا استاد خودشان خیلی قبلتر به آن نتیجه رسیده و اقدام لازم را انجام داده بودند؛ از طرفی دیگر آنچه اهمیت دارد مطالب و نوشته های استاد و انتشار آنهاست، که این امر در هر زمان و از سوی هرفرد دیگری میسر است. گر چه همانطور که شما فرموده اید اگر مطالب از زبان قدرتمند خود استاد به گوش طالبان آن برسد، بسیار بهتر است، اما به نظر من زبان مطالب ارائه شده در کتابها و یادداشتها و مستندها، به قدری گویا و آشکار و واضح است که احتیاج به توضیح و تفسیر بیشتری ندارد.

موفق باشید

مقول

یکشنبه 31 مرداد ماه سال 1389 ساعت 5:34 PM

آقای عابدی از راهنمایی شما ممنون هستم. ولی مقصود بنده تصاویر همین وبلاگ استاد بود که راحت باز میشه اما بدون عکس!

ضمنا همونطور که قبلا هم گفته بودم بنده خانم می باشم!

فتح

یکشنبه 31 مرداد ماه سال 1389 ساعت 8:10 PM

میدان انقلاب در تسخیر صهیونیست ها یا غفلت مسئولان ؟!

http://www.niksalehi.com/fun/page/000712.php

مهدی - مهدی

یکشنبه 31 مرداد ماه سال 1389 ساعت 10:07 PM

جناب آقای عابدی،

اگر مقدور است یک اکانت اف تی پی در سرور ناریا برای قرار دادن نسخه ویژه ای از فیلم طوفان نوح در اختیار بنده قرار دهید تا بتوانم برای

دانلود آن نسخه به آنجا ارجاع دهم. دسترسی موفت به یک پوشه مشخص تا زمان پایان آپلود فایل کافی است. متأسفانه نتوانستم سرور مناسب دیگری پیدا کنم و تلاش های من برای آپلود در سرور های رایگان به دفعات با شکست مواجه شد.

آدرس ایمیل من:

mehdi.mehdi.sepo@gmail.com

با تشکر از زحماتی که متقبل می شوید.

با احترام

مهدی

khalil

دوشنبه 1 شهریور ماه سال 1389 ساعت 00:34 AM



آقای فتح

آن گلهای پنج پر داخل ستارهای شش پر برای رد گم کردن است.

khalil

دوشنبه 1 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:01 AM



ustadımız purpirar yaşasın

edibsiniz ulu türk bəy siz bu böyük işi çevirsəz böyük xidmət

. sünnünnü qəbul edillər və nə şiəni özüz bilirsiniz ki Türkiyyə və Azərbaycanda bir qruplari var ki nə

.yaranar sizin yardımızınan ustadın əsərləri yayılsa türk rayonlarında böyük Dəyişdirmək onlar yalnız islami vahid bilillər.Əgər

sağol deyirəm sizə və mehdi bəyə

Allah yardım olsun

خواننده همیشگی

دوشنبه 1 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:40 AM



سلام بر استاد پورپیرار.

گرچه علاقمندی اولیه من به مطالب شما به خاطر احساسات فارس ستیزانه ام بود اما به خاطر اینکه شخصاً دشواریهای بسیاری را در طول زندگی تجربه کرده ام و پیوسته به دنبال یافتن منشأ مشکلات خویش بودم و در درون خود به جستجو پرداختم تا اینکه دقیقاً به تمامی نوشته های شما در باب اینکه دشمنان اصلی بشریت یهودیان هستند باور پیدا کردم. با مطالب منفی که در

سایتهای دیگر در باب شما خواندم یک موضوع دیگر در باب خلاقیت شما برای بنده حل شد و از خدا برای شما آرامش می طلبم. خدا حفظتان کند که بنده ای راهنما بودید. خواستم نظرتان را در مورد فروید بدانم. هر چند مشخص است که یهودیان از تمام خلاقیت خود برای به بردگی کشاندن انسانها استفاده می کنند.

طالب الحق(لطفا پاسخ گویید)

دوشنبه 1 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:41 AM



استاد پور پیرار همانطور که میدانید :1) هنوز اهتمامی کافی برای بررسی و کشف آثار خوزستان وایلام حتی بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی صورت نگرفته که شاید آن طاغوتیان قبل از انقلاب با پرده انداختن بر این آثار قصد کشف نشدن آثار عیلامی مشابه آنچه

در جاهای دیگر فلات که به هخامنشیان وساسانیان واشکانیان نسبت داده شده را دارند واز آن میترسند که دستشان رو شود وماجرای پوریم و مجعولات برملا شود تا جایی که حال سازمان گردشگری خوزستان اذعان کرد که خوزستان کمترین آثار ثبت شده را نسبت به بقیه استان ها را با وجود قدمت تاریخی زیادی که داراست را دارد وهم اکنون جای جای خوزستان مملو از تلال تاریخی است که الان به تاراج رفته ودر زیر بناها وزمین های کشاورزی مضمحل شده ، وحتی در حفظ ثبت شده ها هم اهمال شده بطوری که میبینیم بر کتیبه های شگفت انگیز اشکفت سلمان در ایذه جوانان با اسپری یادگاری نوشته اند ودر زیگورات چغازنبیل بزرگترین زیگورات ایران دام ها مشغول چرا میباشند یا منطقه باستانی عسکرمکرم به وسعت 40 کیلومتر که در سال 1310 ثبت شده والان از سجل آثار تاریخی خوزستان شگفت آمیزانه خارج شده زیر ساخت شهر جدید رامین میباشد، حال هنوز کنکاشی در خوزستان در کشف آثار تاریخی مانند عسکرمکرم بعد از اسلام انجام نشده وحقیقت آثارش حتی بر شما استاد بزرگوار ، برملا کننده مجعولات واکذوبه های یهودیان ومنافقین مستور وبیشتر آثار مدفون و بی بررسی باقی مانده اند

2) ودیگر اینکه مانعی طبیعی مانند کوه ودریا وصحرا وغیر طبیعی روبروی مردمان شام وجزیرة العرب وعراق وخلیج برای دخول به این خطه سرسبز نیست وآن اعرابی که شما اذعان میکنید 500 یا 600 سال پیش به خوزستان وارد شدند میتوانستند زودتر وارد این دیار پر آب و رودخانه شوند

پس چگونه میشود اثبات کرد که خوزستان بعد از پوریم درهشتصد یا هزار ویا حتی دوهزار سال پیش مهاجر نپذیرفته واگر میشود که بگوییم که هیچ اثر باستانی دال بر وجود انسان مهاجر در خوزستان بعد از پوریم ندیده ایم واول باید همه آثار کشف شود و با ارائه مدرک باستانی مقبول نظریتان در خوزستان رد شود نمیتوان قبول کرد که مردم کوچ نشین همجوار با فاصله دویست ویا حتی صد کیلومتر با اولین رود خوزستان از سمت غرب به این خطه پا نگذاشتند وساکن خوزستان جلگه ای بی کوه وصحرا نشده اند

دامها در محوطه چغزنبیل مشغول چرا هستند!!!

www.arabhayeiran.blogfa.com

http://www.cloob.com/profile/main/home/username/takhat2600

دوشنبه 1 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:20 AM

استاد کتیبه هاجعلی ؟ استاد بیشتر توضیح دهید ....

بختیار

دوشنبه 1 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:37 AM

با سلام به حضور استاد گرامی

در حال مرور مجدد کتابهای ارزشمند دوازده قرن سکوت هستم (جلد اول) در مقدمه‌ی این کتاب به وجود سه سلسله‌ی هخامنش و اشکانیان و ساسانیان و حمله مغول به ایران اشاره فرموده اید.

می‌خواستم بدانم که علت اشاره به اشکانیان و ساسانیان و حمله مغول تنها به جهت نا آماده بودن ذهن خواننده است یا خیر؟ همچنین اشارات و نتیجه گیری هایی از حمله خشایار شاه به یونان و کمبوجیه به مصر داشته اید که اینک می دانیم به کل دروغ و جعل است. اگر وقتتان اجازه بده و در این مورد راهنمایی بفرمایید ممنون خواهم شد.

عابدی

دوشنبه 1 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:11 PM

خانم مقول با عرض پوزش ، به آدرس www.www.naria.ir مراجعه کنید و اگر تصاویر آن نیز باز نشدند مشکل از اکسپلورتان می تواند باشد. اگر تمامی تصاویر وب را نمایش نمی دهد ممکن است نمایش تصویر را ناتوان کرده اید. اگر زیاد توضیح دهید می توان کمکی انجام داد.

عابدی

دوشنبه 1 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:36 PM

سلام. آقای مهدی انجام شد. موفق باشید.

عابدی

دوشنبه 1 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:43 PM

آقای مهدی . سایت های ترکی زیادی هستند در این ضمینه ها. نمی دانم این مستند به ترکی استانبولی است یا ترکی آذربایجانی . ضمن این که نرم افزار های خوبی برای تبدیل این دو زبان به یکدیگر ساخته شده است.

http://www.dilmanc.az/en/dilmanc/download

هم چنین برای تبدیل لاتین به الفبای عرب نیز نرم افزاری است که اگر خواستید آدرس بگذارم.

و اگر در ترجمه کاری از دست من بر می آید حتما اطلاع دهید.

موفق باشید.

مهدی

دوشنبه 1 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:30 PM

چند سال پیش در شبکه چهار سیما برنامه ای پخش می شد که در مورد نگاتیو های عکس های موجود در کاخ گلستان و بقیه کاخ ها بحث می کرد و اینکه آنها را بعد از کشف برای مرمت به فرانسه فرستاده اند اگر کسی اطلاعات دقیقی داشته باشد کمک خوبی خواهد بود . با تشکر

طالب الحق

دوشنبه 1 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:46 PM

یک فرقه جدید شیعی بنام المهدیون از خاک سر برآورده که معتقد است شخصی بنام احمد بن الحسن از نوادگان امام زمان با توصیه پیامبر ودوازده امام شیعه خلیفة الله فی الارض است و ونعوذ بالله خصال مبارک خدا را داراست وبعد از او تا ظهور جدش 11 مهدی دیگر مانند او بر زمین خلافت میکنند، متاسفانه اتباع زیادی را در بحرین ، عراق ، خوزستان وکویت ومصر به گرد خود درآورده وجالب آنکه آشکارانه در سمت چپ سایت نجمه داوود یا همان ستاره داوود را همان نشان وعلامت فرقه ای خود قرار داده ووقیحانه ادعا میکند که این علامت یهودی را 12 امام تشیع به اوتوصیه کردند ه اند

والله الهادی

به نظر من طریق نجات مومنین اقتدا به فرمایشات استاد پورپیرار میباشد درست است که نمیتوان جزم قاطع کرد که ایشان صحیحتر را میفرمایندوباید اورا تقدیس کرد ولی نظریه شان از بقیه آرا منطقی تر ،معقول تر ومستند تر میباشد ،واگر فقط قرآن را مصدر همه چیز حتی تاریخ قرار دهیم از همه این شبهات وفرقه افکنی ها مذهبی وقومیت ستایی ها مفید برای یهودیان ومشرکین خلاص شده شاید به راه حق هدایت شویم وتمام بشر را در تمام قار ه ها از یوغ بردگی اسرائیل ودست نشانده هایش نجات دهیم.

خدایا تو برما با نزول قرآن فضل ورحمت باریدی که با اقتدا به آن به راه راست هدایت شویم ،الآن دشمنان اسلام ،مارا به جایی سوق دادند که فقط به مکتوبات وروایات مجعول غیر از قرآن دل ببندیم و شکار نقشه های شوم ناشی از عقده های پلید تاریخی وفرهنگی آنها شویم پس دوباره بر ما منت گذار تا با استعمال عقلمان وتدبر در آن هدیه ارزشمندت هدایت شویم ورجا داریم که وپورپیران زمانه را افزون گردانی که پی آزادگی و حریت وحقیقت را در عصر ما بریزند وغبار از نهان ها بردارند و دست دشمنان را از آنها دور کن واموالی را که در راه تو صرف

کردند را مأجور دار و طول عمرشان را بیشتر کن تا ناگفته ها را بگویند

((ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین))

آدرس سایت داوودیان یا همان المهدیون با شعار علنی نجمه داوود

www.al-mahdyoon.org

http://arabhayeiran.blogfa.com

طالب الحق
دوشنبه 1 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:22 PM

http://www.aftab.ir/articles/art_culture/culture/c5c1210666082_iran_p2.php

دوستان لطفا به این مقاله کوتاه ولی مهم توجه فرمایید ! ممنون میشم

http://arabhayeiran.blogfa.com

حاجی زاده
دوشنبه 1 شهریور ماه سال 1389 ساعت 8:01 PM

سلام

جناب طالب الحق

آقای دکتر ما تشریف می برد به نیویورک و در صحن سازمان ملل وعده ظهور منجی موعود را میدهد! و شیعیان غفلت زده را از عمق ایمانش خود، متحیر و غرق تحسین میکند،! دیگر برای کسی شکی در مسلمانی او نمی ماند!!!

سازندگان قصه منجی همانها هستند که دنیا را به کام خود و به هر شکل و نحوی می چرخانند و برای تحصیل مطلوبشان، از ارتکاب به هیچ جعل و گناهی دریغ نمی کنند!

مدتها مردم جاهل، به امید ظهور نجات بخش وعده داده شده در همه ادیان(!) در برابر توسعه روزافزون فساد و ظلم و گناه به سکوت و صبر و دعا تشویق شده اند و ساده دلانه آنرا نشانه ای از ظهور تلقی کرده اند و اینک که پروژه شیاطین وارد مرحله بعدی یعنی آمدن او شده است، همه جا و حتی در صحن سازمان ملل از ظهور صحبت میکنند! و بدین نحو به همدستان و همداستانان اشاره میکنند که همه چیز بر روال دلخواه می چرخد! و مردم غافل از آن که منجی همان دجال است و این دو یک نفر اند!

مردم مسحور دروغ ها شده اند، دروغی که از جانب معتمد ترینها و خوش ظاهر ترینها و روسا تولید و منتشر شده است، همه مردم دنیا گرفتار ساختارهای پوشالی و فریبنده در تمام حوزه های حیات اند، حوزه های فکری، جسمی، مادی و معنوی! شکستن این ساختارها، نواندیشی می طلبد، آزادی ذهن و فکر از القائات و تبلیغات، کانال زدن به بنیان مسائل می خواهد!

قرآن تنها مرجع و ملتجا است، تنها ابزار محک حق از باطل و معیار تشخیص حقیقت از فریب.

تنها دو رسن نجات و برون رفت از این چاه کید شیاطین وجود دارد، قرآن و نواندیشی

همان دو نقطه اتکا استاد پورپیرار! به همین دلیل است که من به درستی و حقانیت راه و عملکرد ایشان یقین دارم.

مقول
دوشنبه 1 شهریور ماه سال 1389 ساعت 8:44 PM

جناب عابدی از راهنمایی شما متشکرم. من به راحتی تمام وب سایت ها یا وبلاگهای مختلف را با عکس باز می کنم الا وبلاگ استاد را!! البته فعلا با استفاده از همان روش قبلی شما مشکل به راحتی حل شده. باز هم متشکر

مهدی - مهدی
دوشنبه 1 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:14 PM

جناب آقای عابدی،

خیلی ممنون. هم بابت اکانت و هم بابت لینک ها تشکر می کنم. لطفاً آدرس نرم افزار تبدیل متن های لاتین به عربی را هم به من بدهید.

مستند به ترکی استانبولی است. مدت زیادی است که کار تمام شده. در حال مذاکره برای پخش هستیم اما یکی از طرف های مذاکره مدعی شد که نمی تواند فیلم را از لینک های رپید شیر دریافت کند. در واقع قراردادن فیلم در سرور ناریا هم برای بهانه بر کردن طرف مذاکره و هم، در صورت عدم توافق با طرف مذاکره، برای استفاده در مذاکره های بعدی است.

در باب کمک، عرض کنم که آنچه من شخصاً می بینم آن است که شما در حال ارائه بهترین کمک به جمعیت بنیان اندیشان هستند. در حال حاضر با همکاری آقای محمد اوجال در حال ترجمه متن اسلام و شمشیر هستیم. هر زحمتی که به ذهنم برسد دریغ نخواهم کرد!!

با احترام

مهدی

عابدی

سه شنبه 2 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:33 AM

سلام مجدد.

آقای مهدی می توانید از این آدرس دانلود نمایید.

http://www.4shared.com/file/O5YforZp/KocurNew_rar.html

فقط توجه داشته باشید که این برنامه را با دات نت نوشته اند و قبل از نصب نرم افزار، نصب دات نت فرام ورک 2 ضروری است.

موفق باشید.

عابدی

سه شنبه 2 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:40 AM

ضمنا آقای مهدی در کنار آپلود مستند، به این آدرس هم سری بزنید که یکی از سایت های پرطرفدار ویدیویی ترکیه است.

abbas

سه شنبه 2 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:30 AM

http://www.safani.com/about_us.html

@@@

سه شنبه 2 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:40 AM

یکی از خوانندگان ادعا کرده بود که یک کارشناس نظامی است و تحقیقاتی ماهواره ای مشترک با ارتش روسیه در مورد تخت جمشید داشته اند و چه و چه ، ساده ترین سوالی که ذهن یک بنیان اندیش را به پرسش وا می دارد این است که تحقیقات نظامی چه ربطی به تخت جمشید دارد و این آقا خود را کمی بیشتر معرفی کنند که پست و مقامشان در ستاد ارتش چیست و تخصصشان چیست و در چه سالی این تحقیقات مشترک با روسیه را انجام داده اند ؟

چرا که تاریخ معاصر به روشنی به ما می گوید ایران جز در زمان قاجار و اواسط دهه دوم انقلاب رابطه نظامی مناسبی با روسها نداشته

است ، در زمان قاجار که روسها آزادانه کشور مان را مساحی می کردند که در آن زمان نه هنوز ماهواره ای به فضا ارسال شده بود و نه عمر این کارشناسمان به آن دوران قد می دهد و پس از انقلاب هم که به جرات تا نیمه اول بعلل عقیدتی رابطه نظامی با روسیه نداشته ایم پس چگونه ادعا می کنید که قبل از تحقیقات استاد پورپیرار به همین نتایج در مورد پوریم دست یافته بودید ؟

در مورد سوال آقای داریوش هم در مورد چگونگی کشف این مسائل تاریخی توسط استاد ، که انصافا هم سوال هیجان انگیزی است که ذهن اکثر ما به آن مبتلا است تا آنجا که من اطلاع دارم و در قسمت پاسخ به کامنت ها خواندم ، آقای پورپیرار گفته اند که دوران چند ساله زندان پس از انقلاب و فراغت ذهنی دوران زندان او را به تامل در مورد تاریخ ایران واداشته و پس از زندان هم اولین جرقه کشف این حقایق مطالعه کتاب «تورات» بوده و تاکید بیش از حد تورات بر هخامنشیان و وقایع آنها و مطالبی که در تورات در مورد هخامنشیان وجود داشت که در هیچ کتاب تاریخی رسمی و کلاسیکی وجود نداشت .

احسان

سه شنبه 2 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:14 PM

استاد عزیز این یادداشت آخر الحق و الانصاف سیلی عظیم و مهیب بود که ته مانده و تتمه ی لجنهای باستانپرستی را با قدرت و شدت هرچه تمامتر شست و با خود برد. از خودم به عنوان شاگرد کندذهن این کلاس بنیان اندیشی خجالت میکشم که چرا به این نکته ی بینهایت حیاتی و بیدارگر توجه نکرده بودم. به قول خودتان ۲۰ هم برای شما کم است باید ایوالله گفت.

خدا حفظتان کند.

امیر حسین

شنبه 6 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:02 PM

سلام استاد، دست مریزاد. بدون تعارف عرض میکنم، از هیچ یک از روشنگریهایتان به اندازه این روشنگریتان لذت نبرده بودم، واقعا دست مریزاد به شما و جناب کرامت. در ضمن لینک این وبلاگتان را در naria. blogfa.com آوردم. امیدوارم این وبلاگ جدیدتان به سرنوشت ناریا 5 و 7و 8 و ... دچار نشود (فیلتر نشود). برای بار سوم عرض میکنم، واقعا دست مریزاد!

http://naria.blogfa.com

پاسخ:

آقای امیر حسین. دست شما درد نکند. می تواند برای آقای عابدی هم جالب باشد.

2 1 >>

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

26463

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ـ ارسال نظر

narya	13	

ایران شناسی 278

ایران شناسی بدون دروغ ۲V8، نتیجه86، کتیبه گور داریوش.

نتاب

سه شنبه 2 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:04 PM

سلام،

استاد در ئاخرین پاراگراف شک انداختی به کلیت خط میخی.

خوشحال می‌شوم که شاید بشود از دست آن همه میخ خلاص بشویم.

یادم هست در یکی از یادداشتها با اشاره به کتیبه بیستون نوشته بودید:

خواندن آن کتیبه برای فرشتگان آسمان مناسب است (نقل به معنی). زیرا آنقدر دور از دید و دسترس بیننده است.

r134a

سه شنبه 2 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:32 PM

با سلام خدمت استاد

من انشالله یه ماه دیگه یه سفر به اردن خواهم داشت که حتما بازدیدی از اماکن تاریخی هم در برنامه دارم

اگه اونجا کاری هست که بتونم انجام بدم و مفید باشه بگید خوشحال میشم

پاسخ:

آقای r134a. دیدار مجموعه پترا را از دست ندهید. گفته اند ظریف ترین ساخته معماری دست بشر است، محصول نبوغ توام معماران و پیکر تراشان سلوکی، که هر ستون و عنصری در بنا را، زنی و یا مردی دیده اند. سفر به خیر.

ارشد

سه شنبه 2 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:27 PM

با سلام.

می خواستم از آقای پورپیرار درخواست کنم که بفرمایند این مرز و بوم از نظر تاریخی چی برای گفتن داره.

الان مدتی است که فقط از نداشته های این سرزمین صحبت شده کی وقت آن می شود که از داشته هاش صحبت و تحقیق شود.

پاسخ:

دانش پژوه نخبه ای چون شما را دارد !

عادل

سه شنبه 2 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:09 PM

رفته رفته دوستان روش تحقیق جناب پورپیرار را یاد می گیرند

بسیار عالی بود

سه شنبه 2 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:24 PM

اسناد دیگری از سازمان سیا درباره کودتای 28 مرداد

http://culturallogic.blogspot.com/2010/08/blog-post_23.html

http://culturallogic.blogspot.com/2010/08/blog-post_23.html

سه شنبه 2 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:26 PM

Hijackers Link Found to One of Key 9-11 Mossad

http://mohemhast.blogspot.com/2010/08/lebanese-intelligence-discovers-links.html

http://mohemhast.blogspot.com/2010/08/lebanese-intelligence-disc

علی رضا

سه شنبه 2 شهریور ماه سال 1389 ساعت 6:13 PM

سلام استاد گرامی

به نظر میرسد در این کتیبه ها بعضی قسمتهای سنگ در اثر فرسایش گود افتاده است ولی نوشتن در این قسمتها ادامه پیدا کرده است که کاملا غیر طبیعی است و نشان دهنده این است که بعد از فرسایش حک شده اند.

پاسخ:

آقای علی رضا. این امر فوق العاده مضحک در مورد کتیبه همدان نیز صدق می کند و جاعلان در گودال درون پریدگی های ناشی از کهولت سنگ نیز حروف نویسی را ادامه داده اند. این یعنی احمقی به سبک کاملا مغایر با کتیبه نویسی های نقش رستم که از روی عیوب سنگ می پریده اند.

علی رضا

سه شنبه 2 شهریور ماه سال 1389 ساعت 6:27 PM

ادامه

با روشن شدن وضعیت خطوط میخی در تخت جمشید این امکان زیاد است که کلیه خطوط میخی حتی در بیستون هم جعلی باشند(البته بعد از بررسیهای لازم) بنابر این با اطمینان نمیتوان گفت که:: تنها یادگاری که می توانیم انتساب آن را به هخامنشیان مسلم و قطعی بدانیم کتیبه بیستون است::

البته تلاش و نکته سنجی آقای کرامت پورترک در ورود به اصل مطلب جای تشکر بسیار دارد.

پاسخ:

آقای علی رضا. به تر این که اندکی حوصله کنیم.

طالب الحق

سه شنبه 2 شهریور ماه سال 1389 ساعت 7:46 PM

درود بر برادرانی که بیکار ننشسته و شهامتمندانه و عاقلانه خود دست بکار شدند ورایت بنیاد اندیشان را مرتفع تر کردند باشد که جزای خیر آن راببینند.

خداوند به بنی اسرائیل فرمود:

((وإذ قتلتم نفسا فأدارئتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون))

پس چطور است که الان دارند تاریخ و فرهنگ ونفوس ملت ها رامیکشند حتما خدا آبرویشان را میبرد

http://arabhayeiran.blogfa.com

توحید
سه شنبه 2 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:37 PM

سلام

خسته نباشید استاد . با تشکر از زحمات شما و نیز زحمات و تلاش دیگر بنیان اندیشان که سهمی در افشای دروغ و نمایاندن حقیقت ایفا می کنند . استاد قول داده بودید قسمت دوم بررسی لوحه گلین کورش را بررسی کنید به نظر من اکنون که صحبت از کتیبه های میخی است بهترین زمان برای پرداختن به آن است .

استاد همچنین اگر فاصله بین پست ها کمتر شود تحرک و شور و شوق بین بنیان اندیشان را افزون تر می کند لذا استدعا دارم در صورت امکان فاصله نوشته ها از یک هفته به پنج روز کاهش یابد .

با تشکر از زحمات شما .

پاسخ:

آقای توحید. منتظر فرصت و فراهم آوردن تصاویر و منابع مورد نیازم. اندکی حوصله کنید زمان آن فرا خواهد رسید، ان شاء الله.

محمدرضا نیسی
چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:13 AM

سلام‌علیکم استاد عزیز

از زحمات شما و آقای کرامت پورترک تشکر می‌کنم. عکس‌ها و مطالب بسیار افشاگرانه است و تأثیر بسزائی در فرو ریختن آخرین لایه‌های جعلیات کلیسائی-کنیسه‌ای دارد.

اگر مقدور است درباره کتیبه‌های گنج‌نامه و بیستون نیز چنین تحقیقی را ارائه فرمائید.

استاد عزیز کم‌کم تأثیر مباحث بنیان‌اندیشی در منطقه خود را نشان می‌دهد. نمونه آن بازگشت مجدد ترکیه به آغوش اسلام است و عقب‌نشینی مفتضحانه یهود به عقب. جرثومه فساد یهود در منطقه ما یعنی اسرائیل حالا که از هم‌پیمانی با ترکیه ناامید شده در حال جایگزینی یونان است و این هم به لطف هوشیاری ملت ترکیه می‌باشد.

أن‌شاءالله به همت یاران بنیان‌اندیش شاهد انتشار مباحث شما به زبان ترکی باشیم.
چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:08 AM

با سلام و خسته نباشید خدمت استاد عزیز.استاد گویا فقط توهم به اصطلاح متخصصین و روشنفکران و سکان داران جامعه مانده است که آن هم به خاطر توهم بودن مطمئنا مقبولیتی ندارد.همان مطلبی که گفته بودید در اینجا دوباره پررنگ میشود و آن نبودن هیچ حقیقتی جز قرآن و قرآنی را که باز به اراده خداوند و همت جنابعالی رنگ و بوی تازه والبته حقیقی خود را گرفت.

خداحافظ شما باشد

در ضمن خواندن لینک زیر خالی از لطف نیست!

سیستم ربا را به صورت یک داستان جالب به خوبی فاش نموده که واقعا چه سیستم بی رحمی می باشد و چرا این همه توسط یهود و

جیره خواران نادان شان مورد استفاده قرار میگیرد!

لینک دانلود مقاله :

http://www.4shared.com/document/Up3CfhiS/plus5fa.html

طالب الحق

چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:44 AM

سلامی وتحیاتی الی السید محمد رضا نیسی

أخی المحترم کما استنبطت من اسمک انک من اهل الأهواز ، فبما أعلم إنی استعجلت فی طلبی هذا وعلی بتقدیم مقدمات وبعض المجاملات التی لا اری ای مجال لها فی وقت الذی نصبت الیهود رماحها نحونا کرها و غدراً وبما اننی متابع لقسم الکامنت للموقع و تاکیدی بانک من قدمی المتابعین لآراء المعروضة فیه ، أرجوک أن تتعاطف معی وتساندنی علی استنباط المواضیع والنصوص و الحوز علی بعض المقالات والکتب ، فإن وافقت وأرجوا أن توافق ،وبعد أخذنا الأمان ببعضنا نتواصل إن شاء الله وإن لاشاءلنا الرحمن فأشکرک مقدمةً ولو لم تکاتفک ظروفک ویسع لک مجالک

طالب الحق

چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:19 AM

خداوند قرآن را به زبان عربی یعنی زبان عرب مکه نازل کرده و عرب به رود نهر میگفت وبه دریا بحر ، و خداوند در جای قرآن نام رود را آورده

((وبشر الذین ءامنوا وعملوا الصالحات أن لهم جنات تجری من تحتها الأنهار))

((وإن من الحجارة لما تتفجر من الأنهار))

پس چگونه یهود معتقدند خداوند رود نیل را بر آنها گشوده ودر قرآن آمده که:

((وإذ فرقنا بکم البحر فانجیناکم وأغرقنا ءال فرعون وانتم تنظرون))

نتاب

چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 05:53 AM

سلام،

آیا جالب نیست که یک کتاب کم حجم (70 صفحه تقریبا) منتشر شود که انحصارا مربوط به تخت جمشید باشد؟

مجموعه تحقیقات و نتایج حاصله را شامل باشد با کلیه عکسها و در جلد آن جیب حاوی سی دی مربوطه قرار گیرد؟

البته بعد از آنکه تکلیف آن میخهای دیگر هم با یک مغناطیس قوی روشن شود.

abbas

چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 08:06 AM

http://oi.uchicago.edu/museum/collections/pa/persepolis/tombs.html

عابدی

چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:27 AM

استاد فایل های ورد ویرایش شده برای کتاب صفویه که به من داده بودید، در شماره ۱۹ بالای سکه ها جمله اش ناقص مانده است. لطفا بررسی کنید ممنون.

اليار

چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:11 AM

سلام استاد عزیز

ژس کی به موضوع ستار خان میپردازید. ما که صبر خود را از دست دادیم.

تلمیذ

چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 1:02 PM

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر

استاد به نظر من نظریه غار نشینی انسانهای به اصطلاح اولیه یک دروغ احمقانه است.به نظر من هوش و ذکاوت انسانهای کنونی با گذشته ها تفاوت چندانی ندارد.چنانکه مطبق قرآن کریم استدلالهای معاندان پیامبران در برابر دعوت به حق و یکتا پرستی با استدلالهای انسانهای معاصر تفاوتی ندارد.بعلاوه اگر انسانهای نخستین هوش و ذکاوت کافی نداشته اند کودک انسان که بی دفاعترین نوزاد در بین تمام جانوارن است به سرعت توسط سایر جانوران و حشرات خورده می شد ونسل انسان در همان ابتدای خلقت از بین می رفت.

بعلاوه من فکر نمی کنم تا کنون سند محکمی دال بر غار نشینی انسانها پیدا کرده باشند.این که در فلان غار یک سری نقاشی ابتدایی در مثلا اسپانیا بر دیوار غاری پیدا کرده اند نیز مطمئنا جعلی است.

غار نشینی انسان را بر این اساس طرح نموده اند تا نظریه تکاملی داروین توجیه پیدا کند و نه خلقت انسان بدانگونه که قرآن کریم می فرماید!

@@@

چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 1:05 PM

یکی از خوانندگان ادعا کرده بود که یک کارشناس نظامی است و تحقیقاتی ماهواره ای مشترک با ارتش روسیه در مورد تخت جمشید داشته اند و چه و چه ، ساده ترین سوالی که ذهن یک بنیان اندیش را به پرسش وا می دارد این است که تحقیقات نظامی چه ربطی به تخت جمشید دارد و این آقا خود را کمی بیشتر معرفی کنند که پست و مقامشان در ستاد ارتش چیست و تخصصشان چیست و در چه سالی این تحقیقات مشترک با روسیه را انجام داده اند ؟

چرا که تاریخ معاصر به روشنی به ما می گوید ایران جز در زمان قاجار و اواسط دهه دوم انقلاب رابطه نظامی مناسبی با روسها نداشته است ، در زمان قاجار که روسها آزادانه کشور مان را مساحی می کردند که در آن زمان نه هنوز ماهواره ای به فضا ارسال شده بود و نه عمر این کارشناسمان به آن دوران قد می دهد و پس از انقلاب هم که به جرات تا نیمه اول بعلل عقیدتی رابطه نظامی با روسیه نداشته ایم پس چگونه ادعا می کنید که قبل از تحقیقات استاد پورپیرار به همین نتایج در مورد پوریم دست یافته بودید ؟

در مورد سوال آقای داریوش هم در مورد چگونگی کشف این مسائل تاریخی توسط استاد ، که انصافا هم سوال هیجان انگیزی است که ذهن اکثر ما به آن مبتلا است تا آنجا که من اطلاع دارم و در قسمت پاسخ به کامنت ها خواندم ، آقای پورپیرار گفته اند که دوران چند ساله زندان پس از انقلاب و فراغت ذهنی دوران زندان او را به تامل در مورد تاریخ ایران واداشته و پس از زندان هم اولین جرقه کشف این حقایق مطالعه کتاب «تورات» بوده و تاکید بیش از حد تورات بر هخامنشیان و وقایع آنها و مطالبی که در تورات در مورد هخامنشیان وجود داشت که در هیچ کتاب تاریخی رسمی و کلاسیکی وجود نداشت .

حاجی زاده

چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 1:59 PM

سلام

توصیه میکنم استاد و همه دوستان مقاله زیر را مطالعه بفرمایند.

http://www.4shared.com/document/Up3CfhiS/plus5fa.html

طالب الحق

چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:02 PM

قلم

دستنوشته یکی از ملوک عربستان سال 1240 هجری قمری

www.alriyadh.com/2008/06/21/img/216732b.jpg

محمد اوجال اولوتورک

چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:03 PM

جناب طالب الحق، سلام

به نکته جالبی اشاره کرده اید. قبلا این موضوع به ذهن بنده هم خطور کرده بود (در ارتباط با آیه 7 سوره قصص، کلمه «یم»)، اما پی آن را نگرفته بودم. اشاره شما باعث شد که بررسی کوچکی (که شاید هم جامع نباشد) در این ارتباط در قرآن کریم انجام دهم:

در قرآن کریم در آیات مربوط به جریان غرق کرده شدن فرعون و همراهانش، در سه آیه کلمه «بحر» (دریا) مورد استفاده قرارا گرفته، و در بقیه آیات کلمه «یم» استعمال شده است. معنای کلمه بحر که مشخص است. در رابطه با کلمه «یم» هم، تا آنجا که بنده بررسی کردم و نیز بر اساس اطلاعات کم و بیش ام در خصوص زبان عربی، این کلمه هم به معنای «دریا» می باشد (اگر اطلاعات جامع تری دارید، ممنون می شوم اگر ارائه کنید). از طرف دیگر در 18 ترجمه تورکی استانبولی از قرآن که در اختیار دارم، به خصوص در آیاتی که مستقیما مرتبط با جریان غرق فرعون و همراهنش می باشد، در اکثریت موارد این کلمه به صورت دریا، و در برخی به «آب» ترجمه شده است. حال و به نظر بنده، حتی اگر کلمه «یم» علاوه بر معنی «دریا» دارای معانی دیگری از جمله «رود» هم بوده باشد، از آنجا که در سه آیه در ذیل آمده، کلمه «بحر» مورداستفاده قرار گرفته است، می توان با قاطعیت گفت که فرعون و جنودش، نه در رود (آن هم رود «نیل»، چنانکه معروف است)، بل در «دریا» غرق شده بوده اند. در این صورت، به راستی چه رازی در این جا نهفته است که یهود بهتر دیده است فرعون و همراهانش در رود نیل غرق شوند و نه در دریا؟

جناب استاد، بسیار ممنون می شوم اگر نظرتان را بفرمایید.

...

آیات مرتبط با جریان غرق فرعون که دز آنها کلمه «بحر» مورد استفاده قرار گرفت است:

فَاَوْحَیْنَا اِلی مُوسی اَنِ اضْربْ بعَصَاکَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَکَانَ کُلُّ فِرْقِ کَالطَّوْدِ الْعَظیمِ (شوری، 63)

وَلَقَدْ اَوْحَیْنَا اِلی مُوسی اَنْ اَسْر بعِبَادی فَاضْربْ لَهُمْ طَریقًا فِی الْبَحْر یَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَکًا وَلَا تَخْشی (طه، 77)

وَجَاوَزْنَا ببَنی اِسْرَائیلَ الْبَحْرَ فَاَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْیًا وَعَدْوًا ... (یونوس، 90)

...

ضمنا، در آیات زیر نیز به جای بحر، کلمه «یم» استعمال شده است:

اعراف، 136 ؛ ذاریات، 40 ؛ قصص، 40 ؛ قصص، 7 ؛ طه، 38 و39 ؛ طه، 78 ؛ طه، 97 .

م

چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 6:29 PM

به گزارش سرویس بین‌الملل شبکه ایران به نقل از روزنامه انگلیسی دیلی‌میل، نتایج آزمایشات جدید دی‌ان‌ای بر روی آخرین نزدیکان بجا مانده از هیتلر، حکایت از آن دارد که او از اصلیتی یهودی و آفریقایی‌تبار برخوردار بوده است.

براساس گزارش روزنامه دیلی‌میل، "ژان پائول مولدرز" روزنامه‌نگار و "مارک ورمیرن" محقق و تاریخ‌نگار، اوایل سال جاری میلادی آزمایشات

جدیدی را بر روی دی‌ان‌ای نزدیکان هیتلر انجام دادند تا به اصالت این رهبر نازی پی‌ببرند.

این آزمایشات شامل بررسی دی‌ان‌ای "الکساندر استوارت هاتسون" 61 ساله خواهرزاده بزرگ هیتلر و یک کشاورز اتریشی با نام "نوربرت" بوده که ظاهراً او نیز از نوادگان هیتلر بوده است.

یک نشریه خبری در بلژیک در این خصوص گزارش داد که برای این آزمایشات، نمونه‌هایی از آب دهان و بزاق افراد منتسب به هیتلر گرفته شده است.

مارک ورمیرن با اشاره به اینکه در این آزمایشات، کروموزوم "هاپلوپ‌گراپ" (E1b1 Haplopgroup) در نمونه‌ها مشاهده شده است که در آلمان و شرق اروپا به ندرت مشاهده می‌شود، تصریح کرد: اینگونه کروموزوم‌ها در واقع در مناطقی مانند "بربرز" در مراکش، در الجزایر، لیبی و تونس و همچنین در میان یهودیان اشکنازی (یهودیانی از شمال و مرکز اروپا) و یهودیان سفاردیک (یهودیان اسپانیایی و پرتغالی با اصلیتی از شمال آفریقا) دیده می‌شود.

دیلی‌میل در ادامه با اعلام اینکه این آزمایشات در شرایط آزمایشگاهی بسیار دقیقی انجام شده است، تاکید کرد: البته این اولین بار نیست که محققان تاریخی بر یهودی‌تبار بودن هیتلر تاکید دارند. پیش از این اعلام شده بود که آلویز پدر هیتلر، فرزند نامشروع دختری با نام "ماریا شکیلگرابر" و پسر 19 ساله یهودی به نام "فرانکن‌برگز" بوده است.

این روزنامه افزود: گزارش‌ها حاکی از آن است که پاتریک خواهرزاده هیتلر، در این خصوص قصد باج‌خواهی از او را داشته است که هیتلر در واکنش، هانس فرانک وکیل خود را برای تحقیق در این مورد مامور کرده است که این موضوع با وقایع پیش از آغاز جنگ جهانی دوم همزمان شده است.

سلام. چیزی که تو این دنیا زیاده، دروغ و چرنده! خروارها خاک هوا می کنند تا یه آشغال رو روی زمین مخفی کنند!

سلام محمدی

چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 8:28 PM

با سلام خدمت استاد و دوستان گرامی

دنبال عکسی میگردم که لینکش را یکی از دوستان، درسایت قبلی استاد گذاشته بودند.

لطفااگر هریک ازدوستان در اختیار دارند، لینکش را لطف بفرمایند و دراختیارم بگذارند، ممنون می شوم.

عکس ((رئیس جمهور اسرائیل همراه با رایس درحال خندیدن ، با عکسی از کودکان مجروح فلسطینی در دست.))

باتشکر

کرامت پورترک

چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:05 PM

از حسن نیت دوستان گرامی چون آقای محمد رضا نیسی و آقای علی رضا ممنونم. جناب علی رضا بنده در مقاله نوشته ام شاید بتوانیم انتساب آن را به هخامنشیان مسلم و قطعی بدانیم. آوردن کلمه شاید در این جمله نشان از این دارد که بنده هنوز به قطعیت لازم نرسیده ام.در میان عکس های دوره قاجاری که دارم از کتیبه بیستون عکسی در دست است که با کتیبه موجود است. این یکی از دلایلی است که باعث شده تا حدی اصالت کتیبه بیستون را بپذیرم. زیرا دوره قاجار دوره ای است که هنوز موج هجوم اساتید یهودی و مسیحی آغاز نگشته بود

پاسخ:

آقای کرامت پورترک. بیستون با سه نوع خط میخی ایلامی و بابلی و میخی داریوشی نوشته شده، حالا صحبت بر سر قدمت خط میخی

داریوشی است. آیا در آن عکس قدیم ردی از خط میخی داریوشی یا به اصطلاح میخی فارسی! دیده می شود؟! ضمن این که نخستین امواج هجوم حقه بازان جاعل اهل کنیسه و کلیسا در ایران، به دورتر از زمان قاجارها می رسد.

حسین محمدی

چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:25 PM



برگرفته از صحیفه نور(مجموعه آقای آیت الله خمینی)

هشدارهای آقای خمینی:

بترسید از یهودی مسلمان شده

1- می‌گویند یک یهودی در همدان مسلمان شده بود. بعد خیلی به آداب اسلام پایبند شده بود؛ خیلی زیاد! این موجب سوءظن مرحوم آسید عبدالمجید، که یکی از علمای همدان بود، شده بود که این قضیه چیست. یکوقت خواسته بودش، گفته بود که تو مرا می‌شناسی؟ گفت: بله. گفت: من کی‌ام؟ گفت: شما آقای آسید عبدالمجید. گفت من از اولاد پیغمبرم؟ گفت: بله. تو کی؟ من یک یهودی بودم، پدرانم یهودی بودند و تازه مسلمان شده‌ام . گفته بود: نکته این که تو تازه مسلمان که همه پدرانت هم یهودی بودند و من هم سید و اولاد پیغمبر و ملا و این چیزها، تو از من بیش‌تر مقدسی، این نکته این چیست ؟ من شنیدم که یهودی گذاشت و رفت! معلوم شد حقه زده. یک قضیه‌ای بوده. می‌خواسته با صورت اسلامی کارش را بکند. تو یهودی‌ها این‌گونه کارها هست.

* صحیفه امام خمینی، ج 8، صص 143-144.

2- این عمال اسرائیل در ایران هر جا انگشت می‌گذاری می‌بینی که یکی از این‌هاست. مراکز حساس، مراکز خطرناک، والله مراکز خطرناک برای تاج این آقا. ملتفت نیستند این‌ها. این‌ها آن‌ها بودند که در شمیران توطئه کردند ناصرالدین‌شاه را بکشند [و] مملکت ایران را قبضه کنند. شما تاریخ نگاه کنید. تاریخ که می‌دانید. در نیاوران توطئه کردند. در نیاوران چند نفر رفتند ناصرالدین‌شاه را ترور کنند و یک عده هم در تهران بودند که حکومت را قبضه کنند. اینها حکومت را از خودشان می‌دانند. این‌ها در کتاب‌های‌شان نوشته‌اند، در مقالات‌شان نوشته‌اند حکومت مال ماست، باید ما یک سلطنت جدیدی به‌وجود بیاوریم، یک حکومت جدیدی به‌وجود بیاوریم، حکومت عدل... آقا بترسید از این‌ها. یک جانورهایی‌اند این‌ها.» ** صحیفه نور، ج 1، ص 133.

مسعود سنجری

چهارشنبه 3 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:35 PM



برادر گرامی کرامت پور ترک

سلام علیکم

از زحمات و تلاشهای شما که باعث غنی تر شدن بررسی های بنیادین استاد پورپیرار گردید سپاسگزاری و برایتان آرزوی موفقیت و سربلندی می کنم.

والسلام علیکم

فی امان الله

khalil

پنجشنبه 4 شهریور ماه سال 1389 ساعت 00:42 AM



با سلام و تشکر فراوان خدمت استاد و آقای کرامت پور ترک بابت روشنگریهایشان و تشکر از دوستان که در بخش نظرات مطالب قابل استفاده ای عرضه می کنند.

طالب الحق

پنجشنبه 4 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:39 AM

برادر محمد اوجال اولوتورک سلام علیکم

فی الواقع این مسئله در برابر دروغهای بزرگ کودکانه یهود چیز چشمگیری نیست ولکن از روزنه های کوچک میتوان شهرهای بزرگ را دید، بحر در عربی دریاست و در این اتفاق هست همچنین یم هم به معنای دریاست ، من بیشتر فرهنگ لغت های عربی _بدون در نظر گرفتن مجعول بودن آنها _را گشتم در لسان العرب ، العین ، جمهرة اللغة ، الصحاح فی اللغة ، العین ،قامئس المحیط و کتاب العین همه یم را دریا دانسته اند، در جمهرة اللغة گفته شده که این کلمه سریانیست .

جالب اینکه بعضی از قاموس ها وفی المثال لسان العرب اثر مجهول الحالی افریقیایی به نام ابن منظور از بزرگترین مراجع علوم لغت ، در واژه یم مثال آیه قرآنی ((فأقذفیه فی الیم)) را آورده و در ادامه میگوید یم به معنای دریاست ولی اهل تفسیر معتقدند که اینجا مقصود از یم رود نیل است!!!

هیچ اولوالالباب از این آقا نپرسیدند که خداوند علیم معجزه اش قرآن که عرب از آوردن سوره ای بهمانند آن عاجز بود و قاطعا به عرب گفت نمیتوانی ونخواهی توانست به مانند آن بیاوری_آیه های 23 و24 سوره بقره_ نعوذ بالله در تمییز رود از دریا ونهر از بحر عاجز بود واهل تفاسیر توانستند این نقص را بر طرف کنند ،

من هم در این باب اطلاعات جامعی ندارم ، در اسلام وشمشیر اشارات زیادی به این انتسابات واهی شده ولی ذکری در این امر به چشمم نخورد.

http://arabhayeiran.blogfa.com

طالب الحق

پنجشنبه 4 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:52 AM

برادر تلمیذ

با نظریه داروین مخالفم ولی انسان بر حسب محیط زندگیش خانه ای برای خود میساخت وحتی غارنشینی میکرد وذکر غارنشینی انسان در قرآن آمده.

http://arabhayeiran.blogfa.com

تلمیذ

پنجشنبه 4 شهریور ماه سال 1389 ساعت 09:23 AM

برادر طالب حقیقت

در کدام سوره و کدام آیه؟!

تلمیذ

پنجشنبه 4 شهریور ماه سال 1389 ساعت 09:28 AM

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر

استاد به نظر من طبق قرائن و شواهد در بر آمدن این جمهوری به اصطلاح اسلامی دولت فرانسه نقش و رل بسیار مهمی بازی کرده است و سرمایه گذاری های فراسوی ها در صنایع ایران هم شاید امتیازی بوده که گرفته باشند!برخلاف عده ایی که همه خوب و بد این ممکلت را زیر سر انگلیس و آمریکا می دانند!امید وارم در ورود به تاریخ معاصر به این موضوعات هم اشاره ایی بفرمائید.

منصور

پنجشنبه 4 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:28 AM

دوست عزیز جناب کرامت پورترک.

از زحمات جنابعالی در امر توسعه مباحث بنیانی استاد کمال تشکر را دارم و از خدای متعال توفیق و سلامتی شما و همه بنیان اندیشان را تمنا می کنم.

سروش

پنجشنبه 4 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:24 PM

سلام

ممنون آقای کرامت پورترک از روشنگری های مجددتون.و متشکر از آقای پورپیرار برای دادن فضا به مطالب و حمایت.

به نظر من که دیگه جایی برای بحث برای این امپراطوری تقلبی نمی ماند.و موافق این هستم که نتیجه گیری خوبی از کل مطالب بشود و ببینیم برای آینده چه بکنیم.چون دامنه این خیانت ها تمامی ندارد.

ممنون

منصور

پنجشنبه 4 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:44 PM

با سلام خدمت استاد گرامی و دوستان قرآن پژوه.

اگر دوستان علاقه به مباحث قرآن دارند پیشنهاد می شود راجع به آیات زیر در حد وسع خود بحث کنیم که می تواند به مباحث ما مربوط باشد. از سوره اسراء

لازم به ذکر است جناب آقای پورپیرار در پاسخ به سوال یکی از خوانندگان فرموده بودند که در قرآن هم به مساله پوریم اشاره شده.

بنظر می رسد اثبات این موضوع اکنون با توجه به روشنایی که اذهان ما از تعالیم استاد گرفته به آسانی امکان پذیر است. ضمن اینکه آیات را می توان بهتر از این ترجمه کرد. این فقط یک شروع است و نظرات دوستان می تواند باعث پختگی و پرباری بحث شود.

و در کتاب آسمانی[شان] به بنی اسرائیل خبر دادیم که قطعا دو بار در زمین فساد خواهید کرد و قطعا به سرکشی بسیار بزرگی برخواهید خاست (۴)

وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿۴﴾

این آیه به دو جنایت عظیم یهود اشاره دارد : یکی پوریم و یکی جنایت فعلی آنان. توجه فرمایید به تاکیدی که خداوند بر عظمت این دو جنایت دارد. همانگونه که با ادله متقن استاد بر ما روشن شده جنایت پوریم کل جهان را هزاران سال به عقب برد زیرا نطفه تمدن بشری در این منطقه بسته شده بود و طی هزاران سال رشد کرده بود.

پس آنگاه که وعده نخستین به سرآید بندگانی از خود را که سخت نیرومندند بر شما می‌گماریم تا میان خانه‌ها[یتان برای قتل و غارت شما] به جستجو درآیند و این وعد تحقق‌یافتنی است (۵)

فَإِذَا جَاء وَعْدُ أُولاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُوْلِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُواْ خِلاَلَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ﴿۵﴾

این آیه به سقوط اورشلیم و تارومار شدن یهود توسط اسکندر مقدونی در 312 ق.م. اشاره دارد یعنی حدود 168 سال پس از پوریم. چنانکه تا پس از جنگ دوم جهانی دربدر شدند.

پس [از چندی] دوباره شما را بر آنان چیره می‌کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می‌دهیم و [تعداد] نفرات شما را بیشتر می‌گردانیم (۶)

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ﴿۶﴾

این آیه به حوادثی اشاره دارد که پس از سقوط یونان در برابر امپراتوری روم تا کنون اتفاق افتاده است و همانگونه که خداوند وعده داده است آنان بر منابع مالی دنیا مسلط شده اند و تعدادشان واقعی آنها هم بسیار بیشتر ازحدود 10 میلیونی هست که به ظاهر می بینیم. (مقاله اولترا امپریالیسم استاد بسیار روشنگر است هر چند ویرایش آن پس از 30 سال می تواند آنرا باز هم پر بارتر کند). تسلط یهود بر منابع فرهنگی و تبلیغاتی دنیا هم بر کسی پوشیده نیست. خب اگر بزرگی جنایات فعلی یهود در جهان را در نظر بگیریم آنگاه می فهمیم که جنایت پوریم چه ابعادی داشته که خداوند این دو را با هم ذکر کرده است و الا یهود جنایات کوچک و بزرگ فراوانی داشته است که خداوند هم در قرآن از آنها یاد کرده است.

اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید به خود [بد نموده‌اید] و چون تهدید آخر فرا رسد [بیایند] تا شما را اندوهگین کنند و در معبد[تان] چنانکه بار اول داخل شدند [به زور] درآیند و بر هر چه دست‌یافتند یکسره [آن را] نابود کنند (۷)

إِنْ أَحْسَنتُمْ أَحْسَنتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاء وَعْدُ الآخِرَةِ لِيَسُوؤُواْ وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُواْ الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُواْ مَا عَلَوْاْ تَتْبِيرًا ﴿۷﴾

این آیه به حوادث آینده اشاره دارد که شاید هم اکنون هم شروع شده باشد و کریه المنظری یهود در نزد عامه مردم دنیا و نابودی و اخراج آنها از بیت المقدس و اراضی اشغالی و کوتاه شدن دست آنها از چپاول ملت ها را به دنبال دارد.

چه بسا پروردگارتان شما را رحمت کند و[لی] اگر [به گناه] بازگردید [ما نیز به کیفر شما] بازمی‌گردیم و دوزخ را برای کافران زندان قرار دادیم (۸)

عَسَى رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ﴿۸﴾

در اینجا هم خداوند بخشش گروهی که براه صحیح بر می گردند را دور نمی بیند. خداوند وعده می دهد که باز هم در صورت سرکشی آنان را عذاب خواهد داد. در اینجا سوالی ایجاد می شود و آن اینکه آیا آیه 8 به این موضوع اشاره دارد که فتنه های یهود ممکن است تا پایان دنیا ادامه یابد؟

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 4 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:46 PM

السلام‌علیکم أخی الکریم «طالب الحق»

نعم أنا من الأهواز و سوف أقدم لک ما بوسعی لبث فکرة الأستاذ بوربیرار و ضرب مشاریع الیهود الضالین.

أنا أطلب منک ترجمة مباحث هامه کمبحث القلم و غیرهن، إذا بوسعکم. أیضا أرجوا أن تساندنا فی تبویب و تنقیة مبحث الإسلام و السیف و تحویله إلی کتاب

جذیل الشکر إلیکم

R134a

پنجشنبه 4 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:00 PM

سلام استاد

انشالله پترا حتما میرم.

اخیرا یه برنامه مستند!!! از الجزیره پخش شد که نشون میداد پترا رو بیابانگردهای نبطی که یهو شهرنشین و تاجر شده بودن ساختن! یاد برادران اشکانی افتادم

طالب الحق

پنجشنبه 4 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:53 PM

اسرائیل در زمینی را به وسعت 200 کیلومتر مربع خریده ودرحال اسکان 150هزار خانواده کرد یهودی در آن میباشد این شهرک که نه شهر جدید نزدیک به شهر ترکمن ها میباشد این طرح استیطانی یهود از بعد سقوط حکومت قبلی عراق شد میگویند که اسرائیل با این کار چند هدف دارد

1)تقویت یهود وافزایش جمعیت آنها در عراق

2)سیطره بر فکر ودولت آینده کردها

3)رساندن حدود جغرافیایی کردستان عراق تا موصل وتلعفر وایجاد تشنج ودرگیری های مسلحانه

4)تسلط بر حکومت عراق

5)تسلط بر مهمترین دروازه تجاری ترکیه وعراق به نام بوابة أوفاكوی

6)جدا سازی کردستان از عراق

7)تفکیک عراق ووارد ساختن کشورهای منطقه در چالش منطقه های فدرالی یا مستقل

8)سیطره بر نفت کردستان

http://arabhayeiran.blogfa.com

کرامت پورترک
پنجشنبه 4 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:53 PM

از دوستان گرامی آقایان مسعود سنجری، خلیل، مسعود و سروش تشکر می نمایم. بنده حقیر را خجالت زده کردید. به امید آن روز که اشخاصی موهوم چون کورش ، داریوش و زرتشت و ... مایه فخر ما ایرانیان نباشند.

محمدرضا نیسی
پنجشنبه 4 شهریور ماه سال 1389 ساعت 6:46 PM

سلام‌علیکم

لینک زیر حاوی تصاویر جالبی از افغانستان قبل از اشغال توسط شوروی است که گویای بسیاری مسائل و پروژه‌های ایادی یهود و استعمارگران بر ضد اسلام و القای چهره‌ای خشن از اسلام در منطقه است.

عنوان خبر : افغانستان بدون شوروی ، آمریکا و بریتانیا در دهه 1960

http://peymane.ir/fa/pages/?cid=21072

طالب الحق
پنجشنبه 4 شهریور ماه سال 1389 ساعت 7:31 PM

تلمیذ جان

در داستان حضرت صالح (ع)

در آیه 82 سوره حجر { وَكَانُواْ يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتاً آمِنِينَ }

سایه
پنجشنبه 4 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:41 PM

با سلام

جناب منصور خان اگر مقاله اولترا امپریالیسم استاد را در اختیار دارید لطف می فرمایید و آن را برای بنده ایمیل نمایید.ممنون

پنجشنبه 4 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:45 PM

جناب طالب حق این آیه اشاره به خانه سازی با تراش دادن کوهها دارد نه غارنشینی که انسان ها محل آماده ای را به عنوان سر پناه استفاده می کنند ! در ضمن به نظر بنده یافتن ابزار و وسایل مختلف در درون غارها دلیل بر زندگی انسانها در غارها نمی باشد شایداز طرف گروهی از شکارچیان و ... به عنوان محل موقت اسکان انتخاب شده باشد !

abbas
جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:04 AM

http://www.flickr.com/photos/37514330@N00/3201775281

پاسخ:

باز نشد.

reza

جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:30 AM

جناب منصور سلام

با تشکر از بحثی که در ارتباط با اشارات قرآن در باب فتنه گری یهود داشتید.

ذکر این نکته ضروری است که متاسفانه در ترجمه ای که شما نقل کرده اید ژرانتزهای اضافی به کلی خارج از متن و نوعی تفسیر و تاویل آیات است.

فَإِذَا جَاء وَعْدُ أُولاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُوْلِى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُواْ خِلاَلَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ﴿۵﴾

پس آنگاه که وعده نخستین به سرآید بندگانی از خود را که سخت نیرومندند بر شما می‌گماریم تا میان خانه‌هایتان [برای قتل و غارت شما] به جستجو درآیند و این وعد تحقق‌یافتنی است (۵)

این آیه هر جند به انتقام الهی از یهود بدست بندگانش اشاره دارد ولی در باب قتل و غارت هیچ اشاره ای مسفقیم یا غیر مسفقیم در خود ندارد.

با تشکر

طالب الحق

جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:31 AM

متشکرم .درست میفرمایید.

http://arabhayeiran.blogfa.com

محمدرضا نیسی

جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 05:35 AM

سلام‌علیکم

جناب آقای سلامات

با تشکر مجدد از شما، منتظر ارسال یوزرنیم و پسورد وبلاگ ناریا از سوی شما برای استاد هستیم.

جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 07:31 AM

.... کتاب دوم اما از این هم هیجان‌انگیزتر است؛ کتابی کوچک با عنوان «معمای شکسپیر» ترجمه امید روشن ضمیر که انتشارات نیلا آن را چاپ کرده. این کتاب، که در اصل...

بودن یا نبودن؟ مساله این است!نگاهی به دعوای ادبی «چه کسی شکسپیر را نوشت؟» به بهانه انتشار اثری از بورخس دراین باره

خورخه لوئیس بورخس، این نویسنده نابینای شیفته کتاب از همان سال 1345 که مرحوم میرعلایی اولین بار داستانی را از او ترجمه کرد برای کتابخوان های ایرانی اسمی جذاب بوده و هست. هنوز هم انتشار کتابی از او درباره او می تواند اتفاقی در بازار کتاب ما باشد، چه

برسد به انتشار همزمان دو کتاب. این اتفاقی است که در روزهای اخیر افتاده و بورخس خوان ها را حسابی خوشحال کرده است. کتاب اول زندگینامه ای است که آلبرتو مانگوئل (دیگر نویسنده آرژانتینی) از چهار سال مصاحبتی که با بورخس داشته، نوشته و «با بورخس» (با تیتر فرعی «چگونه از چشمان یک نابینای چیره دست نگاه کنیم؟») نام دارد. این کتاب ترجمه کیوان باجغلی و محصول نشر ماهی است. کتاب دوم اما از این هم هیجان انگیزتر است؛ کتابی کوچک با عنوان «معمای شکسپیر» ترجمه امید روشن ضمیر که انتشارات نیلا آن را چاپ کرده. این کتاب، که در اصل متن یک سخنرانی شکسپیر است به این ماجرای ادبی جنجال برانگیز می پردازد که آیا واقعا شکسپیر نویسنده آن آثاری است که ما با نام آثار ویلیام شکسپیر می شناسیمشان؟ در مورد این موضوع تا به حال در زبان فارسی بحث زیادی نشده بود و تا آن جا که نگارنده به خاطر دارد، فقط در قسمتی از کتاب «کتاب من و دیگری» احمد اخوت به آن پرداخته شده بود و از این جهت موضوعی نو به حساب می آید. برای همین ما هم رفتیم سراغ این ماجرا و ذکر دلایل موافقان و مخالفان نظریه های مختلف دراین باره.. برخلاف تصورتان این سوال ساده اصلا جواب ساده ای ندارد.

ماجرا از سال 1857 شروع شد؛ 241 سال بعد از مرگ ویلیام شکسپیر. بانوی نویسنده ای آمریکایی به نام دلیا بیکن کتابی منتشر کرد با اسم «تالیف شکسپیری» (Shakespearean Authorship). برای کتاب ناتانیل هاثورن، نویسنده معروف (که در ایران «داغ ننگ» و «صورت زخمی بزرگ» از او ترجمه شده) مقدمه نوشته بود، بدون آن که متن کتاب را بخواند. توی این کتاب نویسنده سعی کرده بود با نشان دادن مدارک و شواهد تاریخی مختلف، نشان بدهد که ویلیام شکسپیر واقعا نویسنده آن 36 نمایشنامه، دو شعر بلند و 154 غزل 14 سطری نبوده و این همنام نویسنده، یعنی فرانسیس بیکن دانشمند است که آن آثار جادویی را نوشته است. انتشار این کتاب غوغایی به پاکرد، غوغایی که هنوز هم ادامه دارد.

http://www.hipersian.com/content/13044-%D8%A2%D9%8A%D8%A7-%D8%B4%D9%83%D8%B3%D9%BE%D9%8A%D8%B1-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%AF-%D8%AE%D8%A7%D8%B1%D8%AC%D9%8A-%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D8%AF%D8%9F.html

http://www.hipersian.com/culture

موومان

جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 09:44 AM



سلام

به جامعه ی بنیان اندیشان از صمیم قلب تبریک می گویم.

هر اینچنین قدمی، علاوه بر پیروزی، برای ما عامل تقویت وحدت است.

1 2 >>

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

87531

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya 14

ایران شناسی بدون دروغ ۲۷8، نتیجه86، کتیبه گور داریوش.

منصور

جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:07 AM

جناب سایه سلام.

مقاله اولترا امپریالیسم به شکل فایل الکترونیک موجود نیست.

این مقاله به همراه چند نامه دیگر که بین جناب پورپیرار و مخالفان ایشان رد و بدل شده در کتابی به نام (چند بگومگو) در سال ۶۰ چاپ شده که در انتشارات کارنگ موجود است.

از جمله مقالات جالب دیگر در این کتاب گفتاری در مورد شعر و جایگاه آن در فرهنگ عالم از شرق تا غرب جهان است که از پختگی آن آدم احساس می کند همین دیروز نوشته شده.

چکیده آن در چند سطر چنین است که :

شعر در فرهنگ شرق کمترین جایگاه را دارد چنانکه میبینیم اکثرا شامل آواهایی بدون کلام است. این جایگاه با حرکت به غرب پررنگ تر می شود به نحوی که در ادبیات اروپا به حداکثر رشد خود می رسد. خاورمیانه و بخصوص ایران در این بین نقشی بینابین دارد. کشوری که هویت فرهنگی خود را با شعر اثبات می کند و در کلام نثر چیزی برای گفتن ندارد.

البته من آن کتاب را چند سال پیش خوانده ام و امیدوارم تحلیل درستی ارائه داده باشم.

abbas

جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:17 AM

http://oi.uchicago.edu/museum/collections/pa/persepolis/misc_finds.html

پاسخ:

ممنون آقا رضا. مکتب کاملی از فرآورده های ناشناخته و مجعول بود.

فتح

جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:50 PM

آقای پورپیرار در قران یهود برای اینکه به گفته خدا ایمان بیاورند از خدا شاهد می طلبند (حتی کسانی چون زکریا) مثلا در سوره مریم برای تولد یحیی يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَل لَّهُ مِن قَبْلُ سَمِيًّا ﴿۷﴾ ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می‌دهیم که نامش یحیی است، پسری همنامش پیش از این نبوده است.

قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ﴿۸﴾ گفت: پروردگارا! چگونه فرزندی برای من خواهد بود در حالی که همسرم نازا است، و من نیز از پیری افتاده شده‌ام؟!

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِن قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا ﴿۹﴾

فرمود: اینگونه پروردگارت گفته (و اراده کرده) این بر من آسان است من قبلا تو را آفریدم و چیزی نبودی!

قَالَ رَبِّ اجْعَل لِّی آیَةً قَالَ آیَتُکَ أَلَّا تُکَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَیَالٍ سَوِیًّا ﴿۱۰﴾ عرض کرد: پروردگارا! نشانه‌ای برای من قرار ده. گفت نشانه تو این است که سه شبانه روز قدرت تکلم (با مردم) نخواهی داشت، در حالی که زبان تو سالم است.

آیا این تفاوت عمده یهود با مسلمانان نیست که همواره پذیرنده و تسلیم در مقابل کلام الله هستند.

پاسخ:

آقای فتح. خوش بختانه فردا شنبه است و می توانید جواب سئوال و گمانه خود را از خاخام بپرسید.

کرامت پورترک

جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:31 PM

سلام استاد نمی دانم ای میلتان را چک کرده اید؟ من همچنان منتظر شنیدن پاسخ حضرتعالی هستم. با تشکر

پاسخ:

آقای کرامت کمی دیگر حوصله کنید.

مقول

جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:36 PM

استاد گرامی الان چند شبه که در شبکه چهار از ساعت ۱۱ تا ۱ نیمه شب برنامه ای پخش میشه به اسم راز با مجری گری نادرطالب زاده مستند ساز معروف. همون که افتخار ساخت مستندهای شمار را کسب نکرد! برنامه از جهاتی جالبیه که امیدوارم دیده باشید. تو این برنامه به موضوعات مختلف توپی بند می کنند مثل اسلام هراسی، یهودیت صهیونیستی، و عالی ترین برنامه اش در چند شب پیش درباره نسل کشی مسلمانان بوسنی هرزگوین بود. به قول فرنگی ها

Don't miss it!

حسین محمدی

جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:28 PM

آیت‌الله مصباح: هدف اصلی خلقت 14 معصوم‌اند

عضو خبرگان رهبری گفت: انبیاء، نبوت، شهادت و لوازم آنها همه برای کمال و رحمت بیشتر انسانها و نزدیک تر شدن آنها به خداوند است.

به گزارش ایرنا، آیت الله 'محمد تقی مصباح یزدی' پنجشنبه شب در شرح خطبه فدکیه در دفتر مقام معظم رهبری در قم خاطرنشان کرد: هدف اصلی خلقت، چهارده معصوم بود و جز معصومین، مابقی همه اهداف فرعی هستند.

وی گفت: ثواب های بهشتی از اثر عمل اختیاری انسان حاصل می شود، خداوند هرگز به عبادت ما نیاز ندارد و اگر همه انسان ها از ابتدا تا انتها همه کافر شوند خداوند ذره ای ضرر نخواهد کرد.

مصباح یزدی خاطرنشان کرد: اگر در آیات، روایات و خطبه حضرت زهرا (س) تامل کنیم خداوند برای هر کاری اهدافی را مشخص کرده است.

وی افزود: در خطبه حضرت زهرا (س) آمده است خداوند نه در اصل ایجاد و نه در تکمیل نیازی به خلقت نداشت و هدف از خلقت تنها فایده رساندن به مخلوقات بود و باید این مسائل را خیلی جدی بگیریم.

منصور

جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:29 PM

جناب رضا سلام بر شما

درست فرموده اید .

این ترجمه فولادوند بود که من هم به آن اشکال دارم.

استاد ضمن سلام

لینک ارسالی جناب عباس را با این فیل ترشکن باز کنید.

http://www.findrocket.info/index.php?e=unique_mismatch&p=YToxOntpOjA7YjowO30=

حاجی زاده
جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:38 PM

آقای منصور

مطلبی که شما در باب شعر از استاد نقل فرمودید، از نظر ایشان در دو مقوله زبان و موسیقی هم صدق می کند، بدین شرح که با حرکت از شرق به غرب ساختار زبان ساده تر، ولی موسیقی در همین خط سیر پیچیده تر میشود! و باز ایران در نقطه بینابینی قرار دارد.

عرفان
جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 6:10 PM

با سلام و خسته نباشید به شما استاد گرامی

استاد در مطالبی که بالا آمده و مسئله ی ارتباط بیستون به هخامنشیان. آیا می توان گفت که در بیستون اول کتیبه های ایلامی و بابلی وجود داشته و بعدا کتیبه میخی داریوشی مثلا 70 یا 80 سال پیش به آن اضافه شده است!؟

پاسخ:

آقای عرفان. شما هم اندکی تامل کنید.

جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 7:26 PM

استاد در قلم 1 منظور از ((اقلاب قالبی)) قدیم بین النهرین برای نوشتن روی پوست وخشت چیست؟

پاسخ:

چنان که تصاویر تایید می کند، یک گمانه این است که کاتبان ایلامی و یا بابلی برای هر نوع میخ یک ماتریس فلزی آماده داشته اند که با فرو بردن در گل نقش آن را در کلمه بر می داشته اند. به گمانم یک جای این اقلاب قالبی اشکال دارد چرا که به یاد ندارم چنین ترکیبی به کار برده باشم.

جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:33 PM

خطای تایپی بود ببخشید .

حاجی زاده
جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:57 PM

آقای محمدی آیه زیر برای پاسخ به چنین مشرکینی کفایت میکند:

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ لاَ يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ*أَمْواتٌ غَيْرُ أَحْيَاء وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ *

و کسانی غیر خدائی را می خوانند که نمی توانند خلق کنند و خودشان نیز مخلوقند، آنها مرده اند و از حیات بی بهره، حس و شعوری ندارند و حتی نمی دانند کی مبعوث می شوند. (۲۰/۲۱نحل)

طالب الحق(قیس طایی)

شنبه 6 شهریور ماه سال 1389 ساعت 05:01 AM

بنیاداندیشان عزیز سلام علیکم

ترجمه قلم 1 به عربی

همانطور که قول دادم .وان شاء الله در اسرع وقت بقیه قلمها

تحیاتی إلی الأخ محمد رضا نیسی

arabic-naria.blogsky.com

http://arabhayeiran.blogfa.com

پاسخ:

آقای طالب الحق. شکرا جزیلا

محمدرضا نیسی
یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:09 PM

سلام‌علیکم

جزیل الشکر إلیک یا أخی الکریم "طالب الحق"

علی ترجمه المبحث الستراتیجی "القلم" و بث آثار استاذ العزیز و سوف نستفید من مطالبکم و آرائکم فی المدونه

(haghvasabr2.vatanblog.com)

خاکی
چهارشنبه 8 دی ماه سال 1389 ساعت 7:18 PM

روان همگی شاد

<< 1 2

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

ایران شناسی 279

ایران شناسی بدون دروغ ۲۷۹، نتیجه۸۷، شعور تاریخی پیشین

عابدی
شنبه 6 شهریور ماه سال 1389 ساعت 1:15 PM

سلام استاد. خسته نباشید.

طالب الحق
شنبه 6 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:30 PM

احسنت!!!

طالب الحق
شنبه 6 شهریور ماه سال 1389 ساعت 7:07 PM

ترجمة مقالة قلم 1 للعربیة

تجدوها فی مدونة arabic-narya.blogsky.com

هخامنش
شنبه 6 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:55 PM

با سلام خدمت نابغه بزرگ جهان

ایمیل زیر از دوستی بدستم رسید خواستم مشاهده کنید به اضافه جوابیه خودم:

عنوان:کوه پردیس: جدیدترین تحقیقات

متن:حتما" بخونید:

از جمله خواص این کوه خاصیت خارق العاده این کوه درکمک به درمان مبتلایان به ایدز می باشد . به خاطر نزدیکی این کوه به خورشید امکان رشد و نمو ویروس های بیماری زا از جمله ویروس HIV در این کوه صفر می باشد. پزشکان متخصص بریتانیایی در موسسه Imperial Medical College در شهر لندن اخیرا در مقاله ای در روزنامه تایمز ضمن بر شمردن این خاصیت از سازمان ملل درخواست نموده اندتا نام این کوه را به Mountain ANTI-HIV تغییر دهند.

ضمنا دکتر Tim Hopkins رییس موسسه فوق و دارنده مدرک فوق تخصص در رشته ایمونولوژی و ویروس شناسی درخواست ایجاد شهرکهای درمانی برای مبتلایان به ایدز در این منطقه نموده است. وی معتقد است با اسکان مبتلایان به ایدزدر این منطقه پس از حداکثر مدت 18 ماه هیچ نشانه ای از بیماری در این مبتلایان دیده نشود.

از دیگر خواص درمانی این کوه که زبانزد همه متخصصین mountain trapi (کوه درمانی)است . خواص مغناطیسی این کوه باعث تخریب سلولهای سرطانی شده و به همین دلیل متخصصین بسیاری بیماران سرطانی را به کوهنوردی دراین کوه توصیه می‌نمایند. مدیکال کالج ایالت ایداهو آمریکا نیز طی تحقیقی خواص درمانی این کوه را تایید نموده است.

دوستان نیز اگر خواص جاماندها ی از کوه به خاطر دارند اضافه نمایند تا ایرانمان را بیشتر بشناسیم

ایران را بیشتر بشناسیم

کوه پردیس: نزدیک ترین نقطه زمین به خورشید

نام این کوه باستانی پردیس است در حومه شهرستان جم از توابع عسلویه استان بوشهر و در نیمه های راه بندر کنگان به فیروز آباد شیراز قرار دارد .

نکات قابل توجهی که در این کوه باستانی وجود دارد :

1. قله این کوه نزدیک ترین نقطه زمین به خورشید است چون بالاترین ارتفاع در نزدیکی خط استواست .

2. آتشکده فوق العاده باستانی که در قله کوه قرار دارد ، محل تولد و غسل تعمید پدر جمشید جم است .

3. مغناطیس فوق العاده قوی کوه در جهان زبانزد است و اگر در فاصله 50 تا 100 متری کوه یعنی تقریبا انتهایی ترین نقطه مشخص اسفالت با ماشین توقف کنی و ترمز دستی را بخوابانید ، ماشین بجای سر پائینی به نرمی به سمت کوه کشیده می شود که البته همین مغناطیس برای رانندگان نا آشنا بسیار دردسر ساز بوده و تا کنون تعداد زیادی از خودروها بی اختیار با کوه تصادف کرده اند .

4. پوشش گیاهی منطقه نوعی خار بیابانی گرمسیری منحصر به فرد است که خواص دارویی فراوان دارد و عسل حاصله از منطقه تماما" پیشخرید چند کارخانه داروسازی بزرگ جهان است یکی از ترکیبات اصلی مسکن Advil که یکی از بهترین قرصهای شناخته شده برای ناراحتی های اعصاب و دردهای میگرنی است از همین عسل تهیه می شود .

5. این منطقه خرمای ویژه نیز تولید می کند که به نام خرمای خصه معروف است و کاملا در شیره خود غرق می شود یعنی یک کاسه آن ظرف سه ساعت پر از شیره می شود و اندازه این خرما اندازه آلبالو بود و به جهت همان خواص دارویی منطقه تماما" برای ساخت قندهای رژیمی برای بیماران دیابتی صادر می شود، نکته جالب دیگر رویش درخت زیتون در دامنه شمالی کوه حد فاصل شهرستان جم تا روستاهای چاهه و دره پلنگی می باشد که در آب و هوای آن منطقه بسیار بعید می نمود .

فعلا" سندی برای قدمت چاهه و دره پلنگی وجود ندارد ولی علائم مشهودی از غار نشینی مشاهده ، و فسیل های مختلفی در این منطقه به وفور پیدا شده است .

6. در لایه های زیرین این کوه معدن عظیمی از آب خنک و فوق العاده سالم وجود دارد ، آن هم در اطراف عسلویه !

مردم چاهه و جم ، کوه پردیس را فوق العاده مقدس و محترم می شمارند ، و به استناد علائم موجود در آتشکده احتمالا یکی از اولین مکانهایی بوده که نفت در آن سوزانده شده است .

با افتتاح جاده فیروز آباد به عسلویه توسط پتروشیمی ، رفتن به این منطقه خیلی میسر تر و راحت تر شده است . پتروشیمی با تاسیس سه شهرک بزرگ در این منطقه اقدام به تاسیس فرودگاه جم نموده و چهارشنبه هر هفته یک پرواز به مقصد جم انجام می شود که امکان بسیار خوبی برای سفر به این منطقه اعجاب انگیز است

جوابیه اینجانب:سلام چرندیات زیر را باور نکنید مهندس جان لطفا این جواب را به دوستان خود ارسال کنید تا جوابیه ای باشد بر جدیدترین تحمیقات (تحقیقات) : .

این چرندیات جهت احمق کردن حمالهایی است که بروند انجا و

توی عسلویه حمالی کنند البته این به درد معتادهای ایدزی میخوره .. ...

این چرندیات توسط احمقهایی ساخته می شود که بابت انها پول می گیرند و به خورد احمقترها داده می شود که بدون پول انها را بلغور کنند.

حال دلایل علمی:1- عسلویه درسته که بسیار گرم است اما در منطقه معتدل شمالی واقع است. اصلا گرمای محیط ربطی به نزدیکی به خط استوا ندارد گرمای محیط بیشتر به نوع پوسته زمین و فشار جو (نزدیکی به دریا - که باعث خود گرمایش می شود دو سنگ مختلف را در زیر افتاب قرار دهید مشاهده می کنید که یکی از دیگری خیلی گرمتراست. بر

این اساس جنوب ایران (حاشیه خلیج فارس) یکی از گرمترین مناطق دنیاست

cayambe Volcan بلندترین نقطه ای که بر روی خط استوا قراردارد کوهی است بنام درکشور اکوادور با ارتفاع حداکثر 5790 متر و قله ازاین رشته کوه روی نقطه صفر   استوا با ارتفاع 4690 متر. همچنین کوههای کشور تانزانیا مانند کلیمانجارو با

ارتفاعی 5895 متر بسیار به استوا نزدیکند. همچنین ارتفاعات پرو- بولیوی- کنیا و یمن

دلیل بعدی:

: خط استوا در تمام سال به خورشید نزدیک نیست فقط در اول مهرماه و اول فروردین خط استوا نسبت به سایر نقاط به خورشید نزدیکتر است محور زمین (محور چرخش به دور خود) بر صفحه مداری(مدار زمین به دور خورشید) عمود نیست بلکه زاویه 23 درجه می سازد این کجی محور زمین باعث بوجود امدن فصلها می شود و روزهها در تابستان در نیمکره شمالی بلندتر (یعنی این نیمکره به قول شما به خورشید نزدیکتر) و شبه کوتاهتر شوند. دلیل اخر:

در کشورهای فوق ایدز شایع تر است بخصوص تانزانیا و کنیا و ..

فتح
یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:48 AM

گروه اسرائیلی در ویکی‌پدیا فعال می‌شود

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2010/08/100828_an_wikipedia_israel_zionism.shtml

با این حساب اگر میشد چیزی را از ویکی پدیا قبول کرد منبعد خدا حافظ
فتح
یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:17 AM

آقای پورپیرار بنا به توصیه شما امروز (شنبه) تفاوت یهودی ها و مسلمانان را در رابطه با دلیل خواستن یهودی ها از خدا پرسیدم خاخام اعظم مله نفتالی (نفتالین) گفت بد جوری بند رو آب دادی. تا پورپیرار چی بگه.
یکی از ساکنین جم

یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 05:27 AM

جناب آقای هخامنش

اینجانب شما را کاملا می شناسم و خودت نیز می دانی.اقای مهندس من هم مانند شما ساکن جم هستم .ونمی خواهم نام واقعی شما را که دراین سایت نیز با نام دیگر نظر هم میدهی اعلام کنم .درمورد این چرندیات باید بگویم که تنها می توان به مغناطیس بودن کوه اشاره کرد که یکبار از طریق روابط عمومی یک مقاله ایمیل شد.ودرآن هم نیز هیچ صحبتی از ترمز دستی را بکشید....نبود.

بقیه این چرندیات را شما از کجا درآورده اید خدا می داند.

جالب است یه مشت چرندیات بیان می فرمایید که هیچ کس از اهالی مردم این منطقه قبول ندارند و بعد شروع میکنی به آوردن دلایلی علمی مبنی بر رد آن.

جناب آقای... بیا یه لطفی بفرما و بگو که سندیت این چرندیات چیست.

abbas

یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 08:07 AM

http://www.iranembassy.org.za/E/Media/Arcitecture.htm

khalil

یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:29 AM



سلام استاد

استاد من تازگی ها فیلمی از دکتر م.ا.ن کشورمان دیدم که اگر با چشمان خودم آن را نمی دیدم باور نمی کردم.ایشان در میان سخنرانیشان گفتند که انگلستان جزیره ای کوچک در غرب آفریقا می باشد!!!! و حتی در مجلس با خنده و شوخیهای چندش آور صحبتها و مثلهای رکیکی بر دشمنان کشورمان به کار می برد که به نظر بنده این حرف ها برای یک رئیس جمهور بعید است.

حاجی زاده

یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:36 PM

سلام

آقای منصور

طبق روایتهای قرآن ما شاهد ارفاقهای عجیبی از جانب خداوند در برابر قوم بنی اسرائیل هستیم آنچنانکه گویا خداوند هنوز کاملا از این قوم مایوس نگشته است!!؟

برای کشف سرگذشت این قوم، بهترین منبع تحقیق همانا قرآن است، خارج از آن، این قوم به سبب امکانات و اختیاراتی که در جهان از آن بهره مندند، حقیقت تاریخ خود را با مشتی داستان و نمایشات معکوس و متفاوت و دروغین کتمان کرده اند.

باری ما شاهدیم که در قرآن قوم بنی اسرائیل به اسم مورد خطاب مستقیم خداوند قرار گرفته اند، نتیجه حاصله بدین قرار است که قوم مذکور لااقل از زمان موسی(ع) تا حضرت محمد، نابود یا در میان سایر اقوام مستحیل نشده اند، پس بعید نیست اگر ادعا کنیم که اینان قادر بوده اند در طول چهارده قرن اخیر نیز خلوص نژاد و نسل خودشان را حفظ نمایند و با زیرکی، هوشیاری، حقه بازی و متدهای خاص خودشان چون در دست گرفتن اقتصاد، حکومت، ازدواجهای درون خاندان و...قوم خود را از تضعیف و استحاله و امحا مصون نگه داشته اند.

سئوال این است که حکایت حقیقی سرنوشت آنان چیست و آنان اکنون کجا هستند؟

طبق روایت قرآن این قوم بعد از غرق شدن فرعون و آلش در دریا، جانشین مکنت و ثروت فراعنه می شوند،(این مطلب به شیوایی در این مقاله تبیین شده است: http://bazkhani.blogfa.com/post-13.aspx) با در نظر گرفتن خصیصه قدرت طلبی و افزون خواهی فطری اینان، به احتمال بسیار سیستم حکومتی فراعنه را ادامه داده اند. چنانکه همچنان نیز این سیستم طاغوتی تداوم یافته و بر جهان حاکم است، نشانه های این قوم در جای جای جهان و در همه حوزه ها قابل رویت و پیگیری است. شاید این همان فضلی است که خداوند در قرآن بدان اشاره میکند.

حاجی زاده

یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:26 PM


آقای خلیل

احتمالا این نتیجه عملکرد بدون رجوع به مغز است، احتمالا آقای دکتر مغزشان را با خودشان به همراه نبرده بودند! البته لازم به یادآوری است که مغزمتفکر ایشان یک موجود زنده به نام *ا.ر.م* می باشد!

یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:48 PM


با سلام

دوستان عزیز با توجه به آیات قرآن ما در طول شبانه روز چند نوبت صلاه داریم ؟!

ممنون

پاسخ:

سری به ترمینال جنوب بزنید، زحمت بکشید و سئوال تان را از دفاتر مربوطه در قم بپرسید. اگر جواب را در بازگشت به اطلاع دوستان دیگر هم برسانید، بسیار ممنون خواهیم شد.

محمدرضا نیسی

یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:12 PM


سلام علیکم

جزیل الشکر إلیکم أخی الکریم "طالب الحق"

علی ترجمه المبحث الستراتیجی"القلم" و بث آثار أستاذ العزیز و سوف نستفید من مطالبکم و آرائکم فی المدونه

(haghvasabr2.vatanblog.com)

محمدرضا نیسی

یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:14 PM


سلام علیکم

در لینکهای زیر بخش‌های از آثار تاریخی یمن را می‌توانید مشاهده کنید که به شکل برنامه‌ریزی شده‌ای بدان پرداخته نمی‌شود.

قصر ملکه أروی معروف به "دار العز" که در قرن 5 هجری بر اعراب فرمانروایی می‌کرد:

http://www.aldwly.com/vb/t28767.html

مجموعه تصاویری از آثار تاریخی یمن:

http://www.t1111t.com/vb/showthread.php?p=1603681

http://forum.a7lashe.com/-f61--t64569.html

http://www.esgmarkets.com/forum/showthread.php?p=1050037666

خبر مربوط به کشف معبد أوام:

http://pusan.mihanblog.com/post/40

آثار باستانی دار الحجر:

http://www.aleqt.com/2009/12/03/article_310480.html

http://img529.imageshack.us/img529/2082/16ug9.jpg

http://farm1.static.flickr.com/123/375687747_96019368b1_o.jpg

http://www.aleqt.com/a/310480_70392.jpg

و در آخر فیلمی درباره ملکه بلقیس:

http://video.google.com/videoplay?docid=5317707557163971277

طالب الحق

یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:30 PM

آقای طالب حق . وبلاگ مورد نظر باز نشد. لطفا آدرس صحیح اش را دوباره باز کنید. ممنون

مهدی - مهدی

یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:59 PM

تورات فارسی ترجمه سال ۱۸۳۷

"کتاب پیمان تازه خداوند و رهاننده ما عیسی مسیح که از لسان اصلی یونانی بفارسی ترجمه گروه افضل الفضلا المسیحیه هنری مارتن کشیس انگلیسی ایست"

در نه بخش:

http://www.archive.org/details/1837FarsiIranianPersianPerseNewNouveauTestamentIranMartyn01

http://www.archive.org/details/1837FarsiIranianPersianPerseNewNouveauTestamentIranMartyn02

http://www.archive.org/details/1837FarsiIranianPersianPerseNewNouveauTestamentIranMartyn03

http://www.archive.org/details/1837FarsiIranianPersianPerseNewNouveauTestamentIranMartyn04

http://www.archive.org/details/1837FarsiIranianPersianPerseNewNouveauTestamentIranMartyn05

http://www.archive.org/details/1837FarsiIranianPersianPerseNewNouveauTestamentIranMartyn06

http://www.archive.org/details/1837FarsiIranianPersianPerseNewNouveauTestamentIranMartyn07

http://www.archive.org/details/1837FarsiIranianPersianPerseNewNouveauTestamentIranMartyn08

http://www.archive.org/details/1837FarsiIranianPersianPerseNewNouveauTestamentIranMartyn09

تورات ترکی ترجمه سال 1857

"کتاب الانجیل الشریف" [به دلیل نامعلومی صفحه عنوان را با چسباندن تکه کاغذی عوض کرده اند]

در یازده بخش:

http://www.archive.org/details/1857TurkishTurcTurkeiTurqueNouveauNewTestamentIncilInjilKitabi

http://www.archive.org/details/1857TurkishTurcTurkeiTurqueNouveauNewTestamentIncilInjilKitabi_321

http://www.archive.org/details/1857TurkishTurcTurkeiTurqueNouveauNewTestamentIncilInjilKitabi_362

http://www.archive.org/details/1857TurkishTurcTurkeiTurqueNouveauNewTestamentIncilInjilKitabi_349

http://www.archive.org/details/1857TurkishTurcTurkeiTurqueNouveauNewTestamentIncilInjilKitabi_411

http://www.archive.org/details/1857TurkishTurcTurkeiTurqueNouveauNewTestamentIncilInjilKitabi_761

http://www.archive.org/details/1857TurkishTurcTurkeiTurqueNouveauNewTestamentIncilInjilKitabi_449

http://www.archive.org/details/1857TurkishTurcTurkeiTurqueNouveauNewTestamentIncilInjilKitabi_454

http://www.archive.org/details/1857TurkishTurcTurkeiTurqueNouveauNewTestamentIncilInjilKitabi_60

http://www.archive.org/details/1857TurkishTurcTurkeiTurqueNouveauNewTestamentIncilInjilKitabi_607

http://www.archive.org/details/1857TurkishTurcTurkeiTurqueNouveauNewTestamentIncilInjilKitabi_850

در صورتی که سرعت اینترنت شما پایین است از لینک Read Online زیر تصویر کتاب استفاده کنید که نمایش مناسبی از کتاب را حتی در سرعت کم فراهم می کند.

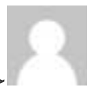
پاسخ:

آقای مهدی - مهدی. ارسال یک لینک در مورد تاریخچه تولید کتاب و قلم را هم وعده داده بودید. ضمنا تاریخ گذاری بر این دو سند چندان مستحکم نیست و در عین حال توسل افراطی به لغات عربی و فارسی پایه در این انجیل و تورات ترکی نسبتا قدیم تر همچنان برقرار است.

موفق باشید.

مهدی - مهدی

یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:06 PM



خلاصه تاریخ باستان ایران سال 1799

استخراج شده و ترجمه شده از کتاب تاریخ جهان آرا به همراه متن فارسی

[تصویر تخت جمشید در صفحه اول کتاب جالب است که در دور دست آن ستونی که بر روی آن لانه لک لک به همراه خود لک لک نمایان است، دیده می شود]

صفحه اطلاعات و متن کامل کتاب:

http://www.archive.org/details/epitomeofancient00ahma

پاسخ:

آقای مهدی - مهدی. آن کتاب برای ترجمه هنوز آزاد است. ضمنا همین متن اوزلی با وجود صفحات کم ان حاوی اطلاعات دست اولی است که آبروی جاعلین را بر باد می دهد. آن تک ستون و لانه لک لک هم که از عبادتگاه یونانیان در قسمت جنوبی تخت جمشید به جا مانده، در نقاشی های دیگری هم ثبت است.

یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 6:46 PM

قابل توجه اهالی محترم جم و توابع مشفیه

این داستان مزخرف مغناطیس و کوه جم و قس علی هذا

مدتهاست که در ایمیل ها و وب فارسی در ورژنهای مختلف پخش شده و به یقین هر کس که عضو گروههای خبری باشد نسخه ای از آن را دریافت نموده. این دوست مهندس ما نیز یکی از ایمیلهای دریافتی شان را به عنوان مرجع نقد قرار داده پس انتقادی به ایشان وارد نیست اگر در جواب آنها دست به کیبورد شده اند.

برادران روابط خصوصی نیز به جای کلفت کردن رگ گردن بهتر است که در پاسخ به چرندیات امثال خبرگزاری میراث یهود در اشاعه دروغ و فریب - به خرج جیب بیت الحال - دست به قلم ببرند.

id=30919&http://www.chn.ir/news/?section=1

والسلام علی من اتبع الهدی و رفض الشیطان

http://www.chn.ir/news/?section=1&id=30919

حکیمی

یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 6:58 PM

خلیل خان بد نیست این فیلم را آپلود کنی ما هم استفاده کنیم.

طالب الحق

یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:26 PM

/http://arabic-naria.blogsky.com

جناب استاد پورپیرار

سلام علیکم

در هنگام قرائت قرآن همیشه سؤالی برایم پیش می آمد که چرا خداوند متعال در داستان گذر قوم یهود از رود نیل همیشه میفرمودند که :ما شما را از بحر گذرانیدیم یا شمارا از یم گذرانیدیم یا او را_حضرت موسی- را در یم بینداز ، سؤالم را برایتان فرستادم که برادر محمد اوجال اولوتورک هم فرمودند چنین سؤالی برایشان پیش آمده، من هم به بیشتر فرهنگ لغت های عربی رجوع کردم و معنای یم را همان دریا یافتم و ابن منظور در لسان العرب گفته که با اینکه یم به معنای دریاست ولی مفسرین آن را رود نیل میدانند، ولی حال با رجوع به سایت های مربوطه موضوع جدیدی یافتم وآن اینکه که اصلا فراعنه سازنده اهرام مصر نیستند ، بلکه قوم عاد آن را بنا کرده اند

 که در این سایتها دلایل مفصلی آوردند که یکیشان این است که صحرای احقاف در یمن نیست ودر مصر است { وَاذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ } الأحقاف : 21وقوم عاد عمالقه بودن{ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنقَعِرٍ }: { كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ }وعاد اهرام مصر راساختند که میشود اینها را در قرآن یافت که خداوند فرموده سازندگان آنها قوی هیکلان عمالقه ای بودند که طول هرکدامشان به اندازه نخل بوده که حمل این سنگ های چند تنی اهرام را که از داستان مریخی ها وسحر وورود آتلانتیکیان به مصر وغیره که همه دروغ های گزافی هستندخارج کنیم

لازمه حملشان فقط همین نخل صفت ها میباشد
قوم عاد از بزرگترین تمدنهای روی زمین بود تا آنجا که خدا میفرماید { فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِی الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِی خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ } فصلت : 15 ودیگر اینکه بعد از عذابشان فقط خانه هایشان ماندن که قصد خدا عبرت بود تا آنجا که خدا به مسلمانان میگفت که خانه هایشان را میبینید {وَعَاداً وَثَمُودَ وَقَد تَّبَيَّنَ لَكُم مِّن مَّسَاكِنِهِمْ } الله { أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِی الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَاراً فِی الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ }غافر : 82 ولی خداوند قادر فقط با یک باد آنها را هلاک کرد وخانهایشان را بر جای گذاشت{ وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بريح صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ } الحاقة : 6 ولی باز انسانها در آن مساکن عاد وهود سکنی گزیدند { وَسَكَنتُمْ فِی مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُواْ أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الأَمْثَالَ } إبراهیم : 45 ودیگر اینکه دو تاسه قبر از این عظیم الجثه ها در مصر یافت شد که بعثه های جعل سازی یونسکو وناپلئون وآن همسر یهودیش وبریتانیا خبر آن را کتمان کردند واصرار میورزیدند که یهود اهرام را ساختند و بر مظلوم نمایی هولاکوستیشون وانتساب به مصر و ورود به مصر در زمان نبی یوسف و انتساب ابراهیم نبی و فرزندانش را به خود اصرارمیورزن والآن که در کشورهای اسلامی تکاپوی ضعیفی بر علیه این امر با استناد به اینکه جثه های یهودیان نسبت به سنگ های عظیم الجثه اهرام کوچک هستند بعضی عالمان یهود Michel Barsoum ومانند Joseph Davidovits رئیس آزمایشگاه Geopolymer نظریه جدیدی را به بازار جعلیات تاریخی روتشلدی آورد که این اهرام عظیم الجثه مصر که طول بزرگترینشان 145 متر است را یهودیان با گلی که از نوعی مواد مخصوص اضافه شده به خاک مصر وآب نیل قالب گرفتند وساختند تا بر آن جملات تورات زمینیشان که در آن آمده وشما در آنجا خانه های گلی میساختید صحه بگذارند ، آری یهود اصرار میکند ساخت این آثار بسیار قدیمی ده ها هزار ساله را به اجداد 4000 سال پیششان نسبت دهند وعجیب اینکه آن فرعونیان سازنده های اهرام خود در قصرهای گلی زندگی میکردن ، حال فلسفه این چیست که یهود میخواهند خود را به مصر نسبت دهند در صورتی که در زمان حضرت موسی وارد مصر شدن { وإذ قال قومه یا موسی لن نصبر علی طعام واحد ،فأدع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها وقثائها وفومها وعدسها وبصلها ، قال اتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هوخیر، فاهبطوا مصرا فلکم ما سئلتم } که چون پیامرانشان را میکشتند وبه آیات خدا کفر میورزیدند خدا بر آنها غضبناک شد { وباءوا بغضب من الله ذلک بانهم کانوا یکفرون بآیات الله ویقتلون النبیین بغیر حق ،ذلک بما عصوا وکانوا یعتدون } به این دلائل خدار ا خشمگین کردن وبعد از این آیه آمده که خدا آنها را از فرعونیانی که بچه هایشان را میکشتند و به زنانشان دست درازی میکردن را نجات داد وآنها را از دریا گذراند ولی در این آیه آمده {وإذ أنجیناکم من آل فرعون } ونفرمودند :] {ثم أنجیناکم من آل فرعون} یا {فأنجینام من آل فرعون } که نشان دهد بعد از ورود به مصر فرعونیان با آنها چنین کردند
که همانا خدا فضل ورحمتش وکفر آنها را در زمانهای مختلف وجاهای مختلف به یادشان میآورد
ودیگر اینکه عرب برای سلیس بودن لغتش همزه ثقیله ی اول بیشتر کلمات را برمیداشت وبه ها مبدل میساخت که هرم به معنای بزرگ همان إرم قرآن است

{ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ / إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ / الَّتِی لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِی الْبِلَادِ } الفجر : 6-7-8
{ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ } = ألم تر کیف عاقب الله قوم عاد
{ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ } = بناة الأهرام ذات القمم العالیة المدببة
{ الَّتِی لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِی الْبِلَادِ } = التی لا یوجد لها مثیل فی العالم کله
وخیلی دلائل دیگر
حال سؤال من اینست که اولا نظر شما چیست واگر این امر درست است چرا یهودیان میخواهند خودرا به مصر انتساب دهند
آیا با انتساب به مصر میشود تسمیة شعب الله المختار میگیرند

http://http://arabic-naria.blogsky.com/

یکشنبه 7 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:53 PM

سلام

استاد حداقل ما را به جاهایی حواله دهید که حداقل قرآن را یک بار که شده در زندگیشان خوانده باشند و با این کتاب آسمانی آشنا باشند !

abbas

دوشنبه 8 شهریور ماه سال 1389 ساعت 00:43 AM

http://inventors.about.com/library/inventors/blpen.htm

مسعود سنجری

دوشنبه 8 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:35 AM

برادر گرامی آیدین قشقایی عزیز

سلام علیکم

درباره موضوعی که فرموده بودید هر چه بیشتر جستجو کردم کمتر نتیجه گرفتم لذا پیشنهاد می کنم صرفنظر از هر خودآموزی که انتخاب خواهید کرد اولویت را به استفاده از رادیو بدهید تا با سرعت بیشتری به حد مطلوب خود دست پیدا کنید.

برادر عزیز آقای عابدی

لطفا ای میل خود را اعلام کنید تا فایل های نسخه عربی مقالات اسلام وشمشیر را برایتان ارسال کنم.

والسلام علیکم

فی امان الله

reza

دوشنبه 8 شهریور ماه سال 1389 ساعت 09:45 AM

برادر بزرگوار طالب الحق

پیش از هر چیز از شما اجازه میخواهم که به نوبه خودم از زحمات و تلاش شما و نیز دیگر بزرگواران این عرصه همچون جناب سنجری و سلامات و همه دوستانی که در ترجمه و اشاعه مکتب بنیان اندیشی قدمی بر میدارند تشکر نمایم.

چند نکته که به نظر من رعایت آنها موجب ارتباط بهتر خواننده عرب زبان با تحقیقات دامنه دار استاد خواهد شد را در اینجا عنوان مینمایم هر چند که فکر کنم شما نیز در این باره بررسی هایی نموده اید.

۱- از آنجا که این نوشته ها ترجمه ای از متن فارسی است بهتر است در هر جا که لازم باشد به صورت پاورقی از قول مترجم ٌ اطلاعات تکمیلی به خواننده داده شود.

مثال ۱:

فی النقوش الجداریة فی تل برسیب إنعکس الفن الأخمینی من کل الجهات والزوایا   فسنواجه ف........

کمیّات الغنائم والمناهب الحربیة.

((هایده ماری کخ ، از زبان داریوش ،ص 5))

ناصر بوربیرار- القلم 1

/http://arabic-naria.blogsky.com/1389/06/06/post-1

در اینجا بهتر است که به خواننده عرب که به احتمال قوی آشنایی قبلی از موضوعات تاریخی ایران ندارد اشاره گردد که این متن از ترجمه فارسی کتابی است به این عنوان در زمینه ...

.Es kündet Dareios der König... Vom Leben im persischen Großreich

(Author)   Heidemarie Koch

http://www.amazon.com/k%C3%BCndet-Dareios-K%C3%B6nig-persischen-sr=1-4&qid=1283144151&ie=UTF8&Gro%C3%9Freich/dp/3805319347/ref=sr_1_4?s=books

مثال۲ :

وهذه قراطیس مصریة وإسلامیة مسجلة فی ((بابیروس ها)) لجفری خان الذی سجل ثلاثمائة منها فی کتابه . فلا تشابه أی واحدة منها الأخری فی الخطّ والأسلوب ولا حتّی فی الأقلام أی الأدوات المستعملة آنذاک.

همان

بالطبع بدون کمک مترجم خواننده از عنوان (بابیروس ها) کمترین برداشتی نخواهد داشت و چه بهترست که اینجا نیز مترجم با یک پاورقی یا حتی در میان نوشته توضیح لازم و کافی را با ارائه منبع جهت مراجعه خواننده ارائه نماید.

مثال۳:

در جایی که عکسی از یک دستنوشته به زبان فارسی است به خواننده این اطلاع داده شود که متن به زبان فارسی است و ...

عابدی

دوشنبه 8 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:48 PM

سلام. آقای سنجری ضمن تشکر ای میل من :

mohseyn_abedy@yahoo.com

است.

پاسخ:

آقای عابدی. سایت با هیچ فیلتر شکنی باز نمی شود.

تلمیذ

دوشنبه 8 شهریور ماه سال 1389 ساعت 1:14 PM

با سلام خدمت استاد پورپیرار کبیر

1- اگر قرار باشد که خانه ساختن در کوه ها را غار نشینی بدانیم پس مردم روستای کندوان آذربایجان هم اکنون غار نشین و بدوی هستند حال آنکه ده ها دکتر و مهندس از همان خانه های سنگی بیرون آمده است.بعلاوه کاخهایی که در اردن و سایر کشورها از صخره ها خانه می ساخته اند با آنهمه مهندسی و محاسبات پیچیده را آیا غارنشینها ساخته اند؟!

2- همیشه برایم سوال بوده که اگر انسانهای اولیه توانسته اند گندم وسایر غلات را به اصطلاح اهلی کنند وکشت کنند پس چرا گونه های وحشی این غلات را در هیچ کجای جهان نداریم، حتی درختان میوه مانند سیب و غیره؟!کسی جوابی دارد؟!آیا این گونه ها همانکونه که اکنون در اختیار داریم در اختیار انسان قرا نگرفته است؟!و یا چرا انسان نتوانسته است بجز حیوانات اهلی که در اختیار دارد هیچ حیوان دیگری را اهلی کند؟!

تلمیذ

دوشنبه 8 شهریور ماه سال 1389 ساعت 1:18 PM

در قرآن کریم می فرماید که ذوالقرنین به آن قوم دستور داده است تا بر روی آهن مذاب مس مذاب بریزند!چرا چون پوشش مس مانع از زنگ زدن و متلاشی شدن آهن می شد.

طالب الحق

دوشنبه 8 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:10 PM

استاد مثل اینکه سؤال من رو قابل ندونستید ، حتما خیلی سوال نابجایی بود بذاریدش به پای سن کمم همش 22 سالمه

طالب الحق

دوشنبه 8 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:29 PM

السید محمدرضا نیسی

أخی العزیز

سرعان ما نفذت ماطلبته متّی

ولکنّی أخذت المقال من مدونتک وللأمانة نشرت عنوان المدونة فی أول مقال بعد أن أشکرتکم ،

فی أی حال أتشکر منک لزیارتک لمدونتک ناریا العربیة و شکرا لبشارتک بطبع الکتاب بالعربیة ولکن سمعت أن إحدی الأخوات (السیدة نیسی) قامت بطبعه وأرجوک أن تزیدنی بأخبار حول الترجمات

سایه

دوشنبه 8 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:17 PM

با سلام

از دوستان عرب زبانی که تسلط کافی به زبان عربی دارند خواهشمندم در صورت امکان وبلاگی راه انداخته و به آموزش زبان عرب به غیر

عرب زبانان بپردازند تا ما هر چه بیشتر با این زبان منتخب الهی آشنا شده و قرآن قیوم را بی واسطه درک کنیم.

با تشکر

حسین ک
دوشنبه 8 شهریور ماه سال 1389 ساعت 7:34 PM

باسلام خدمت استاد بزرگوار

مستند زخم نشر به دستم رسید و آن را چندین بار دیدم خیلی نگران کننده بود؛ نه از جهت آنکه آنوسیهای جهود بر مقدارات و مراکز فرهنگی یک کشور اسلامی تسلط تام دارند و آمروزه تمام قد قدرت نمایی می کنند و نه حتی از آن جهت که موجب انحراف و شکاف عظیمی در پیکره اسلامی شده اند و کار بیداری امت اسلامی را به تاخیر کشانده اند و موجب به قهقرا رفتن مسلمانان گردیده اند بلکه نگران کننده بود بخاطر آنکه می بینم استاد عزیزمان روز به روز و به سرعت نگران کننده ای شکسته تر و جسم ایشان بیمار گونه تر می نمایاند

ما را با این مستند مجبور کردید زود تر به خدمت برسیم

ان شاء الله

پاسخ:

آقای حسین ک. از دیدارتان خرسند خواهم شد. ... قالوا انا لله و انا الیه راجعون...

حاجی زاده
دوشنبه 8 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:42 PM

آقای طالب الحق

احتمالا پاسخ سئوال شما در پرچم اسرائیل و در آن دو خط آبی (نماد رود نیل و فرات) باشد. مبنای تمامی تحاریف را می توان در سیاستهای فعلی یهودیان پیگیری کرد.

بختیار
سه شنبه 9 شهریور ماه سال 1389 ساعت 08:53 AM

بی انصافی میدانم هر بار که بصیرتی در من ایجاد می‌کنید سپاسگزاری نکنم

استاد ممنونم

یه دانشجو
سه شنبه 9 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:29 AM

با عرض سلام خدمت استاد کبیر و همه بنیان اندیشان عزیز و گرامی تر از مردمک چشم هایم:

رفقا من چگونه می توانم مستند با شکوه و شاهکار استاد ان پورپیرار و غفوری را بدست آورم.؟ لطفا راهنمایی ام کنید.

پاسخ:

آقای یه دانشجو. روز ۵ شنبه به تلفن ۶۶۴۹۲۰۴۹ رجوع کنید.

عادل
سه شنبه 9 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:38 AM

http://persiandc.ir/forums/printthread.php?tid=6100

تعدادی عکس قدیمی

یکی از عکسهای آخر مربوط به کمال الملک است ؟!

احسان
سه شنبه 9 شهریور ماه سال 1389 ساعت 1:01 PM

استاد محترم خسته نباشید

ملاقات مفتی و پیشوا

http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/History/muftihit.html

امین الحسینی یکی از علمای لبنان با اعلام این که یهودیان دشمن مشترک مسلمین و نازیها هستند از هیتلر می خواهد که دامنه جنگ را به خاورمیانه بکشاند.

تا نظر شما چه باشد؟

مهدی - مهدی
سه شنبه 9 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:13 PM

جناب آقای پورپیرار،

محقق نستوه، خداوند عزت شما را افزون تر کند. در مورد تاریخ نسخه های تورات فارسی و ترکی باید عرض کنم که بنظر من تاریخ نسخه فارسی صحیح به نظر می رسد ولی نسخه ترکی بشدت مخدوش است. اول اینکه صفحه اول آن وصله پینه شده است و مهمتر این که بر خلاف کتاب های دیگر این کتاب خانه که متن آنها از نسخه اصلی اسکن شده و پس زمینه متن هر صفحه با صفحه دیگر تفاوت دارد و حتی لکه ها و بعضاً چین خوردگی های صفحات و تاخوردگی های گوشه صفحات کاملاً در تصویر هر صفحه نمایان است، در تورات ترکی پس زمینه تمام صفحات یکسان است و در واقع بصورت ناشیانه ای وانمود شده است که متن کتاب از نسخه اصلی اسکن شده است در حالی که اینطور نیست.

در مورد تاریجچه تولید کتاب و قلم هم اطاعت می کنم:

برای پی بردن به سلامت مبحث قلم و نو پدیدی کالایی به نام کتاب و در کل تازگی مقوله فرهنگ، نشانه ها و دلایل پراکنده زیادی در اطراف ما وجود دارد که نگاهی باز و فکری بدور از پیش داوری، کفایت می کند. به عنوان مثال مقاله کوتاه: "تاریخچه ابزار نگارش"
http://inventors.about.com/library/weekly/aa100197.htm
که در ابتدای آن تصویر تکامل ابزار نگارش در طول تاریخ از چپ به راست نمایش داده شده است به سادگی برای یک جفت چشم سالم و عقل آسیب ندیده روایت می کند که اولین ابزار نگارش پس از قلم نقر بر سنگ، پر بوده است، پس از آن قلم نی و بعد از آن سر قلم و بعد خودنویس و بعد مداد! برای اینکه تمام افسانه های هرودوت، گزنوفون، استرابون، افلاطون، سقراط، ارسطو و دیگر همقطارانشان برباد روند، مقاله توضیح می دهد که کاغذ در سال 711 میلادی به اسپانیا رسید و قلم پر در تاریخ 700 میلادی ابداع شد و تا هزار سال ابزار رایج نگارش بود. حتی اگر تاریخ گذاری 700 میلادی را برای ابداع قلم پر بپذیریم باز هم ارشمیدس و رفقا در وان حمام غرق خواهند شد.

این مقاله بسیار فقیر هم "مواد قابل نگارش":
http://en.wikipedia.org/wiki/Writing_material
در ویکی پدیا است که مقالاتش در مورد کتاب ها و افسانه های تاریخی جهان باستان گوش عالم را کر کرده اما در اینجا که باید به مطلب بنیانی بپردازد لال شده است

و این مقاله باز هم فقیر "ابزار نگارش":

http://en.wikipedia.org/wiki/Writing_instruments

در ویکی پدیاست که ما بین قلم نگارش مصریان باستان تا قلم پر هیچ ابزار دیگری برای نمایش سراغ ندارد.

این هم صفحه است که روش ساخت قلم پر را آموزش می دهد تا کسانی که علاقه دارند امتحان کنند و ببینند این نوع قلم چه استحکامی برای نگارش دارد:

http://www.flick.com/~liralen/quills/quills.html

با این مقدمه جستجویی در میان کتاب های قدیمی انجام دادم و به نتایجی رسیدم که در نهایت نظریه بی نظیر، بنیانی و تکان دهنده قلم را تأیید می کرد:

تعداد تمام کتاب های موجود از ابتدای سال 1000 میلادی تا پایان سال 1500 میلادی (در بازه 500 سال)، اعم از نسخه های قابل قبول یا مشکوک تنها 79 عنوان است.

http://www.archive.org/search.php?query=date%3A[1000-01-01%20TO%201500-12-

sort=date&31]%20AND%20mediatype%3Atexts

در حالیکه تعداد کتاب های موجود از ابتدای سال 1500 میلادی تا پایان 1800 میلادی (300در بازه سال) 65621 عنوان است!!!

sort=date&AND mediatype%3Atexts [1800-12-31 http://www.archive.org/search.php?query=date%3A[1500-01-01 TO

قدیمی ترین نسخه انجیل که تاریخ گذاری آن قابل قبول به نظر نمی رسد متعلق به سال 1425 است:

http://www.archive.org/details/Unc_chapel_hill_Wycliffite_bible

انجیل پس از آن که در عنوانش Byble با حرف y و کلمات ، whiche، Englishe، olde،holye با حرف e اضافه در انتها آمده است و نشان می دهد که رسم الخط انگلیسی هنوز در آن زمان بشکل امروزی تثبیت نشده بود و در عین حال ظن جعل را در مورد انجیل قبلی تقویت می کند متعلق به سال 1551 است (جلد یک و دو):

http://www.archive.org/details/byblethatistosay01lond

http://www.archive.org/details/byblethatistosay02lond

قدیمی ترین تورات در مجموعه متعلق به سال 1530 است:

http://www.archive.org/details/ThePentateuch

و در نهایت قدیمی ترین کتابی که در آن از قلم و مرکب سخن رفته متعلق به سال 1672 است:

&sa=X&ei=Lfd7TNzCH4zFswbXjb2yDQ&hl=en&dq=intitle:Pen&pg=PA4&http://books.google.com/books?id=_Dw8AAAAcAAJ

f=false&q&ved=0CFEQ6AEwBQ#v=onepage&resnum=6&ct=result&oi=book_result

ارادتمند

مهدی

علی رضا

سه شنبه 9 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:16 PM

با سلام خدمت استاد بزرگوار و دوستان پژوهشگر

آقای طالب الحق

مطلب شما راجع به قوم عاد و مصر جالب بود. در حدی نیستم که بگویم نوشته شمادرست یا نادرست است (محصوصا در مورد جثه قوم عاد) ولی به جهت آشنائی مختصری که با قرآن کریم دارم و با آموخته هائی تاریخی که در سایه استاد عزیز کسب کرده ام به نظرم از این مطلب شما بوی حقیقت می آید.

حاجی زاده

سه شنبه 9 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:24 PM

آقای تلمیذ

باید آن دسته از حشرات با زندگی اجتماعی فوق مترقی و نقش موثر در طبیعت و چرخه حیات، مثل زنبور را هم به مجموعه ای که برشمردید بیافزایید.

یقین داشته باشید که پاسخ سئوال دوم شما نزد استاد است، فقط کمی سماجت می طلبد.

(با عرض پوزش از استاد)

عابدی

سه شنبه 9 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:33 PM

سلام. استاد گرامی سایت باز است. ممکن است لحظه ای بر مسائل امنیتی بسته شده باشد.

پاسخ:

حضرت استاد عابدی. مراجعه شد و ممنون.

سه شنبه 9 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:44 PM

اعتراف به محبوبیت احمدی نژاد در بین یهودیان

http://mashreghnews.ir/NSite/FullStory/News/?Id=5316

مجیدنصراصفهانی

سه شنبه 9 شهریور ماه سال 1389 ساعت 6:15 PM

با سلام

طاعات وعبادات پرفیض ماه رمضان

وعبادتهای باشکوه مسملین درشی قدر ممورد قبول حضرت حق باشد

چند نکته درمورد ایرانشناسی 279

(((کذالک یطبع الله علی قلوب الذین لایعلمون . فاصبر ان وعد الله حق ولا یستخفنک الذین لایوقنون))) ایات 59 و 60 سوره روم

استاد خداوند برقلوب جاهلین مهرنهاده است ازاینکه جاهلین ومنکرین پوریم حق رادرنمی یابندناراحت هستید ودربیانه 279 خودرسرزنش می کنید مگر خداوند دریات شریف 59 و60 سوره روم به رسولش نفرمود دربرابر جهل وعناد مشرکین ومنکرین حقایق صبور باشید چرا شما استاد صبر پیشه نمی کنید وباارامش واطمینان قلبی راه سخت رانمی پیماییید استاد شما کشف حادثه پوریم را برایتشکر باستان پرستان ورضایت انها شروع کردید یارضایت خداوند رحمان رحیم .راه فی سبیل الله است نه فی سبیل الناس

خداوند بارها درقران به رسول اکرم ومومنین فرموده از اسلام نیاوردن مشرکین وکافران نباید ناراحت شد

که اگر خداوند رحمن می خواست هه جهانیان پیرو حق واسلام می شدند ؟

استاد اراده قضای الهی برهر چیزی رجحان دارد حتی اراده رسولش ....

اینکه دربیانه 279 از نپذیرفتن حق توسط باستان پرستان ناراحت هستید قابل تامل است ولی توجه داشته باشید که هر خداوند بخواهد

همانست و کاشفین باید تنها حقایق راشکار کنند وامابقی رابخدا بسپارند

درمورد

حاجی زاده

جمعه 5 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:57 PM

خانم حاجی زاده شما چطور حکم شر ک انسانهارامی دهید درحالی که سخنان ایت الله یزدی هیچ ربطی به شر ک نداشت هر سخنی ولو اشتباه ایا با ید شرک باشد ؟حیف که استاد مطلب بنه را درج نمیکند وصدحیف ازتعصبات شمامغرورین که با چند خط قران خواندن فکر می کنید عالم ادم مشرکند ومابقی درمدار شرک نیستی قرار گرفتند واقعا این رسم بنیاد اندیش شماست خانم فریبا حاجی زاد این ایه هیچ ربطی به سخنان ایت الله یزدی ندارد اخرش این است که شما با هر مسدپئله که مخالفش هستی چوب شرک می زنید

لابد هرکس هم که بگویید وطیعوالرسول می گویید مشرک است قدر در کامنتهایتانن دقت کنید وهر چیزی که به فکرتان امد چشم بسته ننویسید

وتواصوا بالحق وتواباالصبر

(ثم کان من الذین امنو وتواصوا بالصبر وتواصواباالرحمة))ایه 17 سوره البلد

http://http://www.cloob.com/profile/main/home/username/takhat260

حاجی زاده

سه شنبه 9 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:39 PM

استاد اگر اجازه بفرمائید از طرف شما و خودم به آقای مجید نصراصفهانی قول بدهم که حتما از این پس نصایح و اوامرشان را آویزه گوش خواهیم کرد!

چهارشنبه 10 شهریور ماه سال 1389 ساعت 00:42 AM

با سلام

بسیاری از سئوالات در قسمت نظرات بی جواب باقی می مانند که این مسئله بسیار با اهمیت می باشد و نکات آموزشی مهمی در آن نهفته است!شاید از مهمترین دلایل آن بتوان سطح بسیار پایین سئوالات و موضوعات بی اهمیت که هیچ کمکی به اندیشه ورزی و تولید اندیشه و تحرک سازنده نمیکنند را نام برد!

سعی نماییم دوباره شروع نموده و خود را در هر مرحله محک زنیم که چقدر کیسه دانشمان پر شده و پرسش هایمان چقدر پخته تر شده اند!

مسعود سنجری

چهارشنبه 10 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:18 AM

برادر بزرگ استاد پورپیرار گرامی

سلام علیکم

واضح است که ابعاد افشاگریهای شما پایانی ندارد. اشارات شما به جعلی بودن قطعنامه های ترکمانچای و ارض روم بسیار مهم و اساسی بود و حوزه بسیار وسیعی از دروغ و حقه بازی را نشانه گرفت که کلیسائیان و کنیسیان در تمام جهان رواج داده اند تا فجایعی را که در حق مسلمین در مناطق قفقاز و ما وراء آن مرتکب شدند مخفی نگاهدارند. امروز روسها مدعی هستند که سرزمینهای داغستان، چچن، اینگوش، آبخازیا و بسیاری از مناطق قفقاز و ماوراء آنرا مطابق عهدنامه های ترکمانچای و ارض روم از ایران جدا و به روسیه منضم نموده اند.

اما بر مبنای بررسی های بنیادین حاضر واضح شد که این سرزمینها جزء روسیه نبوده اند بلکه در امتداد پروژه هجوم همه جانبه علیه

مسلمین و برای جلوگیری از رشد انفجاری اسلام مورد هجوم قرار گرفته و تسخیر شده اند. عده کثیری از مردم این مناطق که برحسب معلومات در دسترس تا سالهای آغازین قرن بیستم و ظهور بلشویکها به زبان عربی تکلم می کرده اند به مناطق شام (سوریه، اردن، لبنان و فلسطین) و مصر مهاجرت کردند و در این روزها در حال مذاکره با دولتهای محلی قفقاز هستند تا امکان بازگشت به سرزمینهای خود را هموار کنند یا حداقل به حق شهروندی در وطن اصلی خود دست یابند. دیگران که باقی ماندند تا همین دوران اخیر به مبارزات خود از طرق مختلف ادامه داده اند و در مراحل مختلف دچار انواع فجایع و جنایات در حق خود گشتند که بعضی از آن حوادث را در جنگهای روسیه با چچنها شاهد بوده ایم.

البته این موضوعات به قفقاز و ماوراء آن ختم نمی شود و محدوده وسیعی از شمال آسیای میانه تا اعماق سیبری را نیز در بر می گیرد و همزمانی هجوم علیه مسلمانان در این مناطق وسیع انکارناپذیر و بسیار عبرت آموز است. مسلمانان این مناطق مردمانی بسیار آرام ، مهربان و مسالمت جو هستند ونمی توان باور کرد که اسلام با شمشیر به سیبری وارد شده باشد و الحمدلله کسی هم مدعی هجوم مسلمین به مناطق دور دست سیبری نیست.

هجوم علیه مسلمانان در اقصی نقاط روسیه با حملات به مسلمین در اندلس و بالکان و جزایر مدیترانه همزمانی و بل تقارن کاملی دارد که قطعا تصادفی نیست و ابعاد آن به درگیری نظامی منحصر نمی شود و این دروغ پراکنی و جعل تاریخ که پروژه رسوایی آن از ایران به دست شما انجام شد محوری از محاور متعدد تلاش برای درهم شکستن این رسالت انسان ساز است که بر مبنای توصیف قرآن کریم توسط یهود و نصارا بدون توقف از سده های پیش آغاز شده و تاکنون ادامه دارد و همانگونه که در پیام بیادماندنی خود در مستند مجعولات مجلل فرمودید آنها هرگز سنگرهای خود را به نفع مسلمین ترک نخوهند کرد.

به یاری خدا در ادامه فرازهایی کوتاه از آنچه در این حملات وحشیانه بر مسلمین اسپانیا رفته است را بیان خواهم کرد.

خدا بزرگ شما را حفظ کند و سلامتی و طول عمر با عزت به شما عطا کند.

والسلام علیکم

فی امان الله

یک جوان مسلمان

چهارشنبه 10 شهریور ماه سال 1389 ساعت 06:36 AM

الهی انسانهای یهودی را به راه راست خود هدایت کن و به آنها بچشان که آخرتی در کار است ، و انسانهای مسلمان را به قرآنت آشناتر کن وبه آنها بفهمان که راهنمایی بهتر از کلام تو نیست و تمام انسانها را شامل فضل وبخششت بگردان که همه ما بندگان ناتوان توایم

استاذی استمیحک عذراً علی أسئلتی التافهة

abbas

چهارشنبه 10 شهریور ماه سال 1389 ساعت 06:49 AM

/http://oi.uchicago.edu/gallery/pa_iran

مجیدنصراصفهانی

چهارشنبه 10 شهریور ماه سال 1389 ساعت 1:51 PM

ممنون اگه گوشی برای شنواباشد

بعید میدانم

خواهر تهمت شرک به مردم عزیز کشورمان عقوبت انبخشودنی دارد

فقط تذکر بود

http://http://http//www.cloob.com/profile/main/home/username/tak

محمدرضا نیسی

چهارشنبه 10 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:40 PM

سلام‌علیکم

جناب مجید نصراصفهانی

به شما فقط تذکر جدی می‌دهم اگر خود را بنیان‌اندیش می‌دانید و عمق جعل و تحریف کلیسا و کنیسه در همه ابعاد تاریخ و مذاهب را توانسته‌اید درک کنید، از ریختن آب به آسیاب جریانات مذهبی از هر جنسی خودداری کنید که "عقوبی نابخشودنی" از جانب الله عزوجل در انتظار شماست.

چرا که به لطف تحقیقات سترگ استاد عزیز صراط مستقیم معلوم شده و راه محافظت از اسلام عزیز روشن. بنابراین حجت عقلی و شرعی بر شما و همه ما روشن است و با آوردن توجیهات به ظاهر شرعی و یا وطن‌پرستانه، ادامه راه و روش قبلی توجیه نداشته و عقوبت نابخشودنی دارد.

شما اگر نگران مردم عزیز کشورمان هستید نگاهی به رفتار و بعضی اعتقادات آنان بیندازید تا میزان خرافه‌پرستی و شرک را دریابید و به جای گیردادن‌هایی از جنس "گشت ارشاد" به یاران بنیان‌اندیش، برای نجات مردم عزیز کشورمان از این حال و روز، به نشر آثار استاد عزیز اهتمام بورزید و عمق جعل را در زوایای مختلف مذهب و تاریخ برای آنان روشن کنید.

اگر هم گوشی برای شنوایی نباشد ولی بر اساس وعده و اراده الهی نور حقیقت تمام ظلمت‌ها و ضلالت‌ها خاصه از جنس شرک مذهبی و خرافه‌پرستی را خواهد زدود.

پاسخ:

آقای نیسی. مذهب، دین نیست و هیچ یک متن راه نمای یگانه ای همانند قرآن به همراه ندارند. هر منبر داری می تواند از هر طریق که خود می داند، حتی از راه الهام های شبانه، به نام حدیث و یا روایت، دستورالعملی به دل خواه و غالبا مغایر با آورده های قبل تکلیف کند که هیچ معیار و مقیاسی برای تعیین صحت و سقم آن نداریم، چنان که در وضعیت کنونی تکلیف هیچ کرداری از راه رجوع به روایات و احادیث روشن نمی شود و صاحب نظران دل سوز به زبان ها و اشارات و صراحت های گوناگون نسبت به رسوخ اسراییلیات در مجموع روایات و احادیث بارها هشدار داده اند، که ظاهرا هنوز گوش شنوای موثری برای آن ها یافت نشده است. مشکل اصلی پیروی از شکاف های مذهبی در دین اسلام این که راه برون رفت از اختلافات میان آن ها را نمی دانیم. آیا دعوای موجود زمانی حل می شود و به پایان می رسد که تمام شیعیان در جریان انفجارها قتل عام و یا سنی شوند و برعکس؟ آیا باید چرخ تاریخ را به عقب برگرداند و از نشستن ابوبکر بر کرسی خلافت پس از پیامبر ممانعت کرد؟ به راستی نقطه پایان این درگیری ها کجا، در چه زمان و بر اثر بروز چه تحولی است؟ با این همه بدانید معتقد به یکتایی خداوند و رسالب پیامبر و نزول قرآن و روز جزا را، که معتقدان به مذاهب به آن ها ایمان دارند، نمی توان مشرک خواند. مشرک کسی است که مانند یهود و نصاری، برای خداوند شریک بگیرد، نه شیعه و سنی.

ایمان

چهارشنبه 10 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:11 PM

جناب سنجری بسیار خوشحال خواهم شد اگر با منابع و ماخذ گفتارتان آشنا شوم.

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya 15

ایران شناسی بدون دروغ ۲۷۹، نتیجه۸۷، شعور تاریخی پیشین

حاجی زاده

چهارشنبه 10 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:05 PM

استاد گرامی

پیرو فرمایشات شما در پاسخ به آقای نیسی، عارضم که بین *دانستن* وحدانیت خداوند و *اعتقاد* بدان، تفاوت بسیاری است، دانستن ممکن است با یک قول و حدیث، به سوی شرک گمراه شود، اما اعتقاد به وحدانیت، در عمل نیز تبلور می یابد و منحرف نمی شود.

ضمنا به آقای اصفهانی یادآور می شوم که در قرآن کامل، ویژگیهای مشرکین کاملا تبیین شده است.

لکن حکایت امثال عالیجنابان مجتهد و مقلدین ایشان، همان است که در آیات زیر آمده است:

وَمِنَ النَّاس مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللّهِ وَالَّذِينَ آمَنُواْ أَشَدُّ حُبًّا لِّلّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُواْ إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ*إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتُّبِعُواْ مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُواْ وَرَأَوُاْ الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الأَسْبَابُ*وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُواْ لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّؤُواْ مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُم بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ(بقره،۱۶۷/۱۶۶/۱۶۵)

hkjhlkhj

چهارشنبه 10 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:11 PM

http://barackobama.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=606:afghan-police&catid=62:fa-&Itemid=389&america

مهدی - مهدی

چهارشنبه 10 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:42 PM

"آیا اوباما اولین رئیس جمهور یهودی آمریکاست؟"

http://barackobama.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=400:is-obama-the-first-jewish-president&catid=67:personal-life&Itemid=392

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:08 AM

سلام‌علیکم

استاد عزیز، پاسخ‌تان کاملا دقیق است و اساسا مشکلی که برای اسلام ایجاد کرده‌اند فرقه‌گرایی است که ان‌شاءالله دوستانی مانند آقای اصفهانی با عنایت به این توضیحات و سایر مباحث ایران‌شناسی بدون دروغ، راه روشن حقیقت و صراط مستقیم را برای مردم روشن کنند و آنان را از جعل و تحریفات نجات دهند.

میزان این تحریفات و خرافات در حدی است که هر چند وقت شاهد رفتارهایی به نام مذهب و دین از جنس تقدیس و توسل به گوسفندی که شاخ آن نام فلان امام را دارد و یا طلب شفا از یک درخت! که در منطقه ما رخ داده است (و در مناطق دیگر نیز به اشکال دیگر دیده می‌شود) که این خرافه‌پرستی‌ها کاملا مشرکانه است.

پاسخ:

آقای نیسی. درست می فرمایید مشرکانه است ولی شرک نیست. خداوند در قرآن فرقه تراشان در دین را مشرک نخوانده است. زیرا معتقدان به توحید و نبوت و معاد مسلمان موحدند اگر سراپا گناه و نافهمی هم باشند.

مسعود سنجری

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:10 AM

دوست گرامی ایمان عزیز

سلام علیکم

بالاترین منبع و ماخذ همان کتابها و مقالات استاد هستند به اضافه تلاش در کشف ارتباط حوادث.

بشکلی که ابهامات موجود در تاریخ رایج و شایع را مبنایی برای بررسی مجدد قرار دهیم. حال که با تلاشهای استاد به جعلی بودن معلومات تاریخی فعلی باور داریم با استفاده از مدخلهای مختلف و متنوعی که ایشان به روی ما گشوده اند پا پیش بگذاریم و از نو به بازبینی و بررسی عیار مطالب تاریخی رایج بپردازیم.

اما موضوع دیگری که در اینجا نباید فراموش بشود اینست که آیا ما برای اثبات وجود مسلمین در سیبری نیاز به منبع و ماخذ داریم؟ برای اثبات وجود جنگ داخلی در چچن واینگوش به منابع مکتوب نیاز داریم؟ برای قبول وجود مسلمانان در بالکان نیاز به مقالات و مراجع داریم؟ برای حضور مسلمین در قفقاز چطور آنهم نیازمند ماخذ است؟ اینها همگی در مقابل چشمان ماست فقط می ماند که آیا ما هنوز بر مبنای اطلاعات رایج که جعلی است به این مسائل می نگریم یا خیر؟

با این وصف و برای تکمیل جستجو هایتان می توانید به وب سایت تلوزیون رسمی روسیه بعنوان مثالی از روش جستجو برای رسیدن به اطلاعات و یافتن ارتباط آنها با یکدیگر استفاده کنید.

اگر پاسخ مرا قانع کننده نیافتید سئوال خود را بشکل مجدد و مشخص طرح کنید تا توضیح بیشتری خدمت شما ارائه کنم.

والسلام علیکم

فی امان الله

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:21 AM

سلام‌علیکم

برادر گرامی جناب آقای سنجری

توضیحات شما دقیق و قابل اهتمام است. چندی پیش شبکه‌های الجزیره و العربیه مستندهای مفصلی درباره اعراب منطقه قفقاز و آسیای میانه پخش کردند و از بخشی از پروژه‌هایی که بر ضد آنان و اسلام در حال انجام است پرده برداشتند.

با اشرافی که به این موضوع دارید و در حد امکانات بخش نظرات، جای دارد به این موضوعات بیشتر بپردازید.

جناب ایمان

وقتی تا همین 70-80 سال اخیر هیچکدام از شهرهای بزرگ ایران شاکله درست و حسابی نداشته و قاجارها قصر در خور شأن یک جکومت مقتدر را نداشته‌اند، چگونه می‌توان برای این حکومت سیطره بر مناطق وسیعی از قفقاز و آسیای میانه را قائل شد؟

فکر می‌کنم مداقه بیشتر در مباحث مربوط به جنایت پوریم و نقشه‌های شهرهای ایران ضروری باشد.

سلام‌علیکم

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:30 AM

أخی الکریم طالب الحق

أشکرک علی جهودک لترجمه المبحث الستراتیجی "القلم" و أیضا علی نشر المطالب علی مدونتک.

کانت بعض المحاولات لطبع مجموعه الإسلام و السیف، لکن ما أنجز شیء و هذه الترجمه تحتاج لتبویب و تنقیه.

نحن حاولنا لهذا المهم و أیضا بدلیل عدم مساعده الأصدقا نحن فشلنا و حالیا مستمرون لبث آثار أستاذ بوربیرار

محمداوجال اولوتورک

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:05 AM

جناب استاد

با سلام و عرض ارادت

انتقادی به خدمتتان داشتم: فرموده اید که

" معتقد به یکتایی خداوند و رسالت پیامبر و نزول قرآن و روز جزا را، که معتقدان به مذاهب به آن ها ایمان دارند، نمی توان مشرک خواند.

مشرک کسی است که مانند یهود و نصاری، برای خداوند شریک بگیرد، نه شیعه و سنی."

آیا اگر یک فرد شیعی یا سنی یا وهابی (که البته به نظر حقیر اکثریت همین ها هم شیعی و سنی و وهابی "شناسنامه ای" هستند، و نه "معتقد واقعی"؛ همانطور که اکثریت مثلا مسیحی ها هم "منتسب" به مسیحیت اند و نه "معتقد" به آن)، به "بنده"ای از بندگان خداوند، همان صفاتی را بدهد که "مختص خداوند" است، و نسبت به آن "عبد"، چنان رفتاری را داشته باشد، که جز شایسته "معبود" نیست، آیا چنین فردی "مشرک" نیست؟؟ آیا حتما باید کسی نامش مسیحی یا یهودی باشد تا "مشرک" شناخته شود، و یا اینکه مهم، اعتقادات قلبی فرد است؟

...

جناب مجید نصراصفهانی

علاوه بر آیه روشنگر مورد اشاره خانم حاجی زاده، کمی هم در این آیه بیاندیشید:

اَلَا لِلّٰهِ الدِّینُ الْخَالِصُ وَالَّذِینَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ اَوْلِیَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ اِلَّا لِیُقَرِّبُونَا اِلَی اللّٰهِ زُلْفٰی اِنَّ اللّٰهَ یَحْکُمُ بَیْنَهُمْ فِی مَا هُمْ فِیهِ یَخْتَلِفُونَ اِنَّ اللّٰهَ لَا یَهْدِی مَنْ هُوَ کَاذِبٌ کَفَّارٌ . (زمر، 3)

پاسخ:

آقای اوجال اولوتورک. هرکسی که به وحدانیت خدا معتقد باشد، با هر پندار و اعمال خلاف دیگر، هنوز مشرک نیست. چنان که در آیه مورد نظر خودتان، متوسلان به دون خداوند، دروغزن کافر صفت نام می گیرند ولی مشرک خوانده نمی شوند.

منصور

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:36 AM



سلام و عرض ادب به همه عزیزان هم پیمان

مجاهد نستوه پورپیرار عزیز

روح ما در تسخیر حقایق خلل ناپذیری است که در روشنگریهای شما موج می زند. در راه اشاعه آن از جان خود هم دریغ نخواهیم کرد. تازه از مردگی رها شده و زنده شده ایم و برای ادامه حیات خود مجبوریم تلاش کنیم. مباد روزی که شکسته ببینمت. مباد روزی که از ناسازگاری روزگار ذره ای خم به ابرو بیاوری. نورچشمم , کارد فرو رفته تا مغز استخوان را نمی توان به یکباره بیرون کشید و معتاد صد سال اعتیاد را به یکباره نمی توان ترک عادت داد. ولی این را بدان که بنیان اندیشی به سرعت نور در حال گسترش است.

بگذار مثالی بزنم, من حدود چهار سال پیش کاملا تصادفی با اسم شما آشنا شدم آن هم از طریق کسی که مخالف شما بود (منوچهر کارگر) که بعدها با کمک دوست هم بند تان این آشنایی عمیق تر شد. پس از دو سال مطالعه مستمر آثارتان شروع به انتقال آنها کردم و اکنون بیش از سه هزار نفر مستقیما از طریق من درگیر افکار شما هستند که هر کدام از این افراد خود در شهر ومحل و دوستان خود افراد دیگری را آشنا کرده اند. کافی است سه بار این انتقال انجام پذیرد تا کل ایران از بینان اندیشی لبریز شود که این اتفاق در شرف تکمیل است. بله باید این بذر در همه جا پاشیده شود تا هر خاک مساعدی شجره طیبه ای به بار آورد. «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاء ﴿۲۴﴾ تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِين بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللهُ الأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿۲۵﴾ » (سوره۱۴)

تلاشها و جستجوهای درخشان بنیان اندیشان غیورمان همه نشان از عمق نفوذ اندیشه بنیانی ای دارد که شما پایه گذار آن هستید. هیچ کار خدای متعال بی حکمت نیست, مسلما این مشعل را آنقدر دوام خواهد داد که مشعلی بزرگتر را روشن کند و آن زمان دیر نیست. در سایه روشنگری شما و کمک خستگی ناپذیر استادان بزرگوار جناب غفوری و جناب عابدی , اینک شاهد ظهور اساتید بسیاری هستیم که هر کدام افتخاری برای اندیشه بنیانی محسوب می شوند و ما فقط با آن عده ای آشناییم که گاهی یافته های خود را در قسمت نظرات عنوان می کنند و نام بردن از آنها در این مقال نمی گنجد والا تعداد واقعی آنها بسیار زیاد است. انسان نمی تواند شعف خود را از داشتن چنین دوستان جستجوگری کتمان کند.

پاسخ:

آقای منصور. بدون ادعای پیش آهنگی، تا زمان ممکن، انجام وظیفه می کنم و سرانجام امور به دست خداست. ممنونم که زحمت می کشید و به دوباره بینی دعوت می کنید.

طالب الحق

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 04:22 AM



برادر مجید نصر اصفهانی

بعد از اینکه فقط قرآن را میزان زندگی خود قرار دادم(ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین) یقین پیدا کردم که بیشتر بنی اسرائیل فاسقند﴿وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ وکافرند بکلام خدا (وآمنوا بما انزلت مصدقا لما معکم ولا تکونوا أول کافر به ولا تشتروا بآیاتی ثمناً قلیلا) بنو اسرائیلیانی که با اینکه خدا بر آنها فضل ونعمت فراوان کرد فضلش را فراموش کردند (وأذکروا نعمتی التی انعمت علیکم) و آخرت وارزشها را با پیش پا افتاده ترین امور دنیا عوض کردند(أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر)

و جاهلانه تمام کمک های خدا را نادیده گرفتند واز او روی برگرداندن وبت پرست شدند ﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَل لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ)ودر فساد در زمین پیشی گرفتند (لتفسدن فی الأرض مرتین ولتعلن علواً کبیراً) وآنها ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاس عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾ واموال مردم را زورگویانه میخورند ﴿وَأَخْذِهِمْ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاس بِالْبَاطِلِ﴾ ودر سینه های خود بر مؤمنان خدا کینه ونفرت وپلیدی پنهان کرده اند (هَاأَنْتُمْ أُوْلاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمْ الأَنَامِلَ مِنْ الغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُور) و با پیغمبر خدا حضرت محمد صلوات الله علیه مخالف بودند ﴿وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾ وبپیامبران پیامهایی را که باب میلشان نبود میکشتند ﴿لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رُسُلاً كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لا تَهْوَى أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ) وکلام خدا را تحریف میکردند که باب میلشان شود﴿أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ) و نعوذ بالله ﴿وَقَالَتْ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا﴾ وخود را فرزند او پنداشتند ﴿وَقَالَتْ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ﴾ ﴿وَقَالَتْ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ﴾ وفاسدانه در زمین به فتنه برمیخیزند﴿وَقَالَتْ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ﴾ وپیمانهای خود را با خدا میشکستند ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لا تَعْبُدُونَ إِلاَّ اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاس حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلاَّ قَلِيلاً مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ ﴾ و﴿أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لا يُؤْمِنُونَ) وبا این پیمان شکنی خدا سنگدلترشان کرد که عاقبتش را ببینند﴿فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً﴾ ﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً﴾

پس چگونه ما در برابر این قوم ساکت بنشینیم وآنها برما﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاس عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾ خیر ما در برابر این لعنت شدگان از دین خود با استعانت به فرمایشات خدا در قرآن مانند تمام خاورمیانه ای ها در تمام عصور دفاع میکنیم که ما از بندگان خدا بابلیان کمتر نیستیم

) فإذا جاء وعد أولیهما بعثنا علیکم عباداً لنا أولی بأس شدید فجاسوا خلل الدیار وکان وعداً مفعولاً)

ومابا این ترسوهای نادان ﴿قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا﴾ ﴿قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ ﴾ ﴿لا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلاَّ فِي قُرًى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ﴾ و حسودانی که به ایمان ما حسادت میورزند﴿إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا﴾﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ﴾وخیر ما را نمیخواهند﴿ مَّا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُواْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلاَ الْمُشْرِكِينَ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْكُم مِّنْ خَيْرٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَاللّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴾ ووحدت ندارند﴿بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى﴾ عاقلانه میستیزیم وپی آنها نمیرویم ونمیگذاریم در بین ما رخنه کنند وعقل و ودین وتاریخ واعتقاداتمان را مسموم کنند و مارا با تزریق دروغهایشان مسخره کرده وفریبمان دهند و ما را از راه خدا دور کنند و غرق در خرافات و گمراهی ها واختلاف کنند﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا مِنْ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ﴾ وبا همه نقشه ها ، روایات ، دروغ ها، جعلیات ، خرافات و کفرشان مقابله میکنیم که خداوند ما را از این امر نهی نکرده (لم ینهاکم الله عن الذین یقاتلونکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم أن تبروهم وتقسطوا إلیهم) (إن الله یحب المقسطین) وهمانطور که آنها با ما﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاس عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾ ما هم حضرت محمد (ص) را اسوه حسنه قرار داده وبا آنها ومؤیدانشان و با به دام افتادگانشان به ستیزه برمیخیزیم (محمد رسول الله والذین معه أشداء علی الکفار رحماء بینهم) (یا أیها النبی جاهد الکفار والمنافقین واغلظ علیهم) وإن شاء الله در بنیاد اندیشان :((وَلْيَجِدُواْ فِيكُمْ غِلْظَةً)) و با عقل وعلم وبی سکوت و مهابات (وَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُل لَّهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلاً بَلِيغاً) و صبر کردن در برابر آنهایی است که که بیعلم می باشند وناآگاهند (کذالک یطبع الله علی قلوب الذین لایعلمون . فاصبر ان وعد الله حق ولا یستخفنک الذین لایوقنون) ونه آنهایی که دانسته با دین خدا ستیز کرده وکلامش را تحریف میکنند وعلم دارند وآگاهند﴿أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ)

اللهم انصرنا علی القوم الکافرین

والسلام علیکم ورحمته وبرکاته

ایمان

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 04:45 AM

جناب سنجری برای من بیشتر آن بخش از گفتار فوق جذاب است که به عرب زبان بودن بخش عمده ساکنان قفقاز در سالهای آغازین قرن بیستم و مهاجرت آنها و رایزنی های کنونی شان برای بازگشت اشاره داشت اگر زحمتی نیست مستندات آن را بفرمائید.

آقای نیسی از کجای سخن من برداشت کردید که برای قاجارها سیطره بر مناطق قفقاز را قایل هستم که نسخه پسچس می فرمائید؟

مسعود سنجری

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 1:26 PM

برادر گرامی ایمان عزیز

با سلام مجدد

از همان ابتدا هم به محض پرسیدن سئوالتان می دانستم که فقط با عرب زبان بودن قسمتهایی از مردم قفقاز ابهام دارید ولی می خواستم دقیقتر بپرسید. ما با این حساسیتها کاملا آشنا هستیم مثلا اگر مدعی می شدم که هخامنشیان تا پریروز در شهر زوریخ یک کنسولگری فعال داشته اند کسی منبع نمی خواست ولی کافی است اشاره کنید که در فلان محل اعراب حضور داشته اند تا همه سند و مدرک معتبر از شما طلب کنند. بگذریم...

بیشتر مطالب ذکر شده و نه همه آنها حاصل تلاشهای دکتر ویتالی نعومکین استاد تاریخ عربی و اسلامی در دانشکده شرق شناسی دانشگاه مسکو هستند که در قالب مقالات و فیلمهای مستند و مصاحبه با مردم و شخصیت های منطقه قفقاز و باقی مسلمین در مناطق مختلف روسیه تهیه شده اند و بطور خاص موضوع رایزنی مردم مهاجر برای بازگشت به سرزمین مادری در مصاحبه تلویزیونی رئیس جمهور داغستان ذکر شد که برای دیدن و دسترسی می توانید به آدرس های زیر مراجعه کنید.

www.rttv.ru و اگر به زبان عربی آشنایی داشته باشید به آدرس www.rtarabic.com

همچنین بعلت حضور عدد قابل ملاحظه ای از اهالی قفقاز در کشورهای عربی که در یادداشت قبلی ذکر کردم هر از چند گاهی شاهد تهیه مقالات و برنامه های مستند در خصوص آنان هستیم که منابع بدون جایگزینی در باره این مردم بشمار می روند.

اگر بازهم پاسخ اینجانب را کافی نداستید بفرمائید تا توضیحات دیگری خدمت شما عرض کنم.

والسلام علیکم

فی امان الله

طالب الحق

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:09 PM

کتاب قوم عاد هم بناة الأهرام به عربی

http://www.4shared.com/document/Tvkzq_9Y/__online.htm

مستند حقیقت قوم عاد به عربی

http://www.4shared.com/video/-As5UTiA/___BY_Dj_SNAKE.htm

****

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:30 PM

جناب پورپیرار عزیز سلام

یادمه در جایی از پاسخهایتان به مخاطبین خواندم که تنها فیلمی که ارزش دیدن داره و در کل میشه بهش فیلم گفت فیلم طعم گیلاس به کارگردانی کیارستمی هست. من دو بار این فیلم را نگاه کردم و هیچی دستگیرم نشد و اصلا نفهمیدم منظور کارگردان و پیامش چی بود چه برسه به متمایز بودن آن با تمام آثار سینمایی دیگه.میشه به طور مختصر این وجه تمایز و پیام فیلمو بفرمایید.

با تشکر

عباس سلامات

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:32 PM

سلام علیکم

اخی العزیز السید سنجری

قررت ان لا اتدخل حتی بقدر کتابة رداً واحداً علی ما یجری،لکن اليوم اقول وجهة نظری وابقی صامتاً مرةً اخری کما بقیت طوال الایام الماضیة واعرف انک تعالج الموضوع بعقلانیة کما فعلت سابقاً ولکننی لا استطیع ان اخمن ردة فعل الآخرین. و اوعدک بان الایام الآتیه ستکشف سبب صمتی.

کما تعلم و انا کتبت ایضاً، توقفت من انتشار ترجمة کتاب الاسلام والسیف بعدما ذهبت السیدة "هیجان" لمکتب السید بوربیرار و اعلنت مخالفتها بانتشار ما ترجمته وانا احتراماً لمکانتها و لرعایة الامانة قمت برد ما سلمته الی قبل بضعة اشهر.

بعد هذه المقدمة اشکرک مرةً اخری لکل ما تفعله و لکل المتاعب التی قبلت بحملها علی عاتقک. اخی العزیز من حق کل مترجم ان یحظی بکتابة اسمه بعد او تحت اسم الکاتب و هذا ابسط حق المترجم الذی تنص علیه کل القوانین و الاخلاقیات،لکن للاسف لم اری اسم المترجم فی الموضوعات المنتشرة فی مدونتک الموقرة و انا وانت نعرف من هو المترجم.

اتمنی لک الخیر و التوفیق

حاجی زاده

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 7:00 PM

استاد ارجمند

سئوال این است که مشرک به چه کسی اطلاق می شود؟ یهودی و نصاری متعاقب ارتکاب به چه فعلی مشرک معرفی میشوند؟ آیا اخذ این عنوان، مستقل از عمل آنهاست!؟ آیا یهود و نصاری به سبب فعل مشرکانه ملقب به مشرک نشده اند!؟ محل حیرت است که شما بین عمل مشرکانه و شرک تمایز قائل می شوید! وجه این تمایز چیست؟ مگر شرک با عمل و تفکر مشرکانه متجلی نمی شود؟

قرآن راه رخنه ی هر نوع باور و تفکر و عمل مشرکانه را با آیاتی فصیح و هشدار دهنده مسدود میکند، چون اسلام دین توحید محض است، دین موسی و عیسی نیز در بادی امر دینی توحیدی بودند، باری به سبب استیلای غیرموحدین بر مدیریت این ادیان، به سوی اعتقادات مشرکانه منحرف شدند. آیا دین اسلام (نه متن قرآن) مصون از چنین خدعه و تحریفیست؟

شرک در قرآن چهره های متنوعی دارند. نوعی مترادف با کفر است، نوع دیگر اعتقاد به چند خدائیست و...

نوع دیگری که مورد بحث ماست، همردیف کردن من دون الله با خداوند است که مشخصه اش در اعمال فرد بروز میکند: عبادت(18 یونس)، خواندن(41 انعام) و ولی گرفتن(14 انعام) من دون الله، شرک است.

آیا یک مسلمان بری و مصون از چنین شرکی است، آیا گمراهی بسوی شرک، تنها مختص یهودی و نصاری است!!؟

ارشد

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 8:12 PM

آقای منصور کاملا" باهات موافقم.

فقط یه لطف کن اگر مستند زخم نشر را داری بزار تو همان فولدر تا بقیه هم نگاه کنن.

م

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 8:39 PM

واکنش سازمان سنجش به اعلام پذیرش دانشجو رتبه 16 هزار در برق شریف

معاون سازمان سنجش آموزش کشور، اعلام پذیرش یک داوطلب کنکور با رتبه 16 هزار در رشته برق دانشگاه صنعتی شریف را اقدامی شیطنت آمیز، توصیف کرد.

"ابراهیم خدایی" روز یکشنبه در گفت و گو با ایرنا، گفت : رییس دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف، بدون توجه به ضوابط و قوانین و برشمردن این قوانین، اخیرا اعلام کرده که داوطلبی با رتبه 16 هزار در رشته برق این دانشگاه و تعدادی دیگر از داوطلبان نیز با رتبه های بیشتر از سه هزار در جریان آزمون سراسری امسال به دانشگاه صنعتی شریف راه یافته اند که به اعتقاد ما، اعلام این موضوع به این شکل، یک شیطنت، محسوب می شود.

وی توضیح داد: همه ساله تعدادی از داوطلبان کنکور، بر اساس سهمیه های مصوب مجلس شورای اسلامی و نه بر اساس سهمیه های تعریف شده در سازمان سنجش (بومی، منطقه ای و کشوری)، در آزمون سراسری دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی کشور، پذیرفته می شوند و این، مطلب جدیدی نیست که امسال از سوی برخی افراد، عنوان شود.

به گفته خدایی، داوطلب پذیرفته شده در رشته برق دانشگاه صنعتی شریف، از جمله افراد ایثارگر بوده و در کنکور امسال، از سهمیه ایثارگری، استفاده کرده است.
به اعتقاد وی، طرح اینگونه مباحث، علاوه بر مخدوش نمودن جایگاه و شان ایثارگران، روند برگزاری سالم آزمون سراسری دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی کشور را در اذهان عمومی جامعه، زیر سوال خواهد برد.

سلام. واقعا نمی دونم چی بگم الا اینکه بپرسم حالتون چطوره؟ ان شاء الله که خوب باشید. یاد این آیه از قرآن افتادم که می گه انما الحیاة الدنیا لعب و لهو! یعنی همه چی این دنیا مسخره است! به نظر شما این طور نیست؟ حتی امام زمان تو عکس در کنار احمدی نژاد دیده نمی شه! اصلا این توهینه به احمدی نژاد! چه فاجعه ای! خدا گناهان منو چندین برابر حساب کنه و عذاب منو بیشتر کنه! آمین!

مسعود سنجری

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:56 PM

اخ الکریم عباس سلامات

سلام الله علیک

نعم الحق معک و سوف اضیف اسم المترجم. اشکرک علی اهتمامک. رمضان کریم

والسلام علیکم

فی امان الله

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:59 PM

السید سنجری

السلام علیک

اطلب من سماحتک أن تزیدنی بأخبار عن الموضوع هذا، و ترشدنی إلی مواقع ذات صلة ، لیتضح لی الأمر

تقصد أن المرحلین من قوقاز هم الذین سکنوا ایران؟

لأنی وجدت فی أحد المواقع أن بناة مدینة الفلوجة فی العراق هم الشراکسة والأرمن!!!

وشکراً

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:34 PM


با سلام و خسته نباشید

استاد عزیز آیا می توان مجموعه نقش رستم را نیز یک جعل جدید فرض نمود و تمامی داستانهای منتهی به آن را نیز به زباله دانی تاریخ ریخت ؟!ایا به راستی تنها موارد باقی مانده از دوران به اصطلاح هخامنشی می باشد که با کم و اضافه کردن هایی داستانهایی را سر هم کرده اند!؟

ممنون

پاسخ:

کمی دیگر حوصله کنید.

حاجی زاده

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:47 PM


ذکر یک نکته خالی از لطف نبوده و حتی تاحدودی ضروری به نظر می رسد.

همانطور که عرض کردم بین معتقد و موافق تفاوت وجود دارد. اعتقاد یک فرد معتقد، در تمام حوزه های وجودی وی جلوه میکند، در حالی که یک موافق ممکن است در مواجهه با یک قول و حدیث و باور دیگر، رای عوض کند و چه بسا به یک مخالف مبدل شود، غرض از ین توضیحات این است که یک معتقد به خدا، معاد و روز جزا، هرگز نه مشرک می شود و نه به قول استاد رفتار مشرکانه از او سر میزند، چون اعتقاد و ایمان، تمام ابعاد وجودی یک فرد را تسخیر میکند و تحت الشعاع خود قرار می دهد.

اما توافق عمق ندارد و متزلزل است.

کافیست به انسانهای اطرافمان کمی دقت کنیم، چنان دلبسته دنیا هستند و طوری برای بهره مندی از خوشی ها ولذائذ دنیا حرص و جهد دارند که گویی این اولین و آخرین فرصت حیات است، از نیک و بد دنیا چنان مشعوف و مغموم می شوند که گوئی نصیب وی تا ابد همین خواهد بود. گشایش گره کارشان را از من دون خدا می طلبند و توکل به خدا به آنان اطمینان خاطر نمی دهد، باری اگر از اینان سئوال شود، مشاهده می گردد که با یکتائی خداوند و روز معاد و حیات مجدد توافق دارند.

اینان مصداق بیرونی آیه ۳۸ سوره زمر هستند:

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ

و اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده *قطعا خواهند گفت‌خدا* بگو هان چه تصور می‌کنید اگر خدا بخواهد صدمه‌ای به من برساند آیا آن غیر خدایانی که می‌خوانید می‌توانند صدمه او را برطرف کنند یا اگر او رحمتی برای من اراده کند آیا آنها می‌توانند رحمتش را بازدارند بگو خدا مرا بس است اهل توکل تنها بر او توکل می‌کنند.

با این حساب می توان با اطمینان مدعی شد که مسلملن مشرک وجود ندارد!؟

ارشد

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:54 PM


سلام استاد بزرگ.

من فیلم مربوط به مستند حقیقت قوم عاد به عربی که طالب الحق معرفی کرده بود را دانلود کردم.در این فیلم تصاویر اجساد انسانهایی با طول بیش از ده متر نمایش داده می شود.به عقل که قابل قبول نیست.

استاد اگر امکان دارد منت بگذارید و مختصر توضیحی دهید.

عمربا عزت تان طولانی باد.

پاسخ:

آقای ارشد. آن فیلم چند سالی است در اینترنت پیدا شده و از سر تا پا حاصل کار با نرم افزارهای کامپیوتری است.

ایمان

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:56 PM

مسعود جان سنجری. از لطفتان بی نهایت سپاسگذارم و بزرگواری را تمام می کنید اگر توضیح را کامل نمایید در ضمن پذیرای اندکی گلایه مندی من باشید چرا که بداعت بحث باعث سوال بیشتر من شد نه دلبستگی به هخامنشیان . در پناه خداوند باشید

پنجشنبه 11 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:23 PM

سلام

استاد جوابم را از مستند مجعولات مجلل گرفتم.ممنون

مسعود سنجری

جمعه 12 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:51 AM

ایمان جان

هدف اینجانب از نوشتن مطالب مربوط به قفقاز اشاره به حضور اعراب در این یا آن نقطه نیست و منظور خود را بعد از نوشتن چند سطر کوتاه درباره مسلمانان اسپانیا شرح خواهم داد و اما بعد ...

در جمهوری داغستان روسیه شهری بزرگ قرار دارد که مردم محلی به آن "در بند" می گویند و اعراب آنرا با نام "باب الابواب" می شناسند. درباره این شهر داستانهای مختلفی گفته می شود از جمله اینکه تاریخ نویسان اسلامی مدعی هستند که اسکندر مقدونی سد معروف خود را در این منطقه ساخته است و ...

در این شهر آثاری از مجموعه ابنیه دفاعی موجود است که ابعاد آن بسیار بزرگ و تاسیسات آن واقعا مفصل است. بگونه ای که طول دیوارهای دفاعی آن به حدود 46 کیلومتر بالغ می شود. در قسمتهای داخلی تاسیسات آن تعداد زیادی کنده کاری به خط عربی وجود دارد که بعضا به آیات قرآن مزین است. روسها مدعی هستند که این ابنیه بیش از هزار سال عمر دارند و به زمان هجوم اعراب به ماوراء قفقاز تعلق دارند و برای دفاع در مقابل حملات خزرها و ترکها ساخته شده اند. وقتی به خطوط عربی کنده کاری شده بر روی دیوارها نگاه می کردم واضح بود که دارای اعراب و نقطه گذاری هستند. با عنایت به افشاگری های استاد پورپیرار اکنون بوضوح می دانیم که عمر آن کنده کاری ها می تواند در بهترین حالت 300 سال باشد و نه بیش از 1000 سال. همین وضع درباره قبرستان قدیمی موجود در آن ابنیه نیز صادق است. تاریخ دانان روس اینگونه رواج داده اند که این قبرها متعلق به سربازان مسلمان ایست که در جنگهای شمال قفقاز به شهادت رسیده اند. بروی قبرها به خط عربی مطالبی درباره متوفی و بعضا آیات قرآنی کنده کاری شده که بازهم دارای اعراب و نقطه گذاری هستند. لذا با این توصیفات عمر ورود اسلام به این مناطق نمی تواند بیش از 300 سال باشد و به این ترتیب نمی توان پذیرفت که اعراب مسلمان در حدود 300 سال پیش با عبور از میان ایران و عثمانی به این مناطق لشکرکشی کرده باشند و از طرف دیگر وجود این چنین ابنیه دفاعی مفصلی که نظایر آن در آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و نخجوان وجود ندارد نشان از احساس عدم امنیت مردم آن سرزمین در قبال همسایگان دارد که دلیل بر وجود درگیری های است که تاکنون و در فواصل مختلف بین مردم آن خطه و روسها ادامه دارد. در انتها استفاده از زبان عربی حتی بر روی قبور رفتگان نشان از رواج این زبان در آن مناطق دارد و همانگونه که اشاره رفت با برآمدن بلشویک ها به حضور آن خاتمه داده شد و امروز جز مردم محلی داغستان و چچن کسی به این موضوع معترف نیست.

اگر هنوز هم ابهام دارید اینبار بهتر است از استاد سئوال بفرمائید بلکه قانع شوید.

برادر عزیزی هم بدون ذکر اسم پرسیده بود آیا شهر فلوجه را هم چرکسها و ارامنه ساخته اند؟ باید گفت که هیچ بعید نیست و استاد پورپیرار برای چنین پاسخ هایی ارجحند و قابل جایگزین نیستند.

والسلام علیکم

فی امان الله

محمدرضا نیسی

جمعه 12 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:16 AM



سلام‌علیکم

برادر بزرگوارم جناب آقای سنجری

این بحث جالبی که مطرح کردید در واقع تکمیل بخش روسیه جبهه ضد اسلام است که برای اولین بار در تاریخ توسط پورپیرار کبیر، نور حقیقت بر 7پس‌توی لانه‌های خفاشان کلیسایی-کنیسه‌ای تابانده شد و پرده از پروژه‌های کثیف آنان بر ضداسلام و به تبع اعراب و زبان عرب برداشته شد.

این مقوله‌ای که شما بدان پرداخته‌اید پرده از این بخش مقفول مانده برمی‌دارد و زوایای مختلف مقاومت قهرمانانه مسلمانان و اعراب منطقه قفقاز و حمایت حکومت‌های عربی را روشن می‌کند.

برادر عزیزم، چه خوب می‌شد آثار باستانی و تمدن اعراب یمن مورد بررسی قرار می‌گرفت. چرا که هم اثر جاهلی و بی‌تمدن خواندن اعراب با هدف تضعیف اسلام، بی‌خاصیت می‌شود و زوایای پنهان پروژه‌های باستان‌شناسان!!! آمریکائی که اخیرا بعد از سکوتی طولانی درباره آثار باستانی یمن، فعال شده و مشغول کشفیات در این منطقه شده‌اند، عیان شود و به عنوان نمونه لینک فیلمی که آمریکائی‌ها برای ملکه بلقیس ساخته‌اند را ارائه کردم.

جناب ایمان

در مطلبی که خطاب به شما گذاشتم برای هر 2 حالتی که از کلامتان برداشت می‌شده، نسخه پیچی کردم(اشاره به مستندهای الجزیره و العربیه درباره اعراب قفقاز)

أمة الله

جمعه 12 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:29 AM



سلام آقای پورپیرار

سلامتی تان و قبول اعمالتان را از خداوند متعال خواهانم.

قسمتی از ایده های شما را به دکتر احمد صبحی منصور رهبر اهل القرآن گفتم و او بسیار مشتاق است با شما و آثارتان بیشتر آشنا شود.

قابل توجه است که دکتر احمد خودش استاد حدیث و تاریخ اسلامی و از استادان الازهر بوده است و اکنون اصالت تاریخ اسلامی را زیر سؤال می برد و منبع تشریع را فقط قرآن عظیم می داند و بیش از سه دهه ست که به سبب آراء و نظراتش در هجرت بسر می برد.

الله تعالی حافظ تان

http://tauheed.blogfa.com/

پاسخ:

خانم أمة الله. اینک به همت گروهی از دوستان عرب، ترجمه مقالات اسلام و شمشیر به طور کامل در اینترنت قرار گرفته است. آقای صبحی منصور را به خواندن آن ها دعوت و از ایشان نظر خواهی کنید. ممنون

طالب الحق

جمعه 12 شهریور ماه سال 1389 ساعت 04:22 AM

استاد

در فیلم مستند قوم عاد

در عکس جثة بزرگ که ادعا دارند در صحرای عربستان گرفتند تابلوست که خاک اطراف جثه خیلی شبیه شن ساحل دریاست تا صحرا

ولی نظرتون درمورد این دو آیه چیست؟

آیا خدا فرموده که جثه های آنها غیر عادی است واز ما انسانها کنونی خیلی بزرگترند؟

{ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنقَعِرٍ }: { كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ

پاسخ:

آقای طالب الحق. درست است ولی آن شبیه سازی کامپیوتری ربطی به آیه قرآن ندارد و حتی در آن به گونه ای تمسخر مطلب دیده می شود.

abbas

جمعه 12 شهریور ماه سال 1389 ساعت 04:29 AM

http://nelc.uchicago.edu/facultypages/qutbuddin/Articles/1.%202005%20Ali,%20DLB.pdf

پاسخ:

آقای عباس. ضمن تقدیر از زحمات شما از تمام لینک های ارسالی تان سود می برم و تشکر می کنم. در پناه خدا باشید.

جمعه 12 شهریور ماه سال 1389 ساعت 04:58 AM

اهالی ۴۱ روستا در سلیمانیه عراق چچنی الأصل هستند

اولین سازندگان شهر فلوجه عراق قوقازی یا ققفازی یا همان شراکسه هستند

در بخش حویجه در عراق روستاهای زیاد شیشانی یا همان چچنی الأصلند

در نجف وکرکوک خانواده های چچنی زیادی زندگی میکنند

که همه خود را الآن به عرب وکرد وترکمن منسوب کرده اند ولی معترفند که از 500 سال پیش شروع به هجرت به عراق در عهد حکومت عثمانی وستیز با حکومت روسی کردند

توحید

جمعه 12 شهریور ماه سال 1389 ساعت 07:15 AM

سلام

استاد خسته نباشید . به خواست خدا چکیده ای از مقالات ایران شناسی 170 تا 174 توسط خانم امةالله به عربی ترجمه شده و در سایت عربی «اهل القرآن» نصب خواهد شد . همچنین ان شاء الله خلاصه ای از مباحث بلوغ خط عرب و قلم را نیز سعی دارم توسط دوستانی که قادر به ترجمه عربی هستند در این سایت عربی نصب کنم . لذا دوستانی که در حال ترجمه مبحث قلم هستند لطفا یک نسخه از کارشان را برای من هم ارسال کنند .

همچنین بحثی که بین آقای مجید نصر اصفهانی و دیگر دوستان در مورد شرک در این قسمت صورت گرفته بود را به وبلاگ

http://tauheed.blogfa.com/

انتقال دادم . از بنیان اندیشانی که علاقه مند به بحث هستند دعوت می کنم به وبلاگ فوق آمده و در مورد مقاله ای که در مورد «ازدواج موقت» نوشته ام و همچنین مباحثی که در مورد «شرک» و مصادیق آن در قرآن می باشد ابراز نظر کنند و کمک حال ما باشند .

با تشکر از زحمات استاد گرامی و همه بنیان اندیشان .

http://mantegh-abdughkhiyar.blogfa.com

عابر سبیل
جمعه 12 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:59 PM

ذكرت القناة السابعة من التليفزيون الإسرائيلى أنه قد وصل مؤخرا إلى مركز "أحفاد يهود بابل" بمدينة "أور يهودا" نسخة نادرة جدا من التوراة القديمة تم تهريبها إلى الكيان الإسرائيلى من العراق عن طريق رشى مالية. وقالت القناة، أن النسخة تم كتابتها فى القرن الـ18 ولها غطاء مصنوع من الفضة الخالصة المرصعة بأنواع من الخرز والزجاج، وموجود عليه أيضا قطع من الألواح التوراتية وكذلك شمعدان له سبعة فوهات ونقش عليه صورة للهيكل، مضيفة بأن النسخة النادرة موجودة حاليا فى معرض مركز أحفاد يهود بابل وتم تهريبها من العراق بمساعدات شخصيات عراقية تم رشوتهم ليوافقوا على نقل النسخة إلى الكيان الإسرائيلى.

طالب الحق
جمعه 12 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:58 PM

ذکر غیر مستقیم واقعه پوریم در کتب مندائیان یا همان صابئة لطفا به اشاره کتبشان به عدم تدوین کتاب در نزد مندائیان بعد از این قتل عام ها توجه کنید!

الجمعة, 26 حزيران/يونيو 2009 20:51

الاستاذ الدكتور رفعت لازم مشعل

منظمه حمايه الشعب المندائى/السويد

المقدمه:

تعرض المندائيين طيله تاريخهم الذى يمتد الاف السنين الى العديد من جرائم الاباده الجماعيه وموجات من القتل و الاضطهاد و القهر والاجبار على تغيير دينهم وكان تكفير المندائيين هى الذريعه المستخدمه لاباده الشعب المندائى, وقد استخدمت هذه الذريعه من قبل جميع الاديان

المجاوره لهم . وقد يكون الشعب المندائى هو الشعب الوحيد فى التاريخ الذى تعرض ولا يزال الى هذا العدد من المذابح دون ان يرفع احد صوته.

1) مذابح المندائيين فى القرن الاول الميلادى:

المصدر : كتاب حران كويثا(حران السفلى)/من كتب التاريخ المندائى

لقد ورد نص فى كتاب (حران كويثا) ما يؤرخ حادثة واحده على الاقل حدثت فى القرن الاول الميلادى وهى قيام اليهود بالقيام باباده جماعيه للمندائيين فى اورشلام(موطن المندائيين) حيث قتل فى هذا الحادثة كما روى فى هذا الكتاب الاف المندائيين وكان بينهم(ثلاثمائه وستين رجل دين مرة واحدة) لانهم مندائيون مما ادى الى هجرتهم الى خارج المنطقه وهذا هو النزوح الاول للمندائيين خارج وطنهم . ويعلم جميع المندائيين المذابح التى تعرضوا لها على أيدى اليهود فى التاريخ القديم و فى بدايه الدعوه المسيحيه والذى اشارت اليه كتبنا الدينيه والتى توقف بعدها التبشير بديننا بسبب هذه المذابح , ولا اريد الاسهاب فى هذا الموضوع لانه معروف لجميع المندائيين.

2) مذبحه سنه 273 م فى ايران:

المصدر :   From : Wikipedia

حين جاء الى السلطة الملك الساسانى بهرام الأول سنة 273(م) . قام بحمله اضطهاد شعواء قادها الحبر الاعظم للزرادشت (كاردير) ضد المندائيين, الى انه لم يستطع القضاء تماما على المندائية، ولكن التدوين توقف تماما لعدة قرون ولم نشاهد التأثيرات والكتابات المندائية الا فيما يسمى بأوعية (قحوف) الاحراز والأشرطة الرصاصية

محمدرضا
جمعه 12 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:03 PM



دوستان طی سده نوزدهم و بیستم میلادی گروه های متعددی از اقوام قفقاز و سرزمین های همجوار آن به دلایل متعدد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و ... از سوی امپراطوری عثمانی به سرزمین های عربی خاورمیانه، از سوریه و اردن تا عراق و ... گوچ داده شده و در این سرزمین های سکونت

گزیدند که در برخی از این سرزمین ها مثل اردن هنوز هم این اقوام حضور دارند.

پاسخ:

آقای محمد رضا. تمام ان چه امپراتوری عثمانی و یا دولت قاجار می شناسید، از همین مهاجران تولید شده اند.

حدیثه
جمعه 12 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:06 PM



روز قدس بر استاد گرامی و تمامی بنیان اندیشان و مبارزان علیه سلطه شیطانی یهودیت و صهیونیزم مبارک باد. به قول دوستی: نابودی قطعی و سریع اسرائیل به دست کودکان فلسطینی را به نظاره نشسته ایم ...

پاسخ:

خانم حدیثه. اتحاد مشرکین جهان، یعنی تمام توان کنیسه و کلیسا، در قالب و نام کشورهایی چون آلمان و فرانسه و ایتالیا و اسپانیا و

انگلیس و استرالیا و کانادا و ژاپن و کره و هلند و اتریش و آمریکا، باا مال و سلاح و اطلاعات، از اسراییل حمایت مداوم می کنند و ابلهانی حتی در موضع مدیران این کشور مسلمان، نسبت به ارسال کمک و حتی راه پیمایی به سود فلسطین زیر لب و یا علنا اعتراض دارند.

ایمان
جمعه 12 شهریور ماه سال 1389 ساعت 7:13 PM

جناب سنجری متشکرم.

پاسخ:

آقای مهدی - مهدی. از 10 صبح تا هر زمان که لازم باشد.

حاجی زاده
جمعه 12 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:38 PM

کم کم دارم به این باور می رسم که داستان های تاریخی از لشگرکشی ها و فتوحات اعراب حقیقت داشته است! آخرین محلی را هم که فتح کرده اند، ستون کامنتهای حق و صبر است!!!

دوستان عرب زبان، لطفا وجود همرهان غیرعرب زبان را ندیده نگیرید و کامنتهایتان را به فارسی ارسال کنید.

متشکرم.

توحید
جمعه 12 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:25 PM

سلام

از دوستان بنیان اندیش بخصوص برادران نیسی و سنجری می خواهم به این وبلاگ رفته و پاسخ افکار جاهلانه شان را بدهند :

http://yassen14.blogfa.com/

فقط لطف کنید پیغامتان را در وبلاگ من هم قرار دهید تا در صورت تایید نشدن نظرتان خودم به نحوی در فرصتی مناسب پاسخ تان را به گوششان برسانم .

با تشکر

http://mantegh-abdughkhiyar.blogfa.com

طالب الحق
شنبه 13 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:27 AM

خانم حاجی زاده

ما فقط پیامهایی را که میخواهیم برای بنیاد اندیشان عرب _نه عرب زبان_ ارسال کنیم به عربی میگذاریم که برای شما سودی ندارند والا کامنت هایی را که مورد خطاب همه برادران وخواهران بنیاد اندیش است را به لهجه ای میگذاریم که همه آن را بفهمند.

ولی در مورد زبان عربی شما چرا؟

ما هم مانند اجدادمان هیچ لشکرکشی نکردیم ولی نمیدانم چرا بعضیها این زبان عربی را به چشم لشکر سراپا مسلح میبینند شاید حق داشته باشند زیرا وسیله ای بود برای نشر کلام لشکر شکن خدا قرآن

ولی در مورد کامنت آخر اینکه نرسیدم آن را ترجمه کنم (راستش خجالت کشیدم ترجمه کنم زیرا برام مهم بود ولی میدونم برای استاد وبقیه ی بنیاد اندیشان موضوع مهمی نیست این تیکه آخریه بین خودمون باشه)

وخلاصه از شما معذرت میخوام

!!کتابهای مندائیان که طبعا در چند قرن اخیر به زبان مندی که یکی از زبانهای آرامی است نوشته شده حامل داستانهای سینه به سینه مندائیانی است که اقلیت بودن آنها و سد راه نبودنشان در برابر یهودی که هم وغمش فقط اسلام است و دیگر حرص آنهابه از بین نرفتن اعتقاداتشان ودوام آنها با دیکته کردنش بر تمام فرزندانشان باعث شده بوی کمی حقیقت نما از آن به مشام برسد

لقد ورد نص فی کتاب (حران کویثا) ما یؤرخ حادثة واحده علی الاقل حدثت فی القرن الاول المیلادی وهی قیام الیهود بالقیام باباده جماعیه للمندائیین فی اورشلام(موطن المندائیین) حیث قتل فی هذا الحادثة کما روی فی هذا الکتاب الاف المندائیین وکان بینهم(ثلاثمائه وستین رجل دین مرة واحدة) لانهم مندائیون مما ادی الی هجرتهم الی خارج المنطقه وهذا هو النزوح الاول للمندائیین خارج وطنهم . ویعلم جمیع المندائیین المذابح التی تعرضوا لها علی أیدی الیهود فی التاریخ القدیم و فی بدایه الدعوه المسیحیه والذی اشارت الیه کتبنا الدینیه والتی توقف بعدها التبشیر بدیننا بسبب هذه المذابح , ولا ارید الاسهاب فی هذا الموضوع لانه معروف لجمیع المندائیین.

در کتاب حران کویثا ذکر قتل عام آنها بدست یهود در قبل از میلاد آمده وآمده که هزاران مندائی و 360تن از بزرگان دینشان کشته شدند، این کشتار در اورشلیم روی دادهوبعد اآن تبلیغ دینشان به علت نسل کشیها وفرار مردم متوقف شد و این اولین کشتار مندائیان بدست یهودیان نبوده

حین جاء الی السلطة الملک الساسانی بهرام الأول سنة 273(م) . قام بحمله اضطهاد شعواء قادها الحبر الاعظم للزرادشت (کاردیر) ضد المندائیین, الی انه لم یستطع القضاء تماما علی المندائیة، ولکن التدوین توقف تماما لعدة قرون ولم نشاهد التأثیرات والکتابات المندائیة الا فیما یسمی بأوعیة (قحوف) الاحراز والأشرطة الرصاصیة

وقتل عام بزرگی در سال 273 میلاد در زمان مایسمی بهرام اول به تحریک (کاردیر) باز هم مایسمی مغ بزرگ زردشتی ها روی داده _ مصدر این مطلب در همه مقاله های مندائی ویکیپیدیاست ، که بی اعتباریش بیشتر از بقیه کتب است _ ولی با اینکه میدانیم ساسانیانی وجود نداشتند شاید بتوان این امر را به واقعه پوریم بتحریک مردخای(کاردیر) تشبیه کرد ودیگر اینکه در متن عربی این مطلب آمده که بعد از این قتل عام حرکت تدوین کتب تا قرنهای زیادی متوقف شد و فقط بعضی شعارهای دینی بر روی بعضی ظروف به نام قحوف و نوارهای سربی حک میشد که کاملا مؤید.....

abbas

شنبه 13 شهریور ماه سال 1389 ساعت 04:03 AM

http://www.quranclub.net/2010/05/prophet-noahs-ark-found-in-turkey.html

abbas

شنبه 13 شهریور ماه سال 1389 ساعت 04:06 AM

http://www.crystalinks.com/cyrustablets.html

abbas

شنبه 13 شهریور ماه سال 1389 ساعت 05:25 AM

http://oi.uchicago.edu/OI/DEPT/PUB/SRC/OIP/117/OIP117P1.pdf

عادل

شنبه 13 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:23 AM

http://www.worth1000.com/contests/1751/archaeological-anomalies-3

جناب طالب حق سایت worth1000 سایتی است برای کارهای فتوشاپی در این سایت هزاران عکس فتوشاپی از جمله عکس انسانهای غول پیکر در صحرای عربستان و نمونه های مشابه را می توانید در آن بیابید .

توحید

شنبه 13 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:31 AM

سلام

بنیان اندیش گرامی ، یه نفر

قضاوت نسبت به افراد امری ظنی است و ما ملزم به پیروی از ظن کسی نسبت به دیگری حتی استاد پورپیرار نیستیم . به هر حال شما از کجا آخرین نظر استاد در مورد خانم امةالله را می دانید ؟ چون در آخرین نظرشان از زحمت خانم امةالله برای معرفی آثارشان به متفکرین عربی تشکر هم کرده اند . شما بهتر است مباحث این وبلاگ را دنبال کنید و هر جا مورد مشکوکی دیدید گوشزد کنید .به هر حال من فقط ادای وظیفه می کنم و قرار است به تدریج با همکاری خواهر گرامی امةالله آثار استاد بصورت منتخب و اولویت بندی ترجمه شود و در سایت پر بیننده عربی «اهل القرآن» نصب شود .

جناب طالب الحق آدرس arabic-narya.blogsky.com

معتبر نیست و پیغام عدم وجود چنین وبلاگی از سوی بلاگ اسکای درج می شود .

بختیار

شنبه 13 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:35 PM

با سلام به حضور استاد

در یکی دو جا از قول داریوش و کوروش و دیگران در مورد پارس چنین توصیف نموده اند که اهورا مزدا این سرزمین را که دارای اسبان خوب و مردان خوب است به انها عنایت کرده است.

اما نمیدانم سبب چیست در تخت جمشید در تصاویر روی دیوارها از نمایه‌ی اسب که احتمالا باید بسیار مورد احترام باشد اصلا استفاده نشده است؟

دوم : اگر صلاح می‌دانید در خصوص استفاده‌ی عبادی تخت جمشید نیز توضیح دهید. آیا امکان ندارد کل ساختار تخت جمشید یک معبد باشد و اهدا کنندگان و هدیه اورندگان در واقع نوعی پیشکشی برای معبد و یا کاهن اعظم اورده باشند. رسم پیشکش اوردن برای خداوند در میان یهودیان بسیار ریشه دار است؟

حاجی زاده

شنبه 13 شهریور ماه سال 1389 ساعت 1:39 PM

مدتیست که دوستان عرب زبان و ترک زبان ـ نه ترک ـ (با وجود مهاجرتهای اجباری و برنامه ریزی شده در چند سده اخیر، واقعا می توان با قاطعیت از نژاد حرف زد!؟ و آیا حقیقتا چنین کاری ضرورت دارد؟) گفتگوهایشان را به زبان مادری انجام می دهند، اگر این مکالمه ها، دونفره و شخصی است پس ایمیل مناسبتر می باشد، و اگرنه، پیشنهاد میکنم گفتگوها به زبان بین الاقوام فارسی (!) باشد. امیدوارم دوستان از من نرنجند، ولی این کار (گفتگو به زبان مادری) تاحدودی رنگ و بوی خودنمائی دارد.

ضمنا کاملا واضح است که قصد من از عنوان لشگرکشی اعراب، مطایبه بود و بس.

طالب الحق

شنبه 13 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:26 PM

خانم حاجی زاده

خواهر گرامی موقعی که اثبات کردید اعراب خوزستان عرب زبانند آنموقع بر این واژه تأکید کنید ، پس عجله نکنید.

قسمت آخر کامنتتون رو هم میذارم به پای معلمیتون نسبت به من

ودیگر اینکه دوست داشتم به جای بحث در این موارد بی ضرر ونفع شما استاد گرانمایه بااستفاده رساندن علمی و معلوماتی به این حقیر بر من منت بگذارید .

وان شاءالله این باعث خیری بود برای ارتباط بیشتر

حاجی زاده

یکشنبه 14 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:02 AM

آقای طالب الحق

قصد من این است که به شما اثبات کنم عرب بودن و یا عرب زبان بودن چندان تفاوتی ندارند و کلا نباید برای یک بنیان اندیش مهم و یا حساسیت زا باشد. اینطور دغدغه ها از نگاه یک بنیان اندیش منتفی است.

وقتی من به حقیقت رسیده باشم، برایم چه فرقی میکند ترک باشم کرد یا عرب؟ حقیقت حقیقت است، ورای نژاد و زبان و وطن من. بالاتر از تعلقات خاطر و دل مشغولی های من.

براستی لازمه ی طالب حق بودن، خرد ورزی و ایمان و جسارت است یا عرب خوزستان بودن!؟

لااقل با خودتان روراست باشید و به این سئوال من جواب دهید: برای شما طالب الحق بودن ارجحیت دارد یا عرب خوزستان بودن؟

مسعود سنجری

یکشنبه 14 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:41 AM

امروز چشمان به حقیقتی ناب باز شد و آن اینکه

عرب خوزستان بودن و طالب حق بودن دو چیز متضاد هستند که در یک جا نمی شوند و حتما باید یکی از آنها را انتخاب کرد.

استاد باور اینکه شما اجازه چنین اظهارنظر هایی را می دهید بسیار دور از ذهن است.

<< 3 2 1 >>

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya | 15

ایران شناسی بدون دروغ ۲۷۹، نتیجه۸۷، شعور تاریخی پیشین

طالب الحق

یکشنبه 14 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:37 AM

طالب الحق بودن

ولی در آن هیئتی که خدا مرا در آن خلق کرد وبه من هبه نمود.

أمة الله

دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:04 AM

سلام توحیدگرامی ممنون از همراهی تان.

مشکل همون " یه نفر " اینه که حرفی برای گفتن نداره و بدلایلی که خودش بهتر میدونه ! قصد خودنمایی به نام " بنیاداندیشان " دارد!

به هرحال قصد من هم نه طرفداری از شخص خاصی بلکه ظهور حقیقت است.

حقیقتی که قبل از همه خودم بدان برسم و یقین کنم رضای الله تعالی در مشفش است.

نجاست و خباثت یهود مکشوف است ولی در عالم عرب هنوز این خباثت به خوبی کشف نشده و علتش هم دعواهای داخلی بین فلسطینیان است که باعث عربهای بی سرپرست فلسطینی خود را مثل یهیمان بی سرپرستی احساس کنند که دستشلن به هیچ جا بند نیست!

دوستانی فلسطینی دارم که از زندگی به تنگ آمده و گاهی تصور می کنند گشت و گذار سرباز یهودی بهتر از دعواهای حماس و فتح است! هرچند یهود برای آنان همان اشغالگر پلیدیست که خانه هایشان را در روز روشن از آنان گرفتند درحالیکه کلید دروازه ی خانه ها هنوز نزد مادرانشان است ولی نمی توانند از دور هم خانه هایشان را مشاهده کنند والله المستعان.

مقالات آقای پورپیرار خیلی جریئ تر و تندتر از نظرات و اعتقادات دکتر احمد منصور است .

شخصاً اعتقادم در این است که منبع و مصدر دین داری جز قرآن عظیم نیست و منابع تاریخی جوامع اسلامی ربطی و اثری در حقیقت دین ندارد .

اما در کنار این اعتقاد نمی توانم تصور کنم که مسلمین دارای هیچ تمدن و حکومتی هم نبوده اند!

قبول دارم که حمله و یورشی برای انتشار اسلام صورت نگرفته ولی آیا انتشار سلمی نتوانسته موجب تشکیل حکومت و تمدن اسلامی

شود؟

تاریخ شناسان عرب نگفتند که خود کاشف ورق بوده اند ولی معتقدند اولین کارخانه ی ورق سازی توسط مسلمین ساخته و شکل یافته و در بسیاری علوم سرآمد عصر خود بوده اند.

در آینده امیدوارم فرصت تحقیقی بیشتری پیدا کنم و امیدوارم الله تعالی به عمر و سلامتی استاد پورپیرار و دکتر احمدصبحی منصور هم برکت عطا فرماید تا حقایق آشکارتر و منتشرتر گردد.

http://tauheed.blogfa.com/

چرا
شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:34 AM

سلام

آقای پورپیرار من پاسخهایی چند سطری و سطحی را دوست ندارم

اینکه چندبار سئوالات خود را باتوحید مطرح کردم از آن لحاظ بود که می خواستم ایشان ته و توی مسئله را در بیارند و من نخواهم مرتب سئوال کنم

باز سئوال خود را مطرح می کنم با اسناد و اثبات کامل برایم بیان کنید

آیا شروع وجود انسانی از منطقه خاورمیانه بوده و بعد در جهان پخش شده است با چه دلایلی این امر ثابت می شود؟

بومیان موجود در مناطق دور دست مثل امریکا یا استرالیا چگونه امکان پذیر است؟

در نوع اثبات فرض بگیرید من می خواهم از دلایل از صفر برایم شروع به بیان شود از دو حوزه درون و برون دینی توضحی داده شود؟

http://masir-quran.blogfa.com/

پاسخ:
آقای چرا. از صفر کتاب های تاملی در بنیان تاریخ ایران را بخوانید. قریب ۱۵ جلد است.

م. اوجال اولوتورک
یکشنبه 28 شهریور ماه سال 1389 ساعت 1:48 PM

کمی پیش در اینترنت، به دنبال ترجمه تورکی تورکیه ای "تاریخ طبری" و "تفسیر سورآبادی" بودم که به طور اتفاقی به سایتهای زیر برخوردم که مطالب و مقالات مندرج در آنها، یادداشتهای «اسلام و شمشیر» را به ذهن متبادر می کرد. مطالبی که گر چه شاید نتوان گفت بوی «بنیان اندیشی» می دهند، اما، نشان دهنده وجود جویندگان «اسلام حقیقی» در سایر نقاط دنیای اسلام هستند.

http://www.kuranmuslumani.com

/http://www.istekuran.com

/http://www.kuranislami.com

کتاب الکترونیک «قرآنداکی دین" (دین موجود در قرآن):

http://www.aliaksoy.net/wp-content/kurandakidin.zip

iran
دوشنبه 5 مهر ماه سال 1389 ساعت 12:41 PM

ostad man montazere javabe shoma hastam salam

پاسخ:

جواب چه چیزی؟

3 2 1 >>

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

43685

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya 15

ایران شناسی 280

ایران شناسی بدون دروغ، 280، نتیجه ۸۸، پلید کاران جاعل دروغ باف

R134a
یکشنبه 14 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:08 AM

خسته نباشید

تبلیغات نستله با خط عبری در تهران !

http://www.shia-news.com/files/fa/news/1389/5/26/6495_617.jpg

طالب الحق
یکشنبه 14 شهریور ماه سال 1389 ساعت 04:18 AM

محمد الأسعد کتابی با نام مستشرقون فی علم الآثار تألیف کرد که در آن مجعولات کنیسه را در آثار عربی بیان میکند

http://www.aljarida.com/aljarida/Article.aspx?id=147386

یکشنبه 14 شهریور ماه سال 1389 ساعت 06:41 AM

ریشه های هراس غرب از سقوط اسرائیل به قلم نخست وزیر سابق اسپانیا(خوزه ماریا ازنار) /

by امیر on 9/4/10

«اسرائیل بخشی اساسی از جهان غرب است؛ غربی که ریشه های آن به ریشه های مسیحی- یهودی باز می گردد و اگر عامل یهودیت از تمدن غرب حذف شود و اسرائیل از بین برود، سرنوشت غربی ها هم نابودی است. زیرا سرنوشت غربی ها با اسرائیل گره خورده و جدا نشدنی است.

این بخشی از عباراتی است که روزنامه «تایمز لندن» در سرمقاله خود به قلم «خوزه ماریا ازنار» نخست وزیر اسپانیا (در سالهای 1996 تا 2004 م) آورده است و از دو نکته اساسی خبر می دهد؛ «اسرائیل در وضعیت رو به فروپاشی قرار دارد» و «فروپاشی اسرائیل به مثابه پایان یافتن اقتدار غرب در منطقه خاورمیانه است.»

تا چندی قبل سخن گفتن از امکان فروپاشی رژیم صهیونیستی نوعی خیال پردازی و ساده انگاری تلقی می شد امروز احساس هراس تاروپود رژیم صهیونیستی و حامیان سنتی آن در غرب را در برگرفته است.

همزمان با چاپ مقاله ازنار در تایمز لندن، روزنامه «یدیعوت آحارنوت» اسرائیل به نقل از «اوراهام بورگ» رئیس سابق مجلس (کنست) رژیم صهیونیستی نوشت: «اسرائیل در حال تجزیه است و به زودی شاهد صف آرایی «اشکنازی ها» -یهودیان غرب تبار- در مقابل «سفاردی ها»- یهودیان عرب یا آفریقایی تبار- خواهیم بود». در هراس از چنین شرایطی، «دادگاه عالی رژیم صهیونیستی به والدین دانش آموزان اشکنازی هشدار داد که در صورت تمکین نکردن فرزندانشان به حضور در مدارس مشترک سفاردی ها و اشکنازی ها، رژیم والدین این دانش آموزان را روانه زندان خواهد کرد.» پس از صدور این حکم یک طایفه بزرگ یهودی- هریدی ها- تظاهرات گسترده ای را علیه دادگاه عالی این رژیم برپا کردند که «اوراهام بورگ» در واکنش متقابل گفت هریدی ها عملاً از جامعه اسرائیل جدا شده اند.

واکنش فراگیر علیه اقدام رژیم صهیونیستی علیه یک کشتی کاروان آزادی به خوبی نشان داد که اسرائیل جایگاه بین المللی خود را از دست داده است. تردید و سکوت غرب در حمایت آشکار از تل آویو زنگ خطر را برای آنها به صدا درآورده است. به سخن ازنار خطاب به سران دولتهای غرب دقت کنید:

«از احساس خشم دوری کنید و با اتخاذ مواضعی عقلانی و متعادل، حقایقی را در نظر بگیرید و در موجودیت دولتی که موجودیت آن براساس قطعنامه سازمان ملل شکل گرفته، تردید نکنید» او در یک جمعبندی مأیوسانه می گوید: دولت اسرائیل پس از گذشت 60 سال از تأسیس وارد جنگ هایی می شود که مجبور است از موجودیت خود دفاع کند. حقایقی که این مقام سابق غربی به آن اشاره می کند، عبارتست از هویت بازیافته فلسطین و عزم رو به افزون همت مسلمانان برای آزادی سرزمین مقدس فلسطین. در واقع «ازنار» خود هم امیدی به بقاء اسرائیل ندارد چرا که معتقد است رژیم صهیونیستی هنوز از مرحله تلاش برای موجودیت عبور نکرده و این در حالی است که نسل اول این رژیم کاملاً از بین رفته اند و نسل دوم دهه پایانی حیات خود را سپری می کند.

از منظری راهبردی، تضعیف اسرائیل نشانه تضعیف اقتدار غرب در خاورمیانه است. حدود 5 سال پیش یک استاد برجسته دانشگاه اردن- دکتر عبدالمهدی عبداله- طی مقاله ای تحقیقی در هفته نامه «مریا» نوشت: «غرب و بویژه آمریکا، اسرائیل را ایجاد کردند و این اسرائیل هم اکنون پایگاه آنان برای کنترل منطقه است.»

در همان ماههای اولیه پس از اشغال عراق توسط آمریکا، مرکز مطالعات استراتژیک بیستا- بگین، سادات- وابسته به تل آویو در گزارش نوامبر خود با ذوق زدگی خاصی نوشت: «پس از مناقشه عراق، ما در آستانه یک توافق فرا آتلانتیک هستیم. برای اروپا و آمریکا، خاورمیانه

بزرگ، قطعاً بخشی از این معادله است و اسرائیل می تواند در قالب شکل دهنده این تعادل استراتژیک ظاهر شود.» خب این تصویری است که 6 سال پیش در گزارش «besacenter» ارائه شده است این گزارش را با تصویری که طی 4 سال اخیر- بویژه پس از شکست سنگین اسرائیل در جنگ 33 روزه- در محافل سیاسی این رژیم و غرب مطرح است و یادداشت ازنار فقط یکی از این موارد است.

در یک سطح تحلیل استراتژیک باید گفت از آنجا که غرب برای اسرائیل در خاورمیانه یک موقعیت فوق استراتژیک (Strategic Position Super) قایل بود. بنابراین شکست آن نیز برای غرب یک شکست فوق استراتژیک (Super Strategic Failure) خواهد بود و دقیقاً به همین دلیل مقامات آمریکا با نگرانی زیاد مسایل مرتبط با اسرائیل و فلسطین را پیگیری می کنند. آنان دائماً به مقامات تل آویو فشار می آورند و از آنان می خواهند که دست از اقداماتی که احیاناً وضع را بدتر می کند بردارند.
یک گزارش مشترک که از سوی دو سازمان با سابقه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی- شاباک و موساد- منتشر شده بیانگر بحران فزاینده تل آویو می باشد. در یکی از بندهای این گزارش آمده است: «در حالی که صحنه داخلی اسرائیل به هیچ وجه برای وقوع یک جنگ جدید آمادگی ندارد، شاهد قدرت گرفتن روزافزون حزب الله لبنان در مرزهای شمالی، افزایش بی ثباتی کرانه باختری- مرزهای شرقی- و تحرک شدید ساکنان غزه برای شکستن محاصره هستیم».

این گزارش 7 بحران فراگیر را برای سال 2010 اسرائیل به تصویر کشید و در ذیل بحران اضمحلال قدرت هم پیمانان فلسطینی اسرائیل نوشت: «راکد ماندن مذاکرات صلح با تشکیلات خودگردان فلسطین، کمتر از خطر ایران نیست» این گزارش اطلاعاتی می افزاید اگر اوضاع به همین نحو جلو برود همسایگان ما- منظور اردن و مصر- به جبهه ضد اسرائیلی منطقه می پیوندند که در این صورت همه مرزهای شمالی، جنوبی و شرقی نا امن می شوند. یک مشکل استراتژیک اسرائیل این است که وارد کردن بیش از این مقدار فشار به طرف های فلسطینی- در کرانه باختری یا نوار غزه- امکان پذیر نیست. همین مقدار هم با واکنش متوقف کننده بین المللی مواجه شده است از سوی دیگر فلسطینی ها تاکنون در برابر همه این فشارها مقاومت کرده اند. این وضعیت به اسرائیلی ها می فهماند که سیاست اعمال فشار پاسخ نمی دهد و چاره ای جز کنار گذاشتن یا بهتر بگوئیم دل نبستن به آن وجود ندارد. دقیقاً به همین دلیل رژیم تندرو اسرائیل اعلام کرد که چند گذرگاه زمینی را برای ورود مواد غذایی و دارویی باز می کند.

البته این به معنای رفع محاصره غزه نیست چرا که برداشتن محاصره غزه، برداشتن محاصره دریایی است نه زمینی. غزه از نظر زمینی همواره در محاصره زمینی رژیم صهیونیستی است خواه گذرگاهها بسته و خواه باز باشند مگر اینکه اساساً رژیم صهیونیستی از بین رفته باشد.

برای درک رابطه بقاء اسرائیل با بقاء موقعیت غرب در خاورمیانه باید به نقش این رژیم در انسجام بخشی به سیاست غرب درباره خاورمیانه توجه داشت. بدون اسرائیل هر کشور غرب با تعدادی از واحدهای سیاسی- کشورهای - خاورمیانه ارتباط برقرار می کند. هر کشور اروپایی روی یک یا چند جنبه اساسی از رابطه دو جانبه تأکید خواهد کرد و این به سیاست های متناقض و توأم با اصطکاک تبدیل می شود. وقتی اسرائیل بعنوان پایگاه اصلی غرب در خاورمیانه مطرح باشد، سرزمین های اشغالی فلسطین دالان مشترک ورود غرب به خاورمیانه و نقطه هماهنگی این سیاست ها می باشد به عبارت دیگر رژیم صهیونیستی «هماهنگ کننده» سیاست های غرب در خاورمیانه است.

حالا تصور کنید- تصوری که به هیچ وجه خیالی و غیر واقعی نیست- که رژیم صهیونیستی فروپاشیده است، غرب مهمترین دالان ورود خود را از دست داده است در این شرایط کشورهای محوری تر خاورمیانه نظیر ایران موازنه دهنده روابط در این منطقه خواهند بود یعنی یک رژیم منطقه ای در ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و... جایگزین یک رژیم بین المللی خواهد شد با این تفاوت که این بار این رژیم منطقه ای نه بر اجبار و قوه نظامی بلکه بر پایه «همکاری های متقابل منطقه ای» استوار خواهد بود.

http://www.google.com/reader/shared/02560224656633835131

پاسخ:

برای فروریزی کامل اسراییل هیچ اسلحه و ابزاری مانند بلند کردن علم پوریم و اثبات عملیات جاعلانه فرهنگی یهودیان در باب تاریخ و فرهنگ شرق میانه، کاربردی و موثر نیست که به هیچ اسلحه و آتش دیگری نیاز ندارد. عکس العمل ده ساله اخیر یهودیان نسبت به این تحقیقات جدید نشان می دهد که تا چه اندازه هراسان شده اند. برملا کردن فعالیت های فرهنگی عمدا جاعلانه دانشگاه های کنیسه و کلیسایی غرب در باب تمام جهان و به ویژه شرق میانه موجب سرافکندگی و جهالت غرب و به ویژه یهودیان خواهد شد.

abbas

یکشنبه 14 شهریور ماه سال 1389 ساعت 08:54 AM

http://www.icar.ir/UserFiles/File/asr%20e%20MEFRAGH/BOOK%20fINAL%20pdf.pdf

محمدرضا

یکشنبه 14 شهریور ماه سال 1389 ساعت 08:54 AM

با سلام خدمت برادر بزرگوار جناب سنجری

همانگونه که مستحضرید یکی از مباحث اصلی و گردنه های بحث برانگیز گسترش اسلام همانا ظهور اسلام در اسپانیا و تمدن هشتصد ساله آن بوده . متاسفانه دروغ پردازیهای اربابان کنیسه و کلیسا در آلودن منابع تاریخی این موضوع را به یکی از شواهد بی بدیل فتوحات خونین! اسلامی بدل نموده به نحوی که علاوه بر غیرمسلمانان این باور حتی در میان ما مسلمانان نیز نهادینه شده.

از شما خواهشی داشتم و آن اینکه

آیا برایتان امکان دارد که مقالاتی از استاد که راجع به گسترش اسلام در اسپانیا است را به صورت خارج از نوبت به عربی ترجمه نمایید.

ایران شناسی بدون دروغ، 170 تا ۱۷۴

با آرزوی سلامتی و موفقیت برای شما

http://www.www.naria.ir/page/1.aspx?start=101

آیدین قشقایی1

یکشنبه 14 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:44 AM

سلام به دوستان

در پاسخ به بحثی که جناب آنتی در وبلاگ خود پیرامون روش تحقیق پیش کشیده اند، می خواهم در مورد انواع پارادایمهای تحقیق و جایگاه روش شناسی تحقیق جناب پورپیرار مطالبی را خدمت دوستان ذکر نمایم.

بطور کلی پارادایمهای فلسفی عمده تحقیق شامل پارادایم اثبات گرا، پارادایم تفسیری، پارادایم انتقادی و پارادایم پست مدرن می باشند.

در پارادایم اثبات گرا، این اعتقاد وجود دارد که واقعیت خارجی وجود دارد و محقق می تواند آن را کشف و درک کند. پارادایم تفسیری معتقد است که واقعیت خارجی وجود دارد اما هیچ گاه کشف نخواهد شد چون هر انسانی بر اساس برداشت خود از واقعیت عمل می کند و لذا چون علم ما در مورد هر چیز نسبی می شود لذا واقعیت هیچگاه کشف نخواهد شد. پارادایم انتقادی معتقد است که واقعیت خارجی وجود دارد اما هاله ای از ارزشهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن را در برگرفته و ما برای کشف واقعیت می بایست با مباحثه و جدل گوشه هایی از واقعیت را دریابیم. پارادایم پست مدرن معتق است که واقعیت خارجی وجود ندارد و آنچه ما واقعیت می پنداریم در واقع ساخته ذهنیات و تخیلات ماست که بر اساس ارزشهای خود در ذهنمان به آن واقعیت بخشیده ایم.

رویکرد بسیاری از محققین رویکرد اثبات گرا ست یعنی فرض بر این است که واقعیت بیرونی همان است که محقق در ذهن خود تصویر کرده و ذهن محقق آینه تمام نمای حقیقت است. هنوز هم که هنوز است، چه در حوزه علوم طبیعی و چه در حوزه علوم اجتماعی رویکرد اثبات گرا حاکم است که البته اشکالات زیادی بخصوص در حوزه علوم اجتماعی و انسانی ایجاد می کند چون رفتار انسان و اجتماع تا حد زیادی ناشی از باورها و نگرشهای فرد و هم کیشان وی است و انسان بر اساس برداشت خود از واقعیت بیرونی رفتار می کند و نه خود واقعیت.

از نگاه علمی تحقیقات به سه دسته تحقیقات کمّی، کیفی و ترکیبی تقسیم می شوند. در تحقیقات کمی محقق از ابزارهایی مثل مشاهده شواهد، پرسشنامه بسته و بررسی مستندات برای جمع آوری اطلاعات استفاده می کند. در این نوع تحقیقات محقق به دنبال تبیین پدیده مورد مطالعه است و با تدوین و ارائه فرضیاتی سعی در آزمون و تایید و رد آنها دارد و فرض بر این است که محقق می تواند بدون تاثیر و تاثر، پدیده را مطالعه کند.

در مقابل، تحقیق کیفی برای درک و تبیین پدیده‌های پیچیده اجتماعی از داده‌های کیفی نظیر داده‌های حاصله از مصاحبه، مشاهده مشارکتی، مستندات، پرسشنامه باز استفاده می‌کند. در تحقیق کیفی معمولاً فرضیه نداریم و محقق و تحقیق شونده با یکدیگر در رابطه متقابل در نظر گرفته می‌شوند، و محقق صرفاً به دنبال توصیف پدیده مورد مطالعه است و سعی دارد پدیده را آنگونه که هست، توصیف کند. محقق خود به عنوان عضوی از جامعه مورد تحقیق وارد شده و سعی می کند با زندگی با افراد یک جامعه، با راز و رموز زندگی اجتماعی آن افراد آشنا شده و در نهایت یافته های تحقیق خود را منتشر می کند. مثل قوم نگاری که محقق به دنبال توصیف زندگی مردمان یک منطقه یا یک قوم می پردازد و قضاوت را به خواننده واگذار می کند.

نوع سوم تحقیق، تحقیق ترکیبی است که محقق در مراحل مختلف انجام تحقیق سعی می کند از ترکیب ابزارهای بکار رفته در دو نوع تحقیقات اخیر، در مورد موضوعی تحقیق کند. مثل تحقیق موردی (Case Study). مثل کارگاهان پلیس که مثلاً در مورد وقوع یک قتل تحقیق می کنند. در این حالت محقق به دنبال کشف حقیقت است.

آبدین قشقایی 2

یکشنبه 14 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:48 AM

با این مقدمه وارد بحث روش تحقیق جناب آقای پورپیرار در حوزه تحقیقات ایران شناسی می شوم:

پارادایم تحقیق ایشان اثبات گرا ست و کار خود را با اتکا به نگرش عوام جامعه ما، با این فرض شروع می کند:

H0 : تخت جمشید یک کاخ منحصر به فرد و قابل بهره برداری کامل بوده که در آن جشنها و مراسم مختلف برگزار می شده است.

در ادامه محقق با بررسی شواهد موجود در ورودیها، صددروازه، کاخ تچر، هدیش و ... و بررسی کاخهای موجود در سایر نقاط دنیا و مقایسه آن با مجموعه تخت جمشید، به وضوح نشان می دهد که مجموعه تخت جمشید هیچگاه کامل نشده است ضمناً اگر کامل هم می شد هیچگاه به پای بسیاری از سازه های باستانی کشورهای دیگر جهان هم نمی رسید و لذا فرضیه صفر را رد می کند و نتیجه می گیرد که آنهمه کتاب که در مورد مراسمها و ... مرتبط با تخت جمشید است همه جعلی و نو نوشته اند تا حقیقتی را کتمان کنند.

در ادامه، ایشان فرضیه جدیدی را مطرح می کنند:

H00: بومیان ایران در زمان هخامنشیان قتل و عام شده و ایران از آن زمان تا حدود 350 سال پیش، خالی از سکنه بوده است.

در ادامه ایشان با استناد به شواهد متعدد موجود و مطالب مندرج در تورات، عامل این نیمه کاره ماندن را حادثه پلید پوریم می دانند و بر اساس استدلالات متعدد، این فرضیه را تایید می کنند.

سپس براساس درستی این فرضیه، فرضیه سومی را مطرح می کنند:

H0000 : در سرزمین فعلی ایران، وقوع انقلاب سال 1357 شمسی اولین بار بعد از حادثه پوریم است که مردم ساکن در ایران به اختیار خود بر سرنوشتشان حاکم می شوند.

که در زمان حاضر در حال طرح دلایل درستی این فرضیه و تحکیم دلایل درستی فرضیات قبلی هستند.

****

یکشنبه 14 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:49 PM

استاد با سلام و خسته نباشید

فرمودید که:

(دستگاه سری تراش اسناد تاریخی، که غالبا در زیر زمین های کنیسه و کلیسا نصب است، معمولا برای جا انداختن چفت و بست دروغ های خود علاوه بر فنی کاری های فوق، به تدوین و تالیف کتاب، برای جا انداختن مقدماتی می پردازند که وجود خارجی ندارد. مثلا اگر مقرر شود در تخت جمشید کتیبه هایی با منظورهای خاص بتراشند، چند دهه ای مقدم بر نقر آن ها، یک خدمت کار ورزیده و یا حتی خیالی کنیسه را به منطقه اعزام می کنند تا برابر نقشه هایی که بدو می سپارند به وجود آن کتیبه هایی شهادت دهد که مقرر است بعدها در

این جا و آن جای تخت جمشید بر سنگ ها بتراشند و گرچه تا حدودی قضیه دوباره کاری است، اما یکی از زبده ترین این گونه ماموران و پادوهای کنیسه، دلقکی به نام نیبور است.)

سوالی که دارم این است:

آیا شخصیتی به نام نیبور وجود خارجی داشت و چنین سفری انجام داد یا خیر کنیسه و کلیسا جهت محکم کاری و شهادت وجود چنین کتیبه هایی چنین شخصیتی را جلع کردند و در همان کارگاههای جعل اسناد به اسم ایشان کتاب نوشتند؟

پاسخ:

آقای*** گمان من نیز همانند نتیجه گیری نهایی شماست.

فتح

یکشنبه 14 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:34 PM

چه جوابی به این آخرین تیر دانشگاه یهود در اسرائیل داریم آیا مشکل در شیوه نوشتن (نگارش عربی)است یا اینکه کلا این هم حیله دیگری از یهود برای مقابله با اعراب و زبان عربی که زبان قرآن و بر گزیده الله است.

جناب پورپیرار شما ثابت کردید شیوه نگارش و کتابت با خط عربی جدید و تکامل یافته دورانی نه چندان دور است که به خوبی جواب گوی تلفظ زبان عرب و قرآن است پس حتما حکمتی در این مورد بوده که شاید بتوان جواب آن را در قرآن عظیم یافت.

یادگیری خواندن زبان عربی "برای مغز مشکل است"

http://www.bbc.co.uk/persian/science/2010/09/100904_l26_arabic_hard_brain.shtml

عابدی

یکشنبه 14 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:42 PM

سلام. استاد خسته نباشید.

دوستان برای ورود به سایت ناریا به آدرس

wwww.naria.ir

مراجعه کنند. به دلایلی فعلا آدرس اصلی سایت بسته شده است.

مسعود سنجری

یکشنبه 14 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:02 PM

برادر گرامی محمدرضا

سلام علیکم

هرگونه ترجمه از مقالات و نوشته های استاد پورپیرار با هماهنگی و تایید ایشان صورت می گیرد. ایشان بعضی از مقالات را بصورت محدد و معین برای ترجمه مناسب می دانند. اینجانب اگر مفتخر به شاگردی ایشان باشم تمام آثار و نوشته های استاد را برای ترجمه و نشر در خارج از کشور مناسب می دانم. موفق باشید.

والسلام علیکم

فی امان الله

حاجی زاده

یکشنبه 14 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:09 PM

آقای نیسی واقعا از برداشت سطحی شما از گفته هایم ناراحت و متاسف شدم.

من هم چند سال پیش درست در همین نقطه ای که شما فعلا قرار دارید بودم.

امیدوارم بعدها متوجه لب کلام من بشوید.

***
یکشنبه 14 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:40 PM

با سلام مجدد خدمت استاد عزیز و تشکر از پاسخ سریعتان:

به یقین باید پذیرفت که سفری از جانب شخصی به نام نیبور در سال ۱۷۶۵ میلادی جهت مشاهداتی که قرار است ۱۵۰ سال بعد دیده شود صورت نپذیرفته چون از طرفی به درستی ثابت کردید که این کتیبه ها در دهه های اخیر حک شده و از طرفی این جعلیات توسط قومی و فرقه ای انجام شده که انسانند نه مافوق بشر!!یعنی اگر واقعا اینقدر کارشان درست است که از ۱۷۶۵ میلادی برای کاری که میخواهند ۱۵۰ سال بعد انجام دهند برنامه ریزی میکنند باید قبول کنیم که یهودیان انسان نیستند و مافوق بشر ند!! در صورتی که چنین نیست. و فقط این سوال میماند که آیا هیچ وقت از هیچ ارگان بیطرفی از این کتب آزمایش کربن گرفته نشده تا صحت و سقم تاریخ نگارششان مشخص شود؟ و اگر هم اکنون هم درخواست بشه آیا اصلا این کتب وجود خارجی دارند یا این اساتید دانشگاه رفته ما چشم و گوش بسته هر آنچه که به خوردشان دادند به همین راحتی پذیرفتند؟!!! امیدوارم با روشنگری شما روزی شاهد آن باشیم که مدعیانی سر بلند کنند در آینده تا طلبکارانه مدارک جعلی کنیسه و کلیسا را جهت بررسی درستی آن خواستار شوند و به چالش بکشند ادعاهایشان را و رسوایشان کنند.

پاسخ:

آقای ***. اشکال شما در صورتی درست است که ماجرای سفر نیبور را جدی بگیریم و قبول کنیم چنین موجودی در سال۱۷۶۵ میلادی در تخت جمشید بوده است. ضمنا سفرنامه نیبور نسخه اصل ندارد که به درد آزمایشگاه بخورد.

محمدرضا نیسی
دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 00:25 AM

سلام‌علیکم

سرکار خانم فریبا حاجی‌زاده

نمی‌دانم از کدام گفته‌ام ناراحت و متأسف شده‌اید. اصولا به خاطر ندارم در این یادداشت و همین‌طور قبلی اظهارنظر سلبی درباره نظرات شما کرده باشم.

اگر معلوم کنید منظورتان کدام مورد است ممنون می‌شوم و توضیح تکمیلی خواهم داد تا سوءتفاهم مرتفع گردد.

منصور
دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:32 AM

جناب ***

اگر کتابهای ۱۲ قرن سکوت استاد را خوانده باشید به یاد می آورید که جناب نیبور برخی کتیبه ایی که دم دست بوده و قابل رویت می باشد را در سفرنامه خود قید نکرده است. این چه سیاحی بوده که نانوشته ها را دیده و نوشته ها را ندیده است؟

همچنین است در مورد فلاندن و کوست که ناموجودها را نقاشی کرده اند و موجود ها را ندیده اند؟

ما اینک آنقدر مجهزیم که هیچ نیازی به آزمایشگاه نداریم.

از آن پنج شرط یا پنج فیلتری که استاد نازنین ما برای تایید هر گونه مکتوب تاریخی بر شمرده اند؛آخرین آن داشتن نمونه اوریجینال است.هیچ مکتوبی غیر از قرآن از یکی از چهارفیلتر اولیه هم عبور نمی کند تا به شرط پنجم برسد.

منصور
دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:53 AM

دوستان بزرگواری که ساکن مناطق عرب زبان هستید.

ضمن سلام

سوالی دارم واقعا به کمک شما نیاز دارم.و آن اینکه آیا مناطقی وجود دارد که در آنها مهد کودکها یا کودکستانها زبان عربی داشته باشد که بتوانیم فرزندانمان را برای یادگیری زبان عربی به آنجا بفرستیم یا اینکه در این مملکت امام زمانی همه جا فارسی اجباری است و برای فراگیری زبان دینمان باید ترک خانه و کاشانه و شغل خود کنیم و آواره کشورهای عربی شویم؟

تربیت و تجهیز نسل فردا به زبانهای دیگر برای اشائه بنیان اندیشی یک تکلیف است و اگر ما در برابر درسهای استادمان فقط یک شنونده باشیم ؛داریم وقت خود را تلف می کنیم.

زبانهای عربی؛انگلیسی؛فرانسوی حتی پرتغالی و عبری.

abbas
دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 04:03 AM

http://www.al-bab.com/bys/articles/lush02.htm

abbas
دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 04:22 AM

http://politiken.dk/kultur/boger/faglitteratur_boger/article1008905.ece

http://Niebuhr's secret book have appeared

پاسخ:

آقای عباس. لینک های بسیار مفیدی است. ممنون

abbas
دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 06:08 AM

http://www.artknowledgenews.com/2010-04-13-20-45-21-the-worlds-oldest-bible-reunited-online-by-the-british-library.html

منصور
دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 07:32 AM

جناب استاد پورپیرار

ضمن سلام

در اثبات جعلی بودن نیبور ؛ تصویر سوم از یادداشت ۲۸۰ باید ارتفاع اسفنکس ها از کف جدید یا قدیم تخت جمشید را نشان دهد.ولی ظاهرا تکرار تصویر دوم است.

پاسخ:

آقای منصور. تصویر سوم برای نمایش کف طبیعی و خاک برداری نشده است که علی القاعده در زمان نیبور با سم اسفنکس ها در یک سطح بوده است. در این صورت نیبور از کجا فهمیده فاصله سم اسفنکس ها با کف واقعی زمین چه قدر بوده است؟! مگر این که راهروی زیر سم اسفنکها را خاک برداری کرده باشد!

حکیمی
دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 09:06 AM

سلام. من با نظرات خانم حاجی زاده کاملا موافقم.اینکه دوستان سخنانی که مخاطب خاص دارد را به ایمیل های خود بکشانند ربطی به نفی هویت قومی آنها ندارد. اگر قبول دارید که همه اقوام و نام گذاری های آنها جدید است دیگر اصرار بر تبار چیست؟در خصوص اعراب هم بهتر است بگوییم عرب زبانان چرا که عرب تبار بودن تنها محدود به شبه جزیره و اطراف مکه است و الباقی عرب زبان اند نه عرب تبار.

تلمیذ

دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 09:17 AM

باسلام خدمت استاد پورپیرار کبیر

در اطراف محوطه تخت جمشید هم دیوار خشت و گلی بوده است که آثارش هنوز هم باقی مانده است.واضح است که یک شهر سنگی نمی توانسته برج و باروی خشت و گلی داشته باشد.

سعید

دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 09:37 AM

ریچارد فرای جاسوس سازمان سیا است

http://www.rajanews.com/detail.asp?id=60858

تل‌آویو بهشت هم‌جنس‌گرایان!

http://www.rajanews.com/detail.asp?id=60792

حمید

دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:26 AM

با سلام و درود

جناب منصور مدتی است پیگیر مطالب این سایت و سایت قبلی هستم و هنوز به طور کامل بر مطالب آن اشراف ندارم

آن ۵ شرط را میفرمایید بطور خلاصه. با سپاس بیکران

حاجی زاده

دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:47 AM

آقای نیسی

باعرض پوزش، منظورم آخرین کامنت آقای مسعود سنجری در یادداشت قبلی است.

مجددا عذرخواهی میکنم.

سایه

دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:58 AM

با سلام

بنده هم از دوستان عرب زبان خواهش کرده بودم اگر برایشان مقدور است وبلاگی راه اندازی کرده و به اموزش زبان عربی به غیر عرب زبانان بپردازند تا افرادی امثال بنده با حداقل ها آشنا شوند!

ممنون

آیدین قشقایی

دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:13 PM

سلام به دوستان

در تکمیل سخنان قبلی ام در مورد روش تحقیق جناب پورپیرار:

مبنای فلسفی تحقیق ایشان: اثبات گرایی

نوع تحقیق: کمی

روش جمع آوری اطلاعات: مشاهده شواهد، بررسی مستندات مطمئن

رویکرد تحقیق: قیاسی است یعنی محقق نتایج کار تحقیقی خود را از کل به جزء تعمیم می دهد.

دوستان

با این اوصاف آنتی و دوستانشان ابتدا باید درستی فرض H0 را نشان دهند نه اینکه بخواهند با هدایت خوانندگان روی فرضیه دوم و تحمیق آنان، فرضیه اصلی و اولیه را به حاشیه برانند.

به این منظور از دوستان بنیان اندیشی که در وبلاگ جناب آنتی حاضر شده و با رقیبان بحث می کنند تقاضا دارم دست روی پاشنه آشیل جناب آنتی بگذارند و وی و دوستانشان را در چنان بن بستی قرار دهیم که مجبور شود مستندی بسازد و به عینه ثابت کند که تخت جمشید قابل بهره برداری بوده است.

اگر ساخت فبها المراد اما اگر نساخت (که ظاهر امر این موضوع را نشان می دهد) بدین ترتیب بازی را باخته است.

مجید نصر اصفهانی

دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:49 PM

باسلام برادران (محمدرضا نیسی وطالب حقیقت)

وخواهر گرامی خانم حاجی زاده

نظرات درمورد شرک راخواندم وازهمه متعجب تربودم که چگونه شما مطلبی را که متوجه نمی شوید با این منش درمورد ان حکم صادر می کنید

دوستان خلط مبحث کرده اید بخوص که حتی استناد های نا بجای شما به ایات که مربوط بمحث نبودازیک طرف احساس نویسی دوستان بخصوص اقای نیستی برادر گرامی که جای هیچ شک شبهه نگذاشت که ایشان چشم بسته غیب گو شدند .

نمی دانم ایشان بعداز مطالعه صدها مقاله استاد عزیزامن چطور به یک نظر لایتغیر واسمانی رسیدند که شیعه وبخصوص روحانیت شیعه یا هر فرقه گرای دیگر مشرک است

((چهارشنبه 10 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:40 PM

سلام‌علیکم

جناب مجید نصراصفهانی

به شما فقط تذکر جدی می‌دهم اگر خود را بنیان‌اندیش می‌دانید و عمق جعل و تحریف کلیسا و کنیسه در همه ابعاد تاریخ و مذاهب را توانسته‌اید درک کنید، از ریختن آب به آسیاب جریانات مذهبی از هر جنسی خودداری کنید که "عقوبی نابخشودنی" از جانب الله عزوجل در انتظار شماست.

چرا که به لطف تحقیقات سترگ استاد عزیز صراط مستقیم معلوم شده و راه محافظت از اسلام عزیز روشن. بنابراین حجت عقلی و شرعی بر شما و همه ما روشن است و با آوردن توجیهات به ظاهر شرعی و یا وطن‌پرستانه، ادامه راه و روش قبلی توجیه نداشته و عقوبت نابخشودنی دارد.

شما اگر نگران مردم عزیز کشورمان هستید نگاهی به رفتار و بعضی اعتقادات آنان بیندازید تا میزان خرافه‌پرستی و شرک را دریابید و به جای گیردادن‌هایی از جنس "گشت ارشاد" به یاران بنیان‌اندیش، برای نجات مردم عزیز کشورمان از این حال و روز، به نشر آثار استاد عزیز اهتمام بورزید و عمق جعل را در زوایای مختلف مذهب و تاریخ برای آنان روشن کنید.

اگر هم گوشی برای شنوایی نباشد ولی بر اساس وعده و اراده الهی نور حقیقت تمام ظلمت‌ها و ضلالت‌ها خاصه از جنس شرک مذهبی و خرافه‌پرستی را خواهد زدود.))

واقعا مایه مباهت است شما خد از صدفرقه گرابدترید

شماهم که برسم فرقه گرایان مخالفین خود را کافر مشرک خواندید نترسید که یهود از سخنان شما بیشتر خوشحال شد که که برتفرقه گران یک عدد اضافه

داعی قران باید از عقوبت تهمتهایش اگاه باشد حداقل یک تحقیق کوچک در مورد عقاید شیعه بدون سطحی دیدن بکنید

بنده به نشر مطالب استاد همت دارم

محمد

دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 1:15 PM

جناب سه تا ستاره. یک راهکار برای تثبیت اطلاعات جدید در منابع قدیم از سوی کنیسه همواره به این شکل بوده که اطلاعات مجعول خودشان را لا به لای کتاب های قدیمی می چپانند تا آنها را قدیمی و معتبر معرفی کنند!! البته این امکان هم وجود دارد که اصل یک کتابی نوساز و جعلی باشد اما در مواردی که کتاب اصل دارد، در لابه لای مطالب آن مطلب مجعولی را جا می دهند تا از زبان یک ناظر قدیمی برای یک سخن مجعول اصالت بتراشند.

حسین محمدی

دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:30 PM

سخنگوی واتیکان خبر داد که این کشور از طریق کانال های دیپلماتیک تماس هایی را با مقامات ایرانی برقرار کرده است تا بلکه بتواند جان سکینه آشتیانی را نجات دهد.

به گزارش عصرایران به نقل از خبرگزاری فرانسه، "فدریکو لمباردی" در پاسخ به سوالات خبرنگاران گفت:" پاپ موضوع سکینه آشتیانی را با دقت و توجه دنبال می کند."

سخنگوی پاپ افزود: مخالفت واتیکان با اجرای حکم اعدام یک امر شناخته شده ای است.

وی افزود: مداخله پاپ در مسائل انسان دوستانه و تماس با مقامات کشورهای دیگر از طریق کانال های دیپلماتیک و نه به صورت علنی انجام می شود. همانگونه که درگذشته این امر بارها صورت گرفت.

هنوز پاپ بندیک شانزدهم به طور مستقیم در این باره اظهار نظر نکرده است.

علی رضا

دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:06 PM

با سلا خدمت استاد عزیز ودوستان

استاد در کامنتهای قبلی ، آقای طالب الحق با استناد به آیات قرآن کریم اشاره به این داشتند که اهرام مصر مربوط به قوم عاد است و به فراعنه و یهودیان مربوط نمیشود:

{ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ / إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ / الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ } الفجر : 6-7-8

به نظر بنده این نظر یه خیلی جای تامل دارد و قابل قبول به نظر میرسد و گرنه باید بپذیریم که در 1400 سال پیش و در زمان نزول آیه فوق، آثاری بزرگتر از اهرام وجود داشته اند(الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ)؟!

و اگر نظریه ایشان درست باشد میتواند نقطه شروع کشف تاریخ بغرنج مصر باشد و همچنین دروغی دیگر از دروغهای یهودیان مشخص شود.

پاسخ:

آقای علی رضا. هیچ بخشی از حجاری ها و متون داخل اهرام این نظر را تایید نمی کنند.

عرفان

دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:08 PM

با سلام و خسته نباشید به شما استاد گرامی

استاد قوم یهود در زمان خود حضرت موسی (ع) نیز همواره با بهانه گیریهای متعدد از اطاعت خداوند منحرف می َشدند و در قرآن کریم به کرات به این موضوع اشاره شده است و اولین کسانی که رو در روی حضرت عیسی (ع) ایستادند قوم یهود بودند اگر چه می دانستند این پیامبر ظهور خواهد کرد. اگر چه در کتاب مقدس به ظهور خاتم الانبیا(ص) اشاره شده بود ولی با ظهور ایشان ایمان نیاوردند چرا که انتظار داشتند آخرین پیامبر از یهود باشد و همچون زمان حضرت موسی (ع) آنقدر عهد شکنی کردند که منجر به جنگهای همچون غزوه بنی نضیر، خیبر شدند.

می خواهم این را بدانم که آیا جنگ و یا نبرد آرماگدون بنا به آنچه در باب شانزدهم مکاشفات یوحنا در عهد جدید آمده است. که شاید در آینده ای نزدیک جنگ عظیم در آنجا رخ دهد می تواند سرانجام این باشد که کل قوم یهود را از روی کره ی خاکی پاک کند؟؟ و آیا همان یهود هایی که در زمان خود حضرت موسی نیز از دستورات خداوند اطاعت نمی کردند و بعد از آن نیز تا الان همیشه دسیسه های فراوانی را به پا کردن شایسته ی این نوع به پایان رسیدن نیستند!!

پاسخ:

آقای عرفان. نمی توان وقوع هیچ جنگی بین مسلمانان با مسلمانان و مسلمانان با غیر مسلمانان را در هیچ زمانی اثبات مستند کرد مگر در حوادث قرن اخیر. در آینده نیز احتمال برخورد نظامی کلانی میان کشورهای مسلمان با مشرکین غربی دور از انتظار نیست.

عرفان

دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:22 PM

با سلام مجدد

استاد همین چند دقیقه پیش در صفحه اصلی خبرگزاری مهر این خبر درج شد که خواندن آن خالی از لطف نیست. و باری دیگر از دسیسه های یهود برای حفظ آن دسته از لوحهایی که در حفاری های تخت جمشید به دست آمده که ربطی به هخامنشیان ندارد را نشان می دهد. که خواندن آن خالی از لطف نیست . پایین مطلب لینک را می گذارم. سر بلند باشید

http://mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1143183

پاسخ:

اقای عرفان. من هم همین چند دقیقه پیش از زبان گوینده اخبار ساعت ده تلویزیون، غم بار ترین شرح حال اسف انگیز فرهنگ جاری خودمان را شنیدم که مجری می گفت هرودوت نوشته است غالب متفکران اسلام از بین ایرانیان بوده اند!!!

نتاب

دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 6:13 PM

سلام

استاد عزیز،

بحث تخت جمشید با این تعمیق جالب " ...نمایش کف طبیعی و خاک برداری نشده است که علی القاعده در زمان نیبور با سم اسفنکس ها در یک سطح بوده است. در این صورت نیبور از کجا فهمیده ..." ، به مرحله بسیار تخصصی رسیده و می‌تواند تز مستقلی باشد که در صورت چاپ به اضافه مستند تختگاه در جیب کتاب، عرضه شود و به آسانی در دسترس همه قرار گیرد.

منصور
دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 6:48 PM

جناب حمید سلام.

۱. در چه زمانی نوشته شده است.

۲. به چه زبان و خطی نوشته شده است.

۳. با چه ابزار نگارشی نوشته شده است.

۴. بر روی چه ماتریالی نوشته شده است.

۵. چه نمونه اریژینالی از آن موجود است.

یوسف
دوشنبه 15 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:09 PM

استاد پورپیرار با سلام و خسته نباشید

جناب استاد ، آیا می توان گفت که زیگوراتهای خشتی در تخت جمشید نه محل سکونت مردمی و ایلامی ! بلکه محل سکونت سازندگان و هنرمندان تخت جمشید می باشد که همزمان با شروع بنای تخت جمشید این خانه های خشتی جهت نیاز سکونتی آنها ساخته گردیده و هیچ ربطی به ایلامیها ندارد و آنچنان که ظواهر امر نشان می دهد این بناهای خشتی و اتاق شکل ، در کناره و مماس با بنای تخت جمشید بر پا شده است !!!
و آن لوحه های گلی بی شماری که از این مکان کشف گردیده و هم اکنون در دانشگاه شیکاگو نگهداری میشود ، احتمالاً در خود رازهایی را نهفته دارند و می تواند مربوط به اسامی و ملیت این هنرمندان و نحوه ساخت تخت جمشید و حتی شاید هم درج واقعه پوریم و توقف بنای تخت جمشید باشد . و همین موضوع باعث گردیده است که باستان شناسان شیاد دست به تخریب این زیگوراتها زده باشند تا اثری از آن نباشد .

با تشکر

پاسخ:

آقای یوسف. اگر سازندگان تخت جمشید و تخریب کنندگان بقایای ایلامی از معبد و خانه و قبور پشت دیوار شمالی تخت جمشید، این توضیح شما را خوانده بودند دست به محو این آثار نمی زدند. ضمن این که باید فرض کنیم تمام کارگران سازنده تخت جمشید ایلامی بوده اند.

نتاب
سه شنبه 16 شهریور ماه سال 1389 ساعت 00:41 AM

با سلام

دوست عزیز آقای آیدین قشقایی

فکر کنم که تحقیق جاری به شیوه کمی نیست، بلکه کیفی است، زیرا که در شیوه کمی محقق با عدد سر و کار دارد.

همچنین فکر می‌کنم که شیوه قیاسی الزاما مستلزم این نیست که محقق نتایج کار تحقیقی خود را از کل به جزء تعمیم دهد، بلکه در همین تحقیقات می‌بینیم که استاد عزیز از یک جزئـ مثلا اثبات نیمه کاره ماندن یک گلبرگ در تخت جمشید نتیجه می‌گیرد که تاریخ ایران ساختگی است.

با تشکر

مسعود سنجری
سه شنبه 16 شهریور ماه سال 1389 ساعت 00:56 AM

برادر گرامی منصور عزیز

سلام علیکم

متاسفانه چنین امکاناتی که پرسیده بودید در این مناطق موجود نیست و کسی مجاز به افتتاح نظایر آن در رده های سنی مختلف هم نیست.

شما شاهدید که حتی در حد این مباحث بنیان اندیشانه و نوین بعضی با ادعاهای مختلف و رنگارنگ تحمل چند یادداشت به زبان عربی را ندارند چگونه می توان در چنین کشوری با این فضای عرب ستیزی مهد کودکی بزبان عربی تاسیس کرد.

والسلام علیکم

فی امان الله

مسعود سنجری

سه شنبه 16 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:02 AM

خانم حاجی زاده

لازم نبود خودتان را به زحمت بیندازید. کافی بود که کامنت های بزبان عربی را در وبلاگ وزین استاد پورپیرار نصب نفرمائید. بشکل بدیهی هر کس که نگران برداشت متفاوت از کلام خویش باشد در بیان آن دقت مضاعف بکار می برد.

والسلام علیکم

محمدرضا نیسی

سه شنبه 16 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:19 AM

سلام‌علیکم

جناب آقای مجید نصر اصفهانی

باز هم خدمت‌تان می‌گویم همه ما باید نگران رفتارهای مشرکانه فرق رنگارنگ مذهبی باشیم که نمونه آنرا در منطقه خودمان ذکر کردم تقدس گوسفندی که بر شاخش نام فلان امام هست و یا طلب شفا از درخت!!

وظیفه ماست با نشر آثار استاد عزیز جهل تاریخی و مذهبی این مردم بزدائیم و اسلام عزیز را آنگونه که هست به آنان بشناسانیم.

محمدرضا نیسی

سه شنبه 16 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:30 AM

سلام‌علیکم

سرکار خانم حاجی‌زاده

ما در اشکال مختلف در آموزش زبان عربی محدودیت داریم به گونه‌ای که اکنون در حفظ زبان مادری در منطقه‌مان با مشکلات جدی مواجه هستیم و انواع تاکتیک‌ها برای تضعیف زبان عربی در بین خانواده‌ها در حال اجرا می‌باشد که نداشتن مهدکودک‌های عربی زبان یکی از

صدها مشکل است.

این موضوع به گونه‌ایست که اگر کسی از سر علاقه یادگیری زبان عربی را پیگیری نکند به سختی می‌تواند متون عربی را بخواند و فقط می‌تواند در حد محاوره آنهم با لهجه محلی از زبان عربی در خوزستان استفاده کند.

از تفاصیل این موضوع می‌گذرم و فقط می‌گویم که افتخار ما اعراب خوزستان این است که می‌توانیم با زبان عربی یعنی زبان منتخب الهی سخن بگوییم و مطلب بنویسیم.

جناب سایه

مقوله آموزش زبان یک کقوله حرفه‌ایست. کسی می‌تواند در این حوزه اقدام عملی کند که با اصول آشنا باشد و هر گونه اقدامی از سوی مثل من، محکوم به شکست و عدم کسب نتیجه خواهد بود.

این قول را به شما می‌دهم که از دوستان‌مان که در این حوزه مشغول هستند پرس‌وجو خواهم کرد و در صورت وجود سایت آموزش زبان عربی را به شما معرفی خواهم کرد.

abbas

سه شنبه 16 شهریور ماه سال 1389 ساعت 06:35 AM

http://oi.uchicago.edu/museum/collections/pa/persepolis/seals.html

موومان

سه شنبه 16 شهریور ماه سال 1389 ساعت 07:35 AM

آقای فتح

1. به نظر میاد تحقیقاتشون ایراد داره، چون مثلا خود من زمانی که حتی قبل از مدرسه با شکل حروف فارسی (در واقع عربی) تو کتاب اول ابتدایی آشنا شدم، یادم میاد که برام خیلی از نظر احساسی خاطره انگیز بودن. مثل شکل حروف چ، ج، ف، ک، ت و غیره. مسلمه که این خاطرات فقط نیمکره چپی نیستن، بلکه نقش نیمکره راست توی شناسایی الگوی هندسی اونا و بازتاب احساسی بهشون بیشتر از نیمکره چپ هم هست!!
2. پس اینا در مورد خط اجق وجق چینی چی میخوان بگن؟! اون که خیلی خیلی سختتره! ولی ماشالا بچه های چینی اونو یاد میگیرن و بزرگ میشن!
3. بر فرض هم که احساس کم داشته باشه، زبون عربی یه ارزشی حمل میکنه به نام قرآن، که همچین احساسات آدمو به لرزه درمیاره که حالش جا بیاد:

« و ننزل من القرآن ما هو شفا و رحمه للمومنین و لا یزید الظالمین الا خسارا »!!!!

یه مشت جهود میمون تمام دنیا رو گذاشتن سر کار خجالتم نمیکشن!

abbas

سه شنبه 16 شهریور ماه سال 1389 ساعت 07:59 AM

http://www.greatcommission.com/chicago/

آیدین قشقایی

سه شنبه 16 شهریور ماه سال 1389 ساعت 09:57 AM

سلام به دوستان

دوست گرامی جناب نتاب

با تشکر بابت پیامتان

همانگونه که خدمتتان عرض شد:

"""""در تحقیقات کمی محقق از ابزارهایی مثل مشاهده شواهد، پرسشنامه بسته و بررسی مستندات برای جمع آوری اطلاعات استفاده می کند. در این نوع تحقیقات محقق به دنبال تبیین پدیده مورد مطالعه است و با تدوین و ارائه فرضیاتی (((یعنی ما در تحقیق کمی حتماً فرضیه داریم))) سعی در آزمون و تایید یا رد آنها دارد و فرض بر این است که محقق می تواند بدون تاثیر و تاثر، پدیده را مطالعه کند.

در مقابل، تحقیق کیفی برای درک و تبیین پدیده‌های پیچیده اجتماعی از داده‌های کیفی نظیر داده‌های حاصله از مصاحبه، مشاهده مشارکتی، مستندات، پرسشنامه باز استفاده می‌کند. در تحقیق کیفی معمولاً فرضیه نداریم ((((بهتر بود می گفتم اصلاً فرضیه نداریم)))و محقق و تحقیق شونده با یکدیگر در رابطه متقابل در نظر گرفته می‌شوند، و محقق صرفاً به دنبال توصیف پدیده مورد مطالعه (((و نه نتیجه گیری در مورد درست یا غلط بودن آن))) است و سعی دارد پدیده را آنگونه که هست، توصیف کند. محقق خود به عنوان عضوی از جامعه (((نکته قابل توجه در مورد اینکه این روش بیشتر در مورد مطالعه جوامعی که اکنون حی و حاضرند می باشد))) مورد تحقیق وارد شده و سعی می کند با زندگی با افراد یک جامعه، با راز و رموز زندگی اجتماعی آن افراد آشنا شده و در نهایت یافته های تحقیق خود را منتشر می کند. مثل قوم نگاری که محقق به دنبال توصیف زندگی مردمان یک منطقه یا یک قوم می پردازد و قضاوت را به خواننده واگذار می کند.

نوع سوم تحقیق، تحقیق ترکیبی است که محقق در مراحل مختلف انجام تحقیق سعی می کند از ترکیب ابزارهای بکار رفته در دو نوع تحقیقات اخیر، در مورد موضوعی تحقیق کند. مثل تحقیق موردی (Case Study). مثل کارگاهان پلیس که مثلاً در مورد وقوع یک قتل تحقیق می کنند. در این حالت محقق به دنبال کشف حقیقت است."""""

با این توصیفات از لحاظ علمی تحقیقات کمی دارای رویکرد قیاسی اند (یعنی از کل به جزء تعمیم داده می شود) ولی تحقیقات کیفی استقرایی اند.

در مورد روش تحقیق جناب پورپیرار با قاطعیت می توان گفت که تحقیق ایشان کیفی نیست چون ایشان فرضیه دارند و تمام این ده سال اخیر که از شروع عملی ارائه مستندات و شواهد در مورد تاریخ حقیقی شرق میانه توسط ایشان می گذرد، عملاً ایشان به دنبال تایید فرضیات خود هستند.

شاید بهتر باشد من بصورت فازی (غیر دودویی) در مورد روش تحقیق ایشان صحبت کنم. روش تحقیق ایشان ترکیبی است و تا نسبت زیادی کمی است هر چند در بعضی از مواقع برای جمع آوری و ارائه دلایل، از مصاحبه های ساختار یافته (که از روشهای جمع آوری اطلاعات در تحقیقات کیفی است) استفاده نموده اند.

مثلاً ایشان در یکی از مطالب ایران شناسی خود اشاره کرده بودند به اینکه:

"در صحبتی که با بزرگان طوایف آذربایجان داشتم می گفتند آن زمان که ما وارد این منطقه شدیم منطقه خالی از سکنه بوده است"" (نقل به مضمون)

که مثلاً این روش جمع آوری دادها در روش تحقیق کیفی بکار می روند.

مهران حقیقت

سه شنبه 16 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:06 PM

با سلام به دوستان و استاد گرامی

خسته نباشید.

استاد عکسها باز نمیشوند.

این هم خبری از پروفسور فرای:

احمدی نژاد به یک جاسوس ،خانه هدیه داد؟

براساس این گزارش در صفحه 131 کتاب هویت نام چند نفر از جمله پروفسور فرای ذکر شده که از طریق تاسیس بنیادهای فرهنگی و در پوشش تحقیق و مطالعه درباره تاریخ و زبان ملل و بویژه ایران از بخشهای مختلف کشور جاسوسی می‌کرده‌اند.

روزنامه جمهوری اسلامی نوشت:

محمود احمدی نژاد در جریان سخنرانی خود که با تشویق‌های مکرر حاضران همراه بود خطاب به پروفسور ریچارد فرای که از مسئولان ایرانی خواسته بود بعد از مرگش او را - از فرط علاقه به ایران - در کنار زاینده رود دفن کنند گفت: به جای یک قبر به او یک خانه برای زندگی در ایران خواهد داد و خانه مجللی را در اصفهان به او هدیه داد.

اما حالا بررسی‌های خبرنگار البرز نشان می‌دهد مسئولان به احتمال نزدیک به یقین به یک جاسوس حرفه‌ای چنین هدیه گرانبهایی پیشکش کرده‌اند چرا که نام پروفسور ریچارد فرای در یکی از کتابهای منتشره از سوی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران به وضوح اعلام شده است.

براساس این گزارش در صفحه 131 کتاب هویت نام چند نفر از جمله پروفسور فرای ذکر شده که از طریق تاسیس بنیادهای فرهنگی و در پوشش تحقیق و مطالعه درباره تاریخ و زبان ملل و بویژه ایران از بخشهای مختلف کشور جاسوسی می‌کرده‌اند.

گزارش البرز می‌افزاید هنوز معلوم نیست چرا دست اندرکاران برپایی این همایش - که خود حرف و حدیث‌های فراوان به دنبال دارد - چنین اشتباه فاحشی را مرتکب شده و به رئیس‌جمهور مشورت مناسب نداده‌اند.

به خواست پروفسور ریچارد فرای مقبره‌ای در کنار رودخانه زاینده‌رود در جوار آرامگاه پروفسور آرتور آپرام پوپ ایرانشناس آمریکایی در کناره شمال شرقی پل خواجو در ابتدای پارک مشتاق در نظر گرفته شده است.

احمدی نژاد وعده واگذاری یک منزل مسکونی و مقبره‌ای در کنار زاینده رود را در سخنرانی خود در همایش ایرانیان خارج از کشور به این پروفسور آمریکایی داده بود که به سرعت عملی شد!

http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=118621

یوسف

سه شنبه 16 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:02 PM



استاد عزیز سلام و خسته نباشید

استاد در پاسخ چند ردیف بالا به من شما مدعی هستید که تمام سازندگان تخت جمشید ایلامی هستند ! در صورتی که اکثر آثار بکار برده شده در تخت جمشید شباهت بسیار زیادی را با نوع بین النهرینی خود دارد و چیزی را به عنوان سبک و هنر ایلامی چه در تخت جمشید و یا در جای دیگر نمی توان بر شمرد و یا نام هنر ایلامی را به آن داد .

استاد بنا بر دلایلی که در نوساز بودن کتیبه های تخت جمشید بیان فرموده اید ، دیگر چیز قابل ارزش و مطرحی از این بنای نیمه کاره و غیر مسکونی نمی ماند و این مکان (تخت جمشید) به درجه بسیار پایین تری تنزل پیدا کرده و شاید بتوان گفت که آن نقوش هدایا آورندگان برای شاه از 124 سرزمین و ملیت در تخت جمشید ، کذب بوده و هیچ چیز نیست جز کپی از نمونه بین النهرینی آن ، و برای تزئین آنجا و

همچنین نشان دادن مقام والای جنایتکاران حاخام منشی و سرپوش گذاشتن بر اعمال مخرب آنها .

با تشکر

حاجی زاده

سه شنبه 16 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:10 PM

آقای نیسی

تمامی غیر فارس زبانها در این کشور ،در شرف از دست دادن زبان مادری شان هستند، باری در این میان زبان عربی دقیقا به همان علتی که شما اشاره کردید(زبان منتخب الهی) از جایگاه منحصر به فرد برخوردار هست و نه تنها نسبت به حفظ ، بلکه جهت آموزش و توسعه آن، بایستی حساسیت و اهتمام جدی صورت بگیرد.

سیاست این است که مردم این مملکت تنها فارسی بیاموزند و تنها متون و کتب و مقالات فارسی بخوانند، بدین ترتیب تنها آن را خواهند آموخت و در حدی خواهند آموخت که مطلوب و مورد نظر حضرات است و برای آنها بی خطر می باشد.

می بینید، چنان رلی ایفا میکنند که در طول مدرسه و دانشگاه و با وجود صرف وقت و هزینه، از زبان عربی و انگلیسی هیچ نمی آموزیم، لکن تمامی کودکان غیرفارس زبان، به سرعت این زبان را فرا میگیرند!!؟

فرموده اید:* افتخار ما اعراب خوزستان این است که می‌توانیم با <<زبان>> عربی یعنی زبان منتخب الهی سخن بگوییم و مطلب بنویسیم.*

اگر در گفتار خود صادق هستید و هم زبانان دیگرتان نیز با این قول موافق می باشند، پس از چه روی عنوان عرب تبار را به <<عرب زبان>> ترجیح می دهید!؟ اگر تفاخری هم باشد در عرب زبان بودن است نه در عرب تباری.

در کجای قرآن عنوان شده است که تبار عرب، برتر و شاخص فضیلت در پیشگاه خداوند است؟ به ویژه که تولد در یک خانواده عرب یا ترک و کرد به میل و اراده آدمی نبوده و کاملا تصادفسیت، با این حساب عرب تباری(!؟) می تواند اسباب تعصب یا تفاخر یک مومن باشد!؟

****** ** * ** ******

سه شنبه 16 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:31 PM

استاد امکان دارد نقوش داخل اهرام بعدا حک شده باشند ،یعنی در زمان فراعنه

بعضی از مورخین مصر به جنگ فراعنه در انتساب هرم ها بخود با پاک کردن نام فرعون قبلی اشارات زیادی کردند .

قرآن در بناهای عظیم بجز آن بنای خشتی یا گلی فرعون که به زعم خودش میخواست مرتبه اش را از خدا بلندتر کند ذکری از بناهای بزرگ بجز در قضیه قوم عاد نیامده که قرآن به مسلمین 1400 سال پیش میگفته که این آثار رامیبینید

طالب الحق

سه شنبه 16 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:11 PM

برادر عزیز آقای حکیمی

واقعا همه شما را دوست میدارم

من به آیه شریفه زیر که از تمام نظرات معتبرتر است بیشتر اعتقاد دارم

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (حجرات/13)

میخواستم بگم که اصلا حس نژاد پرستی ندارم ومیدانم که در آن دنیا نه مرا به اهوازی بودن و یا ایرانی بودن یا عرب بودنم میشناسند و نه به چه زبانی سخن گفتنم ، بلکه به دو مشخصه بارز وآن مؤمن وانسان بودن ودیگر زمینی بودن میشناسند ولی با این اسئله دنبال حقیقتم

وچون دیدم شما به این موضوع اهتمام میورزید مزاحمتان میشوم از شما وخانم حاجی زاده تقاضا دارم که همانگونه بر عرب زبان بودن ونه عرب تبار بودن اعراب خوزستان تاکید دارید واصرار میورزید وحتما دلیل قوی دارید لطفا این دلائلتان را عرضه کنید که خوشحال شویم ودیگر اگر توانستید بر محدود ماندن اعراب در جزیرة العرب هم دلیل ولو کوچک بیاورید ممنون میشم و از این اطلاعات علمی شما استفاده های بهینه را میبرم .ان شاءالله

... از دیدگاه این مؤلف ، رد زبان عرب ، به عنوان زبان ملی و دینی در میان ایرانیان و ترکان ، حاصل یک اقدام سیاسی ـ فرهنگی موفقیت آمیز یهود است ؛ که با ایجاد آلودگی و تلقین بزرگ انگاری و برتری نمائی های بی پایه ، در تصورات نخبگان اجتماعی ، از طریق عرضهٔ اسناد فرهنگی مجهول و نادرست ، اما فریبنده و دلخوشی آور ، آنها را به راهی برد که ظاهر و رنگ و لعاب مطلوب استقلال طلبی داشت و موجب ایجاد فاصله بین شرق و غرب سرزمین های اسلامی شد . ... اینک مسلم است که نخواهیم توانست زبان ناتوان فارسی را که بدون سود بردن از قواعد و لغات عرب به لقلقه می افتد ؛ کنار گذاریم و به زبان قرآن پناه بریم ؛ اما بی شک از آنکه آیندهٔ ما را اتحاد اسلامی رقم خواهد زد ؛ گستردن زبان عرب میان جوانان ، گنجاندن جدی تر آن در موارد درسی و زدودن مزخرفات باستان پرستی از عرصهٔ سنت ها و رسومات سراسر خرافات ، می تواند زیربنای این اتحاد را پی ریزی کند و شاید که تا زمانی معین ، این فاصلهٔ انباشته از کینه و عداوت و ناشناختگی را با پژوهش و پردازش به مشترکات خویش از میان برداریم

(ناصر پورپیرار ، پلی بر گذشتهٔ 3)

پس چه بهتر که از کامنت های سایت نویسنده سطور بالا برای گستراندن زبان قرآن شروع کنیم

. مورخ بدون کمترین تردید و از طریق نمایش کامل نمونه های تولید و مراکز تجمع شهری و نیازهای زندگی جمعی معتقد است که ... شهرهای کنونی در سراسر نجد ایران ، حاصل بازسازی و توسعهٔ طبیعی استقرار نخستین کلنی های مسلمین] اعراب [است که به تدریج و پس از لااقل یک قرن ، بقایای مختصر بومیان پراکنده در کوهپایه ها و جنگل ها و اعماق صحراها و نیز مردمانی از همسایگان و بویژه ترکان را به داخل خود جذب کرده است . ... آنان] = ایرانیان [که مسلمین و اعراب را نابودکنندگان تمدن اجداد خویش می شناسند ؛ و با این بهانه به آنان ناسزا می گویند ؛ در حقیقت به اجداد واقعی خویش می تازند

(ناصر پورپیرار ، ساسانیان 3)

1 2 3 4 5 >>

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

21963

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya	17	

ایران شناسی بدون دروغ، 280، نتیجه ۸8، پلید کاران جاعل دروغ باف

شیوا کشاورز

سه شنبه 16 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:42 PM



سلام

به آقایان عرب زبان پیشنهاد می کنم به آدرس زیر مراجعه کنند برای ترجمه حاوی مطالب و راهنمایی های مفیدی است.

/http://moghaddasiniya.blogfa.com

مجیدنصراصفهانی

سه شنبه 16 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:10 PM



اقای نیستی خسته نباشید به من کودک خرد پای چه درس بزرگی دادید؟

واقعا از حکمت وعلم شما درتعجبم استادمان صد شاگرد مثله شما داشته باشد دیگر اسرائیل ودشمنان اسلام خواب بر چشمانشان نمی ماند ؟

دوست من فرافکنی کردن بهترین جواب شما بود خو ب

بنده با مطا لب استاد مان مشکل ندارم و وسعی وافر م این است که به استاد پورپیرار هرگونه که مقدر باشد کمک کنم ....

اما شما اولا اطلاعات سطحی خود را درمورد تشیع یا فرقه ی که اسمش را شرک ی گذاری بیشتر کن ولو سخت با عقایدشان مخالف باشی ..ملاک تو اگر عقاید کوچه بازاریست پس همان کوچه بازاری ها مبارزه کن؟

قبل از وارد شدن به هر بحثی باید تعصبات وداشته های خود را درمورد تشیع کنار بگذاری ..سپس دزرمورد تشیع اصیل نه تشع کوچه بازاری که تواز ان دیو بد قواره ساختی تحقیق کنید...

***

خرافات درهر عقیده ومسلک وجوددارد برادرمن.اسلام اصیل می گوید که که فرق اسلامی لعان ولعین مشرک کنی ؟ این راه مقابله شمادوست بزگواربافرقه گرایان است چه راه جدیدو زیبایی .

****

تعریف شماازتشیع این بود درسته؟

باز هم خدمت‌تان می‌گویم همه ما باید نگران رفتارهای ((مشرکانه فرق رنگارنگ مذهبی باشیم که نمونه آنرا در منطقه خودمان ذکر کردم تقدس گوسفندی که بر شاخش نام فلان امام هست و یا طلب شفا از درخت))

این مطلب رادرکدام یک ازمنبع معتبروغیرمعتبر شیعه یافتید؟

دوست من قرارشد شما شرک ایت الله مصباح یزدی رااثبات کنی نه اینکه ره سپار صحرای طبس شویم ...

***

خداوند شماراحفظ کند

محمدرضا نیسی

چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 00:41 AM

سلام‌علیکم

سرکار خانم حاجی‌زاده

یکی از روش‌های تبلیغاتی برای ضربه زدن به فرهنگ و هویت متفاوت اعراب ایران، جا انداختن این موضوع است که فقط زبان گویش آنان عربی است ولی آیتم‌های هویتی‌شان ایرانی است. بر اساس همین استراتژی می‌باشد که سایر پروژه‌های قوم‌گرایانه باستان‌پرستان حکومتی و غیر حکومتی علیه مردم شریف و صبور عرب اجرا می‌شود.

این موضوع باعث شده که اعراب ایران به منظور مقابله با این سیاست‌های پست و کثیف قوم‌گرایانه باستان‌پرستان، بر عرب‌تبار بودن خود تأکید می‌کنند تا هویت و فرهنگ مستقل خود را نشان دهند و بر تفاوت خود با باستان‌پرستان تأکید نمایند.

به هر حال، هویت و فرهنگ من اساس عربی (یا به قولی عرب‌تبار) دارد و بر این اساس است که جایگاه اجتماعی خود را تعریف می‌کنم و اساس برتری را آیه شریفه " ...أن أکرمکم عند الله أتقاکم" می‌دانم.

محمدرضا نیسی

چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:14 AM

سلام‌علیکم

سرکار خانم شیوا کشاورز

از اهتمامتان به مطالب سایت استاد عزیز تشکر بسیار دارم و معرفی این وبلاگ از سوی شما باعث مزید امتنان است.

لینکی که معرفی کردید حاوی مطالب مفیدی جهت آشنایی با ترجمه عربی است و برای کسی که کم و بیش با زبان عربی آشنایی دارد، مفیدتر است.

این وبلاگ حاوی مطالب جالبی در زمینه خبر و خبرنویسی می‌باشد ولی در زمینه ترجمه دارای اشکالاتی نیز هست به عنوان مثال:

"دفن جثمان الشهید محمد الدره بین هم و حزن عمیقین" که صحیح آن " ... بین هم و حزن عمیق الحاضرین" است.

" ... مستوطنة "ناحل عوز" بصواریخ و جاءت تلک العملیة ردا اجراءات الکیان الصهیونی الإجرامی" که صحیح آن " ... ردا علی اجراءات الکیان الصهیونی الإجرامیة" می‌شود.

جناب نصر اصفهانی

نمی‌خواهم با شما وارد بحث بشوم چون شما نیاز به مطالعه بیشتر و عمیق‌تر آثار استاد عزیز دارید.

ولی درباره نقطه اشتراک‌مان یعنی نشر آثار جناب آقای پورپیرار؛ أن‌شاءالله من وشما و همه یاران بنیان‌اندیش با اهتمام روزافزون به نشر آثار بپردازیم.

abbas
چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:48 AM

http://www.achemenet.com/ressources/enligne/arta/pdf/2005.001-Simpson.pdf

طالب الحق
چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:15 AM

پیشاپیش عید سعید فطر را به تمام مؤمنین واستاد ارجمند تبریک میگویم

طالب الحق
چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:23 AM

برادران سؤالاتی داشتم لطفا مرا راهنمایی کنیید!!

آیه های محکمه ومتشابهه را چگونه میتوان تشخیص داد؟

آیا اصول دین را فقط از آیه های محکمه میگیرند؟

آیه (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم) محکمه است یا متشابهه

منصور
چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:26 AM

دوستان سلام

هر از گاهی بحث هایی در می گیرد که واقعا چیزی جز انحراف از کلام بنیانی استاد نیست. شاید چنین انحرافاتی مطلوب برخی باشد ولی مبطل وقت استاد و دیگر خوانندگان است. کلی باید بگومگوی دوسه نفر را بخوانیم تا به یک کامنت جدید برسیم.

دوستان؛در چنین مواردی هوشمندانه عمل کنید و خیلی سریع موضوع را جمع کنید.بارها چنین اتفاقاتی افتاده مثلا موضوع ۲۰۶ خاطرتان هست. حقیر در کامنتی راجع به پاسخهای دوستان به شخص مورد نظر به جای (پاسخ مفصل) نوشته بودم (پاسخ مطول). برادر برزگوار

جناب «بی نام» تذکر داده بودند که چرا این واژه طعنه آمیز را بکار برده ای. البته بنده چنین منظوری نداشتم و به ایشان هم هیچ جوابی ندادم چون تذکر ایشان بجا بود. ولی دیدید که نهایتا خود استاد فرمودند که ۲۰۶ ارزش این همه بحث و جواب دادن را ندارد.

حالا هم بحث زبان عربی است و همین رویه دارد تکرار می شود.

خیلی وقتها جواب ندادن بهتر است. جسارت نمی کنم ! منظور آن ضرب المثل معروف نیست بلکه می خواهم بگویم که برخی چیزها آنقدر اهمیت ندارد که نیاز به جواب داشته باشد. اگر جایی احساس کردید که شخصی خطایی کرده است که نیاز به پاسخ دارد از او توضیح بخواهید و بجای به بیخ کشیدن موضوع هر چه می توانید به او فرصت بدهید تا روشن تر مقصودش را بیان کند.

ارادتمند و کوچک همه عزیزان هستم

زنده باد بنیان اندیشی

طالب الحق

چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 04:26 AM



خواهر حاجی زاده

عرب هیچ برتری بر دیگر اقوام ندارند وفقط خدا آن را مبدأ انتقال دینش قرار داد که همه اش فقط با قدرت خدا وفضل و رحمتش بانجام گرفت که شاید عرب رابه صحرا جدا از بقیه اقوام فرستاد که حافظ زبان قدیم وفرهنگ بین النهرینی ها باشد که بعد از فساد اول یهود در ارض ناقل دین خدا باشد ، خدایی که به پیامبرش محمد بلند مرتبه ترین این قوم وتمام اقوام زمین   فرمود که بگو: همانا که من بشری به مانند شما هستم/ یعنی حتی پیامبر ما مسلمین هیچ برتری نژادی بر دیگر مردم نداشت وبرتریش فقط در اصلاح او بدست خدا بود که بر او فضل نمود

راستش را بخواهید من به عنوان یک عرب خوزستانی نمیتوانم اصالت قدیم وتبار خود را حتی با تمام مشترکات زیادی که با اعراب بقیه سرزمین ها دارم وبلکه در فرهنگ قدیم عریقتر هستم   ثابت کنم وفکر نکنم که هیچکس بتواند چنین اثباتی در اصل ونسب خویش را داشته باشد ، ولی حالا فرهنگ کامل وشمایل کامل یک عرب را مانند تمام اعراب زمین دارم ، که در یک جغرافیای خاص با فرهنگ وزبان خاص خودم زندگی میکنم ،من همان عربی هستم که اورا به سرقت تمدن قبل از اسلام ایران متهم کردند ، همان عرب پا برهنه ای که تاج کیانی را دزدیدم ودین خدا را به زور به بعضیها قالب کردم ، در زمان پهلویها من عرب خوزستانی چوب این سرقت اجدادم وتمام اعراب جهان را شدیدا خوردم که الحمدلله در عهد جمهوری اسلامی این چوب به باران رحمت تبدیل گردید وما در رفاه شدید فرهنگی معیشتی به سر میبریم ، طبعا ستیز با من نه فقط برای غیر فارس بودنم که مانع پروژه ناکام ملت واحد زبان واحد است انجام گرفته بلکه به عنوان حرامی تمدن ها با من میستیزند وخواهان سلب تمام داروندار فرهنگیم بودند وهستند(منظورم طاغوتیای خارج از ایرانه!!) ومرا قصاص کردند ، مرا از همه چیز مجرد کردند و نگذاشتند صدایم به جایی برسد و در خاموشی سعی به تغییر فرهنگم ودادن هویت دروغین به کودکانم شدند ، در مدرسه به آنها تلقین میکردند که شما عرب نیستید بلکه شما آریایی هایی هستید که به سبب هم مرز بودن با حرامیها خلق وخوی آنها را گرفتید باشد که آدم شوید به اصل برتر خود آریا بازگردید، راستش را بخواهید در ابتدا مانند بیشتر جوانان عرب روی آوردنم به سوی استاد از سر عکس العمل بود ولی حالا فرق میکند من دنبال حقیقتم حتی اگر تلخ باشد ، بعضی از همشهریانم وقتی نفی تاریخ عرب وکتابهایشان را میدیدند جا میزدند چون شاید فقط راه خلاص شدن از آن فشارهای ناسیونالیستی جدید را میخواستند ومیخواستند فقط در برابر ضربه های ناسیونالیسمها واکنشی علمی داشته باشند، اما بعد ازیر سؤال رفتن تاریخشان وبعضی از معتقدشان باز در لاک خود فرو رفتند پس کسی در اینجا فکر نکند که من نوپا فقط برای انتقام به اینجا پناه بردم ودوست دارم مفتخرانه زبانم را به رخ بکشم یا به قول شما خودنمایی کنم بلکه که نظریه های استاد پورپیرار به اولین نژاد پرستی که ضربه میزند همان قوم پرستی اعراب ومفاخرت آنها به اجداد جنگجویشان است ،

حال من به ناتوانیم در اثبات علمی تاریخی عرب بودنم اعتراف میکنم ، ولی ثابت نکردن من دلیل بر عرب نبودن من نمیشود که احتمال است من از همان نژاد قدیم عرب باشم که والله برایم مهم نیست ولی شما با حمله به نوشته های عربی در اینجا که فقط در بین چند همنوع که تازه با هم آشنا بودند وبرای ایمیل دادن یک نوع فیلترهایی را روبروی خود میدیدند   و مختص شما نبود تازیدید و مانند آن معلمان

مدرسه بر عرب نبودنمان و عرب زبان بودنمان اصرار میکردید ، پس خواهشانه دلیل بیاورید وما را مستفیض بفرمایید.

در اینجا این گزیده ها از نظریات استاد را دوباره به شما هدیه میکنم

... از دیدگاه این مؤلف ، رد زبان عرب ، به عنوان زبان ملی و دینی در میان ایرانیان و ترکان ، حاصل یک اقدام سیاسی ـ فرهنگی موفقیت آمیز یهود است ؛ که با ایجاد آلودگی و تلقین بزرگ انگاری و برتری نمائی های بی پایه ، در تصورات نخبگان اجتماعی ، از طریق عرضهٔ اسناد فرهنگی مجهول و نادرست ، اما فریبنده و دلخوشی آور ، آنها را به راهی برد که ظاهر و رنگ و لعاب مطلوب استقلال طلبی داشت و موجب ایجاد فاصله بین شرق و غرب سرزمین های اسلامی شد . ... اینک مسلم است که نخواهیم توانست زبان ناتوان فارسی را که بدون سود بردن از قواعد و لغات عرب به لقلقه می افتد ؛ کنار گذاریم و به زبان قرآن پناه بریم ؛ اما بی شک از آنکه آیندهٔ ما را اتحاد اسلامی رقم خواهد زد ؛ گستردن زبان عرب میان جوانان ، گنجاندن جدی تر آن در موارد درسی و زدودن مزخرفات باستان پرستی از عرصهٔ سنت ها و رسومات سراسر خرافات ، می تواند زیربنای این اتحاد را پی ریزی کند و شاید که تا زمانی معین ، این فاصلهٔ انباشته از کینه و عداوت و ناشناختگی را با پژوهش و پردازش به مشترکات خویش از میان برداریم

(ناصر پورپیرار ، پلی بر گذشتهٔ 3)

پس چه بهتر که از کامنت های سایت نویسنده سطور بالا برای گستراندن زبان قرآن شروع کنیم

. مورخ بدون کمترین تردید و از طریق نمایش کامل نمونه های تولید و مراکز تجمع شهری و نیازهای زندگی جمعی معتقد است که ... شهرهای کنونی در سراسر نجد ایران ، حاصل بازسازی و توسعهٔ طبیعی استقرار نخستین کلنی های مسلمین] اعراب [است که به تدریج و پس از لااقل یک قرن ، بقایای مختصر بومیان پراکنده در کوهپایه ها و جنگل ها و اعماق صحراها و نیز مردمانی از همسایگان و بویژه ترکان را به داخل خود جذب کرده است . ... آنان] = ایرانیان [که مسلمین و اعراب را نابودکنندگان تمدن اجداد خویش می شناسند ؛ و با این بهانه به آنان ناسزا می گویند ؛ در حقیقت به اجداد واقعی خویش می تازند

(ناصر پورپیرار ، ساسانیان 3)

abbas

چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 04:51 AM

http://www.karinsanders.com/PersepolisARTICLE.pdf

یه دانشجو

چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 05:18 AM

خانم حاجی زاده: شما چرا اصرار دارید که برای دیگران هویت تعیین کنید. ؟ من و شماچه حقی داریم که به شخص بالغی که مدعی است و با گوشت و پوست و سلول های اندمش عرب تبار بودن خود را حس می کند تعین هویت کرده و با زور چماق وادارش کنیم که نه اقا شما عرب زبانید و نه عرب تبار. ایا محصول شاگردی چندین ساله تان پیش استاد همین شیوه تفکر سطحی نگری است.؟ ایا میدانید که تعیین هویت کردن برای دیگران نوعی خشونت است.؟ مگر شما قیم دیگران هستید.؟

أمة الله

چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 08:12 AM

سلام مدتیست اصطلاح " أهل القری " و " أم القری " مرا مشغول کرده و به این نتیجه رسیدم که همانطور که أم القری مکان نزول رسالت خاتم النبیین بود ، اهل القری هم ملت خاور میانه یعنی امتهایی که حوالی قرار داشتند .

و می توان به صورت علمی نیز بگوییم که اگر به زمان عقب برگردیم که نطفه و بذر تمدن جز آدم و همسرش نبودند و همچنین اولین خانه ی عبادت که در مکه بنا شده پس چنین به نظر می آید که تمدن انسانی از همین مکان نشأت گرفته و بعدها منتشر به اماکن دور شده.

یا اینکه حقیقت رسالت های آسمانی متعلق به این منطقه بوده و اهل ام القری و اهل القری (من حولها) ملزم به ابلاغ این رسالت به بقیه ی ملل هستند همانور که یک شخص از جن با شنیدن کلام الله تعالی بسوی قومش رفت و به تبلیغ و دعوت رسالت خاتم النبیین پرداخت.

البته امکان اینکه تمام مناطق تمدن را " قری " یعنی قریه ها بخوانیم هم هست که باز وصف ام القری به مکان نزول رسالت خاتم النبیین تعلق دارد.

http://tauheed.blogfa.com/

سعید
چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 08:46 AM

رئیس میراث فرهنگی سواد تاریخی ندارد

http://tabnak.ir/fa/pages/index.php

مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران افزود: این الواح مسائل قبل از هخامنشیان را برای ما می‌تواند روشن کند ، اینها به خط عیلامی است و گره‌های کور تاریخی را می‌تواند برای ما باز کند. در حال حاضر این موضوع در میراث فرهنگی کاملا مسکوت باقی مانده است. پرسش ما این است که چرا این موضوع را پیگیری نمی‌کنند در حالی که همه می‌دانند این 34 هزار لوح یکی از موارد کثیری است که از ایران غارت کرده‌اند

abbas
چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 09:24 AM

http://www.grafica.beniculturali.it/persia/comunicato.htm

حسین محمدی
چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:54 AM

مخالفت شدید حاج منصور باتعطیلات عیدفطر

مداح شناخته شده و پیشکسوت کشور سحر 4شنبه در مسجد ارک شدیدا به تصویب طرح تعطیلات عید فطر در مجلس انتقاد کرد و این طرح را حرکت در مسیر وهابیون دانست.

به گزارش خبرآنلاین، این مداح شناخته شده که مواضع سیاسی اش همواره خبرساز بوده، اعلام کرد: این طرح، طرح وهابی‌هاست که در جهت کمرنگ‌کردن عیدالله اکبر، عید غدیر خم ارائه شده است.

وی افزود: اگر قصد خدمت دارید برای تعطیلات عید غدیر برنامه‌ریزی کنید.

وی همچنین خطاب به نمایندگان مجلس گفت گه فریب این طرح را نخورند چرا که در واقع این طرح همراهی با وهابیون است، چرا حالا که وهابی‌ها در عربستان این روزها را تعطیل کردند ما هم باید این کار را تکرار کنیم؟

ثلث
چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:48 PM

بنده از خوانندگان قدیمی هستم دیگه خیلی تکراری می نویسین- آقا قبول خوب دیگه ...

پاسخ:

آقای ثلث. به راستی قبول کرده اید که هرچه قبلا خوانده و شنیده اید غلط و دروغ بوده ؟! بسیار خوب از این به بعد شما بنویسید ما می خوانیم!

امیر

چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:35 PM

جناب آقای پورپیرار

تصویر زیر که مربوط است به نقاشی از دروازه ملل که توسط Bruin De، جهانگرد و نقاش هلندی در 1704 ترسیم شده است.

http://www.free-imagehosting.com/out.php/i4920_DeBruinplate1231283938592336.png

منبع عکس

/http://www.museum-achemenet.college-de-france.fr

می باشد. برای استفاده از سایت باید نرم افزار JRE 5 یا نسخه جدیدتر آن روی سیستم تان نصب شده باشد.

بعد از وارد شدن به سایت به مسیر زیر مراجعه فرمایید:

De Bruin plate 123<-Corneille Le Brun<-Dessinateurs<-travellers Drawings of<-Consultation

پاسخ:

آقای امیر. تمام پس زمینه آن نقاشی، که ظاهرا رودخانه در حال گذری هم در سمت غرب دارد، غلط است. پیشنهاد می کنم ابتدا نقاش خودمان کمال الملک را پیدا کنید!

حاجی زاده

چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:49 PM

آقای نیسی

می توان با افزودن یکی دو کلمه به کامنت شما، آنرا برای همه اقوام ایرانی تعمیم داد.

ملاحظه کنید:

یکی از روش‌های تبلیغاتی برای ضربه زدن به فرهنگ و هویت متفاوت اعراب، اکراد و اتراک و... ایران، جا انداختن این موضوع است که فقط زبان گویش آنان عربی، کردی و یا ترکی است، ولی آیتم‌های هویتی‌شان ایرانی است. بر اساس همین استراتژی می‌باشد که سایر پروژه‌های قوم‌گرایانه باستان‌پرستان حکومتی و غیر حکومتی علیه مردم شریف و صبور عرب، کرد و ترک اجرا می‌شود.

این موضوع باعث شده که اعراب، اکراد و اتراک ایران به منظور مقابله با این سیاست‌های پست و کثیف قوم‌گرایانه باستان‌پرستان، بر عرب، کرد و ترک تبار بودن خود تأکید می‌کنند تا هویت و فرهنگ مستقل خود را نشان دهند و بر "تفاوت" خود با باستان‌پرستان تأکید نمایند.

می بینید! این همان چیزی است که کنیسه و کلیسا می خواهد، هویت طلبی ملی، صرف نیروی مسلمانان در راه مبازه برای فرهنگ و زبان ملی! تاکید بر تبار، نه دین! انشقاق ملل مسلمان با تکیه بر تفاوتهای قومی زبانی و فرهنگی!

آقایان بسیار محترم، حرف من این است که مشکل ما بسی فراتر و ریشه ای تر از دغدغه های ملی و قومی و دشمن ما بزرگتر از یک حکومت شوونیست با سیاستهای باستان پرستانه است.

لازم است ما مسلمانان، این خودمحوری ها را که خارج از مرزهای بین المللی، شکل و شمایل هویت اردنی، مصری، هندی، مالزیایی، قرقیزی، تاجیکی، افریقائی، آسیائی، اروپائی و...میگیرد را کنار بگذاریم و هویت واقعی خود، که لرزه بر پیکره دشمنان مان می اندازد را احیا کنیم، ما پیش از عرب و ترک و کرد بودن مسلمانیم، تمام این بازیهای هویتی و قومی تنها برای گمراه کردن ما از هویت اصیل و تعریف شده

مان از سوی خداوند است، برای سرگرم و سردرگم کردن ما از مسیر اسلام و جهد و مبارزه حقیقی.

باور بفرمائید سیاست برقراری و تحکیم حکومتهای شوونیست در سرزمینهای اسلامی از سوی کنیسه و کلیسا پیاده می شود، این سیاست تنها در راستای بیدار کردن احساسات و تمناهای قومی مسلمانان و به منظور انحراف آنان از هویت اسلامی و صرف انرژی شان در یک مسیر پوچ و بی محتواست و بس.

والسلام

حاجی زاده

چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:03 PM

آقای طالب الحق

من قران نوشته شده به عربی را می خوانم و هر بارافسوس می خورم که چرا عربی نمی دانم& انوقت شما مرا متهم به عرب ستیزی میکنید!!!؟

من به کامنتهای عربی "حمله" نکردم! از شما خواهش کردم کامنتهای تان را به زبانی بنویسید که برای دیگران هم قابل قرائت باشد.

بویزه که از آنها بوی تفاخر و تعصب به برادران هم دین تان نیز متصاعد بود و با نوشته های اخیرتان معلومم گشت که ظن من بیراه نبود.

آدمی از این همه کج فهمی حیرت میکند.

محمدرضا نیسی

چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:46 PM

سلام‌علیکم

یار بنیان‌اندیش، جناب آقای منصور

بر خلاف نظر شما، این مباحثی که از دید شما انحرافی است برای رفع پاره‌ای سوءتعبیرها ضروری است و با احترام به دیدگاه شما، به نظر من در چنین شرایطی حتما باید گفت و نوشت.

دارودسته "سنگ روی یخ" (206 و مشاورانش) در اثر جواب‌های مستدل و دندان‌شکنی که دریافت کردند، پیدایشان نیست و مطئمن باشید چنان‌که به یاوه‌گوئی‌های‌شان ادامه دهند، باز هم با استدلال و منطق جواب خود را دریافت خواهند کرد.

محمدرضا نیسی

چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:59 PM

سلام‌علیکم

أخی الکریم طالب‌الحق

کمتر کسی می‌داند تا 6-7 نسل قبل، اجدادش که بودند و در کجا زندگی می‌کردند. لذا ادعای برتری نژادی فارغ از مباحث بنیان‌اندیشی بحثی فاقد مبنا و استدلال است.

ولی اعراب خوزستان (که اکنون محل بحث است) به هویت اسلامی و عربی تعلق دارند و به این موضوع افتخار می‌کنند. آنهائی که به حفظ این هویت حساس هستند تمام تلاش خود را برای نهادینه کردن این هویت به خرج داده و خواهند داد.

ما وقتی بر هویت عربی-اسلامی تاکید می‌کنیم در واقع همان هویت اصیل مردم ممتاز منطقه ماست که با انواع جعلیات، فرهنگ و هویت‌سازی‌های دروغین و ایجاد زبان‌های کپی‌برداری شده مانند زبان فارسی، ایادی کلیسائی-کنیسه‌ای به دنبال از بین بردن آن و یا

محدود کردن آن هستند.

ما به دلیل همین هویت اسلامی و زبان کامل و بی‌نظیر عربی، ادعای برتری داریم و به این برتری خود افتخار می‌کنیم ولی به دلیل همین جعلیات و مدیریت فکر و تعقل مسلمین از سوی اربابان جعل، با وجود برتری هویتی و فرهنگی دچار عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی عمدی شده‌اند.

جناب طالب‌الحق، پروژه‌های هویت‌زدائی که از زمان رژیم منحوس پهلوی شروع شده همچنان با اشکال جدید و حتی شدت بیشتری علیه اعراب ایران در حال اجراست که یکی از این پروژه‌ها تضعیف زبان عربی و حذف آن می‌باشد به گونه‌ای که حفظ زبان مادری در بین اعراب ایران بسیار دشوار شده است.
"عساکم من العواده و عیدکم مبارک"

جناب یه دانشجو

الحمدالله تاکنون هیچکدام از پروژه‌های هویت‌زدائی که اتفاقا زور چماق هم پشت آنها بوده، نتیجه مطلوب باستان‌پرستان را نداده است و انگیزه و تلاش برای احیای هویت برتر اسلامی-عربی در بین اعراب ایران چند برابر شده است.

جناب یه دانشجو! خانم حاجی‌زاده تذکری دادند که نتیجه برداشت آنان از بحث‌ها مبنی بر برتری نژادی بود و ما هم برای ایشان منظورمان را روشن کردیم تا سوءتفاهم پیش‌آمده حل گردد.

با سطحی‌نگری که در شما سراغ دارم، نخواهی توانست با گل‌آلود کردن آب، ماهی خود را بگیرید.

با این تفکر ناب و سطحی که دارید به تبلیغ زبان ملی!!! بپردازید که حتما موفق خواهید شد. به منظور اشاعه بیشتر زبان ملی، بفرمائید به مفاهیم فنی زیر در زبان فارسی چه گفته می‌شود:
نقطه، خط، صفحه، مختصات، موازی، مثلثات، دایره، مثلث، مربع، مستطیل، لوزی، ذوزنقه، متوازی‌الاضلاع، مماس، شعاع، سهمی، منحنی، هذلولی و ...
همچنین معادل حرف، کلمه، جمله، سطر و ثانیه، دقیقه و ساعت چیست؟
پاسخ:
آقای نیسی. هرچند در کمال زبان عرب جای تردید نیست، ولی در این امر هم تردید نکنید که جز قرآن کریم و اسناد شخصی غیر مزاحم سراپای فرهنگی که به خط عرب سبز کرده اند، تا دوران اخیر جز محصول دیگری از مجموعه جعلیات نیست. کمال لغت عرب اتفاقا موجب شده که یهودیان با امکانات محکم تری کار جعل را پیش برند و کافی است نگاهی به الفهرست ابن ندیم بیاندازید. و سرانجام و اصولا هویت این لغت فهرست را معلوم کنید!
چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 7:37 PM


با عرض سلام خدمت استاد بزرگوار و دوستان عزیز

آقای طالب الحق
در اوایل دوران آشنائی با نظرات استاد عزیز که مطمئن شده بودم که همه تاریخ ما و نیز تاریخ صدر اسلام و همه فرقه های مذهبی موجود دروغ است با مضمون این آیه که شما اشاره کردید دچار تضاد شده بودم و میگفتم اولی الامر چه کسانی هستند که اطاعت از آنها در ردیف اطاعت از خدا و پیامبر قرار میگیرد؟!(همانگونه که تبلیغ میشود)

بعداز مدتی جستجو در قرآن دیدم که عبارت ::اطیعواالله و اطیعو الرسول:: در تعداد زیادی از آیات ذکر شده است و همه آنها مفهوم اطاعت بدون قید وشرط دارند :

آل عمران ۳۲

آل عمران ۱۳۲

مائده- ۹۲

انفال-۱

انفال- ۲۰

انفال- ۴۶

نور-۵۴

نور-۵۶

محمد(ص)-۳۳

المجادله-۱۳

التغابن-۱۲

و لی آیه شریفه ای که شما اشاره کردده اید:

- یا ایهاالذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شئ فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تومنون بالله والیوم الاخر ذلک خیر و احسن تاویلا. (نساء-۵۹)

چنین نیست و در این آیه بعلت اضافه شدن عبارت اولی الامر بعد از اطیعوا شرط و تبصره وجود دارد(فان تنازعتم فی شئ فردوه الی الله و الرسول) و فهمیدم که اولی الامر مورد اشاره در این آیه برخلاف تبلیغات موجود معصوم نبوده و اطاعت از آن مشروط میباشد و...

عباس
چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:04 PM

با سلام و خسته نباشید

استاد من چندی پیش مطالبی راجع به کانال سوئز و نحوه ساخت آن مطالعه کردم

جدا از مطالب خنده داری که مدعی ساخت این کانال توسط داریوش بود به نظرم رسید که کل داستان از ریشه دروغ بوده و کانال سوئز یک کانال طبیعی بوده و این داستان ها را یهودیان برای تحریف برخی مسائل تاریخی از جمله خروج بنی اسراییل از مصر ساخته اند.

می خواستم نظر شما رو در این مورد بدونم با تشکر

پاسخ:

آقای عباس. اهرام های مصر در برابر دروغ عظیمی چون حفر کانال به وسیله داریوش بسیار کوچک اند!

مجید نصراصفهانی
چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:19 PM

عرب ستیزی واسلام ستیزی اندیشه برتر ادوارد سعید در تفکر شرق ایستا

بررسی اندیشه های مکتفکر غرب زده نظیر ادوارد سعید که گویا کوچک شده امثال شجاع الدین شفا ها می باشد تا مرحم زخمی باشد بر دردها زخم خورده غرب از شکوفایی اسلام مسلمین واعراب در برابر حجمه افکار شیطانی غرب واومانیسم یهودی وحتی لیبرالیسم مسیحی بوده

تفکرات ادوارد سعید متفکرین شرقی وبخصوص اندیشمندان مسلمان را متفرین اراتجاعی وغیر پویا خطاب کرده وغرب را مظهر شکوفایی انسانی وارمان انسان برتر قلمداد می کند

این یاوه گوی غرب زده مدعی است اسلام سد راه پویای غرب است وقوم عرب نمونه با رز تحجر قومیتی درجهان می باشد

یشان با تقین احتجار خواندن تمام گروههای اسلامی والام گرا وبخصوص گروهای مقاومت فلسطینی نتها قصد تخریب وجهه اسلام

ومسلمانان را دارد بلکه قصد دارد حیثت بر باد رفته غرب واسرائیل نقض حقوق انسان جهان اسلام بخصوص مسئله فلسطین بنوعی پاکشویی جنایتهای اسرائل وغرب رابکند شاید شاید ملعبه بازیهای جورچین غرب زمانی باتفکریسم ادوارد سعید به اوج نخوت وخود ستایی رسیده بود ولی مهن طور که برهمگان روشن است ماه پشت ابرنمی ماند ولو بدسیسه اهریمنان یهودی مسیحی باشد وامروزه شاهدیم که رسانه های غری لب به اعتراف گشودند و چشم گوش خودراکمی بروری جنایتهای غرب وصهیونیست بازکردند؟

دیگر خودشان هم برای چرندیات امثال ادواردسعیدها سارکوزی

ها بوش ها کلینتون ها وهزار کمسیون حقوق بشری سازمانها صلح بشری هزاران شعار پوچارلی لیبرالسم غربی اعتقادی ندارند

وبه ماهیت وفحوای اصلی میوه گندیده دمکراسی غربی یونانی که همان برده داری انسانیت درچارچوب ایدلولژی غرب رسیده اند

کیست که نشود صدای اسارت مسلمان در بند زندان گوانتانامو شیوه ناله ها مردم دربند عراق تااچشم ببیند زندان ابوغریب خسته است از فریادها وشکنجه های دستان شیطان امریکا وصدها زندان مخفی در اروپا کره وژاپن ....

دمکراسی غربی تنها در عروق گندیده ادوارد سعید مدفون می شود وخاطرات اسبداد غربی دراذهان عموم مسلمین بیا دگار می ماند

سارکوزی با نفرت بگو نقض حقوق بشر درایران وبا گریه بخوان لگد مال شدن شرف انسانیت در پاریس

کجاست گوش شنوای شمابشنود زجهای زنان سیهاپوست

چشمان شما قرمز خون فرزندان فلسطین که از دستان صهیویست می چکد را نمی بیند ؟شاید لنزها زیبای چشمی شما راکورکرده است سره اسرا ئ فساد شیطان بر روی زمین

" وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الأرْض مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبيرًا (٤)

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْس شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلالَ الدِّيَار وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولا (٥)

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا (٦)

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لأنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا (٧)

عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا (٨)

پیرزوی حزب خدا وحزب شیطان

یه ۵۵ و ۵۶ سوره مائده، حزب الله را چنین معرفی کرده است:«انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یوتون الزکاه و هم راکعون و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون؛ سرپرست و ولی شما، تنها خدا است و رسول او و کسانی که ایمان آوردند، همان ها که نماز را به پا می دارند و درحال رکوع زکات می دهند.و کسانی که ولایت خدا و پیامبر و افراد با ایمان را بپذیرند،]حزب الله هستند[وحزب الله پیروزند.» (مائده ۵۶)

استحوذ علیهم الشیطان فانساهم ذکرالله اولئک حزب الشیطان الا ان حزب الشیطان هم الخاسرون؛ شیطان بر آنها مسلط شده و در نتیجه یاد خدا را از خاطر آنها برده، آنان حزب شیطان اند. بدانید حزب شیطان، زیان کاران اند.» (مجادله ۱۹)

مجیدنصراصفهانی

چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:26 PM



ا دوارد سعید

سعید (1994) به این بحث پرداخته است که جزم اندیشه های عمده شرق شناسی در اصلی ترین شکل مطالعات مربوط به اعراب و اسلام وجود دارد. وی این جزم اندیشی ها را به صورت اعتقاد به برتری غرب به عنوان توسعه یافته و منطقی و شرق به عنوان حقیر و راکد جمع بندی کرد. بنابراین شرق به گونه ای به تصویر کشیده شده است که قادر نیست [حدود] خود را تعریف کند و ضروری است که یا ترسانده شود یا کنترل شود.(سعید، 1994)

سعید مفهوم فوکویی گفتمان و قدرت را به خدمت گرفت تا شرق شناسی را تعیین کند و به تبیین این مسئله بپردازد که چگونه غرب با ساختن دانش درباره شرق، بر شرق اعمال قدرت کرده است. فوکو (1990) در کتاب خود با نام تاریخ تمایلات جنسی گفتمان را به عنوان جایگاهی توصیف کرد که « در آن قدرت و دانش با یکدیگر تلاقی می کنند». لوک(12)(1996-1995) به تفصیل بیان کرد که روابط قدرت دانش با ساختن حقا یقی درباره جامعه، به دست می آید، که این ها « حقایقی هستند که به مقوله ها و تعریف های بدیعی تبدیل می شوند و حکومت ها با استفاده از آن حکمرانی می کنند و جمعیت های خود را مورد نظارت قرار می دهند و اعضای اجتماع ها با استفاده از آن، خود و دیگران را تعریف می کنند».

این مطالعه به بررسی و تعیین این تعاریف بدیهی انگاشته شده و مفروضات درباره رابطه بین اسلام و دموکراسی می پردازد. این مطالعه انواع دانش درباه اسلام و دموکراسی را که می توان در صفحات روزنامه های معتبر آمریکایی یافت، تعیین می کند، دانشی که می تواند از سوی سیاستمداران مورد سوء استفاده قرار گیرد تا حمایت از طرح های امپریالیسم در اغلب کشورهای مسلمان را تقویت کند.

فوکو(1980) با تأکید بر همبستگی متقابل قدرت و دانش، نشان داد که« برای قدرت این امکان وجود ندارد که بدون دانش اعمال شود، برای دانش نیز غیر ممکن است که تولید قدرت نکند». بنابراین، هم دانش و هم حقیقت توسط قدرت آلوده می گردند؛ هر دو تاثیرات قدرت را فراهم می کنند. (فوکو، 1980) در این فرآیند، قدرت دیگر تنها یک کنش سرکوب گر باقی نمی ماند. فوکو این بحث را مطرح می کند که «قدرت عبور می کند و چیزهایی تولید می کند، لذت ایجاد می کند، به دانش شکل می دهد، تولید گفتمان می کند».

سعید (1994) براساس بحث های فوکو نشان می دهد که « رابطه بین غرب و شرق رابطه بین قدرت، سلطه و درجات مختلف یک هژمونی پیچیده است». بر خلاف انتقادهایی که از سوی چندین محقق نسبت به دیدگاه های سعید مطرح شده است (هالیدی، 1993؛کر،1980 لوییس، 1982؛ مسلّم، 1979؛ ترنر، 1989) انتقادهای وی همچنان نقش مهمی در آشکار سازی سرکوبگری اشکال دانش امپریالیستی ایفا کرده است. سعید ضرورت مورد تهدید قرار دادن دانش شرق شناسی، مقاومت از سوی به حاشیه رانده شدگان و شکستن مرزهای بین پیرامون و مرکز را پایه گذاری کرد. انتقاهای سعید از شرق شناسی هم چنین نقش مهمی در بنیان گذاری انتقادهای پسااستعماری ایفا کرده (پراکش، 1995) و جهان سوم را به پایگاهی جدید برای نظریه پردازی تبدیل کرده است. (باتناگار، 1986)

هامی بهابها(13) با پذیرش بحث های کلی سعید در انتقاد از شرق شناسی، تنش و ناهماهنگی در گفتمان استمراری را مشخص می سازد و نشان می دهد که قدرت استعماری دارای ویژگی ناپایداری و تشویش است که نسبت به موضوع دلخواه و مورد تمسخر به طور همزمان مغایرت ایجاد می کند. بهابها هم چنین از سعید به دلیل اهمیت ندادن کافی به پیچیدگی مفهوم قدرت دانش فوکو انتقاد می کند. به نظر وی سعید در این بین یک مفهوم ابزاری به دست آورده است که فهم این که « قدرت چگونه به عنوان عامل تحریک کننده و بازدارنده عمل می کند» را دشوار می سازد. این مطالعه براساس مفهوم قدرت دانش فوکو، به بررسی این موضوع می پردازد که چگونه دانش درباره اسلام و دموکراسی در آن واحد اشکال سرکوبگر و تولیدگر به خود می گیرد، بدین صورت که نشان می دهد این دانش چطور می تواند حکمرانی بر زیردستان را تضمین کند، در حالی که ادعای نجات آن ها را دارد. فوکو (1990) علاوه بد تاکید بر عملکردهای تولیدگر قدرت، این بحث را نیز مطرح کرد که نقطه های مقاومت در «هر جایی در شبکه قدرت حاضر هستند».

راکا شوم(14) (2006) با توجه به این مقاومت توسط استعمارزدگان نشان می دهد که حضور فراوان گروه های جهان سومی در بازنمایی های رسانه ای شده گاهی هژمونی آن ها را دچار اختلال می کند و

استعمارزدگان را قادر می سازد که اظهار وجود کنند. براساس چنین بنیان های نظری ای این مطالعه هم چنین به بررسی گفتمان هایی

می پردازد که در برابر بازنمایی های مسلط اسلام و دموکراسی در مطبوعات معتبر آمریکا مقاومت می کنند
بررسی ضد گفتمان ها نشان می دهد که آیا تعریف های هژمونیک غرب از مدرنیته، سکولاریسم و توسعه در صفحات مطبوعات معتبر آمریکا مورد چالش قرار گرفته است یا خیر. طارق بانوری (15)(1990) در کتاب خود با نام دانش سلطه گر: توسعه، فرهنگ و مقاومت تاکید کرد که مفهوم مدرنیزاسیون غربی به عنوان « فرآیند موزون و به عنوان جایگزین کردن زندگی نامطلوب توسط زندگی مطلوبتر» نا به جا است و تفاوت های مهمی بین جوامع در نوع نگاه وجود دارد. با توجه به بانوری «مدرنیته غربی همواره در راستای کاهش آزادی عمل کرده است و هر جا که معرفی شده است حق حاکمیت مردم را انکار کرده است». فرد دالمایر(16) (1996) با پرداختن به آثار فلاسفه غیر غربی و نظریه پردازان اجتماعی از جمله دایا کریشنا، آشیس ناندی و بانوری- دانشمندانی که به خاطر انتقاد از دستورالعمل های هژمونیک توسعه و مدرنیته غربی شناخته شده هستند- مدل های جایگزینی برای رویارویی میان فرهنگی ارائه کرده است.
در نهایت، این مطالعه براساس این اصل بدیهی که اخبار به وسیله یک فرآیند پیچیده ساخت معنا تولید می گردند، نسبت به تولید اخبار رویکرد سازندگی گرایی (17) در پیش می گیرد. سعید (1997) این بحث را مطرح کرد که « روزنامه ها، اخبار و دیدگاه ها به طور طبیعی اتفاق نمی افتند؛ آن ها به عنوان نتیجه میل انسانی، تاریخ، شرایط اجتماعی، نهادها و پیمان نامه های مربوط به حرفه فرد ساخته می شوند».
این مطالعه چنین فرض می کند که بازنمایی های اسلام و دموکراسی نیز ساخته می شوند؛ آن ها بازتاب های محض حقیقت ایستا نیستند. تحلیل هایی که در پی می آید متاثر از انتقاد سعید از شرق شناسی، بحث های فوکو درباره همبستگی درونی قدرت و دانش و وجود نقطه های مقاومت در کنار شبکه های پیچیده قدرت است.

کرامت پورترک
چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:34 PM

سلام استاد

می خواستم درباره فرم سفال های به دست آمده در پاسارگاد تحقیق کنم . ممکن است یکشنبه کتاب پاسارگاد آستروناخ را بیاورید دفتر؟ قصد امانت گرفتن ندارم فقط همان جا ببینم کافی است . با تشکر

طالب الحق
چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:35 PM

خواهر حاجی زاده

لطفا رسائل پیشین مرا درست بخوانید!!!

که دیگر من خودنمای کج فهم جوابی برای شما ندارم

والسلام علیکم ورحمته وبرکاته

+++
پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 00:19 AM

جناب ۲۰۶

نمی دانم ترس شما از چیست که مثه بچه های نا به هنجار دل به سنگ پرانی از پشت دیوار خوش کرده ای تا شاید سنگی بر سبیل

اتفاق به هدف بخورد .آیا این نشاءت گرفته ازعدم اعتماد به نفس وترس شما از شکست در مقابله با نظرات استاد نیست؟

اگر ذره ای اعتقاد به صحت عمل ات داشتی اگر ذره ای احتمال به جذب حتی یک نفر از جمع بنیان اندیشان داشتی بی شک چنین رخ به برقعه نمی کشیدی و چون معروفه ها چروکیده از حیض انتفاع افتاده چنین عشوه خرکی به راه نمی انداختی که دست رد از هر بنجل به تمنایت بخورد . مرغوبین که جای خود دارند.به شما نصیحت می کنم به عوض عرضه این شرو ورنامه به جمع بنیان اندیشان آن در بازار شیطون انتی که مملو از جنس جعل ودروغ دزدان وطراران بی اتیکت است عرضه کنی تا شاید به ذائقه مگس سان انان که بر هر فضله به وچه چه می کنند گوارا بیفتد.

بنده شرو ور نامه شما را نخوانده ام دوست عزیزم جناب نیسی در مکالمه تلفنی به بنده خبر داد که چیزکی نیز در باره بنده نوشته ای .دوست عزیز بنا بر آن فعل سعدی و بچه پرو من هم ترا بر کول خود در بازار خواهم گرداند که هر چه دل ریش ات می خواهد بگویی والله اگر کلامی جز اینکه عاقلان دانند از من بشنوی.

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 00:54 AM



سلام‌علیکم

استاد عزیز

به عقیده من مبحث استراتژیک و راهگشای قلم، نقطه عطف بی‌نظیری در مجموعه مباحث ایران‌شناسی بدون دروغ است و با آن، همگی مدیون شما در شناخت جعلیات تاریخی هستند.

نوری که این مبحث به قلب جویندگان حقیقت تابانده تاکنون نظیر نداشته و باعث راندن هر چه بیشتر خفاشان جاعل به پستوی کلیسا و کنیسه شده است.

مبحث کوهسان قلم طومار همه الفهرست‌ها، العرب‌ها، شاهنامه‌ها و ... را در هم پیچیده است و جعل‌پرستان عرب و پارس مدت‌هاست به هذیان‌گوئی افتاده‌اند و شما به زیبائی سرانجام و هویت کلمه فهرست را مشخص کرده‌اید ولی باستان‌پرستان نمی‌توانند هویت، سابقه و سرانجام مفاهیم فنی که عرض کردم را در زبان کپی‌برداری شده خویش معلوم کنند.

جناب آقای پورپیرار، در مجموع آنچه درباره مبحث هویت گفتم خارج از آنچه شما تاکنون گفته‌اید (خاصتا مطالبی که جناب طالب‌الحق از "پلی بر گذشته3" و "ساسانیان3" ارائه کردند) نیست.

الله بعونکم

پاسخ:

آقای نیسی. مسلما هویت و منزلت فرهنگی عرب، با نزول آیات قرآن، بر پوسته آگاهان جهان و بر قبایل آشکار شد. مردمی که سر در پی آیات نهادند و انعکاس ایمان آنان، چون صدای باد در گنبد زمان و جهان پیچید. چه زمان و چه گونه و چرا این لفظ فهرست با مشتقاتی معیوب، همانند عکس و دنباله کوتاه آن، به زبان عرب وارد شد؟ مثلا محمد فواد عبدالباقی هنگامی که نام کتاب مفیدش را «المعجم المفهرس» می گذارد، نظر به چه دارد و از کجا بر می دارد؟! شاید هم از عنوان کتاب ابن ندیم و نه از زبان قوم و قبیله!؟

پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:02 AM

با سلام

آقای نیسی لطفا دیگر جواب کامنت های مرا ندهید. مرا با شما کاری نیست.

من باب یاددآوری بگویم که در جمله"دفن جثمان الشهید محمد الدره بین هم و حزن عمیقین" علامت مثنی وارد شده بر عمیقین اشاره به هم و حزن دارد و من نمیدانم چرا شما الحاضرین را به آن اضافه کردید؟

م. اوجال اولوتورک
پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:35 AM

با سلام خدمت استاد و سایر دوستان

خانم حاجی زاده، سلام

در ارتباط با بحث میان شما و آقایان نیسی و طالب الحق در خصوص عرب تباری و ... ، عرضی داشتم:

صد البته که تاکید و اصرار بی منطق و بی دلیل بر هویت قومی و تبدیل آن به ابزاری برای تفاخر، علی الخصوص در میان ملل مسلمان، امری است مذموم، و مطلوب دشمنان. اما، این را هم فراموش نکنیم که تکثر زبانها و هویات قومی، خود، جلوه ای از اراده خدواند، وآیتی از آیات وجود پروردگار است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. (حجرات، 13)

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ. (روم، 22)

. . .

آن رفتاری، که البته خود معلول و نتیجه رفتار شونیستی ای دیگر است، و شما آن را "تاکید بر تبار و هویت قومی" تلقی کرده و مورد انتقاد قرار داده اید، در واقع امر، نه "تاکید بر هویت قومی"، بل "تاکید و تلاش در جهت ابراز و اثبات وجود" است و بس! تلاش در جهت اظهار این مطلب که "من هم هستم؛ من هم انسانم، و همچون سایر انسانها دارای بعضی حقوق".

ضمنا، اینکه شما از دوستان عرب می خواهید که به زبان خود ننوشته و به زبانی که شمامی فهمید بنویسند، به نظر بنده، خواسته ای بجا و قابل قبول نیست.

موفق باشید

محمدرضا نیسی
پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:55 AM

سلام‌علیکم

سرکار خانم حاجی‌زاده

شما می‌توانید با افزودن 2-3 کلمه توصیف مشترکی از احوال قومیت‌ها در ایران ارائه دهید ولی نمی‌توانید همین کار را برای گذشته آنها انجام دهید و همین است علت اصرارم بر هویت عربی-اسلامی(البته نه آن جعلیات ابن‌ندیم و ابن قتیبه خیالی)

******خط صفری سنگ روی یخ*****

به به جناب 206 ! من گفتم مصرف آبهویج‌تان را افزایش دهید و این موضوع را زیاد تکرار کردم ولی قرار نبود شما هم این قدر آبهویج بخورید

که دچار سوءمصرف شوید. این دفعه دچار اسهال مغزی شده و کلی پرگوئی "که مفت نمی‌ارزد" کردید. واقعا ماندم که از کدام یک از بحث‌های مضحکی که مطرح کردید شروع کنم. اما به احترام استاد و یاران بنیان‌اندیش به صورت کاملا مختصر به موضوع می‌پردازم.

جناب "شارلاتان"! ملتمسانه از شما می‌خواهم مانند آن مرتیکه دروغگوی مأمور (آنتی) سایتی راه‌اندازی کنید تا دست ما برای عرض ادب خدمت‌تان بازتر باشد و سیرک تکراری شده و مضحک آن شارلاتان را با سیرک شما جایگزین کنیم. در این زمینه توصیه می‌کنم حتما از تجربیات آن مامور دروغگو بهره بگیرید.

ما را از توزیع خزعبلات سراسر تناقض‌تان در بین باستان‌پرستان و جعل‌پرستان نگران نکنید. مطمئن باشید تناقض‌گویی‌هایتان چیز جدی به حماقت و نادانی این جماعت اضافه نخواهد کرد چرا که لجن جعلیات کلیسا-کنیسه مغزهای آنان را چنان متعفن کرده که با افتخار تمام مشغول باربری جعلیات سراسر تناقض آنان هستند و خم به ابرو نمی‌آورند.

جناب 206، سوءمصرف آبهویج چنان بر مغزتان تأثیر گذاشته که به هذیان‌گوئی افتاده‌اید. خودتان را خط سومی فهمیده می‌دانید و بعد می‌گوئید "ملاک بر حسن نیت است و در میان اسناد! تاریخی همه چیز اوریجینال است مگر اینکه بتوان با ادله کافی خلاف آنرا ثابت کرد"!!! بنده خدا با این شیوه استدلالت، تو خط صفرم هم نیستی بلکه تو هم خواسته یا ناخواسته نوکری اربابان جعل را می‌کنی.

واقعا با این نظریه بدیع‌تر و جالب‌تر از آوارشناسی آثار باستانی‌تان و استنادهایت به افراد خیالی همچون ابن‌خلدون که اساسا وجود خارجی ندارند، توقع داری مهملات این پرگوئی‌هائی "که مفت نمی‌ارزد" را باور کنیم؟!

جناب باهوش 2باره با کمال اطمینان و اعتماد به نفس کاذب "کلاشی‌ها" و شارلاتان‌بازی‌هایت" را "غیرقابل پاسخگوئی" می‌نامی! دوباره بر نظریه مضحکت بر آوارشناسی تاکید می‌کنی؟!
احتمالا منظورت از اینکه دیوارها و سقفهای تختگاه هیچکس را گلی می‌دانی لاپوشانی سوتی‌ها و کلاشی‌هایت نیست و اشاره به خشتی بودن آنها داشتی.

...

پاسخ:

آقای نیسی. برای فراهم آوردن امکان غرق شدن در مدفوع خود باید بر میزان خروجی آن افزود که می بینید مشغول بدانند.

محمدرضا نیسی

پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:56 AM



...

خوب حالا به فرض صحت این نظر بفرما آوار این همه دیوار قطور و بیش از 100هزار مترمربع سقف همین یک لایه خاک بوده است؟ چرا آثار خشتی دیگر موجود مانند زیگورات به خاک تبدیل نشده‌اند؟ چرا هیچ اثری از این آثار گلی مورد ادعایت بر جای نمانده؟(وارد مبحث صحت و چگونگی چنین ادعایی نمی‌شوم)

خط صفری! برای خرگوش‌بازی‌هایت بسیار دیر شده. حالا عکس‌هایی که در یادداشت‌های غیرقابل انکارت!!!! کلاشی‌ها و سوتی‌هایت را مشخص می‌کرده‌اند را این دفعه ارائه ندادی.
آن عکس اوریجیییییینال و ستون‌های مطولش چه شد که هنوز معلوم نشده چگونه این ستون‌ها را حواله‌تان کرده‌اند؟!
آن عکسی که دروغ‌های شاخ‌دارت را نشان می‌دهد و اساسا عدم وجود ستون‌های مطول حواله شده را اثبات می‌کند کجاست؟

این بود وعده پرطمطراق قبلی‌ات درباره جواب! بس است کلاشی! با این پرگوئی‌ها نمی‌توانی خود را از ارائه جواب فرار کنی. پس پاسخ این سوال‌ها چه می‌شود:

آن عوارضی که نام کاخ کوروش سابقا کبیر را یدک می‌کشند آوارشان کجاست؟ نکند گلی بوده و دود شده رفته هوا؟! آوار حصارهای این کاخ‌های جعلی کجاست؟
سپاهیان حاخام‌منشی در کجا مستقر بوده‌اند؟ آثارش کجاست؟
چه کسانی برای اینان غذا تامین می‌کرده‌اند؟..........

درباره طوفان نوح هم که جز یک سری نق زدن‌های تکراری چیز جدیدی نگفتی. درباره خلفاء و آن مواهب ویژه الهی که باعث شد قوم نوح خلفاء خطاب شوند چیزی نگفتی و به تکرار پرگوئی‌هائ قبلی "که مفت نمی‌ارزد" پرداختی
شما مطمئن هستید که حالتان خوب است!! طوفان نوح را با سیل پاکستان مقایسه می‌کنید! باز هم می‌پرسم پس تکلیف ساخت کشتی توسط نوح چه می‌شود؟
جناب باهوش با اینکه تکرار مکررات است؛ سیل در مسیل جاری می‌شود و ارتفاعات را نمی‌پوشاند و اگر چنین باشند قوم نوح که بر فراز کوه‌ها رفته بودند نجات می‌یافتند.

بحث‌های رود اردن و سونامی و ... تکراری و فاقد ارزش بحث است و قبلا جواب داده شد.

به هیچکدام از بحث‌هایم درباره کلاشی‌هایت پاسخی ندادی جز تکرار مکررات و عدم ارائه عکس‌های رسواکننده قبلی در یادداشت جدید.
حالا یک سوال جدید از محضر نظریه‌پرداز بی‌بدیل که در هر یادداشت یک نظریه مضحک جدید ارائه می‌کنند:

تختگاه هیچکس که مملو از نشانه‌های فرهنگی و تمدنی سایرین است و توسط معماران و هنرمندان سایرین در حال ساخت بوده را تبدیل به بزرگترین افتخار باستان کردید، بفرمائید این حاخام‌منشیان وحشی و بی‌فرهنگ با ساخت این مجموعه کاخ می‌خواستند بر چه کسانی حکومت کنند؟ غذا و پشتیبانی اینان و لشکریانشان توسط کی تامین می‌شده؟ می‌توانی نمونه‌ای مانند شهر عظیم باستانی Timgad ارائه کنی؟ در گوگل یک سرچ ساده انجام بده تا بفهمی چی می‌گم البته امیدوارم!!!

...
محمدرضا نیسی
پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:57 AM

...

واقعا خجالت نکشیدی آن بنای حقیرانه در فیرآباد را ارئه بدی و بعد نام کاخ بر آن بگذاری! البته از شمائی که برای اسناد! تاریخی حسن ظن قائلی چنین خبطی طبیعی است

خط صفری! در باب کتیبه‌های جعلی تختگاه هیچکس؛ همانطور که خودت گفتی در عکس‌های با کیفیت جدید کتیبه‌های دیده نمی‌شود اما در عکس قدیمی کاملا واضح هستند و آن عکس قدیمی که کتیبه‌ها در آن وجود ندارند نیز قدیمی بوده و تکنیک عکس‌برداری آن مانند عکس سیاه و سفیدی است که کتیبه‌ها را نشان می‌دهد. این موضوع اگر عناد و سوءمصرف آبهویج نداشته باشید کاملا گویای جدید بودن این کتیبه‌هاست.

اما یک نکته دیگر که شما و این جناب امیر باهوش‌مان از آن قافل هستید یا عمدا قافلید این است که این کتیبه‌های ریز و در آن ارتفاع به درد چه کسی می‌خورده و چگونه آنرا می‌خوانده‌اند؟ بله می‌دانم شما می‌توانید بخوانید چون دلتان می‌خواهد اینگونه باشد.
در نتیجه بهتر است به ریش خود بخندید و بر خط صفری‌های طرفدارتان فخر بفروشید.

حرف‌هایی که درباره زندگی ایلیاتی و ضعف تمدن در ایران زدید بخشی از دلایل وقوع جنایت پوریم است که در اینجا لازم می‌دانم از اهتمامتان به باز کردن و تبیین این دلایل تشکر کنم گرچه شما آنرا باز چون دلتان می‌خواهد مصادره به مطلوب کردید.

بحث‌هایتان درباره شگردشناسی هم جزو همان شگرد پرگویی‌هایتان است که ارزش بحث ندارد.

و اما در پایان و درباره نظریه جدیدتان می‌گویم که جناب خط صفری باهوش! این روحیه لطیف و مخملی و حسن ظن‌تان را به اسناد! تاریخی تسری ندهید و از آوردن خزعبلات منسوب به ابن خلدون خیالی و یا جکی به نام مولانا خودداری کنید که بیشتر خودتان را نزد اهل فکر رسوا می‌کنید.
امروز با روشن شدن مبحث قلم و همچنین تاریخچه کاغذ جایی برای این اسناد! و در واقع جعلیات تاریخی نمی‌ماند و من از شما می‌خواهم اگر یک خط صفری واقعی هستی سایتی ایجاد کن و مبحث قلم را در آنجا به نقد بکش و ما را به سه‌شدگان قبلی اضافه کن.
البته این بحث‌ها راه را برای بازگشت محترمانه‌ات به آغوش گرم جعل و باستان‌پرستان مهیا می‌کند و همانگونه که در اول بحث گفتم اساسا فایده دیگری از این مباحثت حاصل نخواهد شد.
پاسخ:
آقای نیسی. قرآن به مسلمین یادآوری کرده است که با یهودیان و نصاری به جرم شرک، همنشین و همکاسه نشوند زیرا که دشمن و نجس اند. برای دعوت، شرط آن را هم اضافه کنید که باید مشخصات کامل شناسنامه عکس دار خود را و البته بدون سود بردن از صنعت جعل، ارائه دهند که بدانیم دانیال و از این قبیل نباشد.
سعید
پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 08:33 AM

من چندین بار در برابر کامنتهایی که بوی عرب ستیزی میدهند اعتراض کرده ام و این دلیل بر برتری قائل شدن برا ی هیچ قومی نیست از جمله اعراب که در اصل چون قدر زبان الهی خود را ندانسته اند بیشتر سزاوار سرزنشند
«ما به دلیل همین هویت اسلامی و زبان کامل و بی‌نظیر عربی، ادعای برتری داریم و به این برتری خود افتخار می‌کنیم »

آقای نیسی بهتر بود به لیست برتریهایتان حکومتهای عربی را هم اضافه میکردید که الان پولشان از پارو بالا میرود البته تجارت با جهود خیلی برایشان چرب بوده و شکمهای فربهشان را با آیات قرآن قیاس کنید به سفره های فقیرانه آل سعودها و نهیانها و ... هم اشارتی داشته باشید که با جرج بوش دیروز و باراکهای امروز هم پیاله شده اند در کل حکومت عربی را معرفی کنید که طبق همین قرآنی که شما سنگ آن را به سینه میزنید عمل کرده باشد و یا در مقابل جهود همچون علامه عسکری غیر عرب و پورپیرار بزرگ ایستاده باشد اگر شما دلیل برتری برای خود مثلا از یک فارس را زبان عربی میدانید بدانید این نعمتی است که خداوند به شما داده و بیشتر از این که احساس تفاخر کنید بهتر است شکر گزار باشید شاید نعمتهایی که خداوند به دیگران داده را هم ببینید
اگر اعراب عربی میدانند و قرآن را با زبان مادری خود میخوانند اگر یک چینی مسلمان امروز تقوای بیشتری داشته باشد از شما برتر است از همه لحاظ
أمة الله
پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:19 AM

سلام آقای پورپیرار

ان شاءالله به زودی ایده هایتان را به محققین عرب نشان خواهم داد .

سلام دوستان

شما را به خواندن مقاله ی مهندس عدنان الرفاعی دعوت می کنم که مقداری اش را ترجمه و در وبلاگ قرار داده ام.

http://tauheed.blogfa.com/

حسین محمدی
پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:12 PM

گلد برگ پس از بازگشت از هاوانا در مطلبی که در مجله آتلانتیک منتشر کرده جزییات ملاقات خود با کاسترو را نقل کرده است .

کاسترو پیش از این بارها نسبت به وقوع یک جنگ جهانی هسته ای و کشته شدن دهها میلیون نفر در اثر این جنگ هشدار داده است . کاسترو اعلام کرده این جنگ ممکن است به بهانه جلوگیری از اتمی شدن ایران آغاز شود اما شعله های آن تنها به ایران و اسراییل محدود نشده و جنگ ویرانگری شود که کل منطقه خاورمیانه را در آتش خود بسوزاند . رهبر انقلاب کوبا از اوباما خواسته است تا در برابر سناریوهای جنگ افروزانه جنگ طلبان آمریکایی مقاومت کند .

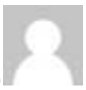
گلدبرگ می نویسد : کاسترو هر چند به لحاظ جسمی نحیف شده اما مغز او به خوبی کار می کند و او هنوز از انرژی بالایی برخوردار است .

گلدبرگ درباره نظرات کاسترو درباره اظهارات محمود احمدی نژاد رییس جمهوری ایران درباره نفی هلوکاست می نویسد : " کاسترو به طور مداوم احمدی نژاد را به دلیل نفی هلوکاست سرزنش می کرد . وی معتقد بود که اگر ایران واقعیت وجود تاریخ یهودستیزی در جهان را مورد پذیرش قرار داده و تلاش کند تا نگرانی های منطقی اسراییل درباره موجودیت خود را درک کند ، تاثیر بیشتری در تحقق صلح جهانی خواهد داشت .

گلدبرگ به نقل از کاسترو می نویسد : " من فکر نمی کنم در طول تاریخ هیچ قوم و مذهبی بیش از یهودیها مورد تهمت و افترا قرار گرفته باشند ، من می خواهم بگویم که حتی بیش از مسلمانان ".

کاسترو می افزاید : " حکومت ایران باید بداند که یهودی ها از سرزمین خود به بیرون رانده شدند و در تمام مناطق جهان به عنوان مردمی که خدا را کشته اند ،مورد شکنجه و بد رفتاری قرار گرفتند ".

احسان
پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:31 PM

با سلام خدمت استاد

جسارتاً در یادداشت ۲۷۱ ذیل آخرین عکس پاراگراف دوم اشتباهاً نوشته شده : «کمال الملک در ۱۳۱۹ یک سال پیش از آغاز جنگ جهانی دوم ...» که بهتر بود مینوشتید: « یک سال پیش از ورود متفقین به ایران» که سریعا و صریحا مقصود مورد نظر را بیان می کرد. چون در ۱۳۱۹ یک سال از شروع جنگ جهانی گذشته بود.

+++
پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:45 PM

جناب نیسی با سلام

کار این ۲۰۶ ازخرگوش بازی واین جور انتصابات استعاره ای گذشته ایشان به درستی خر موشی هستند که برای درمان رشد بی رویه دندان طمع اش به جایگاه استاد در تاریکی سنگ به دندان می ساید.خیلی خر موشه.مگه نه؟

آرش
پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:07 PM

جناب +++. فوق العاده بود. با خواندن نوشته شما از نوشتن مطلبم منصرف شدم. واقعا فوق العاده بود.

عبدالله
پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:08 PM

در قرآن ذکر قوم لوط زیاد شده ودر چند آیه تاکید میکرد که شما به مردان نزدیکی میکنید واز زنان روی میگردانید ، ودو عمل را با هم ذکر میکردند ((یأتون الرجال شهوة من دون النساء)) شما از زنان دوری کرده و بر مردان وارد شدید که حتی وقتی حضرت لوط بر آنها دختران خود را عرضه کرد نپذیرفتند حال اگر میخواهیم مجرد از روایات فقط به نصوص قرآن مراجعه کنیم سؤال من این است که در آیه ولوطا اذ قال لقومه اتاتون ((الفاحشة)) ما سبقكم بها من احد من العالمين ﴿80﴾ الأعراف فاحشه ای که حضرت لوط از آن سخن میگوید به نظر شما چیست ؟ لطفا فقط از قرآن دلیل بیاورید

آیا فاحشه قوم لوط نزدیکی به مردان است

یا دوری از زنان که باعث انقطاع نسل میشود

یا هردو عمل

حقیقت دوست
پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:21 PM

آیا برپایی جشن روز فطر در قرآن ذکر شده است

عماد
پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:25 PM

آقای ۲۰۶ تیپ عهد بوق سلام

اول بگم که این شیوه معهود آقای اتفاق است که به هیچ ایمیلی جواب نمی دهد و فقط اطلاعات جمع می کند درست مثل خاخامهای یهود!!!! اینو گفتم تا بدونی چقدر باهوشی و گاف میدی خرگوش جان و دیگه برای جبرانش دیر شده!!!!

و دوم می گویند عدو شود سبب رحمت اگر خدا خواهد و خدا دشمنان اسلام و مسلمین را احمق و به نظر من فوق العاده احمق آفریده، چون شما با این هزیانات مافوق تصور ابلهانه باعث شدی هر چه بیشتر به عظمت شخصیت و بصیرت استاد پورپیرار پی ببریم و بیشتر و عمیقتر بفهمیم که هر کس به دشمنی با حقیقت بپردازد، واقعا روز به روز در مدفوع خودش فرو خواهد رفت و من این موضوع را در شما به عینه میبینم!!! برای همین خیلی ممنون و حتما ادامه بده،چون بر عظمت استاد نزد ما می افزایی

دستت درد نکنه

و بقولی هه هه هه هه هه هه

کرامت پورترک
پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:58 PM

سلم استاد می خواستم بگم که لازم نیست کتاب آستروناخ را بیاورید به تصاویر سفال های پاسارگاد دسترسی پیدا کردم.ممنون

پاسخ:

آقای پورترک. منظور از سفال پاسارگاد را نفهمیدم. شاید می خواهید بگویید سفال هایی که در پاسارگاد پیدا شده، زیرا در محلی که بقایایی از کوره و کارگاه سفال سازی نباشد، نمی توان از سفال سازی بومی آن محل چیزی گفت. ضمنا همین قطعات سفال، که حالا به چند رنگ تقسیم کرده اند، مکتبی در حقه بازی و حرف های کسالت آور و مملو از شیادی است.

مسعود سنجری

پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:04 PM

برادر بزرگ استاد پورپیرار

سلام علیکم

همانگونه که استحضار دارید یکی از حوزه های بسیار وسیع دروغ و حقه بازی که کلیسائیان و کنیسیان در تمام جهان رواج داده اند تا فجایعی را که در حق مسلمین در مناطق مختلف جهان مخفی نگاهدارند سرزمین اسپانیا است. بنابر تواریخ اروپایی سال پایان حضور مسلمانان در اسپانیا که با نام موریسکان شناخته می شوند 1609 میلادی ذکر شده. اما با توجه به قرائن و با استناد به افشاگری های شما زمان وقوع این فجایع با آنچه درباره قفقاز و سیبری به آن اشاره رفت همزمان و به دوران ما بسیار نزدیکتر است. موریسکان ها یا همان مسلمانان اسپانیا از اواسط دهه نود از قرن بیستم یا در حدود 15 سال قبل بعنوان یک تشکل در اسپانیا مجددا به رسمیت شناخته شده اند و از آن زمان بشکل خجولانه و با احتیاط و محافظه کاری فراوان از آنچه در این سالها بر آنها گذشته حکایت می کنند. طبق اظهار موریسکان بازماندگان این حملات وحشیانه باید بین هجرت از سرزمین خود و مسیحی شدن یک راه را برمی گزیدند که عده کثیری مهاجرت را ترجیح دادند و مابقی مجبور شدند تا در ظاهر به سلک مسیحیت در آیند و با سختی و ترس و مشقت فراوان مخفیانه مراسم مذهبی خود را انجام دهند. برخی از موریسکان اخیرا و اندک اندک شروع به تشهیر مسلمانی خود کرده اند.

همچنین بر اساس اظهارات موریسکان دادگاههای تفتیش عقاید در شهرهای جنوب اسپانیا تا سالیان نخستین قرن بیستم و تا آغاز حکومت ژنرال فرانکو ادامه داشته و حتی در مواردی محکومین را زنده به آتش می کشیده اند. نکته جالب اینکه در سراسر اسپانیا و خصوصا در شهرهای جنوبی مثل کوردوبا، گرنادا و گالرا هر سال مراسمی به مدت هفت روز بمناسبت پایان حضور مسلمانان برگزار می شود که طی آن با دو گروه یکی با لباسهای عربی و دیگری با البسه ای با نقوش صلیب به شبیه خوانی و نقالی حوادث و جنگهای رخ داده می پردازند. نکته مفرح در این مراسم استفاده گروه صلیبی از لباسهای قرن نوزدهم و نه قرن هفدهم در این مراسم است.

این مراسم بشکل خاص در شهر گالرا از اهمیت ویژه ای برخوردار است چراکه این منطقه بدلیل ساخت خانه ها و استحکامات دفاعی در دل کوه بیشترین مقاومت و پایداری را در مقابل صلیبیون از خود نشان داده و صلیبیان بعد از رسیدن کمک از فرانسه و با سختی و تلفات فراوان این شهر را تصرف نموده اند. هر چند که بدلایلی بسیار واضح است که تمام حملات انجام شده علیه موریسکان توسط فرانسویان انجام شده.

از جنبه دیگر با اذعان کرد که هر تحقیق و بررسی در خصوص مسلمانان اسپانیا یا همان موریسکان بدون در نظر داشتن مسائل مربوط به شمال غرب آفریقا (که امروز در غالب کشورهای مغرب و الجزایر شناخته می شود) محکوم به شکست است و عکس این موضوع نیز صحیح است. مناطق شمال غرب آفریقا در گذشته با نام موریتان (یا موریتانی) شناخته می شده اند که نام موریسکان تلفظ متفاوتی از همین نام در زبان اسپانیایی است. کلیسائیان و کنیسیان برای جلوگیری از ربط مستقیم این مفاهیم و نامها در تواریخ جدید به سرزمین دیگری نام موریتانی را بخشیده اند حال که بر مبنای منابع محلی نام کشور موریتانی فعلی در گذشته نه چندان دور شمقیط بوده. تغییر در نامگذاری در راستای همان جعلیات تاریخی در دیگر مناطق جهت قطع هرگونه ارتباط تاریخی و مردمی بین شمالغرب آفریقا و شبه جزیره ایبری است. اما

شواهد و آثار باقی ماده از مسلمانان اسپانیا و آنچه در حال حاضر در دو کشور الجزایر و مغرب فعلی وجود دارد نشان از وحدت بین این مناطق است. بعنوان مثال شباهت بین معماری ابنیه اسلامی خصوصا مساجد در اسپانیا و آنچه در شمال غرب آفریقا دیده می شود بقدری است که انسان تصور می کند یک معمار خاص در ساخت آنها دست داشته. همچنین واضح است که حملات رخ داده توسط فرانسویان صلیبی علیه موریسکان بلافاصله بعد از تکمیل آن در اسپانیا به مغرب و الجزایر امتداد یافته که تاکیدی دیگر بر وحدت مردمی و حتی اداری بین این سرزمینهاست.

بیان مسائل مربوط به این مناطق از تازگی خاصی برخوردار است و تحقیقات در باره آن اخیرا آغاز گردیده است. از عبرتهای روزگار اینکه اسپانیایی ها که تا چندی پیش به هر تلاش برای محو تاریخ موریسکان دست می زدند امروز در یافته اند که هر چه در باره تاریخ کشورشان گفته شده و رواج یافته امتدادی از تاریخ اروپاست و تنها جزئی از تاریخ و گذشته این کشور که بتوان آنرا اسپانیایی خواند فقط و فقط مربوط به تاریخ موریسکان مسلمان است و لذا باید به هر طریق ممکن آنرا احیاء نمود. این تلاشها اکنون شروع شده و با این ترتیب باید قدری صبر کرد تا مرور زمان ابعاد بیشتری از حوادث رخ داده در این دوران را عیان نماید.

اما نکاتی که از این بررسی ها استخراج می شود تاییدی بر تیز بینی و صحت نظریات شما استاد گرامی است از جمله همزمانی هجوم علیه مسلمانان از مناطق سیبری گرفته تا اسپانیا که نشان از وجود برنامه و هدفمندی این حملات دارد و دیگر نتیجه اینکه این وقایع در زمانی بسیار نزدیک تر از آنچه ادعا شده است انجام گرفته که این حقیقت با گشودن مدخل استثنایی قلم و جدید بودن کتابت توسط شما آغاز شد و مانند توفانی سهمگین جعلیات کلیسایی و کنیسه ای را اماج امواج خود قرار داده است و انشاالله راهگشای فهم صحیح از تاریخ و گذشته بشری و پایان بخش تشویش و آشفتگی در شناخت حقایق در تمام زمینه های علوم انسانی خواهد شد.

خدای بزرگ شما حفظ کند.

والسلام علیکم

فی امان الله

مهدی - مهدی

پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:16 PM



[متن زیر پاسخی به نسبت کوتاه به نامه ای است که نسخه ای از آن را دیگر مراجعه کنندگان به این وبلاگ دریافت کرده اند و به جرأت به آن بحث بی حاصل پایان می دهد. بایستی به اساس و بنیان بحث ها توجه کرد و بدون جزع و فزع، بحث های طولانی و به هم ریخته آغاز نکرد. زیرا آن راهی نیست که بنیان اندیشی به آن می رود.]

پاسخی را که برای شما می نویسم در وبلاگ ناریا نیز کامنت می گذارم زیرا اگر این تنها صحبتی بین من و شما بود هیچوقت پاسخی بر آن نمی نوشتم.

از آنجایی که بخشی از مواد صحبت ما فاکت ها و خبرهایی است که آورنده آن شما نیستید و باور به صحت آنها ارتباطی به سلامت و فسق شما ندارد و بخشی دیگر معقولاتی است که ربطی به سالم و فاسق ندارد و از زبان سالم و فاسق دو و دو چهار است، پس ما مانند شما به دنبال فسق و سلامت شما و اهداف و اغراض شما نیستیم.

اما بعد، آقای پورپیرار، به نظریه جاری و رسمی تاریخ ایران "ایرادات" بسیاری وارد کرده اند و مثل هر مورخی "نظریه ای" یکپارچه از عناصر تاریخی ارائه کرده اند و "دلایل" بسیاری را به عنوان پشتوانه نظریه خود آورده اند و در نهایت "روایت" مستقل خود را از تاریخ حکایت کرده اند. ما انتظار داریم شما هم "نظریه" و "روایت" خود را از تاریخ مشخص کنید.

شما ابتداء تکلیف خود را با "روایت" یکپارچه تاریخ مشخص کنید. آیا "روایت" جاری و رسمی را قبول دارید؟ آیا تمام "ایرادات" ایشان را مردود می دانید؟ اگر همه را مردود نمی دانید صریحاً نام ببرید کدام ها را قبول دارید؟ اگر روایت رسمی قبول دارید باید به تک تک "ایرادات" آقای پورپیرار جواب دهید. اگر نه "روایت" رسمی را قبول دارید و نه "روایت" ایشان را پس باید "روایت" خود را ارائه کنید. "روایت" شما باید به تمام "ایرادات" آقای پورپیرار پاسخ دهد و هر "ایرادی" را که که پاسخ ندهد باید با دلایل کافی رد کنید. و گرنه با رد چند مورد از "ایرادات" و "دلایل" ایشان حتی به فرض صحت مدعای شما، نتیجه معینی حاصل نمی شود.

این راهی است که ما از شما می پذیریم و غیر از آن هر چه بنویسید کسی به آن اعتناء نخواهد کرد. بی جا مطول نویسی نکنید و اول پاسخ سئوال های اساسی را بدهید.

در پایان اگر می فرمایید که نمی توانید، یا لازم نمی دانید به که تک تک "ایرادات" آقای پورپیرار جواب دهید و مدعی هستید که آن موارد، مشابه هم قابل رد کردن هستند، پس لطفاً آن مواردی را که ما انتخاب می کنیم رد کنید.

مهدی

حاجی زاده

پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 6:35 PM



جهاد این است که هر مسلمانی مطابق الگوهای قرآنی زندگی و رفتار کند، بدین نحو، در نهایت، این الگو بر سایر الگو های حیات غالب گشته و موفق خواهیم شد جامعه ی اسلامی ترسیم شده در قرآن را بنا کنیم. در آن جامعه معیار فضیلت، تقوا و عمل صالح است، نه گذشته، نه هیبتی که خداوند هبه کرده و نه تبار و حتی نه تکلم به زبان منتخب الهی.
توجه دوستان را به این نکته جلب میکنم که تعریف ارائه شده از هویت(ماهیت وجودی و کیستی)، یک تعریف کاملا معیوب و غلط و در راستای اهداف و اغراض خاصی است.
هویت اصیل هر شخصی با اندیشه ی وی تعریف میشود؛ جهان بینی، تفکر و اعتقادات و منش هر فرد است که هویت وی را تعیین می کند، نه خون و قوم و محل تولد... که گزینش جملگی آنان، خارج از اراده و سعی آدمیست. اسلام یک جهان بینی از نوع الهی است که در حوزه ی اندیشه می گنجد و دقیقا به همین دلیل(ارتباط تفکر اسلامی با قوه اندیشه ورزی انسان که مشخص کننده ی هویت وی است) بایستی هویت اسلامی یک مسلمان بر سایر شناسه های وی (با نام مجعول هویت) ارجح باشد. کافیست هر انسانی از زندگی الانعامی (شکم پرستی، دنیا طلبی، تنازع برای تمناها و نیازهای جسمانی) فاصله گرفته و وارد حیات انسانی مبتنی بر *تعقل و تفکر*، آنگونه که خداوند مکررا در آیات متعدد تاکید کرده است، شود، آنگاه یک احساس نو متولد شده ای را در عمق وجودی خود خواهد یافت؛ با این وصف که تنها با همفکران خود احساس خویشی و قرابت می کند، و با غیر آن احساس بیگانگی؛ حتی اگر برادر خونی و تباری او باشد، وطن وی آنجا خواهد بود که تفکرات و باورهایش در آن مکان غالب و مسلط است.
بیش از این از اطاله کلام اجتناب میکنم، اگر کسی قادر بود از قشر به مغز نفوذ کند، فبها، و اگر نه، توصیه میکنم دوستان کرد حاضر در اینجا نیز جهت *اثبات وجود*، از این پس کامنتهای کردی ارسال کنند تا ببینیم عاقبت ما مسلمانان با این خودمحوری های متنوع و افقهای محدود دید، چه خواهد شد.

حاجی زاده

پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 7:09 PM



گاهی هنگام غلبه خواب، پشه ای پیدا می شود که با وزوز مداوم، مجبورمان میکند با سنگینی بلند شویم، چراغ روشن کرده و به نحوی آن پشه مزاحم را نابود کنیم.
خواندن مراسلات ۲۰۶ و جواب نوشتن، لااقل برای من حکم همان رفع مزاحمت پشه را دارد، با همان حس سنگین تحمیل یک جریمه.
حقیقتش ایشان زحمات بسیاری متحمل می شوند و سیاهه هائی صد صفحه ای تقریر و ارسال می دارند، متاسفانه از آنجائی که دست

امثال ایشان برای ما رو شده، من چند متن ارسالی اخیر ایشان را مطالعه نکرده ام، چون اولا تکرار مکررات است و به نحوی همان مقوله باوراندن با تمسک به تکرار و تلقین است، ثانیا یادداشتها از لحاظ کیفیت سیر نزولی و از لحاظ حجم سیر صعودی به خود گرفته اند، بطوریکه قرائتشان کنجکاوی، رغبت و حوصله ی ویژه ای می طلبد که من در خودم سراغ نمی بینم.

تصور اولیه من این بود که مبنای عمل وی، خصومتهای شخصی با استاد است و به این دلیل است که مدام به شخصیت ایشان می تازد، لکن اکنون به این نتیجه رسیده ام که او نیز بدلیل ناتوانی در مقابله با تالیفات استاد، چاره کار را در تخریب وجهه ایشان جسته است.

باری با پاسخ شایسته ای که آقای مهدی مرقوم فرموده اند، بنده خودم را از قرائت و نوشتن پاسخ معاف میکنم.

وَمِنَ النَّاس مَن يُعْجِبُکَ قَوْلُهُ فِی الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهِدُ اللهَ عَلَی مَا فِی قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ*وَإِذَا تَوَلَّی سَعَی فِی الأَرْض لِيُفْسِدَ فِيِهَا وَيُهْلِکَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللهُ لاَ يُحِبُّ الفَسَادَ*وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بالإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ

و از میان مردم کسی است که تو را در زندگی این دنیا از کلامش به تعجب وامی‌دارد و <<خدا را بر راستی نیت خود گواه می‌گیرد >>و حال آنکه او <<سخت‌ترین دشمنان>> است*و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید <<و حاصل خلق را نابود سازد>> و خداوند تباهکاری را دوست ندارد*و چون به او گفته شود از خدا پروا کن <<نخوت وی>> او را به گناه کشاند، پس جهنم برای او بس است و چه بد بستری است(بقره ۲۰۶/۲۰۵/۲۰۴)

مجید نصراصفهانی

پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 7:31 PM

اقای نیسی اینجا قدری ارامش درونی از مالیت سالیانه که دولت می گیردتا خرج این کشور کند خبری نیست؟

این همان تعصاب وافراطیست که شما درمواجه با بانظرات مخالف برخردار هستید ؟؟؟؟؟؟؟؟

گفتند میدان جنگ ایران عراق ؟ یاگفتمان اقوام؟

برادر همین شکل پنبه ما مسلمین توسط یهودیان مسیحیان لیبرالیسم زده شده شده هروز به بهانه احساسات ۲ ملیارد مسلمان جریحه دار می شود خواهشاگ گز ک دست پاپ وسردمداران اسلام ستیز ندهید

قلوب امت اسلام دراین ایام بخاطر هتک حرمت کلام الله شکسته است ......

ما به شکست

دوست دارم تا جهان از ظلم خالی شود

جای استبداد لیبرال یک گل کاشته شود

أمة الله

پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:14 PM

در قرآن عبارتها در کنار احکام مشخص و معرفی شده است.

برای مثال " زنا " یک نوع فعل فاحشه است که حکم تازیانه دارد برای همین در هر با " زنا " ذکر شده اشاره به همین فعل است و در اشاره به اوامر خداوند هم به صورتهای مختلف :

.. و لاتقربوا الزنا ....

اما " الفاحشة " منظور هم جنس بازی یا لواط ، همان فعل قوم لوط است .

این عمل بسیار زشت و موجب غضب خداوند می شود و ذکر عذاب قوم لوط اشاره به غضب خداوند متعال است .

بر آن قوم سنگهای آتشین از آسمان نازل شد .

اما در رابطه با گناه لواط یا همجنس بازی در قرآن دو صورت داریم :یکی در رابطه با زنان :

واللاتی یاتین الفاحشة من نسآئکم فاستشهدوا علیهن اربعة منکم فان شهدوا فامسکوهن فی البیوت حتی یتوفاهن الموت او یجعل الله لهن سبیلا ﴿15﴾النساء

یکی در رابطه با مردان : " واللذان یاتیانها منکم فآذوهما فان تابا واصلحا فاعرضوا عنهما ان الله کان توابا رحیما ﴿16﴾ النساء

دقت کنیم در آیه ی دوم سخن از 2 مرد است یعنی تقارب دو نفر به فعل " هم جنس بازی "

حکم در هر دو مورد نه قتل است نه مرگ .

واما در حکم مجازات دو مرد هم جنس باز سخن از " آزار آن دو نفر " است که باز مشخص نشده تا مجتمع مردم و مدنی خود نحوه ی آزار را در حسب زمان و اثر آن اذیت تشخیص دهند.

اما عبارت " آذوهما " عبارتیست که می توان حتی نوع اذیت بدنی هم شاید نباشد. برای مثال زندان یا تبعید ....

اما در همه ی احوال اذیت می تواند هر عمل کیفری بدون آزار جانی باشد.

و در مورد زن به حبس زنان اکتفا شده تا یا توبه کنند یا در محبوسیت بمیرند یا اموری دیگر ... مانند پیری یا بیماری که حکمش مختلف است و درهمه ی احوال آزار بدنی ندارند جز محدود نمودن آزادی شخصی شان.

جالب این است که در قرآن در اشاره به زنا آنرا یک نوع فاحشه معرفی کرده بصورت نکره:

ولا تقربوا الزنی انه کان فاحشة وساء سبیلا ﴿32﴾ الإسراء

اما در رابطه با فعل قوم لوط بصورت معرفه " الفاحشة " یاد شده است.

http://tauheed.blogfa.com/

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya 17

ایران شناسی بدون دروغ، 280، نتیجه ۸۸، پلید کاران جاعل دروغ باف

م. اوجال اولوتورک

پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:31 PM

جالب است که نوشتن کامنت ها به زبانی دیگر، "خودمحوری" و مانع تحقق "جامعه اسلامی ترسیم شده در قرآن" تلقی می شود! و جالب تر اینکه ظاهرا نوشتن به زبان مورد استفاده در این وبلاگ یا همان زبان فارسی، نه "خود محوری" و نه مانع تحقق "جامعه اسلامی ترسیم شده در قرآن" است!

به راستی، زمانی که نوشته شدن کامنتی به زبانی دیگر (علی الخصوص که محتوای آن نیز شاید هیچ ربطی به ما نداشته باشد)، آزارمان می دهد، چگونه می توانیم دم از جامعه اسلامی و بنیان اندیشی بزنیم!!

^^^

پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:48 PM

جناب سعید جمله آخرتان مثل پتکی بود بر جاهلیت.امیدوارم حضرات متعصب بیدار شوند.

کرامت پورترک

پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:28 PM

سلام استاد

منظور من از سفال های پاسارگاد آنهایی است که در تل تخت پیدا شده است و در مستند مجعولات مجلل استروناخ به آنها اشاره کرده است و سفال هایی سلوکی می باشند. در ضمن یک نکته دیگر می خواستم خدمت شما عرض نمایم و آن اینست که سکو های کعبه زرتشت در سال 1367 توسط حسن راهساز مسئول دفتر فنی تخت جمشید برداشته شده است و گزارش این عملیات در بنیاد پژوهشی پارسه پاسارگاد ثبت است. یک شنبه در مورد این مسائل بیشتر صحبت خواهم کرد. با تشکر

پاسخ:

آقای پورترک. سال ۱۳۶۷ یعنی ۲۲ سال قبل. در حالی که علاوه بر عکس های متعدد، شخصا و نخستین بار در سال ۱۳۴۰ و لااقل ۵۰ سال پیش مکعب را بدون سکو دیده ام! چشم بندی که نیست!!!

مسعود سنجری

پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:38 PM

برادر گرانقدر استاد پورپیرار

سلام علیکم

عید سعید فطر بر شما؛ خانواده محترمتان و همچنین بر همه دوستان مبارک

پاسخ:

آقای سنجری. عید بر سربلندان و صبوران مبارک باد.

بی نام
پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:24 PM

معلم الکبیر الاستاد پورپیرار وجمیع الاصدقاء

عیدکم مبارک وعساکم من عواده.

پاسخ:

آقای بی نام. بر شما و خانواده و دوستان مبارک باد.

سلام محمدی
جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 00:29 AM

با سلام خدمت استاد و دوستان.

حقیقت در کارتون (کاریکاتور موضوعی)

http://www.kurdishcartoon.com/?Page=Articles&cmd=4&id=586&se=

دوستان گرامی افتخار داده و من را از راهنماییهایتان محروم نسازید.

باتشکر

بی نام
جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:38 AM

استاد عزیزسلام علیکم ورحمه خدا بر شما ووالدین شما و بر ساعتی که متولد شدید وبرلحظه لحظه عمر شریفی که به پاکی و مجاهدت گذراندورحمه خدا بر لحظه ای بعیدی که به تقدیر حق تعالی به سوی او باز می گردید. ممنونم استاد بزرگوار.گرفتاریها اجازه حضور نمی داد. برادر عزیزم جناب نیسی در کم وکیف مسائل ومشکلات پیش امده هستند.هرچند در این مدت چیزی نمی نوشتم اما دائم مقالات پر باروبدیع شما را می خواندم.ان شا الله خداوند فرصت طولانی تلمذ در محضر شما را عطا کند که هر چه بصیرت وبینایی داریم از وجود ونفس حق وپر خیر وبر کت شماست.امید وارم که بتوانیم حق شاگردی را ادا کنیم وخدای تعالی اجابت دعای خیر ما را در حق شما قبول کند. مجددا از ابراز لطف شما متشکرم.

سرکار خانمامه الله -سلام علیکم ورحمه خدا بر شما

از اینکه وجود مطلعی چون شما را در بین بنیان اندیشان می بینم خوشحال وخدا را شاکرم اما باید یک نکته را به صراحت وبدون تعارف متذکر شوم که بنیان اندیشان بر همان یافته های استاد بر" ما ملکت ایمان"هستند وتا زمانی که این گره را از نظر ما باز نکرده اید ما علیرغم اعتراف به واسعه اطلاعات ایمانی شما نمی توانیم پذیرای شما باشیم . به صراحت بگویم که تا زمانی که استاد بر شما مهر تایید نگذارد ما

نمی توانیم شما و گفته های شمارا بپذریم.خواهش می کنم علیرغم میل به قرائت مقالات شما حدااقل(چون منی)برای گوش دادن به کلام شما این تایید را از استاد بگیرید .مطمئنا"شما خانم وارسته به این گفته بنده اعتراض خواهید کرد ولی محض اطلاع شما بگویم که استاد چشم ما را به نگرش از دریچه ای هدایت کرده که نگرش از هر منظری را بر ما حرام کرده وتا زمانی که مهر تایید ایشان بر هر مقوله نباشد از پذیرش آن معذوریم.امیدوارم که متوجه باشی چه می گویم.حد اقل بنده شما را خوب می فهمم امید است که شما نیز ایمان واعتقاد ما را نسبت به بزرگواری که نور حقیقت را به قلوب ما تابنده را نیز درک کنید.موفق باشید

طالب الحق

جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 04:35 AM

سماحة الأستاذ بوربیرار

عیدکم مبارک وأیامکم سعیدة وکل عام أنتم بألف ألف خیر وجمیع الزملاء والرفقاء فی بنیاد اندیشان

استاذ حاجی زاده

عید سعید فطر مبارک

((فارسی نوشتم))

سایه

جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 08:39 AM

با سلام

استاد با این اوصاف باید به گزارش های ثبت شده در مورد مسائل باستان شناسی هم شک کرد !!!

رشید

جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:50 PM

با سلام خدمت استاد بزرگوار و معلم حقیقت

عید سعید فطر را به شما و خانواده ی محترمتان تبریک عرض می نمایم ان شاء الله در زیر سایه ی حق همچنان به تبین حقایق برای شاگردانتان ادامه دهید و خداوند از سلامتیمان بر صحت و سلامت شما بیافزاید.

پاسخ:

آقای رشید. ممنونم و بر شما و دیگر دوستان هم مبارک باشد.

خبرها

جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:10 PM

طراحی اسرائیلی در میدان انقلاب ؟!! + عکس

http://www.niksalehi.com/fun/page/000712.php

توهین آشکار به مکه/ کاباره‌ای با عنوان "مکه" + عکس

http://www.niksalehi.com/fun/page/000989.php

کلیسایی در اروپا با اسکلت مسلمانان !+عکس

http://www.persianv.com/view/112325.php

چرا

جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:05 PM

سلام

سئوالی از توحید نویسنده منطق آب دوغ خیاری کردم مرا به شما ارجاع دادند امیدوارم بدون پاسخ نمانم

به نظر شما با توجه به اینکه تنها نام پیامبران در منطقه خاورمیانه به ذکر آن پرداخته شده است می توان گفت از لحاظ جمعیتی ما محدود به این مناطق بودیم و بعدها گسترش پیدا کرده است آیا با وجود مناطق دیگر جهان و حضور بومی ها می توان این نگاه را پذیرفت؟ بومی های امریکایی یا بومی های استرالیا؟ لطف کنید مستدل سخن بگویید نظراتتان در وبلاگم قید کنید

http://masir-quran.blogfa.com/

پاسخ:

آقای چرا. مشکل شما با جغرافیای کنونی هدایت در چیست، هنگامی که دو رخ داد غول آسای تجمع و تمدن، طوفان نوح و عبور از نیل، در این منطقه روی داده و زبان با ظرفیتی چون لسان عرب در این حوزه قادر به انتقال فرهنگ قرآن بوده است.

محمدرضا نیسی

جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:32 PM

سلام علیکم

استاذ العزیز و أخواتی و أخوانی الکرام

عید سعید

أرجوا الله أن یعودکم بخیر و عافیه

استاد عزیز و خواهران و برادران ایمانی

عیدتان مبارک

با آرزوی سلامتی و تندرستی

محمدرضا نیسی

جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:33 PM

سلام علیکم

سرور گرامی جناب +++

تعبیر بسیار زیبا و دقیقی از این "کلاش شیاد" خط صفری کردید که به جای پاسخ به تماس های یکی از بزرگواران چونان موش به سوراخ خود خزیده و طمع و کینه استاد عزیز عقلش را کور کرده و اکنون در جستجوی راهی برای بازگشت به آغوش گرم و متعفن باستان پرستان است.

جناب +++ با اینکه می دانم در مطالب بعدیش به مانند آن دروغگوی شارلاتان مطالبمان را به میل خود گزیده و ابتر خواهد کرد و بر اساس آن پرگوئی خواهد کرد، ولی وصف دقیق حال و روز جناب 206 همان بچه ایست که از شدت درد وارده، او را باید بر دوش گرفت تا عقده

گشائی کند و هر چه دل تنگش می خواهد بگوید.

جناب +++ این خط صفری کلاش تصور کرده که مانند او بی ریشه و فاقد منطق هستیم که هر کسی بتواند با حرفهایش ما را به سمتی بکشد. نمیداند که همه بنیان اندیشان هر آنچه را که بخواهد قبول کنند تا از فیلترهای متعدد عقلی ومنطقی عبور ندهند آنرا قبول نخواهند کرد و خاصتا مباحث مباحث جناب آقایث پورپیرار و به این است که این چنین قادر به دفاع مستدل و عقلائی از عقاید خود هستیم و موش صفتی چون 206 حتی اگر دندانهای تیزی داشته باشد توان خدشه وارد کردن به این بنیان را ندارد.

از بعد از شکستن ستون فقرات بحث توفان نوح و نقد کلاشی های پاسارگاد این بی ریشه خط صفری که خواهان بازگشت به دامان متعفن باستان پرستان است، و مفتضح شدن استدلالهای مضحکش درباره آوار آثار باستانی، به هذیان گویی درباره داشتن حسن ظن به جعلیات اربابان یهودیش افتاده است وتوقع دارد که ما نیز بر اساس تراوشات مغز فندقی اش عمل کنیم.

جناب +++ طمع و کنیه استاد عزیز چنان عقل این خط صفری سنگ روی یخ را کور کرده که فکر کرده با سرهم کردن یک سری واضحات و نتیجه گیریهای هذیان گونه از آن میتواند طومار بنیان اندیشی را در هم بپیچد و کسی نیست به این بچه دردمند!! بگوید اربابان جعل و ایادی یهود و رهبران فکری باستان پرستان از شدت تشعشع مباحث بنیادین استاد عزیز خاصه مبحث استراتژیک و کوهسان قلم به چنان حال و روزی افتاده اند که مشغول آسیاب شاخ بزان و گوسفندانی از جنس جناب 206 هستند که با آن بتن فوق سبک برای ساسانیان خیالی هستند.

این خط صفری که در جواب منور اخیرش نتوانست ثابت کند قوه ادراکش از آن گوسفندانی بیشتر است که امثال علی سامی و آستروناخ با کشیدن حصار به دور کاخهای جعلی کوروش سابقا کبیر مانع از پی بردن این گوسفندان به جعل کاریهایشان شوند، حال میخواهد با پرگوئیهای سراسر تناقض خود "که مفت نمی ارزد" ما را به سرمنزل مقصود اربابان جعل برساند.

جناب +++ آن بحثهای مضحک بی ربطش که مستظهر به کامنتهای مشعشع جناب امیر عزیزمان هم هست، را دید که چگونه با شیطنت و شیادی سعی در اثبات اصالت کتیبه های جعلی تختگاه هیچکس و عظمت قائل شدن برای این بنای دیگری ساخته داشت و بعد میخواهد بقیه به دنبال تراوشات قوه ادراکش که از گوسفندان و بزان هم کمتر است، باشند.

یار بنیان اندیش، جناب سایه گرامی

موضوع را با یکی از دوستانم که دانشجوی دکترا در رشته آموزش زبان عربی است، در میان گذاشتم و ایشان با توجه به اینکه هدف شما یادگیری قرآن است، توصیه کردند که به دانشگاه محل زندگی خود مراجعه کنید و بر اساس روشی که آنها توصیه می کنند، عمل کنید و برنامه های شبکه هائی همچون "الجزیره الأطفال" و "MBC الأطفال" و شبکه های مشابهی که به زبان عربی بدون لهجه تکلم می کنند را تماشا کنید.

ضمنا ایشان هیچکدام از سایتها و وبلاگهای اینترنتی موجود را مناسب مرحله شروع یادگیری ندانستند و وقتی تسلط نسبی بر زبان عربی یافتید آنگاه میتوانید به آنها رجوع کنید.

نمونه این سایتها http://moghaddasiniya.blogfa.com/ است. مواردی از اشکالات آنرا در جمله ای خبری و بسیار آسان را در مطالب قبلی گفتم که صفت مثنی برای کلمات "هم و حزن" به کار برده شده و این یک خطای بسیار ناشیانه است و از عدم تسلط نویسنده بر اصول

اولیه و ابتدائی حکایت می کند.

...
محمدرضا نیسی
جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:34 PM

...

جناب آقای سعید گرامی

در باب اعتراضتان به عرب ستیزی، حتما مورد حقی را یادآور شده اید و فکر نمیکنم از این باب منتی بر کسی باشد.

از یک بنیان اندیش بسیار بعید است که یک عباراتی را با حذف مقدم و موخر، آنرا مورد استناد قرار دهد و بر این اساس حکم صادر کند ولی اینکار را درباه مطلبم انجام دادید و بسیار متعجبم که چرا شما؟!

درباره اعراب خلط مبحث عجیبی کردید که با شناختی که از نوشته هایتان دارم برای لحظاتی تصور کردم باستان پرستان بنیان اندیش نمائی که به دنبال زورچپان کردن زبان ملی هستند به نام شما مطلب نوشته اند! ولی خدمتتان میگویم که هیچ ملتی چه در شرق عالم و چه در غرب عالم به اندازه اعراب سزاوار تقدیر و تکریم بابت برتری هویت و فرهنگ آن نیست.

میدانید که سالهاست رهبر عزیز مقاومت لبنان سید حسن نصرالله در صدر شخصیتهای محبوب و مورد اقتدای اعراب است؟ حتما میدانید فلسطینیان اسوه مقاومت و استقامت عالمیان هستند که حتی آن نویسنده معروف آمریکای لاتینی گفت که در مقابل عظمت مقاومت مردم فلسطین سر تعظیم فرود می آورم. و حتما شعار معروف نه غزه نه لبنان... را بسیار شنیده اید؟!!

دیگر شکست مفتضحانه ارتش تا بن دندان مسلح آمریکا را مقابل مقاومت غیورانه مردم عراق دیدید که چگونه هفته پیش با خفت مجبور به ترک عراق شدند. مردم عراقی که 15 سال تحریم کمرشان را شکست اما اراده و هویت اسلامی-عربی شان استوارتر شد و با اتکای به این هویت بود که چنین نصر عظیمی را محقق کردند.

میدانید مردم الجزائر در مقابل اشغالگران فرانسوی چه مقاومتی کردند؟ میدانید هزینه این مقاومت چه بود؟ 1میلیون شهید! بله 1 میلیون شهید! که آنهم به پشتوانه همین هویت عربی-اسلامی محقق شد.

میدانید در مراسم ترحیم نصرحامد أبوزید در وطنش چند نفر شرکت کردند؟ نصر حامدی که در محافل روشنفکری و دانشگاهی مان برای او سرودست میشکنند. به استناد تصاویر و فیلمهای خبری 20 نفر مصری هم در این مراسم حضور نداشتند. واگر در ایران این مراسم برگزار میشد به جرأت میگویم هزاران نفر حضور می یافتند. این است دلیل اینکه اعراب قدر زبان الهی خود را میدانند و به دلیل تسلطشان بر زبان کامل و بی نظیر عربی، کسی که موذیانه تیشه به ریشه قرآن کریم میزند، نزدشان رسواست.

اعراب ملتی صبور، مقاوم و شریف هستند که اصالت و قدرت هویت و تمدنشان و تمسک بی نظیرشان به حب المتین الهی باعث شده در مقابل بیش از 1قرن ضربات متعدد و متنوع کلیسا و کنیسه مقاومت کنند و تمام پروژه رنگارنگشان نقش بر آب شود.

فکر کنم کافی باشد برای آنانی که نمیدانند و یا نمیخواهند قبول کنند که اعراب ملتی سزاوار تعظیم و تکریم هستند. رفتار و مقاومت، اعتقاد

و تمسک آنان به حبل المتین الهی برایمان اسوه عملی است مخصوصا اگر بدانیم بر اساس آنچه استاد عزیز در مباحثشان برایمان ثابت کردند اصالت اجدادمان به همین اعراب صبور و مقاوم بازمی گردد.

و اما درباره حکام عرب، ای کاش آنان هم الگوی رفتاری خود را ملت خود قرار دهند و راه نجات خود را در آن ببینند. اگرچه اخیرا حرکتهائی در بعضی امور از سوی این حکام در این جهت دیده میشود.

جناب سعید! شما در اینجا 2 مورد خلط مبحث انجام داده اید:

1- تمام بشریت مدیون تحقیقات استاد عزیز است و قیاس استاد با این حکام یک قیاس کاملا مع افارق است و اینان فقط میتوانند امیدوار باشند که مباحث ایشان را درک کنند.

2-من در هیچ جای بحثم اشاره ای به تفاخر به اینان نکردم و فکر میکنم شما فقط به منظور ارائه ادله برای سوءتفاهمی که دچار آن شدید چنین گفتید.

وجناب سعید اگر خود را فارس فرض میکنید، بدانید که هیچی ندارید که بدان تفاخر کنید و امیدوارم خداوند نعماتی را که به اعراب ارزانی کرده را نصیب شما و آن چینی مسلمان هم کند و هر وقت هر ملتی در شرق و یا غرب عالم چنین بودند ما اعراب اولین کسانی خواهیم بود که در برابرشان سرتعظیم فرود خواهیم آورد.

جناب نصر اصفهانی

اولا این دوستان هستند که با خلط مبحث کردن و یا مانند سرکار خانم حاجی زاده با یک سری صغری کبری چیدنهای بدون ارتباط با بحث من، سعی در انکار غیر مستقیم یکی از نتایج مباحث بنیان اندیشی درباره اصالت مردم ایران دارند و تصور می کنم جرأت بیان نظر خوباره قبول نداشتن این موضوع ندارند.

ثانیا- لطفا از خلط مبحثهای بسیار نامربوط از جنس ایران وعراق خودداری کنید که ادامه بحث بدین شکل با شمائی که به هیچ صراطی مستقیم نیستید و فقط آنچه را که خود میگوئید می فهمید، کاملا بیهوده است.

ثالثا- بر مورد مشترکمان که همانا نشر آثار استاد عزیز است تمرکز کنیم که راه نجات مردم عزیز کشورمان است. البته امیدوارم با مباحث بنیان اندیشی همانند سرکار خانم حاجی زاده و جناب آقای سعید برخوردی گزینشی نداشته باشید.

سلام محمدی

جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:00 PM



سلام استاد

id=584&cmd=4&http://www.kurdishcartoon.com/index.php?Page=Articles

reza

جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 7:29 PM



استاد گرامی و دوستان بنیان اندیش

این عید خجسته و برخاسته از فطرت پاک انسانی بر همه شما و مسلمانان جهان مبارک باد و در پناه حق تعالی سالی پر خیر و برکت داشته باشید. آمین یا رب العالمین
جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 8:20 PM

دکتر علیرضا اصغرزاده, نویسنده "ایران و چالش گوناگونی, بنیادگرائی اسلامی, نژادپرستی آریائی و کشمکش برای دموکراسی" تهدید شد

- دکتر کاوه فرخ, از اساتید دانشگاه برتیش کلمبیا در نامه ای تحت عنوان "معرفی علیرضا اصغرزاده" نویسنده و محقق آذری را به "دگراندیشی و دوباره نگری در مسائل ایران" متهم کرد و تلویحا تهدید نمود.

دکتر کاوه فرخ که به شیپورزن جریانات پان ایرانیست در خارج کشور تبدیل شده است نسبت به فعالیتهای تحقیقاتی و علمی علیرضا اصغرزاده هشدار داده و از مجامع باستان پرست درخواست مینماید تا جلو فعالیتهای علمی این محقق گرفته شود.

بغیر از آقای اصغرزاده, برندا شافر, ناصر پورپیرار و مهرداد ایزدی نیز در لیست تهدیدشدگان توسط آریاپرستان قرار دارند.
محمدرضا
جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 8:35 PM

در مصاحبه زیر اصغر زاده به سنت شکنی آقای پورپیرار در در تحقیقات تاریخی منطقه اشاره نموده و در کتابشان چندین با به این موضوعات اشاره نموده.

قسمتی از این مصاحبه به انگلیسی:

?story Anti-Iran. I noticed you reference him quite a bit in your book. What is his Lisa: Naser Pourpirar is also labeled as

historian, and a very complex character. I respect him for his Alireza: Naser Poorpirar (or Pourpirar) is a very intelligent .of his conclusions his independent research, but I don't agree with his methodology and with some originality and

?more Lisa: How do you mean? Can you expand on it a bit

anti-colonial and critical historiography in the region. In Alireza: You see, in my book I explore some aspects of an emergent African history from an we have T.O. Ranger who initiates over 40 years ago the importance of writing ,Africa, for example methodologies. And in India, we have the Subaltern Studies Collective, African standpoint, based on African epidemiologies and history of India and South Asia from of researchers and scholars who come together in early 1980s and begin writing a a group of history marginalized and excluded. This kind of historiography is not a top-down method the standpoint of the subaltern, the departure from all sorts of elitist, 'nationalist,' Orientalist and writing; it is a bottom-up historiography. And this is a major Poorpirar. For the first time in Iran's historiography. Well, in Iran this historiography starts effectively with Naser colonialist foreign decides to take on the challenging task of re-examining a history written by modern history, a local historian philologists, and historians. And this local historian is Naser ,missionaries, travelers, priests, ambassadors, anthropologists

historiography by exposing one else has done this before him. In Iran he is the first to produce a local Poorpirar. No
Orientalist historiography of Iran. He has done a great job in this field misconceptions and misrepresentations inherent in the
.will be remembered because of this and he

?area of his work that you mentioned Lisa: What about the problematic

for failing to my book starts with a mild criticism of Edward Said's Orientalism. I critic Said Alireza: You might have noticed that
Iranian context we are dealing with Aryanism more than anything properly discuss "Aryanism." The reason for this is, in an
from its inception up to the "I show the evolution of this concept of "Aryan race matter of fact, in my book else. As a
clearly in the book how Adolph Hitler's definition of this term does not emergence of fascism and Nazism in Europe. I show
Iranian context then, we need an interrogation that much from its current definition in dominant Iranian literature. In an differ
Aryanism, .more than any other term. Poorpirar does not do an effective job in this area 'of this concept of 'Aryanism
and biblical religions. It was an anti-Semitic and anti- moreover, was a discourse constructed to reject Judaism, Semitic races
lies a major very beginning. How can such a project be manufactured by the Jews? And herein Jewish project from the
.contradiction in Poorpirar's methodology

?saying Aryanism is constructed by the Jews Lisa: Is he

ethnic groups in Aryanism per se. He tends to indicate that the current animosity among different Alireza: He does not discuss
conspiracy. Now the way I see it, there are several things wrong with this Iran and in the region is a result of historical Jewish
animosity against the dominant Persian group. All picture. To begin with, various non-Persian ethnic groups in Iran have no
group and their culture that equally as equal citizens of their country. It is only the elites of Persian they want is to be treated
and so ,lacking in culture, lacking in civilization, lacking in linguistic abilities ,constantly humiliate other groups as subhuman
khar); it identifies Arabs as dogs (Taazi), and so on on. For instance, the Persian culture identifies Turks as donkeys (Tork-e
language. Obviously, languages of non-Persian groups and seeks to supplant them by its own Farsi and so forth. It bans the
which one group dominates others. There is a huge power here we are dealing with a racist and colonial condition in
.address imbalance at work here that Poorpirar's conspiracy theory does not and cannot configuration and power

elimination through our democratic anti-racist struggles, he wants Instead of focussing our attention on Persian racism and its
Now I have nothing against doing .attention to some historical wild goose chase regarding Purim, this and that to divert our
.in a deterministic way the events of 2500 years ago to contemporary situations historical research; but I am against linking
conspiracy that today the language of the Kurd, the Contemporary conditions require contemporary solutions. It is not a Jewish
racism. Of course, we the Lor and the Turkmen is banned in Iran. It is a result of an 80-year-old ,Turk, the Arab, the Baluch
that we have ended up this way; we should try to analyze, if we should go back to history and try to see what has happened
than getting ourselves stuck in the historical roots and causes of our contemporary problems. But this is different can, the
.history is useful insofar as it provides insights for our contemporary issues swamps of history. An engagement with
.will not solve our contemporary problems Historicism, antiquarianism, and a superficial fascination with ancient history

part, Aryanism and bio- Poorpirar's conspiracy theory is the phenomenon of colonialism. For the most The other loophole in colonization of other lands by white Europeans. The idea was that the genetic racism were discursive constructs to justify the other races were inferior and could not create Nordic race was a superior race genetically, mentally, and culturally while white thus seen as a properly run their own affairs, could not manage their own resources. It was higher civilizations, could not inferior races and run their affairs for them. You cannot single out mission of the white Aryan race to colonize these supposedly infiltrate Aryanism into the country, but Poorpirar does, and say that in the case of Iran it was a Jewish conspiracy to Iran, as hold much was the work of British colonialism. This historical conspiracy theory does not in the case of India, for example, it .water

of Jewish conspiracy, then the presumably anti-Zionist Islamic regime in Furthermore, if the current racism in Iran was a result seizing the political power in 1979. But should have done away with this racism immediately after dethroning the shah and Iran allow these current Islamic regime lift the ban on Non-Persian languages? Why does it not why didn't they? Why doesn't the reading and writing for their speakers? Is this too a Jewish languages to become languages of instruction, of schooling, of conspiracy theory is a ridiculous current Islamic regime in Iran controlled by the Jews as well? The historical conspiracy? Is the like government of president Ahmadinejad and his fundamentalist supporters. Thinkers argument promoted particularly by the sentiments so that they may get some kind of immunity Pourpirar, in order to survive and to write, capitalize on these foolish .torture organizations from Iran's sensor and

ASGHARZADEH AN INTERVIEW WITH ALIREZA

INTERVIEWER: Lisa A. Hamdoon, University of Toronto

http://durna.eu/asgarzade_lisa.htm

پاسخ:

آقای محمد رضا. لابد حالا اعتراض خواهید شنید که چرا از متن انگلیسی استفاده می کنید. هیچ حرف مهمی از زبان اصغر زاده در این مصاحبه نخواندم و مثلا چیزی در باب اثرات پوریم در توقف رشد تمدن نگفته، با زیر بنای بنیان اندیشی بیگانه است و مثلا کلامی درباره مستندهای با خون دل ساخته شده بر زبان نرانده و تا توانسته از مبانی گریخته است. مختصر بگویم صاحب نظرگاه زیر در باب تاریخ و تمدن، برای آسیاب های مخصوصی میرابی می کند و بس:

«جنبش سکولاریسم در ایران کنونی یکی از مهمترین حوزه های مقاومت علیه بنیادگرائی سیستم حاکم است».

زیرا نه در ایران جنبش سکولاری در جریان است و نه جمهوری اسلامی قدمی در مسیر بنیان گرایی اسلامی برمی دارد!

حدیثه

جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 8:46 PM



سلام بر استاد گرامی و عرض تبریک عید سعید تمامی مسلمین. استاد اگر ممکن است نظر خودتون را درباره برنامه زنده راز که در طول ماه مبارک رمضان از شبکه چهار تی وی پخش شد بفرمایید چون نظرتون برام مهمه و می خواهم بدونم. با تشکر

پاسخ:

خانم حدیثه. در جهانی که کلید کنجکاوی های فرهنگی آن در جیب یهودیان است، هرکسی که میز و آب میوه و نور و دوربینی برای رساندن حرف هایی به شنوندگانی در اختیار می گیرد، از صافی گذشته و در وجوهی کاملا بی اعتبار است. مثلا آقای اصغر زاده از تریبون

های کلیسای کل سود می برد ولی پورپیرار ۶ سال است اجازه ورود به کشورهای شینگن و آمریکا و استرالیا و کانادا را به جرم یهود ستیزی ندارد و روشن فکری سرزمین تازه متولدش که بدون شک بی ریشه ترین
علف هرز باغ روشن فکری جهان است، اما ادای صنوبرهای کهن را از خود در می آورند، انتظار فراهم آمدن فرصتی را می کشند که گلوی اش را به طناب دار بسپرند.

احسان
جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:12 PM

http://www.iranjewish.com/tagvim.htm

استاد به نظر می رسد تقویم عبری هم مانند تقویم هجری قمری هر سال ۱۱ روز به عقب می رود. در لینک بالا ملاحظه بفرمایید که اول فروردین ۸۴ با دهم ادار و یا مثلا اول فروردین ۸۶ با دوم نیسان مطابق است بنابراین در تقویم سال ۸۷ که شما در یادداشتهایتان ارائه کردید به طور اتفاقی نوروز با سیزدهم ادار مصادف شده نه این که هر سال به همین ترتیب باشد.

مجید نصراصفهانی
جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:35 PM

دوست من شما عربید ؟ هرچیز رامظهر ملی گرایی عربی می بینید ..

ناصر یسم عربی

رضاخانی ایرانی

اتاتورک ایرانی

دوست داری کدامش را انتخاب کنم ؟برای بنده هه اینهایک معنی بیشتر نمی دهد شوینیزم وبرتریت قومی

--

ثانیا مگر همه چیز فهم بنیاد اندیش شماهستی ؟

دوست من دفاع از مبانی استاد جا ی خودش را دارد ؟

بنده همیشه از نظریات استاد دفاع کردم وبازهم دفاع می کنم

این وظیفه هر حق شناسی است

دوست من اگر دقت کنید پیراوان بنیاد اندیش نیستند که از نظریات استاد دفاع می کنند اشخاصی نظیر شهریار زرشناش

از راه استاد پورپیرار دفاع می کند البته به شیوه خودشان

بازهم تا کید می کنم ارامش خود را دربرابر مخالفین حفظ کنید

م. اوجال اولوتورک
جمعه 19 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:59 PM

جناب نیسی

ظاهرا حق با خانم حاجی زاده بوده است!

همانطور که نوشتن به هر زبانی را حق طبیعی هر کس می دانم، اظهاراتتان خطاب به آقای سعید گرامی را، عین "خود محوری"، و رفتاری "دقیقا" مطلوب دشمنان و علی الخصوص "یهود"، این قوم همیشه حیله گر تاریخ، می دانم.
به قول خانم حاجی زاده در جامعه اسلامی مرسم در قرآن "معیار فضیلت، تقوا و عمل صالح است، نه گذشته، نه هیبتی که خداوند هبه کرده و نه تبار و حتی نه تکلم به زبان منتخب الهی". و بر این سخن این را هم اضافه کنم که این "فضیلت و برتری"، "عند الله" ست، نه "عند الناس"!

م
شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 00:36 AM

سلام!

باشه، باشه!

اصلا مهم نیست!

یالمون کما تالمون و ترجون من الله مالایرجون!

فقط این نیست!

انا من المجرمین منتقمون!

میگی نه؟!

فاصبر کما صبر اولوالعزم من الرسل!

تا یادم نرفته بگم:

فان عاقبتم، فعاقبوا بمثل ما عوقبتم!

شاید این آخری رو نفهمین! یعنی بازی در شرایط برابر! جر زدن ممنوع! بعدا نگی که نگفتی! انما الحیوة الدنیا، لعب و لهو!

اگر لکیلا تاسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم رو هم رد کنید، تازه می رسید به انا لله و انا الیه راجعون! پس خیلی هم هنر نکردید!

اینها رو گفتم تا تو یه پوشه جداگانه ذخیره اش کنید، اگر ته توراتهاتون نمی نویسید تا یه روز برگردید و بخونید که چی از کجا آب می خوره!

اون موقع می تونید انما اشکوا بثی و حزنی الله رو بفهمید .

فعلا تمتع بکفرک قلیلا!

باز هم ادامه بدم، اگرچه فهم از شما دریغ شده؟!

حالا هی بازی در بیارین!

محمدرضا
شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:18 AM

استاد با سلام و تبریک عید فطر

اگر صلاح میدانید و نیاز است دستور فرمایید تا متن مصاحبه اصغرزاده را جهت استفاده دوستان به فارسی ترجمه کنم.

پاسخ:

آقای محمد رضا. با تبریک متقابل به گمانم کار خیر و موجب امتنان است.
شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:36 AM

حدادیان و هایده

مداح سعید حدادیان ثابت کرد که مهم نیست چی میخونی مهم اینه که کی میخونه!

feature=player_embedded&http://www.youtube.com/watch?v=T-p3tDRRcHE

http://www.youtube.com/watch?v=T-p3tDRRcHE&feature=player_embedd

طالب الحق
شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 04:46 AM



_برادران وخواهران گرامی

عید سعید فطر بر همه شما مبارک

بحثی به میان آمد و هریک از دوستان نظر خویش را ارائه فرمودند ، در ابتدا بگویم که دوستان ودر اول همه بنده بایستی بیشتر در مقاله های استاد زوم کنیم تا بحث های دیگر ولی از آن آنجا که این ستون نظرات منبری برای ارائه نظرها وآراء وبحث ومحاوره دوستان شد پس به نظرها گذرا نظر نیفکنیم ولختی تأمل کنیم ،یکی از این بحث ها موضوع بی نامیست که خودبخود رشد کرده و وسعت گرفته و ریشه در تفکرات همه داشته ، واغلب شما رای خود را ارسال کردید که بحث وجدال حتی اگر نتیجه نداشته باشد با احسن آن افکار منظمتر میشوند ودوستان بیشتر با نیازها وافکار خود آشناتر میشوند که باید کلمات را به نهری سوق دهیم که به دریای منطق بریزد
بحث از آنجا آغاز شد که خانم حاجی زاده چنین گفتند:

((کم کم دارم به این باور می رسم که داستان های تاریخی از لشگرکشی ها و فتوحات اعراب حقیقت داشته است! آخرین محلی را هم که فتح کرده اند، ستون کامنتهای حق و صبر است!!!
دوستان عرب زبان، لطفا وجود همرهان غیرعرب زبان را ندیده نگیرید و کامنتهایتان را به فارسی ارسال کنید.
متشکرم.))

,_وبحث با اصرار خانم بر دوری گزیدن از نوشتن عربی در ستون نظرات حتی بین عرب ها واصرار بر عرب زبان بودن عرب های خوزستان وایران نشأت گرفت واز آنجا که من وبعضی از دوستان عرب اعتراض ایشان را وارد نمیدانستیم وآن را نابجا میدیدیم به ایشان اعتراض کردیم چرا که من جدید الورود فقط برای زملای عرب وآنها برای یکدیگر و فقط در یکی دوبار کامنت عربی سند میکردیم وبحث های خصوصی در بعضی موارد مرتبط به موضوعات سایت را بیان میکردیم وبیشتر موضوعات که جنبه عمومی داشتند را به فارسی تایپ میکردیم ، ودیگر چون که نه ایمیلی از دوستان عرب به دلایل خاص داشتم ونه اینکه سؤالهایی که از هم میکردیم عمومی بودند وهمه اسئله بیشتر در موضوع ترجمه آثار استاد به زبان عربی بود که باید چه کنیم وچطور اقدام کنیم مجبور بودیم که عربی بنویسیم ونه خانم حاجی زاده دلیلی بر عرب زبان بودنمان دادند که خواهر مجلل در جوابمان گفتند:

مدتیست که دوستان عرب زبان و ترک زبان ـ نه ترک ـ (با وجود مهاجرتهای اجباری و برنامه ریزی شده در چند سده اخیر، واقعا می توان با قاطعیت از نژاد حرف زد!؟ و آیا حقیقتا چنین کاری ضرورت دارد؟) گفتگوهایشان را به زبان مادری انجام می دهند، اگر این مکالمه ها، دونفره و شخصی است پس ایمیل مناسبتر می باشد، و اگرنه، پیشنهاد میکنم گفتگوها به زبان بین الاقوام فارسی (!) باشد. امیدوارم دوستان از من نرنجند، ولی این کار (گفتگو به زبان مادری) تاحدودی رنگ و بوی ^خودنمائی^ دارد.

_من هم فقط به دو بند از متون مقاله های استاد استناد کردم

(((از دیدگاه این مؤلف ، رد زبان عرب ، به عنوان زبان ملی و دینی در میان ایرانیان و ترکان ، حاصل یک اقدام سیاسی ـ فرهنگی موفقیت آمیز یهود است ؛ که با ایجاد آلودگی و تلقین بزرگ انگاری و برتری نمائی های بی پایه ، در تصورات نخبگان اجتماعی ، از طریق عرضهٔ اسناد فرهنگی مجهول و نادرست ، اما فریبنده و دلخوشی آور ، آنها را به راهی برد که ظاهر و رنگ و لعاب مطلوب استقلال طلبی داشت و موجب ایجاد فاصله بین شرق و غرب سرزمین های اسلامی شد . ... اینک مسلم است که نخواهیم توانست زبان ناتوان فارسی را که بدون سود بردن از قواعد و لغات عرب به لقلقه می افتد ؛ کنار گذاریم و به زبان قرآن پناه بریم ؛ اما بی شک از آنکه آیندهٔ ما را اتحاد اسلامی رقم خواهد زد ؛ گستردن زبان عرب میان جوانان ، گنجاندن جدی تر آن در موارد درسی و زدودن مزخرفات باستان پرستی از عرصهٔ سنت ها و

رسومات سراسر خرافات ، می تواند زیربنای این اتحاد را پی ریزی کند و شاید که تا زمانی معین ، این فاصلهٔ انباشته از کینه و عداوت و ناشناختگی را با پژوهش و پردازش به مشترکات خویش از میان برداریم

(ناصر پورپیرار ، پلی بر گذشتهٔ 3)

. مورخ بدون کمترین تردید و از طریق نمایش کامل نمونه های تولید و مراکز تجمع شهری و نیازهای زندگی جمعی معتقد است که ... شهرهای کنونی در سراسر نجد ایران ، حاصل بازسازی و توسعهٔ طبیعی استقرار نخستین کلنی های مسلمین] اعراب [است که به تدریج و پس از لااقل یک قرن ، بقایای مختصر بومیان پراکنده در کوهپایه ها و جنگل ها و اعماق صحراها و نیز مردمانی از همسایگان و بویژه ترکان را به داخل خود جذب کرده است . ... آنان] = ایرانیان [که مسلمین و اعراب را نابودکنندگان تمدن اجداد خویش می شناسند ؛ و با این بهانه به آنان ناسزا می گویند ؛ در حقیقت به اجداد واقعی خویش می تازند)))

(ناصر پورپیرار ، ساسانیان 3)

_ بنده صدبار به عدم قوم پرستی وعدم برتری عرب با استناد به آیه شریفه((إن أکرمکم عند الله أتقکم)) و وجدانیات اعتراف کردم ولی دیدم که قضیه چیز دیگریست،که بعضی از دوستان عرب هم نظراتی خاص خود را ارائه دادند که با گوناگونیشان یک ندا را میدادند وآنهم عدم نژاد پرستی و تاکید بر تساوی با اقتدا به قرآن وفرمایشات استاد بود ولی در تمام کامنت های خانم حاجی زاده وآقای حکیمی بر عرب زبان بودن اعراب ایران تأکید میشد ، به کامنت آقای حکیمی توجه فرمایید

در خصوص اعراب هم بهتر است بگوییم عرب زبانان چرا که عرب تبار بودن تنها محدود به شبه جزیره و اطراف مکه است و الباقی عرب زبان اند نه عرب تبار.

پس از آنهاتقاضا کردم ومیکنم که برای این سخنان خود دلیل بیاورند که 1) از کجا مطمئنند که ما اعراب ایران بالاخص خوزستان اصالت عربی نداریم وعرب زبانیم یعنی ما را به آن اسمی نام میبرند که آن طاغوتیان وپهلویان ویهود پرستان دوره های قبل بر آن اصرار میداشتند ومیخواستند به این عنوان به ما هویت ما یسمی آریایی قالب کنند 2) واز کجا متیقن شدند که اعراب در اطاف مکه محدود ماندند

که متأسفانه تا بحال جوابی در این باب نشنیدم جز بعضی رسائل که میخواستند بحث را گل آلود کنند وماهیهای مطلوب خود را بگیرند وبا استنباط غلط وبرداشتهای منحرف عامدانه ، ذهن دوستان را به موضوع عرب پرستی وعرب ستیزی انتقال دهند که اصلا محور بحث نبود به این رساله که اصلا ارتباطی با محور بحث ندارد توجه کنید:

سعید
پنجشنبه 18 شهریور ماه سال 1389 ساعت
من چندین بار در برابر کامنتهایی که بوی عرب ستیزی میدهند اعتراض کرده ام و این دلیل بر برتری قائل شدن برا ی هیچ قومی نیست از جمله اعراب که در اصل چون قدر زبان الهی خود را ندانسته اند بیشتر سزاوار سرزنشند
«ما به دلیل همین هویت اسلامی و زبان کامل و بی‌نظیر عربی، ادعای برتری داریم و به این برتری خود افتخار می‌کنیم »
آقای نیسی بهتر بود به لیست برتریهایتان حکومتهای عربی را هم اضافه میکردید که الان پولشان از پارو بالا میرود البته تجارت با جهود خیلی برایشان چرب بوده و شکمهای فربهشان را با آیات قرآن قیاس کنید به سفره های فقیرانه آل سعودها و نهیانها و ... هم اشارتی داشته باشید که با جرج بوش دیروز و باراکهای امروز هم پیاله شده اند در کل حکومت عربی را معرفی کنید که طبق همین قرآنی که شما سنگ آن را به سینه میزنید عمل کرده باشد و یا در مقابل جهود همچون علامه عسکری غیر عرب و پورپیرار بزرگ ایستاده باشد اگر شما دلیل برتری

برای خود مثلا از یک فارس را زبان عربی میدانید بدانید این نعمتی است که خداوند به شما داده و بیشتر از این که احساس تفاخر کنید بهتر است شکر گزار باشید شاید نعمتهایی که خداوند به دیگران داده را هم ببینید
اگر اعراب عربی میدانند و قرآن را با زبان مادری خود میخوانند اگر یک چینی مسلمان امروز تقوای بیشتری داشته باشد از شما برتر است از همه لحاظ

آقای نیسی افتخار را فقط هویت اسلامی و تکلم به زبان قرآن میدیدند:

محمدرضا نیسی

سه شنبه 16 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:30 AM

سلام‌علیکم

سرکار خانم حاجی‌زاده

ما در اشکال مختلف در آموزش زبان عربی محدودیت داریم به گونه‌ای که اکنون در حفظ زبان مادری در منطقه‌مان با مشکلات جدی مواجه هستیم و انواع تاکتیک‌ها برای تضعیف زبان عربی در بین خانواده‌ها در حال اجرا می‌باشد که نداشتن مهدکودک‌های عربی زبان یکی از صدها مشکل است.

این موضوع به گونه‌ایست که اگر کسی از سر علاقه یادگیری زبان عربی را پیگیری نکند به سختی می‌تواند متون عربی را بخواند و فقط می‌تواند در حد محاوره آنهم با لهجه محلی از زبان عربی در خوزستان استفاده کند.

از تفاصیل این موضوع می‌گذرم و فقط می‌گویم که افتخار ما اعراب خوزستان این است که می‌توانیم با زبان عربی یعنی زبان منتخب الهی سخن بگوییم و مطلب بنویسیم.

ولی بعضی از دوستان به منحرف کردن بحث سعی در متهم کردنمان به عرب پرستی بودند ، خانم حاجی زاده امر میفرمودند که عربی ننویسیم وآقای سعید با توپیدن به ما معتقدند که قدر زبان خود را نمیدانیم(والله گیجمان کردند)

حال به قسمتی از کامنت من قبل از کامنت سعید توجه کنید:

طالب الحق

چهارشنبه 17 شهریور ماه سال 1389 ساعت 04:26 AM

خواهر حاجی زاده

عرب هیچ برتری بر دیگر اقوام ندارند وفقط خدا آن را مبدأ انتقال دینش قرار داد که همه اش فقط با قدرت خدا وفضل و رحمتش بانجام گرفت که شاید عرب رابه صحرا جدا از بقیه اقوام فرستاد که حافظ زبان قدیم وفرهنگ بین النهرینی ها باشد که بعد از فساد اول یهود در ارض ناقل دین خدا باشد ، خدایی که به پیامبرش محمد بلند مرتبه ترین این قوم وتمام اقوام زمین   فرمود که بگو: همانا که من بشری به مانند شما هستم/ یعنی حتی پیامبر ما مسلمین هیچ برتری نژادی بر دیگر مردم نداشت وبرتریش فقط در اصلاح او بدست خدا بود که بر او فضل نمود

راستش را بخواهید من به عنوان یک عرب خوزستانی نمیتوانم اصالت قدیم وتبار خود را حتی با تمام مشترکات زیادی که با اعراب بقیه

سرزمین ها دارم وبلکه در فرهنگ قدیم عریقتر هستم ثابت کنم وفکر نکنم که هیچکس بتواند چنین اثباتی در اصل ونسب خویش را داشته باشد ، ولی حالا فرهنگ کامل وشمایل کامل یک عرب را مانند تمام اعراب زمین دارم ، که در یک جغرافیای خاص با فرهنگ وزبان خاص خودم زندگی میکنم ،من همان عربی هستم که اورا به سرقت تمدن قبل از اسلام ایران متهم کردند ، همان عرب پا برهنه ای که تاج کیانی را دزدیدم ودین خدا را به زور به بعضیها قالب کردم ، در زمان پهلویها من عرب خوزستانی چوب این سرقت اجدادم وتمام اعراب جهان را شدیدا خوردم که الحمدلله در عهد جمهوری اسلامی این چوب به باران رحمت تبدیل گردید وما در رفاه شدید فرهنگی معیشتی به سر میبریم ، طبعا ستیز با من نه فقط برای غیر فارس بودنم که مانع پروژه ناکام ملت واحد زبان واحد است انجام گرفته بلکه به عنوان حرامی تمدن ها با من میستیزند وخواهان سلب تمام داروندار فرهنگیم بودند وهستند(منظورم طاغوتیای خارج از ایرانه!!) ومرا قصاص کردند ، مرا از همه چیز مجرد کردند و نگذاشتند صدایم به جایی برسد و در خاموشی سعی به تغییر فرهنگم ودادن هویت دروغین به کودکانم شدند ، در مدرسه به آنها تلقین میکردند که شما عرب نیستید بلکه شما آریایی هایی هستید که به سبب هم مرز بودن با حرامیها خلق وخوی آنها را گرفتید باشد که آدم شوید به اصل برتر خود آریا بازگردید، راستش را بخواهید در ابتدا مانند بیشتر جوانان عرب روی آوردنم به سوی استاد از سر عکس العمل بود ولی حالا فرق میکند من دنبال حقیقتم حتی اگر تلخ باشد ، بعضی از همشهریانم وقتی نفی تاریخ عرب وکتابهایشان را میدیدند جا میزدند چون شاید فقط راه خلاص شدن از آن فشارهای ناسیونالیستی جدید را میخواستند ومیخواستند فقط در برابر ضربه های ناسیونالیسمها واکنشی علمی داشته باشند، اما بعد ازیر سؤال رفتن تاریخشان وبعضی از معتقدشان باز در لاک خود فرو رفتند پس کسی در اینجا فکر نکند که من نوپا فقط برای انتقام به اینجا پناه بردم ودوست دارم مفتخرانه زبانم را به رخ بکشم یا به قول شما خودنمایی کنم بلکه که نظریه های استاد پورپیرار به اولین نژاد پرستی که ضربه میزند همان قوم پرستی اعراب ومفاخرت آنها به اجداد جنگجویشان است ،

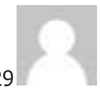
حال من به ناتوانیم در اثبات علمی تاریخی بازگشتم به جد اول اعراب اعتراف میکنم ، ولی ثابت نکردن من دلیل بر عرب نبودن من نمیشود که احتمال است من از همان نژاد قدیم عرب باشم که والله برایم مهم نیست ولی شما با حمله به نوشته های عربی در اینجا که فقط در بین چند همنوع که تازه با هم آشنا بودند وبرای ایمیل دادن یک نوع فیلترهایی را روبروی خود میدیدند و مختص شما نبود تازیدید و مانند آن معلمان مدرسه بر عرب نبودنمان و عرب زبان بودنمان اصرار میکردید ، پس خواهشانه دلیل بیاورید وما را مستفیض بفرمایید.

در آخر بگویم که شاید این بحث برای بعضی از خواهر وبرادرها مهم نباشد ولی برای من بعد از وسعت یافتن مهم شد چون میدیدم که ناخواسته به نژاد پرستی متهم میشوم پس مجبور شدم با ارائه کامنتها این کامنت را طولانی کنم چون که میدیدم که بحث از مسار خود خارج شد واز طولانی شدن این کامن از همه وبالأخص استاد عفو میطلبم، در همان ابتدا که این انحراف بحث را دیدم اصرار میکردم که این مبحث منتفی شود زیرا بعضیها خواستار جدا افکنی مغرضانه در مخرج ومدخل بحث میباشند ، حال سخن آخرم را میگویم که بحث در موضوع عرب زبان بودن اعراب خوزستان است ، آن مبدئین بحث قادر به اثبات نظریه هایشان هستند یا خیر اگر نیستند که بحث بسته شود تا عامدان مغرض فتنه از این اختلاف نظرها سوء استفاده نکنند

استاد واقعا ببخشید

abbas

شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 05:15 AM



http://collections.si.edu/search/results.jsp?q=Is%CC%A3faha%CC%84n+%28Iran%29

abbas

شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 05:20 AM



"fq=object_type:"Photographs&q=Persepolis+%28Iran%29&=http://collections.si.edu/search/results.jsp?date.slider

abbas

شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 05:28 AM

http://collections.si.edu/search/results.jsp?q=Persepolis+%28Iran%29

abbas

شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 06:19 AM

http://www.aaa.si.edu/collections/searchimages/images/image_3597_5901.htm

شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 09:11 AM

سلام

اگه کسی ریگی به کفش داره بهتره جلوش وایستیم ولی اگه به قول معروف طرف چیزی تو دل نداشت اینقد بهش گیر ندیم که چرا

اینطوری مثلا مینویسی!

غصه دار

شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:39 AM

سلام به همگی و عیدتان مبارک

استاد حتما خبر اخراج کولی ها از فرانسه رو شنیدید. من این خبر رو از شبکه الجزیره دیدم که برای کولی ها از لفظ غجر استفاده می کرد.

خواستم بدونم این غجر با قجر یا قاجار ما ارتباطی داره یا نه؟!!!!

ضمنا در عنفوان جوانی !!! یه فیلم از امیر کاستاریکا در مورد کولی های رومانی یا یوگسلاوی یا همون طرفا دیدم که کلمات تابلو فارسی

استفاده می کردند.

اگه میشه کمک کنید ببینیم بالاخره ریشه ابا اجدادی ما به کجا می رسه!!!!!!!!!

با سپاس

پاسخ:

آقای غصه دار. حوصله کنید.

حاجی زاده

شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:00 PM

ارسال کامنت بصورت عربی تنها ظاهر فعل است که مطلقا مسئله دار نیست، و هر کسی که با اندیشه ای فارغ از تعصب نوشته های مرا قرائت کرده باشد، قادر به فهم این موضوع بوده است که معضل مورد هدف من، آن تفکر و عقیده مستتریست که در اینجا به شکل ارسال کامنتهای عربی جلوه گر شده است.

انگشت گذاشتن روی تبار آقایان، بهترین ابزار محک برای تعیین عیار بنیان اندیشی ایشان بود، متاسفانه در خلال این بحث ظن من تائید شد، ساتر کنار رفت و آن عقیده مذموم عریان گشت؛ در ترکیب عربی-اسلامی مستعمل جناب نیسی، عرب بودن بر مسلمان بودن پیشی گرفته، **اسلامی که در ردیف دون تبار قرار گیرد**، همان بهتر که نباشد! مشایی هم مدعیست که *ایرانی مسلمان* است! آوردن نام اسلام در این قبیل ترکیبها، تنها یک تعارف و پوشش است. استفاده ابزاری از نام اسلام است.

آقایان آیا قصد دارید تحت لوای نام مقدس اسلام و با استعانت از عنوان بنیان اندیشی، نژادپرستی از نوع عرب را تبلیغ کنید؟

اسلام منهای عرب بودن را می پذیرید؟ اگر بلی، نشان این پذیرش آن است که هر حرف و حدیثی در باب تبارتان، ولو نابجا، نبایستی برایتان حساسیت برانگیز باشد.

آیا در اینجا یک افغانی حضور ندارد تا او نیز جار بزند که مقاومت بی نظیرش در برابر اشغالگران مشرک، بخاطر هویت افغانی-اسلامی است!؟

خیزش مردم مملکت خودمان در برابر استیلای مشرکان، یک انقلاب ایرانی-اسلامی بود!؟

ستیز مسلمانان هند در برابر سلطه انگلیس، یک جهاد هندی-اسلامی بود!؟

آیا تحولات اسلامی اخیر در ترکیه، یک حرکت ترکی-اسلامی است!؟

استاد چشمتان روشن!

حاجی زاده

شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:08 PM

تعصب مهلکترین ویروسی است که یک ذهن ممکن است بدان مبتلا شود، بصیرت را در برابر واقعیت کور و اندیشه را فلج میکند.

محمداوجال اولوتورک

شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:42 PM

جناب طالب الحق، سلام

هنوز هم معتقدم که اظهارات اخیر آقای نیسی، شایسته قوم پرستان است، نه بنیان اندیشان.

از طرف دیگر، آن کامنت خانم حاجی زاده که شما نقل کرده اید و من مجددا در زیر آورده ام، (بنده این کامنت را قبلا ندیده بودم)، آن ظن پیشین من مبنی براینکه ظاهرا هنوز پس مانده های اندیشه های متعفن نژادپرستانه و فارس محورانه رایج، از ذهن ایشان به تمام پاک نشده است، را قوی تر کرد.

« مدتیست که دوستان عرب زبان و ترک زبان ـ نه ترک ـ (با وجود مهاجرتهای اجباری و برنامه ریزی شده در چند سده اخیر، واقعا می توان با قاطعیت از نژاد حرف زد!؟ و آیا حقیقتا چنین کاری ضرورت دارد؟) گفتگوهایشان را به زبان مادری انجام می دهند، اگر این مکالمه ها، دونفره و شخصی است پس ایمیل مناسبتر می باشد، و اگرنه، پیشنهاد میکنم گفتگوها به زبان بین الاقوام فارسی (!) باشد. امیدوارم دوستان از من نرنجند، ولی این کار (گفتگو به زبان مادری) تاحدودی رنگ و بوی ^خودنمائی^ دارد. »

جدای از این موضوع که اگر زبان اخیر الولاده و بدون اتکاء به زبان عربی تماما الکن فارسی، امروز به زبان بین الاقوام تبدیل شده است، این امر تنها نتیجه سیاستهای شونیستی ایادی "یهود" در طی 100 سال گذشته و با زور سرنیزه محقق شده، و طبیعتا و دقیقا به همین دلیل، عدم تمایل ملل غیر فارس به تکلم و یا نوشتن به این زبان مهاجم را موجب شده است؛ باید از ایشان پرسید که: «اگر نوشتن غیر فارس ها به زبان مادری شان، "خودنمایی" است، پس چرا نوشتن فارس ها به زبان مادری شان، "خود نمایی" تلقی نمی شود؟؟!!!»

آیا چنین تفکر شونیستی، دقیقا و عینا همان تفکری نیست که 80 سال است با اجرای انواع و اقسام سیاستها و برنامه های آسیمیلاسیون محور، در صدد "یکسان سازی قومی" مردمان مسلمان این سرزمین اخیرا ایران نامیده شده، برآمده، و نوشتن و حتی صحبت کردن به زبان غیر فارس را ممنوع و مستحق مجازات نموده است؟؟!! و آیا با چنین طرز تفکر فاشیستی، می توان جامعه قرآنی و اسلامی را محقق کرد؟!!

ظاهرا ایشان به این موضوع توجه ندارند که قسمت نظرات وبلاگ حق و صبر، که در آن افراد مختلف با زبانهای مختلف حضور دارند، در واقع کوچک شده همان جامعه ای است که در آن زندگی می کنیم، و اگر قرار باشد روش مورد توصیه ایشان در درون جامعه هم پیاده شود، باید که افراد غیر فارس این جامعه را از تکلم به زبان مادری منع کرد، یعنی همان کاری که تا کنون ازسوی ژریم فارس پرست و فاشیستی انجام شده است.

آمون

شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 6:17 PM

سلام بر همه

متاسفانه اطلاعات وبلاگ به طور کامل حذف شده است!

اینها همه توهم توطئه است، اصلا این کارها غیر انسانی از جهود جماعت حرامزاده بعید است!

دوستانی که آرشیو دارند، بعدا در زمانی که اعلام خواهد شد، برای این حقیر بفرستند! فعلا که از یک طرف ایمیل هایمان هک شده و اط طرف دیگر هم این 206 می خواهد توالت های مان را هک کند! به هیچ چیزمان رحم نمی کنند! به هیچ "چیز" مان! واقعا می ترسم! اگر یک وقت ....، جواب پدرم را چه بدهم؟!

حاجی زاده
شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 8:49 PM

جناب اوجا تورک

اگر مطلع بودید که من زاده و بزرگ شده و ساکن آذربایجان هستم، این یادداشت اخیرتان را ارسال نمی فرمودید. در بین جد و اباءام فارس یافت نمی شود، (البته در میان خویشان پدری و پسرعموها و دخترعموها، گاهی ویژگیهای ظاهری ظهور میکند که ظن وجود یک جد عرب را در نسل پیشین مان به شدت تقویت می کند) و حتی پیش از آشنائی با بنیان اندیشی نیز، نه باستان پرست بودم و نه عرب ستیز.

روزگاری بسیار بیش از شما در خصوص آسیمیلاسیون، آپارتاید و حکومت شوونیستی و حق تقریر به زبان مادری، داد سخن سر داده ام و در بدو ورودم به حق و صبر چنین دغدغه هائی داشتم، باری هدفی که بنیان اندیشی در پی آن است، حلال تمام این دغدغه ها و معضلات است.

مخاطب من شما یا آقای نیسی و طالب الحق نیست، هر کسی است که کم و بیش در گرداب تعصب غوطه ور است و تعلق خاطری به نژاد و تبار دارد، هدفم این است که آموخته هایم از استاد را در این محیط به دیگران نیز منتقل کنم.

اینجا شاهد حضور دوستانی هستیم که حتی شان اسلام را تا حد بهانه ای جهت تفاخر تنزل داده اند؛ اسلام برای ایمان آوردن به آن است و نه تفاخری بی محتوا و بی اعتنا به آموزه ها، آخرین تراوشات ذهنی و عقیدتی آقای نیسی را ملاحظه کنید، حقیقتا کسی که مومن به قرآن است و با وسواس سعی در عمل به تک تک آموفرامین آن دارد، چنین سخنانی به زبان می راند؟

هیچ ملتی چه در شرق عالم و چه در غرب عالم به اندازه اعراب سزاوار تقدیر و تکریم بابت برتری هویت و فرهنگ آن نیست.

کارآمدی چنین افاضاتی تنها برای به لجن کشیدن بنیان اندیشی است، بایستی مراقب بود.

خداوند همه ی ما را هدایت کند.
شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:03 PM

سلام

اقای نیسی براستی که ظرف ۳دقیقه انهمه کامنت را نوشته اید و ان ذیگری را ظرف ۱ دقیقه !!؟؟؟

اقای محمدی

این کاسترو هم مثل گلدامایر و دیگر نظریه پردازان شارلاتان و حقه باز است و وجه سیاسی را در نظر دارد .

اقای عماد براستی دشمنان اسلام را احمق فرض کرده ای ؟!

و اسمان سوراخ شده و مسلمین دنبال همه چیز در ثریا میگردیم !!

اقای پورپیرار شما تا ۶ سال پیش از ایران به کشورهای شنگن و امریکا و کانادا و استرالیا میرفتید ؟

پاسخ:

لااقل سالی دو بار. دشمنان اسلام هم فوق احمقند وگرنه به عراق و افغانستان حمله نمی کردند تا کتک خورده و سرافکنده به زیر دامن آن مجسمه خنده دارشان برگردند. شبات شاد!
شنبه 20 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:01 PM

زمانی از یکی از دوستان شنیدم که برخی در این وبلاگ شدیدا روحیه قوم گرایی دارند !!

محمدرضا نیسی
یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:10 AM

سلام‌علیکم

خبرگزاری مهر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی! به وظیفه اصلی خود به نحو احسن عمل کرده!! و با پوشش خبری و تصویری بی‌نظیر به مراسم دشمن‌شکن انتقال "من"شور حقوق بشر کوروش سابقا کبیر به کتابخانه ملی، فاعث شادی قلوب مسلمین گردید و تیری زهرآگین در قلب جاعلان کلیسائی-کنیسه‌ای فرو کردا!!

الحمدلله یکی پیدا شد روی دست آقای دکتر بزند و بعد از آن ضربه مهلک اعطای خانه به جناب فرای در اصفهان، این حرکت خبرگزاری مهر، ایدی یهود را زمین‌گیر کرد.

هر دم از این باغ بری می‌رسد... استاد عزیز رنج تحقیق و رو کردن شیادی‌های یهود را متحمل می‌شوند و دولت اسلامی‌مان به چه کارهائی مشغول است!!!!

محمدرضا نیسی

یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:03 AM



سلام‌علیکم

سرکار خانم حاجی‌زاده

به جای این کارآگاه بازی‌ها و صغری کبری کردن‌ها و دقیق شدن در تقدم و تأخر کلمات، بفرمایید وقتی کسی برای إبن خلدون‌ها، إبن ندیم‌ها، إبن قیبه‌ها و ... اصالتی قائل نباشد پس دیگر چیزی از ناسیونالسم عربی باقی می‌ماند که بدان افتخار کند؟ اساسا بفرمائید این آیتم‌هائی که به استناد آنها برچسب قومگرائی را به من می‌زنید چیست؟ شبه‌ای که بیشتر به گفتار و رفتار شما وارد است آنرا به دیگران نسبت می‌دهید!

خانم حاجی‌زاده گرامی، تأکید من بر ترکیب کلمات عربی-اسلامی برای این است که من تفکیکی بین هویت اسلامی و هویت عربی قائل نیستم و اساسا این دو از هم تفکیک ناپذیرند و این مسأله‌ای است که استاد عزیز بسیار دقیق روشن کرده‌اند.

همانطور که در کامنت قبلی‌ام گفتم حملات متعدد و رنگارنگ و بی‌وقفه یهود بر اعراب، به دلیل همین پیوستگی هویت عربی و اسلامی است و برای تضعیف اسلام است که بیش از 1 قرن است دست از سرمان(اعراب) بر نمی‌دارند.

خانم حاجی‌زاده، اگر خود را بنیان‌اندیش می‌دانید نباید با مباحث برخوردی گزینشی داشته باشید و رفتارهای باستان‌پرستان در مقابل اعراب را تکرار کنید.

جناب آقای محمد اوجال اولوتورک

افتخار و هویت همه ما اسلام عزیز است. من با افتخار و سربلندی هویت، فرهنگ و اصالت خود را با اعراب یکی می‌دانم. اعرابی که هویت‌شان اسلامی‌است. اعرابی که به زبان بی‌نظیر و الهی عربی تکلم می‌کنند. اعرابی که مقاومت و ایستادگی‌شان در برابر یهود از سوی دوست و دشمن تعظیم می‌شود. اعرابی که مزدوران فکری یهود و دشمنان موذی کلام خدا از جنس حامد أبوزید، نزدشان رسوا هستند و...

اگر این قوم‌پرستی است، من با افتخار می‌گویم سردسته این قوم‌پرستان هستم. اگر شما هم به اسلام و این چنین هویتی معتقد هستید باید ورود شما به جمع قوم‌پرستان را شاد باش بگویم.

تصور نمی‌کنم فکر من و شما در 2 جهت مختلف باشد. مشکل ما شوینیست‌بازی‌های جماعت باستان‌پرست است که می‌خواهند زبان ملی را با روش دمکراتیک زورچپان به همه بقبولانند. در وبلاگ استاد هم عده‌ای از خیلی وقت پیش به روش‌های مختلف همین رفتار باستان‌پرستان برضد اعراب را پیگیری می‌کنند البته نمی‌دانم چرا خانم حاجی‌زاده و برادر گرامی‌مان آقای سعید در این مورد چنین عمل می‌کنند. شاید گفته‌هایم برای ایشان سوءتعبیر ایجاد کرده باشد.

...

محمدرضا نیسی

یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:12 AM



...

جناب آقای آمون

باستان‌پرستان به جز این رذالت‌ها و حرامزادگی‌ها چیز دیگری بلد نیستند و در وبلاگ آن دروغگوی شارلاتان جشن به پا کرده‌اند که ایمیل شما را هک کرده‌اند. این کار را قبلا هم با برخی وبلاگ‌های دیگر مخالف خود کرده‌اند. من موردی از آنرا که می‌دانم تحت نام "بهزاد" لینکی را معرفی می‌کنند که منجر به هک می‌شود.

حمل بر جسارت نباشد ولی به نظر من بهتر است از نرم‌افزاری مانند Spyware Doctor علاوه بر آنتی‌ویروس مناسب استفاده کنید. من از کاربرد آن راضی هستم و اگر تمایل داشته باشید در اختیارتان می‌گذارم.

با تقدیم احترام

جناب آقای مجید نصر اصفهانی

نمی‌دانم چرا این همه خود را به در و دیوار می‌کوبید! و آرامش خود ر ا این چنین از دست می‌دهید. از هم به شما می‌گویم بر نشر آثار استاد تمرکز کنید و از برخورد گزینشی با این آثار پرهیز کنید.
به گیر دادن و تبیین مبانی ملی‌گرائی، فکری به حال چند دستگی‌هائی موجود در بین معتقدان به شیعه کنید. مثالی می‌زنم که نگوئید چند دستگی وجود ندارد.

نمی‌دانم به عراق رفته‌اید یا نه؟ بعد از اشغال عراق 3 روز مختلف در عراق اول رمضان یا عید فطر است. یک روز برای سنیان و 2 روز برای شیعیان!
در اول رمضان امسال در یکی از صحن‌های بارگاه امام حسین دو دسته شیعه به امامت 2 روحانی به طور همزمان مشغول نماز جماعت بودند که فاطله آنها از هم بیش از 5 متر نبود و یکی از این نمازها توسط دوزبین‌ها تلویزیونی الفرات، العالم و... پوشش داده میشد و دیگری خیر. یک عده از اینان روزه بودند و یک عده خیر.

در کشور خودمان هم که در 4-5 سال گذشته حداقل 2بار شاهد این اختلاف بین قم و تهران بودیم.

ببینید چگونه و با چه روش‌های ساده و پیش پا افتاده‌ای علمای شیعه نمی‌توانند درباره یک مساله ساده و واضح با هم کنار بیایند. به نظر شما این موضوع ریشه در اسلام دارد یا هوش و ذکاوت جاعلان!! و خود بخوان بقیه حدیث مجمل این قضایا را

طالب الحق

یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:54 AM

برادر محمد اوجال اولوتورک

خواهر عزیز ما با کات وپست کردن جملات سعی در کتمان حقیقت باطن گفتار اول خود هستند ، حالا بعد از آن همه مجادله میفرمایند که قبل از بحث بالا از نوایای مستتر نژاد پرستی ما با خبر بودند وفقط میخواستند با ارسال آن کامنت اعتراض آمیز اول بنیاد اندیشی ما را محک بزنند ، ما از این استاد بزرگوار در اهتمامشان به محک تأثیر آرائ استاد پورپیرار در ما کمال تشکر را داریم و از او در خواست میکنم که کامنت های ارسالی طالب الحق را دوباره وبرای یک بار با دقت بخوانند که اقلا کمی خود را محک زده و بیشتر از وجدان خود مایه بگذارند ، که با خواندن این کامنت ها شما هم متوجه میشوید که تعصب در حروف جملات کدام کامنت رخنه کرده است(إن بعض الظن إثم)

آقای نیسی هم رای شخصی خود را ارائه نمودند که یا استاد بزرگ پورپیرار بر ما منت گذاشته و تعلیقی در پیوند هویت اسلامی وعربی سند کنند یا ایشان مثال هایی را از مقالات وکتب استاد ارسال فرمایند

در آخر میگویم که ای آنهایی که ظن های پیشینه در مورد خودنمایان متکلم به زبان مادری دارید لطفا سؤال های کامنت های قبل را پاسخ دهید که همه در اعتراض به کامنت اولتان است یا السلام علیکم که دیگر وقت تلف نکنیم

محمد اوجال اولوتورک

یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 04:26 AM

برادر عزیز جناب نیسی

البته که در مسائل بنیادی تفکرات ما در دو مسیر متفاوت سیر نمی کند، چه، اگر اینگونه بود، در اینجا نبودیم.

...

خانم حاجی زاده

(قصد داشتم به ترکی بنویسم، اما ...)

قصد کش دادن بی دلیل بحث را ندارم، فقط می خواهم این موضوع را متذکر شوم که بحمدا... بنده هیچگاه و به هیچ شکل دچار تعصب، بویژه نوع قومی آن، نبوده ام، چه آن زمان که در انتهای ایمیلهای خود جمله فاشیستی "نه موتلو تورکوم دییه نه" را - به دلایلی که در اینجا لازم نمی بینم بیان کنم - به کار می بردم، و چه اکنون. مسئله ای که شما ظاهرا از روی نام من، تصور کرده اید که به کشف آن نائل شده اید و با نوشتن آن به صورت "اوجا تورک" (تورک بلند مرتبه!) قصد القاء آن را داشته اید!

"خداوند همه ی ما را هدایت کند."

باشاریلار

سعید

یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 09:24 AM

برادر عزیز جناب آقای نیسی

برداشتی که از جملات شما میشود نیاز به رفتار گزینشی ندارد شما عرب بودن خود را همپای مسلمان بودنتان به رخ میکشید

شما از دریچه ای نگاه میکنید که برای ما بسته شده

در جریان مباحثه اردوغان با شیمون پرز وقتی اردوغان با آفتابه مسی به استقبال پرز رفت عمر موسی هم حضور داشت آیا رفتار عمر موسی که نماینده مردم عرب بود و مانند نوکری در مقابل ایادی صهیونیست سکوت کرده بود در مقابل اردوغان غیر عرب برای اعراب شرم

آور نبود

آیا نباید به حمایت از نخست وزیر ترکیه ای که منافع کشورش را با گفتن حرف دل مردم خود به خطر انداخت همراه با اردوغان جلسه را ترک میکرد احتمالا در جریان این نمایش که برای تطهیر اسرائیل تدارک دیده شده بود ادب عربی به چنین کاری اجازه نداد در این جریان عزت اسلام را یک ترک حفظ کرد و یا یک عرب

من دستها و پاهای اسماعیل حنیه و نصرالله را میبوسم و در مقابل جوانان مبارز فلسطین و لبنان خودم را مدیون میدانم اما نه به خاطر عرب بودن تنها به خاطر اینکه اسلام خود را معامله نکردند و در راه حق ایستاده اند آیا عرب بودن برای این امر بزرگ کافی است

زمانی که در مباحث خود تنها از انسان بودن و اسلام سخن گفتید بدانید که در حیطه بنیان اندیشی قرار گرفته اید در غیر این صورت رفتاری جهودانه انتخاب کرده اید همانگونه که امرای عرب امروز اوامر مکتوب و غیر مکتوب یهود را پیش گرفته اند و با تکیه بر هویت عربی خود راه را بر اسلام بسته اند

مردم ایران نعمت بزرگی دارند و آن 30 سال مقاومت برای حفظ «نه »بزرگی است که به ایادی صهیونیست گفته اند

جنگ 33 روزه لبنان با حمایت ایران بود و یا اعراب حمایت اعراب که شش روز بیشتر دوام تاریخی ندارد آیا جنگ ایران و عراق را فراموش کرده اید احتمالا جوانان ایران مزدوران یهود بوده اند و جوانان عرب عراقی سرداران اسلام

مردم ایران سرنوشت کشور خود را در دست دارند و آن مسیری جز اسلام نیست اگر شعار نه غزه و نه لبنان مشتی گوساله را میشنوید پس شعار 30 ساله مرگ بر اسرائیل و آمریکای این مردم را فراموش کرده اید

تمام افتخاراتی که برای مردم عرب شمرده اید تنها در سایه اسلام بوده و عرب بودن در این افتخارات هیچ نقشی ندارد

همانطور که تمام افتخاراتی که برای ایران چند ده ساله میتوان شمرد تنها به دلیل اسلام است و همانطور است برای ترکیه و مابقی کشورهای اسلامی

امیدوارم قرآن را به نفع اعراب نخوانید« وان اکرمکم عندالله اتقاکم»

حسین محمدی

یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:25 AM



رجانیوز ۱۳۸۹/۶/۲۲

ارتباط جعلیات تاریخی "ریچارد فرای" و ترویج مکتب ایران

ریچارد فرای مورخ یهودی از مورخانی است که در یک سده اخیر در تاریخ باستان و اسلام ایران به تحقیقات پرداخته اند. این دسته از مورخان که فارغ از ملیتی که دارند، همگی یهودی هستند به عنوان منبع اصلی ایران شناسی شناخته می شوند. بدون استناد به آقایانی مانند؛ فرای، پوپ، کریستن سن، اشمیت، آستروناخ، کخ، گیرشمن و... نمی توان در باره ایران باستان سخن گفت. این افراد که همگی هویتی مشکوک دارند، عامل اصلی شناساندن تاریخ ایران به خصوص دوره باستان آن شناخته می شوند تا حدی که آنها تاریخ ایران را بهتر از مردم کشورمان می شناسند! مثلا برای نخستین بار سفیر انگلیس در ایران یعنی "سر جان ملکم" از سلسله ای به نام اشکانی در ایران سخن گفت یعنی مردم ایران از وجود سلسله ای با 500 سال قدمت در کشورشان بی خبر بودند و باید یکی از انگلیس می آمد و آنها را از وجود چنین سلسله ای مطلع می کرد. این اتفاق عجیب در مورد تمام تاریخ ایران باستان صدق می کند. تا 150 سال پیش کسی در ایران کوروش و یا برخی دیگر از پادشاهان باستان را نمی شناخت.

این تاریخ سازی که با ایجاد و دامن زدن به ناسیونالیسم ایرانی با تحریف و یا اغراق گویی در باره وقایع گذشته انجام شده، ریشه بسیاری از مشکلات کنونی به‌ویژه در بین روشنفکران ایرانی است. این تاریخ سازی همزیستی مسالمت آمیز مردم ایران را که سال ها در پناه آموزه های قرآن به خوبی با همسایگان مسلمانشان زیسته اند، هدف قرار داده است. با القای ناسیونایسم قومی در کشور و فریب برخی از روشنفکران شرایطی را پدید آورده اند که متاسفانه حس نفرت و بدبینی از مردم مسلمان منطقه به جامعه فکری (روشنفکری) کشور القا شده است؛ البته این مختص به ایران نیست و این برنامه برای سایر اقوام منطقه نیز پیاده شده است تا جایی که ما در تمام کشورهای

مسلمان منطقه به "پان‌های" رنگارنگی برخورد می کنیم که بدون هیچ گونه استدلال منطقی برتری طلبی های زیادی را نسبت به دیگران مدعی هستند که تنها ثمره آن ایجاد موج نفرت در بین برخی از مردم مسلمان منطقه از یکدیگر بوده است.

وی گرچه خود را هخامنشی‌شناس جا می زند و در فیلم های تبلیغاتی با موضوع تخت جمشید ظاهر می شود، و حتی به اظهار نظر بزرگ‌ترین معماران ایران که از طرف "سازمان نظام مهندسی ایران" بنای تخت جمشید را بررسی کرده و به‌طور رسمی گزارش داده اند که این بنا به دلیل ایرادهای متعدد معماری نمی تواند یک بنای کامل باشد، اعتنا نمی کند و در یک همنوایی یهودی آن را محل برگزاری جشن های سالانه معرفی می‌کند.

فرای به عنوان کسی که مدعی هخامنشی‌شناسی است، چطور از ناقص بودن بنای تخت جمشید بی‌اطلاع بوده و برای یک بنای نیمه کاره داستان‌های فراوانی برای برگزاری جشن ها در آن ساخته و به خورد افکار عمومی داده است؟ اگر به اهمیت تخت جمشید برای باستان پرستان و روشنفکران کنونی کشور دقت کنیم و ببینیم که چه تاثیر مخربی به دلیل افزایش حس قوم گرایی در آنها بوجود آورده است؛ آنگاه می توانیم بفهمیم که چرا فرای و دوستان یهودی‌اش این چنین برای تخت جمشید و هخامنشی ها قلم فرسایی کرده اند و از اسطوره قوم یهود اسطوره ملت ایران ساخته اند. کوروش برای یهودیان بسیار مقدس است و جالب است که نخستین تیم فوتبال یهودیان ایران که در دوره پهلوی راه اندازی شد کوروش نام داشت. جشن های 2500 ساله که اوج تظاهر به قوم گرایی توسط پهلوی های دست نشانده بود در تخت جمشید انجام شد.

حسین محمدی
یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:36 AM

استاد بزرگ

با سلام و احترام

بدون شک یادداشت امروز رجانیوز یک اتفاق مهم است که از سوی سایت یکی از مهمترین حامیان رئیس جمهور عرضه شده است. درست در روزی که قرار است آقای محمود احمدی نژاد از منشور کوروش رونمایی کند... من نمی دانم در این مملکت چه خبر است ولی در این یادداشت اعتراف شده است که تخت جمشید یک بنای نیمه کاره است و اشکانیان از اختراعات سرجان ملکم است ....بنابراین این پیروزی را به شما و تمامی بنیان اندیشان تبریک می گویم....به مجتبی غفوری و شاهکارش تختگاه هیچکس تبریک می گویم

حالا چندقدمی بیش تا پذیرش پوریم توسط بخشی از دست اندرکاران حکومتی باقی نمانده است

حسین
یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:03 PM

واقعا" این 30-40 تا نظر آخری که خواندم فقط وقت تلف کردن بود.

اقا/خانم حاجی زاده-نیسی-طالب حق-...گندش دراوردید با این همه بی حاصل نوشتن.مشتی مباحث چرند ر ا ادامه می دهید و وقتی هم یکی بهتون میگه که دارید بی مورد بحث می کنید صد دلیل می اورید که لازم است و ...

لطفا" بس کنید.

سعید
یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 1:58 PM

ارتباط جعلیات تاریخی "ریچارد فرای" و ترویج مکتب ایران

id=61424&=http://rajanews.com/detail.asp?lang_id

استاد بخوانید بعضی ها تازه از خواب بیدار شده اند

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

85895

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya	17	

ایران شناسی بدون دروغ، 280، نتیجه ۸۸، پلید کاران جاعل دروغ باف

تلمیذ

یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:03 PM

با سلام خدمت استاد پورپیراز کبیر

استاد این اصطلاح دانشگاه های کنیسه ایی و کلیسایی شما اصطلاح خوبی است چون دانشگاه های معروف اروپا در قرون وسطی کلیسا بود ه اند.

سعید

یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:04 PM

نگاه نژادپرستانه درسینمای کیارستمی

http://rajanews.com/detail.asp?id=61460

استاد آیا نظرتان با منتقد فیلم طعم گیلاس یکی است

حکیمی

یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:49 PM

اراجیف گویی های ۲۰۶ رو کنار بذارید و حالشو ببرید. این بهترین پاسخ به امثال یاوه گویی چون اوست. با نهایت ارادت حضرت استاد.

http://rajanews.com/PrintFriendly.asp?id=61424

جلال

یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 6:42 PM

سلام استاد امروز ظاهرا استوانه کوروش را وارد کشور کرده اند.لطفا ناگفته هایتان را در مورد این استوانه بیان نمائید

باتشکر

حسین محمدی

یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:19 PM

مشایی: چرا منشور کوروش را آیت خدا ندانیم؟

به گزارش فارس، اسفندیار رحیم‌مشایی رئیس دفتر رئیس جمهور که عصر امروز یکشنبه در آئین رونمایی از منشور کوروش در موزه ملی ایران سخن می‌گفت، اظهار داشت: امروز برای ملت بزرگ ایران روزی با غرور و افتخار است؛ برای مردم و زنانی که در سراسر تاریخ به نیکی شناخته شده‌اند و به زیبایی سیرت و صورت شهره آفاق هستند؛ ملت بزرگی که از اصلی‌ترین پایه‌گذاران تمدن بشر و آشکارکننده حکمت متعالی آفرینش و خلقت و پاسدار ارزش‌های کثیر الهی و انسانی است و به خوبی‌ها در تاریخ صحه گذاشته و نیکی‌ها را در عمر دراز خود پاس داشته و امروز همان پرچم که از دیرباز به فرازآورده را در سراسر دنیا به اهتزاز درآورده است...

* چرا منشور کوروش را آیت خدا ندانیم؟
رئیس دفتر رئیس جمهور با اشاره با اینکه هزار و 300 سال پیش منشور کوروش ظاهر و کشف شد و 2400 سال از فنا محفوظ ماند، اظهار داشت: چرا این را آیت و نشانه خدا ندانیم؟ اگر جسد فرعون باقی می‌ماند تا نشانه‌ای برای عبرت آیندگان باشد، چرا این منشور را نشانه‌ای ندانیم که آری مرد و زن! امروز بعد از 2 هزار سال پس از میلاد مجدداً در رفتار و گفتار، منطق، مرام، اندیشه‌ها، کردار و عمل خود بازنگری کنید.

مشایی با بیان اینکه آزادی بسیار ذیقیمت است و بدون آن هیچ نمی‌تواند نجات‌بخش باشد، گفت: مهمترین ارزش‌های معنوی و الهی در دامن آزادی است که موجبات شکوفایی انسان را پدید می‌آورد...

* اندیشه، مرام و ادبیات کوروش از جنس پیامبران بوده است

وی با بیان اینکه منشور کوروش منشوری است که درس انسانیت می‌دهد و برخی از علمای بزرگ گفته‌اند که کوروش پیامبر بوده است، تأکید کرد: البته من در مقام اثبات یا نفی این موضوع نیستم، اما آنچه می‌توان در مقیاس حداقلی بر آن تکیه کرد و تأکید داشت، این است که اندیشه و مرام و ادبیات کوروش از این جنس بوده است و امیدوارم این فرصت برای ملت بزرگ ما به‌خوبی قدر شناخته شود و مورد قدردانی قرار بگیرد...

سایه
یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:08 PM

سلام
از متن خبر رجا نیوز پیداست که نویسنده از تحقیقات درخشان استاد خبر داشته و سر تعظیم فرود آورده است.

حاجی زاده
یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:44 PM

اگر فضای این ستون را متشنج کردم، از استاد گرامی و دوستان محترم تقاضای عفو دارم، نیتم خیر و هدفم بیان این نکته بود که نژاد پرستی درست خلاف آموزه های قرآن و بنیان اندیشی ملهم از قرآن است. این جمله فراموش نشدنی آقای نیسی را مجددا ببینید:*هیچ ملتی چه در شرق عالم و چه در غرب عالم به اندازه اعراب(عرب خالص و نه اقلاعرب مسلمان) سزاوار تقدیر و تکریم بابت برتری هویت و فرهنگ آن نیست.* مرحوم هیتلر هم چنین نگاهی به ژرمنها داشت، البته او هم دلائل و شواهدی برای مجاب کردن خود و

همپالکی هایش و توجیه عمل اش ارائه می داد، و از نظر خودش صحیح و در خور ارزش بود.

آقای م.اوجال اولو تورک، والله آن تنها یک اشکال تایپی است و عمدی در تغییر نام شما نبوده، هر چند که اولو تورک همان معنی را می دهد.

ایمیل استاد هم هک شده است، به میمنت و مبارکی!

مجددا از همگی پوزش می طلبم

پاسخ:

ظاهرا ای میل وبلاگ حک شده است. دوستان می توانند تا روشن شدن وضع، به آدرس:

info@karangbooks .com

ای میل بفرستند.

بی نام

یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:15 PM

یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقیکم ...

خواهر گرامی خانم حاجی زاده جناب آقای نیسی جناب آقای طالب الحق وجناب آقای نصر اصفهانی سلام علیکم

به نظر می رسد این بحث ره به جایی ندارد و به دور باطل وبازی با کلمات کشیده شده است . هر چند که بنده در گفتار برادران عزیزم جناب تیسی و طالب الحق هیچ انحراف شایسته تعنه تبریک به استاد نمی بینم که احتجاجی کلامی بیشتر از طرف دوستان در آن نمایان است تا واقعیت نفاق .اگر ما می گوییم از تبار عرب هستیم وعرب زبان نبیستیم به معنای فخر به خون ونژاد و قوم قبیله نیست ذکر نعمت خداست که زبان ابا واجدادی بنده به واسطه مظروف قرآن مقدس شده و فضیلت اصلی واساسی ما عرب تبارها این است.با عرب زبان خواندن امثال بنده این تصور دور از ذهن من نمی ماند که درجه حقد وحسد توجه الله به ما را منکر شده اید.إِنَّآ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآناً عَرَبِيّاً لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.آیا اشکالی دارد که به ذکر نعمت خدا بر تبار خود معترف باشیم؟این تعصب دینی ماست نه عصبه نژادی که دوستان عرب تبار بنده همگی با احتیاط لازم وارد این بحث شدند که مبادا این امربه واسطه جعلیات جاهلی خواندن عرب قبل از اسلام بر شما مشتبه بیفتد.گویا موفق نبوده اند.به هرصورت بعضی احتجاجات متاسفانه به گذشت زمان ژنتیک شده است وگرنه این عرب تباری ما انشقاقی با اسلامیت ما ایجاد نمی کندکه اینگونه مورد هجمه بهانه وار کلمات شویم.تبار من همان عربی است که خداوند زبانش را .فرهنگش را .مکان معیشت اش را.خصلت های نژادیش را برای ظهور پاک ترین پیامبر خود انتخاب نمود وهمه را تمثیلی برای ظهور خاتم فرستادگانش نمود.ما عرب تباریم وبه ابا واجداد مسلمان مان فخوریم که از اولین ها در دریافت بی واسطه اسلام وحاضرین در محضر پیامبر عظیم بوده اندو وقعی عنعنه عرب ستیزانه ندازیم.

***

یکشنبه 21 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:27 PM

با سلام.

دوستان محترم لطفا این بحثهای تکراری را ادامه ندهید.عاقل را اشارتی کافیست.صحبتهای ارزشمند جناب سعید کامل و روشنگر بود امیدوارم استاد زودتر وارد بحثهای تارخ معاصرمان شوند تا دوستانی که ظاهرا از مباحث فعلی خسته شدند و پای درس نیستند بیشتر تمرکز کنند!!

أمة الله

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 00:51 AM

ببینم چرا کامنت " بی نام " راجع به من تایید شده ولی جواب من به او بی اهمیت تلقی شده!؟

خب به هرحال اگر حرف من براتون بی اهمیت بود پس حرف اون " بی نام " جالب بوده؟

ببینم مدیر این وبلاگ چند نفرند؟

http://tauheed.blogfa.com/

آمون
دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:45 AM

سلام.

آقای نیسی. سری زدم به آنجا که فرموده بودین، مستراحی به نام ناریا2. خبری نبود! هر چه گشتم، اثری از عروسی مادرشان ندیدم. بیشتر شبیه مجلس ختم یهوه بود و با تلاش های جانکاه مذبوحانه فراوان، داشتند نفی ابویت می کردند و هیچ یک اصالت یهودی خود را نمی پذیرفتند تا طشت رسوایی و حواله های طلبکاری به درب منازلشان ارسال نشود و افتضاحات بار آمده، به سم مطلای آنان نوشته نشود. دلم به حال یهوه سوخت با چنین فرزندانی که حرامزادگی را به اصالت ،رجحان می دهند.

ضمنا این احمدی نژاد هم یک چفیه انداخته به گردن مجسمه کورش صغیر در موزه، حینی که به زیارت منشور حقوق یهود رفته بود.

دیگر اینکه وقتی کسی به زبانی خاص کامنت می نویسد، اولا که تایید می شود(اگر لازم باشد، نمی شود!)، ثانیا مخاطب خاص دارد(فردی یا گروهی) ، یعنی عام نیست! بنا نیست که همگان همه چیز را دریابند که! گاهی مسئولیت دارد و کاری باید انجام داد، این خود راهی است برای شانه خالی کردن!

طالب الحق
دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:53 AM

انا لله وانا الیه راجعون

از همه پوزش میطلبم

خانم حاجی زاده لختی تأمل کنید وشجاعانه حرفتان را پس بگیرید واگر مخاطب خود را آقای نیسی میبینید پس نظریات ایشان را تعمیم ندهید

برادر نیسی تمام گفتارتان متین وهمه اش در انصاف بود وهوشمندانه فهمیدید که بزرگ کنندگان بحث چه میخواستند وچه جوابی باید بشنوند ولی باید در آن جمله اخیر کمی تدقیق کرد ، با تمام احترامی که به شما دارم باید بگویم که به نظر من برادران افغان بهتر از اسلام دفاع کردند تا جوانان هامر سوار کشورهای خلیج

سعید جان سیاست خیلی فراتر از این حرفاست که جای سخن درآن نیست

حسین جان ببخشید

**** شما هم ببخشید

من از این بحث متلف عقب میکشم والسلام

طالب الحق
دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:09 AM

این اعتراف رجا نیوز به وبلاگاتون انتقال بدید

http://www.rajanews.com/detail.asp?id=61424

یه دانشجو

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 06:23 AM

با عرض سلام خدمت استاد عالیقدر اقای پورپیرار صبور و نازنین و همه دوستان بنیان اندیشان : من قبل از هر چیز از محضر خواهر عزیز و بنیان اندیش مان خانم حاجی زاده بخاطر آن انتقاد سطحی ام عذر خواهی می کنم. من نمی دانستم که این هموطنان عرب زبان و با عرب تبار ایران مان اینقدر تنگ نظر و پان عرب عقب مانده هستند. من وقتی پیام های اقای محمد نیسی که از برتری اعراب سخن گفته بود را خواندم از نا امیدی ام می خواستم که سرم را به دیوار آجری بکوبم. من از شخصی که اینهمه مدت در محضر استاد پورپیرار به شاگردی گذرانیده اند شنیدن همچو سخنان ن÷اد پرستانه و سخیفی را نداشتم.

انتقاد من به خانم حاجی زاده بخاطر این بود که باید در برابر اقلیت ها و قوم های کوچک و خورده فرهنگ های ایرانی مانند فرهنگ ترک ها و اعراب ایرانی صبور بود و فرهنگ آنها را تحمل کرد گرچه ارزوی هر ایرانی است که روزی زبان ملی و فرهنگ فارسی که به هیچ قوم و ملتی بجز ملت بزرگ ایران تعلق ندارد جایگزین همه خورده فرهنگ های ایرانی شود.

اقای محمد نیسی: شما تازه وارد این حرکت بنیان اندیشی شده اید که انگار از هول حلیم ته دیگ شیرجه بر داشته اید. استادانی مانند اقایان مجتبی غفوری و عابدی سال هاست که در پشت پرده عمود این خیمه بوده اند ولی بخاطر وسعت قلب و سعه صدر هیچوقت خود را برتر از دیگران ندانسته اند.

اقای نیسی: شما مرا به ن÷اد پرستی و باستان پرستی متهم کرده اید در حالیکه خودتان صد مرتبه بد تر از من ن÷اد پرست هستید. من هیچوقت در هیچ کجا ملت فارس و زبان فارسی را برتر نداسته ام بحث من بحث پراگماتیکی است که این زبان ملی همه ایرانی ها لااقل از صد سال به اینطرف بوده و باید هر چه بیشترتقویت شود. من در مسیری قدم بر میدارم که امام خامنه ای این نائب امان زمان و رئیس جمهور محبوب و برگزیده مان دکتر احمد ن÷ادکه بنا به رای استاد پورپیرار با رای اکثریت مردم ایران برنده انتخابات بوده اند و سردار کبیر اسلام اقای رحیم مشایی برایمان صاف و هموار نموده اند. مگر شما مراسم رونمایی منشور کوروش و چفیه انداختن دکتر احمدی ن÷اد بر گردن کوروش کبیر را ندیده اید.؟

اگر من گمراهم لطفا مرا روشنگری کرده و در باره این مراسم بغایت باشکوه و تاریخی خطی به نویسید.

با احترامات

مجیدنصراصفهانی

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 08:19 AM

سلام دوستان نمی دانم این چند درد نگن اتش زدن قان وتوهین به کلام الله را با چه مرحمی درمان کنم

حال اگر مرحمی پیدا شود

درد سکوت خائنانه دولت های خاورمیانه

چه ؟دیروز چندتاافغانی به اصطلاح مسلمان از اتش زدن قران وتوهین بقران حمایت کردند.چطوری شبکه های ماهواره مغز مسلمین رازا یل کرده است؟

هیهات این ذلت هاوتباهی بشریت

خداوندمارا شر نیرنگ شیاطین حفظ کند این چندروز جز خدا برای دردهایم مرحم وپناهی نداشتم .....

****

بقول یک دوستی منشور حقوق بشری کوروش راعشق است

کلهم جهان اسلام قرص بی غریتی تناول کردند

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 09:13 AM



مردم ترکیه در همه‌پرسی به اصلاحات قانون اساسی رای مثبت دادند

خبرگزاری فارس: رأی‌دهندگان ترکیه اصلاحیه قانون اساسی ترکیه را که دولت این کشور اعلام کرده است منجر به تقویت دموکراسی ملت مسلمان ترکیه شده و به کاندیداتوری ترکیه در اتحادیه اروپا کمک می‌کند، به تصویب درآوردند.

به گزارش فارس به نقل از خبرگزاری رویترز، "رجب طیب اردوغان " نخست‌وزیر ترکیه پس از آنکه در همه‌پرسی اصلاحیه قانون اساسی ترکیه در استانبول پیروزی کسب کرد، به طرفداران خود اعلام کرد: برنده امروز، دموکراسی ترکیه بود.

بر اساس این گزارش، نتیجه این همه‌پرسی یک پیشرفت بزرگ برای اردوغان قبل از برگزاری انتخابات پارلمانی ترکیه محسوب می‌شود که قرار است در ژوئیه سال آینده میلادی برگزار شود.

حزب "عدالت و توسعه " اردوغان در نظر دارد در انتخابات پارلمانی سال آینده ترکیه، حکمی را برای تشکیل یک دولت تک حزبی برای سه دوره به دست آورد که این مسئله تا حد بسیار زیادی مورد استقبال سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد.

طبق یک آمار نه چندان رسمی، دولت ترکیه توانسته است حمایت 58 درصدی برای اصلاحات قانون اساسی را با رأی "آری " کسب کند و این در حالی است که 99 درصد از جعبه‌های آراء همه‌پرسی شمارش شده است.

هیئت عالی انتخاباتی ترکیه، امروز دوشنبه نتایج رسمی همه‌پرسی را منتشر خواهد کرد.

حوزه‌ها و دفاتر اخذ رأی ترکیه ساعت پنج صبح روز گذشته به وقت گرینویچ برای جمع‌آوری آرای مردم این کشور در همه‌پرسی اصلاحیه قانون اساسی ترکیه کار خود را آغاز کردند.

حوزه‌های مذکور تا ساعت 2 بعدازظهر به وقت گرینویچ به جمع‌آوری آرای مردمی ادامه داشت.

نخست وزیر ترکیه پیشتر اعلام کرده بود در صورتی که حزب وی یعنی حزب "عدالت و توسعه " نتواند در همه‌پرسی روز گذشته و همچنین انتخابات سال آینده پیروز شود، از صحنه سیاسی خداحافظی خواهد کرد.

در همه‌پرسی روز گذشته، مردم ترکیه به 26 اصلاحیه در قانون اساسی این کشور رأی داده‌اند که از جمله این اصلاحات بحث برانگیز می‌توان به افزایش حقوق معلولان و دادن اختیارات به نهادهای اجرایی در انتصاب قضات و دادستان‌ها اشاره کرد.

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:37 AM



اظهارات آیت الله مکارم شیرازی درباره کوروش هخامنشی و منشورش

میراث آریا - آیت الله العظمی مکارم شیرازی با ارائه دیدگاه خود درباره مقام ذوالقرنین در قرآن و اشاره به اهمیت منشور کوروش بعنوان سند جهانی حقوق بشر ابراز تمایل کردند تا از نمایشگاه منشور بازدید به‌عمل آورند.

مدیر کل موزه ملی ایران، مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری استان قم و رییس حوزه ریاست سازمان میراث فرهنگی و گردشگری هفته گذشته جهت ارایه گزارشی از عملکرد این سازمان در خصوص ثبت خطبه حضرت زهرا (س) ، ثبت چادر و حجاب اقوام ایرانی ، آئین‌های شعبانیه و رمضان ، مراسم تعزیه و اذان مرحوم موذن زاده اردبیلی در فهرست آثار معنوی، همچنین ثبت بازار تبریز و بقعه شیخ صفی موسس حکومت شیعی در ایران به عنوان دو اثر مهم اسلامی در فهرست جهانی یونسکو و نیز بهره بردن از رهنمودهای آیت الله مکارم شیرازی در ارتباط با نحوه ثبت کتب اربعه شیعه و برگزاری نمایشگاه منشور کوروش در بیت ایشان حضور یافتند.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی پس از استماع نحوه عملکرد سازمان میراث فرهنگی در حوزه های مرمت و ثبت اماکن دینی و متبرکه نظیر

مساجد ،حوزه های علمیه و مرقدهای متبرکه امامزادگان در سراسر ایران ، از چگونگی روند ثبت و مرمت پرسش هایی را مطرح کردند.

در این نشست حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی با تشکر از ثبت آثار اسلامی گفت: ثبت این آثار جهشی در جهت مطرح شدن آثار فراموش شده و یا کمرنگ شده در جهان اسلام است.

وی همچنین ابراز امیدواری کرد ثبت ملی این آثار دلیل ماندگاری این ابنیه شود و افزود: در کنار این کار بایسته است حرکت های علمی و فرهنگی نیز صورت پذیرد.

در ادامه حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی ضمن ارائه دیدگاه خود در مورد مقام ذوالقرنین در قرآن ، با اشاره به اهمیت منشور کوروش به عنوان سند جهانی حقوق بشر، ابراز تمایل نمودند که از نمایشگاه منشور بازدید کنند.

عباس سلامات

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:53 AM

از ابتدای بحث های بوجود آمده گوشه ای ایستاده و در حال پیگیری بحث ها بودم لیکن مداخله تفرقه افکنانه " یه دانشجو" را بر نمی تابم.

آقا یا خانم یه دانشجو

هیج قوم در ایران اقلیت نیست. ایران محدوده ای جغرافیایی است که اقوام گوناگونی در این محدوده زندگی می کنند و اطلاق لفظ اقلیت برای هر کدام از این اقوام نابجاست. اگر آمار دقیقی در اختیار داشتید مطمئنا این حرفها "انتقاد من به خانم حاجی زاده بخاطر این بود که باید در برابر اقلیت ها و قوم های کوچک و خورده فرهنگ های ایرانی مانند فرهنگ ترک ها و اعراب ایرانی صبور بود " را به زبان نمی آوردید .زیرا بدون تردید ترک ها از بزرگترین(از نظر آماری) اقوام تشکیل دهنده ایران هستند و هیچگاه در موضع اقلیت قرار نخواهند گرفت. در مورد عرب نیز برای اجتناب از بوجود آمدن شائبه نژاد پرستی،آماری ارائه نمی دهم.

آقای عزیز تعریف شما از فرهنگ کلان چیست که با لفظ "خورده فرهنگ" دیگر اقوام را مورد هجوم قرار می دهید.

دوستان من غفوری و عابدی خود توان دفاع از خویشتن را دارند و به وقت لازم هم اینکار را کرده اند لطفا در پشت سر آنان پناه نگیرید.

یکبار دیگر تمام بحث های بوجود آمده میان برادرانم نیسی و طالب الحق با خواهر عزیزم حاجی زاده را بخوانید و باز بخوانید و بخوانید تا شاید بفهمید که که موضوع این است که آیا هویتی قومی (مثلا عربی) به تنهایی می تواند سبب تفاخر باشد و یا اینکه هویت اسلام است که به هر هویت دیگر (افغانی ترکی عربی و.....) رنگ و بوی تازه می دهد و در واقع آنچه که ما از بحث های دوستان آموختیم این است که تنها هویت اسلام است که می تواند امتیاز بشمار رود و دیگر هویت ها اگرچه در جای خود محترم هستند ولی از آنجایی که فرد در اکتساب آنها نقشی نداشته است نمی تواند اسباب تفاخر باشد.

ظاهرا شما داستان مکتب ایرانی سردار گرانقدر اسلامتان را نمی دانید و یا شاید افاضات مطول ایشان درباره پیامبر خدا نوح را نشنیده اید.

ما خرسند خواهیم شد اگر به ما بگویید فرهنگ فارسی مورد نظرتان را در کدام کنیسه خواهیدساخت و زبان چون شکر فارسی‌تان را با کدام الفبا خواهید نوشت.

از دوستان دیگر هم می خواهم با توجه به سابقه تفرقه افکنی و دیدگاه های منحط جناب یه دانشجو از پاسخ دادن به ایشان اجتناب کنند زیرا ظاهرا ایشان چند وقتی است درس های دانشگاه (کدوم دانشگاه) را نخوانده اند لذا اجازه دهید ایشان درس هایشان را مرور کنند.

حاجی زاده

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:32 AM

آقای بی نام

خداوند زبان عربی را برای ارسال پیامش، از شما وام نگرفت، بلکه این زبان را همراه با پیامش به انسانها هدیه داد.

احتمالا معنی نهفته در این جمله را هرگز درک نخواهید کرد.

در جواب کامنتتان هم چیزی جز افسوس ندارم.

آقای طالب الحق، اگر روزی روح اسلام و در درجه بعد بنیان اندیشی را لمس کردید، این شما خواهید بود که در کمال شرمساری حرفهایتان را پس خواهید گرفت.

حاجی زاده

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:49 AM

آقای بی نام

ضمنا منتظر ادامه مقالات اسلام و شمشیر باشید، آنجا مقالاتی قرائت خواهید کرد که حکم غربالگر عرب مومن از عرب نژادپرست خواهد بود و به تمام این تفاخرات نقطه پایان خواهد گذارد. البته اگر بصیرتی مانده باشد.

هَاأَنتُمْ هَؤُلَاء تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَمِنکُم مَّن یَبْخَلُ وَمَن یَبْخَلْ فَإِنَّمَا یَبْخَلُ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِیُّ وَأَنتُمُ الْفُقَرَاء وَإِن تَتَوَلَّوْا یَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَیْرَکُمْ ثُمَّ لَا یَکُونُوا أَمْثَالَکُمْ

شما همان مردمی هستید که برای انفاق در راه خدا فرا خوانده شده‌اید پس برخی از شما بخل می‌ورزند و هر کس بخل ورزد تنها به زیان خود بخل ورزیده و خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید و اگر روی برتابید *خدا جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود*(محمد۳۸)

مهران حقیقت

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 1:08 PM

رئیس موزه بریتانیا در سخنرانی خود که پیرامون تاریخچه "منشور کوروش " بود، حکومت کوروش را "بزرگترین امپراطوری جهان " و فتح بابل و منشور کوروش را "پیروزی امپراطوری هخامنشی " و "فرازی از تاریخ یهودیان " توصیف کرد و این منشور را یک "میراث همگانی " و "متعلق به همه انسان‌ها " دانست.

"گریگور " همچنین از اینکه سفیر بریتانیا در این مراسم حضور یافته بود، ابراز خوشحالی کرد و آن‌را حاکی از آغاز روابط دوستانه ایران و انگلیس دانست و در پایان نیز ایران را "کشور کوروش کبیر " دانست.

* پس از پایان سخنرانی رئیس موزه بریتانیا، وی به همراه مترجم خود از مقابل احمدی‌نژاد و همراهانش عبور کرد که احمدی‌نژاد نیم‌خیز و مشایی و بقایی به طور کامل از جایشان بلند شدند.

به گفته رئیس موزه بریتانیا دقت کنید:منشور کورش فرازی از تاریخ یهودیان است.

http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=119554

حاجی زاده

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 1:13 PM

آیا هویتی قومی (مثلا عربی) به تنهایی می تواند سبب تفاخر باشد و یا اینکه هویت اسلام است که به هر هویت دیگر (افغانی ترکی عربی و.....) رنگ و بوی تازه می دهد و در واقع آنچه که ما از بحث های دوستان آموختیم این است که تنها هویت اسلام است که می تواند امتیاز بشمار رود و دیگر هویت ها اگرچه در جای خود محترم هستند ولی از آنجایی که فرد در اکتساب آنها نقشی نداشته است نمی تواند اسباب تفاخر باشد.

این چکیده ی مجموع کامنتهای من است، وگرنه من منکر وجود اعراب در دنیای اسلام و کشورمان نیستم.

آقای سلامات، شما یک مسلمان روشنفکر برآمده از جامعه ی عرب هستید. آشنائی با انسانهای وارسته و آگاهی چون شما، موجبات شوق و شعف قلبی است.

می بینید، تبار، اهمیتش را در نظر یک مومنی که به حقیقت رسیده است، از دست می دهد.

بی نام

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:23 PM

سرکار خانم حاجی زاد ه- سلام علیکم ورحمه خدا بر شما

از اینکه برای بنده افسوس می خورید زیاد خرسند نیستم چون فکر می کنم موجب صدمه برخود وشما شده ام که حس خواهریتان شما را وادار به افسوس ودریغ در مورد بنده نموده.

خواهر بسیار عزیزم فقط برای اینکه شما را از این حالت نگرانی خارج کنم بگویم که مگر بنده جز فخر ایمانی چیز دیگری بیان کردم؟من که از باب منیت وارد نشدم انبساط روحی بنده ودوستان عرب به فضل ودهش الهی است. که از خزران نبودیم از جهود نبودیم و...که با آموختن زبان عرب. عرب زبان شده باشیم.ما از تبار عربیم واین همه لطف و کرم خدا در حق ماست .شاکریم وخاضع که مورد عنایت ایشان قرار گرفتیم و ما را وام دار فضل خود نموده نه خود را وام دار ما.

محض آگاهی دوستان کمی هم از محاسن نسب گرایی باید عرض کنم که تاریخ اعراب خوزستان چون دیگر اقوام عرب بر عامل شرف استوار است هرچند این تاریخ به طور کلاسیک مکتوب نیست لکن چنان روشن است که اگر آقای نیسی یا طالب الحق سه پشت معاصر خود را نام ببرد بنده غریبه به این دوستان می توانم تا چند ده پشت ایشان را نام ببرم.این عجیب است ولی خواهرم حقیقت است مطلبی است که شما در هیچ قوم وقبیله ای نمی بینید.جنگ هایمان پیمانهایمان دوستی ودشمنی هایمان پیروزیها وشکست هایمان و بلایای طبیعی وارده بر ما ومهاجرتهایمان وحتی تاریخ ورود پدران مان به نجد خالی از تمدن اگر به تحقیق روشن نباشد به تقریب قریب به یقین بر اساس همین اعتقاد به نگهداشت ارزش ها و ضد ارزش های منتسب به قوم وقبیله روشن است .اما می دانید ما برای داشتن این اندوخته مورد تحقیر حسد ورزانه قرار گرفته ایم .ومتهم به نژاد پرستی هستیم در حالی که این وابسته به همان شرف عربی وجزئی لاینفک از صراط منتخب قومی است که باز گو کننده تاریخش وارزشهایش وضد ارزشهایش نیز هست .

"یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقیکم ..."که حقیقت همین است که قرآن می فرماید ولا غیر.

محمد اوجال اولوتورک

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:50 PM

آقای "یه دانشجو"ی یهودی

پیش از این هم همین لاطائلات را در کامنتی مرتبط با بنده بلغور کرده بودید، از من و دیگران هم جواب لازم را دریافت کرده و نهایتا هم، با هراس از افتادن نقاب مسلمانی ای که به چهره دارید و آشکار شدن یهودی بودنتان، برای مدتی از دیده ها پنهان شده بودید. و الان هم برای ادامه همان ماموریتتان که همانا ایجاد تفرقه در میان "مسلمانان بنیان اندیش" است، دوباره ظاهر شده اید! «با همان شگرد شناخته ی یهودیان که در دروغ خویش خلقی را شریک می کنند و شاهد می گیرند تا جدال با دروغ شان دشوار شود».

به قول استاد: شوبات شاد!

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 3:57 PM

سلام!

آهان! زکی! نترکی!

ایمیل منو هک کردی، چی گیرت اومد الاغ؟ فکر کردی گاوصندوق رو زدی؟ دیدی فقط وقتت رو تلف کردی؟! آخه شماها چرا این قدر الاغید، هان؟ آخه چرا؟ خدایا، یقه ما رو از این جماعت حمار باز پس بگیر همون طور که ایمیلمون رو پس دادی! خدایا، اون دنیا از دست خودت بهت شکایت می کنم ها! از حالا گفته باشم!

همون طور که احتمالا نفهمیدی، اون ایمیل مشترک بوده! چند نفر دارن از اون استفاده می کنند! احتمالا اون ایمیل رو دیدی که پسورد جدیدش رو به چند نفر فرستاده بودم! این هم تاریخش:

Tue, August 31, 2010 9:07:14 PM

new pass

. salam

: new pass

******

خواستی رمزشو بهت بدم تو هم استفاده کن! مقالات علمی خوبی ارسال می شه و خیلی مطالب مفید دیگه که اگر سواط! داشته باشی می تونه برات مفید باشه اگر چه تو رو باید در چراگاه ها با خران پا شکسته مشترک کرد که یونجه کافی بهت برسه!

خاک تو گور پدرت که آبروی هکرهای واقعی رو بردی، حیف نون. کنیسه چه قدر بدبخته که فکر می کنه زیر بال و پر تو هستش و هنوز نفهمیده که زیر سم تو داره از بالا مدفوع الاغ تو سرش می ریزه! کمثل الحمار، که کمثل الحمار.

حالا اگر خواستی، ایمیلت رو بگو تا بفهمی هک یعنی چی. نگاه کن ببین که این 206 چه قدر زود به زود ایمیلش رو عوض می کنه؟ تو به اندازه اون هم شعور نداری، فلک زده.حیف نون که حیف نون. یه کم از داداشت یاد بگیر اگر چه شما ها با خودتون هم درگیرین.

راستی چرا ایمیل هایی که از این 206 نکبت اومده بود رو پاک کردی؟!! قضیه از چه قراره؟! نکنه تو خودت همون 206 باشی؟! پشیمونی که فرستادی؟ خوب من بعد دیگه نفرست! مجبوری یا خود آزاری داری؟!!

حاجی زاده

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:35 PM



آقای بی نام

بیشتر مایل بودم این گفتگوی دو نفره از طریق ایمیل باشد، ولی متاسفانه آدرستان را ندارم.

خاطرتان هست وقتی وارد حق و صبر شدم، مدت کوتاهی از فاجعه خرداد ۸۵ آذربایجان گذشته بود؟ من بعنوان یک آذربایجانی،احساس و غرورم بابت آن جفائی که حکومت شوونیستی در حق ملتی که در انقلاب و پا گرفتن این حکومت سهم عمده ای داشت، روا داشته بود، جریحه دار بود.

تمام مسائل پیرامونم را از دریچه تنگ مظالمی که در حقمان و نسبت به زبان و فرهنگمان شده بود می دیدم، مدام در توجیه توجه خاص ام به ملیتم، به آیه ی "یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقیکم ..." استناد می کردم، آراز بیلگین خاطرتان هست؟ مزدوری بود که در کسوت خیرخواه و سرباز آذربایجان ظاهر شد، اما دست آخر زمانی که گمان میکرد وجهه ی مثبتی بین ما پیدا کرده، نیت حقیقی اش را آشکار ساخت و به قرآن و بنیان اندیشی تاخت، همان موقع من از او بریدم و قرآن و بنیان اندیشی را به دغدغه های ملی و هویت ام (!) ترجیح دادم، آن آگاهی که منتج به این انتخاب درست شد را استاد، شما، آقای غفوری و م.ستاره به من داده بود،در خلال مباحث مطولی نظیر آنچه که الآن در ستون نظرات جریان دارد، آموخته بودم که مشکلات قومی و هویتی ما ریشه ای عمیقتر و اساسی تر از وجود یک حکومت فارس گرا دارد. مشرکان با توسل به انواع و اشکال دسیسه ها و توطئه ها، بخاطر مسلمان بودنمان با ما سرستیز دارد، نه بخاطر فرهنگ و زبان عربی، افغانی، چچنی، بوسنیای، اویغوری و...، اگر عرب، مسلمان نبود، به همین ترتیب افغانستان و چچن و بوسنی و...،مشرکان کاری به این ملتها نداشتند.

"یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقیکم ..." طبق این آیه انشعابات قومی قبیله ای تنها برای باز شناختن است نه تفاخر و توجه و تعصب؛ شناسه است نه هویت.

برادرم غفوری یک مثال قرآنی در این خصوص دارند که در اینطور مباحث معمولا عنوان میکنند، خداوند برای تبیین همین مسئله حضرت ابراهیم را مامور ذبح فرزندش در راه خداوند کرد که در راه خدا و اسلام باید از خون و نسب گذشت.

فرض کنید مسلمانان پیروز شدند، و در جهان، جامعه اسلامی و قرآنی پیاده شد، آیا در آن جامعه، اینبار اعراب بعلت سبقت در ایمان یا تکلم به زبان منتخب الهی یا فرهنگ و معیشتشان، جنگ ها، پیمانها، دوستی و دشمنی ها، پیروزیها و شکست ها و بلایای طبیعی وارده ، بر گرده سایر مسلمانان سوار شده و ادعای برتری خواهند کرد!؟ آیا هر ملت مسلمانی شروع به چرتکه انداختن و کشمکش در خصوص

سوابقشان برای تعیین ارباب و رئیس و برتریت خواهند کرد!!؟ تازه مسلمانان دون همه خواهند بود؟ حتی اگر باتقواتر باشند؟ تکلیف این آیه چه خواهد شد:« وان اکرمکم عندالله اتقاکم»؟ بله! تکلیف چنین مقولاتی، لااقل باید بین مسلمانان بنیان اندیش روشن شود.

من چیزی از تبارشناسی نمی دانم و علاقه ای هم بدان ندارم، تنها قصد من بیان این نکته است که برای یک مومن حقیقت جو، نباید عرب زبان بودن یا عرب تبار بودن اهمیتی داشته باشد.

ضمنا عقیده ی آقای نیسی(هیچ ملتی چه در شرق عالم و چه در غرب عالم به اندازه اعراب سزاوار تقدیر و تکریم بابت برتری هویت و فرهنگ آن نیست) تکبر و نژادپرستی محض است نه اعتراف خاضعانه به نعمت خدا، اسباب برتری طلبی و تفاخر است، نه شکر مومنانه.

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ

سعید

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:42 PM

یادمان علامه عسکری در قم برگزار می‌شود

خبرگزاری فارس: مراسم سومین سالگرد ارتحال مروج مکتب اهل‌بیت (ع)، علامه سیّد مرتضی عسکری (ره) با حضور علما، فضلا، اساتید و طلاب در قم برگزار می‌شود.

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8906220033

سیما

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:56 PM

واقعا کشتین خودتونو با این بحثهاب بی سرانجام قومی. بسه دیگه. اصلا جایی واسه نظر دادن باقی نزاشتین. مگه اینجا چت رومه؟؟

پاسخ:

سیما خانم. اگر درگیری کنونی در مقیاس ستون کامنت این وبلاگ را، عملا به میان اقوام منتقل کنید، آن گاه خدا را شکر خواهیم کرد که فاصله بین دو انفجار در مساجد مسلمانان این همه به درازا می کشد.

سعید

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:26 PM

گنبد مسجد امام اصفهان نامتوازن شده است

به گزارش خبرنگار مهر، در حالی که چندی پیش خبر باد کردن کاشیکاری های مناره مسجد امام اصفهان و خطر تخریب گنبد فیروزه ای آن باعث نگرانی بسیاری از دوستداران میراث فرهنگی اصفهان در ایران و جهان شد بررسیهای جدید حاکی از آن است که تنها بحث تخریب کاشیهای گنبد مسجد امام اصفهان مطرح نیست بلکه گنبد این مسجد درحال از هم پاشیدن است.

http://mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1149924

گذشت زمان چه رسوا کننده است

مسعود سنجری

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 7:56 PM

برادر بزرگ استاد پورپیرار

دوستان عزیز

سلام الله علیکم

امیدوارم بتوانم با این یادداشت به بحث و جدل پیش آمده خاتمه بدهم. قبل از هر چیز باید یادآوری کرد که دو یادداشت اخیر استاد پورپیرار از

جمله بهترین و مهمترین مطالب این بررسی ها هستند و تا زمانیکه کامنت خانم حاجی زاده در بخش نظرات نصب نشده بود فضای وبلاگ در جهت استفاده از مطالب استاد بود. اینجانب قبل از هر کسی به یادداشت ایشان اعتراض کردم و همان دو یادداشت خود را کافی می دانم. جالب اینکه ایشان در ابتدا فرمودند که قصد مطایبه داشته اند اما الآن می فرمایند که از قبل هم می دانستم که ....

در هر حال تا زمانیکه برادر عزیزم محمد اوجال اولوتورک با دقت سعی در جلوگیری از ادامه بحث داشتند نیازی به نصب کامنت نمی دیدم و وقت خود را صرف آماده کردن ترجمه یادداشت شماره یک قلم کردم. اما متاسفانه در زمانیکه این بحث در حال فروکش کردن است فردی با اسامی مختلف کامنتهایی برای شعله ور نگهداشتن و ادامه این بحث و جدل می نویسد. لذا لازم است تا بنحوی در پایان دادن به این جدل و تمرکز بر مطالب سرنوشت ساز استاد تلاش نمائیم.

بهرشکل در سجال کلامی که پیش آمد برادران عزیز مهندس نیسی و طالب الحق از هویت و قومیت عربی با ذکر دلایل صحیح دفاع کردند اما به قومیت دیگران اهانت نکردند ولی از طرفی شاهدیم که خانم حاجی زاده و آقای سعید و برخی دیگر مفاهیم قرآنی و اسلامی و سیاسی و ملی را برای هتاکی و تحقیر دیگران بکار می برند و انگار که خود را قاضی دادگاه تصور کرده باشند دست به استجواب و صدور حکم و تکفیر این و آن و خصوصا اعراب می زنند.

از همه اجازه می خواهم تا بپرسم آیا دلایل و مستندات محکم استاد در خصوص ساخت کشور ایران توسط روسها را پذیرفته ایم؟

اگر پاسخ مثبت است آنگاه با پذیرفتن این موضوع سئوالی مطرح می شود و آن اینکه

آیا حکومت تزارها برای رشد و گسترش اسلام دست به ساخت و تجهیز این کشور زدند؟

همینطور از جناب آقای سعید که مسائل سیاسی را مطرح می فرمایند دعوت می کنم تا به مصاحبه روزنامه جامعه با والری ژیسکاردستن (که در زمان وقوع انقلاب وزیر خارجه فرانسه بود)در ایام آغازین دوره اول ریاست جمهوری آقای خاتمی نگاهی بیاندازند (روزنامه جامعه بلافاصله در روز بعد از نشر این مقاله تعطیل شد!)

اما بعد ... کشوری که در آن زندگی می کنیم براساس توافق بین مردم آن تشکیل نشده بلکه برمبنای هیمنه و غلبه گروهی بر دیگران شکل گرفته است. باعث تاسف اینکه این هیمنه و غلبه با کمک بیگانگان و برمبنای تامین مصالح آنان تحقق یافته. برای بقا و سربلندی این کشور باید مبانی تاسیس آن از حالت غیرتوافقی فعلی بهر طریق به حالتی توافقی تحول پیدا کند یعنی راه بقا در توافق بین تمام گروههای موجود است. قدم اول در این راه قبول طرف دیگر است و اینکه بپذیریم که با هم تفاوت داریم ولی حق و حقوق یکسانی داریم که این امر یک تعارف نیست که با مجاملات بتوان به آن دست یافت.

نمونه این موضوع حوادث جاری کشور ترکیه است که نحوه تشکیل و تاسیس آن با ایران یکسان است ولی ترکها با هوش ذاتی که دارند برای سلامت جستن از طوفانی که قریب الوقوع است و برای بقای کشورشان تغییر در مبانی آنرا آغاز کرده اند و انتخابات اخیر با هدف رسیدن به یک نظام توافقی صورت می گیرد که بزرگترین ضربه به جدایی خواهان و هیمنه طلبان است.

اما در مقابل در اینجا عده ای با لجن پراکنی و هتاکی سعی در اسکات دیگران می کنند که این کار محدود به قومیت خاصی نخواهد شد و همه را در بر خواهد گرفت. آنچه در ورزشگاه آزادی علیه تیم تراکتور سازی صورت گرفت نشانه از این بنیان متعفن و نفرت انگیز دارد که مانع از هرگونه استقرار در این کشور است.

در پایان از دوستان تقاضا دارم تا در هیچ جدلی از آیات قرآن استفاده نکنند. از برادرم مهندس نیسی تقاضا دارم تا هرچه سریعتر ترجمه کلیپ استثنایی آقای طالب حقیقت را کامل کنند و همچنین از برادر گرامی طالب الحق هم خواهش می کنم تا ترجمه یادداشتهای قلم را ادامه دهند. انشاالله بتوانیم بر روی یادداشتهای اخیر استاد تمرکز کنیم.

والسلام علیکم

فی امان الله

پاسخ:

آقای سنجری. ادامه این گفت و گوهای آزاد، در بطن خود معلوم کرد ستیز میان اقوام این منطقه تا چه میزان بادکنکی و بی مورد است و فی الواقع حالا که می دانیم همگی در تروپ سیزده به دری عضویم که در این اواخر، در این جا و آن جای این سبزه زار سفره قصه های خود را پهن کرده ایم و به همین دلیل کسی نتوانست به روشنی بیان کند چه چیز، به چه مقدار، از چه کسانی و با ارائه چه سندی طلب تاریخی و قومی دارد. حالا که ظاهرا همگی خیال دارند دست از شلیک بردارند و دنبال میانجی برای آشتی می گردند، برای پر کردن اوقات فراغت بعدی پیشنهاد دارم به دنبال آن تحولی بگردید که احتمالا می تواند موجب بازگشت وحدت مسلمین شود. به زبان ساده کدام دگرگونی در بازخوانی تاریخ اسلام می تواند آن جامعه یکپارچه اسلامی را که قبل از تفرقه برنامه ریزی شده موجود برقرار بود، بازآفرینی کند؟ بسم الله

مجیدنصراصفهانی

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 8:48 PM



باسلام خدمت برادر گرامی اقای بی نام

اگر خداعمری دهد شعبه(۲) جبهه خلق قهرمان ودمکرات عرب رابه حول قوه الهی احداث می کنیم تا برگی زرین باشد برافتخارات جهان اسلام شایدهم مدخلی باشدبرای تشکیل حکومت عربستان ایران ......

فقط رنگ پرچمش رابابد مدیران شبکه الجزیره عربی تایید کند

ارم ان را شبکه العربیه خداوند خحلق دمکرات قهرمان عربی را بپاید

؟؟

--

برادر گرامی اگر زمانی یک عرب باهر عقیده ای از ترشی ماست عشیره خود صحبت کرد بیقین خورشید ما عاشق بهرام شده است.

دوست من برتریت عشیره های عرب رابنده خوب می شناسم

از مهمان نوازی این خلق عرب که ادم راخجالت زده می کنند

قانون مداریشان نگو که گویا مهد تمدن بشری هستی اجرای قوانین حکومتی که جمعه بازاریست ؟

کاش از ماجراهای قتل های ناموس درعربستان ایران (بوشهر بندرعباس ....) خبرداشتی یالاقاقل ازدخترکشی های پدران دلسوز عرب مطلبی درج می کردی ......

این فقط مدنیت عرب ایران است

قصد توهین نداشتم ....دشمنی هم باقوم عرب نداریم

گفتی ده جدت رامی شناسی خوب افتخار کردی خوب مدال طلای انسانیت برگردنت سنگینی کرد.

قول استاد شهبازی : تنها اقوامی که دارای شناسنامه فرهنگی تاریخی مشخص دارند ؟ پارسیان هند(زرسالاران پارسی)

یهودیان ملعون اند(زرسالاری یهودی)

بندهم داری شجره نامه مشخص وغیره هستم وغیره که شاید سرهنگ زاهدی ها مثله بنده پیوند خانوادگی محکم نداشتند

خاندای که بیشترین خدمات فرهنگی رابه دیر اصفهان کردند البته پنهه خانوادگی من درچند فامیل منحصرنشده

اینها چه نفعی برای بنده دارد ؟

نمی دانم پوند خانوادگی برای بنده دراخرت جز تو توشه اعمال صالح   است؟ نه برادر کشک باد نجان هم نیست

****

بقول ابن خلدون عصبیت قومی درجهان عرب سبب تکمیل جوامع توده ای عرب شده است

چه رنجی می برد عصبیت عربی درسودان

بهرحال هرسخصی نه باید از پارس زبان بودن یاعرب زبان بودنش

خفت بکشد نه به پارس زبان بودن عرب زبان و اذری بودنش

افتخارافراطی داشته باشد ؟ مانمی گیم عب رنج کشیده نیست ولی رنج کشیدگی عرب پیرهن عثمان نشود

یک دزد دزد است چه فارس باشد چه اذری باشد چه عرب

یافارس بودن سبب دزد شدن یا دزد نشدن کسی نمی شود

برتریت بشری همان طور که خداوند باریتعالی متذکر شده است علم وتقوای انسانی است ونیز

عدم برابر کسی که بداند وایمان بیاورد وعمل صالح انجام بدهد با کسی که نداند ایمان نیاورد وعمل صالح انجام ندهد وسلام

++++++++++++++++++++++++++++++++++++

خانم حاجی زاده بیخیال این ماجراشویدکه قصه حامد برایتان تکرار می شود

پاسخ:

آقای اصفهانی. دنبال یک سرگشته کامل در این ماجرا می گشتم که شما با این کامنت خود را معرفی کردید!

مسعود سنجری

دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:08 PM



برادر گرانقدر استاد پورپیرار

سلام علیکم

امیدوارم خطاب شما فقط به اینجانب نباشد . شخصا قصد بازآفرینی چیزی را ندارم و فقط می خواهم رضایت خداوند بدست آورم. شما در پیامتان در انتهای مستند مجعولات مجلل راه تحول را نشان دادید. من هم انشالله در این مسیر هستم.

والسلام علیکم

فی امان الله

بی نام
دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:13 PM

جناب آقای نصر اصفهانی با سلام

شما اهل جی هستید .نه؟

اکبر
دوشنبه 22 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:57 PM

کتاب رسید میخواهم با دقت بخوانم , این منشور کورش اصل یا قلابی است ؟ هیچ آدم رئوفی بسرزمین دیگران حمله نمیکند !!

بی نام
سه شنبه 23 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:11 AM

استاد عریر جناب اقای پور پیرار سلاک علیکم -خسته نباشید

بنده در کامنت ورودی ام به بحث اعلام کردم که این بحث بی نتیجه است وقصد وسط گیری معرکه وتمام کردن آن داشتم هرچند که دوستان عرب بنده در ارائه نظرات خود از اصول بنیان اندیشی خارج نشده بودند ولی چه حجت که موهبت طرفی تریج قبای بی ارزش طرف دیگر را به تلنگری عمیق خدشه دار نمود به طوری که در کامنت ان سرگشته بی نزاکت مفتخر به شهبازی ژرنالیست اهل جی بعد از آن همه توهین بر خاسته از سر غفلت به هم نیازی مسجد و آب ریزگاه منزلت مسجد را به فروگاهی وپستی آبریزگاه تعمیم دادخاموشی بهترین جواب به قلنبه اندازی می تواند باشد که انبار داری ککه آبرومندترین داریی وارث پدران مظبوط در شجرنامه فرهنگیش است وبی شک از سر طغیان وغرور ارث رسیده است که چنین در خزانه باز نموده وبی مهابا ککه پراکنی می کند.بحث در باره بی ارزشی ها را کم کنم وهمانطور که فرمودید دیگر بحثی در این مورد نخواهید شنید جواب سوال شما همین حضور ما در این وبلاگ است .ما قطعا" به دنبال این گم گشته به نام وحدت اسلامی بودیم که در این جا رحل اقامت گزیدیم وگر نبودآرزوی جاری وملموس کردن این پارادایم ما راکاری با کورش وقومش نبود ما را ستیزی با ورد خوانان صراط عباس قمی و تفسیر نویسان یهودی جی نبودوقران چون دیگران می خواندیم وترجمه می کردیم و تفسیر جاری می کردیم واین همه زحمت تبلیغ وتن به ضرب مارک های جور وا جور وهابی و مرتد و وطن فروش و... نمی دادیم.استاد عزیز ما مصدر این تحول رایافته وتحول را آغازیده ایم .بی شک عدولی از اصول یافتید که توجهی دادید. اگر بی توجهی شد ما را عفو بفرمایید.

واما استاد کلامی است که اگر نگویم شاید موجب غم باد شود وآن اینکه خانم حاجی زاده وجودخود را به خوبی به عنوان یک بنیان اندیش در پس فراز ونشیب اتفاقات چند سال اخیر ثابت کرده وهیچ کس حق ندارد ایشان را به موجود بی معرفتی چون حامددر یک ردیف ویک مسیر حتی به احتمال وامکان ببیند.ممکن است با ایشان برای تبیین بعضی مسائل بحث وتبادل نظر شود وگاه از کلمات کم نشاط استفاده کنیم ولی مطمئنم که از یکدیگر دلگیر نخواهیم شد به هر حال در مسیر چند ساله حضور که چنین بوده.

محمد اوجال اولوتورک
سه شنبه 23 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:03 AM

استاد

با سلام و عرض ارادت

به نظر من جواب سوالی که مطرح فرموده اید به طور مختصر و مفید در قرآن قویم مضبوط است:

« وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَميعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَاَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِه اِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلى شَفَا حُفْرَةٍ

مِنَ النَّار فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذٰلِکَ يُبَيِّنُ اللهُ لَكُمْ آيَاتِه لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ اِلَی الْخَيْر وَيَأْمُرُونَ بالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَن الْمُنْكَر وَأُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. وَلَا تَكُونُوا كَالَّذينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولٰئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظيمٌ. » (آل عیمران، 103، 104 ، 105)

پاسخ:

آقای اوجال اولوترک. نصایح قرآن به واقع هم منجز و مفیدترین بیان در هدایت انسان است، اما این جا سخن از نحوه عمل در مسیر برقراری وحدت میان مسلمانان است. مثلا باید گمان کنیم ناگهان خطیبان اهل سنت اعلام خواهند کرد ماجرای سقیفه با راه حق منطبق نبوده و به عنوان جریمه وضو گرفتن و مهر نهادن و دست باز نماز خواندن را به سیاق شیعیان می پذیرند و یا شیعیان حق سیاسی و خانوادگی امام علی را

ندیده می گیرند؟ سئوال در باب نحوه آن تحول منجر به صلح و تحمل یکدیگر و برقراری وحدت است و می خواهم بگویم اجزاء این تفرقه چنان از هم پاشیده است که به نظر مرمت نشدنی می آید.

محمدرضا نیسی

سه شنبه 23 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:20 AM


سلام‌علیکم

برادران بزرگوارم جنابان بی‌نام، سنجری، سلامات و طالب الحق

من در همه کامنت‌های اخیرم سعی وافری در تبیین این نکته داشتم که تفکیکی بین عرب بودن و مسلمان بودن قائل نیستم و اصولا اکنون نیز با تمام جعلیات و تحریفات موجود کمتر عربی را پیدا می‌کنید که این تفکیک را قائل شود مگر اینکه در خط دیگری حرکت کند.

می‌بینید که مأمورانی همچون نصر حامد أبوزید که موذیان به قرآن ضربه می‌زنند چکونه توسط اعراب طرد می‌شوند که حتی 20 نفر هم در مجلس ترحیم‌شان شرکت نمی‌کنند.

من به تفصیل و بدون توهین به هیچ کس و یا گروه دیگری دلایل برتری هویت عربی-اسلامی را برمی‌شمرم و آنرا مایه تعظیم و تکریم می‌دانم. مقاومت بی‌نظیر اعراب در مقابل لشکریان تا بن دندان مسلح کلیسا و کنیسه را أسوه می‌دانم. تکریم و تعظیم نویسنده معروف در برابر ملت سربلند فلسطین را مایه افتخار می‌دانم و دلیل آن را اسلام برمی‌شمرم ولی باز سرکار خانم حاجی‌زاده گرامی با صغری-کبری کردن و قیچی کردن مطالبم و کاراگاه‌بازی و متأسفانه با بکار بردن عبارات نامناسبی مانند "تراوشات ذهنی و عقیدتی" تهمت قوم‌گرائی می‌زند.

سرور گرامی جناب آقای بی‌نام

به درستی می‌فرمائید که عرب‌ستیزی در وجود بسیاری رسوخ ژنتیکی کرده و تا نام عرب را می‌شنوند با انواع تعبیرها مانند عرب‌زبان سعی در استخفاف دارند.

تمدن واقعی عرب بر اساس آنچه استاد تبیین کرده همان فرهنگ و تمدن اسلامی است و به دلیل اینکه جعلی نیست و با اسلام عجین شده چنین مورد هجوم بی‌رحمانه قرار گرفته است. از شما می‌خواهم برای مقایسه، بررسی‌های خود را درباره برخی از اقوام ساکن در افغانستان کنونی را منتشر کنید تا دوستان ما علاوه بر موارد پیش گفته بتوانند بهتر متوجه گفته‌های ما شوند که از چه منظری به قضایا

نگاه می‌کنیم.

برادر عزیزم جناب آقای سنجری

بررسی‌های دقیق شما درباره نقش بسیار پیچیده روس‌ها و یهودان روسیه در ترتیبات و جعلیات منطقه ما بسیار عمیق و محل اهتمام بیشتر است که زوایای پنهان دیگری از تحقیقات ارزشمند استاد عزیز را برای بنیان‌اندیشان روشن می‌کند.

چندی پیش جناب آقای بی‌نام از نقش ویژه روس‌ها و یهودان این منطقه در شکلگیری اسرائیل برایم می‌گفت که با مطالبی که شما زحمت آنرا کشیده‌اید موضوع بیشتر واضح می‌گردد.

سعی شما در نمایان بیشتر نظرات جناب آقای پورپیرار در نقش روس‌ها در برکشیدن کشوری به نام ایران موضوع را روشن‌تر می‌کند و پرداختن به تمدن اسلامی در آندلس و معلومات مفیدی که از آن منطقه ارائه کردید، کم‌کم پازل پروژه‌های ضداسلامی یهود را برایمان روشن‌تر می‌کند.

امروز هم باید به کارهای باستان‌شناسان!!! آمریکائی در یمن دقیق شد که به چه دلیل و پی از 1-2 قرن تمسخر و تحقیر اعراب، به کشفیات و ساخت فیلم‌های مستند از عظمت تمدن اعراب روی آورده‌اند.

مطمئن باشید شیادی دیگری در سر دارند و به دنبال جعلیات جدیدی برای وارد کردن ضربات جدیدی بر پیکره اسلام و اعراب هستند و چه خوب می‌شد اگر کسی زودتر از اینان به کار می‌پرداخت.

...

طالب الحق

سه شنبه 23 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:22 AM



استاد تا حالا کسی کلیپ ها را زیر نویس عربی کرده؟؟

پاسخ:

آقای طالب الحق. تا آن جا که می دانم کلیپ طوفان نوح زیر نویس عربی دارد.

محمدرضا نیسی

سه شنبه 23 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:34 AM



...

برادر ارجمند جناب آقای سلامات

مطلب منطقی و مستدل شما به قوم‌پرستی جناب یه دانشجو که با همان روش‌های تفرقه‌افکنانه باستان‌پرستان و در لوای کلمات به ظاهر منطقی مانند "خرده فرهنگ" و ... اکثریت جامعه ایران را مخاطب قرار می‌دهند و به تأثیر بسیار منفی این القاب(إنشاءالله) آگاه نیستند، پاسخ دندان‌شکنی به یاوه‌گوئی‌های اینان بود که امیدوارم مؤثر باشد.

جناب طالب‌الحق

مطالبی که از گفته‌های پیشین استاد آورده‌اید استدلال گفته‌های من است که عرب به اصالت و جعلی نبودن هویت و فرهنگ خود و همچنین یکی شدن و قوام آن با تعالیم اسلام، افتخار می‌کند و تکیه اصلی من به گفته‌های استاد در این زمینه بوده است.

برادران بزرگوارم جنابان محمداوجال اولوتورک و سعید عزیز

من در گذشته نیز از بیداری و هوشیاری و ذکاوت ملت شریف تورک گفته‌ام که حکام آنان نیز بر اساس این رفتار مجبور به تغییر استراتژی شده‌اند و واقعیت‌ها و خطرات در پیش را درک کرده‌اند. حرکات دولت ترکیه بر ضد اسرائیل به ضرر منافع آنان نیست بلکه نشان از عمق قرائت استراتژیک آنان حکایت می‌کند که می‌دانند چه اتفاقات در پیش است!

ای کاش که رهبران کشور ما هم ذره‌ای از درایت را می‌داشتند و امروز شاهد رفتارهای عجیب و بعضا احمقانه و تفرقه‌افکنانه آنان مانند همین قضیه استوانه کوروش سابقا کبیر نباشیم.

من قبلا هم گفته‌ام که مدافع اعمال و رفتارهای حکام عرب نبوده و نیستم و ای کاش اینان خ.د را بیشتر به ملت‌های خویش نزدیک می‌کردند، اگرچه اخیرا حرکاتی در این جهت از آنان مضاهده می‌شود.

جناب یه‌دانشجو

تو بهتر است به زورچپانی دمکراتیک زبان ملی بپردازی و ما به ریشات خواهیم خندید.

جناب مجید نصر اصفهانی

به تو می‌گویم که این همه خودت را به درودیوار نزن. حداقل به گفته‌های استاد عزیز توجه کن و دست از این سرگشتگی کامل بردار!

من که عرب هستم دم از خزعبلات موجود خیالی به نام اِبن‌خلدون نمی‌زنم بعد تو ....

واقعا که! باز هم به تو می‌گویم برو مباحث استاد را با تعمق و دقت بیشتر بخوان و اهتمام خود را مصروف نشر آثار بکن البته پس از تعمق در آن.

***

سه شنبه 23 شهریور ماه سال 1389 ساعت 03:38 AM



جناب یه دانشجو امیدوارم شوخی کرده باشی و نوشته ات طعنه ای بیش نباشه.

آیدین قشقایی

سه شنبه 23 شهریور ماه سال 1389 ساعت 10:47 AM

سلام به دوستان

دوستان

مدتی است مباحث وبلاگ از مسیر اصلی خود خارج و به بیراهه کشیده شده و بجای اینکه به دانشمان در مورد تاریخ ایران و اسلام بیافزاید وقت و انرژی مان را به هدر می دهد.

دوستان بنیان اندیش

هر چیزی که محیط به انسان می دهد (زبان، دین، نژاد ووو) هیچ مبنای برتری انسانی به انسان دیگر نیستند چون به قول قرآن کریم:

"خلقکم من نفس واحده"

ما در اینجا گرد آمده ایم تا از نگاهی نو به تاریخ ایران و اسلام نگاه کنیم و به این منظور چون ابراهیم خلیل باید تعصبات گله ای خود را قربانی کنیم تا بزرگ شویم.

پس بیایید این مباحث گله ای را کنار بگذاریم و فقط نگاهمان را متوجه مباحث بنیان اندیشی کنیم.

عباس سلامات

سه شنبه 23 شهریور ماه سال 1389 ساعت 12:16 PM



دوست گرامی طالب الحق

بنده این افتخار را داشته ام که علاوه بر ترجمه مستند طوفان نوح، کلیپ آقای طالب حقیقت را هم ترجمه کنم.

کلیپ آقای طالب حقیقت بعد از ترجمه آپلود هم شد که متاسفانه الان لینک آن را در اختیار ندارم. همین جا از آقای طالب حقیقت میخواهم یک بار دیگر آن لینک را به دوستان اعلام نمایند.

درباره سایر مطالب ترجمه شده به عربی نیز یادآور می شوم که خانم هیجان علاوه بر ترجمه اسلام و شمشیر(همین ترجمه ای که اینک در اختیار همه دوستان،من جمله آقای سنجری است) جلد اول دوازده قرن سکوت(برآمدن هخامنشیان) را هم به پایان رسانده اند که نسخه ای از این ترجمه در اختیار جناب پورپیرار قرار دارد همچنین ایشان تا امروز بیش از 50 فصل اول ایران شناسی بی دروغ را ترجمه کرده اند لیکن به دلایلی که برمن پوشیده است (بخوانید نیست) با انتشار عمومی ترجمه هایشان بر روی اینترنت مخالفت نموده اند

سه شنبه 23 شهریور ماه سال 1389 ساعت 1:06 PM

سلام

مطمئنا تمام اقوام مسلمان نقش مهمی را در پیشبرد اسلام در جهان داشته اند و بحث بر سر اینکه کدام قوم در این بین تلاش بیشتری داشته یا نداشته راه به جایی نمیبرد!

به قول استاد باید ببینیم چگونه میتوان دوباره وحدت مسلمانان را ایجاد کرد!

طالب حقیقت

سه شنبه 23 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:36 PM

با سلام به استاد و دوستان

آقای سلامات:

http://www.4shared.com/video/p9AqbVFR/Civilization_Signs-Arabic.html

محمد اوجال اولوتورک

سه شنبه 23 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:25 PM

استاد

به نظر بنده، جز تلاش و سعی همه جانبه و بلیغ برای اشاعه این تفکر که تنها و تنها قرآن کریم را برای «شناخت همه چیز اسلام» معیار و

مبنا و اصل قرار می دهد، و نیز، ترویج اندیشه ها و آثار شما، چه در باب تاریخ مردم خاور میانه و چه در خصوص تاریخ اسلام، راه دیگری، حداقل در این زمان، وجود ندارد.

محمد اوجال اولوتورک

سه شنبه 23 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:26 PM

برادر بسیار عزیز بنیان اندیش جناب محمد رضا نیسی

مطمئن باشید که توهین به ملت عرب، از جانب هر کس و به هر شکل که باشد، به همان اندازه که موجب ناراحتی و رنجش شما می شود، به همان میزان بنده را هم ناراحت کرده، و حتی حس «تنفر» نسبت به توهین کننده در من بر می انگیزد. اما، نه به این خاطر که مردم عرب، مردمی هستند که پیامبر دینمان از میانشان مبعوث شده، و زبانشان، زبان منتخب خدواند برای کتاب دینمان می باشد، بل تنها از این جهت که ایشان هم همچون من و سایرین، «انسان» اند.

جناب نیسی

اصلا دوست ندارم باعث کش پیداکردن بیشتر بحث شوم. فقط این را می گویم که تصور می کنم، نکته و مسئله اینجاست که اساسا (به نظر بنده البته) «تفاخر» و «احساس برتری» در هر شکل و در ارتباط با هر موضوعی مردود است. بنده حتی، «مسلمان» بودن را نیز مایه تفاخر و برتری جویی نسبت به غیرمسلمانان نمی دانم. اگر هم برتری و فضیلتی هم متصور باشد، آن را هم فقط و فقط و فقط در نزد خداوند می دانم، ولاغیر.

آنچه مورد انتقاد بنده و احتمالا برخی از دوستان است، اظهاراتی از این قبیل است:

«... ذکاوت ملت شریف تورک ...» (نقل از کامنت شما)

«... ولی ترکها با هوش ذاتی که دارند ...» (نقل از کامنت جناب آقای سنجری)

کمی روی این عبارت بیاندیشیم: هوش «ذاتی»؟!

ارادتمند

محمدرضا نیسی

چهارشنبه 24 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:24 AM

سلام‌علیکم

برادر عزیز جناب آقای محمد اوجال اولوتورک

باز هم تأکید می‌کنم این سوءتعبیری که از گفته‌هایم درباره القای بحث تفاخر و برتری ناشی از بریدن سروته مطالبم بوده و هدفم از این بحث نشان دادن هویت اسلامی، مستقل و دستکاری نشده اعراب است که مقاومت‌شان در برابر لشکریان کلیسائی-کنیسه‌ای برای همه ما افتخارآمیز است نه اینکه به شما و سایرین فخرفروشی کنم. و دیگر اینکه ما هم هویت و تمدن‌مان عربی‌ست و هم به زبان عربی تکلم می‌کنیم.

در این رفتار و هویت أسوه‌ای عملی برای همه مسلمین است که اگر بخواهند از آن الگوبرداری کنند، همین!

درباره نقل‌هائی که مطالب من و جناب آقای سنجری آورده‌اید باز هم باید خدمت‌تان بگویم یا سوءتعبیر شده یا ما از کلمات به گونه‌ای استفاده کرده‌ایم که حساسیت ایجاد کرده.

ولی با توجه به مقدم و مؤخر مطالب مطمئن باشید که قصد دیگری در کار نبوده و لازم است تکرار کنم که درایت و تحلیل مردم مسلمان ترکیه باعث شده که رهبران‌شان جهت حرکت خود را به سوی کشورهای اسلامی تغییر دهند و عمق قرائت استراتژیک رهبران ترکیه از اوضاع و احوال منطقه نیز مشهود است. و باز هم همین و لاغیر!

مسعود سنجری
چهارشنبه 24 شهریور ماه سال 1389 ساعت 01:47 AM

برادر محمد اوجال اولوتورک

خوب است که می خواهید بر روی برخی از عبارات کمی بیاندیشید. صفت هوش ذاتی که توسط اینجانب بکار رفت برای توصیف صمیماتی است که در ترکیه بر اساس تعریف داخلی و قرائت صحیح از مصالح کشور صورت گرفت.
تبعا این تغییرات حاصل فشارهای خارجی یا حتی از روی ناچاری نیست چراکه توافق صد در صد در خصوص آن بدست نیامد.

در مقابل ممکن بود برخی بدون شنیدن ندای عقل فقط وفق احساسات و خیالات خویش یا تحت تاثیر خارجی مصالح کشورشان را تعریف نمایند که تبعا نمی توان صفت هوشمندی را در این حالت بکار برد
در ضمن رابطه ای بین بکار بردن این مصطلح و تفاخر و احساس برتری نمی بینم

ارادتمند
طالب الحق
چهارشنبه 24 شهریور ماه سال 1389 ساعت 02:31 AM

خواهران وبرادران

به نظر من همه ،نظراتشان را در تأیید واعتراض به گفتار خانم حاجی زاده ارائه کردند ، پس لطفا این بحث بی خاتمه را تمام کنیم و فقط به انتشار آراء استاد بپردازیم که اصلا وقت نداریم ، نسبت به یهودیان و مزدورانشان خیلی عقب مانده ایم ، پس توکل به خدا کنیم و دوباره به مسیر اصلی برگردیم
abbas
چهارشنبه 24 شهریور ماه سال 1389 ساعت 07:37 AM

http://www.farsinet.com/vaziri/persian_proverbs_and_bible.html

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya	17	

ایران شناسی بدون دروغ، 280، نتیجه ۸۸، پلید کاران جاعل دروغ باف

ارشد

چهارشنبه 24 شهریور ماه سال 1389 ساعت 09:20 AM

با سلام خدمت استاد بزرگوار

طی مطالعه کامنت های مختلف کم وبیش در مورد داشتن یک معیار ثابت جهت اتحاد مسلمین که همان قران می باشد صحبت شده است.

درحال حاضر نیز چنین چیزی هست.یعنی تمام مسلمین در مورد قران یک صدا می باشند. ولی موضوع هنگامی مشکل ساز می شود که هرشخص یا جامعه ای از ایات برداشت متفاوتی دارند.همینطور که در این کامنت ها قابل دیدن است.

استاد شما نیز در سلسله مباحث اسلام وشمشیر نظرات و تفسیرات خود را ارائه دادید.(که حداقل برای من و افرادی را که می شناسم مطالعه نموده اند واقعا" زیبا و بجا بود.)

مثلا" در مورد پرداخت خمس در کل قران تنها یک آیه

واعلموا أنما غنمتم من شیءفأن لله خمسه و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل... » (سورۀ انفال، آیۀ41)

آورده شده است.در اینجاست که مبحث اینکه آیا غنیمت در مورد جنگ است یا هرچیز منفعت دار پیش می اید.یا مالیات باید جایگزین خمس شود و...با مراجعه به متون و کتابهای عربی غنائم دارای هر دو معنی سود جنگ و هم سود کسب کار است.البته شان نزول و .... بماند. یا حتی در مورد نماز وحج که در تمام مسلمانان از واجبات است نمی توان تنها به قران اکتفا کرد.در قران در مورد کیفیت وانجام حج یا تعداد رکعات نماز صحبتی نشده است.درمورد ارث-ازدواج-طلاق-...

پس بنظر بنده جهت ایجاد اتحاد بین مسلمانان نمی توان تنها به قران بدون علمای متخصص در معانی و مفاهیم اکتفا کرد.در نتیجه علاوه بر داشتن همان معیار ثابت که قران است باید علمای مورد تایید در تفسیر قران نیز داشته باشیم.

پاسخ:

آقای ارشد. از خودتان بپرسید چرا بدون دستور قرآنی ختنه می کنید؟! همین که معتقدید قرآن به ویراستاری علما نیاز دارد، در شمار مردمی قرار می گیرید که در آیه ۷ سوره آل عمران معرفی شده اند.

بی نام

چهارشنبه 24 شهریور ماه سال 1389 ساعت 1:22 PM

برادر بنیان اندیش جناب نیسی-سلام علیکم

قبلا به شما گفتم که مکالمات تلفنی ما در خصوص مسائل حوزه بنیان اندیشی در حد زمان کنفرانسهاست وانتقال آن نظرات به حوزه وبلاگ کمی سخت می باشد.مخلص کلام اینکه در این ارتباطات تلفنی صحبت های مختلفی شده است از جمله اینکه در آخرین تماس در باره شورای جهانی یهودیت پست در تلاش یهود یابی(بخوانید یهودی سازی)وبه بهانه یافتن اسباط گم شده از قرن هشتم قبل از میلاد بود

وعنوان کردم که به این بهانه در نقاط استراتژیک جهان به دستاوبزهایی ظاهرامنطقی و مستند به علم ژنتیک اقدام به یهودی یابی و بر داشتن تابلوی ورود ممنوع نصب شده در درب ورودی دین یهود نموده است.چرا که کثرت سرمایه و پر مایگی اندیشه هاومکاتب دست ساز سوء باقلت نفوس ناسازگار و یک نابرابری است که فقط در ازاء مقادیر و المانهای خاص قابل بر قراری و بهره برداری است.وتا زمانی که این نابرابری به یک برابری پذیرنده تمامی مقادیر تبدیل نشود دچار ضعف در عملی سازی نیایت تعریف شده ومستخرج از کابالا دینی است.لذا شورای جهانی این فرو مایگان تصمیم به پایگاه سازی در نقاط استرتژیک جهان با ادعاهای مشروع دینی برای اهرم آفرینی نموده است.وچنانچه ملاحظه می کنیم پروسه یهود سازی در افغانستان وادعای یهود بودن پشتونها موجب ظهور عوامل مخلص چون خلیل زاد و حامد کرزای و...گردیده واز طرفی وجود اقوام عرب ومسلمان در افغانستان (به قولی اعراب مهاجر در قرن هشتم هجری به همراه لشکریان قتبه !!!!)ظرفیتهای بالقوه عظیمی در مقابله با این پروسه وجود داشته که می بینیم برنامه ریزیها جاده سازانه با پیوستن اعراب جدید الورود ومتمول با عصبیت پنهان از بعضی کشورهای مسلمان چگونه اسلام خواهی آنان چونان مسلمان دیگر نقاطق هزینه های بی حاصل عظیم بر دست مسلمانان گذارده و می گذارد وبه مشروعیت یهود سازی کمک کرده است.در ان بحثها نتیجه گرفتیم که جریان جاری در جمع بنیان اندیشان ما نیز با بحث های پیش امده در اسکیل کوچک ترما در مقابل همان سوراخی قرار داده است که بارها ودر طول چندصد ساله اخیر از ان گزیده شده ایم گویی که هیچگاه نتوانسته ایم نقطه ضعف های خود را بشناسیم یا اگر شناخته ایم توان ترمیم نداشته ونداریم.

فکر می کنم در موارد دیگر اشاره شده توسط شما استاد به اندازه کافی صحبت کرده وشاید بازگو کردن مجدد آن تکرار .مکررات باشد.

+++

چهارشنبه 24 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:19 PM

این بنده خدا به شدت مشکوک را فرستادنش پی نخود سیاه .نمی دون از محل شک دورش کردند و اومده به دنبال مرغ وتخمش اون هم تو دود منقل .بدو برو تا دیر نشده صبیه وضعیفه وانیسه را در یاب.

ارشد

چهارشنبه 24 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:25 PM

با سلام خدمت استاد بزرگوار.

ایه ۷ سوره ال عمران

هُوَ الَّذِیَ أَنزَلَ عَلَیْکَ الْکِتَابَ مِنْهُ آیَاتٌ مُّحْکَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِینَ فی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاء الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاء تَأْوِیلِهِ وَمَا یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلاَّ اللّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِّنْ عِندِ رَبِّنَا وَمَا یَذَّکَّرُ إِلاَّ أُوْلُواْ الألْبَابِ ﴿7﴾

اوست کسی که این کتاب را بر تو فرو فرستاد پاره‌ای از آن آیات محکم است آنها اساس کتابند و دیگر متشابهاتند اما کسانی که در دلهایشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تاویل آن از متشابه آن پیروی می‌کنند با آنکه تاویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند. می‌گویند ما بدان ایمان آوردیم همه از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود (7)

استاد ببخشید اگر متوجه منظورتان نشدم.طبق ایه ۷ سوره ال عمران خداوند دوگروه را متذکر می شود یکی افراد گمراه که پی آیات متشابه می روند که علم تاویل آن را ندارند و دیگر گروهی را متذکر می شود که ریشه داران در دانش است که تاویل این آیات را میدانند.

اگر ریشه داران در علم را علما فرض کنیم ، قران بروشنی دارد این وظیفه تاویل قران را بردوش علما میگزارد.و بازم بروشنی هشدار می دهد که کسانی که علم کافی در این زمینه ندارند ،اگر به تاویل قران بپردازند در پی گمراهی خواهند رفت.

استاد سوال من اینست که اینجانب چگونه در شمار مردم این گروه قرار می گیرم.؟درصورتیکه در کامنت قبلی ادعا نکرده ام که می توانم

قران را تاویل کنم.بلکه گفته ام که قران باید توسط علما و متخصصین خودش مورد تاویل یا تفسیر قرار گیرد. چیزی که خداوند فرموده است.

لطفا" مرا راهنمایی فرمایید تا متوجه اشتباه خود شده و تصحیح نمایم.

با تشکر بیکران

پاسخ:

آقای ارشد، آیه را دوباره و دوباره و چند باره بخوانید شاید معلوم تان شد که خداوند فرموده "ما یعلم تاویله الا الله"

حاجی زاده

چهارشنبه 24 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:59 PM



تربیت سیاسی؛ کتاب جدید درسی دانش آموزان ایرانی

http://islamwn.myfw.us/fa/display-news.php?nid=2029

این عکس چیست؟

http://axerooz.wordpress.com/2010/09/13/%d8%a7%db%8c%d9%86-%d8%b9%da%a9%d8%b3-/%da%86%db%8c%d8%b3%d8%aa%d8%9f

03

چهارشنبه 24 شهریور ماه سال 1389 ساعت 4:15 PM



بچه ها این آقای به شدت مشکوک ازگله جا مونده یکی بزرگی کنه و ایشون رو به دوستان آنتیش برسونه

محمد اوجال اولوتورک

چهارشنبه 24 شهریور ماه سال 1389 ساعت 5:14 PM



جناب ارشد

از اظهاراتتان مشخص است که یا اسلام و شمشیر را به طور کامل نخوانده اید، و یا اساسا آن را درک نکرده اید.

فرموده اید: «تمام مسلمین در مورد قرآن یک صدا می باشند. ولی موضوع هنگامی مشکل ساز می شود که هرشخص یا جامعه ای از ایات برداشت متفاوتی دارند.»

آیا آنچه امروز باعث بوجود آمدن تفرقه و حتی دشمنی بین مسلمین شده است، برداشت های متفاوت از کلام الله کریم است، یا مسائلی «صرفا تاریخی»، همچون جریان به اصطلاح سقیفه، مسئله «امامت» (بخوانید «انتقال نبوت»!)، و یا خلافت و ... که هیچگونه رد و اثری از آنها در آیات مبین قرآن کریم نمی بینیم؟!! آیا، به عنوان مثال، اختلاف اساسی و اصلی بین تشیع و تسنن (که اگر کتب و نوشته های استاد پورپیرار را به طور کامل و البته بدون بر چشم داشتن عینک تعصب، خوانده بودید، برایتان مسلم و محرز شده بود که این به اصطلاح مذاهب، تماما ساخته و پرداخته «یهود»، در طی 200، 300 سال گذشته هستند)، در مثلا نحوه خواندن نماز، یا مسائلی همچون زکات و خمس و حج و ... است، یا در مسئله تداوم یا عدم تداوم نبوت (= امامت)، و در صورت تداوم، انتقال آن به چه کس یا کسان؟!! مسئله ای که هیچگونه منبع ومبنای قرآنی نداشته و نمی تواند داشته باشد.

فرموده اید: «تمام مسلمین در مورد قران یک صدا می باشند.»

بله، دقیقا همینطور است که می فرمایید. اما این یک صدایی و توافق، نه بر سر اساس و مبنا قرار دادن مطلق و محض «کلام معبود» در شناخت و آگاهی از «همه چیز دین همان معبود»، بل، در بی اعتنایی به دستورات آن و در طاقچه یا قفسة کتابی رها کردنش، و در جای آن، اصل و اساس قرار دادن و مراجعه صرف به «کلام غیر معبود»، از قبیل حدیث و روایت و کتب سیره و مغازی و ... است! آری، همگی توافق داریم، یا درست تر بگوییم، ما را به چنین توافق و تطابقی رسانده اند که اکنون همگی مان کلام الهی را محتاج به تفسیر، و به قول استاد، ویراستاری این و یا آن «عبد» خدا گمان می کنیم؛ دینمان و دستورات آن را، به جای قرآن، از کتب یکسره مجعول احادیث و روایات و سیر و ...، و یهود ساخته های دیگری از قبیل تاریخ نامه طبری و حدیث قدسی شیاد عاملی استخراج می کنیم؛ قرآن را «صرفا برای تبرک و تظاهر، در مراسم خانوادگی و رسمی و اداری، به سفره و تاقچه و میز کار و قفسه ی کتابی» می سپاریم و یا بر سر مریض رو به موتی

زمزمه می کنیم!

جناب ارشد

مسئله این است که اینک مسلمانان و در رأس آنها باصطلاح علمای مسلمان، حتی به هنگام مراجعه مستقیم به کتاب خدا نیز، پیشاپیش ذهنشان مملو و مشحون از احادیث و روایات و قصه های سراسر ساختگی و چرندیات و لاطائلاتی از قبیل مندرجات تاریخنامه طبری، می باشد! و بدیهی است چنین اذهانی، نه به دنبال کشف مستقیم حقایق مربوط به دین اسلام از بطن قرآن، بل در پی یافتن آیه یا آیاتی برای تفسیر آن به سود و در راستای همان دروغها و ترهات موجود در اذهانشان خواهند بود.

موفق باشید

پاسخ:

آقای محمد اوجال اولوتورک. قریب ده روز پیش، در آستانه افطار شیخکی ناشناس با شیرین زبانی، شنوندگان را دعوت به خواندن قرآن می کرد و بلافاصله افزودند: نه این قرآنی که در خانه من و توست: اسلام هیجده گونه قرآن دارد. بدین ترتیب از خواجه حافظ قلابی پیشی گرفت که تنها ۱۴ روایت از قرآن می شناخت.

چهارشنبه 24 شهریور ماه سال 1389 ساعت 9:04 PM

سلام

استاد ان شالله تاخیر پیش آمده در نصب ادامه یادداشت ها خیر است ؟

پاسخ:

مغروقین در فضولات فراوانی که تولید می کنند، با خراب کاری های فنی فرصت بیان را هدر می دهند و حق دارند زیرا تنبان و زیر انداز تاریخی شان را هم در معرض حراج می بینند!

عابدی

چهارشنبه 24 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:04 PM

سلام استاد خسته نباشید.

قبلا نیز خواهش کرده بودم من را با القاب گوناگون که اصلا به من نمی چسبد، شرمنده نکنید. این گونه ابرازات شما، باعث شده است دوستان، نام من را با نام استاد غفوری هم ردیف نمایند!؟ حال آن که همه می دانیم نتوانسته ایم حتی یک سر سوزن از زحمات این استاد بر آییم.

امید وارم ترتیب اثر بنمایید.

دوست و شاگرد حقیر شما،

عابدی.

پاسخ:

آقای عابدی. سهم شما در باز نگهداشتن تریبون بنیان اندیشی انکار ناشدنی و به یاد ماندنی است.

محمد اوجال اولوتورک

چهارشنبه 24 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:39 PM

بدنبال پیروزی «آق پارتی» (AKP) در رفراندوم روز یکشنبه تورکیه و شکست تفکر غرب گرا، عوامل «یهود» دست بکار شدند:

روزنامه انگلیسی «دیلی تلگراف» در مقاله ای مدعی شد: حزب حاکم تورکیه (حزب عدالت و توسعه) از دولت ایران 25 میلیون دولار هدیه دریافت کرده است!

http://www.trt.net.tr/Haber/HaberDetay.aspx?HaberKodu=475ffb33-545e-4cdc-aeaa-5b134e8437b6

مهدی - مهدی
چهارشنبه 24 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:42 PM

سخنان‌احمدی‌نژاد درمراسم‌رونمایی از منشورکوروش

رئیس جمهور این منشور را حقیقت یگانه پرستی عنوان کرد و ادامه داد: حرکت کوروش برای فتح بابل در حقیقت برای دفاع از قوم یگانه پرست آن روز یعنی پیروان حضرت موسی (ع) بود؛ همانان که امروز آنها را یهودی می‌نامند و کوروش برای نجات یگانه پرستانی که در چنگال ظالمان بودند حرکت کرد و بعد از فتح بابل، فرمان آزادی اندیشه و عقیده را صادر کرد؛ همان چیزی که همه پیامبران و یگانه پرستان آن را فریاد می‌زدند

http://www.asriran.com/fa/news/135829/%D8%A7%D8%AD%D9%85%D8%AF%DB%8C-%D9%86%DA%98%D8%A7%D8%AF-%D9%85%D9%86%D8%B4%D9%88%D8%B1-%DA%A9%D9%88%D8%B1%D9%88%D8%B4%D8%AD%D9%82%DB%8C%D9%82%D8%AA-%DB%8C%DA%AF%D8%A7%D9%86%D9%87-%D9%BE%D8%B1%D8%B3%D8%AA%DB%8C-%D8%A7%D8%B3%D8%AA

پاسخ:

آقای مهدی - مهدی. این روضه خوانی نیمه کاره را باید چنین ادامه می داد: سپس اخلاف این آزادی بخش به همراه یهودیان آزاد شده، سی قوم و ملت بزرگ و متمدن شرق میانه را، که در اسارت یهود نیز مسئولیتی نداشتند، در توطئه برنامه ریزی شده ای به نام پوریم، قتل عام کردند.

حاجی زاده
چهارشنبه 24 شهریور ماه سال 1389 ساعت 11:55 PM

برای احیا اسلام ناب قرآنی، ضروری و واجب است که در دنیای مسلمین، بین دین اسلام و تاریخ اسلام تفکیک کامل و قاطع ایجاد شود.

متاسفانه اغلب مسلمین، مومن به تاریخ اسلام هستند و متناسب با باور و ایمانشان به یک دسته از روایات تاریخی، در یکی از دو فرقه شیعه و سنی دسته بندی میشوند! اغلب اینان تصور و شناختشان از اسلام، منحصر به همین روایات است، بدون رجوع و یا آشنائی با فرامین الهی در کتاب قرآن.

آیه ۷ سوره آل عمران نیز به انحای مختلف دستاویزی برای فتنه افکنان یکی از فرق می باشد.

آقای ارشد معنای صحیح آیه به قرار زیر است:

اوست کسی که این کتاب را بر تو فرو فرستاد پاره‌ای از آن آیات محکم است آنها اساس کتابند و دیگر متشابهاتند اما کسانی که در دلهایشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تاویل آن از متشابه آن پیروی می‌کنند، با آنکه تاویلش را جز خدا نمی‌داند و راسخون در علم می‌گویند: ما بدان ایمان آوردیم همه آیات (منظور هم محکم و هم متشابه) از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود.

منصور
پنجشنبه 25 شهریور ماه سال 1389 ساعت 05:43 AM

استاد بزرگوار و دوستان گرامی سلام.

زمانی بحثی بین دوستان عرب زبان و غیرعرب زبان در گرفت که علی رغم تقاضای اینجانب تا حد زیادی کش پیدا کرد. حال که بحمدالله این بحث خاتمه یافته اجازه می خواهم با بحثی از جنسی دیگر مصدع اوقات تان شوم. پیشاپیش از بردباری تان متشکرم.

دوستان به عبارات و جملات زیر توجه فرمایید:

« ما هم مانند اجدادمان هیچ لشکرکشی نکردیم »

« اعراب خوزستان »

« حالا فرهنگ کامل وشمایل کامل یک عرب را مانند تمام اعراب زمین دارم»

« یکی از روش‌های تبلیغاتی برای ضربه زدن به فرهنگ و هویت متفاوت اعراب ایران، جا انداختن این موضوع است که فقط زبان گویش آنان عربی است ولی آیتم‌های هویتی‌شان ایرانی است. »

« هویت و فرهنگ من اساس عربی (یا به قولی عرب‌تبار) دارد »

« من با افتخار و سربلندی هویت، فرهنگ و اصالت خود را با اعراب یکی می‌دانم»

« هیچ ملتی چه در شرق عالم و چه در غرب عالم به اندازه اعراب سزاوار تقدیر و تکریم بابت برتری هویت و فرهنگ آن نیست»

« ما از تبار عربیم واین همه لطف و کرم خدا در حق ماست »

« تفکیکی بین عرب بودن و مسلمان بودن قائل نیستم »

« عرب به اصالت و جعلی نبودن هویت و فرهنگ خود و همچنین یکی شدن و قوام آن با تعالیم اسلام، افتخار می‌کند و تکیه اصلی من به گفته‌های استاد در این زمینه بوده است.»

« ما هم هویت و تمدن‌مان عربی‌ست و هم به زبان عربی تکلم می‌کنیم.»

«اعراب خوزستان (که اکنون محل بحث است) به هویت اسلامی و عربی تعلق دارند »

«ما وقتی بر هویت عربی-اسلامی تاکید می‌کنیم در واقع همان هویت اصیل مردم ممتاز منطقه ماست »

«ما به دلیل همین هویت اسلامی و زبان کامل و بی‌نظیر عربی، ادعای برتری داریم»

« جناب سعید اگر خود را فارس فرض میکنید، بدانید که هیچی ندارید که بدان تفاخر کنید»

« تأکید من بر ترکیب کلمات عربی-اسلامی برای این است که من تفکیکی بین هویت اسلامی و هویت عربی قائل نیستم و اساسا این دو از هم تفکیک ناپذیرند و این مسأله‌ای است که استاد عزیز بسیار دقیق روشن کرده‌اند.»

« من به ناتوانیم در اثبات علمی تاریخی عرب بودنم اعتراف میکنم ، ولی ثابت نکردن من دلیل بر عرب نبودن من نمیشود که احتمال است من از همان نژاد قدیم عرب باشم »

......

عبارات فوق دو نکته را از قول دوستان عرب زبان به صراحت بیان می‌دارند:

(1) آنها عرب تبارند.

(2) هویت عربی همان هویت اسلامی است و باعث برتری آنها نسبت به دیگران است.

دوستان شفیق عرب زبان،

اول اینکه خیلی‌ها عرب تبارند مدرک هم دارند اما به ظاهر چنین چیزی قابل تشخیص نیست. همان استناد شما از کتاب های استاد هم گواه این حرف است. بسیاری از اهالی شبهه جزیره هم عرب تبار نیستند ولی گویی که هستند. حتی اگرآنها هم فراریان پوریم باشند پس خاستگاه اعراب دیگر حجاز نیست، منطقه پوریم است که طبعا بسیاری از آنها به نقاطی غیر از حجاز فرار کرده‌اند بطوری که دیگر عرب تبارشناخته نمی شوند. چنانچه عکس این قضیه هم صادق است یعنی مناطق غیر عرب مقهور اسلام اکنون عرب زبان شده‌اند گویی که عرب تبارند. حتی اگر ثابت شود که اسکلتی متعلق به 1400 سال پیش است و دی ان ای مطابق با دی ان ای ما و شما دارد آنگاه چطور ثابت می شود که آن اسکلت متعلق به یک عرب بوده؟پس اثبات عرب تباری نه ممکن است نه کمکی به بنیان اندیشی میکند.

دوم اینکه مفاهیمی مانند «هویت ایرانی» یا «هویت عربی» بی معنا و غیر قابل تعریف است؛ چون در آن صورت باید بگوییم:«هویت ایرانی یعنی معجونی از ترک و کرد و لر و بلوچ و ترکمن و عرب و گیلک و افغانی با آداب و رسوم کاملا متفاوت همراه ادویه رضاشاهی‌ای به نام فارس که معلوم نیست از خورجین کدام خاخام درآمده.» یا اینکه مخصوصا هویت یا اساس عربی هم نمی توانید تعریف کنید.چون چنین چیزی وجود خارجی ندارد.حتی یک آیتم هویتی را نام ببرید که بتوانید آن را مخصوص عرب اثبات کنید. ملاک هویت عربی چیست؟ عرب زبان بودن، ساکن عربستان بودن،دشداشه پوشیدن، اهل مکه و مدینه بودن، مسلمان بودن یا اولاد پیغمبر بودن؟

فرهنگ عربی یک مفهوم انتزاعی‌ست که دو تعریف حقیقی و تاریخی دارد. حقیقت را ما نمی‌دانیم چون هیچ شناختی از عرب زمان پیامبر و شرایط حاکم بر او نداریم بطوری که اگر قرآن را نداشتیم چه بسا چنین لغتی اصلا وجود نمی‌داشت؛ و اما اساس تعریف تاریخی فرهنگ عربی هم داستانهای سراسر دروغ تاریخ یهودساخته فعلی است که با تمام زشتی‌های آن متأسفانه مورد احترام و تفاخر بسیاری می‌باشد

و به نوبه خود اسباب توهین و تمسخر عرب‌زبانها و مسلمانان شده است و در همان خوزستان هم متاسفانه رواج داردکه نمونه بارز آن رقص شمشیر اعراب یا گردن زنی با شمشیر است که شاید بارها کلیپ‌های آن را دیده باشید و دیدید که ملک عبدالله به جرج بوش یک شمشیر بعنوان هدیه داد.

پس لااقل در زمان حاضرچیزی به نام هویت عربی نداریم و باید گفت:«عربی یک هویت نیست فقط یک زبان است، زبان قرآن. به قول استاد گرامی ،«ما فقط یک هویت داریم و آن اینکه مسلمانیم یا نیستیم.» به کار بردن عبارت «فرهنگ عربی» یک ظلم بزرگ در حق عرب زبانان و اسلام است که بیان می‌دارد که فرهنگ عرب فعلی حاصل تجمیع فرهنگ عرب جاهلی با فرهنگ اسلامی است؛ در حالیکه که با ظهور اسلام این فرهنگ عربی نبود که «««صبغه اسلامی»»» بود که در جهان گسترش یافت صبغه‌ای که منادیان آن عرب بودند چون رویکرد اسلام یک رویکرد فرانژادی بود و امکان نداشت که عرب مسلمان به یک غیر مسلمان بگوید:اسلام بیاور چون دین ضد تبعیض است در ضمن یادت باشد که ما عربها برتریم!!. آیا استعمال «هویت عربی» به عنوان مکمل«هویت اسلامی» نوعی توهین و کوچک شماری هویت اسلامی نیست؟

پس بیایید تعریفی منسجم‌تر ارائه دهیم:

«فرهنگ اسلامی برابر است با دین اسلام بعلاوه زبان عربی. »

با این تعریف می گوییم شما فرهنگ اسلامی دارید ولی مردم دیگر فقط دین اسلام دارند زیرا تکلم عربی و نگارش عربی رشته پیوند مفاهیم اسلام با پیروان آن است. اتفاقا جفای بسیار بزرگتری بر سایر مردم این منطقه رفته است که آنها را از زبان عربی بیگانه نمودند.کسی که از روزنه تنگ زبان فارسی به دنیا می نگرد واقعا خود را در زندانی محبوس می بیند از هر لحاظ؛و مجبور است دنیا را همانگونه ببیند که حکام فعلی می خواهند. فرهنگ اسلامی خانه ماست، ما از خانه خود بیگانه هستیم. به امید روزی که تک چشمه های زبان عربی و مخصوصا خوزستان منشاء تزریق و رواج این نعمت عظیم الهی در کل ایران باشند.

متأسفانه سیاستهای کینه توزانه رژیم سابق در اجباری کردن زبان فارسی و تقلید کورکورانه رژیم فعلی در این زمینه باعث تحلیل زبان عربی در مناطق جنوب در ساختار زبان فارسی شده باید زبان عربی را در سرچشمه ها به حد اعلا خالص کرد و غنای آن را چنان بالا برد که مهد فراگیری این زبان در تمام سطوح باشد. باید درست خلاف روال گذشته عمل شود و همانگونه که تا کنون زبان فارسی برای این مناطق اجباری بوده از این پس زبان عربی اجباری شود و فارسی ممنوع گردد. در رژیم سابق گذراندن 37 واحد انگلیسی در دانشگاه شیراز (پهلوی سابق) اجباری بود و پس از آن سایر دروس به انگلیسی تدریس می شد. اکنون باید چنین شیوه‌ای برای زبان عربی در تمام دانشگاهها اعمال شود. این وظیفه نمایندگان آن مناطق است که این مسائل را در مجلس مطرح کنند. چرا باید مجبور باشیم برای فراگیری عربی متحمل سفر و هزینه های بسیار شویم؟

انسان همانگونه که از داشتن همراهان بنیان اندیش و جستجوگری چون شما مشعوف می شود، از پرداختن تان به موضوعاتی خارج از گود و مشغول شدن به درگیری های لفظی و متهم کردن دیگر دوستان متأثر می گردد.شما پتانسیل های بنیان اندیشی هستید و باعث مباهات. حیف است این سرمایه در جهت پر کردن ستون نظرات وبلاگ با بحث های بی نتیجه و حمله به دوستان خلاصه شود. عزیزان! کارهای بر زمین مانده بسیار است، هنوز مستندهای پرفروغ تختگاه و جعلیات و طوفان دوبله عربی نشده است. من متن تختگاه هیچکس را پیاده کرده ام و به چند نفر برای ترجمه داده ام ولی هنوز متأسفانه نتیجه ای حاصل نشده است و خودم با همین عربی مدرسه‌ای و دبیرستانی در حال ترجمه هستم که نتیجه حاصل هم زیر صفر خواهد بود ولی چه کنیم از دست یاران عرب زبان.

حق طلب

پنجشنبه 25 شهریور ماه سال 1389 ساعت 2:20 PM



دکتر محمد الاسعد (سمینار شرق شناسان در علم باستان شناسی) منبع : الجریده.

الاسعد معلوماتی مستند به تحقیقات باستان شناسان بیگانه ارائه کرد که جعل بعضی از اطلاعات تاریخی در ذهن مردم عرب را ثابت میکند و همچنین ارتباط مابین استعمار و علم شرق شناسی را روشن میکند.

الاسعد اهمیت تحقیق در مورد محصولات مستشرقین را که اکتشافات باستان شناسی را در کشورهای عربی تاریخ نگاری کرده اند را خاطر نشان کرد و به این نکته اشاره کرد که این معلومات را نمی توان وحی منزل تلقی کرد .

همچنین اسعد در این سمینار که به نقش مستشرقین در علم باستان شناسی می پردازد , به ارتباط دستگاه های جاسوسی و باستان شناسی اشاره کرد و این موضوع را مطرح کرد که اکثر جاسوسان غربی در پوشش باستان شناس فعالیت می کردند.

قاسم منصور آل کثیر

یکشنبه 11 مهر ماه سال 1389 ساعت 5:14 PM



اشاره ی صریح و بی پرده ی سایت تحلیلی عصر ایران از واقعه پوریم و کرم رایانه ایه استاکس نت

جالب و قابل تامل برای تمام دوستان

http://www.asriran.com/fa/news/138598/%D8%B1%D8%A7%D8%B2-%D9%88%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%DA%A9%D8%B3-%D9%86%D8%AA-%D8%AF%D8%B1-%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D9%85%D9%82%D8%AF%D8%B3-%DB%8C%D9%87%D9%88%D8%AF%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D8%B3%D8%B1%D8%A7%D8%A6%DB%8C%D9%84-%D9%BE%D8%B4%D8%AA-%D8%B5%D8%AD%D9%86%D9%87-%D8%AD%D9%85%D9%84%D9%87-%D8%A7%DB%8C%D9%86%D8%AA%D8%B1%D9%86%D8%AA%DB%8C-%D8%A8%D9%87-%D9%86%DB%8C%D8%B1%D9%88%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D8%A8%D9%88%D8%B4%D9%87%D8%B1-%D8%A7%D8%B3%D8%AA

5 4 3 2 1 >>

برای نمایش آواتار خود در این وبلاگ در سایت Gravatar.com ثبت نام کنید. (راهنما)

نام :

ایمیل :

وب/وبلاگ : http://

ایمیل شما بعد از ثبت نمایش داده نخواهد شد

ارسال نظر

narya | 17

ایران شناسی 282

ایران شناسی 283

ایران شناسی 284

ایران شناسی 285

ایران شناسی 286

ایران شناسی 287

ایران شناسی 288

ایران شناسی 289

ایران شناسی 290

ایران شناسی 291